هذا

كتاب نفايس الاخبار

اين نسخهٔ مفيد اخبار چاپ نشده

بثمن رايج

اشتريت هذا السفر الجليل الحاوي

للاخبار ما لا يحويه غيره من الكتب

المصنفة بالفارسية وانا الاثم [illegible]

[illegible] جعفر [illegible] العلوم

٣ ٧ ٢

١٣ [illegible]

هر کار را امیرانه و هر مرد را اندازه ملیبانه ادارد

بسم الله تعالی موافق حدیث شریف المرء مع من احب دوستی محمد و آل محمد ... [illegible] رجوع باخبار ... که اصل فروع شجره طیبه ...

بس دوستی ... اسباب و توابع و لواحق بسیار است که حرکات تمامی ... حرکات محبوب ... عیب ... غضب محبوب ...

... که صحبت ... مواصلت حبیب باشد که ... رغبت ... نهایت ... واضح است که راه ... مواصلت ... مطلب

و النسبی ... محقق است که محبوب معنوی ... کار عالم ... آسمان نماز ... لا اله الا الله ... مخصوص

آموخته است برای رسیدن ... وصل ... و نیاز ... بخشیدن ... [illegible]

راه الطاف خفیه ... وصل ... رحمت ... نماز ... محبت ... مطلوب ... خالق ...

مضمون و بل ... شفعاء ... نماز ... اسم نماز ... اول ... [illegible]

... حرف غلط ... مخالفت ... تمامی نماز با هزار عیب ... احکام و مسائل علاوه بر قرائت ...

... عدم مخالفت ... مخالفت ... ملبس ... [illegible]

... درست باشد ... طریقه ... شیطانست ... [illegible]

صحیح باشد ... اسلام نماز ... [illegible]

دلیل خلاص ... نماز علامت محبت و خلوص و ... نیاز محبوبست با علامت دشمنی بلکه منافقی ...

... علم قرائت ... کتب ... عامه منفق ... [illegible]

... عوام و طلاب ... علم قرائت ...

... [illegible]

... سوال جواب ... نماز ... مسائل ... [illegible]

احکام ... صحت ... علم قرائت ... [illegible]

... علما ... افضل من الانبیاء ... فضیلت ... [illegible]

... احکام ... [illegible]

... علما ... افضل ... [illegible]

... احکام ... علمای ربانی ... خاتم النبیین ... [illegible]

... احکام دین ... تقلید ... [illegible]

خاتم الانبیاء ... عالم ... نماز ... ملبس ... [illegible]

... نماز ... عوام کالانعام ... [illegible]

عوام ... [illegible]

... اعتبار ... نماز ... قرائت ... [illegible]

... نماز ... اسلام ... [illegible]

... منافقی ... نماز ... علم ... [illegible]

... [illegible]

... قاریان ... علم ... اعتبار ... [illegible]

... ملبس ... [illegible]

در ذکر شیاطین اربعه [illegible]

پس مدعیان علم و عمل اگر باسم و صورت ثواب [illegible] و فتنه [illegible] و لاابالی و بی‌باکی در امور دین شده معارض علمای ربانی شوند

دیگر با اوصاف و خواص عدالت کمی مانند مگر توبه و توجه به حق و الا [illegible] مفاسد میباشد و عالم صورت [illegible] است که

عوام علم نمیگذارد بعیب جهت حق در نادانی حق توجه باشد چنانکه در اول تعلم نماز و قرائت [illegible] اکثر عوام [illegible] بعد از [illegible] تحصیل

زمان نماز و قرائت [illegible] است که در وقت [illegible] نماز و مداخل امور [illegible] با حمد و سوره اختراعی بدعت [illegible] نرسیدند

و اکثر از این درد بی‌امان و عادة و ملکه چنان راسخ و برقرار است که [illegible] شدن بغرور علم حق تعلیم و تعلم نماز [illegible] مانع است نگذارد

بجهل نماز حق [illegible] شیطان اول ابلیس دوم نفس اماره سیم عادة چهارم مصاحبت [illegible] عادة [illegible]

[illegible] غرور علم ناقص که ملکه [illegible] در علم صرف [illegible] و علال [illegible] معنی [illegible]

که [illegible] سیوطی و جامی [illegible] ترکیب ضرب زید عمرا [illegible] حق [illegible] از رفقا از تحصیل [illegible]

کلمه [illegible] چنین بگوید بهتر است مخرج صفات و ادای کلمه [illegible] است [illegible] در علم قرائت مجتهد و صاحب [illegible]

من ترکیب و معنی [illegible] سبب نزول کلمات و [illegible] کلام [illegible] نماز [illegible]

اشخاص باید بدانی که عادت و ملکه چه کاره دارد [illegible] که از علما ملکه [illegible] در عدالت شرط [illegible] اقتدا [illegible] علاوه ملکه فساد [illegible]

[illegible] بمذهب و سلک [illegible] و اختراع بدعتها و ترویج بعضی فرنگی [illegible] بت‌پرستی [illegible]

تعارض است [illegible] هر فرد از افراد اسلام نماز حق [illegible] حق بطور [illegible] نماز [illegible] علم قرائت [illegible]

در وجوبات یا در مستحبات یا در اذکار [illegible] اختراعی [illegible] اگرچه در لفظ اشهد ان امیر المؤمنین علیاً ولی الله ۲

در اذان [illegible] اذان و اقامه [illegible] اهل بدعت [illegible] اللهی [illegible] توبه [illegible] قبول توبه [illegible]

[illegible]

چنانکه ابلیس [illegible] تعارض [illegible] منصب [illegible] خاتم الانبیا [illegible] امام [illegible]

تعارض نمود [illegible] شریح قاضی در بغداد [illegible] معتمد [illegible] اولیا در ایام سلطنه ظاهریه حق [illegible] شریح قاضی [illegible]

رسید [illegible] فساد [illegible] اعتماد و تقدس در وقت [illegible] ابلیس ثانی شده [illegible] امام [illegible]

هرگز نماز بدعت سزاوار است [illegible] بنماز بدعت اختراعی [illegible] خراب [illegible]

باسم ترویج [illegible] ومن الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله [illegible] عذاب الیم

در آیات بسیار در حق [illegible] طریق دین [illegible] معاش حق [illegible] معروف [illegible] نماز [illegible] سلطان

[illegible] نمیگذارد علمای ما نماز [illegible] ترویج

دین [illegible] خاتم [illegible] امیر المؤمنین [illegible] لعن و طعن [illegible] در ضمن [illegible] الائمه دار العلم خراسان [illegible]

در هر ساعت و دقیقه هزاران [illegible] امام رضا [illegible] خصوص امام عصر [illegible] در هر [illegible]

هر که [illegible] معرفت [illegible] نماز علم ایمان [illegible] دین [illegible] عراقی [illegible] جلال خاتم الانبیا

[illegible] معراج خراسان [illegible] نیاز [illegible]

[illegible] الطاف خفیه [illegible] نماز پنجگانه التفات [illegible] عقل حق [illegible] مخزن جواهر

خدا اکبر [illegible] جواهر گرانمایه [illegible] قدرت و جلال این نماز [illegible] محقق است [illegible] خداوند [illegible] که این جواهر متعلق

[illegible] است پس سزاوار است [illegible] التفات [illegible] جواهر [illegible] فلست [illegible]

[illegible] سوره [illegible] جواهر گرانمایه [illegible] خاتم الانبیا [illegible]

در تحصیل مراتب ایمان و محبت

مشهور است که الکم ... الکلام [illegible] با وجود علم و فضایل [illegible] بسیار [illegible] استغفرالله [illegible] لا نفقه ما تقول [illegible] و انا لنراک [illegible]

بر ... [illegible] ترویج نام [illegible] و در بار معاصی [illegible] مخالفت [illegible] و دیگران [illegible] امام [illegible]

و ذلک هو الخسران المبین [illegible] علما قرائت با [illegible] علم [illegible]

آموختن و ... اگر علم قرائت باشند علم قرائت بدون تعلم که [illegible] غیر معصوم [illegible] علم لدنی است مگر اینکه این علم را از

است که در ایام طفولیت که تحصیل باشد محکم تر و ملکه ملیباشند از اول تکلیف حفظ نمایند علما [illegible] گر در طفولیت تحصیل

بعد از فراغ از تحصیل که عادت نماز [illegible] در علم انواع معارف علوم [illegible] علوم [illegible]

بعد از مداخله [illegible] امور سلاطین [illegible] در علم قرائت [illegible] الناس الا العلماء

میداند و گوید [illegible] ذلت جهل نماز [illegible] مردم [illegible] تعلیم [illegible] مخالفت جهل [illegible] النفوس

[illegible] بعد از تحصیل شغل تعلم و تحصیل علم قرائت باشند حال آنکه [illegible] قرائت [illegible]

عوام الناس [illegible] که کافر یا فاسق [illegible] نماز [illegible] قدم است که [illegible] مجتهد

[illegible] اخبار [illegible] از حضرت صادق آل محمد [illegible]

برادر دارم که در محبت شما اهل البیت ثابت است [illegible] اما این [illegible]

و شیعه ما [illegible] طالق النعل بالنعل [illegible] شیعه [illegible] دوستان ما

[illegible] و در دنیا [illegible] کفار [illegible] مخالفت [illegible] عالم برزخ [illegible]

و اگر [illegible] صراط کفاره [illegible] مخالفت [illegible] جهنم

که کفاره باشد [illegible] دوستان ما [illegible] معاصی [illegible] و دنیا و عقبات قیامت علاج کفاره

[illegible] مخالفت [illegible] شفاعت [illegible] ملائکه [illegible] جهنم

و اندازه پاک [illegible] معاصی [illegible] شفاعت [illegible]

شفاعت ما [illegible] حضرت امام محمد باقر [illegible] شیعه [illegible] الله متعلق باشد شفاعت

ایشان [illegible] و منزلت [illegible] اطاعت و عبودیت [illegible] شیعه [illegible] طابق النعل بالنعل

و محبت [illegible] محبت باشند [illegible] محبت [illegible] محبت طلوع [illegible]

[illegible] محض بلکه مخالف [illegible] محبت [illegible] اسم محبت [illegible] اصلی [illegible]

[illegible] مصداق [illegible] محبت [illegible] عالم [illegible] علم [illegible]

[illegible] نماز [illegible] کان [illegible] علم قرائت [illegible]

[illegible] از علم قرائت لازم [illegible] اصلاح نماز [illegible] نماز و قرائت

صیغ و عقود و ایقاعات [illegible] مجتهد [illegible] علم زمان [illegible]

جناب [illegible] اجتهاد [illegible] علم قرائت [illegible] کفار

[illegible] نماز باطل [illegible] علما [illegible] مردم [illegible] مخالفت [illegible]

[illegible] مخالفت [illegible] اخبار [illegible]

[illegible] امر معروف و نهی از منکر [illegible] مسلمان [illegible]

[illegible] امر معروف و نهی از منکر [illegible] مسلمان [illegible]

[illegible] نماز [illegible] بر عکس نماز [illegible]

علما نماز [illegible] باطل [illegible] هزار [illegible]

[illegible] هزار [illegible] هزار [illegible] کتاب [illegible]

در بیان خواص محبت و ایمان

شیخ طوسی از حضرت امام محمد باقر روایت کرده است که فرمود ای جابر یا ابا الفضل میل نکند بعضی اشخاص که دعوی تشیع کنند که قائل شده‌اند بمحبت ما اهل بیت والله که
شیعه ما نیست مگر کسیکه بترسد از معصیت الهی و اطاعت او کند و ایشان شناخته نمی‌شوند مگر بتواضع و فروتنی و خشوع و بسیاری یاد خدا و کثرت روزه و نماز و نیکی
با پدر و مادر و تعهد نمودن احوال همسایگان از فقرا و مساکین و قرضداران و یتیمان و راستگوئی و تلاوت قرآن و بازداشتن زبان از سخن مردم
مگر بنیکی و امینان خویشان در قبیله خود بودن در همه چیز پس جابر عرض کرد یا بن رسول الله من احدی از شیعیان را باین صفات نمی‌بینم حضرت فرمود
ای جابر براههای باطل مرو بس است مرد را که بگوید دوست میدارم علی را و او را امام میدانم و اگر بگوید من دوست میدارم حضرت رسول را و حال آنکه حضرت رسول بهتر است از علی
و متابعت حضرت رسول بجا نیاورد و متابعت سنت او نکند آن محبت باو هیچ فایده ندارد پس از خدا بترسید و عمل کنید از برای آنچه نزد خداست بدرستیکه نیست
میان خدا و میان احدی از خلق خویشی و قرابت و دوست‌ترین و محبوب‌ترین بندگان بسوی خدا و گرامی‌ترین ایشان کسی است که پرهیزکارتر
باشد برای خدا و عمل کننده‌تر باشد بطاعت خدا ای جابر بخدا سوگند که تقرب نمی‌توان جست بسوی الهی مگر بطاعت او و برات بیزاری از آتش جهنم با ما نیست
و ما را بر خدا حجتی نیست هر که مطیع الهی است او ولی ماست و هر که عاصی خداست دشمن ماست و بولایت ما نمی‌توان رسید مگر بپرهیزکاری و عمل و در کتاب
خصال از حضرت صادق آل محمد روایت کرده که نیست شیعه ما و شیعه جعفر مگر کسی که عفیف باشد شکم و فرج او از حرام و شدید باشد در جهاد و سعی او در طاعت
و عمل او خالص گردانیده از برای خالق خود و امید ثواب او و خوف از عقاب او زیاده داشته باشد اگر چنین جماعتی را ببینی ایشانند شیعه جعفر و شیخ
مفید در ارشاد و شیخ طوسی علیهما الرحمه در مجالس روایت کرده‌اند که حضرت امیر در شبی از مسجد بیرون آمد متوجه قبرستان شد جماعتی تابع آنحضرت ملحق
شدند و از ایشان پرسید که شما کیستید گفتند که شیعیان توئیم یا امیر المؤمنین پس از روی تفرس نظر کرد برویهای ایشان فرمود چرا در روهای شما علامت
سیمای شیعه را نمی‌بینم عرض کردند سیمای شیعه چه باشد فرمود زردی رویها از بیداری شب و چشمهای ایشان از بسیاری گریه کور و پشتهای ایشان خم شده از بسیاری
ایستادن در عبادت و شکمهای فرو رفته و لبهای خشکیده از روزه و دعا و غبار خشوع بر ایشان نشسته و از حضرت امام محمد باقر منقول است که شیعه ما
نیست مگر کسی که بزبان دعوی تشیع کند و مخالفت ما در اعمال و آثار ما کند شیعه کسی است که موافقت کند با ما بزبان و دل و متابعت کند آثار و اعمال ما را ایشانند شیعیان ما
در کافی بسند صحیح از حضرت صادق آل محمد روایت کرده است در تفسیر قول حقتعالی و من یؤت الحکمة فقد اوتی خیرا کثیرا یعنی هر که حکمت داده شود
پس بتحقیق داده شده است خیر بسیار فرمود حکمت شناختن امام است و اجتناب کبائر که وعید آتش جهنم بر آنها کرده پس از این کلام حضرت در بار
معنی بسیار معلوم کرد دانست بمعرفت هر کسی و ایضا بسند حسن از محمد بن حکیم روایت کرده است که گفت از حضرت کاظم پرسیدم که گناهان
کبیره آیا ادخال از ایمان بدر میبرد حضرت فرمود بلی گناهان کمتر از کبیره نیز از ایمان بدر میبرد حضرت رسول فرموده در وقت زنا مؤمن نیست دزد در دزدی
و ایضا بسند صحیح از عبد الله بن سنان روایت کرده است که از حضرت صادق پرسیدم کسیکه مرتکب کبیره میشود و میمیرد آیا او را از اسلام بدر میبرد
و اگر او را عذاب کنند عذابش مثل عذاب مشرکان و کافران است یا عذاب او را انقطاعی خواهد بود حضرت فرمود هر که مرتکب
کبیره از کبائر شود و از احلال داند بیرون میبرد او را از اسلام و عذاب میکنند او را بشدیدترین عذابها و اگر معترف باشد که آن گناه است و باکی نمیکرد او را
از اسلام بیرون نماید از ایمان بیرون نماید و عذابش از اول سبکتر باشد و حضرت صادق بروایت صحیح فرموده که حضرت رسول فرمود سه چیز
در هر که باشد علامت منافق است هر چند روزه و نماز بسیار و دعوی اسلام نماید اول آنکه او را امین کنند خیانت نماید دوم چون سخن گوید
دروغ گوید سیم آنکه وعده کند خلف وعده کند پس از این باب شبهات باید مغرور نگردند بعضی احادیث دالند بر حصول
خوف و رجا و حکمت ... خوف و رجا ... از خوف حمل صحبت ... باغترار و ایمنی نمودن از
عذاب و ترک احتیاط که الاحتیاط سبیل النجاة خصوص علمائی که قدر معتمد و وثوق باشند چنانکه اکثر اهالی زمان ما در دار العلم خراسان از صد نفر
عالم فاضل معتمد چند نفر بیرون ... علم قرائت درست نباشد که از بسم الله دیگر ... و اعوذ بالله ... میشناسند ...
با هر دو کامل ... و تکفیر و نسبت ... رسیده
عیب ... علما و علمای دین محمدی که نایب خدا در زمین ... رجوع ... دارم با در دل
هر چه ... عیوب ... باطل
و عدم ... علما ... درس ... قریب چهار سال ... علما ... روضه ... امام ...
عصه و خوابه لا علاج ... عذاب جهنم ... خطاب ...
... کبیره ... امام ... ان شاء الله

4

در اطوار و حالات ایمان است

و معاصی را توجیه دانستن بلکه بکرد ها ترا نیز نسبت بخالق اکبر با جناب معصومان حسنات الابرار سیئات المقربین و هر که احادیث در باب صفات شیعه بسیار

است چنین در باب معاصی که آدمی را از اسلام بیرون نمیبرد اخبار بسیار است و در این اختلافات و ابهامات مصالح بسیار است از جمله آنکه

ارباب شبهات مغرور نگردند باین آیات و احادیث رجا پیوسته متردد و متحیر میان خوف و رجا باشند که اعظم صفات ایمان است و غالب غرور آورد

ایمن شدن از عذاب الهی که از جمله گناهان کبیره است که عالم صورتان زمان گرفتار دام ابلیس هستند با ناز و عشوه اختراعی خود [illegible] از عوام چنانکه خوف

غالب شود و منتهی بنا امیدی شدن از رحمت خداوند کریم آن نیز از گناهان کبیره است پس طبیبان دین که طبیب نفوس و قلوب جمیع خلقند

دوای هر درد شیعیان داده اند که مرض خوف را باین آیات [illegible] آنکه پروردگار تو [illegible] ما غرک بربک الکریم یعنی چه چیز غافل کرده است ترا

برای پروردگار کریم تو که ترا خلق کرده و تقدیر امور تو کرده و بهترین صورتها ترا مصور کرده است و در هیچ حال از نعمت و احسان خود تقاعد ننموده

در آیات و اخبار که متضمن امید و عفو و [illegible] است و اخبار بشفاعت رسول خدا و ائمه هدی که شفعاء روز جزا [illegible]

[illegible] اگر باعث [illegible] آن شفیع [illegible] از خوف [illegible] از سینه مبارک [illegible]

دایه [illegible] مبارک [illegible] و الصبایا داشت که شفاعت فرع ایمان است و ایمان نوع یقین است و یقین از [illegible]

نایاب [illegible] و الصباح [illegible] که این ایمان ناقص بوساوس شیطانی بر طرف [illegible] و طاعات و عبادات الهی حصار [illegible]

برای حفظ ایمان از وساوس شیطانی مقرر کرده اند برای محافظت جواهر عقاید ایمانی در صندوق سینه و حقه دل تو گذاشته اند و فرایض و ترک کبایر حقیقت

قفلهای آن صندوق و حقه و نوافل و کسب اخلاق حسنه و ترک مکروهات دارای اخلاق سینه پاسبانان آن صندوقند و دزدان و راهزنان شیطانی

کلید تو روزان [illegible] دقایق و ساعات از فرصت در خنه باین جهت [illegible] سینه [illegible] جواهر حقایق ایمان

شک و شبهه در دل [illegible] باطل [illegible] باطل [illegible] و تو [illegible] از پاسبانان [illegible] لازم است [illegible] معارض با خالق

خبر نداری که دزد [illegible] طور [illegible] قفلها و درهم [illegible] شفاعت شیعیان [illegible] کافی است [illegible]

رفته [illegible] شهوات [illegible] و [illegible] سینه [illegible] منزل داده ملائکه رحمت [illegible] پاسبانان

از خود [illegible] و بیگانه [illegible] و دزدان خانه دین و ایمان سپرده که در تضییع دین [illegible] کنند و با فرد [illegible] و شک

شبهات شیطانی تا وقت جان کندن [illegible] و وقت جان دادن [illegible] ایشان [illegible] از خواب غفلت

خبر [illegible] که تمام مایه دین و ایمان [illegible] صالحه [illegible] آن وقت راه توبه [illegible] ملائکه

بالا [illegible] رب ارجعون لعلی اعمل صالحا [illegible]

پس چه میدانی که این ایمان ناقص بعد از ارتکاب انواع معاصی از برای [illegible] حضرت صادق [illegible] از اصلی [illegible]

نقل [illegible] که دعا [illegible] بدرگاه الهی ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا یعنی پروردگارا قلوب ما را مایل بسوی باطل بعد

از [illegible] هدایت کرده [illegible] این کلام از برای آن میگفتند که میدانستند که بعضی از دلها بعد از هدایت میل بباطل میکنند القضایا

و اخباری که دلالت میکند بر آنکه مؤمن یا شیعه بجهنم نمیرود [illegible] مغرور میشوند و حال آنکه مؤمن و شیعه و محب معنی بسیار دارد چنانکه

بعد از این ان شاء الله بیان خواهد شد چه میدانی که آن احادیث بچه معنی در کیان شامل هستند [illegible]

در [illegible] حرمت [illegible] عذاب [illegible] و حرمان از الطاف خاصه الهی و درجات عالیه غیر متناهی و مهجور از قرب رضا جناب سبحانی

پس [illegible] از [illegible] مانند حیوانات [illegible] بهشت [illegible] از برای اهتمام در طاعات و ترک منهیات [illegible] از خوف [illegible]

اگر خوف است که ترا باعث عمل میشود در آخرت [illegible] و اگر خوف است که باعث سوء ظن [illegible] بر حقتعالی [illegible]

سعت [illegible] در عمل و دعا از جمله گناهان کبیره است که از غلبه رجاست چنانکه این زمان برای [illegible] از کرامات و فوضات تعلیم و تعلم

وظایف نماز و [illegible] روضه خوانان از کثرت رجا به توفیق نماز با علم قرائت و احکام نماز و صحت نماز [illegible]

[illegible] که این نوع باطل و ضایع [illegible] سایر اعمال چه کار خواهند کرد [illegible]

این کارها و ثمرات وارده [illegible] بسیار است [illegible] رکعت نماز [illegible] چه قدر [illegible]

[illegible] روضه خوانان اظهار اخلاص [illegible] امام [illegible] و تامل و تفکر [illegible]

در اطوار و حالات امامت

بدانکه احادیث در باب صفات شیعه بسیار در آنکه حسنات الابرار سیئات المقربین بجناب ... نسبت بخالق اکبر ... مکروه است ... و معاصی ... [illegible]

که چنین در باب معاصی که آدمی را از اسلام بیرون میبرد اخبار بسیار است و در این اختلافات و ابهامات ... مصالح ... از جمله آنکه

ارباب شهوات مغرور نگردند بآیات و احادیث رجا ... متردد و متحیر میان خوف و رجا ... که اعظم صفات ایمان ... غالب غرور

ایمن نشوند از عذاب الهی که از جمله گناهان کبیره است که عالم ... زمان گرفتار دام ابلیس هستند ... از عوام چنانکه

غالب نیز ... ناامید شدن از رحمت خداوند کریم آن نیز از گناهان کبیره است ... دین که طبیب نفوس ... و کلمات ...

دوای هر درد ... از مرض ... آیات خوف ... آنکه پروردگار تو ... ما غرک بربک الکریم یعنی چه چیز غافل کرد ترا

برای پروردگار کریم تو ... و تقدیر امور ... بهترین صورتها ... مقصود ... است ... از نعمت ... تقاریه

در آیات و اخبار ... شفاعت رسول خدا و ائمه هدی ... شفعا روز جزا ... بقدر

... از ... باعث ... شفعا ... از خوف ... سینه مبارک ...

... مبارک ... شفاعت فرع امامت و ایمان نوع ... است ... از ...

... ایمان ناقص ... شیطانی ... طاعات و عبادات الهی ... هستند

برای حفظ ایمان از وساوس شیطانی ... محافظت جواهر عقاید ایمانی در صندوق سینه و حقه دل ... فرایض و ترک کبایر ... حقیقت

... الصندوق ... و نوافل و کسب اخلاق حسنه و ترک ... از اخلاق ... سینه ... الصندوق ... شیطان ... در

... آن ... و دقایق و ساعات ... صندوق ... حقایق ایمان ...

شک و شبهه ... باطل ... لازم است ... تعارض ... غفلت

خبر ... که ... چه طور ... امید ... شفاعت شیعیان ... کافی است ...

رفته ... شهوات ... ملائکه رحمت ... که ...

از خود ... در این ... که در تضییع دین ... باشد ... از خواب غفلت

شبهات شیطانی ... وقت ... باشد ... هر چه خواهند ...

خبر ... که تمام مایه دین و ایمان و اعمال صالحه ... باشی ... ملائکه ...

... رب ارجعون لعلی اعمل صالحا ... فایده نخواهد داد ...

پس چه میدانی که این ایمان ناقص بعد از ارتکاب انواع معاصی ... حضرت صادق ... ازکیا ...

نقل کرده که دعا ... بدرگاه الهی ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا یعنی پروردگارا قلوب ما را مایل بسوی باطل بعد

... هدایت کرده ... این کلام ... بعضی ... باطل ...

و اخبار ... دلالت میکند بر آنکه مومن یا شیعه ... مومن و شیعه و محب ... بسیار ...

بعد از این ان شاء الله بیان خواهد شد ... که آن احادیث ... معنی ... شامل ... در تو ... است ...

... عذاب و عقاب ... از الطاف خاصه الهی و درجات عالیه غیر متناهی ... محجوب ... جناب ...

پس ... حیوانات ... از برای ... در ترک منهیات ... خوف ... غالب باشد

اگر ... که ... علم ... در آخرت ... است ... که باعث سوء ظن ... کرم ...

سست ... از جمله ... این زمان ... از کرامات ... تعلیم و تعلم ...

و طالبین ... روضه خوانان ... رجای توفیق ... باعلم قرائت و احکام ... صحت ... اکثر ...

نهاده اند ... این نوع باطل و ضایع و بی صرف ... سایر اعمال چه کار خواهند کرد ...

این کارها ... بسیار ... رکعت نماز ... بشرایط ... سید الشهدا ... برای ...

... روضه خوانان اظهار اخلاص ... امام ... تامل و تفکر ... که ...

فصل نوزدهم از حق الیقین در بیان ایمان و اسلام و کفر بدانکه خلافست در معنی ایمان و اجزاء آن و مشهور میان متکلمین

آنست که ایمان در لغت بمعنی تصدیق و باور داشتن است و در شرع اختلاف کرده اند و خلاصه کلام آنست که ایمان یا از افعال قلب است
یا از افعال جوارح یا از هر دو است اول که اقرار قلب تنها باشد مذهب اشاعره است و بعضی تصدیق و خلاف و بعضی [illegible] کلام
و اقوال بسیار که باعث تطویل و تشویش خاطر است پس باید که تصدیق قلبی شرط باشد و عدم تقیه است و بدون انکار و شرط است [illegible]
باعث ارتداد نباشد مثل انداختن کلام الله بمکان نامناسب و امثال این و مراد از تصدیق باور داشتن و دین حق قرار داده است و عدم
اظهار آن باشد [illegible] گفته هر که اقرار بشهادتین نماید مؤمن است هر چند در دل انکار کند باطل است و قول حقتعالی که اعراب
گفتند ما ایمان آورده ایم بگو یا محمد که شما ایمان نیاورده اید ولیکن بگوئید مسلمان شده ایم هنوز ایمان داخل نشده است در دلهای شما
و اگر مراد از جمیع افعال قلب و جوارح هر دو باشد عبارتست از اعتقادات و جمیع طاعات جوارح باشد [illegible] و اقوال
عامه و خاصه دلالت دارد از بعضی آیات که در صفات مؤمنان وارد شده است و بعضی گفته اند ایمان تصدیق [illegible] و اقرار بزبان
و عمل بارکان و اعضاء و جوارح و در خصوص این مضمون احادیث بسیار وارد شده است اکثر امامیه [illegible] قائل شده اند و ذکر اینها
باعث تشویش قلبست اول عقاید یا ترک کبایر و فعل فرایض که ترک آنها داخل کبائر است مانند نماز و روزه و حج و جهاد و غیر اینها و
بمعنی از بسیاری اخبار صحیحه معتبره ظاهر میشود و عقاید حقه با جمیع واجبات و ترک جمیع محرمات و این نیز [illegible] بعقاید حقه
بر وجه کمال با فعل واجبات و سنن مؤکده و ترک محرمات و مکروهات از حضرت امام رضا منقولست که صاحبان کبایره مؤمنند و نه کافر
بلکه قابل شفاعتند و مسلمانند که در احادیث بسیار وارد شده است که تارک الصلوة کافر است و مانع الزکوة و تارک حج کافر
پس کسیکه اجتناب کند از کبایر گناهان صغیره او مکفر و مغفور است بنص قرآن با جتناب عقاید حقه با فعل جمیع واجبات و ترک جمیع محرمات
چنانکه در بسیاری احادیث سلب ایمان شده است از جمعی که مرتکب غیر کبیره باشند از گناهان یا تارک غیر فریضه باشند از واجبات پس ثمره
این ایمان ملحق شدن بمقربان و حشر صدیقان است تا تضاعف مثوبات و رفع درجات کند یا بعقاید بر وجه کمال و فعل واجبات
و مستحبات و ترک جمیع محرمات و مکروهات است و اتصاف بصفات حسنه و تهذیب نفس از اخلاق ذمیمه چنانکه در صفات مؤمن و صفات
شیعه آیات در سوره مؤمنین و غیر آن وارد شده است و ایمان مخصوص انبیا و اوصیاست چنانکه در اخبار بسیار تفسیر مؤمن و مؤمنین [illegible]
المؤمنین و ائمه طاهرین شده است از حضرت صادق منقولست که حضرت رسول ص فرموده که ایمان بآراستن خود و آرزوها نیست [illegible]
ایمان آنست که خالص و صاف باشد در دل که اعمال تصدیق او کند [illegible] در دل [illegible] چنانکه حیوة بدن
بقلبست حیوة روحانی ایمان نیز بقلب است چنانکه بدن [illegible] ظاهر [illegible]
[illegible] دل است و کسیکه حیوة ایمانی ندارد مرده است در حقیقت و از مرده بدتر است چنانکه حقتعالی در حق کافران فرموده است که اینان
مرده اند زنده نیستند و فرموده است که ایشان دلها دارند و بآن نمی فهمند و تعقل نمی کنند [illegible] و فرموده است در حق ایشان که [illegible]
ایشان کورند [illegible] دلها است که در سینه ایشانست کورست و این برای آنست که حیات عبارت است از منشأ علم و قدرت که
آثار بر آن مترتب میشود حیات ظاهر منشأ علوم محسوسه میشود که در این روزه فانی بکار او میآید و چنانکه بعلم و معرفت حاصل
ابد الآباد باقیست و آثارش معنویست موجب قرب الهی [illegible] و الهامات ربانی [illegible]
و اشیاء بنور خدا می بیند که المؤمن ینظر بنور الله ان فی ذلک لآیات للمتوسمین [illegible] بملائکه ربانی همراز است و در میان مقربان
ممتاز است و این دل بمنزله خانه ایست که روزنها و پنجرها دارد از قوا و مشاعر و چون چراغ ایمان در دل افروخته شود
از جمیع روزنها ساطع خواهد شد و هر چند این چراغ افروخته تر و پر نورتر گردد انوار و آثارش از دریچه ها [illegible] بیشتر
میگردد بدانکه قلب گاه بر دو معنی اطلاق مینمایند یکی بر شکل صنوبری که در پهلوی چپ است و دیگر نفس ناطقه انسانی و حیوة
بدن آدمی بروح حیوانی است و روح حیوانی بخار لطیفی است که منشأش خونست و منبعش قلبست و از قلب بدماغ [illegible]

بلند

در صلاح و فساد بدن و روح است

میشود و از آنجا بواسطه عروق بجمیع اعضا و جوارح سرایت میکند و نفس ناطقه جمیع کمالات و استعدادات و ترقیات آن موقوفست
بر بدن و آلات آن باین جهت که از عالم قدس است تعلقی باین بدن کثیف بهم میرساند و ادراکات جزئیه باشد حواس بدنست و ملتفت
ادراکات جزئیه است که روح حیوانی است تعلق میگیرد و چون منبع آن قلب است زیاده از اعضای دیگر تعلق میگیرد و لهذا تعبیر
از نفس در اکثر آیات و اخبار بقلب واقع است و مدار صلاح و فساد بدن بقلب باین معنی است و هر صفتیکه در نفس حاصل
میشود از علوم و سایر کمالات باین بدن و جمیع اعضا و جوارح سرایت میکند و چنانکه آن صفت در نفس کاملتر میشود
اثرش در بدن بیشتر ظاهر میشود چنانکه روح بدنی هر چند مایه اش در قلب صنوبری بیشتر بهم میرسد قوه اعضا و جوارح بیشتر ظاهر میگردد
مانند چشمه که نهرها از آن جدا گشته باشند هر چند آب در چشمه بیشتر بهم رسد نهرها معمورتر میباشند و نهرهای بسیار از دل صنوبری بجمیع
جاری میگردد و جدول بیشمار از دل روحانی بر فواد و مشاعر بدنی روان میشود و اقسام حقیقی و بخشنده روزیهای جسمانی و روحانی
در خور قابلیت و احتیاج هر یک از آنها قسمت میفرماید و این هر دو چشمه از دریای فیض نامتناهی پیوسته جاریست اما بنده
ضرور است که بتوفیق الهی موانع جریان از این نهرها زایل گرداند و خس و خاشاک مواد فاسده جسمانی که از اخلاط ردیه بهم میرسد
و گل و لای شبهات شیطانی و شهوات نفسانی از سر راه آنها زایل گرداند تا انهار عین الحیوة جسمانی و روحانی بر وفق مدعا
بتائید حق تعالی جاری گردانند چنانکه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که در آدمی پاره گوشتی هست که هر گاه آن سالم و صحیح باشد سایر
بدن صحیح است و هر گاه آن بیمار و فاسد باشد سایر بدن بیمار و فاسد است و آن دل آدمی است و بروایت دیگر فرمود هر گاه
دل پاکیزه است جمیع بدن پاکیزه است و هر گاه او فاسد است خبیث تمام بدن خبیث است و از حضرت باقر علیه السلام منقولست که دلها سه
قسم است یکی دل سرنگون است و هیچ خیر در آن جا نمیکند و آن دل کافر است و دیگر آنکه خیر و شر هر دو در آن میباشد هر یک که قوی
باشد بر دل غالب باشد و دیگر آنست که گشاده است و در آن چراغ الهی روشن است که پیوسته نور از آن ساطع است و هرگز
نورش برطرف نمیشود و آن دل مومن است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که منزلت قلب از بدن آدمی منزله امام است
نسبت بسایر خلق یعنی که جمیع اعضا و جوارح بدن لشکر دلند همه از جانب او متحیر کند و مردم اخبار میرسند از احوال آن
و هر چه دل اراده میکند فرمان او را قبول میکنند و همچنین امام بمنزله جان عالم است و باید که رعایا او را اطاعت کنند تابع او باشند
و حضرت امام زین العابدین فرمود که بنده را چهار چشم میباشد دو چشم در سر است که امور دنیای خود را با آنها می بیند پس هرگاه خدا خیر او
خواهد دو چشم در دل او را بینا میگرداند که امور غایبه را با آنها ببیند و عیبهای خود را با آنها می بیند و اگر کسی شقی و بد عاقبت باشد چشم دل
کور میشود و حضرت صادق فرمود که دل را دو گوش است روح ایمان در یک گوش خیرات و طاعات را امید میدهد و شیطان در گوش
دیگر بدیها و شبهها و شرور بدیها را تلقین میدهد پس هر که بر دیگری غالب شد میل بآن میکند و حضرت صادق فرمود که پدرم میفرمود
هیچ چیز دل را فاسد و ضایع نمیکند مانند گناه بدرستیکه دل مرتکب گناه میشود تا وقتیکه گناه بآن غالب میشود از اسفل نگون
میکند که چیزی در آن قرار نمیگیرد و ایضا از آنحضرت منقولست که حق تعالی بحضرت موسی وحی فرمود که مرا در هیچ حال فراموش مکن
که ترک یاد من موجب قساوت و سنگینی دلست و از حضرت امیر المومنین منقولست که آب دیده خشک نمیشود مگر بسبب قساوت
قلب و قساوت قلب نمیباشد مگر بسیاری گناهان و در این باب احادیث بسیار است این مجمل را زیاده از این گنجایش نیست
پس باین قرار و تحقیق معلومست که اصل ایمان امریست قلبی و از اعمال و لیست مراتب مختلفه دارد و در هر مرتبه قدری از اعمال و اخلاق
حسنه مرتب میشود و اینها آثار آن ایمانند که شواهد حقیقت آن هستند و باین وجه جمع میان آیات و اخبار متواتره میتوان نمود و در این مقام
بیان چند معنی دیگر ضرورست اول آنکه خلافست که آیا ایمان قابل زیاده و نقصان هست یا نه اکثر متکلمین گفته اند ایمان عبارت از
یقین بعقاید ایمانیست و آن قابل زیاده و نقصان نیست و بعضی این خلاف را فرع خلاف در معنی ایمان قرار داده اند و گفته اند آنها که اعمال را جزو ایمان
میدانند معلومست که بنابر مذهب ایشان زیاده میشود باعمال زیاده و کم میشود بکمی اعمال و آنها که ایمان را اعتقاد بحت میدانسته اند میگویند قابل زیاده
چنانکه عوام الناس اینها تحقیق شده است که هر چیز را زیاده و کمی و ضعف و شدت بسیار دارد

در حالات و احوال ایمانست

و نقصان نیست و آیات و اخبار که دلالت بر زیادتی و نقصان میکنند تاویل میکنند که مراد زیادتی ثمرات ایمانست بنابر گفتگوی که سابقاً مذکور

شد میتوانند بود و در اصل یقین و ایمان زیادتی و نقصان هست چنانکه حق تعالی در قصه حضرت ابراهیم فرموده که سوال از حق تعالی کرد

پروردگارا بنما که چگونه زنده میکنی مردهها را حق تعالی فرمود که آیا ایمان نیاوردی عرض کرد دارم و لکن میخواهم دل من مطمئن

شود و ایضاً در وصف مومنان فرموده است که هرگاه خوانده شود بر ایشان آیات ما زیاده میکند ایمان ایشان را و در این باب

دلایل بسیار در آیات و اخبار از علمای ابرار بسیار است و ایضاً معلوم است که ایمان و یقین [illegible] یقین [illegible]

نیست که حضرت امیرالمومنین فرموده لو کشف الغطاء ما ازددت یقیناً مخصوص ایشانست و از حضرت صادق منقول است که روزی

رسول خدا فرمودند در مسجد نماز صبح گذارده نظر بجوانی فرمود حارثة نام دید که سر او از بسیار بیخوابی بزیر در

زرد شده و بدنش نحیف گشته چشمهایش فرو رفته پرسیدند کیف اصبحت چه حالت داری عرض کرد صبح کردم با یقین حضرت

فرمودند هر چیزی را حقیقتی و علامتی دارد یقین تو چیست عرض کرد آنست که پیوسته مرا محزون و غمگین میدارد و شبها

بیدار میدارد و روزها بروزه و دل من از دنیا آزرده و رو گردان کرده و آنچه در دنیا است مکروه و یقینم بمرتبه رسیده است که گویا

می بینم عرش خدا را و برای حساب نصب کرده خلایق همه محشور شده اند و گویا من در میان ایشانم می بینم اهل بهشت

را که در بهشت نشسته و تکیه کرده اند و با یکدیگر مصاحبت مینمایند و گویا می بینم اهل جهنم را در میان جهنم معذبند استغاثه مینمایند و

زفیر و آواز جهنم در گوش منست پس حضرت باصحاب خود فرمود که این بنده ایست که خدا دل او را بنور ایمان منور فرموده

پس بحارثه خطاب فرمود بر اینحالت که داری ثابت باش گفت یا رسول الله دعا کن که خدا مرا شهادت روزی نماید پس

حضرت او را دعا فرمود بعد از چند روزی حضرت او را با جعفر طیار بجهاد فرستاد در غزوه موته و بعد از نه نفر او شهادت یافت

و اخبار که دلالت بر این مطلب میکند بسیار است دوم در بیان اجزاء ایمان قلبی است خواجه نصیر در قواعد العقاید گفته است که

ایمان نزد شیعه سه چیز است تصدیق بوحدانیت خدا در ذات او و تصدیق بعدل در افعال او و تصدیق بپیغمبری انبیا و تصدیق بامامت

ائمه بعد از پیغمبران [illegible] عدل است سیم تصدیق به نبوت محمد بن عبدالله و جمیع آنچه از جانب الله آورده است [illegible]

حق الیقین و سایر کتب مجلسی و سایر بن بابویه این محل [illegible] و احیانات و مستحبات و احتراز از بدعت و تجربت نماز

و اخبار و اجتناب از طرق و شوارع [illegible] خبران بحث و صرف و شیاطین خناس الذی فی صدور الناس

خناس که دلهای سخت تر از سنگ و سندان و سبب شده طغیان و بدعت نماز در قراءت نماز و قحط و غلاء

توقیعات برکت و امن و امان و انقلاب تمام عالم و خون ریزیها و فتن آخر الزمان بواسطه تجربت نمازهاست

بحکم ان روت رد ماسواها و تنگی اعمال و طاعات همه اسلام و ارکان خراب شد و النادر کالمعدوم تمامی عالم را

و این رخنه گری شغل هر نفر هیچ فرقه از فرق کفار و فساق نمیباشند مگر عالم صورتان کم کم [illegible]

بیرون گوشها بکلمات مدلس عوام پسند باسم ترویج دین و بیان [illegible] و دینداری و حفظ دین اسلام بدون ملاحظه

نتایج کلام خوش صورت زیبا و بدون ملاحظه اصول خمسه اصلیه که میزان جمیع امور دنیا و آخرتست البته غیر از این [illegible]

نتیجه نخواهد داد که خود نیز در اینجا بلا جبان افتاده اند که از صد نفر عالم و فاضل دو نفر نباشد که بمیزان علم قراءت

احتیاط دو رکعت نماز را با وجوب و بطلان و جواز و سنت و مکروه و [illegible] دو رکعت نماز [illegible] تا موافق

تمیز و با معرفت پنج اصلی که میزان تمیز تمامی امور دارین است تمیز بدهد [illegible] تا الاخیه و قع فیه [illegible]

قضا ماندند این است معنی اذا فسد العالم فسد العالم [illegible] است و بحکم اشرف [illegible] احیا کننده دین [illegible]

والحاصل زیادتی و نقصان ایمان و اسلام و مسائل اول با عقاید حقه موافق کتب و آیات قرآنی و مسائل حلال و حرام [illegible]

کمال و حسن عالم صورتان معذور بعلم و فضل ضرب زید عمرو [illegible] که صاحب [illegible] از عبادت [illegible]

دست خالی بلکه مرحوم درگاه الهی خواهند [illegible] از اعمال و دین نماز [illegible] صحیح و سالم [illegible]

در خصوص صفات ایمان

تا دلالت بر خصوصیات مراتب میان [illegible] دلالت داشته باشد ایمان لقلقه زبان بی عمل و اساس نباشد پس هر کس از عوام و خواص علما

که رغبت به عمل مطلق خط و منافات [illegible] در صراط مستقیم دین محمد [illegible] تکلف [illegible]

[illegible]

در خصوصیات ایمانیت

و نیز حضرت شاه ولایت امیرالمؤمنین فرموده در خصوص نظر در این چشم عقل و یقین که لو کشف الغطاء ما ازددت یقیناً ائمه سلام الله علیهم که دائما خلیفه
جهل است علمای ربانی و توابع پیروان ائمه سلام الله علیهم که دنیا را سه طلاق گفتند که اقوال و افعال همه الاعاجیب است گردیده این چشم اعلی
فرع و نتایج آن شیء دیده چنانکه سعادت دنیا مال و جاه و اسباب و غیره را ترک کرده برای همین نظر کردن عیوب از آن چشم معنوی دیده که بمثابه خوراک
طفل در شکم مادر خون کثیف ترین کثافات و کثافت دنیا مال دنیا هزار درجه بدتر نجس و قبیح و ملعون از خون حیض است زیرا که خون حیض
خداوند مباح و جایز فرموده است مال دنیا از نظر انداخته خدا و رسول است چه قدر آیات و اخبار وارد است در میل و حرص دنیا چه قدر فساد
و در عوالم بعد از این عالم سؤال و صراط حساب است تا قیامت زنجیر دست و پای انسان است در دنیا مانع از تحصیل آخرت است که چه درجه
صاحبان چشم ایمانی احتراز کرده ائمه سلام الله علیهم هر روز سه روز از خوردن قوت لایموت آن احتراز فرموده و از گرسنگی اطفال حسنین
چه چه مرغان لرزان و گریان می نهادند از فرش و ظرف و ماکول و سایر گرد کردن همه برای دیدن عیوب به چشم عقل و ایمان بود
من و تو که این قدر حریص برای کوری و کری چشم و گوش ایمانیت از اینها مانده از آنکار رانده و ذلک هو الخسران المبین راضی با این قدر نشده چرا
دین خدا و رسول را عوض بدل نماز صراحی که بجاآورد برای تمرین و ترتیب نماز غلط صرف بی صرافه اسم نماز گذارم منافقان
فیه بمرا لعن و طعن نمائیم انصاف کو حسب ظلم هر زاینت نخواهد شد اگر فرعون و شداد یزید و ابن زیاد ظلم را برای سلطنت کرده چرا
البشارة العن نمائیم ایشان برای امر عظیم و اعمال بسیار بزرگی میکرده نماز گذار باشد ای خود را از دنیا رات و اسلام و مسلمانی نماز
برسم زدن از میان مسلمانان برداشتن چه ثمر بغیر از شقاوت دارد که اسم نماز و تغییر دادن و اسم با خدا و رسول تعارض و دشمنی
کردن نیست کسانیکه چشم حقیقت ایمانی بینا و روشن ندارند مبتلا به این حرص و دنیا رفته حب الدنیا رأس کل خطیئة من ذنوب قباله محکم
داده اند که شفیعان روز جزا شفاعت خواهند کرد حال آنکه زیاده بر هزار سال خدا خبر داده است که لا یشفعون الا لمن ارتضی
و دیگر فرموده اند ویل لمن شفعاؤه خصماؤه شفعا برای نماز گذاران است نه برای مستخف بالصلاة و نماز بدعت گذاران
تا می علم و فضل خود و من الناس من یجادل فی بغیر علم لیضل عن سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم و در سوره ابراهیم الله الذی له ما فی
السموات و ما فی الارض و ویل للکافرین من عذاب شدید الذین یستحبون الحیوة الدنیا علی الآخرة و یصدون عن سبیل الله و
یبغونها عوجاً اولئک فی ضلال بعید دار استعمار از جنبی عالم فاضل جواب بسیار است که زیاده از درس شیطان و شریح قاضی کم
خدا فرموده الذین یجحدون فینا لنهدینهم سبلنا این بیچاره‌ها تمام جد و جهد خود را در حب دنیا و حرص دنیا و هر بیان صرف
خیال احیای شرع و دین ندارند انما المؤمنون الذین اذا ذکر الله وجلت قلوبهم و اذا تلیت علیهم آیاته زادتهم ایماناً
و علی ربهم یتوکلون الذین یقیمون الصلوة و مما رزقناهم ینفقون اولئک هم المؤمنون حقاً این جماعت نماز را
نماز بدعت و جماعت باشد در گفته چه گونه فرماید در آخر آیه لهم درجات عند ربهم و مغفرة و رزق کریم کما اخرجک ربک من
بیتک بالحق و ان فریقا من المؤمنین لکارهون یجادلونک فی الحق بعد ما تبین کانما یساقون الی الموت و هم ینظرون
که منافقین بوده و در حقیقت مخرب نماز مقلد منافقین قدیم هستند لاابالی و بی اعتنا باسم ترویج برای عدم ملاحظه نتایج کلام
و بعضی اغراض بواسطه کوری چشم و گوش ایمانی خود و روشنائی چشم و گوش ایمانی هر کس و فضل و اشتهار و کثرت مرید
در تفسیر امام حسن عسکری در آیه شریفه واستعینوا بالصبر والصلوة وانها لکبیرة الا علی الخاشعین فرموده
برادر امر و نواهی واجب الوجه تلخی در شریعت ظاهره ملبس باشد صبر ایها و صلاة امیرالمؤمنین است چنانکه حضرت
رسول فرموده که صبر و صلاة ابن عم است پس بفرموده حضرت امام حسن عسکری صبر و صلاة امیرالمؤمنین
چنانکه بی ولایت کارها خراب است بی صلاة هم کارها و اعمال بی فایده و خراب است و ولایت را مشکل شیعه قلیل است نماز
میان شیعه محب قلیل خیلی سخت و مشکل است که از صد بلکه از هزار یکنفر نماز گذار با شرائط نمی یابی و نمی یابند حتی
عالم صوریان اهل فضل مشهور از هزار یکنفر دو نفر شاید بیابی تأمل کن که چه قدر مشکل است ملا برای خاشعین و خاشعات چه قدر
و اعلی درجه ملتبس که برای ایشان نماز و شرایط آداب نماز و مجالس و مذاکره و مباحثه نماز مملو تعلیم و تعلم
دست خواهند برداشت با منافقان صورت اسلام و مسلمانی تعارض چنانکه ائمه سلام الله چشم

و سقط

... از امامان و ...

و ... الاعلى ... ثم واليهم اليه ترجعون

يا بنى اسرائيل اذكروا نعمتى التى انعمت [illegible] ربنا لا تخزنى [illegible]

يقبل منها شفاعة ولا يؤخذ منها عدل ولا هم ينصرون [illegible] شفاعت [illegible]

شفعاء ... اذن شفاعت اول از حضرت ... حالت [illegible]

از جبار ولا يشفعون الا لمن ارتضى

... در جبار هر مؤمنی که شفاعت نماید [illegible] شفاعت متحقق بالصلاة که [illegible]

نماید نماز ... تصحیح درست [illegible] امروز فردا باشد تا عزرائیل تشریف فرما باشد یا اینکه [illegible] معرفة نماز [illegible]

که از ان عالم ... صاحب دین ... نماز [illegible]

... در گردن ... سهل است [illegible]

[illegible] زبان ... اطفال ... سلام ... علم [illegible]

[illegible]

[illegible] علم قرائت [illegible]

[illegible] احکام [illegible]

[illegible] نماز [illegible] ... درهم ...

[illegible] در تعلیم [illegible]

[illegible] دین کم ... [illegible]

[illegible] الکافرون ... جواب [illegible]

[illegible] دین اسلام [illegible]

[illegible] علم قرائت از طفولیت [illegible]

[illegible] تشخیص [illegible]

[illegible] زبان [illegible]

[illegible] علم [illegible]

[illegible]

[illegible] قواعد قرائت [illegible]

[illegible] صحیح است [illegible]

[illegible] ما خالف العالی [illegible]

[illegible] قراء سبعه [illegible]

[illegible] الرجال [illegible] علم است [illegible] حروف و کلمات [illegible]

[illegible] علم قرائت [illegible] الصلاة ... معراج [illegible]

[illegible]

[illegible] از ایام طفولیت [illegible]

[illegible] قرآن [illegible]

ورتل القرآن ترتیلا [illegible] از ایام طفولیت [illegible] مقصود [illegible]

[illegible]

[illegible]

مقدمه برای اطلاع رجال تألیف

[illegible]

و چونکه جواب ستم مثل زاد المعاد و [illegible] حق الیقین و حلیة المتقین مجلسی مرحوم کارآمد مومنان [illegible]

بتالیف [illegible]

اطلاع اجمالی بر بعضی احوالات

در تفسیر آیهٔ شریفه ومن یطع الرسول فقد اطاع الله ومن تولی فما ارسلناک علیهم حفیظا و الصافات و نقلب افئدتهم وابصارهم کما لم یؤمنوا به اول مرة ونذرهم فی طغیانهم یعمهون پس علم که ان شیت العلم نور یقذفه الله علی قلب من یشاء عمل دلیل علم است الی آخر

قبول علم منفعه باشد در ص ۳۳ ذکر خواهد شد مرد فهم شمس ضیف علم قرائت که پایهٔ افضل و مقدمهٔ علم فقه بدانکه از طفولیت بر اهل ورع

زیرا که صحت نماز که صیغ و عقود و ایقاعات و صحت صیغهٔ نکاح و طلاق و طیب و طاهر بودن نطفه‌ها اولاد مؤمنان بعد ولادت

و اعتقاد اهمیت علم قرائت و صحت صیغهٔ عقود و نکاح و طلاق است نه مجرد و صحل فقه علاوه از خواص علم قرائت چون بر هر

هر فردی از افراد اهل اسلام سنی و شیعه بقدر مقدور هر علما و اداء ذکر چه شبان و دو که کرد از اول اهل اسلام باشد و از جمله خواص این علم

بمثابهٔ نمک در طعام از ارکان شرایط علوم و طعمه است بدون این نمک طعامها و علوم باطل و لغو هستند بلکه تمامی علوم و عبادات

برای مسلمان اسباب فسق و کفر و ضلالت و این است دوری از رحمت اللهی یعنی که اگر صاحبان علم و فضل که از این علم محروم

حیرت و ضلالت برادران شیطان و خود تا آن وقت بالعلم میدانند تا قیامت در جهل مرکب باقی خواهند بود هر کسی که نداند و نداند که نداند

در جهل مرکب ابد الدهر باند هر کسی که نداند و بداند که نداند کو مرده خر خویش بساحل برساند و از جمله خواص این علم شریف قبولی تمامی عبادات

و عقاید و صحل فردعیت و سبب مصاحبت ابرار و اهل مساجد و آشنا طرق الاست و دوزخ و الکیه بدان تمامی عیوب مسلمانان است

اکثر طاعات و الی صل تا در این بحر شریعت اعمال خود را تطهیر از عیوب طاعات نکند خبر از اسلام و ایمان نتوان بر سنی

حیا تا مقام انبیا و اولاد و امجاد و نفس شریف خود را در تمکّه از شریعت طاهر و چنان بلکه جنت فانی فی الله و جز نمک حق و از دیدن

و وجود نهاد چنانکه نمک را در طعام نه صورت وجود نه وزنی و ثقلی میماند تا مظهر الهی شده برای همت و نسبت خلق و اعتبار

تا سلک نفس اماره که نجس العین معنی است اگر بمعنی دریای عالم و نموشود نجس است مگر در نمکزار شرع و دین الهی با آداب جمیع

شود با خاک ریاضات و مجاهدات اهلکار فراخ حال و فرد هر کس از وجود خاک گرد که عادت فطری اوست که طبیب وطن خوش تا خلع صورت نفس

اماره که متصف بنفس مطمئنه شده آن رسیدن یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی

تا زینه و سیر اختیار کرده من اطاع الرسول فقد اطاع الله و چشمهٔ الحیوة بقی میتوان رسید و الی صل تا در شریعت محمدی حفظ در

ن مقصود حاصل نخواهد شد چنانکه جد جد دم مباهات لی مع الله حالات نحن هو هو نحن فانی فی الله و باقی ببقاء الله

فقه نقل شریعت و هستی جمال را هیچ دانی چه طور که جنت که خود نور دیده که حقیقت چه طور که جنه متصف مس ذی الجلال عارفا

فا نما ذات الله در اول شب قبر دین و زیارت حق و دین الهم حسین قرار داده است کو بخدا اخیالی که با نماز باطل هستم مکن است

شب و جنت اول قبر عوض دین حسین که نایب خدا است خدا در صورت حسین منبه اسم عالم و فاضل همه علوم با نماز اخری عوام الناس

بالکل نهایتهٔ عشق و منزلت باکره اقل درجه سقط قضای عالم در تحصیل جهل سال اعتقاد که در مورد و نماز نکرده که تمیز بمواضع اعمال جنه طلبه

یعنی تمیز و حسب و قدر جاهل نیستند و نکرده و جایز مسائل آشنا باشند که در وقت سؤال جواب راست ملا کرد نباشند مع ذلک جواب دهد کافر

حافظ کو قاضی شهر این که جنت نه لقمه شبهه محمود یار و بیش راز یار این حیوان خوش علف سهل است عوام الناس اسم بضلالت انداز

کلامیست من المکتوب لیس عن الموالحدیث لیکمل سبیل بالاسم فیشتم بعد الکتاب الیم هزار شکل که خبر داده است از احوال آن عالمان

با بعضی خوش آمد عوام که قاریان قرائت و تفریط نمایند که یا حق الوارحمه همه ما را عیب های خود فرما از عیوب خود کورسیاه

حاصل آنکه تمامی مخالفات مسلمانان بواسطهٔ افراط یا تفریط در اعمال و افعال که سرچشمهٔ معاصی و ملاهی است طریق شناختن عدل

از فضلای عاملین بواهل خبره لازم است شکل از صحت نماز است نه هیبت که چنین نمازهر کس برانند چنانکه دلواده نیز حرف و عمل بمیدان احدی

و اقرار بجهل نداره واضح است که تحصیل مهارت هر علمی و صنعتی و حرفتی لازم است جد و جهد در ریاضت بسیار یا از استاد و معلم کامل در صدق قلب

نباشد بلکه مسمی لغو و نفس رسین نامه ضلالت و طرق فساد از انسانیت لا ابالی و مساهل نباشد با تحجب استادان زاهد و کفش لغزش

در راستی و تیز سلیقهٔ استادان و حسب حسن و قبح هر کدام از مهارت و وقوف یافتن خصوص در کمال علم قرائت چون با حفظ

مواضع نداره و معیار کل امور اصلاحات حسنه و صلیه است تا فتح در شد و محسنات و قدر و حب و جواز و بطلان و مکروه و او تمیز و تحقیق بتوانند کرد و کورانه

و هم در

مقدمه در بعضی احوال [illegible]

قدم در دایره وجود و انسانیت [illegible] از حضرت صادق آل محمد [illegible] که ارادت [illegible] [illegible] و [illegible]

[illegible] سال گرفتار شده [illegible] سخت [illegible] از کدام [illegible] انواع کارهای مشکل رجوع کردن مبتلا [illegible] طبیع [illegible]

[illegible] برای مخالفت با [illegible] دین محمدی [illegible] بسیار تفاوت [illegible] از کلمات [illegible] لهذا [illegible] این [illegible]

[illegible] را متحمل [illegible] و تو [illegible] نماز واجب [illegible] دین است [illegible] و انسان [illegible]

[illegible] در وقتی که ادای نماز به شرایط [illegible] عجله [illegible] که گویا [illegible] عوض خضوع و خشوع

و گریه [illegible] قلوب [illegible] نماز که از تمامی اعضا و جوارح که هر یکی از اعضا و جوارح باید نماز [illegible]

[illegible] در نماز هر عضوی [illegible] را [illegible] بی [illegible] زبان حال [illegible] اللهم [illegible]

[illegible] فلک زده گرفتاران [illegible] محتاج نان [illegible] ذلت [illegible] که تمامی افکار و خیالاتم [illegible]

[illegible] اهل و عیال [illegible] گرفتاریها که مبتلا [illegible] این عبادت [illegible] کار [illegible]

دست از من [illegible] ظلم و ستم [illegible] نعوذ بالله من غضب الله [illegible] که [illegible] این درجه است جواب [illegible]

این عجله و اضطراب و پراکندگی خاطر و تخریب شرایط و آداب [illegible] افعال [illegible]

چندین واجبات و مستحبات و مناهی و متروکات و مکروهات [illegible] اطمینان شرط است [illegible]

و [illegible] دوست [illegible] باشد [illegible] که یکی از واجبات [illegible]

[illegible] با حالت عجله و دل تنگی که آرام [illegible] راحت [illegible] چنانکه [illegible] عرایان [illegible]

[illegible] ابلیس [illegible] شرطی از احوال [illegible] نماز صحیح باشد [illegible] لشکر [illegible] خارج [illegible]

پس در حقیقت [illegible] از انصاف و انسانیت و [illegible] که [illegible] سال [illegible] غلام [illegible]

[illegible] هر رکعت نماز [illegible] بعضی [illegible] عفو [illegible]

چونکه عادت [illegible] شکل است [illegible] عدالت [illegible] ملکه [illegible] باشد [illegible]

باید از طفولیت [illegible] ملکه [illegible] که بعد از تحصیل تمام [illegible] درجات [illegible]

اما [illegible] عدم شرف [illegible] عوام کالانعام [illegible] سبحان الله [illegible]

پس عدم ملکه [illegible] که از طفولیت [illegible] دیگر [illegible] از جمله آنکه چون [illegible] نماز [illegible]

[illegible] نماز و قرائت [illegible] گردان [illegible] بازیچه تصور [illegible]

و کلمات [illegible] و [illegible] بی اعتنا [illegible] چنانکه مشهور است در اخبار [illegible] قوم حضرت [illegible]

[illegible] فرقه [illegible] فرقه [illegible] که اثنی عشری [illegible] منافقین [illegible] عالم [illegible]

[illegible] نماز [illegible] کار [illegible] منافقین [illegible] این کار [illegible] نماز [illegible]

این است که [illegible] چنان [illegible] اعظم [illegible] فساد [illegible] جهاد [illegible] این فساد [illegible]

کار [illegible] کدام فرقه [illegible] فساد معلوم است [illegible] اعظم [illegible] قوم باشد [illegible]

[illegible] العالم [illegible] این فساد [illegible] عالم [illegible] دلیل [illegible]

[illegible] فساد [illegible] عالم [illegible] انواع و اقسام ظلم و فساد [illegible] عالم [illegible] محیط باشد [illegible] نماز [illegible]

اشاره به تخریب تعمیر خانه آخرت

در تفسیر آیه شریفه و اذا ما انزلت سورة نظر بعضهم الی بعض مثل این زمان موعظه ای بر دیگران نمایم و خود داخل موعظه شوم

بعد سیغه یا هل یریکم من احد ثم انصرفوا صرف الله قلوبهم بانهم قوم لا یفقهون لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز

علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم موافق تفسیر صافی خداوند سبحانه با سلسلة النکتة ... و ما لمعانی

خاتم انبیا اشاره ... الکنایة ابلغ من التصریح بلکه چشم اشاره کرد ... که

بعد بتقضای عناد فطری روگردان ... الاشاره ... دلیل ... ایمان و قبول حق

بطرف باطل بواسطه عدم تفکر و تدبر و عبرت در اوایل ... و کفار ... بر ایشان ... قابل ...

کرده و ناخوش و امر شرا ناگوار گرفتند که حریص ... ایمان شما بود ... مهربان هزار هزار درجه ... خیر خواهی ...

بقرائت صحیح قرائت علما و طلاب ... با عالم ... اهم علم قرائت بتصحیح نماز و عقود و ایقاعات امور اسلام

که موافق بارالها ... مجتهدین ماضی و مستقبل بغیر از صحت نماز ... عیب دارد بغیر از مطلب ... و محبت آل محمد

و الحق ... منافقین قدیم و جدید ... مثل شرح کافی ...

بغیر از ولسوف ... شریعت طاهره و مخالفت خاتم انبیا ... مثل ما ... از علما و طلاب ...

دوستی ... در خصوص نماز و لوازم و متعلقات نماز ... تمامی ادلیا ما ... اولاد عزیز ... که همین نماز و لوازم نماز

حکم ... ناقص ... و لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها خداوند ... چه قدر بعد از تاکیدات الهی در قرآن ...

کتب علما و کتب علم قرائت تمام در باب اقامه نماز و لوازم همین نماز است ... مهم ... اعظم از نماز که ... تمامی ... طاعات ...

ادات ... این مجموعه مخصوص ... صحت ... مسئله ... صورت و شکل این نماز خواهیم ... ان شاء الله ... احکام نماز است

۱۵ مشهور ... تکبیرة الاحرام ... اشاره خواهیم ... مسئله ... صورت و شکل نماز قرائت صحیح قرائت و طمانینه نماز

که ... صحت ... مسئله ... صحت ... سایر شرایط ... صحیح نماز ...

اگر چه عوام ... چنانکه هر کس که ... در سایر آداب نماز کلا ... عالم ...

و اما اول ... عوام الناس ... اول بنای خانه آخرت ... دلیل صراط مستقیم ...

منزل و مکان خوب و وسیع لازم است ... من السعادة سعة المنزل ... ملاحظه ... منزل ...

مسجد ... خانه آخرت ... وسیع باشد ... مناجات خالق و وصال محبوب ...

عاشق و معشوق ... صحبت ...

که چه گونه کلام گویم و چه خواهم ... صحبت ... صورت ... صحبت ...

نمایم که تفصیل ... محبوب ... طالب تفصیل صحبت است چنانکه ... صحبت ...

خداوند ... و ما ... بیمینک یا موسی ... عصای ... علیها ...

... علاوه این خانه آخرت ... تفصیل ... کلام محبوب ...

لابد ... کلام از دست ... محبوب ... ارکان ... ارکان ...

بعد ... لازم ... ظروف ... سایر اسباب ...

لازم است که خانه ... سلطنة ... بعضی لازم ... مستحبات ... بعضی مبطل ... خانه ...

باقی ... در این ... خراب ... متوجه ... تعمیر و تخریب ... اولیا

در اینجا ... تعمیر ... تخریب ... چنانکه از اول شروع

و گفتن تکبیرة الاحرام خانه آخرت ... صحیح ...

هزار

در دانستن معنی ایمان بصحت نماز

هزار نفر خلاف بالله است هر یکی که پیش دستی در کرده بر دیگران تمام هزار باشد و نقد از شیطان جایز خواهد کرد و عده کجا است
و باید یک طمأنینه از تمامی نماز با یک کلمه قرائت صحیح نباشد که مبادا شیطان را از آوردن خاطر نمایند و حال آنکه از اول تا آخر سلام
و لشک ملیباشند که مرغ بسیار وحشی بقفس گرفتار شده حال اضطراب میخواهد همه نماز را بیک نفس تا آخر رسانیده چون سلام
جان خلاص نماید که قفس آزاد یافت و حال آنکه از اقوال و افعال واو کار در رکوع و سجود و تشهد و تسلیم آداب نماز و شرط
طمأنینه هستند مگر بحول الله وقوته اقوم و اقعد بحرکت در خواستن نماز است و از آن قامت مصلی باید تمام شود و از اول رکوع
سجود و در آخر رکوع و سجود و خواندن حمد رکوع سجود همه طمأنینه شود در گفتن سمع الله نیز بسبیل احتیاط تا شیعه بحث باشد
خداوند در سوره حدید میفرماید والذین آمنوا بالله ورسله اولئک هم الصدیقون والشهداء عند ربهم لهم [مغفرة]
ونورهم موافق تفسیر صافی صدیقون و شهداء اینکه شهداء آمده است امام عصر و خاتم الانبیاء علیهم باشند
تو یک که این نوع درجه شهادت رسیدن در سلسله بقول نشان ... نماز بعث ...
در یکجا جمع شود یا با نماز خدا در یکجا خواه لا محاله اشکال و صورت نماز باشد القصه ان الجمعان ... کارها ما
در حدیث قدسی خداوند میفرماید آنچه کان من اعمال طاعت خود کمنید بفضل و رحمت من کامل نماید و فضل من تمام انبیاء و حجت
خاتم اوصیاء است معلوم است که طاعت صحیح را میفرماید عمل را استظهار کنید برده کشف الغمه در آیه شریفه خداوند میفرماید
یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله
والرسول ان کنتم تؤمنون بالله والیوم الآخر ذلک خیر واحسن تأویلا و الرسی از علماء لا ابالی
و از لا مذهبان ایراد نماید در عدم وجوب علم قرائت چنانکه خود هم بچشم و گوش دیده و شنیده ام خدا میفرماید
رجوع نماید که اولی الامر اهل ایمان باشند و حال آنکه مطلق است مؤمن نمی امور خود را رجوع بجا کند
و احادیث و فرمایشات ائمه سلام علیهم اجمعین نماید که آیا علمی و قاعده و قانونی برای صحت نماز ما صحیح ...
و صحت آداب و قرائت هست یا نه سبحان الله مر غلطه داده و شافی بر سبیل اشاره و کنایه
الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم الی آخر سوره الحمد کهفا المعوز الهلاکة و ارض الیابس کلها حاصل
و مالها منفعة و العالمین بالالف بمعنی اذیة و ازارد الالام الرحمن الرحیم کهاء الهور رحم و رحیم
المطر الضعیف یدفع عجالة و اما نعبد بالالف جمعه نابات الهم و الغم همّ و غموم ... محمد
نستعین بالالف ... و الصراط قیل بالسین یقرأ ضعیف مع قول ضعیف
البراق الشدید القاطع و بمعنی لون و بمعنی سرعت و الصراط الثانی الضا لهذا ... الصمد
بمعنی فنا و زوال و یقال صمد فلان بالسین ای زال و مات و ... ربی العظیم بحمده من
مخرج الضاد کما قال اکثر الناس بمعنی مقبض القوس و ذم بعیر و بمعنی تطهیر الخرمن برای ارباب معرفت
موعظه خوب است تا بدانی که غلط خواندن حروفات معنی را تغییر ... بطلان نماز کفر هم ملتفت و قبله
بقصد و رهبر خوانده که در شریعت طاهره این طور وارد شده چونکه عوام قصد و رهبر نمیشنوند کافر نمیشوند انشاء الله
ولی در بطلان نماز محقق است و اما در باب علماء لا ابالی و منکرین علم قرائت شاید باک از کافر شدن ...
چنانکه باک از بطلان نماز ندارند نماز صوری ایشان ... ترس اخراج از میان مسلمانان ...
نیت ایشان خوش آمد عوام الناس است که لا تقیه کوینه شکسته نفس ... در رضا بقضا و نفس ...

[illegible]

[illegible]

در سبب تالیف ترجمة الصلوة

باید دانست که خداوند لطیف و مهربان و رحیم الرحمان بالطاف خفیه خود جمیع سور و آیات و احکام قرآنی را بواسطه حروف بسیط [illegible]

بیان و وضع فرموده است و قدرت کامله خود را چنان بروز و ظهور فرموده که عقول حیران و سرگردانند و مبداء و سرچشمه تمامی احکام

و تفاسیر و اوامر و نواهی الهی بوجود این حروف محقق و هویدا نموده است بر سبیل کمال و وضوح یعنی در هر یکی از حروف به جای خود

جواهر زواهر غرائب خدا را در ظاهر و باطن مندرج فرموده است که در جمیع و تالیف و البته حروف بلباس کلام الله بودن

وضو و طهارت ظاهری و معنوی که دست رسانیدن بر آنها جایز نباشد بلکه مستحق مس نار جهنم باشند چه قدر شرف و اجلال

در آنها نهاده است که همه اعزاز و اکرام ظاهری صوری حروفات کلمات کلام الله که دانسته علاوه بر شرف و اعزاز باطنی

که بر دو وجه است وجه اول احترام صوری و اجلال خود کلمات و حروف صحیح ادا کردن موافق علم قرائت و قواعد مقرر علم قرائت

دوم احترام و اجلال گوینده و قائل که از پاک کردن اعضا و جوارح از کثافات و خباثت و ضو و غسل و از صفات رذیله و بخضوع و خشوع

بودن برضای خالق و عدم تسلط اغراض باطله شیطانی و باید موافق احکام خمسه اصلیه و ممیز واجب و سنت و مکروه و حرام [illegible]

نباید که این عمل از کدام وجه است موافق آن عمل علی ایا عقل هر عاقلی قدر [illegible] و بار چه در عنفوان [illegible]

که حمد از ارکان دین نماز است بر سبیل عبث و مخالفت خالق سموات و ارضین کجا و در اسم اول نماز و ستون دین قائم

بلکه از بند محبت خاندان آل محمد باشند و در عجز ادا از دیگر زبان کرباد و خراسان و حج کردن و لیکن تا بکی صرف [illegible]

آیه اسلام و ایمان بواسطه اکثر معتبرین علماء اهل منبر در جمیع مفسرین دار العلم تمامی شعوفات احکام و مسایل از واجب و حرام

و مکروه پس اگر در قرائت نماز که صورت و شکل نماز است از هزار نفر بشماران معتمد هر نفر نماز موافق احتیاط قرار پسندد موافق علم

قرائت نخواهد جمیعی موافق احکام خمسه اصلیه که ممیز واجب و سنت و مکروه و باطل نباشد چه اسلام و مسلمانی که از وقت رجوع مردم از عهده بر آمد

اگر نماز که معتمدین بر سبیل بطلان باطل و اقل درجه سقط قضا باشند که اقل درجه قرائت اهل دهات و مردم دال ولو نباشند

و از اول به حال است اسم تمیز کرده که اگر [illegible] خط نامه باطل ملبس باشد حیله حمل خطر است و چنانکه تماجی [illegible]

لازم است که قرائت نماز حمد [illegible] و تمامی صیغ عقود و ایقاعات و نکاح و طلاق و نماز میت [illegible] بر سبیل احتیاط قرار پسند موافق علم

قرائت بیاموزد اگرچه عالم و خانوار [illegible] باشد لعه با امور مسلمانان مداخله نماید که از اهل [illegible] بیاموزد از قاری ماهر

و در وقت سؤال مسلمانی کافر و مرتد نشود که محل لغزش اقدام است بحکم آیات و حساب این کتاب که از تمامی کلام الله [illegible]

از برای همین نوع عملی لا ابالی معذورین است نه برای اکراد بیابانی و باید عالم خدا ترس در هر حرف کلمه سؤال و جواب مردمان ادا

لازمه احکام خمسه را نقل [illegible] بعد جواب دهد و در هر حرکت دادن دست و پای و نظر بکنار چشم و جدا لرزیدن الهی بدانه که این حرکت

دست و پای و نظر و جواب من واجب است یا سنت حرام است یا مکروه تا موافق هر یکی حرکت نماید جواب دهم و الا اول

و ثمره جواب مسلمان کافر خواهد شد تجارت و نفع و بکرش نیست که سائل و مجیب هر دو در بیابان جهل سرگردان [illegible]

غوطه در خواهند ماند عالم باشد یا جاهل [illegible] لفظ و زبانی در دهات و اهل [illegible] و پیشوا [illegible] از حضور الهی

نتیجه چنانکه ملت فاسد بر [illegible] معاش خود و اولاد و کالا شقاوت کشف نتایج بر عکس اسم دارد که تجارت [illegible] در دنیا

تجارت عالم صورتان یعنی [illegible] همه فساد که از هر طرف هجوم آورده است خداوند در این آیه خبر داده است الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنكر

اگر نماز که [illegible] نماز [illegible] جمیع علما و قاریان [illegible] نماز [illegible] صورت و شکل نماز [illegible] همه فتنه و فساد عالم [illegible] اجمالا

که از فضل

از الطاف خفیه الهی مسمی بترجمة الصلوة و معراج الطاعات اکسیر العبادات مسمی نمود
که در حقیقت از جناب حق سبحانه و تعالی مسمی باسم

از فضل و لطف و کرم حق سبحانه و تعالی از اصول دین و اصول عقاید و احکام و دین مؤمنان و اهل مسائل فقه لازم و الزم دانم از اوس احکام شرایع دین
خاتم النبیین و اسرار و معانی نماز و کار نماز اعمال و عقاید خبر خواهد داد و در عقاید جمله در ترجمه اطفال و طلاب مبتدیان و تعلیم و تعلم
که این مجرد لاابالی آمد است فرقه علما که یک فرقه ناجی و عالم ربانی خواهند بود و مشتمل بلوازم ترجمه و در تمام عوام الانعام
بخوف و خشیة بمقتضای ضلالت بعضی اخبار رجال تیغ دادن بریدن زبان امت دین او جمله از جاهلان کند است چنانکه بر
اکثر علمای حق فرقه ضال و مضل عالم صورتان که منابر در روضه خوانی و موعظه وسیله کسب اسباب معاش ذکر و عزاداری
بر بام تمامی معاصی زبان جرئت و جسارت کرده اند بالاخبار رجی و اسیه دار منبر راه معاش و جری نمودن عوام
از لوازم آن دانسته اند و نسخ و مترک نمودن قاریان علم قرائت و نماز و عقود و ایقاعات صحیحه و نماز صحابه
که در صحت قرائت نماز و نکاح و طلاق و سایر عقود است که بانی علوم امیر المؤمنین علم قرائت با ابن عباس عاصم تعلیم
این هفت فرقه سی سال ملیفه آنچه بیان مؤلف بی‌بضاعت است با بعضی کلمات مؤلف آورده اند و از
برکنند که قاری علم قرائت مانند و متفق و مذاکره نماز و عقود و ایقاعات موافق علم قرائت صرف نشده
چنانکه خداوند بالاتر از ایشان قبل در کلام مجید حق اینجا عبارت سوره ومن الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل
عن سبیل الله بغیر علم و یتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین و اذا تتلی علیه آیاتنا ولی مستکبرا
کان لم یسمعها کان فی اذنیه وقرا فبشره بعذاب الیم و در آیه دیگر فرموده والذین سعوا فی آیاتنا
معاجزین اولئک اصحاب الجحیم عجایب آیاتیکه در خصوص فضایل نماز و مذمت تخریب نماز وارد است
علاوه بر اخبار و احادیث بی‌حساب از حد تواتر در گذشته است آیاتیکه در این کتاب برسم ملا آورده ذکر
خواهیم اشاره نمود چنانکه حق کتاب ما مسمی باسم حق ترجمة الصلوة و معراج الطاعات و اکسیر العبادات که
از الطاف خفیه حق است و از جمله سهام علمای شیعه خناس که وسوسه در الناس که اعلای لوای دین
بواسطه نماز و صحت و سقم نماز حق و نماز عوام الناس و در وقت سوال بعضی عوام الناس که نماز من خوب است یا نه
حکم صحت و فساد آن بکمال جسارت میدهند که مبادا عوام نسبت نادانی به مدرس بدهند کفر را قبول نمایند که ومن
لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون و حال آنکه حق بیچاره اسیر نفس و شریر محتاج نماز مسقط قضا
که اقل درجه نماز شبان و مزدوران و کافی است کسیکه سوال از قرائت نماز کند و فتوی جواب حق نتواند
داد که موافق اصول خمسه اصلیه طرق و انواع قرائت را از واجب و سنت و بطلان ملاحظه کرده و جواز آنرا
بمقتضای هر یک از امور خمسه بلد باشد تا کافر و مرتد نباشد و حال آنکه حق این بی‌دین بطلان و اختراعی
بعض نماز حق را زایل بر بطلان نمیداند صاحب تمیز نیست و آنکه در رسالها مجتهدین فرموده اند در قرائت نماز
تمیز کافی است این تمیز است نه تمیز میان صاد و سین و تمیز میان ذال و زا و ضاد و ظا و ساد تا اینکه عالمیکه
تمیز میان بطلان و فساد و صحت و فساد نماز حق ندارد به اخلال امور مردم نماید به چه جاهلانست در این کتاب
برای اینست مبادا کسی ظن نماید اطلاق عبارت جمله است بلکه علمای ربانی بالاتر از مقام انبیاء و افضل از
ملائکه شده اند نواب خدا و رسول و نواب ائمه اطهار و خلیفه امام عصر و حجت الله شده اند نور خدا و واسطه نظم

در ذکر خواص نماز که با قرائت مطابقه و ذم بطلان نماز که اعراب [illegible] غلط

بسمه تعالی باید دانست که عمده اسباب صحه انسانی و اعظم علامات دینیه که محبت خالق و معارف و صلاح دنیا تالیف کتاب [illegible]

و قوه ایمان و اسلام و علم و عقل و مبدا و معاد و شریعه علم و عمل و تقوی و ورع و اکثر صحت اسلامی قبل علم و عمل [illegible]

از جید و صحه اساسی است و این شناختن بهر درجه صحیح و سالم باشد از عیب [illegible] باین درجه علم و عمل [illegible]

اندازه که معیوب و مغشوش باشد تنزل و پستی و عیب دارد تا که فنا و زوال که بالمره مفقود و معدوم گردد [illegible]

سیئات باسم ایمان و اسلام در باطن جامع مراتب ظلم و فساد گردد و استاد و مدرس لعین باشد با همه [illegible] چنانکه [illegible]

اهل زمانست خصوص بسیار عالم صورتان لاابالی و مغرور که اهل سواد و کمال و منبریان و سردمداران نماز [illegible]

بکلمات [illegible] و مولف منهم عوام فریب [illegible] باسم ترویج در روضه خوانی و ذکر و دعوا [illegible] بانسخ آداب و شریعه [illegible]

زدبان و درجات تمامی شقاوت و معاصی [illegible] که هر قدر ترحیم و لوازم ترحیم زیارات که و سایر [illegible]

تقرب سلطان [illegible] که در این هر قدر [illegible] [illegible] باشد خالق ملیباشد که شما و منزوی [illegible]

اولیه سلطان هزار درجه خوف در عیب و قرب [illegible] لاابالی اگر مخالفت و محرمات [illegible] ترک اولی [illegible]

نسبت بخالق حق مقدمه تمامی معاصی است چنانچه در نماز اگرچه مبطل نماز نباشد مقدمه عدم تمکین [illegible] لاامحاله مخالفت

خواهد گشت که [illegible] که جمله نماز با عدم قرائت و مخالفت و بطلان باشد با قرائت و اعراب غلط باسم نماز [illegible]

و حال الحمد و اداء [illegible] عبادت صحیح عبادت خلق کرد و فرمود و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون عبادة [illegible]

شناسی و اطاعت است و جمیع [illegible] خالق و قدرت و قهر و غلبه و عده و وعید و بهشت و جهنم و عذاب و میزان [illegible]

صادق [illegible] خالق دانسته باشد [illegible] اطاعت و عبادت و خوف و خشیت خواهد [illegible] ظهار اسلام و ایمان [illegible]

[illegible] میزان الصدق [illegible] آیات قرآنی [illegible] مجتهدین زمان از صحبت [illegible]

[illegible] است اگر مخالف [illegible] عین دشمنی است [illegible] عدم ایمان [illegible] اسلام [illegible]

پس چنانکه علم و عمل لازم ملزم [illegible] غلط زبان است [illegible] ترحیم [illegible]

و سبب تالیف این کتاب [illegible] انقلاب زمان [illegible]

بر آستانه [illegible] حضرت [illegible] الائمه علیه الاف التحیه و الثنا [illegible] تالیف [illegible]

[illegible] اسباب تالیف [illegible] غنیمت دانسته [illegible] تکثیر چاپ [illegible]

[illegible] صاحبان توفیق و سعادت برای رضای خالق و فیض [illegible] چاپ نمایند [illegible]

[illegible] احیای دین خاتم النبیین است و دنیا [illegible] انشاء الله تعالی [illegible]

[illegible] مجلس [illegible] کلام الله [illegible]

مقدمه [illegible] نادان [illegible] ضایع نمایند [illegible]

کلام را [illegible] تا آسمان [illegible] انشاء الله [illegible] صحت نماز [illegible] قرائت [illegible]

[illegible] شهر [illegible] خراسان [illegible] قرائت نماز [illegible]

[illegible] علم قرائت بسیار نادر [illegible] و النادر کالمعدوم [illegible] روضه خوان [illegible]

شرایط [illegible] صحت قرائت و علم قرائت [illegible]

[illegible] نماز با قرائت صحیحه [illegible] اسلام [illegible] نماز [illegible]

[illegible]

در ذکر فضیلت نمازی که با قرائت اهل خبره است و مذمت نمازی که خبر عربیت باطل

صحیح و باطل نداریم و در دین اسلام چنین مذهبی نیست چرا و آن دوستی امام حسین و فهمیدن اسرار او این باشد که اصرار نفرمود خدا و رسول موافق باشد بهرا و موسی را عکس و آن خاتم النبیین که بر امام حسین در روضه خوانی [illegible] معاش این در زمان حضرت موسی [illegible] گفت [illegible] عرض کرد که یا نبی الله [illegible] ما نداریم که از خدا طلب مغفرت نمود که اینها عاصی و گناهکارند بغیر از تو امید به ما [illegible] نداریم حضرت موسی بعد از مناجات حضرت حق [illegible] امر و حکم خداوند فرمود امید [illegible] الشخص در دعوت مردم و اجرای احکام من مضایقه نداشت و با دعوت مردم را [illegible] معاش قرار داده توکل بر آنکه [illegible] اسم بخشند این اجرا را [illegible] مولف [illegible] از علمای زمان روضه خوانی [illegible] با معاصی شفیع باشند را [illegible] موافق حدیث شریف [illegible] از ائمه و صادق باقر [illegible] قوم [illegible] نداریم مگر طاعت و خوف و خشیت از [illegible] پروردگار و آن نباشد [illegible] شفاعت [illegible] موافق [illegible] لا تنفع الشفاعة الا من اذن له الرحمن و رضی له [illegible] حدیث مفضل در [illegible] کتاب [illegible] است که حضرت امام رضا [illegible] مفضل رسول خدا [illegible] که خدا [illegible] شیعیان من شیعیان علی و شیعیان فرزندان مرا [illegible] یعنی [illegible] گناه [illegible] کشته [illegible] آن [illegible] در قیامت [illegible] شیعیان [illegible] خداوند [illegible] مفضل [illegible] کرد [illegible] اینها [illegible] فضل [illegible] اهل بیت حضرت [illegible] مفضل [illegible] شیعیان [illegible] از شیعیان خالص این حدیث [illegible] نقل [illegible] معاصی [illegible] رخصت طلبند یعنی [illegible] احادیث [illegible] ترک طاعت و عبادت الهی [illegible] هیچ [illegible] ایشان [illegible] منصوص [illegible] کان و صلی است که شیعیان [illegible] علاوه از حضرت صادق [illegible] ائمه [illegible] چند [illegible] اخبار در خصوص شفاعت ایشان با آیات قرآنی در [illegible] فمن یعمل مثقال ذرة خیرا یره و من کان مثقال ذرة شرا [illegible] خداوند [illegible] خطاب فرمود در سوره احزاب یا ایها النبی اتق الله ولا تطع الکافرین والمنافقین ان الله کان علیما حکیما واتبع ما یوحی الیک من ربک ان الله کان بما تعملون خبیرا الذین یقیمون الصلوة ویؤتون الزکوة وهم بالآخرة هم یوقنون اولئک علی هدی من ربهم واولئک هم المفلحون ومن الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله بغیر علم ویتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین در [illegible] دیگر خداوند فرمود احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا وهم لا یفتنون ولقد فتنا الذین من قبلهم [illegible] روضه خوانی با ذکر بعضی اخبار [illegible] آداب [illegible] در خصوص نماز [illegible] کردن و گمراهی و ضلالت مردمان [illegible] دشمنی اهل بیت [illegible] نداریم [illegible] که خدا [illegible] المومنین [illegible] قرآن و [illegible] موعظه [illegible] لازم است [illegible] و نفخ فی الصور فجمعناهم جمعا وعرضنا جهنم یومئذ للکافرین عرضا الذین کانت اعینهم فی غطاء عن ذکری وکانوا لا یستطیعون سمعا انا اعتدنا جهنم للکافرین نزلا الذین ضل سعیهم فی الحیوة الدنیا وهم یحسبون انهم یحسنون صنعا اولئک الذین کفروا بآیات ربهم ولقائه فحبطت اعمالهم فلا نقیم لهم یوم القیمة وزنا و ایضا قال ومن اعرض عن ذکری فان له معیشة ضنکا ونحشره یوم القیمة اعمی قال رب لم حشرتنی اعمی وقد کنت بصیرا قال کذلک اتتک آیاتنا فنسیتها وکذلک الیوم تنسی وکذلک نجزی من اسرف ولم یؤمن بآیات ربه ولعذاب الآخرة اشد وابقی افلم یهد لهم کم اهلکنا قبلهم من القرون یمشون فی مساکنهم ان فی ذلک لآیات لاولی النهی [illegible] اعقل [illegible] نماز صحیح و باطل [illegible] عوض تصحیح نماز و قرائت نماز و صیغ عقود و احکام [illegible] بر [illegible] یوم یعض الظالم علی یدیه یقول یا لیتنی اتخذت مع الرسول سبیلا یا ویلتی لیتنی لم اتخذ فلانا خلیلا لقد اضلنی عن الذکر بعد اذ جاءنی وکان الشیطان للانسان خذولا [illegible] لکل نبی عدوا من [illegible] پس تمام آیات و اخبار و احادیث این کتاب در مدح و فضیلت نماز با قرائت اهل خبره یا در مذمت نماز [illegible] [illegible]

۲۰

در اشاره به روان طریقت بندگی در نماز

بسم الله الاحد الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد والصلوة والسلام علی محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین الذین
اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا و اللعنة علی اعدائهم و ظالمیهم و غاصبیهم من الجن و الانس من
الآن الی یوم الدین اما بعد باید دانست که عمده لوازم دین و ایمان مؤمنین و کل سر جمله حسنات [illegible]
توحید باری عز اسمه می‌باشد که سبب قرب و محبت و طاعت حقیقی و فعلی واجب الوجود تعالی شأنه [illegible]
اوامر و نواهی و سبب تعارض و دشمنی و مخالفت حق است فعلاً و قولاً و مجازاً و حقیقةً پس کمال توحید
شناسی از درجه باشد لابد طاعت بنده که کامل‌تر می‌باشد چنانکه مشهور است در وقت ذکر اعلا مراتب ایمان [illegible]
پس توحیدش کامل است از کمال توحید اشاره بکه شناسی نمایه ایست که حضرت شاه اولیاء [illegible]
یقیناً چنانکه هر درجه شناسی ناقص و ضایع کرد دلیل نقصان و خرابی توحید خواهد شد تا رسیدن به درجه شرک و کفر
تحصیل راه سعادت و شقاوت بتدریج و ترتیب حاصل می‌شود و سلوک طریقه و عظ و پند نیز برای مذاق اهل هر زمان
که مخالفت شده [illegible] اسلوک داره در تعمیر رخنه‌های ایشان باید کوشید و این زمان در تخریب ستون نماز اسلام [illegible]
اعلا و ادنی دست بهم داده از صورت و شکل نماز سوای قرائت نماز باشد ملحوظ و متروک بلکه با نماز [illegible]
و [illegible] عوض بدل کرده از علاوه بر طمأنینه نماز و مکان و لباس مشتبه و قبله نامعلوم و تصرف در مال غیر

۲۱

و سمعه از تمامی آداب مسلمانی بجز نشستن و برخاستن و اسم نماز چیزی نمانده است لهذا این حقیر [illegible] الصلوة
معراج الطاعات مخصوص [illegible] اگر توفیق الهی یار باشد با آیات قرآنی و اخبار و احادیث ائمه اطهار سلام الله علیهم
اثبات توانیم که درگاه و مجمع جمیع علوم و فنون شاه اولیاء و ائمه هدی علیهم السلام الله هستند که کلمه حدیث شریف
مدینة العلم و علی بابها باشد [illegible] چنانکه [illegible]
که قدر [illegible] انسانی بقدر شنوائی کلمات حق می‌باشد [illegible] عکس است حضرت
افضلکم علی [illegible] از جمله شرایط آداب زهد و تقوی اجتناب از محرمات و عمل بواجبات می‌باشد تا اسم تشیع
قابل کرده بلکه درجه‌ای مراتب [illegible] اهل تمیز [illegible] دل باشند المؤمن [illegible] اول درجه ایمان [illegible]
ایمانست که قابل [illegible] و محبت خدا [illegible] خواص خلوص ائمه سلام الله علیهم [illegible]
و [illegible] بلکه مجمع امراض معنوی است که قابل شفا و علاج [illegible] خصوص برای مبتدیهای اطفال [illegible]
تعلیم و تعلم [illegible] دین و ایمان محکم و سخت‌تر باید رسید احتیاط تا اینکه کالجبل لا تحرکه العواصف باشد و العلم فی الصغر کالنقش
فی الحجر [illegible] که مشهور است هر کار بتدریج و ترتیب کم کم باید تا رفته رفته کامل شود [illegible]
[illegible] در میان نماز [illegible] از اول تعلیم و تعلم بلکه اگر قرائت و مسائل و شرایط نماز [illegible] از اول تربیه [illegible]
در تعلم نماز [illegible] و نماز [illegible] باسم نماز [illegible]
[illegible] کالجبل لا تحرکه العواصف [illegible] که بعد از تحصیل [illegible]
با [illegible] صاحبان علم قرائت برای تعلیم قرائت نماز [illegible]
نماید بلکه در [illegible] بعد از این نماز بیاموزند بعد از [illegible] کار [illegible]

دیگر اینکه

در لزوم مقدمات کتاب از اطلاع بر مطالب آن

و مکرر اتفاق افتاده که مطلبی میان مردم فتح شمار نرفته که هر کس از علم حکمت بهره ای ندارد حکمی میداند یا مال انفصال بدن

یا نکته گران عالی شیخ خطابی نماید الزار عالم بالا الشمس و قمر و نجوم در بروج و ساعات ایام و ساعات سعد و نحس

چه یا باشد که محکمی که دیده ملته انسان علوم هر یک است میدهند در اظهار عیوب و قبایح مؤلف آن کتاب نیز حکایت بر نماز

هر نسبت قبیحی میدهند حکایت نسبت اختیار دارم و از در باب محرابی نماز و با میان نماز نسبت خبر از عجز الله

و تکفیر نماییم اگر بهتان بسته باشیم جزای اعمال خودم خواهم دید و از مصداق کلام حق باشند که سخنان

در علاج مرض خود باشند عالمان امثال خودم در صحرای نماز خود و نماز دیگران بسته زبان گشیدم از اخص نسبت

با آن ارائه کلیم حق دراز نکنند کسانیکه سر رشته علم قرائت ندارند معنی تمیز حروف را که در قرائت نماز کافی است نمیدانند

چنانکه مجتهدین همه در رسالهای خود نوشته اند که علم قرائت بر سند نیز حروف تمیز میان سین و صاد و میان حا و حطی

و ها و همزه میت و فرق میان ثا و سا و فرق میان ظا و ضا نیست و میان طا و تا نیست و فرق میان ظا و زا

که برای خودش آنها عوامی کالانعام بلهم اضل در وقت سؤال تهتر است که فعل خود شنی بر زبان خود بزنند تا کافر نباشند که حکم

آیه شریفه و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون ابدا به سند که قال النبی من استخف بالصلوة لم

ینل شفاعتنا اهل البیت معنی و تمام و مراتب مستخف بالصلوة مجتهدین در رسالهای بیان کرده

از هر قسم باشد کافر خواهد شد اگر خلاف نماز خود را سبز به ادا باید باکی خبر آن ضرر نماز را که اهل خبره بین الرحمه

مجتهد باشی از شیخ مرتضی انصاری اعلی الله مقامه بالا نیستی که هر گاه قرائت نماز خود را با تغییر معنی نشان سیداد

که مبادا اشتراک باشم معصوم که نیستم فامل که در آن صراط مستقیم اللهی در طی منازل نه که این چنانی

راه رفتند تا بیا خواهی خوب دید نماز خود نمیز دهی و برای از معنی آیه شریفه باید پرسی که چه ادله فرموده

الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر نماز من تو که بر عکس نتیجه دارد عوض مانع شدن از معاصی چه طور

جری بر الوقایع در اقسام معاصی نماید که ماشاء الله با همه وضوح و ظهور کار نماز درست باشد الظاهر اسم نماز بسیار کریم

و اما مخالف و تعارض لمیکه در حالت نماز با داب الرحمه داریم اینست که با عجله و شتاب و در فکر اتمام چنانکه مردان خدا

نماز و مناجات و صحبت عاشق و معشوق دراز و نماز طلب و محبوب و غنیمت ایام وصل میدانند از اطاله دادن نماز

در رکوع و سجود علاوه بر قدر واجب با دعاهای مقرره مستحب هر چه اگر دنیا و آخرت بکند در آن که معنی نماز تذلل و صفا

و انکسار است با گریه و آه و ناله و خضوع اقلا بگریه و هیئت داکر نباشد که خضوع و خشوع و تفکر و قرائت حروف و کلمات و ذکر

الاسم ممکن نباشد بلاحظه اداب نماز هر یکی از اعضا که هر یکی در نماز و تذلل دیگر است که در همه اداب نماز مذکور

خواهد شد غیر از تعقیبات مثل آنکه چشم در سجده گاه باشد که دیگر سیاحت نرود و دستها در قیام بر ران متصل که

سر انگشتان بجانب قبله از چهار انگشت تا یکوجب گشاده که یا که تفصیل نماز و اعضا خواهد آمد با کمال توجه و تعجیل

وصل محبوب حق و تصور نماید اما نماز من تو که رسید که یا ما و بیکار سمتی امر کرده که گویا حمال کشیده در

انکار میدهد که کی امر سخت عظیم از سر دفع خواهیم که از این داهیه میباد اللهی دفع الوقت در ازم خوش شوق

و نشاط وصل محبوب کسالت بر کسالت افزاییم و چون خواهی نکرده اشتری که نخواهیم و در فکر سلام چیزی جمله که

قرائت در رکوع و سجود ... و در خواستن چنانکه خدا را امر فرموده که چه شد که اگر در نماز و آداب نماز دارد معنی

جمله فکر نماید که مخصوصه تعارض با حضرت داری که این کج دار است که چه نفع ممن دارد اللهی که تمام خواسته ای که مرا از این حبس خلاص

خواهی کرد که بیکارهای واجب دارم و دنیای خودم خواهم پرداخت علاوه بر بطلان تضییع نماز چه قدر شرک در نماز ما میداند

که همکی این شد که اشخص از سم است اینجا شرک فعلی و به ای ات

٢٢

(margin) در وصف خود ... اهل نماز

در سبب و مقدمه تألیف رسالة ترجمة الصلوة

بسم الله الرحمن الرحیم از جمله مقدمات ایمان و اسلام و نماز و بندگی این آیه شریفه است برای اهل عقل در اثبات معاد جسمانی و روحانی

افحسبتم انما خلقناکم عبثاً و انکم الینا لا ترجعون برهان قطعی است زیرا که بنزد عقل مستقیم ثابت شده است که حضرت

مقدس ایزدی حکیم است و فعل عبث از او صادر نشود و کارهای او همه از راه حکمت و مصلحت است پس خلق کردن آسمانها

و زمین و حیوان و انسان و جمیع ذرات عالم باید بحکمت باشد و عبث نباشد و معلوم است که منفعتی بخود حضرت باری ندارد

زیرا که غنی بالذات و کامل من جمیع الجهات است و احتیاج از لوازم امکان است پس غرض منفعت مملکت است که با انسان

عاید شود و لکن شیء دیگر نباشد منحصر در این نشأه باشد که فانی است و مخلوط بانواع کدورات و رنجها و زحمات است مملو از امراض

و مصائب و محن و فتنه و فساد و بیمار و احتیاج و انواع ضرر و خسارات قابل آن نیست که مردم برای همین انواع [illegible] خلق

کند که بسیار شبیه است بآنکه کریمی شخصی را دعوت بضیافت شهوانی نماید که خانه و بنگاه مملو باشد از انواع درندگان و موذیات و زنبور

و پلنگ و مار و عقرب و غیر ذلک و چنین وارد شود طعام بنزد او حاضر نماید و هر لقمه که مهمان عزیز بر میدارد چندین زنبور و مار و عقرب نیش

زنند و بالش نیش زنبور برنده و شمشیرداران در برابرش ایستاده باشند حمله کنند که در هر لقمه گردنش را بزنند منتظر امر

اشاره مولا هستند آیا عاقلی ضیافت چنین را می پسندد یا مدح و ثنا میکند بلکه میخواهد بخلاف آنکه بعد از این تکلیف بعضی حرکات

۲۲ ممتحنه طاعات بمیزان قوه و استعداد و ادبیات اسباب تقرب حضرت و علائم محبت او کاری امر فرماید که بعوض انسان در مملکت سلطنت

سرمدیه وعده نماید مجاورت حضرت خود که نزد عقلا مستحسن است و مدت حیات طاعت و عبادت که اسباب محبت و مودت است و از آن در مقام

ام جزای سلطنت و نیات باقی علی الدوام [illegible] حلیت خدا پس علائم دوستی و محبت خدا احکام قران است که حد نماز و ادا

شرع و دین خاتم النبیین ص که در وقت ارتحال فرموده انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی و لازم و ملزوم مانند که

هیچ وقت مفارقت ندارند مصدق یکدیگرند تا در کنار حوض کوثر بحضرت خاتم الانبیا ص برسند در حوض اللهی میرسد که کلام [illegible] از حضرت

اعراض از امر و طریقه کتاب الله [illegible] آنحضرت [illegible] و تمرد کرده اند که کتاب الله [illegible] صغر [illegible]

میداند که نماز از احکام کلام الله و اهل بیت رسول الله و حضرت خاتم الانبیا نیز خادم و مروج نماز و متعلقات و لوازم احکام نماز بوده

در سر نماز و علامت [illegible] ادای نماز و اقامه نماز شهادت را با جان [illegible] رضا در غیبت [illegible] کفر در اوقات نماز تغییر رنگ و احوال ائمه

بلکه نماز بعد از اصول دین سر سلسله طاعات و عبادات است بجهت نماز خیر الاعمال است که نه قرائت و طمأنینه دارد و نه سایر

صورت و شکل قرائت دارد بلکه روح نماز که خضوع و خشوع و حضور قلب است که موجود است [illegible] از آتش سوختن حق

صاحب حق خاصیتی ندارد بواسطه همین نماز [illegible] علم قرائت [illegible] اسلوب و تعلیم و تعلم صحت نماز از اسباب سلطان

بر داشتند جاهلی از مغرورین علمای لاابالی بعلم و فضل خود مغرور بکلمات [illegible] اند و [illegible] برای خوش آمد عوام [illegible] باز

کرد ایها الناس در قرائت نماز تمیز حروف کافی است این [illegible] معارض علمای [illegible] شریعت [illegible] العالم

محقق شد جاهلی بسیار برای وسعت معاش روضه خوانی [illegible] معاصی و گمراهی مردم و خوش آمد عوام [illegible]

اسلام را در روضه خوانی [illegible] گریه و عزاداری قرار داده اند که کسی بغیر از گریه و عزا [illegible] دین اسلام نماز [illegible]

[illegible] و بعضی [illegible] که موعظه و مسئله [illegible] کرده اند از لوح و قلم و عرش و کرسی یا بعضی مسائلیکه در عمر [illegible]

عوام را بکار نیاید قصص و اخبار عجایب و غرایب عوام پسند که [illegible] رسیده باشند و یا بگرفتن مجلس و اشتهار بقصص [illegible] که مردم

تحسین نماید یا [illegible] اطفال رساله [illegible] خاتم انبیا و ع مرتضی [illegible] آتش [illegible] روضه خوانی

مقدمه ترجمه الصلوة و معراج الطاعات

بسم الله تعالی بر ارباب فضل و کمال و علم و عمل معلوم است که تألیف و تحریر اخبار و احادیث ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین از جمله
لوازم تقرب و سبب ثواب بی حساب است اما بعد از تألیف بسیار در عالم تفکر و تأمل خواستم در آخر عمر نسخه از فرمایشات و اقوال
و احکام پیشوایان که اهم و الزم باشد و اهمّ داده موافق فهم و دانسته عمل نمایند بنویسم مگر اینکه نسخه که باعث ترویج و
احیای نماز و صحت و احکام نماز باشد و احکام صیغ و عقود و ایقاعات و قرائت نماز واجب دیدم چه در حقیقت نماز
و قرائت نماز و صحت قرائت صیغ و عقود و علم قرائت و قاریان با سواد کم شده است که از نماز بجز
نشستن و برخاستن و از قرائت نماز و قرآن خواندن و صیغ و عقود و ایقاعات کلیة لقلقه زبان چیزی نمانده
بلکه نماز سهل بقرائت اختراعی و بدعت بازیچه شده اند باطمأنینه نماز اکثر علما و طلاب نه قرائت نماز و طمأنینه دار
تا بعوام الناس چه رسد و اکثر نماز بقصه دردی بخوانند که نماز چه اجزاء هست که من میگویم شاید کلام آیه شریفه
کافر هم باشند که چه اقرار است و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون با برده دیگر که مسامحه
در تعلم نماز و قرائت نماز نماید مستخف بالصلوة صدق نماید کافر گردد و یا در تعلم مسائل دیگر نماز واجب
مستخف بالصلوة باشد یا در قضای نمازهای باطله امروز و فردا نماید تا مرگ در رسد کافر گردد و بدین سیاق علما
محتاج نماز مسقط قضا شدند اینهم در دار العلم خراسان تا با بلاد چه رسد عوام الناس چه کنند بکلم چه شریف
الصلوة عمود الدین ان قبلت قبل ما سواها و ان ردت رد ما سواها هست که نتایج نماز بدعت باعث اینهمه فساد
و انواع و اقسام ظلم و خونریزی و آشوب و برداشته شدن برکتها و خوردن مال مردم و تمامی اقسام مخالفات در بلاد ۲۴
و شهرها و هرج و مرج عالم گردید تا الحال که احدی ملتفت خرابی و سبب این خرابیها نیست که از کجا کارها بالمره خرابی
یافته و نمیدانند که سبب خرابی علم الصدرات و شکستن نمازهاست و عوض ترک شدن نمازها اسم عمل باطل گذاشته
اقوال و گفتار علمای معتبره ما لی منبرهای مسائل که در مجالس قصه آید بلند جهل ساله است میگوید ایها الناس در قرائت نماز
تمیز حروف کافی است قاریان بسیار افراط و تفریط نمایند و دهان را بهمی کج در ادات نمایند و بانواع آن
مزخرفات عوض ترغیب بتعلیم و تعلم قرائت نماز و مذمت بطلان نماز و تغییر و تبدیل نمازها بنماز بدعت و اختراعی
خانه رسول خدا را هر بار بدین طور آتش زدند بکلمات رذیه اندود عوام پسند بواسطه لاابالی و بی اعتنائی و غرور و فضل خود
چنانکه حضرت امیر فرموده افته دون الاستکبار ما هو هو تارک الطاعة لمن امر و الطاعة و الترفع عن تدارک
متابعته یعنی با سیه اینه استکبار و غرور و جبت از ترک طاعتی است که مامور بآن و ترک ادعیه و ذکر و تلاوت مستحبات
در هر کاری و اوامر مستحبات نیز فراموش شده است غرور لاابالی و بی اعتنائی که مخصوص علما و فقرا که غرور و استکبار است
مخفی و ظاهر و اعجب امورات که از درجه شرک و کفر گذشته بی صدا است و هم علاج ندارد و مخفی از زنان فاتن هر صد کرد
سیما منحصر است بر صاحب خود این صفت خبیثه قال که خدا در خبر داده در آیات بسیار درخصوص الناس من یشتری
لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله بغیر علم و یتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین و اذا تتلی علیه آیاتنا
ولی مستکبرا کأن لم یسمعها کأن فی اذنیه وقرا فبشره بعذاب الیم منبه انم بهتان علما بسیار کفر
اینها که مذمت آنها را در این کتاب تمام راه زبان شرع و دیند خناس الذی یوسوس فی صدور الناس میباشند قال الله
یا ایها الذین آمنوا هل ادلکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم تؤمنون بالله و رسوله و تجاهدون فی سبیل الله باموالکم و انفسکم ذلکم خیر لکم
ان کنتم تعلمون یغفر لکم ذنوبکم و یدخلکم جنات تجری من تحتها الانهار و مساکن طیبة فی جنات عدن ذلک الفوز العظیم

مقدمه تجارتگاه از دنیا باید برد

خداوند لطف و [illegible] مذاق ما آداره کان و بار معاصی [illegible] که دنیا [illegible]

برای آنکه از عذاب الیم آخرت ناجی باشیم من که خالق [illegible] در [illegible] تجارت دنیا [illegible]

[illegible] تجارت و زراعت کنید [illegible] تعلیم و تعلم معلوم [illegible] الطاف خفیه خالق [illegible]

[illegible]

مقدمه کتاب رحمة الصلوة و معراج الساعات

واز اینجا ستمکارانکه دنیا بر داشته اند و احمد بالشان ما یعنی مگر نفس حقه پس که هر روز و ساعت دوکان [illegible] بنا

کو هر دشب چراغ و جواهر زواهر براق در بنیم عالی به قیمتی است که فراین مهیج ملک اسلامیین ما حصل منفصل عوالم [illegible]

و هر ذره اش تمامی از آنکه هر دنیا را مهیا [illegible] سرد زرا که در هر دقیقه دنیا است باقی توان خرید

اکسیر اعظم صد آیت و هر شب روز دنیا معمار قصور و عمارات عالیه بهشت ها و [illegible] شمس افلاک و تاج

ممکلت عالم عالم عزت و سر بلند است والحاصل احمد از جمله کاسب [illegible] حقیقی سبحانه و تعالی نباشند و [illegible]

مگر در بازار تجارت و زراعت دنیا و مرد و سر دانه لمر مست و متبعیت امیر المومنین [illegible] حکم نیست و در کارت و زراعت دنیا

مرد نکوشیده مگر اقوال و افعال پیشوایان حقه و حجت و السنه باشند در زراعتگاه دنیا که عین [illegible] تصدیق

تو لی فایده ندارد قشر مذهب است و منافقی و چراغ ایزد پرایف [illegible] دارد تو اترا بسته است که از [illegible]

قبل از حضور نکرین و قبل از دارغ و برگشتن مردم در اطراف بیت عالی اعظم و عمده سبب محکم [illegible]

دسته امد عالی ظاهر است در طرف [illegible] زکوة و سبب حجة الاسلام و رد الدین بالاسر از ره در طرف [illegible]

بر نماز که سر سلسله طاعات است ان قبلت قبل ما سواها و ان ردت رد ما سواه خطاب یاران تمام و [illegible]

هر کدام مساعی جمیله خدا را بجا آورده که شاید [illegible] باین مبنه آسیبی و شقیق رسد و ذکر [illegible]

من توانم همه صدمات و زحمات او [illegible] دفع و رفع نمایم پس [illegible] که اکنون ما [illegible] تا آیا نماز خبر [illegible] عن باطل

اینکار و میلیونانکه البته که خداوند فرموده ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر پس نماز [illegible]

این خاصیت دارد برای مردم و بدعت و خبر [illegible] الاقرار نماز [illegible] کن اکثر [illegible]

و متروک شده ام بازم دنیا خالی که مثبت برای اثبات همین کار بزرگ خداوند و قرآن [illegible] آیه مگر در باب نماز چه

قدر آیه است و معدات و چه قدر [illegible] سالی و دیوانه [illegible] که در هر صفحه و هر ورقی [illegible] قدره

دل بفریاد آورد چه کنم چه چاره سازم آسانتر از زبان فارسی و فرایض [illegible] دلایل [illegible]

ندارم و شاهد حاضر واضح و دلیل [illegible] خاصیت نماز باطل و ضایع [illegible] که [illegible] عالم

و قاطبه فتنه و فساد ظلم [illegible] و تصرف در [illegible] دیگران که ام قسم معاصی باقی مانده که ناقص از [illegible]

باشد زمان ما دلیل اعظم است علاوه مبدا [illegible] این فساد نماز بعث هم از اکثر علما باشد [illegible] که یک

مخالفت تغیر نماز بعث باشد کاد [illegible] العالم [illegible] و علاج آن [illegible] که در منابر و مساجد [illegible] تعلیم

و نماز [illegible] ایها الناس و در قرائت نماز [illegible] حرف [illegible] یا آنکه [illegible] افراط و تفریط بسیار [illegible]

کج در [illegible] الکنایة ابلغ من التصریح [illegible] آتش زدن [illegible] عالم

سبب [illegible] شده با یک مخالفت که [illegible] دحاء [illegible] یک مسئله و حال آنکه ماموریت [illegible] آن

شیئ در موضوعه حصه [illegible] که این [illegible] واجب است حرام است یا جایز و یا [illegible] موافق

عمل نمایند و حال آنکه در شکل و صورت قرائت نماز اینهمه فساد [illegible] در روح نماز پس علماء لازم است [illegible]

موافق احتیاط کاری [illegible] عوام الناس کافر [illegible]

حضور [illegible] کافر [illegible] چه قدر حماقت [illegible] و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون ... فاولئک هم الظالمون

فکذبت بها واستکبرت وکنت من الکافرین ویوم القیمة تری الذین کذبوا علی الله وجوههم مسودة الیس فی جهنم مثوی للمتکبرین وینجی الله الذین اتقوا بمفازتهم لا یمسهم السوء ولا هم یحزنون الله خالق کل شیء وهو علی کل شیء وکیل

النار یعرضون علیها غدوا وعشیا ویوم تقوم الساعة ادخلوا آل فرعون اشد العذاب واذ یتحاجون فی النار فیقول الضعفاء للذین استکبروا انا کنا لکم تبعا فهل انتم مغنون عنا نصیبا من النار قال الذین استکبروا انا کل فیها ان الله قد حکم بین العباد وقال الذین فی النار لخزنة جهنم ادعوا ربکم یخفف عنا یوما من العذاب قالوا اولم تک تأتیکم رسلکم بالبینات قالوا بلی قالوا فادعوا وما دعاء الکافرین الا فی ضلال انا لننصر رسلنا والذین آمنوا فی الحیوة الدنیا ویوم یقوم الاشهاد یوم لا ینفع الظالمین معذرتهم ولهم اللعنة ولهم سوء الدار

[illegible] در آیات [illegible] کدام یکی سزا دار اهل نماز [illegible] نماز [illegible] سزا دار [illegible] انواع هذا [illegible]

در سعادت و شقاوت و مقدمه رحمة الصلوة و معراج المؤمنین

پس این همه عیب و معاصی و مخالفات برای خاطر خیر غنی بودن صورت و شکل قرائت نماز است اما در خلاف حظ روح نماز که ندیم حضور قلب در نماز

و حضور و خشوع پس است اینکه خداوند به پیغمبر ما به این کمال ... ادنی دارد دل کسی نیابی که فریب دهی سراکه خالق تو ام فریب

و حال آنکه خداوند ... کن بچه محبت بوده تا ما عاصیان را در این تجارتخانه دنیا از بزرگ و کوچک و مؤمن و مشرک سفید و سیاه

و دنیا سود متجر خطاب فرمایه و سرمایه عظمی برای من و تو عمر شریف داده است که هر ساعتش از تمامی دنیا و ما فیها عزیزتر

و تمامی اعضا و جوارح را خادم و صاحب و عامل ... عقل و سلطان مملکت وجود قرار داده و اختیار همه سود و تصرف را قرار داده ... در فطرت

اسلام و ایمان مطیع و منقاد فرموده تا در تجارت فرموده چنانکه پیش از ما سعه التحصیل اسباب سعادت و اشقیا بکفر و اراذل بار

آنها هستند ما هم باید در همه کارها تجارت نماید در سلطان و نمی وجود خود هر کار کنیم آیا این جناب خالق را فریب ... قرآن نبود بلکه حساب تمامی

دقایق و ساعات عمر گرانمایه را خواهند کشید که این همه جواهرات دقایق را در هر چه تلف و ضایع کردی که در هر دقیقه ... مقول ...

در هر روزی چندین هزار نفس کشیده و هر نفسی را قیمت نباشد چه کردی چه تجارت کردی و هر کلمه که تکلم کردی در کدام طاعت صرف کردی

دقایقی که معطل بیکار مانده که در ساعات معاصی دروغ و غیبت و بدگویی و ظلم و اذیت بر ایشان صرف کردی معاصی

افلاس توشه دنیا مفلس شده هر چه کم و بیش مال التجاره کسب کرده بود همه را ضایع داده علاوه باری معاصی دیگر از ...

خود حلاوه کرده بدتر از مفلس دنیا شد اگر از مفلس دنیا بهره ... در تقسیم بقران ... قرآن باید مفلس آخرت ... دارد

که مفلس آخرت هزار درجه بدتر از مفلس دنیا باشد چنانکه ... اخبار ... سعادت خانه سقر فرموده ... دیگری در جهنم

در وقت انتقال بعالم باقی در آخرت ... خانه و ... برد ... کشاید ... اگر با ایمان و تجارت خوب ... تجارت کرده خانه خود ... ۲۷

و حور و قصور ... که ما لا عین رأت و لا اذن سمعت و لا خطر علی قلب بشر ... خانه جهنمی و به ... غیبت ... کوبان ...

و اگر ... خانه ... خود ... خالی ... الم ... درست ... آدر ... که اگر غصه او ... بر تمامی اهل ...

همه ... کافی باشد که چرا در دنیا این قدر ندانسته کم و اگر ... خانه خود ... بر از مار ... و عذاب ... مفلس ...

حسرت ... افزون که کار از کار گذشته از زندگی ... دنیا نماید که تدارک ما فات نماید ... بسیار بعید ...

اخبار اگر صاحبان شقاوت ... هزار بار ... شقاوت ... هر مرتبه شقاوت ... از ... چنانکه در رجعت

که به دنیا برگشتند شقاوت خود را ... پس محقق است که دنیا متجر اولیاء الله است اگر چه اشقیا ...

و طینت اسلام و ایمان خلق فرموده بعد از آنکه به دنیا آمده به مصاحبت و موانست ... دین و مصاحبان اثر مصاحبت ...

کما قال ... مولود الا و قد یولد علی فطرة الاسلام ثم ابواه یهودانه و ینصرانه و یمجسانه خود مصاحبت ... باختیار خود ...

الست ... باختیار در رغبت خود ... در رجعت ... خواهد ... اگر اهل سعادت باشد ...

قصه پسر یزید که مردم را ... بیعت ... بعد از لعن ... معویه از منبر زیر آمد ... امام زین العابدین

بیعت نماید که امام بر حق است محمد بن ابی بکر از طفولیت ... امیر المؤمنین ... مصاحبت ...

قناعت کرده ... دیگر ... الرشید ... طلاق داده در بصره ... قناعت کرد ...

... امام حسن ... امام جعفر صادق ... امام زاده ...

... صنعت ... ایشان در هر زمان قرآن ... خواهد ...

تؤمنون بالله و رسوله ... ایمان و علایم و نبوت و ... ایمان ... و جهاد ... بانفس ...

و جهاد حقیقی ... علایم جهاد اهل ایمان برای رضای الله ... ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون یغفر لکم ذنوبکم

و یدخلکم جنات تجری من تحتها الانهار ... در دخول جنت ... دخول ... ایمان ... رضای الله

تحصیل ... بعضی ... بغیر ... دخول ...

واجبات

در وجوب و لزوم دو چیز رحمهم الله

آنچه در مقدمه کلام ملاحظه و مداقه لازم است چه او نه تحلیب حق حطب سیفرما به او شد الرکشی موش با کرد
فذکر فان الذکری تنفع المومنین و قال فذکر ان نفعت الذکری سیذکر من یخشی و یتجنبها الاشقی
الذی یصلی النار الکبری انما انت مذکر لست علیهم بمصیطر و کفی بربک بذنوب عباده
خبیرا بصیرا و قال لا تبدیل لکلمات الله ذلک هو الفوز العظیم الذین اتخذوا دینهم لهوا و لعبا
و غرتهم الحیوة الدنیا فالیوم ننسیهم کما نسوا لقاء یومهم هذا و ما کانوا بایاتنا یجحدون
و لقد جئناهم بکتاب فصلناه علی علم هدی و رحمة لقوم یؤمنون هل ینظرون الا تاویله
یوم یاتی تاویله یقول الذین نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق فهل لنا من شفعاء
فیشفعوا لنا او نرد فنعمل غیر الذی کنا نعمل قد خسروا انفسهم و ضل عنهم ما کانوا یفترون
و قال و لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها و ادعوه خوفا و طمعا ان رحمت الله قریب من المحسنین

حاصل کلام در مقدمه کتاب لازم و وجوب کوشش شده است که بعد از اصول دین در چیز سبب استعداد و استحکام تحفظ تمامت
و قبول عبادات و بندگی هستند و لازم ملزوم هستند در افراط و تفریط هر یک از اعمال و طاعات محرمات هستند بلکه بیدل الله
حسنات هم سیئات خواهند نعوذ بالله اول ولایت دوم نماز مومنانست و صحت هر یک اعمال دیگر مرتبه قبول خواهند یافت که
در سایر طاعات عیب و شکستگی هم داشته باشند و اگر در نماز در قرائت نماز هر قدر افراط و تعدد در عملی مراتب قرائت
نیز نموده باشد مستحسن است و قاری کامل در مقامات بشرط آنکه بمرتبه اهل سنت خدام الله نرسند که تمامی عمر
تقلید مجتهد اعلم حی زمان و احکام دین حنیفی اثنی عشری جعفری که از مذهب حق نماز کافی است حدیث شریف قلت
قبل ما سواها و ان ردت رد ما سواها و آیات قرآنی تماما عمر روایت در حق نماز صحت و توابع ولایت و الائمه اطهار
و اما در حق ولایت افراط و تفریط کنندگان همگی در اسفل درکات جهنم در هر کافر یا منافق هستند مادر انهی الکفی
حدیث شریف نام هم که خداوند فرموده است که مخالفت من نماید عمر حضرت امیر را هستند در باشد خوب است یا منزه باین مضمون
بسیاری از دوستان اکثر را سوق خیار بخشیده مقرر حدیث خیار بسیار وارد است این هر دو عمل باید جمیع لکفه از اذ
مستلزم یکدیگر نه مساوی با صحتش لازم است اما الکفی که در نماز به درجه افراط مذکور مستحسن است تا رسیدن به مراتب
اعلای علم قرائت و در فضیلت علم قرائت اینقدر بس که فقهای امامیه اکثر در رسالها نوشته‌اند که قرائت مصلی صحیح است
اگرچه موافق قرائت یکی از قراء سبعه باشد هرچند یکه آن یکی از قراء سبعه سنی باشد و حال آنکه میان علما مشهور است
در مسئله که عاجز مانند میفرمایند خذ ما خالف العامة پس باید دانست که علم قرائت وجود قاریان تا غایت درجه
واجب و لازم است که در حقیقت از سر چشمه نفوذ شرع و دین ملیا شده بفرمایش صادق آل محمد که حقیقتا در هر عصری عادل
از راویان احادیث یا اهلبیت عصمت مقرر فرموده که نفی میکنند از دین تحریف کردن غالیان را در حق ولایت ائمه اطهار
هستند عادل را تاویل کردن جاهلان را و فرمانها و توقیعات از حضرت صاحب العصر که شیعیان رسیده در ایام غیبت مراجع کنید
براویان احادیث ما که ایشان حجت من هستند بر شما و من حجت خدایم بر ایشان و الاخبار من کثرت الی الطریق مستقیم و اما در
هم که اهم و الزم و صحت دین است تمامی اهل زمانش منفعتی دیگر در فلک طفای آن فور شریف بوده و صحیح است که
و اما چگونگی قبل از این در فلک نسخ قاریان و علم قرائت و عوض بدل کردن نماز با قرائت افتاده از علما مغرور
تا حال نماز صحیح قاری پسند احتیاطی و بنماز خبر اعلی باطل ...

مقدمه کتاب و تعلیما اول و اعتبار آن

بسم الله الرحمن الرحیم رحیم میزا را باب فضل و کمال واضح و مبرهن است بمقتضای آیه شریفه الم اعهد الیکم یا بنی آدم ان لا تعبدوا الشیطان انه لکم عدو مبین و ان اعبدونی هذا صراط مستقیم و لقد اضل منکم جبلاً کثیرا افلم تکونوا تعقلون هذه جهنم التی کنتم توعدون اصلوها الیوم بما کنتم تکفرون و بعد از آن آیه و من یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطانا فهو له قرین که در اول اسلام و ایمان عقل کل خاتم الانبیا با کمال ملایمات و تانی موافق حکمت و مصلحت اصلیه و ملاحظه عاقبت کار که عاقبت اندیشی امور دین و دنیا در اول دعوت کفار بدین حق بجز اقرار لا اله الا الله از ارکان دین تکلیف دیگر نخواست و بعد از رضایت دادن و آزار بسیار و شکست کفار و اقوام و عشایر بیگانه که و گوشزد کلمه شریفه قولوا لا اله الا الله تفلحوا امر بنماز که محکم ستون دین است و بدان سایر احکام و لوازم و متعلقات و مسائل مقدمات که بجهت نماز است نمایند و بعد از زمانی امر بشرایط و مقدمات نماز فرمودند و بعد از مدتی که کسان آرام یکباره امر الهی زیارت بیت الله الحرام و لوازم اسلام و ایمان و حلال و حرام ثابت نمود سال رواج دین حق تا سال بیست و سیم که حجة الوداع در سن مبارک بکنایه و اشاره و یکبار بالکل از خوف امر محبت و مودت اولاد و حب و محبت نفس کل در خلوات و جلوات میفرمودند در مجالس و محافل عوام و خاص و بر دلیل در حجة الوداع که اتمام حج آنحضرت بود در منزل غدیر خم موافق اخبار مشهوره جبرئیل از جانب رب جلیل نازل شد و عرض کرد یا رسول الله خدا سلام میرساند که علی را بامر خدا به حق خلافت نصب نما حضرت عتذار فرمودند تا آنکه دو سه بار مکرر جبرئیل آمد و عرض کرد یا رسول الله ابلاغ ما انزل الیک ماموری و مامور باعلان و مستثنی نباید امر فرموده قافله برگردند و در حضور آن جماعت که هفتاد یا هشتاد هزار یا صد هزار ملبس شدند بتفصیلی که نصب خلافت فرمود

۲۹

اینها همه تماما آن است که آنحضرت چه قدر خوف از منافقین حاضر بوده و بعد از نصب خلافت فوراً این آیه نازل شد که الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا اشاره بآنکه رضای خدا و تکمیل دین اسلام شده بود و رضای الهی نیز باظهار و لایت منحصر و مخصوص بود چنانکه اخبار بسیار از عامه و خاصه وارد است که روح و حامل دین و لایت است دیگر آنکه تمامی امور دین و دنیا با ملاحظه و مدارا با مصلحت و حکمت اصلیه میباشد و عاقبت خصوص علما و طلاب را در تمامی امور دین و دنیا که عاقبت این و آخر اندیش باشند و در راه و نتایج اعمال و افعال در اول شروع در آن کار ملاحظه نموده راهنما باشند بلکه هزار چشم ... با یک چشم کور روکورانه بهر کار که خیال نمود اقدام نمایند خداوند دو چشم داده چنانکه اول کار را بچشم ظاهری ببیند بنتیجه و سر نیز ببیند با اعمال حسنه صلیه که این کار واجب است یا حرام است یا جایز یا مکروه بمقتضای آن هر یک عمل نماید زیرا که ابلیس لعین موافق میل و دلخواه هر کس سوار خرش نموده چنانکه بعد غدیر خم در تخریب دین اسلام بهر فرد از افراد ناس هزار گونه دام ساختن مقدور است چنانکه ملا میرحسن صادق الحجرالاسود زمان حیات آنحضرت مدعی اجتهاد و بتعلیم ابلیس لعین چهار نفر از آنها اختراع مذهب چهار فرقه کرده حنفی و حنبلی و مالکی و شافعی که مذهب جعفری المرده از میان برداره دار اثنی عشری مذهب اثر نگذارد چنانکه مشاهده است بچشم خود در هر بلدی چه قدر لطف‌ها شیطانی و بعد از انتظام فرق چهار مذهب مذکور جمع قلیلی از شیعه و مدعی تشیع باسم بی‌مسمی باقی مانده ابلیس خواهش آنها آنکه اگر بالمره مفقود و پایمال نماید اسمی باقی نگذارد تمامی اعمال شیعه را ملاحظه نموده تا آنکه ولایت روح اعمال اسلامی نماز و ... دیانت خراب نماید تمامی آداب دین و ایمان به دل نماز ضایع و خراب شود روح همه اعمال است تخریب الاهم با هر نوع ... و صلحای قوم باشد باسایر اراذل و الواط حرامزاده از میان علما و فضلا و معتمدین آمده این شیطنه و فساد و فعل نخواهد که مکرر آنکه معتمد و صاحبان سواد و کمال هستند لاابالی و مغرور بعلم و فهم و کمال خود در حفظ باسم ترویج دین و ایمان و تحقیر و ... عوام که نماز را از کمال حقارت و ذلت و از بی قدرترین و سهل‌ترین امور تصور نمایند که کمال شرایط و آداب و ثمره و نتیجه در دنیا و آخرت آشنا شده کار لغو ... العظیم فلهذا این احقر اراذل و ... عمر عزیز ... و ... دیگر این کتاب ...

در لزوم مطالعهٔ مقدمات کتاب

بسم الله تعالی — بر ارباب فضل و معرفت جهان معلوم است که تمام سعی و کوشش و درد دل این مؤلف بی‌بضاعت در نوشتن مختصر صحیح ملای مبین

در مذمت و ملامت مخرب و تغییر نماز و حجب و کسب صیغ و عقود و ابقاعات دین محمد صلی الله علیه و آله که عمده ارکان دین اسلام

و سر امر و اعظم فروعات دین است بلکه اصل دین است زیرا که بدون صحت نماز بی فایده و ضایع است بلکه و ضایعات است و تبدیلات

لهذا مذمت و ناملایمات حقیر متعلقه و شامل حال عالم صورتان معنی نشناس لاابالی بی پروا خواهد شد که از حالات منافقین خفیه

و عدم توفیق اسلام و ایمان و برادری ابلیس بر تلبیس خود و در ظاهر ملباس تقوی و ورع صورت آراسته نمود باشند

و برادر ابلیس و منافقان قدیم ملبس باشند باسم ترویج دین که عالم ربانی و مروج صراط مستقیم دین خاتم النبیین باشند

احتیاط و خوف و خشیت الله که نایب و ولی عهد پیغمبر و امام باشند که بعد از اصل دین اولا در فکر صحت قرائت نماز ملبس باشند که

تمامی شرایط و آداب اسلام و ایمان بوجه صحت قرائت نماز از اهل آن منتظم و مربوط و صورت پذیر بود که مثل

قطار و سلسله تمامی افراد شرایط نماز است زیرا که مشاهده است در هر زمانی و مکانی و بلاد هر مسلمانی که موافق عقیده خود قرائت

نماز خود را باطل در وقت سعی بر سبیل احتیاط که الاحتیاط سبیل النجاة سر عادت نموده خوب شده اگرچه شبان و سرحوار نمود باشد در باب

واجبات اصول و فروع خود چه قدر ساعی و کامل ملبس باشند چنانکه بنحو رسیده است که محتاج بلیه درد ماندن هر بی زوال و کجه و غیره دو ازده

کالشمس فی رابعة النهار شده است چه فایده که اکثر عالم صورتان به آیات قرآنی و اخبار ائمه اطهار و غیره ملبسان اند و به این قاعده

کلیه مذکوره ملاحظه و اراده کرده کوراند که جهل سال تحصیل فقه از قبیل ابوحنیفه نماز و صیغ و عقود و حجت گور ترا ز شبانی با گور برده

مداخله با نماز باطل و عتشم نمایند و فتوی بصحت نماز عوام کنند و معنی کافر مسلم ابدا اعتنا و فقه

سرایت مثلی که شیخ بهائی اعلی الله مقامه در نان حلوای خود ذکر فرمایند بود در شهر هرات بیوه زنی گفته اند حیله ساز

معروف روز بروز با پرشور ملکشاه اصلاحات میدیده دراه زنی خود خبر و نوجهی خزانه و حال اکثر علمای خاتم الانبیا را بهتان نیست

و بدگوی و او چه قدر است و ثواب و خوب است در این کتاب و در محل خود مذکور خواهد شد که مسلمانان از نظر انداز ه و بهرام ترو بر از کار

فضایل علمای ربانی هم در محل خود مذکور خواهد شد که نایب خدا باشند امید دارم و در دقت و بدل خدمت این مومنین

خدا و رسول از این بی بضاعت ربیبان آزرده و رو گردان نشوند انشاء الله و در سایر ناملایمات حقیر قلم عفو و اغماض بکشند با صلاح

به دلیل آنکه صفت رذیله ظلم و فساد که بدترین صفات پست فطرتی و بی دینی است اجتناب نمایند که خدا از ملوکات ملا ابا

ازین طاعت بمومنان میرسد که تضییع نماز جامع و حاوی تمامی ظلمها خلاف شرع باسم ترویج و مراعات مومنان که چه قدر ظلم است

مقابل صفت مرضیه صبر و تحمل است چنانکه در قیامت مطابق صابران آرزو نمایند که کاش بدن ما به مقراض پاره پاره

قطع میکردید ما تحمل و شکیبایی و صبر میکردیم تا مکافات و مجازات بهتر از این میرسیدیم قسمت ما را که ملیشه والواع و طرق ظلم بسیار

تفصیل طرق ظلم تامل زیاد باید و لی بر سبیل اجمال بر سه قسم است چنانکه مشهور است صبر بر بلایا و محن مصیبت درجه دارد و هم

صبر بر تحمل و شیاه ایه طاعات و عبادات مطلقه هر نوع طاعت باشد تامل لازم است که ظاهر حقه و تحمل شاید اینها تحمل باز کردن

نماز است که اشرف و اعظم طاعات است که بدون نماز تو سه تمامی طاعات لغو و باطل و حرافت و نکاشته اسید که

انبار ۴ است و قسم دوم را ششصد درجه دارد که درجه بهتر از دنیا و مافیها باشد و اما قسم سوم صبر بر تحمل و شیاه ایه ترک معاصی که

خصوص ترک معصیت تضییع نماز و سهل سبکی شمردن نماز که بدتر از ترک نماز است زیرا که تارک نماز امید توبه دارد

ملبس اما نماز تضییع و سبک و ذلیل و انسانی باعث کفر بدون کلام بلکه اغلاط و بدعت که ابدا توبه نخواهد کرد که از دوام بیح و عبادت

بدون نماز موقع قبول نخواهد شد اگرچه هر ساعتی در دنیا میان زمین و آسمان پر از طلا و نقره و جواهرات و در راه خدا صرف و خرج نماید

موافق آیه شریفه و تعیها اذن واعیه برآستنیدن نهم و موعظه علم و آیات گوش شنوا لازم است

در مقدمه و التماس مولف و نصیحت اذن داعیه

و الی صل جماعت الا بالله کورد اگر چه در رفقه و سلک هزار زبان و مواعظ و نصایح اخبار و احادیث بلبل هزار دستان و جامع
رسوم مجلس آرا و نکته دانی و سخن ور آمیسند و با سلک تقدس و صمت و سکوت ائمه جماعت و واسطه
و تجارت افسونگری خاص و عام که برای معاش زن و فرزند نه برای رضای خالق و از اول تحصیل درس و عادت
جلب قلوب عوام الناس شبان و روز از ملکه و عادت و صنعت تراشی جان کنند بکه تکیه
قرائت حمد و سوره نماز یومیه را نیافته است که احتمال نماز و سقوط قضای بیاموزد که اقل درجه نماز شبان و روز عوام
بلد باشد نکیه نابرانه لهذا در بالای منابر و مساجد نعره میکشد که ایها الناس در قرائت صحت نماز تمیز حروف کافی
قاریان افراط و تفریط نمایند دهان و بینی را بسیار کج و راست نمایند با این کلمات و انواع این کلمات
مدلق و مبهم که خدا اخبر داده و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله در قرآن بسیار ذکر
خانه حق را وفا نزول خدا را هر باره آتش زده اند با سم و رسم ترویج دین که علم قرائت و قاریان صحت نماز
ممنوع و متروک کرده اند بلکه عوض بدل نماز بدعت و اختراعی باطل کرده اند که نماز بدعت باطل شده محقق است
الواط و جاهل که ترویج نماز اختراعی بدعت نموده اند پس هر جا ملامت این روشنیان را بجنبانی لا مذهب است عالم ربانی
دارند که در اول تکلیف بلکه در سن ده و هر از ده نماز قاری پسند احتیاطی را با علا درجه صحت قرائت را اگر حاضر
سایر آداب و شرایط نماز را دارا و قابل خدا ترس خداشناس نبود بحکم آیه شریفه که خدا این خبر داده که ان الصلوة
تنهی عن الفحشاء والمنکر از نتایج و علامات قرائت نماز و متعلقات صحت نماز تقدس و خدا شناسی کالشمس فی رابعة النهار
و صاحب زهد و ورع معنوی عالم گردیده است نه بازنگ و روغن شبیه ربا و لاابالی افسونگری و مارگیری و دلهای عوام الناس را صید
کردن که بعد از چهل سال تحصیل بدون ملاحظه اصول حسنه اصلیه که برای ده ساله اطفال مؤمنان لازم بود که تمامی امور دنیا و
در اول از ارتکاب الکار باید بداند که این کار من واجب است یا سنت مکروه است یا حرام یا جایز تا بمقتضای هر کدام عمل نماید
اگر در تمامی اعمال لازم و واجب باشد اما نماز که افضل و اعظم اعمال و بنیاد شریعت است بسبکه این ملاحظه ندارد
در علم قرائت ندانه و مداخله امور حسبیه مسلمانان نماید و با نماز غلط اختراعی بدعت چسان اجلا رتبه
نباشد اگر ملامت نمایم این نوع بد دینان قشر مذهب دزدان صراط مستقیمه خدا را بسبک ملامت خواهم کنند که
دین اسلام حقی ندارد و تمیز حروف را چه طور میداند که در عمر خود تمیز صحت و سقم هفت آیه نماز حمد را ندارد سقط قضا نماید
حق ریاست و عالم و طلبه نیست که تمامی حروفات نماز را بداند و عمل نماید خواندن سواد و صورت کلمه و حروف بکار نیاید
صحت ادای حروف و کلمه الکراد و سنی هم جایز در روا نمیدانند کسیکه در قرائت نماز استعداد اگر در والوار ندارد
مداخله امور مسلمانان نماید و حال آنکه لازم است تمامی کتب و قواعد علم قرائت را بطور اکمل و اشرف تحصیل نموده باشد
اصول حسنه نماز مسلط و ماهر کامل تر کرده در وقت سوال مردم جواب با صواب صحیح را قادر باشد و یا بگوید که من
نمیدانم باید از فلان قاری که کاملست تحقیق نمایم آنکه ندانسته جواب دهد کافر هم کرده بحکم آیه شریفه و من لم یحکم
بما انزل الله فاولئک هم الکافرون و در آیه دیگر فرماید و من یحکم بما انزل الله فاولئک هم الظالمون
و در آیه دیگر فرماید و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الفاسقون با هر سه مرتبه

والسلام

در وجوب و لزوم ملاحظه و مطالعه مقامات

در تفسیر و معنی حدیث شریف التفکر ساعة خیر من عبادة سنة او سبعین سنة تامل و تفکر باید کرد که چه قدر مرتبه مقامات

باید اولاً این قدر منزلت چیست که بهتر از عبادت یک ساله و هفتاد ساله باشد و اختلاف و حالت استبعاد چیست زیرا که مراتب افکار است

که فکر هر کسی مراتب لا یحصی دارد و تحقیق و تدقیق هر موضع علاحده است خواص در درجات و ثمرات دارد نفیه و حالات هر فرد

و جمیع این مرتبه و در اول تصور کنی مثل نمازها که باید که صورت و شکل نماز با اسم انواع فساد داشته باشد لغلغ زبان کند

عن امیر المؤمنین و رتل القرآن ترتیلا الترتیل تجوید الحروف و تعلیم الوقوف باید بنا در عدم قرائت کند

مناسب کلام در اول باید دانست که در اصول کافی در مفاتیح الاسرار آن کتاب در مفتاح خمسه من عرف نفسه فقد عرف

ربه در معنی این حدیث که خداوند انسان را صورت و سیرت خود خلق فرموده است در بهترین صور اسرار محبت

و فرموده فتبارک الله احسن الخالقین و در جای دیگر فرموده خلق الانسان فی احسن تقویم و در حضرت سلطنت حقیقی

در دنیا نیز پادشاهی مملکت وجود که عالم اکبر است داده و تمامی اعضاء و جوارح را تسلیم کرده مثل نقاط حروف پادشاهی او را

داده که بعد از وصل با عالم سلطنت حق دیگر زوال و فنا و نقص ندارد و در دار دنیا امر و تعلیم رسیدن با آنچه سلطنت و حکم

قاعده و قانون اجرای احکام دین در دنیا و عمل موافق برضا و محبت و اطاعت و احکام که اسد قرآن حق داده و تعلیم محمد و آل

که ره نما و معلم و لوازم سلطنت و دنیویت و دلالت فرموده و شما آن چنانکه سابر امم با اولیاء حق ره نما فرموده

و انبیا و اوصیا و تعلیم حق در هر عصری بدون نایب و تعلیم نکرده تا در حضرت هر در بهانه داشته باشند و کتاب قانون

بانها داده است چنانکه قرآن قانون نامه پادشاهی است بر ما پیغمبر ما داده است و صورت و شکل خواندن از آن منظم

و سلوک و سالک حروف بیست و نه کانه با بیست و هشت کانه فرموده که هر حرفی از حروف آن کلید خزاین انواع جواهر زواهر است

بقدر و شیئه داراده خالقیة سلطنة بجهان خود برشته نظم و تالیف و تعلیم دین و احکام دین در دنیا

برآورده تا همه بخوانند و بدانند و عمل نمایند تا از این منزل هدایت و رشد برسند و جنس و استعداد هر یک از این

حروف جواهر زواهر کلید انواع خزاین جواهرات بی قیمت است و بی همتا مخصوص حضرت فرموده و بدون آنها کلمات

خزاین لؤلؤ و جواهر را که کلید خزاین اشیاء و حور و قصور دار السرور دار البقا نمی‌گشود و بدانی که هر کلمه آن متضمن هزار

لؤلؤ نعیم و لذت است بکلمات و اشارات چنانکه در مفاتیح سور هر حرفی متضمن چه قدر کلمات و حروف است و نعیم و علم

و متضمن اخبار و هادی و بشیر که کتاب البشر پیامبر و اشارات کنایات و اسرار ما اقوال ائمه سلام الله علیهم که مادی هستند با اشاره و

کنایه و تصریح در تفاسیر قرآن که بغیر از معصوم کسی راه ندارد و همه آنها بطن اندر بطن بسیار نه یک نه دو هزار که مع ذلک قدر

الالهیه کسی چشمه همگی کلمات خزاین کلام الالهی قاطبة قرآن با همین بیست و هشت حروف است و از اینجا معلوم می‌شود که چه بسیار

که تمامی معانی قرآن در سوره مبارکه حمد و تمامی حمد در خواندن در ثواب تلاوت بیست و چهار هزار انبیا خداوند یاد می‌دهد نوشته اند

اینها فواید بخوانند و خزاین و بدعتی غلط هم می‌پسندند و حال آنکه در هر نماز واجب و سنت شبانه روزی می‌خوانی چرا خواص ظاهر نشود

که ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر بلکه نتیجه بر عکس و حریص معاصی نماید و دلیل بر بطلان و خواص بطلان حاضر و مشاهد

لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و اصل خواندن سوره و آیات و کلمات حضرت سبحانی یعنی کلمات قرآنی برای آینده کان جمع مفتاح

و این حروف را خواندن بما امر فرموده که با جلال و ادب و صحت صحبت سبحانی و تقرب خالق نه برای تعداد و رکات در آخر و رد

و دشمن خدا و رسول بی اعتنا و لاابالی بخوانیم برای ترویج و تشلیث و شریک و حضور قلب برای تذکر خالق خود بخوانیم و بشرط خواندن و ایجاد حروف

هر یکی از جای خود و مخارج موافق تعلیم معلمان این فن ایجاد و جمع و تالیف نمائیم کلمه و سوره و کلام نمائیم با شرایط حق و بدون مخارج خواندن

هر آنی که چه فساد و چه معنی حاصل شد که بقفاء دیگر دخل ندارد هلینت فرموده و رتل القرآن و القرآن یلعنه فتبک قرآن کسی لعنه کند

در معنی حمد ذکر خواهد شد در آخر اسرار نماز که از اسباب تالیف

[illegible]

از مولفات سلطان القراء آدربایگانی آخوند

اباعبدالله غیر جدید

بسم الله تعالی الحمد لله وکفی وسلام علی عباده الذین اصطفی واللعنة علی اعدائهم الی یوم الجزاء و بعد بر صاحبان قلوب زاکیه بعیدهٔ الاذهان

مستور نماند که عمده اسباب تالیف این مجموعه زحمة الصلوة و زینة العبادات و مقدمه ارکان الطاعات در اول بنی فرمود

بنی الاسلام علی اربع اجناس الصوم والصلاة والزکواة والحج و بر الوالدین بعد اصول الدین انجه بیرون از این طاعات بعد

محبت میان خالق و مخلوق و عاشق و معشوق و اصل و بنای تالیف این مختصر موافق عقل معاش و معاد است اول اعتراف

که الی ایمان و نور ایمان و اسلام و علم و عمل و تقوی و ورع و اکثر صحت و سلامتی که مثل نسبهٔ اصحت توحید و جمیع اعمال

بهر اندازه صحیح و سالم از عیوب و امراض باشد بآن درجه علم و عمل و قرب حق حاصل خواهد شد انشاء الله و بهر اندازه که معیوب

و مغشوش باشد ذلت و خواری و شقاوت حاصل خواهد شد تا باندازه فان ذالک بالمرء مفقود الاثر و ایمان باطل نفسه بکس باسم

مسمی بکلمه قبر باطلم و کفر و مرتد و اهل قبر خواهد شد با اسم اسلام و زمان لعنه باطل با عقیده نفس بی اعتدال که در دار دنیا کمیل دار و در کفر

و غش و شبهه اکثر اهل عالم این زمان دارند خصوص بسیار عالم صوریان لاابالی از مغرورین اهل سواد و جاهلیت و مرجعین نماز بد

و اصرار با باطل کهن صفت نماز و قرائت و قاریان بکلمات رب اند و عوام فریب باسم ترویج و روضه خوانی و گریه و خواری در نماز

غافل از نشان و نشانه کن شریعت و دین حجر را با اسم عبادات و باطل نماز خوانی و رسالت خواه و روضه خوانی نزد بانیان حمله

و الی حیل جدا انسانی توحید بر قدر منزلت ثابت و محکم کرده منکر است بالاشبه بر قدر قدرت و قوت و رعب و سطوت پادشاه جبار را شخص

باندازه خائف و ترسان گذاشته چنانچه حالان و شبانها از سطوت و قهاریه سلاطین آنقدر خبر ندارند که در زراعت دارند که هزار درجه بالا

بر فقرا و امرا و وزرا بقدر شناختن و محبت و تقرب حق احتیاط و رعب و خوف ملکه شب و روز از خوف سلطان جبار با فقر محبت

خوف و لرز و بی اراحی دارند ترک ادب فاکر نمیشند که مبادا بد کلمه نامناسبی گرفتار غضب سلطان جبار باشند مسلم است که در هر حالی از

احوال در فکر رضای سلطان جبار میشد دارند قیاس خوف و محبت سلطان سلاطین خالق ارضین و سموات به قدر لازم

باید و با محبت و دوستی سلطان حقیقی چه قدر لازم است که خاتم انبیاء و علی مرتقی و ائمه هدی سلام الله علیهم و رشیی هزار

نکبید و مقدار مرتبه عشق مثل چوب خشکی عارض شدن از خوف و خشیت یا از محبت و جلالت توحید و از تقرب حق

اینهمه رحمات مکرمت و توجه اسید دارد جز از هوا لم ایشان نداریم بجهة اشتهار و استظهار است و بلکه از طاعات نیز در

کوه عیوب و موانع است جز انفکاک بلکه عین کراهت و سوء ظن توهم علاوه نماز طاعات طفلانه مسخره عجله خواهی کند

و نماز بی شرایط عوض خضوع و خشوع ما در نماز که در حقیقت برای ملامت مردم و عقاب و بدنامی بی نمازی که میکنیم خواهی کرد

چه معنی دارد مثل کسیکه میخواهد بقوام دعا بر صله ارحام در دعای بر والدین حق نماید که ادای قطع صله ارحام بکند

با بعا ساد سادات و جماعت ریایی که الیهم و مجلس نکند با جماعت اکراه خواهی نخواهی هدیه هدیت میکند از عمل

باطل میکند سهل است اذیت و ظلم هم میکنند و در مجالس و مکرر پریشان میزنند رسوا و بدنام و ذلیل هم نماید که بدتر

ظالم بهات نمازهای بی شرایط عجله ما هم موافق ملکه بر از آنها هم منت بار این نماز میگذاریم با اسم نمازگذار بر خلق

لیکن و اذیت کن کجا هیچ انواع نعم را نشت و جور و قصور و شهره و ما عنها و خدم و حشم اسم عیان دشمنی و که نماز بی

شرایط تعارض و مخاصمه با خدا است اسم دوستی و محبت اهلبیت داعیت میکنیم اگر دشمنی این کار شده که نماز بی شرایط

نماز نام نهادن دارا اهل آن نیاسوختی و ادا امر و نواهی آن حجره و بر عکس عمل کردن و در مرتبه مجادله و مخاصمه است اگر فکر نمائی مبدا که

چه درجه با خدا در کل و اهلبیت مخاصمه است چنین سیاب کرده ملیتهم اهلبیت معنی این عبارت دعا اللهم لا تکلنی الی نفسی خدا بیفر ماید و ما خلقت

الجن والانس الا لیعبدون ای لیعرفون توحید ما اکروست و کامل که بر همه قباحت حق و بد بسته میم منافقی با اسم اسلام در ایمان است

ادعای زبانی لقلقهٔ زبانی که بر هر کس فضل نباشد اگر علم با عمل و عمل لاابالی از بی صحت و سلامتی صورت و معنی روح نماز قوال

دال اصل سبب مقدمه کتاب است که بلا ابالی حاصلی خیر نباشد مکر فراهم نمودن تمامی اقسام ظلم و فساد و حقد و کبر و مکران با اسم تقدس لا تقدس

در لزوم مطالعهٔ کتب و تعهد اوقات عبادت

بسم الله تعالی چون که عبادت به معنی ذلت و خاریست و حسب حضرت کردگار خالق زمین و آسمان چنانکه کردگار معلوم است اعظم و اشرف صفات ذاتیه

الوهیت و عون و نمرود [illegible] اینست که نماز [illegible] اعظم طاعات است هرقدر ذلت و اظهار [illegible] خاریت باشد و نماز [illegible]

خاری بر هر نوع است اول معنوی و قلبی با اخلاص و خلوص و اظهار ذلت نماید نوعی که [illegible] نباشد بغیر از معبود و محبوب یعنی [illegible]

بر داینه چنانکه مولای کل امیر المؤمنین [illegible] ابدا التفات ندارد [illegible] نماز [illegible] هیچ کار [illegible] مثل نماز [illegible]

نداریم [illegible] و اطفال با [illegible] درسیر باغ و بستان [illegible] و صحبت [illegible] که از [illegible] قصه [illegible]

دیوانه و طفل [illegible] دیدیم که [illegible] چه قدر [illegible] که [illegible] نماز نهاده ایم [illegible] خالق [illegible]

این چنین نماز ما بلا [illegible] خطاب [illegible] نماز [illegible] محتاج آن نماز [illegible]

به لیل [illegible] شریف [illegible] پس محقق شد که [illegible] اظهار ذلت و حقارت در نماز [illegible] دلیل [illegible] محبت [illegible]

[illegible] و [illegible] دلیل [illegible] مخالفت و دشمنی [illegible] واضح است دلیل دیگر آنست که با نماز [illegible]

[illegible] قرائت نماز [illegible] صحت نماز دارد [illegible] تعلیم کرد و حال آنکه هر روز [illegible] صحت نماز قرائت است [illegible]

شرط [illegible] و نمرود و ابن زیاد و ابن سعد [illegible] شریح قاضی [illegible] است که دلیل چهارم آنکه [illegible] سابقه که [illegible]

[illegible] دشمنی با خدا و رسول و صاحب شریعت طاهره [illegible] لاابالی و بی اعتنایی با نماز [illegible] شیطانی و انواع علوم [illegible] صحبت [illegible]

اظهار [illegible] استهزاء [illegible] که از بعضی اصطلاحات [illegible] القاریان و علم [illegible] کلمه و حروف [illegible]

[illegible] و حضرات [illegible] دشمنی با خدا و رسول است پس لاابالی [illegible] این نوع [illegible]

و تمامی ناملایمات [illegible] در این مجموعه [illegible] تصریح [illegible] عالم صورتان [illegible]

بواسطه لاابالی و بی اعتنایی [illegible] افراط یا تفریط [illegible] از اعتدال [illegible] عالم [illegible]

چنانکه در دنیا طلبی بواسطهٔ افراط در ضلالت و گمراهی [illegible] ارتکاب انواع معاصی و ملاهی و طرق مخالفت [illegible]

[illegible] صراط مستقیم [illegible] محبت و دوستی خدا و رسول و ائمه اطهار سلام الله علیهم [illegible] مخالفت [illegible]

و اسم و طریق محبت و دوستی و تشیع [illegible] چه عجب مضحکه و سخریه و استهزا و اسباب [illegible] مجلس مذهب و عقیده [illegible]

برای ذخیرهٔ دنیا و آخرت [illegible] که [illegible] قباحت [illegible] تعزیه داری [illegible]

[illegible] و آیات قرآنی [illegible] و حال آنکه دلالت آیات قرآنی بر مخالفت [illegible]

[illegible] تعزیه داری [illegible] انواع معاصی [illegible] طریق محبت [illegible] اسباب محبت [illegible] لشکر ابن سعد [illegible]

[illegible] بسیار [illegible] نماز [illegible] قرآن خوانند و اگر نماز [illegible]

[illegible] از کثرت [illegible] و گرفتار [illegible] غافل از کلمات و حروف [illegible] بیرون انداز [illegible] مدام [illegible]

[illegible] که حمد و سوره [illegible] رکوع و سجده دارد [illegible]

[illegible] السلام علیکم [illegible] از دست [illegible] خلاصی [illegible] خلاص [illegible]

اسباب شفاعت و تقرب خدا و رسول و ائمه [illegible] جه طور [illegible] جهالت اسباب [illegible]

بسلمان [illegible] بهشت نهاده [illegible] خاطر جمعی [illegible] مسلمان [illegible]

که از [illegible] ابن اخبار [illegible] نقل اخبار [illegible] مردم [illegible] نماز [illegible]

[illegible] نماز [illegible] علما [illegible] حساب عالم [illegible] العالم [illegible] العالم [illegible]

و علما [illegible] مردم [illegible] مجلس [illegible] ارکان [illegible]

[illegible] و تمامی ساعات [illegible] مجالس عزاداری [illegible] که آداب و حقوق مسائل و احکام [illegible]

در وجوب مطالعهٔ کتب و کتاب تعقیب و اذان و اقامه

بدان جمله اسباب تألیف کتاب آن است که صحت و سلامتی امور دنیا و آخرت بسته باعتدال و میانه روی و در ترک طریق
افراط و تفریط است اولاً معنی عمل با قرائت و تفریط را خوب معرفت رسانی و بیاموز که هر چیز ... دیگر افراط
و تفریط ملیبات نماید و سؤال از آنها معرفت باعتدال هر چه منظور است بشناسی و الا هر یاد آید مدعی کمال میباشند
چنانکه ... جمیع صفات کمال حلم و شکستگی و وقار و حیا است معارض غیظ و غضب است ...
حیا و اگر کسی افراط نماید بی غیرت و دیوث گویند گناه هم نباشد مثل هر درد ما ... و اهل و عیال ... فحش گوید باک
نکند نباشد اما تکالیف ائمه سلام الله علیهم اجمعین علاوه و حلم و خواص دیگر است که خود داد ... کمال محتاج
ایثار دیگران میفرمودند امام حسن ... در مسجد زیر منبر ... با بادی و ... حضرت حلم ...
دانست باهر چه از رسل ... چنانکه سخاوت و کرم وفور الوان ... اوصاف ... و ائمه است که ...
رسل خدا ... و لا تبسطها کل البسط فتقعد ملوما محسورا ... مسجد
در اول وقت نماز ... لنگر ... و بعضی ... حضرت فاطمه ...
بالیف ... زدن ... من دون ... حقوق ... النفقه ... مناسب حال ...

۳۵

زاید ... انفاق لنیم اگر مثل ایشان ... محتاج ... احسان ... ایثار نمائیم ... خط ... مخالفت ... از ...
و قیاس در مذهب ما باطل است که با ایشان قیاس نمائیم اینست که تمامی امورات ... ازین ... میشود ... از اهلش ...
بلنیم اینست معنی آنچه مشهور است که از لقمان پرسیده حکمت ... از که آموختی گفت از نابینایان تا جای نبینند قدم ننهند ...
یعنی نتایج کارها ... قبل از مباشرت خوب ... تا پشیمانی نیاورد ... این ... در گلستان ... معنی
... الا ... عالم ... چنانکه ... نماز صحیح ... در وقت ... از علم قرائت
استخفاف ... علم قرائت و استخفاف نماز ... جامع ... ضعیف ... در ...
بفکر تالیف این ... پریشان حال ... در هر صفحه ... ابواب و فصول ... علما ... میزان ملاحظه ...
و نه تفریط ... اعتدال ... فعلاً و عملاً اگر چه قولاً منکر ... اعتبار ... فعل و اعتقاد ... لازم است
و روضه خوانان و اهل منبر ... معاش ... عوام الناس ... مریدان ...
مجد ... آتش زدن ... فراموش کردن ... نماز ... مجالس ... مخصوص ... روضه خوانی ...
کلمه مسئله نماز و قرائت نماز ... تمامی توجه و استماع روضه و گریه ... نماز و قرائت ...
در وقت فراموشی و نسیان ... تغییر نماز ... با قرائت ... مذهبی ... مقدس ...
تمیز حروف در نماز و قرائت نماز ... با این کلمه ... صراط مستقیم شرع و دین ... لا یعقل
... از اشاره و کنایه خبر داریم ... معرفت ... استعاره ... خبر داریم ... علم قرائت بقدر رفع احتیاج در اول
جوانی واجب و لازم است ... نماز گذاردن با قاعده و شرایط باشد ... مثل ... تمامی عمر ... صرف علم قرائت ... افراط
از هر علمی بقدر کفاف لازم است خصوص این علم شریف القدر لازم است که ... واجب ...
و سنت ... نماز ... عقود و ایقاعات و نماز ... جمع باشی ...
معاقب و معذب نباشی چنانکه ... در تمامی امور دنیا و آخرت ... بجا آوردن ...
چاره ... بی مزد ... نفوس ... هر چه ... بکار ... کار جهان ...
و مرده ... از حرمت دین و ... ریاضت ... عاملان کامل ... سلسله ...
... بیچاره ... صراط و میزان ... عالم ... الزنا ...
بیا یا میزان ...

سبب تالیف و ملاحظهٔ اول از مراتب

بسم الله الرحمن الرحیم اما بعد بدانکه عقل انسانی [illegible]

و ماضی و مستقبل [illegible]

و بعرف [illegible]

[illegible]

کتاب
اشاره بلازم مطالعه مقدمه

لفظ و للّهی هستند و لازم ملزوم کلام اللهی کلام ایشانست متخذه و عقول ما که درک فرمایشات اللهی استعداد نداریم پس در هر کار و عملی رجوع بایشان
باید نمائیم خصوص در اطاعات خود که هر مؤمن عاقلی در تحقیق و انکار کلام ایشان مهما امکن لازم است تا خطا نکنند پس از میان اطاعات افعال اعمال
دستگیری مؤمنان و جهان کردن ایشانست خصوص حمایت و جان کار بازحمت او دستگیری و حمایت بعد باشد در علم دین و ایمان مؤمن مسلم
چه فی نفسه و جان و جان حقیقی و معنوی مؤمن باشد چنانکه حضرت خاتم انبیاء و آله در حدیث مشهور فرموده بعد از توحید اللهی مؤمن و عملی
مطلوب خداوند باشد که نیکی و دستگیری مؤمنانست از اطلاق کلام معجز نظام برگزیده سرور کاینات مایه کرد از دستگیری معاش و معاد مؤمنانست
و اگر دستگیری معنوی خود و جهانی دین از علم و احکام و جهات مؤمن باشد که حیات دین و زنده کردن مؤمن باشد در تحت فکانما احیا الناس
جمیعاً داخل خواهد شد بلکه از این قسم بالاتر احیای دین محمدی و شاد و مسرت خدا و رسول و امام زمان خواهد شد بدلیل حدیث شریف که اعمال
مؤمنان در هر هفته بار دو روز یا در هر روز و یا در هر روز دو بار برسول خدا و امام عصر ایشان عرضه میشود ملائکه اگر خوب باشد شاد و مسرور و اگر بد باشد مهموم
میشوند و در حدیث مشهور دیگر فرموده که کاری کنید که در روز قیامت تمام اسباب فرح و سرور ما باشید نه باعث سرافکندگی و خجلت ما [illegible]
و اما از میان اعمال بعد از توحید اللهی اصل عقاید نماز سر سلسله و سر فرماش احکام واجبه نماز است بدلیل آیه شریفه من اضاعوا الصلاة و اتبعوا الشهوات
فسوف یلقون غیّا و بدلیل حدیث دیگر ان قبلت قبل ما سواها و ان ردت رد ما سواها تمام اعمال خیر و شر موقوف بقبولی و فساد نماز است حکما اینکه این زمان
در آخر الزمان رواج و شهرت جمیع معاصی و شقاوتهای مخفیه و خونریزیها و جمیع انواع ظلمهای آشکارا بلکه افتخار فسق و ظلمها عالم گیر دیده شده است
جزای بدعت نمازها است نه برای ظلم ظالمان و فسقه زیرا که از زمان آدم و دنیا خالی از ظلم و فساد نبوده و زلزلها باین طور عمومی عالم گیر نبوده
در ذم طاعنی فاسق و کافر در شهری قومی طایفه و قریه یا در میان ملتی مخصوص بوده نه باین قسم که دلیل بزرگی عظمت و جلال نماز
در میان اهل عالم از مؤمن و کافر در این زمان سوء تمامی بلاها و جمیع مصائب و خون ریزی و قحط و غلا و برداشته شدن برکتها و آخر زمان
و حرمت و عزت جمیع فرق حتی میان برادر و پدر و مادر و قدر دانی مؤمنان و علما و سادات و فقرا و تصرف در مال غیر
اسلام و ایمانست که باقی مانده باشد در هیچ معصیتی و مخالفتی در وقت تأمل این [illegible] جمیع شان انتهای فساد و فتنه
هیچ چیز باعث نمیشود مگر بزرگی و عظمت بطلان نماز و تضییع نماز و عوض بدل کردن نماز بنماز خرافی باعث غضب شده نه سلاطین و فسقه و ظلام و دیگر
و اگر گویی انبیا و اوصیا که شهید نکرده اند جواب گوئیم که اولا تمامی انبیا خاتم بعد تمامی اوصیا تا شهادت مولای کل و شهادت مظلوم
تمامی مصائب و شهادت فقط بنفسه با کمال اختیار برای اعلای کلمه نماز و لوازم نماز و متعلقات نماز از اسلام و ایمان و احکام و مسائل
از لوازم احیای نماز فقط همین نماز که بعضی آیه حمد و سوره با قرائت که شرط صورت و شکل نماز است علاوه بر قتل و شهادت در تمامی عمر خود
زحمات و ریاضات عمر شریف خادم و سربه و سرور و حج همین نماز بوده تمامی خوف و خشیه و هرسی و محبت خدا با همین نماز و ارکان نماز
از حالی بحالی و رنگی برنگ دیگر متغیر و متلون و چون مار و عقرب زده که دقیقه آرام نداشتها تا سحر مثل درخت چوب خشک
معلوم که مار زده نبودند اگر بلیلی معنی او سلام میداد حقیر و مردم میدانم در حدیث نبوی یک سیل یا یکحرف از نماز [illegible] بهتر دارد و فضل است
از آنکه میان زمین و آسمان را پر از طلا و نقره نمود و در راه خدا صرف و خرج نمایی همین نماز است که در شب اول قبر و حشر و صراط و میزان
تمامی اعمال میانه ملتفت خواهد بود و حتی جهال علمای عاملین تعلیم نماز و لوازم نماز است همین نماز است که در انتظار مردم حقیر و ذلیل
و الکدب خواهی کوتاهی شروع نکرد و بعجله بی قرائت بی حضور آنی و بی طمأنینه مثل حیوان کسیکه در حبس و قفس گرفتار باشد سلام داده از قفس
بگلزار و باغ و بستان مشاغل دنیا زود داخل شده مکان و منزل بهتری در آن باغ تفرج و صفا در بایه با جزا [illegible]
حقیر رود تر از مردم برسانه که دیگران تقسیم و تاراج نکند زیاد از دیگران جیب و دامان را پر کند وقت و فرصت بفوت نرسد
خفات و حرص از نماز با قرائت بواسطه اشاره و کنایه اگر جلای سوء ناقص امثال خود در گریه سید الشهداء و زیارات
زیاد بر سلسله قرب و داود الصلوات [illegible] بکلمات فضایل و گریه در زیارت و شجره و اول اینکه ایها الناس تمیز حروف و قرائت نماز
لقافه سلسله و امثال این کلمات ملال و منت تألیف رسیده و این کتاب برای جهان عالم صوریان یعنی [illegible] که صحت نماز
کار که اسلام و ایمان منظم و صحیح [illegible] مسمی بر حجة الصلاة نمودیم که بتضییع نماز تمامی اعمال خیر هباء منثورا خواهد شد بواسطه [illegible] و عبادات
بعضی گریه و عزاداری و زیارت و روضه خوانی نماز باطل و عفت مغفرت [illegible]

سبب تالیف کتاب ترجمة الصلوة

بسم الله الرحمن الرحيم بعد الحمد والصلوة بر ضمایر قلوب زاکیه برادران دینی و ایمانی در اول کتاب قبل از شروع الستندها آرام که مقدمات
اولا از نظر که آنست [illegible] دل این مؤلف بی بضاعت عاصی اطلاع کاملی داشته باشند که در آخر عمر مقدار پنج بحر در حرف و صرف اطوار
و غربت با عدم اسباب تالیف و عدم استطاعت و دماغ تالیف و ضعف قوا و فرار از وطن در حال قتل و غارت بلاد و مشهود
بر آستانه ملایک پاسبان حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیة والثنا موافق آیه شریفه و اذ قلنا لک ان ربک
احاط بالناس وما جعلنا الرؤیا التی اریناک الا فتنة للناس والشجرة الملعونة فی القرآن ونخوفهم فما
یزیدهم الا طغیانا کبیرا از جود و جب و اجب السلم رسیدل یا ادری و مطابق بار ماه شبانه بنکه هزار بار بدتر از زمان و قصه
حکم ابن طفیل لعنة الله در تفسیر صافی مفصل است و ما حصل آنکه جیب بن یار کن خوابی که بر تو نمودیم برای امتحان مردم و شجرة ملعونه
در قرآن برای تخویف بس زایده نمود برای ایشان مگر زیادتی طغیان و عناد زرکت العیاشی عن الباقر انه سئل عن قوله تعالی هذه الآیه
فقال ان رسول الله رأی ان رجالا من بنی تیم و عدی علی المنابر یردون الناس عن الصراط القهقری قیل والشجرة الملعونة قال
هم بنو امیة وعن قول هما کانتا من الاولین و تیم وعدی و عن روایه قد رأی رجالا من نار علی منابر من نار یردون
الناس علی اعقابهم القهقری و رسول الله رأی قوما علی منبر یضلون الناس بعده عن الصراط القهقری و فی روایه اخر قال رأیت
اللیلة صبیان بنی امیة یرقون علی منابری هذا فقلت یا رب معی فقال لا ولکن بعدک وفی الکافی عن احدهما اصبح رسول الله یوما
کئیبا حزینا فقال له علی یا رسول الله مالی اراک کئیبا حزینا فقال کیف لا اکون کذا وقد رایت فی لیلتی هذه ان بنی تیم و بنی امیة یصعدون
منبری هذا یردون الناس عن الاسلام القهقری فقلت یا رب فی حیاتی او بعد موتی فقال بعد موتک و هذا الخبر مستفیض بین الخاصة والعامة
الا انه العامة رووا تارة انه رأی قوما من بنی امیة یرقون منبره و ینزون نزو القردة فقال هو حظهم من الدنیا یعطونه باسلامهم و اخری
ان قرودا تصعد منبره و تنزل فسائه ذلک و اغتم به والقمی قال نزلت لما رأی النبی فی نومه کان قرودا تصعد منبره فسائه ذلک و غمه
غما شدیدا فانزل الله وما جعلنا الرؤیا التی اریناک الا فتنة لهم لیعمهوا فیها والشجرة الملعونة کذا نزلت وهم بنو امیة وفی الاحتجاج
سئل عن هذه الآیة فقال ان رسول الله نام فرأی ان بنی امیة یصعدون منبره یصدون الناس کلما صعد منهم رجل رأی رسول الله الذلة والمسکنة
فاستیقظ جزعا من ذلک فکان الذین رآهم اثنی عشر رجلا من بنی امیة فاتاه جبرئیل بهذه الآیة ثم قال جبرئیل هذه الآیة وقال
ان بنی امیة لا یملکون شیئا الا ملک اهل البیت ضعفه وفی الاحتجاج عن امیر المؤمنین فی حدیث قال اما ان معویة و ابنه لعنه الله
سیلیانها بعد عثمان ثم یلیها سبعة ولد حکم بن ابی العاص واحد بعد واحد یکمله اثنی عشر امام ضلالة وهم الذین رأی رسول الله
علی منبره یردون الامة علی ادبارهم القهقری عشرة منهم من بنی امیة و رجلان اسسا ذلک لهم وعلیهما اوزار هذه الامة الی یوم القیمة
وفی مقدمة الصحیفة السجادیة عن الصادق عن ابیه عن جده ان رسول الله اخذته نعسة وهو علی منبره فرأی فی منامه رجالا ینزون علی
منبره نزو القردة یردون الناس علی اعقابهم القهقری فاستوی رسول الله جالسا والحزن یعرف فی وجهه فاتاه جبرئیل بهذه الآیة وما جعلنا الرؤیا
التی اریناک الآیة یعنی بنی امیة قال یا جبرئیل علی عهدی یکونون وفی زمنی قال لا ولکن تدور رحی الاسلام من مهاجرک فتلبث بذلک عشرا ثم تدور
رحی الاسلام علی راس خمس وثلاثین من مهاجرک فتلبث بذلک خمسا ثم لابد من رحی ضلالة هی قائمة علی قطبها ثم ملک الفراعنة قال
وانزل الله فی ذلک انا انزلناه فی لیلة القدر وما ادریک ما لیلة القدر لیلة القدر خیر من الف شهر وفی حملة بذکر تملکها بنو امیة لیس فیها لیلة القدر
فاطلع الله نبیه ان بنی امیة تملک سلطان هذه الامة فی مدة کثیرة حتی تعلق مشیة الله بزوال ملکهم و هم مستشعرون و یسعون فی عداوتنا
اهل البیت و بغضنا و خبر الله نبیه بما یلقی اهل بیت محمد و اهل مودتهم و شیعتهم منهم فی ایامهم و ملکهم والحاصل الیس بر حکم زمان
از آن روز بواسطه جراز دو مناقب بارشاد از کلیس شروع کرده تعداد ان عودات و کتاب حساب درست که بود در حدیث معتبر حضرت امام
خطاب و منه که با مردان ایشان که اسبب نو دا با تو شدم سبب ماه اوست و داء و جهاد تو لعنة منه در سایه این رسول الله
طغیان اشاره کرده در کلام حق صدق الله و صدق رسوله بقوله تعالی والشجرة الملعونة فی القرآن و نخوفهم فما یزیدهم الا طغیانا

سبب تألیف کتاب رحمة الله الصادق (?)

بسم الله الرحمن الرحیم بر قلوب و صدور زاکیه ارباب فضل و کمال واضح و مبرهن و معلوم است که از تألیف و تحریر این رساله تحریر صفات لن داود سلوک
صراط مستقیمه خیر البریه و الاحمدیه صلی مقصود منظور و مدعا و خیال نیست از آنکه مؤلف در صناعت و در آخر تألیفات و سن ضعف پیری
در خصوص صحت صورت و شکل نماز که قریب بسی سال مبتلا غریب مطبوع و متروک و مندرس گردیده یا باب و دلیل کتب تمامی اعلاء و ادب شده
الا نادرا و النادر کالمعدوم بطوریکه صاحبان فضل و کمال محتاج نماز مسقط قضا و با این وسط و نتیجه تمامی انواع و اقسام بلاها که جور
و تاراج و فتنه و فساد ما لا خطر علی قلب بشر واضح و لایح گشته برا که اگر وجود نماز و شکل و صورت نماز صحیح مثل اکثر و حقیقی مجهول الاحد
از علائم عمده نماز تماما کالشمس فی رابعة النهار مکشوف که الصلواة تنهی عن الفحشاء و المنکر پس عکس نتیجه نماز دلیل عدم قبول
فاطمه اعمال است با به نقصان و اعمال و فساد و انواع فساد نباشد که مشاهد است لهذا فقیر با عدم استطاعت وجود و کثرت شغل و عدم اسباب
برحق واجب و لازم دید برای امر معروف و نهی از منکر بموجب وصایای جناب لقمان بر پسر دلبند خود [illegible] حق و اسلوب تعلیم علمای عاملین که مؤمن
برای مؤمنان بشاء آینه بدن نما بباشد که تمام عیوب و نواقص از آن نشان بدهد و در میان عوام بسیار مشهور است که باید [illegible]
که [illegible] بکر باید [illegible] [illegible] هر قدر توانیم در اول و شروع سر مشق اعتبار هر جا
فرمان واجب الاذعان قادر سبحان و مهر صفت از آیات محکمات و احادیث الدالالات موافق فهم و کمال هر کسی بهر نموده
با رجوع بتفاسیر ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین نمانیند چنانکه خاتم الانبیاء در وقت رحلت این سرمشق و بنیاد
و مسنده موافق آن عمل نمائیم که انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی [illegible] اگرچه تا آخر کتاب وصیت جناب لقمان
ملکه هزاران کتابها [illegible] این وصیت لقمان کافی قال الله تبارک و تعالی و لقد آتینا لقمان الحکمة ان اشکر لله و من یشکر فانما
یشکر لنفسه و من کفر فان الله غنی حمید و اذ قال لقمان لابنه و هو یعظه یا بنی لا تشرک بالله ان الشرک لظلم عظیم
و وصینا الانسان بوالدیه حملته امه وهنا علی وهن و فصاله فی عامین ان اشکر لی و لوالدیک الی المصیر و ان
جاهداک علی ان تشرک بی ما لیس لک به علم فلا تطعهما و صاحبهما فی الدنیا معروفا و اتبع سبیل من اناب الی ثم الی
مرجعکم فانبئکم بما کنتم تعملون یا بنی انها ان تک مثقال حبة من خردل فتکن فی صخرة او فی السموات او فی الارض
یأت بها الله ان الله لطیف خبیر یا بنی اقم الصلواة و امر بالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما اصابک
ان ذلک من عزم الامور و لا تصعر خدک للناس و لا تمش فی الارض مرحا ان الله لا یحب کل مختال فخور و اقصد
فی مشیک و اغضض من صوتک ان انکر الاصوات لصوت الحمیر الم تروا ان الله سخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض
و اسبغ علیکم نعمه ظاهرة و باطنة الطاف خفیه و محبت و مهربانی خالق [illegible] درجه درجه و مرتبه مرتبه که تمامی طرق
و این جنبه [illegible] نشان داده [illegible] و بعد از آن راه توبه سهل و آسان [illegible] که هر نوع مخالفت و انواع معاصی حق
[illegible] هدایت و مغفرت [illegible] بالکفار و منافقین مخلد و مردود نباشند علاج و چاره نمودند در عوض آنهمه محبت و الطاف

قل یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعا انه هو الغفور الرحیم و انیبوا الی ربکم و اسلموا له من قبل ان یأتیکم العذاب ثم لا تنصرون

جلت عظمته [illegible] تمامی عمر [illegible] مسجد [illegible] و در همه عمر یک مکروه [illegible] کا جهد [illegible] کفران نعمتهم
بمصداق حدیث شریف حسنات الابرار سیئات المقربین چنانکه در ذیل دعاهای ائمه اطهار سلام الله علیهم بسیار وارد است
که از مخالفت و معاصی نفس [illegible] پناه میبریم [illegible] و عارف [illegible] که معصوم [illegible] از لوث معاصی هستند
است معنی کلام معجز نظام ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین و حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله نیز فرموده علماء امتی افضل
من انبیاء بنی اسرائیل [illegible] که افضل الاعمال احمزها انبیاء بنی اسرائیل در احیای شریعت و دین [illegible] هزاران زحمات
علمای امت مرحومه [illegible] کشیده اند [illegible] ریاضات [illegible] تحصیل علوم و تحقیق و تدقیق و فهمیدن خیر و شر احکام الله با خلط و تعارض
اقوال و تمیز حق و باطل محتاج چندین زحمات نمیشد لهذا افضل از انبیاء [illegible] که مثل زمان [illegible] در صورت لباس علما عالم
و در باطن قالع و قامع اصل و بنیان شریعت و دین در عوض ترغیب و تحریص صحت و قرائت نماز و تعلیم و تعلم نماز با میزان و معیار

دامرازه

سبب تالیف کتاب رحمة الصلواة

و اندازه خودش وزنوا بالقسطاس المستقیم هر چیز را میزانی و مکیالی باشد نماز را میزانی نباشد یعنی نماز ندارد قد افلح المؤمنون الذین هم فی صلواتهم خاشعون والذین هم فی صلواتهم حافظون اولئک هم الوارثون الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون

و عوض ذکر آیات و احادیث فضیلت تعلیم و تعلم نماز و قرائت صحیح نماز و مذمت بی نماز و انواع و اقسام بی نمازی و رسوم نماز و مستخفین و انواع مستخف بالصلواة و انواع مرتدین و کفر و اقسام کفر و ذکر خوف و واسطه نماز و زمان ذکر اخبار خوش

زیرا که مردم مغرور و بعرادار خواطر جمع شده اند حسابی اللهی شده اند بحدیکه عالم صورتان معنی نشناس بود کلمه سخن خوش ظاهر به باطن و کلمات رد آمده خانه خاتم الانبیاء و مرتضی و [illegible] آتش زدند باین کلام که ایها الناس در قرائت نماز نیز حروف

کافیست و امثال این کلمات رد آمده و صورت و شکل نماز و قاریان و علم قرائت و شوق و مذاکره نماز با قرائت نماز خراش خود شدند

در ظرف سی سال عوض بدل کرده و خود را اهل منبر و مروج دین خاتم النبیین [illegible] چه قدر قباحت نافهمی و بی شعوری لازم است

ان النفس لامارة بالسوء نتوان دانست که این جماعت چه اعتقاد دارند بسیاری اسباب کسب رضای مملوق و غضب خالق

بچه اسبه که نه یا شیطان را جاهل دانسته [illegible] یا عمداً در دام حرف شیطان و مضحکه جنود ابلیس [illegible] با واسطه معاش خود دل دلبجه

مقید و حکم گرفتار شده اند چشم توکل بمردم عوام و خواص دوخته اند از دام ابلیس صیاد گرفتار شده اند این قدر آیات و اخبار را المرء

از یاد فراموش کرده اند روز جزا چه عذر دارند امید که خلق و در جاهلیت [illegible] مومنان کنند که هر نماز را بنماز بی عوض کرده پیش از ملی

حق و در آنجاه گرفتار شاید نخیت که نمایند از صد نفر عالم فاضل گمراه شود پنج نفر را نماز سقط و قضا کرده [illegible] قدر آن باید به الجاحد

عملا اجد الخوار سمع الله عقلی با قصه حق از عقل کل تا لی ملکه بالا از تصور نمایند زیرا که بانی علوم کل امیر المومنین علم قرائت تعلیم

اکثر علمای سو را نسخ و تخریب همه علم قرائت و قاریان و نماز صحیح شده که هر کس قرائت نماز خود استاد و معلم شده عجز دارد

و بین دیان خود را نمیدانند و نمیدانسته از کمال مهارت ابلیس است که تا آخر عمر باز گشت ممکن نیست این تخریب دین [illegible] کرده

ناقص و معذور کمراه شده به لیل معذرین علمای یهود و نصاری و مجوس که نشناخته تا رسیدن بکنار قبر مبتلا شده عوام [illegible] باز گشت نماید

اثبت که مولف بی بضاعت کاه در اثبات صحت و راستی نماز که ضرور دین ماست بلکه قرآنی ضرور دین است انکار صحت نماز بدتر از

انکار نبوت و امامت است برای علمای راسخ الفساد و مخربان دین سید المرسلین نتوانیم اثبات نمایم با شاره و کنایه و انواع استعارات

کلمات مولون کرده آمده و شبط فی ترویج نماز بدعت کرده نماز خدا در [illegible] و سعه محکم کرده اند از ملاقات اعراب اول و ثانی محکم رد الادب در تاکید

البدلازم نمیاید مشاهده است که در هر زمانی و بلاد و اطراف و انواع قطاع الطریق رجوع به تخریب و نسخ نماز نموده و نداشته مگر این

در لباس دوستی و یکرنگی لبس لابد گاه بموافقت اخبار و احادیث ائمه اطهار و گاه هیچ آیات بینات حرف الهی [illegible] و تبدیلات و گاه

بمخالفت امم سابقه و سایر انبیاء و صلحا و ابرار و زمانی بیا و امثالهم و هر نوع بواسطه منتخبات آیات محکمات و حجة الدلالات

در مسئلۀ برسانیم هر که آیه از هر مقوله در لباس قرآنی و عبارات بزودی آنچه توانا و قدرت داشته باشیم باز آورده نمایم که شاید برای تنبیه

این فرقۀ قطاع الطریق در دفع سوال از مسائل صحت و سقم نماز ترغیب بتعلیم و تعلم صحت نماز نماینده آنچه دانسته جواب

بدهند آنچه نه دانسته باهل خبره حواله نمایند و گرنه نمیدانم تا کافر نشوند بحکم آیه ومن لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون

و موافق اصول حق و صالحه جواب باید داد یعنی این سوال مسائل واجبست یا حرام و بحث مکرده یا جایز است بمقتضای هر یکی جواب

باید داد تا کافر نشوند و تمیز حق و باطل داشته باشند پس کسانیکه از کافر و مرتد نشدن باک ندارند این گروه سیاه را ملامت کرده حق نیز

حقیر از خود چیزی نگویم و نتوانم قطاع الطریق علمای ملامت نام علمای عالم و لیکن خدا در نزد ملتفت شده که خداوند خصوصا [illegible]

در زوال شریعت دین خاتم النبیین فرموده غیبت و بدگوی بلکه تهمت بر ایشان به که مسلمانان بشناسند نزدیک دام ایشان نروند و از ایشان دوری نمایند

که خداوند شما را مستدرک و متاب مأجور سیدید خدا توبه ایشان را قبول نکند بر فرض اگر خالصانه توبه نماید باید جماعت نیک فریب ایشان را

دمرده اند زنده نمیشود براه راست صراط مستقیم برگردانیده از عقاب و احکام فاسده بعد توبه ایشان را خدا قبول نفرماید و جای آنکه توبه اهل عملیات

سبب تالیف کتاب و تعیین اول ...

در عرض ممالک فسیحه و هر جا ملازمت اجتماعات از فرقهٔ علما که محرب دین و ناسخ علم قرائت و قاریان دمشق و مذاکرهٔ نماز قاریان بسیار احتیاط شده

بر این سنت مبادا اعتنای فیروز نهان داروی مقدس از دین بعض عبارات نا ملایمات در رسیده و خاطر از دو سوی مهما امکن عبارت اطلاق

نمیباشد علاوه ... اغماض بکلمات این بر حاضر و ثروت ضعیف زره بکور در مقام اصلاح بر آمده که بر ارشاد کلام و

دالی اصل استعمال پرستی در موضع علت حق لازم است کلام بی موضع علت و بسیار خواهد شد ... از اسباب عمده تالیف این مجلد کتاب

که اهل منبر تمیز در ملاحظه خواطر حاضران مجلس حق غضب خالق را یاد نکرده میگویند تمیز حروف در قرائت نماز کافی است و ایمکو بند قاریان

دهان و بینی ... بسیار کم درایت نمایند و با امثال این نوع اشاره و کنایه و کلمات استعاره و رموز شیطانی مردم حاضرین مجلس از قاریان

و علم شریف قرائت دمشق و مذاکرهٔ قرآن و نماز خدا خوان با علم قرائت زلزله چاک و بی رغبت و گریزان نموده سبب تالیف این کتاب

غیض و غضب خدا در کار شده خاتم الانبیا و علی مرتضی ... در عالم معنی آتش حقیقی کار با ره زونه که نماز با قرائت ... عوض اهل نماز

خود لسند میر دنی جاهل کرده و رحمت سی سال نمازیکه خاتم الانبیا و علی مرتضی و ائمه هدا سلام الله بر ... زحمات بر بائیه نمود حق بلکشتن کفار

منافقین ... که نماز را لوازم نماز ... قایم با علم قرائت استحکام و استقرار داده تا سی سال قبل ... در ... از ده ساله اطفال در زمان

با نماز احتیاطی که قاری پسند میکرد ... تا لم کم بتدریج این عالم صورت آن معنی لشناس شده ... لشکر شیطان ... اهل عوام

بغرض معاش صنعت ... اظهار فضل دام عوام فریبی ... با انواع اغراض از ... خدا ... نکرده این دام ... بتعلیم

ابلیس بر پا کرده در حالیکه اهالی منبر در هر بلدی و شهری و قریه که خواه تکلم نماید باید اولاً مذاق و عقیدهٔ اهالی مجلس و حاضرین در نظر ملاحظه

اگر در سلوک ... که جماعت ... بسیار ... ساعی و درستی خدا ... در احکام شریعت ظاهری افراط دارند ... معاش ... خود عبارات

... در اوقات نماز ... و روزه ... کسب ... علی ... اوقات آیات و اخبار و احادیث و روایات رجا ... و ... بکار ... مشغول

زهادت و رهبانیت لازم است بر خلاف حقیقت ایشان چنانکه خاتم الانبیا امر بترک رهبانیت ... سابقه فرموده ... مردم مثل اهالی زمان ما ...

در بعض ... خوف خدا ترک فراموش کرده ... صورت و شکل نماز را نیز موقوف کرده ... اصل و روح نماز خوف و خشوع و حضور

دل است ... روزه ... ماتم ... اصل ... روح نماز حق ... قالب ... بصورت ... پرستان بشنابه ...

سلطان السلاطین عالم اسرار و دقایق خالق ... که محیط ذرات کاینات ... ما کان و ما لا یکون است نماز را ... تقرب

و دستاویز ... محبت ... در خوبی آن ... جلوه ... که مفصل در کار ... نماز بی روح ... مثل ...

اشخاص ... کسیرک مردم ... پرستان که با انواع عیوب متصف با عیوب ظاهری و معنوی ... شفعای ... سازد

... و عبادات ... ایشان ... اشاره و کنایه ... مردم ... نماز با قرائت و قاریان

برمانی و تمیز حروف کافی است ... که جماعت ... از جهه ... در منابر ... برای عوام

نتیجه ... که از ... عالم ... انواع ... اثر ... در ... عوض ... شهر

بلاد ... اخبار و احادیث ... معنی ... العالم ... العالم عوام از شنیدن استخفاف نماز و علم قرائت قاریان

باید ... بر این نزدیک نماز خدا و رسول پسند ... از صورت و شکل نماز نیز بگریزند چنانکه ... معلوم است که بعد

چند سالی این صورت و شکل نماز را نیز موقوف نمایند ... خالی بی معنی ... خصوص

روز قیامت ... از رحمت ... محتار کرده و ذلک هو الخسران المبین باید دانست که ... این کتاب

... که محرب ... عوض ... کننده نماز ... قرائت ... در باب صحت قرائت ... نماز

که ... مستند ... سیان ... کسانیکه در قرائت ... نماز ... و ...

و ... لا ... ولا علاج ... احکام ... الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر

[illegible]

بر ارباب فضل و کمال مخفی نیست که ... تألیف و تحریر ... [illegible]

[illegible]

در مصاحبت مؤمن با قرآن و کتب حقه و اخبار و احادیث ائمه علیهم السلام

قال الله تعالی الذین آتیناهم الکتاب یتلونه حق تلاوته اولئک یؤمنون به ومن یکفر به فاولئک هم الخاسرون یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی التی انعمت علیکم وانی فضلتکم علی العالمین یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر والصلواة ان الله مع الصابرین ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احیاء ولکن لا تشعرون ولنبلونکم بشیء من الخوف والجوع ونقص من الاموال والانفس والثمرات وبشر الصابرین الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا انا لله وانا الیه راجعون اولئک علیهم صلوات من ربهم ورحمة واولئک هم المهتدون وقال تعالی ان الذین یکتمون ما انزلنا من البینات والهدی من بعد ما بیناه للناس فی الکتاب اولئک یلعنهم الله ویلعنهم اللاعنون ما حصل آیات کریمه خواندن کلام الله و عمل کردن موافق احکام الله و صبر بر زحمات طاعت و ادا و امر و نواهی الهی و مجازات روز جزا و حرام است [illegible] و اعظم کلمات [illegible] و انس گرفتن با کلام الله با کمال حزن و تامل و تفکر در معانی و تفاسیر و اشارات و کنایات موافق عمل کردن بطوری که از آل محمد علیهم السلام رسیده چنانکه در غور و تصرف معانی حرف [illegible] و خبث و کفرات مجتنبین در خواندن شکل و صورت و ادای حروف از مخارج مقرره واجب و لازم است تا تغییر معنی نباشند موافق حدیث شریف رب تال القرآن والقرآن یلعنه و رتل القرآن ترتیلا مراد از ترتیل ادای حروف و کلمات از مخارج مقرره و محافظت رسوم وقوف هر کدام در محل خود است موافق اهل لسان عرب و اقوام و کمالی که در رسم علم قرائت که میزان و مکیال و اندازه خواندن قرآن است و چون مشیة الله متعلق شده با کمال نزول در ترتیب و نظم کلام الله موافق مفاتیح اسرار شرح اصول کافی از حضرت کتاب مفصل است خداوند عالم با اسرار و حکم نامتناهی حق بحروف [illegible]

مجمع کلام الله مقرر فرموده که هر کلمه مخزن معانی و اسرار بی پایان می‌باشند چه از کاینات [illegible] راه نداده و نیاموخته مگر محمد و آل محمد که مخصوص فهم و درک آنها و سعه چنانکه مفاتیح کو رشته را با این علم شریف نشد میان عاشق و معشوق سر لسان عبارات اغیار را راه نداده هر که طالب فهم این در از عز گرانمایه باشد تمسک بذکر شده نام اهل اساس کلام همان مشتبهات حرمت خدا می‌باشد که بی وضو دست مصحف به لمس کشف شوالها رسانیدن از قرآن اگر چه اسم شیطان و فرعون در نزد و شده اذا باشد چنانکه بی وضو دست رسانیدن جایز نیست بی مخرج حروف هم بدون تحقیق و تعلیم نیز نتوان معنی کردن و اسرار آنهم بطریق اولی نتوان تصرف کردن که همان سبب الیف ابن حجل [illegible] درجه مرتبه لازم و واجب شد آنست که هر کار و هر شیء در موضع خود صرف و خرج باید و تمامی خرابی عالم در استعمال هر شیء در غیر موضع خود است و تمیز قبح در رشت و صحت کم مصاحبت و مؤانست با علما و ابرار و اخیار مؤمنین ملیته چنانکه خرابی و فساد آن با جهال و فقه و سفه طریقان است پس لازم است مصاحبت چنانکه کلام الله است از جهة شکل و صورت خواندن با ملاحظه و تفکر در معانی و احکام بعد از آن یعنی با صحبت الهی کتب هدایت ارشاد است و احسن و الزم رفقا و محبت زین اصحاب قال ثبت که از مصاحبت کتابی که لست دارد نه ضرر و خسارت و رنجش و دروغ و غیبت و نه مکر و حیله و عناد هر چه به راست از روی محبت است که از راست و صراط مستقیم دور می‌باید و اعوجاج و خرابی از اوها نمانده همانا این کتاب را با کمال صداقت با صلاح آوردن طریق نکته دانی و عیب گیری نظر نماید که کتب حقه هر از درجه از بهر و مار مرا هی شرارت اگر هم است تو کو شده سهو و نسیان و خطا ندارد اگر حسبا با خط باشد در اصلاح آن کوشد که مصاحب خود را خجل نکند و روز بروز در تزاید منافع سلوک شده بعضی تمام شده خود ندارد روز بروز و کج بحث [illegible] اگر قدر تمامی او عوض خوبی ایشان بسیده اگر نور کرده و تمامی او اظهار محبت دلا و رخها بی نمایه از طرق ضلالت و گمراهی برگرداند تمثیل همه معرفت نهان رسانیده آیینه این تمامی عیب تمامی عیوب بکوشش و دلیت با کمال تاکید اکید میرسانه تا احتراز از چاهها و ضلالت برکند راه نما و پیشوای مراهی بشب و روز در حشیم تولات شب و روز در معرفت و توبه و تسبیح این چنین رفیق برای تولات در روز در ماندگی و احتیاج تمامی مساعی جمیله کتاب که انس قرآن در کل رسانیده در اثبات حور و قصور است و تحت الکتاب و ائمه سلام الله علیهم متصل شود است و قرب حضرت حق تعالی و توسل از دنیا و مال نامناسب در محافظت است که در استعمال هر شیء در موضع خود [illegible] که هر جز بجای خود نیکوست یعنی چه در دو راه [illegible] دولت از جای خود یعنی از دنیا خود [illegible] در سر قدرت خود بلکه است دیگر که دعا [illegible] شمال [illegible] عکس [illegible]

مصاحبت کلام الله و [illegible] اصحاب و محبت ائمه

[illegible] قرآن [illegible]

[illegible] مصاحبت کتب [illegible]

اشاره در اسباب تألیف رسالة الصلوة [illegible]

[illegible] مشهور علما اهل منبر و مسجد در اسم تغییر نماز کار [illegible] احتیاطی با مراعات آنچه مجتهدین [illegible] ... این جناب نماز [illegible]

[illegible] نفر عادل اهل خبره که در فن و علم قرائت علما را اهل خبره [illegible] ... عالم قرائت کسی [illegible] که موافق احتیاط [illegible] نماز غلط [illegible]

[illegible] آنکه کلمات مجتهدین [illegible] در رساله‌ها که تمیز حروف و قرائت نماز کافی است این کلام مختصر محمد بن [illegible]

کلام شعرا [illegible] ... مقلد این [illegible] در سر مجلس [illegible] بازار [illegible]

این کلام [illegible] قلب [illegible] که قاریان [illegible] ... عوام [illegible]

قاریان [illegible] قرائت [illegible] حمد و سوره [illegible] نماز با فاتحه [illegible] قاریان [illegible]

[illegible]

[illegible] ابلیس لعین که [illegible] حضرت حق [illegible] علم [illegible] سقیفه [illegible]

[illegible]

[illegible] کربلا [illegible]

[illegible]

[illegible] کلام [illegible] سلطان [illegible]

[illegible]

[illegible] نماز [illegible] قرائت نماز [illegible] اهل خبره [illegible]

[illegible] عادل اهل خبره [illegible]

[illegible] عادل [illegible] اهل خبره [illegible]

[illegible]

[illegible] تمیز حروف [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] لا تقربوا الصلوة و انتم سکاری [illegible]

[illegible] نماز [illegible]

[illegible] ابلیس [illegible]

[illegible]

[illegible] طمأنینه [illegible]

[illegible] طمأنینه [illegible]

[illegible] طمأنینه [illegible]

[illegible] نماز [illegible] سلام [illegible]

[illegible]

حلیهٔ شیطانی

در اثبات تألیف ترجمهٔ الصلوٰة والرد

قال الله تعالی واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا قوم جناب سنی مقابل و فرقه دوم جناب شیعی مقابل [illegible]

[illegible]

از اسباب باب الیف ترجمه الصلاة و نتایج علم و عالم و علی دوم

خلقوا کخلقه فتشابه الخلق علیهم قل الله خالق کل شیء وهو الواحد القهار انزل من السماء ماء فسالت اودیة بقدرها

فاحتمل السیل زبدا رابیا ومما یوقدون علیه فی النار ابتغاء حلیة او متاع زبد مثله کذلک یضرب الله الامثال الحق والباطل

مثلها مثل الحق فی افادته وثباته بالماء الذی ینزل من السماء فیسیل به الاودیة علی قدر الحاجة والمصلحة فینتفع به انواع المنافع و یمکث فی الارض بان یثبت

فی منابعه ویسلک بعضه فی عروق الارض الی العیون والآبار و بالفلز الذی ینتفع به فی صوغ الحلی والاشیاء والامتعة المختلفة ویدوم ذلک

مدة متطاولة والباطل فی قلة نفعه وسرعة اضمحلاله بزبدهما فاما الزبد فیذهب جفاء یجفاء به ای یرمی السیل والفلز المذاب

واما ما ینفع الناس کالماء وخلاصة الفلز فیمکث فی الارض ینتفع به اهلها کذلک یضرب الله الامثال لایضاح المشتبهات

المعنی یقول انزل الحق من السماء فاحتملت القلوب باهوائها ذو الیقین علی قدر یقینه و ذو الشک علی قدر شکه فاحتمل الهوی باطلا کثیرا وجفاء

فالماء هو الحق والاودیة هی القلوب والسیل هو الهوی والزبد وخبث الحلیة هو الباطل والحلیة والمتاع هو الحق من صفاء الحلیة والمتاع

الذی انتفع به ولذلک صاحب الحق یوم القیمة ینفعه ومن اصاب الزبد وخبث الحلیة فی الدنیا لم ینتفع وکذلک صاحب الباطل

یوم القیمة لا ینتفع به وعن قول امیر المؤمنین الزبد کلام الملحدین یضمحل ویبطل ویتلاشی عند التحصیل والذی ینفع الناس منه فالتنزیل

الذی لا یاتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه والقلوب تقبله والارض فی هذا الموضع هی محل العلم وقراره و در آیه شریفه دیگر

میفرماید انا صببنا الماء صبا ثم شققنا الارض شقا فانبتنا فیها حبا وعنبا وقضبا و زیتونا زمین قابل باید تا بعد از باریدن باران رحمت

نه در زمین شوره زار و سنگلاخ در آن غیر قابل نشو و کفار و منافقین بعد بلاحظه فالینظر الانسان الی طعامه تا که اسباب بزرگی

همه آماده شود و اگر در قرآن بر آیه بیدار از خواب غفلت علمای مغرور ما نخواهیم دید لاابالی با مزور ما کجا مرکب سوار ابلیس نفس موعظه ابدا

این آیه کافی بود و حال آنکه همه بیند و دانایه شیطان میتوان گفت بصاحبان جهل و عالم ناقص که چهار تکلیف و جای باید که بعضی محال

تبدیل به طایر استبعاد وارد نشود خصوص کسانی که بانی بدعت و ضلالت باشند در شیطنه تمامی مراتب خباثت سلطنه کرده است بس انکه تحصیل

معرفت و توجیه وجه اشتغال در اصول دین و سایر متعلقات عقاید از اول جوانی و کمترین لازم است خصوص علم قرائت بس علمایی که بدون

تحصیل علم قرائت حکم بصحت و سقم نماز خود و نماز دیگران میه هستند همه انم که چه قدر لاابالی دارند دین و ایمان کنار و بی مایه باشند بحکم آیه شریفه

و لا تقف ما لیس لک به علم بمصداق ومن لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون با آثار کفر حبیبت که خداوند دعوه ای واقع

ورزید بقلوب قاصیه ایشان اثر هزار در هزار درجه از قلب ابلیس سخت تر است که بالکل سیار لازم است شیطان بر قبایح خود اقرار و اسیر توبه محبانه

که تشفعات الحجة توبه خالصانه این بیچاره لابه سبب ترویج دین میه آن فساد و قبایح خود چه قدر بیزار از ابلیس می باشند خداوند نجات دار

ما را اعلم و ابصر بر قبایح و تائب از معاصی خود نماید از امام محمد باقر منقول است که هیچ چیز بهتر و نیکوتر از عصمت فرج و شکم نیست از حرام و دیگر

کلام در این حدیث بسیار است که مکروه و ذکر حرام در یکجا در تفسیر و معنی حدیث حسنات الابرار سیئات المقربین تامل باید شیخ عالم و جاهل

که اولا اینکه مخالفت خالق بر سبیل اطلاق و عموم نسبت بکالوا از ضمن و سموات مخالفت و معصیت میباشد اگر چه مکروه و ملحی باشد که خدا نا خوشش آید

هر قدر فاضل تر باشد مکروه کمیرا گناه بزرگ میشمارد حتی در سلطان آیت معنی حسنات الابرار سیئات المقربین بس عالم و فاضل باید مکروه

اعظم کبایر تصور نماید و سر بیرا مرافق خوف و خشیه خود از مکروه بترسد که مقدمه کبایر است علی قول مقدمه واجب نیز واجب است انکه در مسایل

طهارت و نجاست طریق احتیاط را بکمال دقت در کار آورده و در پیه درست دین و ایمان نماز خالق اقل درجه قبول بلکه مکرر عکس

بطور بطلان باشاره و کنایه تعلیم بی دینی کنند بر و کلمه از آن اندر فساد و ابلیس ملتفتی خود که ایها الناس کاریان و کار دینی السایح

نمایند در قرائت حمد و سوره نمیز حرف کافی است فلان مجتهد در رساله نوشته بلی مجتهدین نوشته اند آنکه سو تیرای کسانیکه حمد و سوره خود را

ابدا تمییز به استعمال کلام در غیر موضوع له خود ابهامه فساد ابداع در کار نماید کجایکه اول خود چنین عالم بی دین خود در جای دیگر ضلالت سر کردان بعد دیگران را

جهلا مرکب صرف نماید من حفر بئرا لاخیه وقع فیه بس عالم عادل در کلمات حقه باید دروی کامل باشد که از گفتار و کلام من در آخر چه نتیجه حاصل خواهد شد بعد

و سرمشق تمامی افعال و اعمال و گفتار و در اول کار اصل حسنه اصلیه قرار دهد که این کلام حق و حسنه است حرام است یا مکروه یا جایز چه حکم

دستور دین نماز

اشاره براه زنان صراط مستقیمه

والذین یؤمنون بالآخرة یؤمنون به وهم علی صلاتهم یحافظون تا ملک کن خدا چه میفرماید بعد نماز بی عنایت و لاابالی نماز بجا آرنده

این روسیاه در چنین عالم صورتان معنی کنند لاابالی بجای نماز میگویم و عمل جعل ایشان را نا خرسند دارم خداوند چه میفرماید ما اتیکم الرسول

فخذوه وما نهیکم عنه فانتهوا واتقوا الله ان الله شدید العقاب و نیز میفرماید للفقراء المهاجرین الذین اخرجوا من دیارهم

و اموالهم یبتغون فضلا من الله و رضوانا و ینصرون الله و رسوله اولئک هم الصادقون و قال والذین تبوؤ الدار والایمان

من قبلهم یحبون من هاجر الیهم ولا یجدون فی صدورهم حاجة مما اوتوا و یؤثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصة

ومن یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون و قال ولتنظر نفس ما قدمت لغد واتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون و قال

ولا تکونوا کالذین نسوا الله فانسیهم انفسهم اولئک هم الفاسقون مگر کسی که در آخر آیه خدا فراموش کردن در مقابل نعم الله

زیرا که از این چه باشد که بر رکعت نماز برزبان خود با تمام دقائق کردن و صورت و شکل آن را چنین ضایع کردن که در مرتبه حرف الطور

اختراعی میبرد در پنج مرتبه لکد کوب نمودن در چه مرتبه عناد و عداوت خدا ملیاشه است که خدا میفرماید لو انزلنا هذا القرآن علی جبل

لرایته خاشعا متصدعا من خشیة الله و تلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون و قال فلما زاغوا ازاغ الله قلوبهم والله

لا یهدی القوم الفاسقین و قال ایضا ومن اظلم ممن افتری علی الله الکذب وهو یدعی الی الاسلام والله لا یهدی القوم الظالمین

و نهایت امر که مخصوص برای کفار است سلسله ایشان این نوع عالم نما منافقین هستند که مشغول دین خدا ضایع یا تمام نماز که میفرماید

یریدون لیطفئوا نور الله بافواههم والله متم نوره ولو کره الکافرون نمیدانم کدام آیه است که در حق دشمنان دین نازل شده باشد

٤٦

این بیچارگان محو این نماز و حساب آن نماز و مستخفین نماز داخل و سلک آنها نباشند مستخف بالصلوة نباشند زیرا که مدعی فضل جامع هستند

قال تعالی یوم ینفخ فی الصور فتأتون افواجا و فتحت السماء فکانت ابوابا و سیرت الجبال فکانت سرابا ان جهنم کانت مرصادا

للطاغین مآبا لابثین فیها احقابا لا یذوقون فیها بردا ولا شرابا الا حمیما و غساقا جزاء وفاقا انهم کانوا لا یرجون حسابا

و کذبوا بآیاتنا کذابا و کل شیء احصیناه کتابا فذوقوا فلن نزیدکم الا عذابا ان للمتقین مفازا حدائق و اعنابا و کواعب

اترابا و کاسا دهاقا لا یسمعون فیها لغوا ولا کذابا جزاء من ربک عطاء حسابا و یقول الکافر یا لیتنی کنت ترابا و قال ان یوم

الفصل میقاتهم اجمعین یوم لا یغنی مولی عن مولی شیئا ولا هم ینصرون الا من رحم الله انه هو العزیز الرحیم ان شجرة الزقوم

طعام الاثیم کالمهل یغلی فی البطون کغلی الحمیم خذوه فاعتلوه الی سواء الجحیم ثم صبوا فوق رأسه من عذاب الحمیم ذق انک

انت العزیز الکریم ان هذا ما کنتم به تمترون ان المتقین فی مقام امین فی جنات و عیون یلبسون من سندس و استبرق متقابلین

در مقام امین تو بخدا چه کمانداری کسیکه کارش در هر روزی پنج مرتبه نماز را با این همه ذلت و خواری لکد کوب نماید بی قرائت و بی صرافه و بی دین

در مصداق یکی از این آیات مذکوره میدانم در خبار وارد است ابله احمق ترین مردم کسی است که ... از فاسق که خواه عزیز ترین مردم کسی است

که رکوع و سجود خود را طمع و روی بنماید و چنانچه ... که نماز بسیار کرده باشد ذلیل ترین و ... ترین مردم کسی است که از نماز خود بدزدد رکوع و سجود باطل

و خراب و بی طمأنینه و بی صرافه و بدل یقین صادق ... و درستی نماز خفیف نماز کرده از صاحب بدعت کرده و حیا نکنند که الحیاء من الایمان

ایشان را حیا نه اشتغال باشد صورت خود را بصورت ... صاحبان علم و کمال و شماری چنین انداز چرا طبیعت خود را ملاحظه نکنند از خدا در عمل و امام جماعت

ملاست مولف ... همه جا این اشخاص خواهد بود که مثل این روسیاه فضیحت خود را اصلا توجه ندارند بلکه تحریف بعث بدعت ترویج

با نماز باطل صرف به بدعت خالص و نماز اختراعی میشمارند می نمایند و حال آنکه امر سهلی نیست نماز را بقالب بدعت اختراعی

انداختن بلکه از قتل حق خاتم الانبیاء و خاتم اوصیا بدتر است و حال آنکه در قتل پیغمبر و امام دستشهادة محرمه آشوب و ولوله در عالم

ملت در تحریف با تمام گفتن نماز و تغییر بدعت نماز هیچ آشوب و انقلاب شده که همه انبیا و ائمه سلام الله علیهم خادم و مروج نماز

و لوازم نماز بوده هزار درجه بالاتر انقلاب و تشویش عالم بایست کرد ... بواسطه اجرای تدریجی کم کم از حرکت مردمان عالم نما باشاره

در رسم منافقی درست ... این بدعت احمق ... با حالت بی اعتنایی بقرائت و قاریان ... که مجلس تدریس و سماع

و اجداد و اهلیا ... و عزاداری کشتن و شهادة و تغییر ... کرده از کیان و کجا و چرا چنین نماز را بنماز بدعت عوض بدل نمایم

از کدام حاجت بیچارگان این مرض مهلک دین و ایمان با سلمانان رسید ... و سبب کدام الواط و جاهل فاسق منافقی که حیا نماید

الرجل کافر و منافق ترویج این بدعت میکرد ... بفتنه چرا ازین این دو ... فتنه

و نیست تحریف

و نیز منع نعمت تحریف دین نماز

در صفحه

مقدمه در جواز غیبت اهالی بدعت و فساد و از علمای سوء

قال الله تعالی ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر وقال من اضاعوا الصلوة واتبعوا الشهوات فسوف یلقون
غیا وقال اقیموا الصلوة واتوا الزکوة واطیعوا الرسول لعلکم تفلحون وقال اننی انا الله لا اله الا انا فاعبدنی
واقم الصلوة لذکری وقال والذین هم علی صلواتهم یحافظون اولئک هم الوارثون الذین یرثون الفردوس
هم فیها خالدون وقال والذین آمنوا وعملوا الصالحات طوبی لهم وحسن مآب وقال والذین هم علی صلواتهم
یحافظون اولئک فی جنات مکرمون وقال واقیموا الصلوة واتوا الزکوة واقرضوا الله قرضا حسنا وقال
ویل للمصلین الذین هم عن صلاتهم ساهون الذین هم یراؤن ویمنعون الماعون وقال یا بنی اقم
الصلوة وأمر بالمعروف وانه عن المنکر واصبر علی ما اصابک ان ذلک من عزم الامور و از این قبیل آیات
بسیار وارد است و در استخفاف و بی اعتنائی و لاابالی نماز کفر و ارتداد اخبار بسیار از ائمه اطهار علیهم السلام رسیده و اقسام کفر
و ارتداد و استخفاف نماز نیز بسیار است و طرق و اقسام فریب ابلیس لعین اندازه و حسابی ندارد و در هر زمانی در حق هر امتی
مطابق نقش و صورتی دیگر اسباب گمراهی و فساد و دوام ضلالت برپا نماید و بیک امری اشاره تمامی یک امت [illegible]
بلکه امم فساد و صید خود نماید که زحمت زیادی احتیاج نباشد چنانکه در حدیث وارد است که حضرت نوح گفت [illegible]
حق بزرگی بر ذمه است میخواهم عوض آن حق بزرگ نصیحتی بتو بگویم که بسیار بتو بکار آید چنانکه [illegible] گاه گاه مجسم ملعون صحبت
میداشت حضرت در منع ملعون من باید چه آشنائی دارم و چه صحبت و حق دارم عرض کرد یا نبی الله کدام حق زیاده برای باشد که
بلند دعای تو چندین هزار جمعیت را به سوی طوفان غرق کرد و بجهنم فرستادی و مرا راحت نمودی که یک یک اینها را مدام خدمت گمراه نمایم ۳۹
چنانکه روزی بدشمنان امیر المؤمنین رسیده بصورت پیر ریش سفید که سخن پیران اعتماد بسیار میشد این زمان [illegible]
با اکابر قریش در مکه با هم نشسته غیبت امیر المؤمنین بسیار نمودند گفت ای رجال شما که [illegible] مولا خود را و میکنید گفتند تو از کجا [illegible]
[illegible] گفت من از اولاد جان بن جان هستم [illegible] هزار سال در زمان [illegible] سال بعد از اولاد [illegible] مشهور در علم و فضل و عبادت
بودم ملائکه از وعظ و علم و طاعات من محظوظ و تعلیم میکردم رسوم عبادت [illegible] و بعد از این چهار هزار سال [illegible] که تمامی وجود موجودات [illegible]
و باعث خلق مخلوقات علی است [illegible] به طفیل علی [illegible] غیبت [illegible] نماید که بطفیل او بوجود آمده اید [illegible] لعنت
لعنت نمایند چه طور [illegible] چنانکه روزی [illegible] امیر المؤمنین مجسم نشسته عرض کرد [illegible] در باره شما حق بزرگی دارم [illegible]
ملعون چه حق بر من داری عرض کرد زیاده برای چه باشد که هر کس [illegible] از دشمنان تو [illegible] تمامی من [illegible]
او [illegible] تمام در تمامی دشمنان شما و در نطفه شریک هستم [illegible] تا زمان امام محمد باقر با انبیا و اوصیا و اولیا کلمات بسیار
و نصایح [illegible] از قصص امم سابقه معلوم است تا آخر الزمان [illegible]
و [illegible] تمامی عالم از کشتن انبیا و اوصیا و شهادت عقل کل و نفس کل [illegible] صورت و شکل نماز [illegible] تمامی طاعات و
اعمال ایشان [illegible] و از اسباب قرب [illegible] رسول و ائمه [illegible] نماز [illegible] باطل [illegible] نمایند
و [illegible] خرابی [illegible] عوض [illegible] بواسطه عالم صورتان لاابالی [illegible] و کنایه [illegible] ترویج دین [illegible] عدم استعمال [illegible]
و بدون ملاحظه کلام [illegible] و نتایج آخر کار [illegible] مخصوص عالم [illegible] در تمامی امور [illegible] ملاحظه
[illegible] بمقتضای نتیجه رفتار نمایند استعمال [illegible]
چون کلام عالم صورتان معنی نشناس در مجالس و محافل عمومی [illegible] و غرض [illegible] عوام کالانعام [illegible]
[illegible] دشمن دین [illegible] به گفتن کلام خوش صورت [illegible] ایها الناس در صحت قرائت نماز
تمیز حروف کافی است [illegible] قاریان [illegible] تعلیم [illegible]
[illegible] این کلمات فساد [illegible] در مدت سی سال [illegible] علم قرائت [illegible] صحت نماز [illegible]

مقدمه در جواز غیبت اهل بدعت و فساد و از علما است

و مردم از شنیدن این کلمات از علم قرائت و قاریان دلداده و مباحثه علم قرائت و خط از شمار گریزان و متنفر ملتزم بحدیکه گویا قرائت کاو

و نماز قاری پسندی را خارج از دین اسلام پنداشته اند که کار مردم بجای رسیده که از خود علما از صد نفر فاضل مشهور به نفر نباید

که تمیز قدر واجب و باطل و بدعت و مکروه و جایز را داشته باشند و به اینکه کور و کور راه فتوای صحت نماز خود و دیگران می نمایند

بغرور فضل و جهل خود است که باید دانست در مخالفت الهی فساد و مضرت خود را تصور کردن و شستی خالق را عصیان نمودن

واجب الوجود برای مطلبه به اصل بردن عوام چه قدر درجه حاصل خواهد شد که دلیل حماقت خود است و طاعت ابلیس ساختن و محکم

نارسانیدن بکنار جهنم و مراتب کفر دارد خواه رسانید و با مخالفت خالق نتایج بسیار دارد زیرا که ماده ها است مقدمه ارتکاب

محالات و قول مقدمه واجب نیز واجب است زیرا که ارتکاب مکروهات کمال واجب الوجود در عالم معنی چه قدر عظیم است معارض

با کلام شریف حسنات الابرار سیئات المقربین کمانه که از علما و اهل فضل ابرار شمرده دل تصور اصل حکم اصلیه در امور دین و دنیا

بلا ابالی و بیباکی و تکفیر خطای خود فعلا و قولا ارتکاب نماید و نتیجه بدعت در دین که مانده که در امر نماز و عوض حال کردن نماز بدعت است

و باباب و لکن کوب سخن سنن دین باشد و درست سکی سنجیده نماز بدعت اخراعی اسم دین دار و مسلمانی کرده از مردم

نه اینکه این بدعت کیست که این بدعت حکم کرده و از کجا ترویج یافت و حال آنکه نماز قاری پسند عبارت از نمازیکه موافق آن

مجتهدین و قاریان باشد و نماز شرع پسند ادا که به سقط قضا ادا درجه مجتهد پسند باشد بطریق احتیاط نباشد اگر در خطا

از درجه اعتبار ناقص و باطل شد عالی درجه کراهت است که برای قاریان باطل است و در یک حرف خطا شد باطل است و در اقل درجه

که نزدیک بطلان و محل خوف و خطر است شرع پسند گویند که عوام از شنیدن شرع پسند چنان خیال نمایند که علام شرع

و حال آنکه هزار عقبه مهلکه بطلان در میان است حاصل آنکه از نالیف این مجموعه استاد الهی است که عالم صدر یان معنی بیان می سند

که تمام التفاته ملامت و مذمت مؤلف به بضاعت بعالم صدر نا بلکه از معتبرین و موثقین اهل منبر باشند به واسطه چند کلمه که از مرد

نماز احتیاطی کار بسند را بنماز اختراعی بدعت عوض بدل کرده مراد العالمانه که استاد انسان نه که در منبر و مباحثه بعوام از خواص خطا

نماید ایها الناس در قرائت و صحت نماز تمیز حروف کافی است قاریان بسیار دقایق و دقیق سلیقه در این نماید و حال آنکه

و حال آنکه اهل منبر باید ملاحظه نماید که ستون نماز و اهم و جبات بعد از اصول دین مبتلا از جمیع احکام کسب صحت نماز صحیح

که مشکل قرائت نماز و طمانینه که از تمام شرایط و آداب نماز سهل است ترغیب باید نماید زیرا که قرائت و طمانینه

که باطل است فضیلت فروش و سایر حفظ و مسائل صحبت از آسمان و زمان و افلاک و روضه خوانی علی الدوام چه فایده دارد

هر چه گوید تضییع اوقات خود و مردم است و حال آنکه خود عالم و منبر که مبتلا بلکه از دین نماز بدعت اختراعی بگذارد کاف حق

و درس و اظهار فضل و حال اینکه معاش اهل عبادت و صلحی نمازند اهلیس منشی زاید از این چه مشغول اسم در دار العلم مقدس

اینست که بعد از سن معاش و رنج و غلبه ضعف تا حاصل و پس از تالیفات زاید بر سر جمله از اخبار و احادیث و فضایل و مصائب

و کلام الله علم قرائت و علم حساب و تحریر در اقامه و هنجار شریف فرما ملک الملوک نیز از حق واجب الا زم و هم این جمله

نمایم با همه ابتدا نا کیدات و تمثیلات و قصص و اخبار و آیات برای امثال حق عاجز از ادراک و بازار نیست تقدیر حق و دقت حق بکلام

مشغول باشیم که بعد از خواص ولایت و امامت و ادای سنت و جنب از نماز همین از سایر طاعات چنانکه خواهند

و در حشر نیز روح خسته و جانکاه از بعد اولین برسش از نماز بعد و اگر نماز قبول شد سنت عبادات و طاعات کاف خواهد شد فایده نداشت بلکه اصل دین

نیز فایده نخواهد بخشید و در نسبت نماز اگر نماز باشد به صورت زیبا و در جانب راست بنشیند بطوریکه از تمام نعمات راضی و صاحب اولاد

باشد چنانکه شاد گوید و مکتب تو کیستی با من در این وقت گوید منم نماز تو ام که برخاستی از خوب شرایط

بجا نیاوردی که در پی صحت عمر در دنیا میکوشیدی اگر چنانا نماز بی شرایط فعل تو گردید که از تمامی عذاب جهنم و مصائب

جهنم خبر

قسم اول در بیان احتیاط و الوهیت ... و فضایل ... مقتضی ... سنتی ...

بیان ... اصل ... احتیاط ... قرائت ...

تعقیب نماز و اوراد ... به نماز و ... به جماعت ... تمام ...

۵۰

[illegible]

استشهاد در رد جواز غیبت از اهل محفل چاپ کرده ... ما ... شد

جهنم خبر بیعه و زکواة و رجانب حجة الاسلام و رجانب دیگر روزه ماه مبارک و رسمت دیگر با اسرار و لامیت داخل اوراز نمکی
ذرائی بایه جن دنو در دنیا بتکمیل حالات صحت نمی بکوشیم سخن به معنی قشر و صورت بیما نباشند الا البالی نباشد کرات
جهنم است منتهی به برکات جهنم بر سر کار که دشاغل تمامی علما و طلاب در این زمان شنوده صرف در ترغیب صورت شکل نماز
نباشند زیرا که ادنی و ذلیل ترین اعمال آخرت صورت و شکل نماز است در این زمان میان ملت اسلام و اهمال تا به
بردن نماز که خضوع خشوع باشد که بدون صحت صورت خیال محالست و اگر صورت حاصل کردید لامحاله بی اختیار دیگر شرائط
بتدریج صورت پذیر ملتفت الیست که این جمله در خصوص نماز و سمی شرحه الصلواة مقدم و تمامی آیات منتخبات شرایط
نماز و صحت نماز و مذمت محرابی نماز و ملامت بر جای نماز به غفلت و علمای ناشی نماز شامل باشند نگوی که در خصوص
کفار این آیه نازل شده یا در باب یهود و نصاری وارد است اهل غفلت به تراز یهود و نصاری میباشند و اما من اوتی کتابه بشماله فیقول
یا لیتنی لم اوت کتابیه ولم ادر ما حسابیه یا لیتها کانت القاضیة ما اغنی عنی مالیه هلک عنی سلطانیه خذوه
فغلوه ثم الجحیم صلوه ثم فی سلسلة ذرعها سبعون ذراعا فاسلکوه انه کان لا یؤمن بالله العظیم ولا یحض علی طعام
المسکین فلیس له الیوم ههنا حمیم ولا طعام الا من غسلین لا یأکله الا الخاطئون فلا اقسم بما تبصرون وما
لا تبصرون انه لقول رسول کریم وما هو بقول شاعر قلیلا ما تؤمنون ولا بقول کاهن قلیلا ما تذکرون تنزیل
من رب العالمین ولو تقول علینا بعض الاقاویل لاخذنا منه بالیمین ثم لقطعنا منه الوتین فما منکم من احد عنه حاجزین
وانه لتذکرة للمتقین و قال الذین یصدون عن سبیل الله و یبغونها عوجا وهم بالآخرة کافرون الذین اتخذوا
دینهم لهوا ولعبا وغرتهم الحیوة الدنیا فالیوم ننسیهم کما نسوا لقاء یومهم هذا وما کانوا بآیاتنا یجحدون
ولقد جئناهم بکتاب فصلناه علی علم هدی و رحمة لقوم یؤمنون هل ینظرون الا تأویله یوم یأتی تأویله یقول الذین
نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق فهل لنا من شفعاء فیشفعوا لنا او نرد فنعمل غیر الذی
کنا نعمل قد خسروا انفسهم وضل عنهم ما کانوا یفترون مصداق حال اجماعت نواب الوجه عالم
میباشد که عظم اسباب وهن حجر الزمان تا شیخ و تخریب دین خاتم النبیین بعد قرائت نماز و علم قرائت قاریان
خانه حقیقی خاتم النبیین عالی ساجدان آتش زده که حق نیز محتاج نماز سقط قضا شده اند که نماز خوانان در شبانه
باشاره و کنایه شیطانی که تمامی زحمات و ریاضات چهارده معصوم برای اعلای کلمه نماز و لوازم و متعلقات نماز بود و این
منصب بدتر از معاویه و یزید و این زیاد و ابواسطه اخبار چیز اختیار که انسبت بفهم مؤلف بی بضاعت که در مدت العمر دیده و دانسته ام که همگی
از تعلیم ابلیس لعین برای عذر علم و فضل خود بدون ملاحظه نتایج کلام خصلا بالا و عدم ملاحظه کلام ردی اند و میان عوام خواص و شغلهای شیطانی
در خبر مهلک دنیا بدون ملاحظه اصول حسنه صلبه که قدر وجوب سنت و بدعت و مکروه و حرام را تمیز نداده بالا ابالی دیار آی خوش آیند عوام
و معاش خود یا برای عدم معرفت تعلم و صحت و بدعت نماز که مبادا اهالی ضرره علم قرائت ایراد وارد نماید پیش برده خود را
و بی مقدار کرده و یا بواسطه طلب لمبنی و شهرت فضل خود و بعضی اغراض فاسده دنیویه رضای خالق را برضای عوام کالانعام
اضلّ فروخته در مجالس بکنایه و اشاره ابروی خباثت فطرت حکم بر بطلان قرائت و فساد و کفر قاریان و بطلان و ضلالت
نماز خواندن ... سند مواهب علم قرائت و صحت نماز به بدعت حکم میدهند باین کلمات ردیه اند و عوام که قاریان دکان
بسیار کج درست نماینده در صحت قرائت نماز تمیز حروف کافی است و امثال این کلمات لا به عوام و خواص اکثر نیز
از قاریان و علم قرائت و مذاکره و شوق مقابله و حمد و سوره چنانکه جمیع حق بینی که مردم عار و ننگ و بله و جهالت حق ملاحظه نما

اشارة باعتذار و استدلال و جواز نجابت مفسدین

الکنایة ابلغ من التصریح معروفست الف صیاد لا یعوم بکشکش و چه بلب ابلیس برای تمامی عالم بس است در وقت تامل

عرض نمودن جابر از کثرت حجاج در مقام تعجب ما اکثر الحجیج و فرمایش حضرت صادق آل محمد بعد از اشاره بدان که بیا

که ببین چه اندکست حجاج و نظر جابر و دیدن حیوانات با آنکه از حجاج معروفست که برای اسباب حسینی چه قدر حجاج است

از قرار متعارف و حدیث شریف حضرت فرقة علما از اهل برزخ یک فرقه اهل نجات بودن دو از اقسام عشره صفت زده که

که جزء مخصوص فرقه علما بودن و در جمیع میان اخبار و روایات که مردم بر سبیل احتیاج فرقه علما را مرجع بودند

مرجع همه دارند در عمل باحکام او امر و نواهی الهی در هر زمانی و اهم به حساب از آدم تا خاتم اهل طاعت چه قدر اند که

تمامی اهل برزخ در وقت تامل و تفکر چه قدر متصور که در دین اسلام و ایمان از حد و چه خالی هست برای انکار و بطلان ولایت

امامت و خطا ملیاشتند و برای خطا و فساد در مسئول دین محمدی نماز و متعلقات و لوازم نماز مستحق خلود و بقا در جهنم

اگر چه در هر ساعتی و دقیقه محلولات روی زمان هر سرمایه و عبادت جن و انس را بکار آورد تمامی اطفال دار اهل شیعه

اول عقبه عوامی آسان است همه عرف شده از بچگی تربیه اطفال ملکه کرده مغفرة الهی لکثرت طاعات مسلم است که بی نماز

مخلد در جهنم است و اگر نماز که از باشد با نماز باطل یا بدعت و یا مستخف بالصلواة از دنیا رفته بدتر از بی نماز است استخفاف

که بی نمازی که بی نماز و احتمال ملتبه شدن نجات دارد اما نماز که از غلط و بدعت و مستخف بالصلواة احتمال توبه و قضا نماز

نمیرود و اقسام مستخف بالصلواة نیز ذکر خواهد شد انشاء الله البته که اگر نمازها موافق درس و عادت ناموس بودن شیطان

در واجبات و مستحبات نمازها عالم اگر چه یکدیگر از علما دانشمندان از صد نفر هر نفر نماز با قاعده علم قرائت

سهل است بلکه از صد نفر یک نفر نماز مسقط قضا و فاسد شده اعتقاد ندارم اگر یکسال بتعلیم علم قرائت

فهمیدن و دانستن مؤلف بی بضاعت میدانی و الا سببه اسم باور نماز صد اسیر اند که از راه دلسوزی و محبت

و ناله تمام بدعت تالیف این مجموعه در وقت ضعف و ناتوانی شده که سهم علما و طلاب همگی است که بر سبیل علم قرائت

قاری لبند احتیاطی مجتهدین تعلیم بگیرند اگر چه شصت سال عمر تلف در غفلت کرده باشند چه جای ملاحظه عار و ننگ

که زوال و راه زیان این قدر بی ناموسی و خجلت نمیکشند امروز و فردا شب جمعه بعد از حصول دین از کربلا و کربه و عزادار

و من نخواهند رسید اگر نماز صحیح نباشد هیچ ابدا و هیچ دین که سایر اعمال دستگیر قبل از نماز یا بطلان نماز بکار آید

همگی اعمال خیر بعد از صحت نماز بکار آید در قبر و حشر و میزان در زنده گی و مردگی ذلالت و نماز و شرایط نماز است بکار آید و الا

چه عداوت دارم هر کس از اهل منبر علی طاعت و بر ولایت و نماز صحیح بعد از اصول دین مقدم میدارند و تاکید نماینده بای برای

عرض مرضی و فساد یا برای فضیلت و در دام شیطانی میکوشند صحبت الله فی الله منت صحیح و سایر اعمال واجب و سنت

نماز ملیاشد بعد از اصول دین مقصود در مقدمه کتاب و انسان ملکه این کلام است تعبیر این روسیاه را میدانی که بر راه زبان دین از اینها

مبادا استبعاد از ضرابی و بد گوی حقیر اعراض و اکراه نمایند برینه کسی لازم است بدفع و رفع این فساد عظیم بکوشند اگر چه

قال الله تعالی واتل علیهم نبأ الذی آتیناه آیاتنا فانسلخ منها فاتبعه الشیطان فکان من الغاوین ولو شئنا

لرفعناه بها ولکنه اخلد الی الارض واتبع هواه فمثله کمثل الکلب ان تحمل علیه یلهث او تترکه

یلهث ذلک مثل القوم الذین کذبوا بآیاتنا فاقصص القصص لعلهم یتفکرون ساء مثلا القوم الذین

کذبوا بآیاتنا وانفسهم کانوا یظلمون من یهد الله فهو المهتدی ومن یضلل فاولئک هم الخاسرون

در سوره جمعه تشبیه کرده نماز کمثل الحمار یحمل اسفارا سفر نامه چه استبعاد

لازم‌ترین کارها در مقدمه کتاب ترجمه الصلوة

اختصار

در مقدمه کتاب آنچه لازم مطالب از مفاتیح اصلاح ... ظاهر و باطنی صورت و معنی ملکی و ملکوتی مسلم است چنانکه ... صورت الفاظ کلمات احکام ... [illegible]

حقایق و دقایق و معانی ... اسرار و معانی ... کلام قرآن ... حساب ... حقیقت ... [illegible]

در مقام ... [illegible]

دل ... ظاهر الفاظ و اوراق قرآن ... [illegible]

یعنی احکام الله ... [illegible]

[illegible]

و حساب معرفت

در اسباب تألیف کتاب ترجمة الصلاة

در اسباب تألیف ترجمة الصلاة در اول هر کتاب تألیف اصلی که از مفاتیح الاسرار و مفتاح [illegible] رسیدن طالب من عرف نفسه فقد عرف ربه [illegible] علم اسرار

بصورت و سیرت [illegible] خلق فرموده در بهترین صورت [illegible] لطف محبت [illegible] خلق الانسان فی احسن تقویم فرموده [illegible] سلطنت حقیقی ممالکت [illegible] عالم [illegible]

[illegible] تمامی [illegible] و فرمان [illegible] تا [illegible] عالم بقا [illegible]

[illegible] رسوم و قواعد قرآن و محبت و طاعت [illegible] محمد و آل محمد [illegible]

قرآن که قانون نامه [illegible] صورت و شکل [illegible] حروف [illegible]

[illegible] تألیف و تعلیم دین و احکام دین [illegible]

[illegible]

در شرایط صحت و شکیات نماز که عبارت از قرائت [illegible]

بدانکه قبل از شروع در مقصد لله در هر امری که متعلق به آخرت است باید انسان مؤمن غایت طلب و احتیاط کند در امور دنیا فانی که محتاج به اقتصاد و عدم

یا دنیا فانی عالم و فرو... از راه قناعت خریده مؤمن که اول سرمایه دنیا و آخرت است از علما تا ماهیت ... دست از او باید ... حق ... و... فرد که

در امور آخرت حق ... غایت طلب باید با اندرجه ... بر آن... که از ... تمام سعه و سعی ... احتیاط

بشود آن ... چنانکه بعضی فقها مقدمه واجبه ... دلیل الاحتیاط سبیل النجاة ... چنانکه

تا با اندرجه اسباب گمراهی در دین و خسارت ... و نتایج ... کالمتمسک فی رابعة النهار ... بیان

و علما عاملین در هر مسئله از مسائل شرعیه که مبتلا به طریق احتیاط را به عوام و خواص بیاموزند که احسن طالب است ... اعمال

قدر اهم و ضرور باشد معلوم است که طریق احتیاط آن امر ضرور است نمیدانم کدام عمل و طاعت از نماز اهم و اعظم باشد که

احتیاط اولی باید لکن شیطان ... مردم را از ترغیب و تحریص کرده ... ایها الناس نماز ... دین است ... بسیار کم

باعث بطلان نماز است و باید با صفات و حروف و مخارج و ادا ... علم قرائت ... آموختن که بعضی ادب آن سنت بعضی

واجب بعضی بدعت و حرام علاوه بر بطلان نماز و عیوب بی حساب نماز بعضی مغیر معانی و کفر و استخفاف نماز

عدم اعتبار الصحت و تحریم سبب کفر است که باید خوب ... نماز که ... لا ... و مانند ... فرائض

نماز است ... این نوع ترغیب و تحریص از اهل ... ترغیب بنماز ... و ترویج ... باطل ... و کنایه ...

نماید که ایها الناس قاریان بسیار ... کافی است بعضی ...

طریق ... نماز که از کوچک ... این کلمات ... و ... مراد ... بیگانه نماید ... خطاب و ملامت

مؤلف ... این نوع ... ضلالت ... عالم صوریان ... دشمن ... و ...

خاتم انبیا و ائمه هدی اسلام ... غیبت و ... بهتان چنین ... الخناس ... ایجاز ... کتب ... ثواب ...

بلکه طریق احتیاط الزم است از اینکه مانع از تعلیم نماز از اهل خبره و قاریان علم قرائت باشند با اشاره و کنایه ... نماز

و قرآن خواندن ... بیاموزند بدون تعلیم اهل خبره در تمامی کلمات و حروف خط کار خواهند ... منزل راه رو ناباید ...

زیاده از مقصد ... خلاصه ... الحاصل نماز که اعظم و اکرم امور آخرت است که تمامی قبولیت اعمال با نماز است و صحت و بطلان

و صحت و بطلان جمیع کارها ... اهل خبره ... نماز اهم و اعظم امور دین اسلام است ... صحت ... اهل خبره

اهل خبره نماز عالم علم قرائت است عالم سایر علوم فقه و حکمت و منطق و کلام نمیدانند مگر بسیار کم ... اهل خبره ... علم قرائت

و اگر سایر مردم از علمای غیر علم قرائت باشند و لیکن ... باشند ... طبیب

مردم ... کشته شده اگر چه در سایر علوم جامع ... باشد ... که معالجه عیوب امراض ...

خوب مهارت دارد ... مسلمانان بکند با اعتماد مهارت ... چنانکه ... مردم این زمان از صاحبان ...

صاحب عمامه و اعتماد و اعتبار ... جمع ... که نماز ... تمام کنند نماز ... باطل

و نماز مردم ... در صحت ... حکم خلاف ... اعتماد ... این حال ... بناید

عقیده آنکه ... اطفال درس و مکتب ... مسائل دین ... والواط ... کهنه ... زبان آشنا

معین ... کردن ... این ... احتیاط ... طریقه لازمه ... و آباء و اجداد حقه

شنیده اینکه مؤمن باید تمامی ... در غیر موضع ... احتیاط ...

نکرده در مجلس ... طلبی در امر آخرت ترقی ... که این ... سیاه ... و ... دیوانه دار ... محمد ...

امر معروف و نهی از نماز ... غلط و ... اهل خبره که عین ... حقیر ... نماز ...

صوری و معنوی
سبب تالیف از شرائط نماز ... در بعضی آداب
و مستحبات آن که پسند

بسم الله الرحمن الرحیم و مستحبات ... پسند

بر ارباب فضل و کمال و شیعیان حضرت امیر المؤمنین مخفی نیست که خاتم انبیا بعد از تمامی زحمات و مصائب که در
در استحکام دین و ترویج ایمان مؤمنین و مسلمین کشیده‌اند از دست کفار و منافقین همه برای ترویج دین حق که کلام الله [illegible]
الا و کتاب مبین قصوری و عیبی و نقصانی ابدا نخواهد مع ذلک در وقت رحلت [illegible] در کلام است [illegible]
فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض معلوم است که اگر غیر از این دو چیز [illegible] بود
و می [illegible] کتاب الله را بر عترت حق مقدم داشت بعد فرمود یکی عظیم و دیگری اعظم کتاب الله [illegible]
اعلی و ادنی و صحت ولی این مطلب ملاحظه و مداقه لازم است که از میان کلام الله که مجموع احکام [illegible]
بعد از معرفة الله و اصول دین کدام عمل ضرورتر و عظیم‌تر و اهم است بقاعده الاهم فالاهم در [illegible]
مقدم و لازمتر و اهم دانسته چه هر حکیم امور [illegible] شان و شرف آن که تحصیل و تکمیل و اجلال او [illegible]
در عمل باحکام خالق متعال نزد هر انسان احترام و اعظام هر کس [illegible] لامحاله در هر حال [illegible]
گرفتار خواهد شد احکام بر عکس و ترجیح بلا مرجح بلکه [illegible] احکام الله [illegible] حرام و مکروه و بر عکس [illegible]
[illegible] مقصد [illegible] در دانستن [illegible] احکام الله [illegible]
بلکه در نصف آیه [illegible] قانون مفصل [illegible] بیان فرموده است چنانکه علم حکمت [illegible] احکام [illegible]
که فرموده کلوا واشربوا و لا تسرفوا [illegible] بعد از اصول دین [illegible] کلام [illegible] احکام
[illegible] دین [illegible] نماز [illegible] اصل دین [illegible] واجب [illegible]
تالیف این مجموعه است که در هر صفحه و قصه [illegible] در قرآن و در هر صفحه بلکه [illegible] کلام الله
[illegible] نماز [illegible] لازم [illegible] صریح است و در باب نماز علم قرائت [illegible] است که اشرف علوم [illegible]
اسلام و ایمان و نماز [illegible] و عقود و ایقاعات و نکاح و طلاق و نماز میت [illegible] نماز که علم قرائت [illegible]
صحیح [illegible] علما [illegible] تحقیق و تدقیق [illegible] عالم [illegible]
[illegible] علم قرائت [illegible] نماز [illegible]
[illegible] شیطان [illegible]
[illegible] علما [illegible] فرقه [illegible] طبقه [illegible] مکان [illegible] تفصیل
خواهیم بیان کرد در این کتاب از ائمه اطهار علیهم السلام [illegible]
استعمال [illegible] علما [illegible] عالم [illegible] امام عصر [illegible]
از عیوب [illegible] منافقین در حضور مؤمن [illegible]
[illegible] اسلام [illegible]
بواسطه صحت نماز [illegible] این زمان [illegible] حضرت [illegible]
که از علم قرائت [illegible] تصحیح نماز [illegible] خاتم انبیا و شاه اولیا [illegible] اسلام [illegible]
زمان [illegible] معروف [illegible] متروک [illegible] نماز [illegible]
[illegible] علم قرائت و درس و تحصیل و ترویج علم قرائت است [illegible]
و صاحبان سواد و کمال [illegible] نماز [illegible] قرائت [illegible] عالم [illegible] نماز [illegible]
[illegible] عالم و فاضل [illegible] نماز [illegible] علمای زمان [illegible]
[illegible] نماز [illegible] العالم [illegible]
[illegible]

سبب تألیف ترجمة الصلوة و مقدمات و لواحق

بعد از ... کریمه و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون منظور خالق از ایجاد خلق و محبت ظهور عظمت و کبریا و معرفت و ... کمال ... انتفاع مخلوقات است چه
محتاج احدی و نه انتفاع از اشیاء است لهذا مربوط عبادات و انواع ذلت و مسکنت انسان که هست هر قدر ذلت و اظهار اخلاص زیاد باشد بهتر
سزاوارتر است برای نفس حق که اهل تقوی و ورع کوشند و میزان آن است که در تمامی حرکات و سکنات خود میزانی و کلیات ...
و میزان کارهای دنیا و آخرت را اعتباری نباشد اینست که هر پیغمبر را شریعت و طریقی میزان قرار داده در مقدمات و در شریعت و دین
هر یکی از انبیا نماز و معظم عبادات قرار داده که بهترین ذلت و عبودیت و تعظیم خالق است که طاعت باشند و اگر در تمامی حرکات و سکنات
میزان و معیار باشد در نماز نباشد محال و لغو است اینست که اگر در دین و شرع خاتم النبیین ص و آله نماز صحیح نباشد تمامی فرد عبد
لغو و باطل میباشند بلکه صلوة را هم فایده ندارد که کافر و مرتد مشرک ... یا استخفاف نماید یا کاهل روند کافر رفته اند و در مشرع بودن در
دین محمدی ص و آله نیز میزان اجمالی لازم است تا صدق اسلام و ایمان نماید اینست که تمامی حرکت و اول وقت ... واجب یا
حرام است یا مکروه مباح است یا نه تا ارتکاب آن امر خلاف نه باشد و اگر حرکت دست داشتن وجوه آن لازم باشد در نماز لازم نباشد
البته این نوع نماز ... حرکت لغو است و حال آنکه نماز ... مفسد ... دارد ... مقارنات نماز
پس بلد اشتن نماز و بازیچه و ... بدعت ... چنین امر اهم نشاید غیر این نباشد ... قاصر ... مقصر ... روزگار ...
جوانی صرف عمر باین افکار نمودم که در باب استحکام صلوة خطا نموده ام بعض مراتب عظیمه وجوب نماز را در محل و موضوع خود استعمال نموده ام
آنچه لازمه مساعی جمیله وجوب نماز ... کراهت عمل نموده ام که نماز کار سهل و بازیچه است از اسم اسلامیت ...
... چنانکه در اوقات ... صحت قرائت صحت نماز اکثر علمای معتبر بشماران موقوف قابل این مقال هستند که ایها الناس قرائت نماز
در یکروز ... قاریان ... درست نماینده ... استخفاف نماز اکثر علماء ...
عالم قرائت و تعلیم و تعلم نماز با قاعده ... این بدعت نماز ... غایت کلام ... ملاحظه ...
جمله در علم قرائت نادان ... باطل بنای نماز با قاعده ... ملاحظه نه ... در بدعت ...
بدعت ... که نه قرائت موافق علم قرائت دارند و نه طاقت ... نماز مسقط قضا ... اکثر ... ملاحظه
نماینده جز امر ... نماز اقل درجه صحت ترغیب نماینده که ... کراهت ... اکثر اعلا درجه صلوة را
عمل نماید ... مکروهات ... بحرام ... مکروهات ... ارتکاب ... محرمات موافق اخبار در نماز و
قرائت نماز بطریق اولی خصوص حق علما لازم است که اعلا مراتب صحت قرائت ... آورند تا از لغزش اقدام
... والا چنانکه مشاهده است که از صد نفر عالم ... نفر نماز احتیاطی با میزان علم قرائت
نخوانند مع ذلک ... صحت ... عوام الناس ... ظالم یا کافر یا فاسق خواهند شد ...
لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون بمصداق حدیث شریف الاحتیاط سبیل النجاة و واضح است احتیاط ...
و نیز محقق است هر کس ... ملاحظه نماید لابد در هلاکت خواهد ... خصوص نماز ... تعلم ...
باید ... که مبادا متروک باشم ... صلاح نمایم نه آنکه عوام را ترغیب بر رسم لاابالی ... نمایند کار ...
تعلیم و تعلم نماز و حمد و سوره ... علما اکثر محتاج نماز مسقط قضا باشند ... صحت ...
کافر شوند ... و لا تقف ما لیس لک به علم ... برادران ... مؤمنان ... هر گونه ایراد خواهند وارد نمایند
بکلمات کتاب ... حقایق و معانی این چند آیه تأملی فرمایند تا حق من له الحق واضح گردد و من اظلم ممن ذکر بآیات ربه فاعرض عنها و نسی ما
قدمت یداه انا جعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه و فی آذانهم وقرا و ان تدعهم الی الهدی فلن یهتدوا اذا ابدا و ربک الغفور ذو الرحمة
لو یؤاخذهم بما کسبوا لعجل لهم العذاب بل لهم موعد لن یجدوا من دونه موئلا و وضع الکتاب فتری المجرمین مشفقین مما
فیه و یقولون یا ویلتنا مال هذا الکتاب لا یغادر صغیرة و لا کبیرة الا احصاها و وجدوا ما عملوا حاضرا و لا یظلم ربک احدا

در شرایط صحت و قبول نماز از شرایط و آداب صوری و معنوی

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

الحمد لله الذی توحدت ذاته بالقدمیة والبقاء فی آزل الآزال وتقدست کینونیته من الاشباه والانداد والامثال

وتنزهت انیته عن الموت والفناء والزوال وجعل القرآن مفرقا بین الهدایة والضلال وانزل القرآن هادیا

لمن یشاء ویراد بالغدو والآصال ونصبه شافعا لمن قرأه ویتبعه یوم لا ینفع فیه مال ولا بنون ولو

اجتمع الجن والانس علی ان یاتوا بمثل حرف من حروفه لا یقدرون والصلوة والسلام المرتفعة السنیة

العظیمة علی صاحب الکرامات والمعجزات الباهرات ومبین السور والآیات من المحکمات والمتشابهات

ابی القاسم محمد المحمود بجمیع الخصال والصفات وعلی اخیه ووصیه وابن عمه الذی هو کلمة الله وحجة الله وصراط الله

وباب الله وحجاب الله فی الارضین والسموات ومکسر اعناق الکفار امیر المؤمنین علی بن ابی طالب وعلی اولاده

الطیبین الطاهرین الانجبین الاکرمین الذین اذهب الله عنهم الرجس وطهرهم تطهیرا ولعنة الله

ولعنة رسله ولعنة ملائکته وانبیائه ورسله وجمیع خلقه من الاولین والآخرین علی اعدائهم اجمعین

اما بعد چنین گوید حقیر بی بضاعت وضعیف شیعیان ومحبین خاندان خاتم النبیین وادنی کاسه لیس حاملان

اخبار ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین علی بن زین العابدین المتخلص بقائی زاده بعد از آنکه از عشره ثمانین قادم غلبه ضعف بسیار

بسیاری از اخبار واحادیث ومصایب واخلاق وفضایل آل محمد وعلم قرائت وعلم حساب وکلام الله وموعظه در اغتشاش ایران در

وقتل وغارت ضعفای ایرانیان وعلما وفضلا که در دار الاسلام اسلامبول سلطان سلاطین ناصر الاسلام از نعم غیر مترقبه حضرت خالق

دیده بی کار را از نتایج بی فایده تصور کرده برای امثال خودم وتنبیه عاصیان وغافلان جاهل قبیح بودن از امر کاسب خودم که از ترک لفظ

قبیح خودستی لا یعقل نمود در لباس صورت اهل طاعت در باطن توجه بر کسب معاصی وکار قبیح حق چشم ودل ببندم از ملک

علین صواب وترویج واحیای دین سید الثقلین تصور نمایم بر کسب وهدایه تدارک نمایم که قرآن واحکام وموعظه قرآن عبارات

که هدایت وتنبیه است وتمامی کلام الله برای خاتم انبیا وامر مرحومه تمامیت موعظت شافیه وکافیه است که خاتم انبیا فرموده انی تارک فیکم الثقلین

کتاب الله وعترتی فرموده کتاب الله بر عترت مقدم داشت ودر میان عوام الناس مشهور است که نزد کسانی مایل باشند

گفته اند رزائلی با سر که ختم اینان یا دنیا یا دنیا ویا ریاست للمیل موثره والطبیعه سارقه واهل این اوساط

علمای عاملین برای آنان از رسوم راه و دعوای ایمان اینان است اما برای افاده وحیلت وعیب کی مواقف احکام خدا که کلام حق و در آن صواب است

مصداق آیه شریفه الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هدیهم الله واولئک هم اولو الالباب افمن شرح

صدره للاسلام فهو علی نور من ربه فویل للقاسیة قلوبهم عن ذکر الله اولئک فی ضلال مبین و در باب کلام

فرموده الله نزل احسن الحدیث کتابا متشابها مثانی تقشعر منه جلود الذین یخشون ربهم ثم تلین جلودهم

وقلوبهم الی ذکر الله ذلک هدی الله یهدی به من یشاء وقال والذی جاء بالصدق وصدق به اولئک

هم المتقون لهم ما یشاؤن عند ربهم ذلک جزاء المحسنین لیکفر الله عنهم اسوء الذی عملوا ویجزیهم

باحسن الذی کانوا یعملون ومن یهد الله فما له من مضل الیس الله بعزیز ذی انتقام وقال انا انزلنا علیک

الکتاب للناس بالحق فمن اهتدی فلنفسه ومن ضل فانما یضل علیها وما انت علیهم بوکیل

واذا ذکر الله وحده اشمازت قلوب الذین لا یؤمنون بالآخرة واذا ذکر الذین من دونه اذا هم یستبشرون

تمامی قرآن که چهار نوع است در حقیقت برای تنبیه وتادیب امت مرحومه است کلمه ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین دلالت

بر علم عقل ومحبت اهل دین وایمان برانست که مؤمن آنچه برای نفس خود میخواهد برای دینی بخواهد که موعظه اعظم والزم

موافق شرع شریف نشاء ونکرده دسته مؤمنین قرائت والبس لعین انواع داخل در امر فی نسبت باهل در زمان بسیار است

اولا

سبب تألیف کتاب روح الصلوة و معراج الطاعة

از که ام فرقهٔ علما هستم عهد و پیمان روز الستی که با خدا کرده ام از این طبقهٔ علما یا که ام غافل در غضب هستم که در عهد خود ام ثابت و دوام دارم شکرانه
العهد بر دارم و اگر تبعیت ابلیس و لشکر ابلیس دارم کی روزی که جزای ما علاج ندارد و توبه که منزل و محل علاج است بر دارم خود را به اهل
هفتم برسانم وقت فرصت است در غیر این منزل روز جزا دنیا که علاج [illegible] الی الحصول مقصود [illegible] رو سیاه در تمامی [illegible] کلام
و مذمت و ملامت حق طلبم از هفت طبقهٔ فرقهٔ [illegible] و معارضان خدا و رسول و مخالفان طریقهٔ مستقیمهٔ دین مبین که هستند
در لباس دوستی و صورت علما و پیشنمازان که [illegible] و معتمد شیعیان و دوستان ما و معتمد سروران دین
و در حقیقت با صفات مخربای دین ما باشند و ایشان آل محمد و به واسطهٔ دوستی صورتی گمراه نمایند درجه درجه دشمنی آل محمد
که از عظم منافقان این شکل گمراهی سرزده زیرا که با این صورت که از ایام طفولیت شیعه زاده گی و اسم شیعه منافق مقصود نبود
بلی ارشاد و اضل منافقی از ایشان نبوده است ولی نه با این شکل که معصوم خواهد تا از ناپاکی فطرت جبلی [illegible] نفاق است که
صاحب شریعت طاهره اقتدای این نوع منافقین را برای تبعیت ظاهر شرع جایز داشته اند اگرچه در حقیقت کافر باشند
چون شمع خود [illegible] نه برای روشنی و ضلالت دیگران باید احمق ترین مردم باشند که بنماز بی قرائت و [illegible] باطل [illegible]
نماید [illegible] داخل در سلسلهٔ هفت طبقه عالم منافق نماید و در وقت سؤال کردن مردم عوام و بقالی و سبزی فروش تکیه کلام
از معتمدین علما و پیشنمازان هفت طبقه از نماز و قرائت نماز این چند کلمه جواب [illegible] انداز که حاضر نه اگرچه
چون درس اطفال خوش حافظ که ایها الناس در صحت قرائت تمیز حروف کافی است یا اینکه قاریان بسیار [illegible]
کج دراست نماید و یا اینکه [illegible] موافق لسان اهل لسان کافی است یا اینکه موقوف باهل عرفست که اهل [illegible] نماز
[illegible] چنانکه در مدت سن [illegible] هفتاد سال ازینها شنیده ام که الحال نیز معروف است یکی جواب نمیدانم
که جواب راست خدا پسند است مضایقه نماید که خدا فرموده ولا تقف ما لیس لک به علم ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک
کان عنه مسؤولا و تمامی هفت طبقه اهالی مذکوره راه زنان طریقهٔ دین و عادة [illegible] فرقه [illegible] خدا ترس
آنچه که خوانده و نمیدانسته اقرار دارند که نمیدانم یا از دیگری بپرس من نمیدانم پس صاحبان غرض دنیوی نتوانسته
جواب خدا پسند بدهند و حال آنکه مومن خدا ترس در اول جمیع حرکات و سکنات خود چنانکه میخواهد [illegible] حرکت دهد
اول ملاحظه صحت [illegible] خود نماید بعد دست و حرکت میدهد که میزان اهل ایمان باید باین طور در دست [illegible]
حرکت دست آیا واجب است یا حرام سنت است یا مکروه یا جایز [illegible] دانست بمقتضای آنها عمل خواهد [illegible]
حرام است که ارتکاب نخواهد کرد ملکه با این طور حرکت عاقلانه و از روی [illegible] و ملتفت نه حرکت جاهلانه و بازیچه
و حال آنکه همین جماعت مصداق آیهٔ شریفه هستند که زیاده بر هزار سال قبل خداوند از حال ایشان خبر داده و زین لهم الشیطان ما
کانوا یعملون و در آیهٔ دیگر [illegible] الذین ضل سعیهم فی الحیوة الدنیا و هم یحسبون انهم یحسنون صنعا و اما کلمات
[illegible] انداز که در جواب صحت نماز و منع و ترک علم قرائت و ترک [illegible] حمد و سوره و تحصیل نماز صحیح و قاری [illegible] احتیاطی جواب
میداده از نتایج آن کلمات فاسد است تمام صاحبان علم و فضل و طلاب که علم قرائت و نه اگر نماز صحیح [illegible]
برای خود علم قرائت نخوانده و مشق ننموده در وقت مباحثه از علم قرائت و اصطلاحات قرآنی که عاجز مانند کم کم در مدت [illegible]
مذکور بر داشتند [illegible] در دار العلم [illegible] و اکابر و پیشنمازان از صد نفر یک نفر قرائت مسقط قضا اقل درجه علم قرائت
نتوانی بیابی که نماز مسقط قضا [illegible] و حال آنکه حق صاحبان سواد و علما و طلاب مامور به نماز و قرائت قاری [illegible] احتیاطی
که در هر کار و هر علمی بطریق کامل [illegible] اصل [illegible] خود بخواهی دانست که واجب و سنت و مکروه و مباح و حرمت آن کدام
درجه درجه است و کدام است پس یقین عمل نماید و صحت نمازش یقین باید نه شک و ظن و تردید مگر اینکه حکم خلاف ما انزل الله در نمازش
و تا چنانکه هفت طبقه [illegible] از عالم [illegible] ملکه و عادت وارث شده بیقین [illegible] است که خبر [illegible] دنیا نمازش بطلان
باشند

سبب تألیف کتاب رحمة الصلوة و معراج الطاعة

هست البته باید با خلاف ما انزل الله کار کند که نتیجه دنیوی خلاف ما انزل الله فقر و ذلت است نتیجه اخروی جهنم است چنانکه نتیجه دنیوی عدم عمل بعهد و پیمان خدا مسلط شدن دشمنان است خصوص عهد و پیمان روز الست در عالم انوار عهد و پیمان اسلام و مسلمانی را داده در این نشئه وفا دار بعهده ارکان خاصه اسلام و ایمان نماز است که نتیجه و خاصیه اعظم عمل کردن باین نماز صحیح باشرائط و مانع بر معاصی است که ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر از این هم نتیجه بر عکس می بینیم چگونه با نماز غلط بی شرائط گرانی و قحط و غلا از حد نگذرد و این محروم عاصی بی عار ساله دیوانه وار بی اختیار بفکر تو بیخ و سرکوب و یاد آوری و ما تعداد ای نماز شدن ... که از اول تا آخر این کتاب مخصوص عوارضات صلوة مسمی بنام کرم است بلکه موجب عقوبت در اهتمام علمای عاملین این زمانها باتفاق هم شب و روز بلکه مع الدوام در مسابقه و منابر و خانها باز ارند و کامل تمامی کارها و مشاغل مخصوص این عوارضات نماز غرض از اعتبار عمل تو واجب مقصد ایم زیرا که از جمله آداب وعظ است ... عالم و واعظ صاحب شناسی خدا ترس است که ملاحظه احوال و اعمال مردم را بدست آورده الزم ... اولا مرض شناس جون حکیم بعد بمعالجه امراض ... نکند ... دلخواه مریض و دوای شیرین و عسل که دلخواه اوست چنانکه دلخواه مردم گریز از نماز و تعلیم و یاد گرفتن و قرائت حمد و سوره تا خوش ترین و تلخ ترین امور قرائت حمد و سوره و صحیح نمودن نماز است گریزان در گردان نمایند ... عمل دلخواه که عبارت از ترویج و ترغیب حدیث شریف ... اداکلی کند بلکه تمامی صاحب بی اداران و بیشماران و علما خود نیز محتاج نماز و سقوط قضاها باشند و حال آنکه حق صاحبان سواد و فارسی نیز تا قرائت حمد و سوره فارسی بنداشته ... از روی جهالت و یقین بصحت نماز خود دیگران از آنکه ... بانکل ... دیا بحمل بصحت نماز خود و دیگران ... صحیح خواهند بود زیرا که در تمامی عبادات و طاعات و معاملات اصالة الصحة ... حقیقت عرق در جهالت شک و ظنه ... شدن در هر هفته و ماه خواهند بود ... واضح است که نماز صحیح و باطل ... که ... یقین ... میزان علم قرائت که ... ملاحظه ... عزاداری ... علمای ... حکم الصحة و البطلان بنماز دیگران که عین خلاف ما انزل الله ... که ... ابزه بلاها و قحط و غلا ... اذا فسد العالم فسد العالم زیرا که این خرابی عالم که ملتفت گرانی ... و قحط و خرابی عالم است و این خرابی از اعمال ... ظلوم ... اکثری از فسقه و اراذل و الواط بی اصل و نسب است ... سلاطین و ظلام ... زمان و فسقه و کفار ... دست غیبی مشیت الله ... سبب لازم است حقیر آنچه ... در این ... جهل ... علمای ... قرائت ... موقوف نموده ... حقیر ... و فعله ... از علما ... میزان علم قرائت ... سقوط قضا ... چنانکه قائل امام حسین ... چه مسلمانی و چه نماز و ادعای اسلام و ایمان ... فساد عالم ... عزاداری ... لصه ... شریعت ... صحرا ... قرائت ... در فریاد ... این روسیاه ... در باب ... عالم ... علمای یهود و نصاری ... خلف ... عنی ... مطلق ... احوال ... الواط ... عالم ... عدم ... خوف ... که از قساوت قلب سخت تر از سنگ ... محض ... نصاری ... و حال آنکه چون آب ... ایشان متصف ... نباشند ... استزاج بالمعاصی ... یهود نصاری ... جهنم دنیا ... اعتنا ... ایشان ... داخل در ... مثل القوم الذین کذبوا بآیات الله والله لا یهدی القوم الظالمین مصداق آیه ... مثل الذین حملوا التوریة ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا ... آخر این آیه ... ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاعبدون و تقطعوا امرهم بینهم کل الینا راجعون ... بار پاک ...

و در وقت ... نماز ... حاضر ... الصلوة ... کتاب ...

و از اینجا ... اصل ... از علم ... حمد ... نماز ...

سبب تالیف کتاب رحمة الصلوة و معراج الطاعة

در نزد موثق و معتبر علما که اعتقاد درویشی است خلاصه در تخریب و تغییر دین هر کسی به نوعی بیان کرده و فهمیده اند ظاهر [illegible] مدتیست و امرا

عقیده غلط هر فساد ظلم و اهل شرارت الواط و اهل [illegible] که منفق [illegible] رسم داده چون [illegible] حرص مردم را

حلال دانسته حال آنکه در هر زمانی و مکانی این جماعت ظلم و فساد غالب و قاهر بوده اند در زمان هر نبی و رسولی تا طغیان و بعد

و فسادها از زمان زیاد نشده و مسئله افراط و تفریط بیان نیامده [illegible] الله متعلق [illegible] از حد گذشته

لطف حق با ایشان مدارا کند چونکه از حد بگذرد [illegible] پس خداوند بانی رسم و روش اسباب طغیان و بلا [illegible] اعمال

صاحبش و بلای آسمانی که بخاطر فاطر و ذلیل ایشان نیامده مسلط فرمود از احوال امتهای طاغیان امم ماضیه محقق است که

نصیحه آسمانی و باد و زلزله و جانوران ضعیف مسلط نموده و صاحبش و به واسطه غلبه فرعون و شداد و بخت النصر ولد الزنا [illegible]

نصب [illegible] مصالح مسلط [illegible] بصلاح هر زمانی و مکانی [illegible] الملک [illegible] الزمان [illegible]

و اعجب فسادها [illegible] این فساد عجب است که اگر نفوس [illegible] از معتبرین و موثقین علما این فساد

اگر از علم قرائت [illegible] امیر المؤمنین [illegible] معتمد [illegible] کلام الله [illegible]

چه فساد کرده اند که واقعه کربلا و شهادت امام حسین روحی و ارواح العالمین فداه [illegible] روز عاشورا [illegible] امام حسین

برای اعلای کلمه [illegible] نماز [illegible] امام [illegible] نماز [illegible] روز عاشورا

اول ظهر امام حسین نمازی که ادا کرده [illegible] تا قیامت [illegible] نماز [illegible]

و امیر المؤمنین و خاتم الانبیاء و فاطمه زهرا و سایر ائمه [illegible] از دست کفار [illegible] برای همین نماز [illegible]

خاتم الانبیاء [illegible] عالم در تفسیر امن الرسول در شب معراج [illegible] فضایل [illegible] کافر و مؤمن [illegible] نماز

بعد با فضایل دیگر که شنیده باشد سوره مبارکه حمد [illegible] این سوره [illegible] هزار

پیغمبر [illegible] مذهب جعفری [illegible] قرائت [illegible]

بجای [illegible] الافضل پروردگار عالم [illegible] در علم فقه [illegible]

مسئله [illegible] کلام [illegible] ما خالف العامة [illegible] صحیح [illegible] محقق [illegible]

بدون علم قرائت [illegible] وجوب حمد و سوره [illegible] نماز صحیح [illegible] صحت نماز [illegible] قرائت [illegible] صحت [illegible]

برای هر مکلف [illegible] یک حرف [illegible] یک کلمه [illegible]

معنی [illegible] نماز باطل [illegible] نماز [illegible] نماز باطل [illegible]

که در وقت پرسیدن و سؤال [illegible] جواب [illegible] قابل [illegible] جواب [illegible]

از قاریان عادل سؤال کنید و لا تقف ما لیس لک به علم و بحکم آیه دیگر فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون بالبینات والزبر

معنی بالبینات و زبر [illegible] ملاحظه [illegible] مضمون فرمان الهی قرائت [illegible] تعلیم و تعلم [illegible] جواب [illegible]

کافر و ظالم و فاسق [illegible] سبب تالیف [illegible] مؤلف [illegible]

[illegible] منفعت و عدم جلب انتفاعی [illegible] منصب عظمی ابلیس و نیابت ابلیس [illegible]

نکرده اند [illegible] شیاطین و منافقین زمان خاتم النبیین و امیر المؤمنین [illegible] منافقین [illegible] علما [illegible]

[illegible] منافقین برای قاریان فاسق [illegible] قاری فاسق کافر که بجهاد امیر المؤمنین [illegible]

[illegible] الکافرین منع از نماز [illegible] صحت نماز [illegible] القرائت [illegible]

منع از نماز صحیح [illegible]

[illegible] عوام [illegible] قاریان [illegible] سؤال [illegible] عوام را

این

سبب کتابت رحمة الصلوٰة و معراج الطاعة

این کلمات مؤلف ابراهیم حربی نیاموختند که لفظ کافر است در هر کلمه دال الیقین بود مثل در قرائت کلمه را اشتراک در این که ولا اسرف ... و میش که چنانکه ... در حق
و حتی باشد که حمله حلیه ... حرف یک خصوص زعیب و تحریص و ترسانیدن از نماز غلط و کتابت نماز بی قرائت که باین کلمات ... و دیگر اه ...
الله پنا فعایت فیه ابرا اهوای ریاست خلافت و اغراض فاسد دنیوی داشتند از اینها باسم ترویج شرع و طمع این تخریب ... دین نماید و الله
اظهار دشمنی میکردند بامیر المؤمنین اینها باسم دوستی و صورت و شکل دوستی این کار تخریب دین و نماز که در اصل ... نتایج
کار ... و تخریب آشوب و ضرب بی عالم و عالمیان بوده است یعنی اذا فسد العالم فسد العالم خود شان ... در مدت این چهل سال کار با نجا رسید
که در دار العلم خراسان از صد نفر عالم صدر زمان مذکور سه نفر با نماز موافق میزان و اهل تمیز نیابی و حال آنکه حق صحابه ... نماز قاری
احتیاطی بود که در وقت خواندن قرائت حرف تمیز صحیح و باطل ... قوم ... دین ... نمی
ذات و کفر خود میکردند اینها از میزان و ما از ان ... در لباس و عقیده و مذهب دوستی و ولیت ... با تلف صورت شکل
جوب و دوستی بدتر از ایشان جرأت ایشان بمقتضای دشمنی ظاهر ... این منافقی کذا یعنی دشمنی ... اینها دوستی حقه
بهمرتبه دشمنی لا محاله این اسم دوستی ... تا مخالفت امر الله ... و لا تقف ما لیس لک به علم ان السمع والبصر والفؤاد
کل اولئک کان عنه مسؤلا ... دوستی صادق ... تا این نوع نتایج و ثمرات ... تماما کیف یهدی الله قوما کفروا
بعد ایمانهم وشهدوا ان الرسول حق وجاءهم البینات والله لا یهدی القوم الظالمین اولئک جزاؤهم ان
علیهم لعنة الله والملائکة والناس اجمعین خالدین فیها لا یخفف عنهم العذاب ولا هم ینظرون ... کند که
این جماعت نباشند با همه این منافقی و حال آنکه ... وعده کرده منافقان بالکفار ... فرماید ... توبه ... الا الذین تابوا
و اصلحوا ... در باب علما ... این مجموعه ذکر خواهیم کرد در باب همین صنف طایفه عالم صورتان معنی ... که با
ستردن دین ما نماز با قاعده ... علم قرائت احتیاطی نماز ... شیعیان امیر المؤمنین ...
و کنایه از تحصیل علم شریف قرائت و تعلیم نماز صحیح ... و مباحثه نماز و قرائت با قاعده ... علم قرائت ...
فرض بود صحت تمامی نکاح و طلاق و نماز ... واجب و سنت و عقود و ایقاعات با علم قرائت بود این ... مسلمانان ...
مقصود این مؤلف روسیاه همان صنف طایفه ملایان ... که ... عدم علم ... بلکه ... مسلمان ...
تا استقبال علما و طلاب ... فساد ... دین ... علم قرائت ... تمام عالم ...
بود که قبل از این چهل سال اطفال ده دوازده ساله زنان ... با نماز قاری ... در هر محله ... قرائت و مباحثه علم
در بازار ... اگر ... طلاب و علما ... سقط ...
خواستم بقدر قوه ... نسخه ... بنویسم که ... کلمه حق ... زبان ... حضرت ...
... شیطان ... یا اهل الکتاب لم تلبسون الحق بالباطل وتکتمون الحق وانتم تعلمون ... الم تر
الی الذین اوتوا نصیبا من الکتاب یدعون الی کتاب الله لیحکم بینهم ثم یتولی فریق منهم وهم معرضون
اولئک الذین حبطت اعمالهم فی الدنیا والآخرة وما لهم من ناصرین ... واستعینوا بالصبر والصلوٰة وانها
لکبیرة الا علی الخاشعین ... نتیجه این تفصیل ... کلام علما ... ملاحظه ...
از علما ... نتایج ... فساد ... اسباب ... فساد ...
اسباب ... اعظم ... امام ... عوام ... غرض ...
باز ... در عاقبت نتیجه ... خواص ...
... این جماعت ... اثبات ...
... والذین سعوا فی آیاتنا معاجزین اولئک اصحاب الجحیم

سبب تألیف ترجمة الصلوة و معراج الطاعة

و اصل کلام آنکه تمامی ادیان و ملل را دفعه دفعه فرقه فرقه تغیر داده اند موسی و عیسی هر یک را هفتاد و دو فرقه نموده کلا از علمای سوء ناشی شده نقلش حاجت

ببیان ندارد بواسطه اغراض دنیویه بوده است تا آنکه نوبه بدین آخر الزمان رسید بهمان قرار از علما و بزرگان که از اشهر مردم بودند هر جمله

ملبس شدند در حالت پیغمبر و امام حتی که بلکه غلو در محبت حضرت امیر المؤمنین نموده آنکه هر قدر آن حضرت منع فرمودند چاره نکردند در حق آنها [illegible]

فرمودند دست از این کار بر دارید این دوستی و محبت من نیست رازق و محیی و ممیت و قدیم خالق زمین و آسمانهاست من مخلوق و عاجز و ذلیلم

نسبت بخالق گفتند انت هو امر فرمودند [illegible] و آزار دادند هی گفتند انت هو آنچه دانسته ام او انت هو تا حال [illegible]

و اما زمان ترأس تلامیذ حضرت امام جعفر صادق چهار هزار نفر جز فهم زکی در علم و فضل و غرور و فضل کار رسانیده که در حالت حیرت [illegible]

چنانکه پیغمبر و امام حالت بهر نوعی از معجزات و کرامات و خوارق عادات نسبت کل در زمان معاصرین خود با محبت و قرابت آنچه الان [illegible]

مضایقه نفرموده حضرت صادق آل محمد نیز آنچه لازمه هدایت و ارشاد زمان بود بعمل آورده و غرور علم و فضل و خیانت و کفران

فضل و حالت و وهم ترک [illegible] مذهب بچهار فرقه تخصیص داده اند که الان عالم گرفته اند حنفی حنبلی مالکی و شافعی کم کم

ترقی داده هفتاد و سه فرقه شده اند که میان اینها ناجی یک فرقه بود اثنی عشری تا اینکه کم کم اندک اندک این [illegible]

چهل سال است بین دین ما که نماز بود فارق میان کفر و اسلام بود همین نماز را بنماز اختراعی خود تراش نماز بدعت و غلط باطل [illegible]

که از علمای مدقق و معتبرین ما که کلام ایشان معتمد و معتبر بود در لباس خوب [illegible] دوستی و محبت که از جمله هفتاد فرقه الا یک جهنم

که در هفت طبقه جهنم مکان معین دارند بموجب حدیث مشهور که علامت فرقه ناجی [illegible] آنچه [illegible]

نمیدانیم و علمیکه بخوانند پیرامن العلم نزدند و نمازها حروف صرافی نمایند که نماز ما مبادا قلب و باز رواج نماز بدعت [illegible] ۴۶

و بیقاین صادق میدانند جواب از امامیه شنیده عفو و بخش حرف [illegible] و الله [illegible] گمراه نمایند و از خدا نرسانند [illegible]

که ضال و مضلند در هلاک نفوس بشر [illegible] بانماز بی صرافی اختراعی بدعت باطل حکم ببطلان و صحت نماز دیگران

بجسارت مینمایند و حال آنکه خداوند فرموده و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون و در [illegible] و لا تقف ما لیس لک به علم

و باید دانست که علمای مخرب دین ما عمدا مردم را ترغیب بنماز بدعت غلط اختراعی خود تراش نمایند نعوذ بالله بسبب جهل و نداشتن قرائت

که از علم قرائت خبر ندارند حکم مینمایند تا اینکه بی اعتنا و متساهل در امر دین و بی سر رشته از علم قرائت و نماز [illegible]

و صحت و عدم صحت نماز دیگران بجسارت مینمایند بار کافر و فاسق شده نماز جماعت مسلمانان که از اینها علاوه بر حکم غیر ما انزل الله [illegible]

تعارض و مخاصمه [illegible] باشاره و کنایه مینمایند که الکنایة ابلغ من التصریح زیرا که [illegible] نماز با قاعده با صرافی باجازه

و اهل بی سر رشته و اهل خبره این دزدان شرع که بعوام میگویند قاریان [illegible] بسیار کج [illegible] نمایند تمیز حرف کافی

عوام از شنیدن این کلام [illegible] چنان میدانند که گویا قاریان [illegible] غلو [illegible] سخن قاریان [illegible]

احتیاج [illegible] حرف از قاری [illegible] تعلیم نماز و صحت نماز [illegible]

راه [illegible] نماز قاری [illegible] احتیاط [illegible] از میان مردم برداشتند [illegible]

[illegible]

[illegible]

حلال زاده که نطفه ناپاک [illegible]

نعوذ بالله من شر [illegible]

و صحت نماز و علم قرائت [illegible]

و نتیجه [illegible]

و بدعت

سبب تألیف کتاب ترجمة الصلوة و معراج الطاعة

بدعت تنها نه باشند کلام اللهی که بسر می شوی خصوصاً انچه که خوانده و نداشته مدام کلمه کجا که داریم است نماز خواهی بی صرافی که نماز بدعت خصوص است

برای هر ناداده و شبانه حقیق است که داشتن و حال هر نقال و قصابی و سبزه فروشی استاد و مربی و تعلم از استاد جاهل صنایع طلب شده

که استاد ندیده خواهی مسخره طلبان و جهای طفره و ملاهی و ضرر دینی و آخرتی که لازم گرفته بر سر کار و حرف واضح است الا انجه فرق و فرق

دارد ای کور باطنان اهل صرف الدارط صاحب سواد علما نمایان و دردان شرع و دین از معتدین شیاطین انسانی که باید از همه طبق انسان

احرف و البصر و دقیق و نکته دان باشند خصوص در علم دین که صحت و درستی نماز استون دین است و مشکل تر ین علوم

زیرا که هر علمی که بدرس و مطالعه و فهمیدن تحصیل توان کرد ولی این علم شریف بخواندن و تعلیم و فهمیدن مطلب حاصل نمی شود

نسبت باستعداد هر کسی مثل علم خط و علم حساب مشق و ممارست زیاد باید که دل و ذهن و لسان ملکه نماید از ممارست اگرچه کامل

تدریس و تعلیم و ملازمت داشته باشد بدست خواهد آمد واضح است که لاجرم باید که لسان مخرج و اداء کلمه و کلمات و حیات فاستادن کلمات

با کمال ریاضات ملکه نماید ولی این کور باطنان عالم نما بنظر عوام الناس چنان جلوه میدهند بازیچه و مسخره است که کوبا مشق نکرده مجرد

شنیدن اسم قرائت همه نماز صحیح و سلامت صادر می شود چنانکه حرف شان بعد از چهل سال تحصیل جهل در زمان مشاهده

نماز صحیح و سقط قضای تمیز ندارد و علم بطلان قرآن و علم قرائت و نماز صادر می شود که ممنوع و متروک باشاره و کنایه که نه دنیا نماز

مشغول ترویج دین و تربیه یتیمان آل محمد نمایند نمیدانند که این علم کمتر از صنعت قصابی و سبز فروشی نیست و استاد و خدمت خواهد

باید از این قیاس تأملی نمائی با وجود اینهمه معرفت علم و معرفت امر معروف فضل حرف و تربیه قاریان و تحصیل از قاریان کامل و تحصیل نماز کامل

احتیاطی نمایند و خود نیز عار و ننگ دارند و عجب و تکبر شان نمی گذارد که جاهل بتجوید از فضل نماز صحیح لذت که نماز غلط بدعت نمایند که اهل الملک

این نماز غلط را اگر نماز صحیح دانسته سهل خواه بدانی و بگوی بدعت است نماز شیعه بی نماز و دانسته و فهمیده این نماز که نماز نامیده دل کفرات

نقضای اینها بر دوش کسی که فارق میان کفر و اسلام نماز است در قبر و صراط و میزان این نماز که باعث عذاب است عوض این نوع

علم قرائت و قاریان و تعلیم و تعلم نماز صحیح را در صورت نیابت انبیا و اوصیا و ائمه و لباس علما باشاره و کنایه در حق بدعت

ناموس شرع و دین که هزار بار بدتر از لشکر ابن زیاد روز عاشورا ظلم با اهلبیت خاتم النبیین کرده بقول و فعل صادق آل محمد با سم

ترویج دین خوب گفته است کسانیکه بد بخوبی پسندیده نمی بینند از زحمت به دیده تا تأملی کنی چه قدر خباثت باطن و کور

کلام مولف و مضمون ملا ابالی و بی اعتنائی و عدم ملاحظه کلام و نتیجه کلام فساد عالم خراب نمائید که اینها الناس قاریان و اهل

نماینده تمیز حروف کافی است معنی این کلام در رد است و مفهوم کلام فساد برای عوام الناس اشاره است بر اینکه قاریان علم قرائت

بدعت و قاریان فاسق و فاجر و اشخاص که بهره رحمت و معطل نموده است خدا وند عالم این که هم ضرر دادن است و لا رطب و لا یابس الا

في كتاب مبين و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضل عن سبيل الله فبشرهم بعذاب اليم و در آیه دیگر فرموده

يا اهل الكتاب لم تلبسون الحق بالباطل و تكتمون الحق و انتم تعلمون و در آیه دیگر فرموده الم تر الى الذين اوتوا نصيبا من الكتاب

يدعون الى كتاب الله ليحكم بينهم ثم يتولى فريق منهم و هم معرضون اولئك الذين حبطت اعمالهم في الدنيا

و الآخرة و ما لهم من ناصرين و در آیه دیگر مثل الذين حملوا التورية ثم لم يحملوها كمثل الحمار يحمل اسفارا بئس مثل

القوم الذين كذبوا بآيات الله و الله لا يهدي القوم الظالمين و قال كيف يهدي الله قوما كفروا بعد ايمانهم و

شهدوا ان الرسول حق و جاءهم البينات و الله لا يهدي القوم الظالمين اولئك جزاؤهم ان عليهم لعنة الله

و الملائكة و الناس اجمعين خالدين فيها لا يخفف عنهم العذاب و لا هم ينظرون الا الذين تابوا

ابرادات از این آیه با همه این حجل مرکب غرور و تلبیس باطنی و تزویر در صورت جامع همه مخالفت و تعارض کتاب الله توبه نکرده با مخرج علمای

در این سلسل ملاقات محض خالق و رضای آن حوزه و سعادات که بر انکه شخص با وجود علم و فضل و تحصیل چند ساله تمیز و تشخیص نماز صحیح و باطل و سقط قضا

و فضیلت صورت و شکل صحت و روح نماز که نه علم کنه باید اندک عمل کنید مردم اکراه نماز خواند سلطان زمان امیر المؤمنین چه مرحمت و چه توبه و چه

وصل دوم

سبب تألیف ترجمه الصلوة

خلاصه علمای صالح و متصل که به صفت طبقه مخصوص بر یک از طبقات هشتم رسیده هر کدام موافق اعمالی در تفصیل حضرت جمهور یکی، طبقه اول تا دویم تا ...
مخصوص ... که ... احوال و عادات ... اهل علم ... بواسطه صنایع ... و ... ابلیس ... کار ... صنفی ...
قاضی که مرشد و رئیس ایشان ... زمان باجازه ... تا ... زمان قریب شصت سال بفضادت بغداد
منصوب بود ... و علم و فضل ... حالم دو کار ... سلوک ... چنانکه در ایام خلافت و سلطنت ... حضرت شاه ...
قریب ... در منصب خلافت مشغول شوالست ... رسیده ... که تمام کرده ...
قریب صد سال عمر بود و قتلک ابن زیاد ولد الزنا با مر یزید پلید ... شهادت امام حسین ... امراء ... تمام ...
خیال ... شرع قاضی ... قتل امام زمان ... قتل ... ملعون ...
که سبب قتل ... خاتم الانبیا ... علاج ... روایات مختلفه ... اهراء ...
در ... ملکه ... دین ... الملعون ...
هر روز ... ابن زیاد ... دین ... روز ... شیطان ...
... در آخر ... این مضمون نوشته که حسین بن علی ... قتل ... طغیان ... فقد وجب قتله بحکم الکتاب
الملعون ... خاندان آل محمد ... لعنة الله علیه ... این راه ... حیله ...
این ... اهل علم و فضل ... بقتل ... نماز امامت ... علمای ...
خداشناس ... عالمان ... بحدیث شریف ... السعید سعید فی بطن امه و الشقی شقی فی بطن امه ...
از روز ... بمضمون فرمان ... الاعمال اللاتی سیماهم فی وجوههم من اثر السجود ... تکلیف و قبل از تکلیف
کالشمس فی وسط السماء واضح ... دین ... نور ایمان ... اعضاء و جوارح
نور ایمان ... نماز ...
قبل از بلوغ ... بالهام غیبی ... عالمان ... طبقه ... نماز ...
مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبلة مائة حبة
و قال الله تعالی در سوره البقره الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبلة مائة حبة والله یضاعف لمن یشاء والله واسع علیم ...
و الکلینی فی الکافی ... اذا احسن العبد المؤمن عمله ضاعف الله عمله بکل حسنة سبع مائة ضعف و ذلک قوله تعالی والله یضاعف لمن یشاء ...
فی روایة اخری ... بحسب حال المنفق من خلوصه ... احوال المصادقین ... کما قال یا ایها الذین آمنوا لا تبطلوا صدقاتکم
بالمن والاذی کالذی ینفق ماله رئاء الناس ولا یؤمن بالله والیوم الآخر نزل فی عثمان ...
... قبول اعمال و شرف فضل اعمال ... و صدق یقین ... مراتب علم الیقین ... عادل ...
... عین الیقین بچشم ... اعلام ... یقین ... چشم ... چشم حقیقت ...
که از تمامی اطراف و لوازم و شرایط و متعلقات یقین ... اعمال کامل ...
ایمان کالشمس فی رابعة النهار ... یکی از ... بالعرض ... خاتم الانبیاء ...
در ... یقین ... درجه ... این درجه ...
... حضرت ... علیکم بیقین ... وصایای جناب لقمان ...
... علم تعلیم ... از میان ...
فراموش ... فراموش کن ... عمل ... فراموش کن ...
نیز فراموش کن ... فراموش مکن ... چهارم ... فراموش مکن ...
... سلام الله علیهم ... سوال ... عوام ...

کرد

سبب تالیف [illegible] الصلوة و معراج الطاعة

۱۰

دعا انکه ای سمیع مستجاب الدعوة دیگر [illegible] دعا از خصوصیات [illegible] از استجابت [illegible] جواب از [illegible] مجلس [illegible] که صلوة

خبر داده ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر [illegible] نمازها [illegible] مانع معاصی [illegible]

و آداب نیت [illegible] شرط قبولش التقوی فرموده [illegible] مانع منهیات [illegible]

شکل نماز [illegible] مبطلات قرائت و طمأنینه [illegible] علم و فضل [illegible] اسلام [illegible]

برای طاعت امر الهی [illegible] علم قرائت [illegible] عالم [illegible]

و عدم [illegible] این چه گمراهی و ضلالت است [illegible] صحت نماز [illegible] این سم یقین [illegible]

معلوم [illegible]

[illegible]

علم قرائت [illegible]

[illegible]

[illegible]

علم قرائت [illegible] ایها الناس [illegible] علم قرائت [illegible] ومن الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل

[illegible] بعذاب الیم [illegible] علم قرائت [illegible] ضلالت

[illegible] استجابت [illegible] ادعونی استجب لکم [illegible]

الیه یصعد الکلم الطیب والعمل الصالح یرفعه [illegible]

حضرت موسی فرموده یا موسی [illegible]

[illegible]

[illegible] زبان دیگران [illegible] مستجابت [illegible]

[illegible] صورت و شکل نماز [illegible]

استجابت [illegible] صورت [illegible] معنی [illegible]

صادق فرموده ومن اضل ممن اتبع هواه بغیر هدی من الله ان الله لا یهدی القوم الظالمین ولقد وصلنا لهم

القول لعلهم یتذکرون الذین آتیناهم الکتاب من قبله هم به یؤمنون واذا یتلی علیهم قالوا آمنا به

انه الحق من ربنا انا کنا من قبله مسلمین اولئک یؤتون اجرهم مرتین بما صبروا ویدرؤن بالحسنة السیئة

ومما رزقناهم ینفقون وقال الصادق نحن صبر و شیعتنا اصبر منا و ذلک انا صبرنا علی ما نعلم وصبروا علی ما لا یعلمون

بالحسنة السیئة ای یدفعون سیئة من اساء الیهم بحسناتهم [illegible] ان النبی اتبع الحسنة السیئة تمحها واذا سمعوا اللغو

ما حصل ایمان آوردن [illegible] قبل از [illegible] ایمان [illegible] سیئات [illegible]

از لغو [illegible] فضایل [illegible] ایمان [illegible] نماز [illegible]

[illegible] صورت و شکل نماز [illegible]

[illegible]

[illegible] عالم [illegible]

[illegible] نماز [illegible]

[illegible] العالم [illegible]

سبب تالیف و رحمه الصلوة

خلاصه علمای ضال و مضل که بطبقه مخصوص هر یک از طبقات جهنم رسند بر ایام موفق بعالی در تفصیل صنف جمهور یکی طبقه اول تا دوم قسم که بصفه

مخصوص حق که از اعمال و عادات اهالی اهل علم میباشد به واسطه صنایع کار دلسه و عیال مطبس مواجه کار صنفی خواندند از جمله

قاضی که مرتبه رئیس ایشان معبر و موثق زمان با جاره جوابی تا انقضای ان زمان قریب شصت سال القضات بغداد

و منصوب بود باتکال و اراده و علم و فضل زمه حلم و وقار سلوک مینمود چنانکه در ایام خلافت و سلطنت ظاهر حضرت شاه اولیا

قریب بجنال در منصب خلافت مشغول نتوانست زیرا که رسیده مایه فساد کرد که تمام کوفه و عراق را بر خلاص حجت او و حکم

قریب صد سال عمر کرد و قتیله ابن زیاد ولد الزنا با مر یزید پلید مامور شهادة امام حسین کردید اکثر امراء و شرطه تمام اشرار

خیال نمود مگر اغوای شریح قاضی راهی نیافته برای قتل امام زمان که حکم قتل آن حضرت را بگیرد و شریح ملعون جواب داد که حرمت انکار

که سبب قتل نور دیده خاتم الانبیا کردد و عده و عطیه بسیار داد علاج نشد بروایات مختلفه در رشوه اکثر امراء داده است خرچه هزار اشرفی

در حوزکیسه سر بمهر فرستاد لکه نقد آشنای دین و ایمانش را بگیرد و چون آن ملعون از جهنم طلبیده افکار بنای ایمانش از زوایای دل رکنه

هر روز مهلت خواست ابن زیاد دانست که دین و ایمانش بباد فنا رفت پس در بیست و چند روز هر قدر با شیطان توانست کشتی گرفت

نتوانست در آخر فتوی باین مضمون نوشته که حسین بن علی در قتل مومنان بسیار طغیان کرده فقد وجب قتله بحجیع

آن ملعون مهر کرده فرستاد خانه آل محمد را ویران کرده لعنه الله علیه و همه چنین و این راه بیراهی بمقلدین حق براه حیله دادند زیرا که

باین مصنف و فرقه در لباس اهل علم و فضل و اعتبار بعقل و ایمان و لکد کوب کردن نماز امامت خدا در کل و همه دعلما

خداشناس خدا ترس و علامت عالمان خدا ترس بحدیث شریف محقق میشود السعید سعید فی بطن امه والشقی شقی فی بطن امه که باید

از روز الست سعید و بمضمون فرمان واجب الاذعان اللهی سیماهم فی وجوههم من اثر السجود از سیمای صورتش در تکلیف و قبل از تکلیف

کالشمس فی وسط السماء واضح و لایح است که از تمامی درها و پنجره های خانه دین و دلش که منافذ خانه دل باشند نور ایمان بلکه از تمامی اعضا و جوارح

نور ایمان لمعه میشود و کان و چشمان و کوشها و شکم و دست و پاها تمامی در صرف طاعات و عبادات و عده نماز

قبل از بلوغ مبارک آن بزرگ چنانکه بعد از بلوغ بالهام غیبی دانسته است که مثل عالمان صنف طبقه جهنم اعتنا بصحت نماز نکنند

مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبلة مائة حبة

و قال الله تعالی فی سورة البقرة الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبلة مائة حبة والله یضاعف لمن یشاء والله واسع علیم

و الکلینی فی الکافی عن ... اذا احسن العبد المومن عمله ضاعف الله عمله بکل حسنة سبع مائة ضعف و ذلک قوله تعالی والله یضاعف لمن یشاء

فی روایة اخری تفضیل ... حسب حال المنفق من اخلاصه و نیته و احوال المصادف و غیرها و کما قال یا ایها الذین آمنوا لا تبطلوا صدقاتکم

بالمن والاذی کالذی ینفق ماله رئاء الناس ولا یومن بالیوم الآخر نزل فی عثمان و اسلافهم لعنهم الله ... معیار معرفت اشیا

و خصوصیت قبول اعمال و شرف فضل اعمال بمراتب و صدق یقین حاصل میشود و مراتب علم الیقین است باخبار و نقل عادل و چون

بشنیدن و حکم مجربه و عین الیقین بچشم خود ببیند که اعلا مراتب یقین است و چشم عنصر جسمانی و چشم حقیقت باطن و

که از تمامی اطراف و لوازم و شرایط و متعلقات یقین با خبر و نتایج و ثمرات دانسته که دستش ... توجه تمامی اعمال کامل و

ایمان کالشمس فی رابعة النهار که عین الیقین است و از آن است ... یکی از ... و اصحاب بالعرض ... خاتم الانبیا

در تعرف با فلان یقین و مرتبه یقین توجه درجه است عوض که خود ... باین درجه که ... جهنم واهالی و اوضاع

میشن چشم ... معاینه ملیشم حضرت ... علیکم بیقین ... از جمله و صایای جناب لقمان ...

... علم تعلیم و لطف ... میان ... منتخب ... وصیت ...

فراموش نمای ... فراموش کن در وقت عمل ... فراموش کن ...

نیز فراموش کن ... فراموش مکن ... فراموش مکن ...

بحال توجه است ... سلام الله علیهم ... سوال ... که جواب ... عوام ...

سبب تألیف رحمة الصلاة و معراج الطاعة

که خداوند که مستجاب الدعوة و ملک دیگر قرار داده و از خصوصیات هر قدر مقصر و مجرم است از استجابت ناامید نمیشود [illegible] چه در جواب ادعونی [illegible] مجلس [illegible] که خداوند

خبر داده و ان الصلاة تنهی عن الفحشاء و المنکر این همه نمازها بجا که میگذارند [illegible] مانع معاصی هیچ [illegible] که نماز آداب و شرایط

دارد و نیت خداوند در قبول آن شرط قبولی آن تقوی [illegible] نماز من در [illegible] مانع منهیات و محرمات [illegible] که مسلمان [illegible]

شکل نمازها با مبطلات قرائت و طمأنینه و السنة و [illegible] و با فروع علم و فضل و [illegible] و [illegible] اسلام یعنی چه کرم که دیگران

برای اطاعت امر اللهی [illegible] سررشته علم قرائت دارد [illegible] که عالم [illegible] در حضور صاحب پروردگار با نماز [illegible] عدم علم [illegible]

و عدم معصیت حضرت این چه گمراهی و ضلالت است که علم صحت نماز [illegible] دیگران [illegible] این سهم [illegible] فاسد [illegible]

معلوم [illegible] که توجیه عواطف [illegible] این [illegible] نماز [illegible] چون شریح قاضی [illegible] شریح [illegible]

[illegible] این [illegible] با [illegible] چند نفر [illegible] از دست داد [illegible] علمی و صنعتی بی استاد و بی تعلم [illegible]

علم قرائت که مشکل ترین علوم است هیچ طایفه [illegible] دانستن آن بدون استاد نباشد [illegible] و دین که [illegible]

و حکم [illegible] و [illegible] مبطلات [illegible] علم قرائت و نماز صحیح و متعلمین و طالبان عالم قرائت با انواع کنایات شیطانی [illegible]

[illegible] با خیال [illegible] و مسلمانی [illegible] علم و فضل [illegible] و فروع [illegible] نماز [illegible] بلکه مولف و [illegible] تجربه [illegible]

علم قرائت [illegible] که [illegible] حروف کافی در علم قرائت یا [illegible] این کلمه [illegible] و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله

فبشرهم بعذاب الیم و [illegible] الله علی [illegible] جاهل [illegible] دنیا [illegible] علم قرائت [illegible] بر قدر [illegible] طریق [illegible] ضلالت [illegible]

دیگر در قبول دعاها و [illegible] کردش [illegible] استجابت علاوه بر شرایط تقرب [illegible] مناسبت [illegible] ادعونی استجب لکم [illegible]

الیه یصعد الکلم الطیب و العمل الصالح یرفعه [illegible] حدیث قدسی [illegible] مناسبت [illegible] لازم [illegible]

[illegible] موسی فرمود یا موسی مرا بخوان [illegible] بزبانیکه [illegible] مناسب [illegible] عرض کرد [illegible] کو زبانی [illegible]

[illegible] کبریا و طهارت [illegible] فرمود یا موسی در حق دیگران دعا کن [illegible] دیگران [illegible] تا دیگران بزبان غیر [illegible]

که زبان دیگران [illegible] پاک است [illegible] زبان دیگران [illegible] مستجاب [illegible] معلوم [illegible] که دعای دیگران چه قدر محبوب است [illegible]

[illegible] عمل [illegible] تقرب [illegible] عادت است علاوه که صورت و شکل نماز [illegible] بر مخالفت [illegible] بطلان [illegible]

استجابت از [illegible] چه قدر [illegible] نماز [illegible] صورت [illegible] روح و معنی دارد نه مناسبت صوری [illegible]

[illegible] فرمود و من اضل ممن اتبع هویه بغیر هدی من الله ان الله لا یهدی القوم الظالمین و لقد وصلنا لهم

القول لعلهم یتذکرون الذین آتیناهم الکتاب من قبله هم به یؤمنون و اذا یتلی علیهم قالوا آمنا به

انه الحق من ربنا انا کنا من قبله مسلمین اولئک یؤتون اجرهم مرتین بما صبروا و یدرؤن بالحسنة السیئة

و مما رزقناهم ینفقون و قال الصادق نحن صبر و شیعتنا اصبر منا و ذلک انا صبرنا علی ما نعلم و صبروا علی ما لا یعلمون

بالحسنة السیئة ای یدفعون سیئة من اساء الیهم بحسناتهم [illegible] ان النبی اتبع الحسنة السیئة تمحها و اذا سمعوا اللغو

ما حصل ایمان آوردن یهودیان قبل از [illegible] انبیا [illegible] این بزرگوار و بحسنات [illegible] ایمان [illegible] دفع سیئات [illegible]

از لغو [illegible] فضایل [illegible] [illegible] بعد از ایمان [illegible] حضرت [illegible] بعد نماز [illegible] از [illegible]

[illegible] استحکام صورت و شکل نماز و روح نماز که اصل [illegible] نماز [illegible] صحت [illegible] صحبت [illegible]

و قصص [illegible] بکار [illegible] که تضییع اوقات مردم است فضیلت [illegible] خود [illegible]

بکار عوام نخواهد آمد [illegible] عوام را [illegible] که [illegible] رضای اللهی [illegible] فساد و خرابی عالم نخواهد داد [illegible] عالم

و چنانکه بعد از اصول دین لازم است ترغیب شکل و صورت و قرائت نماز است که [illegible] و تعلیم آن [illegible]

سخن فساد اکابر و مرتقیان علمای [illegible] طایفه که نتیجه و فساد [illegible] ملاحظه [illegible] اذا فسد العالم فسد العالم [illegible]

سبب تألیف کتاب رحمة الصلاة و معراج الطاعة

از تمامی آیات قرآن در باب مذمت [illegible] و تا جاهلان امم به خصوص در آخر [illegible] دین این آیه کس [illegible] بعد از آنکه دین الهی [illegible] صبا [illegible]
منظم [illegible] جمال [illegible] ریاضات [illegible] و لا تبخسوا الناس اشیاءهم و لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها ذلکم خیر لکم ان
کنتم مؤمنین اول این آیه [illegible] اوفوا الکیل و المیزان که از کسی که نه از تمامی قرآن [illegible] این آیه [illegible] شرط [illegible] ایمان [illegible] الهی
شامل [illegible] ملاحظه [illegible] حالیه [illegible] و [illegible] معنا و جهاد [illegible] اهم الاحتیاج [illegible] قبیله [illegible] حکم [illegible]
[illegible] ایمن حرکت [illegible] احرام [illegible] انسان [illegible] جسم [illegible] عقلانی [illegible] دائم
سهو و نسیان نباشد [illegible] نصف آیه شریفه معیار میزان تمامی حساب [illegible] در یوم [illegible] استقبال [illegible]
[illegible] و معاصی و ملاهی [illegible] امور دنیا و آخرت [illegible] عالم [illegible] امانت [illegible] ابرار [illegible]
که افراط و تفریط در آن خط کامل [illegible] ارضین [illegible] و سماوات [illegible] خالق [illegible] ماورای اعمال ماها است و حقیقت [illegible] تمامی مخلوقات
چنانکه در اخبار وارد است [illegible] سبحانه و تعالی محبت مؤمن [illegible] انسان و حیوان [illegible] و در بعض [illegible]
اخبار بسیار است چنانکه حدیث شریف [illegible] و آیه شریفه در خصوص تفصیل حساب الهی در روز قیامت [illegible] اعمال و حیوانات [illegible] هزار
ساله [illegible] حسن [illegible] در نصف آیه [illegible] عبد صالح [illegible] اوفوا الکیل و المیزان [illegible]
[illegible] تعالی [illegible] صاحبان عقل ارباب کمال [illegible] که نماز ستون دین الهی است [illegible] عبارت [illegible]
که در [illegible] از نماز [illegible] سال [illegible] اهل علم زمان [illegible] نماز
غلط [illegible] نماز [illegible] نماز [illegible] مسئله [illegible] صورت [illegible]
و اسم عالم [illegible] قرآن [illegible] آیات [illegible] مؤمنان [illegible] طلاق [illegible] هر نوع [illegible]
آیه [illegible] افساد مطلق [illegible] حیوان انسان [illegible] فساد [illegible] اصلاح [illegible] تنظیم امور دنیا [illegible]
[illegible] علمای [illegible] مجتهدین [illegible] صلاح [illegible] البشر [illegible] ذلکم خیر لکم ان کنتم مؤمنین [illegible]
[illegible] الله [illegible] فذرهم یخوضوا و یلعبوا حتی یلاقوا یومهم الذی کانوا یوعدون
و معلوم است که مراد از تألیف این مجموعه از اول تا آخر بیان [illegible] نماز [illegible] تضییع [illegible] استخفاف [illegible] نماز است [illegible]
[illegible] از اول [illegible] مطلب [illegible] عاقل [illegible]
[illegible] فضیلت نماز [illegible] ستون دین [illegible] صورت [illegible] این جنین نماز [illegible]
[illegible] فضیلت آن [illegible] حقیقت قرآن [illegible] استحکام [illegible] نماز [illegible] متعلقات نماز [illegible] ایمان و اسلام
[illegible] صحت و بطلان آن [illegible] وقت صحت ارکان [illegible] آن [illegible] چهار هزار مسئله [illegible] صحیح [illegible]
[illegible] عجب [illegible] علم [illegible] این [illegible] نماز
[illegible] قاضی [illegible] الناس [illegible] کافی است [illegible]
خیالی کن [illegible] نماز بالمره [illegible] ترک کند [illegible] التفسیق [illegible] تکفیر [illegible]
باعث [illegible] دشمن [illegible] اجلال نماز از مذمت نماز [illegible] فضایل [illegible]
تحصیل و تعلم نماز [illegible] قاریان [illegible] وجوب تعلم [illegible] مسائل [illegible]

باب اول در ذم بدعت و اهل بدعت

استحوذ علیهم الشیطان فانساهم ذکر الله اولئک حزب الشیطان الا ان حزب الشیطان هم الخاسرون
قال الله تبارک و تعالی و لو ان ما فی الارض من شجرة اقلام و البحر یمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت کلمات الله ان الله عزیز حکیم
و بقوله قل لو کان البحر مدادا لکلمات ربی لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی و لو جئنا بمثله مددا [illegible] کلمات [illegible] احکام الهی مطلق [illegible]
و فضایل [illegible] علمای عاملین [illegible] مجتهدین [illegible] بکلام [illegible] الحب فی الله و البغض فی الله [illegible] دلالت دارد [illegible]

در توحید باری تعالی مقدمه فضایل ائمه

بنده برای کلمه تیمّن و تبرک از فضایل و مناقب آل محمد ع بر سبیل اجمال ذکر نمائیم قال تبارک و تعالی در سوره البقره صبغة الله و من احسن من الله
صبغة و نحن له عابدون اهم واجبات اصول اعتقاد است که تقلید در آن حرام است و بر هر کس واجب که خود ببرهان قاطع علم
بهم رساند لکن اصل معرفت و اعتقاد بوجود صانع فطری خلایق است چنانکه در تفسیر آیه کریمه فطرت الله التی فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق
الله ذلک الدین القیم و لکن اکثر الناس لا یعلمون فی البحار بسند صحیح عن زرارة عن الباقر ع عن الآیة قال فطرهم علی التوحید عند المیثاق
علی معرفة انه ربهم قلت و خاطبوه قال فطأطأ راسه قال لولا ذلک لم یعلموا من ربهم و لا من رازقهم و عنه ایضا و عن الصادق
عن الآیة قال التوحید محمد رسول الله و علی امیر المؤمنین و حاصل اخبار و آیات و ادله عقلیه و نقلیه آنچه جناب [illegible]
داشته عقول خلق را بر توحید و اقرار بصانع در بدو خلق او عادت داده و انکار بعض من باب العناد است و اصل وجود ممکنات مع
مصنوع و صبغت رنگ توحید قال البیضاوی فی قوله تعالی صبغة الله ای صبغة و هی فطرة الله التی فطر الناس علیها فانها حلیة الانسان
کما ان الصبغة حلیة المصبوغ او هدانا هدایة و سماه صبغة لانه ظهر اثره علیهم ظهور الصبغ علی المصبوغ و تداخل قلوبهم تداخل الصبغ
الثوب او للمشاکلة فان النصاری کانوا یغمسون اولادهم فی ماء اصفر یسمونه المعمودیة و یقولون هو تطهیر لهم و به تحقق نصرانیتهم
انتهی مثلا چنانچه نور آفتاب که بشیشهای زرد و سرخ و الوان مختلف افتد نور شیشه سرخ حاکی از حمرت است و نور شیشه زرد
حاکی از صفرت و همچنان وجودات ممکنات حلیه ایشان حاکی از صانع واحد میباشد توضیح آنکه چنانچه نفس در بدن خود ملاحظه میکنی
و جمال انسانی حاوی موجودات ممکنات از جماد و نبات و حیوان است منهج اشرف و حاوی کمالات سمع و بصر و اراده حی در خلافت وضع خلافت
در بدن واحد تو را روح واحد است من عرف نفسه فقد عرف ربه از همه اعضای تو مطالع [illegible] و در پای تو [illegible] است و از آن است بعد
[illegible] و ضمیر است و در همه جای اعضای تو هست مع التحدید [illegible] و در همه جا هست و در هیچ جا نیست [illegible] خارجیت به مباینت و [illegible] داد
در اعضای تو نه بطریق ممازجت هم چنان عالم کبیر سما و ارض و کل عالم بمنزله شخص واحد است در همه جا هست و از همه مطالع است خارج لا با
المباینة و در همه داخل است لا بالممازجة پس در حقیقت کانه [illegible] میباشی یعنی از معرفه نفس خود معرفة الله هم برسانی من عرف نفسه
فقد عرف ربه بعبارة اخری جناب اله جوهر وجود را چنانچه حلقه میم که در باطن قلب تو از آله مذکور است و نفس شبانه روز تو در خروج و دخول
بقلب بزرگ هو که اسم ذات است گویا میباشی چنانکه رنگ در مغز که باسه سرایت نماید و اقرار باله در قلب تو مذکور است و باین جهت تو در اصل
معرفت خدا احتیاج ببرهان فلاسفه نیست چنانچه در قرآن هم تصریح فرموده که خداشناسی فطری و خلقی است لکنه الکه [illegible] و ما
خلقت الجن و الانس الا لیعبدون در حدیث تفسیر بلیعرفون شده زیرا که معرفت فطریست پس امر بعبادت شده است بمطلق
از تعبیر بلیعبدون و عارف را همین قدر اشاره کافیست و آیه یا ایها الذین آمنوا آمنوا اشاره است باول بایمان تکوینی
و فطری و ثانی امر بایمان اختیاری تکلیفی ظاهر عن الباقر عروة الوثقی التوحید او الاسلام و عن الصادق عن الآیة
قال الصبغة معرفة امیر المؤمنین بالولایة فی المیثاق اشاره بآنکه معرفت ولایت شیعیان نیز صبغة الله است
چنانچه ظواهر اخبار طینت است که صریح میباشند بر حسب کل موجودات و نشو و نما خلق منظر اهل کشف و عرفان
از آن شجره طیبه ماخوذ میباشند و باکی [illegible] در ایراد حدیث کتاب دقایق الاخبار حاصلش اینست جناب قدس اله
خلق کرده در بهشت شجره که چهار هزار شاخ دارد و او را شجرة الیقین نامیده و نور محمد را از دره سفیده مثل [illegible] مثل
طاووسی که باقسام رنگهای مختلف [illegible] داشت داد و او را بآن شجره گذاشت تا مقدار هزار سال مشغول تسبیح خدا بود پس آیینه
حیا در مقابل او گذاشت چون طاووس نظر کرد در آن آیینه صورت خود را دید در نهایت زینت و حسن حیا نمود از خدا و از آنجهت
و خطاب باو داد و پنج مرتبه بسجده افتاد باین سبب سجده بر ما فرض گردید با نماز پنجگانه بر [illegible] است او فرض گردید پس خدا از
نظر و عرقهای نور از شره حیا جمیع اعضای آن نور عرق منصب پس از عرق سر او ملائکه را خلق فرمود و از عرق رو [illegible] خلق
عرش و کرسی و لوح و قلم و شمس و قمر و حجابات و کواکب و آنچه در آسمانهاست و از عرق سینه او خلق شده پیغمبران و علماء و

در توحید باری تعالی و مقدمهٔ فضائل آل محمد

۱۳

و صلی و از عرق ظهر او خلق شد بیت المعمور و کعبه و بیت المقدس و موضع سجده‌های دنیا و از عرق دو ابروی او خلق شده است ادراک و بیان و مسانید
سلاطین سادات و از عرق دو گوش او ارواح یهود و نصاری و مجوس و اشباه ایشان و از عرق دو پای او خلق شد زمین از مغرب تا مشرق
و آنچه در اوست پس به تسبیح حق مشغول شد هزار سال پس ارواح انبیا که از نور آن حضرت بود نظر کرد آنها که گفتند لا اله الا الله محمد رسول الله بعد قندیلی
خلق کرد از عقیق سرخ که دیده می‌شد اندرون آن از بیرون آن و از اندرون بیرون آن آنگاه صورت محمد صلعم مثل صورت دنیوی با دوازده قرار داد
در آن قندیل ایستاده چون ایستادن در قیام نماز و ارواح انبیا به طواف او مشغول با امر الهی و حضور نور محمد به تسبیح و تهلیل هزار سال
بعد امر فرمود نظر کنند به آن نور محمدی و در آن نظر کردن کل انوار مخلوقات بعضی در آن نظر سر او دیدند که در دنیا خلیفه و سلطان
شدند بعضی پیشانی او دیدند که در دنیا امیر عادل شدند جمعی دو چشم آن حضرت را دیدند حافظ قرآن شدند برخی دو ابروی او را دیدند نقاش
بعضی دو گوش او دیدند مستمع و متعظ و گوش شنوا در دنیا باشند جمعی دو رخسار او دیدند نیکو و عاقل و مدبر شدند و بعضی بینی او
دیدند حکیم و طبیب شدند و عطار بعضی دو لب او دیدند وزیر شدند و بعضی دهان او دیدند صائم و متقی شدند بعضی دندان او را
دیدند زیبا و نیکو شدند از مردان و زنان بعضی زبان او دیدند رسول میان سلاطین شدند و بعضی حلق او دیدند واعظ و مؤذن و مناصح شدند
بعضی صورت ریش او دیدند للمجاهد فی سبیل الله شدند بعضی دو بازوی او دیدند ملاح و رماح و سباق شدند بعضی عضد او
دیدند حجام و بایطار شدند ... جاهل نادان جهنم و عذاب و عقاب و میراث مصاحب جهال بعضی کف دست او دیدند صراف شدند
بعضی کف چپ او دیدند رزاز و بعضی یدین او دیدند سخی و زکی شدند بعضی ظهر کف ایمن او دیدند صباغ شدند بعضی
ظهر کف ایسر او دیدند بخیل و لئیم شدند بعضی ظهر اصابع ایمن او دیدند خیاط شدند و بعضی ظهر اصابع ایسر او دیدند حداد
و بعضی انامل او دیدند کاتب شدند و بعضی صدر او دیدند عالم و مجتهد شدند و بعضی ظهر او دیدند متواضع و مطیع شدند
بامور شرع و دین و بعضی دو کتف او دیدند جهاد کننده و غزوات بعضی دو ران او دیدند ساجد و راکع شدند و بعضی
بطن او دیدند زاهد شدند بعضی دو ساق او دیدند صبا و بعضی تحت قدم آن حضرت را دیدند پیاده رو شدند و بعضی سایه او دیدند
مغنی و صاحب طنبور و هوا و هوس بعضی هیچ عضوی از آن حضرت ندیدند کافر و یهود و نصاری و مجوس و غیر ذلک شدند و بعضی
نظر نمودند بالطرف نمودند مدعی ربوبیت شدند چنین فرعون و شداد و امثال ایشان که در میان گذشته کان جمهور تعبیه این زمان
زنی و دو هزار نمرود و شداد بعد از نبی در هر شهری و قریه و محله و بازاری بی‌حساب و بسیارند در اسم اسلام و در عیان و نهان تابع
مقاله آنها عارف مؤمن است از اهالی محقق است و در آخر حدیث مذکور و قائل است که خدا دید امر نماز که خلق را به نماز بصورت احمد
که قیام در صلاة که در قندیل در قیام خدا است ذکر می‌کرد و نماز امت نیز شبیه به نظر خاتم انبیا و در شب معراج به عرش عوالم بالا در رسیدن تا
مقام قرب حق موافق تفسیر آیهٔ مبارکه آمن الرسول و سمول الطاف کثیره تقرب در تفسیر همان آیه با نماز دیده که معروف است
التفات خدای در روز عطیه مخصوص است همین نماز بجهت باالوهیه و اجلال و امتنان مختص فرموده همین نماز است و بصورت جهر یعنی الف جهر قیام نماز
حاء اشاره برکوع و سجود و مثل میم و دال مثل قعود با احکام شرایطی که برای صحت همین نماز و متعلقات همین نماز که علم فقه است
مقرر فرموده و کمال العلما را تحصیل مجهول به پنجاه سال اجتهاد جامع الشرایط مقرر فرموده و از الطاف خفیهٔ الهی آنکه این علم را بر هر کسی
واجب و لازم قرار داده با به اجتهاد بعضی از آراء بگذارند چنین نماز مشغول باشیم چه قدر تأمل نمای و بدانید که چه قدر حکمت و
رحمت و استعداد و عمر و مهلت و توفیق و یاری خدای می‌خواهد و الا معاقب و ابد الآباد عذاب اخروی بحکم قرآن و حدیث مقرر است
و از الطاف خفیهٔ الهی در حق ما آواره کان وادی حیرت و ضلالت شامل گشته است که با همه ظاهرات احکام اسلام و ایمان از نماز او
باز و سیاهان چه قدر آسان و طریق سهلی نشان داده و هر چه این چنین نماز است و اجتهاد و صحت این کار به پنجاه سال است او
واجب کفائی قرار داده و فرموده است که اگر استعداد تحصیل اجتهاد نداری بالتقلید دیگری اگر بکند از اینکه صحیح است و عمل بقول او به تبعیت
تعلیم و تعلم بکنند کار و در مدت چند روزی معدود و بیاموزی آسان نموده‌ام تا روز قیامت عذر و بهانه نیاورند بلکه اینقدر مشکل بکند ...
بالجمله

اللهم ... نماز ... حاجات و مهمات ... بعد ... الطاف خفیه ... جلاله ... سهل ...

در توحید باری تعالی و فضایل آل محمد (ص)

۱۴

بالجمله شیعیان اشعهٔ وجود ایشان می‌باشند چنین پرتو آفتاب که تابع آنست از روی قیاس اگر آسمان چهارم حرکت و تنزل آورند
البته جمیع پرتو آن در زمین بحرکت و تنزل خواهد آمد از اینجاست که شیعیان ظلمهایی که بر مظلوم کربلا و ائمه هدی علیهم السلام [illegible] قلوب شیعیان
بی اختیار از جا کنده به تنزل آید و شک [illegible] صبغة الله و صبغهٔ ولایت که اصل وجود شیعیان و قلوب ایشان مرکوز [illegible]
مملو از محبت امام مظلوم می‌باشند بمصداق حدیث ان للحسین فی القلوب محبة مکنونة علاوه بر محبت پدر حقیقی که انا و علی
ابوا هذه الامة مع انضمام حدیث نبوی ما من مولود الا و قد یولد علی فطرة الاسلام فابواه یهودانه و ینصرانه و یمجسانه دو زمان غیبت (ع)
که بنیان آل محمد هستند از هر طرف تخمیر با انوار طینت طاهرین دارند [illegible] مصدر [illegible] خلق [illegible] در خلق
اقتضای ملیا به معرفت خدا و ایمان کرده‌اند و بالجمله خلقت هر مخلوقی گواهیست بر وجود صانع عالم چنانکه نقل است مشهور و متداول
عوام و خواص که پادشاهی میلی بمذهب دهری داشت وزیر عاقل کاملی [illegible] در زمان [illegible] ملحد و منکر [illegible] الامر بنای
عمارت و باغ و بستانی در مکان نامناسب دور از [illegible] نهاد آنچه [illegible] ساخته [illegible] پادشاه را آورد
پادشاه را از دیدن آن عمارات و اشجار و انهار بسیار تعجب آمد اعتراض و اظهار حیرت نمود و از سبب [illegible] تعجب
بر من عارض شد که انجا خرابه بود که بنا [illegible] سوخته [illegible] حادث شد پادشاه بنای ملامت [illegible]
که اینقدر [illegible] حادث شد و فرصت یافته گفت اگر این بنای محقر بی بانی امکان نباشد [illegible] آسمان و
زمین و افلاک و شمس و قمر و کواکب چگونه حادث [illegible] نظم عالم [illegible] منظم [illegible]
پادشاه اصل حرف [illegible] اسلام [illegible] در اثبات وجود صانع هر فردی از افراد مخلوقات از نباتات و جماد
و حیوان و انسان و آسمان و زمین و شمس و قمر و کواکب و قطرات امطار [illegible] معدل [illegible] هیچ مخلوقی [illegible]
نزد هر عاقل [illegible] قبیح است و فی کل شیء له آیة تدل علی انه واحد برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتریست معرفت
قدرت پروردگار سورهٔ مبارکه قل هو الله احد کافیست برای [illegible] در اول [illegible] توحید [illegible] کافی است که اگر
دریاها مرکب شود و تمامی اشجار بلاد [illegible] عالم قلم و تمام طبقات آسمانها و اوراق اشجار کاغذ و جن و انس محرر باشند و بنویسند
کلمات خدا و فضایل و مناقب محمد و آل محمد را دریاها مرکب و قلمها تمام شده بار خداوند [illegible] کلمات
الله و مناقب محمد و آل محمد [illegible] تمام شدن محالست بلکه [illegible] زبان انسانی عاجز است
چنانکه بمصداق حدیث [illegible] اطعنی اجعلک مثلی [illegible] لباس [illegible] فضل
لباس [illegible] روح [illegible] ذلیل [illegible] در قفس عنصری خاکی چند روزی برای مصالح [illegible] محبوس [illegible]
روز [illegible] در دار کثیف و ذلیل فانی [illegible] مکان باقی [illegible] خواهد داد [illegible] دار البقا [illegible] و لوازم [illegible]
موافق [illegible] ما قدرت کامله [illegible] عاجز و آواره و ذلیل [illegible] بمیزان عقل [illegible] خدا داد [illegible]
صلاح [illegible] سلطان عقل [illegible] در روز عهد و پیمان روز الست عهد کرده [illegible]
میخواهد بفرمان سلطان مملکت وجود عقل و لشکر اعضا و جوارح [illegible] اطاعت [illegible] نفع [illegible]
نه باطاعت شیطان این مملکت [illegible] باطاعت شیاطین خارج [illegible] شیطان نفس [illegible] دنیا [illegible]
نامناسب مخالفت حق که میزان و معیار [illegible] در تمامی [illegible] فاوفوا الکیل والمیزان ولا تبخسوا الناس اشیائهم
ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها [illegible] تمامی [illegible] مراد از کیل و میزان [illegible]
طاعات و معاصی [illegible] مراد از [illegible] مردم [illegible] حضرت [illegible] ولا تفسدوا
فی الارض فسادی [illegible] صدق [illegible] مراد از بعد اصلاحها [illegible] انبیا و اوصیا و علما در اصلاح [illegible]
جز رحمات در ریاضات [illegible] کشیده تا اقامه [illegible] بعد از اصلاح [illegible] در تخریب [illegible]

در مجلس حسینی [illegible]
رب العالمین [illegible]

در بیان خلقت اشیاء و نور محمد رسول الله

پس مجتهد عاقل و کامل باید در تمامی حرکات خود و خواب و نشست و حرکات خود اصحاب حضرت صلعم را با این آیه شریفه مختصر شرع ... و فعال خود قرار داده
اول ملاحظه نماید که این کار من که میخواهم شروع نمایم واجب یا حرام یا مستحب است یا مباح یا مکروه و موافق مقتضای هر کدام عمل نمایم و در عمل نمودن میزان این
آیه موافق باشد یعنی میزان و اندازه این کار و کلام و افراط و تفریط این عمل چیست که آیا حضرت رسول دارد یا ندارد که اگر تمام ضرر جانی
و یا مالی و عرضی و آبروئی دارد ترک کند رضای الهی در آن هست بلکه ثبت نکنند زیرا که تعیین میزان هر چیز انبیا و ائمه و علما چه قدر زحمات
کشیده اند تا بمقام شهادت رسیده اند تا میزان اندازه این کار و اندازه اسلام را بما مسلمانان تعلیم کرده اند بعد از تعمیر ایشان هر فرد را تمیم
که مکافات تغییر و تخریب قواعد و قانون اسلام و ایمان در بد تصرف کسی است که نه فرهنگی دارد و نه سر و سامان و عقل دارد

فصل اول در فضایل و مناقب آل محمد صلعم

و از ابن عباس مأثور است گفت در خدمت رسول صلعم بودیم که امیر المؤمنین
رسید حضرت فرمود مرحبا بکسیکه حق خلق کرده او را چهل هزار سال پیش از آدم گفتم یا رسول الله پیش از پدر خلق ...
خداوند خلق کرد من و علی را از نور واحد پیش از خلق آدم باین مدت مذکور پس چون آدم را خلق کرد بعد از نور من و نور علی خلق نمود اشیاء الکائنات
ما را در یمین عرش قرار داد ما تسبیح کردیم پس ملائکه تسبیح کردند و تکبیر گفتیم ایشان هم تکبیر گفتند فکل من سبح الله و کبره فذلک
من تعلیم علی علیه السلام از این خبر ظاهر میشود که تهلیل کل موجودات و عبادات همه ایشان بتعلیم علی است هر چند
بوسایط باشد پس اخبار حق تعلیم و استادی در همه ملیباشد بروایه صدوق قبل از آنکه جناب اقدس اله خلق نماید خلق
و لوح و قلم و عرش و کرسی و انبیا و جنت و نار و آسمانها و زمینها بچهارده بیست و چهار هزار سال خلق نمود بعبر ...
الکائنات بنابر بعضی اخبار هزار سال نزد خداوند ... ایستاده اوصیاء مشغول تسبیح و حمد و ثنا و تقدیس ذکر میکردند خداوند
اعلی بنظر التفات با خطاب فرمود تو نور برگزیده خلق من و مقصود من بعزت و جلال خودم قسم اگر تو نبودی افلاک
و هیچ خلقی را نیافریدم پس شعاع نور آنجناب بلند شد جناب اقدس اله از آن نور دوازده حجاب خلق فرمود امر فرمود
نور محمد را که داخل این حجابات شود داخل شد در هر حجابی چندین هزار سال تسبیح و تقدیس خداوند میفرمود و چندین
و ... چنانچه در تسبیح و تقدیس چنین لا تقدیس الکائنات از نور پاک محمدی بیست دریای نور آفرید و در هر یک از دریاها
علوم چند بود که جز خدا نمیداند پس امر فرمود نور آنجناب در همه آن دریاها غوطه خورد چون از آخر دریاها بیرون آمد حق تعالی
فرمود ای بهترین خلق من تو شفیع روز جزا پس آن نور پاک سجده افتاد تا وقتیکه خدا میخواست چون سر برداشت صد و
بیست و چهار هزار قطره از او ریخت خداوند عالم از هر قطره پیغمبری آفرید جمیع آن انوار در دور آنجناب طواف میکردند و دعوت مینمودند
بتوحید و متابعت امر اله و بتعلیم آنجناب تسبیح و تقدیس خدا میکردند و در کتاب عوالم مسطور است قال رسول الله صلعم خلقنا الله
حیث لا سماء مبنیة و لا ارض مدحیة نه کرسی و نه جنت خلق شده بود و نه نار ما تسبیح و تقدیس الهی میکردیم و
احدی نبود که تقدیس الهی نماید فتق نوری و فتق منه العرش فنور العرش من نوری و نوری من الله و انا افضل من العرش
و در این تفصیل فرمود پس شکافت نور علی و خلق کرد از آن ملائکه تا آخر کلام مذکور پس از نور فاطمه خلق سماوات و ارض
نمود و از نور حسن خلق شمس و قمر کرد پس نور این هر دو از نور حسن است پس شکافت نور حسین و نور حسین از نور خدا
و حسین افضل است از آنست و حور العین از نور اوست و حور العین از حسین است و در حدیث جابر فرمود اول ما خلق الله نور محمد است
پیش از همه مخلوقات بهزار هزار سال آنجناب که هر سالی سیصد و شصت روز که هر روز هزار سال است آنجناب و آن نور ایستاده حمد و تسبیح و ثنا و توحید
اله مینمود پس حق از آن نور آفرید قلم و لوح و کرسی و جنت را پس خطاب رسید بقلم که بنویس بر ساق عرش اله لا اله الا الله محمد رسول الله
علی ولی الله قلم عرض کرد الها باریتا این ... بی مثل و نظیر نوشتم نام کیست که بعد خطاب عتاب آمیز رسید قلم در بار ... نوشت
و این سنت از آن وقت است که سر قلم شکافته شده بروایتی بار خطاب شد که ای قلم بنویس آنچه خواهد شد تا روز قیامت
قلم عرض کرد الها ابتدا بچه نمایم خطاب رسید بنویس بسم الله الرحمن الرحیم از هیبت و عظمت الهی قلم هفتصد سال حیران بگردید تا

آخر

در فضایل و ترجیح نماز جمعه و ابن امر عظیم

از آنکه اسم الله خداوند منتقم بعزت و جلال خود قسم یاد کرده که هر کس را که اسم محمد باشد بسم الله الرحمن الرحیم در نامه اعمال او نوشته شود مقصد عبادت او است
پس از آن قلم آنچه از خلق خدا است تا قیامت جف بما هو کائن نوشت بر لوح برحسب بالبدیه الحمد لله کیفیت مثل من که علم اللدنی
مرا آمد یمحو الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب محو کنم آنچه خواهم و اثبات کنم آنچه خواهم عبد الله عباس که چهار چیز است در
لوح محفوظ نوشته تغییر بردار نیست تا قیامت الرزق و الاجل و السعادة و الشقاوة چون دانسته شد کل موجودات از نور محمد
مخلوق شده اند و همه اشیا پرتو و شعاعی از نور آنجناب است پس عجب نیست که حسن آنجناب زیاده از حسن یوسف باشد بر اهل
معرفت جمال واضح است که حسن جمال یوسف را پرده نبود و همه مردم مدینه و اصحاب محمد و آل محمد پرده در پرده انداخته بودند
تا به دیدن جمال ایشان نمی توانستند و آنکه محمد در پرده برده نگاه دارد نماید لیأتینی تحت ثیاب الا یعرفهم غیری
حضرت موسی کلیم الله و همه در طور سینا دیدم هر سنگ و کلوخی گویا بود به ذکر محمد و آل محمد عرض نمودم الهی تا بینم حرف
از مخلوقات که خلق کرده ملائکه ناطقند بمدح و ذکر محمد و آل محمد جهت این قدر و مراتب ایشان خطاب رسید خلق کردم ایشان را
قبل از خلقت جمیع انوار در خزینه عزت خود منم که تسبیح کردند و در بهشت شیشه در وجود صورت من نبودند تا آنکه با ایشان لقا نمی کردم
وضا و قدر خود یا ابن عمران سنگ تجلی بذکر اسم ایشان که ایشان خزینه علم من و معدن نور من می باشند و در لیلة الاسرا
المعراج خطاب از مصدر جلال الهی رسید بجبرئیل که محمد در این مقام هزار پرده غیرت و نور انوار منور منصوب است یک پرده
باید از جمال محمد بردارید تا نظاره کنان عالم بالا حسن جمال او را تماشا نماید پس جبرئیل یک پرده از جمال محمد برداشت
نور بیرون آمد که از پرتو آن نه عرش را پرتو و نه شمس و قمر و ستاره را آن نور و روشنی ماند آنگاه خطاب آمد که یا محمد تا چند
عم هست خواهی کشید که این یک پرده از هفتاد هزار پرده برداشتیم تمام عرش و کرسی و شمس و قمر و کواکب از روشنی تمام ناچیز
در طرف که فرداي قیامت که تمامی هفتاد هزار پرده را بردارند حجب مدارک تمامی معاصی است در جنب آن چیز در طرف
مولف رساله گوید از دیدن و شنیدن این نوع اخبار ما و جمیع این رساله مهار اسلام و مسلمانی بار نمود حسب وحده خوانده و سمن
حسینی در مجلس الهی محتاج حمد و سوره مسقط قضا نکنند نماز چنانکه به شرایف من نکنی او را نگیرد از تمام آداب دین
الحق تا آن حدیث و در شرح آن مترکان نماز از ایمان و نور ایمان بجز اسم و لباس مسلمانی نکه ازین و از علمای معتقد طبقه باشی که
مقاله شرح قاضی از ایمان ضرب و اثری دیگر دارد که ایمان بقدر رسته آن مشکل است از جرعی در دست خود از عرب بنمودن
رسانید آن مکر کشنده اگر از هشت طایفه علمای سزاوار مرتبه و هفت طایفه اهل نار و جهنم باشند فکر نماید یا معتقد سنی یا شیطانی
حمیه و اعتقاد نماز شیطان جن و انس که مصاحب و رفقا هر زمان باشند نه از شیطان جن هسته که چشم عنصری خود و دیگر حبا نمایان نکار الهی که
را وزنی نماید و دیگر شیطان نفس در مملکت وجود خود نفس قوت هر روز با سلطان عقل در مجادله و تضلیل از گمراهی خود تو دقیقه غفلت
و دیگر شیطان قوی از لذتها از هر سه پهلوان عاجز نماید که ابدا عیبی دقیقه نماز عادت انسانی است البته که تمامی اعظم ظلم
د اسم اسباب فساد عادت است که اکتفی بمخالفت حق او سول و ائمه و برعکس اقوال علما و مجتهدین نماید تا کافر و مرتد کند که حمل شاید
از تالیف این کتاب و نماز صحیح با قاعده و باقی را از عوض بنماز جمعه بخت خود بسته اگر علما بسیار از این عادة بمعاصی شده اند
از زمان آدم الی یومنا هذا بلکه الی قیامت و قیام حضرت حجة در قیام آنحضرت که مردم از خون ریزی آنحضرت بسته و شکوه آن زمان بکشایند که این امام
و از آل محمد نمی باشند از خون کفار سهل است از خون مسلمان و مومنان و علما که نماز گذار ناحق امام نمی ابن سخت قابل نه است از اسلام بدر
این جماعت باشند که به عبرت از واسطه عادت عبادة و نماز نباشند چنانکه الحال کلمات این رساله سوزناک است نوع مسلمین
نماز بقرائت باید علم قرائت باشد تا این زمان قایلند بعد از چند سال بقدر این و اعمال نمی اعتنا محقق است که اسم
قرائت و علم قرائت باید بر دارند حال که در خانها تجربه کو حکم بسیار است که علم قرائت بسیار است که تحصیل و تعلیم
چند سال تحصیل نکاح و طلاق و ارث و تجارت معاش خود و اولاد مشغول سنه اما برای صحت نماز علم قرائت سهل است در کلمات حمد و سوره نماز

اشاره باحیای نمازهای بدعت اختراعی

بزرگترین مصائب دینی این مصیبت عظمی است اسم نماز عبادت به اراده مصداق و بل لمن شفعا... با احوال منطبق است

بجهم از طبعه شیاطین حرص و حسد و نیات که حب الدنیا راس کل خطیئة جامع و در جمیع مخالف دستور ... الا الذین

یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین و قال تلک آیات الکتاب الحکیم هدی و رحمة للمحسنین الذین یقیمون الصلوة

و یؤتون الزکوة و هم بالآخرة هم یوقنون اولئک علی هدی من ربهم و اولئک هم المفلحون و قال تعالی و من الناس من یشتری

لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله بغیر علم و یتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین در دعای نیمه شعبان ختم بلغنا الی ...

اللهم لا تجعل مصیبتنا فی دیننا و لا تجعل الدنیا اکبر همنا و لا مبلغ علمنا و لا تسلط علینا من لا یرحمنا ... مصائب و اعظم دینی

اللهی مصیبت ما مصیبت دین ما مبتلا مکن و اکر و از گرفتار ما ... فکار ما حصه دنیا مکن و علم ما ... دنیا در سعدی ... بنیا کردان

ابنا و تجارات ... تسلط ... غلبه بر ... ظالمست حفظ فرما چنانکه موافق گرفتاری اهل ... ملت ... حق علیهم

برای عدم تفکر نتایج کلام حق علما برای عدم اعتنا و لاابالی جهل سالک ... از معتبرین علما ... معذور در جواب مردم ... عادت

فتحی و اسم معروف شده که ایها الناس تمیز حروف کافی است در حمد و سوره نماز و ... رسم اهل لسان کافی است معنی این کلمات

اشاره بر آنست که بسیار سعی و کوشش و احتیاط لازم نیست قاریان و علم قرائت ... بدعت قاریانست ... شما ... عوض

ترغیب مردم عوام این نوع بی ملاحظه عاقبت نتیجه کلام نمازهای ... ترویج ... داده ... اسم

این استعمار تما ... صاحبان فضل و علم ... ابلیس اعظم معلمین ملائکه ... عالم اعلا ... در عالم ... این منصب

شیطانی ... باختیار حق ... موافق حدیث حضور ابن سعد در جوانی ... حضرت سید الشهدا ... عوض ... مردم جاهل ...

... و نسبت مخالفت ... تو قاتل امام حسین ... حضرت در جواب ... ایشان جاهل ... ملکه

ابرار و اخیار شیعیان خالص مخلص ... ایمان با اهل بیت از دل و جان آورده اند از ... بزرگوارم شنیده و ایمان آورده اند موافق عقیده خود

۳۴

برای اظهار اعتقاد بقول و فعل ما ... که هرچه ایمان آورده اند محکم ... مطمئن ... منزلزل ... در بین کلام

جواب داد ... چه قدر بر عقیده ... در علم قرائت و عالمان بی قرائت ... با نماز ... عوض که

از جانب ... این نوع ... من دارد ... قطعه قطعه ... اگر یقین دارد اشاره ... حکم

بعقیده ... جانبی معذور و مطمئن ... حضرت ... در شریعت ... از جانب ... یعنی خدا ... دارد

خدا ... در قرآن ... از ضرر مال و جان مؤمن ... زبانی ... که قتل ... مؤمن است ... ضرر ایمانی ... نماز

و ضرر بی نماز ... سبب ... کلام ... که مؤمن برای بطلان نماز ... دین بضلالت افتد ... مثل این لاابالی ... اعتنا

باشد که ... اشاره و کنایه بدعت ... که ... علمای عاملین در باب اقامه نماز و احکام نماز چه قدر

زحمات و ریاضات کشیده ... محکم ... الواط ... لاابالی بکلام مولوی ... حق ... کلام حق ... ملاحظه

... عوام مسائل ... بر عکس ... بدعت عظیم ... بطلان دین ... حاصل ... ایها الناس قاریان ...

... کافی است که خدا ... و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله ... لهم

عذاب الیم عوام ازین کلام مختصر مولوی ... که قاریان کلام ... علم تعلیم ایشان ... نماز ... شما ...

بی کار ... در این ... مسائل ... اقسام ... و تعلیم ... عوض ... غیب

مردم ... نماز غلط ... و عقاب ... و عقاب بی نمازی ... و واجبات ... نماز

و چهار ... مسائل نماز ... تفصیل ... که ... رحمه الله ... این نوع الواط ... مردم

... این نوع ابن سعد ... که ... امام ... حضرت ... تعبیر

... عادت ... از زبان ... بالانامه ... امام حسین ...

اشارهٔ دوم مصاحبت ناس [از] عوام و علما

۱۸

وقتی از احباء فرموده بود در خیال علما نشسته اند است که مردم عوام وحشت نمایند از مصاحبه علما و تعلیم و تعلم قرائت و مسائل نماز [illegible]
قاری مردم میگویند که تمیز حروف و کلمات کافی است قاریان قرائت نمایند الا قاریان و نماز قاری کسی که عمر او نه ماده [illegible]
که ندارند در جواب ایشان گفتم عزیز برادر من سه دام حالشان همین است که همه دل این مایند و خیال جهال است و ما [illegible] حکم الله
در کشتی از آب خواطر خواهی عوام این نکته لله فی الله گفت خداوند ان الذین یکتمون ما انزلنا من البینات والهدی من بعد ما
بیناه للناس فی الکتاب اولئک یلعنهم الله ویلعنهم اللاعنون بلی این نکته وقتی صحیح میشود که مردم از حساب و نقد
و خدا ترسی از حد گذشته حرف لغت و شفقت بی اندازه و نفوس خود تضییع نمایند چنانکه خداوند خطاب کرد ما انزلنا
علیک القرآن لتشقی و صورتیکه مردم از کثرت تفریط نماز میخوانند محض صورت و نکلف نماز مسقط [illegible] ما انزل
الی بشارات محتاج نماز مسقط قضا ... از اهواء و امثال حرف بدار [illegible] نمایند و صرافی نمایند با نماز بدعت خراجی [illegible]
بازعیب تعلیم حدیده و بعضی طالبیة لاتعه مقدمات و مقارنات و بعضی نماز و روح نماز از نسیه [illegible]
که افراط در بیند که میماید زینهار خوش جهال و شمس حاصل شد ... از خوش شان حق [illegible] ما از طفولیت نشنید
خیل خوب ساخته اند و جهال آلهٔ جهنم و مبادا از عذاب آخرت اشد و اعظم است ملاک ترک ولیة و لیت رسیده است
از عذاب جهنم از اینکه گناه هست و لی جهنم جهال و باد از اینکه حالی است که دنیا و آخرت انسان خراب نماید هم دین و ایمان [illegible]
نماید برار حقنا و آن نماید [illegible] این معنی و عالم صورتان خانه میباشد چرا که با همه مسامحه و محتاج نماز مسقط قضا
حین الملبس لباس غافل از کار عمل [illegible] این مولف از سیاه اهرمان [illegible] لا محاله [illegible]
هر ماهی صرافی و که بر صرافی میکرد و حال آنکه جهال حال قرائت [illegible] میلوم ان الذین یستکبرون عن عبادتی
سیدخلون جهنم داخرین و قال و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا و قال
وما انزلنا علیک الکتاب الا لتبین لهم الذی اختلفوا فیه وهدی و رحمة لقوم یؤمنون و قال و من اظلم ممن ذکر بآیات
ربه ثم اعرض عنها انا من المجرمین منتقمون و قال و اذ یقول المنافقون والذین فی قلوبهم مرض ما وعدنا الله
ورسوله الا غرورا و قال من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه [illegible] و عالم [illegible]
که بنده این ایشان حضرت اولیاء که معلم اهم علوم و مروج دین محمدی باید علم قرائت را [illegible] بن ابی طالب [illegible] کلمه معجز بیان
ورتل القرآن ترتیلا در باب قواعد علم قرائت آنچه از قراء سبعه و راویان ایشان در خصوص علم قرائت [illegible]
و مجلس [illegible] و بیان قواعد [illegible] که [illegible] سررشته صحت قرآن خواندن و نماز و ادای حروف و کلمات
چندین مجلدات و تالیفات مفصله مثل شاطبی تالیف شده اند که [illegible] انواع تجوید و بعضی مجمل کلام [illegible]
و از انجوانب مخارج حروف و مواضع و قوف و دانستن [illegible] محتاج بکشف بسیار و تکرار و ریاضات و [illegible]
زبان ملکه و عادت نماید نخواندن و فهمیدن مطالب قواعد با خراجی [illegible] و عقول حق [illegible]
و معنی مراد از کلمه خذ العلم من افواه الرجال این علم شریف است باید از اهل خبره و استاد ماهر [illegible]
تا ملکه حاصل شود و در دست میزان و معیار آشناشوند تا بدانی که قدر واجب و حرام و سنت و مکروه و مباح هر یک چه طور ادا
چنانکه در هر کاری و عمل و طاعتی خوب و بد [illegible] تشخیص هر کلامی و ادراک هر عضوی از اعضای مخصوص باید این میزان [illegible]
والا در افراط یا در تفریط آخر ما [illegible] و جان و ایمان حق [illegible] ضایع و باطل نماید که هیچ ضرری بی میزان و معیار و بی اسم و قاعده [illegible]
و بدون ملت [illegible] راه روند هر قدر بیشتر روند [illegible] از مقصد دورتر [illegible] مگر عالمان عامل اهل خوف و خشیت [illegible]
نفس و طاعت [illegible] و تحصیل صفات [illegible] بعض [illegible] عقل کل و ما عرفناک حق معرفتک و ما عبدناک حق عبادتک
در ایام طفولیت تربیت درس اوایل ملکه سالم الدرس حرف و تکرار العبارت نقش و لیس الدرس فی الصغر کالنقش فی الحجر براوح [illegible]

اشاره بعدم تعصب و ذکر بحثی از بعضی مجالس اشخاص

که تا آخر عمر فراموش نشود غیر از کفر فرقه علمای عاملین همه فرق بعضی ... علما بیان آن را هوش داده دیں ... بیانات آن را در حسد که نماز جماعت با کسی عدالت نشاید ... با خود نشستند و عزت در فضل جماعت جمعه و حال آنکه علم قرائت از همه علوم مقدم نه بقدر احتیاج و حال آنکه برای علما لازم است که موافق اصل جمعه آمده و حال آنکه مراتب درجات نماز جمعه دیگران را به اندازه تا حکم خلاف ما انزل الله ... و در نماز جماعت و نماز جمعه حاضر نماید

و اینکه اوقف العالم فقه العالم نکند ... جمیع ذرات عالم ... انقلاب و آشوب و انواع بلاها ... هر ظلم و هر مخالفت و قحطی با حیوانات گرفتار نکنند مع ذلک از عوام الناس در زمان از هزار نفر ده نفر طالب و راغب تعلیم و تعلم نماز جمعه باشند از علما ابدال فضل مدار هر نفر سه نفر یافت نباشد غیر از قساوة قلوب است ابا نخواندن علم قرائت بسبب کمال استغنای ... با عدم شوق کردن ... ذلک فضل الله یوتیه من یشاء اگر سایر علوم مجرد از علم قرائت ملت از شیعه کاملی و حنفی و حنبلی و مالکی و شافعی شاگردان امام جعفر صادق ... فاضل در جمیع علوم ... معلوم که در عالم انوار قبل مخالفت حکم الله کرده اند تمامی منافقین و دشمنان آل رسول خداوند خلفای بنی امیه و بنی عباس لعنة الله علیهم مکر تمامی عالم و فاضل ... که تمامی عامه در سر بالای منبر مساجد خطبه و موعظه میکردند و مردم را با آیات و اخبار ... و اعواهیه ... مکر ... نداشتند هیچ مدانی از احکام قرآن و کتاب و سنت ... اسمیه اند ملکه از کثرت علم و فضل و کمال آیات و احادیث ... جبال تاویل و تشریح و تفسیر میکردند که مردم باهم و شعور و کمال ... ایشان را اعتقاد میکردند ... ایمان ما ... کرده اند و در مجالس بعضی ... عادل و سلطان ... الایمان اقرار و اخبار نباشند خصوص آنها که فی الجمله ... باشند ... و سپاهی ... ایشان را ... کلام راست و صحیح ایشان را گوش ... اگر شعور و تمیز داشته باشی از این کلام ... حفظ ... اگر ... که علم قرائت ... حکم بصحت و فساد نماز بعضی مردم ... باشد ... و لا تقف ما لیس لک به علم ... سابل است بمصداق فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون ... نماز جمعه ... اگر چه صحیح نماز باشی ... دانشان ... بحث

فصل دوم در فضایل ائمه صلوات الله علیهم و سلم

بدانکه موافق تفسیر ... عنوان شده انا عرضنا الامانة علی السموات والارض والجبال الی آخر الآیه بلکه تمامی قرآن و کتب ... خلقت کل عالم ولایت محمد و آل محمد است ... امامت طاعات و عبادات ... مدعیان اسلام ... حال آنکه اسلام ارکان خمسه لازم است تا اسلامیت صورت محقق شود بعد شرایط و آداب و احکام اسلام ... تا برانکه نماز مقدم بر سایر شرایط ... قطار و کاروان اسلامیت است و هر حکمی ... در کلام الله ... آیه کافی است ... نماز ... در این جمله ... اکید نماز ذکر نموده ... دوم از شرایط اسلام صوم سیم زکوة یا بالعکس ... خلاف چهارم حج ... ملائکه ... اعمال ... پنجم از ارکان اسلام ... کاروان ... اسلام ... رسالت و ولایت است ... سید الانبیاء ابن ... اسلام ... وصی بلا فصل ... اوصیا ... مرتبه ... حال آنکه ... روایت هزار هزار سال ... قبل از خلقت جمیع ذرات عالم خلق شده ... از نور خدا ... تسبیح و تقدیس و تمجید خالق ... کتب فقها و اقوال ائمه سلام الله علیهم ... مقصود ... و در این محل موافق ... خود ... اسلام ... مظلوم ... قصور ... با اسم ... نماز ... مظلوم ... از انبیا و اوصیا ... فساد ... العجب ...

در مذمت تعصب و غرور و علم و فضلاء عالمان

۴۰

بهای این جنس نماز که انبیاء و اوصیاء و امامان و علمای عاملین که خادم و حامی و مروج این جنس نماز و احکام نماز قدیمه نماز عشقیه اعظم داشته
جمیع ظلم و کفر و ملعنة است بر کرسی اوغان و ظلمت نشانده اند و اصحاب عزاداری و کشتن این سلطان عشاق التفات و توجه داشتنی
نداشته که ایها الناس خداوند در قرآن و پیغمبر ما در وصیت از کتاب مقدم بر اولاد خود ما سفارش کرده و سپرده باسم انی تارک فیکم
الثقلین کتاب الله و عترتی ایها الناس آیا برای اینکه به میان اهل و عترت صرافی و علمی قاعده و میزانی البته دارد خیلی اما
بنای این عترت بزرگ میان مسلمانان و انبیاء و پیشوایان و علمای معتبر و معتمد مسلمانان نشده از این جهة است که
چهل سال از اهالی دیگر علم قرائت و قاریان القیس و تکفیر نکرده از این جهة این عترت عظیم استحکام یافت از استقلال علما و طلاب
با تحقیق و تامل نماینده فارسی و تعلیم و تعلم علم قرائت از اسناد و اهل خبره بیاموزند زیرا که در سینه ایهام حالت سبحت بر اثر عترت علما به
از غلبهٔ غرور و عجب دیگر علما و غرور علم است اینکه فی الجمله در فکر صحت قرائت و صحت نماز باشد خواص این ماتم را ز سلامی
ملاحظه هیچ نماید آه صاحب درد باشد از مثل جمهور است که گرفتار در تکلیف شده گریه نکنی با خبر نداد در هر حال از فضایل
و احادیث و اخبار دیگر مینمایم برای ترتیب مجالس عزاخانه در فراید و اشعار تعزیه و مجلس علما ادعیه که تمامی مصائب
آل الله برای بیان درد بی درمان که تشیعیان در محافظت و حالت لقائی این نماز و توابع نماز مضایقه نمایند این شریعت مطلوب
حلیت عزاداری خاتم الانبیاء و سید الشهداء و بر روح مادر سید الشهدا و فضایل ایشان و مادر ایشان و عزاداری ایشان و السنه آل علم
کلام و فساد کلام عرب و نتایج کلام لاابالی بدون تامل آنچه خبر که خوانده و دیده اهل منبر راستی بگویند مبدا از قاری
که ماننده که نماز که سیصد و هفتاد جزء واجب دارد با چهار هزار مسئله در نظر از این کتاب دعوی عزاداری قرائت و طایفه عزاداری تمام
برای آنکه کسانی که مسئله کوری عادت کرده اند که برای معاش و کسب نان و آتش خود و عیال خود معرکه ماکری نماید که در قرائت
احکام صلح و اجاره و اگر بعضی صحبتهای که در عوام لازم و واجب که خوانده شده فضیلت در پیش خود و تضییع اوقات نماینده و تاریخ
بکلی از آنکه آداب و جهات نماز و اسلامیت مسلمانی چون بسیار بیجا و بیشرمی خواهد از دیگر است منحصر در عزاداری
نمودن حفظ و محو فرا اضراب نمودن گریه و عزاداری با نماز کار کرده باشند به قصه خوانی و فضیلت در پیش دکان دار
پس مراد از ولایت اسم محبت آل محمد دارند محبت بزرگ عترت مجرد گریه کردن زیرا که مطلقا محبت بسیار از حیوانات در تمامی مخلوقات و حادات
عزادارند و در نزد هر منافق و کافر ذکر قهر و احوال حالاتهم است حتی کفار که بر سید جوانان اهل جنت گریه کرده اند و عاشق کمال ایشان
گریه میکردند میزان اسلام و ایمان از محض گریه نبوده علماء مجتهدین مکرر از من دلیل عاقل نموده این قدر زحمات در بنای این
دین و اسلام به ترین بلیه و حماقت است که به راه بیراهی و مخالفت خداوند و کار میجوان ظالم و فساق تمامی عمر بلیه و در
تجربه خانه فقرا و مظلومین کسب کرده و در دفتر مرکز وصیت نماینده که قبر مرا جنب هارون رشید در جوار روضه منوره ثامن الائمه کنند و دفن
نمایند چنانکه استاد همه ظلام اول دنیا در روضه مطهره صاحب شریعت ظاهره دفن کردن و دشمن در نظر آوردن بغیر از
آتش فتنه بار کردن و مزید غضب خداوند چه فایده دارد مگر مالکان جهنم با ایشان خواهند یا باخدا در علی خوش ای خوشی خداوند بسول
و ائمه موافق آیات قرآنی الحاشیة قرب مکان قرب مکان در دنیا سبب مخالفت و عدم طاعت که احتیار دارد برای ایشان
الحاصل تقرب در دنیاست که خداوند حلیم موافق حکمتهای بالغه بعضی از امکنه را برگزیده و مخصوص بمزید اکرام و احترام خود نمود بجهة بار
ظاهر را بلا تشبیه مکان خلوتی است که از احترام خود کرده اند و محل خواص خلوت خود میباشند و امکانی که در درگاه عالم برگزیده
حرم خود کرده اند و امکنه معظمه و اطراف است دارند آن احکام بسیار فرمودند بعض از آن احکام را در کتاب شریف خود
و فرمود چنانکه در آیه شریفه فرموده مضمونش این است که ای گروه مومنان مکشید صید را در حالتی که محرم باشید پس هر
بکشد صید را عمداً پس باید جزا بدهد مثل آنچه را که کشته از چهارپایان صید را باید بکشد یکی از امور را المیته که گفته
بکشد اگر گاو وحشی کشته گاو را باید بکشد و ظاهر آنکه حکم کند به این صاحب عدل از شما در حالتیکه این صید

در ذکر شرافت و تعظیم مکه معظمه زادها الله

رسانده بکعبه است یا باید کفاره به مد طعام دادن مساکین و یا بمعادل آن روزه بگیرد این عقوبات برای آنست که جنبه مال عاطفی
که از او سر زده و عفو نماید خدا دفعه اول را و کسیکه عود نماید بعمل شنیع پس انتقام میکشد از او و خدا غالب است و
صاحب انتقام است بدانکه حق تعالی حرمت حرم خود را لازم دانسته و کسیکه پناه ببرد بآن داده در امان خود قرار داده
و جهت لقطه آن و شجر و نبات آن و صید آن احکامی چند مقرر فرموده آن احکام بسیار است و در اخبار و کتب علما ذکر شده
اما فضل حرم و کعبه اظهر است که مخفی نیست همچنانکه حقتعالی میفرماید ان اول بیت وضع للناس للذی ببکة مبارکا و هدی
للعالمین حضرت امام محمد باقر در ذیل این آیه میفرماید فاول بقعة خلقت من الارض الکعبة ثم مدت الارض منها
و حضرت صادق روایت شده که از پدر خود روایت کرده است که موضع کعبه قطعه زمانی بوده سفید نورانی مثل نور آفتاب و ماه چون
فرزند آدم برادر خود را کشت سیاه شد و چون آدم بزمین آمد خدا زمین را از برای او مرتفع کرد تا همه را از دیده و ندا رسید که ای آدم برو این
خدایا این زمین نورانی چیست جواب فرمود این حرم ملت در زمین باید هر روز هفت بار آنرا طواف کنی در حدیث وارد است که
بهترین زمینها در نزد خدا مکه است خاکی که در نزد خدا بهتر از خاک آن نیست و سنگی در نزد خدا بهتر از سنگ آن نیست و کوهی بهتر از کوه آن
و آبی بهتر از آب آن نیست در حدیث است کسی نیست که بآن بدی نماید مگر آنکه خدا او را غضب نماید تبع پادشاهی بود که مشرق و مغرب را
مسخر نموده بود روزی قصد نمود که مردان اهل مکه را بکشد و زنهای ایشان را اسیر نماید و کعبه را خراب کند برای این قصد چشمانش کور
شده آب دیده گان بر رویش جاری گردید سبب جویا شد گفتند نیست مگر برای قصد بدی که باین خانه محترم نموده زیرا که آن حرم خدا است و قبر
داود و اسمعیل اولاد ذریه حضرت ابراهیم خلیل الله هستند گفت راست است چاره چیست گفتند از این قصد بد توبه کن برگشت چون بر
چشمانش کاملا چون برگشت پس جاهای که او بقصد تخریب بسته بود گشت پس لباس بکعبه محترم آمد و آنرا پوشانید و بسی از اطعام
و احسان نمود مردمانرا که صدقه کشته از برای خیرات و طعام حتی بحیوانات که در صحرا نیز طعام میفرستاد و کیفیت قتل اصحاب فیل مشهور
قرآن مجید مذکور است و حجاج را برای خراب کردن کعبه هلاک نمود بجهت آنکه قصد او خراب کردن نبود بلکه محقق است عبدالله بن زبیر که بنا بکعبه برده
نماید فساد نمود خداوند عالم که معلوم مردم شود که خدا امان داد و چنان فاسق و منافق او را خدا امان داد و قوم جهل نمود از سر او خراب
بالجمله احترام آن ضروری دین است حتی آنکه هر که را او پناه برد در امانست همچنانکه حقتعالی میفرماید و من دخله کان آمنا و از اذیت
وحشی و طیری که داخل حرم شود در امانست باید آنرا رم دادن و اذیت رسانیدن و درخت آنرا قطع کنند حتی گیاه او را بنا بحدیث
از حضرت صادق روایت شده است که کل شیء ینبت فی الحرم فهو حرام علی الناس اجمعین الا ما انبتته انت او غرسته و اگر
درختی در حرم است قطع جایز نیست حتی که اصل آن در حرم باشد شاخ بیرون از حرم رسانیدن بریدن هم اینطور دارد است که برداشتن لقطه آن
حرام است مگر برای کسیکه در طلب صاحبش فریاد زند و بجوید اما صید آن پس شکی نیست در حرمت آن و کتاب و سنت ناطق است بآن بلکه
راه نمائی و اشاره بآن و سبب شدن آن تصریح فرموده بحرمت آن و دعوی اجماع شده و اثبت کلام بعض از علماء که یحرم علی المحرم صیدا
البر حیازة و اکلا و دلالة و اشارة و تسبیبا و لو باعارة سلاح و نحوه بالکتاب و السنة المستفیضة و الاجماع و از برای کسیکه صید
بکشد یا اذیت یا و نماید یا بشکند حتی از حرم کفارات چند قرار داده شده که تفصیل آن در کتب فقها مقرر است و کفاره صید چنانکه بعضی
تصریح کرده اند در حقی است که از روی خطا باشد و اگر از روی عمد باشد در دفعه اول کفاره میباشد که جزا در حرم محترم الهی
ای الهی و هتک حرمت کعبه را مرتکب آن شده باز عود نمود فینتقم الله منه خدا انتقام خواهد کشید از او که انتقام الهی
کفاره چاره او را چاره نکرده اگر چه بازم تا ابد کفاره باید و چون این را دانستی پس بدانکه حد احرام حقیقی و معنوی است که منزل را
احترام ظاهر نیست بمنزله لب این ظاهر است و احترام را نیز کعبه و مسجد و صید نیست و کبوتر و لقطه و درختی که احترام آن
بالمضاعف بیشتر است تا حد امید آنه و حرمت آزار و کشتن مخصوص ذات پاک الهی است و عظیم زیارت و کشتن صید آن
فتح و کندن درخت آن و شکستن شاخ آن چه قدر شنیع است مخصوص ذات مقدس است و اخذ لقطه آن فضیعت است و احترام

معظم

فصل چهارم

در ذکر شرافت و تعظیم مکه معظمه

و فضیلت اول آن عبادت در بیت زمین و آدم

در فضل حرم مکه معظمه و احترام صید و درخت آن

اشاره بفضایل آل محمد صلی الله علیه

معظم محمد بن عبد الله است و اهلبیت اوست که انجم سرا الله جمیع عوالم الطفیل جود او و جمیع ذرات کاینات را امر بتعظیم او و اولاد او فرموده
هر کس و هر چیز که بمراتب قرب او رسیده بواسطه ایشان رسیده و هر ملکیکه اول تعظیم ایشان و اقرار ببزرگی ایشان نموده [illegible] علف
شیرین شده و اگر قبول ولایت ایشان ننموده شور و تلخ شده آب و علف آن نخجیران از امیر المومنین [illegible] که فرموده
ولایت ما [illegible] که اقرار بولایت ما نمود آنرا طیب و پاکیزه گردانیدیم [illegible] آنرا شیرین گردانیدیم و آب آنرا گوارا
علف و هر زمینی که انکار ولایت ما نمود شوره زار گردانیدیم و آب آنرا تلخ [illegible] و اول جاییکه قبول
ولایت ما کرد مدینه بود خدا آنرا حرم پیغمبر گردانید و محل قبر آنحضرت شد بعد از آن کوفه بود خدا آنرا برگزید حرم علی بن ابی طالب
محل قبر آنسرور شد و [illegible] که شاه اولیا باشد چنانکه تشبیه کرده اند [illegible] حسن و حسین و ذریه طیبه
ایشان ملیک باشند و کبوتران چند هست که ذریه علیه ایشان باشند و بنات [illegible] که مخصوصان از شیعیان باشند و لفظ
چند است که اموال و حقوق ایشان باشد [illegible] تعظیم ایشان فرموده در آیه قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی
[illegible]
[illegible]
اطراف [illegible]
در حرم [illegible] کربلا [illegible]
[illegible]
لفظ [illegible]
ظلم و ستم [illegible]
کرده اند [illegible] یا رسول الله انظر ما جرى في كربلا لبنيك من خضابها بدمائها قد ثلمت ثلمة [illegible]
[illegible]
الأرامل [illegible] والتقاذف الأغلال من أسرائها مقصود تمام درین جمله [illegible]
[illegible]
که در شب معراج چون مرا باسمان بردند [illegible] سدرة المنتهى رسیدیم جبرئیل مرا وداع [illegible]
[illegible]
[illegible] اطلع على الأرض اطلاعة فاخترتك منها فجعلتك نبيا [illegible]
[illegible]
[illegible]
الدنيا والآخرة والجنة والنار [illegible]
[illegible] يا رسول الله [illegible]
[illegible] علي بن ابي طالب [illegible]
حاطئين من شيعتي [illegible]
محمد علي بن ابي طالب صلوات الله وسلامه عليه الغفر للعاصين من امتي [illegible]
[illegible]
[illegible]

فضایل آل محمد

[illegible]

فضیلت [illegible]

۷۱

اشاره بفضایل آل محمد سلام الله علیهم ۲۳

پس از حمد او بود که خداوند عالم خلق کرد مراد علی و حسن و حسین است پس از همه خلایق بهزار سال علی خلاف شاید نسبت تقدیم در عقل مردم [illegible]
در هنگام مبادله تسبیح و تقدیس پس از تقدیس مر اشکافت خلق که آسمانها و زمینها و بجز اقسم من افضلم از آسمانها و زمینها
پس نور علی را شکافت و از آن عرش و کرسی را خلق فرمود و علی اجل است از عرش و کرسی و علی را مرتبه بزرگتر از عرش
و کرسی پس نور حسن و حسین را شکافت و آفرید از آن آفتاب و ماه را و چنین افضل از ایشان شدند پس همه عوالم از مشارق
و مغارب تاریک و ظلمانی بود ملائکه شکوه بسوی الله کردند فکشف الله الظلمة بنور هذه الاشباح التی خلقتهم الا ما فرجت لنا
من هذه الظلمة پس خدای تعالی خلق فرمود روحی و او را مقرون بروح دیگر فرمود و از آن نوری آفرید که از دو روشن و
نورانی که پس خلق کرد بقدرة کامله خود آفرید زهرا را پس همه عالم و عالمیان از مشرق و مغرب روشن که از اینجا است که
او را زهرا گویند روشنی دهنده دنیا بود و چون قیامت شود حق تعالی بمن و علی خطاب فرماید که ادخلا الجنة من شئتما
وادخلا النار من شئتما اینست که در قرآن فرموده که القیا فی جهنم کل کفار عنید کفار کسی است که نبوت مرا انکار
کند و عنید کسی است که دشمن علی باشد از فقرات زیارت جامعه است بکم فتح الله و بکم یختم خدا افتتاح بشما فرموده و بعد [illegible]
اول کسی را که خلق فرموده شما بوده و نقاش ازل نقشیکه اول در این کارخانه کشید تصویر دلپذیر شما بود و هر فیض بخشش که از
فیاض مطلق میرسد فتح از شما است و بشما قائم است و بشما ختم میشود و بکم ینزل الغیث بواسطه وجود شما است
فیض قطرات بارش از ابر رحمت و بکم یمسک السماء ان تقع علی الارض بواسطه شما است آسمان بی ستون
برپا است بر زمین نمیافتد و عالم خراب نمیشود از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت است در ارشاد القلوب که فرموده نحن اهل البیت
لا یقاس بنا احد ما اهلبیت را با احدی قیاس نتوان که ما کسانی هستیم که اگر کسی ما را دشمن دارد دشمن داشته است
خدا را و کسیکه ما را دوست دارد ما را دوست داشته است خدا را اقتدا بما کند و قبول نماید از ما آنچه را که خدا بما وحی کرده و تعلیم نموده و طاعت کند خدا را
در حق ما دوست داشته خدا را است والا کسی را که بشما قیاس نتوان کرد چگونه قیاس توان کرد و حال آنکه همه طفیلی شما بوده
و طفیل شما شدند سماعة بن مهران روایت میکند از ابو الحسن موسی بن جعفر علیهما السلام که فرمود یا سماعة اگر تو را حاجتی
بسوی خدا بود اللهم انی اسئلک بحق محمد و علی و ان لهما عندک شأنا من الشأن و قدرا من القدر فبحق
ذلک الشأن ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تفعل بی کذا هر حاجت دارد بخواهد محصل کلام آنکه خدا را بقدر و منزلة
محمد و علی قسم بده حاجت تو بر آورده فانه اذا کان یوم القیمة لم یبق ملک مقرب ولا نبی مرسل ولا مؤمن
امتحن الله قلبه للایمان الا و هو محتاج الیهما فی ذلک الیوم چگونه محتاج ایشان نباشند و حال آنکه
مفتاح جنت و نار در دست ایشانست و حساب همه خلایق با ایشانست و داخل نمیشود بهشت مگر کسیکه با او باشد برات آزادی
و محبت محمد و آل محمد و حرامست بهشت بر همه تا اینکه اول داخل شوند در بهشت محمد و آل محمد و شیعتهم من بعدهم [illegible]
شما ایشان و اولیاء مرسلین بعد از شیعیان ایشانند و پادشاهان دنیا و آخرت برای ایشان خلق شده و مالک [illegible]
و هر تصرفی بخواهند در آن میکنند بامر پروردگار خود و [illegible] در آن نیست مگر شیعیان ایشان که عبید ایشانند و کان
ایشانند این کلام بر واضح است که [illegible] داخل تشیع و دوستی [illegible]
مطیع امین در ملک مولای خود تصرف نماید کسی دیگر در آن نتواند تصرف نماید این حدیث برای مغرورین [illegible]
ایشان کرده کان مطیعند در ملک آقا مخیر نه مرویست از مفضل بن عمر که گفت پرسیدم از حضرت صادق آل محمد از تفسیر [illegible]
ان الینا ایابهم ثم ان علینا حسابهم مراد که باشند و کیانند حضرت فرمود نحن والله الینا یرجعون و علینا یعرضون [illegible]
دار دوستی ما سوال کرده شود و شیخ صدوق در امالی خود روایت کرده که چون روز قیامت شود جمع نماید اولین و آخرین [illegible]
رسول خدا را و علی بن ابیطالب را جامه سبز در بر رسول خدا که مشرق و مغرب از نور آن جامه روشن شود و مثل آن را در بر علی [illegible]
میکنند پس ما را میخوانند و حساب خلایق را بما تفویض فرماید فنحن ندخل والله اهل الجنة بالجنة و اهل النار بالنار

پس

اشاره بتفصیل و نماز بدعت و اختراعی

پس سیغمبرا میاورند بوصف بربالبستان نزد عرش اللهی تا فارغ شوند از حساب خلایق چنین اهل بهشت در بهشت و اهل آتش در آتش قلمبند
پروردگار عزت مبعوث ستند علی ولاة ایشان را و منازل ایشان می سپارد و ایشان را تزویج مینماید پس کدام قسم که هم اهل بهشت تزویج کند غیر او
واداشت که اهل جهنم را با اهل آن سپارد و این مرتبه آل محمد سلام الله علیهم دارا میباشند این جبار حشمت تا جلال ایشان بالا از نهایات ایشان
اسرار اللهی ستند و نور حقای استوری طالعه از آفتاب منیر و کوه مضیئه چشمه های علوم معارف و مخزنهای کمالات و انتها که سلسله اخبار
در ادراک مرتبه جلال معرفت مقام و قدر ایشان را عقل انسیم عقلا جاهل و درک نموده دریای ملائکه و روحانیان ملاء اعلی قلیلی و کمی از و با آن
دیگر را آخذ اهیده انه پس ملائکه که مقربان درگاه اللهی ساکنان صوامع ملکوت و عبار باقیان محضر جبروت و متوطنان حظائر قدس و محافل
مجالس انس مستعد از اسرار معرفت آل محمد قاصر و عاجزند پس بسیار انسان البته خاکی را کی جای استعداد و دست رسی درک فهم
ادراک حال ایشان است چنانکه خود مولای متقیان در یکی از خطبه های خود بیان میفرماید در خصوص شخص امام در کلام طولانی

ظاهره امر لا یملک و باطنه غیب لا یدرک واحد دهره وخلیفة الله و ولی امره لا یوجد له مثل ولا یقوم له بدیل
فمن ذا یعرف معرفتنا او ینال درجتنا او یشهد کرامتنا او یدرک منزلتنا بعد میفرماید حارت الالباب والعقول
وتاهت الاوهام فیما اقول و در آخر میفرماید هل یعرف او یوصف او یعلم او یفهم شان من هو نقطة الوجود
وقطب الدائرات وسر الکائنات وشعاع جلال الکبریاء اجل مقام آل محمد عن وصف الواصفین ونعت
الناعتین وان یقاس بهم احد من العالمین فما ابتر الله الیه منهم فهم آیة من دونها کل آیة وما نعم الا هم
اولیاؤها فهم نعمه منهما ان کل نعمة پس وای بر حال ما مثلد پروردگار عالم ایشان را واسطه کل عوالم وایجاد عوالم قرار داد
آنان اینهم هو المراد ذکره انسان که همه وقوم شیطان ایشان را خوار و ذلیل واداشت و از ارث ظاهری و حقیقی رسانیده چنانکه
فاطمه الزهراء در این جهان خانه حزن انواع ظلم و اذیتها رسانیده خصوص این بزرگوار را انچه توانستند مضایقه نمودند
بحدیکه مظلومیت و شهادت سایر انبیاء که شکستگان و اوصیا و علما و جمیع فسادهای ماضیه یکنشه مردم و فراموش کردند
برای ظلمها و شهادت طاهره انچه روضه خوانان و کتب مقاتل همه و الله و اما ظلمهای باطنی بدتر و سختتر انکه در زمان عقیبت
و ایام ذلت شیعیان که زمان یتیمی و بی پرستاری و بی صاحبی عوض رحم و دستگیری یتیمان آل محمد ترک هر معروف آنکار
منفور الکفایان نمودند باسم مستحسن و ترویج بصورت و لباس علما رخنه و صدمه بر دین و ستون دین که نماز باشه ضایع
و پایمال مهجور و بی اصل و نسب نمایند بطوریکه در احیای آن دین که جوانان اهل بهشت سید الشهدا روحی و ارواح العالمین فداه جسد انور
اطهر حضرت برای اقامه نماز و احکام نماز بزیر سم اسبان کافران کوفه و شام فدای این دین و این نماز داد و دانسته و فهمیده که این
دین سالم بماند وشیر بجدا تاملی کن آیا روا است که بعد از اتمام همه ظلمها و شهادتها همه اوصیا و ائمه سلام الله علیهم اصحاب نماز
با قرائت موافق علم قرائت را از میان مردم کدام ظلمه برداشت از اشقیا یا یهود و نصاری یا از اصناف و الواط کدام این بدعت را بانی
شده این بدعت نمازهای باطل استحکام نیافت مگر از لاابالی و بی پروائی و عدم تامل در کلام و عدم ملاحظه نتایج کلام اکثر علما
معتبر حق ما از بیشماران بی علم قرائت که حق بخواد که سررشته علم قرائت نداشتند از تعلم و تحصیل آن عجب دکوشت و در عالم اصل
مانع شد عقبا بعلم قرائت نکرده و دیگران را نیز مثل حق خواستند باشاره و کنایه و لطایف عوام پسند در محافل و مجالس کار کنند تا بیان
بنای بدعتها اگر نکنم بنده حق در زمره بعضی طبقه عالم نمایان در دستر بعض منحرط و مسلک نمود و الی اصل در وقت سوال و جواب
از علم قرائت و نماز با قاعده علم قرائت که نمیدانستند کوچک کلمه میگفتند نمیدانم یا اینکه من قاری نیستم حکم خلاف ما ارسل الله
نتوانم داد این نماز بدعت اختراعی میان مردم استحکام یافت علم قرائت و قاریان ملعون و پیش حمد و سوره بر دانسته نمیدید
نتایج نمازهای اختراعی به این درجه مبتلا گشتیم از فسد العالم فسد العالم بان قحط و غلا و قتل و تاراج و آشوب سخت و بی کسی نمیدانستند
که سبب چه شده که همه بلاها پی در پی برسیم و هیچ قرینی ندارم که در حقیقت انواع بلاها برسیم چه باید بسندید الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر

[illegible]

در اصلاح و هدایت نفس اماره بصفات کمال

۲۰

مجملا مسلم خصوص موجب محبت خانواده محمدی که طبع انسانی با آل رسول اولا بار آشنا گردد و در تعلیم نماز حفظ از اعمال آن باکی دارد باشد قاری السبعه [illegible] را که میان علوم و اعمال و طاعات بمنزله نمک طعامست بدون نمک چه طور ضرب المثل است و وجودش لازم و اگر بقدر امکان هرکسی تحصیل از احوال آن نباشد لامحاله در رتبه ضلالت سرگردانست علاوه بر تخریب نماز تمامی نکاح و طلاق و اجاره و صیغ عقود و ایقاعاتش اختراعی غلط و باطل و دیگر حال نیست طعام هرگاه بی نمک باشد مقبول طبایع مستقیمه نخواهد شد چنانکه عقل کل خصوصا و حکم کورنشا کرده ابرای امت چون نمک که اخبار است خاص برای نفس ایشان تا بل حسنت سزاوار گردد بخصایص حبیبی بی حساب و همچنین سگ نفس اماره که نجس العین معروفست از لاهوت و رمای عاقل و منور بشوی اگر بیفتد هرگاه در نمکزار شریعت طاهره احمدی افکنی و با آداب و سنن محمدی ریاضت دهی با رسوم علم فرایض و احکام الهی از وجود اماره که عادت فطرت اوست طیب و طاهر و خلع صور اماره کی نماید بمرتبه نفس مطمئنه تواند رسید بحدیکه تمام نمک شده بعت شود الکاف زینبه سربر افتخار من اطاع الرسول فقد اطاع الله در جسمه الحیواة یعنی میرسد چنانکه گفته اند تا در شریعت احمدی محوطه و رسوخ نیابد حقیقت نرسی وجه دیگر آنکه نمک چندان که حلوا شود در طعام که دیگر حرم شد در وزن نیز زیادتی حاصل نماید چنانکه وجود احمدی در اب حدی بعالی شانه چنان که احادیث مقتضا لی مع الله حالات نحن هو و هو نحن فانی فی الله آمیخته که گفته ملبس که نفس شریعت و هستی مجاز را هیچ ورای محسوس نماند اشاره دیگر که ریحانه رسول خدا مظلوم کربلا چه جانان وجود و هستی در آب شریعت احمدی که آمیخت که در حق او میفرماید من زار الحسین عارفا بحقه فانما زار الله زیارت او را خداوند اعلی زیارت حق گرفته و جای او را وادی مقدس چنانچه قرار داد کلیم حق را هم فرمود که فاخلع نعلیک انک بالواد المقدس طوی چنانکه شیعیان در مسالک متابعت کلیم پای برهنه داخل کربلا او میشوند

وصل سیم ایضا در فضایل آل محمد صلوات الله علیهم

۱۲

قل لو کان البحر مدادا لکلمات ربی لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی و لو جئنا بمثله مددا در بحار از کتاب عتیق بعضی فدما از محمد بن [illegible] روایت میکند از صفوان جمال امیر المؤمنین از فقرات زیارت آنحضرت السلام علی نفس الله القائمة فیه بالسنن و عینه التی من عرفها یطمئن السلام علی اذن الله الواعیة فی الامم و یده الباسطة بالنعم و جنبه الذی من فرط فیه ندم اشهد انک مجازی الخلق و شافع للرزق و ظاهر است که مراد از نفس الله آنکه آن جناب از شدت عبادت و بندگی و طاعت جانان غرق دریای تقرب دانش و اکمال بود در قرب الهی متصف بصفات الله و آثار الوهیت و اقتدار فاض لعینه در او افاضه شده بود که در تصرفات در امور موجودات کائنه کارهای خدائی میکند و قایم مقام اوست مثل آنکه وزیر سلطان در حالت تقرب مختار کل است در مملکت سلطان و در عرف مجاز گویند که نفس پادشاه است از آنجمله در غزوه بصره در کتاب انیس السمر از جابر بن عبد الله انصاری روایت میکند که با امیر المؤمنین بودم در جنگ بصره که بمقدار هزار کس اجماع نموده بودند ندیدم منهزمی الا آنکه میافت بر مقتل علی و نه مجروحی الا آنکه میافت علی مر مجروح نموده مقتولی را مگر آنکه علی کشته بود و نبود در میمنه مگر آنکه صدیت علی را میشنیدم و نه در میسره مگر آنکه صدیت علی بود مرور کردم بطلحه بر حال مرگ او در زمین افتاده بود در سینه اش تیری بود گفتم ابن تیر را که بزد گفت علی ابن ابی طالب گفتم یا جند ابلیس و یا حزب شیطان علی بتی نمیاندازد در دست علی شمشیر بود گفت آیا نظر نکردی بعلی چگونه گاهی بهوا صعود میکند و گاهی در زمین فرو میرود و سر میزند از مشرق میانه و مره اخری از جانب مغرب و بار دیگر مشارق و مغارب پیش روی خود یکی نموده سوار تمیکرد مگر به نیزه او میچرخید و نمیرسید بامده مگر آنکه مقتول او میشد و بر دو میافتاد من تعجب کردم از قول او و کلام او تعجب از او و از اسرار امیر المؤمنین معجزات باهره آنحضرت موافق است با حدیث مقداد بن اسود در جنگ خندق با عمرو بن عبدود بهمین اسلوب صریح است در ظهور آنحضرت در هر صورتی و مثالی که خواسته باشد اتفاق است باینکه مروان بن حکم تیر زد بطلحه ولکن چون طلحه را موت حاضر شده بود آنوقت پرده از پیش چشم او برداشته شد فکشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم

در تعظیم و توقیر علمای عاملین فرقه اثنی عشریه

حدید کافی آیة الشریفه پس مشاهده نمود که رامی در حقیقت علی (ع) است لکن در صورت مروان بن الحکم جلوه نمود بسبب قضاء قابلیت

طالحه زیرا که افعال بتوسط مرتبه با اسباب متعلقه بمعقولات حسب اقتضای قوابل چنانکه ظاهر ملبس بصورت رضوان خازن جنان

با حسن صورت که مقتضی رحمت و نعمت است و ظاهر ملبس بصورت مالک جهنم با قبح صور که مقتضی عذاب است و چنانکه ظاهر میشود

با حسن صور برای اولیای خود و با حسن صور برای اعدا که مقتضی حب و بغض است چنانکه نور آفتاب ظاهر میشود بحسب قابلیت مختلفه

از شیشه سرخ و زرد و سفید و آبی برنگ آن شیشه و عارف نیز همان نور آفتاب را می بیند و لیکن بواسطه شیشه مختلف الالوان طالحه نیز

چون حال نزع بود کشف غطا بود مروان را ندید بلکه همان علی (ع) که حقیقت نور ولایت است دید در ضمن مثال و صورت شیشه

مروانی چنانکه حضرت ملک الموت در آن واحد نسبت بجمیع مخلوقات شرق و غرب از سعیده و شقی قبض روح ایشان مینماید

سعداء را بصورت نیکو و اشقیا را بصورت مهیبه و از اینجا واضح شد که سر آنکه آنجناب در لیلة وجهه در آن واحد در چهل خانه مهمانی

حاضر بود پس عجب در آنست که مظلوم کربلا امام حسین (ع) مورد [illegible] در مدت ساعتی صد هزار کافر را تعاقب نموده و زیاده از صد هزار

از ایشان با ملاحظه ضعفاء دست ایشان که شیعه مؤمن داشته باشند رعایت فرموده در همانحال در صحرای هند دستگیری

پادشاه انگلیس که قیس نام بود بعزم شکار رفته از سپاه خود جدا شده در صحرای بی آب و علف مبتلا شده لطمه شیر درنده دستگیری

با امام عصر نمود که مظلوم کربلا با همه آن گرفتاریها که داشت و غصه اهلبیت و اهل آن پاره پاره شده بود همه و با بدن مجروح از دور لشکر

از کربلا متوجه او شده پادشاه مشاهده بدن و جراحت خونین آنحضرت دید و بعد بپارس رسیده از دست شیر خلاصی داده چنانکه از

۸۲

سر مبارک آنجناب عجایب و معجزات و کرامات که در بالای نیزه و در مجلس ابن زیاد و فی الفور در کربلا الحاق ببدن و در محضر ملائکه رضوان

در نزول صد [illegible] و [illegible] در امکنه مختلفه چون سر مبارک بموافق اخبار در مصر مسقط الراس (ع) روایت در شام و کوفه مع اختلاف

و مدفون بودن بنابر مذهب شیعه و اصل چون اخبار رجوع اهلبیت و [illegible] جمع کثیر بمذهب حقه با اختلاف احوال معروف است ان شاء الله العالم

فصل چهاردهم در اشاره بتعظیم و توقیر علمای عاملین که اهل طبقه هشتم میباشند و فضایل و اوصاف ایشان

و فضایل علمای عاملین
اهانت ضرر [illegible]

قال الله تعالی انما یخشی الله من عباده العلماء و قال النبی صلی الله علیه و آله علماء امتی کالانبیاء بنی اسرائیل عموم تشبیه مقتضی

آنست که تعظیم و توقیر چنانکه انبیاء بنی اسرائیل حیا و میتا لازم است همچنین تعظیم و توقیر علما هست در هر زمان لازم است

حیا و میتا و قال (ع) من اکرم عالما فقد اکرمنی و من اکرمنی فقد اکرم الله فمصیره الی الجنة و من اهان عالما فقد

اهاننی و من اهاننی فقد اهان الله و من اهان الله فمصیره الی النار پس از این خبر ظاهر میشود حرام علما و در بعضی

اخبار من اهان ولیا و در بعضی اخبار من استذل عبدی المؤمن فقد بارزنی بالمحاربه و واضح است که اعزاز و تعظیم انبیاء از

جهة آنست که محل علوم شرعیه میباشند و بر اذیت ایشان عقاب در علما نیز موجود است این معنی بدرجه حد ثبوت رسیده چنانکه مکرر

مشاهده شده حتی بانبیاء نیز حکایت کن رسیده ثعلبی از ارباب سیر روایت کرده که حضرت ابراهیم خلیل الله که از شام بمصر تشریف فرموده در مصر

طوق ارادت او بگردن بستند پس وقت رجوع او بشام زهاد و عباد و علماء مصر بمتابعت خلیل الله بیرون آمده بسلسله ارادت داشتند از

چهار فرسخ راه با پای برهنه رفتار رفتند بمتابعت خلیل وقت وداع و انقطاع سخن از ایشان از مرکب فرود نیامد و این

حرکت ناپسند الهی شد و خطاب عتاب آمیز از جناب اقدس اله رسید یا ابراهیم خاصان حضرت ما که باخلاص در ارادت تو

کوشیده چاره راه پشتی و چنان بند اشتیاق ما از تو انتقام نکشیم دانسته باش که بترک این احترام از ایشان که از مرکب فرود نیامدی

یکی از فرزندان تو را در این شهر بذلت و خواری بنده کنیم مبتلا سازیم که سالها در زندان بدارم او را و از این حدیث واضح شد

که از جمله اسباب رقیت یوسف (ع) انتقام سبک داشتن خلیل الرحمن است علما را مقربان حضرت الله که معارض عالمان

و این است که در صورت علما و دوستان و در خانه نشستن عالین منافقی و تخریب این برای عدم عاقبت بینی کلام فساد کار در عالم

به بحث و بطلان سوار کردن و ترویج بدعت با اسم جناب شریعت که در این جهل مذهب و از بدعت و فساد نماز بجای فرق [illegible] پسند

در تعظیم علمای عاملین و ذم عالمان محب دنیا

۲۷

روایت مجلسی از علی بن ابراهیم ابن دفعه اهانت در وقتی بود که حضرت یوسف با پدر و برادران در مصر ملاقی شده که بر تخت سلطنت
نشسته ملوک آفاق کمر ملازمت بسته و لباس عزت پوشیده پدر و برادران داخل شده با و سجده کردند گفت خداوند تعالی
رو با ... از جا حرکت برای تعظیم یعقوب برنخواست شاید سری داشت که از کثرت شغف نبود نداشته باشد مع ذلک جبرئیل نازل
گشت با یوسف دستهای خود را بگشا بیرون آور چون دستها بیرون آورد از میان انگشتان او نوری بیرون رفت گفت یا جبرئیل
این چه نور بود گفت نور نبوت بود که خدا از صلب تو بیرون کرد بجهت عدم تعظیم پدر که برنخواستی در فرزندان برادرت لاوی
قرار داد برای آنکه چون خواستند یوسف را بکشند لاوی مانع شده بود برعایت صله رحم پیغمبران بنی اسرائیل همه از فرزندان
لاوی بوده حضرت موسی نیز از فرزندان او بود از اسلوب اخبار چنان مستفاد و ملحوظ که ملوک و امرا و اشراف برای علمای
امت مرحومه از مرکب فرود نمی آیند و برای ایشان در وقت ورود مجلس حرکت و تواضع و انکسار نمیکنند عنقریب از نسل
ایشان سلب عزت و سلطنت ... ذلت وارد گشت چنانکه بر نسل حضرت خلیل الرحمن چون حضرت یوسف رسید ذلت آمده که
بواسطه پیاده رفتن در رکاب خلیل الله که حامل ودیعه علوم ربانی و قرب حضرت سبحان بوده و امنای انبیا و امامان بوده‌اند وارث
چنانکه خاتم انبیا فرموده انا و علی ابوا هذه الامة و حدیث العلماء ورثة الانبیاء [illegible] حکایت است که سلطان
محمود سبکتکین در سه چیز شبهه داشت یکی آنکه پسر سبکتکین باشد دوم آنکه وقوع قیامت سیم حدیث العلماء ورثة الانبیاء آیا
در آگاهی با این خیال بود تا روزی از شکار مراجعت کرد از جوی ... شخصی به دکان بقالی که نزدیک آید و گاه عقب
میرفت چون نزدیک رسید دید طلبه از فقر و فاقه کتاب در دست و قندیل بقال ... نزد چراغ او کتاب نگاه کند در وقت ایمان
مشتری عقب میرفت که مانع ... سلطان از فقر طلبه متاثر شده بعد از رفتن منزل چند اشرفی برای آن طلبه فرستاد در همان
شب در خواب رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت فرمود یا ابن سبکتکین عزک الله فی الدارین کما عززت وارثی باین کلام شریف جواب
هر سه شبهها و اشکالها را داد [illegible] نیز محقق است هر سلطان و حاکمی که در باب علمای حقانی ... سلب دولت و حکومت ظاهر شده
منقطع و ذلیل گردیده است و معلوم است که برای نظم امور دین و دنیا ... کان خدا ... طایفه باعث ... باشند که باستراحت دیگر
که راهنما برای ارشاد احکام دین علمای عاملین که ... مقصود الهی خدا شناسی و طاعت است بوجه انما یخشی الله من عباده
العلماء و بعبارة اخری برای محافظت در بنه این رمه اسلام و اهالی ... شبان لازم است تا از گرگان شیاطین جن و انس و
نطقهای بد و توابع شیطان و محرابهای دین که در قرآن چه قدر آیاتیکه ... مولف ... آن آیات را در این محل ذکر خواهم
نمود که در دوران شریعت و محرابهای دین از بعضی طایفه علما که صورت و لباس حق پرستی و باسم ترویج و احیای دین عالم الصورت
با اعمال خوب و لباس و صورت خوب برای ... و بایمان بودن و ... شجره طیبه اصل دین و ستون رکن اعظم دین که نماز است
بعد از توحید و نبوت و امامت ... عوض نماز خدا و رسول ... نماز یک مشتمل بر چهار هزار مسئله با ... هزار مسئله واجب ...
و اشاره بوجوبات ... مسائل ... در این محل ... در باب چهار هزار مسئله مجتهدین و ارکان دین عمر ها نهاده ... در بیان ...
... بجهل و ... سال ... برای ... شکل و صورت و صحت ... ظاهر نماز ... عوض ...
بنا بر باطل ... که ... چنان ... که ... قرائت و جماعت و قاریان ... نماز
بر کرسی ... مستقر و مستحکم ... که دیگر تعلیم و تعلم نماز ... بطریق احتیاط ... مسئل حرام ... بقصور نماید
و اگر ... که از ... مشغول بتعلیم نماز و تصحیح حمد و سوره ... نماید تعجب ... که ... گردان
و ... ایام جاهلیت ... تعجب و استهزاء و ملامت نماید ... ایشان ... نماید ... و
بنا ... لعن و طعن نماید ... در مقابل امیر المومنین و امام حسن ... فساد و فتنه ... غصب
و لایت و خلافت و دشمنی ... امیر المومنین ... ایشان باسم و رسم دشمنی ... قاعده ... دشمنی ...
بی قاعده حرکت ... دشمنی ... و محرابهای ... دین ... بالصورت ... و لباس حق پرستی نماز و قرائت و علم ... بنا بر باطل

عوض

فصل پنجم

۸۴

فصل ... در ... علمای ... [illegible]

اشاره به وجه فضیلت علمای عاملین و غیر عاملین

عوض بدل نام اسم و صورت دوستی و ترویج دین و نام اسم محبت و دوستی امیر المؤمنین و خاتم النبیین که عمل منافق است میشوند بمقتضای دشمنی که نه قاعده دوستی و نه رسم دشمنی است محل تعجب اینست که خداوند بواسطه لاابالی و مساهله چشم بصیرت را از کور برای دلخواه و اسکات خوف عوام و استخفاف قرائت و تحقیر نماز میکوبند بسیار احتیاط میکنند تمیز حروف در قرائت نماز و مجزیت اگر یک کلمه میگفتند من نمیدانم مورد اینهمه ملامت و دشمنی با صاحب شرع و دین میکردند نماز صحیح عوض بنماز اختراعی نمیکردند تا قیامت سبب این بحث سخت بر ذمه نمیکرفتند اینست که مستقبلین علما و بیشتر ال محتاج نماز صورت و صحیح شکل اگر نداردند حاضرند کالشمس فی رابعة النهار در دار العلم خراسان حاضرند اگر در علم قرائت خبر ندارید وضو این ردسیا نیست تا برای اهالی بلاد دیگر چه رسد و اما روح نماز که خوف و خشیت و حضور دل است بکلی حذف کرده اند و از کتب علما محقق است که علمای عاملین صدارتش بجهت حفظ دین مؤمنان و حفظ شریعت از ارکان و شیاطین و اتباع شیاطین و مفسدین ادیان باطله و فرق عالیه و صوفیه و غیرها از صراط مستقیم شرع و دین منحرف نباید داشته در رسوم شریعت که برکات و مقابلات جهادیه انبیا و اولیا بر قرار و محفوظ است هر لحظه رنگی در دین دیگر تغییر و میدهند مضمحل مینمایند بلکه ارزش و قدم سلاطین برای محافظت ایمان و نظم معاش و اسعد کل بلاد از ارکان فساد و اشرار و اهل طغیان خداوند هر طایفه را حفظ فرماید فلهذا احترام علمای عاملین بر سلاطین لازم است تا رایات سلطنت حقه شان بر صاحب استقرار فرماید و اما منت علما سبب تفرقه ذلت سلاطین لا محاله خواهد شد علما و وراث انبیا هم در ولایت عامه خلق و هم ابوت معنوی هم شفاعت چنانچه در حدیث شریف است ثلثة یشفعون للشفاعة الانبیاء ثم العلماء ثم الشهداء و مقام علما مقدم بر شهدا و نیز ملک در حدیث دیگر فرموده مداد العلماء افضل من دماء الشهداء زیرا که مداد علما باقی است الی یوم القیمه فیض عمومی دارد و مردم دین حق را بکتب علما در سر خود میدهند و عالم حقیقی بمنزله پیغمبر آخر زمانست که همه خلق و ملائکه و انبیا از انتخاب تعلم معارف دین و طاعات بهره مند نه عالم لاابالی که عمل اکبر این مطلب کار بجای رسانیده که نماز ستون دین را عوض و بدل بنماز بدعت اختراعی نموده که هر فرد از افراد علما معنی اختراعی نماز را اگر با قاعده علم قرائت بدون مخارج و ادای حروف بیک ترتیب و نظم ادای کلمات میکردند چنانکه اذان گفتن و نماز و قرائت قرآن اهالی سنت و جماعت با وجود اینکه چهار مذهب و چهار فرقه هستند کلاً بیک قاعده و بیک نظم و بیک ادا و بهوای خود مینمایند اگر چه از اهل بلاد و علاقه باشند مثل نظم اذان و قرائت اهالی اسلامبول و شام و حلب و حماه و حمص و ملاطیه و اسکندریه و مصر و شام و مدینه و انطاکیه و اطراف آنها و سنیان بلاد دیگر و تکلم و توابع آنها در یک رسم داده اند که گویا همه شاگرد یک معلمند در وقت ملاقات تعجب میکردم بعد از تامل بسیار دانستم که این میزان و اندازه بواسطه تعلیم و تعلم از استادان کامل و زیارت مباحثه بخلاف علما و طلاب شیعه که هر یکی بسلیقه و استنباط خود قرائت ساز و بدعت تراشی از خود در علم و فضل و خاطر جمعی بطور دیگر اجتهاد دارند که ماشاء الله مستنبط و در افراط یا در تفریط و الله و سر که آن در نزد اهل قرائت و علم قرائت و آداب آن بصحت و اتکال و اعتبار بکلمه مشکل مجتهدین که تمیز حروف باشد و یا رسم اهل لسان کافی است ولیکن دیگر ندارند و حال آنکه دانستن تمیز حروف در رسم اهل لسان برای کسانی بکار آید کامل در علم قرائت باشد در وجوب آن از سنت آن و در سبطلات آن از مکروه و جوار از محسنات قرائت تمیز و تشخیص داده اند علمی را مشیط و مشیط صحت قرائت گفته اند و حال آنکه این علم از اساتید فنه بابه نه از عالم و بیشتر بلکه خلاف ما انزل الله و اجرای علمیکه از کسی برسیده نمیداند فتوی صحت و فساد از کجا بیاورد خداوند فرموده فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون بالبینات والزبر بلکه قرآن و کتاب و تامل و تحقیق و فهم و کمالات هوای نفس خود در علم دیگر و یا بواسطه معصوم نبودن و علم له فی الحقیقه عالم اگر هر قدر علم دهد در راه رفتن حق جز راه از مقصود خواهد افتاد خداوند فرموده و لا تقف ما لیس لک به علم قاریان و علم قرائت مطلع بعزو فضل و کمال حق و حقوق حقه از اهالی بهشت طبقات جهنم قرار داده بتدریج در صورت علمای عاملین تا کجا رسانیده که مستقبلین از علما و بیشتران حالیه محتاج نماز مسقط هستند که حاضرند و کس سررشته قرائت ندارند با جمله صحت نماز معنی و قبلک نماز خود را و خرابی از اهلش نمانده از صاحب عامه و اگر نماز خراب و اختراعی بیند چرا کم حدیث شریف اذا فسد العالم فسد العالم و خرابی عالم است و نماز نماز بدعت چرا معنی آیه شریفه مصداق نمیشود ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر اگر قلیلی هستند از علمای عاملین النادر کالمعدوم

فصل در علمای عامل

اشاره بعلمای عاملین و علائم خاصه آنها

۲۹

قال النبی صلی الله علیه وآله مثل اهل بیتی کمثل سفینة نوح من رکبها نجی ومن تخلف عنها غرق چنانکه کشتی چند چیز لازم است در وقت سوار شدن همچنین
برای دریای ایمان خواهی بکشتی طاعت اهل بیت نشینی تا از مهالک دنیا و آخرت نجات یابی در سند تشیع و محبت ائمه همین لوازم کشتی
آماده و مهیا نمائی چنانکه در کشتی جسمانی چهار چیز لازم است ناخدا کشتی بان لنگر و بادبان و توشه که بدون اینها نتوان نشست همچنین برای
کشتی ایمان ناخدا عقل است بدون عقل که حاکم و حاکم موافق احکام قرآن باشد لازم است حساب کتاب و هر عقل با قرآن
موافق باشد والا شیطانست دوم لنگر او صبر است سیم بادبان توکل است چهارم توشه تقوی والا به [illegible]
خواص و تفصیل نتایج هر یک در جای خود مذکور است که در [illegible] و تشریح هیکل [illegible] یعنی مدعیان ایمان موفق بدانستن عیوب خود
و اصلاح آن [illegible] چیزیکه از نعم نامتناهی انسانی ملتفت باشد دانستن عیوب خود و باصلاح عیوب خود پرداختن است نه عیب دیگران
که عیب جوئی دیگران معارض و مرض بزرگیست مقصود ما [illegible] دکر [illegible] غلط خوانی نماز است که بسیاری از اول طفولیت ابتدای
تا حال درس اصول و فقه درس علم قرائت و حمد و سوره و نماز قاری [illegible] احتیاطی است در تمام بلاد ایشان که [illegible] رسم طلاب علمای ما
و محبت بمعارض ایشان بعد از تحصیل خارج نیز با حمد و سوره غلط مبطل نماز [illegible] اگر اثبات خواهی از صد نفر
عالم [illegible] تعلم دارم [illegible] نماز مسقط قضا [illegible] باین درجه [illegible] ایشان [illegible] چه جای
[illegible] تکرار نماز بعبث [illegible] است اگرچه برای عادت معصیتی که قبح آن برداشته شده [illegible]
خواهند [illegible] دارد چهل سال است نماز بعبث مغلوط [illegible] مستقر شده [illegible] اعظم دین نماز را تعلیم و تعلم و علم قرائت
چه قدر عجیبه و غریبه [illegible] مردم از آموختن آن عار دارند [illegible] از بدعت دست [illegible] و اگر کسی باشد [illegible] از عوام [illegible] ملتفت علما و طلاب
نا خوانده حمد و سوره در نماز [illegible] کامل [illegible] سبحان الله غیر از معصوم کدام [illegible] کافر معتقد ملتفت بوجوه علمیه نخوانده [illegible]
علوم باشد که بفهم و عقل و خواندن عبارت نباشد محتاج شنیدن از ادا و زبان استاد کامل باشد خذ العلم من افواه الرجال [illegible]
پس وقتیکه [illegible] شیطانی معصیتی ملکه و عادت شد باین نوع کلمات [illegible] والذین فی قلوبهم مرض
فزادهم الله مرضا ولهم عذاب الیم و اما علمای عاملین که [illegible] طبقات و اقسام علمای ناجی هستند علامت [illegible]
[illegible] علم قرائت [illegible] از خوف خالق و عذاب [illegible] جهنم و خوف [illegible]
و در نظر [illegible] با عدل و داد و در صحت و فساد و اعمال خود [illegible] المجتهدین [illegible] شیخ مرتضی انصاری
[illegible] از همه علوم و قرائت [illegible] اجتهاد است [illegible] و در هر [illegible]
[illegible] اگر [illegible] حال [illegible] علم قرائت [illegible] نماز [illegible]
عقل کل [illegible] صحت [illegible] نماز و دیگران [illegible] حکم خلاف ما انزل الله جاری [illegible] والتقصیر [illegible] علم
والحاصل علمای عاملین [illegible] بعد از مرتبه نبوت و امامت [illegible] و ائمه سلام الله علیهم [illegible]
و بعد از اصحاب دین اصل و اساس دین و ایمان نماز است بلکه بدون نماز توحید و نبوت و امامت و معاد [illegible] فایده [illegible]
و [illegible] و استحکام ارکان و [illegible] نماز و متعلقات نماز [illegible] خاتم الانبیاء [illegible] مظلوم کربلا برای استحکام نماز و احکام نماز [illegible]
رسیده [illegible] چنان [illegible] اهل بیت [illegible] و دلیل [illegible] مردم [illegible] که از نماز [illegible]
باب [illegible] شرع [illegible] در لباس علما [illegible] و اثبات کفر [illegible] دلیل قرآن و حدیث انشاءالله [illegible] بلفظ اطلاق
عدم [illegible] طبقه [illegible] فرقه [illegible] طبقه جهنم [illegible] جمهور [illegible] معلوم
[illegible]
ملتفت و نماز [illegible] بهتر از [illegible] قلب [illegible] نقره و طلا [illegible] و طلا [illegible] هزار بار [illegible]
طلا و نقره چنانکه [illegible] اصلیه و [illegible] صفات [illegible] طلا و نقره [illegible] و مبطل
[illegible] صفات [illegible] صفات [illegible]
باید [illegible]

اشاره باثبات فرقه از علمای مجربین علمای باعمل گرد

۳۰

باید بداند تا صرافت و وقار و تمیز ادای کلمات بفهمد و صحت خبری داشته باشد موافق تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام در باب وجوب غالی از
حضرت امام الائمه علی بن موسی الرضا سوال کرده که حضرت متغیر شده بیشتر و بعد آن حضرت از آن در رد غالیان فرمود بخواطرم آورد
قول رسول خدا و قول امیر المؤمنین و قول علی بن الحسین زین العابدین ع در نقل نمایم اشاره بانکه تا بدانی اقوال کرده غالی که اهل فساد اند
اما قول رسول خدا آنکه عدم خبر داد از هر حرف از حد حرف تا از رسول خدا و صحابه علما اند در کل مخلصان و برگزیده کا کرده و مفهوم و ما حصل کلام
طولانی این است که العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء تا مراتب نبوت و امامت پس اگر علما لب به بیان آن علم از بهر
بعضی طالبان علم باشند خاص دنیا و اهل دنیا اخذ نماینده در عرض اهل بیان موزه هست که عالم از اهل بیان آموخت از غیر اهل
بعضی علوم و اعمال و مضایقه و سطور باید نمود در میان اهل عرف معروف است تیغ بدست نااهل دادن ضرایب عالم ملتفت برده کان حد از ظلم
بعد فرموده مردم دنیا دوست بواسطه علم بزرگی و ریاست جاهلانه برسند صاحبان مناصب و مقامات شده فتوی میدهند بغیر حق بعلم
سوال کرده شوند از جاهل و گمراه پس گمراه ضال نماینده مردم مراد اما قول امیر المؤمنین آنست که اگر و شیعیان ما آنان که منتجید
حوسبی ماسو سیر میزید از اصحاب رای برای آنکه ایشان دشمنان سنتها بگریزید گمان رشد از اصحاب رای دیر حفظ لازم از بر
احادیث بشکل حفظ و ضبط نمود جسته نمود ایشان را که آورد و نگاه دارند آنست و بعض علما نماینده پس گردانیده بندگان خدا
غلامان و کنیزان و خدمتکار و مال حق و مال دولت و ملت جمع کرده پس و لیکن دوستی بر ایشان کرده صاحب عقوبت
ایشان را اشخاص و حب سلکها شیعه حقوق مردم بخورد و دشمنی کرده با اهل حق و شبیه و شکل و صورت ائمه صادقین شده
در صورت خوب و لباس روش اهل حق و حال آنکه جهل و فسق و دنیا و نه معارضه با دین و اهل دین نماینده تعصب و عقیده
حقوق شان پس باطن ایشان فاسق و ظالم مسخ و سعی شده اند و اما قول حضرت علی بن الحسین بر کاه دیده آمد و
که نیکو است علایم و سیر و سلوکش و بطریق نرم و نازک گفتار و منطق و در دمتی و با خضوع و خشوع در تمام حرکات او پس
فریفته البته نشوید و صورتش با ملتفت که عاجز نماید او و تناول دنیا در کوب و محارم دنیا یعنی تصرف کند برای عدم
قدرت و توانایی و سستی و ترس قلب و عدم جسارت او که او آرام است برای عجز پس رنج ملک شده حق و اهل دین تصور نماید
بلکه حق هم ملاحظه به تحقیق حق و برضای محمدی بر گشت لباس در تولیه ما [illegible] عبادت نماید و به سلیقه حق
خورسند و اسباب تقدس و دنیا عنایت قرار دهد در رنج و تعب و شکل مختصر حقوق بر حق گوارا میدانه راضی بر [illegible]
و ذلت ملتفت بلا بدی و لا علاجی و عدم اقبال دنیوی برای دام و شکار اهل دنیا و متعلقات دنیا مولف [illegible]
سخت گیری اعرابی تا در عوض و مقابل فقر و فاقه و بذل و عطا نفس کل لنگر نهی و آسان امر نمونه و قرب حرام
قبل از رسیدن بخانه حضرت حق دنیا به حرف حرام میکر و [illegible] مراتب [illegible] پس حضرت و فرمود همه حیله و مکر نماید پس اگر تمکن
یافت داخل خواهد شد پس اگر یافتید او که از مال حرام اجتناب تمام دارد باز فریفته او نشوید برای آنکه خواهش مردم مختلف است
باشد که گاهی دوری و کمی نماید از حرام اگر چه بسیار باشد و چنین دیده زنان و لواط میل نماید باز فریفته شوید و آشنایی او تا آنکه بدانید
که میل و خواهش او به اسباب آنست که ترک نماید همه آنها را از طرف معاصی و اعمال و افعال طاعات رجوع بعقل [illegible]
پس ملتفت شوند صنایع و نجز نماید برای نادانی و حماقت حق بیشتر از آنکه باصلاح آورد از آنچه برای خودش پس بعد از آنکه یافتید
عقل او نیز سالم و متانت بار غفلت بکشد آهستگی و ملایمت و مهم او البته تا نظر کنید بهوا و هوس او که با عقل او [illegible]
تا اینکه عقل او بصیر و مراد و هوس باشد چگونه است محبت او بانواع ریاستهای باطله و چگونه است زهد او در این دنیا که [illegible]
ترک نموده حرّ الدنیا والآخره نباشد برای ترک دنیا از آن باشد که ترک الدنیا للدنیا باشد و متعلقات دنیا و دوست دارد و چنان
پندارد که لذت ریاست باطله افضل است از دنیا همه اموال و حریم اسلام لازم کند لله فی الله نباشد که کارهای ایشان بصیرت و عاقبت
اندیشی نباشد چنین عالمان دیندار ان که گفته ایها الناس کم حرف کافی است در قرائت با امثال این کلمات که [illegible] مردم

و علمای [illegible] عالمان [illegible]

۸۷

اشاره بانواع بلایای قوم حضرت موسی ع ۳۱

بنا بر غلط به جهت حرص و رغبت نموده بعدم عاقبت اندیشی کلام خوش عوام بلا ابالی و بی اعتنا حفظ بر نماز که کار خود و مردم را خیلی
که بهین خراب و ضایع کرده و حال آنکه در سایر مسایل احتیاط نماز که واجب است کمال موشکافی و دقت فلسفه دارند که برای اظهار تقدس نفل
در مسایل احتیاط سنجه چندان مصر و مبرم هستند که عوام مکررات و جوب لازم دانسته دلیل نماز و قرائت طمأنینه حفظ و ابرا
سیاد و نیاورند چنانکه اکثر علما بسیار از آنها در قرائت مسقط قضا نبینیم که گویا در عمر حرف یکدرست و قرائت نبیند بعضی تعلیم تمام
باعتبار و طرامیت در حجر و خلوت فرود آییم باز غلط میخوانند برای آنکه مشق و ملکه و عادت بر غلط کرده است مذاکره نموده است
قوة دین هم نمانده که مذاکره و خوف خدا مانع از فراموشی شود پس در حضرت و محضر ایشان جهنم است که کار از آن
ببصیرة و عاقبت اندیشی نیست پس حلال را حرام و حرام را حلال نمایند که کم همت مملکت که از برای خلاف فرمان الهی
عمل نمایند باریاست شقاوت و سیره بردارد جماعتی هستند که خدا لعنت کرده است ایشان را در برای ایشان است عذاب خوار و ذلیل کننده پس
مرد مردانه کسی است که هوا و هوس خود را تابع عقل و قرآن و امر الهی نماید و در راه رضای خالق بینا و عمل و ساعی باشد مؤلف گوید
اگرچه در زوال شرع و دین که صاحبان سواد و کمالی در کج و کجرو و کریهان دیگر و درست دانسته اند کمالست هر است و درشته بعد از عادة کمالست حرام
زیرا که طور که الا آنکه مشیت الله متعلق کرده و بعد از غلبه ظلمت فسق و به جهت کدار و معکوس شدن قلب و دل اشکال مشیة الله متعلق کرده
مناسب حدیث مذکور که حضرت آیه شریفه است و نقلب افئدتهم و ابصارهم کما لم یؤمنوا به اول مرة و لو اننا نزلنا الیهم الملائکة
و کلمهم الموتی و حشرنا علیهم کل شیء قبلا ما کانوا لیؤمنوا الا ان یشاء الله و لکن اکثرهم یجهلون و کذلک جعلنا لکل
نبی عدوا شیاطین الانس و الجن یوحی بعضهم الی بعض زخرف القول غرورا و عن الصادق من لم یجعل الله له من اهل الحق
فاولئک شیاطین الانس و الجن و عن الباقر ع فی معنی نقلب فی اول آیه یعنی نقلب قلوبهم اعلاها اسفلها و اسفلها اعلاها و الصادق یقول
قال ع ان اول ما یقلب لسانهم لم یعرف قلبه معروفا و لم ینکر منکرا فنکس قلبه اعلاه اسفل و اسفله اعلاه فلم یقبل خیرا ابدا ازین ۹۸
آیات بشارت که خدا از هزار سال قبل کاتم الانبیا خبر داده عجب تر آنکه این همه خرابی دین خاتم النبیین ترویج دادن کرده مسمانه
که از کتب خاتم الانبیا و سیر در او صیا بدتر و قبیح تر است استخفاف نماز و احکام نماز است که در احیای نماز و احکام نماز چه قدر زحمات کشیده بعد از آن
و سه کلمه روی آورده و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله بغیر علم و یتخذها هزوا اولئک لهم عذاب الیم هر روز در قرآن میخوانند و الهاء
بحرف ترویج نام رسانه چه قدر کور باطنی لازم است و در سوره اعراف از تفسیر صافی در آیه خبر میدهد قال یا موسی انی اصطفیتک علی الناس
برسالاتی و بکلامی فخذ ما آتیتک و کن من الشاکرین و کتبنا له فی الالواح من کل شیء موعظة و تفصیلا لکل شیء فخذها بقوة و امر
قومک یاخذوا باحسنها ساریکم دار الفاسقین عن الصادق ان الله عز و جل لما انزل الالواح علی موسی ع انزلها علیه و فیها
تبیان کل شیء کان او یکون الی ان تقوم الساعة فلما انقضت ایام موسی اوحی الله الیه ان استودع الالواح و هی زبرجد
من الجنة فاتی موسی ع جبلا یقال له زینة فانشق الجبل فجعل فیه الالواح ملفوفة لعدم وجود صاحب الاستحقاق فلما
جعلها فیه انطبق الجبل علیها فلم تزل فی الجبل حتی بعث الله نبیه محمد ص فاقبل رکب من الیمن یریدون الرسول فلما انتهوا الی
الجبل تفرج الجبل و خرجت الالواح ملفوفة کما وضعها موسی فاخذها القوم فلما وقعت فی ایدیهم القی فی قلوبهم ان لا ینظروا
الیها و هابوها حتی یاتوا بها رسول الله فانزل جبرئیل علی نبیه فاخبره بامر القوم فلما قدموا علی النبی ص ابتدأهم فسألهم
عما وجدوا فقالوا و ما علمک بما وجدنا قال اخبرنی به ربی و هو الالواح قالوا نشهد انک لرسول الله فوضعها الیه
الیها و کانت بالعبرانی ثم دعا امیر المؤمنین فقال هذه فیها علم الاولین و الآخرین و هی الواح موسی و قد امرنی
ربی ان ادفعها الیک فقال لست احسن قرائتها قال ان جبرئیل امرنی ان آمرک ان تضعها تحت راسک لیلتک هذه
فانک تصبح و قد علمت قرائتها قال فجعلها تحت راسه فاصبح و قد علمه الله کل شیء فیها فامره رسول الله بنسخها فنسخها
فنسخها فی جلد و هو الجفر و فیه علم الاولین و الآخرین و هو عندنا و الالواح عندنا و عصا موسی عندنا و نحن ورثنا النبیین
بس

اشاره بلزوم علم قرائت برای علمای خود

۳ ۲

پس ازین تفصیل نیز محقق منقح علیه [illegible] تا [illegible] که رسید ابن الراعی فساد و تغییر نماز در دین و مذهب [illegible] مستعمل است [illegible]

فرعونی و شریح قاضی بودند و ابن زیاد [illegible] که مواقف اخبار معتبره [illegible] مشهور فقها نیز که ستخف بالصلوة با فرعون [illegible]

محشور در یک [illegible] دارند و گرفتار قحط و غلا و گرانی و برداشته شدن برکت [illegible] در اموال [illegible]

[illegible] که ام استخفاف نماز است و اعظم از آن است که عوض بدل [illegible] نماز غلط [illegible] بواسطه علما [illegible] معتبر [illegible]

از صد نفر فاضل معتبر [illegible] ده نفر [illegible] بتحقیق نماز مسقط قضا [illegible] در دار العلم [illegible] مقدس تا نماز [illegible]

احتیاطی چه رسد در حال آنکه اول درجه نماز مسقط قضا مخصوص [illegible] در حال [illegible] است که قادر نباشند [illegible]

لازم است احتیاطی برسیدن علم قرائت و میزان و مکیال آن بیاموزند تا تمیز صحت و بطلان و استحباب و کراهت [illegible]

[illegible] آنکه در مسائل نماز کمال احتیاط را بعوام صرف چنان تا کید [illegible] واجبات بلکه [illegible] تفصیل [illegible]

[illegible] فلسفه اظهار تقدس و علم و تضییع اوقات عوام را بعوض واجب [illegible] نمایند که از تعلم [illegible] حمد و سوره

[illegible] نماینه حمد و سوره [illegible] نماز [illegible] در حد غلط و بدعت [illegible] طایفه [illegible] منابر و مجالس [illegible]

در قرائت نماز تمیز حروف کافی است یعنی قاریان و علم قرائت لازم نیست [illegible] مردم کسی است که رکوع و سجود [illegible]

با نماز [illegible] باطل [illegible] اسباب کفر [illegible] والوزن یومئذ الحق ومن خفت موازینه فاولئک الذین خسروا

انفسهم بما کانوا بایاتنا یظلمون وقال فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوة واتبعوا الشهوات فسوف یلقون غیا [illegible]

راه مغفرت وحجت اهلبیت [illegible] نماز با قرائت [illegible] در شریعت ما علم قرائت برای نماز [illegible]

آیات [illegible] الذین یصدون عن سبیل الله ویبغونها عوجا وهم بالآخرة کافرون [illegible]

[illegible] واذ زین لهم الشیطان اعمالهم [illegible] شدید العقاب [illegible] ویصدون عن سبیل الله والله بما یعملون محیط [illegible]

کذلک زینا لکل امة عملهم ثم الی ربهم مرجعهم فینبئهم بما کانوا یعملون [illegible]

ولو اننا نزلنا الیهم الملائکة وکلمهم الموتی وحشرنا علیهم کل شیء قبلا ما کانوا لیؤمنوا الا ان یشاء الله ولکن

اکثرهم یجهلون و در آیه دیگر وکذلک جعلنا لکل نبی عدوا شیاطین الانس والجن یوحی بعضهم الی بعض زخرف

القول غرورا و در آیه دیگر فریقا هدی وفریقا حق علیهم الضلالة انهم اتخذوا الشیاطین اولیاء من دون الله ویحسبون

انهم مهتدون وقال وسواء علیهم ءانذرتهم ام لم تنذرهم لا یؤمنون وقال فذرهم فی خوضهم یلعبون

حتی یلاقوا یومهم [illegible] کانوا یوعدون فمن اظلم ممن کذب بآیات الله وصدف عنها سنجزی الذین یصدفون عن

آیاتنا سوء العذاب بما کانوا یصدفون وقال تعالی یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم فان

تنازعتم فی شیء فردوه الی الله والرسول ان کنتم تؤمنون بالله والیوم الآخر ذلک خیر واحسن تأویلا

و در آیه دیگر [illegible] فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون بالبینات والزبر و در آیه دیگر الم تر الی الذین یزعمون انهم

آمنوا بما انزل الیک وما انزل من قبلک یریدون ان یتحاکموا الی الطاغوت وقد امروا ان یکفروا به ویرید

الشیطان ان یضلهم ضلالا بعیدا واذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل الله والی الرسول فاولئک مع الذین انعم الله

علیهم من النبیین والصدیقین والشهداء والصالحین وحسن اولئک رفیقا ذلک الفضل من الله وکفی بالله

علیما و [illegible] ومن یطع الرسول فقد اطاع الله ومن تولی فما ارسلناک علیهم حفیظا [illegible] ونقلب افئدتهم

وابصارهم کما لم یؤمنوا به اول مرة ونذرهم فی طغیانهم یعمهون وقال ان الذین کفروا وصدوا عن سبیل الله قد ضلوا

ضلالا بعیدا [illegible] ان الذین کفروا وظلموا لم یکن الله لیغفر لهم ولا لیهدیهم طریقا الا طریق جهنم

خالدین فیها ابدا وکان ذلک علی الله یسیرا [illegible] آیات بینات [illegible] خواهند یافت که [illegible]

[illegible] جواب [illegible] ضلالت [illegible] نماز [illegible]

اشاره مبهجه شجره خبیثه عالم کبر و غرور و نخوت

۲۳

و تا اینجا در قصه موسی که قوم او چه قدر لجوج و نادان بوده که چه بار دل را قبل پرورده کار جهالت ایشان را کجا جهت تسلی همه مدرک جلب فرقوم

جهالت مختص نیست قوم موسی را صفت جهل و حال خود می‌دانستند این اسلوب مؤلف رو سیاه عرض می‌کنم آثار دارند برما

که با وجود حسنت مرحومه بعد از علما بشماران فضلای آخر الزمان بتجربه نماز بر عقیده غیر سقط قضا که ادنی درجه نماز صالحان

و که نیات آن مخصوص است حق و بواسطه مسامحه و لاابالی باستخفاف نماز ستون دین کمتر از قوم موسی نیستیم که ایشان

جاهل بوده از آنکه جهالت داشتند که بر غاله علی بیک صد الدلیل بگذارند اختیار میکرده و توبه کذا البشارة در مرحله تعجب و حیرت

و حکمت ملامت می‌ماند ما با وجود علم و فضل اصحاب و حفظ و بعد از مراجعت از درس خارج کربلا و نجف اشرف با بشمار موسیان

در دار العلم خراسان از صد نفر فاضل کامل یک نفر حمد و سوره قرائت پسند احتیاطی که تمیز صحیح و باطل دهند و باز و در بعضی نماز

حالات و استعداد نباشد و از صد نفر یک نفر سقط هم نداشته باشد که صورت نمازش و شکل نماز تو همه‌اش با نماز دهاتی

و نماز اکراد و فعله و سبزفروش سقط قضا باشد نه مخارج و نه صفات لازمه حروف و نه مخارج را داند و نه مطلقات

و نه ادای الفاظ را از استاد آموخته باشند هر کدام بروش خود اختراع کرده بطرز دیگر حمد و سوره را راستی و صحیح نساز دبت

بر سستی نماینده و حال آنکه در مقدمات و مسائل احتیاطی استحبابی که در عمر خود سه بار محتاج نخواهد شد عمر صرف کمال

فضیلت و سعی در تکافو دارند صورت و شکل و المقدمه فی مسائل و جدول و پایان و لکن کوب نمود مصداق این آیات

گفته که برای قوم جهالت حضرت موسی نازل شده بود در حرم که این چه حیا و ایمان و مسلمانی است که نتایج عمل حق که ذلت و قحطی و علا

و تسلط ظلام جاهل و خونریزی و بی رحمی اهل ظلام در بلیه کبری عدم رحم و هرج و مرج در خبث معیشت سلب از پی هم بلیه بر خلق سند و دیگر

که باهر دو دوار خطابات اذا فسد العالم فسد العالم با غرور و نخوت علم و غرور و اغراض و شیطانی سیر آنها لا یا بلاد دیگر و عوام بسته جو کرده وجه جلا

چنانکه قوم موسی بوجود جهل صرف کبر و نخوت میکردند پس در سوره اعراف خبر میدهد بعد از آیه گذشته میفرماید ساصرف عن آیاتی الذین یتکبرون

فی الارض بغیر الحق و ان یروا کل آیة از آیات معجزات و کرامات و نزول بلایا لا یؤمنون بها برای ضلال عقول از آنها بتبعیت موافق

موافق حدیث اذا عظمت امتی الدنیا نزعت عنها هیبة الاسلام و اذا ترکوا الامر و النهی عن المنکر حرمت برکة الوحی یعنی الالهام السعادة العبادة و دلالة

و ان یروا سبیل الرشد لا یتخذوه سبیلا و ان یروا سبیل الغی یتخذوه سبیلا یعنی زمانیکه دیه ایمان و ایمانداری و صدق و وفاو عمل صالح

جز تصور نمایند حساب نکنند و چون دیه انواع معاصی میکرد و قهوه و قمار نمایند ذلک بانهم کذبوا بآیاتنا و کانوا عنها غافلین را انکار

و عدم تدبر بغفلت میشود که تعبیرها در باب عدم تامل و تفکر و عدم ملاحظه در کلمات فقها و علمای ما علم قرائت و قاریان را شوق نه اگر علم

و قرائت و صحیح آموختن حمد و سوره که ایها الناس نماز سقط قضا و تمیز حروف کافیست قاریان و اهل و بلوغ البسیار که در اثبات نماینده

مسلمانان چنان نسخ و برداشته نموده که مستقبلین طلاب و علما حقه نیز بتزار عوام هزار درجه مستحق طعن و لعن شده اندک تسمیحی که

صدای واویلا ندارد و من حفر بئرا لاخیه وقع فیه دانا نیکه میدانستند از قرا و اهل خبره از ترس تکفیر ایشان صمت اختیار کرده حال چون

خواسته جبین این روسیاه مؤلف به بعضی عبارات شریعت نماینده تکفیر کرده مگر بحشم خود دیدم حس و دقت داعی نیز تکفیر کرده حالا

در غربت در خدمت ثامن الائمه حسن با همراد و مصاحبت ندارم بر خود واجب و لازم دیدم نسخه تالیف نامه ناچار از

آیه ان الذین یکتمون ما انزلنا من البینات و الهدی من بعد ما بیناه للناس فی الکتاب اولئک یلعنهم الله و یلعنهم اللاعنون

نبوده باشم حق واجب و لازم مرا تمرد نباشد چه در تحقیق انواع اخلاط و لغزش حدوش محافظت فرمایند از برادران دینی دارم

حفظ یا اصلاح فرمایند که با علمای عاملین حاضرش در راه روان طریقه مستقیمه صراط عاجل حق تمسک بشنید الحمد لله جلیل حمید

جابقوا مابه و قبول این خدمت فرمایند عیبی نسپرند این غرور کار معاصی خلاصه شده سر بر سر افلاک خلاصه کسی احول

میفرماید خداوند تعالی و الذین کذبوا بآیاتنا و لقاء الآخرة حبطت اعمالهم هل یجزون الا ما کانوا یعملون و اتخذ قوم موسی

من بعده من حلیهم عجلا جسدا له خوار که بلی در هر زمان برای هر کس نتیجه کبر و نخوت و غرور بغیر از طغیان که نتیجه بزرگ عظیم نیست

در افترا و بهتان که او رسول در روایت [illegible] و شاکی دولت

ومن يعش عن ذكر الرحمن نقيض له شيطانا فهو له قرين وانهم ليصدونهم عن السبيل ويحسبون انهم مهتدون حتى اذا جاءنا قال يا ليت بيني وبينك بعد المشرقين فبئس القرين وقال تعالى فويل للقاسية قلوبهم من ذكر الله اولئك في ضلال مبين [illegible] وقال ان الذين يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين [illegible] ذکر آیات و اخبار از افراط [illegible] مذهبی و تقدس [illegible] از جسارت [illegible]

مؤلف [illegible] اولا [illegible] مطلق [illegible] علما [illegible] از جماعت علما [illegible]

ذکر [illegible] مردم [illegible] الصلاة [illegible] حیرت [illegible] اختراعی [illegible] هر کلمه و حرف صحیح و درست [illegible]

از [illegible] از استاد امین عادل [illegible] اگر چه [illegible] کلمات و حروف [illegible] اختراعی [illegible]

[illegible] ظاهری محقق است علاوه آنکه [illegible] جسارت [illegible] دروغ و افترا [illegible] صدق [illegible] واضح است [illegible]

[illegible] که از میان صد نفر عالم و فاضل و [illegible] از تفصیل [illegible] نفر با حمد و سوره [illegible]

علاوه [illegible] و چهار سال [illegible] از جوانی [illegible] سال با علم قرائت [illegible] تفصیل [illegible] قاریان [illegible]

شیعه [illegible] با قرائت [illegible] ماضیه تحقیق [illegible] بسیار و سلیقه [illegible] و زمانی با [illegible] جماعت و مؤلفات [illegible]

جهل [illegible] از تفصیل و اخبار ائمه اطهار و علم اخلاق و حساب و علم قرائت و تجوید [illegible] مختلف [illegible] تحریر [illegible]

بهتان و افترای اول [illegible] ائمه سلام الله علیهم و بعد علما [illegible] افترا و بهتان [illegible]

چرا [illegible] این کار [illegible] کلا [illegible] البقاء [illegible] این [illegible]

تو [illegible] علم قرائت [illegible] جمعیت جماعت طالبان و تفصیل [illegible] علم قرائت [illegible] قاری [illegible]

[illegible] کلان عوام و اطفال و زنان قرائت [illegible] قاری [illegible] حکمت [illegible]

دیده ام [illegible] اگر [illegible] چشم [illegible] ورق [illegible]

بزرگوار [illegible] این [illegible] شیعیان [illegible] عادت [illegible] شهرت [illegible]

اگر چه [illegible] ظهور است [illegible] محتاج [illegible] نعوذ بالله [illegible]

ان النفس لامارة بالسوء [illegible] با حمد و سوره [illegible] قرائت [illegible] عادت [illegible]

يا ايها الذين امنوا اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولي الامر منكم فان تنازعتم في شيء فردوه الى الله والرسول ان كنتم تؤمنون بالله واليوم الاخر ذلك خير واحسن تاويلا [illegible] فاسئلوا اهل الذكر ان كنتم لا تعلمون بالبينات والزبر [illegible]

سوال [illegible] در این [illegible] کتب و تحقیق [illegible] از اهل خبره [illegible] نماز [illegible]

[illegible] قاعده [illegible] میزان [illegible] هر کس [illegible] هزار [illegible]

خبره قاری [illegible] العلم [illegible] میزان [illegible]

گفته ام [illegible] بهتان [illegible] نعوذ بالله

فصل هشتم در فرق میان واجب و بدعت و نسبت [illegible]

وقال الله تعالى يا ايها الذين امنوا امنوا بالله ورسوله والكتاب الذي نزل على رسوله والكتاب الذي انزل من قبل [illegible]

ولو ترى اذ الظالمون في غمرات الموت والملائكة باسطوا ايديهم اخرجوا انفسكم اليوم تجزون عذاب الهون بما كنتم تقولون على الله غير الحق وكنتم عن اياته تستكبرون وقال تعالى ونقلب افئدتهم وابصارهم كما لم يؤمنوا به اول مرة ونذرهم في طغيانهم يعمهون [illegible] از ائمه سلام الله [illegible]

[illegible] عذاب [illegible] علاوه [illegible]

وقال ان الذين كفروا وصدوا عن سبيل الله قد ضلوا ضلالا بعيدا ان الذين كفروا وظلموا لم يكن الله ليغفر لهم ولا ليهديهم طريقا

در بیان فرق میان واجب و سنت و بدعت

۳۵

الا طریق جهنم خالدین فیها ابداً و کان ذلک علی الله یسیراً و ظلم عبارة از استعمال چیزی در غیر موضع علت حق معارض عقل است که استعمال

در موضوع علة حق باشد و این جمله مختص تا کید هر مسئله از مسائل نماز بلکه سجده و افطار هر حکم و مسئله شامل تمام قرائت و طمأنینه بقیه

فقها و مجتهدین در علم فقه بتفصیل بیان کرده اند ما برسبیل اشاره خواهیم گفت از واجبات نماز چهار هزار مسائل واجب و سنت و مکروه حرام و مباح

تمامی این کتاب برای صاحبان بصیرت و تمیز و انصاف در تاکید قرائت و طمأنینه در شکل و صورت نماز است اهل نماز اشتغال ختم قرآن مادام العمر

مطالعه لازم است بیشتر از زاد المعاد مجلسی اعلی الله مقامه که این کتاب برای تدارک و تهیه شرایط واجبه نماز و دین اسلام است که با صحت

تمامی واجبات و مستحبات نماز لا محاله اصلاح خواهد یافت دعای زاد المعاد برای مستحبات مقبول درگاه خداوند است و همه مستحبات بر احکام الهی و مردان

یعنی بدون عمل صحت قرائت نماز تمامی اجزای طاعات از نماز و روزه و صیغ عقود و ایقاعات نکاح و طلاق و حج و مستحبات اصول دین

بدون قرائت مکمل و بی فایده است تمرین کسب مسائل با کمال زحمات و مذاکره از جماعت بی سواد عوام کالانعام موافق استعداد حفظ

کم و بیش زحمت کشیده و قرائت حمد و سوره حفظ اصحیح قاری پسند چنین الی صد هزار درجه از عالم بیشتر بلکه از قرائت فاسد باطل بیشتر نماز فاضل

سینه خاص خدا دارند همه محرمات و واجبات مذاق و ملاحظه داریم حیا بلکه سه سال قبل بلکه علم قرائت حق بشنید نبود و جای آنکه گفت

که قرائت حمد و سوره و نماز مرا صحیح فرمایید صحیح است بنماز که قضا حقم مشغول توانم باید گفتم بسیار تعجب دارم که از علمای خود پسندیده مردان

این دار العلم که ملتفت شدند اصلی توجه و التفات نشده و نماز خیر اعمی حق مرا از کجا شناختی که هستی گفت از اهل طهران هستم در فلان مجلس

از بیشتر و قرائت و مسئله گوی و اهل منبر و مؤلفات شما بسیار دیده خواستم شرفیاب زیارت شما شوم هستم از قرائت و نماز حقم که جهت طهارت

و چون قرائت و نماز حقم را از تکبیرة الاحرام تا سلام نماز خود خواندم بسیار تعجب نمودم گفتم کاش بیشتر اهل این دار العلم لقد تضعیف ضعیف قرائت

نبوا نستند گفتم خیلی خوب قاری پسند است نه سقط فقط باز الله الکامل دعا دارم مع ذلک کله در هر شب دعی از روی بقای امر این شان تا مردند

شناسی گفت بیست سال است یقین کرده ام گفتم مع ذلک اعتبار ندارد شیطان از تو قوی دشمن است تو خواهی فرمود قصه زنده کنی نشستن چه کم دارد

ما هر مثل و حدیث و حکایت و آیات قرآنی برای اماله حلوب سنگ لال مذهب حقه که راه نماز که ارکان الکم کرده است المقدسه و بالمره از

طلاق سخت که طلاق داده اند یعنی اکثر علمای الوطن و جاهر با بیشتر و مسئله گوی ولی در شیخها مقدمات نماز و بامیر

حلم و فضل حق لعن بطلان و فساد نمایند تمیز آنکه که جمع دین ظلم و فساد با نماز فاسد و باطل و قرائت خراعی و عبث عظم است نتیجه

خرابی عالم مشاهده است اذا فسد العالم فسد العالم است از سوء تدبیر لاابالی و بی بروای نماز بی صرافت حق ایشان ظلم عالم را گرفته است

باطلی مراتبه و ایضاً معلوم است که اعظم و اشرف علوم علم حکمی بعد علم فقه سیم علم سلوک و معاش و اخلاقیات و علم شریف علم قرائت

از شرایط و اعظم متعلقات فقه است که بدون علم قرائت علم فقه بی ثمر بلکه بر صاحبش وزر و وبال بلکه عاصی بی بهره

و بی فایده است در آخر نتیجه اش کفر و ارتداد و مسامحه و لاابالی است مثل کسیکه اجتناب از حرام ندارد آخرش بکفر

و ارتداد خاتمه کشید و عدم استقرار دین و ایمانست پس لازم و واجب کتب و تالیف است و تکرار احکام الهی حتی القرآن و احکام قرائت

اهل زمان لعنه و زاید و تکرار قبیح خواهند دانست برای دینداران مثل ختم قرآن آثار زمردان هو المسک ما کررته یتضوع

قرآن و فضایل آل محمد هر قدر تالیف و تکرار نمایند تازه تر خصوص اصل و بنای کتابیکه برای تحصیل و تکرار قرائت و صحت نماز و طمأنینه نماز

استحکام دین و امانت و هر خانه که سواد فارسی دارند واجب است حق له ان یکتب بالتبر عی الاحداق لا بالحبر علی الاوراق

بمقام تو نشهٔ گشتم از بیان چو انگشت لیسد زبانرا دهان کباب سخن گم خوش نمک بسوزد الرحمن کباب فلک

ز دوران چرخ از موعود مسی اگر بگذرد و اندیشه ترتیب بر آن زنده کافی بباید گریست ولی از درگاه قاضی الحاجات مستدعی ام

نسخه است در خدمت ائمه لعنه در آستانه قدسی این سلطان سریر اصطفی جان نثار و فدای کو سفینه بر چهار ساله

دیگر است که باشد از این قربان بیز نمانده مؤانست و مصاحبت با احکام قرآنست که از ابتدای طفولیت انس و عادت شده است

پس مسلم است که واجب و مقدمات واجب الزم و اوجب و مقدم بر مستحبات است در دین اسلام که الحال مردم زمان از همه واجبات و عقاید

بحدیث من بلغ او بلغنی وجبت له الجنة اکتفی کرده اند از تمامی واجبات کذشته نگاه یکیجین اللهی باشند با نماز خراعی بدعت و بی صرافت

بی اندازه

علما باید در کلام خود کمال احتیاط را مرعی دارند

۳

[illegible] که تعلم از استاد گرفته اند [illegible]

[illegible] قرائت [illegible]

[illegible] بعد از [illegible] تحقیق [illegible]

[illegible] از علم قرائت [illegible] معلم قرائت [illegible]

[illegible] کالنقش فی الحجر [illegible]

[illegible] الفاظ و عبارات [illegible] قرائت حمد و سوره [illegible]

[illegible] احکام واجبه [illegible] مستحب است [illegible] اعظم علامات [illegible]

[illegible] اعظم مستحبات [illegible] واجب باشد [illegible]

[illegible] بکتاب صلّ و صمّ [illegible]

[illegible] ملکیت [illegible]

[illegible] اعظم مستحبات [illegible]

[illegible] رکعت [illegible] باطل [illegible] مسائل واجبه [illegible]

[illegible] نماز [illegible] مخالفت احکام [illegible] مستحبات [illegible]

٩٢

[illegible] نماز [illegible]

[illegible] علما [illegible]

[illegible] خاتم انبیا [illegible]

[illegible] شریعت [illegible] ظلم [illegible] عدالت [illegible]

[illegible] ظلم [illegible]

[illegible] نماز [illegible] و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون [illegible]

[illegible] احکام اللهی [illegible]

[illegible]

[illegible] علمای [illegible]

[illegible] تعلیم نماز صحیح [illegible] احتیاط [illegible]

[illegible] حمد و سوره [illegible] قاریان [illegible]

[illegible] قرائت [illegible] کلام [illegible]

[illegible] علمای [illegible]

[illegible] عوام [illegible] احکام [illegible]

[illegible] انبیا [illegible] علما [illegible]

[illegible] کلمات [illegible]

[illegible] العالم [illegible]

[illegible] حرام [illegible]

[illegible] علما [illegible] سالکین [illegible]

در تنبیهات و رواج نماز بدعت از کلام شوم علمای ما سبق

محلا هر کس از اهالی ایمان واجب و لازم است نمیه خصوص در وقت تکلم اصول حقه ملیه پیش چشم خود بدارند تا عاقبت مبتلی [illegible] آتشی

و نتیجه کلام که در ملاحظه اصول حقه ملیه است اما که دو حاضر باشند بعد تکلم نمایند خصوص علمای بیشماران بدو کلمه جواب عوام کالانعام

حقه در نظر رحمت خالق ان [illegible] کافر نمایند زهی بی انصافی و جهالت جهل مرکبی باشد برای [illegible]

که نهایت دارد و [illegible] جهنم برای ولدستی اد که مرا فاضل [illegible] امر دانی خالق مهربان را برعکس [illegible] و الاتقف ما لیس لک

به علم با قرائت غلط حقه برادر رحان [illegible] تمیز حروف را ازکجا دانستی مخارج و صفات و ادای حروف را در بیت العرب [illegible]

سی سال در تحصیل حقه [illegible] تمیز حروف که [illegible] طور ادای حروف [illegible]

[illegible] بلا سبب برای [illegible] قرائت [illegible] چهل سال [illegible]

مثل تمیز [illegible] سال [illegible] هزار [illegible] تمیز امراض [illegible]

[illegible] هر روز در قرآن میخوانی [illegible] کلمات و آیات [illegible]

[illegible] هزار آیه قرآنی [illegible] چهار سال از بیشماران [illegible]

[illegible] وحمد سوره [illegible] بالا [illegible] امیر المؤمنین [illegible]

هر که امر التعلیم [illegible] استفاضه و استفاده [illegible]

بعضی عذر [illegible] سال [illegible]

[illegible] العلم [illegible]

فصل هفتم

۱۴

[illegible] ذلیل ترین مردم [illegible] تمام نماز [illegible] حروف [illegible]

چه قدر عذر [illegible] قرائت [illegible] علم قرائت

[illegible] کلمات [illegible] علم قرائت لازم [illegible] لسان [illegible]

[illegible] میزان و معیار [illegible]

[illegible] ایران [illegible] فارسی و عربی [illegible]

با فرس و عرب [illegible] هزار سال [illegible] تکلم عرب [illegible] ایران [illegible] فرس و عرب [illegible]

[illegible] تکلم [illegible] بیت العرب [illegible] لسان [illegible]

[illegible] لهو الحدیث لیضل

سبیل الله [illegible] عذاب الیم [illegible] والذین سعوا فی آیاتنا معاجزین اولئک اصحاب الجحیم

و زین لهم الشیطان اعمالهم فصدهم عن السبیل وکانوا مستبصرین [illegible]

مصداق احوال و اطوار علمای [illegible]

[illegible] ابن کثیر [illegible] عالم فاضل [illegible]

[illegible] معراج السعاده و زاد المعاد [illegible]

لازم است [illegible] نتیجه صحت [illegible]

و جامع [illegible] قرائت [illegible]

[illegible] فهو علی نور من ربه

کلمات [illegible] علما [illegible] مسائل [illegible]

[illegible] نماز [illegible]

در اضلال تبیان آل محمد (ع) از کلام بعضی علما

خانه دلش ظلمات بعضها فوق بعض شده که تا آخر عمر باید مشغول بود قاریان و معلمان از ابتلاءات و بشارات [illegible]
ممدوح و مذموم و منتهایش چنانکه ممدوح و مذموم گفته اند که مردم تعلیم قرائت بر منبع خود مسخره و بازیچه و سبب شرف و [illegible]
در برابر حقیقت شاهراه است این نوع ضرورت دین بقالان و بزازان و سایر الواط و قماربازان این نماز بدعت را ترویج نکرده در هر
زمانی همه رخنه ها معتمدین و موثقین گفته که اعتنای ایشان بسیار داشته در رسوم جهلا را با معاونت و طرح اهل اباطیل [illegible]
شده حق گفته نه بلند کشتی و حاکم ظالم جور است که ائمه سلام الله علیهم جهلا مطعون شده زمانیکه و همه علما و ارباب غرض و اهل دنیا
از او بکر و زید ولی تو که غرض او را نمیدانی عذر آوری عذر تو از روی بصیرت و معرفت نیست هر چیز را از هر کسی تحمل [illegible] اظهار جهل
و نادانی است برای آنکه اجمالاً میدانی که نماز ضروری دین ماست و تمامی مجتهدین بلکه عامه و خاصه را اعتقاد بر شرط بودن قرائت نماز
اگر قرائت صحیح نباشد نماز کلاً باطل است و دانستن قرائت قاری علامه و علم قرائت دیگر لازم است صنعت و کار [illegible]
و حرام و حلال و شناختن اهل خبره در هر کار خصوص در امر نماز که ستون دین ماست پس علما و مجتهدین [illegible]
قاریان و تعلیم و تعلم نماز مراجعت نمیدارد خلاف امر [illegible] لازم است [illegible] که علم نماز [illegible]
در باب هر نماز واجبست که نماز من درست و صحیح باشد عالمیکه [illegible] بلکه تکفیر قاریان نماید [illegible]
و گفتند که قاریان دهان و بینی کج و راست میکنند یعنی کلام و قول اینها بی فایده است لغو و در قرائت حمد و سوره بر رسم مردم [illegible]
کافی است یعنی تعلم قرائت و قاری و نماز قاری دیدن [illegible] زحمت کشیدن از برای این [illegible]
و صفت یعنی معنی [illegible] عوام فهم این [illegible] چنانکه در مدت چهل سال گفتند این نتیجه داد که نماز بدعت رواج یافته
اباحتیان عالمان باعث تخریب دین الهی گشته نماز بدعت از ایشان قوت گرفت بلی علمای طبقه [illegible] علامه بسیار
که با دنیا و اهل دنیا رجوع ندارند و خود با خالق حق همیشه با نفس خود در جهاد اند آنچه دانند بگویند آنچه ندانند بگویند نمیدانیم و مردم را [illegible]
قاری اما این اهل خبره نشان میدهند [illegible] نماز بی علم رسوم قرائت فایده ندارد [illegible]
از علم قرائت و قاریان و مجتهدین منع نمیکردند و حال آنکه مجتهدین میفرمایند اگر نماز موافق قرائت یکی از قاریان سبعه [illegible]
نیز جایز است و حال آنکه بنای مجتهدین در سایر مسائل و احکام خود ملاحظه الفقه العامه [illegible]
طبقه اهل بدعت نماز [illegible] قرائت نماز [illegible] مجتهد [illegible]
که بدون علم [illegible] که نماز ستون دین [illegible] استعداد هر کسی تحصیل لازم [illegible]
بمقتضای لطف و خلقت حق قاریان را از میان برداشتند با علم قرائت و مباحثه [illegible] حمد و سوره و مقابله که در هر شهری [illegible]
الحال برداشته نمازها صرف بدعت و تعلیم و تعلم مسخره و بازیچه بکلام علما که نتیجه کلام خود را ملاحظه نکرده تغییر و تبدیل [illegible]
علما و طلاب [illegible] انشاء الله [illegible] از تاکید صحت نماز [illegible]
محض برای امر معروف [illegible] ضایع و باطل [illegible] مردم نموده است نه فضیلت [illegible]
تو را بخدا انصاف و رحمی [illegible] بعضی نابلدان علم قرائت برای [illegible] مردم و تحصیل قرائت خیرخواهی مردم [illegible]
[illegible] صحت قرائت نماز [illegible] افراط و تفریط [illegible] بازیچه و مسخره بعوام الناس نموده است [illegible]
ممکن است ولی العوام [illegible] کلام خود را ملاحظه [illegible]
[illegible] عوام [illegible]
تعریف [illegible]
تمامی مومنان برادر [illegible]
و این [illegible]

۹۵

اشاره بلزوم تعلم قرائت و وجوب قاریان [illegible]

۳۹

دارد که معاصی چون صراط و قیامت و [illegible] عقوبات بی نمازی و تضییع نماز و تصرف در مال غیر و حرام و [illegible] حرام مردم آزار و حقوق مؤمنان و عقوق والدین و صله ارحام و همسایگان و اوصاف رذیله و جهال و تحصیل و منافع مسایل احکام و اگر از اخبار [illegible] عوام و [illegible] بگوید که عوام [illegible] معاصی [illegible] اخذ و جبات بی پروا [illegible] در وقت [illegible] بر معاصی [illegible] چنانکه در مدت چهل سال نماز دین و ایمان خود [illegible] بنماز [illegible] از بچه اثر علما که بازگشت محال نماید زیرا که تعلم مسئله [illegible] عجیب غریب تصور نماید [illegible] مردم در دکانها و بازار [illegible] متصل تعلیم و تعلم [illegible] و قرا و مزارع قاریان اهل [illegible] حساب [illegible] و مقابل قرآن جهالت بلاد و قریه اینها که دیده انه اکثر حاضر از عمده شرایط علما آنست که ملاحظه اهل مجلس نموده اگر افراط در معاصی دارند صحبت خوف باید بکنند و اگر ارباب طاعات و عبادات و احتیاط [illegible] افراط دارند از اخبار رجا بگویند که اگر حرام خوارند از آیات عذاب و عقاب مخالف عادت ایشان بگویند تا اطاعت [illegible] نباشد [illegible] صحبت باید [illegible] بمردم [illegible] ولیک [illegible] خود ایشان بعمل

فصل ششم در وجوب وجود قاریان در میان فرق مسلمانان

قد افلح المؤمنون الذین هم فی صلوتهم خاشعون والذین هم عن اللغو معرضون والذین هم للزکوة فاعلون والذین هم لفروجهم حافظون والذین هم لاماناتهم وعهدهم راعون والذین هم علی صلواتهم یحافظون اولئک هم الوارثون الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون خداوند نماز را هم در اول و هم در آخر آیه فرمایه در میان اوصاف مؤمنان و عمده شرایط نماز یقین بشرایط و صحت نماز است و بشک و شبهه نماز [illegible] کی مانده که نماز بی علم قرائت و بی میزان باشد و صراف نداشته باشد که عادت اکثر معتبرین علما ما است [illegible] نفس اماره که یکی از شیاطین [illegible] که علم قرائت میزان صحت و قبح نماز است بدون علم قرائت لابد یا معنی موجب بطلان و بدعت و یا اینکه مستحب و مکروه و جواز مشترک و مشتبه و مردد ما بین اینها بشک و شبهه یا بجهل و [illegible] باد و هوا است [illegible] یقین [illegible] باشد که بقواعد علم قرائت موافق بدانی و یا اینکه باهل خبره آن صراف نما [illegible] بدین طور که [illegible] عادت که مسقط قضا است یعنی نماز قضا و ادا قوانی که از [illegible] این صحیح نیز با درجه اول مسقط قضا میباشد که حال [illegible] و [illegible] لازم و واجب است شرع [illegible] اقل درجه صحت است و دیگر بالاتر از این آنست که جامع [illegible] باشد بمحسنات علم قرائت و موافقت و بالاتر از کلمات اهل لسان عرب و واجب مستحب و مکروه محرمات و بدعت و جواز [illegible] و تشخیص بعلم قرائت [illegible] یقین و خاطر جمعی که مخصوص باهل علم است [illegible] اهل علم تا اینها [illegible] بنماز خود و دیگران علم صحت [illegible] چنانکه در علم قرائت در این کتاب اشاره [illegible] مگر اینکه چراغ ایمان [illegible] برای فضیلت [illegible] بعوام الناس [illegible] [illegible] و لا تقف ما لیس لک به علم [illegible] ومن لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون

اندیشه نماید چنانکه [illegible] مقصد [illegible] علوم است [illegible] تحصیل [illegible] گرفت [illegible] تمیز رسومات [illegible] و اگر [illegible] تحصیل [illegible] واجب [illegible] علما که [illegible] امور شرعیه [illegible] و واجب در نماز [illegible] صیغ و عقود و ایقاعات مهر و طلاق کلاً [illegible] تحصیل و صحت نماز [illegible] ادنی درجه قرائت چنانکه چهل سال قبل [illegible] ده دوازده ساله [illegible] دسته دسته در هر کوچه و برزن و قرا و مزارع و بازار و دکاکین رسم [illegible] کار بجای رسیده است که [illegible] مسقط قضا [illegible] قلیل که النادر کالمعدوم است [illegible] روی [illegible] و فساد [illegible] جرأت کلام لاابالی و عدم عاقبت اندیشی [illegible] این بدعت [illegible] ملاحظه نماید [illegible]

[illegible]

در مذمت عدم عاقبت بینی عالمان بی پروا [illegible]

۳۰

بدعت ناشی شده و شیوع یافته این رسم دلیل بر علم خود دانسته و الاجتناب [illegible] در خرابی عالم اسلام [illegible]
عوام و الواط را اعلام نمایند و لا تزر وازرة وزر اخری کار عوامی است خدا میفرماید و لا تلبسوا الحق بالباطل و تکتموا الحق
و انتم تعلمون و نیز میفرماید فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا و لهم عذاب الیم بما کانوا یکذبون و بول نفاق
قلوب ایشان ممکن است در الصافات منظر کرده عادت شیطان بر کسی که نمی‌دارد بعیوب خود متوجه باشم همچنان خدای تعالی
بازهم میفرماید طس تلک آیات القرآن و کتاب مبین هدی و بشری للمؤمنین الذین یقیمون الصلوة
و یؤتون الزکوة و هم بالآخرة هم یوقنون ان الذین لا یؤمنون بالآخرة زینا لهم اعمالهم فهم یعمهون
اولئک الذین لهم سوء العذاب و هم فی الآخرة هم الاخسرون و در آیه دیگر که خبر از حال ایشان میدهد که خرابی دین
اسلام میکردند خصوص در لباس و صورت اسلام و در دست اسلام باشند چرا ملتفت نشده و من اظلم ممن منع مساجد الله
ان یذکر فیها اسمه و سعی فی خرابها اولئک ما کان لهم ان یدخلوها الا خائفین لهم فی الدنیا خزی و لهم فی
الآخرة عذاب عظیم مع ذلک کله ابداً اعتنی ندارد این [illegible] سواء علیهم ءانذرتهم ام لم تنذرهم لا
یؤمنون اگرچه این آیات در باب کفار است ولی عام و شامل حال همه مخربین صراط مستقیم محمد بن عبدالله و آله هستند
چرا حیا نکنند چون برف تابستانی آب نشده از شوخی کلمات مؤلف ملاهم حقه که از دست العالم فسد العالم [illegible]
در ملامت و مذمت عدم تحصیل حفظ مردم علم قرائت و تالیه ملتفت بر نماز صحیح احوط شدن و یاد کردن دعا و نماز [illegible]
و قدر قاریان دانستن تعظیم و تکریم ایشان و تشویق نماز با قاعده و قاری اول مشق و ملاحظه کردن عوام از اول عمر تا آخر عمر

۹۷

چنانکه سنیان بدین دارند از اول مکتب رفتن درس الف با تعلیم قرائت تا وقت تحصیل فقه خواندن [illegible]
مشق حمد و سوره و مقابله میکنند [illegible] حفظ هم [illegible] وقت صبح طلاب کامل اول پیش قاری نماز حمد و سوره از اول الی آخر
خوانده بعد به خواندن درس فقه و اصول و نحو مشغول میشدند بسیار تعجب میکردم که کاش طلاب ما ایضا حاضر میشدند
عبرت مسلمانان از این کار ان میگرفتند که علمای ما شیعیان عوض ترغیب مردم میگویند قاریان دهان [illegible] بسیار
لحن و اداست نمایند ایها الناس تمیز حروف در قرائت کافی است یا میگویند بطریق عرف مردم و یا به لسان اعراب اهل
لسان کافی است باین طور کلمات مؤلف [illegible] فساد نمایند که تمامی نماز حفظ مردم را ضایع و باطل
کرده اند به مراتب فساد ابن زیاد روز عاشورا با اهلبیت خاتم الانبیاء [illegible] صادق آل محمد سوء علما در زمان غیبت
ارواح اهلبیت با نیات [illegible] از خود شاد و شیطان را به زحمت ابلیس از خود راضی کرده مع ذلک [illegible] لعن
طعن نماید چون ابلیس از فتنه حفظ کور و کر شده [illegible] خود چنین عالمان بدعت که [illegible] زبان بر دارد که
ملتفت شده این نوع اشقیای علما از حمال کلامست که حفظ تالی نبوت و امامت منظر مردم میدهند [illegible] خود حساب خواهند کرد
اینست که مبعث طایفه مستحق درکات جهنم باشند [illegible] و اهل شفاعت هستند خداوند میفرماید و لو اننا نزلنا
الیهم الملائکة و کلمهم الموتی و حشرنا علیهم کل شیء قبلا ما کانوا لیؤمنوا الا ان یشاء الله و لکن
اکثرهم یجهلون و قال و ما جعلناک علیهم حفیظا اشاره باینکه روز حساب داریم با ایشان خداوند علما را بجای
حافظ دین و شرع قرار داده و نایب امام آیا روا است در خانه امتحان حفظ نایب شیطان و مخرب دین نماز را عدم
تفکر و تعمق در کلمات و نتایج کلمات مؤلف مبهم و عدم اعتنا بعلمای قراء و نمازی قانون بدعت خود بسته [illegible]
عوض ترغیب مردم عوام که علم قرائت و مذمت قراء و مباحثه قرائت بر هر فردی از افراد مسلمان واجب است اگرچه مشغول در
و فعله باشند بقدر استعداد هر کس [illegible] از فرق مؤمنان نه اینکه عوض ترغیب بی میل و بی رغبت از نماز و قراء و مشق و مباحثه
مثل حفظ نمای فصاحت کلمات و ضرر بر دین و عیب مسلمانی و ثمره علم شیطانی قرار دهی مگر مذمت به عبث [illegible]

اشاره بصحت حسن اعمال بسند کتاب و سنت

۳۴۲

که در خصوص این دین چه حجتها کشیده اگر مؤمن اینها را تأمل و تحقیق در مشکلات نکند بچه آبرو حقوق اسم مؤمن که از اسماء الله است

خواهد صاحب بشیئیة اللهی ما مشامل است در دنیا و آخرت و لازمه محبت آل محمد است که تبعیت آل محمد است با تبعیت نفس و شیطان

تعارض دارد تبعیت چه قدر لازم و واجب است در آیه دیگر میفرماید واتبعوا احسن ما انزل الیکم من ربکم من قبل ان یاتیکم

العذاب بغتة و انتم لا تشعرون اینجا منع از تبعیت غیر احسن میفرماید چرا که ما انزل نفرموده تا بدانی احسن مقدم است از

کثرت اعمال و طاعات معتبر نیست احسن اعمال و طاعات و تبعیت احسن و مطلوب اعمال بسیار نیز محتاج حسن است اعمال

بدون حسن اعمال یا باطل و یا از درجه حسن ناقص بود تا بدرجه بطلان عمل میرسد مثل نماز در جماعت نماز در بیان ترجمه الصلوة

اشاره خواهد شد که گاه میشود که درجه حسن و احسن نرسد باطل هم میشود گاه باشد که بعد از مثل مرتبه بطلان در صادق

برسد مثل نماز اکثر عالم بیشمار صورتان زمان حال نماز بی عیب و نقص مردم بیدعت و فساد با شاره و کنایه میشود الکنایة ابلغ

من التصریح بکلمه صغیر الحجم و کبیر و کثیر المعنی که فساد و عیب نقص بدراز عیب و نقص در عیبش بدراز عیب نقص بد تر

میشود اشاره بایکی کلمه در مثال این کلمه فساد که ایها الناس تغیر حرف در قرائت کافی است که این کلمه را ملا این گویند که از احتیاط

همه بتعیب اندازد مثل قول حق تعالی طه ما انزلنا علیک القرآن لتشقی الماینکه بحث این نماز و در بیان تفصیل جهان بسیار موضع نکته

هر نکته مفاجی هر سخن جای برای اهالی زمان خصوص کسبه و عوام منفصل بعد از تعلم تمامی قرائت و مسائل نیز زعیب تعلم ذکر

واجبات و نماز کمی که متروک نباشد و در بالکه از هزار نفر صاحبان سواد و کمال و فقه و اصول و بیشتران الآن در دار العلم خراسان

بجز ملکه سه نفر قرائت با قاعده و میزان علم قرائت نباشد بلکه از میان صد نفر عالم بیشمار بجز نماز مسقط قضا نباشد که

جماعتی و اردشده در قرائت نماز چه طور و بچه دلیل از شوق تعلیم تعلم و بیش حمد سوره توان اداحت و از فراد و تعلیم و تعلم حمد و سوره

بی مبالات گذران توان کرد و حق نماز و سجده و بازیچه و مستخف بالصلوة بدون عیب حقوق انسان نیست مگر برای ابد

و جلال نطفه با شیطان یا نطفه خالص شیطان و یا نطفه ایام حیض و زنا زاده مطابق چنانکه از معتبرین علمای جلیل القدر مشهور و مذکور

در زمان تحصیل اوایل فقه و اصول درس من همسایه نزدیکی داشتیم پنج و شش سال بود اختیار عرب که عباسش عرب شصت و یک ساله بود

روزی شنیدم که عباسش بسر زا ایشان مردم بسیار همراه و کلمات بسیار گفته که یک جوری ملتفت شدند گفتند از اوائل استعداد

بهره نداشت همان پسر او بمکتب نهاده حیات قابل فهم و ترکی شده بمدرسه رفته در بیت قلیل ترقی تحصیل العلم

بسیار از اوصاف و کمال او شنیدم بسیار تعجب میکردم که اللهی دیگران که تمام اینها من نطفه او بود همه انسان هم بیشتر و حکمت

باشد تا حیثیت اواز تقدس و صحبت او با علما و اکثر فضلا گشت تمام فضلا کردم از قضایای اللهی مریض شد از او خبر داد

که حالت نزع او است عیادت او را لازم دانسته رفتم بعد از احوال پرسی بر رسم معروف دیدم است میکو بنه حاضرین

مردم همه بلقین کلمات لا اله الا الله محمد رسول الله صلعم و علی ولی الله میتمایند او بر حالت خود ملتفت است بسیار تا الیه نموده در آخر تلقین

تا حال نه السنه و ترجیع و دلیلی بیان منم که فلانی نادر حق است با علم فوراً برخواستم که ملعون مرا از حیرت و اضطراب بدور

این حسن نماز بعد از تکمیل صورت و شکل روح و محسنات و معانی و اشارات و اسرار نماز و سعی نمودن با احکام و لوازم نماز که بسیار

و الی اصل تبعیت احسن الحجه نازل شده امر فرماید در آخر آیه میفرماید ان تقول نفس یا حسرتا علی ما فرطت فی جنب الله و ان

کنت لمن الساخرین او تقول لو ان الله هدانی لکنت من المتقین او تقول حین تری العذاب لو ان

لی کرة فاکون من المحسنین در جواب حق او فرماید بلی قد جاءتک آیاتی فکذبت بها و استکبرت و

کنت من الکافرین در آیه دیگر میفرماید و یوم القیمة تری الذین کذبوا علی الله وجوههم مسودة الیس فی

جهنم مثوی للمتکبرین و ینجی الله الذین اتقوا بمفازتهم لا یمسهم السوء و لا هم یحزنون چونکه تمامی

طاعات دینیه که موقوف بقبول و صحت نماز است در مقدمات چنانکه تمام صحت اعمال دین مربی و لایت اهل البیت

۹۹

اثبات خواندن رسم نماز بدعت و اختراعی ۴۲

در بطلان و فساد نماز است که سایر اعمال خود که در مرض اکله و هباءً منثوراً گردد بلکه یبدل الله حسناتهم سیئات که محتاج
زحمات و رنج بیکاران شد فقه لیل ان قبلت قبل ما سواها وان ردت رد ما سواها باید امتحان و صلاحی از امتحان باشد (الصلوة عمود الدین)
احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا وهم لا یفتنون و درباره الواط عالم نما این نصف آیه لیس است الرجس [illegible]
سامی قرآن برای غرور ایشان که در مدت [illegible] چهارم است از غیر غرور ایشان [illegible] جوانی که با قرائت طور معارضند [illegible]
با علاوه سایر کتب آسمانی برای تلبیه اکثر ایشان کافی نخواهد بود اعتنا ابا نموده‌اند که گویا این آیات و اخبار برای دیگران
و حال آنکه قرآن مخصوص اثنی عشری است و کتب و فرق دیگر نیز موافق قرآنست بعضی احکام آنها را علمای معتبر ایشان
تغییر داده چنانکه نماز ما که علمای ما بواسطه غرور و عدم عاقبت اندیشی کلام حق و اظهار فضل و فهم حق دین اعتنا به علم قرآن
که از ایام جوانی بنا موضعه بوده این کار همرا با بشاره و کنایه در مدت مذکور برداشتند که کار مستقبلین فضلا کار رسیده
بنام سقط قضا که ادنی مرتبه قرائت شبابان و سبز و دنیا است محتاج هستند مثل قضیه غدیر خم از میان سنیان در حق
امیرالمؤمنین بواسطه کم لطفی و لیسبازی ذکر سریان حق از ولایت جزئی و آثاری نمانده است در مجالس و مساجد ذکر
سریان حق است رسم عوام الناس است که هر چیزیکه کم کسی گفته و لیل برداشته شده است الان موافق اخبار حضرت زمانی
که در وقت ظهور حجة الله نماز بر داشته شود کتب اخبار همه برای مدعا شاهد که الان آن نماست که بالمره ملوح و متروک شده
نشانی در خراسان صرف مانده لهذا احقر حق و جب و لازم دانستم نسخه باین تاکید البد برای امثال حقم یادگار [illegible] موافق
سلیقه حق یادگار برای اکثر معروف و نهی از منکر نمایند برداشته شدن نماز سهل است که بجای نماز خود فرما نماز بدعت اختراعی
عجب حمایت نهاده‌اند کار که از دل این نماز توبه باید کرد زیرا که در غصب فدک به درجه رسیده است که امیرالمؤمنین
وفاطمه زهرا استنها المبیت حق را برداشته نکاز آنها مهاجر و انصار رفته معاونت و استعانت مینمود برای اتمام حجة بوده زیرا که
محبت مال دنیا التجا مردم نمایند تا به آنجه در چه مرتبه حق فاطمه زهرا را مطالبه نمود نه اهمال و مساهله نداشت در غایت سطلت
و جبر شمادر نمود فراموش نمود و الان احیانا علمای بعد از این نیز مساهله و کسالت رو داده بحجل در کسی بانه از حق
باشند برای آنکه روز بروز این بدعت باین تیز نماند زیرا که کتب قرائت شاطبی و امثال شاطبی و تجوید بحمل در تمامی
علما و طلاب حالا موجود و قرائت و علم قرائت و تعلم حمد و سوره نیز جابجا برداشته شده که مردم به بدعت و مسخره و بازیچه نماز
بعد از ده سال چه ملیقه تا رفته رفته از تصور اسلام و ایمان بعید نماید که این بدعت نماز برای قبر و آخرت و حشر و نشر
چه ثمر دارد تا این ملاحظه که دیده شد ثمری ندارد این بدعت نیز بر دارند و حال آنکه تا وفات یک اسم اسلام دارد لعنه الله بر این
و در سوره جمعه که میفرماید در باب علمای مخالف قرآن مانند هست آخر الزمان خاتم الانبیاء نه از امم دیگر مثل الذین حملوا
التوریة ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا بئس مثل القوم الذین کذبوا بآیات الله والله لا یهدی
القوم الظالمین در قرآن ما خطاب بعلمای ما و مثل خدا برای علمای بی پروای ماست که نمیدانیم با خود عار و ننگ میدانند
خود و علمای ترویج خلاف نماز بدعت اختراعی بی صرافی عبادت و نماز جماعت مینمایند در اخبار اصناف
ضال و مضل اهالی سبعه طبقات جهنم ملبس شده ولی الحمد این زمان مشاهده بچشم خود میبینم از هزار پنج نفر نقابت
نماز با قاعده و میزان ندارند هر یکی با قسام علامه هوای اختراعی بدعت دیگر میخوانند اهلسنت خوانندگان
رنگ نیستند دلیل اختراعی بدعت ولی عثمانیها که از اول شروع در الف با تا درس فقه و اصول در جمیع بلاد یک اندازه
و یک لهجه در رسم تکلم و ادای حروف و هوا و صوت مخصوص از طریزان و از ضرورم و اسلامبول و ملاطیه و حمص و حلب و ادنه
شهرهای و حلب و اسکندریه و مصر و شام مکه و مدینه و اهالی سمرقند و بخارا و علما و غیر علما نیز بیک رسم و قانون میخوانند
السانت واله و سرگردان ملیمانه که اللهی این جا حالتست مثل شاگرد یکنفر باشند یعنی چه بعد از چند سال دیدم بعد از آنکه از طفولیت
با کمال

اشخاص اهالی مبارکه در ترویج نماز بدعت سعی کنند

هم غم

تا طالب فقه و صحت مسائل حمد و سوره و ملا اگر چه تمام نماز حتی اذان و مقابله قرآن نو اسطه تعلیم است نماز و قرآن اگر تعلیم اند گردان باشند

برسوم معلم ترکیب اختراعی هر چه پیش آمد خوش آید الآن... این مسئله علم قرائت چنان تصور نمائیم که خواندن سیاهی خط

کافی است نسبک کوبه تمیز حروف از قرائت کافی است قاریان و اهل ولی لحن درست نمایند و حقیقت تکفیر قرائت و علم

و نماز عوام تحسین و بدعت نماز فاسد و توصیف و حکم صلاف ما انزل الله بعوام داد دست و حال آنکه باید در هر حال ترغیب بتعلیم

و بالاتر از آنست که عوام الناس و مجتهدین که کار ما نماز خود صرف نمایند که شاید مترک باشیم بعوام چه رسد اگر تمام

عمر را در قرائت و مسائل نماز صرف نمایند چیز دنیا و آخرت چه قدر خواهد رسید که او مسائل خود بیگانه از تحصیل قرائت تکفیر قرائت

علم قرائت نمائی و عوام از شوق صحت و مذاکره باز دارد گریه و خواندن آنرا که یک قطره گریه برای سید الشهداء انسان را از مومنان نمازگذار مقصد رساند چرا

این قدر ترغیب نمائیه که اگر عشر از آن اوصاف و تاکید الیه و تصحیح نماز و قرائت و طمأنینه نماز نمائیه که واجب و باعث صحت

تمامی اعمالست و بی نماز را هیچ عمل صحیح نیست چه عیب لازم می‌آید مارا که هزار درجه تحصیل نماز و مسائل خود مشغول باشند دیگر چه

در هر ماهی یک قطره گریه بعزاداری مظلوم کربلا نماید از دین اسلام و محبت محمد و آل محمد و امر فرمایند که امر دکه است تبلیغ و عقیده

فاسد چنین عالمان نعوذ بالله بر عرشه منابر که ایها الناس ان لم تعرفوا زینب نعرفه یعنی شاهد برادر نزدیک طی الارض و اهل

برائت نمائیم که از تمامی آداب و احکام الهی کافی است من نکلی اولکی و حبیبه که لحظه معنی نشانه دادن این راه نزدیک گریه بعزاداری بلی

لیتغیر کفتار عوام بسینه اشاره است بانکه احکام و مسائل نماز و اسلام کار است لیس طلب و غرض و عمل بسیار دارد هر کس که در الفکر فنا

رفته خبری باز نیاورد انتها و تمامی هزار نسبه را سیماه که فرش معلوم نباشد نعوذ بالله العلی العظیم و اگر عزاداری کند هر زاری

بقدر ترکردن بال مگسی باشد که از هر کس اگر چه زانی و شارب الخمر و قمار باز در اول و عشار باشد صد بی سلطان است با من جبار

و ذکر زناکاران و عشاران قلوب عوام کالانعام را چنان بمحبت و خبر در آورند که یقین نمایند با دل سنگدل ظلمانی مرد خود

و ظرف سینه و دل ظلمات بعضها فوق بعض چنان تصور نماید که حاضرین قاتلان معارک جهاد امیر المومنین و سید الشهداء اذاد

در همین مجلس عزا خواهد آمد حتی یزید سم داخل بهشت کرد از آنجائیکه ذکر عوام بهرجه آداب ... ما لیس طلب ملتزم

که اگر در سالی ده روز از حرص و محبت دنیا مجاب باشند تمام روزها و ساعات و دقایق و ساعات امروز را بلکه به مصارف

دمایه کذاری ارجاع در فرش و چای و قلیان لباس حاجی لیست که هر یکی از بد آنها حقوق فقرا و سادات و ایتام دارا مل

درد و دستان مظلوم ... شیطان عزاداری نمایند که در تمام عمر حق و اولاد خمرها کعب نماز

صورت و شکل نماز که مسقط قضا از حق و اولاد ... ریا دارند با همان علمای مروجین نماز و هم بدعت است

بارها هم مجلس عزا درست نماید اگر بنظر تامل و تفکر غور نمائی میدانی که با حضار سخن تعارض نمایند خداوند خبر از حال

ایشان در آیات بسیار خبر میدهد و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله بغیر علم و یتخذها

هزوا اولئک لهم عذاب مهین و اذا تتلی علیه ولی مستکبرا کان لم یسمعها کان فی اذنیه وقرا فبشره

بعذاب الیم ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات لهم جنات النعیم خالدین فیها و در وصایای جناب لقمان

یا بنی اقم الصلوة و امر بالمعروف و انه عن المنکر و اصبر علی ما اصابک ان ذلک من عزم الامور و لا

تصعر خدک للناس و لا تمش فی الارض مرحا ان الله لا یحب کل مختال فخور و اقصد فی مشیک

و اغضض من صوتک ان انکر الاصوات لصوت الحمیر و در آیه دیگر میفرماید و من الناس من یجادل فی

بغیر علم و لا هدی و لا کتاب منیر و اذا قیل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا علیه

آباءنا و لو کان الشیطان یدعوهم الی عذاب السعیر و نیز میفرماید و من کفر فلا یحزنک کفره الینا

مرجعهم فننبئهم بما عملوا ... کلک ... بعضی و لا بل الحاجت نمایند ... ما بآبائنا الاولین ... کفور

در فضیلت و ثواب صلوات و اقسام صلوات محمد و آل محمد

۴ ۵

فصل

در بیان معنی صلوات و سلام بحسب لغت و اصطلاح بدانکه جمهور متقدمین متفقند بر آنکه صلوات در اصل لغت بمعنی دعاست و بنا بر
بجهت اشتمال بر دعا صلوات میگویند و الحال در عرف صلوات شده بر حسب اطلاق نماید یکی درود و ثنا مخصوص
است ها رفعت درجه و ازدیاد قرب حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله دوم نماز و آن عبادتی است مخصوص معین با داب
واجب و سنت او از افعال دارد که مخصوصه بعضی گویند که لفظ صلوات در اصل لغت موضوع است بازاء معنی دعا
و در شریعت بازاء مجموع اذکار و هیأت چند قلبی و قولی و فعلی و حقیقت دعا بر وجه اتم و اکمل که بسبب جمیع اجزاء و افعال
و اقوال و احوال حق سبحانه و تعالی را بخواند بنحویکه هیچ ذره از وجودش خالی از دعا نباشد و جمیع اعضایش زبان طلب کنند
و سائل باشند تا آنکه مضمون المصلی یناجی ربه را صدق کند هم چنین در درود و ثنا کننده نیز باید چنین زبان بذکر
الفاظ صلوات کشاید دل با زبان موافقت نماید و در معنی آن لفظ از سر حضور خاطر و صفای باطن تامل و تدبر فرماید زیرا
که هر فعلی و حرکتی از زبان یا از دیگر اعضا و ارکان بی فرمان و بی التفات صادر گردد بسهو و نسیان موسوم گردد و بهیچ وجه اعتبار
ندارد و درود و ثنا و صلوات گویند و خضوع و خشوع و تضرع در نماز که از لوازم آنست جمعی گفته اند صلوات از صلی که بمعنی آتش
است در آتش باشد و وجه تسمیه بر این است که نمازگزار حقیقی کسی است که در حالت نماز از شعله انوار تجلی معبود محترق
میباشد و همچنین ثنا و درود کننده باید در بوته محبت حبیب الله صلی الله علیه و آله که ناشیه از هر غل و غش پاک گردد تا
صلواتش در دار الضرب اخلاص سکه قبول برسد و بعضی گفته اند صلوات از الصلوه مشتقست که بمعنی متابعت
دوم است در متابعت مصلی گویند برای آنکه تابع اسب اول است که مجلی اسم دارد و بر این تقدیر وجه تسمیه دارد که نمازگزار تابع
و درود کننده تابع خدا و ملائکه است چنانکه فرموده ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و بعضی دیگر

۱۲

اشتقاق صلوات از صله دانسته اند و گفته اند که نمازگزار حقیقی آنست که در حالت نماز از خلق منفصل و بخالق متصل گردد و درود
و ثنا کننده کامل کسی است که بانوار سنت و شرع انور متصل شود و از آثار بدعت منقطع و بیگانه گردد و بمذهب عرفا حق اگرچه صلوات
بمعنی نماز است اما صلوة فیض رب است بمربوب و رابطه قرب رب است با عبد و صلوة بمعنی دعوات و صله التفات که نسبت با منت
و واسطه اتصال ملت است با حضرت و گوینده اتصال یکی بدون انفصال از دیگری صورت نبندد پس مصلی مع التقاء در باید غیر از
مطلوب از همه چیز و همه کس بگسلد تا با او تواند پیوست و آنچه مشهور در نزد جمهور است آنست که صلوات از حق تعالی بمعنی رحمت و از ملائکه
بمعنی استغفار و از پیغمبران و سایر مومنان بمعنی دعاست و بنا بر بعضی تفاسیر صلوات از حق تعالی پنج معنی دارد رحمت و مغفرت و ثنا و رضوان
و تزکیه و کرامت و از ملائکه بمعنی دعا و استغفار است و صلوات مومنان دعاست بعضی گفته اند که از حق تعالی ذکر خیر است و ثنا و از
ملائکه ثنا و دعا و بنا بر قول اصل صلوات رحمت است از خدای تعالی رحمت باشد و از ملائکه بمعنی رقت و جمعی صلوات را رحمت ضعیف دانسته اند بدو دلیل
اول آنکه حق تعالی در آیه اولئک علیهم صلوات من ربهم و رحمة رحمت را بر صلوات عطف نموده این دلیل مغایرت است دوم آنکه
مخصوص بکرده بمعنی خاص و رحمت عام و شامل همه اشیاست و گفته اند صلوات از حق تعالی ثنا است و بعضی گفته اند که صلوات
بر غیر انبیا که غیر خاتم رحمت و بر پیغمبر صلی الله علیه و آله زیادتی مکرمت و تبجیل و تعظیم است و ابن بابویه در کتاب معانی الاخبار از ابو حمزه روایت
کرده است که از امام جعفر صادق ع سوال نمودم از آیه ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما
و معنی صلوات از حضرت عزت رحمت است و از ملائکه تزکیه و از مردم دعا و سلموا تسلیما تسلیم نمودن است در آنچه بآنحضرت نازل شده است
و قریب باین معنی است در کتاب ثواب الاعمال و از امام موسی کاظم ع روایت کرده که در روز چه بحث شد که صلوات بمعنی رحمت ضعیف
گفته اند بلکه رحمت بمعنی مراتب بسیار است و صلوات مرادف رحمت مطلق نیست بلکه مراد نوع خاص رحمت است که در آیه اولئک
علیهم صلوات من ربهم و رحمة از قبیل ذکر عام بعد از خاص و بعضی گفته اند که معنی صل علی محمد آنست که معظم گردان حبیب خود را
در دنیا باعلاء دین و اظهار دعوت و اعظام ذکر و ابقاء شریعت او و در آخرت بتضعیف ثواب و قبول شفاعت و در عقب صلوات تنزیه
توضیح

در اسرار و منافع و حکم صلوات مؤمنین و ملائکه

توضیح و تاکید این معنی کند و تفضیل شفاعته فی امته و ارفع درجته و قربه و سبحانه الحمد لله نقدیم آنحضرت بر کافه انبیاء و رفع درجه او
درجوار کبریا و عظمه اله و این دعا ایست که بی شبهه مقرون باجابت در سینه و از علمای علم حروف گفته‌اند که صلوات مرکبست از صاد
صمد و لام لطیف و واو ودود و هاء هادی و کسی که بر معنی آن اطلاع یابد بر حقایق این اسماء اطلاع یابد و در معنی سلام
معنی ذکر کرده‌اند یکی بمعنی سلامت باشد که سلامتی تو را باد دوم مراد اسم مخصوص رب قدیر ملیک باشد یعنی خدا بسلامتی تو
حافظ و وکیل است و حامی تو است سوم بمعنی تسلیم باشد یعنی انقیاد و تسلیم باد بر تو است هرچه فرمان تو باشد و مخالفت و منازعت تو بعید
و آنچه از ائمه و اخبار ایشان مستفاد میشود معنی سوم است و در تفسیر علی بن ابراهیم مذکور است که مراد که صلوات از خدا و تزکیه او
ثنا و از ملائکه مدح و از مؤمنان دعا کردنست برای آنحضرت و تصدیق و اقرار بفضل آنحضرت نمودنست و تسلیم و لامت و اکمال انقیاد
و طاعت نمودنست بآنچه خاتم الانبیاء از خدا آورده

در ذکر نکات و مباحث متعلقه بآیه صلوات یعنی

آیه ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما ترجمه آیه اینست که
بدرستی حقتعالی و ملائکه او صلوات میفرستند بر پیغمبر صلی الله علیه و آله ای کسانیکه ایمان آورده‌اید صلوات فرستید بر او و سلام
کنید سلام کردنی در کتاب احتجاج از امیر المؤمنین روایت کرده است که فرمود برای این ظاهریست و باطنی ظاهرش صلوا علیه
و باطنش و سلموا تسلیما یعنی تسلیم نمائید برای کسیکه او را وصی و خلیفه خود کرده است بر شما بآنچه باو سپرده است این
و منفعت آنچه من خبر میدهم تا دیگری کسی نمیفهمد که حس لطیفی و ذهن صاف و تمیز صحیح داشته باشد از این عباد
سر دلیست که چون این آیه نازل شد رخساره مبارک آنحضرت از غایت مسرت بر افروخته گشت و فرمود آیتی بر من نازل شده است
که در نزد من دوست تر است از دنیا و از هرچه در دنیاست و در بعضی کتب مذکورست که چون بعد از نفخ روح در آدم ملائکه بسجده او مأمور
گردیدند چنان خیال نمودند که بعد از آمدن خاتم الانبیاء البته باو سجده خواهند نمود و چون خاتم الانبیاء متولد گردید بسجده او مأمور
نشدند حقسبحانه و تعالی برای دفع شبهه تفضیل آدم بر خاتم علیهما السلام بجود خود بر آنحضرت صلوات فرستاد و ملائکه و
مؤمنان را نیز بآن امر فرمود تا ظاهر شود که اگر در آنجا مجرد ملائکه و تنها ملائکه بسجده آدم مأمور شدند و یکبار بود
جل جلاله با ملائکه و مؤمنان بر آنحضرت صلوات و درود فرستاده و در سجده آدم یکبار بیش نبود اینجا خدا و خلایق خدای تعالی
بر آنحضرت درود میفرستند و در کتاب ارشاد القلوب از موسی بن جعفر علیهما السلام منقولست که یهودی خدمت امیر المؤمنین
آمده و از فضل خاتم الانبیاء بر سایر انبیاء سؤال نمود و گفت خدای تعالی ملائکه را مأمور بسجده آدم نمود آنحضرت فرمود افضل از آن
محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله کرامت فرمود زیرا که حق صلوات بر آنحضرت با ملائکه و مؤمنان صالحین را تا قیامت مأمور بصلوات و سلام فرمود
که ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما که هر که در حال حیات یا بعد از رحلت
بر آنحضرت صلوات فرستد خدای تعالی ده صلوات و ده صلوات بر آنکس میفرستد و ده حسنه باو عطا نماید و هر که بعد از وفات بر
صلوات فرستد آنحضرت مطلع شده بر آن شخص صلوات و سلام میفرستد و حقتعالی دعای امت او را در هرچه خواهند بواسطه
صلوات قبول فرماید و اینها بزرگتر است و بیشتر از سجده آدم و حال آنکه سجده بر آدم نیز بواسطه انوار طاهره محمد و آل محمد بود
که در صلب آدم و حضرت آدم محل و ودیعه انوار طاهره بود بطفیل ایشان تقرب خلق و سجود ملائکه شد و دیگر از نکات متعلقه
بآیه شریفه ذکر کنیم در شهادت بتوحید خدا فرموده است که شهد الله انه لا اله الا هو و بعد از آن گواهی ملائکه را بر آن
عطف و علاوه فرموده که والملائکة و بعد از آن در سیم مرتبه شهادت مؤمنان را که اولوا العلم اند ثانیا بآن ملحق نموده
درود بر آنحضرت بخشت خود ابتدا کرده و بعد از آن صلوات ملائکه را خبر داده و بعد از آن مؤمنان را فرموده که صلوا علیه و الله
این استفاده میشود که اظهار شرف و فضیلت آنحضرت بر وجهی است که دل هیچ عاقل کنه آنرا نداند و زبان هیچ کامل بیان
شمه از شرح آن نتواند ادراک نماید و دیگر اشارتیکه در صلوات خدا بر اشرف مخلوقات نموده است توان فهمید نیست که مؤمنان

۱۰۳

در تحصیل محبت الفت و ربط میان محمد و آل محمد با صلوات مومنان

۱۰۴

بصلوات فرستادن رغبت نمایند زیرا که چون دیدند که حق سبحانه و تعالی با کمال جلال و کبریا بآنحضرت درود و صلوات می‌فرستند دیدند که وجود آنحضرت احتیاج و سزاوار درود و صلوات هستند که محتاج شفاعت آنحضرتند بهترین وسیله صلوات است و دیگر صلوات مومنان و ملائکه لائق جناب آنحضرت میگردد و در حکمت صلوات فرستادن ملائکه چنانکه آدمیان در معرض سهام بلیات هستند ملائکه نیز پیوسته از نزول قضا و قدر نشان دارند و اغلب ایشان هراسان می‌بودند حق سبحانه و تعالی برای امنیت خاطر و جمعیت باطن ایشان امر بصلوات فرمود تا از برکت آن از بلیات حوادث محفوظ و مامون باشند و اگر بعقوبتی مبتلا شوند بواسطه آن باز برهند روزی جبرئیل امین عرض کرد یا رسول الله امروز امر عجیب مشاهده نمودم که در وقت نزول از آسمان که از مکون قاف افتاده در آنجا آواز ناله دلخراش و فریاد جگرسوز بسمع رسید و الستم که محنت رسیده است که بال زار میخروشید از عقب آن ناله رفتم فرشته دیدم که پیش از آن او را در آسمان با کمال عظمت و تمام جلال دیده بودم که بر تختی از نور می‌نشست که هفتاد هزار ملائکه در خدمت او صف زده می‌ایستادند چون نفس میزد ملائکه از نفس او مخلوق میشدند و او را دیدم با خسته دلی شکسته بر زمین افتاده چون از حال او استفسار نمودم گفت که در شب معراج محمد مصطفی صلی الله علیه و آله من بر تخت خود نشسته بودم بتعظیم آنحضرت چنانکه باید برنخاستم و شرایط تبجیل و تکریم بجا نیاوردم بآن عقوبت مبتلا شدم و از درجه افلاک بحضیض خاک افتادم الحال استدعا از تو است که شفیع من باشی از حضرت ذو الجلال عفو مرا درخواست کنی من بدرگاه احدیت تضرع بسیار کردم و مغفرت او خواستم خطاب از رب الارباب رسید که با دیگر اگر مغفرت و ذلت عفو خطیئه خود را میخواهی بر حبیب من صلوات بفرست تا بمقام اکرام خود برگردد من صورت حال را بآن شکسته بال گفتم او بر حضرت ختمی مآب صلوات فرستاد بالهای او ریخته از مرکز خود بمحیط افلاک پرواز کرد و بجای عزت خود متمکن گردید و دیگر آنکه صلوات مومنان امور آخرت و دلیل جمعیت و برکت جمعیت در صفوف دریا بر چنانکه در حکمت تشریع جمعه و جماعت این نکته موجود است چون ملائکه دانا آدم را دیدند کمال رحمت بر میان بستند هر گاه بنظر امعان و تامل در بشر نورانی حضرت آدم ~~و بشر نورانی او~~ ملتفت شدند آواز صلوات بر رسید کاینات میکنند وقتیکه آدم کیفیت حال را از ایشان استفسار می‌نمود گفتند نوریکه از جبین نورانی تو تا به نظر ما بازتابد بی اختیار بلبل زبان ما بنغمه صلوات مترنم گردد و چون آنحضرت بظهور آمد خطاب بملائکه رسید که آن نوریکه از جبین آدم می‌دیدید این زمان در میان بنی آدم ظاهر شد چنانکه در آن زمان بمراسم تحیات اشتغال داشتید این زمان اولی است بوظایف صلواتش بپردازید تا بسامع صلواتش وجود خودش لبشاعات کرده و ببلیات محفوظ باشید و حکمت صلوات مومنان از هر جهت بیان میرسیده یکی آنکه صلوات ثمن شفاعت است چنانکه هر کس بیشتر ثمن بدهد متمتع زیاده سزاوار است هر چه خواهد چنانکه در میان عوام شهرت دارد در زمان حضرت حجة الله بیع و شرا موقوف بصلوات است در هر زمانی بطرزی با صلوات استظهاراً و باطناً و دیگر آنکه صلوات دلیل حقوق الهی و الدین حقیقی است بدلیل انا و علی ابوا هذه الامة چه پدر است و مرکز دل روشنی ست از نظر ربیت حضرا است و مرکز دل با کثرت ار از اثر تقویت انسانیت موافق علم حکمت روح انسانی برای تعلق بمعیشت ابدان و اشتغال بشاغل اجسام و حواس بدن در قبول انوار الهی ناقص دگرگون ملتبس شده بهره ممنند نمیتواند شد مگر در وقتیکه علاقه استفاده در میان او و روح پیغمبر حق که ذات حق در انوار کلیه انسانیت استحکام پذیرد زیرا که ارواح مقدسه انبیا از شوائب علایق و عوائق مصفی و مبرا است پیوسته از مبدا فیاض فیض کلیه ملتذ صحبت انسانیت و چون روح هر کسیکه مناسب با روح پیغمبر را بخود موافقت و رابطه بهم رساند لوامع انوار غیب از عالم اسرار بروح مطهر آن پیغمبر فایز میگردد پرتوی از آن بروح اکمل مناسب فیض مستعد او فیض یاب شده بنا بر این استفاده لمعات الاهیه و استفاضه برکات جبروتی برای ارواح این امت موقوف وجود مناسبت و آشنائی باسیرت و سریرت دیگر دارد رفتار آنحضرت و اوصیای و اولاد آنحضرت و هیچ رابطه و واسطه برای آشنائی بهتر از صلوات نیست و آنحضرت فرمود سزاوارترین مردم بمن در قیامت کسی است که صلوات بیشتر فرستد مولف بضاعت گوید تو شو که این رابطه با نماز خلط نگردد و این محبت با این نمازها باطل و بطالیه جمیع ملبوسه یادشمنی

انشاء و فساد اعظم ... بدعت صادر شد ۳۶

الهم با علم و معرفت با ادعای تمامی دقت و اصول تا محقق که عام مردم بسیار خوانده است العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء الرحمن
شیطانی بی سواد باشد از علم شیطان و شریح قاضی حاصل چه شد از علم چنین مبتنا آن نماز بدعت اختراعی واقع
در جای نمازی که پیغمبر و امیرالمؤمنین تعلیم فرمودند نایب ایشان مجتهدین تا ظهور نایب اللهی در تعلیم آن نماز رسالها نوشته خوانند
ما این کتاب را مشتمل بر قرائت و طمأنینه صورت و شکل آن آنچه نماز تعمیم را اصحت قرائت نماید نشر الطواداب دیگر احبار
واما حاجت دیگر صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم است که سبب محبت ایشانست با آن حضرت و آل طاهرین او مجتبیکه برای اهل ایمان از
صفای اعتقاد و خلوص نیت و دلالت و رستگاران صلوات بر اثبات این محبت بر دو وجه است یکی آنکه مثلا کسیکه بار آدمی
دیگر آنکه هر کسی که دوست دارد و طالب وسیله وصال او باشد هر چه دوست دارد و طالب وصال باشد علامت است که سلطان محبت
در سراپرده دل قرار گرفته است و زبان که مفتاح خانه دلست پیوسته بذکر محبوب جاریست پس بنده محتاج او که تا زنا نمائی ضایع صلوات
میکند از آنکه اقامه شهادتی مینماید بمحبت حبیب خدا جل جلاله و عامه و خاصه روایت کرده اند که مردی از حضرت رسول الله پرسید قیامت
کی خواهد بود فرمود چه چیز برای قیامت مهیا کرده چه عملی کار آورده عرض کرد که نماز و روزه و صدقه و نفقه بسیار اماده نکرده ام اما
محبت که خدا و رسول خدا را بسیار دوست میدارم آنحضرت فرمود که تو با آنکس خواهی بود که او را دوست میداری و این بشارتیست عظیم
برای اهل دوستان متاع اعمال که نقد محبت ایشان را بر محک اخلاص تمام عیار بر میآید بشرط نماز که از که واسطه قبولی اعمال
واجبات و مستحبات چنانکه ولایت واسطه قبولی اصول و فروع است و بعبارت اخری حبیب الکثیر احسن بسیار طلای اعلا نماید
ماست بدون عاید نگاه داشته خصوص وقتیکه مایه خراب و بدعت و نماز بی قرائت باشد علاوه بر بطلان اعمال کار فرام نماید
و مستخف بالصلوات که مدعی اسلام و تمنای آنهاست داور قصور نماید چه فرمایشات دیگر است بهانه خرابی از غرور علما و عدم ملاحظه
نتایج کلام روی داده و قلب معتبرین علما شد پس عالم باید چهار چشم بلکه هزار چشم باشد در اعمال و اقوال خود و جواب مردم نتایج
فاسد نه اشتغه باشد فساد علما فساد سیم عالم خواهد شد یعنی از فساد واقعه کربلا و شهادت مظلوم کربلا هزار درجه بالاتر داشت
که واقعه کربلا و شهادت سید الشهدا علیه السلام باعث ترویج دین شد این فساد علمای سوء واسطه تخریب دین خاتم النبیین صلی الله علیه و آله شد پس محقق
که فساد سیم دنیا این نماز بدعت اختراعی و ترویج اوست یعنی وجود شیطان فساد اول و بیا و اهل دنیا سوم ضلال هر خلائق و دلالت
فساد سیم تغییر نماز خدا و رسول خدا ... علم شریف قرائت نیست که ... از افراد اسلام و ایمان در این هزار سال
که شیطان همیشه در فکر ترویج و ترغیب فساد و غرور علماست هر عالم دانا که عالم را ضایع نماید الامام تو واسطه فساد علما کرده اند
العالم فسد العالم و ما این حضرت صادق آل محمد در هر حال اگر در نظر باشد باین بی بضاعت فرمودند و کسیکه ... علما را امام
حضرت و نمود فساد علمای سوء هزار فساد ابن زیاد در کربلا روز عاشورا کرد و عیال و اولاد چه مطیعان داشت ... عالم
مذموم است علم اینست که ره بنماید جهل گمراهی از دل بزداید علم منفعت علم عاشقی مابقی تلبیس ابلیس شقی اعظم مدرس
ابلیس بود چه شد و از شاگرد تلامیذ حضرت امام جعفر صادق مذاهب اربعه در حال حیات و حضور خود آنحضرت اختراع کرده ترویج
شریح قاضی اول مدرسین و مقتدیان و شمار معتمد اهالی ... او در ایام خلافت و سلطنة ظاهری و باطنی مولای کل مولانا امیر
بسکه تسلط تامه و معتمد و مرجع اعلا و ادنی بود ... فتنه عظیم باشد اگر جان نبود عزلش میکرد علاوه تمامی تغییر و تبدیل کتب سماوی
انبیای سلف و خلف نیز نقصان کلام الله ... و دیگر ... عالم صوریان معتمد و موثق و ... صدور الناس
جن بر عالم سامری در دست ... سقیفه ارکان جهل و نادانی اسرار معرفت العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء اگر چه عوام
علم عالم گمراه چنین تعلیم صنایع دیگر بلکه هزار درجه تر تخریب دین مؤمنین و دشمن خدا و رسول ... مشهور که چنین عالم جاهل
میدان طرفه و نباید که ... از او کمتر مایل بدعت و معتقدین بدعت باشند از صحت قرائت نماز و تعلیم و تعلم صحت نماز باشاره و کنایه
مخترعین بدعت خلافت و امامت و مرتدین اصحاب بدعت در زمان غیبت در ضلالت ... صاحب الحج که شیعیان باشند

۱۰۵

اشاره باقل مراتب بدعت دعا عقیب تحجیر بودن

۴۹

در بسیاری از کتب معتبره نیز مذکور است که خاتم انبیا در سر پا موعظه میفرمود منبر نبود عجوزه خواهش نمود از آنحضرت استیذان نمود که پسرم نجار است منبری از برای شما
بنا نماید که بر سر آن ایستادن برای اصحاب که آسوده بشنوند پس آن شکل منبر سه پایه چوبی از چوب بنا کرد روز اول در مسجد رسول الله چون حضرت پای
در پله اول نهاد فرمود آمین و در پله ثانی و ثالث نیز فرمود آمین اصحاب سبب سؤال پرسیدند که بار الها که دعا میکرد که شما آمین فرمودید گفت فرمود
چون پله اول پای نهادم جبرئیل دعا میکرد که الهی شنگار مباد کسیکه اسم مرا بشنود و صلوات بر من و اولاد من نفرستد من آمین گفتم در پله دوم گفت
الهی شنگار و ننما رحمت مبارک کسیکه پدر و مادر یا یکی از والدین او از خود راضی نکند آمین گفتم در پله سیم چون پا نهادم جبرئیل گفت الهی شنگار
مبارک یکماه مبارک از او بگذرد برای حق مغفرت از درگاه الهی کسب ننماید من آمین گفتم پس تأمل نما دعا کنند جبرئیل باشد آمین گوینده
خاتم انبیا با مرضا او در مسجد رسول خدا در شهر مدینه اول بنا منبر در مجمع بنای دین اسلام کجا است که چنین دعا شود موجب حال کننده
صلوات بدون ضم و ضمیمه آل محمد را صحیح و کم کردن راه بهشت است اجمالا چنانکه عامه بر آنست در صلوات میان اسم مبارک آنحضرت
آل آنحضرت علی ع علاوه بدعت که از راه صحیح است در اینست کم کردن مقدم کلام فرمایش صادق آل محمد است فرمود کسیکه در
یا قنوت در نماز بگوید یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک سبب امن فشار عذاب قبر است راوی برای حفظ و ضبط آن
مکرر مذاکره میکرد میگفت یا مقلب القلوب والابصار حضرت تغیر و اظهار کراهت فرمود که هر چه من تعلیم نمودم ادا بکن تغیر
دلیل بر آنست که بدعت بیشتر علاوه و تا کجای در اذان و اقامه الکسی بقصد ورود بگوید اشهد ان امیر المؤمنین علیا ولی الله
و امثال این که کمال اجلال و اظهار اخلاص قایل است نمیدانم حالت کسانیکه صحت نماز قاری پسند احتیاطی و ملاحظه آراء
جمیع مجتهدین ماضی و مستقبل عوض اول کفه بنماز غلط بدعت اضراعی و قاریان و تعلیم و تعلم نماز و باشاره کنایه ۱۰۶
برداشتند و این ضرعی و چنان ترویج داده که حالت از صد نفر یک نفر قاری نیست بلکه محتاج نماز سقط قضا باشند خواهند بند
ببین تفاوت این بدعت با آن بدعت که آنحضرت تغیر یافت رای پیغمبر خود همین عالم نما جاهلان از قبل امام زمان شنبه و گمراه نمودند
ایها الناس این امام از اولاد خاتم النبیین ص ... رحم بر دل ندارد بلی اگر یک زبان کم چنانکه بدعت از مخارج و بعضی از صفات حروف
بخلاف قاعده باشند یا تغیر معنی باشند یا قاعده ادای حروف مبطل و بدعت و صحیحان بدعت مسلم است بی ایمان و کافر از دنیا
خواهند رفت چه سبب شایعی شده که قرائت بدعت نکردند حکم صحت و فساد نماز خود و دیگران داده بغیر از نفس حق
ومن لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون در آیه دیگر ظالمون آیه دیگر فاسقون شاید هر سه منصب سلاله باشد برای
آنکه مرا بشمار فاضل و کامل دانسته عوام کالانعام بل هم اضل و با همان نماز باطل بی صرافه مشغول بشمار شده
بسیار بخشم خود و بدعتم و الا دیدم ایشان را اسلاهای بی عرضه باز آرای قبول نمایم اگر فی الجمله سر رشته از عالم قرائت داشته باشی میبه ...

فصل یازدهم در اقسام صلوات

قال الله تعالی در سوره الاعراف واتل علیهم نبأ الذی آتیناه آیاتنا موافق تفسیر صافی در باب بلعم باعور است که از بنی اسرائیل بود
و مطابق است تا روز قیامت شامل حالت بنده کان حق از اهالی قبله و غیر قول امثال مغیره ابن سعید مطیع دائمی عبادت او
اسم اعظم خدا عطا فرموده بود که حالت تقوی و دلیل بود از صلحای عصر مستجاب الدعوه هر دعای که در حق مومنان میکرد مستجاب میشد
و سر و سرا از بت پرستی منع میکرد و چون عابر خصوصا استغفار سال منتهی گمراه کفر از دنیا رفتند و چنین هیئه صالح از طایفه قریش
بسیار متعبد و زاهد پسرش از زبیر در زمان خاتم انبیا شنبه روز یکه شب دامادی اول صبح زفاف بجهاد شنیدن از فضیلت
آنحضرت جمال عمل سابقه کهف طاعت مولی مقدم برعلت منبر سم تاخیر هر مولایم باشد حالت جنابت رفت بجهاد
و در همان جهاد شهید شده و در وقت برداشتن جنازه اش در جنازه او قطرات آب دیده حضرت فرمود او جنب بود
ملائکه او را با آب بهشتی غسل داده اند معلوم است که شهید او در وقت قبض روح پسرش در زانوی حور بالیست باید آنکه باشد
مع ذلک حضرت فرمود پسر با این حالت پدرش با همه الصلاح و التقوی با کفر از دنیا رفت زیرا وقتیکه خبر غسل خاتم انبیا

دید

در موعظه و امتحان و عاقبت بد آن کسانی که کلمهٔ حق

دید که تمام مردم متابعت جناب آنحضرت نموده در بیعت شده و صومعهٔ او از عبادت و توجه تمام خالی شده حسد و فضل او در خشم شده
غلبه غرور و کبر بر او داشت که بنای تعارض نهاد چنانچه تعارض او با زمان امیر المؤمنین با آنکه خود قبل از آن بوده در کتب
در کتب سماوی خوانده بود فضایل آنحضرت را با ایمان آوردن آنحضرت میخواند و مردم را ترغیب میکرد و فضیلت امتحان میان آمد
چراغ ایمان خود و متولیت نگاه نتوانست کرد وقت امتحان خدا او به نفرین کسانی رسید که فی الجمله کار توانند رشته
ریاست دو توانا بود اوراً خصوص ریاست کلیه حقیقی است کسانی رسید که باکمال ریاضت و ریسمان دقیق و فاقه در
مدرسه‌ها کسی اعتنا بایشان نمیکرد بسیار خود را هدف تیر فوحی بلند نموده بعضی طلاب که در صحرا و کوه‌ها با خشکی ریاضت
وارد مدرسه شد فورا امور دیگر پادشاهی و فرمانفرمای رود تر بار برآورد خصوص چند سال ریاضت کرد سنگی بر
غلاف داشته و بواسطه اصل بی اصل اسم داشته باشد خود را ممتاز با رئیس بلند خود و بالا از مجتهد تصور نماید الا آن
که بعد از آن برخود و صورت بیامرزد با جماعت فقیر فقیر احوال نماید اگر چه اکثر آیات اهل غرور سنگینیای اگر توفیق باشد دراین
محل با شارات خواهیم نوشت موثر نگردد شد مرض غرور بدتر از مرض آکله است برای اتمام حجت با او اگر خواهیم منع
مهابلعم آنست که خداوند در آیه مذکوره میفرماید فانسلخ منها لباس عزت دخور را ازبدن و چه او برکند در آخر از
الکفار بان نموده بعد از آن میفرماید فاتبعه الشیطان تابع شیطان شد چنانکه در آیه دیگر میفرماید ومن یعش عن ذکر الرحمن
نقیض له شیطانا فهو له قرین بعد میفرماید فکان من الغاوین که نتیجه مصاحبت شیطان است چنانکه بلعم با عورا حضرت موسی
اعراض نمود با وجود مستجاب الدعوه و اسم اعظم دانستن مایل فرعون با مستدعای فرعون رفت با آنحضرت مواعظ کرده او را مهلت
نفرین نماید او را به ملکه مرکب حمار سوار شد خواست لعن جناب موسی بر خود حمار تکلیف نمود هر قدر سعی کرد حمار قدم
خرح خداوند حمار را به نطق آورد فقال و یلک یا بلعم ماذا الضرب تحت ترید ان اجیء معک لتدعوا علی نبی الله وقوم مؤمنین
ثابت ایستاده آنقدر بزد که مرد و انسلخ الاسم الاعظم من لسانه بعد میفرماید ولو شئنا لرفعناه یعنی اگر خواهیم او را رفعتی
میدهیم در پی ابرار و علما و اخیار ولکنه اخلد الی الارض و او خود میل بدنیا دارد واتبع هواه تابع بود دنیا جرأت حضور
آیات شد لیل تفهیم فمثله کمثل الکلب ای فی جنس احواله ان تحمل علیه یلهث او تترکه یلهث یعنی با اهل موعظه با تمام خواه
ذلک مثل القوم الذین کذبوا بآیاتنا فاقصص القصص لعلهم یتفکرون ساء مثلا القوم الذین کذبوا بآیاتنا
وانفسهم کانوا یظلمون من یهد الله فهو المهتدی ومن یضلل فاولئک هم الخاسرون ولقد ذرأنا لجهنم کثیرا من الجن
والانس لهم قلوب لا یفقهون بها ولهم اعین لا یبصرون بها ولهم آذان لا یسمعون بها اولئک کالانعام بل
هم اضل اولئک هم الغافلون آیات آیاتیکه در باب دشمنان کفار و دشمنان خدا در شأن بازگشته باشد من در عالم
صدر آن مصداق آن آیات و حکام بود باشیم اگر جهنم و مجازات اللهی اصلا برای من و تو نباشد این عار و ننگ برای ما کافی
دار عذاب جهنم بدتر است خداوند حاکم است که در محضر خدا و رسول این رسوائی هزار درجه در حساب جمع بدتر است اگر عار و ننگ
باشد آثار حیا باشد و اگر حیا داشته باشیم چنین دنیا از آیات قرآنی و حضور پروردگار نباشد امر دیگر است که الحیاء من الایمان
آدم بی‌حیا دین ایمان را ذره اثر نکند بخشیدی آنکه هر روز در قرآن میخواند و در کتب اخبار دیده دارد علمای مشغول اصلا بر خود ملزم که کل
مخاطب خدا و رسول و ائمه و صحبت علما با آنست بجا داشت و کفار و حیوانات کوه و صحرا است نماز ما از دولت علم و فضل
طاعات ما تلاش معصوم و امام است با عیوب نمازهای کسیه و چشم فرما اصلاح نماییم جهل سالک تفصیل کدام معانی و سبب نزول آیات و نماز و
قرآن را میبایم نکاح و طلاق و عقود و ایقاعات مردم با امانات و نیابت مجتهدین در دست ما است چنانکه شیطان را این غرور داشت
لباس ما لعنت خدا پوشاند از قیامت نیز از رحمت اللهی تمنای مغفرت و رحمت میدارد عجب‌تر آنکه این بیچاره در دنیا آرزو
زیاد بر شیطان دارد که در مدت این جهل سال اغوای مردم و نشستن در مسند غصب خلافت علمای صاحبان حرف و حشمت

در اشاره بمیزان کارهای دنیا و [illegible] ۵۲

بسیار کم دیدم صرافی نماز حقه را در این روزها با قاریان دیگر نمایند و اشتباه حقه را برسند و حال آنکه بمحل حیات تصور نمایند [illegible]

و اختلاف و کثرت [illegible] در این علم با وجه بلکه حتم مقدم که اولی مخلص و محقق طالب عاجزی از رسالجات و مجتهدان این علم اکثر [illegible]

[illegible] این علم محقق قرائت [illegible] و هر یکی [illegible] دارند برسیل [illegible] و این جمل ذکر خواهیم که در این جمله [illegible] مختص [illegible]

از فضایل صلوات و اقسام صلوات و زجه الصلواه و اسرار و احکام و فضایل نماز دو واجب و احکام [illegible] با بعضی اخبار [illegible]

و اهالی بدعت [illegible] علمای سوء و محرابان دین [illegible] نماز بدعت [illegible] که بلکه از راه امر معروف اهل غرور و [illegible]

دیگر و صاحبان [illegible] ایشان داون که مومنان [illegible] اهل بدعت [illegible] که از تصحیح نماز حقه [illegible]

[illegible] این [illegible] عالم صورتان معنی [illegible] استحکام [illegible] که از هزار نفر عالم صورتان [illegible] نماز [illegible]

احتیاطی [illegible] نماز مسقط قضا [illegible] این جماعت طلاب عالم و [illegible] از فضل کرم [illegible]

بقدری از نعمت حیاء [illegible] جهة نماز [illegible] بنمایند [illegible] تا در تصحیح و صرافی نماز [illegible]

صنعت شیطانی احتراز و احتیاطی [illegible] در رسالات و عاجزان صحت نماز حکم صحت و فساد [illegible]

و حقه [illegible] بدعت [illegible] و اباء [illegible] نصایح این [illegible] با انصاف اسلام و ایمان [illegible]

حقه [illegible] امید دارم در اوقات از دعای خیر فراموش نمایند اگر چنانکه [illegible] از صاحبان [illegible] و [illegible] تحقیق نمایند تجربه [illegible]

اخلاص دو [illegible] این روسیاه را که خداوند میفرماید فاوفوا الکیل و المیزان و لا تبخسوا الناس اشیاءهم و لا تفسدوا فی الارض بعد

اصلاحها ذلکم خیر لکم ان کنتم مومنین [illegible] مراد از کیل و میزان خطاب [illegible] بلکه در جمیع کارهای دنیا و آخرت میزان [illegible]

١٠٦

[illegible] این [illegible] که [illegible] فهم [illegible] و مراد از خسارت [illegible] مردم [illegible] باشد و مراد از

[illegible] فساد [illegible] اصلاح امور دین و دنیا [illegible] اصلاح [illegible] مستقیم

[illegible] جهان [illegible] و [illegible] از جمله کارهای عظیمه نماز [illegible]

احکام [illegible] اما عالم صورتان [illegible] جهان [illegible] جمعی [illegible]

[illegible] که ایها الناس [illegible] و قرائت کافی است [illegible] که خود نماز [illegible] مرد و [illegible]

[illegible] و حسن این [illegible] دیگر میفرماید ولتنظر نفس ما قدمت لغد و اتقوا الله در [illegible]

[illegible] تمامی اعمال و حرکات و سکنات [illegible] هر روز [illegible] صبح و شام [illegible] شریک [illegible]

ملاحظه [illegible] با اعمال حسنه [illegible]

[illegible] واجب و سنت و حرام و مکروه و [illegible]

این قلب اشد قسوة من الحجارة [illegible] قال الله تعالی ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا علیه

و در عدة الداعی از امام جعفر صادق [illegible] از رسول خدا [illegible] که در مجلسی جمع شوند [illegible] و بر خاتم انبیاء [illegible] صلوات

[illegible] روز قیامت بر ایشان [illegible] و بهمین مضمون [illegible] در کتاب مکارم الاخلاق نیز مذکور است

از حضرت رسول [illegible] هر که در مجلسی جمع شوند و متفرق شوند و [illegible] صلوات [illegible]

این قبیل اخبار [illegible] از حضرت رسول [illegible] که هر که صلوات [illegible] در کتب [illegible] صلوات در آن کتاب

[illegible] ذکر [illegible] صائم النهار و قائم اللیل [illegible] در وقت رسیدن نام [illegible] صلوات

[illegible] در خواب دیدم که [illegible] غضب [illegible] در وقت رسیدن نام [illegible] صلوات [illegible] ترک [illegible]

بروایت [illegible] در وقت رسیدن بنام نامی [illegible] ترک [illegible] صلوات [illegible]

[illegible] تمام [illegible] که [illegible] افتاد از [illegible] باین طور [illegible] اللهم صل علی محمد و آل محمد

دارز

در ثواب صلوات فرستادن بر آنحضرت

٥٣

و از ابن بابویه از ابوحمزه روایت کرده است از امام جعفر صادق پرسیدم چگونه صلوات فرستیم بر محمد و آل محمد سلام الله فرمود
بگو صلوات الله و صلوات ملائکته و انبیائه و رسله و جمیع خلقه علی محمد و آل محمد و السلام علیه و علیهم
و رحمة الله و برکاته عرض کردم چه ثواب باشد فرمود که از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده
در روایت دیگر حضرت صادق این طور تعلیم فرموده اللهم صل علی محمد و آل محمد کافضل ما صلیت علی ابراهیم و
آل ابراهیم انک حمید مجید موافق اخبار صلوات بطریق مشهور گفتن بهتر است و بهتر آنست که [illegible]
اللهم صل علی محمد و آل محمد بگوید اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و حال آنکه بهتر است از [illegible] شنیده بگو ابن بابویه و شیخ
طوسی باسانید مختلفه از امام جعفر صادق روایت کرده است که روزی رسول خدا ص بامیرالمؤمنین ع فرمود که ای علی میخواهی ترا بشارت
دهم عرض کرد البته میخواهم یا رسول الله فرمود که جبرئیل مرا خبر داد بامر عجیب و گفت هر که از امت تو بر من صلوات بفرستد و
با فرزندانم قرین [illegible] فاصله ذکر نماید درهای آسمان برای او گشوده میشود و ملائکه هفتاد صلوات برای او فرستند هر چند گناهکار
باشد گناهان از او بریزد مثل آنکه برگ از درختان بریزد و حقتعالی او را خطاب فرماید که لبیک یا عبدی و سعدیک
پس بملائکه میفرماید که ای ملائکه من شما او را هفتاد صلوات فرستادید من برای او هفتصد صلوات میفرستم و هر که صلوات فرستد
میان او و اولاد او فاصله گذارد میان او و آسمان هفتاد حجاب حایل باشد و خدا فرماید لا لبیک و لا سعدیک و هر که
بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد ما و شیعیان ما همه در آن داخل باشیم موافق بعضی اخبار گویند صلوات او هزار حسنه نوشته
شود و هر که بگوید صل الله علی محمد و اهل بیته هزار حسنه برای او خواهد شد در حدیث دیگر امام جعفر صادق فرمود هر که ده بار
صلوات فرستد حقتعالی و ملائکه صد صلوات براو فرستند و هر که صد مرتبه فرستد خدا و ملائکه هزار بار براو صلوات میفرستند
هو الذی یصلی علیکم و ملائکته لیخرجکم من الظلمات الی النور و کان بالمؤمنین رحیما ایضا رسول خدا ص فرمود که هر که
بر من یکبار صلوات فرستد حقتعالی براو ده بار صلوات فرستد و هر که ده بار فرستد خدا تعالی صد بار صلوات بر او میفرستد و هر که صد
بار فرستد خدا هزار بار صلوات براو فرستد و هر که حقتعالی براو هزار صلوات فرستد هرگز او را با آتش عذاب نکند و در روایت دیگر
در مقابل یک صلوات حقتعالی ده صلوات و ده درجه بلند کردن و ده گناه آمرزیدن بفرمایش رسول خدا ص و از کتاب جامع الاخبار از
عبدالله ابن عوف روایت است که رسول خدا ص فرمود که جبرئیل بر من آمد و مرا بشارت آورد که حقتعالی میفرماید هر بنده که
بر تو صلوات فرستد هفتاد هزار ملک براو صلوات میفرستند از امت خواه بعد در کتاب [illegible] منقول از حضرت امام حسن مجتبی سلام الله
روایت کرده که از رسول خدا ص سوال کرده از آیه ان الله و ملائکته یصلون علی النبی آنحضرت فرمود این از علمهای مکنون است و اگر
من سوال نمیکردید شما خبر نمیدادم بدرستیکه حقتعالی دو ملک بر من موکل نموده که چون نزد بنده مذکور شوم آن بنده بر
من صلوات فرستد آن دو ملک گویند خدا ترا بیامرزد و حقتعالی و سایر ملائکه بر دعای آنها آمین گویند که خدا او را بیامرزد پس خدا
تبارک و تعالی و سایر ملائکه بر دعای آن دو ملک آمین گویند کنایه است بر آنکه این دعا رد نخواهد شد و در این مطلب شاهد است
کتاب عوالی اللآلی با این عبارت که هر که مرا صلوات نفرستد و هنگام نام من نزد او مذکور شود آن دو ملک گویند خدا او را نیامرزد و
خدای تبارک و تعالی و سایر ملائکه گویند آمین و در بعضی اخبار عامه وارد است از عامر بن ربیعه که از رسول خدا ص شنیدم که هر که بر
من صلوات فرستد ملائکه براو صلوات میفرستند مادام که مشغول است بر صلوات فرستادن هر که خواهد کم فرستد یا بسیار فرستد و
در کتاب زهرة الریاض که از کتب عامه است که رسول خدا ص فرمود حقتعالی را ملکی است دو بال دارد یکی در مغرب و یکی در مشرق
پاهایش در زمین هفتم و سرش در زیر عرش برای آن ملک بعدد همه خلایق از جن و انس و حیوانات صحرا و دریا بعدد
همه انفاس ایشان و بشمار قطرات باران و برگهای درختان و ستارهای آسمان و ریگهای بیابان چون یکی از امت من بر من صلوات
فرستد حقتعالی آن فرشته امر فرماید که در نهر نور که در زیر عرش است غوطه خورد بیرون آید و بجنباند بالهای خود را [illegible]

در ثواب صلوات فرستادن بر آنحضرت و فضیلت [illegible]

١٠٩

در اشاره به نتایج و ثواب صلوات فرستادن

۵۴

از هر لب در بین قطره تبلیه خیزد حق تعالی از هر قطره آن ملکی بیافریند تا روز قیامت برای آن بنده استغفار کنند و در بعضی کتب
ان الملک هزار هزار صلوات فرستادن خلق شده مشهور است وسیله به خدا با صلوات نزدیکتر برای بنده ما دام که بر حبیب تو صلوات می فرستد
و در کتاب عیون المجالس که از کتب عامه است روایتیست که چون یکی از بنده گان بر رسول خدا صلی الله علیه و آله صلوات فرستد
منادی از عالم غیب ندا کند که حقتعالی بر این بنده ده بار صلوات فرستاد و جمیع اهل العالم و اهل آسمان اول بر سه هزار بار
بر او صلوات فرستند و جمیع ساکنان آسمان دوم سه هزار بار بر آن افزایند و همچنین تا آنکه نزدیک سدرة المنتهی برسد
و هفت هزار که رسید حقتعالی بملائکه خطاب فرماید که شما از عهده صلوات بنده من نتوانید بیرون آمد آن را بمن گذارید
تا آنکه من جزای او را خود دهم و هم اینست که کنز ان ادعیه پیامبرم در اخبار دارد که چون بنده بر رسول خدا صلوات فرستد حقتعالی
تبارک و تعالی از آن صلوات عمودی از نور آفریند که یک طرف آن در زمین است و طرف دیگر آن در آسمان و آن عمود هفتاد هزار شعبه دارد و به
هر شعبه هفتاد هزار رشته دارد و بر هر رشته هفتاد هزار کنگره است و بر هر کنگره هفتاد هزار زبانست و بهر زبانی هفتاد هزار لغت تکلم می نماید
و جمیع آن ملائکها با همه آن زبانها و لغتها برای صلوات کوبنده استغفار میکنند تا روز قیامت و از جمله خواص صلوات سبب تقرب الی الله
چنانکه در علل الشرایع ابن بابویه از امام حسن عسکری ع روایت کرده که حقتعالی حضرت ابراهیم ع را خلیل خود نمود برای آنکه بر محمد و آل محمد
بسیار صلوات میفرستاد و در کتاب مجمع اللطایف و روضة العلما مذکور است که حقتعالی بموسی ع وحی فرمود که میخواهی من بتو نزدیکتر
باشم از تکلم تو بزبان تو و از دیدن تو بچشم تو و از گوشت شنیدن تو و از اندیشه تو بدل تو حضرت موسی علی نبینا و آله و علیه السلام عرض
کرد الهی البته این نعمت را طالبم نیست این مقام مرا گر از خطاب شد چون این سعادت را طالبی حبیب من محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله
بسیار صلوات بفرست زیرا که صلوات رحمت است و نور و هدایت و در کتاب شفاء السقام که از کتب عامه است مذکور است که حقتعالی بموسی ع
وحی فرمود که من در وقت سخن گفتن با تو ده هزار گوش آفریدم تا کلام مرا بتوانی شنید و ده هزار زبان در تو آفریدم تا جواب مرا توانی
داد و با اینهمه محبت و قرب من نزدیکتر که صلوات بر حبیب من و آل او بسیار فرستی و از امام جعفر صادق ع روایتست که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود صلوات فرستادن شما بر من باعث برآورده شدن حاجات شماست که خدا از شما راضی شود و اعمال شما پاکیزه گردد چنانکه
در همه دعاها علامت قبولی دعاها است و گفته اند هر دعائی مردکسی را خوشنود و راضی کند اول است و اهم و علیف ورت رسم خدا است
و صلوات او عین رضای الله است در کتاب مکارم الاخلاق روایت که سزاوارترین مردم بمن روز قیامت کسی است که در دار دنیا بر
بیشتر صلوات فرستد و در بعضی از کتب عامه مذکور است که در قیامت اول کسیکه حله بهشت پوشد پدرم ابراهیم است و کرسی بطرف
راست عرش گذارند او بر آن نشیند بعد مرا حله بپوشانند و کرسی در طرف چپ عرش گذارند و مرا بر آن نشانند و امیرالمؤمنین علی بن ابی
طالب در پیش روی من بایستد و تمام امت در عقب سر من بایستند با تفاوت درجات هر بنده که در عقب هر نماز فریضه و در هر شب
آل من صلوات بفرستد او را در پیش رو جای دهند و سرا بلند گردد و او را بلبیان و ردی او که آسمانها شب چهارده تابان باشد و از جمله خواص
حصول شفاعت آنحضرت علیه السلام است از جمله وصایای آنحضرت است برای امیرالمؤمنین که یا علی هر که هر روز یا در هر شب بر من صلوات فرستد شفاعت
من برای او واجب است هر چند که از اهل کبایر باشد و فرمود هر که بر من صلوات فرستد من شفیع او باشم روز قیامت باز آنحضرت فرمود
هر که بر من صلوات فرستد ای جبنه چه بیشتر مطابقة در صلوات فرستادن عمر سعی نماید از دست شفاعت من در یابد و گفته اند که
که اگر برای صلوات هیچ ثواب دیگر نبود همین شفاعت کافی بود چه جای آنکه متفرعات دیگر بر آن مشتمل و قاعدات است
کسی عرض کرد که صلوات فرستادن امت برای شما که هست آیا از جانب شما نیز که برای ایشان خواهد بود آنحضرت فرمود
امروز صلوات امت بر من تحفه است و فردا تحفه من برای ایشان در بهشت خواهد بود یکی از علما گفته اند که حضرت محمد فرمود
چنان معلوم میشود که چیزیست که ملائکه نیابه ورت نمیتوان و لیکن و صف آن نتوان و نیست که دانستن آن را امروز آنچه در کتاب ارشاد
القلوب از حضرت امام موسی ع منقولست که در ضمن حدیث طولانی که بعضی از حضرت امیرالمؤمنین ع سؤال کرده ... آل محمد اشرف

حام

در فضیلت و ثواب صلوات بسیار فرستادن بر محمد و آل محمد

خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله که آنحضرت فرمود هر کس بر آنحضرت صلوات فرستد بر صلوات دهنده حقتعالی [illegible] عطا فرماید و هر کس بعد از وفات
صلوات فرستد بر آنحضرت بر آن اطلاع دارد و صلوات و سلام او را جواب دهد و در کتاب جامع الاخبار مذکور است که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود حقتعالی ملکی را موکل فرموده که بر قبر من ایستد [illegible] که هر کس صلوات بر من بفرستد میگوید که فلان کس بر تو صلوات فرستاد
اسم او را با قبیله اش که دارد آن را در صحیفه [illegible] نزد من آورد و نیز در جامع الاخبار مذکور است که رسول خدا فرمود که
هیچ کس بر من صلوات نمیفرستد مگر آنکه عرض کرده میشود و در کتاب روضة العلما مذکور است که هر بنده که بر من صلوات فرستد
حقتعالی ملکی میفرستد که [illegible] صلوات را به روضه آنحضرت رساند و پیش روضه انور ایستاده میگوید
یا رسول الله فلان بن فلان صلوات فرستاده است آنسرور فرماید که ده درود من بر او رسان و بگو که اگر یک صلوات دیگر
بگوئی تو را به بهشت میرسانم [illegible] شفاعت من [illegible]
ده صلوات است [illegible] پس همان ملک [illegible] آسمان بالا میرود نزدیک عرش می ایستد و میگوید خدایا
فلان بن فلان بر حبیب تو یکبار صلوات فرستاد خطاب رسد که ده صلوات از من بر او رسان و بگو اگر یکی دیگر [illegible]
دوزخ [illegible] پس خدای تعالی با ملائک فرماید که [illegible]
رسانی و در کتاب خصال از امام جعفر صادق روایت کرده است که در آخر روز پنجشنبه و شب جمعه جمعی از ملائکه از آسمان فرود
آیند با ایشان باشد قلمها از طلا و لوحها از نقره در آخر روز پنجشنبه و شب جمعه و روز جمعه تا وقت غروب شمس چیزی بجز صلوات
بر پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible] نمی نویسند و در بعضی کتب عامه مذکور است حقسبحانه و تعالی را جمعی از ملائکه در میان
آسمان و زمین [illegible] قلمها و صحیفه ها در دست [illegible] نمی نویسند مگر صلوات بر محمد و آل محمد میفرستند و در همان کتاب مذکور است
که همان ملائک که صلوات [illegible] چهار [illegible] یکی در مغرب و یکی در مشرق و یکی بر عرش و یکی در روضه مطهره آنحضرت
و چون آن ملک صلوات آن بنده را بعرض رساند آنحضرت فرماید که آن امانت است نزد من که در روز قیامت با آن بنده رسانم
و نیز در کتاب مذکور است که چون ملائکه نام بنده را در صحیفه صلوات بنویسند حقسبحانه و تعالی فرماید که آن را در خزانه دار الغیب سپارید
[illegible] الصحیفه [illegible] نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله تا روز قیامت و چون در آن روز بنده در مضایق [illegible] ملائکه آن
صحیفه را بیرون آورده و او را به منزل کرامت میفرستند چنانکه در کتب بسیار مذکور است که در روز قیامت بنده از امت
[illegible] نزد میزان بیاورند و اعمال او را می سنجند و کفه حسنات او سبک باشد امر کنند که او را به دوزخ برند
بنده از ملائکه می پرسد که در باره من چه حکم جاری گردید ملائکه گویند امر شد [illegible]
[illegible] ملائکه گویند که [illegible] در دنیا [illegible]
آن بنده گوید که من از فرزندان آدم هستم [illegible]
[illegible] ملائکه گویند که [illegible] محمد صلی الله علیه و آله و سلم [illegible]
[illegible] السلام علیک یا رسول الله [illegible]
[illegible] فرماید تا کنار دوزخ آید [illegible] ملائکه آنحضرت را تعظیم [illegible]
که فرشته [illegible] آنحضرت [illegible] فرماید که این بنده [illegible] اعمال او [illegible]
خطاب رسد که این بنده [illegible] اعمال او [illegible] آنحضرت دست [illegible] گرفته نزد میزان آورد [illegible]
ترازوی اعمال او [illegible] آنحضرت دست در جیب صحیفه آورده [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible]
که در میزان من [illegible] فرماید [illegible] صلوات [illegible] در دنیا بمن فرستاده

111

فصل دوازدهم در بیان ثواب و فضیلت صلوات بر محمد و آل محمد ع

شخصی از اهل سنت نقل نمود که من در صلوات فرستادن بر سید کائنات صلی الله علیه و آله و سلم
تکاهل داشتم و در این باب اهتمام و سعی جمیله نمی‌نمودم تا اینکه شبی آنحضرت را در خواب دیدم که التفاتی به من نفرمودند
از هر جانب که رفتم اعراض فرمودند چنانکه گویا از من ناخوش بودند عرض کردم یا رسول الله چرا به نظر التفات در من نمی‌نگرید
روی مبارک میل داده و فرمودند متوجه نبوده تمام عرض کردم من یکی از اهل سنتم شنیده‌ام از علما که پیغمبران از خود
بهتر از پدر و فرزند حق ایشان می‌شناسند و فرمودند معرفت من ثابت است بقدر فرستادن صلوات ایشان بر من تو که مرا نشناسی
من چگونه ترا بشناسم بعد از آن خوشنود کردم من از خواب بیدار شدم بر خود لازم دیدم که هر روز صد بار صلوات بفرستم
خداوند مرا این توفیق عطا فرمود بعد از مدتی باز آنحضرت را در خواب دیدم التفات بسیار فرمودند که الحال ترا می‌شناسم و از
تو خوشنودم روز قیامت شفیع تو خواهم بود و ابن بابویه در اکثر کتب خود از حضرت امام رضا ع روایت کرده است که هر که قادر نباشد
که کفاره گناهان خود را بجا آورد و بعمل آورد باید که بر محمد و آل محمد سلام الله علیهم صلوات بسیار بفرستد زیرا که صلوات بر ایشان
گناهان را میریزد و در کتاب جامع الاخبار مذکور روایت از رسول خدا ص و آله منقول است فرمود هر که یکبار بر من صلوات فرستد
از گناهان او ذره‌ای نماند و ایضا در همان کتاب از آنجناب مرویست که هر که یک مرتبه بر من صلوات فرستد حق تعالی
بر او موکلانی بگمارد تا سه روز برای او گناه ننویسند و در کتاب ثواب الاعمال از امیرالمؤمنین ع روایت است که صلوات فرستادن
بر پیغمبر ص و آله محو کردن گناهان بهتر است از فرو نشاندن آب آتش را و سلام کردن بر آنحضرت افضل است از
بنده آزاد کردن در راه خدا و دوستی آنحضرت بهتر است از شمشیر زدن در راه خدا
در جامع الاخبار نیز مذکور است بتفاوت آنکه ... آزاد کردن بنده ... و نیز راوی ... از آنحضرت صلی الله علیه و آله
روایت کرده که هر که هر روز از روی شوق و محبت سه مرتبه بر من صلوات فرستد بر خدا لازم می‌شود گناهان او را بیامرزد در آن روز و شب
و این حدیث در میان عامه نیز مذکور است و در کتاب جامع الاخبار منقول است که هر که در روز جمعه صد مرتبه بر من صلوات فرستد
حق تعالی گناهان هشتاد ساله او را بیامرزد و در همان کتاب از همان جناب روایت است که هر که بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد
حق تعالی او را عطا فرماید مثل ثواب هفتاد و دو شهید و از گناه بیرون آید چون روزی که از مادر متولد شده باشد و در روایت دیگر از عامه مذکور است
که هر که هر بار بگوید الصلوة ... فرستادن حق تعالی جمیع گناهان او را بیامرزد اگر چه بعدد ریگ عالج باشد و الصحیح است که در باب آن از
اخبار بی‌شمار وارد است و در کتاب ریاض الانس از کتب عامه است مذکور است که رسول خدا ص و آله فرمود هر که یکبار بر من
صلوات فرستد حق تعالی ... ملک ... امر فرماید تا سه روز هیچ گناه برای او ننویسند مؤلف گوید ...
ملکه مسلمانی و ایمان و دین داری ... محبت آل محمد ... محمد صلی الله علیه و آله و قرآن ...
قرآن و عمل بما جاء به النبی ... نماز است ... یستخف بالصلوة ...
... محبت ... عذاب ... جواب ...
و معرفت ... روز جزا ... اول ... قبر ... نماز است بلکه تمامی اعمال ...
نماز و یستخف بالصلوة ... محبت ائمه ... محبت امام ...
و ... نماز غالیان ... محبت امیرالمؤمنین ع از قرائت نماز ...
تعلیم قرائت ... این زمان ... عموم مردم ... علما و طلاب ...
این ... که تعلیم و تعلم قرائت نماز ... عوام الناس ...
... محتاج نماز ... قضا ... تعلیم ... احتیاطی است ...

فصل [illegible] باب اول

اشاره به مخربین دین که یهود و علمای نصاری و علمای شیعیان

اجری تمامی از کیفیت آیه و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون اثر نشنیدند که قرآن به یهود و نصاری خطاب [illegible] [illegible]

وار آیه شریفه ان الذین یکتمون ما انزلنا من البینات والهدی من بعد ما بیناه للناس فی الکتاب اولئک یلعنهم الله

ویلعنهم اللاعنون سعی نکرده حیف عمر اسال دهایکه در ریاضات انواع علوم کشیده در علم [illegible] و [illegible] شکل و صور

که صدرت عالی نماز دیده به مانع خرابی ایشان رسیده حکم صحت و بطلان نماز که [illegible] در وقته داخل [illegible] حبارت [illegible] سند

شیطان از خود رمضان رضا و [illegible] به حرف شمس نکنند و حرف علم قرائت [illegible] ندانستند که میزان صحت و صحت اعمال [illegible] شناسند

وحال آنکه مسئله واضح است که تمامی امور دین و دنیا تمیز دادن کارها بی میزان شیطانی است بی بنا و ثبوت و بی حقیقت [illegible] احکام [illegible] جناح

شبان و اکراد [illegible] مهمل ممکن لازم است که حیوان وحشی نباشند بهتان بزرگ علما است بقدر تام و تمام [illegible] با احکام [illegible] اصلیه

که در دقت سوال فتوای [illegible] نه بینند و حرف بسم [illegible] بالصلوة نباشند خانه خاتم الانبیا و امیر المؤمنین چون خانه آخر حرف [illegible]

نمایند مستقبلین علما شمار ان بیرا آتش ایشان بسوزد وقت غیبت امام است کلا یلینان ال محمد [illegible] آن کسی شدند سر حرف مثل [illegible] از

بمنزله اولاد علما شدند خدا فرموده یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم واهلیکم نارا وقودها الناس والحجارة علیها ملائکة

غلاظ شداد لا یعصون الله ما امرهم ویفعلون ما یؤمرون و معنی آیه شریفه [illegible] که الطرباه آورد و لا تفسدوا فی الارض

بعد اصلاحها که انبیا و ائمه و علمای عاملین در تغییر آیات دین چه زحمتها کشیدند من و تو خراب کنیم یعنی چنانکه بی [illegible]

و لاابالی بی اعتنای و بی دینی چه بسیار شنیده است بلکه هزار بار به تر است کار و شایع مخربان دین میان خاتم النبیین و آله یعنی عالم ۱۱۲

صدر ان معنی لسانی که باسم ترویج تواسطه غرور علم و فضل و [illegible] که نا [illegible] علم قرائت و قاریان [illegible] و مداری [illegible] صحیح سوره [illegible]

و صحت نماز شده نابشار [illegible] که به ولاابالی و مردان عاقبت اندیشی و خوش آمد عوام تکیه کرده اند و قلب نا رواج که [illegible] [illegible]

برای قرائت نماز کافی است یا مسمی قرائت یا آنکه برسم اهل لسان عرب کافی است و امثال این کلمات مولی [illegible] [illegible]

خانه دین حفظ و مسرو و [illegible] کرده من حفر بارا لاخیه وقع فیه خدا به زبانه به هزار سال قبل خبر داده از افعال ایشان ومن الناس

من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم بما کانوا یکسبون و چه شبیه است کار منافقان کفار

که میکفتند بلکه ما اهل [illegible] قیل و قال کنید و دست بهم زنید که صدای قرآن محمد [illegible] شنیده و [illegible] که [illegible] و [illegible] میرا [illegible]

میدهد در سوره سجده وقال الذین کفروا لا تسمعوا لهذا القرآن والغوا فیه لعلکم تغلبون فلنذیقن الذین کفروا

عذابا شدیدا ولنجزینهم اسوء الذی کانوا یعملون ذلک جزاء اعداء الله النار لهم فیها دار الخلد جزاء

بما کانوا بایاتنا یجحدون وقال الذین کفروا ربنا ارنا الذین اضلانا من الجن والانس نجعلهما تحت اقدامنا

لیکونا من الاسفلین اول آیه اینست وقیضنا لهم قرناء فزینوا لهم ما بین ایدیهم وما خلفهم وحق علیهم القول

فی امم قد خلت من قبلهم من الجن والانس انهم کانوا خاسرین وقال الذین الی آخر الآیه المذکوره باز مناسب [illegible] [illegible]

ویوم یحشر اعداء الله الی النار فهم یوزعون حتی اذا ما جاؤها شهد علیهم سمعهم وابصارهم

وجلودهم بما کانوا یعملون وقالوا لجلودهم لم شهدتم علینا قالوا انطقنا الله الذی انطق کل شیء وهو

خلقکم اول مرة والیه ترجعون وما کنتم تستترون ان یشهد علیکم سمعکم ولا ابصارکم ولا جلودکم ولکن

ظننتم ان الله لا یعلم کثیرا مما تعملون وذلکم ظنکم الذی ظننتم بربکم اراکم فاصبحتم من الخاسرین فان یصبروا فالنار مثوی لهم

وان یستعتبوا فما هم من المعتبین بعد از این وقیضنا لهم الی آخر [illegible] این آیات و خیال تحقیق است مسئله نماز حفظ [illegible]

نماز حفظ [illegible] با قرائت و شرایط صحیح نکنند یا یهود و نصاری خواهند [illegible] از احکام قرآن [illegible] اعتبار نکرده است انحراف که تابع محمد بن [illegible] و موسی

و عیسی که کرده است با منافقین دین محمدی که نکند دین یهود و [illegible] از دین جناب موسی [illegible] نفر [illegible] هفتاد و [illegible] فرقه کفره

بن مریم عیسی [illegible] [illegible] دلفرقه [illegible] نفر از علمای ایشان تغییر دادند هفتاد و دو فرقه [illegible] جناب دین محمد را [illegible] نفر از [illegible]

و حکم جواز نسخ ادیان

در اثبات فساد ملل و ادیان از الغرض خطای علمای سوء ۵۸

مشاهده شد فرقه شیعه را که بنای بدعت عظیم گذاشته‌اند بنیت که این شیعه مخصوص اهل البیت دوست هستند آنها که از دین موسی و عیسی و دین
صحیح محمد و آله انحراف نموده از هر دین بلکه فرقه ناجی اسلامند و هر سه اهل اطاعت بودند قبل از شریعت نبی حنیف مؤمن بر حقیقت
ختم النبیین صلی الله علیه و آله و اوصیای آن حضرت و عظیم الشأن خاتم انبیا مقرر و مؤمن شده و هزار سال قبل از تولد حضرت
و احادیث انصاف باشد اینکه در ظرف مدت چهل سال رؤسا و پیشوایان دین محمدی و آله دین محمد را از اینه
[illegible] کنند که نماز و صورت و شکل نماز و بکلمات مولف [illegible] اند و با شارت و کنایه [illegible] چنان از میان امام آل
با اسم و صورت [illegible] و [illegible] خلاهی بر طرف نماید که حق نیز محتاج نماز مسقط وقت باشد چنان باید که هر بار
بهتر از بانیان اصل بنای بدعت باشند زیرا که اینها چندین هزار سال از زمان ضعف اسلام و ایمان گذشته
مؤمن زاده و اهل صلاح و تقوی بوده‌اند و در دل محبت اسلام [illegible] ولی بواسطه غرور علم و کمال اعتقاد
با عدم عاقبت اندیشی کلاهیکه نتایج حرب و سلامت نیست و حکم خلاف ما انزل الله [illegible] دام بلا [illegible]
عادت شده دیگر شیطان [illegible] نتایج کلام مولف [illegible] توجه تأمل
اینقدر [illegible] نفوس شریره [illegible] که [illegible] نفس شوم اماره [illegible] علم قرائت [illegible]
مذاکره قرائت [illegible] و حال آنکه این علم مشکل‌ترین علوم است از استاد باید [illegible] و خواندن و مطالعه
مطلب [illegible] باید عادت نماید مثل خط و علم حساب [illegible] و مذاکره لازم است واضح از استاد کامل اگر خواهی کمال
[illegible] واجب و حرام و بدعت و سنت [illegible] جواز نماز [illegible] که موافق [illegible] اصلیه [illegible] وقت سؤال عوام جواب [illegible]

۱۱۴

بر جواب صحیح باشی [illegible] بقدر استعداد هر کس لازم است والا جواب [illegible] جسارت [illegible]
[illegible] نفس [illegible] این تفصیل [illegible] باید [illegible] اطاعت [illegible] والفقه [illegible] علم رجال
علما و رسالها نوشته‌اند تمیز حرف در علم قرائت کافی است [illegible] اهل لسان کافی است [illegible] باطل [illegible]
[illegible] عوام و اصناف و دیگر آنکه عوام [illegible] کلام مولف فوراً دست از تحصیل و تعلیم [illegible] صحت و بطلان نماز
بر داشته [illegible] غلط [illegible] که در زمان قلیل [illegible] مذاکره و مباحثه در [illegible] تعلم [illegible] موقوف خواهد
چنانکه در مدت چهل سال فتنه نماز بدعت [illegible] استحکام گرفت چون قصه عید [illegible] امر ولایت [illegible]
دلیلی [illegible] بسیار شده متروک [illegible] از میان جماعت کثیره عامه و حال آنکه علمای ایشان در کتب خود نوشته‌اند
[illegible] مذاکره میان مردم لازم است پس حاصل آنکه اگر علمای زمان مثل این روسیاه بواسطه عدم فکر عاقبت
کلام حق [illegible] که از مختر [illegible] بدعت از شش نفر [illegible] کمتر نباشند اگر زیاده نباشند [illegible]
[illegible] صحت نماز و در این مجموعه صورت و شکل نماز است و قرائت با قاعده علم قرائت که از علم قرائت خارج [illegible]
والا روح نماز و مسائل و جهات و شرایط متعلق بعلم فقه مخصوص فقها و مسئله [illegible] عادل و کامل هستند بسیار [illegible]
[illegible] کان معاش [illegible] قرار داده‌اند [illegible] اظهار فضیلت [illegible] احتیاط و تقوی [illegible] و اسباب [illegible]
که از قرائت با قاعده و قانون [illegible] از [illegible] اصلیه و علم قرائت [illegible] حکم الصحت و بطلان نماز [illegible]
پس معیار و میزان قرائت شناسی [illegible] از بدعت و باطل و سنت و [illegible] از جواز [illegible] خود [illegible]
علما و [illegible] اگر عوام مراد از [illegible] اهل [illegible] چنانکه در تمامی امور دین و دنیا حتی حرکت و ادای
و زبان و خورد و خواب [illegible] حرکت اعضا و جوارح کلا محتاج [illegible] اصلیه هستند با اعتدال والا مثل
راه رو نابلد هر قدر بیشتر [illegible] دور [illegible] زبان [illegible] که کار بی قاعده
خراب و ضایع و باطل [illegible] که بواسطه اهل علم و فضل و کمال باشد [illegible] والله العالم

در [illegible]

در فضایل و خواص صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله

۵۷

در اخبار وارد شده که الدعاء مخ العباده و در خبر دیگر است که هر که از حق تعالی چیزی سوال نکند حق تعالی خشم فرماید چنانکه شیخ صدوق در فقیه
روایت است گفت از امام محمد باقر پرسیدم که کدام عبادت افضل است فرمود هیچ چیز نزد خدای تعالی مبغوض تر نیست
از آنکس که از عبادت خدا استکبار کند و از خدای تعالی چیزی سوال نکند و در بعضی اخبار وارد است که از خدا سوال نماید زیاده فضل
اکثر تا زیرا که خدا دوست میدارد که از او طلب نمایند پس موقوف این روایت بگو اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم
شیخ کلینی از امام جعفر صادق روایت کرده است که مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمد عرض کرد که من نصف دعای خود را
برای تو قرار میدهم فرمود که نیکو سلیقی است دیگر گفت آیا کل آن را برای تو قرار دهم فرمود بهتر چنین است فرمود آنحضرت
فرمود که امر دنیا و آخرت این مرد کفایت کرده شد بنا بر کلینی و ابن بابویه از آنحضرت روایت کرده اند که مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله
آمد و عرض کرد که من ثلث دعای خود را برای تو قرار دادم آنحضرت فرمود که خوب کردی عرض کرد ثلث دیگر را نیز برای تو
قرار دادم باز آنحضرت فرمود خوب کردی عرض کرد ثلث دیگر را نیز برای شما قرار دادم فرمود این نیکوتر است خدای تعالی
امور دنیا و آخرت ترا کفایت خواهد کرد راوی گوید من بحضرت امام علیه السلام عرض کردم که چگونه است دعای خود را برای ایشان
قرار دادن فرمود از خدای تعالی چیزی نخواهد مگر آنکه صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله در مقابل معین قرار دادن عبادات
کفایت امور و موونت دنیا و آخرت تو کفایت کرده خواهد شد و در کتاب کافی از هشام بن سالم روایت کرده است که امام جعفر
صادق فرمود که دعا محجوب و ممنوع است تا آنکه بر محمد و آل محمد صلوات الله علیهم صلوات فرستاده شود و در کتاب کافی از
امام جعفر صادق روایت است هر که را به سوی خدای تبارک و تعالی حاجتی باشد باید اولاً بصلوات فرستادن ابتدا کند بعد از
ذکر حاجت نیز بصلوات فرستادن ختم نماید که خدا اکرم است که دو طرف را قبول فرماید و وسط را بگذارد و شیخ طوسی در امالی
ذکر کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که صلوات فرستادن شما بر من باعث استجابت دعای شما است و اعمال شما را
پاکیزه نماید راوندی مرحوم از امام جعفر صادق نقل کرده که هر که از روی اخلاص و نیت قلبی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله صلوات فرستد
خدای تعالی صد حاجت او را روا سازد سی در دنیا هفتاد در آخرت و در کتاب [illegible] از آنحضرت منقول است که رسول خدا صلی الله علیه و آله
فرمود هر که صد مرتبه صلوات بر من فرستد خدای تعالی صد حاجت او را برآورد و امثال این روایات در کتب فریقین بسیار است
و از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقول است که هر که بر پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله صلوات فرستد معنی آن این است که من بر آن میثاق که
وقتیکه خدای تبارک و تعالی از من طلبید باقی هستم که خدا فرمود الست بربکم و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود بلند کنید صدا را در صلوات
که بلند کردن صدا نفاق را برطرف نماید و در کتب فریقین از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت است که صلوات فرستادن شما بر من موجب
پاکیزه شدن عملهای شما است و در جامع الاخبار از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که هر که یکمرتبه بر من صلوات فرستد حق تعالی دری
از عافیت بر روی او بگشاید و از کتاب ریاض المذکرین که از کتب عامه است مذکور است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود هر که ده بار بر من صلوات
فرستد حق تعالی ده در از عافیت بر روی او بگشاید و از فزع اکبرش ایمن گرداند و در مجمع اللطایف که از کتب عامه است
مذکور است که زنی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمده عرض کرد که فرزندی دارم که چشم و گوش و دست و پا ندارد الحال ابتدا
التماس شفاعت بخدمت شما آمده ام آنحضرت فرمود بر من بسیار صلوات فرست که بزودی بمراد خود رسی آن زن در همانجا شروع
در فرستادن صلوات شد به هر قدمی صلوات می فرستاد چون بخانه رسید فرزند خود را با صحت و سلامت یافت که تمامی
اعضا و جوارحش سالم گشته از شدت فرح رو بمسجد آمده صورت واقعه را باز گفت در همان دم جبرئیل نازل شد و گفت
یا رسول الله خدای تعالی ترا سلام میرساند و میفرماید چنانکه امروز ببرکت صلوات تو اعضای این شکسته حال را اصلاح آوردم فردا
بشفاعت تو شکسته های امت ترا درست خواهم کرد و در کتب فریقین بطرق متعدده که اگر [illegible] در روز قیامت در ترازو
با جمیع طاعات اهل دنیا با کفه صلوات نباشد اگر [illegible] و در کافی و مکارم الاخلاق مروی است

۱۱۵

در فضیلت و ثواب صلوات و ... بر محمد و آل محمد

از امام جعفر صادق ع روایت است مرفوعاً که هرگاه در مجلسی جمع شده خدا را یاد کنند و بر پیغمبر صلوات نفرستند آن مجلس برای
ایشان حسرت و وبال در روز قیامت است و در اخبار وارد است که در زمان یکی از اولیا با الیاس و خضر علیهما السلام شکایت کرد
مردم غیبت بسیار میکنند و آن از گناهان کبیره است پس قرار گذاشتند در بازار الفضیحت میانم و جمع نمایم سخن مرا بگذرند و آن عمل قبیح را
ترک نمایند حضرت الیاس فرمود چاره این کار آنست که چون کسی بمجلس در آید بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی
محمد و آل محمد که حقتعالی ملکی را بر اهل آن مجلس موکل گرداند که هرگاه شروع در غیبت کنند آن ملک ایشان را باز دارد و از حقتعالی سؤال
نماید تا آنقدر از غیبت کردن نگاه دارد پس حضرت خضر فرمود چون کسی در وقت بیرون رفتن از مجلس بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
و صلی الله علی محمد و آل محمد حقتعالی ملکی میفرستد تا اینکه نگذارد اهل آن مجلس غیبت او نمایند در روایت دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله
که فرمودند بسیار یاد کنید خدا را و بر من صلوات فرستادن که موجب برطرف شدن فقر و احتیاج و باعث غنی است و احتیاج
از خلق بردن در روایت دیگر شخصی از فقر شکایت کرد حضرت فرمود چون داخل خانه شوی سلام ده خواه کسی باشد یا
در نیست سلام و بعد از آن سوره اخلاص بخوان آن مرد عمل نمود در اندک زمانی غنی گردید از اقوام و همسایگان خود غنی تر گردید
در روایت دیگر اگر نزد کسی صلوات فرستند برکت زیاد شود و اگر فقیر باشد از آسمان برای او روزی میفرستند این حدیث را روزی
شنیده بود صلوات بسیار میگفت و منتظر بود که روزی آسمانی اگر باشد بهتر است منهم آسمانی میخواهم تا روزی که از پس بخانه قضا
بالش سنگی برخورده از زمین برکنده شد گویند دید پر از طلا و نقره خیال نمود که من روزی آسمانی میخواستم ... حکم کرد
اگرچه بنظر بعضی نماید مولف این روایت چند سال قبل در معتبر بسیار نیز دیده ام شاید از راه امتحان و هیچ یا مشتمل بر حکم دیگر
باشد یا مردم زمان سابق ساده لوح و صاف دل بوده لهذا اخبار ... برای تمثیل و اثبات مطلب ...
چنین کتابی ... نقل قضیه میکرد همسایه یهودی داشت قصه دو شنبه ... که در خزانه مذکور کرده
... پر از مار و عقرب است ... و از روزنه همسایه مذکور کرده ...
انکه این همسایه مسلمان دشمن دین من از راه حیله در دام بلا ... کرده بود صبر ... صلوات
خوانان بسم الله گویان ... چنین طلا و نقره باعیال شادی کنان که روزی آسمانی رسید ... منعجب ... طلا و نقره
... باز داشته که ... دیده که مار و عقرب ... و انقلاب ... باز دید طلا و نقره
... یهودی ... که دانست ... این کار ... از اسرار غیبی است و خیال نمود که این مثل ... است که در
زمان حضرت عیسی علیه السلام در انظار فرعونیان خون ملیه ... که خدا در قرآن در قصه موسی خبر داده ... مسلمان شد
مسلمان شد ... قضیه ... و در کتاب علل الشرایع و کتب معتبر مذکور است از جمله سؤالاتیکه حضرت خضر علیه السلام
از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام نمود یکی این بود که ... که شخص چیزی را فراموش میکند و گاه بخاطر میآورد آنحضرت فرمود که دل مرد
... حقه است ... طبقی ... وقت صلوات بر محمد و آل محمد فرستد آن طبق برداشته شود
... بخاطرش آید و اگر صلوات نفرستد ... آن طبق ... تاریک ظلمانی ...
... آیه ... که بعضی اشخاص که صلوات خوانند ... کار ... صلوات در
استحباب و استحسان غلط باشد آن اثر ... ندارد ... نماز ... تاثیر ... خواهد
... در آن نماز غلط ... عالم ... و قضیه ... تاثیر ... الصلواة ...
الواسطه عالم صورت ... زمان معذور ... باشد باز ... اهل ... العلما
استغفر الله برادران شیطان ... لباس علما ... ایمان ... صنعت ظلام ...
دام

فصل دوازدهم باب اول

در فضیلت و ثواب صلوات بر محمد و آل محمد فرستادن

دائم تذکر و عذر بدتر از گناه است برای مؤمنان تا بلکه ملتفتان آل محمد زمان غیبت شده از حجت الله ارحمه بنور هدایت در سنه هزار فرماید
و تفکر جایزه کار خدا انداز اگرچه این دعا بود در حق صاحبان سواد و جاهلان بی تمیز سینه انم که دیگر کارها بکار رسانیده دائم که نماز و احوال
حق بالاتر از نماز پیغمبر و امیرالمؤمنین است مینمایند در قلوب ظلمانی حق تعالی ظاهر کرده و تزریع اسباب کم رانموده خود و سر برکشند
و حدیث کلمات این رسالها را ذکر و یادآوری آیات که در باب عموم مردم هستند تا قیامت مختص بوده و لعنهای دانسته اشیاء از رسول
و به نام نماینده و مراتب آنها که برخلاف هستند ذکر و سبیل صحت نماز و کیفیت حرام بعض مینماید باید زمانی برخلاف ان حمد و سوره نماز
بیش استاد علم قرائت برای تا هرایی که هزار یک ملامتهای لازم و واجب نگفته ام که تکفیر نماینده عفنا بکنند و کلام نمایند بسیار که
در برابر چشم از فرق تکفیر و تفسیق کرده والحاصل در کتب عامه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که فرمود حق فراموش کنید جز این صلوات
فرستید که موجب بار آمدن آنجز خواهد بود ان شاء الله تعالی بر روایت دیگر هر که بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد برای او خواهد بود
ثواب مقدار شهید و جمیع گناهان آمرزیده خواهد شد مانند روزی که از مادر متولد شده و سبب نور بسیار است در روز قیامت
برای صلوات گوینده چنانکه در جامع الاخبار از حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمود هر که یکبار بر من صلوات فرستد
حق تعالی خلق نماید نوری در سر او و نوری در طرف راست و چپ و نوری در اعضای او و صلوات صیقل آیینه دل است و هر دلی که زنگ صلوات
در آن نباشد و نفرستند زنگار ظلمت مبتلا میباشد و ذکر آنحضرت نور و نور است دل را و نور و ظلمت هم جمع نمیباشد در یکجا
نباشد و موجب سنگینی میزان حسنات و سنگینی ترجیح روز قیامت صلوات فرستادنست بر خاتم الانبیاء و اولاد او صلی الله علیه و آله
و در کتاب کافی مروی است که در روز قیامت چیزی در میزان اعمال سنگینتر از آن نگذارند که سیئات زیادتی نماید و در کتاب عدة الداعی
و ثواب الاعمال شیخ صدوق مذکور است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که هر که بر من در ابتدای صلوات فرستد حق تعالی سنگینی نماید بر ترازوی
او و در روز قیامت سبک باشد و در کتاب ثواب الاعمال از امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که من
در روز قیامت نزد میزان خواهم بود هر که کفه سیئاتش سنگینتر از کفه حسنات باشد من صلواتی که بر من فرستاده است
بیاورم در کفه حسنات او بگذارم تا آنکه کفه حسنات سنگینتر گردد و در کتاب مکارم الاخلاق و جامع الاخبار نیز روایت کرده است
از کتب عامه نقل کرده اند که هر مؤمنی پنج ملک موکلند یکی در پیش روی او و یکی شیطان در عقب سر آنکه پیش روی است شیطان را از او دور نماید
و دیگری در عقب او آفات آسمانی را از او باز دارد و سیم در طرف راست که حسنات او را بنویسد و چهارم در طرف چپ او که سیئات او را
می نویسد پنجم هر صلواتی که میفرستد در آن شب او را حفظ کرده است تا طلوع صبح بالا میبرد و باز برگردد برای صلوات روز میباید بالا برد نزد
مرقد خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و در برابر قبر شریف ایستاده گوید السلام علیک یا رسول الله فلان کس در این روز و در این شب
این قدر صلوات و سلام برای شما فرستاده آنحضرت میفرماید که صلوات و سلام من باد بر او پس آن ملک زیر عرش میرود عرض میکند
اللهی بنده تو فلان بن فلان تمامی این صلوات بر حبیب تو فرستاده است من بر روضه مقدسه آنحضرت رفتم و در دم
عرض آنحضرت رسانیدم و آنحضرت نیز صلوات و سلام فرستاد حق تعالی فرماید بر آن بنده من باد صلوات و من صلوات او را
در ابر سفینه نورانی بنهاده در رکنی از ارکان عرش در حجاب عزت محفوظ داشته ام تا روز قیامت و قبول عمل آن بنده و
می سنجید در کفه حسنات آن بنده گذارند که سنگینی کند و کلم فاما من ثقلت موازینه فهو فی عیشة راضیة او را بر روضه رضوان
برند و در درجه رفعت و منزلت بزرگی جای دهند و در صراط گذشتن نور است صلوات که او را بعد از آن نار دمنده باشند
و از لغزش صراط مانع است صلوات فرستادن و در کتاب انوار الاصول از عبدالرحمن بن سمره روایت است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله
از حجره طاهره بیرون آمده فرمود که در شب گذشته در خواب دیدم مردی را از امت من که از صراط میلغزید هر لحظه میلرزید و دیدم
صلواتیکه بر من فرستاده بود صلوات حاضر آمده دست او را گرفته نگاه داشت و او را از صراط گذرانید و در کتاب جامع الاخبار از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که فرمود هرگز داخل آتش نخواهد شد کسیکه بر من صلوات میفرستد معلوم که بسیار فرستاد

فصل سیزدهم باب اول

در ثواب و فضیلت صلوات فرستادن

۶۲

فصل سیزدهم باب اول در کتاب جامع الاخبار از حضرت رسول مختار صلی الله علیه وآله روایت است که هر که یکمرتبه بر من
صلوات فرستد حقتعالی ده صلوات برا و میفرستد و هر که ده مرتبه بر من صلوات فرستد حقتعالی صد بار برا و صلوات میفرستد
و هر که صد مرتبه بر من صلوات فرستد حقتعالی هزار بار برا و صلوات میفرستد و هر که خدای تعالی برا و هزار بار صلوات فرستد
هرگز داخل نار نخواهد شد و در جامع الاخبار از عبد الله روایت است که رسول صلی الله علیه وآله فرمود که جبرئیل بر من نازل شد و گفت
که هر که بر تو صلوات فرستد هفتاد هزار ملک برا و صلوات میفرستند و هر که هفتاد هزار ملک برا و صلوات فرستند از اهل
بهشت خواهد شد و در دعوات راوندی مذکور است که رسول صلی الله علیه وآله فرمود که بسیار بر من صلوات فرستید زیرا که هر که بر من
صلوات بسیار فرستد در قبر نور است و در صراط نور است و در بهشت نور است و در اخبار وارد است که حق تعالی وحی کرد بحضرت
موسی که یا موسی دوست میداری که عطش قیامت ترا در نیابد و در موقف از دور تشنه نباشی عرض کرد بلی
ای پروردگار من خطاب رسید که هر روز در دنیا بر حبیب من صلوات بفرست تا فردا از تشنگی قیامت ایمن باشی
در خبر دیگر وارد است که رسول صلی الله علیه وآله فرمود هر که بر من صلوات فرستد صد بار حقتعالی برا و هزار بار صلوات فرستد و اگر هزار
بار بفرستد حقتعالی او را از فضل خود ثواب ده هزار رکعت نماز عطا فرماید و بیاشامد او را در حظیرة القدس از شراب سلسبیل بهشتی
و نیز آنحضرت فرموده که رستگارترین شما در روز قیامت از اهوال قیامت کسی است که بر من صلوات زیاد بفرستد و نیز در بعضی اخبار
وارد است که رسول صلی الله علیه وآله فرمود هر که هر روز بر من هزار بار صلوات فرستد نمیرد تا جای خود را در بهشت ببیند و در بعضی اخبار
وارد شده که آنحضرت فرمود بشارت باد هر کس را که صلوات بر من بسیار میفرستند قبل از آنکه مرگ او را دریابد
۱۱۶ ایضا از آنحضرت وارد است که هر که بر من بسیار صلوات فرستد از تلخی قبض روح ایمن است و در بعضی از کتب مذکور است
که یکی از صلحا بر بالین محتضری رفته بود او را از سکرات موت پرسید که تلخی جان کندن چگونه است جواب داد که کام جان مرا گوئی
شیرین بیم از عسل و تلخی نمی‌بینم آن صالح از جواب با صواب او متعجب گشت اظهار نمود که سبب چیست شربت مرگ در مذاق تو [illegible]
محقق است تلخی دارد آیا سبب چه میدانی بیمار گفت بلی آنکه شنیده بودم که رسول صلی الله علیه وآله فرموده است هر که بر من بسیار صلوات فرستد
از تلخی جان کندن ایمن باشد مدت مدید است که من صلوات بر محمد و آل محمد صلی الله علیه وآله در حق خود معمول نمودم و در بعضی از کتب بنظر رسیده
که در شب معراج چون رسول خدا صلی الله علیه وآله بآسمان چهارم رسید فرشته را دید که لوحی در پیش نهاده و در آن لوح نظر میکرد و مانند رود
آب از دیده‌اش میریزد برای آنحضرت تعظیم نمود جبرئیل باو خطاب زد و اشاره نمود آن ملک آمد در رکاب آنحضرت رسید
عرض کرد که مرا معذور دار که الحال نور ازین لوح طلوع و ظهور میکند که مرا مانع از دیدن شد حضرت فرمود در لوح چه نوشته عرض کرد
لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله ملک عرض کرد شما غیر ازین تحفه ندارم که دو رکعت نماز در بیست هزار سال گذارده‌ام
با پروردگار بیست هزار سال آن در قیام آن و بیست هزار سال در رکوع آن و بیست هزار سال در سجود آن بیست هزار سال در تشهد آن
ثواب آنرا بامت شما ایثار نمایم که تقصیر را عفو فرمایند آنحضرت فرمود که بطاعت تو احتیاج نیست عرض کرد که بامت تو بخشیدم حضرت فرمود
که [illegible] امت من نیز محتاج طاعت تو نباشند بعزت خداوند که هر یکی از امت من از گناهکاران ایشان یکمرتبه بر من صلوات
فرستد ثواب آن ازین ثواب تو بیشتر باشد مؤلف گوید [illegible] اخبار الهی نما که آیا [illegible] شرف و ثواب بالای نماز و نماز [illegible]
که دشمنی خدا و رسول است [illegible] مثل بعضی درویشان و قلندران بی نماز و بی طهارت و بعضی [illegible]
[illegible] وقتی که چهل سال ریاضت [illegible] تکمیل [illegible]
[illegible] السلام [illegible] غلط [illegible]
که عقاید [illegible] نماز [illegible] مقدم بر نماز با اینکه [illegible] از نماز [illegible]
بازم باذن [illegible] طاعت خواهند [illegible] مذهب باطله و نماز [illegible]
که اهل بدعت از معتبرین عالم صورتان [illegible] عجب عجایب است که در صورت [illegible]
[illegible]

برداشته شدن نماز که از عمدهٔ علائم ظهور حضرت حجت عج است

آگاه نیز از چشم باید مؤمن را این قدر بداند که با نماز خبر عجیبی هیچ خبر باشد که ما را و بعضی حالت آنکه هر قدر و اشتر بعضا جهاد بگوئیم در این مجلد
بر ... یک مسئله نماز است از شکل و صورت نماز که شرط صحت نیست نه روح نماز و سایر آداب آن ... تحقیق
که هرکسی صحت و سلامتی این قرائت ... ثابت و برقرار نشود لابد در سایر شرایط ... اختیار طالب ... موافق
اختیار که از جمله علائم ظهور که عمدهٔ علائم برداشته شدن نماز است الا آنکه ... که عوام ... از اطلاع علما
دارند ... از صد نفر سه نفر چهار نفر نماز ... یعنی موافق احتیاط بلکه ... اول درجه ...
دولت در میان صد نفر پنج نفر ... قرائت ... حقیقت ... ابن ...
استعمال نماید اگر بر فرض ... نفر از علما از جمله صد نفر نماز مسقط قضا ... کم ... والنادر کالمعدوم ...
از هزار نفر یک نفر نماز مسقط قضا ... تمام نماز ... تمامی عقود و ایقاعات را موافق علم قرائت
بداند ... صحیح و سالم باشد تا در تعلیم دیگران نیز عارف و کامل باشند نه اینکه تمامی نمازها و عقود و ایقاعات صلح و نکاح
و طلاق و نماز جماعت و نماز میت مسلمانان را باطل و ... از توابع و تلامیذ منافقان زمان ...
نماید و هر روز ... و طعن ... حق استاد شاگرد ... نماید عقوق والدین
از اعظم کبائر است ... قیامت ... از عذاب جهنم است پس عوام کالانعام ...
... فارسی خوانان که ... هزار ...
... علم قرائت ... تمامی عالم ... هر کار ...
... الا نماز که ... قرائت ... وقت خواندن قرآن ... امکان ... غلط ...
... رب تالی القرآن والقرآن یلعنه ... زنی ...
بمضمون حدیث شریف اذا اراد الله بعبد خیراً جعل له واعظاً من قلبه ... صلاحیت ...
خالف ... کلمات ... نماز ... مسلمان ... صلاحیت ...
العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء ... اخبار ... اعتبار ...
بلکه ... اخبار ... کلینی و دیگران از ائمه طاهرین ...
الی ... ثواب ...
که ... فضائل صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد ...
ذکر ... محبت ...
و صلوات ... فرستادن ...
آثار محبت ... مملکت دل ... آن حضرت ...
باطن او ... معارف و علوم مصطفوی روشن میکند ... صلوات ...
مرتبهٔ آن حضرت در دل او ... بهترین و فاضلترین همه مخلوقات ...
صلوات بر او فرستاده ملائکه ... احکام الله ... لازم است ... تصیقل
صلوات زنگار دل انسانی از آینهٔ دل زدوده ... فرمان ... محبت ... طریق ایمان ...
فرمان بردار باشد ... محبت ... آن حضرت ... آن حضرت ...
و ظهور معانی که ...
گیرد و از محبت او محبت و دشمن او ... که ما سوی الله باشد ... محبت او و اولاد او ...

در ثواب و فضائل صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد

۶۴

فصل [illegible]

کما الکبیر مع القطن سبب نشو و نما است در کشت دارد یا رکعات صلوات است یا که نفس اماره مصلی ایضا از کتب عامه است از رسول صلی الله علیه و آله

که وفیه صلوات شمار من زکوات است شما شاید معنی این است که بواسطه زکوات مال زیاد شود و زوال نباشد و دائم مقام صدقه

برای فقرا روایت ابو هریره نقل است که رسول صلی الله علیه و آله و فیه ذاک القیه یا بنی بسبب نام مرا شنوند و در حق صلوات تقرب نقل

و شنیدن به غیر و امیر المؤمنین اگر مادر صحیفه کتاب بکوئیم ذاک القیه یا بنی شیاطین انسانی در این زمان و شیطان الجن

در پیش قوم با نماز خرجی بی صرافی اهل خبره و صاحب سوادان مخرج نماز و قرائت نماز با اشاره و تندور کلمات لا الا

که نباشد ترویج نماز به غش شده با صبیان فذلک محشور باشند الا آنانکه متنبه و بیدار بعید بعید خود به لعلاج آن کو

که علاج این توبه است معلوم است کسانیکه گمراه که مرده اند الآن که زنده نخیزند کردن و بعد از زنده نمودن لعرفه [illegible]

دین میان نمازها به غش و تعلیم و تعمیر و تلبیه کرده است و توبه دادن تا ضعیف مرزد معلم و مرشد یکی از علمای عامه نقل

که همسایه داشتم بعد از وفات او در خواب دیدم پرسیدم که حقتعالی بو با تو چه کرد گفت ای شیخ هول های بسیار عظیم دیدم در جهنم بی شمار گشتم از آنجمله

در سوال منکر و نکیر زبان من از تکلم باز ماند با خود میگفتم و واویلاه آیا این عقوبت از کی بمن رسید مسلمانم و در دین اسلام

مردم آمدند و شنیدم با شخصی غضب سوال نمایند و جواب میخواهند تا گاه شخصی با جمال نیکو و جواب سوال القنات

منعم و مر ملقین جواب آنها میکرد یک یک جواب میدادم از آن شخص پرسیدم خدا اترا جزای خیر دهد تو کیستی مرا از این عقوبت

نجات دادی گفت شخصی ام که از صلوات که بر تو خلق شده ام مامورم بایکه در هر جا و هر دقیقه در مانی بفریاد تو برسم

زنی دختری داشت آن دختر وفات یافت مادرش او را در خواب دید که بعذاب الیم گرفتار است با اندوه بسیار بیدار شده آغاز گریه و ناله

بعد از چند روز گریه و ناله بار دیگر آن دختر او را در خواب دید در حرم رشادان در روضات جنان خرامان گفت ای جان تو را با چه فضیلت

ترشا به شما هم جوابه او که آباد در [illegible] کنها حق در عذاب بودم چنانکه دیدی امروز بکنار مقبره ما که از افتاد چند مرتبه صلوات

حقتعالی ببرکت او تمام اهل آن گورستان را بخشید دار بن سیاق معلوم است حق الصلوات حلاوت درجه درجه حلاوت سته دار است

صلوات ایمنی روز جزا است که آنروز اسم یوم الحسرت است و آنروز است که تمامی اهل محشر در حسرت ده است چنانکه گردد که تصور آن چنان است

و هر کسیکه رابطه با محمد و آل محمد نباشد روز ملالت اوست و رابطه محبت اسباب مناسبت عظم آن صلوات و نماز که از یکه نماز نباشد به محرم

ترسیکه اسانیکه نماز و عوض بدل با نماز خرجی نماینده چه کاندارند با ترویج حدیث من یکی آن تبابکی این همه ثوابها جمع شفقار سلمانی

نماز خرجی و مسائل و احکام قرآن ما بجز حدیث من یکی و نماز خرجی این همه ثوابها و که جمع و عوض بدل کردن صحیح و جاری نیست

علما و مجتهدین که نایب و نائب معصوم علیهم السلام علیهم اجمعین هستند چرا حکم نمیکنند این را اینان بی دینی را بردند ما مشکل هستیم

آسانتر بین را آنها سهل و امر نماینده خودشان جهل دینی ما سال زحمت و ریاضات تعمیر مسائل احکام شرعی را

نماینده زحمت باشند و ماسو هر آسوده میکردند چه عیب داشت تعبیر از بی دینی و لا مذهبی میان ادیان مختلفه کفار

بشرط آن رحمی داشته ملتفت فرمودند که هر کس بر من صلوات بفرستد بعد از وفات من ملکی که جبرئیل آید نزد من و میگوید که

یا رسول الله فلان بن فلان بر تو صلوات فرستاده من میگویم و علیه السلام و رحمة الله و برکاته و عامه از رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده اند

که فرمود هر کلام که در اول آن بر من و اولاد من صلوات خواندن نباشد آن کلام دم بریده از خیر و منفعت مقطوع بی بهره خواهد بود و در وقت

داخل شدن مسجد بعد از صلوات و رب اغفر لی ذنوبی و افتح لی ابواب رحمتک و در بیرون آمدن از مسجد بعد از صلوات و رب اغفر لی

ذنوبی و افتح لی ابواب فضلک و در اول دعا خواندن و آخر دعا نیز لازم است علامت قبولی دعا است خصوص اول و آخر تعقیبات و در روز جمعه

هزار مرتبه در روزهای دیگر هر روز صد مرتبه صلوات فرستادن و در اوایل تعقیبات همه نمازها در تعقیبات سه بار صلوات فرستادن سنت

و در کتب عامه مذکور است که در آسمان دریائی است که از او دریای بر کات است که نیست و در کنار آن دریا مرغی است که مرغ صلوات گویند و چون بسته نمود

در فضیلت و ثواب صلوات بر محمد و آل محمد

در ماه شعبان بر سید انبیا صلی الله علیه و آله صلوات فرستد حق تعالی آن مقدار مرحمت فرماید تا در آن قدر با عوض عطا فرماید و در بر خود [illegible] قطره که
از برای آن مقدار که بریزد ملکی خلق فرماید و جمیع آن ملکها بتقدیس و تحمید و ثنای پروردگار مشغول گردند و ثواب آنها در دیوان اعمال
صلوات گوینده ثبت شود و در کتاب روضة الواعظین و مکارم الاخلاق از مالک جهنی روایت کرده است که از حضرت
امام جعفر صادق شنیدم که آن حضرت گل را بو کرد و در چشمهای مبارک نهاد و فرمود اللهم صل علی محمد و آل محمد و فرمود هر که گل را بو
کند که من کردم گناهان او آمرزیده میشود پیش از آنکه آن را بر زمین گذارد و عامه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که فرمود هر که
بنویسد و بر من صلوات نویسد در هر جا که است و نیز از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که آن حضرت فرمود هر دو نفر که از دوستان
با هم مصافحه کنند و بر من صلوات فرستند پیش از آنکه از هم جدا شوند حق تعالی گناهان گذشته و آینده هر دو را بیامرزد
و دیگر آنکه آن حضرت فرمود هر که مصافحه کند با مسلمانی و در وقت مصافحه بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و سلام از علی
باقی نگذارد از گناهان ایشان چیزی را و در وقت افتتاح و اختتام طعام و شراب و در وقت دخول بازار و وقت بیع و شرا و در
وقت تعجب از چیزی و در وقت اراده تصدق کردن و در کتاب مصباح القلوب مذکور است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود در شب معراج فرشته
دیدم که چندین هزار دست داشت و بر هر دستی چندین هزار انگشت بود و آن انگشتان حساب میکرد از جبرئیل پرسیدم که این چه ملک است
ملکیست جواب داد که این ملکی است موکل بر قطرات باران حساب آن را میدارد آن حضرت از آن ملک پرسید که حساب قطرات باران
عرض کرد بلی از روزی که خدای تعالی مرا آفریده هر قدر باران باریده و باران آنچه بارید در صحراها و دریاها و از آنچه گیاه رسته و چند قدر در شوره زار
ضایع شده و کدام در میان مردم منتفع شده اند همه را جدا جدا میدانم حضرت فرمود هیچ حسابی هست که تو از عهده دانستن آن نتوانی برآئی
عرض کرد بلی چون بشنوی که مومن با خلاص بر شما صلوات فرستد از یک نفر تا دو نفر حساب ثواب آنها همه را با جمیع ملائکه حساب
من نتوانم کرد و حال آنکه حساب آنچه در زمین و آسمانها هست همه را حساب او را جز خدا پروردگار کسی نداند دانا از آنکه به نسبت
دانسته از آنکه و خلق تمام دارد و در کتب است آدم را با حوریان انکار نبود و به نشیته الله بسم متعلق شد چون حوا را آفرید و طلب آدم
او را به حضرت رسول نظر کرد و افتاد در نزد خود مایل شد از حسن خود چنان صاحب جمالی پرسید تو کیستی آثار حیا در حوا ظاهر شده هیچ
جبرئیل حاضر شد گفت یا آدم این حوا است جفت او مرا پرسید گفت برای تو خدا او را خلق فرموده که همدم و مونس تو باشد حضرت آدم
دانست که این نعمت خاص اوست خواست دست به او دراز کند جبرئیل گفت یا آدم اگر او را میخواهی باید که او را نکاح کنی و او را
در آوری تا فرزندان تو از نسل او باشند بی مهر و نکاح نخواهد بود حضرت آدم گفت برادر من این چیزی ندارم مسافر و بار عدم
جبرئیل گفت یا آدم نکاح او به صلوات بر حبیب خدا فرستادن است که نام نامی او در ساق عرش دیده و اوصاف کمالش را
شنیده تا بر تو حلال گردد و توبه حضرت آدم نیز بتوسل بنام انبیا و آل طاهرین او گردید و حضرت نوح در طوفان و بلاها که میان
بواسطه توسل بآن بزرگواران خلاصی میبافتند بلکه اسرار انبیا و اولیا موافق ظهور

فصل چهارم از باب اول

در کتاب کشف الغمه از حضرت صادق آل محمد علیه السلام منقولست که زنی از جن که او را عفرا میگفتند خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده
کلام و فرمایش آن حضرت را میشنید و همه در نزد جنیان صالح میرفت و آنها را دعوت باسلام میکرد چند روز که نیامد
گذشت آن حضرت دید و احوال او را از جبرئیل پرسید جبرئیل گفت او را خواهری هست که او را در راه خدا دوست میدارد
به زیارت او رفته است رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود خوشا حال آن کسانی که برای خدا با یکدیگر دوستی نمایند حق تعالی
در بهشت عمودی از یاقوت سرخ آفریده که در آن عمود هفتاد هزار قصر است و در هر قصری هفتاد هزار غرفه است حق تعالی از برای
کسانی آفریده است که برای رضای الهی با یکدیگر دوستی نمایند و چون عفرا نزد آن حضرت آمد از خویش پرسید آن حضرت فرمود بکجا
رفته بودی عرض کرد به زیارت خواهرم رفتم حضرت فرمود خوشا حال کسانی که در راه خدا با هم دوستی نمایند و بزیارت هم روند
و فرمود ای عفرا چه چیز دیده ای بگو از عجایب عرض کرد عجایب بسیار دیدم از همه عجیبتر آنکه ابلیس را در دریای اخضر دیدم

در فضیلت و [illegible] [illegible]

در ثواب و فضیلت صلوات بر محمد و آل محمد

که بر ساق عرش نوشته بود و ستونها و آسمان بلند که ابو مباهات خداوند امر از در گاه حضرت آدم سؤال نمایم بحق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله علیهم سر از آن خلاصی و نجات دهی من گفتم ای ابو الحارث این اسما چیست که با آنها واسطه از آنها مطلب خلاصی هست من این اسمای را بر ساق عرش نوشته دیدم پیش از آنکه آدم را خلق فرماید هزار سال دانسته ام که اینها گرامی ترین خلقند در نزد خدا الحال بحق ایشان قسم میدهم و سؤال نمایم چون کلام باین جا رسید حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود اگر تمام اهل زمین باین اسما دعا کنند حاجت خواهند خدای تعالی همه را اجابت خواهد فرمود اللهم

انی اسئلک بحق محمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسین ان تغفر لی ذنوبی و تتجاوز عن سیئاتی و تصلح لی شأنی و ترزقنی خیر الدنیا و الآخرة و ان تفعل ذلک بجمیع المؤمنین و المؤمنات برحمتک و فضلک یا ارحم الراحمین

و حال آنکه موافق سایر اخبار شیطان اینها نیز کج بینی که خیالی کرده اند که آن وقت توفیق بارادۀ صلاة نخواهد داشت مثل اکثر کج بینان عالمان کج اند پس چنانکه در وسط کج بینی نماز با قاعده و قانون و عوض و بدل نماز اختراعی را عیب کرده اند از معیار قرائت بر عکس هر کسی بسلیقۀ اختراعی خود خارج از علم و میزان و معیار چون ترا نیز دیگر است که قرائت هر نفر موافق آن هم نیست شاگرد یک استاد نیستند چنانکه شاگردان قاریان هر قاری معلوم ملتفت بفرق حرکت غیر مبطل مثل نشنیدن لغو نماز اختراعی و صرافی شیطانی کار را بجائی رسانیده که اکثر معتقدین طلاب نماز شیطانی ساز که بجای نماز که خدا و رسول معیار و میزانی برای صحت و سنت و بطلان و فساد آن معین فرموده اند که اصل حقیقت جلیله و تمام در هر رکعت نماز بنا و یک جمله عقیده و لغزش اقدام است بعضی واجب است که نماز را باطل نماید و بعضی سنت و مکروه معفو باشد و برخی مکروه از حسن و کمال اندازد و بعضی سهو هم است مختص شیطانی نیست چنانکه تمامی طاعات و اعمال واجب و سنت و مکروه و معصیت همه اصل حقیقت لازم است ولی موافق کمال استعداد هر کس و بدون آن هیچ کار دنیا و آخرت از اینکه در همه متوارث است و نزد اهل خبر و اهل لغت کجا با سزاوار است اینکه شخص خواهد که در خانه و منزل خود نگاه دارد که در شریعت ظاهره واجب است رسم و قانون مخالفت آن بوده و حق او بعمل آوردن سر حرف نباشد که حرام است بلکه هر آنکه بر و واجب و سنت و کراهت که بر صاحب شرع قانونی که از آنها نماز که ستون دین است قاعده و قانون نباشد با اینکه ضرور و واجب نباشد بلکه هر صاحب عمامه مرد و زنست که در مدت تفصیل خود یا واجب و لازم نیست که لا محاله در واجب هست و در غیر از نماز هیچ چیز اختراعی الآن اهم علوم و واجبات فقه باشد با تمام جاهلیت در لباس معینی که در آن لباس گناه کرده و فقه نماز بلکه اشتغال حرام نماز را جایی ملاحظه میکرد و نه اهمیت که او فقه العالم رفقه العالم

و اما انواع و اقسام صلوات بسیار است آنچه اهم و الزم است ما در این محل بسبیل اجمال ذکر نمائیم از باب ما لا یدرک کله لا یترک کله صلوات صغیره و کبیره در کتاب جامع الاخبار از حضرت رسول مختار صلی الله علیه و آله روایت است که هر که بگوید لا اله الا الله وحده لا شریک له اللهم صل علی محمد و آل محمد مرغ سبزی از دهان او بیرون میآید که دو بال داشته باشد مکلل بمروارید و یاقوت چون دو بال میگشاید مشرق و مغرب میرسد و از آن مرغ صدائی میآید مثل صدای مگس کل پس حقتعالی او را فرماید که مرا مدح کن و نعمت مرا مدح که ای الحال ساکت باش آن مرغ گوید چگونه ساکن و ساکت باشم و حال آنکه تو گوینده لا اله الا الله را نیامرزیده ای خطاب رسد من او را آمرزیدم ساکت شو در کتاب مصباح الاسبوع از امام جعفر صادق روایت است که چون بینی بگوید اللهم صل علی محمد و اله و علی اهل بیته مستحب است بعد از دعا بسیار بعد از آن که همه مستحب کند زیرا که خداوند از آن جواد تر است که بعضی از دعا را قبول کند و بعضی را رد کند و در کتاب جامع الاخبار مذکور است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود هر که بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد حقتعالی ثواب هفتاد شهید با و عطا فرماید و او را از گناهان بیرون نماید مانند روزی که از مادر متولد شده شیخ طوسی از امام محمد باقر روایت کرده است که ملکی از ملائکه موکل است تا روز قیامت بگوید بر هر کس که گفته صلی الله علی محمد و آله و سلم آن ملک در جواب او گوید رسول خدا که بارسول الله ملائکه بر شما سلام فرستاد حضرت فرماید و علیه السلام و معنی سلام یعنی سلامتی دارین و رحمت خدا بر تو باد و در کتاب کشف الغمه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است که هر که بگوید جزی الله عنا محمدا ما هو اهله هفتاد کاتب بنویسند هزار روز در نعمه

فصل چهارم از قسم ... باب اول

در ثواب التزام صلوات بر محمد و آل محمد و ترک آن

در ترغیب اندازد و بعضی در جهت نوشتن ثواب شاید برای مصالح محکمه معرفه که بعضی اشخاص در هلاکت و فرط بی‌نیازی چنانکه اکثر مردم در حدیث

من بکلی او بکلی از تمامی احکام نماز و تعلیم و تعلم نماز و مسائل و آداب دین حق بجز خود آداب چیزی را نمی‌دانند همه این مصالح

... و حدیث شریف که فرموده نعوذ بالله ... فاذکروا الله ذکراً کثیراً و سبحوه بکرة و اصیلا

تمامی اعضا باید سیاد و ذکر خدا باشند نه مجرد طاعت چشم بگریه مثل گریه کنند کال حضرت کنشان ملاقات ... در کتاب

امام حسین چندین هزار نامها نوشته مشتمل بر حسرت ... که آنحضرت کجا ... در آن آنحضرت فدا ... در

و اشتیاق اللهی کی باشد جان خود را فدای راه آنحضرت ... اللهی آن زمان فدا کردن ارواح ما حسرت کشان ... نزدیک فرماکه

انجامت نمود که شمشیرها و نیزه‌ها برای یاری آنحضرت ... روز عاشورا در کربلا اسم حاضر شده ... کاش الحسرات آن

نمک شیده و بجان حسرتها تا سیده عزیز فاطمه ... که قصه بر عکس ... تا قیامت ... شیعیان آنحضرت را

بر از خون ... ... و محبت با اصلان ... نتایج بر عکس دارد از محبت با اصلان که این نتیجه باید

تأمل نماید در تربیه نفس اماره ... این حالت ... از زمان ... وقایع کربلا ... محبت حسینی آل محمد

دکشته ... کال ... شام ... آل محمد و اسیری ... دختران فاطمه زهرا ... قصه کربلا ... در هر بلاد و قراد

... تا قیامت ... کربلای ... امام حسین ... ظلمهای ... عباس ... فراموش

... کشته در هر جا و برای هر کسی موجود است ... و هر زمان ... چشم ... دل عبرت ... باشد که از

معنی آیه شریفه فاذکروا الله ذکراً کثیراً همه اعضا که در فکر باشند و ... تمامی اعضا ... بکار ... فقط

لفظ لا اله الا الله ... که ... نتیجه بر عکس ... سلمانان و علمای متقیین زمان ... در خاطر دارم ... چهل

چهل سال ... ... دوازده ساله ... نماز ... که تمامی ... فقها ... بار از

... علما طلاب ... نماز ... قضا باشند ... هزار بار از

گشتن امام حسین ... امام ... از نمازهای ... معصوم است صلوات الله علیهم

اگر از علم قرائت خبر دار ... از دل این ... نماز

در سلک ... بحقیقه با ... مسلم ... دین و خیر خواهی در لباس علمای ... ملتان

باشند ... عوض ... بنماز ... خود ... توفیق باز

و توبه و انابه ... کال ... ضلالت ... اصلاح آورد ... نفوس حق ... فرماید

صراط مستقیم دین ... فرماید تا باصلاح امور دین و دنیای ما ... فتنه و فساد ... نعمت ... و الاکرام

از کتاب معانی الاخبار ابی حمزه ثمالی از حضرت صادق آل محمد ... صلوات الله و صلوات ملائکته و

انبیائه و رسله و جمیع خلقه علی محمد و آل محمد و السلام علیه و علیهم و رحمة الله و برکاته ...

میان ... از ... در روایت مصباح از حضرت صادق ... که بعد از نماز ظهر بگوید اللهم اجعل صلواتک

و صلوات ملائکتک و رسلک علی محمد و آل محمد ... کفعمی از امام

جعفر صادق روایت کرده است که هر که بعد از نماز صبح و ظهر بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم ...

قائم آل محمد صلوات الله علیهم ... در کتاب عدة الداعی از امام جعفر صادق روایت کرده که هر که بعد از نماز صبح ...

بگوید رب صل علی محمد و اهل بیته حقتعالی ... از گرمی آتش جهنم نگاه ... صد بار بگوید

صل علی محمد و آل محمد حقتعالی صد حاجت او را روا کند ... در کتاب جمال الاسبوع

که از تصانیف سید بن طاوس است رحمه الله تعالی ... که در شب جمعه دو رکعت نماز بجا آورد ...

پنجاه مرتبه سوره اخلاص بخواند و بعد از نماز بگوید اللهم صل علی النبی العربی محمد و آله حقتعالی ...

١٢٢

در انواع و اقسام و ثواب صلوات بر محمد و آل محمد

یا مرد و جبان باشد که یکی نوازده هزار مرتبه ختم قرآن که باشد و حقتعالی او را از گرسنگی و تشنگی روز قیامت نگهدارد
و تمام اندوه و حزن او را برطرف سازد و او را از ابلیس و لشکر ابلیس نگهدارد و نامه و هیچ گناهی او را ننویسد و برکات مر او را
بر او آسمان نماید و اگر در آن روز یا آن شب بمیرد شهید مرده باشد و خدا عذاب قبر او را از او بردارد و هرچه از خدا سؤال کند باو عطا
فرماید و دعای او را مستجاب نماید و ملک الموت روح او را قبض ننماید تا آنکه رضوان ریحان بهشت باو آورد و ایضا در همانکتاب از آن
جناب منقولست که هرکه در شب جمعه دو رکعت نماز گزارد و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه آیة الکرسی و بیست و پنج مرتبه قل هو الله احد
بخواند و بعد از نماز هزار مرتبه بگوید اللهم صل علی النبی الامی و آله حقتعالی شفاعت هزار بیعتر باو عطا فرماید که از بزرگترین شهرهای
دنیا وسیعتر باشد و ایضا در همانکتاب از همانجناب منقولست که هرکه در شب جمعه یا روز جمعه یا شب پنجشنبه یا روز پنجشنبه یا شب دوشنبه
دوشنبه چهار رکعت نماز بجا آورد به دو سلام و در هر رکعت هفت مرتبه سوره فاتحه و یکمرتبه سوره انا انزلناه بخواند و بعد از نماز صد
مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد حقتعالی باو عطا فرماید هفتاد هزار قصر که در هر قصری هفتاد هزار حجره داشته باشد و در هر حجره هفتاد
هزار جاریه داشته باشد و در مصباح متهجد نیز همین عمل مذکور است و در کتاب جمال الاسبوع از زید شحام روایت است از حضرت صادق ع
شنیدم که بهترین اعمال در روز جمعه صلوات فرستادنست بر محمد و آل محمد علیهم السلام از صد مرتبه باشد باین طور که اللهم
اجعل صلواتک و صلوات ملائکتک و انبیائک و رسلک و جمیع خلقک علی محمد و اهلبیت محمد علیهم السلام و علیه و
رحمة الله و برکاته و از حضرت صادق روایت است که هرکه در روز جمعه بعد از نماز صبح بگوید اللهم اجعل صلواتک و صلوات ملائکتک
و حملة عرشک و جمیع خلقک و سمائک و ارضک و انبیائک و رسلک علی محمد و آل محمد تا یکسال سیئه برای او نوشته نشود

۱۲۴ در کتاب جمال الاسبوع به دو سند از حضرت صادق روایت است که بعد از نماز عصر روز جمعه ده مرتبه یا هفت مرتبه یا صد مرتبه و شیخ صدوق
علیه الرحمة نیز نوشته بعد از عصر روز جمعه که انشاء خداوند تعالی بنویسد برای آن شخص صد هزار حسنه و محو کند از او صد هزار سیئه و روا کند
صد هزار حاجت و هرکه بعد از عصر روز جمعه این صلوات بخواند خوانده بود برای او مثل ثواب اعمال جن و انس در آن روز بجا آورند
باین حدیث از جامع بزنطی نقل شده است و در فقه الرضا هفت بار ذکر شده و در کتاب کافی و مجالس ابن الشیخ و کتاب علاء
الدین نیز مذکور است و در کتاب جمال الاسبوع از حضرت صادق بعد از نماز عصر باین اسلوب است اللهم صل علی محمد و آل محمد
و بارک علی محمد و آل محمد و ارحم محمدا و آل محمد و ارفع محمدا و آل محمد الذین اذهبت عنهم الرجس و طهرتهم تطهیرا و در
کتاب ریاض از امیر المؤمنین ع روایت است که هر روز جمعه صد بار بگوید صلوات الله و ملائکته و انبیائه و رسله و حملة عرشه
و جمیع خلقه علی سیدنا محمد و آله و علیهم السلام و رحمة الله و برکاته صلوات فرستاده خواهد بود بصلوات تمامی
خلایق و در روز قیامت در زمره خواص آنحضرت مبعوث خواهد شد و آنحضرت دست او را گرفته داخل بهشت خواهد کرد و هرکه
هر روز سه بار بگوید اللهم صل علی محمد و آله و سلم و اجزه عنا خیر الجزاء حق نعمت بعثت او را بجا آورده خواهد بود و رسول خدا ص از او
عذرخواهی خواهد نمود و از حقتعالی رفعت درجه او را سؤال خواهد فرمود و خوانده ان اللهم صل علی محمد و آل محمد اللهم صل علی سیدنا محمد
ما اختلف الملوان و تعاقب العصران و کر الجدیدان و استقبل الفرقدان و بلغ روحه و ارواح اهلبیته منا التحیة
و السلام و این صلوات مسمی بعباسیه خاصه شهرت تمام دارد که یکمرتبه این مثل ده هزار بار صلوات است چنانکه در اخبار
وارد است که شخصی بنزد سلطان محمود سبکتکین آمد و گفت مدتی بود که میخواستم رسول خدا صلی الله علیه و آله در خواب ببینم و عرضی
که دارم با آنحضرت در دل گویم قضا را سعادت مساعدت نمود در شب گذشته باین دولت رسیدم و حال با جماعت عیال و اطفال
و چون آن بزرگوار را منبسط و مسرور دیدم قدم جسارت پیش نهاده عرض کردم یا رسول الله هزار درهم قرضدارم در ادای آن قادر
نیستم و میترسم که اجل دررسد و آن قرض بماند در گردن من آنحضرت فرمود که برو نزد سلطان محمود سبکتکین و این مبلغ را از او گرفته برد
عرض کردم که شاید از من باور نکند و نشانی بخواهد فرمود بگو باین نشان که در اول شب چون تکیه نمائی سی هزار مرتبه صلوات
میفرستی و در آخر شب که بیدار گردی سی هزار صلوات میفرستی گفتم سلطان از شنیدن این داستان بگریه درآمده
مذکور

در ذکر صلوات کبیره و شمه از تفصیل اسلام و آداب آن

مذکور است که هزار درهم دیگر داد ارکان دولت تعجب کردند گفتند قبله عالم این مرد را بکلام حساب تصدیق فرمایید حال آنکه ما در شب در حرف حاضر بودیم همی بینیم علامت صدق در کلام او و صلوات فرستادن و اشتغال شما را انصاف از او نیستم در شب و حال آنکه این شخص تمام شب و در روز اصرف صلوات فرستادن نماید متوانه شصت هزار صلوات بفرستد سلطان گفت بدانید که من از علما شنیده ام که هر که یکبار الصلواة مذکور اشتغال نماید چنانست که ده هزار بار صلوات فرستاده است من در اول شب سه مرتبه و در آخر شب نیز سه مرتبه الصلواة را میخواندم پس این شخص صدق است با آن حساب صدقات میگوید دیگر بعضی از آن که خبر راست داده و در کتاب کامل الانوار مرویست به سند از ائمه اطهار سلام الله علیهم روایت است که من قال فی رکوعه و سجوده اللهم صل علی محمد و آل محمد کان له اجر رکوعه و سجوده این حدیث را به دو معنی توان گرفت اول آنکه مراد این باشد که هر که بعد از ذکر صلوات بگوید بواسطه توسل بمحمد و آل محمد ثواب درجه قبول خواهد بود دوم آنکه اجر دیگر صلوات خواهد بود ثواب مخصوص صلوات که مقدار آن شمرده نشده یا غیر آن از ثوابها و نتایج مذکوره بروایات مختلفه مزبوره سابقه سیم آنکه ضمیر او بجز ذکر صلوات رجوع کند خواهد شد عبارت از رکوع و سجود آن حضرت باشد مؤلف گوید که شاید جامع بکل باشد بشرط آنکه نماز سلامت باشد نه نماز عبث باشد و در صحیح اصل الصحف گویند بالنهی صریح اذن تفضل کرده و صلوات باشد سبک نماز که اکثر معتمدین بشماران معروف بعلم و فضل و کمال و تقدس حق نعوذ بالله من خواطر الشیطانیه الخبیثه بعد و تشفیع متوسل آل محمد نموده اند این توفیقرا موفق گرداند شد صلوات ارزاق الهام اند است چون انواع و اقسام صلوات کبیره حاجات صوفیه و غیرها که رجوع بذکر آنها نموده ام ملکه عنها ملتمس برسبیل حبیل صاحب ارادت تیمن و تبرک از کبیره و صغیره معتبر ترین آنها که میبایان کنیم یکی بسند ذکر کرده است از جمله کفعمی از حضرت صادق آل محمد سلام الله روایت کرده هر که خواهد که شاد گرداند محمد و آل محمد را باید که بایشان صلوات فرستد بگوید

اللهم یا اجود من اعطی و یا خیر من سئل و یا ارحم من استرحم اللهم صل علی محمد و آله فی الاولین و صل علی محمد و آله فی الآخرین و صل علی محمد و آله فی الملأ الاعلی و صل علی محمد و آله فی المرسلین اللهم اعط محمدا و آله الوسیلة و الفضیلة و الشرف و الرفعة و الدرجة الکبیرة اللهم انی آمنت بمحمد صلی الله علیه و آله و لم اره فلا تحرمنی یوم القیمة رؤیته و ارزقنی صحبته و توفنی علی ملته و اسقنی من حوضه مشربا رویا سائغا هنیئا لا اظمأ بعده ابدا انک علی کل شیء قدیر اللهم انی آمنت بمحمد صلی الله علیه و آله و لم اره فعرفنی فی الجنان وجهه اللهم بلغ محمدا صلی الله علیه و آله منی تحیة و سلاما دیگر صلواتیکه امام جعفر صادق در تعلیم نموده و در کتاب جمال الاسبوع مذکور است اینست اللهم صل علی محمد و اهل بیته الذین اذهبت عنهم الرجس و طهرتهم تطهیرا اللهم صل علی محمد و اهل بیته الذین الهمتهم علمک و استحفظتهم کتابک و استرعیتهم عبادک اللهم صل علی محمد و اهل بیته الذین امرت بطاعتهم و اوجبت حبهم و مودتهم اللهم صل علی محمد و اهل بیته الذین جعلتهم ولاة امرک بعد نبیک صلی الله علیه و علی اهل بیته در روایت دیگر اللهم صل علی محمد و آل محمد و بارک علی محمد و آل محمد کافضل ما صلیت و بارکت و ترحمت علی ابرهیم و آل ابرهیم انک حمید مجید و از جمله صلوات کبیره مفصل از حضرت حجة الله که در کتاب شرح صلوات بشرح و تفصیل بسیار طولانی که از مضامین عالیه بسیار معلوم میشود باب ذکر آن و حال خط چه صاحب روی زیبای ما در این محل ذکر حرف آن اکتفا نمایم بسم الله الرحمن الرحیم اللهم صل علی سید المرسلین و خاتم النبیین و حجة رب العالمین المنتجب فی المیثاق المصطفی فی الظلال المطهر من کل آفة البریء من کل عیب المرتجی للشفاعة المفوض الیه دین الله اللهم شرف بنیانه و عظم برهانه و افلج حجته و ارفع درجته و اضیء نوره و بیض وجهه و اعطه الفضل و الفضیلة و الدرجة و الوسیلة الرفیعة و ابعثه مقاما محمودا یغبطه به الاولون و الآخرون و صل علی علی امیر المؤمنین و وارث المرسلین و قائد الغر المحجلین و سید الوصیین و حجة رب العالمین و صل علی الحسن بن علی امام المؤمنین و وارث المرسلین

منتخب از صلواة کبیره ابا آل محمد صلی الله علیه و آله

وحجة رب العالمين وصل على الحسين بن على امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين
وصل على على بن الحسين امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على محمد
بن على امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على جعفر بن محمد امام المسلمين
ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على موسى بن جعفر امام المسلمين ووارث المرسلين
وحجة رب العالمين وصل على على بن موسى امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل
على محمد بن على امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على على بن محمد امام المؤ
منين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين وصل على الحسن بن على امام المؤمنين ووارث المرسلين
وحجة رب العالمين وصل على الخلف الصالح الهادى المهدى امام الهدى امام المؤمنين ووارث ا
المرسلين وحجة رب العالمين اللهم صل على محمد وعلى اهل بيته الائمة الهادين العلماء الصادقين الابرار
المتقين دعائم دينك واركان توحيدك وتراجمة وحيك وحججك على خلقك وخلفائك فى ارضك الذين ا
اخترتهم لنفسك واصطفيتهم على عبادك وارتضيتهم لدينك وخصصتهم بمعرفتك وجللتهم
بكرامتك وغشيتهم برحمتك وربيتهم بحكمتك والبستهم نورك ورفعتهم فى ملكوتك وحففتهم
بملائكتك وشرفتهم بنبيك صلواتك عليه وآله اللهم صل على محمد وعليهم صلواة كثيرة دائمة طيبة
١٢٦ لا يحيط بها الا انت ولا يسعها الا علمك ولا يحصيها احد غيرك اللهم وصل على وليك المحيى لسنتك
القائم بامرك الداعى اليك الدليل عليك وحجتك على خلقك وخليفتك فى ارضك وشاهدك على عبادك
اللهم اعز نصره ومد فى عمره وزين الارض بطول بقائه اللهم اكفه بغى الحاسدين واعذه من شر
الكائدين وازجر عنه ارادة الظالمين وخلصه من ايدى الجبارين اللهم اعطه فى نفسه وذريته و
شيعته ورعيته وخاصته وعامته وعدوه وجميع اهل الدنيا ما تقر به عينه وتسر به نفسه وبلغه
افضل ما امله فى الدنيا والآخرة انك على كل شىء قدير اللهم جدد به ما محى من دينك واحى
به ما بدل من كتابك واظهر به ما غير من حكمك حتى يعود دينك به وعلى يديه غضا جديدا
خالصا مخلصا لا شك ولا شبهة معه ولا باطل عنده ولا بدعة لديه اللهم نور بنوره كل ظلمة و
هد بركنه كل بدعة واهدم بعزته كل ضلالة واقصم به كل جبار واخمد بسيفه كل نار واهلك
بعدله كل جبار واجر حكمه على كل حكم واذل بسلطانه كل سلطان اللهم اذل كل من ناواه
واهلك كل من عاداه وامكر بمن كاده واستاصل من جحد حقه واستهان بامره وسعى
فى اطفاء نوره واراد اخماد ذكره اللهم صل على محمد المصطفى وعلى المرتضى وفاطمة الزهراء
والحسن الرضا والحسين المصفى وجميع الاوصياء مصابيح الدجى واعلام الهدى ومنار التقى والعروة الوثقى
والحبل المتين والصراط المستقيم وصل على وليك وولاة عهدك والائمة من ولده ومد فى اعمارهم
وزد فى آجالهم وبلغهم افضل آمالهم دينا ودنيا وآخرة انك على كل شىء قدير دیگر از جمله صلوات ایشان که حرز
الجیب عموم مؤمنان بشمول فاذکروا الله ذکرا کثیرا ابرکسند و از عظیم‌ترین عقبات برزخ و حشر و نشر و ... دنیا و آخرت ... است
که سید بن طاوس در کتاب جمال الاسبوع و شیخ طوسی در مصباح متهجد از عبدالله بن محمد عابد روایت کرده است که مشتمل بر صلوات
تمامی ائمه علیهم السلام است حسبه الله مذکور که در سال دویست و پنجاه و پنج در سر من رای بخدمت امام حسن عسکری علیه السلام رفتم در
وقتیکه آن حضرت در منزل خود تشریف داشتند نسخه ای گرفتم که املا فرمایند بر من صلواة رسول خدا و اوصیای حضرت و این صلوات را از خط ایشان نوشت

در اثبات نام مبارک صلوات ائمه کبرای آل محمد آورده

[illegible] اللهم صل علی محمد کما حمل وحیک وبلغ رسالاتک وصل علی محمد کما احل حلالک وحرم حرامک وعلم
کتابک وصل علی محمد کما اقام الصلوة وادی الزکوة ودعی الی دینک وصل علی محمد کما صدق بوعدک واشفق
من وعیدک وصل علی محمد کما غفرت به الذنوب وسترت به العیوب وفرجت به الکروب وصل علی
محمد کما دفعت به الشقاء وکشفت به الغماء واجبت به الدعاء ونجیت به البلاء وصل علی محمد کما رحمت به
العباد واحییت به البلاد وقصمت به الجبابرة واهلکت به الفراعنة وصل علی محمد کما اضعفت به الاموال
واحرزت به من الاهوال وکسرت به الاصنام ورحمت به الانام وصل علی محمد کما بعثته بخیر الادیان
واعززت به الایمان وتبرت به الاوثان وعظمت به البیت الحرام وصل علی محمد واهل بیته الطاهرین
الاخیار وسلم تسلیما اللهم صل علی امیر المؤمنین علی بن ابیطالب اخی نبیک ووصیه وولیه وصفیه
ووزیره ومستودع علمه وموضع سره وباب حکمته والناطق بحجته والداعی الی شریعته وخلیفته فی
امته ومفرج الکرب عن وجهه قاصم الکفرة ومرغم الفجرة الذی جعلته من نبیک بمنزلة هرون
من موسی اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله والعن من نصب
له من الاولین والاخرین وصل علیه افضل ما صلیت علی احد من اوصیاء انبیائک یا رب العالمین اللهم
صل علی صدیقة فاطمة الزکیة حبیبة حبیبک ونبیک ام احبائک واصفیائک التی انتجبتها وفضلتها
واخترتها علی نساء العالمین اللهم کن الطالب لها ممن ظلمها واستخف بحقها وکن الثائر اللهم لها بدم
اولادها اللهم وکما جعلتها ام ائمة الهدی وحلیلة صاحب اللواء والکریمة عند الملاء الاعلی فصل علیها وعلی
امها خدیجة الکبری صلوات تکرم بها وجه محمد صلی الله علیه واله وتقر بها اعین ذریتها وابلغهم عنی فی
هذه الساعة افضل التحیة والسلام اللهم صل علی الحسن والحسین عبدیک وولییک وابنی رسولک وسبطی
الرحمة وسیدی شباب اهل الجنة افضل ما صلیت علی احد من اولاد النبیین والمرسلین اللهم صل علی الحسن بن
علی سید النبیین ووصی امیر المؤمنین علیه السلام السلام علیک یابن رسول الله السلام علیک یابن سید الو
صیین اشهد انک یابن امیر المؤمنین امین الله وابن امینه عشت مظلوما ومضیت شهیدا واشهد انک
الامام الزکی الهادی المهدی اللهم صل علیه وبلغ روحه وجسده عنی فی هذه الساعة افضل التحیة
والسلام اللهم صل علی الحسین بن علی المظلوم الشهید قتیل الکفرة وطریح الفجرة السلام علیک یا ابا
عبد الله السلام علیک یابن رسول الله السلام علیک یابن امیر المؤمنین اشهد موقنا انک امین
الله وابن امینه قتلت مظلوما ومضیت شهیدا واشهد ان الله تعالی الطالب بثارک ومنجز
ما وعدک من النصر والتایید فی هلاک عدوک واظهار دعوتک واشهد انک وفیت بعهد
الله وجاهدت فی سبیل الله وعبدت الله مخلصا حتی اتیک الیقین لعن الله امة قتلتک ولعن
الله امة خذلتک ولعن الله امة البت علیک وابرء الی الله ممن اکذبک واستخف بحقک واستحل
دمک بابی انت وامی یا ابا عبد الله لعن الله قاتلک ولعن الله خاذلک ولعن الله من سمع واعیتک
فلم یجبک ولم ینصرک ولعن الله من سبی نسائک انا الی الله منهم بریء وممن والاهم ومالاهم
واعانهم علیه اشهد انک والائمة من ولدک کلمة التقوی وباب الهدی والعروة الوثقی والحجة
علی اهل الدنیا واشهد انی بکم مؤمن وبمنزلتکم موقن ولکم تابع بذات نفسی وشرایع دینی و
خواتیم عملی ومنقلبی فی دنیای واخرتی اللهم صل علی علی بن الحسین زین العابدین الذی
استخلصته لنفسک وجعلت منه ائمة الهدی الذین یهدون بالحق وبه یعدلون اخترته لنفسک وطهرته
من الرجس واصطفیته وجعلته هادیا مهدیا اللهم فصل علیه افضل ما صلیت علی احد من ذریة

در بیان ثواب و خواص صلوات

ابنیائک حتی تبلغ به ما تقر عینه فی الدنیا والآخرة انک عزیز حکیم اللهم صل علی محمد بن علی
باقر العلم وامام الهدی وقائد اهل التقوی والمنتجب من عبادک اللهم وکما جعلته علما لعبادک
ومنارا لبلادک ومستودعا لحکمتک ومترجما لوحیک وامرت بطاعته وحذرت من معصیته فصل
علیه یا رب افضل ما صلیت علی احد من ذریة انبیائک واصفیائک ورسلک وامنائک یا اله
العالمین اللهم صل علی جعفر بن محمد الصادق خازن العلم الداعی الیک بالحق النور المبین اللهم
وکما جعلته معدن کلامک ووحیک وخازن علمک ولسان توحیدک وولی امرک ومستحفظ
دینک فصل علیه افضل ما صلیت علی احد من اصفیائک وحججک انک حمید مجید اللهم صل علی
الامین المؤتمن موسی بن جعفر البر الوفی الطاهر الزکی النور المبین المحتسب الصابر علی الاذی فیک
اللهم وکما بلغ عن آبائه ما استودع من امرک ونهیک وحمل علی المحجة وکابد اهل العزة والشدة فیما
کان یلقی من جهال قومه رب فصل علیه افضل واکمل ما صلیت علی احد ممن اطاعک ونصح لعبادک انک
غفور رحیم اللهم صل علی علی بن موسی الذی ارتضیته ورضیت به من شئت من خلقک اللهم وکما
جعلته حجة علی خلقک وقائما بامرک وناصرا لدینک وشاهدا علی عبادک وکما نصح لهم فی السر والعلانیة و
دعا الی سبیلک بالحکمة والموعظة الحسنة فصل علیه افضل ما صلیت علی احد من اولیائک وخیرتک
من خلقک انک جواد کریم اللهم صل علی محمد بن علی بن موسی علم التقی ونور الهدی ومعدن الهدی

وفرع الازکیاء وخلیفة الاوصیاء وامینک علی وحیک اللهم وکما هدیت به من
الضلالة واستنقذت به من الحیرة وارشدت به من اهتدی وزکیت به من تزکی فصل علیه افضل
ما صلیت علی احد من اولیائک وبقیة اولیائک انک عزیز حکیم اللهم صل علی علی بن محمد وصی
الاوصیاء وامام الاتقیاء وخلف ائمة الدین والحجة علی الخلائق اجمعین اللهم کما جعلته نورا
یستضیء به المؤمنون فبشر بالجزیل من ثوابک وانذر بالالیم من عقابک وحذر باسک وذکر بآیا
تک واحل حلالک وحرم حرامک وبین شرایعک وفرائضک وحض علی عبادتک وامر بطا
عتک ونهی عن معصیتک فصل علیه افضل ما صلیت علی احد من اولیائک وذریة انبیائک
یا اله العالمین اللهم صل علی الحسن بن علی بن محمد البر التقی الصادق الوفی النور المضیء خازن علمک
والمذکر بتوحیدک وولی امرک وخلف ائمة الدین الهداة الراشدین والحجة علی اهل الدنیا فصل
علیه یا رب افضل ما صلیت علی احد من اصفیائک وحججک واولاد رسلک یا اله العالمین
اللهم صل علی ولیک وابن اولیائک الذین فرضت طاعتهم واوجبت حقهم واذهبت عنهم
الرجس وطهرتهم تطهیرا اللهم انصره وانتصر به لدینک وانصر به اولیائک واولیائه و
شیعته وانصاره واجعلنا منهم اللهم اعذه من شر کل باغ وطاغ ومن شر جمیع خلقک
واحفظه من بین یدیه ومن خلفه وعن یمینه وعن شماله واحرسه وامنعه ان یوصل الیه بسوء
واحفظ فیه رسولک وآل رسولک واظهر به العدل وایده بالنصر وانصر ناصریه واخذل خاذلیه
واقصم به جبابرة الکفر واقتل به الکفار والمنافقین وجمیع الملحدین حیث کانوا من مشارق الارض
ومغاربها وبرها وبحرها واملأ به الارض عدلا واظهر به دین نبیک علیه وآله السلام واجعلنی
اللهم من انصاره واعوانه واتباعه وشیعته وارنی فی آل محمد ما یأملون وفی عدوهم ما یحذرون اله
الحق آمین

باب دوم در استحقاق قبول و صحت نماز مؤمن فصل اول در صلوة

فصل اول

در ثواب و خواص صلوات بر محمد و آل محمد

زعلی بن ابراهیم عن ابیه عن ابی عمیر عن هشام ابن سالم عن ابی عبد الله علیه السلام قال لا یزال الدعاء محجوبا حتی
یصلی علی محمد و آل محمد و عنه عن ابیه عن السکونی عن ابی عبد الله قال من دعا و لم یذکر النبی صلی الله علیه و آله رفرف الدعاء علی رأسه
فاذا ذکر النبی صلی الله علیه و آله رفع الدعاء خلاصه معنی آنکه محجوبست دعا از عالم قدس تا صلوات ... و روایات ... عن ابی عبد الله علیه السلام
مرویست که نزد حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله ... عرض کرد من ثلث صلواتی ... حضور مقدس ... ملک لغفت
ملک تمام ... حضرت فرمودند کفایت ... دنیا و آخرت عن ابی بصیر عن ابی عبد الله علیه السلام قال اذا ذکر النبی صلی الله علیه و آله فاکثروا
الصلوات علیه فانه من صلی علی النبی صلواة واحدة صلی الله علیه الف صلواة فی الف صف من الملائکة و لم یبق شیء
مما خلقه الله الا صلی الله علی العبد لصلواة الله و صلوات ملائکته فمن لم یرغب فی هذا فهو جاهل مغرور قد بری الله منه و رسوله
و اهل بیته یعنی ابو بصیر از جناب صادق آل محمد سلام الله روایت میکند که آنحضرت فرمودند که هرگاه اسم مبارک حضرت رسول
مذکور شود بسیار صلوات بر آنحضرت بفرستید ... که هرکه صلوات بفرستد بر آنحضرت یک مرتبه صلوات میفرستد بر او خداوند عزّ شأنه
هزار مرتبه با هزار هزار صف از ملائکه پس باقی نمیماند از مخلوقات پروردگار عالم ... ملائکه صلوات میفرستند برای آن بنده
صلوات فرستادن خدا و ملائکه برای آن بنده پس کسیکه رغبت باین نعمت عظمی و طالب این موهبت کبری نباشد
آن شخص جاهل و مغرور است خدا و رسول و ائمه سلام الله ازو بری و بیزار ... است ازین بیشتر ... سعادت این بالا
... و شقاوت چه باشد و قال رسول الله صلی الله علیه و آله من صلی علی صلی الله علیه و ملائکته فمن شاء فلیقل و من شاء فلیکثر
باز فرمودند که صلوات بر من و اهل بیت من زایل کننده نفاقست و موجب وفاق و محبت و اتفاق و حضرت صادق فرمودند کسیکه
یا رب صل علی محمد و آل محمد صد مرتبه ... حاجت ... دنیا ... آخرت ... و بار آنحضرت ... من
فرمودند من صلی علی محمد و آله عشرا صلی الله علیه و ملائکته الفا اما تسمع قول الله عزّ و جلّ هو الذی یصلی علیکم و ملائکته
لیخرجکم من الظلمات و کان بالمؤمنین رحیما پس ... و صلوات ... زیاده از آنست که ... تقریر ... از تصور
او هام بالاتر نباشد کما قال صلی الله علیه و آله اولیائی تحت قبائی لا یعرفهم غیری ... شخص کامل و انسان فاضل بمظهریت
کمالات و مصدریت اخلاق و سعادات مخصوص ... طبعی ... الاسلام و المسلمین جامع الاصول القدسی
که از خاندان رسالت ... و کمال ولایت مامور ... صلوات و خواص و نتایج ... تمامی عمر ... بر ... ان بالا
و کرده ... در لیالی و ایام جمعات باساعی ... میفرمود که در اعصار جمعات ... که اعمال امت ... در این وقت طاعات
که نزد حضرت رسول ... ازین ... مقبول ... باشد که جمع کثیر از ملائکه ... با قلام طلا بر صفایح نقره صلوات
شیعیان ائمه اطهار ... کما قال الصادق اذا کان عشیة الخمیس و لیلة الجمعة نزلت الملائکة من السماء و معها اقلام الذهب و صحف الفضة
لا یکتبون لیلة الخمیس و لیلة الجمعة و یوم الجمعة الی ان تغیب الشمس الا الصلواة علی النبی صلی الله علیه و آله و تمام ... عبادة بازداده خوم و ذکر
و صلوات روزه و ... در ... اختیار ... دولت ...
روایت از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله که فرمودند که از حضرت روح الامین شنیدم که ... اهل ... باید ... آنکه
عبادة ... صلوات بر محمد و آل محمد ... که اگر ... از ذکر صلوات بر محمد و آل محمد غفلت نمایند ... وقتی
روایت انس بن مالک گفت ... حضرت رسول صلی الله علیه و آله ... آنحضرت ... انس ... بر سرم ...
انس چگونه ... که الحال روح الامین ... بشارت آورد از نزد خداوند تعالی که میفرماید هرکه ... یکبار صلوات
من که خالق او هستم ده بار برای صلوات میفرستم یعنی ده رحمت ... یک رحمت ... جمیع ... باشد
... خصیصه ... یک خصیصه ... صلوات ... خصیصه دوم آنکه ... در ... درجه
... دیگر ... دنیا ... خصیصه سیم ... صلوات آنست که ده درجه ...

129

باب چهارم فصل اول

در ثواب و خواص صلوات فرستادن

یعنی هر درجه هر چیز از اخبار دیگر بیرون که ساعی نعمت و لذت باطنه و دنیا باشد معلوم است از اول یعنی صرف مخصوص آخرت و دنیا بازمی
در اول کافی شد باقی زیادتیها مال و ذخیره آخرت شد مشروط بر اینکه مؤلف رو بسیار کرد فقیر مذهب عزادار آل و مغزو نباشی
عذر هواء کند بر بابر الهی از و مردان دشمنان اینها تواناهی وافر علمی و فن محقق باشد مسلم و مؤمن فقیر نباشی چون
بیشماران کور باطن بی نماز مستخف بالصلواة که در مدة العمر تحصیل حق هر رکعت نماز باشرایط نکرده است عوض نماز صحت
که با حمد و سوره صحیح و صرافی شده در امثال تو جمع وشکستگی و تعلم حق مهیا نکرده در اول درجه علم قرائت باشد یا صحت
حمد و سوره و منطق و مد اگر نبوده شب و روز در فکر لفظ و ترتیب و ترقی کثرت هر چه بر درست با نواع اسباب تزویر و فساد داشته
و جان آنکه حق علما و طلاب است که در طی مراتب حرف و حیثیت و صه اشناسی و تکمیل در خیمه حق درجه دوم علم قرائت باشد
سنین خارج و کلمات صحت دیده و سنت و مکرر و سماع نمودن نماز حق و نماز دیگران و میزان فرق و تفاوت داشته باشد که حکم خلاف
ما انزل الله ننماید و الا در حکم قطعی داوری بصحت و بطلان نماز حق یا دیگران لابد کافر خواهد شد برای آنکه نمازش میزان
و مکیال ندارد بعبارة اخری اصل حسنه صلیه در نماز نیست آنچه نماز است بی کیل و بی وزن لابد همیشه در خطر است بلکه نماز سقط (و صحت)
ندارد که لا محاله با نماز ایشان و خارکن برود قضا و از ذمه بر دارد بار عدالت تو ان تعون دستور شریعت اما فوات وادوات
آب داد در وقت و در اخبار رجال در مرد و مرد انکه چنان برگشته که از مغرب تا مشرق برکشند و تا صد دار حساب
در کتاب تاج المذکرین نتیکنه ابو مالک ابو النصر که حضرت رسول و منقد هر که یکبار بر من صلوات فرستد حق تعالی بر او
ده بار صلوات میفرستد اهل آسمان اول چون بشنوند بر او صد صلوات فرستند و چون اهل آسمان دوم بشنوند هزار صلوات

120 فرستند و چون اهل آسمان سیم بشنوند دو هزار و چون اهل آسمان چهارم بشنوند چهار هزار پنج و شش و هفت آسمان هفتهزار فرستند
بعد از آن خدای تعالی و ملایکه ثواب درود او با ملت که به ملت دیگر شمار حق نمیاید به واسطه درود او و جلیبین داد و حضرت صادق
روایت میفرماید که صلواة فرستند رسول صلی الله علیه وآله که در وقت موت و در وقت احتضار دستش بهیج چیز نمیرسد یا در معنی
چنین نوزاید و حضرت رسول صلی الله علیه وآله در بالین او حاضر شده لب مبارک بر لب محتضر مومن گذارد و لب او ببوسد چنان عالی
و حالی او حاصل شود مثل کسید در بیابان بسیار گرمی تشنگی او بهلاکت برسانه کسی جامی پر از آب سرد باو دهد
که از عسل شیرین تر و از یخ سرد تر باشد بلکه هزار درجه بالاتر چه نسبت خاک را با عالم پاک التفات افضل خلق کائنات اینچنین
چه ادنی مثلی که کمیاب بشر ذلیل مثل بیاورد و بعد از آنکه او در قبر گذارند و منکر و نکیر حاضر در قبر او چنان عطری از قبر او بالا آید
و احاطه نماید ایشان از برای یکدیگر حیران و گوینده که این عطر و عنبر بیاید ملیشنویم این از عطر کجا از کاملت بیارک کرده
چه حق صحبت در حدیث ذکر وارد است بعد از آنکه حضرت ختمی مآب صلی الله علیه وآله با جماعت مسلمین که در خدمت آنحضرت بود تمام جهار ساک کرد
مجاهره نموده عمامه اسند الاصلواة بر محمد و آل محمد و آله هر وقت گرسنه میشد با شنعه و هر وقت لباس ایشان چرکین میشد بیرون گرفته صلواة
ملبوس ساخته عمامه اداب رسید و لباسها پاکیزه میشد چنانکه ایشان آن القدر حس میکنند به سیر شدن از شعب ابی طالب چهار دو در روز اینجا بدو
چون خاتم الانبیاء بمعراج بردند حضرت ملکی ید و بیند که چندین هزار دست داشت و در هر دستی چندین هزار انگشت و در هر انگشت چندین
هزار ناخن و چندین هزار بال داشت و در هر بالی چندین هزار انگشت و در هر انگشتی چندین هزار ناخن داشت و چندین هزار سر و در هر سر چندین
هزار چشم و چندین هزار گوش حضرت از دیدن آن ملک متعجب شده و معرفة الملک بچه امر مشغولی از احکام اللهی عرض کرد که
حساب تمام عالم از اشجار و قطره و حوال و انسان و حیوان و مخلوق آنچه خلق کرده با ملت میدانم حضرت فرمود در عالم
چیزی هست که حساب از آن عاجز عوض کرد بلی ثواب صلواة و فرستادن برقو داداو او خدا و به القدر ثواب میدهم که از عهده
آن عاجزم اما دشمنه انم یعنی مخصوص ذات پاک خداست پس حالا که این طور ثواب باشد چگونه این فیض
نخواسته محروم کرده که ختم دارد برای هر امر مشکل و برای زیارت روز و غیره اگر مطلب بسیار مشکلی باشد یا هیچ چه
بر آورده نشد یا گرفتار باشد یا بیمار سخت که علاج پذیر نباشد اگر چه بتغییر و تبدیل در آن باشد برکت خاتم انبیا و اولاد

هر دو

باب ۵ام فصل اول

در ثواب و خواص صلوات بر محمد و آل محمد

هرگاه شخصی طلب عمده داشته باشد این صلوات را در مکان خلوت بعد از نماز خفتن رو بقبله نشسته بخواند صورت از قرمطلوب حساب [illegible]
خاتم الانبیاء صلوات الله علیه و آله بکشد هرگاه در بالای سر آن بر زمین بکشد و هرگاه در مکان خلوت باشد بهتر [illegible]
کاغذ مقابل خود بگذارد و دو رکعت نماز حاجت بگذارد صد مرتبه افوض امری الی الله بگوید بعد بدون تکلم با احدی [illegible]
و ابتدا شروع در خواندن صلوات نماید و بعد از اتمام تسبیح و رفته صد مرتبه بگوید حسبی الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر [illegible]
خود و سوال از خدا بکند اما سعی نماید که اشک او جاری شود زمان خواندن صلوات و زمان خواندن این صلوات در اول [illegible]
روز جمعه است دیگر آنکه صلوات فرستادن بر رسول خدا صلوات الله ثواب بسیار دارد خداوند در کلام خود امر فرموده است [illegible]
بر صلوات چنانکه فرموده است یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه و سلموا تسلیما یعنی بدرستیکه خداوند جل شانه و ملائکه
و صلوات و رحمت میفرستند بر پیغمبر و کسانیکه ایمان آورده اید بر رسول خدا صلوات صلوات بفرستید برای رحمت فرستادن [illegible]
و در این باب بسیار است از آنجمله قال رسول الله صلی الله علیه و آله من صلی علی صلوة صلی الله علیه عشر مرات و حطت عنه عشر خطیئات
و رفع الله له عشر درجات و در کتاب روضة الاحباب شیخ ابوالحسن بزرگی مسطور است که هر که صلوات فرستد ایزد تعالی امر
فرماید ملائکه را که از طرف الهی صلوات را بروضه مقدس آنحضرت برسانند که یا رسول الله فلان بن فلان سلام میرساند
و صلوات میفرستد حضرت رسول صلی الله از فرح و شادی فرماید که بر آن مصلی از من عوض یک صلوات ده صلوات و صلوات از
خداوند رحمت و از ملائکه و مومنان طلب مغفرت است و بگو بآن آنچه من که اگر ده صلوات بر من فرستاد حق تعالی
۱۳۱ مراکب رسالت فرستاد و داخل بهشت نشوم تا آنکه مصلی کس از قبیله او با خود داخل بهشت نمایم و نیز الفرشته از سر روضه
مطهره آنحضرت برکه دلیل بر کمال مصلی و بعد از خواب خداوند نداء رسید که ای فرشته از من خبر برسان اگر یک صلوات فرستاده [illegible]
تمامی گناهان او را بخشیدم و هم چنانکه ده صلوات گفته عظیم صلوات محمد این طور بزرگ نمایند و ضبط شد [illegible] جهان ادمی [illegible]
بزرگ و ارکان کبیره صلوات شد و صرا
نمایند که بهر حرفی از صلوات او ملکی بیافرینند و هر ملکی سجده سر داشته باشد و در هر سری سجده بگفت و کلان و در هر دهانی سجده
بگفت زبان و بهر زبانی سجده بگفت لغت کلام و صلوات و حمد و ثنا باشد تا روز قیامت ثواب آنها در دیوان اعمال او ثبت نمایند
روایت است که روزی کعب در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله مشرف شده آنحضرت ارشاد فرمودند دیدم از سبب آن پرسیدم فرمود الحال
جبرئیل امده گفت خداوند میفرماید که هر کس بر حبیب من یکمرتبه صلوات فرستد ملک خالق آدم استم ده مرتبه بر او صلوات میفرستم
یکی برای مغفرت دنیای او کافی باشد با فی ذخیره آخرت او باشد و ده درجه بر فرازم و ده گناه عظیم از او بخشم و از حضرت امیرالمومنین
مرویست میفرماید هیچ دعائی نیست که او را حجابی نباشد میان او و آسمان الا صلوات محمد و آل محمد بگوید از آسمانها میگذرد و بعمل صاحب
و الا فلا اینست از عمده علائم مستجابت دعا صلوات است در اول و آخر دعا زیرا که حق تعالی استغفار دارد اینکه عبد چیزی از خالق خود [illegible]
اول و آخر آن که صلوات است بدون حجاب و مانع قبول شده و وسط که مقصود مستدعی است در عرضه موانع نماند از کرم اکرم الاکرمین
بعید است بشرط آنکه مسلمان یعنی عمده ارکان اسلام ایمان که نماز است بی نماز در بین دینی خود شبهه و شک نیست خصوص [illegible]
مستخف بالصلوة باشد یعنی بواسطه بی اعتنائی و ترک آن و مسائل از آن در شهر با وجود علما نپرسد و دنیا مورد کشکول وجود [illegible]
ویران و ضایع بگذارد و اسیا ازین درجه کم سهم ترقی کند نماز بعمت خراجی و بجای نماز چه اخلاص عوض نیاید بگذارد و [illegible]
نماز که از دانه خیال و فکر کن کار و بگوی میرسانند و حال آنکه نماز حاجت بعوام میکنند از عرف و عالم دانسته مدرخله اهل مسلمانان باشند
اکثر علما و طلاب و مستمعان الا ما قل و ندر و الناد ر کالمعدوم خداجان نماید که غرایض دنیوی در دین و دنیا و ایشان یک اول سال [illegible]
حال بدتر که و مرد عاقبت الیس الصبح بقریب به خرف و خشیه و تارد عادة خفقران الحکمی امر من عبادة العلما
و لی مثل آخر اسم الهی نوع خواهند که آن اثر که صرفه دلو آن چون اینها طبایع نیست اگر با بس عادت بر حوش آمد ضعوار از آن
انهاسم از کفر و ظلم تاریکی خانه دست حضرت عیسی بگذارند از حساب موسی قوم حضرت اهل از بعضی دکاری نیفد که مخرج خانه دست هم [illegible]

باب سوم فصل اول

در استحقاق و سزاوار عزاداری به ... دین داران [illegible] خواص

خطور معاصی از دل نام اکثر مجرب خانه دل ... آنکه ... دل کثیف خبیث تاریک ظلمانی ... بعد از آن ... کبایر [illegible]
نداشته باشی چنانکه مقدمه هر نوع معاصی ارتکاب مکروهات است ... اقوال فرقانی ... العباد در نفوس ... [illegible]
رابعه ... رسم مردم جمع آوری ... که کلمات ... [illegible]
[illegible] ... مصاحبان ... حقه ... [illegible]
مرد عاقل کامل ... مصاحبت و مرابطت ... با علما و ابرار ... عزاداران دین ... [illegible]
که غایت و واسطه خلقت عالم و آدم است که خاتم انبیاء ... [illegible]
کتاب الله و عترتی ... [illegible]
[illegible] ... عالم ... [illegible]
[illegible] ... عبادت ... [illegible]
[illegible] ... نقوس ... وزارت ... [illegible]
[illegible] ... صحت و بطلان و سنت و کراهت و جواز ... نماز ... [illegible]
[illegible] ... زمان خاتم النبیین ... [illegible]
که اصلا ... و تعلیم و تعلم ... علم ... صحت و جواز نماز غلط و قرائت ... [illegible]
که از همه جهت ... رکعت نماز ... [illegible]
[illegible] ... بعضی مکروه است ... [illegible]
و بعضی ... اختلافات فقها و مجتهدین ... میزان ... [illegible]
میزان ... نماز ... [illegible]
صحیح و مسقط قضا است ... [illegible]
[illegible] ... رساله مجتهدین ... تمیز حروف و مخارج کافی است ... [illegible]
[illegible] ... تعلیم [illegible]
عصمت ... تعلیم امکان ... عصمت ذاتی ... [illegible]
از وجه ... فاسق ... عصمت منافی است ... [illegible]
وجه دیگر آنکه ... در کلمات و حروف ... [illegible]
[illegible] ... [illegible]
[illegible] ... نماز فارسی [illegible]
چنانکه فقها در رسالها ... [illegible]
واضح است که ... احکام شریعت ... [illegible]
و کدام حکم از احکام الله ... نماز ... صورت نماز لازم ... بطلان ... [illegible]
اول شکل و صورت نماز ... صحیح ... احکام و مسایل نماز ... [illegible]
اعظم ... نماز ... [illegible]
[illegible] ... اسلام ... [illegible]
وجوب که مسقط قضا است ... نماز فارسی ... [illegible]
فرق ... عالم ... کلام ... [illegible]

حاشیه: [illegible] تمیز حروف و کلمات نماز ... [illegible]

باب دوم فصل اول

در نتایج کلام عاقبت نامحمود عالمان خودسر جسور بی‌بصیرت

از جمله قبایح نتایج کلام بی‌تأمل بی‌عاقبت جوابات ناصواب عوام کسانیست که در اصالت تغییر حروف در قرائت فاتحه

جواب و این کلام برای کسانیست که افراط و تکاثر در حسن اداء قرائت نماز کنند که در صفت وسواس و تعدی در همه حال

عوام و بی‌خبر از علم قرائت باشند عوض ترغیب بقرائت نیکو و سزاوار تعلیم بدانکه نماز باطل است [illegible] مثل [illegible] نماز را باطل

در قرائت تعقیبات نماز عصر است که اللهم انی اعوذ بک من علم لاینفع ومن دعاء لایسمع [illegible] و با اسباب ملکوت [illegible]

بسیاری از این قدر جسور گشته که چهار نباشد که تمامی سعی در گوش ابلیس برای معرور [illegible] کردن علما [illegible] الله العالم

فتنه العالم [illegible] ملکه [illegible] ابلیس و اوصیا [illegible] در اول ارشاد از ائمه علیهم السلام [illegible] و قبیله علم [illegible] تعلیم

این قسم فساد [illegible] استعمار [illegible] مثل [illegible] است با ملاقات و با [illegible] و قبیله خود [illegible] مثل [illegible] مجلس [illegible]

و ضرر [illegible] نتیجه [illegible] از نتایج کلام علما [illegible] اول فساد این زمان [illegible] کاملی [illegible]

[illegible] خاتم الانبیاء و [illegible] مرتضی و فاطمه زهرا سلام الله علیها [illegible] فساد [illegible] وقایع کربلا است که صادق آل محمد

[illegible] که فساد علمای سوء بدتر از فساد [illegible] اهل بیت آل محمد [illegible] کالشمس فی رابعة النهار [illegible]

[illegible] و [illegible] ساله [illegible] نماز [illegible] و در هر شهری [illegible] قاری [illegible] صد و [illegible]

و نماز و ذکر قرائت در [illegible] و [illegible] در [illegible] نماز [illegible] قرائت [illegible] جعفری

از [illegible] چه [illegible] نماز غلط [illegible] بانکار [illegible] عالم

جاهلان عالم‌نما [illegible] بیش [illegible] مردم [illegible] عوام [illegible] قاریان [illegible]

و [illegible] قرائت [illegible] طلاق [illegible] تغییر حروف کافی است [illegible] کلمات فساد نماز [illegible]

[illegible] نماز [illegible] نماز [illegible] صریح [illegible] که قاریان [illegible]

[illegible] حمد و سوره [illegible] عوض [illegible] که تعلیم نماز و حمد و سوره [illegible]

اکثر [illegible] نماز [illegible] مبطل [illegible] سزاوار [illegible] مردم [illegible]

مگر از [illegible] سید الشهداء روحی و روح العالمین فداه هزار بار [illegible] بلکه از [illegible] انبیاء [illegible] معصوم [illegible]

هزار بار اعظم [illegible] عوض مصائب سید الشهداء [illegible] این [illegible] دارد [illegible]

خاتم النبیین [illegible] این مصیبت [illegible] این [illegible] تمامی [illegible]

[illegible] حق [illegible] نمائیم که [illegible] زمان [illegible]

و این [illegible] که در [illegible] هزار [illegible] [illegible] و [illegible]

این [illegible] که تمامی [illegible] و ماهیان دریاها بر غفلت [illegible]

[illegible] اقوال لا [illegible] علما [illegible] تا کار [illegible]

از این مقاله دوم [illegible] و [illegible] چهار [illegible] من الائمه [illegible] عالمان [illegible]

[illegible] تامل [illegible] کار [illegible] علم [illegible] مردم [illegible] عوام کالانعام [illegible]

[illegible] والانفق مالبس لک [illegible] علم قرائت [illegible]

[illegible] فضل [illegible]

[illegible] سعادت [illegible] فضل [illegible] عاقبت [illegible] اعظم نعماء الله [illegible]

[illegible] طالب [illegible] در دار العالم [illegible] الائمه [illegible] قرائت

۱۳۲

باب دوم فصل دوم

اشاره بشمه‌ای از قصه‌ها و قبایح بعضی علمای سوء

در مسئلهٔ نماز بی‌صرافی نماز که چهار هزار مسئله دارد مخصوص برای این یک مسئلهٔ قرائت از هزار نفر اعظم فقها و بسیاری از مشهور مجتهدین
سلامت نخواهند شد و خلاصی نخواهند یافت از تیغ انتقام آنحضرت و مؤلف روسیاه که از اذکیای طالبان علم قرائت ملیا[illegible] همه‌اند
نقطه خلاصی بجز برای وصول قرائت صحیح ندارم مگر بفضل خدای باشد بقیه بسوء مقصر ملکه صاحب بدعت سیئه‌ام که دیگران را چون
خود مغرور کرده به کلمات ردیه اندود مبهم و مؤلف کتاب حفظ اللسان بلکه از عوام و عالم انوار عهد ربیان اللهی و بلاگفته از عوام و خواص بسیار اند
والنادر کالمعدوم تمام عالم و در بدعت جهل ایشان که مغرورین علمای معتمد مشهور از اکثر بسیار از ان برسبیل سهل دیدن عمدا در برای خود
عدم شوق و مباحثه ... و قاریان السنه متروک و اختراع ترویج نماز صحیح حتی بعضی قاریان سبب غالی و مایه دو هباد دار
چه فی نسبت بکمزوری و دیگر طلاب زمان مؤلف مایل و راغب نشده مذاکره و مباحثه قرائت تغییر داده که الی الآن تعلیم نماز و قرائت تنها
بر ترازو بدعت والله العالم بحقایق الامور حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود من افتی الناس بغیر علم لعنته ملائکة السماوات والارض اینه
که امام عالم و ممتاز است که علم قرائت از استاد کامل دیده بعد بصحت و بطلان نماز خود و نماز دیگران فتوی میدهد اگر کجا هستی
مغرور رفقه و اصل خود است اصل دهقه چه دخل بقرائت صحیح حفظ ترا شیده دارد و حال این علم و تعلیم استاد شنیدن
اهل خبره لازم است و همین مطلب نیز کافی است خذ العلم من افواه الرجال مراد این علم است نه از هر معلم و صاحب رتبه
ملتفت خدا پیغمبر با به فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون بالبینات والزبر مراد از بینات و زبر کتاب قرآن و دلایل اخبار و آیات و دلیل عقلی
باشد دو آیه دیگر پیغمبر با و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم والعلماء یتفکرون تلک آیات الله نتلوها علیک بالحق
فبای حدیث بعد الله و آیاته یؤمنون و دیگر پیغمبر با ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشة فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم فی
الدنیا والآخرة و قال ان الشیاطین لیوحون الی اولیائهم و قال ایضا و کذلک جعلنا لکل نبی عدوا شیاطین الانس والجن
یوحی بعضهم الی بعض زخرف القول غرورا الخ غرور محقق است در زمان انبیای سلف و خلف مثل علمای حضرت موسی و عیسی
از ارشه متبوعان علمای ایشان بر دزد که مردم را از دین مستقیم بر کرده‌اند چنانکه شیطان را غرور او از سجده آدم علیه السلام
بر گردانید خدا و نه در حق ایشان پیغمبر با والذین یفسدون فی الارض اولئک لهم اللعنة و اولئک هم سوء الدار
بسیار تأسف و هزار حیف که این همه آیات محکمات صریحه در قرآن مجید نازل شده برای نفوس شریر خفته قلبان
و حال آنکه یک آیه در مذمت علمای ما کافی است و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون علم قرائت که بر دانشته
الان هم باسم ترویج دین باشاره و کنایه و اسم موسی و محبت مثل کسانیکه برحوم خاتم الانبیا و علی مرتضی جمع شده
در نماز جماعت باسم صحابه و ایمان آوردن و کوشش دادن بوعظ و جهاد رفتن و یاری پیغمبر باسم سلمانی
چه فسادها و تزویرها برچیده و آماده کرده‌اند که الآن زیاده بر هزار سال میگذرد تا بحال و پیروان ایشان عالم گیر
که در سفر مکه معظمه در صحرای عرفات که دیده‌ام بلا تشبیه چنین صحرای محشر یا در مسجد الحرام در نماز جماعت حکایت محشر
مجسم نماینده که بلکه شیعه میان ایشان معدوم صرفند بلی حکایه بنا و از امخالفت با ما چنین باشد در هر زمان تابع شیطان عالم که
نفس اژدها و مالیت حمیم شیطان حب و حرص و بنا حامی راهی دارد با مصاحبان بد و عادت و ملکه حقه اعضا و جوارح با قبایح عادت متفق
هم دست و هم زبان شده بعد از ملکه و عادت البته تمامی قبایح در نظر و فی طبعان عین کمال و فضل باشد چنانکه از اهل علم
عالمانه از اخبار حقه نقل شده که بحکم حقوم شاهد و معلم ما حصل آنکه در همانکی هر شخصی چند سال سفر کرده بود از خبر داد که
زن شخص ساد پسر را میه که شوهرش در سفر است سالها گفته بامزان او در هر سال اولاد متعدد بسیار در چنان بنجابت
بعد از زمانی باتت نهاده آن پسر بسیار زکی و فهم بود تا در مدرسه در زمان قلیل ترقیات زیاد کرده مدرس صاحب کلام و منبر
و صحبت و وعظ انگشت نما شده بس تعجب میکردم اللهی در نحو و جهل و نسب او و مثل او چه سرتاشه بعد از زمانی سرلیس شده مردم بیا
بعبادت او میرفتند منهم رفتم دیدم حال عجیب دارد هر قدر تعلیم و بارادت کلمه اسلام دهان نمایند نخواند در آخر کشف تفصیل صحیح بعد تا حال

بر حق

در اثبات کفر و فسق عالمان بی‌عمل و محجوبی از ... آل محمد علیهم السلام

نزد من دلیل حکمی نیافته ام الوقت گفتم ملعون ازین خیالات مرا رفیقه [illegible] ... از خبرت [illegible] باشم چون شنیدم عزیز زاده
پاکی دنیا پاکی نطفه و پاکی طعام و شراب بعد مصاحبت و حمایت پاک و ناپاک ... انواع خواص و نتایج است در احراز
خوانان و تحصیل مثل تعلیم و تمام صنایع در وجود انسانی است تا شرح طور به مثقل غالب باشد الفسق والنظر ...
وفق لعدو النفق الله کلام و مضمون این آیه در تمامی [illegible] ... ملاحظه همان حسنه صلیبه ...
خلاصه فهی کالحجارة او اشد قسوة و میفرماید ویل للمطففین الذین اذا اکتالوا علی الناس ... سر ... میزان
داند از قصه ... بی کیل و میزان نباشد مگر نماز و قراءت نماز از وسمه ... است در استخفاف نماز و قراءت نماز آورد
مردان خطاب ملیفه ... اما بعد یا ... پس چنانکه عمود نماز ... دین اسلام است قراءت نیز عمود شرایط نماز است ...
نیز مثل استخفاف خود نماز است عالمیکه استخفاف و تحقیر قراءت نماید مثل انکار معراج و حج و ... الله الحرام ...
انکار ... شیطانست اگر چه عالمش ... نقد ... از شیطان زیاد باشد ... مذهبی و مقدس ... دارد ... خلاصی ...
اهانت علما خوب ... حرف ... گفته ... از علم ... الیس ... الاصل ...
علم آن ... در ایشان ...
... مولف ... در این مجموعه بیان فساد ... اثبات ... باسم ... حجت دلیل ...
بلکه ... عمود دین اسلام که نماز است ... فساد ... از ... باید ... علم قراءت و تعلیم و تعلم نماز
کامل صورت با قراءت که شرط عمده نماز بود اگر عالمیکه مصداق این فساد ... رجوع ... درخواه ...
این نور خدای باشند بشناسی ... دشمن خدا ... در هر آیه ... خطر ... برداشته شدن نماز ۱۲۰
بواسطه برداشتن علم قراءت ... قراءت و قاریان علم قراءت ... آیاتی که در ملامت ... ایشان ...
کلام اللهی ... با فضایل ... شرایط ... نماز ذکر ... انشاء الله باشد ... از علم قراءت ... آیاتی که ... الکبد نماز در قرآن
وارد است ... در اثبات ... از احکام الله یک آیه کافی است و در اثبات ... علم قراءت ... کلمه فرمایش ... بلا فصل
پس بعد که فرموده ورتل القرآن ترتیلاً چه قدر کتب قراءت ... شاطبی ... از مؤلفات علما ... محل ...
موجود ... انکار و استکبار ...

وصایا در اثبات مخالفت اگر عالم ... معنی

... ملائکه علامت ... دین و ایمان و ایتام آل محمد در زمان غیبت و هرج و مرج ... جمع اسباب معاصی ...
... نامتناهی ... زنان ... الذی یوسوس فی صدور الناس ... ایمان مسلمانان ...
صحت و سلامتی ... بالباس ... محبت ... خاطر ...
... اظهار عطوفت ... سر ... ایمان ... در باطن بواسطه عدم ملاحظه ...
... کلام خدا ... صراط مستقیمه ... سلام الله علیهم ...
در علم قراءت نماز تمیز حروف و کلمات کافی است ... این کلام ... نماز ... دین و ایمان ... الکلمه نماز و
و قاریان و علم قراءت ... رکن دین ... جاهل ... علما
دین و آداب دین و ایمان ... کار ...
و طلاب ... نماز ... نماز ...
... مظلوم ... اعتقاد ...
خلاصی ... علمای ... این نقطه ... دزدان ...
چنین جواب گفته که ... ملبس ...
جواهر ... عالمیکه صحت و فساد ... نماز ... صحت و فساد نماز ...

ثابت بر قرار

در اشاره بایمان و اعمال عاریه وایمان

۹ / ۷

کشیدن هوا امر کیب حق سخن و آشته روی و مار کیری و قبول خوان دعه تعلیمات چنانکه با وجود صادق آل محمد چهار نفر نطفهای خراب

در برابر آنحضرت این کهنه میزان فضیلت فروشی گشادند مذاهب خاص برای فریفتگان هنر بالی حق معرکه گیری

یکه حنفی و حنبلی و مالکی و شافعی اختراع که مدعیان مذهب جعفری را وجب القتل و غارت وازدین محمدی بیرون اما

احکام ساختند بدعت نهادند از شماران نماز بدعت زمان غالب با قوه و جمال بحد که در ابراصحاب شرح حساب کرده

شما استعداد از شماران زمان مالکه و قرائت هر رکعت نمازها مسقط قضا و یا نماز قاری به تمیز خارزه اهانت علما یند از

نعوذ بالله الهیا که مصداق ملامت این روسیاهند و زوال شرع و دین که منبع ان سبب است که کلیه فقه است اسناد

نه به ثکسیکه نماز مسقط قضا و تواند که شما ان فعله اتکل دادند جهت کشرع لیسند ش باشند آباو روال شریعت میشند علمای

عالم باشند که مروج علم و عمل نمایند که از بعضی حقه بازان امام حقه رسیده است موجب آیه کریمه ولئن قتلتم فی سبیل الله او متم لمغفرة من

من الله و رحمة خیر مما یجمعون ظاهر ایه که سبب رحمت و مغفرت خدا تادم مردن در راه خدا طاعت الاهی است که نمیجزیز

دلی بنا بر تفسیر صافی مردن و کشته شدن بایمان و محبت امیر المومنین و ائمه طاهرین است الهم بدون طاعت نقصان دارد

و متصور نیست محبت با مخالفت امیر المومنین که راضی نشد بنماز اختراعی عمر پرستی و اگر کسی مدعی این تعارض نماید بهما

باکثرت نه محبت ملکه در درد اند از محبت بنیه محبت باطاعت ملیاشند معیار و میزان طاعت و مخالفت است نه لغو گوی بیجا

اشاره بایمان عاریه و ایمان ثابت و برقرارست

و بعبارة اخری دار دنیا مهمانخانه خداست برای بنی نوع انسانی یا فرد کامل این جنس آل محمد هستند همه مخلوقات از زمان دار آسمان و

و جماد و نبات و عرش و کرسی و بهشت و جهنم برای ایشانست حقه انسانی مهمان خدا و مهمانخانه و جمیع ذرات عالم مهمان هستند بطفیل

آل محمد قدم باین مهمانخانه نهاده اند و خانه صاحب اذن داده در اکل و شرب و هر گونه تصرف مادام العمر بطوریکه شریعت طاهره

مترجم تصرفات این مهمانخانه کههکرد خرج و مصرف کنند و هر کس بحکمه موافق دفترنامه خدا خوردن و صرف کردن و بخشیدن

همه کس حقه نباشد خوردن و آشامیدن و بخشیدن و صرف عمارت و رش ما یحتاج از ارد کتاب و دفتر قانون باشد نامبرده

تحیر دلرسد و امین و فرمان فرما امانت داده چنانکه خداوند اعضا و جوارح امانت کار داده است حسین اما امانت سکنی برای

سبب و واسطه زمین مهمانخانه و اولاد آن بزرگوار تنقص کرده و یک این مال امانت بعیال و اولاد صاحب خانه خداوند عالم

و نمود بقیه و بمصرف مصارف دلخواه خودت هر چه خواهی با مذارزه عدالت امین حقه کرده که افراط و تفریط نکنی

در وقت ملاقات و حساب کشیدن از تو و من که مامور بعدالت نیستیم و اولا از وقت محاسبه ماکه حق سادات و اولاد

صاحب خانه و وکیل کرده بر اولاد حق ش لا است و بر آن سبب و واسطه و زمین مهمانخانه بر خیانت کنیم نه بهم امینیم و بدیک

اولاد حق صاحب خانه که خداست خیانت و نتیجه کفرست که در اخبار ائمه سلام الله علیهم بلکه سنیان نیز کافر میدانند

مانع الزکوة و بدون کلام کافر نمیه اخذه و اما تنبل در حق سبب اولاد آل محمد یعنی کسانیکه خمس و حق آل محمد و نمیه هستند نزد شیعه

هستند و در مذهب حقه امامیه کافر نمیه است از حق اولاد بسبب صاحب خانه هستند و حق در نزد شیعه است در هر حق کافر

مانعین باز دادن خمس و زکوة هر دو سبب کفرست حاصل کلام موعظه اکرام است که مرد عاقل این حساب را در هر آنی پیش

چشم حقه باید بیاورد چه قدر موثر در دلهای مومن اثر و خوص دارد کله حکمتیکه تا مردن که خاطر باید داشت از جمله کلمات

حکم کرد از انکه الاعمال بالنیات مشخص بنیات کفصل که در اصول و فروع کامل دوستان و دیگر این جانها که چه بایدکرد کلمه

لاابالی و هر رکعت نماز بی صرافی کی اهتنه حمل و قرائت و حمد و سوره و هیچ نکردن که بی نماز نشد کافر حساب بدعت حرام الضعیفه حکم داد

نماز بی قرائت و صحت و بطلان نماز شیاطین و فعله کافر حیرت به عیت و بدتر از این زائد چرا ملعونه از گشتن عمر امام جرا

بدتر و قبیح تر باشد و از اینکه در مقابل یک آیه فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون که فتوا ناحق داد بنا و تقلید ادنا حر و دنیا اگر خداوند

او و عمر به هر خیال او تمام عمر تو یقینا بقضای ناحق صرف خواهی کرد که عادت خود کرده است و عمر بیجا در سال او بمعاصی عادت داد کفر لازمه لامه

۱۲۷

[illegible] فصل [illegible]

معنی لباس

در عاریه بودن ایمان اکابر صوریان

با ایمان عاریه عالم بی‌عمل صاحب عجب با فاسق بلکه در اکثر موارد کافر میشود چشم بصیرت بگشا و عیبت را ببین تا نفس خود کافر نبود
که دیده بینه آن عیب بینی و دنبه مراتب کدام یک بعد از جمله سال منقضی امور دین دیده که در رکعت نماز حفظ استعمال
و حالت [illegible] علم قرائت اصلا [illegible] و حالت از گفتن یک بسم الله با یک صلوات محقق ملیقه چه طور صاحب ایمان [illegible]
یعنی اهل خیره [illegible] از رسل اسم [illegible] تکفیر الحسنات کوه را [illegible] حل [illegible]
نمایه با وجود [illegible] صاحب شرع [illegible] اما استحکام و عاریه بودن ایمان عوام [illegible] کار [illegible] حال [illegible]
که بوزن [illegible] اله [illegible] اصل [illegible] حدیث شریف [illegible]
[illegible] در هم و دینار [illegible] دروغ دهقان [illegible] الاناء [illegible]
کالمعدوم [illegible] احتیاط دنیا [illegible] امانت [illegible] امانت [illegible]
[illegible] امانت [illegible] امانت [illegible]
اللهی [illegible] صاحبان امانتها [illegible] نکنند باعدل و انصاف [illegible]
که از [illegible] ایمان [illegible] روز الست [illegible]

فصل سیم

و عقاید الشیعه و سایر کتب اخبار رجوع باید کرد [illegible] این کاروان [illegible] آیه شریفه کل یوم هو فی شأن

۱۲۰۶ محقق [illegible] عدالت [illegible] عدالت [illegible] در عوض [illegible] الطاف [illegible]
امانت [illegible] امانتها [illegible] تفصیل هر کس [illegible] تفصیل [illegible]
و این امانت [illegible] چه قدر افراط و تفریط [illegible] ایمان الغیر بردن [illegible]
[illegible] در رکعت نماز [illegible] چهار هزار [illegible] قرائت چه قدر [illegible]
در رکعت نماز [illegible] قال الله تعالی فی سورة الاعراف واتل علیهم نبأ الذی آتیناه آیاتنا فانسلخ منها فاتبعه
الشیطان فکان من الغاوین [illegible] مطلق [illegible] آیات اللهی [illegible]
[illegible] اللهی [illegible] اسم اعظم اللهی [illegible] مستجاب الدعوه [illegible]
[illegible] اسم اللهی [illegible] فانسلخ یعنی لباس ایمان [illegible]
[illegible] لباس اسلام [illegible] لباس ایمان [illegible] لباس کفر [illegible] فاتبعه الشیطان فکان من
الغاوین [illegible] اسلام [illegible] این عالم [illegible]
نماز [illegible] باطل [illegible] نماز [illegible] نماز [illegible] از کفر [illegible]
و قبیحتر [illegible] نماز [illegible] حکم [illegible]
[illegible] احتیاط فرماید در آیه [illegible] سوره [illegible] قد جاءتکم بینة من ربکم فاوفوا الکیل
والمیزان ولا تبخسوا الناس اشیاءهم ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها ذلکم خیر لکم ان کنتم مؤمنین
ولا تقعدوا بکل صراط توعدون وتصدون عن سبیل الله من آمن به وتبغونها عوجا واذکروا اذ
کنتم قلیلا فکثرکم وانظروا کیف کان عاقبة المفسدین وقال تعالی یقولون بافواههم ما لیس فی قلوبهم والله اعلم
بما یکتمون [illegible] سأصرف عن آیاتی الذین یتکبرون فی الارض بغیر الحق وان یروا سبیل الرشد لا یتخذوه
سبیلا وان یروا سبیل الغی یتخذوه سبیلا [illegible] ایمان [illegible] ذلک بانهم کذبوا بآیاتنا
وکانوا عنها غافلین [illegible] معجزات و آیات [illegible] والذین کذبوا بآیاتنا ولقاء
الآخرة حبطت اعمالهم هل یجزون الا ما کانوا یعملون [illegible] عالم صوریان [illegible]

تنبیه

باب سوم فضل علم

ارکان صدور

در فضیلت تحصیل و ذم علمای جاهل ارشدهم الله

۸۱

تشبیه فرموده است انسان قدر خود را این قدر نداند جسم و لبس قالب خود را تشبیه و مصداق این آیات نماید قدر و قیمت ایمان
خود را باین درجه نداند صورت و شکل نماز خود را چنین خراب کند این آیات که در خصوص و بلکه و در شأن مخصوص است
یا بعلمای ما و قرآن ما و حال در ایام تحصیل هر روزی بلکه در هر وقت حضور در مجلس علم و صحبت ایشان فرموده اند رأفت و مهربان که
دلهای ایشان را رأفت قریب باین الطاف بنده نوازی مجرد در دو منبر موقع آمده اند که تشریف و مامن و محل و دلیل من
که عزت و اسم و فضل و عظم احسان و انعام و کرامات با ایشان مرتبه و بواسطه ثبات قدم بسیار بنده که ان دلوی سبب
نظام عالم و بواسطه علم و فضل تو روزی به تمام مخلوقات و احسان مخلوقات این تو بواسطه تو گردش زمین و آسمان خلقت است
حکمیم موافق حدیث شریف مشهور که نظم عالم بواسطه علمای عامل و اغنیای سخی و کریم است و بواسطه صلحا بلکه گرچه در جهان است
لکن رهنما و مشغول تحصیل و عبادت خود باشند اگرچه عوام صرف باشند که علم و عمل ایشان من عند الله موعظه و نصایح دارند
خواسته عالم خدا خواه است که در میان عوام الناس هر کس مشاهده نماید بسیار است نزدیک و جاهل بلکه هستند جهال
صاحب عقل آنکه در لباس فقر و فاقه خود ساعی باشند با توکل خود برضای عزیزترین مردمانند که فضیلت این جماعت و جاه خود
هر کدام کتابی نوشته مقصود اشاره بتحصیل طالبان علم و عمل است که بدون عمل بغیر از فسق و کفر و کبر ارزش الامر صاحب اراد
چنانکه ممکن است اشاره مولف است که تمامی تخریب دین محمدی علیه و آله و جهال است بلکه لکن ترویج فتنه و جهالت و لباس و ملک و روز بروز می
برداشته شده است و فسق و ترک نماز قاری لیست و احتیاطی که رای همه مجتهدین بعلت آیه نماز دوباره و نماز ادای درجه صحت که مسقط قضا باشد
الا اسم در هر صد نفر اهل سواد و جهال سه نفر جماعت باعث شده بالشده خیلی نادر نه والنادر کالمعدوم باقی صد نفر مذکور عوض
نماز قاری لیست خاطر جمع بعدم متروک شدن نمازهای اختیاری خود لیست بدست که نماز صحیح قاری لیست نماز و اند
که قرائت نماز هر نفر شبیه بسم نماز است چنانکه قرائت و اذان گفتن سقایان در هر ولایت که در ایام سیاحت
اسفار مکه معظمه از راه خشکی که میرود به بلاد و شهرهای بسیار دیدم که اینهمه شاگرد یک استاد در قرائت حتی الهجه
همگی یک طرز میخوانند خیلی بسیار تعجب میکردم که سبب ابتدا دانستم که همگی از اول تحصیل طفولیت میگذرانند با علم
قرائت و تا آخر تحصیل و مشق و به اکرم قرائت قرآن و نماز هستند و در وقت مخصوص هر شخص باکم زبان خود مکتب
مکتب و امتحان طلاب دارند بی اهتمام مباشر امور شرعیه جایز نمی دانند که خلاف طلاب ما آنچه قوه اراده
مباشر امور شرعیه بلکه که مدخل باشند بهر مخالفت چه ادرکیل و مجتهدین باشند مخالف و خوف و منع و حرف و زور
البته که تمامی ساعی در فکر معاش و به خلیفه چنانکه در محل و مامن و دار العلم خراسان مباشرین امور نکاح طلاق
خصوص طلاق فرا و صحیحها و روایتها حضرت امام رضا علیه آلاف التحیة والثنی هر کسیکه ارعامه ملوف و کوچک کار نماز خود نماز
طلاق میدهند هرروزی بیش اهلی را دانی به جا بند اگر در بلاد دیگر مخفی ملتباشند در خراسان آشکار و در محضر ائمه جماعت میکنند
والی که بیشماران نیز با نماز غلط صرف باللحن حفی باشد باللحن جلی بیشمار نمایند بعد از چنین مطلقان بی نمیز اگر اینان
چنین بیشماران در چنین کشت دین و دنیا مومنان قوله و دسته دسته در اردوی زمان که معبد ابرار و اخیار بوده
باین خانه معبد بیگانه است اصل و اساس این همه فساد و بدعت اعظم از کلام لا ابالی معتمدین و معتبرین علما حاصل شده
بگانه مبهم و مهمل بی معنی و بازیچه شمردن گفتند ایها الناس در قرائت حمد و سوره تمیز حروف کافی است و از حفظ و رحمت قاریان که
میباد اگر او ایشان نیز ترک ادبی و اراده وارد نمایند در میان مردم رسوا باشند و حرمت بسم و جزو است نه جزو آن در ملکات این علما
خداوند فرموده ولا تقف ما لیس لک به علم و در جای دیگر فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون بالبینات والزبر دلیل
از آیات قرآنی چه بهتر از علمیکه خبر دارد جواب دهم کافر و فاسق و هم ترویج بدعت نماز اختراعی بدهد باشاره و کنایه
لباس و صورت حسنی و باسم ترویج دین حنیفی محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله و به دستگیری و امداد ایشان الحق و تنکر آنها

فصل [illegible]

در بیان [illegible] امانت و [illegible] خیانت در امانت [illegible]

۹۲

ایشان که دشمنی در راه زنی کفار و منافقین بمقتضای دشمنی [illegible] باجابت [illegible] و بعین منافقی است که [illegible]

و مصاحبت و محبت و لباس [illegible] تزویج کمراه [illegible] دشمنی دین [illegible] از میان مسلمانان بر دارد و خیانت [illegible]

[illegible] یا ایها الذین آمنوا لا تخونوا الله و الرسول و تخونوا اماناتکم و انتم تعلمون [illegible] خیانت [illegible]

این که خیانت [illegible] و مومنان [illegible] اما خیانت احکام و طاعات [illegible] خیانت [illegible] مخالفت [illegible]

[illegible] مدافعه و مقابله [illegible] و خیانت [illegible] ظلم و اذیت و [illegible] فساد [illegible]

[illegible] است که تفصیل [illegible] بسیار [illegible] آخر آیه که میفرماید و انتم تعلمون اشاره [illegible] عالم [illegible]

این کارها [illegible] مخالفت بر دارد چنانکه در [illegible] سید الشهداء [illegible] یا ایها الناس [illegible]

[illegible] نباشد بلکه [illegible] بلکه از [illegible] عوض [illegible]

[illegible] بلند [illegible] قساوت قلب [illegible]

[illegible] این جسارت مخالفت [illegible] اشاره [illegible] اعظم مخالفت

[illegible] نعوذ بالله [illegible] جسارت و قساوت [illegible] خیانت [illegible] سبحانه [illegible]

[illegible] ابن [illegible] قساوت [illegible] کفر [illegible] مسلمانان

۱۴۰ [illegible] مخالفت [illegible] منصور [illegible] و ضلال [illegible] علیه السلام [illegible] لا نهایة له [illegible]

[illegible] علما [illegible] خیانت [illegible]

[illegible] خیانت میفرماید و اعلموا انما اموالکم و اولادکم فتنة و ان الله عنده اجر عظیم [illegible] امیر المؤمنین

[illegible] اللهم انی اعوذ بک من الفتنة لانه لیس احد الا و هو مشتمل علی فتنة و لکن من

استعاذ فلیستعذ من مضلات الفتن فان الله سبحانه یقول انما اموالکم و اولادکم فتنة [illegible] یا ایها الذین

آمنوا ان تتقوا الله یجعل لکم فرقانا [illegible] فرقون بها بین الحق و الباطل [illegible] بین الحق و الباطل

[illegible] عوام الناس بسیار [illegible] العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء [illegible]

[illegible] قلب [illegible]

[illegible] عالم [illegible]

[illegible] امام جعفر صادق علیه السلام [illegible] مالکی و شافعی [illegible] امیر المؤمنین [illegible]

[illegible] قافله سالار [illegible] مجتهدین [illegible] موسی [illegible] عیسی [illegible] تورات و انجیل [illegible]

[illegible] حضرت صادق [illegible] امیر المؤمنین

در ایام سلطنت [illegible] حیث [illegible]

و اکابر علمای بغداد و اعیان و اشراف [illegible] محبت [illegible] منصب قضا [illegible]

[illegible] علاوه [illegible] منافقان [illegible]

[illegible] علم عبارة [illegible] عالم [illegible] از رحمة الالهی [illegible] قلب [illegible]

[illegible] عالم [illegible] اعمال [illegible]

میان حق و باطل [illegible] حرکات و سکنات [illegible]

در کلام [illegible] [illegible] باشد [illegible]

[illegible] زبان [illegible] زبان [illegible]

[illegible] از [illegible] قسمت [illegible]

[illegible] قساوت [illegible]

در مذمت و فسق و کفر اهل بدعت خواص بدعت عالم بی عمل

۹۳

[illegible] (حاشیه)

... یکفر عنکم سیئاتکم و یغفر لکم والله ذو الفضل العظیم ... که فضلا ضال و مضل ... [illegible]

دو باره از جانب الله ... که ... نمازی چنین ... خداوند عزت جمیع علما حتی جهلا [illegible]

نیز ... چنین ... بواسطه ملکه بدعت نماز ... چنین سخت و ... [illegible] علما

و بیشماران معتقدی ... سهل است ... چه عیب و ضرر دارد و حال آنکه شمس المجتهدین ... [illegible]

... صحیحه در مذمت ... نماز ... [illegible]

که در وقت سوال ... خاک ... اقرار زبانی ... در وقت ... در نماز ... [illegible]

نماز و قرائت پیغمبر و امیر المؤمنین صلوات الله علیهما ... [illegible]

که نماز صحیح ... [illegible]

از معتقدین و معتبرین بیشماران ... [illegible] ... کلام مولوی ...

... [illegible] ... خلاف ما انزل الله ... [illegible]

در مذمت علمای ... که از علم قرائت و اسباب صحت و بطلان ... [illegible]

۱۴۱

... [illegible] ... در مصحف نظر کردن ... [illegible]

... [illegible] ... حکم بکفر ... [illegible]

... عوام ... که با اسلامیت منافات است و علم قرائت ... تعلیم نماز ... از میان مسلمانان ... [illegible]

... [illegible] ... میان مسلمانان ... [illegible]

حاصل کلمات ... [illegible] ... قرآن و من الناس من یشتری لهو الحدیث

لیضل عن سبیل الله ... فبشرهم بعذاب الیم ... [illegible]

... [illegible] ... نماز صحیح ... [illegible]

قرائت ... [illegible] ... الیقین ... [illegible]

... زاد المعاد مجلسی مرحوم ... [illegible] ... حق الیقین ... [illegible]

... امر معروف و نهی از منکر که خداوند در قرآن خبر داده است ان الذین یکتمون ما انزلنا من البینات والهدی

من بعد ما بیناه للناس فی الکتاب اولئک یلعنهم الله و یلعنهم اللاعنون ... [illegible]

... جمیع ... نبات و حیوان ... انسان ... [illegible] ... ماهیان دریا ...

دریاها ... [illegible] ... تمام حیوانات ... هر چه مخلوق ... [illegible]

... [illegible] ... مخلوقات ... [illegible]

ابی عبد الله علیه السلام ... [illegible] ... فهو شیطان ... [illegible]

صادق آل محمد ... من ادعی علینا شیئا من امرنا فهو ... [illegible] ... ویل للعالم ... [illegible]

لا یکون احد اشد منه عذابا یوم القیمة ... [illegible]

... [illegible] ... صادق آل محمد ... [illegible] ... اهل الریب والبدع

من بعدی فاظهروا البرائة منهم ... والقول فیهم والوقیعة ... لا یطمعوا فی الفساد

فی الاسلام ... الناس ولا یتعلمون من بدعهم یکتب الله لکم ... الحسنات و یرفع لکم الدرجات فی الآخرة

... [illegible] ... عالم ... و جاهل ... [illegible]

فصل چهارم از باب

اشاره بایام جهالت و تعبیر عبادتهاشان با اعمال و احوال خودشان

۱۳۴۶

چنانکه از آیه معلوم میشود که پیش از بعثت پیغمبر و آباء عالم از امتحانات شریعت حق تعالی فرموده و ما کان صلاتهم عند البیت الا مکاء و تصدیة یعنی صفیر المکاء التصدیة موضع الصلوات و وجه تسمیه که ابتدای استعمال آن صفیر و صفیق میکردند حتی در وقت طواف عریان صفیر کنان و در وقت شغلشان رسول خدا با جمعیت تمام مشغول این کار قبیح میشدند و مخلوط میکردند تصدیه نماز آنحضرت در نماز و در روایة وقت نماز آنحضرت در مسجد الحرام دو نفر از طایفه بنی عبد الدار و دو نفر از جانب آنحضرت صفیر میکشیدند و دست بر هم زدن و تصدیه آنحضرت مخلوط میکردند و خداوند ایشانرا بعذاب الیم و اصل نمود بعذاب اللات و جمعیت نمودن این سبب طواف زنان و مردان عور طواف میکردند از آن سبب احتیاط که در لباس گناه کرده ایم طواف نمائیم و هرچه عور بهتر آمده ایم باین حال بهتر است برهنه و سواستیان ما برای کثیف حرفشان در کردار کرده و بجوش آمده خود چهار و پنج مرتبه غوطه خورده صلواة و نماز الا آنکه آن صرافی نمایند چنانکه نماز بی صرافی و کلمات را مکرر دو بار سه بار بسته میخوانند از آنکه بیقین لطافت نماز حنفی ندارد و وسواس دلمرده نماید که مقدسی میخواهد نماید الهها لا ابالی آسانیده غلط خواندن نماز سهل است بی طمانینه بعجله نماز باطل و ضایع نماید و اما طایفه بلکه از خداوند خبر میدهد ان الذین کفروا ینفقون اموالهم لیصدوا عن سبیل الله فسینفقونها ثم تکون علیهم حسرة ثم یغلبون با وجود آنکه طالب کل و الائمه وحسابت دارند انفاق مال بسیار نمایند در گمراه کردن مردم از راه خدا که خاتم الانبیاء ممانعت نماید و ایشان با دشمن محاربه باشد و در دعا و لعنت که از نماینده بقتال و جهاد سپر حرف جده با آتش جهنم است و حسرت و ندامت باقی باشد ایشانرا انفاق ایشان و بعد میفرماید و الذین کفروا الی جهنم یحشرون لیمیز الله الخبیث من الطیب و یجعل الخبیث بعضه علی بعض فیرکمه جمیعا فیجعله فی جهنم اولئک هم الخاسرون و عن الباقر علیه السلام فی حدیث ان الله

فصل چهارم

سبحانه مزج طینة المومن حین اراد خلقه بطینة الکافر فما یفعل المومن من سیئة فانما هو من اجل ذلک المزاج و لذلک مزج طینة الکافر حین اراد خلقه بطینة المومن فما یفعل الکافر من حسنة فانما هو من اجل ذلک المزاج او لفظ هذا معناه قال فاذا کان یوم القیمة ینزع الله من العدو الناصب سنخ المومن و مزاجه و طینته و جوهره و عنصره مع جمیع اعماله الصالحة و یرده الی المومن و ینزع الله من المومن سنخ الناصب و مزاجه و طینته و جوهره و عنصره مع جمیع اعماله السیئة الردیة الی الناصب عدلا منه جل جلاله و تقدست اسمائه و یقول للناصب لا ظلم علیک هذه الاعمال الخبیثة من طینتک و مزاجک و انت اولی بها و هذه الاعمال الصالحة من طینة المومن و مزاجه و هو اولی بها لا ظلم الیوم ان الله سریع الحساب قال ابدا فی هذا المعنی من القرآن الیس یقول الخبیثات للخبیثین و الخبیثون للخبیثات و الطیبات للطیبین و الطیبون للطیبات اولئک مبرؤن مما یقولون لهم مغفرة و رزق کریم و قال عز و جل و الذین کفروا الی جهنم یحشرون لیمیز الله الخبیث من الطیب و یجعل الخبیث بعضه علی بعض فیرکمه جمیعا فیجعله فی جهنم اولئک هم الخاسرون توسوه که انکار این احادیث هر که به پروردگار مومن برادر اسم بی مسمی مستغنی نماز است یا اینکه نماز شرط ایمان نیست و بدون نماز ایشان تفضلات ممکن و همه چیز برسم و قانونی قانونی و قرائتی ندارد و اگر علم قرائت میزان صحت نماز است که اعلا و ادنی نسبت باستعداد حق هر طایفه و شنیدنی در که بقدر احتیاج حرف با موز نمیشنود مذاکره و تکرار زبان و علما و صاحبان سواد تحصیل بود و اگر پیشنمازان که بسبب غلط پیش نماز کنند باز معصوم نیستند یا فاسق و کافر اگر پیشنماز کافر و فاسق و صاحب بدعت است ملامت نمیکنم که خاتم الانبیاء صلوات مذکوره معهود غیبت و بدگوئی ایشانرا میان مردم نمایند که به امام او نزدیک روضه و شهادت بسیار بسته به باز نکفتها علامات ما و زد آن شرح و رد بر ملامت نیم که باعث او در هر نماز تعارض و نفاق ملتبس است و شخص که از سبیل مصداق ایم آیات قرآنی خداوند و هر مقصود از آن آیات را دلیل میآوریم و اگر مصداق آنها نباشند چه رجوع به ارم علما بپیشنماز از علم قرائت و مشق و تعلیم و تعلم نماز و مذاکره و مباحثه نماز صحیح و میزان نماز صحیح از میان مسلمانان جاهلان بیرون برده هر جا التباس این حرف معصوم است بنیان آل محمد و اگر منافقان از حقوق ولایت و فدک مانع شدند منافقین از نماز صحیح

فصل چهارم از باب دوم

در اشاره بانجر و علمای لاابالی در تعمیر دین و اعمال [illegible]

۶۵

صحیح چنان منع کرده که علمای متأخرین [illegible] محتاج نماز مسقط قضا [illegible] که بعد از [illegible] احتیاط [illegible]

[illegible] فصل چهارم از باب دوم در خصوص احترام [illegible] علما

برای عوام و خواص ضروری دین اسلام است زیرا که عقده‌کشایان دین [illegible] اسلام [illegible]

[illegible] ممیزان امور دین و علمداران لشکر اسلام [illegible] که بوجود ایشان استقرار دین [illegible]

صراط مستقیم اسلام [illegible] تشخیص و تمیز [illegible] تمیز حق از باطل [illegible]

[illegible] عقلا [illegible] باحکام میزان [illegible] قرآن در دست [illegible] خارج از جادهٔ مستقیم شرع [illegible]

احکام کتاب و قرآن [illegible] مخالفت قرآن [illegible] قانون قرآن صدق [illegible]

[illegible]

۱۲۲

فصل چهارم در بیان سم

اشاره باقسام دزدها و بدترین اعداء آن دزد خانگی است

چون فقره شریفه کریمه من کان فی هذه اعمی فهو فی الآخرة اعمی و اضل سبیلاً فعلی هذا بر تمامی اهل ایمان لازم است صفت
صدق واوارونیت و بلندی هر یکی آوازها بآواز او بلقدر قوه واجتهاد در علما شریعه و ادیان اسلام که اهم با انهاک کنند نماز دین ما
که تمامی زحمات خاتم الانبیاء و علی مرتضی و حسین مظلوم کربلا و قتل در جه شهادت همه ائمه سلام الله علیهم برای اعلای کلمه این نماز
این نماز و احکام این نماز بود و جهاد من و تو نیز بمواقف عهد و پیمان روز الست در راه دین و ایمان حقا همین نماز است که صحت
صورت و شکل این نماز باعث صحت سایر اعمال است و اگر در صحت روح و معنی این نماز ملکوتی شوم و شهید از دنیا بروم
از کمال نمایم چه قدر نسبت و عین شهادت و اقتدا بشهیدان حق که ام کرده بر سر این نماز جسته شهادت در معرفه و از
دنیا هجرت و از دار کفر باشیم آیا تبعیت پیشوایان را ادعا و موالیان حقا چه قدر مطلب و سخن ملاباشه است
درباب طایفه جهل محقر اثنی عشری شب و روز دام فساد و فتنه بر زبانها حکم کرده است که باغوای علمای لا ابالی لعنهم
بکلمات ربانی امروز براه شیطان مجموعه ضلاله خبر داده و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم
اگر با این ورد عظیم مالک و فاسق بلکه کافر ملعونه که علم قرائت بیهوده و بکذا نمازها را غلط میشمارد و نماز دیگران را حکم صحت و بطلان نماید
کافر مسلم ملعونه خدا یا این چه دروغ در ملت باوجود فضل و کمال این چه حقیقه و این چه غفلت و بیحیایی باشد در مقابل
آیه و لا تقف مالیس لک به علم و شهادت فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون بالبینات والزبر مراد از زبر
و بلیات سم و دلیل باوقت و دلیل احکام قرآن و کتب و تحریر و تحقیق و نشر آنها سر حرف بی دلیل و بیان سخن محض
در مقابل این همه تاکید است ابلیس چنان مرکب حقه کرده که علم قرائت و قاریان را جنت و ... و همه اگر حمد و سوره را برداشته
هر چه که خود نیز معطل نماز عوامی مسقط قضا مانده از الآثار و الأنوار کالمعدوم اللاهی کحق انوار حضرت صاحب ما حجة الله ... بر دور
جمله تمامی مجتهدین صحت قرائت شرط نماز هست و در رسالها نوشته اند لهذا در بعضی اوقات بر سبیل اجمال و در رد اللباب و از محلی
نمایند که صحت قرائت شرط نماز است با شرایط نماز ملبس ... تمیز حروف و در آن کافی است مثل آنکه
رئیس این ملکه هم از این مثل عوامی کرده و فتنه کرده قاریان را بسیار و ملبس کج درست نماید کل قاریان
و کفره ملاباشه برای آنکه ذکر اسم مطلق قاریان گفتند در دالت ... الطار عوام هم از آن کفر ادات اهلیت که قاری علم
و منوع و مدار آن حمد و سوره بالمره برداشته شده از الخناس و سواس خناس الذی یوسوس فی صدور الناس علمای مجلل
حنو و تلبس با همه مواقف اخبار قریب لظهور حجة الله نماز که برداشته ملبسی نمای است که برداشته شده است ...
نماز میت و صدق نماز ... و اگر جمعه نفر عوام کالانعام بلکه هم اضل ... نماز گوینده کافر ... نماز ... کافرم ملعون
جز بدعت ... نماز گفتن چه طور جایز باشد و اگر کوری که بالمره برداشته شده از صد نفر شاید چهار نفر سه نفر نماز مسقط قضا
باشند جواب آن واضح است که الناد کالمعدوم صد نفر گذشت کلاً مامور نماز صحیح و ... از روی یقین ... غلط
باشد یا بستر ... بی صراف اختراعی بدعت که صاحبان بدعت در وقت قبض روح ... بالفرائض کند اطلاقات خواهند کرد
چنانکه مستخفین نماز و کسانیکه از تعلم نماز و مسائل و قرائت نماز مسامحه دارند یا از قضای نمازها حق مسامحه داشته باشند
بلکه کسانیکه استخفاف یکی از مستحبات نماز نمایند مثل استخفاف مساجد و نماز جماعت یا قنوت و تکبیرات مستحبه و استخفاف نماز
پارهٔ کلام الله ... بر ... پاره ها از جنبه بی اعتنایی ... رسمی و اسمی نامیده کافر و مرتد ملعونه والاصل ماخذ و مصدر این همه
اختراعی ... عالم و شاه است از کبر و غرور یا از لاابالی علمای معتمد ملاباشه و یا از عدم عاقبت بینی و بی اعتنایی ... کل
هستند علما که بجز ... حسنه بموافق اخبار و علما ملاباشه همه کل حال از معتمدین اکثر علما بر در ... که اول قاریان را از علم قرائت
باشاره و کنایه بخطاب و اسم ترویج دین برداشته بعد بتدریج اسم در رسم تعلیم و تعلم قرائت و مقابله ... نماز
و صحت نماز را بالباس حرستی و تلخواهی در ترویج دین برداشته کاش این اسم مثل منافقان گذشته در منافقی ... حد
ملعونه اظهار حرستی در لباس اهل ایمان دزد خانگی نمیکردند ... مردم را به دام هلاکت منافقی گرفتار نمیکردند که دزد خانه بدترین دزدها است
خدا ان ...

فصل چهارم از باب دوم

در اعوجاج نماز که در حقیقت اعوجاج در سایر مسائل دین است

نتوان یافت و اعظم متاع خانه دین همین است که در دخانه راه بیت الله الاعظم ایمانست که اگر رخنه بعد از اصول بخود نماز

بسایر طاعات رخنه میان رحمت است که مقصود شیطان بعد از اصول نماز است با استمداد اکابر و معتمد میتمار از رخنه

انداز که محتاج رخنه و جهت کشیدن بتخریب سایر اعمال بجان بجان نباشد همان بلکه آتش ببکیرد و آسمان کند

و اعوانش کارکن مقبول القول زیرک باشد و اگر عالم از اصناف داعیان و ظلام دار اول مطیعه اعوانش و قول

نمیکرده عالم بکار ربود اینست که در تمامی تخریب ملل و مذاهب طاعات اعظم علما علمای این فساد کرده است

که اذا فسد العالم فسد العالم بر آن مرغوب و مطلوب شیطانی است از اینجاست که علما خواص اشخاص مخصوص خوف

خشیت بوده در تمامی اعمال و طاعات و اقوال و احکام و جواب مسائل عوام و خواص در همه نتایج کارها و ثمرات آن

چهار چشم نگاه بلکه هزار چشم نگاه داره خدا خبر داده انما یخشی الله من عباده العلماء معنی اینست که هرگاه دعوی و گرد

حاضر جواب کودن گیسا بیک کاره خوش صورت بهر اعلا دادن حاضر کرده به مثل محراب و قبه منابر حسینی بتزویج

حدیث من بلی اولیای برای تخریب خانه عمود محمد مردم حاضر کرده اینست هرکه مقامی هر سخن جای و مقامی دارد

حال مکانی خاص و عامی دجای دارد تمامی کارها چنان عمومی اعمال و مسائل دیگر چنانکه هر مسئله را نتوان گفت

که حکم الله است چون دار دین برای کوه الاحتیاط سبیل النجاة اظهار فضل و کمال حق اعظم طریق شیطانی است

باست ردبسته از ارامنه ضرب بر آن برای بعضی فقها جایز است که بعوام لاابالی بگویند میرود ارامنه پاک میشود از طرف

ارامنه که در نزد تو ملاقات نمیکند برای اطباء سرلسته او و میشود به بعوام بگوید پاکست میرود با ایشان هر جور ملاقات اجابت

دائر در نزد عوام و خواص بگوید قاریان و دهان و بینی سبیا بر کج قرائت نماینده در قرائت نماز تمیز حروف کافی است

مردم علم قرائت و قاریان را عاشق و کافر و علم قرائت چنانکه بلی و شیخ نماز و تعلیم از مشهور را

بین و مذهب خود اختیار کرده که حال آموختن نماز و قرائت نماز ننگ و عار دانسته برتر از بدعت پندارند

از کجا بی ربط است که خود علما و شماران معتمد عاملان و کارکنان ابلیس از صد نفر صد نفر نماز احتیاطی

که قاری لبسنه گویند دارد صد نفر پنج نفر نماز مسقط قضا که اقل درجه واجب است که شرعاً باطل نباشد مثل نماز

دهاتی خالی از محسنات و مستحبات و مکروهات مبطلات یعنی بردن تشخیص میزان اصلی نماز بلکه هیکل اصلی

نه السنة مانند راه رونابلد که بجز جوی مقصد حاصلی نباشد یا بکدرجه بالاتر از بطلان بعبارة اخری

کنیزک سیاه ابلهی رو عفریطه دهان برآمده صد سال کنند که بحضور حضرت واجب الوجود هدیه فرستاد

پادشاه سلاطین و عده فرمود این هدیه که تمامی اعضا و جوارح موجودات همه بزرگ است دست و پا

و گوش و روح و دهان و بینی دارد بفضل کرم و عنایت خود رحمن رحیم حق وعده کرده و رضا گفته قربان دل

من دل ای حضرت بیحیا جرأت اگر سلاطین ذلیل و بیمی باشد قتل کردن که نمامت شاید حبس ابد

قرار دهد که حق فقلای کل سلاطین دنیوی است مستحق و مجوس ابد جهنم نماید که در قرآن خبر داده است ولا تقعدوا

بکل صراط توعدون مشیند یعنی اعتماد ننماید به مسالک و طرق در دین شیطانی که نهی و تخویف شده و ایه بعد

وتصدون عن سبیل الله من آمن به وتبغونها عوجا یعنی از راه خدا مانع میباشند مؤمنین

که راه راست خدا را با عوجاج و شبهه بلبند چنانکه زن شعیب بعزم بکار بکه آمد و رفت میکرد برای سوال احکام

و مسائل و زیارت و حوائج خود بر در میباید زنش میگفت چه میخواهید ازین کذاب ساحر البته با او

از دین ما بیرون میبرد چنانکه قریش در مکه معظمه نسبت بتمام انبیاء داده در اعوجاج و گمراه نمودن مردم و نمام

میکردند حال شیطان باین طور تکذیب دین و صاحب دین نتوانسته اعتماد نماید مگر بواسطه تخریب نماز که عمود واقعا

[illegible]

145

فصل چهارم از باب دوم

در ترقیات مراتب فساد و بدعت و اقسام آنها

۸۸

این حزب ناری تغییر بدعت این آیه صریح دلالت که خدا فرموده ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم
داخرین آیه دلیل دیگر سوره مبارکه مؤمن کذلک یؤفک الذین کانوا بآیات الله یجحدون و در آیه دیگر میفرماید
الم تر الی الذین یجادلون فی آیات الله انی یصرفون الذین کذبوا بالکتاب وبما ارسلنا به رسلنا
فسوف یعلمون اذ الاغلال فی اعناقهم والسلاسل یسحبون فی الحمیم ثم فی النار یسجرون
ثم قیل لهم اینما کنتم تشرکون من دون الله ادخلوا ابواب جهنم خالدین فیها فبئس مثوی المتکبرین فاصبر
ان وعد الله حق در تامل و تفکر این انواع آیات و امثال آنها که این آیات ملتفت ... و فساد در این
هر روز میخوانند و ملتفت نمیشوند ... مردم ... مخاطب و مصداق این آیات تصور نمایند در
وضوح و ثبوت نزدیک مقارن تشریف و ما قالقصد ارواح با نماز بی قرائت و بی صرافی ... خود پسند و حکم
خلاف ما انزل الله بنماز دیگران ... و بطلان با عدم الملیت ... اصلیه و ظاهر جواب
پس انکار ... احکام و قوة و جد ایمان با ... خفیه و علی طریق احتیاط ملتبس باشد ... فسق و فساد
و خباثت و قساوة و کفر و نفاق ... و بعدم احتیاط و بی باکی و لاابالی و جسارت ملتبس باشد که رفته رفته بفسق و نفاق
و کفر و ارتداد و قساوت و مردم آزاری تا به بدعت و منافقی میرساند و هر کدام مراتب و خباثت و ترقیات

۱۴۶

سبب توفیق دارد بتدریج میرسند مرد عاقل ... از کلمات و افعال و اقوال میترسند ...
و العیاذ بالله و بسیاران از لاابالی و بی اعتنائی میرسند و طریق احتیاط را در نماز قبول نمیکنند عاقبت در کلام حق
و تامل نمیکنند تمامی کار در کلام حق ... در مجالس ... امر ... و در اصلال قراء و علم قرائت
مباحثه در مذمت قراء و فضیلت ... قراء و علم قرائت میکنند بلکه ... از علم قرائت
تا یک فضیلت از سایر علما ... افضل علوم ... علم اصول و فقه و علم اخلاق و صحت همگی محتاج
علم قرائت است اگر از علم قرائت بقدر احتیاج نداشته باشند همه خراب و بی فایده خواهند بود
و تمامی عقود و ایقاعات و نکاح و طلاق و نماز میت بواسطه عدم قرائت باطل ... از علم اصول و اخلاق و علم فقه
... ملتبس ... شیطانی ملتبس ... ضرورت ... خواص قاریان
قرائت این کلمه ... ظاهر ... باطن ... که ایها الناس قاریان ... بسیار ...
در علم قرائت تمیز حروف کافی است معنی باطنی این کلام ... بار ... امام حسین ...
... است ... از همه ... شیطانی ... فساد ... در حقیقت
با خدا و رسول و امام ... جهاد ... نتیجه ... چشمت ... که ... نماز
از مسلمانان ... تا قیامت ... با امام حسین ... بسیار کریم ... گشته ... که اکثر علما و بسیاران
معتقد ... لاابالی ... باطن ... طالمان ... ملتبس ... که ابدالدهر ...
... معنی ... العالم ... العالم و معنی حدیث شریف حضرت صادق آل محمد که ... علما ...
... روز عاشورا ... مظلوم کربلا ملتبس ... در حدیث ...
... بدعت توفیق ... با کفر ... خلق ... دین ملتبس ... عالم ...
... از علم قرائت ... حضرت ابی عبدالله علیه السلام ...
... شیطان ... خاتم الانبیا ... حدیث ... که قبل از این
و کرامت ... بلکه ... عبادت ثواب بسیار دارد که مردم ...
بلکه

فصل چهارم الادرم

در ذم اعوجاج و گمراهی از صراط مستقیم احکام قرآن کریم و آیهم درسی

٨٩

کلمه مبشّرات الهی بعث دوام عظم المسمی مبلیشه احکام قرآن را مینوا بشمار و امام و معجزه و عقل و جمال الغظمی حضرت
در زمان غیبت امام ما خارج از احکام قرآن مکی شیطان جن و انس مانند کالشمس فی رابعة النهار و قال
انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی بس عالم اثنی عشری مذهب جعفر نه حرف الا مصه مصداق این آیه
نمایه او که چه شرف نزد خدا در یک مبلیشه و من یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطانا فهو له قرین و انهم لیصدو
نهم عن السبیل و یحسبون انهم مهتدون در حق این جماعت کم مطلق است خدا میفرماید و لن ینفعکم الیوم اذ
ظلمتم انکم فی العذاب مشترکون عقب آن میفرماید افانت تسمع الصم او تهدی العمی و من کان فی ضلال مبین
و قال تعالی الاخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدو الا المتقین یا عباد لا خوف علیکم الیوم و لا انتم تحزنون
الذین آمنوا بآیاتنا و کانوا مسلمین ادخلوا الجنة انتم و ازواجکم تحبرون یطاف علیهم بصحاف من ذهب
و اکواب و فیها ما تشتهیه الانفس و تلذ الاعین و انتم فیها خالدون و تلک الجنة التی اورثتموها بما کنتم
تعملون لکم فیها فاکهة کثیرة منها تاکلون ان المجرمین فی عذاب جهنم خالدون لا یفتر عنهم و هم
فیه مبلسون و ما ظلمناهم و لکن کانوا هم الظالمین و نادوا یا مالک لیقض علینا ربک قال انکم ماکثون ١٤٧
لقد جئناکم بالحق و لکن اکثرکم للحق کارهون ام ابرموا امرا فانا مبرمون ام یحسبون انا لا نسمع
سرهم و نجواهم بلی و رسلنا لدیهم یکتبون و قال تعالی تلک آیات الله نتلوها علیک بالحق فبای
حدیث بعد الله و آیاته یؤمنون ویل لکل افاک اثیم یسمع آیات الله تتلی علیه ثم یصر
مستکبرا کان لم یسمعها فبشرهم بعذاب الیم و اذا علم من آیاتنا شیئا اتخذها هزوا اولئک لهم عذاب
مهین من ورائهم جهنم و لا یغنی عنهم ما کسبوا شیئا و لا ما اتخذوا من دون الله اولیاء و لهم عذاب
عظیم هذا هدی و الذین کفروا بآیات ربهم لهم عذاب من رجز الیم من عمل صالحا فلنفسه و من
اساء فعلیها ثم الی ربکم ترجعون و قال تعالی ثم جعلناک علی شریعة من الامر فاتبعها و لا تتبع
اهواء الذین لا یعلمون انهم لن یغنوا عنک من الله شیئا و ان الظالمین بعضهم اولیاء بعض و الله
ولی المتقین هذا بصائر للناس و هدی و رحمة لقوم یوقنون ام حسب الذین اجترحوا السیئات
ان نجعلهم کالذین آمنوا و عملوا الصالحات سواء محیاهم و مماتهم ساء ما یحکمون و قال افرایت من
اتخذ الهه هواه و اضله الله علی علم و ختم علی سمعه و قلبه و جعل علی بصره غشاوة فمن یهدیه
من بعد الله افلا تذکرون و قالوا ما هی الا حیاتنا الدنیا نموت و نحیا و ما یهلکنا الا الدهر و ما لهم
بذلک من علم ان هم الا یظنون و اذا تتلی علیهم آیاتنا بینات ما کان حجتهم الا ان قالوا
ائتوا بآبائنا ان کنتم صادقین و قال هذا کتابنا ینطق علیکم بالحق انا کنا نستنسخ ما کنتم تعملون فاما الذین
آمنوا و عملوا الصالحات فیدخلهم ربهم فی رحمته ذلک هو الفوز المبین و اما الذین کفروا افلم تکن آیاتی
تتلی علیکم فاستکبرتم و کنتم قوما مجرمین و اذا قیل لهم وعد الله حق و الساعة لا ریب فیها قلتم
ما ندری ما الساعة ان نظن الا ظنا و ما نحن بمستیقنین و بدا لهم سیئات ما عملوا و حاق بهم ما کانوا
به یستهزؤن و قیل الیوم ننسیکم کما نسیتم لقاء یومکم هذا و ماویکم النار و ما لکم من ناصرین تو سالکه اما ملی
و تفکری نما آیاتیکه در خصوص منافقین و کفار و فجار و عاصیان نزول یافته اند آیا زدات طلاق خرص علما
شامل و حاوی باشند بیشماران و علمای سوء اثنی عشری حقه داخل فساد و مصداق سلسله مخالفت خدا و رسول نمایند
باسم و صورت و لباس درستی و ایمان و اسلام و ترویج و تفاخر در محضر خدا و رسل و انبیا و اوصیا و علمای عاملین و مجتهدین

فصل ... از باب ...

در اشاره به پرده‌پوشی دعای عبادت علمای معروف

۱۰

بعبارة اخری اصحاب ضد بن ملت کفایت که در آخر آیات در سوره جاثیه میفرماید ذلکم بانکم اتخذتم آیات الله هزوا وغرتکم الحیوة الدنیا فالیوم لا یخرجون منها ولا هم یستعتبون و اگر در باب علمای ... معروف علم و فضل و فهم حقه که نماز را قانون و قاعده ... محمل شده عوض با این نماز بازیچه اختراعی نموده باسم ... بی ... در ترویج تقدس بی معنی و عدم تثبیت امر نهی بکلمات ... اند دعوام ... و قاریان علم قرائت و تعلیم و تعلم نماز ... کرده و مفصله و تعلیم نماز با قاعده ... با این شکل اختراعی انداخته اسم ... کسالت مردم نام ... اصل این فساد ... حقه ... عوام ترویج و عادت کرده اگر در قرآن این قدر آیات مطلق مخالفت ... که ... مبلغ ... برای اغوای انس و جن کافی بود ... اینکه اذا فسد العالم فسد العالم ... فساد علماء ... و حال الله چه قدر آیات مطابقه در باب مخالفت ... و ائمه سلام الله علیهم در کلام الله مطلق ... چنان برکنار میباشند که گویی قرآن برای اینها نازل نشده ... از جمله علمای ... که ... منبر ... علمای ... اشخاص ... نازل شده که گویا ... کفار نازل شده ... تعلیم آقا ... اینها چه فضولی ... کذا در ... ائمه ... سوره ... میفرماید ... بهود ... که وما خلقنا السموات والارض وما بینهما لاعبین ما خلقناهما الا بالحق ولکن اکثرهم لا یعلمون ان یوم الفصل میقاتهم اجمعین یوم لا یغنی مولی عن مولی شیئا ولا هم ینصرون الا من رحم الله انه هو العزیز الرحیم ان شجرة الزقوم طعام الاثیم کالمهل یغلی فی البطون کغلی الحمیم خذوه فاعتلوه الی سواء الجحیم ثم صبوا فوق رأسه من عذاب الحمیم ذق انک انت العزیز الکریم ان هذا ما کنتم به تمترون ان المتقین فی مقام امین فی جنات وعیون یلبسون من سندس واستبرق متقابلین کذلک وزوجناهم بحور عین یدعون فیها بکل فاکهة آمنین لا یذوقون فیها الموت الا الموتة الاولی ووقیهم عذاب الجحیم فضلا من ربک ذلک هو الفوز العظیم ... در آیه ... اهل بهشت را با این طور وصف فرموده فکر کن آیا متقین شامل حال اینها ... که نماز اختراعی ... بازیچه و بدعت و مستخف بالصلوة نموده ... مستخف بالصلوة ... مرتد و کافر ... فرمایه ... ضد ... با اینکه ... شریعت بروضه و گریه ... و کربلا ... شریعت من بکی او ابکی وجبت له الجنة ... اسلام ... این قدر باشد

فصل پنجم از باب ... در اشاره بمیزان تمیز نیک و بد ... لوازم ایمان ...

... صفت ... باید دانست که ... کسی اعتبار ندارد اگر چه بسیار زیرک و کامل باشد ... عقل ... خیر الامور اوسطها ... مردم دلیل ... احکام قرآن میزان امور دین و دنیا است ... و اخبار ائمه سلام الله علیهم اجمعین ... دنیا ... مردم مدعی عقل و ... کامل ترین مردم ... صفات کمال که حلم است و تواضع و فروتنی در وقت افراط ... حلم و تواضع ... در کتاب معراج السعادة ... در وقت تفریط ... ناقص ... حیوانات ... سایر صفات کمال انسانی و اخلاق افراط و تفریطش ... خارج شدن از دایره انسانیت است و مسلمانی ... آدم ... از نبوت و ... ارکان اسلام و ایمان که در محل ... مذکور است ... که در تمامی حرکات و سکنات ... دست و پا و چشم و زبان و تمامی اعضا و جوارح ... این حرکت ... حرام است یا مکروه و مباح ... ان

148

فصل پنجم (باب دوم)

در اشاعت علائم و لوازم ایمان و اسلام و علامات ظهور حجة الله

۹۱

۱۴۹

آن حرکت به رسم بانگ موافق هر یک از این امور نیکاند کما لیت ما خواهیم شد و از لازمات دین محمدی و آیات تامی
مذکورات و مقدمه هم اقوال و افعال و حرکات دین و دنیا مگر در نماز که ستون دین است نه شرط قرائت نیز لطف
دارد و نه اعتدال نه اصلاح صحت صلیه خلاصه و نه قرائت و طمانیه میزان علم قرائت میخواهد و نه علم قرائت استاد کامل
نه پیغمبر و امام امر کرده اند و مجتهدین در رسالها علم قرائت دانستن قاعده معین کرده اند است که هر کسی بطور دیگر
نماز خود را بعضی حرف را تراشیده مخارج و حروفات هر کدام را رسم بی رسمی و بی نظمی خود پسند چنانکه اکثر علمای معتبر
و پیشنمازان معتمد هر نفر بیک قاعده قرائت و ادای حروف و مخارج میخوانند و عوام و کسبه چه رسد که عین داشته
شدن نماز است در زمان رجعت حجة الله از علائم نزدیک رجعت است بجهت آنکه هیچیک نمیگوید که از رسالها کسی رسم دین ما
علم قرائت و قانونی و میزانی داشت که اسم از علم قرائت میگفتند بانی آن و استاد او خلیفه بلافصل امیر
علی بن ابی طالب عمزاده و برادر پیغمبر ما و داماد و جانشین پیغمبر ما محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله شیعه خالص خود عاصم تعلیم فرمود
چرا باین روزها فراموش کرده ایم فراموشی این علم کرده اند هیچ سزاوار است که عامه قصه فراموش
ما میزان و معیار نماز خود را که ولایت و نماز هر دو اصل و اساس دین ما بوده ما با ایشان چه فرق داشته
بلکه بنای دین اسلام را فراموش و متروک و خراب کرده ما جزو دیگر دین هیچ کودک این سفاهت
و بدبختی جسارت توانند کرد الا هم در مدت چهل سال بتوسط معتبرترین علمای حق و عادل اکثر پیشنمازان
و کنایه و کلمات روی اند و فساد که از اسرار سابق از فساد ایشان خبر داده باشد و من الناس من یشتری لهو الحدیث
لیضل عن سبیل الله بغیر علم و یتبع کل شیطان مرید سرداران کلام لهو کلام لغو روی آورده و طلب و نا رواج است مثل ابله میگوید
و اذا تتلی علیه آیاتنا ولی مستکبرا کان لم یسمعها کان فی اذنیه وقرا فبشره بعذاب الیم
جماعت در قرائت نماز و حمد و سوره تمیز حروف کافی است یا ابله مسمی کافی است و یا ابله موافق لسان اهل لسان کافی
و بس است قاریان و بلبل بسیار لج در راست نماینده مردم عوام از این جاهل و مبهم روی اند و چنان می فهمند که
گویا هر طور نماز باشد میکند و قاری و علم قرائت در عالم هیچ ندارد لغو و باز است عوض ترغیب تعلیم و تعلم از قاریان
کامل تر اینست که مشق و تعلیم و تعلم قرائت در مدت مذکور چنان موثر کرده که خود علما از صد نفر یک نفر قرائت کامل موافق علم
قرائت قادر نمانده اند در کردار نماز بعضی اضراعات هر یک بطوری قرائت را تراشی نماینده که هر نفر موافق
قرائت نتوانسته بخوانند در عوض تراشی اگر نماز مسقط قضا کرده اند در دام شیطان گرفتار ملوکان جهال
نفوس گمراه عالم تا چه طور و ظهور بار ظلم و فساد از خاتم انبیا و علی مرتضی به تقریر و بیان آورده که چه طور خانه خاتم انبیا
آتش زده اند که تا قیامت خاموش نخواهد شد خاتم انبیا آتش زده تواریخ
و انواع روایات ثبت و ضبط کرده تا قیامت مورد لعن و طعن شده ولیکن این آتش حقیقی که نماز ستون دین
حیله در دین و اسلام و محبت و منت که عوام علم که اول قاریان و علم قرائت ملت
کان لم یکن شیعیان دوستان جاهلان جهال است
ابدان تا قیامت صغرای ظهور حجة الله قاضی و حاکم و فارق میان حق و باطل از علما علم قرائت
اگر کلی باشند بی سواد و ذلت جهل
دانسته اند
رجوع و واجب و لازم رضای الله اظهار نمایم که از کتمان شهادت
علائم نزدیک ظهور حجة الله است که نماز
کالطبیعه لا ثانیه

اشاره باهل تابوت و عذاب اهل بدعت و قصه ۹۲ ثعلبه [illegible]

و اذا قیل لهم لا تفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون و قال الله تعالی و لو اننا نزلنا الیهم الملائکة و کلمهم الموتی و حشرنا علیهم کل شیء قبلا ما کانوا لیؤمنوا الا ان یشاء الله و لکن اکثرهم یجهلون و کذلک جعلنا لکل نبی عدوا شیاطین الانس و الجن یوحی بعضهم الی بعض زخرف القول غرورا و قال ایضا و ان الشیاطین لیوحون الی اولیائهم و قال و کذلک جعلنا فی کل قریة اکابر مجرمیها لیمکروا فیها و ما یمکرون الا بانفسهم و ما یشعرون و قال یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول ان کنتم تؤمنون بالله و الیوم الآخر ذلک خیر و احسن تاویلا الم تر الی الذین یزعمون انهم آمنوا بما انزل الیک و ما انزل من قبلک یریدون ان یتحاکموا الی الطاغوت و قد امروا ان یکفروا به علمای که مصداق این آیات اند نفوس شریره حقه موافق یا شبیه با علمای کفار و اهل بدعت چه فرق که ازهم ملکه به تربایه شه مخرب دین محمد صلی الله علیه و آله منصب عظیم است با اهل تابوت سزاوار درکات جحیم و قالع بنای اسلام و ایمان مؤمنیان آخر الزمان هستند عوض محافظت و ترغیب نماز و قرائت صحت نماز ایتام آل محمد که در زمان غیبت عموم شیعیان آل محمد ایتام آل محمد علیهم السلام شده صاحب و بی یار و بی یاور باسم نماز جمعه فقط بی فتنه و فساد که دین ایشان را پایمال کرده دل دلبر خاتم انبیا و سید اوصیا را شکسته جگر لشکر حضرت صاحب الامر پاره

١٥٠ زده بتو تعجیل عید شمشیر حجة الله چاره ولی نخواهد شد زیرا عموم اهل بدعت خصوص برای نماز بدعت ارنی که از هر دو مادر مانده نه از استاد کامل عادل قاری یا اینکه حق بقوه ضرب زید عمرا اختراع که نماز تراشیدند که خدا در سوره یونس فرموده والله یدعوا الی دار السلام و یهدی من یشاء الی صراط مستقیم للذین احسنوا الحسنی و زیادة مراد از احسنوا آنکه احسن ثواب بر ثواب دیگر تفضل الله داشته باشد و اما زیادة در دنیا آنچه عطا فرموده ایشان را حساب نخواهد گرفت در حدیث در مجمع از امیر المؤمنین الزیادة هبة من الله والحسنی الواحد لها اربعة الواب بعد سفره به و لا یرهق وجوههم قتر و لا ذلة اولئک اصحاب الجنة هم فیها خالدون والذین کسبوا السیئات جزاء سیئة بمثلها و ترهقهم ذلة ما لهم من الله من عاصم کانما اغشیت وجوههم قطعا من اللیل مظلما اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون و عن الباقر هم اهل البدع و الشبهات و الشهوات یعنی اسباب [illegible] اسباب توبت قرار دادن چه قدر ضلالت و سفاهت [illegible] و ویل لمن [illegible] شفعائه [illegible] نماز که نه رسم و احکام قرآن موافق باشد نه طمأنینه داشته باشد نه ارکان و منافیات و شرائط دارد نه قرائت و میزان قرائت دارد که علم قرائت و ضروریات داشته و نه مشاوره قرآن و موافقت حکم قرآن دارد و نه موافقت با عقل سلیم دارد مگر با یکی از اعمال حسنه جلیه که غیر [illegible] بطلان [illegible] رسم بطلان ثمری نتیجه ندارد بطلان [illegible] رسیدن بهشت [illegible] خاتم النبیین [illegible] و رسل و ائمه و قرآن و نماز بدعت یا هر چه به بدعت باشد که جمیع انواع ظلم است حب دنیای آن محل و ماوای ایشان تابوت و اهل تابوت ملتبس شوند حروج اشد عذابا که در سال [illegible] دفعه سر تابوت بر داشته شود از تابوت که نفس بکشد در وقت بر داشتن سر تابوت عذاب تمامی طبقات جهنم و اهل طبقات نفر با که آیه عذابها حضور فرموده ثمانیه که زود سر تابوت تابوت را [illegible] فکر کن که چه حال باید باشد جای اهل بدعت [illegible] شاید مجلس قریب این مضمون باشد که روزی رسول صلی الله علیه و آله با اصحاب در مسجد مدینه نشسته که حضرت شاه مردان حاضر شده شخصی به صورت [illegible] در شکل [illegible] جمیعت در بجانب امیر المؤمنین ناظر و ملاحظه کرد که اول با امیر المؤمنین سلام کرد بعد با خاتم انبیا سلام کرد اصحاب کبار همه حاضر متعجب از حال و صورت آن شخص شده حضرت پرسید چه کسی با این صورت و چرا اسلام اول بعلی داده بعد عرض کرد یا رسول الله از هیبت و ترسی که از آنحضرت دارم زیرا که من اهل دارم زیر فرعون هستم از اهل تابوت در قعر جهنم معذب هستم از روزیکه حضرت موسی مامور به دعوت فرعون شده و اکثر از اصحاب و فرشتان فرعون را ادامه [illegible] بعد از قضایای بسیار با امر خدای باری

قضیه مهملی که باعث ظلم و فساد و تخریب اساس بنای نماز

بارے که کار صدور فرعون رسید موسی را به روش تعلیم و ارشاد این بزرگوار که از جانب حضرت [illegible] اسباب طلا و جواهرات [illegible]

جواهر مرصع و تاج سلطنت ملبس ایشان و ایشان عقب این بزرگوار تعلیم ایشان میکرد که چنین کو [illegible] چنان کنید [illegible]

[illegible] معلم ایشان [illegible] با شکوه و سطوت [illegible] و طلا و جواهر [illegible]

که فرعون [illegible] طالب [illegible] و محب طلا و زینت [illegible] و منظور ایشان [illegible] اسباب ظاهر [illegible]

اعتنا تمام [illegible] که [illegible] اعتنا [illegible] از زمان حال [illegible]

من از کثرت [illegible] عذاب [illegible] نالیدم که اللهی [illegible]

مشرف شده [illegible] از طبقات [illegible] حضرت [illegible]

عبرة [illegible] این قضیه [illegible] اللهی [illegible] اشاره [illegible] الآن [illegible]

[illegible] این قضیه [illegible] حاصل شده [illegible]

[illegible]

[illegible]

151

[illegible]

در وجه بسمی روز جمعه و ... وصلت جمعه و جماعت

به مذهب دین اختیار نموده اند که اسم محبت رحمان بر مسلمانی و حب شیطان از راه جور و بیگانه کهن است که مذهب دیگر است تا آن شنیده شد

فصل ششم از باب دوم در اشاره به نماز جماعت و فضل نماز جمعه و وجه بسمی روز جمعه

اولا در تفسیر آیه شریفه لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها که اصلاح دین بعد از فساد بسیار توجه شریف محمد و آل که

که در نقصان و اعوجاج در دین بوده و مگر آنکه به نیت تکمیل جا کانه موافق مذهب اثنی عشری و جعفری حرکت داده و دست بالا

باید بقاعده اصول صحیح صلوة باشد که هر اندازه این حرکت دست و اجبت یا سنت حرام است یا مکروه جایز است یا نه تا معرفت مقتضای

هر که اهم عمل در رفتار نماید چیزیکه قانون و رسم و میزانی ندارد نماز است قاعده و قانونی و علمی و معیار ندارد نماز جماعت است میان مردم

مشهور و معروف است در سن پنج و شش سالگی هر طور مادرش برای تمرین و عادت تعلیم داده به تقلید نه علم قرائت و طمأنینه و شرایط

ارکان و افعال و منافیات نموده و لهذا هر فردی از افراد مسلمین باشد نعوذ بالله من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا الا آنکه

بعد از اصول دین اول واجبات فروع دین ملیباشد که هر دو نماز همه فروع دین لغو و باطل میشود چنانکه اگر ولایت نباشد سایر

اصول دین لغو خواهد بود خاصیت ولایت این است دارد بلکه زیاده زیرا که اگر کسی ولایت ندارد و مسلم توان گفت اما کسیکه نماز ندارد

با آنکه نماز دارد و مستخف بالصلوة است مرتد و کافر است کوینده و در وقت مرگ مسلم را در گورستان مسلمین دفن نماید کافر را در

گورستان مسلمین نتوان دفن کرد مسلم را نتوان نمود کافر بی نماز را هر که یک لقمه به او داده عالم روز قیامت مسلم را به آتش

خواهد نمود و عده فرموده در حدیث شریف تارک بی نماز کافر و مستخف نماز کافر نتوان خنده به سلام نتوان داد سلام او نتوان کرد عبادت

نماز است که در صحت آن حضرت امیر المؤمنین علی مفصل تعلیم فرموده که تا کتاب عامل و طالب العلم ناجی از جمیع مخالفات و بطلان و لغزش

مأمون و اصلا گرد شبهات بطلان نماز لحن خفی و لحن جلی مأمون و محفوظ باشند تمامی معیار و کمال حروف و صفات کلمات

و قواعد آن حروف چنان نزد او واضح و مبرهن نمود که خواندن قرآن سهلتر از آب گوارا در کام تشنگی و شیرین تر از شهد و شکر کرده

چنانکه برای کسیکه در این علم مذکور که خوانده سختتر از حمل کوه و سنگهای بزرگ کرده و در وقت خواندن یک آیه در نزد اهل آن فرق غرق عرق

کرده که گناه است اگرچه بسیار با کمال باشد خصوص نماز صراعی در شب اول قبر پیش دو ملک نکیر و منکر در دقیقه عالم و اهل نماز جماعت

علمای بجز از صحت نماز صراطی خود نپرسش باشند بایسته و در حضور ائمه اطهار سلام الله که موقوف به صحت قرائت نماز باشد

سایر عالم نیز بواسطه نماز صراطی از نظر آنحضرت خدا و ائمه سلام الله علیهم کرده والحاصل در ثواب نماز جماعت یعنی نماز صحیح صراطی

در حضور باشند که جماعت باشد به نماز غلط صراطی هر رکعتی زیاده بر شمار هزار درجه ثواب بهتر است و قبیله عدد مقلدین بر ده نفر رسیده

مقلدین و حضرار ده نفر که شدند اگر دریاها مرکب و درختان دنیا قلم باشد در یک ثواب یک رکعت نماز جماعت نمی توانند نوشت و در یک

ثواب یک رکعت باید در یک تکبیر از نماز جماعت زیاده بر تمام دنیا که مقدار مرتبه مضاعف باشد بهتر و زیاده است ثواب آن اجمالا بشرط

صحت نماز است و طمأنینه و شرایط دیگر نماز و نماز صراطی در معاصی و بدعت و دین معارض این نماز صحیح است چنانکه روایات صحیح

دیگر بلاد و سایر مشاهد مشرفه که هر قدمی حسنه ثواب حج دارد با نماز صراطی باشد صحیح است شرعی بسیند خود را بشنید

تعلیم از اهل خبره نه از هر صاحب عمامه که از علم قرائت جز در کلمات و محتاج نماز مسقط قضا و بیشمار بی خبر از علم قرائت

و مجرب و دین فنون بغیر ما انزل الله و هنده اهل عزور که در دانستن صرف و علال ضرب و طول مسایلند یعیوق رسانیده

و حال آنکه همین نماز سجده و مقدار در مسئله ترتیب مقارنات لازم از واجبات و در رکعت بر سر علم قرائت علاوه بر آنها

هیچ ملک حمل عقیده چلیپی موجود است باید بدانند اگر چه بی ترتیب باشد غیر از سایر فوائد علم قرائت اگر چه شیطان و فعله

جمعیت صرف علم قرائت بغیر از طواشی حافق تمرین و حصلی ندارد هر کس به قدر مستعد دخو باید رحمت بکشند ما در این کتاب ذکر کرده

در مسئله مستعمل و بیان استیم که قرائت و طمأنینه مستعمل ترین شرایط است که معتقدین و موثق ترین اکثر علما و بیشمار از اهل منبر

و متروک و پایمال میدارند و نسبت منحصر به باشاره و کنایه عزور فضل و بی اعتنای به کلمات روی آورده و لا ابالی که از اثرات غرور ایشان

اول قاریان و علم قرائت منسوخ و متروک شده تعلیم و تعلم قرائت نماز و مشق و مذاکره حمد و سوره و صحت نماز و رد جهل سالهای گذشته

فصل ششم از باب چهارم

اشاره بعالم ارواح انبیا و اولیا و علمای آل محمد

خداوند در ایات بسیار خبر داده از حال ایشان اما در تورات و انجیل ایشان که اصل بنای ایشان بر آن است از انکار علما و ابصار از هر یک ...
شنفه از گذشتگان و شنفه از پس آخر الزمان با نبعه بسیار اما بعض از جمله ایات و من الناس من یشتری لهو الحدیث
لیضل عن سبیل الله بغیر علم و یتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین و در این قبیل ایات بسیاره در این کتاب ... ذکر خواهد
بعد بیفرمایند و اذا تتلی علیه ایاتنا ولی مستکبرا کان لم یسمعها کان فی اذنیه وقرا فبشره بعذاب الیم اما در فضل
و ثواب اعمال روز جمعه و اعمال نماز و ادعیه و غسل و عبادات بی حساب که وارد است شرف ایام متبرکه است ... مذکور است و
وجه تسمیه اسمش جمعه بنا از حضرت امام محمد باقر وارد است و اصل آن است ... این باشد ... بواسطه ... ممکنات از ماده
سال و زمان و اسمان و عرش و کرسی و افلاک ... الوجود ... و افلاک ... هزار سال قبل ... از دو هزار
یا بیست هزار یا بیست و چهار هزار یا ... یا پانصد هزار سال قبل از خلقت ... خلاف الروایات که خدا ارواح انبیا را
خلق فرموده جمیع ارواح و خلقت ارواح اسم جمعه و سمی جمعه از آن روز ... بواسطه شرف ... ایشان
تا اینکه شرف ... ملاحظه ... رغبت اقدام نمایند ... با نماز جمعه ...
و از جمله ادای جمعه ... این باشد که حضرت ... از راه لطف و احسان فرموده باشد ... حبیب خود محمد بن عبد الله ... که ...
برای رهنمای مهمانخانه احسان و رحمه و فضل ما که راحت تو ... و اکل و شرب و معاشرت و تادیب ...
و از اینش این مجلس خاص ... و تعلیم مجلس ارای ... در خلاف معبد دنیا ...
که از اول درو مجلس و معبد دنیا تا رفتن بعالم حق و حقیقت ... و صحبت ... مهمانان و طفیلیهای ...
که در هر روز ... تا در عمارات این مجلس ... که مکافات
محتسبان سخت بی رحم دارند علیها ملائکة غلاظ شداد لا یعصون الله ما امرهم و یفعلون ما یؤمرون ... آداب این ...
طرف ... و سه سال از بعثت تا رحلت برای لوازم و اسباب دنیا ... تا در قیامت ... هزار ساله ...
... که از خود ... و تعلیم ... کلمه ...
با اینکه درس و تعلیم معلمی ندیده ... کتابش ناسخ جمیع ادیان و ملل ... عجب در این است که افضل علما جناب ...
... کمال علم و فضل بر افراشته ... علم ... قاریان صحف ...
که در حقیقت ... نماز ... است ... افضل انبیا ... سید البشر ...
و برای ... علم نماز ... قاریان و صحف نماز و کلمات ... قاریان علم ...
... نماز ... بر داشته ... در خلاصش ...
باشد ... اجتماعی معتمد بطوری که احدی ... عظم ... کار ...
ان الذین لا یرجون لقاءنا و رضوا بالحیوة الدنیا و اطمانوا بها والذین هم عن ایاتنا غافلون اولئک ماویهم النار بما کانوا یکسبون
عذر از اول علما ... جمیع فنون انسانی ... جهال ...
... در خبری وارد است که حضرت روح الله عیسی علیه السلام ... سوال کرده که یا روح الله ... معجزات ...
و محال ... ارشاد و هدایت غریب ... عوام و خواص عالم ... خلق ... انواع ...
... علاج ... مرض جهل ... عاجز ...
که الزم و اهم طاعات ... حضرت متعالیه حضرت روح الله ... هزار ساله ...
و مومن و مسلم ... علاج جهل ... برای ارباب ...
کوشش ... ارباب ... خیار الناس ...
... الجهل ... مسلم است

اشاره بانکه [illegible] بدعت است

پس [illegible] و تحقیق [illegible] که [illegible] افضل [illegible] از انواع علوم [illegible] با دعای [illegible] خاتم النبیین که در [illegible]

علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل بلکه افضل من علماء بنی اسرائیل [illegible] فرق [illegible] این علما محبوب و مذکور باشند [illegible]

نماز که [illegible] در حضور حضرت سبحان [illegible] با نماز و قرائت [illegible] خود [illegible]

[illegible] آن [illegible] صحت [illegible] نماز جماعت مسلمانان باشند

بلکه این نماز بدعت [illegible] امیر المؤمنین [illegible] کردن [illegible]

و در اصل امور مسلمانان در عقد نکاح و طلاق [illegible] الذی یوسوس فی صدور الناس [illegible] با کلام الله که

و بصحت قول: هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمات هن ام الکتاب و اخر متشابهات فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون

ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تاویله و ما یعلم تاویله الا الله و الراسخون فی العلم یقولون آمنا به کل

من عند ربنا و ما یذکر الا اولو الالباب ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمة

انک انت الوهاب [illegible] کلام [illegible] که [illegible]

اطلاعی [illegible] مثل الذین حملوا التوراة ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا بئس مثل القوم الذین کذبوا بآیات الله

لا یهدی القوم الظالمین [illegible] محافظت [illegible] لازم است [illegible]

یؤتیه من یشاء [illegible] قرائت نماز [illegible] ارباب [illegible]

قلیل نسبت باستعداد هر کس [illegible] ممکن است [illegible]

١٥٤

[illegible]

[illegible] کتاب [illegible] ملعون [illegible]

[illegible]

این [illegible] عالم فاضل [illegible] عارف کامل [illegible]

[illegible]

[illegible] مقتضای [illegible]

[illegible]

و اضح است [illegible] رضای الله در میان [illegible]

که [illegible] علم شریف قرائت [illegible] تعلیم [illegible]

[illegible]

در نماز شرط [illegible] از علم قرائت [illegible]

این نماز بدعت [illegible] نماز صحیح با قرائت [illegible]

نماید [illegible] علمای معتبر [illegible]

[illegible] رضای خالق [illegible] لازم است [illegible] رضای خالق [illegible]

کردن علم [illegible] علم قرائت باشد [illegible] این علم شریف نماز صحیح [illegible]

مؤمنین [illegible] رضای خالق [illegible] رضای [illegible]

[illegible] احتیاطی [illegible] نماز [illegible] بدعت [illegible] آیات [illegible]

بدعت [illegible] علمای [illegible] در قرآن و کتاب [illegible] با علم قرائت مذکور [illegible]

[illegible]

در مذمت ظلم و اقسام و انواع آن ع ۱

بنا الله در مذمت ظلم و بدعت و انواع و اقسام ظلم و مراتب و شدت آن و بدعت و کفر و صدقه

چنانکه خداوند متعال میفرماید تامل باید که مراتب آن از اقوال و اثبات نسبت بفعل و فاعل و محل و مقام مراتب و ظلم [illegible]

در سوره ابراهیم ولا تحسبن الله غافلا عما یعمل الظالمون انما یؤخرهم لیوم تشخص فیه الابصار مهطعین

مقنعی رؤسهم لا یرتد الیهم طرفهم وافئدتهم هواء وانذر الناس یوم یاتیهم العذاب فیقول

الذین ظلموا ربنا اخرنا الی اجل قریب نجب دعوتک ونتبع الرسل اولم تکونوا اقسمتم من قبل

ما لکم من زوال وسکنتم فی مساکن الذین ظلموا انفسهم وتبین لکم کیف فعلنا بهم وضربنا لکم الا

مثال وقد مکروا مکرهم وعند الله مکرهم لتزول منه الجبال فلا تحسبن الله مخلف وعده رسله

ان الله عزیز ذو انتقام یوم تبدل الارض غیر الارض والسموات وبرزوا لله الواحد القهار وتری

المجرمین یومئذ مقرنین فی الاصفاد سرابیلهم من قطران وتغشی وجوههم النار لیجزی الله

کل نفس ما کسبت ان الله سریع الحساب هذا بیان للناس ولینذروا به ولیعلموا انما هو اله

واحد ولیذکر اولوا الالباب و قال در سوره هود من کان یرید الحیوة الدنیا وزینتها نوف الیهم

اعمالهم فیها وهم فیها لا یبخسون اولئک الذین لیس لهم فی الآخرة الا النار وحبط ما صنعوا ۱۰۰

فیها وباطل ما کانوا یعملون از اینجا محقق میشود معنی حدیث شریف الدنیا راس کل خطیئة محبت دنیا اگر

تامل نمائی تمامی کفار و منافقین و مجرمین و سرخیل کفار و قطاع الطریق اولین و آخرین بهر لباسی و اسم و رسمیکه راه

شرع و دین خدا را بر اهل صفا و راه بیراهی و دشمنان دین و راه عوج و گمراهی و کفر و نفاق پیموده اند از اول تا

آخرین بواسطه حب دنیا بوده است چنانکه اول رهروان طریق فساد ابلیس لعین و مقلدین ملعون وی

در وقت تامل و تفکر میدانی که بواسطه حب دنیا بوده آنچه کرده اند و سرچشمه همه حب دنیا و متعلقات دنیا

بهر نوع خرابی کوشیده آنچه توانستند از شیطنه و ربوبیه و کشتن و ایذا و اذیت انبیا و اوصیا و اولیا و ائمه

اطهار سلام الله علیهم تا رسیدن بوقت آخر الزمان که آخرین همه انواع فتنها ملبس شده بظاهر که در میان جنگ

جنگ مغلوبه فساد ما هستیم سرگرم و غرق انواع فتنه و فساد شده ایم از قبایح افعال و حرکات خود غافلیم تراکم معاصی

و قبایح و خرابیها ما را از عقل و هوش و بی شعور کرده که یکی نماز نمیتوانیم دین خدا را چنان فراموش کرده ایم که در بلد

اثنی عشری و جعفری و شیعه و محب امیر المؤمنین از هزار نفر علما و طلاب و بیشماران معتقد و معتبرین خود دلگیر با نماز غلط

بشغل اعظم ارکان دین ما مشغول و مغرور با حالت لاابالی که یکی از هزار نفر نصفش صحیح با میزان علم قرائت نخوانند [illegible]

بخوانند اگر نصفش نماز صحیح با قانون علم قرائت نخوانند تو بگذار بعضش بقاعده اصل جمله اش [illegible]

نخوانند عشری [illegible] بگذار از هزار نفر دو نفر بیچاره هم یافت نشود که بمیزان حق با علم قرائت نخوانند

مسلم مؤمن و دین اثنی عشری تو بینی و بدون اصل جمله چه طور صحت و بدعت این نماز تشخیص دهند [illegible]

قرائت بقدر احتیاج هست نیاورده این جنابان علما بی محل و بی میزان صحت و سقم نماز حق و دیگر را چه طور تمیز خواهند

مسئله حل و صحت نماز چه آرد و چه به دین حالت نمایند بلی نماز بدعت اختراعی با به کار نماز صحیح که ارزه مخصوص [illegible]

باشند بغیر از این خود رأی اختراعی جاری و دیگر هزاره فکر کن از فتنهای آخر الزمان بگفته محقق مصنف [illegible]

و علمای سوء مخصوص و معطل کرده اند و هم که بدانیم کوئیم الکبرا ابر مذهب شده خداوند عالم ابتقدر در قرآن ظالمان و علما

که مکر این علما داخل در سلسله عظیمه ظلم و فساد نمیباشند ظلم علما مکر خارج از طراز و راه زنی سلسله است [illegible]

هشیار بودن از راه زنی بیشه علمای سوء که بواسطه حب و حرص دنیا در تحصیل چه طور علم قرائت و قاریان و متعلمان متروک کرده

در بعض از اوصاف اهل جهنم و حکام بغیر ما انزل الله ۹۷

وصلی خامس ... [illegible]

پس بر همه قاریان و علم قرائت در همه بلاد اسلام واجب و لازم است خصوص در بلاد عظیمه کاشان و خراسان که موقوفات الرطوبه ... [illegible] مبحوثه بیاد که احکام در صورت ... و تصرف طلاب ... و از اعجزه و مسائل مسامحه اسپه ... و دیگر از این سوره مبارکه

ومن اظلم ممن افترى على الله كذبا اولئك يعرضون على ربهم ويقول الاشهاد هؤلاء الذين كذبوا على ربهم الا لعنة الله على الظالمين الذين يصدون عن سبيل الله ويبغونها عوجا وهم بالاخرة هم الكافرون اولئك لم يكونوا معجزين فى الارض وما كان لهم من دون الله من اولياء يضاعف لهم العذاب ما كانوا يستطيعون السمع وما كانوا يبصرون اولئك الذين خسروا انفسهم وضل عنهم ما كانوا يفترون لا جرم انهم فى الاخرة هم الاخسرون ان الذين لا يؤمنون بالاخرة زينا لهم اعمالهم فهم يعمهون و در آیه وزين لهم الشيطان اعمالهم فصدهم عن السبيل فهم لا يهتدون بسا کسان بواسطه ... اعمال خود که عجب است از ایشان با شیطان ... از جمله اهل ریا ... عجب آتش سوزان ... اندکی که در قرائت ... با کافر ... در مدت ... که حق ... دیگر از اینکه خیال ... در سوره اقترب للناس حسابهم وهم فى غفلة معرضون

و اقترب الوعد الحق فاذا هى شاخصة ابصار الذين كفروا يا ويلنا قد كنا فى غفلة من هذا بل كنا ظالمين انكم وما تعبدون من دون الله حصب جهنم انتم لها واردون لو كان هؤلاء آلهة ما وردوها وكل فيها خالدون لهم فيها زفير وهم فيها لا يسمعون و در آیه ... وعده و وعید ... که ... يوم يات لا تكلم نفس الا باذنه فمنهم شقى وسعيد فاما الذين شقوا ففى النار لهم فيها زفير وشهيق خالدين فيها ما دامت السموات والارض الا ما شاء ربك ان ربك فعال لما يريد واما الذين سعدوا ففى الجنة خالدين فيها ما دامت السموات والارض الا ما شاء ربك عطاء غير مجذوذ و ... پس صحت نماز مسلم است از ضروریات دین و مذهب است چنانکه حفظ نماز ضروری دین است صحت آن نیز شرط و ضروری است برای قرائت ... احدی از فقها و قرا بر ... و غلط بودن نماز ... صحیح ... نماز قائل و معتقد باطل ... الا بعض از علمای معتمد ... بالاشاره و کنایه عوام ... عبارت ... حکم به ... نماز ... که ایها الناس قاریان ... بسیاری ... در صحت قرائت کافی است با اینکه ... قرائت ... این قدر صرف اوقات ... با اینکه موافق اهل لسان کافی است و امثال این کلمات مجمل ... بر اهلش که بسیار وسواس و احتیاط افراط دارند که از کثرت احتیاط و غلبه وسواس ... برگردانند از راه شیطانی وسواس و ضلالت ... اینکه عوام ... که قاری ... سقط قضا ... و مذاکره حمد و سوره ... بگویند هم ... علم قرائت ... و مذاکره حمد و سوره ... چنانکه ... اشاره و کنایه ... تحصیل ... از ... زبان جاهلان برداشته اند که ... مستقلین ... از نماز سقط قضا و نماز ... نماز جماعت ... اول درجه صحت سقط قضا ... که مخصوص عوامان ... علما ... به سبیل احتیاط ... بر سبیل احتیاط ... که موافق ... صحیح ... از نماز باطل و مستحب ... جایز ... نماز ... علم قرائت ... علم قرائت که ندارد ... علم قرائت ... نماز ... باطله ... بگویند فلان ملا عالم ... و الاتفاق ما الیوم ... علم که حکم به علم ...

پس

پس اگر با همه این وضوح ظهور گشتن دین و شهادت آیین محمدی صلوات الله بواسطهٔ غلبهٔ فسق مذهبی و کثرت بیخبری از رسوم و قانون عالم قرائت که از شرایط عمده علم فقه است در آخر فرط و غلبهٔ تقدس و اروی اثبات آیات علمای سوء با حقوق فرمایید باید این مقدمه را ملاحظه نمایی که کدام عزاداری اعظم از این کشتن دین و نماز سید المرسلین ص میباشد که بجز اسمی چیزی نمانده است بعد از اصول دین همین نماز بود که خداوند فرموده و ما خلقت الجن والانس الا لیعبدون ای لیعرفون و اگر بگویی که مراد خداوند این نماز نیست چه فساد و چه عزاداری باشد الا ترابین و خاتم الانبیاء ص فرموده در وقت رحلت انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی و اولاد مقدم بر اولاد خود فرموده مگر مردن این نماز زیاده بر شهادت اولادش نخواهد بود با اینکه این نماز را عیان و صفات و شهادت رسانیده به تمیز حروف بدون قانون و قاعده مقرری آن که امیرالمؤمنین معیار و میزان صحت این نماز را تعلیم فرموده بود که تا قیامت معیار و محک در دست شیعیان باشد نه کجا الخطاط و بقالی در دست میزانی نباشد آیا ملتفت نشده باید که وزن و کیل و صاع و حقه و صلیبه نیز میزان دیگر است او را از دست او بگیرند با اسم مزدیج و حضر خواهد داد هم سستی و تربیه و نیکخواهی و مسلمانی چه قدر علم شقاوت و دشمنی او خواهش است آیت که فرموده اذا ظهر فی العالم بغیر از معتبر ترین علما در زوال شرع و دین شده خدا انصاف بعد از عاقبت کلام بی سبالاتی حق طلایی یابند و شرایط اجتهاد و دارا بگوییم در مدت آخر عمر حق ساعتی بگویم انصاف دهند بر ذمه بگیرید اقرار نمایید بیدار باشند و برادران شرکا و اولیای نمازی این کار نکرده این غفلت و سستی تا کی

فصل هفتم از باب سوم در لطف الهی نسبت بمخلوق خصوص بنی نوع انسانی که اشرف مخلوق میباشند از مؤمن و کافر و فاسق

بکلم و فضلنا هم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا لطف الهی بکرم هر قدر انسان نادان مخالفت نماید او لطف حق را زیاده نماید اگر پدر و مادر مهربان هر قدر محبت و مهربانی زیاد داشته باشند بیک بار به صد بار در مخالفت اولاد مهربان صبر و تحمل در زد بعد لسورت اولاد خشم و ازجره لطف و محبت بیرون بلکه بمرگ او راضی باشند که اسم او نشنود لطف خدا بین که هر قدر مخالفت زیاد کند بمقام کفر و ارتداد رسد حتی کفار را که کفر و شرک حق قرار داده لطف را زیاد نماید از نعم غیر متناهی کرامت فرماید دولت و ثروت کفار را البته می‌شنوی بواسطه که نشستن از آخرت حق دنیا را برتری انسان قرار داد خود اختیار دنیا کرده از اول خلقت عالم و آدم چنانکه نموده بلکه از اول عالم ارواح راضی باین قسمت شده با کمال رضا در عالم و موافق عهد و پیمان اول در هر زمانی و عهدی با پیغمبران هر زمانی چنانکه در زمان حضرت موسی کلیم الله در سورهٔ اعراف خداوند عالم خبر میدهد در قصهٔ موسی و فرعون بتفصیل و قالوا مهما تأتنا به من آیة لتسحرنا بها فما نحن لک بمؤمنین فارسلنا علیهم الطوفان والجراد والقمل والضفادع والدم آیات مفصلات فاستکبروا و کانوا قوما مجرمین و لما وقع علیهم الرجز قالوا یا موسی ادع لنا ربک بما عهد عندک لئن کشفت عنا الرجز لنؤمنن لک و لنرسلن معک بنی اسرائیل فلما کشفنا عنهم الرجز الی اجل هم بالغوه اذا هم ینکثون فانتقمنا منهم فاغرقناهم فی الیم بانهم کذبوا بآیاتنا و کانوا عنها غافلین موافق تفسیر صافی امر کردن فرعون بوزیر خود هامان که انکار ایمان بموسی او را حبس نماید و التماس موسی و قبول نمودن فرعون و نزول بلا با اولاً باران زیاد و کثرت باران که آنها که بگذرد فرعون حاضر شده التماس رفع بلای باران و نزول جراد و ساس و قمل و باز التماس دفع بلا بشرط ایمان آوردن و شکستن عهد و پیمان بعد بلای گرانی و قحط و غلا باز التماس بشرط ایمان بعد نزول بلای رفع و وفور احوالات شده امن بشرط ایمان التماس کردن و قصه خون شدن رود نیل و نزول صاعقه شکستن فرعونیان زیاد و تفصیل سختی هر یک از بلاها که امان نداشتند بعد از دفع بلا در وقت حضرت موسی باز عهد بهانه ای شکستند آخر بعد گشتن حضرت موسی اقتاده حضرت بمشیت ربانی و لطف رحمانی در فکر نماید در ارشاد ایشان تقدم نادان جاهل میکنند که قبول ایمان نمایند بعد از غرق فرعون و فرعونیان در قضیهٔ بنی اسرائیل که در وادی حیرت و سرگردانی چهل سال حیران مانده بود

اشاره بقوم حضرت موسی در طرف فرعونیان

۱۲۹

هر شب بارکهر دانه ملبنه از اول شب میریختند صبح جمع و در همان مکان میدیدند از سنگ موسی آب و طعام میخوردند در ادکا استطعام ازاء اعجاز

حضرت موسی و لطف اللهی من و سلوی فرستاده ند برای ایشان نازل میشد من ترنجبین سلوی یا عسل مرغ بریان صبحگاهان می بارید

مثل برف شیرین و لذیذ سفید و لطیف و مرغان ... از طلوع صبح تا بصحرا بقدر چهار فرسخ در وقت روشنی صبح

... ... جمع میکردند برای خوردن ششصد هزار نفر کافی بود و هر کس که بقدر حق

از آنکه جمع میکرد خراب و ضایع میشد و هر کس که صبحگاهی در خواب بود محتاج گدایی بود آن روز ذلت گدایی اختیار میکرد مثل

... زمان ما مالداران بذلت ارث و ... دنیا حضرت در خواب کسانیکه وقت صبح بذلت فقر و ... حضرت

گرفتارند در اوقات چهل سال لباس ... ... حضرت موسی صلوات بر محمد و آل محمد ...

لباسها نو و تر و تازه و از کثافات پاک میشد و اطفال تازه در وقت تولد با لباس که متولد میشد موافق بزرگ شدن اطفال

لباسها نیز بزرگ میشد تا چهل سال در ... بنی اسرائیل برای عمل ... نفس اماره خود ...

با موسی ... از فرعون و فرعونیان نجات داد ... برای ما ... ... حق

... پرستیم و عبادت ... ملامت میکرد ... جاهل و نادان هستید ... بچشم ظاهر ...

از علائم معجزات ... بچشم ظاهر ... بچشم معنوی ... معجزات

... بنی اسرائیل ... فرعونیان ... بایشان موثر نبود ... زمان ... موسی ... خدا ...

... عاقبت ... دولت ... معاینه ... محبت ... اولاد

... حشم و عمارات ... کتب شریف ... حضرت ... الله معه ...

پرستی که دنیا دارد ... در آخر الزمان ... نمازات ... غالب ... معتمد ...

... آیات قرآنی ... و من الناس من

یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله در تمامی امور دین و دنیا ... سعی ... مشکل

و مسائل ... آخرت ... اسلام ...

... چهل سال ... از چهل سال علم قرائت ... صحت نماز ... این

علم شریف ... صحت ... این علم ... از میان مسلمانان جنان

... نماز ... فسقه ... کفار ... کفار

قدیم ... جهالت و ملامت ... انواع ... ظلم است بدعت در دین

ظلم حقوق الناس ... بدعت جامع همه انواع ظلم است ... در وقت ملاحظه ... از علما و طلاب

و صحبان سواد نماز و قرائت نمازش ... قرائت نماز ...

اگر در علم قرائت ... تعلیم و تعلم ... شبیه ... باشند

قرائت خواندن ... اختراع ... بطور و سلیقه ...

... قرائت حمد و سوره ... حمد و سوره ... اختراع و ...

اختراع کرده ... صحت حمد و سوره ... لازم

این بیچاره ... لازم است از علم قرائت ... نماز که از مسلمان ...

... حیرت ... سرگردان ... اسلام ... خاطر جمع

و در تیه حیرت سرگردان چنانکه قوم حضرت موسی بعد از چهل سال ... قوم فرعون ... تمام

... طعام ... مختلف ماکولات ...

کاشتند

فصل هفتم از باب چهارم

در رجوع طایفه از علمای دین به سید المرسلین صلوات الله علیه و آله

گاشته بجز بهم بهتر والذات ترجیح بلا مرجح وقتی نابنه که سلب توفیق باشند ان الانسان لیطغی ان راه استغنی و ضرب
علیهم الذلة والمسکنة بعد از اتمام حجج اللهیه بلای نازل شده به سلب رحمت و صل کلام کفران نعم نامتناهی سلب توفیق از
لطف اللهی و ندای رحمن رحیم حضرت سبحانی و اتمام حجج پروردگار با جهل مرکب عقل و فهم و مدرک عبرت مکافات عذاب دنیا و آخرت
چه خبر باشد چنانکه علمای سوء با وجود عقل و کمالات و امکان وجود میزان و مکیال علم قرائت سهل آسان تجوید که فارسی و تازیان
اهل لسان خود و دوری و آسانی این علم و اهمیت علم قرائت بعذر در علم علمای سوء چه زبان لشیعه بعت طریقه محمدی صلوات الله و آل داشت
باین زودی در مدت سی یا چهل سال که الآن نیز در خانه همه علما و طلاب اکثر از کتب مفصله قرائت کم است تجوید فارسیه
به صد و حساب موجود نه سنیان برسم قدیم اطفال خود را در ابتدا درس در مکتب تعلیم صرف قاری را مواظب علم قرائت میکنند چه
عیب که در ختم قرآن از روی استحکام تعلم قرائت برسم جنتها و مستقل قاری بینند که بتعلیم دیگران و صرف حمد و سوره عبادت و
بخلاف طلاب ما شیعیان مدعی محبت اهلبیت و در وقت تکمیل علوم فقه و کلام و اصول و حکمت در مراجعت از تحصیل کربلا و نجف
بلکه در حال شهرت تقوی و پیشنمازی و مداخله امور مسلمانان نماز مسقط قضا که اول درجه شرع است بلکه صیغه و حق فعله و شبان داخل
قرآن و سراج است قادر نیستند و حال آنکه حق طلاب و علمای شیعه است که اول طلبگی تحصیل علم قرائت مواظب اصل حرمت اصلیه تامی
واجبات و محسنات علم قرائت پاکیزه منقح نه اینکه تا اینکه قدر و جب از سمت و مبطل از کرده و به جهت تمیز نتوانستند از
که اگر چنین نباشند نماز خود و نماز دیگران از جواب صحت و سقم و نماز صحیح و باطل و صیغ و عقود و شرع الورث از روی لقمان جواب

۱۵۹

نتوانند در وقت سوال و جواب باید بگویند من نمیدانم و یا امور شرعیه متوانم مداخله نمایم که این حالت راه سنگ مواظب
تکلیف خود جواب دهد اگر این رد سیاه و داد ضلالت و گمراهی معصیت خود غیبت و امثال آنها را تمام از علمای بی حاجتی دین
اله نیست و ملامت و امثال نمایم که از علایم دین خود اعراض و با خود از کل همیشه مخالفت و تعارض جملها و هال داده
دشمن دین ما هستند راه زبان طریق اسلام هستند که روز در فکر معاش و تجارت که زبان با خود از کل تعارض و از حاجتی
بکه هیئت شریف من ملکی اوباش در ترویج عزاداری خانه صاحب شعرا و یران و خانه خود و اهل و عیال الطلا کار توجه دارند
نخواهند شیطان را از حد رحمی فرمایند در نوکری شیطان دین و دل که از نه با امام حسین چه آشنائی دارند حالت اشتباه خلاف دارد
و اگر فرض مغفرت با نماز غلط بی قاعده و قانون که اتفاقی است و نادر است چه عیب دارد ترغیب مردمان حاجی و لاابالی
بعبادت با قاعده و قانون علم قرائت و حال آنکه در وقت لاابالی و بی عمل مردم بعبادت و آیات دین مبین لازمه است
که سعی آن بیشتر و زیادتر ترغیب باید کرد از جمله شرایط آداب اهل منبر عمده شرایط است نه اینکه اعانت بانم و ید
و مزید برعلت خلاصه اعانت باثم خصوص ترغیب بر بدعت نماز نیست مگر برای عدم معرفت بفضیلت نماز صحیح با نظم
و با قاعده و یا بر اسقاط اغراض باطله شیطانی که نمیدانم میترسم که در این عیب کبری و ایراد نماید از شرف انه از انجه
مولف روسیاه در مدت هفتاد سال از طفولیت این مرض علمای سوء دیده و دانسته و تحقیق کرده ام که علم قرائت و
قاریان را اثبات گناه و خلاف که نسخ کرده اند و از انظار مردم انداخته اند برای همین علت شیطانی کرده که قاریان ایراد کرده که این
علم شریف لازم است بیاموزند بدون علم هیچ کاری و عبادتی نتوان کماست در عوض این ترغیب کشته قاریان و اهل و ملبس
بسیار کج درست نماید با تکفیر کرده که فلان قاری شیخی و بابی یا دشته بمجرد شنیدن این کلام از معتبرین علما و شمار عوام الناس
رسیده از علم قرائت و قاریان و تعلیم و تعلم و مشق حمد و سوره و آموختن نماز با قاعده رو گردان و گریزان چون حیوان وحشی گریختند
احقر کمال ترس داشتم مهر خموشی بر لب میزدم و تقیه از اهل مذهب خود داشتم تا از ترس و دوری وطن غربت بیکار و از علایم
بی کاری و بی غیرتی و به خود واجب دانستم شغله این محلک را پیشه دارم و در انظار اهل ظرف خشنود انصاف عیب کبری و نکته دارم که
که سوزش دلم باین اسلوب راه نمائی کرده که دور از درس هفتاد و چهار ساله طاقت کمال و تمیز نداشتم پیشه دارم زیرا دانم قلم عنود و حاصل کشند

در اشاره بکبر دوم در ۱۲۰ علما و تخریب بنیان قرآن و نماز و روزه

وصل هفتم در [illegible]

باصلاح خطا و لغزش کلام و کار تصحیح و تعمیر مرتبه رسم باید که کار دو سنگر دیدار است الله علما ربانی که نواب خدا و رسول اند همه را

ترغیب نماینده که امر راه خدا و پرهیز از صحبت راه و رسم نماز است که تمامی صورت و ارکان نماز تابع صرف حضرت محض نماینده

رواج عهد در گوساله پرستی بنی اسرائیل وقتیکه حضرت موسی بدلالت موسی توبه نماینده خداوند امر کرد باید در بیرون

شمشیر کشیده برادران و پسران و پدران و بسیار دوستان و قرابا که گوساله پرستی کرده اند بلکه یکدیگر را [illegible] با قهر و غلبه کردن

و بکشند که دشمنان با یکدیگر مقابله نماینده ترحم و محبت و دلسوزی نباشد تا توبه ایشان قبول نمائیم ایشان گفتند بدترین کار

[illegible] با موسی زیرا که چگونه باشد این تکلیف که شخص پسر و برادر و پدر خود را بکشد و [illegible] بیاد آن در گریه و دلسوزی

انکار و رغم و محبت باشد موسی از زبان القدم عرض کرد خداوند فرمود بگو برای محمد و آل محمد صلوات بفرستند تا از این غصه و بلا

خلاصی یابند ایشان عمل نمودند بواسطه صلوات برای پیغمبر آخر الزمان و آل او از این غصه و [illegible] کان لم یکن

که بدست [illegible] برای ترک امر معروف که [illegible] یکدیگر را کشته و در شب تار و حتی روز [illegible] برادر

پدر پسر [illegible] اقوام [illegible] کردن [illegible] غصه [illegible] قرابت و خویشی عجیب است که شیعه [illegible] پیغمبر آخر الزمان

بچه عذر [illegible] پرستی که خاتم الانبیاء و آل او [illegible] زمانی [illegible] را پرستش نماینده در حقیقت

اسم اسلام و ایمان [illegible] لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله با وجه علم و فضل [illegible] تا ملی در فرق [illegible] که چه کرده [illegible]

[illegible] کار [illegible] که بعد از [illegible] علم فقه و اصول و حکمت و کلام در کمال عزت [illegible] فضل عمده

۱۶۱ شرط نماز است [illegible] چهار هزار مسئله [illegible] در قرآن [illegible] صریح اسم [illegible] نماز باقی

بغیر از آیات [illegible] امام [illegible] عجل الله وجهه [illegible] لعنة الله علیه سارقه

[illegible] آیات باقیه [illegible] در این مجلس مختصر ذکر خواهیم [illegible] ان شاء الله [illegible] مجلس [illegible] تالیف مختصر

[illegible] که قرائت [illegible] این نماز است که از عمده شرایط [illegible]

نماز باشد غیر از مسائل و احکام [illegible] این نماز که تمامی قرآن و احکام و قصص و فضایل قرآن [illegible]

بوجه [illegible] این نماز [illegible] ان قبلت قبل ما سواها و ان ردت رد ما سواها [illegible] نماز است که

[illegible] اعلی [illegible] مروت [illegible] است [illegible] ترویج [illegible] مسلمانی و دینداری [illegible]

که [illegible] دارد والسماء رفعها و وضع المیزان الا تطغوا فی المیزان و اقیموا الوزن بالقسط و

لا تخسروا المیزان حکمت این نماز نور اللهی [illegible] طریق دین [illegible] مقربین در کار [illegible]

[illegible] نور اللهی [illegible] چنانکه [illegible] برسم [illegible] و محبت [illegible] بتدریج [illegible]

[illegible] تخریب مدارس [illegible] این نور که قاریان [illegible] فاضل معتمد [illegible] بعد از آنکه [illegible]

[illegible] این چراغ هدایت [illegible] کتب و طالبان [illegible] اند که [illegible]

[illegible] از رونق و اعتبار انداخته اند [illegible] کتب و طلاب کم در زمان [illegible] تمام [illegible]

[illegible] از حفظ نماز [illegible] اسم [illegible] قاعده و قانونی [illegible] نماز [illegible] چنانکه

[illegible] میان علمای زمان [illegible] نماز با قاعده و میزان علم قرائت [illegible] بلکه از علما و طلاب

از صد نفر [illegible] نماز [illegible] که اول [illegible] نماز [illegible] مخصوص [illegible]

[illegible] عوام الناس فسقه فجره [illegible] مسلم [illegible] خارج [illegible]

[illegible] این [illegible] مایل [illegible] این جماعت [illegible] قانون

کفار [illegible] از مباشرت و معاشرت [illegible] که در بلاد [illegible] معاشرت [illegible] چندان فرقی ندارند بلکه

[illegible]

اشاره به فساد و هتک طبقه‌ای از اقسام فقها و علما

۱۰۲

در رسوم و فنون کفر و فسق پیشه ها بهر سیده و نمی ملبس آنها که و تفایس دلالاء کفار قدری اقامه نموده اند در حرام و شراب و قمار و

و زنا و فساد و خونریزی با ایشان ترجیح دارند در میان کفار در وقت رفتن میان مسلمانان در لباس مسلمانان

و لباس و لسان مسلمانانست و نماز که از است و الحقیقه بلکه نماز صبح دو رکعت و ظهر و عصر چهار رکعت است در آن مسجد و کلب

همه لسان مسلمانان متکلم است و السلام نماز گذاردن علمای [illegible] از این نوع مسلمانی اعجوبه است در وقت

بازگشت از کفیل کربلا و نجف و مشهد مقدس و [illegible] اهل اسلام مسلمانی محتاج نماز مسقط قضا یافت از آن

خوانده اند که اعجب از آن الوجد بی ناموس است در وقت فراغ از اعمال و فروع کاغذ نیابت مهر از مجتهدین ما

بر آمده اهل اسلام مسلمانی و محمد سید بن فلان کفیل است [illegible] ساله [illegible] موافق زمان کفیل حساب نقد [illegible] که

ما مهر است کاغذ نیابت در مضایقه کرده چنانکه [illegible] مجتهدین [illegible] طیب الله مضجعه [illegible]

لا [illegible] هر کس از بلا [illegible] کاغذ نیابت [illegible] در آن [illegible] و کال فصاحت و خباثت [illegible]

مقصود من [illegible] مقصد شماست [illegible] چنین اظهار فضل و کمال [illegible] معصوم [illegible]

خباثت بنا نهاد کاغذ [illegible] که مانع از خباثت [illegible] ظاهر [illegible]

و فصاحت و علم [illegible] مخصوص مجتهد جامع الشرایط است چنانکه [illegible] صحت [illegible] نماز موقوف با [illegible]

تا نماز صحیح و باطل [illegible] و سنت [illegible] نیز [illegible] نمیدانم حالمیکه نماز مسقط قضا [illegible]

و [illegible] جسارت [illegible] عوام الناس [illegible] صحت نماز [illegible] جسارت تصحیح نماز [illegible]

بجز نمیدانم [illegible] دیگر [illegible] که نماز و شرع و دین [illegible] اکثر علمای [illegible] اول علم قرائت و قاریان [illegible]

و شرع و دین [illegible] شهید [illegible] که هزار بار از [illegible] خاتم الانبیاء [illegible] مرتضی و سید الشهدا [illegible]

تا ظهور حضرت حجة الله [illegible] شرع [illegible] تمام [illegible] علیا و حسینا [illegible] کربلا

از [illegible] دین [illegible] فساد و وجود [illegible] علمای [illegible] که هر یک [illegible] مخصوص [illegible] طبقه [illegible]

منزل و [illegible] دارند [illegible] که [illegible] ملبس [illegible] بس تعجب از علمای [illegible] خلف [illegible]

[illegible] موافق [illegible] در علما [illegible] سایر مردم دلیل بسیار علما [illegible]

ملبس [illegible] و تمامی [illegible] نیز مصروف با غوای علما [illegible] که ابلیس [illegible] العالم

چنانکه [illegible] جسارت [illegible] نماز [illegible] نماز صحیح [illegible]

[illegible] تاریخ [illegible] سال [illegible] باین صورت [illegible]

محبت و دوستی شرع و دین [illegible] عوام که ایها الناس [illegible] قرائت نماز [illegible] قاریان

[illegible] قرائت [illegible] با علم قرائت [illegible] اسلام

و انواع این کلمات [illegible] عوام این کلمات [illegible] قاریان [illegible] علم قرائت [illegible] قلم و فساد

تصور کرده قاریان و علم قرائت [illegible] علما و طلاب و [illegible] محتاج نماز مسقط قضا [illegible]

تعلیم و تعلم نماز و حمد و سوره آموختن باعث تنگ [illegible] مردم [illegible] در سواد اعظم [illegible] دار العلم [illegible]

از [illegible] معتمد کل مردم [illegible] نماز [illegible] با معیار [illegible] علم قرائت [illegible] احتیاط [illegible]

برای [illegible] از فضل نماز جماعت [illegible] کلام [illegible] لا [illegible] مسقط

قضا [illegible] که محروم [illegible] نماز جماعت [illegible] محروم [illegible] نماز

و ضعیفه [illegible] عوام الناس [illegible] عاجز [illegible] ضعیفه [illegible] نماز [illegible]

اشاره بر قباحت کلام و تغییر موضوع علم [illegible]

۴۴

با معیار و میزان علم قرائت و موافق لسان اهل لسان با صحت [illegible] قرائت یاد کرد که قدر وجوب و بدعت و سنت و مکروه و جواز [illegible]

بفهمد [illegible] قدر تلفظات نماز [illegible] نماز متعلقات [illegible] جواب [illegible] تا کسی یا کافر یا ظالم نباشد و بانی بدعت [illegible] ظلم

و بدترین مراتب ظلم بدعت است از تمامی مراتب معاصی [illegible] ظلم است [illegible] مراتب بسیار دارد همین بدعت [illegible]

نماز که بر داشته شدن نماز است [illegible] این فعل [illegible] [illegible] در [illegible] این بدعت [illegible] شمار [illegible]

حضرت صادق آل محمد و امام محمد باقر علیهما السلام و [illegible] اسحق بن ابراهیم علیهما السلام که بنی اسرائیل [illegible] بواسطه ترک اولا [illegible]

دست فرعونیان [illegible] [illegible] [illegible] سال [illegible] [illegible] و اولاد در زمان [illegible] [illegible]

[illegible] نماز [illegible] چنانکه در [illegible] فرج [illegible] حضرت حجة [illegible] [illegible]

[illegible] بخصوص [illegible] قدر احتیاط و خوبی ارکان و آداب این نماز [illegible] صحیح و سلامت [illegible]

[illegible] صحت و سلامتی تمامی آداب دین و ایمان [illegible] و احکام مسلمانی [illegible] چنانکه تمامی [illegible] و ایقاعات

[illegible] قرائت نماز موقوفست [illegible] آداب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] نماز و نکاح و طلاق [illegible]

عقود و ایقاعات باطل و ضایع باشد چه قدر جهالت و غرور و [illegible] میخواهد که اعتنا باین علم شریف القدر نباشد که نماز

[illegible] صاحبان [illegible] و معرفت [illegible] مردم [illegible] [illegible] از تعلیم و تعلم [illegible] این نماز [illegible]

[illegible] و متروک نمایند [illegible] این فتنه و فساد [illegible] [illegible] و [illegible] چه قدر دشمنی دارند [illegible] شیطان

شیطان و مخربان دین و منافقان [illegible] قاتلان امام حسین [illegible] و بچه دین و مذهب لعن و طعن [illegible]

[illegible] از [illegible] چه حقوق [illegible] [illegible] و [illegible] اسلام [illegible] باین درجه [illegible]

[illegible] سهو و نسیان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ابلیس [illegible] در [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در کاه اللهی [illegible] [illegible] نماز [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] اطاعت [illegible] مردود درگاه اللهی [illegible] ابلیس [illegible]

هزار سال [illegible] لعین [illegible] [illegible] این [illegible] [illegible] جماعت [illegible] [illegible]

[illegible] علما [illegible] [illegible] در علم قرائت [illegible] قاریان [illegible] بسیار [illegible] [illegible] نماز [illegible]

کلام [illegible] [illegible] [illegible] در علم قرائت [illegible] [illegible] نماز [illegible] قضا [illegible] [illegible]

[illegible] همیشه این [illegible] [illegible] علی الدوام این جماعت [illegible] تعلیم و تعلم و درس و مباحثه این علم شریف [illegible]

چنانکه قبل برین مباحثه حمد و سوره در تمامی بلاد و قرا و مزارع و محلات و بازار و کاروانسرا [illegible] مکتبخانه [illegible]

از [illegible] [illegible] [illegible] درس فقه و [illegible] این مباحثه و درس علم قرائت مرسوم و عادت [illegible] [illegible]

[illegible] که سلطان [illegible] [illegible] صبح اول طلاب حمد و سوره [illegible] [illegible] بعد به درس فقه و [illegible] علم کلام [illegible]

[illegible] نمایند [illegible] [illegible] مخصوص طلاب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] علما [illegible]

چه قدر [illegible] در امور دین [illegible] [illegible] یکی از علمای جلیل القدر [illegible] [illegible] در ارض اقدس که [illegible] حضرت امام [illegible]

الآف التحیة و الثنا [illegible] یک نقصانی بنظر آید که حیف [illegible] [illegible] معمور و کثرت دارد [illegible] [illegible] نماز جماعت

[illegible] القدر مجمع [illegible] [illegible] حیف [illegible] قبله واقع شده که در وقت نماز جماعت [illegible] مجلس [illegible] تعزیه [illegible]

پشت مردم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] این [illegible] از هزار [illegible] [illegible]

قانون و میزان و معیار نماز [illegible] که علم قرائت [illegible] [illegible] نماز [illegible] معصوم [illegible] [illegible]

که او واجب و لازم است مع ذلک [illegible] [illegible] مردم [illegible] از ابلیس و منافقین [illegible] [illegible] [illegible]

لعن

فصل هفتم (باب سوم)

در اسباب نسخ قاریان و علمای قرائت از متون

۱۰۴

لعن و طعن نمایند چه قدر ضرور است که چشم ملّا نمای [illegible] دلشان عیوب خود را که نماز با قاعده [illegible] و با آداب کلام چهار نماینده

مروج دین محمدی بقصد نمایند که اهم نماز با قاعده و قانون و علم قرائت و قاریان درست است و مذاکره نماز ما چه عیب بتفصیل داشت

با کنایه و اشاره لاابالی و بی‌پروا [illegible] عوام و بیخبر خود از معیار قرائت این کار لازم و اهم [illegible] متروک و موقوف کرده

بهانه اینکه مردم سخت گیر نمایند به سؤال [illegible] غیر از این بهانه در دست نداشتند قول خدا را برعکس کرده [illegible] و لا تقف

ما لیس لک به علم را عکس فرمان و جب الاذعان الله را مصداق این آیه شده و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون

کسانیکه به [illegible] بخوبی پسندیده‌اند نه انم زخوبی چه بد دیده‌اند ضرر تعلیم و تعلم علم قرائت نمیدانم چه بود و حال آنکه میزان و کالبد

صحت نماز کلیه است [illegible] مسلم [illegible] شیبانی [illegible] چه قدر خلاص از واجبات مبتدای دین کج خود هستند

پیشوایان [illegible] بر داشتند که خود محتاج نماز مسقط قضا شده من حفر بئرا لاخیه وقع فیه و اگر در میان عوام الناس

از صد نفر دو نفر نماز مسقط قضا باشد آنهم از برکت منش عوام ذکر اگر ایشانست که میان انواع علما که [illegible] و عار است که به نزار است

و هیچ کاره [illegible] صنعت و علم [illegible] تعلیم و تعلم و حصل نباشد و حال آنکه تمامی صاحبان عمامه خود را صاحب و اهل خبره هستند به دلیل

اصرار [illegible] از ارباب عمائم که بگویم متن نماز و حمد و سوره و قرائت نمیدانم در وقت صاحب کلاه اهل خبره هستند مضایقه از تعلیم دارند

ملا نادر و سرا [illegible] تأکیدات بتفصیل آنکه مسامحه و بی اعتنایی نوع اهل [illegible] به این درجه غایت کشیده و حاصل بنا [illegible] لاابالی و بی اعتنایی

۱۶۳

معتبرین علما و پیشواران در ترویج نماز به عبث بر نماز صاحبان [illegible] قرائت [illegible] از کلمات مولوی مبهم علاقه [illegible] که قاریان اکثر

و کلان دلمین [illegible] است نمایند زبان انسان همه دشمن مملکت وجود ارکان انسانست [illegible] عالم و صاحبان سواد [illegible]

کفار حق [illegible] صلیه [illegible] و عاقبت نتایج کلام حق را ملاحظه نمایند چه فساد خواهد کرد [illegible] فی العالم [illegible]

چه فساد که هر که از شرع و دین چیزی باقی نگذاشتند [illegible] شناس همه را [illegible] در کل دین [illegible] خود [illegible] سر با هم

خلط [illegible] و چنانکه عقل کل [illegible] و همچنان نماز که [illegible] عقل کل مقرر است [illegible] وام [illegible] اگر [illegible] چه طور

و مسخره [illegible] در وقت [illegible] امم سابقه عیسی [illegible] و غیره که به معجزات و کرامات همه انبیا استهزا و مسخره [illegible] بتعجب تمام

از حق خبر نداریم و قباحت کارهای خود را اصلاً نشناسیم و اعتنا نداریم عجب و اعظم از آن [illegible] تعجب و غفلت و نادانی ما

دور از فضل و اکمال علمای ما است با کمال [illegible] در ترویج دین با اسم [illegible] و دین [illegible] علمای ما است با همه محافظت دین

و ایمان و بیان مسائل و احکام و داد و فریاد یا الله یا محمد [illegible] ایها الناس شرع و دین ما [illegible] خوب ملاحظه نمایند حق

ملکیند فرد [illegible] و سوالی داریم قباحتی داریم دلیلش نماز و طاعت و قانون و قاعده نماز نداریم و این نماز مسخره

یا [illegible] عدم نماز ما چنان ضرر [illegible] نعوذ بالله معنی بی اعتنایی نماز [illegible] اگر دین مسلمانی این [illegible]

و حال آنکه در وقت ملاحظه مسائل نماز بنا بر فرمایش مجتهدین ما [illegible] در مسائل نماز [illegible] مثلاً در میان سه و چهار در حال

باشد بعد از تأمل که یقین و ظن حاصل نشد بنا بر چهار نهاده سلام نماز داده فوراً [illegible] قبل از بجا آوردن نماز احتیاط

یک رکعت ایستاده پس [illegible] لازم است برای نماز احتیاط و استعجال نماید یک رکعت نماز احتیاط را بگذارد [illegible] بلکه از

وارد [illegible] لازم است استعجال نماید [illegible] در شریعت طاهره موافق رأی مجتهدین در احکام نماز

ولی شرط قرائت صحت قرائت را چنان بر داشته‌اند که نماز مسقط قضا اکثر علمای [illegible] محتاج [illegible] اعتنا ندارند [illegible] علم

قرائت [illegible] در تعلم صحت قرائت چنان [illegible] کان لم یکن [illegible] در این [illegible] و خفت و بار که [illegible]

این نامسلمانی و بی‌دینی [illegible] از عدم ملاحظه عاقبت کلام عالمان لاابالی بی باک [illegible] عدم نزد عوام و خواص گفته قاریان [illegible]

[illegible] درایت نمایند و تمیز حروف در علم قرائت کافی است [illegible] کلمات مولوی مبهم نماز [illegible]

و قاریان [illegible] خوارج و قاریان خوارج نهروان نهاده از مجالس [illegible] و مذاکره حمد و سوره گریزان و روگردان که عوض [illegible]

فصل پنجم در [illegible]

در اسباب تغییر صور نماز موافق اسباب تغییر صور مختلفه جسمانیه

۱۰۵

همه ابرار دانشمند چنانکه مشاهده است [illegible] در خواستن چیزی نمانده است از سایر احکام دین نزدیک [illegible] آن چه شب

مس [illegible] ولی رحمت له الحمد پس از احکام و مسائل حلال و حرام و عمل با احکام قرآن و دین داری و اسلام در جمله [illegible]

آخر الزمان [illegible] نماز موافق اخبار غیر از این متصور نیست [illegible] تجسم و تجلی [illegible] سنه هزار و سیصد و سی و دو

در مجلس موعظه یکی از علمای ارض اقدس در مسجد گوهرشاد مشغول استماع بودم یکی از مؤمنین سادات دلال [illegible]

در اثنای خطابه گفت که یا شیخ در عالم رؤیا دیدم در برابر ایوان مقصوره ایستاده ام جماعت بسیار در آن ایوان مقصوره

نماز جماعت میگذارند لیکن یکی دم دارند بقدر دو وجب با کمال تعجب تماشا و حیرت [illegible] و واعظ پرسید

[illegible] دم داران بودند گفت چونکه در عقب بودم ندانستم واعظ [illegible] از جمله [illegible] مشهور بود گفت من هم خود چند سال قبل

مثل این واقعه [illegible] مفصل از تو دیده ام که در برابر ایوان طرف شرق ایستاده بودم و دیدم همه مساجد اطراف گوهرشاد

مشغول نماز جماعت شدند یکی دم دارد حتی پیشنمازان نیز دم دارند از لباس و عباها نمایان ولی در یکطرف یک پیشنماز

میگذارد که مأمومین او بقدر سیصد نفر بودند هیچیک ایشان دم ندارند نه امام و نه مأمومین او آنها که دم دار بودند شاخ هم داشتند

با [illegible] اسم گردد از او [illegible] میگذارند چنین مردم زمان ما هم در شکل [illegible] حضار مجلس میخندیدند

من گفتم [illegible] گزارش نماز و مطاوعی شرع و دین است [illegible] خنده [illegible] مشهور [illegible] آل محمد

در عرفات یکی از شیعیان و دوستان گفت چه زیاد است حجاج حضرت فرمود چه کم است [illegible] حضرت [illegible]

۳۰ خدا فرمود نگاه کن ابو بصیر نگاه کرد دید خیلی قلیل است [illegible] باقی انواع حیوانات [illegible] اشکال و اخلاق [illegible]

معنوی خود [illegible] چنانکه تمامی اعمال نسبت به صحت و بطلان و تغییر صورت نماز است نماز به صورت کیفیت [illegible]

باید [illegible] صورت باشد به دلیل ان قبلت قبل ما سواها و ان ردت رد ما سواها دلیل واضح [illegible]

و این هم میزانی خوب است که اگر خواهی صورت معنوی خود [illegible] خوب [illegible] ملاحظه کن از اعمال و افعال خوب [illegible]

اگر [illegible] بعضی [illegible] حلال [illegible] است [illegible] انداز [illegible] تفصیل و تغییر خلاف [illegible]

پس در صورت [illegible] نماز [illegible] خود پسند [illegible] صرف که استاد [illegible] صرف [illegible] و نه علم قرائت [illegible]

نه معصوم است که لدنی باشد مگر بقول [illegible] عجب [illegible] زید عمرا که اگر [illegible] اجتهاد [illegible] علم قرائت

جهالت [illegible] از حبایل معظمه ابلیس است [illegible] نماز [illegible] امید توبه و برگشتن دارد این بدبخت

خود را به هیئت علم و فضل شیطانی چنان گمراه نموده است که دیگر رجوع الحق نماید [illegible] پیشنمازان زمان که از [illegible]

نماز با میزان و مکیال ندارند نماز مسقط قضا ندارند صحت و سقم نماز عوام و خواص و حکم صحت و بطلان [illegible]

جسارت [illegible] مع ذلک در صف نماز جماعت [illegible] قرائت دارند [illegible] صاحب [illegible]

که شیخ المشایخ [illegible] نقل [illegible] هر کس که [illegible] نماز [illegible]

این جنابها [illegible] است که [illegible] وضو و غسل [illegible]

از مثل شیخ هزار درجه بدتر و قبیح است [illegible] زن زناکار [illegible] عصمت و حیاء عقل و شعور [illegible]

از اهل عقل و حیاء علم و فضل بجای [illegible] در تضییع و تخریب نماز و استخفاف نماز که هدیه [illegible] باشد چه قدر [illegible]

با خدا [illegible] است [illegible] عوض [illegible] این جنابها [illegible] هدیه [illegible] نماز [illegible] فصاحت [illegible] متصور است

باز خواهی گفت [illegible] استخفاف نوع است [illegible]

[illegible] تمامی کتاب [illegible] مختصر [illegible] دلیل

علم

فصل هفتم از باب دوم

باب علمای معروف الفضل خود را

اشارت با ضلال گمراهی ایشان ۱۰۱

علم قرائت و قاریان در نماز با قرائت کی ماهر که از کتب مفصله ارشاطین رهنمای شیاطین یافته شده بسیار اکثر قرائت گاه مفقود و برداشته شده است اعتبار از تجویه مجالس اسمی ندارد اینست که در عالم واقعه که موافق حال اکثر ایشانست امام و ما معه را دم دار بنشینند الا اندازه ما همه فضایلی که در باب نماز جماعت از ائمه سلام الله علیهم صحبت وارد است چنانکه روایت معتبره صحیحه الکلینی رحمه الله از امام و ما معه بین المجالس و مسجد اکر فعل شود همه ادنه نماز همه امسجد مجلس قبول خواهد در عوض متقابل این جنبه فلک مهربانی از علم قرائت نماز حیف الف قدر دنیا در کمی عبث صحت صورت نکن نماز باشد بر سر رد شدن نماز تمامی اعمال و طاعات باطل باشد و دیگر چه دعوی اسلام و ایمان کرده محبت دنیا باید و حال انکه دنیا و ما فیها با جمیع حرص و محبت بمنزله بمباره سردار مکافات و حال انکه هر دل حرص محبت دنیا بمثابه معبدیست چنانکه عاقلان و دانایان از اول قدم نهادن پا بر دنیا از آدم تا قیام قیامت بمکان حق معبد محقر وار داده عقل مخلوقات انبیا و اوصیا و بعد علما و ابرار و اخیار چگونه که ازان شده اکر اعتقاد وارم چرا بر عکس ایشان شب و روز چنین کرم بلیه گرفتار دام بلا سیلی شیم و کریفما در زوال و سر دار فدان و ننی غفارند شبهه ایم شب و روز ماتم دل هر کی در زوال ایمان حیف کریم این چه مسلمانی است و چه عقل است و چه دلوانگی است ایمان در هر دقیقه در کار حیف با کمال سعی آ و رفکر کار؟ رفتاری هاشمی ۰ آنکه در فکر صحت در رکعت نماز خود باشند و در سورت العصر خداوند بیان فرموده و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقا ذلک الفضل من الله و کفی بالله علیما الله بمجله عدل الاهی چون کودن تمیزی بر دور رحمت دیگر یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول ان کنتم تؤمنون بالله و الیوم الآخر ذلک خیر و احسن تاویلا و در جای دیگر الم تر الی الذین یزعمون انهم آمنوا بما انزل الیک و ما انزل من قبلک یریدون ان یتحاکموا الی الطاغوت و قد امروا ان یکفروا به و یرید الشیطان ان یضلهم ضلالا بعیدا و اذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل الله و الی الرسول رایت المنافقین یصدون عنک صدودا و قال ان المنافقین یخادعون الله و هو خادعهم و اذا قاموا الی الصلوة قاموا کسالی یراؤون الناس و لا یذکرون الله الا قلیلا مذبذبین بین ذلک لا الی هؤلاء و لا الی هؤلاء و من یضلل الله فلن تجد له سبیلا ان المنافقین فی الدرک الاسفل من النار و لن تجد لهم نصیرا و قال ان الذین کفروا و ماتوا و هم کفار اولئک علیهم لعنة الله و الملائکة و الناس اجمعین خالدین فیها لا یخفف عنهم العذاب و لا هم ینظرون اهل قرآن کار حیف سر کمال بیهوده کمال و صحت در رکعت نماز نباشند بعضی در سورت العصر مسکور نشده در رکعت نماز سه شد ا نه لابد دلا علاج در دقت مردن شبانی و دقت مشیه نماز هست و باطل و هباء منثورا گرداندن از اسم مسلمانی چه برده قرآن کلا و دلالت و تصریح است بر ضلالت و باطل بودن سایر اعمال در آن وقت چه چاره باید کرد از دست ملائکه غلاظ و شداد و آیا خلاصی و التماس ائمه و انبیا و تمامی حملة قات فایده کمال ما خلاصه سایه و ما یشاؤن الا ان یشاء الله تنبیه اینم امور حاشی قرائت این در رکعت نماز چه ضرر و چه اشکال و چه کمنه لن دارد که بقراءت امعصته اهل در سلک مسلمانان و مؤمنان و سایر طاعات در چه قبول باشد در حدیث صحیح چنانکه حافظان سوره مبارکه حمد صد و بیست و چهار کلمه است هر یک ثواب بیند صد و بیست و چهار هزار پیغمبر ا در دیوان اعمال ثبت خواهد نمود لعنت این حیله بکار برده که در مدت العمر سبب در غیب بر تعلیم و مذاکره آن دل ابنه و مه چون خود نمی بر دو کالاهای تکه ازو در انبیا و اولیا و اوصیا را ان زنی مسجد اه که من در چه کاره هستیم با کثرت است حمد و سوره نماز ابن نهم فتنه و فساد بتوسط علم علما و بیشتر ان معتمد فضلاء و هر کار که است که متصفی اولی در حرم طلب و هر اسب تحصیل کار قند هر فره شوند نوشته کار

165

فصل [illegible]

در اشاره با [illegible] و آداب [illegible] قرآن [illegible]

تا بجایی رسانید که اگر واقعه‌ای [illegible] دفعه [illegible] بلکه [illegible] دلیل کرامت و [illegible] بیان [illegible] در قرائت دفعه [illegible] در [illegible]
اشاره شده از نمازهای بی قرائت [illegible] نتیجه [illegible] در ارض قدس که بطریق [illegible] نتیجه [illegible] بدلیل [illegible]
واضح که صفحات احوال متقیان [illegible] سعادت [illegible] شقاوت [illegible] مشاهد مشرفه در بلاد [illegible] نتیجه کار [illegible]
[illegible] در قرائت [illegible] بسیار [illegible] خراسان [illegible] رستم پهلوان [illegible] مولف [illegible]
[illegible] علما و زهاد شرع و دین [illegible] کنند [illegible] علمای ربانی [illegible] کلمات این [illegible]
[illegible] عالم ربانی [illegible] که نمازهای [illegible] وقت [illegible] باحتیاط بسیار ضعیف [illegible] نمازهای [illegible]
[illegible] بوجوبات [illegible] قواعد علم قرائت تاکید اکید کردن [illegible] دین و [illegible] کردن [illegible]
جواز خواندن قرائت نماز [illegible] قرای سبعه اگرچه موافق [illegible] قرای سبعه [illegible] صحیح
بدون ملاحظه رسم و قانون قرا نماز گذاردن [illegible] نتیجه [illegible]
نتیجه [illegible] مشهور است اکثر علما [illegible] علم قرائت [illegible] تعلیم این علم شریف [illegible]
علمای علم قرائت [illegible] قرائت [illegible] کلمات [illegible] مانع شده [illegible] این علم [illegible] حمد و سوره
نماز با فاتحه [illegible] دیگران [illegible] کلمات [illegible] که در هر کلمه فساد [illegible]
جماعتی از [illegible] الذی یوسوس فی صدور الناس [illegible] گمراهی [illegible] داده [illegible]
نماز و باین شکل [illegible] کم کم [illegible] زبان [illegible] عوام [illegible] حروف در قرائت [illegible] [illegible]
قاریان [illegible] بسیار کج [illegible] کلمه [illegible] عوام [illegible] کلمه راست [illegible] کلمه [illegible] صحیح
عالم [illegible] کلمه [illegible] راست [illegible] بعوام [illegible] بعوام
[illegible] فساد [illegible] قدیم [illegible] این فساد [illegible] نتیجه [illegible] حروف [illegible]
[illegible] احتیاط بسیار دارد [illegible] الانعام [illegible] قاریان کم [illegible] حروف
[illegible] کار [illegible] بعضی حروف [illegible] کلمات را خوب [illegible] کج [illegible]
ادای مخارج کلمات را [illegible] عیب [illegible] دارد [illegible] حروف [illegible] [illegible]
قاری [illegible] کامل [illegible] کج [illegible] کار خلاف شرع و دین [illegible]
[illegible] کج [illegible] زبانش [illegible] کج [illegible] بیرون [illegible] از دین اسلام [illegible]
و تعلیم و تعلم [illegible] عیب [illegible] نفرت [illegible] علم [illegible]
[illegible] نزدیک [illegible] عوام [illegible] کلام جناب [illegible] بیان [illegible]
از علم قرائت خبر ندارد اصلا و باحمد و سوره غلط صرف با [illegible] مردم [illegible]
خون دل [illegible] اسباب معاش [illegible] بعد از [illegible] حمد و سوره صحیح
[illegible] که حمل [illegible] لازم باید [illegible]
[illegible] کریم است [illegible] محرف است [illegible] همیشه [illegible] قاری [illegible]
در مجالس و مساجد [illegible] قاریان [illegible] قرائت کنند [illegible] مجالس [illegible] مردم [illegible]
علاج [illegible] قاریان علم قرائت [illegible] اعتبار [illegible]
جوانی و ابتدای مکتب [illegible] موافق علم قرائت تعلیم [illegible] عادت [illegible]
در تعلیم قرائت [illegible] قبل درس [illegible] طلاب [illegible] قاری [illegible] تمام [illegible]
[illegible] طلاب [illegible] بعد از [illegible]

[illegible]

فصل هشتم از باب دوم در شومی و مذمت بدعت ظلم و فساد میان مردم

فصل هشتم در مذمت بدعت ظلم و فسا و میان مسلمانان

قال الله تعالی و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله بغیر علم و یتخذها هزوا اولئک لهم عذاب
مهین و اذا تتلی علیه آیاتنا ولی مستکبرا کان لم یسمعها کان فی اذنیه وقرا فبشره بعذاب الیم ان الذین
آمنوا و عملوا الصالحات لهم جنات النعیم خالدین فیها و قال و من الناس من یجادل فی الله بغیر علم
ولا هدی و لا کتاب منیر و اذا قیل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا علیه آباءنا اولو
کان الشیطان یدعوهم الی عذاب السعیر و قال و من اظلم ممن افتری علی الله الکذب اولئک
یعرضون علی ربهم و یقول الاشهاد هؤلاء الذین کذبوا علی ربهم الا لعنة الله علی الظالمین الذین
یصدون عن سبیل الله و یبغونها عوجا و هم بالآخرة هم کافرون اولئک لم یکونوا معجزین فی الارض
و ما کان لهم من اولیاء یضاعف لهم العذاب ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون اولئک
الذین خسروا انفسهم و ضل عنهم ما کانوا یفترون لا جرم انهم فی الآخرة هم الاخسرون و قال
یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافة و لا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین و قال
الفتنة اشد من القتل و از فتنه بزرگ و عموحی باشد که شایع و جاری میان مسلمانان شود هست عظیم در ...
فی الحدیث اتقوا من مواضع التهمة و از حضرت امام محمد باقر وارد است ان الله لیعذب الجعل فی جحرها بحبس المطر ۱۶۷
عن ارض التی بمحلها بخطایا من بحضرتها ما بحضرتها الله تعالی عذاب نا جعل در اشیا خود بش باین طور باران
نبارانیدن ... جعل ما و ... سوم معاصی شده کان در ارتکاب معاصی نمایند زیرا که قدرت کردن کفتن از
میان ایشان داده ... و از ایشان کناره نمود بعذاب خشکی گرفتار نماید و ازینجا معلوم میشود که حال آدمی از
معاشرت و مصاحبت عاصیان خانه دین دانش چه طور خواهد گردید خصوص و قتیکه در لباس علما دارار باشند که کر
داکر نزدیک چون مرض برص و جذام و مبتنی ... در زمان اند که بد تر از خود خواهد بود چنانکه مشاهد و ظاهر است دار ... که زمان
کار ... بجای رسانیده است از قرائت و طمانینه نماز دارخود نماز بجز اسمی نمانده و خود صاحبان فضل و کمال محتاج نماز
مانده اند و صدای و ناله و فریاد ... و ... نمانده کان لم یکن بود در مجالس و مساجد ناله و فریاد نمانده که ایها المؤمنون
ما هست ... را نماز پنجگانه بود که اسلام و مسلمانی ما با آن نماز از کفار و فساق و بی نمازان تشخیص و تمیز داشت و شرط بودن
قرائت واجب بود چنانکه خود نماز واجب بود در شناختن آن نماز و قرائت کتب قرائت بسیار داشت و گویند در هر جا
بود طلاب و علما می خواندند جمهور و معمول بود و صدای آن زکی و ... و مصرف ... میزان قاریان العلم بسیار بود
که از قاریان و علم قرائت و صدای آن قرائت ... یافت نمیشود اگر کمی در خلوات کرده ولکن نباشند شناسند
با قرائت ... شد که این نماز خراجی بدعت ... آن نماز با قرائت نهاده اند ما مسلمانیم نماز با قرائت که مسلمانان
در آید کدام دشمنان ما عمده ارکان دین ما ... از دست ما بر ... عظیم رکن دین ما بود که بر فائق ارکان دین ما ضایع و بیکار
و بی فایده میشود که ام کفار این تاراج و ذلت و اسباب ذلت میان ما ترویج و تعلیم داد این گمراهی ضلالت و بدبختی
از کجا بما رسید بعلاج آن بکوشیم این ضرر کم دنیوی نیست که تحمل توان نمود رعوحی ملت اسلام واجب و لازم است
بر دفع این بدعت کوشیدن این چه غفلت و مستی و سستی باشد بس غفلت و بدبختی و نادانی ما بجز این نباشد که
حب دنیا عظیم و مستی از فتن آخر الزمان مسلوب و غلبه دیگر است از ما بدر ادراک عیوب این رخنه کردن دین باید از اراکین علما
و خفیه بعلاج دفع این بدعت بکوشند کار بهر یافته و علاج نیست رخنها دین اسلام را به علما است علاج نمایند در صدور نیک
خود اگر علما و معتبرین موفقین بانی و باعث این بدعت و خرابی دین باشند کدام فرقه جسارت تعارض و ابطال این بدعت عظیم می تواند

۱۰۶

در مذمت [illegible] و بدعت و اختراع [illegible]

فصل [illegible]

و تا اینکه نماز و احکام نماز را با این قرائت صحیح قرائت یک مسئله است از مسائل ضروریه [illegible] نماز که صحت آن [illegible] احکام [illegible]

اینها این کتاب را مخصوص ذکر صحت قرائت نموده ام علاوه براین در هر زمانیکه طغیان مردم زمان [illegible] بر ردّ دین احکام الله [illegible]

در افراط و تفریط [illegible] از هر حکمی [illegible] افراط باشد در تعمیر و اصلاح آن [illegible] سعی [illegible] بسیار [illegible] چنانکه این زمان کثرت [illegible]

در [illegible] منصور است [illegible] ذکر [illegible] مذمت [illegible] آخر الزمان [illegible] تضییع نماز و قرائت [illegible]

[illegible] اختیار [illegible] تضییع نماز [illegible] اولیا [illegible] جماعت [illegible] مردم [illegible]

[illegible] فاطمه [illegible] حسن مجتبی حسین [illegible] ائمه معصومین سلام الله علیهم [illegible] شهادت [illegible] نماز [illegible]

[illegible] کتاب [illegible] فرموده وما خلقت الجن والانس الا لیعبدون ای لیعرفون [illegible]

و طاعت [illegible] از نماز [illegible] عبادت [illegible] طریق خلاص [illegible] طاعتی [illegible] طاعات [illegible]

از وجود نماز [illegible] ولایت [illegible] ولایت [illegible] نماز [illegible] طاعات و عبادات [illegible]

[illegible] شیطان [illegible] تکمیل [illegible] طاعات [illegible]

[illegible] تکمیل نماز [illegible] طاعات [illegible]

[illegible] تخریب دین اسلام [illegible] طاعات [illegible]

[illegible] علما [illegible] و زین لهم الشیطان اعمالهم فصدهم عن السبیل فهم

لا یهتدون والذین کذبوا بآیاتنا واستکبروا عنها اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون الذین یصدون عن

سبیل الله ویبغونها عوجا وهم بالآخرة کافرون ان الذین لا یؤمنون بالآخرة زینا لهم اعمالهم فهم

یعمهون اولئک الذین لهم سوء العذاب وهم فی الآخرة هم الاخسرون [illegible] علم قرائت [illegible]

[illegible] سوره [illegible] نماز [illegible] حضرت امام [illegible]

من افتی الناس بغیر علم لعنته ملائکة السموات والارض [illegible] کلام [illegible] فاسئلوا اهل الذکر ان

کنتم لا تعلمون بالبینات والزبر وانزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم ولعلهم یتفکرون

تلک آیات الله نتلوها علیک بالحق فبای حدیث بعد الله وآیاته یؤمنون وقال ویل لکل افاک

اثیم یسمع آیات الله تتلی علیه ثم یصر مستکبرا کان لم یسمعها فبشره بعذاب الیم واذا علم من

آیاتنا شیئا اتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین من ورائهم جهنم وقال هو الذی انزل علیک

الکتاب منه آیات محکمات هن ام الکتاب واخر متشابهات فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون

ما تشابه منه ابتغاء الفتنة وابتغاء تاویله وما یعلم تاویله الا الله والراسخون فی العلم یقولون

آمنا به کل من عند ربنا وما یذکر الا اولوا الالباب ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب

لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب والذین یفسدون فی الارض اولئک لهم اللعنة ولهم

سوء الدار وقال فلما زاغوا ازاغ الله قلوبهم والله لا یهدی القوم الفاسقین وقال ان الشیاطین

لیوحون الی اولیائهم وقال ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشة فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا و

الآخرة وقال [illegible] ما لیس فی الدین بدعة وکل بدعة ضلال وقال [illegible] الا الله

ولی امور المسلمین [illegible] ومن اظلم ممن ذکر بآیات ربه فاعرض عنها [illegible]

[illegible] ان الذین یکتمون ما انزل الله من الکتاب ویشترون به ثمنا قلیلا اولئک

ما یاکلون فی بطونهم الا النار ولا یکلمهم الله یوم القیمة ولا یزکیهم ولهم عذاب الیم [illegible] ان الذین یکتمون

در اثبات بدعت نماز و قرائت شیعیان [illegible] ... [illegible]

۱۶۰

انزلنا من البینات والهدی من بعد ما بیّناه للناس فی الکتاب اولئک یلعنهم الله ویلعنهم اللاعنون و قال تعالی فمن اظلم ممن افتری علی الله کذبا لیضل الناس بغیر علم ان الله لا یهدی القوم الظالمین ان الذین یؤذون الله ورسوله لعنهم الله و یلعنهم اللاعنون از این آیه معلوم میشود که طبقات اهالی علم و فضل که علم قرائت نزد ایشان صحت و سقم نماز خود و نماز دیگران صحیح بار نمایند و حکم میکنند چه قدر خدا و رسول را اذیت و آزار نمایند و لعنت خدا و رسول گرفتار میشوند و اعتنا نمایند گناه تصور نمایند بلکه احیای شرع و دین حساب فرمایند زیرا کسیکه بی خبر از علم قرائت و تمیز صحت ندارند چه فضاحتی و تخریب شرع و دین نمایند چنانکه شمه از صحت و بطلان و عیوب و محسنات علم قرائت که عمده اسباب تألیف است خواهیم گفت تا هر کس این جنبه علم با تمیز صحت و بطلان این علم هم ناخوانده اضرابی بقوه ضرب زید عمرا امکان دارد یا خیالی محال است چنانکه ذیل فضیلت علما جزء اهل که از داخل اغلظ المبین تلبیس این ارزو مراد همین خیال است که من تمیز حروف و مواقف اهل لسان همه را صحت و سقم قرائت را ... ذات اجمالا باید دانست که دانستن هر علمی اگر چه علم سهلی باشد بدون تعلیم و تعلم محال است خصوص این علم اهم مشکل بعد از تعلیم و تعلم مشق و عادت و بلکه میخواهد چنین علم خط که درست باید عادت کند یا علم حساب که محتاج مشق و مذاکره و بلکه با ذهن و دست چه کوشش و عادت نماید بحر و همین مطلب کمال است چه خط و ۱۶۱ دانا عام حساب که و بلکه شرط دیگر بغیر از تعلم فهمیدن اسم مشق و مذاکره زبان و هم دیدن و شنیدن اسلوب و ادای استادان کامل بسیار از شیعه و سنی و تمیز نیک و بد سلیقه‌ها زیرا که تعرف الاشیاء باضدادها و دلیل اشکال باسانی خواندن اهل تمیز و خبره بودن با اصل حسنه عملیه و اگر موافق اصل حسنه نباشد تمیز و اهل بسر رشته خواندن مگر از اهالی مسقط قضا که اقل درجه وجوب چون عوام الناس مبتلا باشند اگر چه دانا اهل فقه باشد لا صحت و سقم نماز بر دم جواب نمیدانم باید بگوید چنانکه خداوند در حق او فرموده ولا تقف ما لیس لک به علم و اگر مسارعه باشد بکتاب خدا باید رجوع نماید فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون بالبینات والزبر از اهل قرائت و استادان باید پرسید باز دلیله یعنی به لاالله کتاب و قرآن و اخبار ائمه سلام الله علیهم با هوا نفس بر قائلی و ناقل بی دلیل و حجت مثل نماز و قرائت به عنوان اینکه هر کسی از علما باسلوب و لحن خود که در ایام طفولیت از پدر و مادر یاد گرفته یا از معلم مکتبی خود حمد و سوره یاد گرفته نماز بان حمد و سوره گذارده و میگذارد و اگر چند روز در مجلس قرائت و بر دو الهم بر سبیل تماشا و تفنن و شغل تماشا بوده است مجلس تعلیم و تعلم قاری و استادان که در وقت صحبت قرائت بگوید قرائت و بر دو ام با شوق قرائت از فلان کور و ذیل قرائت کدام است که هر فرد از افراد شیعیان باسلوب و اطوار دیگر حمد و سوره و اذان گوید بخلاف سنیان تا که از شهری و بلادی که باشند همگی بیک سابقه و یک اسلوب و آواز و هوای موافق اذان و حمد و سوره و قرآن میخوانند که گویا همگی از یک استاد و معلم آموخته اند چنانکه در راههای مکه معظمه از راه دریا و از سمت خشکی و جنگ میروی در هر جمع و مجلس که نماز یا اذان یا قرآن خوانند چنان میخوانند که گویا همگی بیک اسلوب شبیه و مثل هم میخوانند که گویا یک نفر به یا شاگرد یک معلمند اگر ملاحظه کنی میدانی که چه میگویم که در یک شهر و یک قصبه ده نفر اذان بگوید از شیعه دو نفر باهم شباهت اصلا ندارند نه در اذان و نه در قرآن و حمد و سوره و نماز کاینه هر یکی از اهالی شهر دیگر نه یا اینکه هر یکی مذهب و معلم دیگر دارند که دلیل خبر اخی [illegible] چنان در اذان کفایت مخالف هم میکنند که در قرآن خواندن و حمد و سوره نماز نیز مخالفند دلیل بزرگ است و زین لهم الشیطان اعمالهم فصدهم عن السبیل فهم لا یهتدون رجال الله خداوند مؤمنین را در یک اسلوب و طرف ایمان خواسته فرموده ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفا کانهم بنیان مرصوص مراد بی فاصله متصل با یکدیگر و اتفاق قتال با کفار باشد با جهاد نفس که اعظم جهاد است باتفاق باید با یکدیگر

[illegible]

اشارت بتجرد و صحبت بطلان [illegible]

در غنا و بلکه اتفاق جمعیت و صحبت آن [illegible] باشد [illegible] آن مبتنی است چنانکه فضیلت [illegible] تعلیم

در غنا و دیدن [illegible] مجالس [illegible] جمعیت [illegible]

[illegible] این آیه شریفه [illegible] الذین اتخذوا دینهم لهوا ولعبا وغرتهم

الحیوة الدنیا فالیوم ننسیهم کما نسوا لقاء یومهم هذا وما کانوا بآیاتنا یجحدون ولقد جئناهم

بکتاب فصلناه علی علم هدی ورحمة لقوم یؤمنون هل ینظرون الا تأویله یوم یأتی تأویله یقول

الذین نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق فهل لنا من شفعاء فیشفعوا لنا او نرد فنعمل غیر

الذی کنا نعمل قد خسروا انفسهم وضل عنهم ما کانوا یفترون وقال الله تعالی ونادی اصحاب النار

اصحاب الجنة ان افیضوا علینا من الماء او مما رزقکم الله قالوا ان الله حرمهما علی الکافرین [illegible]

وقال الصادق [illegible] شیئا من امرنا فهو [illegible] وقال الله تعالی فی قلوبهم مرض فزادهم

الله مرضا ولهم عذاب الیم بما کانوا یکذبون واذا قیل لهم لا تفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون

الا انهم هم المفسدون ولکن لا یشعرون وقال النبی [illegible] ادخال ما لیس فی الدین بدعة وکل بدعة ضلالة

[illegible]

١٧٠

[illegible]

واذ اخذ الله میثاق النبیین لما آتیتکم من کتاب وحکمة ثم جاءکم رسول مصدق لما

معکم لتؤمنن به ولتنصرنه قال أأقررتم واخذتم علی ذلکم اصری قالوا اقررنا قال فاشهدوا وانا معکم من الشاهدین

ودر جای دیگر [illegible] واخذنا منهم میثاقا غلیظا فبما نقضهم میثاقهم [illegible] اوفوا بالعقود [illegible]

[illegible] ومن اوفی بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به وذلک هو الفوز العظیم وقال

فمن تولی بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون وقال ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم واموالهم بان لهم الجنة یقاتلون

فی سبیل الله فیقتلون ویقتلون وعدا علیه حقا فی التوراة والانجیل والقرآن ومن اوفی بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذی

فصل ششم از باب دوم

در مذمت علمای بی‌عمل و علمای فاسق [illegible] و در ابطال عقاید

۱۱۰۴

یا ایتم [illegible] ذلک هو الفوز العظیم و در آیه دیگر الذین ینقضون عهد الله بعد میثاقه و یقطعون ما امر الله به ان یوصل و یفسدون فی الارض اولئک لهم اللعنة و لهم سوء الدار و قال و من یرتدد منکم عن دینه فیمت و هو کافر فاولئک حبطت اعمالهم فی الدنیا و الآخرة و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون علاوه در جمیع ازمنه [illegible] تغییر اوضاع از [illegible] و غرور و حب دنیا و مکنت فریب و فضل و فساد اعظم طرز آن علما و فضلا [illegible] از [illegible] و عطار آن و حالات [illegible] الملک که اندک طالبان و [illegible] [illegible] ثابت [illegible] از [illegible] در اثبات وجود قرائت و نماز که در دین اسلام تعلم [illegible] هست از میان طلاب و علما معدوم [illegible] و حقیقت و دولت [illegible] در تعداد مقدمات نماز [illegible] نماز [illegible] اقلا و فی [illegible] که صورت [illegible] آن خارج از بطلان باشد [illegible] حرف باطل باشد [illegible] تمامی نماز [illegible] از [illegible] فرقه [illegible] قابل [illegible] که نماز [illegible] [illegible] کالمعدوم است [illegible] علاوه بر عدم و بطلان [illegible] صاحب [illegible] [illegible] نماز [illegible] دلیل [illegible] در عقب [illegible] بعضی [illegible] اعتقاد [illegible] ظلمت در [illegible] نباشد [illegible] است [illegible] شرح و بیان [illegible] الحمد [illegible] لفظ [illegible] نباشد [illegible] علامت [illegible] طاعت [illegible] [illegible] محبت [illegible] محبت [illegible] باشد بعد محبت صادق و صحیح [illegible] ۱۷۱ [illegible] بعضی [illegible] [illegible] مخالفت [illegible] و مالیات [illegible] از [illegible] عدم [illegible] روز الست از علایم عدم [illegible] درس علم و [illegible] صنعت [illegible] و طاعت [illegible] که علم بی‌عمل [illegible] روز الست [illegible] صحبت و مذاکره و عادت [illegible] این عالم لازم [illegible] جون [illegible] ایمان [illegible] لازم است [illegible] عبودیت [illegible] چنانکه [illegible] بعبارة [illegible] علم و عمل [illegible] روز الست که عالم [illegible] صحبت [illegible] حضرت رسول الله [illegible] و علم [illegible] فعلیه لعنة الله و الملائکة و الناس اجمعین و قال [illegible] فهو شیطان [illegible] و قال [illegible] ویل للعالم یتکلم بهوا الناس و قال الله تعالی یا اهل الکتاب لم تلبسون الحق بالباطل و [illegible] الحق بالباطل و انتم تعلمون و قال ان الذین یکتمون ما انزلنا من البینات و الهدی من بعد ما بیناه للناس فی الکتاب اولئک یلعنهم الله و یلعنهم اللاعنون و در حدیث وارد است که [illegible] فرمایه که [illegible] قرار عبادت [illegible] [illegible] لعن و وزر و [illegible] و معاصی [illegible] مثل اهل ظلم و بدعت و غصب و فساد که در دین [illegible] و نکتب ما قدموا و آثارهم و قال و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله بغیر علم و یتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین و اذا قیل لهم لا تفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون الا انهم هم المفسدون و لکن لا یشعرون و قال الذین یصدون عن سبیل الله و یبغونها عوجا و هم بالآخرة کافرون [illegible] و قال [illegible] اهل بدعت [illegible] که در دل [illegible] رسوخ [illegible] تعارض [illegible] و دشمنی [illegible] صادق آل محمد [illegible] عالم بی‌عمل صاحب بدعت [illegible] [illegible] نماز [illegible] ان الذین یؤذون الله و رسوله لعنهم الله فی الدنیا و الآخرة و اعد لهم عذابا مهینا و قال [illegible] من آذی مؤمنا فقد آذانی

فصل [illegible]

دهم علما حریصان دنیا و تجارت [illegible] مذهب خود [illegible] شند

۱۱۰۵

ومن اذانی فقد آذی الله ومن آذی الله فهو ملعون فی التوریة والانجیل والزبور والفرقان فعلیه لعنة الله والملائکة والناس اجمعین

تمامی مخالفات بنی نوع انسان برای حب دنیا می‌باشد [illegible] هم خط‌ها است [illegible] جناب سلیمان [illegible] بزرگ [illegible] که داخل اشتباه خود شوند که سلیمان [illegible] قرآن

[illegible] قصه [illegible] سلیمان [illegible] حضرت سلیمان [illegible] که این چه کلام است [illegible]

[illegible] دارم [illegible] این چه ظلم است [illegible] دلیل ظلم [illegible]

عرض کرد یا نبی الله [illegible] ظلم [illegible] بلکه [illegible] سلطنت و دبدبه جلال [illegible]

مبادا محبت دنیا بر دلشان [illegible] غافل باشند چنانکه [illegible] اذکروا الله [illegible]

[illegible] نفس [illegible] محبت [illegible] اولاد [illegible] متابعت [illegible]

[illegible] محبت [illegible] دولت [illegible] محبت [illegible] طالب دنیا [illegible] دیوانه [illegible] دلیل محبت [illegible]

[illegible] ذکر [illegible] سلطنت دنیا [illegible] و حال آنکه [illegible]

مخلوقات بنی نوع انسان [illegible] عبادت خلق [illegible] عقب دنیا [illegible] همیشه [illegible] دارم [illegible]

بنماز عمده عبادات [illegible] پنج بار مأموریم [illegible] آداب و شرایط [illegible] و لباس [illegible]

و مسائل [illegible] احکام مقدمات و مقارنات [illegible] نماز [illegible] سبب قبولی تمامی اعمال اسلام [illegible]

مع ذلک نماز [illegible] قضا [illegible] شکل و صورت نماز است نداریم [illegible] فکر معرفت [illegible]

۱۷۲ [illegible] اصلا [illegible] شرایط نماز است [illegible] خواهش بهشت و حور و قصور [illegible]

[illegible] که خدا الکریم است گویا نماز با شرایط برای ما نیست [illegible] مسلمان [illegible] نعوذ بالله [illegible]

[illegible] مخالفت امر خدا و رسول [illegible] در حق ایشان این آیات کریمه که در سوره نساء

ومن یشاقق الرسول من بعد ما تبین له الهدی ویتبع غیر سبیل المؤمنین نوله ما تولی ونصله جهنم وساءت مصیرا ان الله لا یغفر ان یشرک به ویغفر ما دون ذلک لمن یشاء ومن یشرک بالله فقد ضل ضلالا بعیدا ان یدعون من دونه الا اناثا وان یدعون الا شیطانا مریدا لعنه الله وقال لاتخذن من عبادک نصیبا مفروضا ولاضلنهم ولامنینهم ولامرنهم فلیبتکن آذان الانعام ولامرنهم فلیغیرن خلق الله ومن یتخذ الشیطان ولیا من دون الله فقد خسر خسرانا مبینا یعدهم ویمنیهم وما یعدهم الشیطان الا غرورا اولئک مأویهم جهنم ولا یجدون عنها محیصا

در معانی ظاهره آیات محکمات [illegible] برای عالمان [illegible]

آسمانی [illegible] فقها [illegible] قرآن [illegible] مخصوص یهود و نصاری و منافقین شارب الخمر [illegible]

[illegible] و نفوس [illegible] معصوم در انظار عوام بانواع اسباب [illegible]

[illegible] الشیطان [illegible] مقام عصمت [illegible] قولا و فعلا [illegible] اشارة [illegible] العمر [illegible] علم [illegible]

[illegible] نماز [illegible] از اهل خبره [illegible] نماز [illegible]

[illegible] نماز [illegible] اسم نماز [illegible] احتیاط [illegible]

مدت قلیلی علم قرائت و آداب و مسائل علم قرائت [illegible] الملای [illegible]

کتب قرائت [illegible] از عبارات رساله‌ها [illegible] فقها [illegible] مطالعه [illegible]

[illegible] نماز است با علمای اثنی عشری جعفری [illegible] دارم [illegible] نعوذ بالله از صد نفر عالم [illegible]

معتقد [illegible] نفر [illegible] میزان و معیار [illegible] علم قرائت [illegible] دار العلم [illegible]

[illegible] مشهوره [illegible] موجود و مشهوره [illegible] علما [illegible] از صد نفر [illegible] نماز [illegible] قضا [illegible]

نقل از نسخه ...

در مذمت بنای فساد و بدعت و عصیان اهل غرور و نخوت

این پیر علیل عاجز چه خاک بر سر فشانم ... ظهور حضرت حجة الله ... از آخر علایم ظهور است چه جواب ... نماز در زمان ... برداشته شدن نماز ... چه طور باشد ... صورت ... نماز و مقدمات و مقارنات ... نماز ... قرائت طمأنینه ... پوشیده نیست که ... صحت ... نمایم پس چه خاک بر سر فشانم ... علما و خواص ... برسانم تا اصلاح و اثبات نماز ... این رد ... اظهار ... تکبیر ... علما ... اهل ... تعلیم علم ... از علمای ... باشند ... اثنا عشری باشند ... باز خواهی ... نسبت ... سبحان الله ... ادا ... عالم ... دلالت آیات قرآنی ... معصوم ... قواعد ... احکام قرائت ... جاهل و نادان ... واجبات و مستحبات ... احکام ... قرآنی ... از روز ابتدا العلم صرف ... از تعلیم و تعلم صحت نماز ... صحت نماز ... ایشان ... نماز ... آموخته ... از عوام الناس ... حمد و سوره نماز ... عوام ... فضل ... شیطان ... قرائت ...

[illegible]

... بعضی علما ... غلط ... از این ... کلمات ... نماز ... تعلیم و تعلم ... علم قرائت ... کلمات ... علم قرائت ... تعلم ... نماز غلط ... امیر المؤمنین ... مردم ... مسلمانان ... نماز ... احکام ... نماز ... مبالغه ... کفر و ظلم ... ایمان ... اصلاح عبارات ... تعلیم و تعلم ... اخبار معتبر ... اصلاح ... اخبار ...

إنما جزاء الذين يحاربون الله ورسوله ويسعون في الأرض فساداً أن يقتلوا أو يصلبوا أو تقطع أيديهم وأرجلهم من خلاف أو ينفوا من الأرض ذلك لهم خزي في الدنيا ولهم في الآخرة عذاب عظيم

بعد از ... انبیا و اوصیا و علما ... ظلم ... جاهل و نادان ... مخالفت خدا و رسول و ائمه اطهار سلام الله ... باشد ... ایشان ... عالم ... جاهل ...

۱۷۳

فصل هفتم در اشاره بشکست ارکان دین صمصام للبنین کوچکِ ایمان

ومن یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطانا فهو له قرین وانهم لیصدونهم عن السبیل ویحسبون انهم مهتدون حتی اذا جاءنا قال یا لیت بینی وبینک بعد المشرقین فبئس القرین وقال تقلب وجوههم فی النار یقولون یا لیتنا اطعنا الله واطعنا الرسولا وقالوا ربنا انا اطعنا سادتنا وکبراءنا فاضلونا السبیلا ربنا آتهم ضعفین من العذاب والعنهم لعنا کبیرا واذا قیل لهم لا تفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون الا انهم هم المفسدون ولکن لا یشعرون ان الذین لا یؤمنون بالآخرة زینا لهم اعمالهم فهم یعمهون اولئک الذین لهم سوء العذاب وهم فی الآخرة هم الاخسرون وقال وقالوا ربنا ارنا اللذین اضلانا نجعلهما تحت اقدامنا لیکونا من الاسفلین وقال ان الذین یؤذون الله ورسوله لعنهم الله فی الدنیا والآخرة واعد لهم عذابا مهینا ومن الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله بغیر علم ویتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین واذا تتلی علیه آیاتنا ولی مستکبرا کان لم یسمعها کان فی اذنیه وقرا فبشره بعذاب الیم وقال صلی الله علیه وآله من اذی مومنا فقد اذانی ومن اذانی فقد اذی الله ومن اذی الله فهو ملعون فی التوریة والانجیل والزبور والقرآن فعلیه لعنة الله والملائکة والناس اجمعین نمیدانم علمای معتبر که نماز صحیح صورت با قرائت با قاعده و قانون ... نماز به عبث ... مهجور کرده بکلمات مدلق مبهم روی ... ناچ کلام مبهم را در داشته ... قرائت و قاری و علم قرائت ... باهم فصل ... که چه فساد ...

فصل هشتم

که الآن نیز میان علما معروف و مشهور است قاریان و علم قرائت کلا رفته عوض ... نماز به ... عالم کرده مع ذلک از کلمات فساد دست بردار نیستند ... میان علما سود و نماز صحیح قاری ... موافق علم قرائت اهل کوفه بعد از شهادت امام حسین و اعوان و انصار و بعد از خرابی کوفه در ... شرح قاضی ... ضعف ... صحبت ... ولا ... نمایند بظاهر اما بعضی علما از میان مردم عوض ترغیب ... علم قرائت از قاریان ... از ... قاریان ... از ... ترکیب نماز کافی است ابدا دست از کلام فساد بر نمیدارند ... چه قدر با احوال این قوم ضال مضل مناسب است این آیه شریفه که میفرماید انظر کیف کذبوا علی انفسهم وضل عنهم ما کانوا یفترون ومنهم من یستمع الیک وجعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه وفی آذانهم وقرا وان یروا کل آیة لا یؤمنوا بها حتی اذا جاؤک یجادلونک یقول الذین کفروا ان هذا الا اساطیر الاولین وهم ینهون عنه وینأون عنه وان یهلکون الا انفسهم وما یشعرون چه کرده که راه ... مردم را ... و ... حال ... و ... دین ... و ناصر شریعت طاهره تصور نمایند هر شد این جماعت شیطان ... فساد ... خطاب ... ضعفای حق ... ظاهر ... صلحا را از ... دشمن ... شیطنت ... منافقی کرده ... و ... با ... که از فساد العالم فسد العالم مع ذلک ... شیطان و منافقین ... حضرت سلیمان ... علیه السلام ... از خدا ... و ... بلی اگر ... دنیا و آخرت منظم و مربوط ... و ... شیطان ... که در حق ایشان میفرماید ... من ... وذر الذین اتخذوا دینهم لعبا ولهوا وغرتهم الحیاة الدنیا وذکر به ان تبسل نفس بما کسبت لیس لها من دون الله ولی ولا شفیع وان تعدل کل عدل لا یؤخذ منها اولئک الذین ابسلوا بما کسبوا لهم شراب من حمیم وعذاب الیم بما کانوا یکفرون قل اندعوا من دون الله ما لا ینفعنا ولا یضرنا ونرد علی اعقابنا بعد اذ هدانا الله کالذی استهوته الشیاطین فی الارض حیران له اصحاب یدعونه الی الهدی ائتنا قل ان هدی الله هو الهدی وامرنا لنسلم لرب العالمین وان اقیموا الصلاة واتقوه وهو الذی ...

در اشاره به شکست دین و ارکان آن [illegible] نماز

۱۱۰۸

الیه تحشرون وهو الذی خلق السموات والارض بالحق ویوم یقول کن فیکون قوله الحق وله الملک یوم ینفخ فی الصور عالم
الغیب والشهادة وهو الحکیم الخبیر [illegible] بدانکه اگر تأملی فرماید که حق تعالی [illegible]
در هر حال تعلیم [illegible] بتکرار و تفصیل بتحقیق شرح داده [illegible] صورت و شکل نماز با قاعده و قانون [illegible] دین و نماز
و اخلاص و حضور قلب که [illegible] روح نماز [illegible] قالب و قامت نماز مردم [illegible]
[illegible] تعلیم [illegible] قل ان هدی الله هو الهدی الی آخر [illegible]
با قل درجه وجوب که سقوط قضا است ترغیب نماید که [illegible] خطر [illegible] اهل سواد و جهال است زیرا که [illegible]
خط و لغزش و بطلان [illegible] چنانکه اکثر علما [illegible] در میان نماز احتیاطی [illegible]
نماز بجهت عادت [illegible] چنانکه اکثر مؤمنین [illegible] اهل احتیاط [illegible] ملاحظه [illegible]
اجتناب از محرمات ترک [illegible] چنانکه بعضی علما [illegible] مقدمه واجب [illegible]
[illegible] که از صد نفر صاحب سواد و جهال علما و [illegible] نماز [illegible]
[illegible] که درین ناحق [illegible] باقی [illegible] ابن [illegible]
باشد بحکم النادر کالمعدوم بمثابه برداشته شدن نماز [illegible] اشتباه [illegible]
[illegible] خاتم النبیین [illegible]
[illegible] الرایات [illegible] آیات قرآنی که در این مجموعه ذکر [illegible]
[illegible] قرآن [illegible] مخصوص [illegible]
آخر الزمان [illegible] ائمه سلام الله علیهم [illegible] علما [illegible]
[illegible] اسلام [illegible] علم قرآن [illegible]
که از انکار [illegible] امیر المؤمنین [illegible] علم [illegible] تعلیم [illegible]
و حال آنکه این علم چه قدر [illegible] العامه [illegible]
[illegible] نماز [illegible] قرائت [illegible] کلام [illegible] علم قرائت
[illegible] احتیاج [illegible] بصحت و درستی نماز [illegible] اسلام [illegible]
[illegible] دین [illegible] اتفاق [illegible] ملعون [illegible] سقیفه [illegible]
صحیفه ملعونه [illegible] برداشتن این آیات [illegible] قرآن [illegible]
[illegible] برداشتن نماز و علم قرائت [illegible] قاریان [illegible] برداشتن قرآن [illegible] قرآن [illegible] احکام نماز [illegible]
[illegible] امیر المؤمنین [illegible] الثقلین [illegible] کتاب الله [illegible]
[illegible] امانت [illegible] برداشتن نماز در حقیقت احکام نماز قرآن ثقل امانت [illegible]
شد که برداشتن نماز از تمامی [illegible] آخر الزمان [illegible] در میان معرکه [illegible]
[illegible] جراحات [illegible] الم [illegible]
بعبارة اخری برداشتن نماز [illegible] اشاره علما [illegible] دین نماز [illegible] دین [illegible] قرآن [illegible] قرآن
در حقیقت قرآن [illegible] ائمه سلام الله [illegible] امانت [illegible] دین [illegible]
[illegible] فتنه و فساد [illegible] لفظ [illegible]

۱۲۵

[illegible] علما با خلاف ... عمل
سبب خلقت مردمان و فرق مختلفه ۱۰۹

دانسته ... و ما خلقت الجن والانس الا لیعبدون ای لیعرفون و آنکه باتفاق اهل عقل و نقل خداوند حکیم و رحیم و مطلق تمام [illegible]

سعادت ابدی موقوف معرفت و عبادت حق آفریده و هر دو موقوف بر تحصیل علم است و هرچند که آدمی [illegible] به عقل حق [illegible]

قابل [illegible] سموات [illegible] حکمت مطلق [illegible] منزه است از مخالطه و مکالمه مخلوقات [illegible]

[illegible] لطف و رحمت [illegible] لازم است طریق نجات و هدایت بنماید [illegible] قابل این منصب عظیم باشند

[illegible] اعلام و تبلیغ این مطالب [illegible]

[illegible]

[illegible]

در مذمت عالمان بد و کسی که بعلوم حق توجه ندارند

۱۰۴۰

چنانکه مردم [illegible] هیچ رحم ندارند هفده صاعت ربع [illegible] جنانچه [illegible]

بفرمایید جماعت [illegible] بعلت عدم مظلوم [illegible] و هم از علما [illegible] دین [illegible] از علما [illegible]

که از کبر و کثرت و عدم صرفه از جماعت [illegible] رجوع بحکام عرف [illegible] عدم قابلیت [illegible]

شده هریکی باسم بی معنی خاص از شیخ الاسلامی و امام جمعه و قاضی و ملاباشی و نظام العلما و غیر ذلک از مناصب [illegible]

و جهل و نادانی که در [illegible] خلاف ما انزل الله حکم نمایند [illegible] بیدار [illegible] مردم [illegible]

ملائکه ارض و سماء [illegible] و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون [illegible]

و قال فی سورة البقرة و من الناس من یقول آمنا بالله و بالیوم الآخر و ما هم بمؤمنین یخادعون الله و الذین آمنوا و ما یخدعون

الا انفسهم و ما یشعرون فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا و لهم عذاب الیم بما کانوا یکذبون و اذا قیل لهم لا تفسدوا

فی الارض قالوا انما نحن مصلحون الا انهم هم المفسدون و لکن لا یشعرون این زمان بسیاری [illegible] اهل

بدعت و فساد بواسطه [illegible] فتنه و فساد و عدم صحت قرائت [illegible] لاابالی [illegible]

و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون [illegible]

دین خاتم النبیین [illegible] غلط [illegible] الله [illegible] لا حول و لا قوة الا بالله [illegible] طعن [illegible]

حق [illegible] ملاحظه نماید علم رسمی [illegible] قال [illegible] کیفیتی حاصل [illegible] دل [illegible]

[illegible] ایها القوم الذی فی المدرسه کلما حصلتموه [illegible] مالکم [illegible]

علم [illegible] نقص علم [illegible]

[illegible] العلم [illegible]

[illegible] عاقبت [illegible] دین [illegible] خود [illegible]

[illegible] نور عرفان [illegible] نور خوانی [illegible] الجمله [illegible]

طاهر [illegible] طاعت [illegible] دین [illegible]

[illegible] قناعت [illegible]

[illegible]

[illegible] مرکب زرین لگام [illegible]

[illegible]

[illegible] عوض [illegible]

[illegible] عمر [illegible]

[illegible] سعادت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] عرق [illegible] معاصی [illegible]

[illegible] حسنت [illegible]

[illegible] ازجان و دل [illegible]

در بیان تعلم و زهد ... از دو شاگردی

۱۲۱

[illegible] ... از رشک مردار ... [illegible]

[illegible] ... بخط ... [illegible]

[illegible] ... دین فروشی ... [illegible]

[illegible] ... نفیس ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... حبذا ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... حکایت ... نقدس و استحکام ارکان ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... علم ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... علم ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... آخر الزمان ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... کل علم ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ... لیلة القدر ... [illegible]

[illegible] ... علم ... [illegible]

[illegible] ... علم ... [illegible]

فصل سیم از باب دوم

در اشاره بعالم عقل و نفس و در غرایب طبایع

۱۲۲

عقل بکر می رود زیر است علم مرتبه بیشتر [illegible] جهت عمل و [illegible] علم طالب [illegible] اول [illegible]

علمی بطلب که دل [illegible] سینه [illegible] علمی [illegible]

دل [illegible] ایمانی [illegible]

زانکه عقل [illegible] کامل [illegible] عقل [illegible] علم [illegible]

[illegible]

۱۲۹

[illegible]

علم قراءت

اسامی منطق الواحد اجام

۱۲۳

و علم قراءت ... خواه ... که مردم ... از تعلیم و تعلم باشند [illegible]

... کلام ... [illegible] ... اسلام ...

... مجالس مخصوص ... [illegible] ... محتاج ... فصاحت ... علم

... [illegible] ... موافق آیات ... صلوات الله علیهم اجمعین ... الله

... الله ... علم الله ... [illegible]

... [illegible]

... تفسیر ... سورهٔ لقمان ...

... [illegible] ... تعلیم ... ان الله عنده علم

الساعة و ینزل الغیث و یعلم ما فی الارحام و ما تدری نفس ماذا تکسب غدا و ما تدری نفس بای ارض تموت ان الله

علیم خبیر ... [illegible]

... [illegible]

... علم ... [illegible] ... عوام الناس

... [illegible] ... ائمه سلام الله علیهم ...

... امام حسین ... طفولیت ... سلمان ... امام حسین ... [illegible]

... [illegible] ... سلام ... [illegible]

... [illegible] ... سلمان ...

... [illegible] ... سلمان ...

... [illegible]

... [illegible] ... سلمان ... [illegible]

... [illegible] ... کربلا ... [illegible]

... [illegible] ... اسیران ... [illegible]

... وقایع کربلا ... [illegible]

... [illegible] ... بواسطهٔ ... [illegible]

طغیان نماید ان الانسان لیطغی ان رآه استغنی ... [illegible]

... [illegible] ... موسی ... فرعون ...

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... علما ...

... [illegible]

... علم قراءت ... [illegible]

... خاتم النبیین ... علم ...

سؤال و جواب ... علم شریف قراءت ... [illegible]

... [illegible]

در فضائل علمای عاملین در این زمان در دین خاتم النبیین و علوم لازمه

١٢٤

در تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام روایت نموده بر خصوص الشفاعة للانبیاء ثم العلماء ثم الشهداء و جمعی [illegible] علمای مقید [illegible]

و منه عالمیکه بعلم حق عمل نماید اعمال با افعال و اقوال موافق باشند عالمیکه موافق نباشد اقوال و افعال از اهل [illegible]

اهل جهنم نشود آنچه لعنت نماید نه عالمیکه [illegible] و لهذا مردم علم قرائت و قاریان [illegible] و متروک نماز [illegible]

تغییر [illegible] اضراحی که مشاهده واضح است که چه فساد بر [illegible] علما نقل [illegible]

نقل نموده [illegible] بلسی [illegible] طلبه [illegible] عالمیکه رفیع [illegible] ناسخ و منسوخ [illegible]

[illegible] از قوت افتاده [illegible] که [illegible] علما [illegible] اعصار [illegible]

در ایمان صرف نظر کنم که این [illegible] است [illegible]

[illegible] از علمای که [illegible] ایشان [illegible] تعارف [illegible] عالم [illegible]

[illegible] در خلوات و [illegible] ایشان [illegible] استحکام [illegible]

رسید که عالم باید [illegible] دین [illegible] مردم [illegible]

[illegible] عالم [illegible] اهل اسلام باشند [illegible] مخالف [illegible] العالم [illegible]

نباشند عوام [illegible] علم قرائت [illegible] نماز [illegible]

[illegible]

در تبعیت مردم در ضلالت بالواسطه آیات متشابهات

۱۲۵۰

فصل [illegible]

تو [illegible] اگر [illegible] در نماز جمعه که حافظ و [illegible] دین است [illegible] لا ابالی [illegible] در شکل و صورت نمازست [illegible] آب خود [illegible]

[illegible] در حب دنیا [illegible] و [illegible] در حفظ کند [illegible] تا کاره خود بر دارد علم [illegible] جهل از [illegible]

علم [illegible] است جهل و گمراهی دل [illegible] است [illegible] علم [illegible] طبقات [illegible] باشد [illegible]

[illegible] واعظ [illegible] علمای خود [illegible] موعظه نکند [illegible] ندارد [illegible]

فصل [illegible] در اقسام آیات قرآنی

قال الله تعالی هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمات هن ام الکتاب واخر متشابهات فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة وابتغاء تاویله وما یعلم تاویله الا الله والراسخون فی العلم یقولون آمنا به کل من عند ربنا وما یذکر الا اولوا الالباب ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب

اولا باید دانست که آیات قرآنی [illegible] محکمات و متشابهات مجمل و مفصل ناسخ و منسوخ عام و خاص [illegible] از دو قسم ظهر و بطن [illegible]

تاویل مطلق و مقید [illegible] غیر معصوم [illegible] محکمات [illegible] محکمات ام الکتاب [illegible]

[illegible] من الوجوه [illegible] اقسام مذکوره [illegible] زبان [illegible] و معانی [illegible]

[illegible] ضلالت [illegible] بواسطه [illegible] آل محمد سلام الله علیهم اجمعین [illegible] زمان اول الی یومنا هذا الی یوم القیمه

فصل [illegible]

۱۹۲

فساد [illegible] در عالم [illegible] شیطان [illegible] بواسطه تبعیت نفس خود [illegible] متشابهات [illegible]

[illegible] که [illegible] ام [illegible] حقیقت کار [illegible] بعد از آن [illegible] مدعی [illegible]

[illegible] فرعونی [illegible] معبود [illegible]

[illegible] الدنیا راس کل خطیئة [illegible] انبیا و اولیا و اوصیا [illegible] نور الله [illegible] علما و [illegible]

[illegible] محکمات آیات [illegible] مملکت وجود که عقل است موافق عقل [illegible] العقل

[illegible] الشرع [illegible] عقل و قرآن و شرع را موافق [illegible] از ظلم [illegible] موافق عقل [illegible]

[illegible] علم قرائت [illegible] در نماز [illegible] صحیح با قرائت [illegible]

[illegible] نطفه [illegible] الست [illegible] نتیجه [illegible]

اللهم اجعل عاقبة امرنا خیرا [illegible] الهی [illegible] حالت [illegible] عقل مملکت [illegible] مذکور [illegible] متشابهات

[illegible] والسلام [illegible] عقل و قرآن [illegible]

[illegible] ضلالت و ضلل [illegible] از هم [illegible] الفقر [illegible]

اطاعت [illegible] اعتدالی [illegible] لازم است که افراط و تفریط نباشد تا موافق عقل صاحب [illegible] و قرآن [illegible]

[illegible] امیر المؤمنین [illegible] و خوارق عادات [illegible] اولین و آخرین [illegible]

نسبت [illegible] حلول [illegible] منع [illegible] حضرت امیر [illegible]

[illegible] آتش [illegible] ذلک [illegible] آتش [illegible]

[illegible] پیغمبر [illegible] عذاب با آتش [illegible]

[illegible] سلطان [illegible]

[illegible] سلیط [illegible]

[illegible] سلیط [illegible] طفل [illegible] بخت النصر [illegible] بخت النصر [illegible] قال الله تعالی

یقلب الله اللیل والنهار ان فی ذلک لعبرة لاولی الابصار لقد انزلنا آیات مبینات والله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم

ویقولون آمنا بالله وبالرسول واطعنا ثم یتولی فریق منهم [illegible] معرضون افی قلوبهم مرض ام ارتابوا ام یخافوا

ان

فصل دهم در ...

اشاره به بازگوشی و عدم اعتنا به عالمان [ربانی] الا با معرفت

۱۲۶

ان یحیف الله علیهم ورسوله بل اولئک هم الظالمون در حق عالمان صاحب بعثت [illegible] مناسبت دارد که [illegible]
[illegible] که عقل کامل بنظر مردم میرسند لعد میفرماید انما کان قول المؤمنین اذا دعوا الی الله ورسوله لیحکم
بینهم ان یقولوا سمعنا واطعنا واولئک هم المفلحون ومن یطع الله ورسوله ویخش الله ویتقه فاولئک هم
الفائزون واقیموا الصلوة واتوا الزکوة واطیعوا الرسول لعلکم ترحمون لا تحسبن الذین کفروا معجزین فی الارض ومأویهم
النار ولبئس المصیر الالهی چه گوییم درباره علمای سوء بی عار [illegible] بواسطه تغییر [illegible] دین [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] در ذم علمای کفار [illegible] خود [illegible] مصداق [illegible] واتل علیهم نبأ الذی آتیناه آیاتنا
فانسلخ منها فاتبعه الشیطان فکان من الغاوین ولو شئنا لرفعناه بها ولکنه اخلد الی الارض واتبع هویه فمثله
کمثل الکلب ان تحمل علیه یلهث او تترکه یلهث ذلک مثل القوم الذین کذبوا بآیاتنا فاقصص القصص لعلهم یتفکرون ساء
مثلا القوم الذین کذبوا بآیاتنا وانفسهم کانوا یظلمون من یهد الله فهو المهتدی ومن یضلل فاولئک هم الخاسرون ولقد
ذرأنا لجهنم کثیرا من الجن والانس لهم قلوب لا یفقهون بها ولهم اعین لا یبصرون بها ولهم آذان لا یسمعون بها اولئک
کالانعام بل هم اضل اولئک هم الغافلون وقتی در ایام سیاحت [illegible] از اجله علما از این قبیل آیات در ذم [illegible] [illegible]
علمای یهود وارد است گفتم [illegible] [illegible] [illegible] فصل [illegible] [illegible] [illegible] آیات عام تا قیامت مجری [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

۱۸۳

[illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ابلیس [illegible] [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] [illegible]
توسل و تشفیع خواهید آورد اگر [illegible] صادق [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] که [illegible] ابلیس [illegible] [illegible]
خواهند که وقت توبه [illegible] [illegible] ملاحظه کنی که زمانی دارد که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] توبه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اتباع ایشان جند الشیطان [illegible] تمامی قرآن [illegible]
کتب و صحف و الواح آسمانی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] علما [illegible] [illegible] تمامی قرآن [illegible] [illegible] [illegible]
هشت طبقه و هشت فرقه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] انما یخشی الله من عباده العلماء علمای صاحبان خوف و خشیه که با دنیا و اهل دنیا [illegible]
محبت و التفاتی ندارند [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] دنیا [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
و سایر [illegible] علمای [illegible] هفت طبقه هر طبقه [illegible] [illegible] مفصل در طبقات سبعه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] منزل و مکان
معلوم [illegible] که [illegible] [illegible] سعی و کوشش و تمیز حق و باطل [illegible] از افراد بشر [illegible] [illegible] موتوا قبل ان تموتوا [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] طلبه و علما [illegible] احترام صوری [illegible] [illegible] جلال ظاهری [illegible] چنانکه احترام مسلم مؤمن [illegible]
و اذیت [illegible] مؤمن [illegible] [illegible] [illegible] النبایس است وقال [illegible] من آذی مؤمنا فقد آذانی ومن آذانی فقد آذی الله ومن آذی الله
فعلیه لعنة الله والملائکة والناس اجمعین و از این تقریر دیگر معلوم [illegible] که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از علمای [illegible] [illegible]
[illegible] از علمای سوء ناخلف [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] علام [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] اسلام [illegible] [illegible] در حق ایشان میفرماید ان الذین یکتمون ما انزلنا من البینات والهدی من بعد ما بیناه للناس
فی الکتاب اولئک یلعنهم الله ویلعنهم اللاعنون وقال فمن اظلم ممن افتری علی الله الکذب لیضل الناس بغیر علم ان الله لا یهدی
القوم الظالمین وقال ان الذین یؤذون الله ورسوله لعنهم الله فی الدنیا والاخرة واعد لهم عذابا مهینا
ان الذین کذبوا بآیاتنا واستکبروا عنها لا تفتح لهم ابواب السماء ولا یدخلون الجنة حتی یلج الجمل فی سم الخیاط
وکذلک نجزی المجرمین لهم من جهنم مهاد ومن فوقهم غواش وکذلک نجزی الظالمین وقال تعالی ونادی اصحاب الجنة
اصحاب النار ان قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقا فهل وجدتم ما وعد ربکم حقا قالوا نعم فاذن مؤذن بینهم ان لعنة الله علی

در ذم عالمان بی‌ترتیب منافق‌وش روگردان از نماز ۱۲۷

فصل ...

الظالمین الذین یصدون عن سبیل الله ویبغونها عوجاً وهم بالآخرة کافرون ونادی اصحاب النار اصحاب الجنة
ان افیضوا علینا من الماء او مما رزقکم الله قالوا ان الله حرمهما علی الکافرین الذین اتخذوا دینهم لهواً
ولعباً وغرتهم الحیاة الدنیا فالیوم ننسیهم کما نسوا لقاء یومهم هذا وما کانوا بآیاتنا یجحدون ولقد
جئناهم بکتاب فصلناه علی علم هدی ورحمة لقوم یؤمنون هل ینظرون الا تاویله یوم یاتی تاویله یقول
الذین نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق فهل لنا من شفعاء فیشفعوا لنا او نرد فنعمل غیر الذی
کنا نعمل قد خسروا انفسهم وضل عنهم ما کانوا یفترون وقال فی سورة الزمر ونفخ فی الصور فصعق من فی السموات
ومن فی الارض الا من شاء الله ثم نفخ فیه اخری فاذا هم قیام ینظرون واشرقت الارض بنور ربها ووضع
الکتاب وجیء بالنبیین والشهداء وقضی بینهم بالحق وهم لا یظلمون ووفیت کل نفس ما عملت و
هو اعلم بما یفعلون وسیق الذین کفروا الی جهنم زمراً حتی اذا جاؤها فتحت ابوابها وقال لهم خزنتها الم
یاتکم رسل منکم یتلون علیکم آیات ربکم وینذرونکم لقاء یومکم هذا قالوا بلی ولکن حقت کلمة العذاب
علی الکافرین قیل ادخلوا ابواب جهنم خالدین فیها فبئس مثوی المتکبرین وسیق الذین اتقوا ربهم الی الجنة
زمراً وقال تعالی ... وقال الذین فی النار لخزنة جهنم ادعوا ربکم یخفف عنا یوماً من العذاب قالوا اولم
تک تاتیکم رسلکم بالبینات قالوا بلی قالوا فادعوا وما دعاء الکافرین الا فی ضلال انا لننصر رسلنا والذین
آمنوا فی الحیاة الدنیا ویوم یقوم الاشهاد یوم لا ینفع الظالمین معذرتهم ولهم اللعنة ولهم سوء الدار وقال ربنا
۱۶۴ ارنا الذین اضلانا من الجن والانس نجعلهما تحت اقدامنا لیکونا من الاسفلین وقال تعالی ان المجرمین فی عذاب
جهنم خالدون لا یفتر عنهم وهم فیه مبلسون وما ظلمناهم ولکن کانوا هم الظالمین ونادوا یا مالک لیقض علینا
ربک قال انکم ماکثون ... [illegible] از علمای سوء هست مغرور این آیات ... [illegible]
[illegible] کار ... [illegible] ... نماز ... [illegible] قال الله تعالی
... نماز ... [illegible] وزین لهم الشیطان اعمالهم فصدهم عن السبیل فهم لا یهتدون
... چون منافقان قدیم ... [illegible] المنافقون والمنافقات بعضهم من بعض یامرون
بالمنکر وینهون عن المعروف ویقبضون ایدیهم نسوا الله فنسیهم ان المنافقین هم الفاسقون وعد الله المنافقین
والمنافقات والکفار نار جهنم خالدین فیها هی حسبهم ولعنهم الله ولهم عذاب مقیم وقال ان المنافقین
یخادعون الله وهو خادعهم واذا قاموا الی الصلوة قاموا کسالی یراؤن الناس ... [illegible]
... [illegible] ... قرائت و طمانینه و شرایط ... بعض اخبار ... در باب بی‌نماز ... [illegible]
نماز ... [illegible] ... آیه شریفه و ما خلقت الجن والانس الا لیعبدون ای لیعرفون ...
مقصود خدا از خلقت مخلوقات خداشناسی و عبادت و اطاعت و مغفرت و توفیق و تقرب ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible]
... [illegible] قرائت ... [illegible] ... نماز ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible] اسلام تو ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible] الله الله ... [illegible] رب العالمین
... [illegible] ... [illegible]
... [illegible] ... [illegible]

فصل سیم از باب دوم

اشاره بعوض بل کل علما ساکنان خدا به نماز جمعه و احتراز از بدعت عوامی

۱۲۶

و قال فی سورة الاعراف ومن خلقنا امة یهدون بالحق وبه یعدلون والذین کذبوا بایاتنا سنستدرجهم من حیث لا یعلمون واملی لهم ان کیدی متین اولم یتفکروا فی ملکوت السموات والارض وما خلق الله من شیء وان عسی ان یکون قد اقترب اجلهم فبای حدیث بعده یؤمنون الهم ارجل یمشون بها ام لهم اید یبطشون بها ام لهم اعین یبصرون بها ام لهم اذان یسمعون بها قل ادعوا شرکائکم ثم کیدون فلا تنظرون و قال فی سورة الانفال انما المؤمنون الذین اذا ذکر الله وجلت قلوبهم واذا تلیت علیهم آیاته زادتهم ایمانا وعلی ربهم یتوکلون الذین یقیمون الصلوة ومما رزقناهم ینفقون اولئک هم المؤمنون حقا لهم درجات عند ربهم ومغفرة ورزق کریم و قال فی سورة الزمر واذا ذکر الله وحده اشمأزت قلوب الذین لا یؤمنون بالآخرة واذا ذکر الذین من دونه اذا هم یستبشرون جز آنکه مقصود از تفصیل تالیف این رساله محل ملاحظه فساد اوضاع و تامل بکلمات لا ابالی روی اندود و نتیجه کلمات فتنه انگیزات ... و کلامی نمی‌خواهیم برای خوش آمد عوام حکم صحت نماز به عمل بکلام مولف میدهند که ایها الناس قاریان ... البسیار لحن در قرائت نماز به تمیز حروف کافی است معنی این سخن عوام فهم آنست که قاریان و علم قرائت و مقابله و تعلیم و تعلم قرائت نماز چندان ضرورت ندارد و هر طور که گفتند درخواست میکنند کافی است و بعبارت اخری قاریان لا مذهب و بی دین ملتبس شدند و تشویق بر حفظ اسباب شغل و فریب ... نماز که مبتلا به او کافی است و هنگامی این سخن را در مغز کلاهان ساده و عوام و متعلم که قاریان بیچاره شصت ساله علوم و کتب قرائت را باطل وار میان مسلمانان چنان برداشته‌اند که در نظر مردم بدتر از بدعت ظلم و فساد داشته علم قرائت بلکه خوف علما و طلاب متعبد نماز سقط قضا که اقل مراتب صحت نماز در تمام دهات و شهرستان و غیره باشد مگر چند نفر عالم فاضل شمار جمهور نه نفر با نماز قضا نباشند نمی‌شود بلکه از تمامی جاهای آخر الزمان و خصوصاً ... در راه غیر و خروج ... باطله و شرط ... بطرف ترویج نماز باطله خرابی بدعت در این طرف ... که ام یک خانه ... دفاطمه زهرا در باره خراب ترکیه ... دار العلم خراسان با وجود کثرت علما و مساجد و منابر بجز ترویج روضه خوانی و ... در بعض مسائل و احکام که وجوه دولتی یک بار نخواهند بود تا ۱۳۲۲ در دهه اول محرم الحرام شنیدم در مجلسی ... با حالات افتخار و بشارت تشکر که در خراسان مجلس صبح از باب الطلوع الی تا چهار ساعت ... مجلس هشتصد و سی و سه مجلس بحمد الله مجالس روضه خوانی بر پا شده و در هر مجلسی سه و چهار روضه خوان عقب هم میخوانند را ... چه جای شرع و دین باشد و حال آنکه مجلسی که حضور علما هم در ... مجلس و هم ... یکی از علما در یک منبر ... ایها الناس مسائل و احکام نیز از شرایط دین نشده است در نماز ... این قدر غفلت داریم در ایام عزاداری ... مگر واجب است و دیگر اصرار صحت تعلیم و تعلم ... و علم قرائت ... معتبر بودن و صحت و بطلان نماز به بعث ... در حکم بی نمازی و نامسلمانی در میان مردم ... و حال آنکه مقصود از گریه و عزاداری مغفرت و رضای اللهی است نه کثرت عبادت ... در رضای اللهی ... کافی سیل ... تمامی اوقات را صرف عزاداری ... دست از واجبات برداشتن که اهم و الزم و اساس ترین واجبات که صحت نماز است برداشتن که با وجود نماز سایر طاعات قبول ... این میزان با معیار میزان صحت صلیه منافی ... و حال آنکه الزم واجب اعمال و طاعات عالم ... نماز ... صحت ... صلیه نماز احتیاطی و کار پسندیده است که ... و مکروه و باطل و بدعت و حرام بودن ... در تمامی کارها خصوص در نماز ... حکم قطعی خدا ... نماز خود و نماز دیگران ... الا کافر حکم ومن لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون یاد ... عوام ... منبر ... روس و فرنگ ساز ... خود هم بی نماز تشریف فرما ... با نماز ... بدعت غلط ... این روسیا ... روضه دیده و محل تکیه ... از علما ... تکیه ... نماز بدعت عوض ... حنانکه

الظالمین الذین یصدون عن سبیل الله و یبغونها عوجا و هم بالاخرة کافرون ونادی اصحاب النار اصحاب الجنة ان افیضوا علینا من الماء او مما رزقکم الله قالوا ان الله حرمهما علی الکافرین الذین اتخذوا دینهم لهوا ولعبا وغرتهم الحیوة الدنیا فالیوم ننسیهم کما نسوا لقاء یومهم هذا وما کانوا بایاتنا یجحدون ولقد جئناهم بکتاب فصلناه علی علم هدی و رحمة لقوم یؤمنون هل ینظرون الا تاویله یوم یاتی تاویله یقول الذین نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق فهل لنا من شفعاء فیشفعوا لنا او نرد فنعمل غیر الذی کنا نعمل قد خسروا انفسهم وضل عنهم ما کانوا یفترون و قال فی سورة الزمر ونفخ فی الصور فصعق من فی السموات ومن فی الارض الا من شاء الله ثم نفخ فیه اخری فاذا هم قیام ینظرون واشرقت الارض بنور ربها ووضع الکتاب وجیء بالنبیین والشهداء وقضی بینهم بالحق وهم لا یظلمون ووفیت کل نفس ما عملت وهو اعلم بما یفعلون وسیق الذین کفروا الی جهنم زمرا حتی اذا جاؤها فتحت ابوابها وقال لهم خزنتها الم یاتکم رسل منکم یتلون علیکم ایات ربکم وینذرونکم لقاء یومکم هذا قالوا بلی ولکن حقت کلمة العذاب علی الکافرین قیل ادخلوا ابواب جهنم خالدین فیها فبئس مثوی المتکبرین وسیق الذین اتقوا ربهم الی الجنة زمرا و قال تعالی ایضا و قال الذین فی النار لخزنة جهنم ادعوا ربکم یخفف عنا یوما من العذاب قالوا اولم تک تاتیکم رسلکم بالبینات قالوا بلی قالوا فادعوا وما دعاء الکافرین الا فی ضلال انا لننصر رسلنا والذین امنوا فی الحیوة الدنیا ویوم یقوم الاشهاد یوم لا ینفع الظالمین معذرتهم ولهم اللعنة ولهم سوء الدار و قال ربنا ارنا الذین اضلانا من الجن والانس نجعلهما تحت اقدامنا لیکونا من الاسفلین و قال تعالی ان المجرمین فی عذاب جهنم خالدون لا یفتر عنهم وهم فیه مبلسون وما ظلمناهم ولکن کانوا هم الظالمین ونادوا یا مالک لیقض علینا ربک قال انکم ماکثون نمیدانم که کدام از علمای [illegible] معرور این آیات [illegible] در آینه [illegible] [illegible] کار [illegible] [illegible] برداشت [illegible] معاینه [illegible] قرار که نماز [illegible] نشاید که نماز [illegible] موقوف [illegible] و از آیه شریفه وزین لهم الشیطان اعمالهم فصدهم عن السبیل فهم لا یهتدون [illegible] چون منافقان قدیم [illegible] که [illegible] المنافقون والمنافقات بعضهم من بعض یامرون بالمنکر وینهون عن المعروف ویقبضون ایدیهم نسوا الله فنسیهم ان المنافقین هم الفاسقون وعد الله المنافقین والمنافقات والکفار نار جهنم خالدین فیها هی حسبهم ولعنهم الله ولهم عذاب مقیم و قال ان المنافقین یخادعون الله وهو خادعهم واذا قاموا الی الصلوة قاموا کسالی یراؤن الناس الایه [illegible] ریای [illegible] وقت باکمال بی میلی بدون قرائت و طمانینه و بی شرایط که موافق بعضی اخبار [illegible] در باب بی نماز [illegible] نماز که از آن [illegible] وقت [illegible] شرعی دارد است منافی با آیه شریفه وما خلقت الجن والانس الا لیعبدون ای لیعرفون [illegible] مقصود خداوند از خلقت مخلوقات خداشناسی و عبادت و طاعت و معرفت و توفیق و تقرب [illegible] نه مخالفت و شیطنت و معاندت و فرعون [illegible] انواع [illegible] [illegible] درس اگر فرضا [illegible] لیس [illegible] بس المرض نه فرض [illegible] محکم آمد [illegible] شرم [illegible] از خدا و از رسول [illegible] در مدت [illegible] سال [illegible] بتحصیل علم قرائت نکرد که در شب اول قبر نکیر و منکر و نماز [illegible] معطل نمانی [illegible] اول که [illegible] اول [illegible] پرسش از نماز [illegible] آن نماز است [illegible] [illegible] [illegible] این [illegible] کام تو [illegible] اسلام تو [illegible] این [illegible] [illegible] جمله [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در این [illegible] در آن [illegible] از پی این [illegible] وز پی آن [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] الله الله این [illegible] [illegible] [illegible] انکوش المقبل که دنیا [illegible] [illegible] [illegible] شاه [illegible] ترک دنیا [illegible] سلطان [illegible] [illegible]

ظاهرت [illegible] کافر [illegible] باطنت [illegible]

و قال

اشاره بعوض عمل کردن علما سوء بنماز احتیاط بدعت عوام

وقال فی سورة الاعراف وممن خلقنا امة یهدون بالحق وبه یعدلون والذین کذبوا بآیاتنا سنستدرجهم من حیث لا یعلمون
واملی لهم ان کیدی متین اولم یتفکروا ... اولم ینظروا فی ملکوت السموات والارض وما خلق الله من شیء وان عسی ان یکون
قد اقترب اجلهم فبای حدیث بعده یؤمنون الهم ارجل یمشون بها ام لهم اید یبطشون بها ام لهم
اعین یبصرون بها ام لهم آذان یسمعون بها قل ادعوا شرکاءکم ثم کیدون فلا تنظرون وقال فی سورة الانفال
انما المؤمنون الذین اذا ذکر الله وجلت قلوبهم واذا تلیت علیهم آیاته زادتهم ایمانا وعلی ربهم
یتوکلون الذین یقیمون الصلوة ومما رزقناهم ینفقون اولئک هم المؤمنون حقا لهم درجات
عند ربهم ومغفرة ورزق کریم وقال فی سورة الزمر واذا ذکر الله وحده اشمأزت قلوب الذین لا یؤمنون
بالآخرة واذا ذکر الذین من دونه اذا هم یستبشرون جمله مقصود از تفصیل تألیف این کتاب ملاحظه فساد الوقت [illegible]
و تامل بکلمات لاابالی [illegible] و نتیجه کلمات فتنه انگیز است که اهل فساد کلام [illegible] عوام حکم صحت نماز [illegible]
بکلام [illegible] که ایها الناس قاریان [illegible] فی البلاد [illegible] معنی [illegible]
عوام فهم است که قاریان علم قرائت و مقابله و تعلیم و تعلم قرائت نماز [illegible] ضرورت ندارد [illegible]
کافی است بعبارة [illegible] قاریان [illegible] اسباب شغله [illegible] کافی
[illegible] قاریان [illegible] علوم کتب قرائت [illegible]
وازمیان مسلمانان چنان برداشته اند که در نظر مردم بدتر از بدعت ظلم و فساد است علم قرائت [illegible] معتبر
بنماز مسقط قضا [illegible] صحت نماز [illegible] عالم فاضل [illegible]
قضا [illegible] تا امروز آخر الزمان [illegible] غیر [illegible] باطله [illegible]
[illegible] ترویج نماز باطله [illegible] بدعت [illegible] فاطمه [illegible] درباره خراب [illegible]
العلم خراسان با وجه کثرت علما و مساجد و منابر بجز ترویج روضه خوانی و [illegible] در بعض مسائل [illegible]
[illegible] در تاریخ ۱۳۲۲ در دهه اول محرم الحرام شنیدم [illegible] در خراسان مجلس [illegible]
[illegible] تا چهار ساعت [illegible] مجلس روضه خوانی بر پا [illegible] در هر مجلس [illegible]
روضه خوان [illegible] که حضور توانستم [illegible]
مجلس [illegible] از علما در یک منبر [illegible] ایها الناس [illegible] نماز [illegible]
این قدر غفلت داریم در ایام عزاداری [illegible] صحبت تعلیم و تعلم [illegible] علم قرائت [illegible]
معتبر بودن صحت و بطلان نماز [illegible] بدعت [illegible] در میان مردم [illegible]
و حال آنکه مقصود از گریه و عزاداری مغفرت و رضای الهی است [illegible] عبادت [illegible] رضای الهی [illegible]
[illegible] و تمامی [illegible] عزاداری [illegible] واجبات [illegible] اهم و الزم [illegible] واجبات [illegible] نماز
[illegible] که با وجه [illegible] طاعات قبول [illegible] میزان [illegible] صلبیه [illegible]
و حال آنکه الزم واجب اعمال و طاعات عالم [illegible] نماز [illegible] صلبیه نماز احتیاطی [illegible]
و مکروه و باطل و بدعت و حرام بودن [illegible] در نماز [illegible] حکم قطعی [illegible] نماز [illegible] والا کافر
[illegible] ومن لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون [illegible] عوام [illegible] منبر [illegible]
[illegible] بدعت غلط [illegible] این [illegible]
[illegible] اگر علما [illegible] بنماز بدعت عوض [illegible]

اشاره بموعظه خدا برای مرده دلان علمای مرده دلان

١٢٩

قضیه ... اکنون مبارکه ... رکن اعظم دین ... از دست ... چنانکه در اسلام ... میان علمای ... اشاره ...

حالی ... در حال ... کرده ... چنانکه ... علما ما تحریف ... گمراه کردن مسلمانان بکلمات ...

از طرف دیگر ... عوام ... که در قرآن مجلس صبح ... محل ... نماز ...

... احادیث و اخبار کرده ... تمام ... دلیل ... قرآن

مجلس ... صحت نماز قرائت ... تمام ... علمای ... مسلمانی ...

... احکام و فروعات و اصول دین صحت نماز و قرائت ... الاصل مصالحه تمامی احکام الله ... واجبات ...

... قرآن ... احکام قرآن ... دین تازه ... بشر ... اسم اعظم ... چند روز ... باضافه ... الصلح خیر

الصلح سید الاحکام و قال فی سورة النمل طس تلک آیات القرآن وکتاب مبین هدی وبشری للمؤمنین الذین

یقیمون الصلوة ویؤتون الزکوة وهم بالآخرة هم یوقنون ان الذین لا یؤمنون بالآخرة زینا لهم اعمالهم

فهم یعمهون اولئک الذین لهم سوء العذاب وهم فی الآخرة هم الاخسرون وانک لتلقی القرآن من لدن

حکیم علیم و قال تعالی وزین لهم الشیطان اعمالهم فصدهم عن السبیل وکانوا مستبصرین و قال تعالی ومن الناس

من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله بغیر علم ویتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین و قال

کل حزب بما لدیهم فرحون فذرهم فی غمرتهم حتی حین و قال ان الذین لا یؤمنون بالآخرة لناکبون ولو

رحمناهم وکشفنا ما بهم من ضر للجوا فی طغیانهم یعمهون ولقد اخذناهم بالعذاب فما استکانوا لربهم وما

یتضرعون حتی اذا فتحنا علیهم بابا ذا عذاب شدید اذا هم فیه مبلسون و فی سورة النور ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشة

فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا والآخرة والله یعلم وانتم لا تعلمون و قال یا ایها الذین آمنوا لا تتبعوا

خطوات الشیطان ومن یتبع خطوات الشیطان فانه یامر بالفحشاء والمنکر ولولا فضل الله علیکم ورحمته ما زکی منکم

من احد ابدا ولکن الله یزکی من یشاء والله سمیع علیم و قال یومئذ یوفیهم الله دینهم الحق و

یعلمون ان الله هو الحق المبین الخبیثات للخبیثین والخبیثون للخبیثات والطیبات للطیبین و

الطیبون للطیبات اولئک مبرؤن مما یقولون لهم مغفرة ورزق کریم و قال فی سورة النور ولقد انزلنا

الیکم آیات مبینات ومثلا من الذین خلوا من قبلکم وموعظة للمتقین الله نور السموات والارض

مثل نوره کمشکوة فیها مصباح المصباح فی زجاجة الزجاجة کانها کوکب دری یوقد من شجرة مبارکة زیتونة

لا شرقیة ولا غربیة یکاد زیتها یضیء ولو لم تمسسه نار نور علی نور یهدی الله لنوره من یشاء ویضرب

الله الامثال للناس والله بکل شیء علیم فی بیوت اذن الله ان ترفع ویذکر فیها اسمه یسبح له فیها

بالغدو والآصال رجال لا تلهیهم تجارة ولا بیع عن ذکر الله واقام الصلوة وایتاء الزکوة یخافون

یوما تتقلب فیه القلوب والابصار لیجزیهم الله احسن ما عملوا ویزیدهم من فضله والله یرزق من

یشاء بغیر حساب ...

... عالم صاحب فضل ...

... در رکعت نماز ... بقراءت ...

... کلام ... رواج علم قرائت و تعلیم و تعلم ... مسلمانان ...

عادت دادن ... روز الست فطری ...

... بمصاحبت نامناسب ... توفیق تمامی آیات ...

... خطر ... طبیعت ... خدا ...

والاحبار عن قولهم الاثم واکلهم السحت لبئس ما کانوا یصنعون و قال یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا الذین

اشاره باثبات مرحوم و منافقی عالمان لاابالی و عدم ملاحظه کلام و فساد

۱۳۰

دينكم هزوا ولعبا من الذين اوتوا الكتاب من قبلكم والكفار اولياء واتقوا الله ان كنتم مؤمنين [illegible]

را استهزا و لعب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۸۷

[illegible]

[illegible]

[illegible] مثل الذين حملوا التورية ثم لم يحملوها

[illegible] اسفارا بئس مثل القوم الذين كذبوا بآيات الله والله لا يهدي القوم الظالمين قل يا ايها الذين هادوا

ان زعمتم انكم اولياء لله من دون الناس فتمنوا الموت ان كنتم صادقين ولا يتمنونه ابدا بما قدمت ايديهم

والله عليم بالظالمين قل ان الموت الذي تفرون منه فانه ملاقيكم ثم تردون الى عالم الغيب والشهادة

فينبئكم بما كنتم تعملون [illegible] ذلك فضل الله يؤتيه من

يشاء والله ذو الفضل العظيم سواء عليهم ءانذرتهم ام لم تنذرهم لا يؤمنون ختم الله على قلوبهم

وعلى ابصارهم وعلى سمعهم غشاوة ولهم عذاب عظيم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] هل يريكم من احد ثم انصرفوا صرف الله

فضل و سخن ابراهیم

در فضیلت و اتحاد امیر المؤمنین و خاتم النبیین و ائمه علیهم السلام ۱۲۱

قلوبهم بانهم قوم لا یفقهون لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم

در حقیقت این آیه شریفه مصداق آیات موعظه این مؤلف روسیاه میدانم چه قدر ناگوار و ناملایم خواطر لسیف تا خبیث بلفرزند

حال نوشتن ارباب فضل و کمال عالمان چه اشتباس الکیاسک انه بطانه و تکلفات مطالب کلمات حقیر تعبیر و تغییر داده و اصلاح که

مقتضای ایمان و اسلام و صدق نفوس چه از رکن حین البته عیوب برادران را اصلاح دارند عبارت حقیر زده پسال کنند

بردیده منزه چشند کنند کمال و خنده ان لسان ذمام شیطانی و در بیت دیگر بازیچه بزرگست برای ابلهان و حمقه و بزرگان الحاد

در تفسیر این آیه هم موافق حال هستی و عظ با امثال خود هم موافق تفسیر خداوند میفرماید زمانیکه نازل شود آیه و سوره

منافقین زمان خاتم الانبیا نیز هم نگاه میکرده که کلم الکنایه ابلغ من التصریح بگوشه چشم اشاره کنان مثل اهل زمان

شان با اینکه با بینید تم انصرفوا لعه بمقتضی عما و فطرت و کردار بر میخوا استند خداوند نیز دل ایشان را از هدایت

که ایمان و فعل حقیرا باختیار خود طرف در ترجیح جاهل بواسطه عدم تفکر و تدبر و عبرت در اوایل و اواخر کار که تقصاری که

برای ایشان شقاق و معتقد قابل تسلط شده و مکرده تا حصنش در شرا انکار کنید که حریص نیز هم همان شاهد درگذ

بعد نمیدانم که این طور چنین امر اهم علم قرائت و تصحیح نماز که ستون دین است و هم رفقت بار الها عموم مجتهدین در نماز

علما بغیر از صحت و جهات و مستحبات و مکروهات نماز عیب و یکی بدین که کمال مؤمنین رساله بغیر از مطالب

در رسائل ایشان چه عیب دارد که علما و مؤمنین تجزیه دینی و برادران شیطان و شرع قاضی چه نقصان داشته

سا بنکه بدو نکرد ولیسند ... ندانم از خودی چه بد دیده ... از حال دلسوز این روسیاه معلوم است که خاتم المتفضل کل ...

۱۸۶ در کلام ... که ما اوذی نبی مثل ما اوذیت در مخالفت شرع و دین علاوه بر ستم ظلمهای ... و اولادش چه

آزار و اذیت ها از امت ... رسید و از علما این مخالفت و خرابی دین که بر سر دین و کمال دین ... و فاسد نمازی چه تنها

که در سرا قامه نماز از و بنیاد ... داد ... واهیات ظاهره عزیزان و جوانان و مستوره زنان و دختران آل فاطمه طاهره در کد

تأمل و تفکر ... نمایم و الا روزی هزار بار از خوف ملال نمایم سزاوار دوستی و محبت یار کو اینه ... عقلت ...

برای ما کیست که مانده که بقیه مخالفت صرف که از علامه دین و ایمان و اسلام محبت نماز است و اسهول ...

صورت و شکل ظاهری و نمایان از نماز ... عذر شرعی از ایشه بر کنیم که قرائت صورا به بدعت ... در ... ان

مؤمن و تأمل ... که نکردن چه قدر دشمنی با آل محمد آل علی میباشد و هم عزاداری ... و محبت آل محمد چه معنی دارد

و اگر کسی چه سهو مصالحه با کربلا و عزاداری امام حسین کند هم سبحان الله در این مصالحه تا بسند ... تمامی ...

و صدر نشین ... نباشند ... مخصوص ایشان باشد که روز عاشورا ... ایشان ...

و سحر کربه کمال غریبی و کسی مظلومی ایشان را ... میبخشند ... ایشان را ... عبارت

... ذالک تعالی ... افمن کان علی بینة من ربه و یتلوه شاهد منه و من قبله کتاب موسی ... تفسیر ...

للأکابر العیاشی عنه عن البقر الذی علیه بینة من ربه رسول الله والذی تلاه من بعده الشاهد امیر المؤمنین ثم اوصیائه واحد

واحد و عن امیر المؤمنین ما من رجل من قریش الا وقد نزلت فیه آیة او آیتان من کتاب الله تعالی رجل ما نزل فیک یا امیر المؤمنین

فقال اما تقرء الآیة التی هی فی هود افمن کان علی بینة من ربه و یتلوه شاهد منه محمد علی بینة من ربه و انا الشاهد

الامالی والبصائر انا الشاهد له وانا منه ... و علی هذه الروایة یکون المراد بالبینة القرآن و یکون یتلوه من التلاوة

الاحتجاج انه سئل عن افضل منقبة له فتلی هذه الآیة و قال انا الشاهد من رسول الله و قیل اما قوله ... یتلوه

شاهد منه فذلک حجة الله اقامها الله علی خلقه و عرفهم انه لا یستحق مجلس النبی الا من یقوم مقامه ...

الا من یکون فی الطهارة مثل منزلته لئلا یتسع من ماسه و حین الکفر ... وقت من الاوقات لمقام الرسول بدلیل الابدال

فصل [illegible] رابع

در اشاره بر سلوک سلاطین و وعظ و بعض مبانی اسلام

۱۲۲

ممکن الظالمین للشرکین لکون الشرک لظلم عظیماً فلما علم ابراهیم ان عهد الله لا ینال عبدة الاصنام قال ابراهیم واجنبنی وبنی ان نعبد الاصنام حاصل آنکه شهادة امیرالمؤمنین کاتم ایشان شهادة خاتم بامیرالمؤمنین دلیل حق [illegible] خاتم [illegible] و خلافت و شرط خلافت [illegible]

و عظم فضیلت خلافت [illegible] موقوف امر عقل صاحب [illegible] و [illegible] عقل [illegible] دلیل عقل [illegible] دلیل [illegible] و قرآن [illegible] عقل [illegible]

عقل داخل و خارج و قرآن انکار [illegible] کذب در الوقت [illegible] که [illegible] معاصی است و [illegible] خواص [illegible] زیاد [illegible] آنکه تکذیب [illegible] و [illegible]

تکذیب صلحا و علما و مجتهدین و انبیا و ائمه سلام الله علیهم [illegible] خواص و نتایج [illegible] اهل کذب [illegible]

تکذیب علمای عاملین [illegible] تکذیب معرضه [illegible] تکذیب کلام الله [illegible] پس تکذیب [illegible] ستون دین [illegible]

[illegible] کل علما و مجتهدین ماضی و مستقبل [illegible] جناب نماز و [illegible] کذب و عوض [illegible] این جنابان نماز بنماز [illegible]

چه نتایج [illegible] که عظیم [illegible] آخرالزمان است باسم ترویج و لباس و صورت فضلای اثنی عشری جعفری [illegible] و [illegible]

ممنوع و متروک [illegible] داشته باشد که شیخ جعفر [illegible] در اول رساله [illegible] از جمله علامات ارتداد [illegible]

و مساهله در قضای نماز [illegible] غلط [illegible] عوض [illegible] نماز بی [illegible] چه اثر دارد که بالاتر از ارتداد [illegible]

کفر و ارتداد [illegible] دارد [illegible] امام [illegible] و ترویج [illegible] عظیم است و در دین و شریعت خاتم النبیین [illegible]

دروغ [illegible] است [illegible] در فصل [illegible] ابلیس [illegible] مذکوره در تفسیر [illegible] الملوک [illegible]

الثلاثة اعنی اول و ثانی و ثالث و الرابعة المعویة الا لعنة الله علی الظالمین الذین یصدون عن سبیل الله و یبغونها عوجا و هم بالآخرة هم کافرون

۱۹۶ اولئک لم یکونوا معجزین فی الارض و ما کان لهم من دون الله من اولیاء [illegible] روایة کلیه معاصی [illegible] کلیه معاصی

[illegible] و من اظلم ممن افتری علی الله کذبا اولئک یعرضون علی ربهم و یقول الاشهاد هؤلاء الذین

کذبوا علی ربهم الا لعنة الله علی الظالمین الذین یصدون عن سبیل الله و یبغونها عوجا و هم بالآخرة هم کافرون

مراد از [illegible] باسم ترویج شرع و دین [illegible] فرقه ضال و مضل [illegible] علما [illegible]

شیطان [illegible] لباس [illegible] باسم ترویج [illegible] صدق [illegible] علم [illegible]

دشمن [illegible] در اخبار و آیات و بینات [illegible] اشاره و کنایه [illegible] از متابعت شیطان [illegible]

[illegible] منافقی باسم [illegible] و ترویج [illegible] المنافقون فی الدرک الاسفل من النار [illegible]

[illegible] دشمنان دین [illegible] عالم [illegible] بر عکس [illegible]

و دشمنی [illegible] خشوع و خضوع [illegible] نماز و عبادة [illegible] ذلت و خواری [illegible] الا موافق [illegible]

قرب زمان ظهور حضرت حجة الله [illegible] نماز [illegible] علم [illegible] نماز با قانون علم [illegible]

بلکه [illegible] ساقط [illegible] بمنزلهٔ معدوم است [illegible] النادر کالمعدوم [illegible] قرآن [illegible]

[illegible] مطلب [illegible] مصداق اولئک الذین خسروا انفسهم [illegible]

عنهم ما کانوا یفترون لا جرم انهم فی الآخرة هم الاخسرون [illegible] عوام [illegible]

[illegible] احتیاط [illegible] شبهات [illegible] ضلالت و گمراهی محرمات [illegible]

[illegible] فان الاحتیاط سبیل النجاة [illegible] بعضی مقدمه [illegible]

دلیل دیگر است [illegible] امور دنیا و آخرت [illegible] جهل و ضلالت [illegible]

تمیز [illegible] کفر و بدعت [illegible] و گمراهی [illegible]

عمدهٔ آیات دلیل ملوک منافقین بدعت‌های اخیر

۱۲۲

و بعد از آیات مذکوره از سوره هود میفرماید و من یکفر به من الاحزاب کرده بسیار که برسول خدا ایمان نیاوردند فالنار موعده فلا تک فی مریة منه انه الحق من ربک و لکن اکثر الناس لا یؤمنون و من اظلم ممن افتری علی الله کذبا اولئک یعرضون علی ربهم و یقول الاشهاد هؤلاء الذین کذبوا علی ربهم الا لعنة الله علی الظالمین الذین یصدون عن سبیل الله و یبغونها عوجا و هم بالآخرة هم کافرون اینجا افترای صریح در حق امرا و سلاطین اربعه منافقین و تبعهٔ ایشان بایشان و سر دهان بدی ظلمهای بالسلطنه بمصداق و یقول الاشهاد اولئک الذین کذبوا علی ربهم الا لعنة الله علی الظالمین تاویل و تقدیر بر ترویج حق نمایند که با نماز جمعه ترویج نمایند ایشان بوستان ظلم و کرامت بخدا تبارک و تعالی و ذلک هو الخسران المبین با همه فضل و کمال در خواب کنند اینهمه بیدار که به ارکو دار اینجا محقق میشود که غرور علم از همه کرد و غرور کوته دمیخت بالاتر دیگر ریاست علاوه هشت طبقه اهل جور ... ملک تمامی بواسطهٔ غرور علم است و در روایة از شیطان برسید اینهمه اسباب و بیت و غرور و اهل فساد که در دست و کمر دارد برای کیانست گفت نه چیز برای فریب کل و حسد و غرور تعلم و طلاب مخصوص هستند فریب آنها ثمرات سمان و حسد اندرونی اصل ملیدند واگر این طور نباشد زیر بار فساد و بدعت نروند چهار نفر سلطان اعظم منافقین ... از حقه رضی نمی آنست حق استادی و مربی روحانی خود و عاق و ناراضی کردن چه قدر قبیح و نارواست اعظم معاصی زنگ بجراحی ملیباشند در هیچ مذهبی ناشناسند این سران اصل سرسوا عزور ریاست و سالار تحمل اوزار مخالفت خدا و رسول و ائمه سلام الله علیهم اجمعین شو اقدام نمود با اسم ترویج اسلام و سلمانی کدا پرستی و نماز گذاردن روزه حج و جهاد به روم خراجی وجود بستند و مسجد و منبر رفتن و موعظه سلمانی و قرآن خواندن با قرآن و کعبه حقیقی جهاد میکردند و اولاد کعبه حقیقی شو اسیر کردن اسباب غلبه و قهر و ظلم مهیا میکردند که وقعه کرفاتن فدک و سوختن

۱۹۰

خانه خاتم انبیا و فاطمه زهرا و قعه کربلا یک شرارهٔ بود و آتش زدن خیم امامت روز عاشورا از یک شرارهٔ فتنه حمله بنی سقیفه بعد الائمه فساد روز عاشورا برپا کشید اگر با اسم مسلمانی ترویج نمود با جهاد اول اسلام و مسلمانان محو شوند که شمرانستند پس این هشت فرقه علما از معرفتی بیرون است تا محقق قتل برین اگر شرح نماینده بتدریج اول قرا و علم قرائت با کمال که این علم شریف و قاریان را نماینده حسینی پرورده کنار فاطمه طاهره نماینده نمازش و ممدوح و لکن کوب نمود و آنها که در شهر بیناد نفر صد نفر مدرس کامل قاریان معمر تمیز دارند هر که امرا بینی شصت نفر شاگرد و طلاب ... بتدریج با اسم ترویج دوستی و دینداری کوشش‌های ... کلام الله ... بکلمات ... که خدا خبر داده و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله و یتخذها هزوا صریح همین زمانست که در لباس دوستی الا لبسیار شنیده که اهالی [illegible] قاریان بسیار ... دلبستگی و قرائت نماینده با این کلمات فساد اهل معرفت شنیده اند که ... فساد در باب ... با میکنند تمیز حروف در نماز کافیست یا با امثال این کلمات فساد با بشارت کنایة الکنایة ... کلمات ... لعنت الله فساد چنین ... حاصل تطویل انکار ... که آخر نتایج کلام حق ... نماینده لا ... مگر این آیه شریفه که الذین یصدون عن سبیل الله و یبغونها عوجا و هم بالآخرة هم کافرون ... التفسیر خوب مطالعه نماینده که در باب ملوک اربعه منافقان و تبعهٔ ایشان میزان تمیز و معیار شناسائی ملیباشند خصوص کلمه و یبغونها عوجا تحریف شرع دین با بیعه و اهل ریاست در کات جهنمی تا روز قیامت پس نبوت خیانت ... ابدآ کاتب در قرآن نیست و نخواندند و امید ریاست مثل مرشدان حقه دارند و نخواهند در دنیا و در آخرت بقای صاحب ... و مونس مرشدان خواهند شد مع ذلک ... پروانه ازند و در حقه نمیشنفه گویا ... و ذلک هو الخسران المبین کدام حدیث عکس بالا تر از این باشد که با کلمات مولوی ... اول علم قرائت که مقدمه نماز صحیح ... قاریان را مطبوع کنند بعد ... نماز شو با اسم عمومی

اسلام کند

عقوبت علمای غیر عامل

اشاره بر گناه بعضی از معاصی و

۱۲۴

فصل یازدهم از ابواب جرم و رفع مدمت احیاء سنت اسلام که به از احیای بدعت علمای ناخلف شد

بسم الله الرحمن الرحیم قال الله تعالی ومن یطع الله والرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین والصدیقین والشهداء والصالحین وحسن اولئک رفیقا ذلک الفضل من الله وکفی بالله علیما و در سوره الاحزاب یا ایها الذین امنوا اتقوا الله وقولوا قولا سدیدا یصلح لکم اعمالکم ویغفر لکم ذنوبکم ومن یطع الله ورسوله فقد فاز فوزا عظیما انا عرضنا الامانة علی السموات والارض والجبال فابین ان یحملنها واشفقن منها وحملها الانسان انه کان ظلوما جهولا لیعذب الله المنافقین والمنافقات والمشرکین والمشرکات ویتوب الله علی المومنین والمومنات وکان الله غفورا رحیما و قال احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا امنا وهم لا یفتنون ولقد فتنا الذین من قبلهم فلیعلمن الله الذین صدقوا ولیعلمن الکاذبین و قال والذین امنوا وعملوا الصالحات لندخلنهم فی الصالحین والذین کفروا بایات الله ولقائه اولئک یئسوا من رحمتی واولئک لهم عذاب الیم و قال ومن الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله بغیر علم ویتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین واذا تتلی علیه ایاتنا ولی مستکبرا کان لم یسمعها کان فی اذنیه وقرا فبشره بعذاب الیم چون علمای حال مرا از امثال این آیات بعقب گوش سپاه از خطاب ... و دلدار

۱۹۱

میه انه و نماز ... بار بحث ... بعد در علم ... از خطاب ... علم قرائت ... مخصص ... لسان صاحب سنه ... از اول ... الکتب الفقه و قرائت درس ... تا تکمیل فقه ... تا میزان شاطبی و ... غیره

دریش و مذاکره علم قرائت ساعی شدند قال تعالی ان الله لعن الکافرین واعد لهم سعیرا خالدین فیها ابدا لا یجدون ولیا ولا نصیرا یوم تقلب وجوههم فی النار یقولون یا لیتنا اطعنا الله واطعنا الرسولا وقالوا ربنا انا اطعنا سادتنا وکبراءنا فاضلونا السبیلا ربنا اتهم ضعفین من العذاب والعنهم لعنا کبیرا این آیات ... مخصص ... درس ... دارا ... انکه حفظ اقرار دارند که قرآن ... آیات ... ان الذین امنوا وعملوا الصالحات لهم جنات النعیم خالدین فیها وعد الله حقا وهو العزیز الحکیم ومن الناس من یجادل فی الله بغیر علم ولا هدی ولا کتاب منیر ثانی عطفه لیضل عن سبیل الله له فی الدنیا خزی ونذیقه یوم القیمة عذاب الحریق ذلک بما قدمت یداک وان الله لیس بظلام للعبید و قال ومن الناس من یعبد الله علی حرف فان اصابه خیر اطمان به وان اصابته فتنة انقلب علی وجهه خسر الدنیا والاخرة ذلک هو الخسران المبین یدعوا من دون الله ما لا یضره وما لا ینفعه ذلک هو الضلال البعید یدعوا لمن ضره اقرب من نفعه لبئس المولی ولبئس العشیر و قال ویوم تشقق السماء بالغمام ونزل الملائکة تنزیلا الملک یومئذ الحق للرحمن وکان یوما علی الکافرین عسیرا ویوم یعض الظالم علی یدیه یقول یا لیتنی اتخذت مع الرسول سبیلا یا ویلتا لیتنی لم اتخذ فلانا خلیلا لقد اضلنی عن الذکر بعد اذ جاءنی وکان الشیطان للانسان خذولا وقال الرسول یا رب ان قومی اتخذوا هذا القرآن مهجورا وکذلک جعلنا لکل نبی عدوا من المجرمین وکفی بربک هادیا ونصیرا و اکر ... آیات ... و داعی ... این آیه ملاحظه باید کرد که خداوند فرمایید یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله والرسول ان کنتم تؤمنون بالله والیوم الاخر ذلک خیر واحسن تاویلا و قال الم تر الی الذین یزعمون انهم امنوا بما انزل الیک وما انزل من قبلک یریدون ان یتحاکموا الی الطاغوت وقد امروا ان یکفروا به ویرید الشیطان ان یضلهم ضلالا بعیدا واذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل الله والی الرسول رایت المنافقین یصدون عنک صدودا و قال ان المنافقین یخادعون الله وهو خادعهم واذا قاموا الی الصلوة قاموا کسالی

در مذمت الواط عالم نما نماز بدعت باسم ترویج دین ۱۲۵۰

یراؤن الناس ولا یذکرون الله الا قلیلا مذبذبین بین ذلک لا الی هؤلاء ولا الی هؤلاء ومن یضلل الله فلن تجد له سبیلا

ان المنافقین فی الدرک الاسفل من النار ولن تجد لهم نصیرا و قال الذین یستحبون الحیوة الدنیا

علی الآخرة ویصدون عن سبیل الله ویبغونها عوجا اولئک فی ضلال بعید و قال الذین ینقضون عهد

الله من بعد میثاقه ویقطعون ما امر الله به ان یوصل ویفسدون فی الارض اولئک لهم اللعنة و

لهم سوء الدار و قال ان جهنم کانت مرصادا للطاغین مآبا لابثین فیها احقابا از علی روایت است هر حقبی هشتاد عام

و هر عامی هفتصد و شصت سال و هر سالی سیصد و شصت روز و هر روزی هزار سال دنیا بنابر قول صاحب مجمع البیان بعد میفرماید جزاء وفاقا

انهم لا یرجون حسابا و کذبوا بآیاتنا کذابا و کل شیء احصیناه کتابا فذوقوا فلن نزیدکم الا عذابا و قال

ان المجرمین فی عذاب جهنم خالدون لا یفتر عنهم وهم فیه مبلسون وما ظلمناهم ولکن کانوا هم الظالمین و نادوا

یا مالک لیقض علینا ربک قال انکم ماکثون لقد جئناکم بالحق ولکن اکثرکم للحق کارهون ام ابرموا امرا

فانا مبرمون ام یحسبون انا لا نسمع سرهم ونجواهم بلی ورسلنا لدیهم یکتبون [illegible] آیات و وعد و وعید [illegible]

در قرآن نازل شده است برای مجرمین دین ما [illegible] بیدار کو بیدار کو معلوم که علم قرائت و تصحیح قرائت نماز [illegible]

چنانکه بر دانشمند مسلمانی [illegible] در صورت و لباس اهل علم و دستار و ترویج دین بکلمه تمیز حروف کافی است

۱۹۲ یکی از اصحاب وارد خدمت حضرت سجاد گردید موافق رسم متعارف عرض کرد کیف اصبحت یابن رسول الله فرمود این کلمات

صبح کرده ام که چند نفر صاحبان طلب دارم طلبکاری فرمایند در جواب ایشان چرا اما اول الهنا خداوند قهار طالب واجبات

ثانیا رسول خدا طالب رسوم و آداب شریعت طاهره خود است ثالثا نفس طالب شهوات خود و هوا و دلخواه رابعا شیطان طالب

انواع نواهی و مخالفات شرعی در دین [illegible] پنجم عزرائیل قبض روح را میخواهد ششم قبر طالب جسد خود است هفتم ملکین در

اعمال و احکام [illegible] لازمه [illegible] خاطر جمعی [illegible] که [illegible] نماز [illegible]

در عوض فرمایش امام چهارم [illegible] در فکر طلبکاران مذکور [illegible] که زمان است که [illegible]

[illegible]

[illegible] عوض [illegible] نماز اختراعی بدعت [illegible]

[illegible] کار [illegible] دشمنان دین و معاندین امیرالمؤمنین [illegible]

امام [illegible] شمشیر کشیده [illegible] بقتل و کفر امام زمان [illegible] بتدریج [illegible] باسم ترویج [illegible]

[illegible] نماز که خاتم انبیا [illegible] سلام الله علیهم اجمعین

[illegible] نماز در زمان [illegible] ذلت [illegible]

[illegible] کلامی است [illegible] برای بلندی علم نماز [illegible]

این جنبش عمده ارکان دین خاتم النبیین [illegible] برداشتن [illegible] امامت و ولایت [illegible] بطلان [illegible]

بلباس [illegible] ترویج [illegible] از علم قرائت و قاریان اثری نمانده و نه از تعلیم و تعلم نماز صحیح

[illegible] محتاج دلیل و اثبات نیست [illegible] نماز بدعت [illegible]

که از فضلا و [illegible] قرائت حمد و سوره [illegible]

[illegible] قرائت [illegible] بعلمای [illegible] نماز

موافق اصل [illegible] باحتیاط [illegible] نماز [illegible] خاطر جمع [illegible]

[illegible] ومن لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون [illegible]

فصل یازدهم از باب دوم

اشاره به عبادات وارده مغشوشه ۱۴ از علما و کسبه و کم‌فهمان

و قال الله تعالی یوم تشقق السماء بالغمام ونزل الملائکة تنزیلا الملک یومئذ الحق للرحمن وکان یوما علی الکافرین عسیرا ویوم یعض الظالم علی یدیه یقول یا لیتنی اتخذت مع الرسول سبیلا یا ویلتی لیتنی لم اتخذ فلانا خلیلا لقد اضلنی عن الذکر بعد اذ جاءنی وکان الشیطان للانسان خذولا وقال الرسول یا رب ان قومی اتخذوا هذا القرآن مهجورا وکذلک جعلنا لکل نبی عدوا من المجرمین وکفی بربک هادیا ونصیرا و قال تعالی الذین یحشرون علی وجوههم الی جهنم اولئک شر مکانا واضل سبیلا چونکه عبادة برعکس سیر لشیب که عبارت از عبادت مغشوش خصوص عوام الناس غالب معاصی شیطانی ملاحظه نماید و اقسام آن بسیار است خواه تشریع صرف باشد مثل اینکه شخص نذر نماید که کار من قیام امشب در روز و قمار با حقه بازی در کیرد کتابت و لخواه بدست آوردم سه روز روزه بگیرم یا ضیافتی کنم لازم نیست و فاتحه و نذر صلوات خوان بر بساط شرعی باشد مغشوش با معاصی و محرمات مثل عزاداری و گریه با انواع معاصی مردمان ظلام به فاجره بلکه معاصی شیء در درجه باید زیاد خواهد شد عظیم داشته مثلی اینکه مشوش و ممزوج به بدعت باشد خصوص و قتیکه عوض اهل بدعت نمایند و لا سیما با اسم ترویج و باعث این بدعت در صورت صلحای ابرار و مقدسین و علما باشد که شیطان زمان و شریک کافی مردمان و ناصب معاویه و یزید و ابن زیاد و منافق سلمان بلکه بر تر از ایشان باشد در گمراهی مؤمنان پس باید انسان خود موفق به توفیق تامل و تفکر در کار و بار خود شده و غرور علم شیطان و کار شیطانی علم و فضل و تعبد خود و بدعت خود نموده به لطف الهی دانسته اینکه بواسطه تراکم معاصی و بدعت توفیق الهی سلب حال او اصلا نباشد چنانکه بحکم شیطان سلب کرامت شده مثل الشیطان کرامت حاله موافق اخبار بصحابه به بدعت توفیق توبه کرامت رسیده و اگر توبه هم نماید قبول نکرده است چنانکه اهل علم توجه و التفات نکنند به بدعت این کار نماز بدعت نماز نه و بدون علم قرائت فقه صحت و بطلان نماز خود و دیگران مینمایند که اذا فسد العالم فسد العالم و اگر بعضی از مؤمنین استبعاد فرمایند از انواع علم و فضل او الا اینکه در تمامی دیانات و ملل فساد دین و مذهب علما که از مسلک عالم فاضل مرتکب این کارها که اند از معتبرین و معتمدین که اقوال و افعال ایشان و حجت بوده اند کار نماز که سبب اعیان نموده زیرا که اعتنی نمایند چنانکه نماز بدعت و غیر بدعت از نماز واجب و بدعت و سنت و باطل و مکروه و احتیاطی که باصطلاح علما در تمامی طاعات و افعال و اقوال اصلی خمسه و دانستن و فرق هر یکی را با معیار و میزانی دانستن لازم است تا بعد از آن عمل نماید و الا بر مسلک عوامی که راه رود اگر بلد نباشد و نیز نداند از اهل آن اخذ نماید هر قدر راه برود از مقصد خود دورتر خواهد شد چنانکه هر علم را معلم خوب لازم است حتی در بخش جسد در گوشت که تمامی مردم مدعی دانستن آن هستند تو با یکدیگر انصاف کن که بخش هر کسی با شرایط ملبس نباشد نماز یک سجده هفتاد هر مسئله مخصوص واجب دارد با چهار هزار مسئله واجب و لازم است دارد زیاده بر صد آیه در قرآن در باره آن تاکید فرماید با این طور سهل و آسان قاعده و قانون کتابی که میزانی نباشد تجویدها که حلب در همه علما و طلاب موجود شاطبی بان بزرگ که شش نفر قاری که هر کدام با هر راوی که اجتهاد این علم شریف مستمر و برقرار بودن تا ظهور حضرت حجه الله بلکه تا قیامت مستمر و قاری و ساری باشد که هیچ علمی مثل این علم در شرح بعد از تحریر و بغیر از اصول و فقه نبایست و بی حد و عمل با اصول و فقه نیز بی آشنائی علم قرائت مختلف و بی ثمر باشند چه قدر در دین اسلام واجب و لازم است حتی فعلا و دها قی نیز نسبت با بستعداد خود باید بقدریکه لا محاله نماز مسقط قضا باشد نه بر مثال اکثر علما و مستمران لاابالی بی اعتنایی در نماز مسقط قضا تبحر و کند و فرق میان نماز احتیاطی که قاری پسندش باشد با نماز مسقط قضا و مقصر در علوم دیگر برای شیطان با کمال فصاحت و بلاغت کوی سبقت از ابلیس ربوده نعوذ بالله من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا بلکه حد بنیا زائیده ازین و احیا و فساد دارد غرور علم که با آن علاوه شده ابدا استبعاد ندارد مصداق آیه شریفه الذین یحشرون علی وجوههم الی جهنم اولئک شر مکانا واضل سبیلا اقلا از اهل طبقه هستند

۱۹۳

در اثبات قباحت کلام فساد انگیز علمای لاابالی ۱۲۷

خلاصه علما باید از آیات قرآنی و احادیث مقربان حضرت [illegible] نفس [illegible] بیگانه تمیز [illegible] لسان قرآن

و محمد و آل محمد سلام الله علیهم [illegible] عبرت و معرفت [illegible] خواهش نفس و غرور و نخوت شیطان [illegible]

از منافقین که شتنگان و منافقین زمان خاتم النبیین صلی الله علیه و آله بواسطه غرور و خواهش نفوس شریره خود بانی فساد [illegible]

شده اضرار هر فساد [illegible] که [illegible] کمتر [illegible] در انظار [illegible]

بسیار [illegible] ایجاد [illegible] که در انظار [illegible] سر دم [illegible] فساد آوردن [illegible]

[illegible] رسول [illegible] صلی الله علیه و آله [illegible] بواسطه تدریج و تاخیر [illegible] مقدمات فساد [illegible] فراهم آوردن [illegible]

[illegible] سال مقدمات نماز صحیح [illegible] علم قرائت و قاریان [illegible] منسوخ کرده [illegible] تعلیم و تعلم [illegible]

[illegible] از [illegible] مقدم و الزم و واجب [illegible] محض عوام [illegible]

بعد از [illegible] طلاب موجود [illegible] طلبه و عالی [illegible] زمان [illegible] موجود

مع ذالک الکثرت و السهل [illegible] زمان [illegible] دلالت [illegible]

[illegible] در تمامی بلاد [illegible] علم قرائت و معلم و متعلم [illegible]

در تمامی محلات و اسواق و دکاکین و مجالس [illegible] صحیح [illegible]

مگر تعلیم و تعلم [illegible] علم قرائت و مقابله قرآن [illegible] مسائل و [illegible]

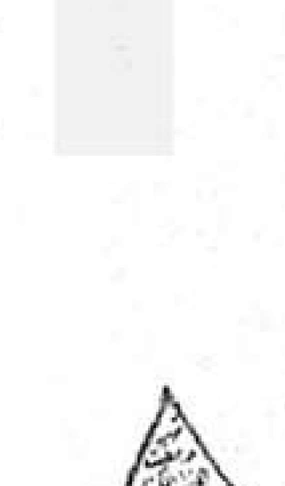
[illegible] ۱۹۴

مقدم بر نماز [illegible] در زمستان [illegible]

[illegible] الله [illegible]

[illegible]

[illegible]



[illegible] نماز جماعت [illegible] جمعه [illegible]

[illegible] مدرسه [illegible]

[illegible]

فاخبره [illegible] المسیب [illegible] نماز [illegible]

[illegible] اسلام [illegible] تعلیم [illegible]

[illegible] اطفال [illegible] نماز [illegible] تعلیم نماز [illegible]

[illegible] مسلمانان [illegible]

کلمات عدم ملاحظه عاقبت و لاابالی [illegible] علم [illegible]

[illegible] تمیز حروف و قرائت کافی است [illegible] کلام [illegible]

[illegible] و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله

فبشرهم بعذاب الیم [illegible]

[illegible] عدم ملاحظه عاقبت کلام [illegible]

عوام [illegible]

[illegible]

[illegible] عدم ملاحظه [illegible] کلام [illegible]

در اشاره بآنکه ما کل سر بدکاران عباد [illegible] بسته‌اند ۱۲۸

والی صل دنیا حاصل منهی است خصوص برای علما که چنانچه هستند کور شستند چنانکه میفرماید. احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا وهم لا یفتنون
ولقد فتنا الذین من قبلهم فلیعلمن الکاذبین وقال تعالی والذین کفروا بآیات الله ولقائه اولئک یئسوا من
رحمتی واولئک لهم عذاب الیم وقال تعالی تلک آیات الکتاب الحکیم هدی ورحمة للمحسنین اولئک علی هدی
من ربهم واولئک هم المفلحون وقال تعالی ومن الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله
بغیر علم ویتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین واذا تتلی علیه آیاتنا ولی مستکبرا کأن لم یسمعها
کأن فی اذنیه وقرا فبشره بعذاب الیم وقال تعالی ومن الناس من یجادل فی الله بغیر علم ولا هدی ولا کتاب
منیر ثانی عطفه لیضل عن سبیل الله له فی الدنیا خزی ونذیقه یوم القیمة عذاب الحریق ذلک بما قدمت
یداک وان الله لیس بظلام للعبید عالم و طلبه وقتی دین و ایمان خود را محافظت توانند که هر کس رسیده و صحبتی
با کسی شروع کند در فکر این باشد که از این شخص دارین کلام دین من در دستم خواهد ماند یا ببینم [illegible] خواهد رفت
چه مهلکه و تهلکه مرا حاصل خواهد شد [illegible] رسیده بشکران بر دارد همیت که فرموده موتوا قبل ان تموتوا حاسبوا
هر روز دستوا باین طور مطلب بالنفس حرف بکشد نه آنکه تا شب چشم از حرکات نفس بپوشد باین [illegible] منتظر کنیم
داخل شیطانست وقال الله تعالی ومن الناس من یجادل فی الله بغیر علم ویتبع کل شیطان مرید کتب علیه انه من
تولاه فانه یضله ویهدیه الی عذاب السعیر وقال ایضا ومن الناس من یعبد الله علی حرف فان اصابه ۱۹۵
خیر اطمأن به وان اصابته فتنة انقلب علی وجهه خسر الدنیا والآخرة ذلک هو الخسران المبین یدعوا
من دون الله ما لا یضره وما لا ینفعه ذلک هو الضلال البعید یدعو لمن ضره اقرب من نفعه
لبئس المولی ولبئس العشیر وقال الله تعالی یا بنی اقم الصلوة وأمر بالمعروف وانه عن المنکر
واصبر علی ما اصابک ان ذلک من عزم الامور ولا تصعر خدک للناس ولا تمش فی الارض مرحا واقصد فی مشیک واغضض
من صوتک ان انکر الاصوات لصوت الحمیر تمام آیات نصیحت حضرت لقمان برای عرفا باقامه صلوة و امر بمعروف
ونهی از منکر و صبر بر شداید دنیا که صبر بر مصائب و شداید امراض و صبر بر اینکه اجتناب از معاصی و صبر بر اداء طاعات
اقسام ثلاثه صبر و مکارم است آنها که از عزائم امور باشد و تفصیل عزائم امور ونهی از کبر و غرور و امر بتواضع و سلیمانی که اخلاق
مراتب اسلام و ایمان علیا باشند و سایر صفات کمالیه صلح و صلاح هستند در یک آیه جمع و بیان کرده
بنده که سر رشته لسان را از راست تقوی و زهد و ورع بیاموزد تو بگذار فکر کن که صلوة بیش از ملک
و طاعات زهد و تقوی فرموده آیا چه حسابست آیه [illegible] نماز بازیچه [illegible] ملیتواند بنده باین قید صفت
حاصل بنده دیگر برسد که الصلوة عمود الدین ان قبلت قبل ما سواها وان ردت رد ما سواها
واگر این نماز بحث این اثر داشتی پس چرا تاثیر ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر تاثیر بر عکس
واثر دارد دارد پس محقق است که این نماز [illegible] تاثیر دارد [illegible] موجود خواهد بود کالشمس فی وسط السماء
[illegible] نماز [illegible] بحث [illegible] این نتیجه [illegible] خشیت [illegible] من شرح بالکفر صدرا فعلیهم غضب من الله
ولهم عذاب عظیم ذلک بانهم استحبوا الحیوة الدنیا علی الآخرة وان الله لا یهدی القوم الکافرین اولئک الذین
طبع الله علی قلوبهم وسمعهم وابصارهم واولئک هم الغافلون لا جرم انهم فی الآخرة هم الخاسرون
وقال تعالی وقال الذین کفروا ربنا ارنا اللذین اضلانا من الجن والانس نجعلهما تحت اقدامنا لیکونا من الاسفلین
وقال ان الله لعن الکافرین واعد لهم سعیرا خالدین فیها ابدا لا یجدون ولیا ولا نصیرا یوم تقلب وجوههم فی
النار یقولون یا لیتنا اطعنا الله واطعنا الرسولا وقالوا ربنا انا اطعنا سادتنا وکبراءنا فاضلونا السبیلا ربنا آتهم ضعفین من العذاب والعنهم لعنا کبیرا

انما یخشی الله

اختیار علماء از میان آیات ۱۲۴

مسلم است که هر کار برای صنعت و تجارتی معیاری و میزانی است خداوند عالم در سوره دخان میفرماید انا انزلناه فی لیلة مبارکة انا
کنا منذرین فیها یفرق کل امر حکیم امرا من عندنا انا کنا مرسلین رحمة من ربک انه هو السمیع العلیم و
عن الباقر و الصادق و الکاظم ع انزل الله تعالی القرآن فیها الی البیت المعمور جملة واحدة ثم نزل من البیت المعمور علی رسول الله
فی طول عشرین سنة فیها یفرق کل امر حکیم ای یقدر الله عز و جل امر من الحق و الباطل و ما یکون فی تلک السنة
یزید ما یشاء و ینقص ما یشاء و یلقیه رسول الله الی امیر المؤمنین الی الائمة و یشترط فیه البداء و التقدیم و التأخیر
و فی سورة السجدة حم تنزیل من الرحمن الرحیم کتاب فصلت آیاته قرآنا عربیا لقوم یعلمون بشیرا و نذیرا فأعرض اکثرهم
فهم لا یسمعون و الحاصل فارق جمیع ادیان و عالم فارق تمامی حق و باطل و احکام و اقوال و اعمال قرآن است که لا رطب و لا
و لا یابس الا فی کتاب مبین و لی از خود در علم و فضل علماء خوب و لازم علم قرائت و باقی علوم و اثبات تواتر کل
از طرف جهل تسلط و دلالات و بی‌عقلی تمامی علم قرائت و کلمات شاطبی و امثال شاطبی و تمامی رسوم و قواعد تجوید و [illegible]
بیک کلمه مولوی [illegible] تمام رسانیده که ایها الناس تمیز حروف در علم قرائت کافی است یعنی تمامی قواعد
باین کلمه کافی و وافی است و نسخ و بطلان و تکفیر قاریان این کلمه که قاریان بسیار دهان [illegible] اگر درست
باین هر کلمه و امثال این کلمات فساد عالم کبیر که سوای فساد [illegible] دارد در بعضی موارد خوب صحیح و بجا استعمال شده در
هر موضوعه و عدم تفکر در عاقبت نتایج فساد انواع و اقسام فساد اکبر و خطر اندازه [illegible]
۱۹۶ ملاحظه و مداقه ندارند که چه طور خانه خاتم الانبیاء و امیر المؤمنین [illegible] آتش [illegible] چنانکه اگر کلمات و اقوال
در غیر موضع استعمال شود باعث فساد است کقطع المرء فی الاصداف [illegible] و فی بطن الاناجی [illegible] کم ترکوا من
جنات و عیون و زروع و مقام کریم و نعمة کانوا فیها فاکهین کذلک و اورثناها قوما آخرین و قال ان شجرة
الزقوم طعام الاثیم کالمهل یغلی فی البطون کغلی الحمیم [illegible] ذق انک انت العزیز الکریم ان هذا ما کنتم به تمترون و قال
ویل لکل افاک اثیم یسمع آیات الله تتلی علیه ثم یصر مستکبرا کأن لم یسمعها فبشره بعذاب الیم [illegible]
[illegible] مضمون این آیه شریفه ان الذین یکتمون ما انزلنا من البینات و الهدی من بعد ما بیناه للناس
فی الکتاب اولئک یلعنهم الله و یلعنهم اللاعنون [illegible] ضلالت [illegible]
موافق فرمایش حضرت ابی عبدالله من غرض عن الحق فهو شیطان اخرس [illegible] آیات الهی [illegible]
قبول نمایند باید چه قدر کوشش و قلوب که شیطانی داشته باشند و از توفیق الهی بی نصیب باشند تا منافقین [illegible]
و قال الله تعالی تلک آیات الله نتلوها علیک بالحق فبأی حدیث بعد الله و آیاته یؤمنون ویل لکل افاک اثیم یسمع
آیات الله تتلی علیه ثم یصر مستکبرا کأن لم یسمعها فبشره بعذاب الیم و اذا علم من آیاتنا شیئا اتخذها هزوا
اولئک لهم عذاب مهین من ورائهم جهنم و لا یغنی عنهم ما کسبوا شیئا و لا ما اتخذوا من دون الله اولیاء و لهم عذاب
عظیم [illegible] از برادران کسی ایراد فرمایند که در باب [illegible] نماز این قدر تاکید چرا [illegible] جواب بشارات عظم جواب آنکه قرآن
و احکام و لوازم نماز از واجب الوجود وارد است دیگر آنکه [illegible] آیه از محکمات تاکید [illegible] در نماز است که از اعظم نعم الهی است
در یک سوره الرحمن [illegible] تاکید بر عدم تکذیب نعم و آلاء [illegible] در حقیقت تکذیب صاحب نعم است
سوره [illegible] ویل للمکذبین [illegible] اثبات و عدم نسیان نماز و احکام نماز
[illegible] لوازم نماز و اعمال نماز [illegible]
بر عکس [illegible] لازم [illegible] از اهل قرآن [illegible]
[illegible] ترجیح [illegible] علم قرائت [illegible]
[illegible]

و بعضی

فصل یازدهم

اشاره بدانستن موضوع علیه [illegible] ۱۳۰

و بعضی کجا بنشستند [illegible] ادا کنی در محفل مرکب [illegible] تمامی شرایط و آداب دین اسلام [illegible] مصلحه [illegible] عزاداری [illegible]

[illegible] عزاداری کنی [illegible] اصلاح [illegible] قرآن و تعلیمه [illegible] قانون دین [illegible] اسلام [illegible] عزاداری والسلام [illegible]

[illegible] بحکم غیر ما انزل الله [illegible] فرعون و شداد [illegible] آیات و احکام قرآن [illegible]

[illegible] امامت [illegible] انی تارك فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی [illegible] کتاب الله [illegible] مقدم [illegible]

و در هر حال مضمون این آیه [illegible] انما یخشی الله من عباده العلماء [illegible] آیات محکمات [illegible] متشابهات [illegible]

و حال آنکه مخصوص اهل خوف و خشیة است چنانکه مشهور است [illegible] که روضه خوانان [illegible]

اول [illegible] بعد شروع بروضه خوانی نمایند [illegible] شرایط و آداب [illegible] منبر [illegible]

و در هر یک [illegible] مردم [illegible] افراط یا تفریط [illegible] خواهش ایشان تکرار [illegible]

باز کرده [illegible] موافق خوش ایشان [illegible] نماز [illegible] خواهش ایشان [illegible]

آورند [illegible] زمان [illegible] ترویج [illegible] شریف [illegible] ادا [illegible] رسم عزاداری [illegible] تمامی واجبات و آداب [illegible]

چنان [illegible] بی بهره نمایند که تعلم صحت نماز و قرائت [illegible] نماز و حلال و حرام نماز و ریا و عجب [illegible]

تصرف در مال غیر [illegible] مؤمنین [illegible] اجتناب [illegible] صلاة نه [illegible] تعلیم صحت نماز [illegible]

[illegible] مؤلف [illegible] تالیف و تحریر [illegible] اخبار و احادیث فضایل و مصایب آل الله و علم قرائت کلام [illegible] ۱۹۲

در آخر عمر بعد از [illegible] ضعف و سستی تمامی [illegible] مقام آورده که بر [illegible] واجب [illegible]

[illegible] تاکید [illegible] مؤمنین [illegible] لازم و واجب [illegible] چنانکه زاد المعاد مجلسی مرحوم لازم است که [illegible]

از ایام [illegible] ماه [illegible] مؤلفات ابن عباس [illegible] واجبات و صحت [illegible]

و تمامی واجبات را [illegible] باشد [illegible] ان قبلت قبل ما سواها و ان ردت رد ما سواها [illegible]

ان الصلوٰة تنهی عن الفحشاء والمنکر چنانکه اظهر من الشمس و ابین من الامس است که [illegible] عالم [illegible]

دلیل واضح است بر عدم وجوب صحت نماز و بطلان و بدعت [illegible] نماز [illegible]

باسم ترویج دین در لباس و صورت دوستی و محبت که اعظم فسادها است که در لباس خوب و دوستی

باسم خاص دوستی خراب کردن [illegible] چهار [illegible] معصوم و در هم بر هم کردن [illegible]

علمای عاملین ربانی و مجتهدین دین اسلام [illegible] لباس حقیقی عبادات و نماز [illegible] باطل [illegible]

بدل کردن [illegible] علائم دین [illegible] نماز [illegible] معنی حدیث [illegible]

خواهی [illegible] چنانچه [illegible] المجلسی [illegible] عقل و شعور [illegible]

والعذر عنه کرام الناس [illegible] قلم [illegible] تطویل و افراط کلام [illegible]

[illegible] ابن [illegible] الا [illegible]

[illegible] نماز و قرائت [illegible] عالم فنا [illegible]

از [illegible] دل عاشقان [illegible] محبت [illegible] محبان عالم حقیقت [illegible] مع ذلک [illegible] عالم فنا [illegible]

نماز [illegible] نماز [illegible] در وقت [illegible] نماز [illegible] شیطان [illegible] قاضی [illegible]

بخلاف ما انزل الله حکم قطعی صحت و بطلان [illegible] شیطان [illegible]

با ایشان [illegible] معنوی ایشان [illegible] و قال الله تعالی یا ایها الذین آمنوا هل ادلکم علی تجارة

تنجیکم من عذاب الیم تؤمنون بالله و رسوله و تجاهدون فی سبیل الله باموالکم و انفسکم ذلکم خیر لکم ان

کنتم تعلمون یغفر لکم من ذنوبکم و یدخلکم جنات تجری من تحتها الانهار و مساکن طیبة فی

جنات عدن ذلک هو الفوز العظیم و قال مثل الذین حملوا التوریة ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا

بئس مثل القوم الذین کذبوا بآیات الله والله لا یهدی القوم الظالمین [illegible]

اسباب سببیه غلط شدن و گمراهی و ضلالت ۱۳۱

پس دانستن و خواندن علوم خوبست و در حد آنست که شرط عمل و علم نیز محقق هست بشرط صحت و میزان بدون میزان و معیار ...

و نتیجه ندارد و صحت و میزان علوم همه آنها علم قرائت محتاج الیه است بمعرفت جمال و درجات هر فرد از افراد اسلام ...

عامه و خاصه است چنانکه از ضروریات دین مقبول الطرفین است پس لسیله ضروری دین ... استحقاق نماید ...

از جمله ... قرآن است ... و علوم ... و بل الملک ... در روز ... بار ... صنعت ...

فرمایند در ترک و نسیان قرائت نماز ستون دین ... نماز ... باشه چه قدر فضیحت ...

سنیانیکه ... از هر فاسق ... در استحکام ارکان ... علم قرائت ... از ابتدای طفولیت تا آخر ...

بچشم خود در ... بلاد معظمه اسلام ... شام و حلب و بغداد و اسکندریه و مصر و میان سنیان ... عجمی و ...

کلا ... خوب ... نماز ... بدون قرائت قرآن خواندن و نماز کردن ... لعن و طعن ...

میان شیعه هم مشهور است قرآن خواندن ... القرآن والقرآن ... اعظم مصداق قرآن خواندن است در وقت ...

و غلط خواندن ... جهل و نادانی باطل ... اعتقاد بصحت ... قرآن خواندن ...

بقصد ورود کافر ... باشد ... تعبیر معانی ... تفسیر و بیان اسرار نماز و لغت معانی ... انشاء الله ...

اما ... عالم و معتمد ... در لباس دینداران ... ترویج و تعظیم دین بدون ملاحظه ... کلام ...

... بواسطه عزت ... دین قرار ... که ایشان ... جنس ...

... مقام و مرتبه ... اینست ... ایام ... تمامی ...

۱۹۹ و هر کدام باید ... باشند ... جهال ... غافل ... باشند مصداق کلمات ...

... از ... اهل ... مسلمانان ... ملائک ... حکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون

... این آیه ... یهود و نصاری و مجوس و فرنگ و روم و روس ... نزول ... اهل ...

مصداق این آیه ... خطاب ... مثل الذین

حملوا التوریة ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا بئس مثل القوم الذین کذبوا بایات الله والله لا یهدی القوم الظالمین

... در هر زمانی کار و بار ... نفوس ... خود ... ادراک ...

آورد ... دوام ... مرگ ...

... علاج ... بعد از رسیدن ... علاج ... علم قرائت ...

پس ... دوست باید داشت ... اطاعت و بندگی است ... علم ...

شیطان ... قاضی ... مردم باید ... دین ... قدیماً و جدیداً ... رسم ...

... برادران شیطان ... ایشان ... توبه و پشیمانی ... هستند ...

ایشان ... مردم ... ایشان نزدیک ... چنانکه فرموده لا تجد قوما یؤمنون

بالله والیوم الآخر یوادون من حاد الله ورسوله ولو کانوا آباءهم او ابناءهم او اخوانهم او عشیرتهم

اولئک کتب فی قلوبهم الایمان وایدهم بروح منه ویدخلهم جنات تجری من تحتها الانهار

خالدین فیها رضی الله عنهم ورضوا عنه اولئک حزب الله الا ان حزب الله هم المفلحون ...

بشرط ... خشیة والذین اوتوا العلم درجات والله بما تعملون خبیر و قال الله تعالی انما یخشی الله

من عباده العلماء ... بدون شرایط و آداب هیچ کار و عملی نباشد ... حرکت ...

میزان و معیار اصول ... که برای این حرکت ... واجب است ... هر کدام ...

در ذم کسانیکه در دنیا مخالفت عهد قدیم را نموده بعد میروند

در مذمت بدعت و نتایج و گناه ظلم و فصل چهارم از دهم در عهد و پیمان الهی

قال الله تعالی والذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه ویقطعون ما امر الله به ان یوصل ویفسدون فی الارض اولئک لهم اللعنة ولهم سوء الدار و قال وزین لهم الشیطان اعمالهم و قال فی سورة الکهف قل هل ننبئکم بالاخسرین اعمالا الذین ضل سعیهم فی الحیوة الدنیا وهم یحسبون انهم یحسنون صنعا اولئک الذین کفروا بآیات ربهم ولقائه فحبطت اعمالهم فلا نقیم لهم یوم القیمة وزنا ذلک جزاؤهم جهنم بما کفروا واتخذوا آیاتی ورسلی هزوا و قال یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول ولا تبطلوا اعمالکم ان الذین کفروا وصدوا عن سبیل الله ثم ماتوا وهم کفار فلن یغفر الله لهم انما الحیوة الدنیا لعب ولهو وان تؤمنوا وتتقوا یؤتکم اجورکم ولا یسئلکم اموالکم خداوند خطاب بمؤمنان میفرماید صریح و در این آیه کریمه خطاب بکفار است تا بدانیم که بعد از عهد و پیمان روز الست در دنیا آن عهد و پیمان را بسیاری خواهند شکست [illegible] در دنیا [illegible] خواهد شد چنانکه حضرت صادق آل محمد فرموده [illegible] داریم [illegible] حق ما را نشناسند [illegible] از این سه جماعت سلطان جابر ظالم و اهل بدعت در دین و مذهب و متجاهر بفسق [illegible] لاابالی و اکثر [illegible] ضلال داخل کافران ملحق و چون دشمن اهلبیت و حضرت رسول [illegible] فرموده اهل بدعت ناصبی در دشمنی ما اهلبیت کافر از دنیا رود و حضرت صادق فرموده هر که اختیار غضب الهی نماید برای رضای مخلوق خدا مخلوق دشمن او شود و هر که رضای خدا اختیار نماید برای دشمنی خلق بس خدا او را کفایت نماید از شر دشمنان خاصه این خصوص کسانیکه از مردم ظالم و اذیت مردم از نزد سلاطین و حکام [illegible] و از [illegible] کافر از دنیا برود [illegible] خاتم انبیا فرموده اهل جهنم [illegible] [illegible] و ملائکه از جهنم [illegible] و گوشت [illegible] میخورند [illegible] از [illegible] ایشان [illegible] الهی [illegible] روایت سالها [illegible] و [illegible] جاهها [illegible] [illegible] راه خلاص [illegible] بعد از هزار سال [illegible] از [illegible] بعد [illegible] باطن [illegible] جهنم [illegible] بعد از هزار [illegible] سال [illegible] خلاص [illegible] روایت [illegible] جهنم [illegible] انواع عذاب [illegible] اهل عذاب [illegible] و [illegible] از ظلم مؤمنان [illegible] بر [illegible] و اذا [illegible] آیاتنا ولی مستکبرا کان لم یسمعها [illegible] از حضرت صادق روایت است که هر که سعی نماید [illegible] از [illegible] مردم [illegible] خداوند [illegible] و فرمان خود [illegible] داخل [illegible] نماید و شیطان نیز [illegible] و قال صلی الله علیه و آله الشر ثلثة قیل یا رسول الله ما الثلثة قال الذی یسعی باخیه الی السلطان فیهلک نفسه ویهلک اخاه ویهلک السلطان و [illegible] رحمة الله [illegible] مردم [illegible] و بغض آل محمد در دل [illegible] ظلم [illegible] معاصی [illegible] فساد [illegible] [illegible] خواهند [illegible] الروحانیة المقتضیة لاجتماعهم فی الحشر [illegible] چنانکه از صادق آل محمد [illegible] بسیار [illegible] از حلال و حرام [illegible] طمع [illegible] زمان [illegible] چنانکه [illegible] زمان [illegible] [illegible] صاحب [illegible] و دولت [illegible]

بخواطر عوام

در مذمّت بدعت و اهل بدعت و اختراع نماز

١٣٣٤

فصل [illegible]

موافق فطرت خود کل چه بدلذة مردم بسیار طالب میباشند کاش چه بدعتهای شنیده‌اید [illegible]

اهالی بدعت هستند [illegible]

بعد از زمانی پشیمان [illegible] حضرت صادق [illegible]

[illegible]

فانّ لعنت من العنت ملائکه [illegible]

[illegible] بدعت ضلالت هست ضلالت [illegible]

[illegible] خلاف عوام الناس [illegible] امیر المؤمنین [illegible]

[illegible] قرآن خوانان و حافظان قرآن [illegible] یا ایها الناس یا اهل قرآن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

اشاره ۱۲۵ توضیح مسئله نماز و تخریب متقشّرین عالم صورتان

و در حقیقت این وقیعه و جفا او را اراده است خواندن نماز که ستون و پایه و رکن دولت دین است چه اگر رخ عیب ناقص آداب دین و سیلانی
بود بغیر از صحیح چه علم و عقیده چنانکه نماز علامت صحت و درستی دین دلالت صحت اعمال اسلامیت و خواهش خواندن نماز اعمال
میباشد علم قرائت نیز علامت دلالت احکام علوم از اصلی و فرعی و اخلاق و محسنات و عقود و ایقاعات میباشد از نکاح
طلاق و صلح و سایر احکام و بیع و رهن و غیرها که محتاج صیغه خواندن و نماز و آیات و غیرها که باطل باشند و فساد
خواهد شد اللهم احفظنا و اگر معتقد بعدم علم قرائت باشد چه قدر فضاحتی و رسوائی خواهد شد بقدر احتیاج معتبر
بودن علم است علامت نماز ستون دین محمدی است لکن بانکار این حکم باشد دین مجبور نیز تواند چنانکه یکی از اهل علما
در حلقه اهل ملاقات شد منکر بود که کارش را با خوار و هم با حال خوش و وفات یافت مبالغه کلی خبر
و اصل اینکه از چنین شخص استعمار شده که دین آنحضرت را الفاظ نمایند و باطن افراط کرده اسلامیت علامت اعمال باشد که تمام اعضا
و ائمه و علمای اسلام استحکام دین و آداب دین آمده اند بر لغت عربی زبانی و هم دین و ایمان که مسمی قرآن عبارت از دین محمدی است
لازمه قرآن و مصحح قرآن علم قرائت است مصحح نماز و جمیع عقود دین اسلام است حقیقت هر صرف مقدمه ایست مقدمه دین اسلام
شریف است با اعتقاد فریقین اسلام ثابت که از نظر خود و الناس دین و ستون دین کامل محکم باشد تحصیل نماز قرائت
کار سهلی است که در بچگی آن را تمرین کرد و یاد گرفت همان چنانکه تا شصت سال ستون دین خود محکم و صحت و صرف از آن
جنبش خواهد برای صحت و درستی آن سعی در تعلیم نماز و شرف و بزرگی ستون دین و نظام قرائت او وقت محقق باشد که بقدر فرض
باید قرائت اصرار نمایند چنانکه تعریف آن رسیده اند که قلب و نماز رواج نیابد این بدبخت ستون دین چنین که منکر علم قرائت
هم باشند و کفر اهل خبر نشان میدهد و حال آنکه بعد از تعلیم و اصرار و خواطر جمعی و بی مانعی و قصد با صرف کنند حمل
میباشد کار بزرگ است و حتی دقیقه دارد و یک لغزش اقرار علما و حساب سواد را است و دقیقه و ملغمه سوره حمد است و خواندن صحیح آن
با نیت بزرگی دارد چه او قرآن خبر داده است و حمد که ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر یعنی از معاصی و ملاهی و دور
باز میدارد و مانع است بلکه از سر اساس معاصی خود را که جسم و خود یکی که مانع کنار تعبیر محقق است که نماز هست بلکه نماز به جنت
مسجد نماز و صاحب نماز است که کفر و ارتداد باشد از بین مسجد و مستهزا و ته باید که اینها که نماز را یکی از اهل ارتداد
که غفلت ترک نماز کفت بر دو چیز که کردم و قصد آن اقتی امد عالم ناکهان واید که لعنت کرد و کفر نماز مدتی بسیار دو سه سال از
ناپدران ایم و فقر و حسرت و لبرد این دکان و بازار مردم حاصلی از آن توقع داشتم چون که یکباره یاد داشتم این بقدر احوال صحبت تعزیت
این بعد تا دالی و قدر دقیق داد بسبب غفلت و کل حد آن در تعارض خود شده اند لیک این اسلام حکم قتل است که ترک نماز آید
و دلیل آنکه ثمره و نتیجه این نوع مسلمانی بغیر از طهارت ظاهر و سرادق ضوابط سایر مسلمانان و سهل و ساده آمد
در آنکه بعضی اوقات آنهم ناکار قبر فایده دیگر ندارد بلی برای از ذبح و عمل کردن بدعت و مخالفت خدا و رسول و شده
شاید و دلیل باشد چنانچه سایر اعمال که با شرایط و میزان و معیار خود نباشند حتی کفر آنش طبع و حرکت
بزرگان و عدد الفاسد مدرک اعمال حسنه و صلحیه معیار و میزانی باید که ملائکه مشغول تحریر و تقریر در نشر صحایف مستند
کار و عملی نباشد مگر نماز مسلمانی و حال آنکه در بزرگی و عظمت نماز و سجده نماز این قدر بس است که خدا در نماز و سجده نماز مخصوص
واجب الوجود است با صحت جایز نیست و نتوان چنانکه قرائت نماز نیز در نظر مردم ذلیل و حقیر و با پای هر ناکسی که اند گذار
واجب و سنت و بدعت و مکروه و جایز این نماز را تمیمه است از طبقات علما مدعی و حکم خلاف ما انزل الله ان علمنا مسعد الی
و بیش در ارتداد و کفر و حکم و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون مستند الآن الا از غیر کی بیشمار آن وصل امنوا
نزد او لاتقف ما لیس لک به علم نهی اللهی و ما هر که از صنعت و عادت اکثر نفوس است ترک نموده یا ایها الذین
اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و لا تبطلوا اعمالکم ان الذین کفروا و صدوا عن سبیل الله ثم ماتوا و هم کفار فلن یغفر الله لهم انما

۲۰۱

اشاره بر ذلیل و خار کردن علم صورتان نماز

الحیوة الدنیا لعب ولهو وان تؤمنوا وتتقوا یؤتکم اجورکم ولا یسئلکم اموالکم نمیدانم با همه ادعای فضل علم کذا [illegible]
ومعانی واضحه این همه آیات شریفه تأملی و تفکر نمایند جواب غفلت و مستی غرور در چه غایت است
نپسندید بجز اعتنائی ولاابالی و بی‌دینی سببی دیگر ندارند چه عذری نیست چه خود میفرماید انا انزلناه فی لیلة مبارکة
انا کنا منذرین فیها یفرق کل امر حکیم یعنی بواسطه این قرآن حق از باطل و معاصی از عبادات و [illegible]
و تواضع از کبر و غرور دیگر شد و جمیع اوامر و نواهی و خوبیها جلی داده هرچه تصور نمایی فارق حق و باطل قرآن است
انا کنا مرسلین رحمة من ربک انه هو السمیع العلیم و در سوره السجده تنزیل من الرحمن الرحیم کتاب فصلت آیاته
قرآنا عربیا لقوم یعلمون بشیرا ونذیرا فاعرض اکثرهم فهم لا یسمعون زیاده بر این همه تفصیل و فرق میان حق و باطل
بیان برای [illegible] افضل و کمال چه چیز باشد مگر اینکه کریم موافق حدیث شریف معراج خاتم الانبیاء صلی الله [illegible]
جماعتی از ملائکه غلاظ و شداد با زنجیرهای محکم و بزرگ در گردنها بسته میکشند ملائکه با پنجه خود در هر پنجه پانصد
هزار نفر و بجهنم میزنند اینها کسانی هستند میکشند ایشان با این همه عجز و کردار حق و لیس جهنم میکشند از جبرئیل سؤال
کردم که یا اخی جبرئیل این جماعت کیان باشند گفت یا رسول الله اینها عاصیان امت تو هستند که [illegible]
بزنجیرهای شریعت و طریقت ایشان را بسوی [illegible] کشند ایشان حق و [illegible] دوزخ و آتش میکشند [illegible]
یا رسول الله اگر اینها عاصیان و جاهلان امت اند پس شیعه جاهلان امت تو چه‌اند این زمان که [illegible]
بفرما که حیوة و ممات شما فرقی ندارد بلباس معتبرین علما و دانشمندان امت تو باعث کشتن و پامال کردن [illegible]

۲۰۲

دین و شرع تو نماز و چه قدر ذلیل و خار و لکدکوب اراذل و اوباش امت نماینده نماز که ائمه [illegible]
آن نماز قبله کعبه و نور دیده و [illegible] خامس آل عبا و دختران فاطمه زهرا فدای را نماز و برای اعلای [illegible]
داد بمصداق فرمایش حق شما که ما اوذی نبی مثل ما اوذیت حق و اولاد و حق و آل الله [illegible]
لکدکوب عوام کالانعام بل هم اضل گشته در لباس [illegible] خوب با اسم ترویج و [illegible] و محبت و قاریان [illegible]
او و ملبوس و متروک و ذلیل گشته [illegible] این نزدیکی نشسته در خراسان صورت او و نیز چون قصه غدیر خم [illegible]
از [illegible] و جاهلان [illegible] که بدتر از ایشان [illegible] که آموختن قرائت نماز و صحت نماز و کار نیک و قبیح [illegible]
دائما و جد تاکیدی این جرم از سیاه در صورت و شکل و شبیه نماز برای انست ایشان [illegible] شرائط [illegible]
است برای آنکه مایه گذارد و فعله که در [illegible] کمی ندارد و دیگر آنکه قبله بودن معنوی و ضد آن خلل [illegible]
نماز یعنی قرائت باعث سعی در کوشش معنوی بلکه باعث درست کردن تمامی مقدمات و مقارنات است [illegible]
خوب آموخته است لابد همه و به اختیار [illegible] حق کاری هیچ دیگر کسیکه قرائت نمازش صحیح است [illegible]
مقدمات و مقارنات داشته باشد چنانکه در قبول شدن نماز همگی اعمال ناقصه قبول و در [illegible] معنوی [illegible]
نیز خلل پذیر است بلکه در تخریب صورت و معنی نماز با ملتفت که باعث کفر و ارتداد و جمله [illegible]
بلکه در استخفاف نماز مرتبه ملتفت بلکه در استخفاف مستحبات نماز هم مرتبه خواهد شد چنانکه [illegible]
نیز ذکر خواهد شد مثل آنکه استخفاف نماز جماعت و در سعی نماز که اول [illegible] آن نماز و تاخیر فضیلت [illegible]
علاوه از اسباب تاکیدیه احقر عدم مذاکره اهالی منابر که ابدا تاکید بلکه عامه عوام [illegible] موقوف [illegible]
مگر جهلا برای [illegible] الالباب ذکر عدد و مقارنات که در حقیقت نوعی از استخفاف است تمامی مساعی عوام
از آداب و احکام دین خاتم النبیین [illegible] بجز مصالحه که الصلح سید الاحکام عوام الناس نیز [illegible]
عامل و حافظند که [illegible] احکام و بزرگ احکام [illegible] صلح است همه آداب دین [illegible] مصالحه [illegible]

کالنفس

فصل ... در ... علیه السلام

در نتایج برپاکردن مجلس حضرت نوح ع و اشاعه غرق قوم

کالشمس فی رابعة النهار مبرهن گشته است که اعلام النکس چنان بالنظر رواده که غالیان در ولایت و امامت بلکه هزار غالیان زیراکه ایشان به پرستش و تحصیل مراتب معرفت غلو در فرط کرده‌اند و بهاء و مجالس بی معرفتی و بی حالی غلو کرده‌اند از تمامی احکام و آداب و دین اکتفا بحدیث من بکی او ابکی کرده‌اند از غلو بی معنی محبت بجا و دوستی بی مستی ... شناسنده جناب علی مرتضی و محبت یعنی من بکی او ابکی وجبت ... مرتبه عوام ... که عیان ... دوستی ... عالم شده در میانه ایشان است بجز یک نفس چه اثمار مع ذلک الراط عالم تمام ... برگزیده هفت ... نفر در مجلس که منبر و همی در ایام تعزیه باز مشغول تشدید و تاکید حدیث من بکی او ابکی هستند در سایر ایام از مسائل و قرائت گریزان کرده‌اند ایام تعزیه مخصوص ترویج من بکی ... اگر کسی یک مسئله از مسائل نماز و قرائت نماز بگوید ... رسم کرده است ... عالم کامل تصور فرمایند چون قصه جناب نوح اگر در تفاسیر ملاحظه و مطالعه نمائی و سعی مطالعه فرمائی عرایض مجلس ... امیدانی که قصه طولانی وعظ و نصایح عجیب و مردم طالب عجایب و غرایب ... در مجلس ... شده‌اند ... وعظ فرائی و فارق ... هزار سال یا هزار و پانصد سال کم و زیاد ... اختلاف الروایات عمر و موعظه و در هدایت مردم ... اذیت ... و زراعت درخت خرما و کشتی ساختن و نفرین قوم و امر الله بصبر ... بسیار ... و در هدایت العمر ... در بار سه بار مرتد شدن از دین ... و بستن و آوردن آنحضرت در مسئله ... و امر بصبر ... هشت نفر ماندن و سوار کشتی ... هشت ... و سوار حیوانات از هر فرقه جفتی و انقلاب و جوشیدن آب از ... و غرق اهل عالم و نگاه ... کشتی همگی در کتب ... و تفصیل ... مناسب کلام ... چنانکه حق ... که موافق تفسیر ... معتبر قال اعبدوا الله ما لکم من اله غیره ان انتم الا مفترون

یا قوم لا اسئلکم علیه اجرا ان اجری الا علی الذی فطرنی افلا تعقلون ویا قوم استغفروا ربکم ثم توبوا الیه یرسل السماء علیکم مدرارا ویزدکم قوة الی قوتکم ولا تتولوا مجرمین ... آنحضرت که جواب چه گفتند قالوا یا هود ما جئتنا ببینة وما نحن بتارکی آلهتنا عن قولک وما نحن لک بمؤمنین ان نقول الا اعتراک بعض آلهتنا بسوء قال انی اشهد الله واشهدوا انی بریء مما تشرکون من دونه فکیدونی جمیعا ثم لا تنظرون انی توکلت علی الله ربی وربکم ان ربی علی صراط مستقیم ... و عظوقات آنحضرت و سایر انبیاء و اولیاء ... حق ... عقل ... جزا ... دو قصور ... که تاکید نماز و مسقط قضا ... در انظار مردم ... برکرد فسق و بدعت و غیبت ... علماء ... ثابت ... از سایر معاصی و ملاهی ... تعجب الکراز قوم حضرت نوح ... قطره از ظلمها ... آل الله و آل محمد ... و فساد اهل دنیا در ... ظهور و بروز شهره دارد ولی در لباس علما ... در رسم ترویج ... آل محمد ... صفحه ... و قال الله تعالی کم ترکوا من جنات وعیون وزروع ومقام کریم ونعمة کانوا فیها فاکهین کذلک واورثناها قوما آخرین فما بکت علیهم السماء والارض وما کانوا منظرین و قال الله تعالی ان شجرة الزقوم طعام الاثیم کالمهل یغلی فی البطون کغلی الحمیم ... ذق انک انت العزیز الکریم ان هذا ما کنتم به تمترون و قال الله تعالی ان المتقین فی مقام امین فی جنات وعیون یلبسون من سندس واستبرق متقابلین کذلک وزوجناهم بحور عین یدعون فیها بکل فاکهة آمنین لا یذوقون فیها الموت الا الموتة الاولی ووقاهم عذاب الجحیم فضلا من ربک ذلک هو الفوز العظیم فانما یسرناه بلسانک لعلهم یتذکرون فارتقب انهم مرتقبون و قال الله تعالی ان جهنم کانت مرصادا للطاغین مآبا لابثین فیها احقابا لا یذوقون فیها بردا ولا شرابا

۲۰۳

در اشاره بعجیب و فضاحی بعضی علمای سو

الا حمیما و غساقا جزاء وفاقا انهم کانوا لا یرجون حسابا و کذبوا بایاتنا کذابا و کل شیء احصیناه کتابا

فذوقوا فلن نزیدکم الا عذابا ان للمتقین مفازا حدائق و اعنابا و کواعب اترابا

حقیر بواسطه عدم علم قرائت بلزوم نمودن علما این علم شریف را با قاریان بجهة علم قرائت و بی کاری مانده ایم

اهل سواد حتی فارسی خوانان مکتبی دارا ذل لسان فارسی که مدعی قلم و تکلم فارسی هستند عبارت قرائت

همگی مدعی قرائت و علم قرائت حتی کور و شلهای خراسان که برای وجه معاش هر روزی بتحصیل قرائت رفته اند این زمان

قاری شده اند که بچشم حقیر بعضی از کثرت این نوع قاریان که حتی و اختراع قرائت و تعلیم ... سوره تمام

از کثرت ظهور قاریان اهل ... خفا ... منطق ... هر فرد از افراد

قرآن سوای حفظ و قاری ملقب هستند حتی هر حالی و گدا بر سر راهها قرآن در دست میخوانند حافظ و قاری مینامند

... و اهل ... میان ایشان رواج دارند ... شیشه بازیگر میدان ...

عوض قواعد علم قرائت هزار نوع ... همه اهل خراسان ماشاء الله مخترع ... در رسوم قرائت ... قرائت

... قاری هستند ... ماشاء الله ... قاری حافظ مسمی شده اند علم قرائت

معرفتی علما ... موقوف ... علم شریف قرائت ... کرده تا این ...

... زمان ... مال ... داراند ... کنند ... فساد است ...

ذلک بانهم امنوا ثم کفروا فطبع علی قلوبهم فهم لا یفقهون ... حال ...

... والنفقه ما الیس لک به علم ... از جمله ... علما ... صلی الله علیه و آله

... در رسم ... این آیه شریفه ... موافق تفسیر ... در سوره اعراف قل انما حرم

الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و الاثم و البغی بغیر الحق و ان تشرکوا بالله ما لم ینزل به سلطانا و ان

تقولوا علی الله ما لا تعلمون ... ما ظهر منها یعنی الزنا المعلن و نصب الرایات التی

کانت ترفعها الفواجر الفواحش فی الجاهلیة و اما قوله عز و جل و ما بطن یعنی ما نکح ازواج الآباء لان الناس کانوا قبل ان

یبعث النبی ... اذا کان للرجل زوجة و مات عنها تزوجها ابنه الکبیر من بعده اذا لم تکن امه فحرم الله عز و جل ذلک

و اما الاثم فانها الخمر بعینها و قد قال الله عز و جل فی موضع آخر یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما اثم کبیر ... و اما

قوله و البغی فهی الزنا سرا ... الفواحش لکل ... و تعمیم الاثم لکل ذنب

بالظلم و الکبر ... بغیر الحق ... و ما لم ینزل به سلطانا ... در معنی فواحش که ظلم ...

قباحت که بالاتر از ... در دین ظلم ... که ام ظلم و فساد است ... از علما ...

و ... فقرا و ضعفا و ایتام آل محمد که در زمان غیبت امام ... مانده ...

... که ... در دین و مذهب ما علم قرائت و میزان صحت نماز و صحت خواندن قرآن ...

و ... صحت نکاح و طلاق و صحت نماز ... و نماز قصر ... و ... نماز ...

از صاحب شرع و دین آخر الزمان و از اوصیای پیغمبر آخر الزمان با همه این ... ادب دین که ...

... این قدر ادب ... و واجبات و محرمات بیان فرموده اند در نماز ...

واجبات بیان نکرده ... نماز ... و ...

... قرآن خواندن ... قرآن ... القرآن و القرآن ...

با این همه تفاصیل ... هفت قاری ... موافق تجوید ... اکثر نماز ... قضا

لازم است

فصل سیزدهم از ابواب جهنم در بیان عتب ظلم علما

۱۲۹

لازم است که جامع ظاهر و باطن و احسن نظام خدا در مملکت دائمه که بالاتر از ظلم بر خدا چه باشد در تمامی آیات بعبارت و من اظلم ممن الله
نکته و اینکه خوردن کبر علمای ما شیطان ... در جهنم ما است حیران ... انه چرا و بهر دین خود حاضر باشند عالمه با همه عمیق
نمی نگرند از ابتدای طفولیت با علم قرائت در تفصیل ... و فروع بحشم خود دیدم ... ی نماز بو جمعه و بر خود واجب و لازم شمرده ...
دینی خود جسر تقا ... مجرد هم یاران حجاج ... ستایشم خود دیده که مسلمانی تشیع از این عامه ... عجیب تر است
روزی در سفر مکه معظمه جماعتی با ... در عراق ... از ارامنه روسیه نشسته ... ما ت از اشتر و تعلیم قرائت حمد و سوره نماز ...
از منی صاحب عراق ... از من پرسید ... از صبح تا شام ... این قدر سعی ... گفتم ... نماز تعلیم کرده
گفت با ... ریش سفید ... و ... نماز ... شنبه ... بعد از این ... نماز ... ایشان ... گفتم ...
از منی سوال احوال ... فراموش ... بعضی ... و بعضی ... و ... خدا ...

فصل سیزدهم از ابواب جهنم

و قال الله تعالی یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول ان کنتم تؤمنون بالله و الیوم الآخر ذلک خیر و احسن تاویلا الم تر الی الذین یزعمون انهم آمنوا بما انزل الیک و ما انزل من قبلک یریدون ان یتحاکموا الی الطاغوت و قد امروا ان یکفروا به و یرید الشیطان ان یضلهم ضلالا بعیدا و اذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل الله و الی الرسول رایت المنافقین یصدون عنک صدودا و قال ان المنافقین یخادعون الله و هو خادعهم و اذا قاموا الی الصلوة قاموا کسالی یراؤن الناس و لا یذکرون الله الا قلیلا مذبذبین بین ذلک لا الی هؤلاء و لا الی هؤلاء و من یضلل الله فلن تجد له سبیلا ان المنافقین فی الدرک الاسفل من النار و لن تجد لهم نصیرا و قال ان الذین کفروا و ماتوا و هم کفار اولئک علیهم لعنة الله و الملائکة و الناس اجمعین خالدین فیها لا یخفف عنهم العذاب و لا هم ینظرون و مثلی از آیات قرآنی که ذکر منیف در اخذ عهد و پیمان روز الست کافی است مع ذلک چه قدر تاکید فرمایه ولی دلهای ما سخت تر از سنگ ... از ارتکاب معاصی گشته خصوص مخالفت عظیم و اشته باشد و قال تعالی یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباسا یواری سوآتکم و ریشا و لباس التقوی ذلک خیر ذلک من آیات الله لعلکم یذکرون یا بنی آدم لا یفتننکم الشیطان کما اخرج ابویکم من الجنة ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوآتهما انه یراکم هو و قبیله من حیث لا ترونهم انا جعلنا الشیاطین اولیاء للذین لا یؤمنون و اذا فعلوا فاحشة قالوا وجدنا علیها آباءنا و الله امرنا بها قل ان الله لا یامر بالفحشاء اتقولون علی الله ما لا تعلمون قل امر ربی بالقسط و اقیموا وجوهکم عند کل مسجد و ادعوه مخلصین له الدین کما بدأکم تعودون فریقا هدی و فریقا حق علیهم الضلالة انهم اتخذوا الشیاطین اولیاء من دون الله و یحسبون انهم مهتدون و قال و من اوفی بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به و ذلک هو الفوز العظیم و قال تعالی و من اوفی بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به و ذلک هو الفوز العظیم التائبون العابدون الحامدون السائحون الراکعون الساجدون الآمرون بالمعروف و الناهون عن المنکر و الحافظون لحدود الله و بشر المؤمنین موافق آیه یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود عهد و پیمان ولایت امیر المؤمنین و سایر اوصیاء از تمامی ... اخذ گرفته برای همه احکام حلال و حرام فمن تولی بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون و اذ اخذ الله میثاق النبیین لما آتیتکم من کتاب و حکمة ثم جاءکم رسول مصدق لما معکم لتؤمنن به و لتنصرنه قال ءاقررتم و اخذتم علی ذلکم اصری قالوا اقررنا قال فاشهدوا و انا معکم من الشاهدین که شامل جمیع افراد بشر ... خدا از همه عهد گرفته و ... این عهد ... در دار دنیا مخالفت ... از ... مخالفت ... اگر چه عالم فاضل باشند ...

۲۰۵

مصداق این آیه ... نزول آیه ... سید الشهداء ... امام ...

فصل سی ام در ...

در استمالت قلوب منکران علما بسبب عدم شهادت

اگر چه هر ساعتی هزار آیت قسم آیاتش و تمامی قرآن از اول تا آخر مرشد او بهم قبول نفوس کسیفه ... نخواهد شد ...

چون نائب معصوم تصور خواهند کرد چنانکه خداوند این جماعت ... و لو شاء ربک لآمن من فی الارض کلهم

جمیعا و ما کان لنفس ان تؤمن الا باذن الله و یجعل الرجس علی الذین لا یعقلون ... قل انظروا ماذا فی السموات و الارض و ما

تغنی الآیات و النذر عن قوم لا یؤمنون فهل ینتظرون الا مثل ایام الذین خلوا من قبلهم قل فانتظروا انی

معکم من المنتظرین ثم ننجی رسلنا و الذین آمنوا کذلک حقا علینا ننجی المؤمنین ... فانما یهتدی لنفسه و من

ضل فانما یضل علیها و ما انا علیکم بوکیل و من کفر فان الله غنی عن العالمین و قال تعالی من کان یرید الحیوة

الدنیا و زینتها نوف الیهم اعمالهم فیها و هم فیها لا یبخسون اولئک الذین لیس لهم فی الآخرة الا النار

و حبط ما صنعوا فیها و باطل ما کانوا یعملون این جماعت عالم نابکار که خود بواسطه ... ضایع ...

از صراط مستقیم دین خاتم النبیین ... عوض ترغیب و تحریص ... قل یا اهل الکتاب

لم تصدون عن سبیل الله من آمن تبغونها عوجا و انتم شهداء و ما الله بغافل عما تعملون ...

در ظلم ... و من اظلم ممن افتری علی الله الکذب اولئک یعرضون علی ربهم و یقول الاشهاد

هؤلاء الذین کذبوا علی ربهم الا لعنة الله علی الظالمین الذین یصدون عن سبیل الله و یبغونها عوجا و هم

بالآخرة هم کافرون اولئک لم یکونوا معجزین فی الارض و ما کان لهم من دون الله من اولیاء یضاعف

لهم العذاب ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون اولئک الذین خسروا انفسهم و ضل عنهم ما کانوا

یفترون لا جرم انهم فی الآخرة هم الاخسرون و قال تعالی و من یرتدد منکم عن دینه فیمت و هو کافر فاولئک

حبطت اعمالهم فی الدنیا و الآخرة و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون و قال تعالی الذین ینقضون

عهد الله من بعد میثاقه و یقطعون ما امر الله به ان یوصل و یفسدون فی الارض اولئک لهم اللعنة و لهم سوء

الدار و قال تعالی و من اوفی بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به و ذلک هو الفوز العظیم

این آیه مبارکه ... حضرت ابا عبد الله الحسین ... ان الله

اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون وعدا

علیه حقا فی التوراة و الانجیل و القرآن و من اوفی بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به و ذلک

هو الفوز العظیم ... این آیات ...

دست رد بر سینه ... چنانکه ...

الصلوة عمود الدین ان قبلت قبل ما سواها و ان ردت رد ما سواها و بحکم ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر

این ... و الذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون و الذین هم بشهاداتهم قائمون

و الذین هم علی صلواتهم یحافظون اولئک فی جنات مکرمون ... الذین هم علی صلواتهم

دائمون و الذین فی اموالهم حق معلوم للسائل و المحروم و الذین یصدقون بیوم الدین ... اولئک فی جنات مکرمون

...

مع ذلک ... معصوم ... قال الله تعالی ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف اللیل و النهار

لآیات لاولی الالباب الذین یذکرون الله قیاما و قعودا و علی جنوبهم و یتفکرون فی خلق السموات و الارض

ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب النار ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته و ما للظالمین

من انصار ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا و کفر عنا

سیئاتنا و توفنا مع الابرار ربنا و آتنا ما وعدتنا علی رسلک و لا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد

فاستجاب

اشاره بمخالفت وضع ناهموار مغرورین بعلمای بی علم قرائت

۱۴۱

فاستجاب لهم ربهم انی لا اضیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض فالذین هاجروا واخرجوا من دیارهم واوذوا فی سبیلی وقاتلوا وقتلوا لاکفرن عنهم سیئاتهم ولادخلنهم جنات تجری من تحتها الانهار ثوابا من عند الله والله عنده حسن الثواب و قال تعالی ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشة فی الذین امنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا والاخرة والله یعلم وانتم لا تعلمون ولولا فضل الله علیکم ورحمته وان الله رؤف رحیم و قال یا ایها الذین امنوا لا تتبعوا خطوات الشیطان فانه یامر بالفحشاء والمنکر ولولا فضل الله علیکم ورحمته ما زکی منکم من احد ابدا ولکن الله یزکی من یشاء والله واسع علیم و قال اقیموا الصلوة واتوا الزکوة واطیعوا الرسول لعلکم ترحمون ولا تحسبن الذین کفروا معجزین فی الارض وماویهم النار ولبئس المصیر پس بر صاحب درد لازم است که از مصاحبت و مجالست اهل جهل و نادان [illegible] زیرا که بموجب تجسم اعمال هر کسی در صورت اعمال بد خود حیوان بلکه هم اضل میشوند و مصاحبت ایشان کمال اثر دارد اگر از تفضل و محبت اهل محمد بیرون و در لباس مسلمانی است در باطن و در قیامت بصورت حقیقی خود کلب و حمار و خرس و پلنگ است خصوص اهل غیبت باشد موافق اخبار از جمله مسوخات از امم سابقه خوک و جماعت [illegible] در حیله گیری در بنی اسرائیل که بعد در حیله صید میکردند خداوند بآن صورت انداخت مسخ و از جمله مسوخات [illegible] که چون عدم طاعت بعمر زمان مسخ [illegible] صنف اصحاب [illegible] صنف و اهل صنف موافق روایت مشهور [illegible] صنف از ده صنف علما بصفت [illegible] گرفتارند از هشت صنف عالمان بی عمل و صنف ناجی [illegible] مع ذلک احترام و جلال همه انواع علما لازم الاحترام میشد مگر آنکه [illegible] دنیا [illegible] روز ظهور نماید الوقت غیبت [illegible] لازم است که مردم [illegible] فساد [illegible] گرفتار [illegible] که ایشان [illegible] با وجه علم و فضل و دانا در دنیا [illegible] و در باطن خوک [illegible] بانواع صور اخلاق و عادات باشد [illegible] و از جمله وصایا جناب لقمان به پسر [illegible] و ناظر و دال تو کل بخدا کن [illegible] زیرا که [illegible] و [illegible] در همه امور صبر و شکیبائی [illegible] از اهل دنیا گریزان باش و از اهل معاصی [illegible] و ظلم و اذیت [illegible] از [illegible] علم بی عمل و از عمل بی علم پرهیز کن که [illegible] ضلالت است [illegible] مقصود مولف [illegible] این کتاب علم بی عمل است [illegible] نیت برقیامت نه فضولی و بی ادبی بعلمای [illegible] که محبت و احترام ایشان [illegible] افضل طاعات باشد [illegible] داشتن [illegible] بمنزل ایشان [illegible] طاعت [illegible] بسیار خواهد شد [illegible] دین باشند همین جماعت بی علم قرائت نماز [illegible] نماز [illegible] بخلاف آیه و لا تقف ما لیس لک به علم و کلم و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون [illegible] کلام [illegible] کلمات [illegible] قلب [illegible] آل محمد [illegible] مرتضی علی [illegible] بسیار [illegible] ذکر [illegible] غفلت از ذکر [illegible] انواع ذکر [illegible] بسیار است [illegible] میزان و معیار [illegible] علم قرائت باشد [illegible] با وجه علم و فضل [illegible] شیطانی [illegible] الم اعهد الیکم یا بنی آدم ان لا تعبدوا الشیطان انه لکم عدو مبین وان اعبدونی هذا صراط مستقیم ولقد اضل منکم جبلا کثیرا افلم تکونوا تعقلون هذه جهنم التی کنتم توعدون اصلوها الیوم بما کنتم تکفرون

[illegible]

۱۴۴ اشاره بقصهٔ مرد فقیر و قصهٔ حضرت سلمان و گوسفندان او

در کتاب مصابیح مذکور است که مرد فقیری صالحی که بسر برد علمای ربانی صاحب توکل و رحم که در مهر گری تا مسلمانی این حضرت باشد آگاه
و بنا لیکن [illegible] و صاحب انصاف و مروت و سخاوت و صفات مرضیه ما بیاسته این مرد فقیر را صنعت و حرفه‌ای نبود روزی [illegible]
[illegible] آمد گفت ای مرد تا کی این گرسنگی و بی‌چیزی [illegible] ما سوا بسته آورده‌ها را که صنعتی [illegible] مرد فعلگی کن فقیر بیا برود [illegible]
فعله نگرفته وضو گرفته مسجد آمد و در گوشه‌ای [illegible] عبادت [illegible] که فعلگی [illegible] صاحب است تا عصر کار نمود [illegible] تحلیت [illegible] تعطیل
زن گفت پس چه آوردی گفت صاحب کار مرد بسیار [illegible] که روز قیامت مزد [illegible] باشد فردا [illegible] کار [illegible]
بمسجد رفته و وقت شام [illegible] رجوع [illegible] لعبه [illegible] فردا [illegible] که وقت [illegible]
[illegible] متفکر که چه عذر آورم [illegible] تا کار [illegible] زن [illegible] زن [illegible]
که صاحب کار تمامی مزد [illegible] با [illegible] عجب مرد [illegible] است [illegible]
کار کند ما هم [illegible] در حیرت هستیم که چندین بار [illegible] کنم [illegible] نظر [illegible] اتفاق [illegible]
و چون مرد [illegible] داخل شد [illegible] صاحب کار [illegible] اختیار [illegible] زن گفت [illegible]
این کار [illegible] است قضیه [illegible] نقل [illegible] عمر [illegible] سالک طریق [illegible]
اطاعت [illegible] چنانکه جناب سلمان [illegible] نور [illegible] اسلام [illegible] نور [illegible]
کار [illegible] که طابق النعل بالنعل [illegible] قائم [illegible] چنان [illegible] بمقام السلمان منا اهل البیت [illegible]

۲۰۱ و معاش چند نفر گوسفند داشت [illegible] عرض کرد یا رسول الله گوسفندانم مانع [illegible] نماز [illegible]
[illegible] بسیار [illegible] حال [illegible] گوسفندان [illegible] حضرت [illegible] گوسفند
جناب سلمان رفت [illegible] نماز [illegible] آمد حضرت احوال پرسان شد سلمان
عرض کرد یا رسول الله قصه عجیبه دارم موافق فرمایش شما در صحرا نماز [illegible] در اثنای نماز گرگی آمد [illegible] گوسفند [illegible]
[illegible] نماز [illegible] قطع [illegible] گرگ [illegible] گوسفند [illegible] عقلم مانع شد که نماز را [illegible]
عقل را حکم نفس ترجیح دادم با کمال اخلاص [illegible] نماز [illegible] شیر [illegible] پیدا [illegible]
سلام نماز [illegible] شیر بزبان فصیح [illegible] خطاب [illegible] که یا سلمان تو [illegible] با نماز [illegible] موافق [illegible]
گوسفند [illegible] حفظ [illegible] گوسفند [illegible] نماز [illegible]
[illegible] حدیث قدسی [illegible] عبدی اطعنی اجعلک مثلی [illegible] اطاعت چنانکه سلمان [illegible] سلمان
منا اهل البیت [illegible] در ایام [illegible] این [illegible]
[illegible] از سلمان [illegible] اگر انسان [illegible] ملاحظه و تفکر نماید [illegible] محقق
از اطاعت [illegible] فیض قطع [illegible]
ای کریمی که از خزانهٔ غیب [illegible] وظیفه خور [illegible] کی محروم [illegible] دشمنان نظر [illegible]
در [illegible] و قباحت [illegible] استکبار [illegible] علما [illegible] جهل [illegible] عذر [illegible]
که علم قرائت و قاریان [illegible] لاابالی بالمره [illegible] اعتنا [illegible] حقیقت [illegible] انکار [illegible]
[illegible] معدوم [illegible] بالمره [illegible] علم قرائت و قاریان [illegible]
[illegible] اعتنا [illegible] که [illegible] یا ایها الناس [illegible] کافی است [illegible]
از انکار تمامی علم قرائت و قاریانست چونکه اهل قرائت [illegible] این علم [illegible] در زمان [illegible]

[illegible]

در اثبات دخول [illegible] بجهنم و خلود ابد

[illegible] ترویج دین و حال آنکه فائده جواب عوام الناس است که در هر حال ترغیب و تحریص بتعلیم [illegible] است که [illegible] بلکه [illegible]

[illegible] عوام کالانعام باشد [illegible] تعارض و مناقضه [illegible] بتعصب [illegible] عوام تمامی [illegible] صرف و حیات [illegible]

از [illegible] و [illegible] را ترک و تعلیم نخواهد کرد و حال آنکه بعضی علما که در دین [illegible] بالا از [illegible] قضا [illegible]

فردا [illegible] که فراموش کرده عادت [illegible] [illegible] ملکه و عادت کرده اند مع ذلک [illegible]

لازم است که [illegible] نماید [illegible] متروک شود چنانکه بعضی از علمای متقدمین [illegible] عادت چنانکه شیخ مرتضی

[illegible] مقامه [illegible] که تمامی نماز [illegible] قضا میکردند و اما امر عظیم [illegible] که اگر هیچ آیه در تاکید نماز و تغییر [illegible]

و بطلان احکام نماز و فسق [illegible] نماز نباشد این آیات در سوره مدثر کافی است [illegible] در تفسیر صافی [illegible]

و دل فارغ [illegible] دین الوری [illegible] معتنم [illegible] از مؤلف کتاب [illegible] و [illegible] تمام نماید

قال الله تبارک و تعالی كل نفس بما كسبت رهينة إلا أصحاب اليمين في جنات يتساءلون عن المجرمين ما

في سوره المدثر [illegible]

سلككم في سقر قالوا لم نك من المصلين ولم نك نطعم المسكين وكنا نخوض مع الخائضين وكنا نكذب

حکایة لما جری بین المسئولین و المجرمین قالوا لم نک من المصلین یعنی قبل الصلاة الواجبة [illegible] في الباطل مع الشارعین [illegible]

بيوم الدين حتى أتانا اليقين فما تنفعهم شفاعة الشافعين فما لهم عن التذكرة معرضين كأنهم حمر مستنفرة

یوم الدین [illegible] بعد ذلک نکذب یوم القیمة لو شفعوا جمیعا لا ینفعه [illegible] عن الرعایة معرضین [illegible]

فرت من قسورة بل يريد كل امرئ منهم أن يؤتى صحفا منشرة كلا بل لا يخافون الآخرة كلا إنه تذكرة

[illegible]

فمن شاء ذكره وما يذكرون إلا أن يشاء الله هو أهل التقوى وأهل المغفرة [illegible]

ان الرجل من بنی اسرائیل کان یذنب الذنب فیصبح و ذنبه مکتوب عند رأسه و کفارته فنزل جبرائیل [illegible] رسول الله [illegible]

سنة بنی اسرائیل فی الذنوب فان شاؤا فعلنا ذلک [illegible] بنی اسرائیل [illegible]

[illegible] کلا ردع عن [illegible] الآیات بل لا یخافون الآخرة [illegible] عن التذکرة کلا انه تذکرة

فمن شاء ذکره وما یذکرون الا ان یشاء الله هو اهل التقوی و اهل المغفرة [illegible] مراد از خوض مع الخائضین

مطلق معاصی و مناهی [illegible] که [illegible] ظلم [illegible] و معلوم است که اعلی امر [illegible]

امور دین و نماز [illegible] از اعلی مراتب امور دین است که ستون دین است [illegible] اعلی امر [illegible] اشرف [illegible]

بلازمه موافقت و تعارض [illegible] باشد [illegible] علم ظلمت و خیانت [illegible] باشد که [illegible]

دین محمدی صلی الله علیه و آله باشند [illegible] هیچ فرقه از فرق [illegible] احدی [illegible] تغییر این ستون دین

[illegible] که [illegible] و حیله در صورت لباس خوب [illegible] ترویج دین و محبت [illegible] جهل

[illegible] عوام [illegible] معرکه [illegible] صورت تقوی [illegible] بکلمات [illegible] خوش ظاهر [illegible] باطن [illegible]

[illegible] خبر داده ومن الناس من يشتري لهو الحديث ليضل عن سبيل الله [illegible] فبشرهم بعذاب أليم [illegible]

[illegible] و خوش [illegible] باشد که ایها الناس در قرائت نماز تمیز حروف کافی است [illegible]

[illegible] این نوع کلمات خوش صورت مردم ظاهربین [illegible] آسانی کار [illegible] دین [illegible] علوم

قرائت و کتب [illegible] و معیار نماز و همه قاریان و معلمان علم قرائت [illegible] علما و طلاب [illegible]

[illegible] تعلیم و تعلم علم [illegible] تحصیل [illegible] شماره هزار درجه [illegible]

شماره و حال آنکه در تمامی آیات [illegible] که در این کتاب ذکر [illegible] بر [illegible] دین [illegible]

دکان و چه

اسباب نفاق علما با فضل و علم

موافق اخبار جابجا سبب [illegible] که مومن [illegible] این دنیا که [illegible] بلا دولت [illegible] شیا و [illegible]

علمای ربانی از عامایان ... دارا و اخبار و حال [illegible] و ریاضات مومن در دنیا [illegible] راحت و [illegible]

اسباب [illegible] صاحبان این اوصاف اربعه دولت و خواری [illegible] است [illegible]

[illegible] برادر مومن [illegible] فارسیان آتش [illegible] شعله [illegible] صاحب [illegible]

در سینه [illegible] عالم صورتان [illegible] شعله [illegible] بواسطه [illegible] قاریان که [illegible] ارباب صحبت و فساد [illegible]

که شرف و فضل [illegible] نزد مردم بی قدر و ذلیل [illegible] ترک [illegible] فعل ایشان [illegible] لازم [illegible]

[illegible] چنانکه در اخبار وارد است [illegible] عالم [illegible]

هل ... [illegible] الابرام

اشاره باینکه اگر جماعت ۱۳۵ بدون علم و عبادت ... [illegible] میشد

موجب ... [illegible] شد دائما عبادت مؤمنان و فراغت و صحبت علما و ابرار و اخیار مرتب و حال چند گشت علم ... [illegible] دارند و رحمه توسط و اعتدال در طرف افراط و تفریط مرتفع است ... [illegible] که داشتن عمل که توسط شد داشت ... [illegible] کمال ... [illegible] دارند ... [illegible] دین اسلام و قرآن در حق ... [illegible] مصدق احکام قرآن ... [illegible]

و کلام ... [illegible] قال الله تعالی در سوره ... [illegible] ان الانسان خلق هلوعا اذا مسه الشر جزوعا و اذا مسه الخیر منوعا

الا المصلین الذینهم علی صلوتهم دائمون والذین فی اموالهم حق معلوم للسائل والمحروم والذین

یصدقون بیوم الدین والذینهم من عذاب ربهم مشفقون ان عذاب ربهم غیر مأمون والذین

هم لاماناتهم وعهدهم راعون والذینهم بشهاداتهم قائمون والذینهم علی صلوتهم یحافظون

اولئک فی جنات مکرمون فلا اقسم برب المشارق والمغارب انا لقادرون فذرهم یخوضوا

ویلعبوا حتی یلاقوا یومهم الذی یوعدون یوم یخرجون من الاجداث سراعا کانهم الی نصب

یوفضون خاشعة ابصارهم ترهقهم ذلة ذلک الیوم الذی کانوا یوعدون ... [illegible] ایمان

باین آیات ... [illegible] دارند در حق ... [illegible] تاکید البد فرموده آیا ... [illegible] نماز است ... [illegible] نماز ... [illegible] بدعت است ... [illegible]

... [illegible] بازیچه اطفال ... [illegible] بدون شرایط و آداب با اینکه شرایط و آداب و قرائتی دارد ... [illegible] اسلام

در چه ... [illegible] که از ... [illegible] نماز قرآن و کتب آسمانی ... [illegible] دین ... [illegible] نماز ... [illegible]

... [illegible] عبادت ... [illegible] ایام جاهلیت که در وقت طواف خانه بیت الله الحرام زنان ... [illegible] بانگ ... [illegible]

... [illegible] طواف میکردند ... [illegible] زنان این عبادت ... [illegible] تعجب ... [illegible]

این نماز ... [illegible] شرایط ما که علمای ما ... [illegible] قرائت میکنند هزار درجه ... [illegible] مذکور است ... [illegible]

ایشان ... [illegible] عوام ... [illegible] حضرت عیسی و موسی ... [illegible] سال بدون ... [illegible] فاصله ... [illegible] از ... [illegible] نماز

... [illegible] سال ... [illegible] که خوف دارم ... [illegible] سالان زنان ... [illegible] دارم ... [illegible] که اطفال ... [illegible] نماز ... [illegible]

در بازار و کوچه ... [illegible] مردم مشغول تعلیم و تعلم ... [illegible] سوره ... [illegible] علاوه علما ... [illegible]

این ... [illegible] علما ... [illegible] از زنان و دین محمد ... [illegible] تفاوت ... [illegible] از کجا است تا بکجا بواسطه کلام ... [illegible]

بدون تامل نتایج کلام ... [illegible] مردم عوام ... [illegible] گمراه ... [illegible] بواسطه عدم کمال علم و معرفت

و کلام ... [illegible] فکر ... [illegible] عمل ... [illegible] باطله ... [illegible] گرفتن ... [illegible] احوال ... [illegible]

من ... [illegible] که دائم ... [illegible] از ... [illegible] حضرت ... [illegible] و ظلام ... [illegible]

بعضی کلام ... [illegible] دروغ ... [illegible] گرفته ... [illegible] خبر ... [illegible] از ... [illegible]

روزی جماعتی از بلاد دیگر ... [illegible] بر در آنحضرت طلبیدند ... [illegible] العظیم ... [illegible] چه مطلب دارید

گفتند از فلان شهر آمده ایم در حق ما دعا نمائید که زراعت ما خشکیده خداوند بما باران فرستد ... [illegible] اگر ... [illegible]

این مقام ... [illegible] زراعت ... [illegible] باران ... [illegible] ایشان از کلمات ... [illegible] سلیط ... [illegible]

و گفتند ... [illegible] اطلاقات ... [illegible] رسیده ... [illegible] حضرت باران ... [illegible]

باران رحمت ... [illegible] حضرت ... [illegible] باران رحمت ... [illegible] از قصه ... [illegible] حضرت ... [illegible]

من ... [illegible] خداوند ... [illegible] که خداوند مؤمن ... [illegible] دشمن ... [illegible]

... [illegible] که من ... [illegible] بزرگی دارم بهتر از آنست که دشمنی ... [illegible] مسلط باشد موافق اخبار

که اگر مؤمن در قله جبال ... [illegible] سوراخ حیوانات ... [illegible] باشد لابد از دشمن ... [illegible] از علایم ایمانست

اشاره بنا به فطرت ناپاک و تسخیر و تبدیل کردن نماز

و اصل آنکه عالم ملکه در سوره عم این آیه که خوانده و ندانسته علم او چه کسر حاله داد لعبرا از شقاوه و محنتی که فرموده ان جهنم کانت مرصادا للطاغین مآبا لابثین فیها احقابا لا یذوقون فیها بردا و لا شرابا الا حمیما و غساقا جزاء وفاقا انهم کانوا لا یرجون حسابا و کذبوا بایاتنا کذابا و کل شیء احصیناه کتابا فذوقوا فلن نزیدکم الا عذابا یوم یتذکر الانسان ما سعی و برزت الجحیم لمن یری فاما من طغی و آثر الحیوة الدنیا فان الجحیم هی الماوی و اما من خاف مقام ربه و نهی النفس عن الهوی فان الجنة هی الماوی خلاصه عالم ملکه از تعمیه آن کوتاهی نادر متعالی ازین آیات حاکم که از کجه و اثر کار چه سوء و نه رتبه از اشقی بس است اوسا غفلت و تجبر داین بر یوم یفر المرء من اخیه و امه و ابیه و صاحبته و بنیه لکل امرئ منهم یومئذ شان یغنیه وجوه یومئذ مسفرة ضاحکة مستبشرة و وجوه یومئذ علیها غبرة ترهقها قترة اولئک هم الکفرة الفجرة و مفرد قد افلح من تزکی و ذکر اسم ربه فصلی بل تؤثرون الحیوة الدنیا و الآخرة خیر و ابقی ان هذا لفی الصحف الاولی صحف ابراهیم و موسی عالم این قدر غفلت و معصیت نکند مستی باین درجه نباشد تا که عهد و پیمان اولی ضایع بشکند و من اوفی بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به و ذلک هو الفوز العظیم و من تولی بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون و قال تعالی انا جعلنا الشیاطین اولیاء للذین لا یؤمنون و اذا فعلوا فاحشة قالوا وجدنا علیها آباءنا و الله امرنا بها قل ان الله لا یامر بالفحشاء اتقولون علی الله ما لا تعلمون قل امر ربی بالقسط و اقیموا وجوهکم عند کل مسجد و ادعوه مخلصین له الدین کما بدأکم تعودون فریقا هدی و فریقا حق علیهم الضلالة انهم اتخذوا الشیاطین اولیاء من دون الله و یحسبون انهم مهتدون و قال الله تعالی فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا و لهم عذاب الیم بما کانوا یکذبون و اذا قیل لهم لا تفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون الا انهم هم المفسدون و لکن لا یشعرون و اذا قیل لهم آمنوا کما آمن الناس قالوا انؤمن کما آمن السفهاء الا انهم هم السفهاء و لکن لا یعلمون الله یستهزئ بهم و یمدهم فی طغیانهم یعمهون صم بکم عمی فهم لا یرجعون الذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه و یقطعون ما امر الله به ان یوصل و یفسدون فی الارض اولئک هم الخاسرون پس فساد نوع علما از باب در اصل عهد و پیمان روز الست شکسته و معیوب باشد یا خرابی نطفه و خرابی غذا و یا صحبت والدین و مقارنت باشد که مصاحبت کسیل از علما و ابرار و اخیار اثر نکرده خر را دو خر زید و خر مرد در حق اصحاب باشد اگر سلامت بود مصاحبت علما و طلاب و ابرار و اخیار کار هست بقدر صحبت و سلامتی نطفه مصاحبت اثر دارد اقلا در زمان تحصیل شنیده و دانسته که در عالم علم قرائت میزان و معیار صحت نماز است و قاری و معلم صرف از برای نماز است خلاصه جاهل قاصر که نیست در ایام تحصیل مثل اکراد و کفار قاصر نیست در زمان تحصیل که دانست بایه حو باشد اقل در قرائت سعی که مسقط قضا باشد تصحیح این قدر لازم بود ستمان اکراد قرائت احتیاطی قاری بسند و در طلب لب اگر کند این عالم نادان سعی چه قدر خرابی نطفه بیست و دو سنه که کمتر از اکراد و کفار نشده بعد از تحصیل در تصحیح نماز بقدر مسقط قضا نکوشیده با نماز بدعت اختراعی برای سلاطین نماز پیشنماز چون شریک قاضی حتی نماز خدا یا از وضو و نماز بی تمیز مشهور که شته حاکمتر شد زنهی لا ابالی و بی دینی که در وقت صحبت صحت و بطلان نماز دیگران زود تر حکم صحت و بطلان و صحت نماز دیگر از آنچه فهمد که در علم قرائت نادان بی سواد نکوشیده و نه دانسته بحکم آیه شریفه و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون سند کفر پیشنماز آنهارست و دنیا مالک

و ذلک

212

در مذمت صفت بی دینی و لواطت

وصل چهار دهم از باب ششم

و ذلک هو الخسران المبین مخبط اتفاق محب و نیات بد که دیگر ممکن رجوع نباشد مبه ام [illegible] جهال که اجنب از وقت الحب علم ناقص قران چه الفت نکرد که چه اوه ذهن آیه مبارکه و الذین سعوا فی آیاتنا معاجزین اولئک اصحاب الجحیم ترا آمد او جهل و معنویه برادران ایشان خاتم انبیا و علی مرتضی زیاد از ما ملتفت نشدند نیاوردند این جماعت صورة ایمان اوردند چرا نماز را با نیازند بجا آرند بلکه بسبب حلال نماز را اعلام نرسانید آب ابلیس آدم را دیده است پس هر دوستی نباید داد و ...
همین آیات قرآنی از نکردند بلکه روز بروز قصادت و خباثت افزودند مع ذلک کلا بل ما لهم فال ابی عبد الله من عرض عن الحق
اخرس قال الله تعالی ان الذین یکتمون ما انزلنا من البینات والهدی من بعد ما بیناه للناس فی الکتاب اولئک یلعنهم الله ویلعنهم اللاعنون

وصل چهار دهم از باب ششم در اثبات لا ابالی

در مذمت دشوخی و به عاقبتی صفت حیله ظلم بعبث خصوص بعبث ظلم در دین و ستون دین نماز
و اسباب بعبث در لباس خوب دوستی و اسم ترویج محبت در زمان غیبت امام زمان که دوستان و اهل ایمان
آل محمد بی پدر بی صاحب بی یار و یاور مانده باشند ستون دین نماز را خراب و منسوخ نمایند بعبث خرابی عوض
بدل نمایند بتدریج و تدویر کم کم در مدت سی یا چهل سال نسلاً بعد نسل منکوس و معکوس شود حیله صحیح
دیگر اوری وصه آه داد و فریاد و ناله و فریاد نباشد و نماز و هر کار که بنای و تدریج باشد معلوم است که چه قدر سوخ
و نبوت کبرد که دیگر اصلا بر داشته نشود خصوص مخالفت شرع و دین باشد العالم بواسطه سعی علما نشه که
اذا فسد العالم فسد العالم مثله کالشمس فی رابعة النهار است خرابی عالم که تا حال در تواریخ کبیر چنین
اشوبی عالم کیر نشان نداده اند و ننوشته اند اگر که هم هزار درجه از طوفان نوح بزرگ شده و عظیم شده است که قسم
خدا امیدوارم که طوفان و بلای نوح تماما کفار و تمام قطع نموده چند نفر مسلم که در دنیا بود هشت نفر با سفا آمد
در کشتی نجات یافتند این بلای بعبث عالم صد ریان چندین هزار مسلمانان است چه همه ضایع کرده مستعمل
نماز ستون دین اسلام را خوص بیک که چه نسبت بطوفان نوح دارد بنسبت معنی اذا فسد العالم فسد العالم
برای خدا و فساد بعبث در چند جای بیان فرموده یکی موافق تفسیر صافی در سوره هود و دیگر در سوره غاشیه و سوره کوثر

بسم الله الرحمن الرحیم هل اتاک حدیث الغاشیة وجوه یومئذ خاشعة عاملة ناصبة تصلی نارا
تصلی نارا حامیة تسقی من عین آنیة القمی هم الذین خالفوا دین الله صلوا و صاموا و نصبوا امیر المؤمنین
عملوا و نصبوا فلا یقبل منهم شیء من افعالهم تصلی وجوههم النار حامیة لیس لهم طعام الا من ضریع لا یسمن ولا
یغنی من جوع قال عرق اهل النار و ما یخرج من فروج الزوانی فی المجمع عن النبی الضریع شیء یکون فی النار یشبه الشوک
امر من الصبر و انتن من الجیفة و اشد حرا من النار سماه الله الضریع و فی روایة القمی عنه عن جبرئیل لو ان قطرة من الضریع
قطرت فی شراب اهل الدنیا لمات اهل الدنیا من نتنها و فی الکافی عن الصادق لا یبالی الناصب صلی ام زنی و هذه الآیة نزلت فیهم عاملة ناصبة
تصلی نارا حامیة و فی روایة القمی کل من خالفکم و ان تعبد و اجتهد وجوه یومئذ ناعمة ذات بهجة ام ناعمة
لسعیها راضیة رضی الله بما سعوا فی جنة عالیة لا تسمع فیها لاغیة فیها عین جاریة فیها سرر مرفوعة
و اکواب موضوعة و نمارق مصفوفة و زرابی مبثوثة افلا ینظرون الی الابل کیف خلقت
حاصل این که دشمنی ناصب چه او سهل بغیر از منافقت و معاندت که کرده است نمیدانم کدام مخالفت بزرگتر تغیر نماز
که با حضرت دشوار ناگوارا باشد نماز که در اثنا نماز از سر دل کشیده بیجان نیز از نازی مبارک خبر دار نشد و در هر شب تا تکبیر

خشت قرائت
اثبات اِلّا یا عدم قرائت دنیا و ...
۱۳۴۹

و سقفا دیوار در کتب و هوش چون درخت خشک عنود از کثرت خوف خشیة اللهی برخی فتاد به این انفجارات ظاهر است [illegible]
کسی دل کشیدم حبیب فعال ما باشد که خدا می فرماید فویل للمصلین الذین هم عن صلاتهم ساهون الذین هم یراؤن
و یمنعون الماعون که خبر از استخفاف بعهد شانی روز الست میدهیم که خدا فرماید الذین ینقضون عهد الله من
بعد میثاقه و یقطعون ما امر الله به ان یوصل و یفسدون فی الارض اولئک هم الخاسرون
اصل خراب باشد خبر از ذات خود میدهد در جای دیگر میفرماید فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا
و لهم عذاب الیم بما کانوا یکذبون و اذا قیل لهم لا تفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون
الا انهم هم المفسدون و لکن لا یشعرون و اذا قیل لهم آمنوا کما آمن الناس قالوا
انؤمن کما آمن السفهاء الا انهم هم السفهاء و لکن لا یعلمون الله یستهزئ بهم و یمدهم
فی طغیانهم یعمهون اولئک الذین اشتروا الضلالة بالهدی فما ربحت تجارتهم و ما کانوا مهتدین
صم بکم عمی فهم لا یرجعون بجز لجاجت و تعارض نفسانی عذر و بهانه ندارند در وقت انصاف [illegible]
بس است این آیه که عکس این آیات قرآنی که برای سرمشق بنده که درخور است فالذین آمنوا و عملوا الصالحات
لهم مغفرة و رزق کریم و الذین سعوا فی آیاتنا معاجزین اولئک اصحاب الجحیم بعد میفرماید فاقیموا الصلوة
۲۱۴ و آتوا الزکوة و اعتصموا بالله هو مولاکم فنعم المولی و نعم النصیر و اما تفصیل سرمشق [illegible]
اول سوره مؤمن است بسم الله الرحمن الرحیم قد افلح المؤمنون الذین هم فی صلاتهم خاشعون
خشوع هم هست سی سال با جهل سال معتمدین علمای ما و از کلیه نمازان و میزان و معیار نماز [illegible] به نماز [illegible]
عرض کرده و قاریان و علم قرائت [illegible] که احیای نماز و ترویج تمامی عقود و ایقاعات و نکاح و طلاق و صحت [illegible]
و صحت قرآن خواندن و امور اسلام و مسلمانی بسته بصحت و ترویج با علم قرائت و قاریان اهل خبره [illegible] لسان عرب
بر داشتند که ما ایراد داریم نمایند و نشان کشرف ما و ضایع نمایند حرام ما و آبروی ما نمایند جوانان و طلاب فارسی
خوانان که در سالی تحصیل علم قرائت کرده اند با از اصناف فارسی خوان به در سال زحمت کشیده [illegible] مردم
قرائت حمد و سوره ما [illegible] ایراد دارد نماینده در ما ابرو [illegible] تحصیل فقه و اصول و جلال درسهای خارج که ما [illegible]
در بعضی مجالس و مساجد و در مقام صحبت ایراد گرفتند که علم قرائت [illegible] البته خطا [illegible] که علم [illegible]
مخصوص ائمه سلام الله علیهم است و بعد از مراجعت از تحصیل خارج و اصول و فقه [illegible] بعلم قرائت رجوع نماینده
که خود فقه است که بعد صحبت امثال حمد و سوره [illegible] سال [illegible] نا حال [illegible]
این کار عظیم اسخت اقدام نماید بعد بیرون معرکه کبری ملتفت است که تا حال ندیدم کسی از علما بعد از مراجعت از تحصیل
رد علم قرائت [illegible] و جوانان کم سن با سواد [illegible] محال است زیرا این بار گران [illegible] تعلم از جوانان
ندیدیم بلکه بعد از مراجعت از تحصیل از بزرگان علما نیز تحصیل [illegible] نماینده که [illegible] با ایمان
[illegible] بعد از این جنابان [illegible] سلطنت بلند [illegible] نماید تا که ندیدیم اگر در جوانی بنا
بعد نخواستند که النار لا العار است [illegible] باطل فلط [illegible] نماینده بعد از [illegible] معرکه کبری نماینده
[illegible] است که در شهر خراسان [illegible] عالم [illegible] نفر نمازخوان [illegible] نماز [illegible]
و سبب مختلف [illegible] بعلم قرائت [illegible]

اشاره باقسام علما و خلقت انسانی

١٣٦

و حال آنکه بر بعضی صاحبان سواد و کمال بیرون از اصول حسنه صلبیه لازم است اگرچه صد ساله باشند تا قدر وجوب و استحباب و حرام و بدعت و مکروه و جواز نماز [illegible] در وقت سؤال جواب [illegible] و الا کم و لا تقف ما لیس لک به علم [illegible] و اگر جواب صحت و سقم نماز دیگری را جواب [illegible] کافر [illegible] موافق آیه شریفه

و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون و الحق قد افلح المؤمنون الذین هم فی صلاتهم خاشعون

و الذین هم عن اللغو معرضون و الذین هم للزکوة فاعلون و الذین هم لفروجهم حافظون

الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فانهم غیر ملومین فمن ابتغی وراء ذلک فاولئک

هم العادون و الذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون و الذین هم علی صلواتهم یحافظون

اولئک هم الوارثون الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون و اگر عالم [illegible] این آیات

[illegible] نگیرد از انسانیت باید خارج باشد خصوص عالم جاهل [illegible] خود را تا قیام قیامت

و اگر در توحید باری از این آیات [illegible] و میزانی نگیرد [illegible] بی انصافی [illegible] مثل خود

و لقد خلقنا الانسان من سلالة من طین ثم جعلناه نطفة فی قرار مکین ثم خلقنا النطفة علقة فخلقنا العلقة

مضغة فخلقنا المضغة عظاما فکسونا العظام لحما ثم انشأناه خلقا آخر فتبارک الله احسن الخالقین ثم

انکم بعد ذلک لمیتون ثم انکم یوم القیامة تبعثون و لقد خلقنا فوقکم سبع طرائق و ما کنا عن الخلق

غافلین و انزلنا من السماء ماء بقدر فاسکناه فی الارض و انا علی ذهاب به لقادرون فانشأنا

لکم به جنات من نخیل و اعناب لکم فیها فواکه کثیرة و منها تأکلون و شجرة تخرج من طور سیناء تنبت

بالدهن و صبغ للآکلین و ان لکم فی الانعام لعبرة نسقیکم مما فی بطونها و لکم فیها منافع کثیرة و منها

تأکلون و علیها و علی الفلک تحملون حضرت صادق میفرماید [illegible] از دو خصلت که باین هلاک شدند

[illegible] هلاک شده اند [illegible] بعبادت خدا [illegible] معرفت نکنید [illegible]

و تشیعه این [illegible] ابواب اجتهاد [illegible] بستند [illegible] آداب متعلمین [illegible] حضرت صادق [illegible]

در طلب علم است [illegible] اول آنکه [illegible] هر چه ندانی [illegible] از جهل [illegible] احتیاط [illegible]

[illegible] دیگری از [illegible] مرد [illegible] دل [illegible]

علم [illegible] انکه طلب نماید علم را برای جنگ و جدل [illegible] حماقت [illegible] برای [illegible]

و دیگری برای عمل اما اول [illegible] مردم است که متعرض مردم [illegible] مجالس و محافل برای اظهار معرفت و علم [illegible]

[illegible] صاحب علم [illegible] مسلمانان [illegible]

[illegible] تواضع [illegible] نماید [illegible] عالم [illegible] نماید [illegible]

پیوسته ملول [illegible] روز [illegible] عبادت [illegible] از قبول [illegible] عمل و عبادت [illegible] روز جزا [illegible] پیوسته [illegible]

[illegible] ملبس [illegible] اصلاح [illegible] عمل و عبادت [illegible] روز جزا [illegible] برحذر [illegible]

[illegible] نماید [illegible] حفظ [illegible] کتاب [illegible] شرایط علما ذکر [illegible]

[illegible] ظلم [illegible] احتیاط [illegible] اخبار و احادیث ذکر [illegible]

در جلدات [illegible] علما [illegible] رحمه الله [illegible] تمام [illegible] محمد [illegible] مخصوص [illegible]

[illegible] هزار [illegible] نماز [illegible] محمد و آله [illegible] علم [illegible]

[illegible] مجالس [illegible] حدیث [illegible]

اشاره بذکر آیات عذاب ... ۱۵۰

ظاهر جاهل ... خلاف ... فرداد

جنانکه بانی بنای بدعت غرابت تا ... در باب ... بر حسب ... زیرا که محقق شده است که بعد از آنکه نفر میان مردم نماز گذار از او صد نفر متوانند روایت

روز بروز زیاده کرده است برای آنکه ... بار ... بر سم شاهی باشد ... این زمان بکلی کلام ... مرزان علاوه بر اینکه ... در ... جبر ...

مردم نماز ... از ... قلم ... مطالعه نماید ... که تمام علما در باب مذمت نماز بدعت ... که متداول ... بیرون ... تالیف

مقبول نمیند علاج نخواهد شد زیرا که ... اولاد ... است در روز ترویج این نماز ... مشغول زیرا که علما طلاب ... نماز

صرف شده ملوث ... بدعت ... از صد نفر عالم ... نماز ... پسند ... بدعت نماز چه قدر رواج یافته ... علما

و طلاب کلا ... نماز ... واجب و سنت و مکروه و جواز و بدعت ... در نماز که از ... تشخیص ... خلاف ... از

... شرط نماز صحت نماز است ... و درخواستن ... حکم حدیث رب تالی القرآن والقرآن یلعنه نماز هم قرآن است از اول تا آخر

که ... لعن نماید ... عوام بیچاره چه کنند ... و بال نماز که بدعت ... بگردن ... عالم نما که مروج نماز بدعت

... نماید ... علما ... علم قراءت ... بگوید ... حکم ولا تقف ما لیس لک به علم

... و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون ... نماز ... تعلیم ... برادران ... سلطان

ثانی و معونة ... بدعت در هر زمانی و مکانی ... هر زمانی و هر فرقه و مکانی و ... ملاد ...

و ... ثانی ... نسبت بزمان و مکانی و فرقه ... شرائط ... ملاحظه ... مروج بدعت ...

نماز ... طفلانه ... احمقی است ... جواب ... و دین یگانه ... عالم ... محقق و معلم ... تصنیع ...

شرع دین ... خاتم النبیین و سید الاوصیاء است خصوص صورت ... نماز که ... قراءت ...

٢١٦

... داد ... و آبرو ... بدعت ... لازم ...

حملو ... شرف ... این زمان ترویج نماز بدعت است ... تعلیم و تعلم نماز با قراءت ...

و خجالت بی حیا ... نظر ... زنان ... و الا نماز ... دین و ایمان ... شرف ... آبرو ...

ندارد این آیات و اخبار وعده و وعید قرآنی چرا اثری ... در صاحبان بدعت ... که ...

... گرفتار ... ذلک هو الخسران المبین ... تفسیر ...

... مطالعه نماید ... قال الله تعالی قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن والاثم والبغی

بغیر الحق وان تشرکوا بالله ما لم ینزل به سلطانا وان تقولوا علی الله ما لا تعلمون ... الکافی والعیاشی عن الکاظم ... فاما قوله

ما ظهر منها یعنی الزنا المعلن ونصب الرایات التی کانت ترفعها الفواحش ... فی الجاهلیة واما قوله عز وجل وما بطن یعنی ما نکح

من ازواج الآباء لان الناس کانوا قبل ان یبعث النبی اذا کان للرجل زوجة ومات عنها تزوجها ابنه الاکبر من بعده اذا لم تکن امه

فحرم الله عز وجل ذلک واما الاثم فانها الخمر بعینها وقد قال الله عز وجل فی موضع آخر یسئلونک عن الخمر والمیسر قل فیهما اثم کبیر ومنافع للناس

فاما الاثم ... ومنافع للناس ... والمیسر ... والبغی ... الزنا ... الفواحش ...

... والبغی بالظلم والکبر ... ما لم ینزل به سلطانا ... ابن عباس

... بدعت داخل ... وان تقولوا علی الله ما لا تعلمون مخصوص علما

... حکم قطعی ... الناس ... علم قراءت ... صحت و فساد نماز مردم ...

نماز ... بدعت ... نماز بدعت ... صحت ... حکم ... عوام ... نقل

این عالم برادر ... خطاب ... از اصل ... صاحب انوار المجالس از یکی جمله علما ...

که ... اختیار ... سفر ... به سبب ... مردم ... گوش ...

... برهان ... برادر ... الضالین ...

... بر عادت اطفال ترقیات ... صاحب ... صاحب مجلس و منبر ... حکمت ... علوم ...

من

در نتایج فطرت و طبع عالی سیادتی

فصل چهاردهم

من کمال تعجب میکردم که الان من کم و بیش ادعا ملتفتم که بی ام داشت بخی جنان فاضل باشد و این زمان قبل بعضی جملها تو ادعا
بس بعد از زمانی نگذشت نباشد که ناخوش شده خبر آورده که مریض شده گفتم چون همسایگی و آشنایی دارم بردم به عیادتش چه دیدم حال
نزع و علائم وفات هر قدر تعلیم شهادتین و اقرار دادیمش ناید مگر همهمه و خرخر تا آنکه مرد ما که گفت کاری که سعی
کوشش کردم ندانستم دلیلش چیست و آخر رجحان علی بر عمر بن خطاب چون این کلام را شنیدم گفتم ملعونی سرا انکار کرد که در عالم احتضار
مات و حیرانم بر جا ماندم و اگر این نوع نباشد عالم چرا باید فتوا خلاف ما انزل الله دهد و آن میزان که خود محتاج نماز مسقط قضا است
قرائت مرده را چه طور علم بدهد از معانی تفسیر آیات و اخبار چه از که بعد از کفیل جهل سالها نمازش را در آن نماز خود بر دارد
است که اکثر مشتبه از مخارج و اوصاف و ادای کلمات و حروف را میگوید با کمال اعتذار دلیلی در سیم استفهام اگر قبول
دست بکشم که از فرد آیم باز از عادت حق دست بر دارند زیرا که جهل و بی‌اعتنایی سال ملکه که هیچ گونه ضبط درک نباید
مع الخصوص که علم قرائت ندارد چگونه به بگو عوام الناس که حکم صحت و فساد میبرد چه معنی دارد در وقت پرسیدن عوامی
به لرزش رعشه گرفته دور آن کلمه نمیدانم سنگ قاری هستم مثلی تو محتاجم این اقرار ندارد باز هم مشتبه از سالم بگیرم
ولی تو باید ساکت باشی مسئله قرائت سوال از هر کس بکن از این هر علمی اهل خبره دیگری دارد و مشتبه از نطق الکل
باشد حقش از اهل آن بپاید و بیاموزد و صرف نباید تو دو عالم و غیر سالم نقل علما لازم است کمال حقش باید بگیرد
به آن تحقیق کند عرالصین به از آیات و اخبار ائمه علما کفش است سبیل عموم مذاکره و آن را ور این رکنیا از آن عموم
مع ذلک کلمه موافق اخبار عالم فاسق هزار درجه بدتر از عابد عوام است زیرا که عالم هر قدر فاسق باشد ملتفت است زیرا که نمیبیند یعنی
که نه از طاعات بینه و علاجرا نیز ز روز میکنند عوام اگر چه سالک عبادت نباید طریق عبادت نداند سم معاصی
داند بمنزله کوری است باید در قبر و قیامت بجز مخالفت چیزی از اعمال حق نباشد و نبیند زیرا که کور در هر قدمی محل خطر است

موافق حدیث نبوی الناس اثنان عالم او متعلم والباقی کالهمج لیس است برای عوام کالانعام بل اضل
خداوند در آیات گذشته جهالت ایام جاهلیت را فرموده است از عدم وجود انبیا و علما و بیان طریق به این کثیرت کار حق
بجای رسیده که مشهور است در حج بیت الله الحرام و طواف حج زنان اعور که باخود سر دل مشغول شرط طواف بحثیت و چیزد
برهنه زنان بدلخواه حق زیارت خانه خدا انام نهاده بودند در آیه ما ظهر و ما بطن زنا ظاهری در زنا مخفی اشاره است زنان
زنان جاهلیت که برای افتخار برگزیدند زنا رسم بود بلکه هزار زنا میکرد بلکه علم بر بالا در حق نصب میکرد و اینست که در اخبار
مشهور است که تنها معروف بودند در دفعه کربلا اهل کوفه ایمان آوردند بعد از بعثت خاتم انبیا چنانکه مادر ابن زیاد
هفت علم ابن سعد صاحب پنج علم مادر یزید صاحب هفت علم مادر شمر صاحب هفت علم که ایمان آورد حق
القدر نتیجه داد که در آخر با سلاطین چنان بجهاد امام زمان گفت و در آخرش اینه دور و چه تسمیه ابن زیاد معروف جاهلی در قوله
به معنی مرجانه هفت نفر یا پنج نفر قبل ذلک زیاد نبوده چنین با مادرش خبر آورده تو چه میگویی ... کیست چنانکه زیاد ملعون را دارد که
برای مادر زیاد خرجی میداد با آن واسطه سفارش که این بچه از زیاد است و حال آنکه خود مادرش هم نمیدانست برای که
مردم هم ابن زیاد مخاطب میکردند چه که در ظلم ابن زیاد از یزید در حق اهلبیت آل رسول بر یزید ترجیح داده‌اند
جهالت ها و دره نمانده وضع جهالت بر اهمیت جهل سالک که قرائت امر خاص و ممنوع کرده‌اند نماز عامی
حالیه از همه ایام جهالت عجیب‌تر است گرفتن ستون دین الله نماز را از همه الهامات تر زیرا که ایام جاهلیت ستمکار از بعثت
و علما که آنها بوده و قریب پانصد سال از زمان حضرت موسی و عیسی گذشته بود حال اقوال و دفتر ماليات بغیر دانایان
حق علما تو از ... خدا او رسول و ائمه و اقوال همگی حاضر است مع ذلک اعظم اهم ستون دین و علم قرائت که مفتاح و معیار نماز است
باقی است با بشارت و فساد بعضی صاحبان اغراض باطله از عالم صورتان معنی شناس ... شیطان ... علم ... قرائت

در اصل بنا دین تغیر دین از مجالس مدرسه ... کرده

فصل [illegible]

و قال الله تعالی والذین یفسدون فی الارض اولئک لهم اللعنة ولهم سوء الدار یعنی آدم زاده‌ای که بمیرد که
او بنیت رب کرده و چو عضوی بدرد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار و قال من قتل نفسا بغیر نفس فکانما قتل الناس
جمیعا ومن احیاها فکانما احیا الناس جمیعا در خبار وارد است که هرکه عالمی را طعام نماید چنانست که گویا تمامی امت محمد را طعام
کرده است اگر طعام عالمی چنین باشد این اثر دارد پس طعام و تربیت سلطان ... که ... ارواح ایمانی ... است چه اثرها خواهد داشت
یعنی در تعلیم مسئله از واجبات نماز و در ترتیب دین او و نماز و طمأنینه او که ... چه ... است ... مصداق ...

و قال الله تعالی واذ اخذ الله میثاق النبیین لما آتیتکم من کتاب وحکمة ثم جاءکم رسول مصدق لما معکم لتؤمنن به
ولتنصرنه قال ءاقررتم واخذتم علی ذلکم اصری قالوا اقررنا قال فاشهدوا وانا معکم من الشاهدین فمن تولی
بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها والیه یرجعون
قل آمنا بالله وما انزل علینا وما انزل علی ابراهیم واسمعیل واسحاق ویعقوب والاسباط وما اوتی
موسی وعیسی والنبیون من ربهم لا نفرق بین احد منهم ونحن له مسلمون ومن یبتغ غیر الاسلام دینا
فلن یقبل منه وهو فی الآخرة من الخاسرین کیف یهدی الله قوما کفروا بعد ایمانهم وشهدوا ان الرسول
حق وجاءهم البینات والله لا یهدی القوم الظالمین اولئک جزاؤهم ان علیهم لعنة الله والملائکة والناس
اجمعین خالدین فیها لا یخفف عنهم العذاب ولا هم ینظرون الا الذین تابوا من بعد ذلک واصلحوا فان
الله غفور رحیم ان الذین کفروا بعد ایمانهم ثم ازدادوا کفرا لن تقبل توبتهم واولئک هم الضالون
۲۱۸ ان الذین کفروا وماتوا وهم کفار فلن یقبل من احدهم ملء الارض ذهبا ولو افتدی به اولئک لهم عذاب
الیم وما لهم من ناصرین لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون وما تنفقوا من شیء فان الله به علیم

و قال فیه کل الطعام کان حلا لبنی اسرائیل الا ما حرم اسرائیل علی نفسه من قبل ان تنزل التوراة قل فاتوا
بالتوراة فاتلوها ان کنتم صادقین فمن افتری علی الله الکذب من بعد ذلک فاولئک هم الظالمون
قل صدق الله فاتبعوا ملة ابراهیم حنیفا وما کان من المشرکین و اصل ظلم تغییر معارضی

قال ... البغی فی المسجد یاکل الحسنات کما یاکل البهیمة الحشیش هرکه صحبت دنیا کند که مباح ... مردم
بدانکه روز قیامت که زدمی از دوزخ بیرون آید فرار کنند چنانکه اهل محشر با وجود الخوف و هراس که دارند بجز
از صحرای آن حیوان بفریاد آیند و استغاثه نمایند جبرئیل گوید آن حیوان چه میگوید گوید ... کرده
... مانع الزکوة ... که از دنیا رفته و بی نماز ... بکفر رفته و دائم الخمر و عاق والدین ...
دنیا ... در مساجد ... این ... از عرصات محشر ... که ... و از این ... محقق ...
که ... در مسجد ظلم و اذیت و بانی فتنه و فساد باشند از انواع ... در ... مسائل ... مجتهدین ...
و علس ... نماز ... و دین ... خوانند ... نظر بنا محرم و اطفال امرد ... خاتم الانبیا ...
با ... و عناد مردم و غصب حقوق مردم مستحق ... از علما و اهل منبر که انواع ... و در حقیقت ...
و حال آنکه اکثر ... بصورت عبادت ... عوام ... باشند در معنی ... خاتم النبیین ...
و تعارض با ... چنانکه اکثر ... در شریعت ... از ... اسلام ... است ...
در مسجد ... نماز جماعت ... قدم بر منبر ... مردم عوام ... عوام ...
آیه شریفه که ... قل ... ومن الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله ... مراد از لهو ...
قلب ...

فصل چهارم ... (حاشیه)

در تسخیر قلوب مؤمنین بتوسط آیه خناس الذی یوسوس فی صدور

قلب نارد است و این ایام زمان ضربه تجارت اقوال و افعال و ترویج کارها رو به ازدیاد است و فتنه و فساد آخر الزمان در علایم
ظهور رملیات بتوسط علماء سوء در صورت و لباس علم و فضل باسم ترویج دین بمضمون حدیث مشهور افسد العالم
فسد العالم بعضی بدل نمودن نماز حنه اخلاص با نماز اختراعی و فاسد بازیچه مشهور به قرائت بی طمأنینه که عالم گرفته است
با وجود عالم صورتان که چند فرقه شده از جمیع علمای مخصوص عامه و لیکن معرکه مارگیری و فتاوای علمای ابلیه دعاخوان و برخی فتاوی منبر
و حدیث من بلی او ابلی و علاوه بر مذکور منحصر در السنه اند و حاشی کفش چینه مسئله و احادیث و قصص عجیبه و علاوه
کرده اند که عالم و معتقد و معتبر و مشهور و مشار الیه بالبنان گردیده قرائت نماز و ولیکن گویا در دین آبای ما نبوده و نخوانده بعد ولی
نماز شرعی در هر صورت ثلاثه مذکوره لازم است برای آنکه بی نماز کافر که املاقات خالیه تمام آداب دین اسلام مصالح این قدر کرده اند
الصلح سید الاحکام آداب و احکام قرآن هم مختص الی زمان ماضی قبله السلام والکسی بتعلیم و تعلم قرائت نماز جیبانتار
بر خود ننگ و عار و قبیح و بلیه و آفت پنداشته و مغز و تمیز اهل زمان تصور فرمایند و زبان حال و قال خطابش خواهند کرد
هوزده بلغاست در عالم النبی و ققندار کار و بار هر کسی دین فروشی از بیدال حرام مکر و حیله بهر تسخیر عوام دین و عالب تا به حق
صفات هست دائم برقرار در ثبات که صدای این آیه شریفه بگوش جنان عالم صورتان رسیده که یوم ینفخ فی الصور فتأتون
افواجاً و فتحت السماء فکانت ابواباً و سیرت الجبال فکانت سراباً ان جهنم کانت مرصاداً للطاغین مآباً
لابثین فیها احقاباً لا یذوقون فیها برداً و لا شراباً الا حمیماً و غساقاً جزاءً وفاقاً انهم کانوا لا یرجون حساباً
و کذبوا بآیاتنا کذاباً و کل شیء احصیناه کتاباً فذوقوا فلن نزیدکم الا عذاباً و صدای الصلوة تنهی عن الفحشاء

والمنکر و نشنیده و تهدید آیه حافظوا علی الصلوات اندیشه ندارند عالم بوجه جهل مرکب حب و حرص و محبت دنیا و مرید پرستی
با مکافات روز قیامت تأملی ندارد که مردم بصدای بلند ربنا ارنا الذین اضلانا نجعلهما تحت اقدامنا لیکونا من الاسفلین
بگوش نرسیده که مرا شیاطین جن و انس هستند که در دار دنیا اغوا کرده اند حضرت امیر علیه السلام میفرماید من عمی عن الحق فهو شیطان
اخرس یعنی هر کس امر معروف نماید و خبر نکند او شیطان لال است و روایت مشهور من حب عمل قوم فهو منهم
نصف اهل عالم گردنش اعرابی از بار نماینده که در عالم ارواح راضی بوده و امثال این روایت بسیار است غماض نتوان کرد
روایت کتاب مصباح مذکور است که پیغمبر در زمان سابق المبعوث که الصورت اصلی کو امین حق نبوت خطاب رسید که در بیرون
فلان مسجد ببین پس از مسجد بیرون شده المبعوث علمی در دست و طبلی در گردن بر سید ملعون این چه چیز است گفت اسباب
فریب ملت هر روز با این صورت بر در مساجد مردم و بلکی از اولاد حوا و مردان میفرستم حق با من است بهم دلی این کلاش
مکر نامی و خلافت که داخل میثاق با اشاره یا بواسطه اولاد خفیه و اولادش هم از انس یا از جن باشند چون مردم کور اینکه نماز
و سایر عبادات مشغول باشند در اثنای عبادت که تبعیت نفس دارند با من تابعند از رشته تبعیت میخواهم حق حرص داره و تبعیت و تجمیع
وارند بر مثال امام مردم جهالت تابع جوش آنکه نفس حق در اثنای نماز و عبادت روی دل در سایر کارها بر یافته ای طبل
نه دفعه بصدای بلند میزنم بکلمه الطمع الطمع بگوش ایشان رسانم یعنی مراد از این عبارت طمع دنیا و فتنه و فساد است
و تبعیت نفس بمجرد شنیدن این صدای طبل من موافق دلخواه من رو از نماز و طاعت بالمره که انهدام در دل یاد دنیا طمع دنیا
باشد هر قدر سعی کند که ابو حفص نماید کجا کرد صرف خیال دنیا است و ما صدای طبل دوم بصدای بلند میزنم بکلمه الحرص الحرص
کسانیکه مقصود ایشان حرص دنیا است که بالاتر از طمع است طغیان در خط حرص آنها سوار با تمام کجا که خوف خدا از دلشان بیرون رفت از ایشان
صرف ریاست و کبر و نخوت تمامی اعضای ایشان گرد باطل و در مرید پرستی نماز بسر برد و در صدای طبل سیم المنع المنع صدا میزنم فقرا و
اهل الله حقیر و خوار بزرگ و شریف و مخدوم شمارد و نفس خود در جمیع فرض کالمعدوم و بلکه ارباب کمال و فقرا و اهل الله را پس در دل
پیروان شان از مسجد به این حاجت بر سر حکم بخدم جمع نماینده و لطف تمام دست بر روی ایشان کشم و بگویم با این روح وجوهاً لا افلح ابداً انعه

[illegible] مصاحبت [illegible] ١٥٢٠

تابع و مرحوم کهنه و در کتاب [illegible] مبارک مبارک دانم و بواسطه کرد مثلث علما و مصداق و الذين سعوا فى آياتنا معاجزين اولئك لهم عذاب

من رجز اليم که در قدیم علما مخصوص است که همیشه حق و غالب معاجزین همه اند و مبحوث هستند در وقت صحبت همیشه حق و غالب

تا مشخص شود مصداق این آیه شریفه هستند اهل اعتقاد بک واسطه بر وضع استمرار قول و هزار از عالمهای عالمانی در مقام صحبت

خدا و رسول و قرآن اند است و قال الله تعالى الذين يصدون عن سبيل الله و يبغونها عوجا و هم بالآخرة كافرون

ان ادهن الخلق الى الله تعالى من ولى امور المسلمين فلم يعدل فيهم مرتبه خائن کسی است در کنه نوع مشابه امور خلق

سق ملاحظه عدالت نماید که عدالت شهادت صورت و لباس بیشماری نیست اول وجوب عدالت نمار حقوق تعلم قرائت که معیار استعداد فوق

با نماز باطل صراحی یعنی صفای صمیم مع الاتقان محال است بواسطه جهل و معصیتهم نبودن حقوق تا معصوم نسبه انه ققال

من اهل الناس بغير علم لعنة ملائكة السموات و الارض که ام بیشمار است که از مقابل صه لو لغو نه دارد که با میزان علم قرائت

علم تصحیف فساد نماز حقه مردم به مواقف لسان عرب بدون هم سکلات از علم قرائت است با اینکه نماز حقوق صراحی در بر

دو سلک زبون کارها علم قرائت حکم باطل صلاة ما ارال الله است کی ماند که نماز دیگران مستم حکم به مصداق و من لم يحكم بما انزل الله فاولئك

هم الكافرون بعد از کفر و اضع کلم قرآن بار بیشمار نماید و قباحت این نوع بی دینی و ملاحظه نماید آنکه نادر عالم عامل است از باب

النادر كالمعدوم است و الحاصل بر اهوا و هوس و اغراض و بحوث و برای اضلال مردم و مردم برای حقوق مستحق لعن و طعن خدا و رسول که طلکه تمام

زهی بدبختی و شقاوت است مردودیت که شیطان در بیت چهار ساعت شبانه روزی جنود و اتباع حقوق و در زمین لشکر که تمام

مخصوص در اسواق و بازارها مشغول برای اغوا و وسوسه مردم پس در باطن الطلاب و جمع روزها سزاوار است که بعد از تعقیبات مشغول

برای دفع مکاید آنها و تعبید دنیا و آخرت حق در تفسیر الذى يوسوس فى صدور الناس در دلیل کتاب مرقات الايقان حضرت آدم

٢٢٠

و حوا بواسطه ترک اولی از بهشت بیرون آمده بعد از انقضای ایام فراق از نعم نامتناهی کاشتی و فراق و دعای ابتهال بهشت و جنات

بواسطه توسل بانوار خمسه و با خاتم بیکه کیک روزی آدم بواسطه امری غایب از حوا بود ابلیس نزد حوا آمده بچه از اولاد حقوق آورده که

که از این بچه ملتفت باش و رفت جناب آدم آمده احوال پرسید که این که وجه باشد از کیست حوا گفت از اولاد ابلیس است سر پرده

ملتفت هستم تا آمدنش آدم تغیر کرده او را کشت که باید قطعه قطعه نمایند چهار پاره کرده بر سر چهار کوه انداخت باز آدم کا حقوق

رفت بعد ابلیس حاضر شد قصه آمد گفت یا خناس فی العذر جواب داد لبیک صحیح و سالم حاضر شد باز بیکانه مجتمع داد

و ملازمت شیطانی و لابه کرد که سپرد رفت دفعه دیگر آدم آمد خناس را دید غیض و غضب کرد او را سوخته رفت و سوخته او را باد داد

کوه تا کعبه که از این ملعون هر کس دیگر این کار می کند بیرون امن خفه کنند از همین قسم شد نماید که از عهده تمرد

با سوختگی گرفتار نماید چون ابلیس آمد باز خناس نبود و باز گو یا خناس فی العذر جواب لبیک گفته حاضر شد این که حوا قدر

سه بار بود افسون و لابه کرد اینکه گذاشت و رفت مرتبه سیم باره آدم آمد و باز خناس را سلامت دید این دفعه از شدت غیض و غضب او را کشته

حقوق و قدری بجوشانید اکل نمود بعد کینه خوردن حواب بسیار است تلاش کرده بکنند جاری و خلاصه باز ابلیس آمده صدا زد یا خناس

قدری از شکم آدم و قدری از شکم حوا جواب لبیک بر آورد که چه میگویی و چه امر است بیرون آیم باید ابلیس گفت الحمد بیرون بیا

جای خوب مقصود هست بر داخل نمایند خناس در طرف چپ دل انسانی است از امر در زمان اغوا نماید و وسوسه کند چنانکه خبر داده

بوسوس فى صدور الناس و در طرف راست دل انسان ملکی ملهمه نام نعلیم اوصاف کمالات و خیرات و عبادات و وسوسه نماید

علامت آنست که اول رکعت نمازها آنچه مستحب است چونکه بسیار از احوالات احوال ملهمه آرام کرده در دل زمان بسیار و از بسیار دارد

خناس است در طرف نکند که مصاحبت علما عاملین و صلحی و ابرار و اخبار و از ظالم و فسقه و حرام سبب خطر نال جاهل

امور دنیا و خود بر کوشت و حسن و حسیدن که بالکه بالکه تعلم نماید چلی باکیه و سالم نفلی به درجه لازم است بمانند درجه بالکی و سالم کردن مصاحبت

چنانکه واضح است بر دانشمندان علم قرائت بواسطه مصاحبت ناجنس و کدورت نماز جمعی دیگر گرفتار مردم هر دو درجه ای در زمان با عدم مذاکره دیگران

مجمل البیان

باب سیم در فضیلت علما [illegible]

۱۵۴

[illegible] باشد [illegible] این عالم [illegible] احتیاج عالم [illegible] عالم [illegible] شیطان [illegible] [illegible]
از جمله کلمات اعظم [illegible] که میان عالمان [illegible] فساد بزرگ عالم [illegible] مشهور است [illegible]
[illegible] در قرائت نماز [illegible] کافی است [illegible] فساد [illegible]
[illegible] حال است [illegible] در صحت است [illegible] کامل [illegible]
[illegible] این مرتبه [illegible] افراط یا تفریط [illegible] معطل نمازات [illegible]
یقین [illegible] اهل [illegible] در نماز [illegible] در صحت [illegible]
معیار زبان [illegible] کلمات صحت [illegible] علم قرائت [illegible]
که در نماز [illegible] مقدمات و مقارنات نماز [illegible]
[illegible] چهار هزار مسئله دارد [illegible] نماز [illegible] علم قرائت [illegible]
[illegible] الحقیقیات [illegible] مقامات [illegible] چهار هزار [illegible]
والا با نماز [illegible] مصداق من اضاعوا الصلواة واتبعوا الشهوات فسوف یلقون غیا [illegible]
پس بعد از وضوح [illegible] عالم [illegible]

باب سیم در فضیلت علمای عاملین که همیشه در فکر اصلاح خویشند

فصل اول در فضیلت علما قال الله تعالی یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون کبر مقتا عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون
پس وعظ و نصیحت و عدم [illegible] این شخص [illegible] بلکه [illegible] عظم [illegible] واجبات [illegible]
[illegible] نفس [illegible] اصلاح نفس [illegible]
[illegible] عمل [illegible] قول [illegible] موافقت [illegible]
[illegible] نفس [illegible]
[illegible] سلطان [illegible]
و احادیث در [illegible] عالم بی عمل بسیار است [illegible] احکام [illegible] عمل [illegible]
[illegible] فاسق باشد [illegible] فساد [illegible]
[illegible] در دنیا [illegible] آخرت [illegible]
[illegible] حضرت صادق آل محمد [illegible]
[illegible] در عذاب آخرت [illegible]
شیطان [illegible] کلام [illegible]
[illegible] کلمات [illegible] ومن الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله [illegible] بعذاب الیم [illegible]
[illegible] از کثرت احتیاط [illegible] علم قرائت
[illegible] احتیاط [illegible]
[illegible] در قرائت نماز [illegible] کافی است [illegible]
[illegible] کافی است [illegible]
[illegible] اهل لسان [illegible] کافی است [illegible] محض [illegible]
[illegible] کلام [illegible]
[illegible] کافی است [illegible]
[illegible]

در فضایل علما یا علم و بطلان علم بدون عمل و فضایل

اینست معنی اول آنکه العالم فی العالم علمای زمان ما این کلام را لکن نمی‌گویند که در عرض حرف قرائت و کار و صرف اوقات کار در صحت نماز [illegible]

پس هر چیزی که در غیر موضوعه حرف استعمال شد نتیجه غیر از فساد و رعیت نخواهد بخشید از این معیار میزان محقق میشود [illegible]

اینست معنی حدیث که فرمود هر علم و شرط هر عمل معرفت است و عدم قبول هر عمل بی معرفت و استعمال هر شیئی در غیر موضوعه [illegible]

و معنی عبارت عبارت این کلام است که استعمال هر شیئی در جای خود و بعبارة اخری سیاست رود در هر کار [illegible]

علاوه معنی کاردانی و حرفه و پیشه و جمال قدرت و طاعت و به که و رد و به دانی در کار و صاحب رای مستقیمه مصداق [illegible]

و الاصل حضرت صادق فرموده عملی را قبول نمیکند مگر با معرفت و معرفت و علم می طلبد عمل که متحد باشند مثل [illegible]

و الا بکلی بسته علم است با هم همیانه و الا اگر عمل نباشد هر دو میروند یعنی فانی نباشد و در حدیث دیگر هر که عمل کند با آنچه میداند حقیقتا [illegible]

که نداند یاد عطا فرماید و فرموده آستانه صدق و صفا صلوات الله و سلامه علیه و علیهم اجمعین چنانکه برای علم و معرفت احوال [illegible]

اطلاع میشود و شوق حیا و آنکه باعث قرب و محبت اللهی باشد و نجات از اهوال و رستگاری ما است و عمل بر طبق علم و معرفت باعث [illegible]

نورانیت خانه دل و روز بروز خانه دل روشن تر میشود که بلکه از حالت سابق استعداده که به و ترک عمل و مخالفت روز بروز ظلمت [illegible]

دل بیشتر گردد تا رفته رفته خانه دین و دل ویران و از قابلیت تعمیر و جلا و صفا بالمره افتاده مانند ارباب علوم باطله [illegible]

مختلفه اهل سواد و جهال شیطانی بر اتباع عوام صرف کمتر و گمراه تر و در عبادة بی باکتر گمراه که در رای آنکه توفیق [illegible]

قطع میشود توفیق اللهی وقتی شامل باشد که اول نیت صحیح محل و مأوای عمل که نفس و دست از لوث هوا و هوس [illegible]

و ذمایم صفات رذیله تنقیه و پاکیزه نماید و الا از قبیل سرنیزه برحلت و زیارتی فوق سواد فاسد و هلاک خواهد کرد و این جمله از عوام [illegible]

بلکه کار است که عوام کار از نیست و متابعت علما و شنیدن و ممارست واجبات و مستحبات و ترک محالفت و از شنیدن آثار [illegible]

سلام الله علیهم بمرتبه ارزشمند رسیده و صلاح حال خود دانند که از علما نقل مسایل برای ایشان است بر دوم نقل نمایند مانند اگر زدن اخبار [illegible]

از تمام و نقاب و عطار که شتکان روایت که در علم رجال معلومست این قبیل حاجی میتوانند سایر مومنان [illegible]

زیرا که هر چه از معتبرین علما شنیده اند بقوه حرف و پیشه و رسم حفظ کرده جمال احتیاط نقل نمایند خصوص قرائت [illegible]

که الان نیز طالب و راغب تعلم قرائت از علما باشند از صد نفر عالم حد نفر سوای علم قرائت نخواهی یافت [illegible]

با قرائت اقل درجه صحت که شرع پسندد کوینه بخت میشود خاک عالم بر سر عالمان لاابالی این چنین عالمان جهال [illegible]

حق صاحبان سواد و جهال است که صد نفر جاهل با قرائت صحیح بی عیب موافق آراء مجتهدین و قراء سبعه قرائت نماز [illegible]

با میزان عمل صحیحه جلیه بر آنند که تعلیم دیگران و صحت و تقیم نماز خود و دیگران جهارت باشد که این قرائت از حرام [illegible]

جایز است یا مکروه نیست تا در جواب ست آن حکم خلاف ما انزل الله نه میدانند کافر و مرتد بیجا و بی ثمر لسوزد در حرف رحمی نمایند [illegible]

این کلمات مولف و سیاه مجتهدی داشته باشند که مردم صاحبان علما و کتابی بی جهد کافر و مرتد نمایم مرحمت آن بزرگوارم [illegible]

باید کذبت خدا از عمل بسیم الله با حکام قرآنست که میفرماید بحکم آیه شریفه و من یطع الرسول فقد اطاع الله و من تولی فما [illegible]

ارسلناک علیهم حفیظا و بحکم وجود و وجوب نماز که از ضروریات دین ما است با صحت قرائت علم قرائت که در صحیح بالاصل [illegible]

علم قرائت و میزان صحت و تقیم نماز و قرآن خوان و برای صحت نکاح و طلاق و سایر عقود و ایقاعات ترا ردکر [illegible]

اهل مرضی الطرفین سنی و شیعه قایلند و جمع کوید که محصور در فقه اند اکثر علما موجب صحت مجتهد احمقی نمود که انه که مثل [illegible]

برای هر کسی سهل المأخذ باشد و بدون آن علم محال است قرائت نماز و عقود است و نکاح و طلاق صحیح باشد این چنین علما [illegible]

به عمد از دزدان شرع و دین ما در بیت چهل بیدریع کم کم چنان بر داشتند که الان خود دزدان شریعت محتاج نماز با قرائت صحیح [illegible]

نماز ساقط نشدند که اقل درجه وجوب است که مخصوص و حقیقی و اکراه و جهال خود مطلبات منزلزل با اقوال برد اند و [illegible]

توسل بجا الرحیص ایشان از کسیا رات باشد این چنین علمای دزدان شرع و دین و جاه اند از دکه با امور مسلمین و مومنین [illegible]

فصل اول از باب سیم

در اشاره باکثر اهالی عذاب [illegible] خیال از اسلام [illegible] نمایند

زیرا که عدالت و مسلمانی ندارد و لی عوام الناس برای صحت [illegible] صحت [illegible] و بلاد در محضر خدا در سوال [illegible] کلمات [illegible]

که نماز یومیه حق [illegible] و [illegible] طور و [illegible] اعتذار با بال و صنایع [illegible] که محتاج نماز سقط قضا [illegible] که نماز صحیح و علم قرائت

ابداً [illegible] و لشنیده انه لا حول و لا قوة الا بالله چه اسلام و چه مسلمانی است خدایا گویا [illegible] تا باکیه نماز نخوانده اند ان الصلوة کانت

علی المؤمنین کتابا موقوتا فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوة و اتبعوا الشهوات فسوف یلقون غیا بتساءلون عن المجرمین ما

سلککم فی سقر قالوا لم نک من المصلین و در [illegible] اول [illegible] عقابی [illegible] از نماز [illegible]

[illegible] که قاری کلمه [illegible] فارسی [illegible] و علم قرائت [illegible] قرآن و [illegible] و الی [illegible]

[illegible] حروف کافی است [illegible] قرار [illegible] ان قلت قل ما سواها [illegible] و ما سواها [illegible]

[illegible] آتش [illegible] با ائمه [illegible] نماز [illegible] مخالف [illegible] لطف [illegible] [illegible] التماس [illegible]

[illegible] و حال آنکه در [illegible] شفاعت [illegible] عقیده [illegible] و [illegible] شرایط دیگر نماز [illegible] مسلمانی بغیر از

حدیث شریف [illegible] که [illegible] اهم نماز است [illegible] ولایت ائمه [illegible] اعظم نماز است

چنانکه اخبار بسیار دال است [illegible] اطاعت خدا است و [illegible] اول [illegible] لازم

[illegible] الا ما شاء الله [illegible] ایمان [illegible] خدا و آل محمد [illegible] و [illegible] جماعت [illegible]

[illegible] و سلطان [illegible] اسم نماز است [illegible] سلطان [illegible] همه لشکر [illegible] اصلا

عزیز برادر برای [illegible] زندگی دار [illegible] و بلا در تمامی [illegible] و عقود و ایقاعات [illegible] از [illegible] قرائت [illegible] صاحب

صد [illegible] کار [illegible] جماعت [illegible] حال [illegible] قرائت [illegible] سواد [illegible] بغیر [illegible] حمد و سوره [illegible] سقط قضا [illegible] ۲۲۳

[illegible] فارسی [illegible] یک [illegible] صرف [illegible] علم شریف [illegible] علوم [illegible]

همگی علوم بغیر از ضلالت و گمراهی و شیطان [illegible] و ضال و مضل [illegible] کار دیگر [illegible] اگر چه

هزار درجه بالاتر از شیطان [illegible] دارد [illegible] زمان است [illegible] کسی [illegible] نمازش باطل [illegible] صحیح [illegible]

اجتماع ضدین [illegible] در یک کاسه آب و آتش [illegible] جمع [illegible] عاقل [illegible] عالم [illegible] زمان [illegible]

[illegible] که فساد آخر الزمان از علائم ظهور است تاریخ ۱۳۲۲ از تمامی فساد عالم [illegible] اعظم همه فساد [illegible] که اکثر [illegible]

با وجود نماز [illegible] جاهل [illegible] نمازش هم [illegible] با عدالت [illegible] نماز جماعت [illegible]

در دار العلم خراسان [illegible] الائمه علیه [illegible] اولاد [illegible] و النبی در اقامه سال چهارم اجتماع ضدین [illegible] بتحقیق

در هزار [illegible] جماعت [illegible] که حاضر [illegible] نفر [illegible] همگی با قرائت [illegible] قرائت [illegible] نفر [illegible] قرائت [illegible] سقط

بافته برای محروم [illegible] از فیض جماعت [illegible] باطل [illegible] خط [illegible] نماز [illegible] باطل [illegible]

این مجمل مولف [illegible] محقر [illegible] ضعف [illegible] انقلاب [illegible] اسباب جمع [illegible] ناتوانی [illegible] غلبه

از همه [illegible] و الی اصل اجتماع ضدین [illegible] در میان [illegible] این آستانه ملایک [illegible] انسان [illegible]

اسم قرائت صحیح و باطل [illegible] و غیره [illegible] اگر [illegible] از راه اصلاح [illegible] بعد از [illegible]

یک [illegible] کلمه از مبطلات و فساد کلمات یا حروف یا مخارج و صفات [illegible] تعلیم [illegible] فرد [illegible] جاهل

[illegible] زیرا که غلط خوانی [illegible] ترک [illegible] و بعضی [illegible] معطل [illegible]

[illegible] و سوزش دلم [illegible] اصلاح [illegible] اصلاح و تغییر [illegible] المؤمنین [illegible] اصلاح [illegible]

[illegible] این [illegible] بعد [illegible] دیگر [illegible] اسم ترک [illegible] نماز [illegible]

[illegible] مولفات [illegible] این زمانها [illegible] تالیف این تالیف [illegible] اخبار [illegible]

فصل اول از باب سیم

در ذکر عالم و مذمت علوم شیطانی

(ارشاد ۱ — از الشکران شیطان)

موافق کلام سعدی تیغ دادن در کف زنگی مست باشد نه به کس تا به ترک دنیا را با این درجه بقصد اخبار خوف باید اخبار رجا بگفت مرید را علت بشد

و شریک بودن در معاصی ایشان که تقدیس و ارشاد کنند و ذلک هو الخسران المبین ایمان بکفر سبحه بزنار بدل اسلام را با ریا حقیقت حمار

برای امروز گفته اند و الحاصل توفیق الهی دخیل است ملا حال عالم و طلاب باشد که اول نیت صحیح نمی محل و کمال علم اگر خالیست

از لوث و کثافات هوا و هوس معاصی و ملاهی و خواهش نفس باشد و از اوصاف رذیله تنقیه و پاکیزه نماید از مقوات [illegible]

هوا و هوس باطن مرض را باعث زیادتی قوه مواد فساد گشت در دین و خالی و پاک کنند زیرا که عالم بی عمل با علوم غیر شرعی بنیت صحیح

تحصیل نباشد از این جهت از عوام صرف بدتر است بلکه عوام بعد از خدمت و ملازمت علمای عاملین هزار مرتبه بهتر است برای تتبع آثار

و اخبار ائمه سلام الله علیهم حفظ و ضبط و عمل کردن بتمامی حرف حرف نه دل و ممارست باید آورد و ملتمس در زدیج با امثال حق با مصاحبت علما

و نقل صحیح با احتیاط بمرتبه از رشد و صلاح و سداد میرسد که عالم بی بدل و مجالست مانند اکثر ز داد از تمام اخبار و اخبار اطهار

گذشتگان که در علم رجال مبین است و از این قبیل مردم هم از این قبیل عوام استفاضه نمیتوانند زیرا که هرچه از علما یاد گرفته

بقوه حوف و خشیت و پندار و کمال احتیاط یاد کرده اند بر سبیل بی باکی و لا ابالی جسارت ندارند مثل بعضی بی شرم و حیا

نباشند که در مجلس علما و علما حدیث و مسئله کنی و قصه خوانی و معرکه آرائی با کمال نمایند احترام علما را با ایشان [illegible] ملاحظه

ندارند بلکه اکثر کلمات بی غث و فساد مجلس آرائی و کمال عفونت دارند که این زمان بحمد الله مجالس بر است حتی تصرفات

امور مدارس و معلمان اختراعی با درسهای ردم و درس با سلیقه های جدید و معلمان فاسق فاجر اللواط و جابر و درسهای فرانسه

و درس کلام الله و درس عقاید و مسائل جامع عباسی و قرائت حمد و سوره نماز و اصول دین و فروعدین ترجیح میدهند سند بلکه

اینکه امر کار را به اینکه برای امر معاش و علم هر چیز بهتر از جهل است در آداب و شرایط این نوع مدرسان فاسق کردن

اطفال به منابع اعظم شرایط برسیاست [illegible] است که با شلوار تنگ نشستن برای اطفال امر بعید و حرج حاضر نمیدانند و اطفال

امرد سلمانی لباس شوخ تنگ مقطع با نباشد نه لباس زولیده و لحواه خود هر کس معلمان فاسق اللواط کهنه کار که تمامی رسوم

اللواط را کامل باشد و اطفال ساده لوح شوخ تنگ و سپردن با شیخ عالم مقدس نمیکند که مشغول نماز و طاعات و عبادت کی

دارد اطفال چه جز از نماز و طاعات که کمال تشنه شب و روز فکر و ذکر ش نزد خدا و رسول است اطفال و درس و با آداب

و فهم رسومات معاش و تعلم بدون فرح و نشاط و خنده ال برای و فهم رسوم کلام و اشارات و کنایات چشم و ابرو و خنده

و رسوم عشق و شوق بعضی کلمات و حرکات عارفانه جوانی مجبت لازم جوانی و سادهرخساره عنقریب از اینچه کارات معلمین

اطفال در هر حال خوش که از این لازم است ناخفته نباشند حاصل آنکه بعبارت اخری کوسفند بلکه بدتر که گوسفند با گرگ که گرسنه

سپردن لازم بلکه هزار درجه بدتر است و از سلیقه ایام جاهلیت که زنان را اعور با مردان کف زبان مشغول بجا آوردن طاعت خدا اطواف

اطاعت نمیدانستند بهتر از ایشان ندانسته در مجلس سم مجلس آرائی نمایند ایها اسم تحصیل اطفال و مدرسه و سلیقه جدید [illegible]

افتخار نمایند اینست که خاتم الانبیا زاید بر هزار سال قبل فرموده وای بر حال پدران اطفال آخر الزمان که عقاید و احکام دینیه

اطفال خود را نیاموخته بر مناسک نیاموزند ملعون ملعون من ضیع عیاله حتی واجبات و مسائل مذکوره واجب فرزند

باید رئیس خانه که عیال صدق نماید بیاموزند نه اینکه پسران ساده و مقطع با البسه لخواه اللواط مکان گرسنه سپرده

بعد کلاه مردی و افتخار ملبسه زنان دادن و حال آنکه در اخبار معتبر است هر که راضی شود که عیالش با مفرح نارنج رو گشوده از خانه بیرون رود

تو مفرح بنا محرمان و بیرون شود اگرچه بمسجد رود یا بدیدن پدر و مادر رود هر قدم میگذارد بر دارد یا زده می خانه در جهنم برای شوهرش بنا نماید

والله بی اذن شوهر رود برای خوردن بنا نماید بامر الله و اگر حیا مرد و دیوث کوید کی نیاورد و غلبه نیت و فسق [illegible]

اینست که میزان و معیار تمامی کارهای دنیا و آخرت که ملاحظه اعمال باطنه حالیه است که بدانی این کار و قول و حرکات و سکنات معاش

واجب است یا حرام است یا جایز است یا مکروه است یا مستحب است که ترکش بهتر است باد جمیع عقل و شعور و کتاب خدا [illegible]

فال لا

عقیده و روح دار [illegible]

اسباب منافقی و ظلم [illegible] نماز

قال الله تعالی یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول ان کنتم تؤمنون بالله و الیوم الآخر ذلک خیر و احسن تاویلا الم تر الی الذین یزعمون انهم آمنوا بما انزل الیک و ما انزل من قبلک یریدون ان یتحاکموا الی الطاغوت و قد امروا ان یکفروا به و یرید الشیطان ان یضلهم ضلالا بعیدا و اذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل الله و الی الرسول رایت المنافقین یصدون عنک صدودا و قال الله تعالی ان المنافقین یخادعون الله و هو خادعهم و اذا قاموا الی الصلوة قاموا کسالی یراؤن الناس و لا یذکرون الله الا قلیلا و قال ان الذین کفروا و ماتوا و هم کفار اولئک علیهم لعنة الله و الملائکة و الناس اجمعین خالدین فیها لا یخفف عنهم العذاب و لا هم ینظرون نمیدانم بعضی علما که قدم جسارت [illegible] در حمل خطر احکام شرعیه از مثل علمای که بوجود و وجوب علم قرائت چندان اعتنا نکرده کار حقه [illegible] حقیقت بوجود قرآن [illegible] زیرا که هر چیز [illegible] قرار قاعده [illegible] بی قاعده [illegible] حرکت [illegible] مقصود [illegible] آب خوردن این قدر آداب و شرایط دارد طعام خوردن [illegible] شرایط و آداب دارد [illegible] شرایط [illegible] و خواهیدن در جنت [illegible] پوشیدن کتابها تالیف کرده اند اما اعظم ستون دین نماز [illegible] حروف کافی است [illegible] کلمه [illegible] اند [illegible] نماز [illegible] تمام [illegible] کافی و درست [illegible] این مذهب علمای ما است یا این نوع علما در حقیقت [illegible] وجه قرآن و نماز و مسلمانی قایل است فعلا با همه [illegible] منکر است از منکر قرآن و دین قایل باشد [illegible] تفصیل نماز شرع [illegible] اگر گویم مسلمانم غلبت [illegible] این نوع [illegible] قرائت و نماز خدا و رسول [illegible] این نوع الواط دشمن خدا و رسول [illegible] مگر این نوع بی دینان در لباس [illegible] نزدیک دین مسلمانی در حدیث نبوی [illegible] که هر که چهل صباح در عبادت خدا [illegible] اخلاص و [illegible] و بخلوص و صفا [illegible] خدا [illegible] حکمت و معرفت [illegible] از دل او بر زبانش جاری [illegible] بسیار [illegible] هر که چهل حدیث [illegible] مسائل دین [illegible] یاد گیرد خدا [illegible] محشور [illegible] ستون دین [illegible] کنه [illegible] شرایط نماز [illegible] آیا کافر از دنیا [illegible] که دشمنی خدا و رسول و نماز [illegible] دنیا [illegible] در دنیا [illegible] حکمت [illegible] در دل او [illegible] زبان او [illegible] دنیا [illegible] دار السلام [illegible] این کتاب [illegible] کتب [illegible] فسق و کفر [illegible] نقصان و قصور در علم [illegible] در خصوص [illegible] خدا و رسول [illegible] احتیاط [illegible] صراط مستقیم [illegible] احتیاط [illegible] کلمات [illegible] عوام [illegible] شرع [illegible] که تعلیم و تعلم است [illegible] امیر المؤمنین [illegible] عبادت [illegible] خوف [illegible] بنده [illegible] قرابت [illegible] ریاضات [illegible] از مقربان [illegible] سلمان و ابوذر [illegible] بمقام قرب خدا [illegible] تعلیم و تعلم [illegible] عوام کالانعام [illegible] کلمات [illegible] علم قرائت [illegible] تعلیم [illegible] نماز [illegible] والله العالم

۲۲۵

فصل اول از باب سوم

اشاره به بعضی اشخاص عوام الناس که نسبت اعتقاد دارند در حق ... ۱۵۹

بدانکه عوام و خواص که اکثر عالم عامل در علم و عمل که اقتدا و متابعت او حاصل میشود بمعاشرت و ملاحظه مصاحبت او در حالات مختلفه از رضا و تسلیم و غضب ...

و بجا و غفلت و شهوت در خلوات و آشکار از اوضاع و اخلاق او از جمیع ما جا ... با کمال احتیاط عقل و انصاف و نقل و فعل اخبار ... طور امر دین و ...

و محافظت آداب فرایض خصوصا ادا به نماز از کمال حضور قلب ... عدم وسواس و مواظبت سنن مؤکده و عدم بی باکی ...

اقدام اطمینان عوام از طرف افراط و تفریط است که مبالغه کنند اما از طرف افراط پس به عالم کلیه و الجمله بلکه عوام جاهل صاحب سواد ...

فصیح و بلیغ زبان او سخن کند و حکایات و عجایب و غرایب و طرح مسائل نادره ... بشنود غیر معروف و نقل اخبار ...

... مشهور است که ... این عالم فاضل بی بدل که در زمانه ... همین افراط مذکور باعث تفریط در باره علمای عاملین ...

که در هر حال با مردم خلط و مصاحبت و مجالست ... و شکفته رو با مردم ... خصوص با اغنیا و امرا و وزرا باشند ...

[illegible]

۲۲۶

فصل اول از باب سیم

التنبیه للنائمین از علمای سوء

در تخریب بعضی محرّبین دین و ظالم

بیگانه در طرف تفریط زمان انقلاب شده و جمعی از این عقیده طلوع در دو که بعضی از علماء کشند و قرار کرده با آنکه حال

مع ذلک مذ منبله در باب لسع در کل علمیه علم قرات میزان صحت و بعض نمازها است در متعلقات علم فقه

ایشان فساد ها تو لبه شده علمای ناقص در حق این علم شریف ساخته کرده و در علم امامت و ولایت که ملائکه خصوص

منفه مذهب صحیح و دین محمد را منحصر به مذاهب اربعه کرده بتقویت شیطان لشکر شیطان جلو عالم را کرده مثل تغییر

علم قرات که زیاده بر چهل سال شد که نماز بعضی احوال ها که نماز صحیح ممکن شده و انه منظمه این رئیسان

که اکثر با این سلوب بلکه در از هلاکم نماز نمایان لشکر در خراسان تن بر جبری نماز پس برای علماء الزم و واجب است اسئال

مولف محمد و در مزید تاکیدات هرکس موافق سلیقه و علم و فضل تقریب خود بنویسند و تصحیح تعظیم و توضیح و تعلیم و تربیت

در منابر و مساجد بر سبیل و طریق تکرار مطلب اسم و الزم بنویسند از مطلب عجیب و غریب از لوح و قلم و عجیب زمان

و چیزها غیر لازم با چیزها بلکه کم لازم ملیفه دست بردارند برای رضای خالق مسئله الاهم فالاهم با خوف و خشیه خالق

فرمود صلاح حال ایتام آل محمد و حق ایشان را که مقدم بر همه چیز قرات نماز است به هر شکلی و زبانی ترویج دهند

لشکر روسیاه را زیاده بر سه ماه نزد احدی معطل نکرده از وقف عام منهدم و ضبط وقف خراب نموده ام در خراسان در مدت

و بیشماران شهر است و بنا و حرمت بکار نبرده دارند املاک مضایقه فرمایند از اهل منابر و مساجد تا به مضایقه

ما برای استفتاح که با کتاب نبوده بعد باری و اتفاق ائمه جماعت لشکر نمایند که زیاده از سه ماه حبس لشکر در حرم ملک

بدست اطفال و غیر اهل برسد چنانکه کلام الله مثل مراتب غیر اهل داده خراب میکنند حتی برکت ایشان از اوقاف را

شاه است که چه طور خراب میکنند علی خیانت وقف و محرمات و چنین سبب هرج و مرج و شده بدعت و ضلالت در این

زمان در لباس علماء مشهور دکترت بهم رسانیده و با ضلال جهال و فسقه مشغول هستند با اسم نهی از

برای اتمام حجت اهل غفلت در این فقره علماء به هدایت ارشاد و صلاح پس برای کنید تا ادب غافلان باید

فصل سیمی در باب تفصیلی از حالات اهل بدعت و طعن و توبیخ ایشان موافق فرمان واجب الاذعان فاتم

پیغمبران و امیر مومنان عموماً و خصوصاً بردارم برای آنکه لازم است اول چیزیکه تحقیق کرده است از

حاضرین و مستمعین بهر مرضی از امراض باطنی و ظاهریکه مبتلی هستند و هر مرضیکه مضعف و مهلک مردم است

موافق مرض ترتیب دوا و علاج چنان معالجه نماید که از مقصد مرض شفا باشد ایشان را اگر دلخواه مریض نباشد

مثل آنکه مریض بواسطه غلبه حرارت مشرف بموت است دوای دلخواه عسل شیرین است که همیشه هر مریض جز مصفر

دشیرین میخواهد اگر تو هم با غلبه حرارت عسل یا چیزی که شیرین میخواهد بدهی لابد هلاک خواهد شد باید شربت تلخ

معالجه نمود ولی این زمان اکثر علماء مردم را بدلخواه چیزهای شیرین و خود مریض مایل و راغب است چنانکه مردم زمان طالب

ترویج حدیث شریف من بکی او ابکی هستند که بجز دو قطره اشک بر دیش جاری شده خود به روی مردم فساد و فجار برای از

آتش جهنم گرفته باشد برای او واجب نمیکند ملکه اسلام برای خود عوام کالانعام مدعین که تا قیامت بلا کسی سماع نیست و یک تعمیر

دار تازه بسازند معطل نمانند و یک محتاج نماز در روزه و آداب شرع و دین ندارد موافق حدیث الصلح سید الاحکام همه ادات

دین و مصالحه بکنند یا زیارت با این همه دار معوقه کربلا شده که محتاج تفصیل احکام شرعیه نباشند را اگر بشتر نزدیک باشد

را بیک هیچ مجتهد و عالمی نیافته و عارف شده بیک سفر کربلا چنانی راه طی الارض را یافت چنانکه بقول بعضی بیشماران

مقدس و اردهی خبر داده که تمیز حروف در علم قرات نماز کافی است قاریان و اهل دیلمی و بسیار که قرات نماید با اینکه

از حمد و سوره موافق اهل لسان عرب کافی قرات و امثال این کلمات مختصر جاهلی لسندیده خود مردم را استغنا به تعلیم شرع حفظ شیطان

با آن التفات نکرده خانه صاحب دین و امیر المومنین و ائمه طاهرین را حالا آتش زده که تا قیامت شعله در بیت معصومین فرا عالم

۲۲۱

فصل اول از باب سیم

اشاره بانواع و اقسام خطاهائی که کنندگان امور شرعیه

و این را وطی الارض بشماران هر شب باغراض حب دنیا و ضعیف نفس و ترک علم قرائت در طرف شب [illegible] تابان

و عوض و بدل شدن نماز خاتم الانبیا با نماز اختراعی بدعت خود پسند هر کس نتیجه دنیوی و اما نتیجه اخروی که بهتر از نماز است

در آخرت و قبر که اول شب [illegible] حرام شده [illegible] که هزار رکعت نماز [illegible] جراب [illegible] افلا این

که بی نماز [illegible] بازگشت و توبه و قضا ما فات [illegible] این بدبخت [illegible] امید دارد [illegible] نماز است [illegible] که [illegible] قضا از

با امید حضور داشت [illegible] که این نماز بدعت [illegible] نماز نام نهادن خطای بزرگیست که فاسق است [illegible] کلام [illegible]

رد یقینی و جزم نماز کرده کافر و مرتد هم کرده و الی الصل صراط مستقیم [illegible] و راه اهل اسلام چنانکه نماز است اعظم ارکان

شرط صحت [illegible] نماز و [illegible] و آلات صحت علم قرائت است از استاد اهل [illegible] از اهل

استاد [illegible] خود پسند اهل غرور [illegible] که استاد بسیار دیده باشد از سنی و شیعه مختلف برای آنکه فقه العلم

من افواه الرجال مختص این علم است [illegible] بی تعلیم استاد قابل چنانکه علم خط [illegible] علم

با مراکز [illegible] و تعلیم [illegible] قابل بسیار کار دیده [illegible] آید که سلیقه های مختلف و آراء مختلف دیده باشد و الا [illegible]

و باید دانست که برای هر علمی و کاری اسبابی چند لازم است [illegible] سنت [illegible] طریقه محمدی [illegible] هر علمی

بدعت است و هر بدعتی ضلالت و بازگشت آن [illegible] کما قال [illegible] [illegible] الدین بدعة و کل بدعة ضلالة

متواتر است بطرق عامه و خاصه [illegible] صاحب بدعت [illegible] ایز که در دلش محبت آن [illegible]

من احب [illegible] اشاره [illegible] از ایمان [illegible] کہ برای خلاف [illegible] قابل [illegible]

و این معنی متواتر است در صحاح و در بعضی [illegible] او ناصبی و دشمن [illegible] قرائت [illegible]

که در عوض این همه تاکیدات اگر چنین بدعتی بجای نماز خدا و رسول خدا [illegible] قرار [illegible]

به [illegible] خاتم الانبیا [illegible] [illegible] عالم [illegible] نماز [illegible]

و ملت [illegible] ولایت [illegible] که در غیر موضوع له [illegible]

الیت که [illegible] کلماتیکه در غیر موضوع له [illegible] مستعمل کرده [illegible] کلمات علما و فضلا و عوام کالانعام [illegible]

[illegible] دارد و کلام محمل و در غیر محل [illegible] که علم قرائت و [illegible] کالمعدوم [illegible]

[illegible] در زمان قلیل [illegible] محتاج نماز [illegible] قضا [illegible]

و حال آنکه نماز [illegible] قضا [illegible] علما و طلاب [illegible] علم قرائت [illegible]

[illegible] وجوب و بطلان و استحباب و مکروه و حرام و بطلان [illegible] در نماز دانستنی است که [illegible]

[illegible] سوال دیگری از عوام الناس کافر و مرتد نباشند یا اقرار بعدم علم [illegible] بالبطلان نماز [illegible]

[illegible] که این بی نمازی [illegible] شریف [illegible] نماز [illegible]

[illegible] دارم [illegible] کسی [illegible]

استغفر الله [illegible] قال ابی عبد الله [illegible] من [illegible] عن الحق فهو شیطان [illegible] [illegible]

و قال [illegible] مردم [illegible]

[illegible] مردم [illegible] بدعت [illegible] با خدا و رسول [illegible]

در هر [illegible] اسلام [illegible] علوم غیر شرعی [illegible] اول [illegible] عالم [illegible]

صحت نماز [illegible] قضا [illegible] و بطلان نماز دیگران [illegible] ایها الناس [illegible] در قرائت نماز [illegible]

[illegible] نماز [illegible] قاضیان [illegible]

فصل اول از باب سیم

اشاره بطریق الصراط المستقیم دین بفرمایش امام دوازدهم

دل این زمان فتوی دادن چنان آسان شده که هر کسی مقلد نفس خود هست شد در تمامی امور خصوص در نماز جمعه و قرائت فاتحه
تا احکام و جهالت اغنیا و کسبه جرات تعارض صادر کلی نماید چنانکه جمهور است و عوام در اول حال در حضرت احداث کهن کسی متعرض
او نشد تا ظاهر شد آنچه که بعلمای و عقل خود با کوتاهان کتاب جدید بالتبدیل قدم جسارت پیش نهاده دار از سوء آرو در حرام انتشر بسیط
بعد تابعان و پیروان او ترویج داده بواسطه کرد نخوت و عجب و غرور و سر به پروری و دنیا داری و جهل و حماقت از سوء آرو در حرام انتشر بسیط
بمصداق قول اصدق القائلین و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون حضرت صادق آل محمد فرموده صاحب بدعت
شده زنجیر بگردن بسته وارد او که نام ناصح او بر مراحل نعرمانه وحی رسید بعضی زمان که قسم بعزت و جلال حق هم الا الف
بکریه که بند از پنجه اشقی واز هم بپاشد ... که نقول او گمراه رفته ... که او ... بدعت را
در حضرت رسول فرموده با اباذر هر عالمی که از تو برسد که ... اثم ... باید از عقوبت آن ... تا روز
روز قیامت نکاه یابد و در حدیث دیگر جبرئیل ... بشارت ... و عذاب ... ان الذین یوذون الله
و رسوله لعنهم الله فی الدنیا والاخرة واعد لهم عذابا مهینا ... عذاب ... مومنان و گمراه نمودن ... است
قال ... من اذی مومنا فقد اذانی ومن اذانی فقد اذی الله ومن اذی الله فهو ملعون فی التوریة والانجیل والزبور والفرقان
فعلیه لعنة الله والملائکة والناس اجمعین ... که ... از سنه ... حضرت صادق
فرموده ... از بسیار ... که در آنها ... از بسیار ... و از بسیار عبادت ... معرفت ... که ...
در السنت ... و همیشه هشیار ... شیعه ... که ابواب اجتهاد ... آن ... مردم که ... فتوی داد
... که بکنند و ... تا ... که شمار ... اخبار ... بسیار ... عاصی
ایشان ... شیطان الرحمن باانس ... و ذلیل ... در ... و اهل ضلالت
برخلاف ائمه ... سلام الله علیهم ... که ... شیطانی دیگر ... ابلیس لعین ... حضرت
... معویه که حیله کرد ... لطف ... ایشان ... معاد
... و ائمه ... لعن و طعن ... اخبار متواتر ... از کتاب حدیقه الشیعه که منسوب به آخوند ملا احمد
اردبیلی است ... از حضرت صادق آل محمد ... انکار و طعن اهل بدعت ... بالکفار ... از حضرت
... از حضرت امام حسن عسکری است که ... مردم ... ایشان ... بدعت
... که نماز ... صحت نماز ... نماز با قرائت ... نماز ... بدعت
... عالم ... اهل علم و فضل ... نماز با فاتحه ... علم قرائت ... تکفیر نمایند
... نیابد ... که وجوب و بطلان و سنت ... باشد
... نماز ... که ... اقل درجه وجوب که ...
... نماز ... امام حسن عسکری فرموده ... ذلیل و حقیر
... ایشان ... ظلام ... ایشان ... طلقان ... میل کنند که
... ازحق ... مبالغه کنند ... محبت مخالفان ... گمراه کنند خلق
... تالیف ابن محمد ... ضعف و سستی ...
... ایشان ...
بر ... تحقیق ... کلام حضرت امام حسن عسکری سلام الله علیه

فصل اول از باب سیم

در بیان ذکر طبقات هشتگانه علمای شیعه اثنی عشری ۱۶۳

در هر صدی [illegible] هر که ایشان را دریابد باید که [illegible] از ایشان نگاه دارد [illegible] ابو [illegible] این حدیث [illegible]

مرا [illegible] این حدیث از اسرار مخفیه ماست از حضرت صادق آل محمد هر که میل کند بصوفیه [illegible] اهل [illegible] از ایشان است

و با ایشان محشور خواهد شد و زود باشد که قومی [illegible] محبت ما کنند مایل [illegible] با ایشان [illegible] بسیار گویند و با [illegible]

باشند آگاه باش که هر که با ایشان میل نماید از ما نیست و ما از ایشان بری و بیزاریم و هر که رد و طعن ایشان نماید مانند کسی است که در پیش

حضرت رسول قتال و جهاد نموده است بروایت دیگر ایشان خلیفه شیطان‌اند و خراب کننده ارکان ایمان‌اند [illegible]

[illegible] از مردمان متابعت ایشان نکنند مگر سفها و حمقا هر که [illegible] ایشان [illegible]

کند در [illegible] و صوفی گری [illegible] ابو سفیان و معاویه و یزید [illegible] از اصحاب [illegible] اگرچه [illegible] باشند حضرت [illegible]

[illegible] کلمات [illegible] معرف باشد که [illegible] میل نماید بسبب خلاف مذهب ما [illegible]

طوایف [illegible] طریقه ایشان مغایر طریقه ماست و احادیث در این خصوص [illegible]

[illegible] در صحیح حضرت صادق [illegible] فرماید که هر گاه اهل [illegible] بعد از [illegible]

[illegible] از ایشان [illegible] مردم [illegible] تعالی برای [illegible] حسنات [illegible]

در روز قیامت درجات و احادیث در این باب در حب فی الله و بغض فی الله و نهی منکر [illegible] که غافل نباشی از این

جماعت که گویند ما اهل شرع و تابع شریعت مرتضیه ائمه اطهار سلام الله علیهم هستیم [illegible] عالم هستیم باید فعل با قول موافق باشد

این [illegible] دلیل روشن [illegible] برای حرص [illegible]

معاصی کبیره و صغیره [illegible] استفاده دنیا [illegible] خلاف تواضع و خاکساری [illegible]

چنانکه [illegible] مردم [illegible] از این منکر [illegible] حضرت [illegible] الدنیا [illegible]

اربعة بعلم العلماء و عدل الامراء و سخاء الاغنیاء و دعاء الفقراء و در کافی از حضرت ابی جعفر مرویست که هر که طلب علم

کند برای [illegible] و مباهات بعلما [illegible] مردم [illegible] جای او در جهنم است بروایت دیگر [illegible]

حضرت ابی عبد الله منقول است [illegible] که بعضی از علما [illegible] که علم خود را مخزون دارند [illegible] تعلیم

[illegible] طایفه سیم [illegible]

که اظهار علم و فضل نزد [illegible] در طبقه سیم جهنم خواهند بود

[illegible] سلاطین [illegible] ایشان [illegible]

[illegible] در طبقه چهارم جهنم خواهند بود [illegible] اخبار و احادیث و علوم السنه [illegible]

[illegible] غرض [illegible] علم و معرفت [illegible]

[illegible] در دنیا [illegible] در طبقه پنجم جهنم خواهند بود [illegible]

از علما [illegible] قضا [illegible] که اهلیت ندارند [illegible] احکام [illegible] امور شرعیه [illegible]

[illegible] در طبقه ششم جهنم خواهند بود [illegible] که علم [illegible]

بعضی از [illegible] در طبقه هفتم جهنم خواهند بود [illegible]

که اهل [illegible] آیه شریفه انما یخشی الله من عباده العلماء [illegible]

مردم [illegible] مردم از دست و زبان او در سلامتی [illegible]

و ذکر است [illegible] حضرت [illegible] با قرآن و دعا و مناجات [illegible]

[illegible] کرد

۲۳۰

فصل اول از باب [illegible]

در اشاره به [illegible] و [illegible] از بعضی مسائل [illegible] ناقص در نماز

کز همه چیزها [illegible] در [illegible] هر که بی علم و فضل [illegible] در [illegible] علم چندانکه بیشتر خوانی چون عمل در تو نیست نادانی علم آن باشد که ره بنمایدت جهل و گمراهی ز دل بزدایدت علم کز تو تو را نبستاند جهل از آن علم به بود صد بار خصوص که باید [illegible] جمع شود و اما فضایل تحصیل معرفت علم [illegible] و مذمت ترک آن که سرچشمه همه فتنه و فساد عالم بزرگ است که از آیات و اخبار هزار یک [illegible] تقریر و بیان نتوان کرد [illegible] و [illegible] اتفاق فریقین [illegible] متواتر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله ملفوظ است که طلب علم واجب بر هر مرد و زن مسلمانی [illegible] علم [illegible] طلب کننده [illegible] علم [illegible] عبادت [illegible] بهتر از فقه و تعلیم [illegible] طلب علم کنید اگرچه در چین باشد [illegible] عالمی [illegible] کنند [illegible] عمل کند [illegible] حضرت صادق [illegible] عمل کننده بی علم فساد [illegible] بر اصلاح [illegible] سبب تالیف این مجموعه [illegible]

[illegible] علم قرائت که اصل اساس صحت نماز [illegible] نکاح و طلاق و صیغ عقود و ایقاعات مسلمانی با این علم [illegible]

[illegible] ضعیف [illegible] شمار [illegible] و [illegible] علم قرائت [illegible]

[illegible]

فصل اول از باب سیم

در تعارض تعمیر و تخریب دین خاتم النبیین صلوات الله

۱۰۰

فصل کلام در جمع میان آیات و اخبار علم بی عمل و علمای [illegible] عالم بی عمل [illegible]

عالم را خراب [illegible] عجیب آنکه این زمان که خرابی عالم [illegible] فساد علمای بی عمل [illegible] عالم [illegible] الناس [illegible]

[illegible] اسلام [illegible] که این عالم [illegible]

[illegible] فساد العالم [illegible]

[illegible] ایها الناس [illegible] این زمان [illegible]

[illegible]

۲۳۲

[illegible]

در فضایل و خواص علما مذهب علم و عیب و ظلم

[حاشیه: فصل اول در فضایل علم]

در بیان فضل العلم و صاحبش بدانکه جمعی که طالبان علم و اهل تحصیل‌اند بدانند که علم شریف‌ترین صفات انسان و کمال او حقیقت است و انسان به آن

بر سایر حیوانات و سایر موجودات زیادتی دارد و به واسطهٔ آن به مرتبهٔ برگزیدگان و درجات عالیه در دنیا و آخرت می‌رسد و علم و الهام

سبب سعادت و نجات است از شقاوت و هیچ چیز فضیلت علم نیست که اهل ادراک از ایشان به شیعه و مومن و کافر که کالشمس فی وسط السماء

ظاهر است و معترفند به این الهام که مردمان باهوش و حافظ و صاحب فهم مانند سایر الذین توفیق علم یافته‌اند و لیکن فهم آن کم حافظ و مدارک

عاجز بعد از ریاضات و تحصیل و مجاهده کردند و ادراک دقایق مراتب فضلا را یافتند و درک صاحب فاید و نایل شدند به مرتبهٔ برگزیدگان

حق رسیدند و مراتب عالیه در دنیا و آخرت یافتند پس حقیقت حال کسی که از حظ آن بی‌بهره و محروم ماند و طالب علم باشد مثل

کسی است که روزها روزه و شبها به عبادت مشغول باشد و عالم میان جهال مانند زنده است میان مردگان و کاملترین مردم طالب علم

باشد مثل شفاعت انبیا و نظر به روی عالم عبادت است و نظر به در خانهٔ عالم عبادت است و نظر بر روی هر که عالم

در بستر دارد ...

[حاشیه: در فضایل علم و اهل آن ...]

و هر که عالم را زیارت کند بتحقیق که مرا زیارت کرده و هیچ مومنی نیست که نزد عالم بنشیند ساعتی ... و الله که نشستن نزد

حبیب من قسم بعزت و جلال خود ... بهتر است از بهشت ... از علم و طعام ... جمیع ...

دو نوع است یا ابا ذر جلوس ساعة عند مذاکرة العلم خیر لک من عبادة سنة صیام ایامها و قیام لیالیها و بهتر است از حضور هزار جنازه و

هزار شهید و عبادت هزار شب که در هر شبی هزار رکعت نماز و هزار جهاد و عیادت هزار بیمار و هزار ختم قرآن زیرا که عالم دین تعلیم و تعلم

علم بهتر است از هزار رکعت نافله و اما فضایل و ... در باب ... انواع ... سعادت و صدقه ... و فقرا و ... از صیام و صله ارحام

و صله علما و سادات ... ثواب مخصوص علما دارد و قرب ... کافر ... و قرب ... مردم ...

۲۳۲

... علمای عاملین و ... فقرا ... و ... منفق ... از سر ...

قدر فضایل دارد ... عظیم ... ثواب ... طاهر ... جسم مومن است و طعام ... صالح ...

علما در نسبت علما برای تربیت روح و ایمان ... از ثواب و فضیلت ... داد ... محقق ...

سعادت در نسبت علما است ... تعلیم ... ده نفر از اولاد اسمعیل ...

علما تا قیامت ... سعادت ابدالآباد ... و سعادت علما ... روز بروز در تزاید است پس سعادت علما ...

[حاشیه: ... تربیت روح مومن ...]

... محقق است که صفت ... مخصوص علما است ... عالم ... نماز ...

مخاطب کتاب یا اهل الکتاب لم تلبسون الحق بالباطل وتکتمون الحق وانتم تعلمون باشند و ... علم قرآن ... حق و باطل

... امیر المومنین ... تعلیم ... صحت و بطلان نماز و ... خلاف

و قال ابو عبد الله ؏ من اعرض عن الحق فهو شیطان اخرس و قال الله تعالی ان الذین یکتمون ما انزلنا من البینات والهدی من بعد ما

بیناه للناس فی الکتاب اولئک یلعنهم الله ویلعنهم اللاعنون و قال النبی ص ... عالم علم ... کتمه

فعلیه لعنة الله و قال ؏ ویل للعالم یتکلم بهواء الناس و قال الله تعالی ومن الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن

سبیل الله بغیر علم ویتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین واذا قیل لهم لا تفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون

الا انهم هم المفسدون ولکن لا یشعرون و قال ؏ ادخال ما لیس فی الدین بدعة و کل بدعة ضلال ...

... ضرر عالم ...

... ظلم ... ظالمان ...

... الذین یوذون الله ورسوله لعنهم الله فی الدنیا والآخرة واعد لهم عذابا مهینا

[حاشیه: ... تعلیم و ...]

فصل دوم از ارباب عمائم و فقهاء اهل علم

۱۵۷

قال الله تعالی ان الذین یکتمون ما انزلنا من البینات والهدی من بعد ما بیناه للناس فی الکتاب اولئک یلعنهم الله و یلعنهم

اللاعنون الف لام [illegible] عموم است که از جمله این نوع آیات و اخبار جائی که از اصل افکار تمامه تحقیق و تشخیص لازم است که [illegible]

بجای مجتهدین محققین و علمای عاملین که نائب امام الانام [illegible] و محل و مکان حل الصحیحه مؤمنان و منصب [illegible]

[illegible] بسی جای [illegible] مثل عوام کالانعام بل هم اضل تمامی مخالفات [illegible] انکار [illegible]

و ضالان سواد [illegible] چه فرق میانه در تمام [illegible] میزان و معیار [illegible] علم [illegible]

است هدایا و ضالان و مضل [illegible] اهل علم [illegible] عوام [illegible] که [illegible]

که علم [illegible] است پس هر ضال و مضل [illegible] تقوی و دین [illegible] علمای [illegible]

افضل من انبیاء [illegible] بسیار کار [illegible] میانه [illegible] اثبات معنی حدیث شریف [illegible]

احکام الله [illegible] و تخلیط از جانب الله [illegible] عالم الصحف والواح و حی الالهام [illegible] علمای [illegible]

بعد از چندین هزار سال از رحلت خاتم انبیا که در اخبار و احادیث و اقوال خاتم انبیا و ائمه هدی سلام الله علیهم جماعت بسیار [illegible]

و تخلیط و تصرف و ممزوج کرده اند صحت و سقم و فساد [illegible] دارند در [illegible] التشخیص [illegible]

و علوم و فنون و علم رجال مختص علماست [illegible] چنانکه [illegible] علم [illegible]

و معلم این علم [illegible] است [illegible] که تفصیل [illegible]

این [illegible] واسطه عالم صورتان معنی [illegible] عوام [illegible] صحت و بطلان احکام [illegible]

بعد از [illegible] درجه تحقیق [illegible] فضیلت علمای عاملین و [illegible] خاتم النبیین [illegible]

با فضیلت علمای عاملین [illegible] در صورت [illegible] است [illegible]

در [illegible] علما [illegible] محبت دنیا [illegible] قطاع الطریق [illegible] ظالم [illegible]

و محبت دنیا انواع و اقسام دارد [illegible] دنیا [illegible] محبت [illegible] صاحب [illegible] دشمن [illegible]

[illegible] ارباب بعضی مجالس [illegible] بعضی مجالس [illegible]

[illegible] ائمه اطهار سلام الله [illegible] ضربات [illegible] بالله [illegible]

یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک [illegible] حفظ [illegible] والالفاظ والابصار [illegible]

تغییر اظهار [illegible] ملک [illegible] حضرت [illegible] تغییر [illegible]

[illegible] اقرار [illegible] ولایت [illegible] محبت امیرالمؤمنین است که [illegible] ولایت و محبت امیرالمؤمنین [illegible]

[illegible] اشهد ان امیرالمؤمنین [illegible] ذکر [illegible] محمد رسول الله [illegible]

معلوم [illegible] حقیقت [illegible]

[illegible] خلق [illegible] چه قدر [illegible]

[illegible] صاحب [illegible] و ارسال و اذیت

[illegible] صاحب [illegible] که مردم [illegible] فضیلت علما [illegible]

بطریق اطلاق و عموم فضیلت مجلس علما و مباحثه و مذاکره و ثواب [illegible] مجلس ایشان [illegible]

تعلیم و تعلم از ایشان جایز [illegible] بعضی مجلسی که اهل علم [illegible] منفعت [illegible]

[illegible] مجتهدین و تغییر [illegible] خاتم [illegible]

[illegible] التعطیل والتفریط و تفویت اوقات و [illegible] مجالس [illegible]

بجای تعلیم و تعلم [illegible] و نماز و قرائت و طمأنینه [illegible] اهل علم [illegible]

فصل دوم در ارباب [illegible]

۲۳۴

[illegible]

اسباب تغییر و تحریف در هر زمانی مخصوص تعمیم داده امر اطوی

۱۶۱

فصل دوم اول داره [illegible]

المرء مفتون است مجلس ارتصه کرد و کلیان لهو و لعب و اگر آن در بزرگ سلمی و بی برد آن الوراط و جام و رسم بیسمی مجلس فصل قرار داد این زهی بی انصافی است قال الله تعالی و من یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطانا فهو له قرین و انهم لیصدونهم عن السبیل و یحسبون انهم مهتدون حتی اذا جاءنا قال یا لیت بینی و بینک بعد المشرقین فبئس القرین و قال یوم تقلب وجوههم فی النار یقولون یا لیتنا اطعنا الله و اطعنا الرسولا و قالوا ربنا انا اطعنا سادتنا و کبراءنا فاضلونا السبیلا ربنا آتهم ضعفین من العذاب و العنهم لعنا کبیرا و قال ان الذین لا یؤمنون بالآخرة زینا لهم اعمالهم فهم یعمهون اولئک الذین لهم سوء العذاب و هم فی الآخرة هم الاخسرون و قال تعالی و اذا قیل لهم لا تفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون الا انهم هم المفسدون و لکن لا یشعرون و قال و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله بغیر علم و یتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین و اذا تتلی علیهم آیاتنا ولی مستکبرا کان لم یسمعها کان فی اذنیه وقرا فبشره بعذاب الیم علم کرد و توانسته جهل العلم

به دو صد بار علم نیز غیر علم عاشقی مانچی تلبیس لعین شقی علمیکه صحبت از خواب گران غفلت و بی خبری بیدار نکرده کار جهل دیگری ارد اما را بکشد [illegible] صاحب حق باید است بزرگ و قال الله تعالی و کذلک جعلنا لکل نبی شیاطین الجن و الانس یوحی بعضهم الی بعض زخرف القول غرورا کاش این جماعت اظهار ایمان و اسلام نمیکردند که خانه ایمان را باین طرز خراب نمیکردند این جماعت بودند که جنازه رسول خدا در خانه نهاده در محله بنی سقیفه جمع شده صحیفه ملعونه نوشته مرکز خلیفه گذاشتند معاون شده با چهار ده منافق مغرور تمامی فسادها و بدعتها سلسله ابحاد نموده اسم اجماع امت نهادند چنانکه قضیه بنی سقیفه تا این زمان بواسطه تغییر تاریخ و بدعت دستور عالم تا این زمان غیبت شده تمام عالم را حسرت در دام [illegible] هزاران فساد و محله بنی سقیفه که هرکه با بر داشته و خط دیگر از ظلم و فساد و فتنه و غارت نهاده پی در پی و در زمان دهر [illegible] ذلت اسلام پایمال گشته ابرار و اخیار علماء با الوراط غلبه اشرار و الوراط و کفار ذلت دین [illegible] که هر عرصه از [illegible] منبر رسم [illegible] از برخاستن نماز و بالمره برداشته و اسم تعزیه از مردان قاهره نکوار [illegible] علم قرائت و قاریان [illegible] که امام بدعت برداشته که نماز جمعه بدعت برداشته شود تا قیامت صغری حضرت حجة بقیة الله فی الارضین [illegible] انوار رحمه برود اسباب فرج آل محمد و اسم ادارد و کار و سببها از انتظار فرج آل محمد محجوب فی آل الاصل صاحب شرع و دین لشکر زمان و سلطان علی بن ابی طالب بواسطه جنایت و بدعت [illegible] کشید تا در هر زمان اسمان [illegible] از زمان [illegible] اصحاب [illegible] چه کارها کرد چنانکه حافظان قرآن خوارج گردان و در حال [illegible] قرآنها بر سر نیزه ها برداشته در تعارض و برابر امیر المؤمنین اظهار اسلام [illegible] میکردند که ایها الناس ما اهل قرآن هستیم یا ران حق اکنون و گفته شده حضرت امیر [illegible] بر بند جماعت این حیله ها منافقان منم کلام الله الناطق نیزه ها و صاحبان نیزه ها از بر به در میان جماعت عوام شهرت داده که علی کافر شده نعوذ بالله و بعد از شهادت مظلوم کربلا مردم در مجالس و محافل میگفتند ریش بلند و بدبخت که تو زد و بره خاتم الانبیاء شهید و اهل عیال اسیر ظلمها که خبر رسید برسد خواهند این گفتگوها از میان مردم برداشته شد حق خلق مشغول امر کرد قرآن و نصیحت با ره نمانیده در مجالس خواندن آن شده نا نیز نگشت بر سر آنها نها میگفتند و گریه ها بار ار سقف خانه ها امر کرد بنا نمودند که امام حسین علیه السلام رحمی شهادت [illegible] مردم بعد از اسلام بقاتلش یزید بنا به لعن نهاده بی اختیار و در زمان امام جعفر صادق بلغت [illegible] تعلیم و تعلم اسلامیت و عدالت صاحب شرع و دین و طمع ریاست و برای رفع اسلامیت مذهب [illegible] و اکثر [illegible] نمیکردند [illegible] ایمان با اسباب جهادها بسته نمیکردند که تفصیل و معرفت نباشد جهل و نادانی زدو بجایی که جهادها جهاد منافق است خود [illegible] و عوام است کار عوامی و جهالت است زیرا که همه ضال و مضل اند بار عظیم است خلاصی ممکن است کار ما و کسانند [illegible]

و در وفات خاتم الانبیاء [illegible] مردم [illegible] بهم [illegible] نماز

۲۳۵

فصل دوم از باب ...

در مذمت علم و بدعت و قساوت قلوب و ... ۱۶۶

در این زمان که محشر عالمی به بدعت و مجراهای اوباش از علمای ناقص مغرور و صاحبان اغراض پر از که چنانکه در ظهور حضرت بقیة الله ... اهل ارباب اغراض علمای سوء الفقیه ... از اهل بیت پیغمبر ... علما ... بوسط ... از کتب مفصله ... کار آمده عوام و خواص ... مختصر ... فارسی مجمل جامع قواعد و ... نوشتند و تالیف و تصنیف ... مسائل الزم و اعظم قرائت ... مؤلفین ... مردم عوام فارسی ... در میان کتب طلاب ... که نماز ... تغییر بنماز بدعت ... علم قرائت ... چهل سال گذشته ... از طلبه ... آسان و مختصر ... عبارات و اسلوب چنین عالم اعظم الزم ... و عبارات ... قواعد العلم ... در دین ... عوام کالانعام ... نام ... علمای سوء و عالمان ناقص و صاحبان اغراض ... و بعدم ملاحظه کلام ... کلام ... عالم ... در موضع ... لامحاله ... در تعلیم و تعلم چنین علم شریف ... نماز صحیح باشد ... نقصان دین و دنیا است ... دلیل واضح است ... معویه با نعاوض امیر المؤمنین و ابوسفیان و ابوجهل با خاتم النبیین و السلام

مصداق آیه شریفه و من یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطانا فهو له قرین و من اعرض عن ذکری فان له معیشة ضنکا و نحشره یوم القیمة اعمی قال رب لم حشرتنی اعمی و قد کنت بصیرا قال کذلک اتتک آیاتنا فنسیتها و کذلک تجزی من اسرف و لم یؤمن بآیات ربه و لعذاب الآخرة اشد و ابقی

و قال فویل للقاسیة قلوبهم من ذکر الله اولئک فی ضلال مبین ... من عمل صالحا فلنفسه و من اساء فعلیها

و لا تزر وازرة وزر اخری ... دلیل ... باشد قال الله

و الذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه و یقطعون ما امر الله به ان یوصل و یفسدون فی الارض اولئک لهم اللعنة و لهم سوء الدار ... صله ارحام خویش و اقوام ... حدیث نبوی

انا و علی ابوا هذه الامة ... برادر حقیقی ... حضرت صادق ...

... سلطان ظالم جابر و اهل بدعت ...

... اهل بیت ... متواتر است ...

خصوص برادران حقیقی ... صله ارحام ... آل محمد ... در زمان غیبت امام ...

اهل بیت ... جهنم ... عقوبت ... ظالم ...

... جهنم ...

... جهنم ...

...

همراه ...

در ذکر خواص معجون حقیقی نماز که اثر شراب طهور از کوثر وارد

۱۸۰

مبرهن است که ... و در تفسیر آیه شریفه در آخر سوره هود و لا ترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار و ما لکم من دون الله من اولیاء ثم لا تنصرون مراد میل کردن قلیلی بقدر اینکه عمر باد بخواهی که دست ... مراد ... حق تو اهانت ... میل کردن ... و طاعت ... صاحب ... و اقم الصلواة طرفی النهار و زلفا من اللیل مراد صبح ... ساعات ... و مناجات و تعقیب نماز ... ان الحسنات یذهبن السیئات ...

ان الصلواة الی الصلواة کفارة ما بینهما ... صلواة المؤمن باللیل یذهب بما عمل من ذنب النهار و قال ... اربع من کن فیه لم یهلک علی الله بعدهن یهم العبد بالحسنة فیعملها فان لم یعملها کتب الله له حسنة بحسن نیته و ان هو عملها کتب الله له عشراً و یهم بالسیئة ان یعملها فان لم یعملها لم یکتب علیه شیء و ان هو عملها اجل سبع ساعات و قال صاحب الحسنات لصاحب السیئات و هو صاحب الشمال لا تعجل عسی ان یتبعها بحسنة تمحوها فان الله عز و جل یقول ان الحسنات یذهبن السیئات او الاستغفار فان قال استغفر الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة العزیز الحکیم الغفور الرحیم ذو الجلال و الاکرام و اتوب الیه لم یکتب علیه شیء و ان مضت سبع ساعات و لم یتبعها بحسنة و استغفار قال صاحب الحسنات لصاحب السیئات اکتب علی الشقی المحروم ... انما مثل الصلواة الخمس لامتی کمثل نهر جار علی باب احدکم ... فی کل یوم خمس مرات ما کان یبقی درن فکذلک الصلواة الخمس لامتی ... ذلک ذکری للذاکرین ... فان الله لا یضیع اجر المحسنین

... در باب نماز ... تاکیدات برای ... نماز ... هزار درجه ... خواص ... یا واجب و لازم نیست که ... نماز ... توبه ... استهزا ... که ... تا کفیل ... علم ... و قرائت نماز ... که از اول ... تا ... کوشش و تعلیم و تعلم و صرف ... نماز ... در تمام عمر ... علما ... نماز ... قضا ... محتاج ... چه جواب ... از رحمت الهی نماز ... از معاصی نگه دارد ... ان الصلواة تنهی عن الفحشاء و المنکر ... نماز ... در وقت ... کل ... اعظم علائم ... عقل و شعور ... و جناب موسی کلیم الله ... اولو العزم ... اما نماز معجونی است که احکم الحاکمین و ارحم الراحمین تعبیه فرموده برای شفای جمیع امراض ظاهر و باطن ... ایمان مؤمنین ... محب خانه آل سید المرسلین و فاطمه ... امیر المؤمنین ... خواص شراب طهور حوض کوثر ... در دنیا ... از تمامی ... الکوثر ... عشق الهی ... عالم ... و بقا ... انواع اسقام ... محبت اهل کوثر ... در دنیا ... نماز ... مواضع ... جمعیت ... از ... عفونت دنیا ... جیفه ... صحیح ... چنانکه ... عطر ... دماغ ... جمیع ... زکام ... و صحبت ... عقل ... لذت و خواص نماز ...

اشاره به بعضی معروفین لشکر شیطانی که از علم و دین [illegible]

و الحاصل از آیهٔ گذشته و ما یدل الصبر فان الله لا یضیع اجر المحسنین مراد صبر بر طاعات و صبر بر ملاهیات باشد [illegible]

کسانیست [illegible] اصحاب [illegible] است که از جملهٔ [illegible]

حقیر [illegible] فلولا کان من القرون من قبلکم اولوا بقیة ینهون عن الفساد فی الارض الا قلیلا ممن انجینا منهم

واتبع الذین ظلموا ما اترفوا فیه وکانوا مجرمین [illegible] این تفصیل است که ظلم [illegible] اعظم معاصی است [illegible]

[illegible] شرایط امر بمعروف و نهی از منکر [illegible] علما [illegible]

در حقیقت [illegible] در مسلک ظلام و فساق [illegible] ملامت [illegible] زبان شرع [illegible]

تقدس وارد نه [illegible] در مدت سی سال [illegible] قرائت صحت نماز [illegible] دین محمدی [illegible] برداشته [illegible]

[illegible] ملاحظه [illegible] علم [illegible]

[illegible] این ظلم [illegible] وما کان ربک لیهلک القری بظلم واهلها مصلحون ظلم [illegible]

امر بمعروف [illegible] ترک امر بمعروف در هر زمان [illegible] فساد [illegible] مخالفت [illegible]

و فاعل و فعل هر کدام فرق و مراتب [illegible] در ترک امر و نهی مخالفت [illegible] ترک [illegible]

[illegible] نماز [illegible] خراب [illegible] نماز [illegible] عوض [illegible] فاعل [illegible]

از سلسلهٔ علمای معتمد [illegible] صورت [illegible] استعمال [illegible] در غیر محل [illegible] در وقت [illegible]

[illegible] ذلک [illegible] معلم [illegible] معاصی [illegible]

[illegible] طرق [illegible] نمازان [illegible] مجوس [illegible]

[illegible] ۲۴۸ [illegible] الناس [illegible]

[illegible] اولاد ابلیس [illegible] دین محمد [illegible] منافقین [illegible]

وفات خاتم النبیین [illegible] سقیفه [illegible] صحیفهٔ ملعونه این نماز [illegible] صحیفهٔ ملعونه [illegible] ملعون عوض [illegible]

تمام افکار ایشان [illegible] خلیفهٔ بلافصل [illegible] علم نماز و ولایت و قرآن [illegible]

[illegible] ولو شاء ربک لجعل الناس امة واحدة [illegible] ولا یزالون مختلفین الا من رحم ربک ولذلک خلقهم وتمت کلمة ربک

لاملأن جهنم من الجنة والناس اجمعین وکلا نقص علیک من انباء الرسل ما نثبت به فؤادک وجاءک فی هذه الحق

وموعظة وذکری للمؤمنین وقل للذین لا یؤمنون اعملوا علی مکانتکم انا عاملون وانتظروا انا منتظرون ولله غیب

السموات والارض والیه یرجع الامر کله فاعبده وتوکل علیه وما ربک بغافل عما تعملون [illegible]

در موعظه و نصیحت معروفین علما [illegible] حقیقت علم [illegible] کالمعدوم [illegible]

[illegible] مخالفت علم [illegible] این آیات [illegible]

[illegible] تفسیر صافی [illegible]

[illegible] نماز [illegible]

معاش [illegible] نماز [illegible] تعلیم [illegible] زبان [illegible]

[illegible] جمیع علوم اهم [illegible] علم [illegible] مطلب [illegible]

ولی این علم مثل علم خط و علم حساب [illegible] علم خط و علم [illegible]

[illegible] ابلیس [illegible] مطلب [illegible] ابلیس [illegible] معروف [illegible]

[illegible] معروفین [illegible] علم قرائت عبارت از [illegible] زبان فارسی مختصر [illegible] درس [illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

اشاره به عالمان اهل [illegible] از علمای اسلام

... پس از آنکه ... مولف کنز التقصیر استبعاد نماید بملاحظه انصاف سر [illegible] حدیث نبوی صلی الله علیه و آله علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل یا افضل من انبیاء بنی اسرائیل [illegible] در اوقات ترک اولی صد سال ... صد سال بیش ... زمان ... [illegible] ما بین الصفا [illegible] ... ارتکاب کبایر [illegible] ... انواع ظلم ... [illegible]

[illegible]

افضل من انبیاء بنی اسرائیل [illegible]

[illegible]

علم و فضل [illegible]

[illegible]

شریعت طاهره و دین اسلام [illegible]

[illegible]

امیر المؤمنین [illegible]

[illegible]

فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا و لهم عذاب الیم بما کانوا یکذبون و اذا قیل لهم لا تفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون الا انهم هم المفسدون و لکن لا یشعرون

[illegible]

اشاره بانواع و اقسام علمای هوا و هوس و بدعت

در باب الحب فی الله والبغض فی الله و ذم منکر احادیث بسیار وارد است که قابل نیستی این جماعت که کرده اند با اهل ... ایشان ...
دلستبر و مرضیه ائمه علیهم السلام الله علیهم سینم سبا دادن لفظ مغرور شده اند ایشان نزدیک دیده گرفتار شوند که خلاص محال است
زیرا که میزان اهلبیت که بدانی که اقوال محبت ائمه علیهم السلام الی معنی باشند مغرور و فریب است زیرا که عمل لازم است ... عمل ...
بدانی که این میزان نزد علما عقلا اسن داخل دروش است و از جمله اصحاب ابلیس غرور عجب است و بسند کار حق حضرت کالسفر فرموده ...
دیده ص این آیه شریفه در سبیل خاطر قل هل ننبئکم بالاخسرین اعمالا والهم لیصدو لهم عن السبیل ویحسبون
انهم مهتدون حتی اذا جاءنا قال یا لیت بینی وبینک بعد المشرقین فبئس القرین وایضا قال
یوم تقلب وجوههم فی النار یقولون یا لیتنا اطعنا الله واطعنا الرسولا که در شریفه که جمال خود خوب
عجب و غرور دارند که گرفتار شده اند که عمل خوب میکنند با نماز بدعت سرور و دعوة نمایند که ایها المؤمنون تمیز حرف کلام
در قرائت نماز و کلام خوب است ... اند و قلب نا رواج دهند و نا بجه تجربه شده اند کنند که این جواب در غیر موضع ... استعمال
نماید کلام اکابر دین کا مایل شده بعوام کالانعام کشته مهار میکشند نتیجه بدعت و نماز بدعت میدهند و ذلک هو الخسران المبین
در باب عالم بشمار معتمد با نماز بی میزان عام قرائت بی صرافی نماز کار خود بعد از جهل با کسیل باین در دیده در ... گرفتار
اگر تمام اهل عالم جمیع شوند برای علاج این بیچاره مریض شیطان دیگر علاج و چاره نتوانستند اعتنا و عنایت بعقل اهل عالم ندارد بلکه
تکذیب نماید این علما حضرت حجة الله القدر کردن زنده ... ساز و که این ارضا ان لا ... رحم نماید ... علم
این نتیجه دارد ... علم قرائت ... کتب کارد ... است الراد ... از راه خوب صواب و اسباب ضلالت ... اینها ...
که کار خوب نماید از عجب و غرور و عدم قبول کلمات حقه و طعن و تشنیع اهل حق در احکام شرعیه که ملتبس ... کرده غرور و جهل ...
دخول ... و ملدا اکبر صغار موجب ... شقاوت و نیا دخترست و باسب حب دنیا و حرص ال ... از ... مرتبه جاه
عزت ... و محبت زن و فرزند و املاک و عمارت و اسم ... کرسی که باشی از ... سند ... جمیع ...
محال وضع و ظهور و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده لکن حب الدنیا ... از ایمان ... دانست که برای خلاف حق قابل ...
نیاید و ملتوا است این معنی و مبغض ... اولیاصیا و دشمن با اهل بیت است و که ... که دکان ... فرموده ...
... هر کسی مردم ... هیر دلسند ان از دین و متابعت هوا و هوس پس هر که از نماز و ... صبر ...
دشمنی مردم با وجود قدرت ... تحصیل محبت ایشان بوجه هوا و هوس و صبر کنند بر ذلت با وجود قدرت ...
و موافقت ایشان خدا نه عالم کرامت فرماید ثواب بهتر صدیق از کسی که ... الصدیق که اند جهت در این زمان ...
هرج و مرج و دور اهل بدعت و ضلالت بعضی ... بعت ... در لباس علما در ... علمای ...
شهرت ... باضلال جهال و عوام مشغولند باسم هدایت و ارشاد و یا اتمام حجت ...
اشاره شده از مجمع المعارف ... اب ابلیس ... پس از دوستی نماید دادن علمای عاملان ... علام بسیار
حضرت صادق علیه السلام فرموده در حدیث طولانی که ملخص آن اینست ... در طلب علم ... اول ... هر ...
... افساد و اشاره بانکه ملا ... با ... جواب ... مباش چنانکه علمای زمان ملا ... باین بلا
ناگهان افتاده که تمیز ... علم قرائت کافی است خود عوام الناس را بلا ... که تا قیامت ... علاج این کلام ...
اند و ... بعد حضرت فرموده ... از عمل ... خود ... باحتیاط در جمیع ... و ... دیگر ...
... کرده از ... حق ... مردم ... قرار ... از تواضع ... فرمود طالبان علم بر سبیل ...
یکی طلب نماید علم ... و اظهار ... حق ... دیگر ... گر ... دیگر ... علم ...
تفصیلش در حدیث گذشته ذکر شده که هفت طبقه از اقسام علما در هفت طبقات جهنم متمکن شده بطایفه طایفه ... ناجی
پس

در تحقیق بعضی اعمال که مشتبه است بر جهلان

پس میخواهند علوم الهی الیوم قسمتی مخلوط نمایند که عالم اعمال خیر و صلاح [illegible] باشند و الا الهی از صنایع و حرفت است [illegible] مبرا است

زیرا که از درگاه خدا در سلک [illegible] داخل است [illegible] عامل موافق علم است حضرت صادق آل محمد [illegible] علما از کتاب و سنت [illegible] حرکت کنند از حق خدا ثابت و برقرار باشند و [illegible]

[illegible] کنند و نیز از کتاب مذکور مجمع المعارف است [illegible] عالم فاضل [illegible] کتاب جمع [illegible]

[illegible] اول آنکه دنیا [illegible] گواهی [illegible]

مصاحب شیطان نباشی که رفیق [illegible] سوم آنکه [illegible] مومنان [illegible]

فقد اذانی و من اذانی فقد آذی الله و من آذی الله فهو ملعون فی التوراة و الانجیل و الزبور و القرآن و علیه لعنة الله و الملائکة

اصحاب [illegible] علوم نافعه [illegible] چهار علم [illegible] اول علم [illegible] دوم آنکه [illegible]

[illegible] جواب [illegible] چهارم آنکه [illegible] از جناب لقمان نقل

تعلیم [illegible] علم [illegible] اول آنکه [illegible] دوم آنکه [illegible]

[illegible] در هر یک [illegible] عاقل و کامل [illegible]

در حدیث نبوی علم [illegible] آیة [illegible] فریضة [illegible] فقال

[illegible] عالم است [illegible]

منتفع [illegible] عوام

[illegible] مسلمانان [illegible] عالماً [illegible]

برادر [illegible] در حدیث نبوی [illegible] 241

چون [illegible] از جناب عیسی [illegible] دنیا [illegible]

عالم طبیب [illegible] دین [illegible]

و از این اخبار [illegible] بصیرت [illegible]

[illegible] عالم دنیا [illegible] محبوب [illegible]

[illegible] محبت دنیا [illegible] تحقیق [illegible]

دنیا [illegible] محبت [illegible] محبت دنیا [illegible]

[illegible] عالم [illegible] محبت دنیا [illegible] قطاع الطریق دین [illegible] و فی الحدیث العالم الذی لا ینتفع بعلمه [illegible]

[illegible] الدنیا [illegible] تحقیق [illegible]

[illegible] قدسی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] علم کلام و منطق و حکمت [illegible]

[illegible] حدیث نبوی [illegible]

[illegible] حضرت رسول [illegible] صلاح [illegible]

[illegible] دین [illegible] عالم [illegible]

فصل [illegible] در بیان

در اظهار مهمترین لوازم انسانیت و مردم‌داری [illegible] عالم [illegible]

به مصداق اذا فسد العالم فسد العالم از بر داشته شدن رکن [illegible] ناحق و ضعف اسلام و علما و غلبهٔ کفر و فسقه و انواع ظلم و فساد و غلبهٔ اشرار و فجار
در حضرت سید انام میفرمایند که [illegible] ظاهر قرب [illegible] بسیار است که [illegible] دوام و بقا و فساد [illegible] حرص [illegible]
ضبط [illegible] که [illegible] مختلف میباشد [illegible] اکثر اهل [illegible] و هم که حرص دنیا [illegible]
کم هست که [illegible] مقدس [illegible] جهان حرص دارند که [illegible] طرف [illegible] برابر [illegible] که [illegible]
ملاحظه ندارند [illegible] هم [illegible] نمایند از کمال حرص [illegible] گذشته‌اند و از انصاف [illegible]
و لیکن حرص هست [illegible] که نماز لحن خفی و لحن جلی ملاحظه نماید اکثر علما و طلاب اصلاً [illegible] و لیکن حرص علما و طلاب
که عالم اعراب نماید [illegible] نماز صحیح و باطل و نماز [illegible] اصلاً نداریم [illegible] از عوام و [illegible]
در حضرت [illegible] که از حرام عفت و حذر نماید از حرام [illegible] نفس [illegible] از اوصاف اهل [illegible]
الهی [illegible] ملاحظه از حرام دارند [illegible] در بعضی مجالس [illegible] صاحب مجلس نشسته مهمانان [illegible]
دستهای [illegible] خوش [illegible] شیرینیها [illegible] ملاحظه [illegible]
که تمامی اهل مجلس [illegible] موافق کفایت و برابر [illegible] استمزاج حال [illegible] صاحب مجلس
که شرایط بسیار در مجلس و قسمت [illegible] بالنصف [illegible] باربع [illegible] نسبت [illegible] ضعیف [illegible]
ندارند [illegible] از مسلمانی و حلال و حرام [illegible] و ظلم [illegible]
علما [illegible] منع نمایند و ظلم [illegible] نمایند که منع نمایند [illegible] مجلس [illegible] بواسطهٔ [illegible]
[illegible] حضرت [illegible] حرام [illegible] قرب [illegible]

۲۴۲

ملاحظه عقل [illegible] که [illegible] نماید زیاده بر عقل [illegible] نماید [illegible] عقل
بار قرب [illegible] تا هنگام غلبهٔ خواهشهای نفسانی [illegible] تابع خواهشها میباشد یا تابع عقل است [illegible]
[illegible] باطل [illegible] و زهد او و در دین [illegible] که دنیا [illegible] دنیا [illegible] اعتبار ترک نماید [illegible]
[illegible] تکبر و صحبت [illegible] مرتکب آن میباشد که منع کرده [illegible]
[illegible] لطف از او [illegible] و طغیان [illegible]
حلال نماید حرام را و حرام نماید حلال را [illegible] که ریاست [illegible] از اسلام [illegible] نقوش [illegible]
مرد مردانه کسی است که خواهش خود را تابع امر اللهی [illegible] صرف رضای [illegible] با آنکه حق [illegible]
یعنی [illegible] در حقیقت [illegible] دارد [illegible] باطل [illegible]
برای [illegible] حق [illegible] که [illegible] زوال [illegible] بسیار [illegible] متابعت هوا [illegible]
که [illegible] این جناب [illegible] و تمام [illegible] برکت [illegible] التوسل نماید [illegible]
در حضرت صادق [illegible] که [illegible] اعظم اهل عذاب روز قیامت کسی است که کلام عدل [illegible]
که [illegible] شیطان [illegible] علم [illegible] الا علم [illegible]
با آنها لازم [illegible] پس چنانکه [illegible] معرفت [illegible] احوال مبدأ و مآل شوق [illegible] عبادت زیاده میشود [illegible]
قرب و محبت [illegible] از اهوال قیامت است [illegible] بر طبق [illegible] شوق [illegible] نور معرفت زیاده [illegible]
[illegible] دل صفا [illegible] ظلمت [illegible]
کالانعام [illegible] نورتر [illegible] عبادت [illegible] اخلاص [illegible] توفیق [illegible] اللهی [illegible]
اول بلبنت صحیح [illegible] دل [illegible] صفات [illegible]

بیش از

فصل دوم در آداب علم

در علامات علم حقیقی و صرف کردن تحصیل علوم از برای [illegible]

بعضی از منفعت باطن و بعضی باعث راه یافتن به مواد [illegible] تحصیل کمالات از تا غیرات ظرف مادیت منغمس گشته باشد [illegible]
بواسطه مجالست نا سزا [illegible] ملکه منقلب و جمیع کمالات خواهد گذشت علوم و محقق شده که عالمی [illegible] از هوای [illegible] علوم
و متابعت و مجالست علما و آثار و اخبار ائمه طاهرین سلام الله علیهم بمقامی رسیده که مردم نقل مسائل دین خود از جمیع [illegible] نمایند اگر
روایات اخبار ائمه از فعال و عطا [illegible] و خلاف که در عالم [illegible] معروفست هرچه از علمای [illegible] درست شنیده [illegible] چند
کلمات او و عمل باآن جایز است اما عالم [illegible] و لاابالی [illegible] و عمل [illegible] لشتغل بالتواریخ [illegible] دنیا
صاحب زهد [illegible] مکر آنکه خداوند ثابت [illegible] حکمت در دل او [illegible] کلمات زبان او [illegible] بعیب دنیا
و درد و دوای آن را باو شناسانیده و بیرون برد او را از دنیا سالم بسوی دار السلام [illegible] تحصیل [illegible] یقین رضا الهی
و راستی طریق تحصیل و خلاص از عذاب جهنم و مخالفت خدا و استحقاق حق [illegible] که اعلا مراتب تحصیل است [illegible]
تحصیل نماید [illegible] که در طاعت و عبادت و صبر و تسلیم و رضای خالق [illegible] که با شوق و ذوق و محبت [illegible]
انوار اللهیه [illegible] اول قابل خضوع و معرفت کامل [illegible] صایع [illegible] و حضرت صادق آل محمد [illegible]
که علم به درس و تعلم نیست بلکه علم نوریست که میاندازد در دل کسیکه خدا میخواهد هدایت او پس هرگاه علم خواهی اول طلب کن در نفس خود
حقیقت بندگی را و طلب کن علم را باستعمال آن و طلب فهم از خدا کن تا بفهماند ترا عرض کرد حقیقت بندگی چه چیز است فرمود سه چیز
اول آنکه بنده حقی در چیزی که خدا داده مالک نبیند که بنده را مال نمی‌باشد [illegible] که صرف نماید العبد وما بیده لمولاه
و دیگر آنکه حقی [illegible] و دیگر آنکه مشغول نشود در آنچه مالک امر [illegible] تصرف [illegible] مالک [illegible]

۲۴۲

آسان شود بر او صرف و صرف [illegible] آسان شود بر او ترک [illegible] امر [illegible]
و صحبت مخالفت [illegible] با مردم دیگر [illegible] با این خصال مذکوره [illegible]
احتراز از دنیا و سلطان و اهل دنیا و طلب دنیا نماید [illegible] تکاثر و تفاخر و حرص [illegible] در دست مردم است [illegible]
باطل و ضایع نماید و غفلت و بطالت [illegible] اول [illegible] سه چیز در علم است [illegible] سوال
از هرچه [illegible] و پرهیز از فساد و احتراز از [illegible] با احتیاط و [illegible] و پرهیز کردن از فتوی [illegible]
از شبهه و تواضع و انکسار و فرموده طالبان علم سه قسمند یکی طلب علم برای جدل [illegible] و یکی برای [illegible]
مردم و دیگری طلب علم برای عمل کردن و مخالفت ندارد با حدیث مشهور که علامت فرقه [illegible]
موافق [illegible] علم مخالفت و کثرت [illegible] حضرت رسول الله فرموده یا اباذر [illegible]
[illegible] که حکمت [illegible] تا بوجود که [illegible] مردم [illegible] بلکه [illegible] و ترک [illegible]
[illegible] واختیار کند [illegible] از مرده [illegible] یا اباذر [illegible] مردم در منزلت [illegible]
باشد که بعلم حق منتفع نشود [illegible] از اهل جهنم [illegible] ما [illegible]
[illegible] یا اباذر هرکه [illegible] که بهره [illegible] و الاعراف [illegible] که [illegible]
[illegible] حق تکلم [illegible] عذابش [illegible] عالم [illegible] سلطان [illegible]
مگر آنکه [illegible] در آتش [illegible] عالم بی عمل [illegible] دین [illegible] بسیارست [illegible]
[illegible] عالم [illegible] و [illegible] لطیف است [illegible]
خداوند در قرآن [illegible] یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون کبر مقتا عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون [illegible]
[illegible] که [illegible] نفس خود [illegible] مردم [illegible] مقدم [illegible]
[illegible]

فصل [illegible]

اشاره بعقوق بعضی علمانما خلف بی باک الا ما در دنیا

علم مقدم بر عمل است چنانکه در حدیث [illegible] اشاره شده و علامت [illegible] ایمان عمل نکو [illegible]

[illegible] طلبند [illegible]

علم مقدم است [illegible] کار [illegible] در حدیث وارد است که هر که عمل کند [illegible]

[illegible] سجده [illegible]

[illegible] ازین [illegible] لهم الشیطان اعمالهم فصدهم عن السبیل فهم لا یهتدون [illegible]

[illegible] ارباب علوم باطله [illegible]

[illegible]

[illegible] العرف [illegible]

[illegible] صفات [illegible] قرائت [illegible]

[illegible]

فاولئک هم الکافرون [illegible] قرآن [illegible]

[illegible]

[illegible] شیطان لعین [illegible] ملاحظه [illegible]

[illegible] والدین [illegible]

صواب [illegible] عقوق والدین حقیقی [illegible]

العالم فسد العالم [illegible] عقوق [illegible]

سبحان الله [illegible] عالم [illegible] عالم [illegible]

[illegible]

[illegible] ذلک هو الخسران المبین [illegible]

[illegible] اقوال [illegible]

[illegible] ایها الناس [illegible] قرائت نماز [illegible]

[illegible] احتیاط [illegible] قرائت نماز [illegible]

[illegible] احتیاط [illegible]

[illegible] قاریان [illegible]

[illegible] قرائت [illegible]

[illegible] شیطان [illegible]

[illegible]

[illegible]

وصل [illegible] قدیم

[illegible] مقاما محمودا [illegible]

[illegible]

[illegible]

عادی

عبادات از جمله نماز باشد

و منع از کلمات و دعای [illegible] جمل [illegible]

بسم الله [illegible]

عادل السیار من [illegible] ستان و پیردایان و شوهران مراد [illegible] و حیله و تزویر [illegible] از حرص من [illegible] بسیار [illegible] الشیاطین
با زدهم مبارزه فرعون [illegible] با کلاه التنین و لباس قطران در [illegible] سوار [illegible] یارب [illegible] کلاه من
متکبران و جباران [illegible] با ملحق نمایند که [illegible] در آتش [illegible] آتش کشند [illegible] کعب [illegible]
و قلمان ایشان [illegible] سوار [illegible] آدار المحنه [illegible] آلهاکم [illegible] لتمان [illegible] بالشیاطین ملحق
نمایند [illegible] جهنم کشند [illegible] یک یک [illegible] هر فرقه [illegible] با مراد [illegible] ابو جهل [illegible] با پیروان [illegible]
[illegible] با السابقه مشغول [illegible] اولاد [illegible] ظلام و با بعضی [illegible] بدوزخ کشند [illegible]
[illegible] المحبس [illegible] تابعان [illegible] هزار هزار ملک [illegible] آتش [illegible] دوزخ [illegible] اکالم عادل السیار من و زرا [illegible]
و موزیان لعبتکران و غیبت کنان [illegible] باران و خزینه داران [illegible] ابنه [illegible] ربط [illegible]
طنبور [illegible] و شکار [illegible] آنگاه بیرون آید مار [illegible] از جهنم [illegible] سر [illegible] سال [illegible]
جمع میکنند [illegible] الشیاطین السعیر آتش [illegible] دوزخ [illegible] سایر خلق [illegible] روز قیامت [illegible]
بیرون آید از جهنم عقربی [illegible] آسمان [illegible] در زمان [illegible] از مغرب تا مشرق [illegible] اطراف [illegible]
[illegible] تارک الصلوة [illegible] تارک الصلوة [illegible] مانع الزکوة [illegible] مدام الخمر [illegible]
[illegible] صحبت دنیا [illegible] مساجد [illegible] حساب دنیا [illegible] حرام [illegible] حاضر [illegible] حلال

١٤٥

یا از حرام جمع [illegible] اعقاب [illegible] حساب کشند [illegible] مذکور [illegible] بجهنم [illegible] موافق معنی آیه
انما یعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الآخر و اقاموا الصلوة و آتوا الزکوة و لم یخش الا الله فعسی اولئک
ان یکونوا من المهتدین و قال [illegible] و من اظلم ممن منع مساجد الله ان یذکر فیها اسمه و سعی فی خرابها
اولئک ما کان لهم ان یدخلوها الا خائفین لهم فی الدنیا خزی و لهم فی الآخرة عذاب عظیم و قال [illegible]
[illegible] ان الذین اتخذوا
در قصه [illegible] مساجد [illegible] دل [illegible]
[illegible] سینالهم غضب من ربهم و ذلة فی الحیوة الدنیا و کذلک نجزی المفترین [illegible] تاویل
[illegible] فال [illegible] فلا تری صاحب بدعة الا ذلیلا و لا مفتریا علی الله و علی رسوله و اهل بیته الا ذلیلا
و اذکر ربک فی نفسک تضرعا و خیفة و دون الجهر من القول بالغدو و الآصال و لا تکن من الغافلین و قال
ان الذین عند ربک لا یستکبرون عن عبادته و لا یسجدون [illegible] عظیم
اسباب تواضع [illegible] فضل [illegible]
ملبس [illegible] و ذکر الله [illegible] عام است [illegible] جوارح [illegible] ذکر حقیقی قلبی مشغول [illegible] غفلت [illegible]
[illegible] لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک
و له الحمد یحیی و یمیت و یمیت و یحیی و هو حی لا یموت و هو علی کل شیء قدیر [illegible] الخیر [illegible]
حضرت [illegible] یحیی و یمیت [illegible] معنی [illegible] اشاره [illegible]
[illegible] قل ما [illegible] اعوذ بالله السمیع العلیم [illegible] حضرت صادق [illegible] ایمان [illegible]
[illegible] یا الله یا رحمن یا رحیم اللهم ثبت قلبی علی دینک [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] مستجاب است [illegible] دعای قنوت [illegible] علمای [illegible]
[illegible] اشهد [illegible] المؤمنین علیا ولی الله [illegible]
[illegible] خارج [illegible]

باب سیم و فصل [illegible]

در مکافات و مجازات کارهای خوب و بد و عجایب

۱۲۶

معلوم شد و جنابان صاحب شرع انچه صه است از بحث علمای ما عوض نرسانیدن عوام الناس کلامی که در خواص عقیده [illegible] تعلیم

و صحت نماز حق نماز جعفری که از مادر و معرفت مسائل الهیه نمایند [illegible] علمای لاابالی و ارخی و خوش دل شد [illegible] و مسلمان

صدوق نماز حاجت از بهر بزرگان سبا [illegible] خدا کریم است عالم خدا ترس است که در وقت آمدن اهل دنیا برای سوال مسئله دل از [illegible]

ایشان در رسانیدن [illegible] مبادا چند در ارکان دین متین [illegible] باحالت تمام تفکر و خوش نتیجه جواب سائل کفایت نماید [illegible]

دین در زمان سرکاشتند و ضایع نمایند نه خود مغرور نه سائل را مغرور نمایم و نتیجه جواب متین چنانکه هم خدا از علما و ارضی خوشنود نمایم

یا مغضوب و حکم کلاف امر خدا احکام داد [illegible] جواب سائل را معلوم شکل [illegible] در بستوق [illegible]

دین در زمان حضرت بمنزله سبزه باب [illegible] تصور نفرمایند که در هر هفته [illegible] حالی در دین ملت [illegible] از اهل

اکثر علما در جهل سائل که فضل یکماه و در هر روز یک غسل صرف صرف نماز خود [illegible] است بعد از گذشتن از که فضل نکرده نماز خود را

صرف نکرده فتوای [illegible] نماز عوام الناس [illegible] اینه فرائی کافر در هم [illegible] فتوای مجتهدین نماز حاجت مسئله از جمله

عجیب است اجماع چندین مسلوب [illegible] مجتهدین نماز [illegible] کرد از [illegible] نکته سائلان دانسته که معصوم [illegible] حفظ که نکته

با آیات مجتهد روانه عرض [illegible] از آن کاعذ [illegible] و کال نقصان و [illegible] قصور

من جانب ملک قصور شماست [illegible] بیت تمام [illegible] مسلم [illegible] که فضل می [illegible] معصوم [illegible] که معصوم [illegible]

این قصور شماست [illegible] کال [illegible] نقصان [illegible] که طرازان دین [illegible] بگیرید [illegible]

ان الذين كفروا من اهل الكتاب والمشركين في نار جهنم خالدين فيها اولئك هم شر البرية و در هر زمان از اول [illegible]

۲۴۶ محل ادیان [illegible] صلح [illegible] کار [illegible] از اول [illegible] فاسقان عالمان لاابالی مغرور و جاهلان [illegible]

بردن [illegible] بالغرض مختلفه حب دنیای دنی چنانکه در ایام جاهلیت که پانصد سال قبل از تولد خاتم الانبیا [illegible] حضرت [illegible]

عیسی از کثرت نفس پرستی که مردم از جاده شرع و دین [illegible] شده که هر کس انچه دلخواه خود [illegible] بود [illegible]

عمل میکرده عقل [illegible] حکم [illegible] شهاده [illegible] که در زمان [illegible] عالم [illegible] نفس [illegible] کشته [illegible]

این زمان در بیت [illegible] کتب قرائت در تمامی خانهای علما و طلاب موجود [illegible] ذالک [illegible] علم قرائت و نماز [illegible]

[illegible] در درس و مقابله [illegible] علم قرائت و صحت نماز با قرائت توجه و صحبت از علما و طلاب

[illegible] علم قرائت و نماز صحیح از شرایط داداب دین [illegible] تا بعوام چه رسید که ما [illegible] پانصد سال [illegible]

و ممارست [illegible] نماز از شرع و احکام شریعت کلا موقوف [illegible] نفس پرستی شایع شد تا کار [illegible]

طواف خانه کعبه زنان [illegible] با مردان مشغول طواف [illegible] میان مردم [illegible]

[illegible] که یکی [illegible] از زنان [illegible] علم [illegible] یک علم [illegible] خانه [illegible] نصب [illegible] علم [illegible]

[illegible] علم نصب [illegible] چنانکه در وقعه کربلا [illegible] سال [illegible] قبل از بعثت [illegible] صاحب علم

بسیار [illegible] از جمله [illegible] ابوسفیان صاحب [illegible] علم [illegible] علم [illegible] صاحب [illegible] علم [illegible]

صاحب [illegible] علم [illegible] صاحب [illegible] علم [illegible] مادر [illegible] ابن زیاد [illegible]

با جماعتی که [illegible] قبل [illegible] علیه السلام [illegible] سعد وقاص [illegible]

[illegible] معاش [illegible] که قبل [illegible] میان [illegible] طمع زیادتی معاش [illegible]

که این پسر [illegible] سعد [illegible] مردان [illegible] ابن سعد [illegible] داد [illegible]

[illegible] طولانی کامل [illegible] سعد وقاص [illegible] نصایح [illegible] طولانی [illegible] مواعظ [illegible] و فاطمه [illegible]

[illegible] جواب سعد و فاطمه [illegible] صاحب علم [illegible]

داحل

فصل پنجم از باب [illegible]

در تفصیل اختراع امور خبیثه و مشکلات ایشان در هر زمان

والا صل معلوم است اهالی این زمان مشهور بایام جاهلیت شده است از کثرت شنیعت و هوس و هرج و مرج [illegible] گذشته [illegible] و لابد [illegible]

اهالی آن زمان با همه انواع فساد و چنان زمان قرار نیافته که بالباس معصیت و زنا داخل مسجد شوند [illegible] احترام الله

خانه خدا اینقدر ملاحظه میکردند ولیکن اهالی زمان ما نه از قبل پیغمبر حفظ نه غیرة از اهالی ایام جاهلیت رسیده ایم که بعضی از

صحبت مباح در مسجد قیح است ما انواع محالفات خانه خدا در دعا داستان بکنار درکل و محرمات [illegible] و کلها باسم ترویج شرع در باب

[illegible] حسینی از ملاحظه تمام معلوم شود نسبت کا در زمان [illegible] اکثر صحبت دنیا در مسجد چه قدر دارد

ضرر است شخص لازم باشد در سعه حضر خانه او نه تدارک کار خود بکند واجب دارم که [illegible] [illegible] [illegible] ملاحظه باید که

واجب است ترک واجب عقاب و سوال خلاف نمود اما [illegible] بلکه فساد و بدعت ظلم باشند بانیات [illegible]

عیلت و وحشی و ساعیان اولاد مرم است که مردم مدام اوگرفتار [illegible] بلکه الرحلال داده کافر می [illegible] ملبس [illegible]

ضمنت و توضیع دو دران ازواتش [illegible] دین وایمان ملیشه مختبر انکه در تخریب شریعت طاهره [illegible] [illegible]

ملبوس شند از احیاء شرع و ترویج دین نام [illegible] انواع اغراض باطله استعداد الا مردم را به ارجیال [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] حاکم و بسیار جلو دایت داشت از ظرف [illegible] که هیچ شعور نداشت کا دان و حیران بار بردار [illegible]

مردم آزار و بعبارة [illegible] بر [illegible] [illegible] که در سلامتی ملبس [illegible] بالصه [illegible] الملف و قطع نمایند [illegible]

[illegible] بواسطه در [illegible] حرکت زشت از آتش [illegible] [illegible] بالصه [illegible] قطع نمایند [illegible] [illegible]

۲۴۷

دلی این بدبخت ظالم باغی بدعت تعارض با خدا و رسول که چنین [illegible] گمراه [illegible] بی راهی [illegible] ادب [illegible] [illegible]

بر همه آفاق زد و در دعای نصف ماه شعبان اللهم لاتجعل مصیبتنا فی دیننا [illegible] [illegible] مصیبت [illegible] که [illegible]

انسان [illegible] بواسطه اغراض باطله دنیویه و هوای ریاست چند نفر جاهل نادان عوام [illegible] خیال [illegible] معاش [illegible] [illegible]

و سر به چند نفر چشم بصیرت را کور و کر [illegible] و ددانسته [illegible] در دام شرک کفر و عناد که از دو عالم [illegible] [illegible]

دین ما قرائت نماز اصلا [illegible] استحضار [illegible] از همه کس [illegible] دارم ملا و فساد می‌بینند که محتاج قرائت [illegible] [illegible]

اخیه دفع فیه باشد چنانکه تمامی معاویه بن ابی [illegible] [illegible] شان با انواع اغراض گمراهی کرده [illegible] [illegible]

مثل ابن زیاد او الاسقفا از شریح قاضی بواسطه چند کیسه طلا و نقره حاصل نمود بعد جسارت بر کشتن [illegible] [illegible] پیغمبر و فاطمه

در میان مردم عوام مشهور نمود حسین بن علی با امام زمان خود خروج کرده قتلش بجمیع مردم واجب است [illegible] در اجماع [illegible] [illegible]

و مجلس [illegible] قبل از دفن خاتم الانبیا نعش مبارک انور در باب نصب خلافت [illegible] [illegible] تا زمان [illegible] [illegible]

بافوه که شاگرد حضرت امام جعفر صادق [illegible] ریاست و سروری باب جهاد [illegible] که مردم بعد از [illegible] [illegible]

[illegible] در ضلالت گمراهی ابد الاباد [illegible] [illegible] زمانی و مکانی و در تفسیر آیه شریفه انا نحن نحیی الموتی

ونکتب ما قدموا و آثارهم و کل شیء احصیناه فی امام مبین [illegible] [illegible] [illegible] حسنه [illegible]

[illegible] خیر و شر [illegible] و بعد از وفات [illegible] [illegible] میشود [illegible] که [illegible] حسنات [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در عالم برزخ [illegible] باشد و اگر مؤمن است و صاحب [illegible] خیر [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] مؤمن باشد و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] آن [illegible] باشد از [illegible] [illegible]

[illegible] در دین و مذهب [illegible] اختراع کرده اند در پیش صاحب شریعت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] علمای ما [illegible]

[illegible] غضب کرده اند [illegible] [illegible] [illegible] طاعت [illegible] [illegible] نماز [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] نماز [illegible] خاطر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

فصل بسم الله الرحمن الرحیم

در فضایل امیر المؤمنین ع از سوره الحاقة آیه

۱۶۲

در حدیث صادق ... [illegible] الرحمن از امور خیر جز بنا نماید بعد از فوت نفع خواهد به مثل انست که ... اول ادا و اصلاح ...
مصحف ... کاشتن و صدقه ... الناس ...
در دین و تعارض ... قرآن ... عمل ...
... انا نحن نحی الموتی بالهدایة ونکتب ما قدموا ما اسلفوا من الاعمال الصالحة والطالحة واثارهم لعلم علمه
وخطوة مشوا بها الی المساجد وکتابة الباطل وتاسیس ظلم وکل شیء احصیناه فی کتاب مبین یعنی فی اللوح
المحفوظ وفی کتاب مبین عن امیر المؤمنین انه قال انا والله الامام المبین ابین الحق من الباطل ورثته عن رسول الله
الباقر عن ابیه عن جده قال لما نزلت هذه الآیة علی رسول الله وکل شیء احصیناه فی امام مبین قام منافق من اصحابه
من مجلسهما وقال یا رسول الله هو التوراة قال لا قال هو الانجیل قال لا قال هو القرآن قال لا فاقبل امیر المؤمنین فقال
رسول الله هو هذا انه الامام الذی احصی الله فیه علم کل شیء وقال فی حدیث قال معاشر الناس ما من
علم الا علمنیه ربی وانا علمته علیا وقد احصاه الله فیّ وکل علم علمت فقد احصیته فی امام المتقین وما من علم الا علمته علیا

بسم الله الرحمن الرحیم

الحاقة یحق وقوعها او تحق فیه الامور او تقع فیه الحساب والجزاء ما الحاقة تفخیم لشأنها وتهویل لها وما ادریک ما الحاقة
ای شیء اعلمک ما هی ای انک لا تعلم کنهها فانها اعظم من ان تبلغها درایة کذبت ثمود وعاد بالقارعة
بالحالة التی تقرع الناس بالافزاع والاهوال والاجرام فاما ثمود فاهلکوا بالطاغیة بالواقعة المجاوزة للحد فی الشدة
وهی الصیحة او الرجفة کما مضی فی الاعراف وسورة هود واما عاد فاهلکوا بریح صرصر باردة عاتیة شدید العصف کانها عتت
۲۳۹ سخرها علیهم سلطها الله علیهم بقدرته سبع لیال وثمانیة ایام حسوما متتابعات حتی ... یوم الاربعاء ... فتری القوم
فیها صرعی موتی جمع صریع کانهم اعجاز نخل خاویة اصول نخل متأکلة الاجواف فهل تری لهم من باقیة سبق ذکره فی سورة الاعراف
وجاء فرعون ومن قبله ومن تقدمه من فرعون وثمود والمؤتفکات اهلها بالخاطئة بالخطأ فعصوا رسول ربهم ای کل
امة رسولها فاخذهم اخذة رابیة زائدة فی الشدة زیادة اعمالهم فی القبح القمی عن الباقر الرابیة التی ... ما صنعوا
انا لما طغی الماء جاوز حده المعتاد فی الطوفان حملناکم فی الجاریة حملنا اباکم وانتم فی اصلابهم فی سفینة نوح لنجعلها ای
نجاة المؤمنین واغراق الکافرین لکم تذکرة عبرة ودلالة علی قدرة الصانع وحکمته وکمال قهره ورحمته وتعیها وتحفظها اذن واعیة
من شأنها ان تحفظ ما یجب حفظها بتذکره واشاعته والتفکر فیه والعمل بموجبه فی المجمع عن النبی صلی الله علیه وآله قال لعلی یا علی ان الله تعالی امرنی ان
ادنیک ولا اقصیک وان اعلمک وتعی وحق علی الله ان تعی فنزل وتعیها اذن واعیة وفی العیون والجوامع عنه انه لما نزلت هذه
آیة قال سألت الله عز وجل ان یجعلها اذنک یا علی وفی روایة لما نزلت قال اللهم اجعلها اذن علی ثم قال علی ع فما سمعت شیئا من
رسول الله فنسیته وزاد فی اخری وما کان لی ان انسی وفی الکافی عن الصادق لما نزلت وتعیها اذن واعیة قال رسول الله هی اذنک
یا علی فاذا نفخ فی الصور نفخة واحدة المراد بالنفخة نفخة الاولی لخراب العالم وحملت الارض والجبال رفعتا من اماکنهما فدکتا
دکة واحدة قال فضربت بعضها علی بعض فیومئذ وقعت الواقعة قامت القیامة وانشقت السماء فهی یومئذ واهیة
ضعیفة مسترخیة والملک علی ارجائها علی جوانبها ویحمل عرش ربک فوقهم یومئذ ثمانیة فی المجمع عن النبی یحمله
الیوم اربعة فاذا کان یوم القیامة ایدهم باربعة اخری فیکونون ثمانیة وفی الکافی عن الصادق قال حملة العرش والعرش العلم ثمانیة اربعة منا
واربعة ممن شاء الله والقمی قال حملة العرش ثمانیة لکل واحد ثمانیة اعین کل عین طباق الدنیا قال وفی حدیث اخر حملة العرش ثمانیة اربعة من الاولین
واربعة من الآخرین فاما الاربعة من الاولین فنوح وابراهیم وموسی وعیسی واما الاربعة من الآخرین فمحمد وعلی والحسن والحسین ومعنی یحملون
العرش یعنی العلم یومئذ تعرضون لا تخفی منکم خافیة سریرة فاما من اوتی کتابه بیمینه تفصیل للعرض فیقول ابتهاجا
هاؤم اقرؤا کتابیه انی ظننت ای تیقنت القمی الظن ظنان ... فی کلام الله یعنی الیقین وفی امر الدنیا ... القمی عن الصادق کل امة یحاسبها
امام زمانها ویعرف الائمة اولیاءهم واعداءهم بسیماهم وهو قوله تعالی وعلی الاعراف رجال یعرفون کلا بسیماهم فیعطوا اولیاءهم
کتابهم

و اعتراض منوعه

در فضایل امیر المؤمنین در تفسیر سوره الحاقه

١٩٢

كتابهم بيمينهم فيمروا الى الجنة بلا حساب ويعطوا اعداءهم كتابهم بشمالهم فيمروا الى النار بلا حساب فاذا نظروا الى اسمائهم في كتابهم يقولون لاخوانهم

هاؤم اقرؤا كتابيه انى ظننت انى ملاق حسابيه فهو في عيشة راضية القمي اى مرضية فوضع الفاعل مكان المفعول في جنة

عالية قطوفها دانية فقطف يجتني بسرعة وانيته يتناولها قائما وقاعدا كلوا واشربوا هنيئا بما اسلفتم في الايام الخالية بما قدمتم

من الاعمال الصالحة في الماضية من ايام الدنيا عن النبي في المجمع اتى اليه رجل من اهل الكتاب فقال يا ابا القاسم تزعم ان اهل

الجنة ياكلون ويشربون فقال والذي نفسي بيده ان الرجل منهم ليؤتى قوة مائة رجل في الاكل والشرب والجماع قال فان الذي ياكل

يشرب يكون له الحاجة فقال عرق يفيض مثل ريح المسك فاذا كان ذلك ضمر له بطنه واما من اوتي كتابه بشماله القمي قال نزلت في معوية

فيقول يا ليتني لم اوت كتابيه ولم ادر ما حسابيه فيقول لها ليتها كانت القاضية يا ليتنا من الموت العاقبة يا ليتها يا ليت الموتة التي متها

كانت القاضية القاطعة لامري فلم ابعث بعدها ما اغنى عنى ماليه قيل ما لى من المال والتبع والقمي يعني ماله الذي جمعه

هلك عني سلطانيه قيل ملكي وتسلطى على الناس والقمي اى حجته خذوه يقال لخزنة النار خذوه فغلوه ثم الجحيم صلوه

ثم في سلسلة ذرعها سبعون ذراعا فاسلكوه القمي عن الصادق لو ان حلقة واحدة من السلسلة التي طولها سبعون ذراعا

وضعت على الدنيا لذابت الدنيا من حرها وفي الكافي عنه وكان معوية صاحب السلسلة التي قال الله عز وجل في سلسلة ذرعها سبعون ذراعا

فاسلكوه قال وكان فرعون هذه الامة وفي البصائر عن الباقر قال كنت خلف ابي وهو على بغلته فنفرت بغلته فاذا هو شيخ في عنقه سلسلة ورجل

يتبعه فقال يا علي بن الحسين اسقني فقال الرجل لا تسقه لا سقاه الله قال وكان الشيخ معوية وفيه انه نزل واد ضجنان فقال ثلث

مرات لا غفر الله لك ثم قال لاصحابه اتدرون لم قلت ما قلت فقالوا لم قلت جعلنا الله فداك قال مر بي معوية بن ابي سفيان يجر في سلسلة

قد ادلى لسانه يسئلنى ان استغفر له وانه ليقال ان هذا واد من اودية جهنم والقمي قال معنى السلسلة سبعون ذراعا في الباطن هم

الجبابرة السبعون انه كان لا يؤمن بالله العظيم ولا يحض على طعام المسكين فليس له اليوم ههنا حميم قريب يحميه ولا

طعام الا من غسلين على اهل النار وصديدهم القمي عرق الكفار لا ياكله الا الخاطؤن اصحاب الخطايا من خطي

الرجل اذا تعمد الذنب فلا اقسم لا مزيدة بما تبصرون وما لا تبصرون بالمشاهدات والمغيبات انه اى ان القرآن لقول

رسول كريم على الله يبلغه عن الله فان الرسول لا يقول عن نفسه والمراد اما محمد واما جبرئيل وما هو بقول شاعر كما

تزعمون تارة قليلا ما تؤمنون ولا بقول كاهن كما تدعون مرة قليلا ما تذكرون ولذلك لا يلتبس الامر عليكم

ومعاني القرآن منافية لطريقة الكهنة والشعر تنزيل من رب العالمين على لسان جبرئيل ولو تقول علينا

بعض الاقاويل القمي يعني رسول الله لاخذنا منه باليمين بيمينه او بقوته القمي انتقمنا منه بقوته ثم لقطعنا

منه الوتين نياط قلبه والقمي قال عرق في الظهر يكون منه الولد وهو تصوير لاهلاكه بقطع ما يفعله الملوك بمن يغضبون عليه

فما منكم من احد عنه حاجزين دافعين يعني انه لا يتكلف الكذب علينا لاجلكم مع علمه انه لو تكلف ذلك لعاقبناه

ثم لم تقدروا على دفع عقوبتنا عنه القمي يعني يحجز الله احد ولا يمنعه عن رسول الله وانه لتذكرة للمتقين وانا لنعلم

ان منكم مكذبين وانه لحسرة على الكافرين اذا راوا ثواب المؤمنين وانه لحق اليقين اليقين الذي لا ريب فيه

فسبح باسم ربك العظيم پس تسبیح میان آیات و اخبار عمومی مؤمنان و مؤمنات الازم است که در سلوک طریق منه ذکر اشاره [illegible]

خصوص علما و طلاب بسط کلمه بدون تفکر در نتایج کلمه و کلام محملی مروج دین است و کلمه و کلام محرب دین لاابالی است و از علما در همه حرکات

عقبات بر جلست اول جهنم حفر که در دنیا برای حق تعمیر دنیا که است شده نام مرضی لاابالی است [illegible] و نظر شن [illegible] بردار که ان درس [illegible]

منظور نماید [illegible] و اینه نماید چنانکه مشاهده است حلال و حرام نماز در نزد خدا و رسول و متفق علیه خصه و عامه علما و عوام

حتی خوارج و کفار یهود و نصاری نیز دانسته اند که ستون دین مسلمانان نماز است اثبات اسلامیت به نماز [illegible] هر کدام نماز دارند و [illegible]

[illegible] که ضروری دین اسلام است چنین امر اعظم اسلامیت [illegible] ما [illegible] لاابالی [illegible] با عوض [illegible] بکلام محملی و [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

٢٣٩

فصل ... [illegible]

سبب نسخ افضل علوم علم قرائت و ترویج بازار ... ۱۲۹۳

حکایت دلخراش عوام عوض رغبت و تحریص بر رسوم تعلم که هر چند از راه ورزش ... عاقل ... از راه درسم از ملاحظه نمایند معتمدین علمای ما اول تعلیم ...

تخریب نمایند ... بر ... این کلام مولف ... قلب ... که تمیز ... در صحت علم قرائت ...

... با این کلمات ... سال ... از تعلیم و تعلم قاریان ...

... در راه درسم تعلم و مشق ... قرائت نماز و مقابله قرآن در راه درسم ...

[illegible]

فصل بسم الله الرحمن الرحیم

در اظهار سخاوت العام بعضی علما عوام الناس را ادنی

۱۸۳

و جاهل که سبک حساب ادا بشرح ... و قال الله تعالی یا ایها الذین امنوا لا تخونوا الله والرسول و تخونوا اماناتکم و انتم تعلمون
و از این بیان که خیانت خدا و رسول و امانات ال ... که تمامی است و از مال غیبت خیانت ... که بزرگترین معاصی ظلم است خدا و رسول
و قال ... من اذی مؤمنا فقد اذانی و من اذانی فقد اذی الله و من اذی الله فهو ملعون فی التوراة والانجیل والفرقان فعلیه لعنة الله والملائکة
والناس اجمعین قال الله تعالی ان الذین یکتمون ما انزلنا من البینات والهدی من بعد ما بیناه للناس فی الکتاب اولئک
یلعنهم الله و یلعنهم اللاعنون الا الذین تابوا و اصلحوا و قال ان الذین کفروا و ماتوا و هم کفار اولئک علیهم لعنة الله
والملائکة والناس اجمعین خالدین فیها لا یخفف عنهم العذاب و لا هم ینظرون و قال ان الذین یکتمون ما انزل الله
من الکتاب و یشترون به ثمنا قلیلا اولئک ما یأکلون فی بطونهم الا النار و لا یکلمهم الله یوم القیمة و لا یزکیهم و
لهم عذاب الیم اولئک الذین اشتروا الضلالة بالهدی والعذاب بالمغفرة فما اصبرهم علی النار ذلک بان الله
نزل الکتاب بالحق و ان الذین اختلفوا فی الکتاب لفی شقاق بعید لیس البر ان تولوا وجوهکم قبل المشرق والمغرب
ولکن البر من امن بالله والیوم الاخر والملائکة والکتاب والنبیین و اتی المال علی حبه ذوی القربی والیتامی و
المساکین وابن السبیل والسائلین و فی الرقاب و اقام الصلوة و اتی الزکوة والموفون بعهدهم اذا عاهدوا
والصابرین فی البأساء والضراء و حین البأس اولئک الذین صدقوا و اولئک هم المتقون سئل عن الصادق
ما حق الله علی خلقه قال ان یقولوا ما یعلمون و یکفوا عما لا یعلمون تا وقت سحر ... خوانده ... که
در قرائت معانی دانند ... در موضع علم حق استعمال نماید والا ... تضییع ... یا فساد و ظلم ... عمل
چنانکه بر داشتن علم قرائت و مباحثه و مذاکره مقابله ... قرائت حمد و سوره باعث تزویج و احیای نماز ... عبادت
شده و نتیجه ... خرابی عالم بانواع فتن و غارت و خونریزی ... و غلبه قحط و غلا و قطع ... و غارت
ظلمها و تصرف ... و اجان ... حقوق مؤمنین و ... و ... و جاری ... مذاهب مخترعه ... فساد
... اسلام و مسلمین و انواع ... غیر معقول ... در حدیث مشهور حضرت صادق آل محمد ... فرموده اند
... شیطان در وقت رحلت بسیار ... در قنوت ... یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب
ثبت قلبی علی دینک ... در ... حفظ حق لفظ والابصار ... حضرت ... که ... من ... بلکه ... ملمن ...
... در اذان و اقامه ... که اشهد ان امیر المؤمنین علیا ولی الله ... اقامه و اذان ... مبطل اذان و اقامه ...
... معاقب نماید و حال آنکه بهترین کلمات است که باعث ... اصل و فروع دین ... این بسیار است
... ملاحظه باید کرد که اگر ... مخالفت احکام باشد چه نتیجه حاصل ... خصوص ... نماز صحیح
... دین است نماز ... غلط ... در مقابل ... و ثواب ...
... دین مجتهدین باشند مخالفت ... و بازار ... اسم نماز ... نماز بلکه ...
... عوام الناس ... درس و تعلیم ... مذاکره ... که ایها الناس ... حروف
... مجتهدین در رسالها برای عالمان ... جواب داده اند ... عوام کالانعام عبارت ... استعمال
... عوام الناس ... قرائت و تعلم قرائت نماز ... غیبت ...
صحرا و بیابان ... بواسطه غرور علم و فضل ... شیطانی ... نماز ... ملاحظه
... در تمامی حالات و حرکات و سکنات ... حرکت ... دنیا ...
... ملاحظه ... دین ... حرمت ... حرکت ...
اول نماز ... جواب ... کلام جواب ... و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون ...

فصل سیم از باب

اختلاف اهالی زمان و علامات آخر الزمان ۱۰۸۵

اگرچه مستحب است مردم بعد از ائمه سلام الله علیهم علما استند به هر حرفی که در علم دین ترویج دین سنت نبی و حضرت سیرت حقیقی میر دو

سنت نبی تا انقراض عالم الا بعد لیل که حق ذکر شد و در عکس رتبه انبیا را نیز ملاحظه نما ترویج بدعت عکس آنست

ضد سنن حمالت است نباشی احتراز از معنی مصداق مغرور نباشی کلوا واشربوا و در گوش کن ولا اسرفوا در هوش کن

مومن باید چهار چشم نگاه باشد علما را در هر کلام و در جواب هر را چشم بینا داشته باشد والا بر مثال ابن بشر ضعیف در دست نفس و شیطان

اسیر دلا ابالی و بی‌زبان و بی‌اختیار و بی‌هوش و بی‌عقل و سرگردان مانده خصوص بعد از ورود اعلام بی‌الضعف اهل خلاف

که از عمل نمودن باحکام نفس کالمحتاج علم بجز مجمل فارسی که در هر خانه موجود آملوح دستر دک و خیر معنی با پایان و هر دو

با خاک نکته مخلوط مانده‌اند در جواب آنها خواهند گفت و قال امام حسن العسکری مخاطباً لابی هاشم که یا ابا هاشم سیأتی زمان

على الناس وجوههم ضاحكة مستبشرة وقلوبهم مظلمة منكدرة السنة فيهم بدعة والبدعة فيهم سنة المؤمن بينهم محقر

والفاسق بينهم موقر امراؤهم جاهلون جائرون وعلماؤهم في ابواب الظلمة سائرون لا يميزون بين المخلص والمرتاب

ولا يعرفون الضأن من الذئاب علماؤهم شرار خلق الله على وجه الارض لانهم يميلون الى الفلسفة والتصوف

انهم من اهل العدول والتحرف يبالغون في حب مخالفينا ويضلون شيعتنا ومو الينا قال ابو هاشم مسألتم الشيعة من

الرشاد ان لم يبقوا منصبا عبد الله على الرياء الا انهم قطاع الطريق للمؤمنين والدعاة الى نحلة الملحدين فمن

ادركهم فليحذرهم قال يا ابا هاشم هذا ما حدثني ابي عن آبائه اغنياؤهم يسرقون زاد الفقراء اصاغرهم يتقدمون على الكبراء كل جاهل

عندهم خبير وكل محيل عندهم فقير ثم قال هذا من اسرارنا فاكتمه الا عن اهله وقال رسول الله صلى الله عليه وآله يأتي

على الناس زمان وجوههم وجوه الآدميين وقلوبهم قلوب الشياطين كامثال الذئاب الضواري

سفاكون الدماء لا يتناهون عن منكر فعلوه ان تابعتهم ارتابوك وان حدثتهم كذبوك وان تواريت عنهم اغتابوك

السنة فيهم بدعة والبدعة فيهم سنة والحليم بينهم غادر والغادر بينهم حليم والمؤمن فيما بينهم مستضعف والفاسق

مشرف صبيانهم عارم ونساؤهم شاطر وشيخهم لا يأمر بالمعروف ولا ينهى عن المنكر الالتجاء اليهم خزي والاعتزاز

بهم ذل وطلب ما في ايديهم فقر وعند ذلك يحرمهم الله قطر السماء في اوانه وينزل في غير اوانه ويسلط عليهم شرارهم

فيسومونهم سوء العذاب ويذبحون ابناءهم ويستحيون نساءهم فيدعو خيارهم فلا يستجاب لهم وقال النبي صلى الله عليه وآله

يأتي على الناس زمان بطونهم آلهتهم ونساؤهم قبلتهم ودنانيرهم دينهم وشرفهم متاعهم لا يبقى من الايمان الا اسمه ولا

من الاسلام الا رسمه ولا من القرآن الا درسه مساجدهم معمورة من البناء وقلوبهم خراب من الهدى علماؤهم شر خلق الله

على وجه الارض فحينئذ ابتلاهم الله باربع خصال جور من السلطان وقحط من الزمان وظلم من الولاة والحكام فتعجب الصحابة

قالوا يا رسول الله يعبدون الاصنام قال نعم كل درهم عندهم صنم وقال صلى الله عليه وآله يأتي زمان على امتي لا يأتون المساجد الا قعدوا فيها

الدنيا وحب الدنيا لا تجالسوهم فليس لله بهم حاجة وقال صلى الله عليه وآله سيأتي زمان على امتي يفرون من العلماء كما يفر الغنم من الذئب فحينئذ

ابتلاهم الله بثلثة خصال الاول يرفع البركة من اموالهم والثاني سلط الله عليهم سلطانا جائرا والثالث يخرجون من الدنيا بلا ايمان

وقال الله تعالى ويل لكل افاك اثيم يسمع آيات الله تتلى عليه ثم يصر مستكبرا كأن لم يسمعها فبشره بعذاب اليم واذا

علم من آياتنا شيئا اتخذها هزوا اولئك لهم عذاب مهين من ورائهم جهنم تلك آيات الله نتلوها

عليك بالحق فبأي حديث بعد الله وآياته يؤمنون ان شجرة الزقوم طعام الاثيم كالمهل يغلي في البطون

كغلي الحميم خذوه فاعتلوه الى سواء الجحيم ثم صبوا فوق رأسه من عذاب الحميم خذوه فاعتلوه الى سواء الجحيم ثم صبوا فوق

رأسه من عذاب الحميم ذق انك انت العزيز الكريم ان هذا ما كنتم به تمترون ان المتقين في مقام امين في

جنات

در مذمت عالم صوفیان فاسق برد و ظلام بهم و بدعت فقرا بطلوا من

[illegible]

[illegible]

في جنات وعيون يلبسون من سندس واستبرق متقابلين كذلك وزوجناهم بحور عين يدعون فيها بكل فاكهة
آمنين لا يذوقون فيها الموت إلا الموتة الأولى ووقاهم عذاب الجحيم فضلا من ربك ذلك هو الفوز العظيم فإنما
يسرناه بلسانك لعلهم يتذكرون فارتقب إنهم مرتقبون [illegible]

[illegible]

۲۵۳

[illegible]

اشاره بآیاتی که مشتمل بر نصایح و موعظه و علم قرائت

۱۸۱

[illegible] ... ربنا ولیّنا الفهم ... فای الذین کان حب الیک وارضی عندک فانصر اهله الیوم وابنائهم ... واقطع للرحم فاهنه الیوم واهلکه ... حقیقت ... [illegible]

[illegible] ... از صاحبان ... نماز و قرائت ... [illegible]

[illegible] ... علم قرائت ... [illegible]

[illegible] ... معلم ... [illegible]

... تلک آیات الله نتلوها علیک بالحق فبای حدیث بعد الله وآیاته یؤمنون ویل لکل افاک اثیم یسمع آیات الله تتلی علیه ثم یصر مستکبرا کان لم یسمعها فبشره بعذاب الیم واذا علم من آیاتنا شیئا اتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین من ورائهم جهنم ولا یغنی عنهم ما کسبوا شیئا ولا ما اتخذوا من دون الله اولیاء ولهم عذاب عظیم هذا هدی والذین کفروا بآیات ربهم لهم عذاب من رجز الیم ... [illegible]

[illegible] ... ان شجرت الزقوم طعام الاثیم کالمهل یغلی فی البطون کغلی الحمیم خذوه فاعتلوه الی سواء الجحیم ... انک انت العزیز الکریم ان هذا ما کنتم به تمترون ان المتقین فی مقام امین فی جنات وعیون یلبسون من سندس واستبرق متقابلین کذلک وزوجناهم بحور عین یدعون فیها بکل فاکهة آمنین لا یذوقون فیها الموت الا الموتة الاولی ووقاهم عذاب الجحیم فضلا من ربک ذلک هو الفوز العظیم ... [illegible]

[illegible] ... الذین کفروا وصدوا عن سبیل الله اضل اعمالهم ... والذین کفروا فتعسا لهم واضل اعمالهم ... افلم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبة الذین من قبلهم دمر الله علیهم وللکافرین امثالها ... والذین کفروا یتمتعون ویأکلون کما تأکل الانعام والنار مثوی لهم ... [illegible]

[illegible] ... ان الله یأمرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها واذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل ان الله نعما یعظکم به ان الله کان سمیعا بصیرا ... [illegible] ... یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله والرسول ان کنتم تؤمنون بالله والیوم الآخر ذلک خیر واحسن تأویلا الم تر الی الذین یزعمون انهم آمنوا بما انزل الیک وما انزل من قبلک یریدون ان یتحاکموا الی الطاغوت وقد امروا ان یکفروا به ویرید الشیطان ان یضلهم ضلالا بعیدا واذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل الله والی الرسول

ص ۲۵۶

اقدام علمای اهل غرور که بلغرض باطله تغییر نماز بدعت نموده

۱۱۹ ۱

[illegible]

والی الرسول رایت المنافقین یصدون عنک صدودا و قال و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقا ذلک الفضل من الله و کفی بالله علیما و قال من یطع الرسول فقد اطاع الله و من تولی فما ارسلناک علیهم حفیظا [illegible]

[illegible] بدارم [illegible] اخبار [illegible] نفوس [illegible] فرقه [illegible] نقصان [illegible] علم [illegible] ایران جمیع [illegible] احکام شرعیه [illegible]

[illegible] و تقدس [illegible] حقیقت [illegible] تعلیم قرائت صحیح نماز [illegible] العمر [illegible]

[illegible] عبادت [illegible] نماز [illegible] اسلام [illegible] صنعت [illegible]

[illegible] عوام [illegible] علم [illegible] شیطان [illegible] عالم [illegible]

[illegible] حمد و سوره صحیح [illegible] اقدام [illegible] قرائت حمد و سوره [illegible]

۲۰۵

[illegible] تعلیم عوام نماز [illegible] علما [illegible] تعلیم نماز [illegible] شیطان [illegible] مجالس [illegible] منطق و کلام [illegible] تعلیم نماز [illegible]

[illegible] تمامی عالم [illegible] حب دنیا [illegible] العالم [illegible] نفس انسانی [illegible] محمد و آل محمد [illegible] واجبات و مستحبات [illegible]

[illegible] و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون [illegible] اسلام [illegible] پروردگار [illegible] مجتهدین و علما [illegible] نماز است ان قبلت قبل ما سواها [illegible] طاعات و عبادات [illegible] صحت و درستی نماز [illegible]

[illegible] مذهب سنی و شیعه [illegible] آیات قرآنی [illegible] نماز و اسلام [illegible] معصوم سلام الله علیهم [illegible] مجتهدین [illegible]

[illegible] نماز و احکام و لوازم این نماز [illegible] چهل سال [illegible] تغییر [illegible] نماز [illegible] علمای ناقص [illegible] اطفال [illegible] نماز [illegible]

[illegible] چهل [illegible] علما [illegible] کلمات [illegible] عوام [illegible] قاریان و علم قرائت [illegible]

فصل

اشاره بتکرار اعمال مرضیه دین خصوص نماز

۱۶۹

بواسطه نسخ علم قرائت و مقصر در تکفیر و کراهت قاریان کم کم مذاکره و مباحثه سوره حمد و سوره گرفته شد تا بجائی که بهر یک عبث رسوخ نماید نماز [illegible] با لباس عبث
اند پوشیده لباس درستی و اسم [illegible] غیر از عامل این کار [illegible] نمی توان گفت [illegible] شیطانی چنانکه ولایت [illegible] از میان عامه [illegible]
قصه غدیر خم [illegible] بعدم مذاکره و عدم تکرار از میان ایشان برداشته [illegible] معتبرین علمای ایشان تماما نوشته اند [illegible] عدم تکرار و مذاکره
اینکار کنند عدم تکرار نماز [illegible] باین حال [illegible] بواسطه علمای لاابالی در لباس درستی که بدترین خیانت [illegible] عالم باید از جنس [illegible]
نماز [illegible] و لوازمش [illegible] و دعوت نباشد اما اینکه تکرار قبیح است نه در امور دین [illegible] انبیا و اهل انبیا تکرار آداب دین [illegible]
کتب و صحف و الواح همه تکرار تعلیم آداب دین خدا [illegible] خصوص نماز [illegible] در قرآن [illegible] تکرار خصوص [illegible]
تا قیامت تکرار [illegible] انبیا و ائمه اظهار و علما برای تکرار و مذاکره آداب دین [illegible] تفصیل علما [illegible]
تکرار خواندن [illegible] فراموش [illegible] اطفال و طلاب [illegible] تکرار نباشد فراموش کند الدرس حرف و التکرار الف
[illegible] که علم قرائت خصوص امکان ندارد مگر بتکرار [illegible] تکرار [illegible] مسائل و آداب اجمالی [illegible] تکرار
لازم است بجهة فارسی [illegible] عبارت چند ورق است [illegible] خواند [illegible] بواسطه عدم
و عدم [illegible] و مذاکره بجهل [illegible] اطفال [illegible] با وجود آن از صد نفر عالم فاضل لاابالی [illegible] علم
میزان صحت نمی تواند [illegible] از صد نفر عالم [illegible] نماز [illegible] ساقط [illegible]
مسلمانی [illegible] و حال آنکه صحت و بطلان نماز دیگران [illegible] حکم صحت یا بطلان دادن [illegible]
فاولئک هم الکافرون مگر آنکه [illegible] این آیه قرآن برای ما نازل نشده [illegible]
جماعت اسلام است [illegible] مطالعه و مذاکره و تکرار این مجلد [illegible] ختم قرآن [illegible]
۲۰۵ و لازم است در سالی [illegible] مرتبه از اول تا آخر [illegible] درس [illegible] مطالعه و حفظ [illegible]
[illegible] ذلک هو الفوز العظیم [illegible] انبیا و اوصیا و علما است [illegible] صومعه قرار داد [illegible]
[illegible] فاطمه زهرا است [illegible]
[illegible] نماز [illegible]
و اسلام و ایمان چه کار است [illegible] مسائل و احکام نماز و علم قرائت [illegible] غفلت [illegible]
[illegible] مصداق این آیه شریفه مثل الفریقین کالاعمی و الاصم و البصیر و السمیع هل یستویان مثلا افلا تذکرون
منافق و معاند [illegible] نماز [illegible]
انما المومنون الذین اذا ذکر الله وجلت قلوبهم و اذا تلیت علیهم آیاته زادتهم ایمانا و علی ربهم یتوکلون الذین
یقیمون الصلوة و مما رزقناهم ینفقون اولئک هم المومنون حقا لهم درجات عند ربهم و مغفرة و رزق کریم
قد جاءکم بصائر من ربکم فمن ابصر فلنفسه و من عمی فعلیها و ما انا علیکم بحفیظ قل سیروا فی الارض ثم انظروا
کیف کان عاقبة المکذبین و قال الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون الذین آمنوا
و کانوا یتقون لهم البشری فی الحیوة الدنیا و فی الآخرة لا تبدیل لکلمات الله ذلک هو الفوز العظیم
و قال انما مثل الحیوة الدنیا کماء انزلناه من السماء فاختلط به نبات الارض مما یاکل الناس و الانعام
حتی اذا اخذت الارض زخرفها و ازینت و ظن اهلها انهم قادرون علیها اتیها امرنا لیلا او
نهارا فجعلناها حصیدا کان لم تغن بالامس کذلک نفصل الآیات لقوم یتفکرون و الله یدعوا الی
دار السلام و یهدی من یشاء الی صراط مستقیم [illegible]

علامت [illegible] نماز

در تغییر نماز مردم عبث به تدریج برای ترک امر معروف

۱۹۰

نقل کلام ادارم

داکر خدا دنه توفیق دهد سعی در لغوی الفاظ شکلیه تو بنویسم کتاب عربی تفصیل تفسیر ذکر اخبار مذهب و اسباب که تفصیل کتاب و غرض و فائده نمازم
علاوه بر عدم اسباب تالیف در دین در مال الواط عالم نماجیان دلوانه نکرده که کار دیگر جمیع مالکان را اهم برای آنکه اگر عوام در
مدت دو سال مالکه نماز قاری بپسندند نتوانند قادر باشند بسیار بپسندند می توانند دل الواط عالم نمازی عار ندیده بیکار
ملکه و دیگر هفته تعلیم خوب که ملکه نمایند یا در دین نرسی دینی یک جهت حقه نماز صیغه نکاح طلاق ملکه بسیار عقود آن
مدارس علم قرائت قاری بسنه حتی می توانستند تصدیقه نماینده جنان شهر بی عار دینی دینی صاحب خانه که برای علما
دعا به آن جهت قبر مستخف بالصلوة حساب خواهند نمود اگر عقیده دینی حقه شک است به دارند علما مجتهدین
مرتبه کافر دینه انه نماید این دینی حسابه نمود صحت و بطلان نماز عوام الناس حکم صحت و بطلان نسبت جنان
حساب نماینده که مرتد دین اسلام را ستارند و از بی علت عصب ملیانه گشتاخیه شد تو بیکجا عوام کالانعام هزار مرتبه بدتر این معاران
دولک هو الخسران المبین اگر کسی بیاشد بسیار را در خراسان از معتبرین علما دیدم که اگر حکم حقه نمیده بدهیم با در کافر دیگران منکرند
ضدات را نه است عذر و نکوت برای کسان این کارها دارند بس نماز عبث از کی شهرت یافت باین درجه عوام که ظهور کرد ارشاد علمای
اذا فسد العالم فسد العالم مشتق کار دیگری عوام را عتناکی نکنند و فساد عالم اگر نماز عبث حقه دلیل کار است در عوض و مقابل جنید ...
در مدت سی سال با جهل کلیه شده تدریج دادن را عدم ملاحظه نتایج کلام حق دو عبارت تمیز حرف کافی است در قرائت بانکه موافق فضیلت
کافی است بانکه موافق عرف مردم کافی است تمامی این نوع کلمات شمولش مبهم لعوی است در مخالفه او کسان در اینه است کلیه ارد به هر دو یا کل
میزان صحت نماز نباشد با وجود علم قرائت معارض با تعلیم امیر المؤمنین که بانی علم قرائت و سایر علوم است بواسطه اغراض
که تعارض با قاریان درد قاریان و تعلم صحت نماز است که قاریان بحث درد حمد و سوره و نمازها و ایراد و رد نمایند غلط نمی کنند به ...
که امر معروف نیست که او در کمال تعرض دو تعارض است و حکم بغیر ما انزل الله است عوض اقرار بانچه نمیه است و کمال فرعونی گشاد نسبت
بانچه ابتدا آیات صریحه و تاکیدات الهیه که بخاطر حقیر است به علاوه اخبار چهارده معصوم صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین قال النبی صلعم
الصلوة معراج المؤمن و قال ع الصلوة عمود الدین و قال ع اول ما کتب الله علی العباد الصلوة
و قال ع اول ما ینظر فیه من عمل ابن آدم الصلوة و قال ع من استخف بالصلوة لا تنال شفاعتنا اهل البیت و لیس منا و قال الله تعالی آیه اول
والذین صبروا ابتغاء وجه ربهم و اقاموا الصلوة و انفقوا مما رزقناهم سرا و علانیة و یدرءون بالحسنة السیئة اولئک
لهم عقبی الدار جنات عدن یدخلونها و من صلح من آبائهم و ازواجهم و ذریاتهم و الملائکة یدخلون علیهم
من کل باب سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار والذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه و یقطعون ما امر الله
به ان یوصل و یفسدون فی الارض اولئک لهم اللعنة و لهم سوء الدار آیه دوم الذین آمنوا و تطمئن
قلوبهم بذکر الله الا بذکر الله تطمئن القلوب الذین آمنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن مآب آیه سیم رب اجعلنی
مقیم الصلوة و من ذریتی ربنا و تقبل دعاء آیه چهارم اننی انا الله لا اله الا انا فاعبدنی و اقم الصلوة لذکری
آیه پنجم فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوة و اتبعوا الشهوات فسوف یلقون غیا آیه ششم اقیموا الصلوة و آتوا الزکوة و اطیعوا الرسول
لعلکم ترحمون آیه هفتم و من یطع الله و رسوله و یخش الله و یتقه فاولئک هم الفائزون آیه هشتم افحسبتم انما خلقناکم
عبثا و انکم الینا لا ترجعون آیه نهم والذین هم علی صلواتهم یحافظون اولئک هم الوارثون الذین یرثون الفردوس
هم فیها خالدون و من اعرض عن ذکری فان له معیشة ضنکا و نحشره یوم القیمة اعمی قال رب لم حشرتنی اعمی و قد کنت بصیرا

۲۵۷

نماز دلیل عارض بدعت

در تکرار تأکیدات آیات قرآنی درباره

۱۹۱

قال کذلک اتتک آیاتنا فنسیتها وکذلک الیوم تنسی وکذلک نجزی من اسرف ولم یؤمن بآیات ربه ولعذاب الآخرة اشد وابقی آیه دوم که تصریح است والذین یقیمون الصلوة ومما رزقناهم ینفقون اب ... والذین یؤمنون بالآخرة وهم علی صلواتهم یحافظون آیه سوم الذین یقیمون الصلوة ومما رزقناهم ینفقون اولئک هم المؤمنون حقا لهم درجات عند ربهم ومغفرة آیه چهارم والذین صبروا ابتغاء وجه ربهم واقاموا الصلوة واتوا الزکوة فاخوانکم والذین آیه پنجم ویدرؤن بالحسنة السیئة اولئک لهم عقبی الدار

۱۵ والذین آمنوا وعملوا الصالحات طوبی لهم وحسن مآب ۱۶ من ضاعوا الصلوة واتبعوا الشهوات فسوف یلقون غیا

۱۷ یا ایها الذین آمنوا لا تقربوا الصلوة وانتم سکاری ۱۸ ولا یأتون الصلوة الا وهم کسالی ۱۹ قد افلح المؤمنون الذین هم فی صلاتهم خاشعون ۲۰ والذین هم علی صلواتهم یحافظون اولئک هم الوارثون الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون ۲۱ انما تنذر الذین یخشون ربهم بالغیب واقاموا الصلوة ومن تزکی فانما یتزکی لنفسه والی الله المصیر وما یستوی الاعمی والبصیر ولا الظلمات ولا النور ولا الظل ولا الحرور وما یستوی الاحیاء ولا الاموات وما انت بمسمع من فی القبور ان انت الا نذیر ان من امة الا خلا فیها نذیر

۲۲ فاذا قضیتم الصلوة فاذکروا الله قیاما وقعودا وعلی جنوبکم ۲۳ ان الصلوة کانت علی المؤمنین کتابا موقوتا ۲۴ فاما الذین آمنوا وعملوا الصالحات فیوفیهم اجورهم ویزیدهم من فضله واما الذین استنکفوا واستکبروا فیعذبهم عذابا الیما ولا یأتون الصلوة الا وهم کسالی ۲۵ والمقیمین الصلوة والمؤتون الزکوة والمؤمنون بالله والیوم الآخر اولئک سنؤتیهم اجرا عظیما ۲۶ ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر ۲۷ انما تنذر الذین یخشون ربهم بالغیب واقاموا الصلوة ومن تزکی فانما یتزکی لنفسه والی الله المصیر ۲۸ من اضاعوا الصلوة واتبعوا الشهوات فسوف یلقون غیا

۲۹ واستعینوا بالصبر والصلوة وانها لکبیرة الا علی الخاشعین ۳۰ حافظوا علی الصلوات والصلوة الوسطی وقوموا لله قانتین ۳۱ ان الذین آمنوا وعملوا الصالحات واقاموا الصلوة واتوا الزکوة لهم اجرهم عند ربهم ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون ۳۲ والذین آمنوا وعملوا الصالحات طوبی لهم وحسن مآب انی انا الله لا اله الا انا فاعبدنی واقم الصلوة لذکری ۳۳ یا بنی اقم الصلوة وامر بالمعروف وانه عن المنکر واصبر علی ما اصابک ان ذلک من عزم الامور ۳۴ ان الذین آمنوا وعملوا الصالحات اولئک هم خیر البریة ۳۵ والذین یؤمنون بالآخرة یؤمنون به وهم علی صلواتهم یحافظون

۳۶ ان الذین آمنوا وعملوا الصالحات اولئک هم خیر البریة ۳۷ واذا نادیتم الی الصلوة اتخذوها هزوا ولعبا ذلک بانهم قوم لا یعقلون ۳۸ انما یخشی الله من عباده العلماء ۳۹ انما تنذر الذین یخشون ربهم بالغیب واقاموا الصلوة ومن تزکی فانما یتزکی لنفسه والی الله المصیر لازمه نماز خوف خدا ...

این قبیل آیات که ... در قرآن بتمامه در احکام و آداب نماز و لوازم نماز است و لازمه آداب ... موقوف بعلم حقه علم قرائت است که میزان ... و اندازه قرآن خواندن است هیچ چیز بی میزان و بی قاعده نباشد ... عظیم ... علم آن اکمل و افضل علوم است که ... علوم ... اعظم محتاج این علم است ... و عبادات ... نماز ... فضیلت علم نماز ... من حیث الشرف ... از جمیع جهات ... دارد علم آن ... علوم ... نماز ... اهل البیت علیهم السلام ... فرموده اند ...

فصل چهارم در اصل دنیا [illegible] فتنه و فساد

[illegible] بنا در ملک حال ایشان [illegible] والد عالم که [illegible] مطلقا هیچ [illegible] سوره [illegible]

این خطاب [illegible] و لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها [illegible] انبیا و اوصیا و علما در اصلاح دین [illegible]

[illegible] انبیا و اوصیا [illegible] علما [illegible] و کار [illegible]

ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء **فصل چهارم ارباب** [illegible] قال الله تعالی کل حزب بما لدیهم فرحون فذرهم فی

غمرتهم حتی حین و قال وان الذین لا یؤمنون بالآخرة عن الصراط لناکبون ولو رحمناهم وکشفنا ما بهم من

ضر للجوا فی طغیانهم یعمهون ولقد اخذناهم بالعذاب فما استکانوا لربهم وما یتضرعون حتی

اذا فتحنا علیهم بابا ذا عذاب شدید اذا هم فیه مبلسون و قال وهو الذی یحیی ویمیت وله اختلاف

اللیل والنهار افلا تعقلون بل قالوا مثل ما قال الاولون قالوا ءاذا متنا وکنا ترابا وعظاما ءانا لمبعوثون

لقد وعدنا نحن وآباؤنا هذا من قبل ان هذا الا اساطیر الاولین و قال ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشة

فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا والآخرة والله یعلم وانتم لا تعلمون ولولا فضل الله علیکم ورحمته

وان الله رؤوف رحیم یا ایها الذین آمنوا لا تتبعوا خطوات الشیطان ومن یتبع خطوات الشیطان فانه یأمر

بالفحشاء والمنکر ولولا فضل الله علیکم ورحمته ما زکی منکم من احد ابدا ولکن الله یزکی من یشاء والله سمیع علیم

[illegible]

در تفسیر آیه شریفه و لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها مراد از اصلاح دین [illegible]

ملاحظه [illegible] تعارض [illegible] فساد [illegible]

۲۵۹

فساد [illegible] قتل انسان [illegible]

[illegible]

[illegible] علم [illegible] تعارض [illegible]

اولاً [illegible] تمامی امور [illegible] ملاحظه [illegible]

اعضا و جوارح مملکت وجود [illegible] مصالح [illegible] دنیا [illegible] فساد [illegible]

نگاه [illegible] کلمات [illegible] اقوال و حرکات [illegible] ملاحظه [illegible]

حاصل [illegible] کلام [illegible] در میان [illegible]

و دلیل [illegible] علما [illegible] حکم [illegible] انزل الله [illegible]

[illegible] کلام محض [illegible] عدم [illegible] علم [illegible]

[illegible] عالم [illegible] ان الصلاة تنهی عن الفحشاء والمنکر [illegible] امام [illegible]

[illegible] فساد تا ظهور حضرت حجة [illegible]

[illegible] طغیان بنی اسرائیل [illegible] بخت النصر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] طغیان یزید [illegible]

[illegible] امام زمان [illegible] طغیان [illegible]

[illegible] شهادت [illegible] ظلم [illegible]

[illegible] تا قیام قیامت لعن [illegible] مظلوم کربلا [illegible] اخبار انبیا [illegible]

عقیدهٔ دوم

در اشاره به بدعت قشری مذهبان

۱۹۲

[illegible]

[illegible] مثل الذین حملوا التوریة ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا بئس مثل القوم الذین کذبوا بایات الله والله لا یهدی القوم الظالمین [illegible]

[illegible]

[illegible] فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون [illegible]

[illegible] احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا وهم لا یفتنون ولقد فتنا الذین من قبلهم فلیعلمن الله الذین صدقوا ولیعلمن الکاذبین [illegible] الذین یصدون عن سبیل الله ویبغونها عوجا وهم بالآخرة کافرون

[illegible] قال سلمان هل تخبرون الاعمال التی [illegible]

[illegible]

۲۶۰

موعظه در مذمت کبر و نخوت بعضی علمای لاابالی

۱۹۴

بخیر و خوبی باید یاد کنیم ایشان را مثل بعضی از شیعیان که گوینده‌اند [illegible] بد امور عادت نموده‌اند [illegible] لعن نباید کرد که ملکه

تو به کرده‌اند لعنة الله علیهم اجمعین و حال آنکه اختلاف علما در ثبت که ثواب صلوات زیارت با لعن بر دشمنان آل محمد سلام الله علیهم

بیان تفاوت ره از کجاست تا بکجا و در حدیث معتبر وارد است که حضرت بقیة الله فی الارضین در ظهور خود [illegible] طایفه خواهد زد از جمله

پیران زناکننده و مانع الزکوة و جوانان [illegible] در احکام مسائل واجبه نابلد باشند از اسلوب این روایت تامل باید

که اگر جوانان عالم و فاضل و صاحب کمالات هم باشند چه طور خواهد [illegible] معاقب می‌باشند که علم و معرفت با عقل [illegible]

که تکلیف عقلا و علما هزار درجه زیادتر است [illegible] باعث کفر و ارتداد [illegible] خصوص با ترویج [illegible] نماز جماعتی باشند [illegible]

و یکی خواندیم که موقوف بتامل است مضمون انما اموالکم و اولادکم فتنة و ان الاخرة هی دار القرار جبرئیل [illegible]

نازل شد عرض کرد یا نبی الله در زمان طفولیت [illegible] حضرت یعقوب را حادثه [illegible] دایه [illegible]

بشیر نام حضرت یعقوب [illegible] غضبناک شد [illegible] فروخته [illegible] مصر [illegible]

مادر در فراق پسر گریان و نالان در مناجات حضرت سبحان [illegible] حضرت یعقوب [illegible] حکم فرماید

برای [illegible] مظلومی [illegible] مکافات فرما [illegible] زمان ابتلا [illegible]

بشیر [illegible] از همین [illegible] پیراهن [illegible]

[illegible] چشمهایش روشنی [illegible] مکافات [illegible]

[illegible] عادل [illegible] مکافات [illegible]

[illegible] آل محمد در زمان غیبت [illegible] علمای لاابالی [illegible] دنیا [illegible] عالم مکافات [illegible]

[illegible] نماز [illegible] عالم [illegible]

[illegible] معصوم [illegible] ابلیس [illegible] آل محمد [illegible]

[illegible] غافل [illegible] افحسب الذین کفروا ان یتخذوا عبادی

من دونی اولیاء انا اعتدنا جهنم للکافرین نزلا قل هل ننبئکم بالاخسرین اعمالا الذین ضل سعیهم فی الحیوة

الدنیا وهم یحسبون انهم یحسنون صنعا اولئک الذین کفروا بآیات ربهم ولقائه فحبطت اعمالهم فلا نقیم

لهم یوم القیمة وزنا ذلک جزاؤهم جهنم بما کفروا واتخذوا آیاتی ورسلی هزوا [illegible]

[illegible] ان الذین آمنوا وعملوا الصالحات کانت لهم جنات الفردوس نزلا خالدین فیها لا یبغون

عنها حولا [illegible] الذین کفروا وصدوا عن سبیل الله زدناهم عذابا فوق العذاب

بما کانوا یفسدون ویوم نبعث فی کل امة شهیدا علیهم من انفسهم وجئنا بک شهیدا علی هؤلاء

ونزلنا علیک الکتاب تبیانا لکل شیء وهدی ورحمة وبشری للمسلمین [illegible] ان الله یامر بالعدل و

الاحسان وایتاء ذی القربی وینهی عن الفحشاء والمنکر والبغی یعظکم لعلکم تذکرون واوفوا بعهد الله

اذا عاهدتم ولا تنقضوا الایمان بعد توکیدها وقد جعلتم الله علیکم کفیلا ان الله یعلم ما تفعلون

این جماعت علمای لاابالی [illegible] کبر و غرور [illegible]

[illegible] نماز جماعت [illegible] ترویج دین [illegible] کبر و غرور [illegible]

[illegible] علم [illegible] نماز جماعت [illegible]

ما انزل الله [illegible] ولا تقف ما لیس لک به علم ان السمع

والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه مسؤلا ولا تمش فی الارض مرحا انک لن تخرق الارض ولن تبلغ الجبال

طولا [illegible] واوفوا الکیل اذا کلتم وزنوا بالقسطاس المستقیم ذلک خیر واحسن تاویلا [illegible] ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم

[illegible]

و طرق کفر و ظلم و عصیان

در شیوه رضیه اسلام و ایمان ۱۹۵

فصل ... ابراهیم

و یبشر المؤمنین الذین یعملون الصالحات ان لهم اجرا کبیرا و ان الذین لا یؤمنون بالآخرة اعتدنا لهم عذابا الیما

الم تر کیف ضرب الله مثلا کلمة طیبة کشجرة طیبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء تؤتی اکلها کل حین باذن

ربها و یضرب الله الامثال للناس لعلهم یتذکرون و مثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض ما

لها من قرار یثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت فی الحیوة الدنیا و فی الآخرة و یضل الله الظالمین

و یفعل الله ما یشاء الم تر الی الذین بدلوا نعمة الله کفرا و احلوا قومهم دار البوار جهنم یصلونها و بئس القرار

و جعلوا لله اندادا لیضلوا عن سبیله قل تمتعوا فان مصیرکم الی النار قل لعبادی الذین آمنوا یقیموا الصلوة

و ینفقوا مما رزقناهم سرا و علانیة من قبل ان یاتی یوم لا بیع فیه و لا خلال و قال تعالی و انذر الناس

یوم یاتیهم العذاب فیقول الذین ظلموا ربنا اخرنا الی اجل قریب نجب دعوتک و نتبع الرسل اولم تکونوا

اقسمتم من قبل ما لکم من زوال و سکنتم فی مساکن الذین ظلموا انفسهم و تبین لکم کیف فعلنا بهم و ضربنا

لکم الامثال فلا تحسبن الله مخلف وعده رسله ان الله عزیز ذو انتقام یوم تبدل الارض غیر الارض و السموات

و برزوا لله الواحد القهار و تری المجرمین یومئذ مقرنین فی الاصفاد سرابیلهم من قطران و تغشی

وجوههم النار لیجزی الله کل نفس ما کسبت ان الله سریع الحساب هذا بلاغ للناس و لینذروا به و لیعلموا انما

هو اله واحد و لیذکر اولوا الالباب ... و ذلک هو الفوز العظیم

و در سوره اعراف فرموده یا بنی آدم لا یفتننکم الشیطان کما اخرج ابویکم من الجنة ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوآتهما

انه یراکم هو و قبیله من حیث لا ترونهم انا جعلنا الشیاطین اولیاء للذین لا یؤمنون و اذا فعلوا فاحشة قالوا وجدنا

علیها آباءنا و الله امرنا بها قل ان الله لا یامر بالفحشاء اتقولون علی الله ما لا تعلمون قل امر ربی بالقسط و اقیموا

وجوهکم عند کل مسجد و ادعوه مخلصین له الدین کما بداکم تعودون فریقا هدی و فریقا حق علیهم الضلالة

انهم اتخذوا الشیاطین اولیاء من دون الله و یحسبون انهم مهتدون ممکن است که در این آیات است ... دیگر

اعظم معاصی است و تعارض باخته است با رضا و فضیحت و کافر با عظمت و جلال و اظهار ضلالت ... که محض ذات اوست

فعلا و معنا ظاهرا و باطنا چنانکه پوشیدن لباس عزت و سلطنت و لباس ظاهری ... دیگر آنکه عورت بمعنی عیب است

و باطنی و آشکار که ... دشمن ظاهری و باطنی شیطان ... که عیب ... بپوشانند ...

بر عکس امر خدا که فرمود لا تجسسوا ... شیطان کسانی هستند که ایمان نیاورند و ایمان ... علامت دیگر آنکه چون کاری

که مشتمل بر قبایح و فواحش باشد یعنی نسبت تمامی قبایح ... و ضلالت ... که از قدیم ... نهاده

و این کلام معروف ... که این کار قدیم ... است تازه ... که عادت ... رانست و حال آنکه خدا

از فواحش و قبایح نهی کرده است در همه زمان قل ان الله لا یامر بالفحشاء ... که ... لعن کرده ... در توراة و زبور

و انجیل و قرآن ... جمیع ... و حیوان و جن و انس ... لعن کرده ... تمامی این جماعت ...

و ملک ... از کفار و اسلام از جماعت علمای ناخلف لا ابالی ... از اعیان ظلام ... تعارض باخته ... که

... شرع و دین ... از ارکان و اول ... و مقدمات ... دین ... نماز ... کلمه ...

... باطن ... ظاهر عوام ... و معنی قرائت با لسان عرب با آنکه قاریان و ...

... علم قرائت و قاریان ... که در ... المقدسه بر داشته ... نماز ... که ... چنان نماز ...

... عوض ... قرائت ... نماز ... عالم ...

در استفتاء ... حکام ... از یهود و نصاری

۱۹

این معنی ... الحمد لله العالم ... و هیچ تاریخ ابن ... که امام ... سال ... و ... نماز ... نماز ...

... زیرا که تمامی ... و علما ... نماز ... نماز ... فقد کفروا بما انزل الله ...

در ترویج نیز ... کذلک نفصل الآیات لقوم یعلمون قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها وما بطن

والاثم والبغی بغیر الحق وان تشرکوا بالله ما لم ینزل به سلطانا وان تقولوا علی الله ما لا تعلمون ...

... مراد از ظلم ... که ظالم ... انواع معاصی ...

... تفصیلش از تفسیر ... علم ... صحت و بطلان نماز ...

و حال آنکه در ... سبیل الضلالة ... در ترویج بدعت ... عالم معتبر ...

بر عدم سواد ... صحت و بطلان نماز صحیح ... کافر ... اهل علم قرائت

... که اظهار جهل ... قاریان ... علم قرائت ... تکفیر ...

به عنت ترویج ... الکنایة ابلغ من التصریح ... ترویج ...

... قاریان ... نکته ...

... اعتبار ... اعتبار ... ملاحظه ...

و التفات ... زیرا که تمامی مدت عمر ... عادت ... قلب منکوس ...

... روشنی ... نور هدایت ... صحن دل ... قلب منکوس ...

... الا ما شاء الله و لا حول و لا قوة الا بالله ... والنادر کالمعدوم ... اعظم ...

... در خصوص ... ظلم و بدعت قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها وما بطن

والاثم والبغی بغیر الحق وان تشرکوا بالله ما لم ینزل به سلطانا وان تقولوا علی الله ما لا تعلمون ...

... علما ... صحیح ... نماز ... ترویج نماز ...

... زیرا که ... یهود و نصاری و مجوس ... زیرا که ... این طایفه ...

... مسلمانان ... این فرقه از علما که ترویج نماز بدعت ...

و نماز ... مسلمین ... مسلمانان ...

خاتم الانبیاء و ائمه هدی سلام الله علیهم ... ناصبی ...

لازم است ... کافر ... مرتد ... توبه ... عالم ...

... توبه ...

... زیرا که در این مدت سی سال زمان ترویج نماز بدعت ...

... نصاری ... نماز ...

... از مقارنات نماز ... قرائت ... نماز ...

... نماز صحیح ... بسم الله ... صلوة ...

... ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشة فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا

والآخرة والله یعلم وانتم لا تعلمون وقال یا ایها الذین آمنوا لا تتبعوا خطوات الشیطان ومن یتبع خطوات الشیطان فانه

یأمر بالفحشاء والمنکر ولولا فضل الله علیکم ورحمته ما زکی منکم من احد ابدا ولکن الله یزکی من یشاء والله سمیع علیم ...

فصل چهارم در ابلیس

اشاره بمجمل از فساد ارکان عبادت نماز

۱۹۷

باید دانست که بحکم آیه شریفه و من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم و آیه دیگر و زین لهم الشیطان
اعمالهم فصدهم عن السبیل فهم لا یهتدون و آیه دیگر و ما یجحد بآیاتنا الا الکافرون و دیگر و ما یجحد بآیاتنا الا
الظالمون در خصوص نسخ و ضد شریعت طاهره خاتم النبیین صلی الله علیه و آله یریدون ان یطفئوا نور الله بافواههم و یابی الله
ان یتم نوره و لو کره الکافرون و مصداق الذین اتخذوا دینهم لهوا و لعبا و غرتهم الحیوة الدنیا فالیوم ننساهم
کما نسوا لقاء یومهم هذا و ما کانوا بآیاتنا یجحدون و لقد جئناهم بکتاب فصلناه علی علم هدی و رحمة
لقوم یؤمنون هل ینظرون الا تاویله یوم یاتی تاویله یقول الذین نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا
بالحق فهل لنا من شفعاء فیشفعوا لنا او نرد فنعمل غیر الذی کنا نعمل قد خسروا انفسهم و ضل
عنهم ما کانوا یفترون که مخربان دین اسلام و ایمان از اول تا قیام قیامت صغری و کبری از زمره ساحره با غرور و کثرت و جهل مرکب
با بواسطه حب دنیا در راه تمام ابلیس و نفس و هوا و ملاحت ریاست و سروری و امراض مختلفه کل جسته و صفات رذیله جبلی
نطفه و عدم استقامت عهد و پیمان روز الست بانواع حیل و اسامی ترویج دین و دستگیری هموطنان اسلامی در سعی اراده ضلال
و گمراهی مردمان در هر صورت ایتام آل محمد علیهم السلام که در زمان غیبت همگی ایتام آل محمد هستند بی مولی و بی والی بی یار علما هستند از فرقه
اکثر راهزنان دین باسم عالم و فاضل و [illegible] مشهور معتمد و معتبر بوده اند زیرا که سایر فرقه ها اعتماد و اعتبار بایشان یقینا
مگر قلیل و نادر و جهت دیگر آنکه حضرت صادق آل محمد و معصومه زمان و ضرر علمای سوء بر امت جدم هزار ضرر لشکر ابن سعد در کربلا
ملعون باشد علاوه بر حدیث شریف اذا فسد العالم فسد العالم خرابی عالم در این زمان بزرگتر است معدل که تمامی دنیا هرج و مرج
شده است دلیل محکم شاهد آیه شریفه است که الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر این نمازها که ذره اثر در فحشا و منکر
ندارد و اعظم دلایل است که نماز و جمعه نماز ندارد مگر نادر و النادر کالمعدوم خرابی هیچ پادشاهی و ظلمی این طور نباشد ۲۶۴
ابدا خیال نکنی که کار مخلوق دیگر این قدر موثر باشد اثر عالم فساد بغیر از خرابی نماز بواسطه علما که تغییر داده بجهه دیگر
مگر در ظهور بقیة الله فی الارضین مثل این هرج و مرج باشد اصل همه فسادها است همین معنی حب الدنیا راس کل خطیئة جز دیگر
از حب دنیا قصوری نمانده است مع ذلک اسم محرر را کمینه اند که بانی فساد کیست و جهت که این هم کار علمای سوء ملعون که کم
بشه ریخته نماز بدعت ترویج داده در این مدت سیصد سال نماز ضد اولیه و کار بسته و عوض بدل کرده مردم از ارز و عادت
ملکه در رسم مستحکم کرده که بلکه علما و طلاب دلیل اند از جمیع محتاج نماز ساقط قضا بشه اند از مستقبلین و ایشان دلیل از فعل علما است
به دلیل آنکه من حفر بئرا لاخیه وقع فیه این چاه را مردم کنده که در اول خود در ایشان افتاده که تا قیامت صلاحی نیز از آنها
از از عوام الناس از صد نفر ده نفر بلکه از شهرها مذاکره و تعلم علم قرائت راه صراط مستقیم سوی نماز از هلاکت ابد از تعزیم نفر
براه هدایت برنخواهند کشید زیرا که از علما و تشکیل کم [illegible] محالست هدایت یابند قاعده کلیه است حقوق نائب امام است
دلیل بزرگ باقوال این مولف در بیان آنست که در جمیع کتب قرائت و لزوم قرائت نماز و خود همه علما اقرار کرده و در عمل خلاف کرده
مختصر موجب هستند ضروری علوم است بدرجه که اگر کسی موافق قرائت یکی از قاریان سبعه نماز کند از صحیح است حال آنکه در هیچ
مسئله تقول سبعه علما خبر نیست الا در قرائت و علم قرائت و حال آنکه مثال علما ضرور است حدیث خذ ما خالف العامة [illegible]
تا آنکه این نماز بدعت خرابی و ترویج داده کسی توجهی و جوابی علاج این دردی در سال نکشوده یعنی چه آخر این نماز
تمامی اعمال صحیح و [illegible] و مبطلات و خرابی این نماز تمامی اعمال ضایع دردی ملعونه سئوال دین مسلمانان است اول از نماز سوال
اینست که فرقه از علما با غرض و بعضی علم قرائت و قاریان را تقبیح کرده مذاکره و تعلم قرائت از اهل آن عار [illegible] تقصیر کرده [illegible]

اشاره به پاکی فطرت و پاکی ضرایب و حسابیت علماء ۱۲۹۶

حدیث من طی الارض که راه آسمان نزدیک یافته از طی الارض رسیدن مقصود و نیت دلیل دانسته که ابادت از ائمه اطهار مجتهدین کاملین

نیافته اند السنه بوده نعوذ بالله ایشان با کمال نقصان علم و جهالت که داد این را طی الارض بواسطه گمراه کردن جمعی از عوام جاهل نادان و [illegible]

مسلمین که عوام از ایشان برای معاش خود داده اند از دام ضلالت و دام شیطانی گسترده و هم ادب شرع و دین مصالحه با این دام ملا کرده اند که نماز

و مسلمانی کافی است چونکه پنجه نماز نه عوالم باطل خواهد شد چونکه رفته و ولایت ملا گشت شیطانی این را طی الارض [illegible]

نظام عمومی مسلمانان [illegible] آموخته و عادت داده که در مدت سی یا چهل سال که حقیر خود مؤلف قاصر دیده کار بر [illegible]

معطل نماز اقل درجه وجوب که سقط قضات مانده آن جاهلیکه تمامی صحت عقود و ایقاعات از نکاح و طلاق و صیغ و صلوات و نماز

و نماز آیات کلا بوجود این علم شریف بوده چنان از میان مسلمانان برداشته اند که بجز کتب محتصر فارسی نمانده [illegible]

نمانده و تمامی قاریان را مستأصل و موقوف کرده به حدیکه شیطان انکار کرده بوده منافقین را فرموده طالبان دین [illegible]

این حیله و تدبیر نتوانستند و حال آنکه [illegible] ردر در فکر خود محونشد [illegible] این نور دین اسلام از اول بوده و سعید [illegible]

کشیده نتوانستند در آن اشتعال این نور نماز و لوازم نماز الحمد و اولیا و علمای عاملین کشیده تا این نور که علم [illegible]

چون شاطبی و کتاب شاطبی زیاده بر هزار جلد معتقد بانی و اطوار خوب عربی منظوم و نثر عربی و فارسی بتعلیم امیر المؤمنین [illegible]

و تالیفات زیاده کردن چه که قاریان معدن بر سر این علم شریف جا ساکنند و علمای مدرس آخر الزمان فساد [illegible]

لشکر صادق آل محمد هزار سال قبل خبر داده که علمای مدرس کارها کنند که هر یک به بیت اسلام زنند که به تر از ضرر لشکر ابن سعد [illegible]

مبانیه علاوه بر مصداق آیاتی که خداوند در قرآن خبر داده شمه از آنها را [illegible] در این محمد که ضرر بخشند از آیات [illegible]

ذکر خواهیم کرد اگر خداوند صلاح و موفق فرماید اگرچه بعد از مسیر [illegible] فالن این کلمات حفظ [illegible]

عن الحق فهو شیطان خرس که از تمامی مؤلفات خود دیدم خرس لازم نزد ایشان که فساد آخر الزمان زیاده از [illegible]

باید دانست ابن به هرج و مرج عالم در تاریخ هزار و سیصد و سی و سه مشهور آفاقست با این حالت از اضطراب شهر [illegible]

معلوم است مرا و مانی و هوس دوست بود باشد و رجوع به تاریخ نویسان بابد نموده الی اصل این خرابی حمالیست [illegible]

اواقف العالم فسد العالم چنانکه وجود علما لازم است در هر قطعه از قطعات ارض دو جای عالم [illegible]

خلیفة الله و خلیفه رسول و امام مسند ایتام آل محمد مربی و صاحب و بار مسند محجاب در ضرر علمای نا خلف سوء در وقت فساد تمامی عالم

فساد و [illegible] و تار و مار نماید مصداق حال از علمای جاهلیه که سبحان الله خباثت باطنی بابی تا ملی کس که

معقول صاحبان فراست جبران در اینکه برای لسنح و تخریب بنای این علم شریف که وجود او باعث حیات جانب نماز

خواه باشد تصحیح و ترتیب این جانب نماز و مسلمانی و دین مؤمنان و شیعیان علی بن ابی طالب دور [illegible]

النبیین که باعث صحت بنای عمارت دین اسلام است با این جماعت لاابالی عالم نما چه ضرر رسید و لاابالی و بی اعتنائی [illegible]

سنزل دین را مقبول ادعا کنند [illegible] که مردم گمراه و ضال آن هم ضلالت خواهند [illegible] بی نماز بی دین و بی نماز [illegible]

اعمال و طاعات باشند چه فایده که این جماعت مدعیان دین خدا نبوده لیس به آنی که حلم و فضل و کمالی که از [illegible]

و این علم و فضل خدای تو [illegible] در دل هر کس که خدا خواهد نقل کرد [illegible] آنچه را نمی دانم [illegible]

صلاح حال خود غرور و عجب و کبر نکنند براه نیندازند [illegible] خود در دستی حق در هم [illegible] شیطان خوب طرح باشد [illegible]

[illegible] دیمان گرفته [illegible] با این حکم که باشد موافق و صافی دنیای لطف [illegible]

دور دار دنیا با مصاحبت [illegible] سلامت باشند و ملک ابرار که [illegible] موافق [illegible]

[illegible]

فصل چهارم در ...

در تمامی ازمنه داعی اصرار

اشاره باشخاص بانی البدع ۱۹۹

چنانکه اختصاص بتغییر نماز دین ما مدار در هر عصری و زمانی و مذهبی با بانیان بدعت و تخریب مذاهب طولی از طبقه نا خلفان علما لاابالی
و مقطریان صاحب غرور و کبر و عجب از غلبه حب دنیا بوده است ولی این زمان بسیار موثقین و معتبرین اهالی در دوره علم و دیانت
و اوصاف زمانه جوش صدریان حیله کرده که چه حیله زبان اظهار تظلم نکرده و ظهور عجز است و قبله کار ... احکام ... اجرا
نیافتند آخر حیل و دام کرده به عجز و می کنانید البته که تغییر نماز و ... از زمان دولت خاتم النبیین منافقین و کفار در زمان ... اطفا ...
افتاده و کتب ماضیه حوالت نموده نوشته که اعلای دین اسلام و اهمال و لوازم انکار نماز و دین قویم این شخص است صاحب نماز و اسلام
و جامع آداب و شرایط نماز است تفکر اطفاء حق و نماز و افسانه هر فساد بکرده همگی برای خاموش کردن نماز و لوازم نماز
حتی حق خاتم الانبیا و وصی بلافصل او و سایر ائمه اطهار علیهم السلام و زحمات و ریاضات و عزت و استشهاد ائمه اطهار برای اعلای کلمه دین
که از لوازم نماز محمدی صلی الله علیه و آله بود مقصود همگی محقق است که برای رخنه و بطلان دین محمدی بود و نماز رکن اعظم دین است
اعلاء او نه متصل حلیه فریقین سنی و شیعه و ضرر دین است تمامی حیلها و ادعیه و استشهادات الوارده برای خاموش کردن
اللاهی نماز و لوازم نماز بود نماز و لم یزل مقصود همگی از حقیقت همین نماز بود که ... الحجه نتوانسته حق نماز و رخنه و تخریب نموده
تا ... رسید بزمان سی سال قبل از این اطفال در زبان دسته دسته و ... و مجلس و دکان و بازار و فرا ... از لوازم نماز
لسنه یعنی نماز بر سبیل احتیاط برای مجتهدین ... نا ... مشهور ... جماعتی از علمای ناقص بواسطه اشتهار
... او ... روضه خوانی و جماعتی از موثقین و معتبرین مذهبین صاحبان وقار و تواضع و شکسته نفسی عوام ... دام ...
بایت و اسطه طریقه ... که ایها الناس قاریان ... کلام
... قاریان ... و ... و تعلیم و تعلم و مقابله ... نماز و تعلم و صحت صحت نماز ... مسلمانان ... اعتبار ... نماز
... ایها الناس ... در قرائت نماز کافی ... نماز متعارف کافی است ... کلام ... اهل لسان عرب
کافی است یا امثال این کلمات ... بی اعتنائی ... مردم ... این نوع بی اعتنائی کلمات و اشارات و کنایات بی اعتنائی
که ... ترغیب مردم ... و ... و اسباب بی اعتنائی بنماز ... از اغراض قاریان ...
و تغییر اهل زمان و عالمان و ... از تعلیم و تعلم نماز ... مجتهدین ... نماز احتیاطی ... از هزار نفر عالم و طلبه ... بعض
... از صد نفر ... نماز ... سقط ... اگر ... نماز ... غلط ... بالحن جلی و خفی نماز ... از صحت بلکه
... نماز ... تمیز ... اهل تمیز باشند ... نفس ... کشیده ... غلط
... بعضی ... مخارج و صفات حروف ... بعد از ... در خلوات ... نماز
... در دین ... ملکه ... نکرده ... که علم قرائت کار ... کار زبان ...
... کلام ... علم اصول حکمت و منطق ... تفاسیر و علم آیات ... در مقدمات
آیات ... علم قرائت ... علم حساب و علم خط ... کامل
تا ملکه و عادت ... حتی نماز ... لازم است ... لازم است
... و بطلان ... از دیگران ... اعتنائی ... حروف
در ترتیب و موالات و وقف و وصل و رخنه مخارج و ادای کلمات و تغییر معنی ... خوانند
تا صحت نماز ... نماز دیگران و بطلان ... از ... حکم بصحت و بطلان نماز خود و دیگران ... نماز ...

فصل چهارم از باب سیم

در اشاره به قبایح و معایب و نتایج بدعت

اگر حکم به صحت و بطلان نماز خود به عمداً به جز [?] اگر عمداً حکم نه بدهی لااقل نماز باطل است چنانکه این قبیل علما را ظهور نخواهد الا از سر انفرت صحیح

نموده نفوس و کلیه خلاصه ... پایه که از میان سلسله لاابالی و عقاید ... کلی و مطمئن بشوند در ...

ملتبس شدند که علم قرائت را و امیر المؤمنین لشکر زنان و دستان منزل ... و ملتبس و ... صحت ... نماز

صحت و بدعت قرار داده در اسلام و ایمان نماز صحیح قرار داده ... علمای اخیر ... ذرایع ... و بطلان

و نسخ و ترک نماز صحیح فتوی داده بلکه در معرفة الشخص مؤمن شیعه مرفوع یکی از قراء سبعه نماز که اگر چه سنی باشد

یعنی موافق رای قاری سنی نماز بکند صحیح است باطل نیست ... علما و بیشماران ... لتشیع و ایمان ... فعلی

در لباس حزب اسلام و ایمان ... و محبت امیر المؤمنین ... مردم ... و ... اولا

فتوی بنسخ و بطلان قاریان و تعلیم و تعلم ... نماز صحیح ... امیر المؤمنین ... و ...

در ... چهل سال این جا ... چنان کنند که ... نماز ... قضا که مخصوص اهل ... قرار ...

مانده اند که این بدعت ... قدیمی ... کار ... جا ... کتب قرائت مفصل ... کتاب شاطبی

و امثال شاطبی ... در اقامه اسلام ... و شام ... موجود ... شاطبی ... اسلامی ... نحویه ...

در دست ها ... آذربایجان موجه ... اعیان و ... ابن ... بزرگ ... از میان مسلمانان برده

بالنسبه ... ضرر داشت ... مبالغت ... نه ... اگر ... معتدل ... جاهل

مذور و محبان معنوی ... خباثت معنوی که ... نکرده ... از ... قاریان از راه ... معروف ... خواستند

... حقیقی ... ایمان و اسلام و صراط مستقیم ... نماز ... که نماز باطل ... اختراعی ...

لامحاله نماز ... معقود ... سلمانان ... سبیل بطلان ... اصلاح ... هر ...

... که ... نداشته ... و ... قاریان ... که ...

این ... از ایام اول جوانی ... ناگهان ... که ... از طلاب و علما ... سوال ...

بنماز ... قرائت علما ... بگوید که فلان قاری ... فلان عالم ... فلان ...

... خالهٔ ام ... در میان زنان ... در ...

... مرحومه ... عمیرزاده ... شیخی ... از ...

این ... معنی کلام ... الله ... از ... بالجمله ... معنی ...

که قاریان بسیار و فاضلان ... در محله و شهر و ده ... و بازار ... و ... اگر ...

چه قدر شهرت داشت زنان و اطفال ... نماز قاری ... نماز ... قضا ... مخصوص ...

و ده ... قاری ... نماز ... قضا ... نماز صحیح ... از ...

لاابالی ... چنین ... مسلمانان ... نتیجه ...

که ... علمای لاابالی ... هر کلام ... استعمال ...

معنی ... که ... شیطان ...

است که ... کفار ... حضرت ... شراب ... علما ...

در ... فساد ... امام ...

در مقابل امیر المؤمنین ... سلطان ...

فصل چهارم از باب سیم

در مذمت کلمات خاطر جمعی به عوام الناس و تعلیم نماز

بالجمله در این زمان از ترس بعضی برای نقصان حال منبر و مرافعات و ساختن بدعت باشند بلکه بعضی بواسطه غرابت لفظ و عدم فکر عوام زمان از زلّت در حرمی برای
شیئی و کلام در غیر موضع علی حده دلالت دارد با اینکه هر کلام خود را نمیدانند و نمیخوانند مثل آنکه علمای زمان کلام علمای فاضل کامل
عوام کالانعام که ایها الناس تمیز حرف در قرائت نماز کافی است و هنوز این کلمه مولوی مبهم را جماعتی از علمای ظاهر کلام و فضل
این نوع کلمات و مسائل را سرمایهٔ کمال دانستند اگر که از علم قرائت هیچ نمیدانستند برای هر معروف بعضی قاریان
و ایراد نمودند که نماز بدعت خلاف امر خدا و رسول است با اینکه عادت و عناد باطنی قاری بیچاره را تکفیر و تفسیق بعاده
بعدان از انظار مردم انداختند و دیگر قاریان جسارت غلط کفش مردم و اظهار علم قرائت را نتوانستند مگر اکثر علما
با این واسطه قاریان و علم قرائت را بتدریج برداشتند حالا کار حفظ علما بکار رسیده که حاضر نشانه است نماز قاری
که زبان و اطفال ده دوازده ساله می توانستند حالا از علمای معتمد معتبر و بلیشماران معتبر از هزار نفر هیچ نفر قاری نبینند چنانچه
بلیت و نمیتوانند سهل است از صد نفر عالم بیشمار معتقد سه نفر چهار نفر نماز مسقط فصاحت و محاجه و در اثبات این مطلب
شاهد و حضور و تجسم خود و ان اعظم اشباهات اثبات مطلب و در چه بالاتر از این مقام و صالی ندارد خود
احقر آنست که این کشتن در خراسان نماز و بعد از زمان قلیلی بر دارند اگر چه کمال که از نه بحر شقاوت دوری
و عذاب برزخ و قیامت را نامه و مستخف بالصلوة ثمرهٔ دیگر ندارد که از جملهٔ اشد کفار مستخف بالصلوة
ولی برای مسلمانان دیگر کار مباشرت سهل است مشکل تر لسقف و این نوع علما نیز بانی بدعت و جمعی از دنیا پرور
اگر چه در نظر تو عالم خوب و بیشمار باشند راه زن شرع و دین است و دشمن خاتم النبیین و ائمه طاهرین است
علمای که عالم و است و بگویند و نه السنة و اقرار نمایند که نمیدانم قاری نیستم خودم نماز بی صرافی بیشمار تمام مخالف خود هرا

۲۶۱ پس است که خودم با حالی که هم اگر بیشماران ما با نماز باطل و بدعت حکم صحت و بطلان نماز دیگران نیز میدهند جماعتی نماز
بدعت و باطل نیز حکم صحت باشاره و کنایه میدهند که تمیز حرف کافی است و عوام چنان می فهمند که گفتن در خواب بیان
کافی است برای معرفت خود و برد و طهارت نا مغفار باشد و دلیل سوال دستما طالبه را جواب بهشت و خداخلق کنه علاوه بر جنا الناس
بهشت و دیگر برای این نماز ساختن فرماید الاسم طلب ثبات است از خدا و اگر این نوع خواطر جمعی با سریه بار کمی نشسته عوام و هم
باین درجه عصیان اختیار کنید و بار نمیکردند بعد از آن در ادبش و غالبان ع دارم چه غم دارم این زمان هم حسین دارم
من بکی او الکی و جبت له الجنة بطی الارض را نزدیک بدانند و علمای ناقص استنباط و استخراج کرده همه ادب شرع و دین
بگریه و عزاداری و کربلا رفتن و زیارت مصالحه کرده که الصلح سید الاحکام چه حاجت بعد از این تعلم قرائت و بدین مذاکره
نماز و نکاح و طلاق بعد از پیری معرکهٔ کبری یعنی چه از نتایج این نوع نکاح و طلاق غیر از این علما و بلیشماران ثواب خدا و رسول
الله نگاه کرده خداوند بکن الوارحم الراحمین را از شر و فساد مستقبلین زمان ما محافظت نمود کما حقه تفصیل هم این ملامت موجب تاکید است صحت قرائت
انکه مرهم الهی عوام و شعرا باید بطریق احتیاط و دلالت بکنند خصوص اگر این زمان چنین شتران بی مهار را ضلالت و گمراهی عادت داده ملکه نموده
و هوس مهر است که بجنگ تربیه و بیم در آمده نکوی کم کم بیا مرزم و بقیه طریق خلاصی و راستی است و همه خواطر جمعی نا مرد است بی هیچ
اگر چه کار پسند نامه نماز است بایداز عادت راه راست و دیدن و مذاکره و تعلیم نکند این لامحاله مترک مشغله بیشتر از اول کرده و حال و زنگ مرده
نفس انسان همیشه مایل بتبعیت جهالت و نادانی است طلبه و ایام تعطیل نیز لازم است از کار حفظ سر ندارد لعبارهٔ اصح شخص اگر از
اجتناب نداشته باشد در تهٔ ضلالت حرام گمراه خواهد بود عوام اگر برای استمالت و تمرین تشدید و توصیف تمامی چنان خیال نمایند
که مجنونه شده است چنانکه در ایام فاضله الاجل یکی از معتمدین علما از قصبه آمده که عازم کعبه شده بود نقل کرد که در فلان قصبه هر نفر عالم تعدیل بسیار
کامل

در میان خوف و رجا و لعوام شبیه بتریاک است و لعلما و لعالم ملیح است

۳۰۱

فصل چهارم

کامل فاضل مقدس دو بار بی سواد لاابالی قضا عالم فاضل مرتضی شد چون از خط مایوس شد وصیت کرد که نماز فلان بفلان کس که ساکن است

این دو شخص که شناخته‌ام فرق است در مسائل ضروریه را تمیز دارد او می‌داند میادا آن عالم لاابالی مسامحه کند و چون

وقت دهند نماز آن کس و فلان نفلان بموجب وصیت خواهد که این مردم عوام باید واسطه همان نفلان و جانشان خلیفه و الا استغفار

دنیا بحساب او داشته الکاسب تمامی امور انکاح و طلاق و صغیر و کبیر را دست گرفته است من هم از زیارت حرم امام و السلام

که دست مجتهد بن کف اشرف التفصیل شرح حیه ارم علاج این فساد را نمایند لیکن هم مبتلایم در کارها مدافعه نماید و بنیاد

د استمالت این کارها بسیار دارد چنانکه صاحب شرع انور مقدمه حرز از محرمات را اجتناب لازم کرده داده و در مقدمه در اعتقادات عوام

مرافع مرحوم تشبیه بریسمانی و مقدمه که انسان آویزانست بجز در رسیدن انسان جز دیگر دو حرکت است بهر حال مسلک مبلغیم در این است

چنانکه علمای لاابالی برای خوش آمد دمان مایل است اگرچه رضای خالق در آن نباشد که عوام از دین بارها یکی نرفته بهر خوش آمد

عوام دین حقه را دو بار فدا نمایند باعتقاد و اعتذار اینکه شیطان درس داده است که عوام را باید کم کم به تدریج مایل شریعت

کنیم اگر مایوس نمایم بلکه برود به دلیل اینکه خاتم الانبیا حقیقت کل فقه در دعوت اسلام بجز یک کلمه لا اله الا الله جز از احکام دین کردند

با حقیقت کل دکان و وقت حقیقت کل جهت را مقابل کند فتح نمیکنه کارها حفظ المحسنات در اسم اهل بیت هر شئی را در موضع حق استعمال مواظب رضای عوام

دین حقه را روزی دو بار از دست نهادن مبنی معنی اذا فسد العالم فسد العالم کنایت از کسب و ترویج لاابالی است که هرگز نتایج کلام و کار اسلام حفظ

نباشد اگر ملاحظه فی الجمله داشته باشد و از دنیا است که لاابالی باشد زیرا که خوف اللهی ندارد اگر خوف اللهی بود کارش باینجا نرسید

محتاج نماز سقط قضا باشد امور سلطان مدخل نماید اعلام است بی دین را عالم در صورت علما و لباس علما در دل شرع دین حسنه

فصل پنجم در شمه از جهل مرکب و نادانی

فصل پنجم

قال الله تعالی ان الذین کفروا سواء علیهم ءانذرتهم ام لم تنذرهم لا یؤمنون ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصارهم

غشاوة و لهم عذاب عظیم فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا و لهم عذاب الیم بما کانوا یکذبون و اذا قیل لهم لا

تفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون الا انهم هم المفسدون و لکن لا یشعرون و اذا قیل لهم آمنوا کما آمن

الناس قالوا انؤمن کما آمن السفهاء الا انهم هم السفهاء و لکن لا یعلمون و اذا لقوا الذین آمنوا قالوا آمنا

و اذا خلوا الی شیاطینهم قالوا انا معکم انما نحن مستهزءون الله یستهزئ بهم و یمدهم فی طغیانهم یعمهون

اولئک الذین اشتروا الضلالة بالهدی فما ربحت تجارتهم و ما کانوا مهتدین که این آیه از فطرت اصلی انسان خبر میدهد

و الذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه و یقطعون ما امر الله به ان یوصل و یفسدون فی الارض اولئک

لهم اللعنة و لهم سوء الدار و در آیه دیگر فقطع دابر القوم الذین ظلموا و الحمد لله رب العالمین اولا صفت جهل که از

صفات رذیله است مراتب دارد اعلا مراتبش جهل مرکب است و دیگری جهل بسیط که علاج پذیر است خاتم الانبیا فرموده قوام عالم بچهار فرقه

ملبس است اول بوجه عالم عامل که از ترس خاضع خاشع که تمامی وظایف خود را عارف و عامل است آنچه به آن میکوشد تمیز ندهد اسم شخص

دوم غنی که مال حقه را از محل مشروع حلال عف بمضایقه ندارد و مالش مورد حقه را بجا آورد با کمال رضا خود بسیم و زر بنگرد صفت

خاصه خداداد و نعم خداوند را که بار داده منعم ملتفت احتیاج خلق را محفی دارد و فقیر خداداد است مغتنم شماره اند و درد فرو نشد

و کسب غضب نکند و دور نزد خداوند خلوق رازق حقه را و نفس حقه را رسوا نماید و بی وقار دل کبود کند چونکه خداوند تعالی بصفات داراز قرض

غنا و بی احتیاج گرداند اگر شاید از حضرت صادق آل محمد وارد است که اظهار فقر نماید بصفای درازدستی فقر و تنگدستی

که بفرقه چهارم جاهلی که صفت جهل دیگری نکوتر ابر کنار نهاده در کسب علم عقاید و دوچندان حق که در مجلس مباحثه و منازل علماء و بیت

بی دقت در اصلاح دو چندان و احتیاط کهای حیات که تمامی نماید در ملک آن

در مذمت جهل دنیا و دانی و نتایج کبر [illegible] نادانی

فصل [illegible]

جهل مرکب که عین [illegible] جاهلی [illegible] که تمامی [illegible] جهالت [illegible] مسلم [illegible]

و اسباب [illegible] صراط و میزان [illegible] عالم [illegible] جهل مرکب که عین [illegible] الناس [illegible]

[illegible] دنیا [illegible] و اولیا و اوصیا [illegible] جناب [illegible]

[illegible] و فرعون [illegible] جهل [illegible]

هرکس که نداند و نداند که نداند در جهل مرکب ابد الدهر بماند هرکس که نداند و بداند که نداند [illegible]

و بداند که بداند [illegible]

[illegible] علما و فضلا [illegible] علما [illegible]

[illegible] عوام الناس [illegible] صحبت [illegible] تمام دنیا [illegible]

[illegible]

[illegible] مجالس [illegible] اسلام [illegible]

[illegible] طفل [illegible]

تعلیم و تعلم [illegible] هزار سال [illegible]

لهم لا تفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون ولکن لا یشعرون [illegible] جهل [illegible]

[illegible] علام الغیوب [illegible] معصوم [illegible]

[illegible]

[illegible] هزار سال [illegible] الدهر [illegible]

[illegible] بعد از خاتم الانبیا [illegible]

[illegible] کعبه معظمه [illegible] دنیا [illegible]

مناجات [illegible] پروردگار [illegible] دنیا [illegible]

[illegible] دنیا [illegible]

[illegible] دنیا [illegible] جهل [illegible]

دنیا [illegible] اطفال [illegible] هزار [illegible]

[illegible] جهل [illegible]

[illegible] مسائل [illegible] احکام

[illegible] جاهل [illegible] غفلت

[illegible]

[illegible] لطف [illegible] انعام و احسان [illegible]

[illegible] مناجات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مسائل [illegible] کلمات

[illegible]

[illegible]

اشاره بتوحید و خلقت بشر و قرآن آسمانی و قول الهی

چه پاک که حضرت ناظم و حضرت دانای فکر و خیالات نزد او نباشد چه قدر قبیح است تصور که کسی دلم خیال برهی و چون قباحت از تصور نکرد
و بند السنی لا ابالی و بی پروا شده زیاده جسارت خارج که نامربوط کفر و شرک در کلمه ایاک نعبد خیالات در رد حقیقه و نیاز اسباب دنیا
باشند بت پرستی منیه اسم و طاعت خدا دانستن چه قدر قبیح است بمنزله مسخره و بازیچه باشد آه خالق از عصیان و بنیاد آنست
اینه حیثیت نماز و ملائکه با امر الهی رسد این بنده که استعداد برون آسمانها و اعزاز و تعظیم ندارد که اسباب و علامت بت پرستی است
که بانی بنا دین محمدی و صاحب خلعت اسلام و ایمان حضرت واجب الوجود میفرماید قل هو الله احد و موصوف بصفت الله الصمد
لم یلد و لم یولد و والد و والدین و سرچشمه ذرات موجودات لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد تعالی الله عما یقولون الواصفون
من حد کماله بکلم کنت کنزا مخفیا فاحببت ان اعرف مشیتش متعلق شد به کلفت ذرات عالم موافق ظهور عالم انوار و ارواح
در روز الست اذا انوار مقدسه محمد و آل محمد از کتم عدم بوجود آورد چهار هزار سال قبل از تمامی مخلوقات باختلاف روایات
بتسبیح و تهلیل و تقدیس الهی مشغول بوده بعد بتدریج از ترتیب سایر انبیا اولو العزم و غیر اولو العزم و اوصیا تبعه کلفت سایر مخلوقات
از انسان و حیوان و جماد و نبات موافق حکمت بالغه خود در خلقت عالم بنا کرد چنانکه خود در آیات قرآنی خبر داده و لقد
خلقنا الانسان من سلالة من طین ثم جعلناه نطفة فی قرار مکین ثم خلقنا النطفة علقة فخلقنا العلقة مضغة فخلقنا المضغة
عظاما فکسونا العظام لحما ثم انشأناه خلقا آخر فتبارک الله احسن الخالقین و در آیه دیگر لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم
در جای دیگر و لقد کرمنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا یوم
ندعوا کل اناس بامامهم فمن اوتی کتابه بیمینه فاولئک یقرؤن کتابهم و لا یظلمون فتیلا و من کان فی هذه اعمی فهو فی الآخرة
اعمی و اضل سبیلا و در آیه دیگر میفرماید یا ایها الناس ان کنتم فی ریب من البعث فانا خلقناکم من تراب ثم من نطفة ثم من
علقة ثم من مضغة مخلقة و غیر مخلقة لنبین لکم و نقر فی الارحام ما نشاء الی اجل مسمی ثم نخرجکم طفلا ثم لتبلغوا
اشدکم و منکم من یتوفی و منکم من یرد الی ارذل العمر لکیلا یعلم من بعد علم شیئا و تری الارض هامدة فاذا انزلنا علیها
الماء اهتزت و ربت و انبتت من کل زوج بهیج ذلک بان الله هو الحق و انه یحیی الموتی و انه علی کل شیء قدیر و ان
الساعة آتیة لا ریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور و من الناس من یجادل فی الله بغیر علم و لا هدی و لا
کتاب منیر ثانی عطفه لیضل عن سبیل الله له فی الدنیا خزی و نذیقه یوم القیمة عذاب الحریق ذلک بما قدمت
یداک و ان الله لیس بظلام للعبید و در آیه دیگر در سوره زمر میفرماید الم تر ان الله انزل من السماء ماء فسلکه ینابیع فی الارض
ثم یخرج به زرعا مختلفا الوانه ثم یهیج فتریه مصفرا ثم یجعله حطاما ان فی ذلک لذکری لاولی الا
لباب افمن شرح الله صدره للاسلام فهو علی نور من ربه فویل للقاسیة قلوبهم من ذکر الله اولئک
فی ضلال مبین الله نزل احسن الحدیث کتابا متشابها مثانی تقشعر منه جلود الذین یخشون ربهم ثم تلین
جلودهم و قلوبهم الی ذکر الله ذلک هدی الله یهدی به من یشاء و من یضلل الله فما له من هاد و لقد
ضربنا للناس فی هذا القرآن من کل مثل لعلهم یتذکرون قرآنا عربیا غیر ذی عوج لعلهم یتقون ضرب الله مثلا رجلا فیه شرکاء
متشاکسون و رجلا سلما لرجل هل یستویان مثلا الحمد لله بل اکثرهم لا یعلمون انک میت و انهم میتون ثم انکم
یوم القیمة عند ربکم تختصمون فمن اظلم ممن کذب علی الله و کذب بالصدق اذ جاءه الیس فی جهنم مثوی للکافرین
و الذی جاء بالصدق و صدق به اولئک هم المتقون لهم ما یشاؤن عند ربهم ذلک جزاء المحسنین و در آیه دیگر
انا عرضنا الامانة علی السموات و الارض و الجبال فابین ان یحملنها و اشفقن منها و حملها الانسان انه
کان ظلوما جهولا و در آیه دیگر فرماید الم تر ان الله یسجد له من فی السموات و من فی الارض و الشمس و القمر و النجوم و
الجبال و الشجر و الدواب و کثیر من الناس و کثیر حق علیه العذاب و من یهن الله فما له من مکرم ان الله یفعل ما

در صحت مقدمه عمل مؤمنین

۳۰۴

هذان خصمان اختصموا في ربهم فالذين كفروا قطعت لهم ثياب من نار يصب من فوق رؤوسهم
الحميم يصهر به ما في بطونهم والجلود ولهم مقامع من حديد كلما ارادوا ان يخرجوا منها من غم اعيدوا فيها
وذوقوا عذاب الحريق وقال الله تعالى واذا تتلى عليهم آياتنا بينات قالوا ما هذا الا رجل يريد ان يصدكم
عما كان يعبد آباؤكم وقالوا ما هذا الا افك مفترى وقال الذين كفروا للحق لما جاءهم ان هذا الا سحر مبين
وما آتيناهم من كتب يدرسونها وما ارسلنا اليهم قبلك من نذير وكذب الذين من قبلهم وما بلغوا
معشار ما آتيناهم فكذبوا رسلي فكيف كان نكير وقال تعالى الذين كفروا هل يجزون الا ما كانوا يعملون وما
ارسلنا في قرية من نذير الا قال مترفوها انا بما ارسلتم به كافرون وقالوا نحن اكثر اموالا واولادا وما نحن بمعذبين
وما اموالكم ولا اولادكم بالتي تقربكم عندنا زلفى الا من آمن وعمل صالحا فاولئك لهم جزاء الضعف بما عملوا
وهم في الغرفات آمنون والذين يسعون في آياتنا معاجزين اولئك في العذاب محضرون ...
... تفضیل ... حضرت حق مقرر فرموده ... اگر عقل نباشد مثل سایر حیوانات
... طینت ... فطرتش ... از فاضل طینت محمد و آل محمد ... حب آل محمد ...
... التفات این است که در این دار دنیا ... در روزه عاریه گرد و خواب و عمارت ...
در روزه ... که تمامی عمرش فنا و زوال ... از عظمت و جلال و کبریائی ... عالم دیگر عالم بقا ...
باشد چنانکه بموجب آیات و اخبار از عالم خلقت انوار الی دنیا ... عوالم ... عالم ...
در خاطر داریم ... عالم ... دنیا ... روزه ... در این آیات ...
... بصلب پدر آمدن و طی عوالم ... ولادت ... از صلب پدر برحم مادر و طی عوالم ...
و در شکم مادر ... طی ... آیات ... عوالم ... چنانکه ... مدت حمل شکم مادر نه ماه
... عوالم طی نماید ... زمان عمر دنیا ... از اول دنیا تا آخر دنیا عمر ... عمر آخرت ...
... دنیا ... چه مناسبت دارد الناس نیام واذا ماتوا انتبهوا ... العالم ...
چنانکه اگر طفل را در شکم مادر ... دنیا ... اکل و شرب و تماشا ...
... و عالم آخرت و حور و قصور ... تعریف و توصیف نماید ... کامل اگر باشد ...
چنانکه ... کامل ... دنیا ... موجب ... کمال ...
... حضرت ... صاحب لطف ... میفرماید عبدی اطعنی اجعلک مثلی چنانکه اراده ...
... باشد چنانکه بقا مخصوص خدا است ... اراده نماید موجود ... چنانکه ...
و روز بروز ... و معدوم ... روز بروز ...
... البصیرت ... بازار ... جواهرات ... بازار ...
... جواهرات طاعات ... جواهرات ... جواهر ... دارد که ...
... شرف و فضل است که ... نماز ... جواهر ... نماز ...
در جواهرات طاعات ... قبلت قبل ما سواها ...
... وجود ... طلای ... اکسیر ...
طلای ... مصاحبت ... نماز ...
و کوشش ... مقدمات و مقارنات و شرائط و آداب ... قرائت ...
... شرائط نماز ... معلوم است ... شرط ... صحیح ...

استشارت شب ۲۵ احکام طاعت و عبادت و معصیت فی الجمله و الظاهر

جا که خوانده شد و بعبارة اخری نماز بمنزله شجرهٔ طیبه طوبی و صراط و ولایت و امامت است که انواع ثمرات بی حساب چنانکه شنیده از هر

میوه و از هر طعام و شراب و لباس و انواع بریان و هر چه اهل بهشت تمنی حتی انجریان و هر چه خواسته مهیا است و فیها ما تشتهیه الانفس

و تلذ الاعین و انتم فیها خالدون در بهشت و شجرهٔ طیبه دارد چنانکه شجرهٔ خبیثه جهنمی که در جهنم انواع ثمرات جهنمی دارد از زقوم

که خبر میدهد انها شجرة تخرج فی اصل الجحیم طلعها کانه رؤس الشیاطین چنانکه در ثمرات امامت و ولایت مثل شجرهٔ طیبه

متفقه انواع طاعات و عبادات و احکام دارد با نتایج بی حساب و خواص بی شمار که دارد علامت نماز و صلوات ملتبسه چنانکه تمامی

انبیا و اولیا و اوصیا در صوم و سیر بی نماز و زکوة نماز نبوده البته که اگر نماز درست نشد از تمامی اصول و فروع فایده ندارد نماز للقدم

همگی دین اسلام است چنانکه تمامی اخبار و آیات و دلیل استوار نماز و زکوة و تارک هر دو کافر و مرتد بمنزله قبر و حلول ملتوته که اول ورد

قبر گشت و مصداق همه آیات اقیموا الصلوة و آتوا الزکوة است و این مثل میان فقها مشهور است که نماز در المقدمه به نماز

اخبار انبیا به عنت هر کسی خود را شنیده و قرائت و طمانینه علاوه بر سایر شرایط و آداب مجرد خواندن سیاهی کلمات خود نشنید

چنانکه توسل و مقدمه تقرب و مناجات حضرت ذوالجلال ائمه سلام الله علیهم را نماز و اوقات نماز که انقلاب حال و الوان از رنگی برنگی

دارد حالی بحالی تغیر حالات عارض ملت نیست و نه ابد اخبر نداریم از حال حقیقی مرکبی خود خبر نداریم که یک نقص صورت شکل نماز هم بردارم

از قبحیت خود خبر نداریم خود مسلمان و شیعه یا محب و نماز که از نام آنهم بجز علامت بر سستی نمایان نیست چنان محض که نفته نیم

بمصداق آیه شریفه علامات خوف و خشیه نداریم که خالی از صواب و سموات و ذر الذین اتخذوا دینهم لهوا و لعبا و غرتهم الحیوة الدنیا

که اصلاح پذیر نیستند فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا و لهم عذاب الیم بما کانوا یکسبون و قال ان الذین کفروا سواء علیهم

ء انذرتهم ام لم تنذرهم لا یؤمنون معارض این جماعت بخوف و خشیه لا ابالی که نمیشند که همه در هر کار و کلامی جو اشتغال

اول خوف و سخط و غضب الله ی تقصیر نماید بعد بکتاب حساب و جزا دار بر دارند که نتایج خواب میز چه خواهند شد و چه حال دارد بعد میده اند بگوید کمیدانم

به بعد که نمیدانم در حدیث صحیح وارد است که شخص اخوان شناختند مگر به علامت اول از رفیق و صاحب اوکه اللحیه تقضی المساعه الرحمانیه من در نماز

با شرایط و آداب سیم با آداب و جهات حقوق و جبه دا کرها را صالح و با جمال خیر و صلاح باشد عاقبت ملتبسه چنانکه ثعلبه نامی از اصحاب

حضرت رسول صلی الله علیه و آله که بود بسیار زاهد و اهل طاعت بسیار فقیر بود تا عیالش گفت برای حضرت التماس کن در حق ما دعا فرمایند کالله اکبر ان ما جوب فارغ عیال

بلند و جمیع اظهار طلب نمود حضرت صلاح او در فقر و فاقه دیده برگشت بعد از زمانی بار بمقام التماس برآمد هر بار و سه بار تکرار نمود به دعا حضرت

گرفته و خرید در اندک زمانی صاحب همه دواب و کاو و مواشی بسیار شد و در مدینه نتوانست بطرف مدینه رفته کاه که می آمد حضرت

در هر هفته و ماه و سالی ناکثرت اموال مانع شد تا آیه زکوة نازل شد حضرت بذات نعیلی فرستاد در هر بلدی حقوق مال و مواشی

تا نزد ثعلبه رسید ملاحظه نمود که زکوة اموال خیلی معتد به و بسیار ملیقه خسارت بسیار لازم است جمیع قارون و اهل زمان ضرر دانسته

جنین جزیه از ما مسلمانان ملتبسه از یهود و نصاری کافر و مرتد شد و ربقه مسلمانی از گردن انداخت و چون زمانی گذشت پشیمان شد

حضرت آمد و حضرت قبول نفرمود بعد از رحلت حضرت به سن ابی بکر بعد نزد عثمان آمد عجب انکه ابی بکر و عمر نیز قبول

از زمان عثمان رفت و خود غالب بلمه شرع و برکات جهنم و کشیدند مثل قارون مقصود از این قصه است که اکثر مردم جنس ظاهر

اطاعت ظاهری با احکام و نماز و قرائت نماز ندارند از حالت انکار معنوی و عدم توجه و جزای اصل دین و عقیده است که هر درجه از عقاید احکام

بنا دو دست و عاجز بند در طی مراحل معاصی نیز زود و سبکبار و جری شدند میزان اسلام و ایمان ایشانست که بی بهره و مغرور

اهل دنیا و حرام و شهوت ندارند هوا و هوس و صحبت و اخبار و خوف از منافقه و عصیان و حرص و مملکت ایشان ظلمت و حرص و معاصی برمی خیزد از

دو کان و طبق و دست و پای و شکم و فرج و لسان ایشان حرص و جهنمی و شعله و خطر یار و مار و مور از فعل اعضا آتش حرص شعله ور است

داو و شاه می نمایند در دنیا و ملتبسه که تعرف المجرمون بسیماهم از هر قدم بر آتش و چشم و گوش و هر دو و هویدا و روشن است

الی طاعات و در آسمانها و زمینها و غیبش ولایح است که الی زبان و آسمانها بلکه بلندی ایشان سینه به سینه مشهور آفاق که چه عجب بسیار از آسمانها

فصل پنجم ... اشاره بسیار که عظمت نماز و صبر و اقسام آن

۲۰۶

... از انسان و حیوان ... محبت و حرمت ... [illegible] ... در زمین و آسمان ... ظلمت ...

محبت ... ماهیان دریاها ... و قطرات ... دریاها ... استغفار ...

... در جوار رحمت ... الحلال ... صحبت ائمه اطهار در دنیا و آخرت ... مسلم و مؤمن ملقب باشند ...

... مخالف حق ... ظلمات مخالف ... و ظلمت ... [illegible]

... و ذلک هو الخسران المبین ... ظلمها و انواع فساد ... طاعت و عبادت ... چنانکه ... [illegible]

امام ... که ... خاتم انبیا و امیر المؤمنین و سایر ائمه سلام الله ... واجب القتل ... [illegible]

... محبت دنیا و ... نماز ... [illegible]

... چنانکه ... [illegible]

... در کلام خود فرموده و استعینوا بالصبر والصلوة وانها لکبیرة الا علی الخاشعین ... صبر ... [illegible]

... با صلوة مقرون و مقدم بر صلوة ذکر فرموده ... اشاره ... صبر ... شرایط نماز ... شرایط ... [illegible]

... مقدمات و مقارنات ... صبر ... اول صبر ... صبر ... [illegible]

... معاصی ... ترک نماز ... [illegible]

... ترک نماز ... اقسام ... شرایط ... [illegible]

... ارتداد و استخفاف ... واجب القتل ... جامع الشرایط ... [illegible]

... صراط ... [illegible]

۲۲۴

... [illegible]

... صبر و تسلیم ... عبادت ... ذکر صبر نماز ... [illegible]

... وانها لکبیرة ... نماز و صبر ... صبر و صلوة ... خاتم انبیا ... شریعت ... [illegible]

... احکام نماز ... [illegible]

... [illegible]

... صبر ... صلوة ... احکام و مسائل صلوة ... حضرت امیر المؤمنین ... تارک نماز کافر ... [illegible]

... لا اله الا الله ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... صاحب ... [illegible]

فصل ششم در وجوب علم قرائت

قال الله تعالی ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین ادعوا ربکم تضرعا وخفیة انه لا یحب المعتدین ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا ان رحمت الله قریب من المحسنین وهو الذی یرسل الریاح بشرا بین یدی رحمته حتی اذا اقلت سحابا ثقالا سقناه لبلد میت فانزلنا به الماء فاخرجنا به من کل الثمرات کذلک نخرج الموتی لعلکم تذکرون والبلد الطیب یخرج نباته باذن ربه والذی خبث لا یخرج الا نکدا کذلک نصرف الآیات لقوم یشکرون

... این آیات ... اهل بصیره ... ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها ... [illegible]

عقاید علما

اشاره بتقلب و حصه دار د[ر] علیه سلطنت

۲۰۷

در باب بعد از صلاح و صیانت و ترویج محمد و آل محمد که بجهت رحمتها و احکام قران ترویج کرده ملکه الطفیل محمد و آل محمد [illegible]

تمامی مخلوقات از الطفیل آل محمد [illegible] لولاک لما خلقت الافلاک [illegible]

لوح و قلم [illegible] باختلاف روایات [illegible] هزار سال [illegible] سال قبل از [illegible]

[illegible]

۲۷۵

[illegible]

اشاره بوجوب علم قرائت بر رعیت از اعلی و ادنی

۲۰۶

والاصل حضرت در جواب یهودیان فرموده خداوند حکیم علیم حق حساب آنها را خواهد کشید بسیار کلام متین است و جهت قدسی صادر فرموده یا ابن آدم کم من سراج اخمده الریح و کم من عابد افسده العجب و کم من فقیر افسده الفقر و کم من غنی افسده الغنی و کم من صحیح افسده العافیه و کم من عالم افسده العلم فان و بحکم عندی ما لا عین رأت و لا اذن سمعت و لا خطر علی قلب بشر [illegible] ابلیس بنی آدمیت که اکثر اشخاص را سبیل گارد عادت و صنعت خود مغرور است گمراه و فاسد نماید در غرور علما و فضلا و گمراهی با وجه کمال و معرفت و تمیز و دارای طرق طاعت و حمل الفت را [illegible] جهنم شناختن از جمیع فرق مسلمان علم و دارا [illegible] صحت و سقم و فساد نماز و تشخیص و تکمیل نماز و قرائت نماز که علم قرائت آسانترین علوم است بتجربه فارسی و هنود و غیره [illegible] مختصر آسان دنیا و حرکت حقه یعنی صورت و شکل قرائت نماز جاهل مغرور نماید که بعد از چهل سال که قبول نماز ساقط [illegible] محتاج و چون حرف در کل نماید بد نماز [illegible] ظلم بر نفس حق القصور نماید قرائت [illegible] بهتر از علم قرائت [illegible] مثل و تعلم نماز حق که [illegible] و حال آنکه [illegible] و صل [illegible] معصوم و حقیقت [illegible] معصوم [illegible] تصور [illegible] صحیح [illegible] نماز و صحت نماز موقوف بتعلم علم قرائت بقدر احتیاج است با مذاکره بقدر صحت نماز والاصل با کمال غرور [illegible] فاسد [illegible] و مداخله امور [illegible] نماز صحیح و باطل مردم حکم [illegible] و در قرآن آیه و لا تقف ما لیس لک به علم [illegible] و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون [illegible] بیان نماید [illegible] موعظه نماید [illegible] فسد العالم [illegible] اثبات نماید [illegible] خطاب دیگران نماید [illegible] در مجالس صحبت از اصول و فروع و منطق و حکمت و معانی بیان طوطی ناطقه زبان [illegible] خوب [illegible] عوام کالانعام در معنا [illegible] تصحیح و تلمیح [illegible] صحت قرائت نماز [illegible] عوام [illegible] در قرائت نماز [illegible] این کلام [illegible] قریب [illegible] احتیاط زیاد دارد [illegible] تعلیم و تعلم نماز [illegible] باید گفت [illegible] کلمات [illegible] و صحت [illegible] نماز [illegible] صحت نماز [illegible] و جواز [illegible] بلا ابالی [illegible] معصوم آیا امکان دارد که مختصر [illegible] در این مجموعه خواهیم گفت [illegible] کافی نیست محتاج [illegible] بی شمار است از استاد کامل [illegible] فی العلم [illegible] عبارة از این علم است [illegible] استادان [illegible] ملاحظه و تمیز [illegible] که مجتهدین از هر علمی باید تحصیل و اشتغال بقدر احتیاج [illegible] که حظ نماید خصوص این علم شریف که تمامی نماز و عقود و ایقاعات دین اسلام محتاج بتحصیل بقدر احتیاج [illegible] هر فرقه [illegible] و [illegible] بقدر احتیاج صحت نماز [illegible] علما [illegible] مسلمان [illegible] و امور مسلمانان مداخله نماید کاملا [illegible] بسیار مردم [illegible] اصلیه [illegible] و الا با نماز باطل [illegible] در امور مردم [illegible] تعارض [illegible] لا محاله [illegible] سزاوار منصب نیابت از مجتهدین [illegible] مگر بعد از تعلیم نماز و عقود و ایقاعات [illegible] نیابت مجتهد [illegible] اجتهاد خود [illegible] فاسد است تابع [illegible] خداوند میفرماید فسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون [illegible] و در حق [illegible] مصداق استحوذ علیهم الشیطان فانسیهم ذکر الله اولئک حزب الشیطان الا ان حزب الشیطان هم الخاسرون [illegible] ان الذین یحادون الله و رسوله اولئک فی الاذلین مصداق [illegible] مثل الذین حملوا التوریة ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا [illegible] کتاب [illegible] با علم و فضل [illegible] ملاحظه [illegible] عالم [illegible] جواب [illegible] ملاحظه نکرده [illegible] نماید [illegible] صحت نماز [illegible] دنیا و حرمت دارد [illegible] علم قرائت

فصل ششم [illegible]

در توضیح بنای فساد و انقلابات تمامی عالم و تغییر دین اسلام (نماز)

۲۰۴

بدانکه بیان [illegible] وارد دارد از تمامی آیات قرآن و کتب در تاکید ضرورت و لوازم نماز است که بدون نماز از اصول و فروع دین اسلام هیچ عمل درجه قبول
نمی‌رسند همه باطل و بی‌فایده می‌شوند [illegible] شیعه که ضرورت مذهب است علاوه در [illegible] آیه و روایات [illegible] الاسلام را علمای
شیعیان و محبان خاندان آل محمد چه شد که مدتی در علم قرائت و تکمیل نماز [illegible] بالجمله از صحت نماز حقه
خواطر جمیع و صرف که [illegible] نماز دلسوز این مؤلف روسیاه خبردار باشی که از علما [illegible] از صد نفر سه نفر نماز [illegible]
نبیند که [illegible] مجتهد حقه بی اشکال [illegible] چه مذهب است که از عوام الناس اهل مسجد از صد نفر ده نفر نماز مسقط [illegible]
نبود [illegible] که تمامی خرابی و انقلاب و آشوب جهانیان این زمان هیچ ظالم [illegible] الولد [illegible]
باعث این همه انقلابات نیستند مگر [illegible] صاحب غرور علما که نماز حقه و عوام [illegible] دین محمد را خراب کرده [illegible]
[illegible] اند و [illegible] ظاهر [illegible] احتیاط [illegible] که تو سواس [illegible] بعد از تصحیح نماز حقه احتیاط نمی‌کنند
کلمات را برای اظهار فضل [illegible] عوام الناس [illegible] که گفتند ایها الناس تمیز حروف [illegible] قرائت نماز کافی است [illegible]
خوش آمد عوام [illegible] مردمان عوام [illegible] در این چاه شیطانی گرفتار کرده [illegible]
و بعضی بخیالات فاسده که قاریان غلط‌گیری برای امر معروف [illegible] که قاریان [illegible] علم قرائت
علم قرائت و صحت نماز [illegible] باسم ولباس [illegible] این فساد نماز [illegible]
برای مؤمنان [illegible] دین اسلام نام نهاده این همه فساد [illegible] که در هیچ زمانی [illegible] اذا فسد العالم
فسد العالم [illegible] باسم مشروطه و مستبد [illegible] هیچ زمانی فساد کفار و ظلم [illegible] باین درجه [illegible] تبدیل نماز [illegible] بدعت
از کشتن خاتم انبیاء و قطع سر [illegible] و مظلوم کربلا هزار بار [illegible] در وقت تأمل و تفکر برای آنکه تمامی زحمات انبیا و اوصیا را [illegible]
لوای نماز [illegible] لوازم نماز [illegible] مسلمانی منافقان زمان [illegible] امیرالمؤمنین هرگز این کار [illegible] تمام خیالشان
برداشتن نماز و ترویج کفر [illegible] از انواع و اقسام ظلم و بدعت باظهار [illegible] نماز و اسلام [illegible] این منافقان زمان
نیز باسم و صورت [illegible] و لباس مسلمانی لوای بت‌پرستی و نماز بدعت [illegible] ترویج [illegible]
[illegible] اولا قاریان [illegible] کفر [illegible] ملامت [illegible] که قاریان [illegible]
تمیز حروف کافی است [illegible] عوام [illegible] این نوع اشارات هرگز از قاری [illegible]
[illegible] قاریان چشم [illegible] نماز چون [illegible] حیوانات [illegible]
[illegible] که الکنایة ابلغ من التصریح [illegible] این همه [illegible]
[illegible] مع ذلک لعن و طعن شیطان [illegible] ملاحظه نمی‌کنند [illegible]
[illegible] باسم [illegible] خراب [illegible] هیچ ظالمی و کافر [illegible] فساد نکرده [illegible]
حضرت صادق آل محمد [illegible] ابن سعد [illegible]
اذا فسد العالم فسد العالم و حدیث نبوی [illegible] اذا رأیتم اهل الریب والبدع من بعدی فاظهروا البرائة منهم واکثروا من
القول فیهم والوقیعة وباهتوهم کی لا یطمعوا فی الفساد فی الاسلام ویحذرهم الناس ولا یتعلمون
من بدعهم یکتب الله لکم الحسنات ویرفع لکم الدرجات فی الآخرة و قال الصادق من اذاع علینا شیئا من امرنا
فهو کمن قتلنا عمدا [illegible]
[illegible]
[illegible] ان الذین یحبون ان
تشیع الفاحشة فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا والآخرة وقال الذین یصدون عن سبیل الله ویبغونها

۲۴۷

توضیح نماز صحیح ... و انقلاب تمامی اهل عالم و تغییر دین اسلام

۲ ۱۰

ویل للعالم ... وقال ... وزیّن لهم الشیطان اعمالهم وقال ... کافرون بالآخرة وهم عدماً ... لا یکون احد اشد منه عذابا یوم القیمة وقال تعالی ومن یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطانا فهو له قرین وانهم لیصدونهم عن السبیل ویحسبون انهم مهتدون حتی اذا جاءنا قال یا لیت بینی وبینک بعد المشرقین فبئس القرین چه فایده که این تمامی قرآن و آیات قرآنی ... قول تمامه ... بعد ... تصور فرمایند ... این آیات در حق ... نازل شده ... مقام ... زبان حال فعلاً وحقیقتاً ... اهل ... داریم همیشه در فکر و ذکر خلاص نفوس قدسیه ... در ... نماز و طاعات ... ناقص و ... نفر ... اهل ... عادل نباشند هر جا ... اهل خبره ... نماز در هر سال ... شب و روز ... در ترغیب تصحیح نماز و مسائل و شرایط نماز ... قرائت ... صحت نماز ... چنانکه ... سال قبل ... قبل از طلوع صبح ... شب در مسجد مشغول مقابله کلام الله ... نماز ... طلوع صبح نماز ... روضه ... ده ساله نماز ... احتیاطی که ... این زمان ... ذکر نماز ... احتیاطی ... ذکر ... نماز ... و دیگر آنکه ... این کتاب ... احتیاط مجتهدین ... مراد از ... طریق احتیاط است ... مذهب ... چنانکه ... نماز ... علما ... نماز و قرائت نماز ... ایشان ... قرائت نماز ...

فرمایند یوم تقلب وجوههم فی النار یقولون یا لیتنا اطعنا الله واطعنا الرسولا ... ترویج نماز ... علمای ... مصداق این آیات ... توفیقی ... تمامی اهل عالم ... باشد قال الله تعالی وقالوا ربنا انا اطعنا سادتنا وکبراءنا فاضلونا السبیلا ربنا آتهم ضعفین من العذاب والعنهم لعنا کبیرا ربنا ارنا الذین اضلانا من الجن والانس نجعلهما تحت اقدامنا لیکونا من الاسفلین ... دشمنی ... مصداق این آیات ... ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشة فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا والآخرة وقال الذین یصدون عن سبیل الله ویبغونها عوجا وهم بالآخرة کافرون

۲۸۱

در شرح بطلان ۲ ۱ ۱ عالم قرائت و قاریان و خرابی نماز بدعت

فصل ... ابراهیم

شک و شبهه ندارد در کفر و ضلال مؤمنان و مقلدان و سفرهٔ رأی که حق عالم موافق ... امام معمر ... تحقق شده ... بسیط ...
چونکه در عالم الوارثیه و ... چه آسان قبول کرده باید ... و سیاه تر ... نماز بدعت ... دین ... و الا تمامی ... شیعه از ... شنیده که
بدون علم قرائت صحت نماز محالست اگرچه شیطانی باشد و این علم قرائت افضل علوم ... و لیکن صحت نماز و جمیع عقود و
شرعی الوارد و نکاح و طلاق ... مایه مسلمانی است و در مسئلهٔ مشهور میان علمای شیعه در علم فقه حد العلم من افواه الرجال این علم اخذ ...
العامه دلیل مخالفت در تمامی عقاید و مسائل سنیانست یعنی در هر مسئله که فقها حاضر باشند نظر در آن مسئله بعقیده فقهای اهل سنت نمایند
علم ایشان ... باید کرد که خلاف عمل ایشان حکم الله است مگر در علم قرائت که فضیلت و شرف و ضرورت این علم ... که اگر
از سنیان نماز و قرائت حفص ... موافق ... از قراء سبعه ... موافق آموخته نماز بگذارد تمام فقها صحیح شمرده اند باطل ...
داز لزوم و ضرورت این علم عاقل ... علاوه تمامی فقهای شیعه از شرایط و مقارنات نماز کلی قرائت ... و استدلال ...
معنی لسان ... از طراز شریعت محمدی در لباس ... و اعتبار باشد و کتابی ... قاریان و علم قرائت ...
ملوح و ... کرده ... حرفی ... عوام ... قاریان ... را بامر معروف ... حقیف باشد ...
نوع اغراض باطل ... مسلمانان ... خراب ... نماز ... عوض ... و خرابی کرده ... نماز معاصی
و فتنه و فساد و ظلم ... و هرج و مرج ... برکت ... آیه شریفه ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر ...
نماز ... خرابی تمام عالم و عالمیان ... اگر نماز درست ... برکت ... احکام و مسائل ... موافق قانون ... اعظم ...
احکام کتاب و قرآن ... چنانکه ... فراوانی و امن و امان و برکت ...
و ... ساله نماز قاری ... چنانکه حقیر مؤلف ... الماجد ... العبد ... رساله ... تعلیم زنان ...
و ... با ... آموزم ... داده ... نماز ... تعلیم دیگران ...
تجدید ... نماز ... که مبادا ... این دام شیطانی یعنی خرابی و هرج و مرج عالم ... فساد ...
... فساد علمای ... دین ... اول ... فساد ... فساد عالم ...
و معتبرین علما و ... ان شاء الله از صد نفر ... بلکه ... عموم ...
از ... عدم ... از صد نفر عالم فاضل ... معتمد معتبر ... در حضور ...
... از صد نفر ... نماز قاری ... در دار العلم خراسان ... من الائمه که نماز خارج از علم قرائت
هر کسی از ... دیگر نماز ... دیگر ...
... نماز ... از حمد و سوره و اذکار و رکوع و سجود و تشهد ... صد هزار ...
در ... بطلان نماز ... بحرف مبطل ... علما و ... عوام الناس ...
... اسلام ... فساد عالم ... العالم ... مؤمن و فاسق و کافر ...
چون ... قیامت ... الحمد ... حق و باطل ...
نماز ... موافق ... از ... ایام جاهلیه ... از صد ...
انبیا و علما ... کتاب و قرآن و احکام ... عمل ... شرایع حضرت ...
از یاد فراموش و تغییر داده ... در طواف و ... بیت الله الحرام ...
بدعت طواف ... نماز ... معصیت ... باطل ... معتمدین ...
بی صرافی ... حمد و سوره ... رکوع و سجود ... نماز ... طواف ...
قرآن و کتب قرائت ... قاریان ... قطع نسل ... نماز ... عوض ... علمای ...

نماز که از آن باتحصیل و تعقل باطل

موعظه برای ثمرات ایمان و مذهب

۲۱۲

و الحاصل عالم فاضل و هنگامیکه صحت و بطلان نماز خود و دیگران میزان و ملکیا... ندارد در هر جه حکم ... [illegible]

و جون از این خط ... [illegible] ... جنانجه یقین لصحت حاصل ... لازم است ... [illegible]

لازم است که ... صورت و شکل نماز ... [illegible]

[illegible]

در مذمت ظلم و تعدی نسبت به سادات نفس خود و دیگران

۲۱۴

و تعجیل و افراط بحدیکه در شرعی الزام در همه او کار و افعال در رکوع و سجود اطمینان که شرط وجوب نماز است این بیچاره نمی‌کند در عملی غلطه دارد
که منافی نماز و مبطل نماز است مادر رسول الله بحرکت تا برخواستن و راست شدن رسول الله تمام باشد ولی این بحرکت [illegible]
بحرکت در تمامی اجزاء نماز نمی‌کند بلکه در تمامی اذکار و قرائت حق جنبه آن تزلزل دل و نفس و قلب مضطرب است که او [illegible]
فوق باشد مثل کشتی عریان در جستجوی کنار باشند بیابانیه نمی‌کنند و این بخت از این گرداب در فکر خلاصی و رهایی از جنایات اعدا
جان خود در جای پنهان حفظ تمام خلاصی از این گرفتاری بیابد و الحاصل با چنین دل و قلب لرزان و دهان بی آرام و قرائت غلط
و حرکاتی و بت پرستی در تمامی افعال و حرکات دنیا و حرکت حق باسم ایمان و اسلام و عزاداری بابلی و دیگران از حق
فقرا و سادات درد مظالم و قرض بکسبه و طلبکاران سخت دل فرستد و مالک غیر باشد طی الارض و راه نزدیک است [illegible]
خیالات خود باید و اختراع رسوم انواع بت پرستی و لاابالی در دین و مذهب خود از آن طعن و لعن بر بت پرستان و منافقان
و لعن یزید ابن معویه و ابن زیاد و شمر و شیطان رجیم کردن و خود ایشان را به نام در سوا کردن و حق مرشد و پیر خود محافظه
و ملاحظه نکردن که باسم مؤمن تقلید منافقین و کفار سلاطین که بجهاد امیرالمؤمنین و امام حسین علیهم السلام آمدند خود را کافر و [illegible]
کفر دادن چه فرق با آنها باشد ایشان نیز اسم اسلام داشتند نماز هم میخواندند بلکه هستند تابع هوای نفس بودند چنین من و تو انکار نماز
نمیکردند فرق میان ادعای خلفای اسلام و تبعیت حکم قرآن چه باشد پس عزیز برادر معنی هر چیز لازم است اسم صورت بکار نیاید
لازمه ایمان و اسلام و مسلمانی بکار نیاید باسم نماز نشستن و برخواستن و حرکت اطفال و طلبها نه رسم چه از رسم مسلمانی و لازمه اسلام
پس وقت شنیدن اسم و معنی مؤمن مرغ روح ایمان بال و پر زنان اعوذ بر شوق باشد چه ثمر دارد او مثل عوام کالانعام [illegible]
بجز حماقت ثمری نیست و چنین ظلام کهنه کار لامذهب بیخبر از دین و مسلمانی و ارباب برکات و فقرا و بیزار از غیر خود و ظلم داد دارند
فقرا و ارامل و عجزه و ایتام که از خون رنج دست و عرق جبین هزار فقیر که خون دلشان را خورده با انواع طعامهای چرب رسیده [illegible]
از فقرا بردرده در هر ماه و سالی هزار بیچاره در خاک مذلت گرسنه و بی برگ تنها چنین دفن مرگ رسیده خود بموجب [illegible]
دخیل قبور ائمه سلام الله علیهم نماینده بقدر زیاده از اندازه مال فقرا و مساکین که مرده در جوار حرم و رواق حضرت امام رضا
حسین بقصد دخیل اطفال هم دفن کنید و زارت بموجب صحبت او بیچاره [illegible] از اکمل فقرا که در مظالم
بطلان و بار در بار حضرات ائمه اطهار سلام الله داده قبر ملکی خود او قرار داده قرآن خوانی سالیانه قرار داده و [illegible]
ملک موروثی پدری و مال قرار داده تا مانع زوار فقرای آلمه پا و مهمانان عزیز ائمه سلام الله علیهم زوار بیچاره چنان [illegible]
که دوش و ملک حلال بری ایشانست و از دهم و کثرت زوار یکدیگر و هجوم او عجزه و اطفال و مساکین زیر پا بواسطه
منصب ظلام کردن [illegible] در زمره [illegible] ائمه که روز قیامت زمین کربلا را [illegible] سادات [illegible]
منفعه الوقت کار قدری مشکل است پس تجسم اعمال و افعال کار رفت داد و فریاد مظلومان چه شد خدا [illegible] ظالمان
خود خبر داده در قرآن چه طور مشغول اثر ظلم تا هفت پشت خواهد بود چه ثمر بخشید ظالم قطع نسل خواهد شد کی تا ظالمان
در هر روز مقدار بار دست خود از سه تا کتف بدن آن حق خلاصه خورده کی مانده و ائمه اطهار سلام الله علیهم [illegible]
خویشی و قرابت نداریم یعنی چه محصل سال در رعیت داری و خون دل آنها خوردن چه عیب و نقص داشته باشد
این راه نزدیک طی الارض و ظلام و فساق داشته خود خلاص کرده بفقرا و مساکین و ارامل و ایتام [illegible]
حاصل شد چه علمای و محبوبین این طی الارض را نفهمیده و نیافتند خود با بزرگ مشقتها و ریاضتها نه رسیدند [illegible]
بهشت رفتن با این است نه طی الارض مایل نبودند یا از غضب و سخط الهی ترسان نبودند که در طی مراحل [illegible]

۲۸۱

در شناختن میزان شرعی و دین و وزن ...

فصل ششم از باب سیم و قال الله تعالی انما یخشی الله من عباده العلماء و قوله افمن شرح الله صدره للاسلام فهو علی نور من ربه و قال ایضا یا ایها الذین امنوا لا تخونوا الله و الرسول و تخونوا اماناتکم و انتم تعلمون و قال (ع) اذا اراد الله بعبد خیرا جعل له واعظا من قلبه الحدیث ... چنانکه در میان الناس که اهل سعید باشند که تمامی قرآن ... وعظ و پند و کلمات ... باشد اگر شنوانی باشد تمامی مردم ... که از ... ایشان از گوش و چشم و دل ... اوست ... واضح و مبرهن است ... است که شرح صدر از نور ...

و قال الله تعالی یا ایها الذین امنوا اوفوا بالعقود و قال و من یکفر بالایمان فقد حبط عمله و هو فی الاخرة من الخاسرین و قال فبما نقضهم میثاقهم لعناهم و جعلنا قلوبهم قاسیة یحرفون الکلم عن مواضعه و نسوا حظا مما ذکروا به یهدی به الله من اتبع رضوانه سبل السلام و یخرجهم من الظلمات الی النور باذنه و یهدیهم الی صراط مستقیم و قال ایضا الم تلک ایات الکتاب الحکیم هدی و رحمة للمحسنین الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم بالاخرة هم یوقنون اولئک علی هدی من ربهم و اولئک هم المفلحون و قال و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقا پس بموجب آیات و اخبار ... که مؤمنین را لازم است در طریق طاعت ... که هشیار و آگاه باشند خصوص برای متعلمان و طلاب و علما که مقدمهٔ تحصیل معرفت ... در رسیدن برضای معبود ... صورت نبندد مگر بانیت درست صحیح ... فی الله و مقدمات ... بمنزله ... در ریاضات ... طعام و شراب طیب و طاهر در ریاضات و تزکیهٔ نفس از اخلاق ذمیمه ... و مخالفت نفس که عین عدالت است ... و دین دار و خوف و خشیت الهی ...

۲۱۲ و مصاحبت ... اخیار و علما و صلحا و احتراز از مجالست جهال و نادان و فاسق و اغنیا و اهل دنیا ... و تعلیم ... روزه ... تعقیبات و ذکر و فکر ... تحصیل و تعلیم ... آگاه ... نور معرفت ... حاصل کرده ... تمامی اعضا و جوارح انسانی توجه بجانب حق باشد ... امور دین و دنیا ... خالق مهربان ... محبت او ... تمامی ... دنیا ... که هر انسان ... باشند ... صادق ... تحصیل و تعلیم ... فضل ... بلکه ... نماز ... احتیاط ... بلکه نماز احتیاطی ... یقینی ... نماز ... سقط قضا ... علم و فضل ... نماز احتیاطی ... حیا ... امیر المؤمنین و ائمه ... علیهم ... محبت است ... معلوم ... رسم و عادت ... که هر روز ... همیشه ذلیل ... محتسب و حکام و ... رشوه ... متعرض ... کار ... و زوال ... ابرار کرده ... میزان ... میزان شرعی و دین ... ابرار ...

فصل هشتم از باب ...

از علائم نزدیک شدن قیامت تضییع نماز

۲۱۵

و معیار بزرگ که امیر المؤمنین علیه السلام باب علوم تعلیم فرمود که علم قرائت نماز و تعلیم احکام اسلام و همان چه در دین بشناسیم یعنی چه

بس صاحبان فضل و کمال نشناختند که جهل آن سال تحصیل کرده قدر آن چه در دست داشتند و علم داده دچار فاعده نشدند آن حقوق

که نماز آخر زمان میزان اعمال است و نماز دنیا موجب باشد که یقین الصحت والبطلان او ... همه نماز صحیح خود را ضایع

مینمایند در لحاظ معنی خود ثابت باشند چیزی ... که چه در دل ... و در دعا و آیات ظاهر مراتب ... کردن ...

مثل ... که در دعا ... حافظه باشد از هر جا که ... از طرف دیگر ... معلوم ... کار ابلیک کتب قرائت

از میان کتابها مسلمانان و ... مسلمانان نیز برداشته اند اگر چه برداشته اند بازهم کم کم باقیست ... بر وجه بردن ...

... جواب حاضر کرده اند ... این مؤلف ... موافق آیات جواب ... جواب ...

باشند و جواب خاتم اوصیا بقیة الله فی الارضین حاضر باشند که از صد نفر عالم ... هر نفر نماز با فاعده ...

مذهب و چه بی دینی حساب نمایم که تمامی بت پرستان و ... و ... کردند و همان مسلمانی ...

با نماز باطل اختراعی بدعت بت پرستی بالاتر از این تا کمال ... که در مدت چهل سال کم کم این علم ... ممکن

چرا ایشان را ... حقیقی داد چنانکه حضرت امام ... که بعد از ... اسلام عرض کرد ... فلان

چه طور میباشد امور خلافت ... حضرت ... جواب ... ایشان را ... که حال ... کلام در بار ...

میدانم که ... در مدت ... چهار سال ... از ... چنین ... در کلیسا ... در ...

این ... چه ... از ... فرمایش آن بزرگوار باشیم ... چهل سال ... سال ... از زمان ... نماز

در میان مسلمانان مؤمنین این درجه ... که چهار سال ... در دار العلم خراسان در حضور ثامن الائمه ... که

مردمان ... مرتبه ... نماز ... بسیار ... نماز ... اکثر

۲۸۲

با این حالت دیدیم با نماز اختراعی هر کدام موافق سلیقه خود نماز ساخته اند که نماز سه نفر ... صورت ... این

دین ... مذهب ... در قرائت خواندن ... نفر ... اگر ... باشند ... فارسی ...

نیز اکثر ترک ... به طور دیگر بت پرستی ... مسلمانی ... نام ... اصلاح ... این ... سلام

خود نباشیم ... رحمت و مغفرت ... از این ... توانا ... این ... خود

خداوند ... هشت ... هر که ... از حروف ... از ... مکلف ...

از مبطلات ... النجا ... نماز ... نباشیم ... از ... ترک واجب ... بعد از

ببینم ... سابقه ... زیرا که ... عادت و ملکه ... ترک عادت ... است خواندن

و الحاصل ... بابه چنانکه هر علمی اسمی مخصوص ... برای شناختن العلم علم نحو و کلام و علم حکمت و فقه و اصول

اضافه ... عالم مطابق جامع و عالم کسی ... اطلاق ... علم ... و ...

... که ... صاحب ... چنانکه بعضی علوم ... از ... در ...

علم ... است ... عالم ... در لباس ...

... در لباس ... فساد ... صورتی ... علما با نماز ...

با اسم ... تقرب ... نقاشان ... صورت ...

... و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله بغیر علم و یتخذها هزوا اولئک لهم

عذاب مهین ... از حضرت ختمی مآب صلی الله علیه و آله منقول است که از علائم نزدیک قیامت است که مردم ضایع کنند نماز را

در تغییر زمان بواسطهٔ فساد علمای سوء و افکار و اطوار ایشان

دار حضرت سید سجاد علیه السلام منقول است که هر شب ماه مبارک رمضان در هنگام افطار هفتاد هزار کس از آتش جهنم که مستوجب نار شده آزاد فرماید و در شب آخر
در شب ماه امر زیده آزاد کند الا شارب الخمر و قمار باز و کسیکه عداوت مؤمنین در دل دارد و لعداوت مؤمن ترغیب نماید و شیاطین
ابلیس اخبار نماید و ضرر کتاب مؤمنین و ضلالت مؤمنین بهر حیله و فسون و فریب نماید حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که از علامات
نزدیک شدن روز قیامت است که مردم ضایع نمایند نماز را و شاید قیامت صغری حضرت حجة الله باشد و فرموده متابعت نفس و اداء
نفسانی و عمل بهوا و هوس نمایند پس در آن زمان قومی باشند که درس میخوانند برای ریاست و جاه و مرتبه و اعتبار نه برای رضای خدا و از
آن زمان اولاد زنا بسیار باشد قرآن را بغنا خوانند که میگویند امر بمعروف و نهی از منکر را دوست نمیدارند و دشمن دارند پس
اهل آسمان از ایشان [illegible] خصوص علمای متصف فساق و فجار و اغنیا نمایند حرص [illegible] علاوه نمایند بناه
و حضرت شاه اوصیا فرموده قصم ظهری رجلان عالم متهتک و جاهل متنسک عالم بی باک لاابالی و جاهل بی عبادت بشرع دین [illegible]
و سهل شمردن [illegible] و قال امام حسن عسکری مخاطباً لابی هاشم که یا ابا هاشم سیأتی زمان علی
الناس وجوههم ضاحکة مستبشرة و قلوبهم مظلمة منکرة السنة فیهم بدعة و البدعة فیهم سنة المؤمن بینهم محقر
و الفاسق بینهم موقر امرائهم جاهلون جائرون علمائهم فی ابواب الظلمة سائرون لا یمیزون بین المخلص و
المرتاب و لا یعرفون الضأن من الذئاب علمائهم شرار خلق الله علی وجه الارض لانهم یمیلون الی
الفلسفة و التصوف و الله انهم من اهل العدول و التحرف یبالغون فی حب مخالفینا و یضلون شیعتنا
و موالینا فان نالوا منصبا لم یشبعوا من الرشا و ان لم ینالوا منصبا عبدوا الله علی الریاء الا انهم قطاع
الطریق للمؤمنین و الدعاة الی نحلة الملحدین فمن ادرکهم فلیحذرهم و قال یا ابا هاشم [illegible]
فوق زاد الفقراء اصاغرهم یتقدمون علی الکبراء کل جاهل عندهم خبیر و کل محیل عندهم فقیر [illegible]
ثم قال هذا من اسرارنا فاکتمه الا عن اهله و قال رسول الله صلی الله علیه و آله یأتی علی الناس زمان وجوههم وجوه
الآدمیین و قلوبهم قلوب الشیاطین کامثال الذئاب الضاریة سفاکون للدماء لا یتناهون عن منکر فعلوه
ان تابعتهم ارتابوک و ان حدثتهم کذبوک و ان تواریت عنهم اغتابوک السنة فیهم بدعة و البدعة فیهم سنة
و الحلیم بینهم غادر و الغادر بینهم حلیم و المؤمن بینهم مستضعف و الفاسق بینهم مشرف صبیانهم عارم
و نسائهم شاطرة و شیخهم لا یأمر بالمعروف و لا ینهی عن المنکر الالتجاء الیهم خزی و الاعتزاز بهم ذل
و طلب ما فی ایدیهم فقر و عند ذلک یحرمهم الله قطر السماء فی اوانه و ینزله فی غیر اوانه و یسلط
علیهم شرارهم فیسومونهم سوء العذاب و یذبحون ابنائهم و یستحیون نسائهم فیدعون خیارهم
فلا یستجاب لهم و ایضا قال رسول الله صلی الله علیه و آله یأتی علی الناس زمان بطونهم آلهتهم و نسائهم قبلتهم و دنانیرهم
دینهم و شرفهم متاعهم لا یبقی من الایمان الا اسمه و لا من الاسلام الا رسمه و لا من القرآن الا درسه
من عرض ملکهم [illegible] سبحان الله زمانی شده که [illegible] کار بجا رسانیده علما که درس قرآن خواندن
نیز ترک کرده اند عوض درس قرآن و نماز و صحت نماز که علم قرائت باشد با قاریان [illegible] و بر داشته که حقیقه
با نماز [illegible] نماز گذارند تا [illegible] و قاری علم قرائت نباشد که بازار فضل ایشان کساد نماید [illegible]
و غرور ایشان رخنه انداز که قاریان و علم قرائت بر علما و مشایخ [illegible] غرور [illegible] بازار [illegible]
رواج [illegible] من حفر بئرا لاخیه وقع فیه [illegible] محتاج [illegible] نماز [illegible]
و الحاصل خبر فرمایش حضرت این است که مساجدهم معمورة من البناء و قلوبهم خراب من الهدی علمائهم شر خلق الله
علی وجه الارض فحینئذ ابتلاهم الله باربع خصال الجور من السلطان و القحط من الزمان و ظلم من الولاة و الحکام

در قبول کلمات نصیحت پاک و ملا[illegible] متقی فطرت نام

فتعجبت الصحابة فقالوا یا رسول الله یعبدون الاصنام قال نعم کل درهم عندهم صنم و قال صلی الله علیه و آله یاتی زمان
علی امتی لا یاتون المساجد یقعدون فیها ذکرهم الدنیا و حب الدنیا لا تجالسوهم فلیس لله بهم حاجة
و قال سیاتی زمان علی امتی یفرون من العلماء کما یفر الغنم من الذئب فاذا کان کذلک ابتلاهم الله بثلاثة اشیاء
الاول یرفع البرکة من اموالهم الثانی سلط الله سلطانا جائرا و الثالث یخرجون من الدنیا بلا ایمان
امید دارم در وقت دیدن بعضی اقوال و رقم موعظ این مولف [illegible] نسبت بعلما طراز این زمان
ختم النبیین [illegible] تکفیر [illegible] بعضی [illegible] مذهبان [illegible] از علم قرائت خبر [illegible] اسلام [illegible] قرآن [illegible]
در نماز و قرائت نماز [illegible] اخبار و آیات قرآنی [illegible] علم قرائت [illegible]
[illegible] امام [illegible] فرموده ویل لکل افاک اثیم یسمع آیات الله تتلی علیه ثم یصر مستکبرا
کان لم یسمعها فبشره بعذاب الیم و اذا علم من آیاتنا شیئا اتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین
من ورائهم جهنم تلک آیات الله نتلوها علیک بالحق فبای حدیث بعد الله و آیاته یؤمنون ان
شجرة الزقوم طعام الاثیم کالمهل یغلی فی البطون کغلی الحمیم خذوه فاعتلوه الی سواء الجحیم ثم صبوا فوق راسه من
عذاب الحمیم ذق انک انت العزیز الکریم ان هذا ما کنتم به تمترون ان المتقین فی مقام امین فی جنات
و عیون یلبسون من سندس و استبرق متقابلین کذلک و زوجناهم بحور عین یدعون فیها بکل
فاکهة آمنین لا یذوقون فیها الموت الا الموتة الاولی و وقیهم عذاب الجحیم فضلا من ربک ذلک هو
الفوز العظیم فانما یسرناه بلسانک لعلهم یتذکرون فارتقب انهم مرتقبون عالمی [illegible]
مقصودش [illegible] چون [illegible] وقت نماز [illegible] ترک صحبت داده شغل [illegible] در [illegible] شرع [illegible]
[illegible] در عبادت که عادت [illegible] عقل [illegible] عقل [illegible]
[illegible] عقل و دین [illegible] عقل کل [illegible] عقل [illegible] شهوت [illegible] عقلش [illegible] در عالم
و اقتدار [illegible] هر کسی [illegible] لاف [illegible] دین [illegible]
[illegible] دین [illegible] این صفات [illegible] اهل [illegible] این [illegible]
[illegible] حکم [illegible] تمیز [illegible] نام [illegible]
[illegible] تصحیح [illegible] از قلم [illegible] هر کسی [illegible]
[illegible] نماز [illegible]
این [illegible] هیچ [illegible]
والوصل با همه این آیات و اخبار و وجود کتب علم قرائت و وجوب قرائت و کتب و رسالهای فقها که قرائت شرط نماز است
و اقوال و آرای فقها و قراء سبعه و شرط عدالت در نماز جماعت و منافی بودن عدالت با نماز [illegible]
قصاید و اشعار و [illegible] افضل المحققین شیخ بهائی اعلی الله مقامه [illegible] ارباب بصیرت و عبرت [illegible] علمای
[illegible] غیرت [illegible] انبیا و اوصیا و ملائکه [illegible] غضب [illegible]
فطرت و لطف [illegible] روز الست [illegible] قرآن و احکام قرآن و کتب آسمانی [illegible]
مع ذلک [illegible] تمامی انبیا و ائمه [illegible] علیهم [illegible]
[illegible] اگر چه در عالم [illegible] انقلابات [illegible]
شرع محمد صلی الله علیه و آله مستمر الی یوم القیمة [illegible] قرآن حضرت [illegible] العالمین [illegible] الرسول الا البلاغ [illegible]

در اثبات دوستی و ولایت که بواسطه اطاعت باشد

۲۱۸

و قال الله تعالی و ان تعدوا نعمة الله لا تحصوها [illegible] تعداد نعم اللهی [illegible] توان شمردن [illegible]

[illegible] توان [illegible] نعمتها [illegible] از مردم [illegible] بنده [illegible] اخلاص [illegible] شکر [illegible] است و [illegible] از ذکر نعم اللهی [illegible]

بلکه تمامی اعضا و جوارح [illegible] خدمت [illegible] اظهار [illegible] یعنی هر عضوی از اعضای [illegible] از مملکت وجود [illegible]

چنانکه در حضرت مبارک امام الائمه سلام الله علیه [illegible] که هر یک [illegible] نعمت [illegible]

[illegible] خود [illegible] نعمت خدا است [illegible] کتاب فضل [illegible]

[illegible] الاطلاق [illegible] اعظم نعم اللهی [illegible] نعمت [illegible]

در بعضی احادیث [illegible] که سؤال [illegible] در چه چیز [illegible] از کجا [illegible]

[illegible] حلال یا حرام [illegible] در جواب [illegible] چهارم از محبت و دوستی و ولایت و امامت [illegible] اعظم نعماء اللهی است [illegible]

و لوازم هر یک قولاً و فعلاً [illegible] موافق [illegible] چنانکه [illegible] بفضایل و مناقب [illegible]

و فضایل امیر المؤمنین [illegible] در تالیفات [illegible] محبت [illegible] لوازم ولایت [illegible]

[illegible] از مراتب و درجات ولایت [illegible] که خدا [illegible] رزاق و خالق و محیی و ممیت [illegible] فضیلت [illegible]

[illegible] محبت و دوستی [illegible] المخلوق [illegible] فیض و خلقت [illegible] حیات و ممات [illegible] رزق و مغفرت [illegible]

خدا [illegible] ائمه سلام الله [illegible] لوازم [illegible] دوستی ایشان [illegible] موافق [illegible] اطاعت [illegible]

[illegible] در تمامی امور دنیا و آخرت [illegible] توسط و اعتدال [illegible] در میان [illegible]

و صحیح موافق خواسته ایشان [illegible] ایشان [illegible] قرآن [illegible] نماز صحیح است [illegible] نماز [illegible]

[illegible] پرستی نماز [illegible] تمامی [illegible] شیطان [illegible] ۲۸۶

[illegible] محل [illegible] که اصول [illegible] بعد از اصول دین [illegible] نماز است [illegible] تمامی [illegible] ضایع و خراب [illegible]

قلب ماسوا [illegible] که در راه [illegible] غفلت [illegible] تا وقت قبض روح [illegible]

چنانکه [illegible] لاغوینهم اجمعین [illegible] در حال مرگ [illegible] از انواع [illegible]

تمامی [illegible] محبت [illegible] دنیا [illegible] شیطان [illegible]

در فکر بردن دین [illegible] که همیشه در علاج [illegible] علاجی که [illegible] حفظ دین [illegible]

[illegible] لوازم امامت و ولایت [illegible] دارم [illegible] دارم [illegible]

[illegible] غیر از نماز [illegible] اللهم [illegible] امور [illegible] نماز [illegible] دوستی [illegible] مخالف

[illegible] نماز [illegible] نماز [illegible] بی نمازی [illegible] نماز در دین [illegible]

[illegible] خون [illegible] در اول [illegible] حضرت آدم [illegible] قابیل ملعون [illegible] که [illegible]

عذاب [illegible] مثل [illegible] کربلا که تمامی [illegible]

و عذاب [illegible] اللهی [illegible] ظلمها [illegible] اهل [illegible]

اهلبیت [illegible] نماز [illegible] از علمای [illegible] در دنیا [illegible] این مؤلف [illegible] ضعیف [illegible]

[illegible] حرام و الامر [illegible] لاابالی [illegible] کلمات مؤلف [illegible] کلام

ملاحظه نکرده [illegible] علم [illegible] این کلام [illegible]

[illegible] این کلمات فساد و الالا [illegible] ظلم [illegible] فساد و عالم [illegible] ظهور حضرت حجة الله فی الارضین [illegible]

منافق
ذکر احوال فاسق و

اشاره بقبض روح مومنین ۱۹ ۲

فصل مقدم ... بسم

والحاصل سخن در این حالات آدمی در هر روز است بلکه روز تولد است که از آنجه محبت و انس داشت و تجارت و مقصود بود ... مال و اولاد
رسیدن العالم الانس گرفته بود و لعنت معاش بصورت کسافات و کثافات ملتزم و سه در وجود رسید بود حجب ... بستان عالم
فانی با نعم منسوب بانواع کسافات حقیقی و کثافات معنوی ... در ور باحکام ... و حسابک ... مبدء
... بجز ... بهار ... بار ... که از ... که هر روز ... کجا ... ار دیگر
آدمی که سخت ... است روز رفتن از این عالم و قطع علایق و ... که ... جمعه از صباح ... فوراً ...
... ایام ... و ... از ... رفتن بعالم بقا ... عالم
و امیر المومنین ... شاد ... عزرائیل ... که عزرائیل ... بستان ... المبیت
... عزرائیل شنیدن ... جمیع ... شاد ... مثل ...
... روایه ... معصوم ... کربلا امام حسین ... فاطمه ... عزرائیل فرمایند که ...
... بستان ... حسین ... روایة ... سلام الله ... عروج بعالم قدس فرماید ...
... که ... حضرت ... خطاب ...
... در دنیا ... عرض کنند یا رسول الله ... مفارقت ... حضرت فرمایند ... عزرائیل
قبض روح ... عزرائیل ... عزرائیل ... بلکه الذی ...
... عزم عروج ... بعالم قدس ... در اخبار دیگر ... از جمله ...
باز کفار ... رحمت ... آنحضرت که این فاسق از جمله دشمنان ... سخنی ...
قبض روح ... بلکه هزار درجه ... قبض روح ... طبقات جهنم ...
... عزرائیل ... عذاب الیم ... محتاج عذاب دیگر ... چنانکه ...
حواریون حضرت عیسی ... از مرده ... قبرستان ... سال ... کاه ...
صاحب فرمان اللهی زنده ... خاک ... حضرت سلام ... آنحضرت ...
بلطف ... سوال ... جواب ... اول ...
... قیامت ... قیامت ... رحمت ... در حضرت
بودم ... اهل الله ... قیامت ... سوال ...
... حضرت ... عمل ... سوال ... از جمله ... قوم
میان این قوم ... اهل عصیان ... عصیان این قوم ... گرفتار ...
... حالی با مرکب ... اصلاح مرکب ... گواستم
... مذکور ... سال ... حساب آن ... عذاب ...
... حساب ... بحضرت ... اللهی معفرة ... عرض ...
بس حضرت ... معفرة ... قبض روح ...
مع ذلک ... قیامت ... بعالم دیگر ... شرایط ولوازم
... شرایط و آداب ... شرایط ولوازم ...
... شرایط و آداب ... بلفظ ... ایام
... الشقاقی ...

فصل صفحه [illegible]

ردداشتن آن شیعیان که دین نمازشان [illegible]

سبب عمده ویرانی ایران و آذربایجان

۳۲۰

پس کمال محبت و مودة خدا و رسول و ائمه اطاعت و انقیاد فرمانست اگر چه خود اسمه اه عمل نماز گزار از ترک دیگر جاهل عاقل در این ال ما

میل بنده و میدانند که اطاعت رسم دارد از محبت است نه برعکس اطاعت و حیوانات همه معتقد هستند مفهوما مدار [illegible]

محبت صوری هم اثر که توفیق اسلام و اطاعت یافته و دان انقیاد شرع التقادی است فلیذکر و الا در کالمعدوم لیحب خدا را جهنم است و [illegible]

هر چیز را مقدمات و اسباب و وسایط لازم است چنانکه عاقل ترین و دانا و فاضل ترین افراد آدم نوع علما و بسیار ان [illegible]

اینجاعت عاقل یا ناقص در فضل و کمال و فطرة اصلی و عدم قبول عهد و پیمان خدا در الست هر قدر فاضل باشند در علوم [illegible]

لامحاله در امور دین ترک لاابالی و بی اعتنائی محض خواهند داشت البته این جمله فنون محض دارند در نماز و فساد نماز [illegible]

لابد ابراز ملتفند نزد الملتفت نه در نزد هر نادان که با نماز بدعت حیران نماز جماعت و متعلق شده کارها مسلمانان [illegible]

ظلم و فساد است عوض خود شیطان نه دان علم قرائت محقق کوا شده و مردم حکمان شرع یکدیگر اگر ده نفر قاری اهل فن [illegible]

هست که اگر قاری را تفسیق و تکفیر کرده حکمان تند در تخریب دین بان یکبت نکند لهه اقرا و تعلیم و تعلم نماز صحیح [illegible]

و حال آنکه ام العلوم است که تمامی صحت نمازها و عقود و ایقاعات بسته بوجود این علم شریف است نمازها که باطل شد [illegible]

پس علما یک مباشر امور مردم هستند لابد باید تمامی شقوقات صحت و بطلان و بدعت و سنت قرائت و جواز نمازها [illegible]

قرائت و اساس شقوقات نماز و سایر عقود و ایقاعات بلدیت باشند معصوم که ایشان علم هلاف مازال الکار [illegible]

و اهل محبت و الآن هم با الاثر این کار مشکل شده و روی قیامت چه جواب دارند از حاج شیخ مرتضی انصاری بالاثر نباشند که [illegible]

نماز حنفی و سجده صرافی سیار و که سیاه استرک باشند و حال آنکه مجتهد جمیع علوم فقه این همکمال علم قرائت [illegible]

بلکه مدعی بالاثر از عصمت که در حقیقت و ظاهر باکمال تدبیر مدام ایشان جامع تمامی رسوم تدبیر که بعد از وفات مرحوم این علم [illegible]

۲۱۱ افراشته شده و هیچ مسلمانی و اینطور حرف نهاد اینست معنی اللهم اجعل عواقب امورنا خیراً بحق محمد و آله الطاهرین [illegible]

اللهم لا تکلنا الی انفسنا

بشمار آن ماسوی غیرت دین و غیرت اسلامیت به رغبت تحصیل نماز با قرائت و در ترویج دین و تدریس و تحصیل علم قرائت [illegible]

که در هر زمان باید ملاحظه رخنهها تخریب دین نمایند که از کدام راه شیطانی رخنه بر دین اسلام میرساند که ام طایفه [illegible]

تمامی مساعی و کوشش دین دارای بچه طور و طریقه ملتفت مردم را بالطرف مایل کنند و در ترغیب باید کوشید لیعبد [illegible]

صحیحی که تدین و ایمان میرساند و لیک باید در این زمانها تمامی کارها و مواعظ و احکام در مساجد و منابر صحبت قرائت

و صحت صورت و شکل نمازها هیچ کار مثل ترغیب قرائت و نماز با قرائت نیست اگر نمازها غلط و علاج نکنند کارها

بی نظام است البته برای که تمامی رخنهای دیگر نیز بواسطه خرابی قرائت و فساد نماز است هیچ ظلم و خونریزی نیست مگر جهل [illegible]

تخریب نماز است بار و حنه خلاف هر جا و هر مجلس و جمله نمازها علاج نشده بعد از جهل دین نماز پیشه و جمیع علما و طلاب با نماز [illegible]

بکم و زین لهم الشیطان اعمالهم فصدهم عن السبیل فهم لا یهتدون و مضمون ان الشیاطین لیوحون الی اولیائهم

لیجادلوکم و مفهوم انهم اتخذوا الشیاطین اولیاء و مصداق و اما الذین فی قلوبهم مرض فزادتهم رجساً الی [illegible]

و ماتوا و هم کافرون موافق الذین یصدون عن سبیل الله و یبغونها عوجاً و هم بالآخرة کافرون

و ما یجحد بایاتنا الا الظالمون دیگر و ما یجحد بایاتنا الا الکافرون در حق چنین عالمان که شیطان انسانی

شیخ قاضی ثانی زمان حنفی نادانی حنفی برقاریان بیچاره بارکفه ابدا توجه نکنند حنفی نکرده اول علم قرائت برداشتند

بعد مشق و مباحثه و مقابله و مباحثه حمد و سوره و نماز منسوخ کرده در زمان قلیلی بند یکم برداشتند تا کار [illegible]

که فساد تمام عالم را گرفت بواسطه این فتنه عظیم عالم اکبر اکثر گیرد ایران که دره بشدت داده که بواسطه ظلم تا ایران [illegible]

دباید

معنی شناسان بی باک

در ذم لاابالی بودن عالم صورتیان

۲۲۱

باید دانست که ما زیر آسمان خدا و اظهار اسلام و ایمان ... که دولت بخداوند ... عظیم قاعده

دفا ... در رسوم صحبت ... لازم است ... شرایط دلیل لاابالی ...

... اسلام و ایمان ... کالشمس فی العالم ...

... شرایط است ... وجوب ... شرایط ... عالم و اصل ...

احتیاط ... کلام ... مجالس ... مجمع عوام این کلام ...

[illegible]

نسناس
معنی

بعضی اشخاص صورتان

اشارت بخباثت کور باطنان عالم

۲۲۲

گفتند وقت نماز است [illegible] که باز آورد یکی از اصحاب امیرالمؤمنین گفت این چه وقت نماز است

[illegible] امام حسن [illegible] نماز خوف [illegible]

[illegible] عالمان نایب شریح قاضی باشارت [illegible]

[illegible] نماز مسقط قضا [illegible] قرآن فرمایه لا تقربوا الصلوة [illegible]

[illegible] حب دنیا [illegible]

[illegible] ائمه سلام الله علیهم لازم است [illegible]

[illegible] علم قرائت [illegible]

[illegible] جبرئیل [illegible] خدا [illegible] سلامت میرساند و میفرماید [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] طریق دین [illegible]

[illegible] صراط مستقیم [illegible]

[illegible] صراط مستقیم صحت نماز قاریان و علم قرائت [illegible]

۲۹۰

[illegible] ان الله علیم بذات الصدور [illegible]

[illegible]

[illegible] علم [illegible]

[illegible]

[illegible] الذین یصدون عن سبیل الله

ویبغونها عوجا وهم بالآخرة کافرون و قال ایضا ان الشیاطین لیوحون الی اولیائهم لیجادلوکم و قال وزین لهم

[illegible] عن السبیل فهم لا یهتدون و قال و اما الذین فی قلوبهم مرض فزادتهم رجسا الی رجسهم وماتوا وهم

[illegible] جنس عالمان نایب شریح قاضی [illegible]

[illegible] علم قرائت [illegible]

[illegible] عالم [illegible]

[illegible]

[illegible] العالم [illegible]

[illegible] والذین کفروا وظلموا لم یکن الله لیغفر لهم ولا لیهدیهم طریقا الا طریق جهنم خالدین فیها ابدا و قال الله تعالی

ومن یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطانا فهو له قرین و انهم لیصدونهم عن السبیل ویحسبون انهم

یحسنون صنعا و قال تعالی یوم لا تکلم نفس الا باذنه فمنهم شقی وسعید فاما الذین شقوا ففی النار

لهم فیها زفیر وشهیق خالدین فیها ما دامت السموات والارض الا ما شاء ربک ان ربک فعال لما یرید

صورت از ابتداء بعد

اشاره برسوم تعلیم و تعلم نماز صحیح

۲۲۲

تا زمانیکه این فسادها از کدام فرقه شده و میشود که اینهمه خرابی عالم بواسطه چه چیز و چه معصیت کبری عالم گیر شده که هیچ یک از آنها نشده است

در حدیث معتبر وارد است که در آخر الزمان و علائم آخر الزمان ملائکه آسمانها تعجب نمایند از اینکه از هزار نفر مرد یک نفر مسلمان

نفر با ایمان از دنیا بروند موافق آن زمانست که تعجب اهل آسمان است که این قباحت بزرگ جهان عادی و رسم شده

که از هزار نفر متوجه ترویج این مسئله نیستند که کدام طایفه ترویج این بدعت داده بلکه این بدعت عظیم و بدعت بزرگ

و اکثر مردم نمیدانند که این کار قبیح است مروج این کارها نمیدانند و جسارت مینمایند نسبت بعلمای محترم دین و میگویند

زیرا که عمومی ملکه شده کسی حرمت اسم نماز بدعت نمیدانند از ارکان دین خود بشمارند بدتر از ایام جهالت

و هر کسی از زنان هزار زنا میکرد علم بر سر خانه و در حرف بر پا میکرد از اسباب افتخار بود این زمان بدتر است که منع

که ایها الناس این بدعت و ترویج این بدعت از زنای ایشان بدتر است زیرا که بدعت از هزار زنا بدتر است صاحب زنا

منقلب میشود بعد از زمانی و توبه کند توبه اش قبول است و لی صاحب بدعت موافق مذهب ما از خاتم الانبیا و ائمه هدی اسلام الله علیهم

در دشمنی با اهلبیت ناصبی یا یهود و نصاری میرود توفیق توبه نخواهد یافت و اگر بر فرض محال توبه نماید قبول نخواهد شد زیرا که حساب

در خصوص زنا اینهمه تاکید کجا است و این تاکید از علمای اهل منبر است که از اهل منبر بترویج حدیث من یکی او الکی ترویج نماز بدعت

میکنند راه بهشت و راه نزدیک یا فتنه انه لطی الارض که مجتهدین و ائمه مانیافته باشند همه مردم با نماز بدعت و هوا و هوس الحوان بهشت

داخل نمایند که محتاج نماز و مسائل و احکام قرآن و شرع و دین ندانسته باشند نماز و قرائت و عمل با حکام را چه بود در ازای آن

نماز و قاری و معلمان نماز و علم قرائت و سنن و مدارک صحت نماز همه را چنان بر نه انداختند که دیگر حمایت و فرصت استدلال نماند که

و ذلک هو الخسران المبین آنچه در نماز بدعت مذکور میشود نماز کسانی است که سواد کامل نه زیاد دارند و از اکثر مستحبات است که ابدا قاری الآن

۲۹۱

قرائت و برده انه متروک شده و اهل صرف نماز و اعتنا دارند و اما نماز عوام بیاد که خدا چه کنیم و چه بنویسیم در دارالعلم اسلام از اکثر محرم

در واجبات و مستحبات نماز مستغرق و عمرهای بی حساب هستند مگر بعضی از اهل مذاکره و شوق از عوام الناس انه کالنادر کالمعدوم

خدا میدانه که نماز زنان بر داشته شدن نماز است که عمده علائم ظهور است که از اسلام و ایمان نماز که ارکان نماز بدعت جلوتر ام و الام

شیوه علامت است که از خوف غضب الله انچه دانه بگویم و انچه ندانه بگویم نمیدانم اگر اینها از زمان ما را کشیده دریا و عادت نشده که در وقت صحبت

از قرائت و نماز صرف سنگ گران جمله معترضه در میان انداخته که خود تواند برداشت و دیگران و مسائل ما درس از تعلیم و تعلم مستحبات نماز داد

فضیلت و رسمی حد مثل اینکه گوید قاری ندارد یا قاریان دهان و طبیعی البسا ر کج و رات نمایند یا اینکه گوید تمیز حروف کافی است استدلال در قرائت نماز

یا اینکه قاریان بسیار افراط و تفریط نمایند یا اینکه لسان اهل لسان کافی است یا اینکه گوید القدر بکه اهل عرف نماز گوید بس است این قسم

کلمات ترکی امروز طلب نا رواج مولق و مبهم بر دل عوام اکنده و دل ها در گردان و یا اینکه عوام بالمره از شوق آموختن نماز حرف

دل سرد و بی رغبت کرده چنان فهمیده که نماز حمد و سوره و صحت نماز کلام بی اصل اساس و فریب مردم است برده

بی کار و بی نا و انی حرف و که بعوام بخلاف گفت کس نمیدانم برد نزد فلان قاری بارک الله نماز مشغول و یا لوح است اگر طبیع

با سوره بر از بی نماز بیسی مستخف بالصلوة کافر از دنیا میرود اگر نماز قبل لسقف سابر اعمال ایشان قبول است اول فر

بعد از اصول دین از نماز خواهند پرسید بی نماز در دفعه سیم یا چهارم میکشند بعد از اذن مجتهد در وقت مردن در قبرستان

مسلمانان دفن نتوان کرد و یا بهتان این کلمات ترغیب بتعلیم و تعلم نماز لازم است و نمایند زیرا که از فساد در گرفت و چه بیان از آن

اگر عوام را با این نوع حرف و خشنیه از راه بی دینی بر میگردانند بلکه عوام میل بنماز بدعت نمیکردند و حال آنکه خود هم محتاج نماز صحیح مانده اند

امیر المؤمنین

شعبان

و بدن اعرابی تا به حضرت و بعض البلاد

۲۲۴

[illegible]

خداوند در قرآن می فرماید ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل و الاحسان [illegible]

[illegible]

۲۹۴

[illegible]

در حدیث شریف نبوی که امت من بار رسم ... وقتی ملیا باشند

۲۲۲

نقل خط ... الیه

ارباب انام بحث که عمده علمای حجة الله فی الارضین در دو اسنشان خضوع و خشوع دارند خلاف تواضع کردند و در علما الصوریه [illegible]

[illegible] در حیله دیدند که امامت بزرگ جماعت نماز جمعه برداشتند که آن نماز عبادت زیاده که هر کس [illegible] صادق آل محمد امامت

ظاهری [illegible] جنس برساند او مسلمانست نه بطلان دادن رکوع و سجود در حدیث نبوی هر که امامت [illegible] برساند [illegible]

[illegible] از گردن حق کشاده و [illegible] امامت بالصه [illegible] و [illegible]

[illegible] امامت قلیل [illegible] اما امامت بزرگ [illegible] ولایت و [illegible] ولایت نمازست که باعث صحت و بطلان [illegible]

و امامت [illegible] مسند [illegible] در وصف حضرت داود [illegible] یا داوود انا جعلناک خلیفة فی

الارض فاحکم بین الناس بالحق و لا تتبع الهوی فیضلک عن سبیل الله ان الذین یضلون عن سبیل الله لهم عذاب شدید بما

نسوا یوم الحساب و ما خلقنا السماء و الارض و ما بینهما باطلا ذلک ظن الذین کفروا فویل للذین کفروا من النار ام

نجعل الذین آمنوا و عملوا الصالحات کالمفسدین فی الارض ام نجعل المتقین کالفجار [illegible] فرماید یا داوود تابع

هوی [illegible] در ضلالت از راه خدا افتاد [illegible] حکم بعدالت کن زمین و آسمان [illegible] خلق [illegible] ظلم

کرده [illegible] فرماید کسانیکه عمل صالح کرده آیا مثل مفسدین میباشند یا پرهیزکاران مثل فاسقان ملحد باشند

[illegible] توان دانست که مدعی مسلمانی [illegible] یا مدعی علم و فضل [illegible] بعضی فضلا دلیل [illegible]

بر اکمل و افضل بودن از انبیا و معصومین [illegible] درس [illegible]

علم قرائت [illegible] صحت و سقم نماز [illegible] خلاف ما انزل الله و کفر صریح است و من لم یحکم بما انزل الله

فاولئک هم الکافرون مع ذلک [illegible] نماز [illegible] حکم خلاف [illegible]

که مثل [illegible] مرحوم [illegible] چون [illegible] فولاد

ساخته اند از فنون شیطانی جامع صفات ثلثه ظلم که ظلم بر خدا و دیگر ظلم بر انبیا و ائمه و قسم سیم ظلم بر سایر مردم

[illegible] عادل شیطانی [illegible] و ائمه سلام الله علیهم بر ایتام آل محمد [illegible] نماز [illegible] ظلم [illegible]

باطنی است که در مدت [illegible] سال [illegible] صحت نماز [illegible] مخرج [illegible]

[illegible] از ادای حروف و صفات و مخارج و احکام و قواعد واجب [illegible] بطلان [illegible]

عوام کالانعام [illegible] از قرائت صحت و بطلان [illegible] و کلام و حکمت [illegible] علم

[illegible] اعتبارات [illegible] معرکه [illegible] عوام الناس [illegible]

[illegible] باطنی [illegible] فرقه جاهل نادان [illegible] که [illegible]

ضلالت و گمراهی پدید چه قدر از [illegible] عقل و شعور [illegible] و احکام قرآن [illegible] را به [illegible] علم

گرفتار دام [illegible] شیطانی [illegible] چه قدر [illegible] عجیب [illegible] گمراهی امکان دارد اگر [illegible] نماز

[illegible] میدانند [illegible] عالم فاضل معتمد [illegible] نماز [illegible] مجتهدین [illegible] حالا [illegible] بدعت

[illegible] بدعت و [illegible] هر کدام [illegible] علمای

[illegible] در حقیقت [illegible] ملیا [illegible] العظیم

[illegible] مردمان [illegible] فرقه [illegible] انبیا و ائمه سلام الله علیهم در تعلیم مردم احکام الله [illegible]

فرقه [illegible] و انقیاد احکام الله [illegible] باطاعت [illegible]

[illegible] فرقه [illegible] مثل [illegible] علم [illegible] شیطان [illegible]

[illegible]

تحریم علمای خود

رسم عادت همه مخربین ادیان و مذاهب

۲۲۶

مرقوم شد که چون ... عالم از متعلم و السالف کالاحمر ... لازم ... دارد و ... الحکمه ... علمیه ... [illegible]

بسته ... جنات علم ... باشد و ... وجوب و لزوم این علم بر جمیع طبقات ... [illegible]

مراتب ... واجب و لازم باشد ... شان ... این علم همه ... [illegible]

مردم را ... باشد که ... اقل مراتب آن که صحت نماز ... معلوم ... [illegible]

لزوم و وجوب این ... [illegible] ... که شیطان لعین کار ... رسانیده که علما ... [illegible]

... [illegible] ... علم واجب ... [illegible]

... معلوم است که شیطان ... اعمال اعظم ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... در این علم ... [illegible]

... [illegible] ... بر تمام علما و طلاب ... [illegible]

اعلی الله مقامه ... [illegible] ... المعاد ... مستحبات ... [illegible]

... [illegible] ... فرمایند ... [illegible]

فرمایش که انما یخشی الله من عباده العلماء ... [illegible] ... شرف علم و عالم ... [illegible]

فساد و اسباب شقاوت و بدبختی است که ... عالم مطلق ... [illegible]

که مطلوب انسان ... [illegible] ... عادت ... کلمات ... [illegible]

در صورت ... عوام فریب کلام است ... [illegible]

... [illegible] ... عوام را ... [illegible]

... [illegible] ... ارباب ... این کتاب ... [illegible]

... [illegible] ... اعظم ... [illegible]

... صحت نماز ... نماز صحیح ... از منافقین ... [illegible]

از عالمان ... [illegible]

از ... مردم ... عوام فریب ... [illegible]

خداوند در اول قد افلح المؤمنون الذین هم فی صلاتهم خاشعون والذین هم عن اللغو معرضون والذین هم للزکوة فاعلون

والذین هم لفروجهم حافظون فمن ابتغی وراء ذلک فاولئک هم العادون والذین هم علی صلواتهم یحافظون اولئک

هم الوارثون الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون ... [illegible] ... از صفات مؤمنین ... [illegible]

... روح نماز است ... [illegible]

... نماز ... [illegible]

که بدون نماز ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

۲۹۴

فصل هفتم از ...

براى توضيح لوازم و اسباب اسلام و ايمان و كمال آن بسيار است

دين ختم النبيين و باید دانست که این فرقه سوم عالم صورتان که تسبيح علم قرائت و قاريان و مذاكره نماز و اسباب كمثال جوش صورت و كمال آيات

که در مذمت کفار و منافقین قدیم و جدید در تمامی سوره قرآن که خداوند ملامت فرموده نازل شده است این بیچارگان داخل دشته میکنند از ارباب

تا قیامت هر عقیله ناکه اند دعوا می کنند که تلاشش میکند خوب رحمت کشیده که فضل که تمرات فضیلت منتظره در صحه

چنین هزار ملائکه در بالای قبر انسان طعن از انسان شعاعی و با وزر و آیات اهل بدعت در این صفت خاص شده اند هلم

چنانکه برای اهل ایمان و صاحب سنت شریعه و حنیف چنین هزار ملائکه بر سر قبور ایشان استغفار و تسبیح و تهلیل امر الله

دارد جمله آیات ملامت کفار و فساق و منافقین و این جماعت بدبخت شده میکنند جهالمس در این کتاب وارد بار اوّل حرام شده

میشود آن ایشان را از جمله بدبختی انسانست که خود عاری و هر ... دلوبه این آیه در حق قوم فرعون است و آن

در حق قوم شداد است و نمرود و حجاج و ابوجهل و ابوسفیان و فلان و فلانست خود از سلک ایشان می بیند و تصور نماید

در احادیث معتبره از حد تواتر گذشته از ائمه طاهرین سلام الله علیهم وارد است که میان ما و شما خویشی و قرابت

نداریم اشاره بر اینست که موافق مسلک ختم اعمال هر کس حاصل اعمال خود خواهد خورد به توفیق و به حقیقت نیکوکار

سالم و فضل نتایج ... لا ابالی کلمات ... تزویج دین تصور نماید ...

خداوند خود که هیچ از در مذمت جهل سال کسیل انواع علوم تکلیف تفصیل علم قرائت نکرد و تصحیح نماز خود دیگران حکم قطعی

مینمایند بحکم آیه صریحه کافر شده نماز جماعت که از برای جوش آمد عوام از نزد قاریان و مذاکره نماز به رغبت بگذاران

باکراه ان نماز بدعت امام جماعت یعنی چه ... سنت و طریقه شرعیه دین ... بتوسط کور باطن

خداوند کن انوار رحمت ... ایشان از چشم عبرت ... عیوب ... و اصلاح

قال الله تعالی یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود و قال و من یکفر بالایمان فقد حبط عمله و هو فی الاخرة من الخاسرین ۲۹۵

و قال و اذکروا نعمة الله علیکم و میثاقه الذی واثقکم به اذ قلتم سمعنا و اطعنا و اتقوا الله ان الله علیم بذات الصدور

مثل الذین حملوا التوریة ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا چنان خیال نمایند که آدم کامل بلکه نبوّت و عصمت ...

من شده میدانند که مصداق قل یا ایها الذین هادوا ان زعمتم انکم اولیاء لله من دون الناس فتمنوا الموت ان کنتم

صادقین شده اند بمضمون و لا یتمنونه ابدا بما قدمت ایدیهم و الله علیم بالظالمین تمام سلسله ... شده

استبعاد دارد که ... بمضمون یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله

و ذروا البیع ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون دارد و قابل خطاب و ما الحیوة الدنیا الا لعب و لهو و للدار

الآخرة خیر للذین یتقون افلا تعقلون میباشند و از جهة صورت ... علمای ... و شبات

ابرار و خیار آراسته و پیراسته و در باطن و معنی مصداق این آیه شریفه و اذا تتلی علیهم آیاتنا بینات قالوا

ما هذا الا رجل یرید ان یصدکم عما کان یعبد آباؤکم و ما آتیناهم من کتب یدرسونها و ما ارسلنا

الیهم قبلک من نذیر و کذب الذین من قبلهم و ما بلغوا معشار ما آتیناهم فکذبوا رسلی فکیف

کان نکیر فبای حدیث بعد الله و آیاته یؤمنون فبای آلاء ربکما تکذبان زیرا که ... احکام اسلام و مسلمانی

و علامت ایمان صورت و شکل نماز است که بقرائت صورت ... در مذمت چهل سال کسیل برای نماز ... کلمات و حروف

صحت نماز تمام به جهة شیطان است ختم النبیین و دشمن ائمه طاهرین باشد و حال ... شریح قاضی که ...

هر بلد و شهر و قریه و محله شریح قاضی و ابوسفیان و معویه و ... فرعون و شداد و ... عالمی ...

مطیع و منقاد و کافر و شقی ... ابوجهل ... و اول و ثانی ... برای ... لازم

شمه از احوال [illegible]

علما و شعرا دو مقام شیطان قریب بدند خداوند لطیف خبیر در چند آیه تاکید کرده در باب نماز فرموده در خصوص صحیح باید [illegible]

مجتهدین مسائل و احکام بلسان فارسی آسان نوشته و بیان داشته اند تفصیل در کتب لوازم صحت نماز قرائت سبعه

در روات و ثواب قرآن بزبان عربی و فارسی بتفصیل و اجمال بیان کرده اند عذر آنکس [illegible] قطع کرده اند که روز قیامت [illegible]

نماند و [illegible] این آیه که قرآن برای کل الذین کفروا هل یجزون الا ما کانوا یعملون وما ارسلنا فی قریة من نذیر

الا قال مترفوها انا بما ارسلتم به کافرون مگر این نوع آیات مخصوص کافران فرستاده است که [illegible] لازم [illegible]

[illegible] کافر تا قیامت رایج و کار آمد و لازم است چه عقیده دارد چنانکه مثل کفار و منافقین جواب

داده که ظاهر شده وقالوا نحن اکثر اموالا واولادا وما نحن بمعذبین این جواب اگر فایده [illegible]

[illegible] در جواب [illegible] وما اموالکم ولا اولادکم بالتی تقربکم عندنا زلفی الا من آمن وعمل صالحا فاولئک لهم

جزاء الضعف بما عملوا وهم فی الغرفات آمنون والذین یسعون فی آیاتنا معاجزین اولئک فی العذاب محضرون

و حال آنکه جواب [illegible] مگر علمای جهل و لجاجت [illegible] ابوجهل [illegible] و در عقیدت [illegible] خلیفه [illegible]

قاصی و ابوسفیان و معویه [illegible] و ابن زیاد [illegible] دشمنی اهلبیت و امیر المومنین [illegible] امام حسن [illegible]

اگر چه صاحب علوم [illegible] نفاق آل [illegible] ثمر و حاصلی دیگر ندارد [illegible] مذهب [illegible] اسلام

غافل از معنی ظاهر الم تلک آیات الکتاب الحکیم هدی ورحمة للمحسنین الذین یقیمون الصلوة

یؤتون الزکوة وهم بالاخرة هم یوقنون اولئک علی هدی من ربهم واولئک هم المفلحون

[illegible] این جناب نماز [illegible] شرایط و آداب [illegible] صورت و شکل [illegible] عمده و ارکان لازمه [illegible]

از قرائت صحیح از مجتهدین [illegible] و قاریان [illegible] در روات و ثواب [illegible] اقلا [illegible] ۲۹۴

یکی از آنها جایز و مسقط قضا است [illegible] علما نماز با قاعده تمامی علم قرائت [illegible]

تا تمیز واجب و سنت و مکروه و مبطل و بدعت [illegible] نماز [illegible] صحت نماز [illegible]

در شناختن و تمیز نیک و بد نماز [illegible] جواب لا و نعم آن نماز کافر [illegible] تمیز [illegible]

باید بگوید [illegible] اگر جواب صحت و بطلان لا و نعم بگوید [illegible] ومن لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم

الکافرون در آیه دیگر فرمایه فاولئک هم الظالمون در آیه علاحده فاولئک هم الفاسقون کافر یا ظالم یا منافق [illegible]

هم کافر هم ظالم و هم منافق [illegible] مع ذلک [illegible]

چه نقصان [illegible] لازم است بار الها بحق انوار خمسه [illegible] مومن و کافر [illegible] درجه و بی حیایی [illegible]

[illegible] عامل فرما بحق محمد و آله الطاهرین [illegible]

[illegible] وزین لهم الشیطان اعمالهم فصدهم عن السبیل فهم لا یهتدون در آیه دیگر فرمایه اولئک الذین لم یرد الله ان

یطهر قلوبهم لهم فی الدنیا خزی ولهم فی الاخرة عذاب عظیم و در آیه دیگر فرمایه فبما نقضهم میثاقهم لعناهم وجعلنا

قلوبهم قاسیة یحرفون الکلم عن مواضعه ونسوا حظا مما ذکروا به در آیه دیگر ومن یکفر بالایمان فقد حبط عمله

وهو فی الاخرة من الخاسرین و نیز در آیه دیگر [illegible] فکر کن [illegible]

انما جزاء الذین یحاربون الله ورسوله ویسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم وارجلهم

من خلاف او ینفوا من الارض ذلک لهم خزی فی الدنیا ولهم فی الاخرة عذاب عظیم و نیز فرموده ذلک جزاء

اعداء الله النار لهم فیها دار الخلد جزاء بما کانوا بآیاتنا یجحدون وقال الذین کفروا ربنا ارنا الذین اضلانا من

الجن والانس نجعلهما تحت اقدامنا لیکونا من الاسفلین و در آیه دیگر فرمایه الیس فی جهنم مثوی للکافرین

بدعت ...

اشاره به اعتنای علما الا بالی که با دنیا تار

فصل ششم در اسرار و حکمت قادر متعال اشاره به اعتنای علما

ولقد خلقنا الانسان من سلالة من طين ثم جعلناه نطفة في قرار مكين ثم خلقنا النطفة علقة فخلقنا
العلقة مضغة فخلقنا المضغة عظاما فكسونا العظام لحما ثم انشأناه خلقا آخر فتبارك الله احسن الخالقين
وقال ايضا تعالى انا عرضنا الامانة على السموات والارض والجبال فابين ان يحملنها واشفقن منها وحملها
الانسان انه كان ظلوما جهولا وقال تعالى والذين ينقضون عهد الله من بعد ميثاقه ويقطعون ما امر الله
به ان يوصل ويفسدون في الارض اولئك لهم سوء الدار وقال تعالى من المؤمنين رجال صدقوا ما عاهدوا
الله عليه فمنهم من قضى نحبه ومنهم من ينتظر وما بدلوا تبديلا [illegible]
که در این عالم موافق العالم [illegible] فساد و مخالفت [illegible] عالم و فاضل مقله شریح قاضی [illegible]
نار حقد [illegible] حکم صحت و فساد [illegible] دیگران [illegible] کافر واضح [illegible] آیه ولا تقف ما لیس لک
به علم [illegible] ومن لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الكافرون [illegible] است که [illegible]
در نفوس [illegible] دین خاتم النبیین [illegible] العلم نور یقذفه الله علی
من یشاء باید باشد در قرآن [illegible] قد افلح المؤمنون الذين هم في صلاتهم خاشعون والذين هم على صلواتهم
يحافظون [illegible] در قرآن [illegible] صاحبان [illegible]
[illegible] وقال الذين كفروا لا تسمعوا لهذا القرآن والغوا فيه لعلكم تغلبون فلنذيقن الذين كفروا عذابا
شديدا ولنجزينهم اسوأ الذي كانوا يعملون ذلك جزاء اعداء الله النار لهم فيها دار الخلد جزاء بما كانوا
بآياتنا يجحدون وقال الذين كفروا ربنا ارنا الذين اضلانا من الجن والانس نجعلهما تحت اقدامنا
ليكونا من الاسفلين ان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل عليهم الملائكة الا تخافوا ولا تحزنوا
وابشروا بالجنة التي كنتم توعدون نحن اولياؤكم في الحياة الدنيا وفي الآخرة ولكم فيها ما تشتهي
انفسكم ولكم فيها ما تدعون نزلا من غفور رحيم ومن احسن قولا ممن دعا الى الله وعمل صالحا
وقال انني من المسلمين ولا تستوي الحسنة ولا السيئة ادفع بالتي هي احسن فاذا الذي بينك وبينه
عداوة كانه ولي حميم وما يلقاها الا الذين صبروا وما يلقاها الا ذو حظ عظيم واما ينزغنك من
الشيطان نزغ فاستعذ بالله انه هو السميع العليم وقال اقاموا الصلوة وآتوا الزكوة والموفون بعهدهم
اذا عاهدوا والصابرين في البأساء والضراء پس باید دانست که اعظم ارکان شرع انور اطهر حضرت
قانون محمدی [illegible] وآله و صراط مستقیم دین اسلام [illegible] برقرار و پایدار است نتایج بسیار و ثمرات
طیبه [illegible] بوجود [illegible] انواع دنیا و آخرت [illegible] جامع جمیع نعم [illegible]
این دارند که خاتم انبیا [illegible] در وقت ارتحال از دار دنیا توصیه بمحافظت آن دو چیز عظیم کرده [illegible] فرموده که انی تارک فیکم
الثقلین کتاب الله وعترتی [illegible] حتی یردا علی الحوض [illegible]
تا قیامت [illegible] شریعت انور [illegible] اهل الضلالت [illegible]
[illegible] واضح است که اولا آل اطهر [illegible] عقل کل [illegible]
ولایت [illegible] اصول و فروع [illegible] اسلام و ایمان بواسطه ولایت و امامت آل محمد [illegible]
[illegible] معتقد توحید و نبوت و معاد [illegible] محبت صوری ولایت و امامت [illegible]
[illegible] از کفار بواسطه محبت صوری [illegible] دنیا و آخرت [illegible] ولایت [illegible]

در اثبات بنای نماز اختراعی و ترویج علمای لاابالی

مگر خاتم انبیا مقرر فرموده نبودند که بعد از یک نور خدا مستقیم الناس علی و علی بعد امام حسن و حسین بعد نوبت و دستش اعمال
نیست و فرموده باید همه به بیعت و دست علی را بوسیده با امیر المؤمنین مخاطب و ملقب نمایند که بیعت او بیعت من است
اطاعت کرده در چه دوران که حضرت فعل کرده و امیر المؤمنین ملقب نموده و از زمان آدم تا زمان سعادت خاتم همه تابع دعوای
دعوت و احیاء ملتی که خلاصی جهالت انبیا و که دوات و ملائکه مصاحب و استجابت دعای انبیا و خلاصی زمان ازل اختیار
شده و تا قیامت خواهد شد به واسطه موافقت و مصادفت بار در عید غدیر خم حضرت امیر المؤمنین نصب خواهد شد چنانکه
مجلسی مرحوم در زاد المعاد این مسئله را به تفصیل ذکر فرموده علاوه در بسیار کتب در فضیلت عید غدیر خم و نصب خلافت او
و عیدهای دیگر در بسیار شعف و شادیها به مصادفت غدیر خم نموده است از شیعیان و محبان امیر المؤمنین خصوص عید اعظم
ظهور حضرت حجة الله فی الارضین روحی و ارواح العالمین فداه و در رجعت خاتم انبیا صلی الله علیه و آله که بنا بر هزار سال
خلافه نمود در این روز و سلطنت و ظهور حضرت سید الشهدا پنجاه هزار سال در این روز و رجعت حضرت امیر مگر صاحب حقیقتها
چهل و چهار یا چهل و سه هزار سال به اختلاف الروایات و رجعت سایر ائمه سلام الله علیهم اجمعین بترتیب رجعت
در خدمت رسول خدا شکایت مظالم حقوق که گذشته چه بزرگوار حق خواهند نمود آنچه از بنی امیه و بنی عباس رسیده است
دارد تا بحال ایشان در هر زمانی رسیده بار ایشان حقوق شان ظلم کرده‌اند و از معاندین دین دیگر کرده‌اند خصوص ام الائمه خاتون
قیامت فاطمه طاهره و دردهای دل حضرت را به تفصیل خواهند کرد که در اینجا مجال ندارد چه عمر از دست رفته تو را مانند شکوه العبرار
علمای لاابالی دارد دست بلی شمار اینکه در چهل پنجاه سال تحصیل نماز احتیاطی سقط قضا و تحصیل تمیز سقط قضا و احتیاطی
تحصیل نکرده‌اند ... نماز اختراعی بی‌شمار و مداخل امور مسلمانان را چه حقیقه نموده‌ام ... کور باشم و ملوس حق شنیدم و کر باشم
بلکه نه دو هزار که از صد نفر دو نفر موافق محل نفاعه دفاتر علم قرائت که ترازوی صدق و کذب نماز است

۲۹۶

چه طور صحبت و سکوت اختیار کنم که حضرت ابی عبد الله فرموده من صمت عن الحق فهو شیطان اخرس و خاتم انبیا فرموده
اهل بدعت را غیبت بلکه دروغ و بهتان بگویید که مردم مدام ایشان نزدیک نروند و در دین یهود و نصاری و مجوس دشمن
ما اهلبیت از دنیا مبرونه گرد اول کتاب بسیار ذکر شده و اگر باز دکان فتنه مذهبی نگشاید اول لفظ جمع اخبار
ندارم علاوه بر این زیاده از این مهربانان خاک پای عالمان بی‌عمل لاابالی هستم از سوزش دل مادران جوان مرده
کمال ایشان شب و روز علی الدوام جگر کباب از ناله زنانم در هفتاد و چهار سالگی فریاد کنم بسیار اسف میخورم که چرا علاقه
و تمام دنیا و دین این قدر سر کرم فریب این حیله کرده باید که یک هفته لامحاله مشق و مذاکره چهار رکعت نماز حق و خیالی
اللهم چه طور عاشق حال کثیف هزار شوهر دیده کننده و دنیای خون خوار شده‌اند که هر که امر البعض از کلمات و حروف الرحیم
او جبی تعلیم نمایم و در هیم بار بعادت ... اختراعی حق میخواسته از آورد دین و مشق و مذاکره ندارند در این علم
اگر مشق ملکه نباشد لامحاله بعد از یک هفته متروک خواهد شد والحاصل شکایت من تمام از همه دارم از دست اهل کمال و فضل
باشد که لاابالی و بی باک و سربست از محبت دنیا و از فرط حب فاضل به عبث پسند و نماز شما چه قدر کار سهل تصور نمایند
و حال آنکه حال ... در علم قرائت دارم که تا ادنی درجه صحت و سقط قضا نسبت به نماز هر کسی ملاحظه دارم در قرائت نماز
که هیچیک از فرا ... حقیر ... و راحی به قدر اقل واجب ندیده‌ام به قدری که نماز صحیح و شرعی پسند باشد و یا چنانکه قلیل بعضی اهل
بعضی و جمیع علما قرائت نماز قراط تصور نمایم مع ذلک کله از صد نفر صاحب کمال و فضل بی‌شمار و دو نفر بیاید ... نیست نکرد
وجوب سقط قضا نمایم چه خاک بر سر کنم این قدر فریاد کنم چنان فریاد بی‌اختیار که در هر صفحه خورده دفعه دلم ... هدایت
طفلان صور خانه جشن ... از سوز و ناله دل عاشق چه آگاه ... مکرر عوض کرده‌ام اگر بلکه ... صرف و تعلیم نماز حق ... ملبه ندارم
اهل قرائت ... رحمت بکشی همه دارم رضا چه اینها ... سوزش دل این بیکس بستانند علما اجر بیابد به دو اینکه چه میکشیم و چه
والحاصل

فصل سیم از باب سیم

اشاره بوجه نسخ و متروک شدن نماز با شرایط آن

۲۲۱

والحاصل این طهارت سلام الله علیهم ملکی از ظلمات که از معاصی دین و دنیا که تمام انبیاء شکایتها نمایند از آنها که ظلمها دیده و به امثال علی ع کرده
مبعوث شده و نشانه [illegible] آنکه عذاب بلکه در قبر و عالم برزخ و از عذاب ملائکه غلاظ و شداد از مار و کژدم ملائکه موکلان مع ذلک
در صدد بوده که بحکم فطرة حقیقیه خود و عدم ایمان روز الست و عالم ارواح تمام مخالفت و معاندت که از [illegible] لشکریان [illegible]
دارند آنی و دفعه منکوب و مخذول با خاک و لت خاک درآمده که از [illegible] بحکم معیشة ضنکا [illegible]
و علاف و کناسات و سم [illegible] همه [illegible] ایها الناس فلان دشمن آل محمد
[illegible] بجز آنچه [illegible] برسانند [illegible] مستاصل نمایند [illegible] هر کاه جهنم میرسانند [illegible]
از کفار و فجار که از [illegible] زمان حضرت آدم [illegible] و خیر و برکت الهی که تا کنون [illegible] تمامی زمان جهان است که [illegible]
نکار نیاید بهر یک از شیعیان [illegible] سعادت و فراوانی که درهم و دینار [illegible]
نکار نیاید ابداً غم و غصه نباشد [illegible] از تمامی نعم ناتمامی الهی [illegible] از نماز [illegible]
و [illegible] دلخواه هر کس حاضر و موجود و روز بروز لطف و احسان الهی بر مزید [illegible] و تمامی خوشحالی [illegible]
بواسطه غدیر [illegible] خواهد بود تا به آنکه ولایت و امامت [illegible] این نعمت و فضیلت [illegible] دانستی [illegible]
که [illegible] چه اعتقاد داری ایا نمایش صاحب غدیر [illegible] ع بن ابی طالب سر در اولیا جان و جسم ختم النبیان [illegible] سید
شباب اهل الجنة کفو و ابن عم فاطمه طاهره که خاتم انبیاء [illegible] که اگر فاطمه [illegible] برای [illegible] علی ع بن ابی
طالب در عالم کفو و همسر و مقابلی [illegible] ع که [illegible] میدانیم [illegible] خاتم النبیان خادم [illegible] نماز
با قرائت [illegible] یا خادم نماز اختراعی بدعت [illegible] چه اعتقاد داری و این نماز که رسم و معتبر و قانون و میزان صحت و بطلان [illegible]
با علم قرائت و کتب قرائت که هنوز در میان کتب جمیع علما و طلاب موجود است مدرس و معلم آنها در میان سنی و شیعه [illegible]
باید پس علمای دین لا مذهبکه سبب نسخ و برداشتن این قانون [illegible] صحت نماز [illegible] تعرض و تعریض [illegible]
چنین در دوران [illegible] زمان این جناب [illegible] برای ثواب خدا و رسول که تمامی عمر [illegible] در ترویج و مسائل احکام
این جناب نماز با کمال [illegible] در ریاضات [illegible] معصوم بواسطه اعلای [illegible] این جناب نماز و لوازم نماز
[illegible] غزوات و مجاهدات همه برای لوازم نماز بود که از علائم نماز [illegible] در خواص و دیگر
که قرائت نماز است بالمره نماز [illegible] است که عوض و بدل بدعت و اختراع دلخواه هر کس چون بت پرستی [illegible]
بالجمله [illegible] چنانکه بت [illegible] از طلا و نقره [illegible] و بعضی [illegible] جماعتی [illegible] مثل
فرق کفار علمای ناقص [illegible] عالم [illegible] صاحب [illegible] و مثل ابلیس که [illegible] باین مقام [illegible] و علمای
نیز بواسطه غرور [illegible] کتب [illegible] علم [illegible] قرائت بعضی در واجبات قرائت مرتکب اختراع [illegible] حروف [illegible] و بعضی در [illegible]
کلمات و بعضی [illegible] وقوفات و جماعتی در مستحبات قرائت و اذکار اختراع و بدعت [illegible] مستحبات نیز [illegible] علم قرائت و علم
مبطل نماز است [illegible] و حال آنکه بدعت در تمامی اختراعات مبطل نماز است و حال آنکه خود نماز ضرور دین است تقلید [illegible]
و بدعت چنان جامع ظلمهاست که در هر عبادت و تعقیب و قرآن خواندن و هر عبادت واجب یا سنت باشد مبطل تمامی اعمال است
مثل ریا و سمعه بلکه هزار درجه بدتر از ریا زیرا که یک خاصیت دارد که عمل را باطل نماید در روز قیامت ریاکار را خدا خطاب فرماید که یا کافر
یا غادر یا فاسق [illegible] زبانی ندارد اما این عالم ناقص مغرور جامع [illegible] ظلم [illegible] جمیع معاصی مبطلات
که تمامی اعمال [illegible] تا قیامت [illegible] فساد و بطلان اعمال و ترویج بدعت و تمامی ذرات [illegible]
لعنت نماینده خدا و رسول تمامی ذرات عالم لعن و طعن نمایند [illegible] لعن تمام عیب [illegible]
حساب کن اگر از هزاران [illegible] مراد [illegible] از استاد [illegible] و کلمات و حروف و صفات حروف یا قواعد مطلقه که [illegible]

۱۹۷

فصل ششم در بیان ...

معنی حدیث انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله

رسوم را شامل باشد در تمامی حالات خصوصی که دانستن علم قرائت صحت نماز و مذاکره و اهتمام نماز و قرائت بازیچه و عادت نموده اند

و به ادب و به دین تصور نمایند بدتر بدعت و هیچ دین این قباحت از عدم ملاحظه هر کلام الله ... بی اعتنائی اگر علما ...

که ایها الناس تمیز حروف در قرائت نماز کافی است و امثال این کلمات بی اعتنائی و مقصود این ...

علمای صاحبان اغراض آنکه عوض ترغیب مردم این کار که بسی در توبه و ادا لازم که گویم ...

تصور نمایم شیطان همیشه در کمین کلمات بسی و لوازمات ما سوای ترغیب قمار و شراب نماید و ثانیا اگر تمامی علما ...

در ترغیب نماز و ترسانیدن نماز غلط خصوصی کوشش و سعی نمایند باز کم است مردم ... و سهل ...

و عادت در راه دین و حرمت خود کرده اند خصوص با حدیث ... خلاصه در ظهور حضرت حجة الله جبرئیل میان زمین

و آسمان به صدای بلند برحمه شیعیان و دوستان که در هر جای عالم هستند برساند که یا اهل العالم حضرت حجة الله ظهور نمود بیایید

بیعت کنید چنانکه در روز اول در عالم انوار ... بیعت نماید پس از صدای جبرئیل ... نفر از هر جای عالم ...

آنحضرت در یک طرفة العین در مکه معظمه در خدمت آنحضرت ... که آنحضرت پشت به دیوار کعبه معظمه و دست مبارک را

بوسیده که بیعت نماید از زنده و مرده چنانکه جبرئیل روز عاشورا به صدای بلند به همه مخلوقات زنده و مرده رسانید که یا اهل

العالم البسوا لباس الحزن والعزاء فان فرخ الرسول مذبوح ... و سینه فاطمه زهرا شهید گردید لباس حزن و عزا بپوشید

... تا قیامت به صدای واحسیناه و اعلیاه و وافاطمتاه ... فاطمه زهرا ... فلا دعوة از روز است حتی

تمامی وحوش و طیور و ماهیان دریا لبیک لبیک گویان جواب دادند اگر شما شیعیان از روز جواب نمی دادید ...

نیافته بسیار از ادیان و ملل هستند در عالم راه عزاداری و گریه و اسلام و ایمان و دوستی اهلبیت اصلا ... توفیق ...

و حق شناسی ... اگر شکرانه این نعمت ... از دین ... سزاوار است برای یاری فاطمه زهرا ... صحیح ...

فاطمه زهرا با هزار ملک به صدای واحسیناه واحسیناه از آسمان نازل شده در هر عزا از عزاخانه ها که حسینیه باشد ...

شما ... اگر ... معصوم و ایمانی توجه نماید ... بلکه تمام انبیا و بیمار کربلا و ائمه علیهم السلام الله همگی حاضر شده گریه کنان ...

و اگر با دل سوزان آهی بکشی هر که ... داری بی حساب اگرچه ... مجلس ... ماجور ...

مغفرة ... است چگونه نسوزد دلت و گریه ... که امامت حضرت حجة الله ... بزرگوار ...

... جهت یاری نمود در حضور مبارکت جانفشانی نمایم و لاندبن لک صباحا و مساء ما دام العمر ... صبح و شام حضرت

صادق آل محمد ... با اصحاب خود که دفعه کربلا برای ما اهلبیت ... اگر در عالم فی الجمله شادی باشد برای ...

... است که در ایام شادی ما شاد و در ... ایام مصیبت ما غمناک باشد به تبعیت ایشان ... دنیا ... محبت

و هم شادی و فرح نیز مخصوص بروز عید غدیر خم ... در آخر همگی ... بهشت و جهنم و صراط و میزان و ... حور و قصور

اعمال بنده ... مشکل است ... سزاوار است ... خطور نماید که ...

... و حور و قصور و گذشتن از صراط و میزان با مستخفین ... و بدعت نماز اختراعی ... که مجتهدین ...

مستخفین نماز ... نماز غلط را ... ترک نماز ... قضا کردن برای ترک نماز است اما ... قضا نماز غلط ...

... گذاردن نماز چنانکه ائمه سلام الله علیهم از تمامی دنیا و ما فیها ... و اولاد در راه خدا گذشته ...

در ... روز جزا ... موافق عمل ... استعدادی هم ... چنانکه اگر ...

... داشته باشیم ... ایمان و آشنائی و بالمره قطع نمائیم ... توسط و جای شفاعت ...

با اطاعت و ولایت و نماز ... بابت پرستی ... عوض بدل کردن نماز ... با نماز ...

... بابت پرستی محبت اولاد و عمارت ... درهم و دینار ...

دنیا در

فصل اسم و خواص و فضیلت نماز با آداب

و بر وجود ... و العام ... و امام ... کتاب الله و قانون محمدی ... الاهی و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون و بحکم عقل ... تمامی انبیاء و اوصیاء و علماء ... عالم ... احکام حق از حلال و حرام و ثواب شرع و دین حق و فرمان خالق که تمامی ... نماز ... پس موافق ... ماموریم ... از جمله کاینات کافر ... پس تمامی انبیاء و اولیاء و اوصیاء ... تا آخر عمر ... از آدم تا خاتم بعد اوصیاء بعد علماء ... و همه گفتند ایها الناس قانون الاهی ... در عالم ... باشد که ... از قطاع الطریق شیاطین انس و جن ... احتراز کنید ... دین الاهی امانت ... از آدم تا خاتم حافظ ... و ما علی الرسول الا البلاغ ان خیر الخبر ... این کلمات را بتفصیل تمام ... رسالت ... و ظلم و فساد و احکام ... تمامی انفاس ... حساب و دفتر و کاتبان اعمال ... غفلت ... روز ... چنانکه ظاهر انبیاء و اوصیاء و علماء ... گمگشتگان طریق ... و امامت ... راه شرع و دین ما و امام ... صراط مستقیم دین محمدی ... تا قیامت و قانون محمدی صلی الله علیه و آله قرآن است اگرچه در هر زمانی اقسام شیاطین انس و جن ... با انواع طرق و فساد ... الذی یوسوس فی صدور الناس ... خداوند رحیم ... بواسطه حکم و علل ... امام ... ایام ... یریدون ان یطفئوا نور الله بافواههم و یأبی الله ... فطرة و خلقت هر کسی ... در این چند روزه سفر و منزل دنیا ... از خوبی ... درخت و شجره طیبه ... ثمره از آن ... و تعظیم فرموده است که ... فرموده است که یکی بزرگتر از دیگری کتاب الله و عترتی و این بزرگتر امانت کتاب الله است که ... قرآن و احکام الله و امامت ... حرام و واجب و سنت و مکروه و مباح ... افعال و اقوال و حرکات خارج از اینها ... اما اصول دین توحید و نبوت و معاد و اصول مذهب ... عدل و امامت ... صوم و صلواة و خمس و زکواة و حج و جهاد و تولی و تبری و امر بمعروف و نهی از منکر ... فضایل و نتایج دیگر دارند ... الصلواة عمود الدین ان قبلت قبل ما سواها و ان ردت رد ما سواها و مصداق ان الصلواة تنهی عن الفحشاء و المنکر ... تمامی اعمال ... علی ابن ... ظاهر ... نماز ... رحمت ... تمامی اعمال و اقوال و طاعات ... معروف ... مردم شهره دارد ... اشتهار نماز ... عوام و خواص ... الصلواة معراج المؤمن ... ان الصلواة تنهی عن الفحشاء و المنکر ...

فصل اسم

۱۹۹

لبعض اصحاب صحبت با نماز

استفتاء بزرگ در شرف نماز مسامحه ۱۲۳۵

چونکه نماز بعینه [illegible] عکس [illegible] معنی [illegible] دلیل [illegible] مطلب است و بل لمن [illegible] [illegible] دلیل

این دلیل [illegible] است تا تامل تمام [illegible] در خصوص بزرگی و شرف نماز فرمایند و انها لکبیرة نماز بعینه [illegible] [illegible]

معکوس [illegible] غیر از [illegible] معاصی [illegible] نباید اهمیت که خدا [illegible] میفرماید و استعینوا بالصبر و الصلوة و انها لکبیرة

پس معلوم است که [illegible] فقط طاعات [illegible] که [illegible] مسلمانی و فرق ایمان و کفر نماز است که بترک [illegible] [illegible] کافر [illegible]

[illegible] از دین [illegible] اهمیت که این [illegible] [illegible] اختیار [illegible] خصوص از [illegible] نماز علما [illegible] [illegible] الاسلام [illegible]

[illegible] که [illegible] در این [illegible] نماز با قرائت خاتم الانبیا [illegible] نعوذ بالله در مستحبات و واجبات [illegible]

علما طلاب [illegible] [illegible] عزرائیل تشریف فرما [illegible] مرخص فرما [illegible] اگر چه امامت [illegible] [illegible] اسلام [illegible]

نماز [illegible] ولایت است و [illegible] شرایط مسلمانی [illegible] طاعات با ولایت [illegible] [illegible]

تا [illegible] درجات ایمان [illegible] [illegible] ولایت ندارد [illegible] نماز [illegible] این خصوصیت دارد [illegible] کافر [illegible]

توحید و نبوت [illegible] [illegible] [illegible] اگر غلط [illegible] [illegible] مسامحه [illegible] [illegible] الصلوة

[illegible] کافر [illegible] باشند اگر چه تمامی [illegible] [illegible] از طلا و نقره [illegible] صرف خیرات [illegible]

[illegible] کلام است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بعد از [illegible]

[illegible] کربلا [illegible] [illegible] الحیواة [illegible] سید الشهدا [illegible] امام رضا [illegible]

[illegible] مسلمان [illegible] که ام مجتهدین فتوای مسلمانی [illegible] علمای [illegible] [illegible]

[illegible] نماز [illegible] و انها لکبیرة الا علی الخاشعین و [illegible] صحیح [illegible] شرایط [illegible]

[illegible] نماز [illegible] صورت [illegible] [illegible] نماز [illegible]

[illegible] نماز باطل [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] قرائت [illegible] علم [illegible] نماز [illegible]

[illegible] نماز [illegible] کافر [illegible] اسلام [illegible] [illegible] اسلام [illegible]

[illegible] نماز [illegible] [illegible] نماز [illegible]

[illegible] نماز [illegible] شیطان [illegible]

[illegible] شیطان [illegible] [illegible] نماز صحیح [illegible]

[illegible] نماز [illegible] شیطان [illegible] قرائت نماز صحیح [illegible]

[illegible] نماز [illegible] [illegible]

شیطان [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] نماز [illegible] شیطان [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] امام [illegible]

[illegible] نماز [illegible] شیطان [illegible]

[illegible] [illegible] علم [illegible]

خلاصه [illegible] شیطان [illegible] علما و طلاب اسلام [illegible] ایمان [illegible]

[illegible] [illegible] علم و فضل [illegible] نماز

نماز

بسم الله الرحمن الرحیم

اشاره بانواع عذابهای الهی و بیان عقوبات

نماز به خدا است مثل هدیه فرستادن است آراسته است و باید قابل سلطان سلاطین باشد بار ارزش خدا از بهر خدا
باید صحیح و بی‌نقص و درست و بر صورت ملاحظه باید کرد که چه قدر باید بزرگ و قابل باشد نماز بحث شما چقدر کنید که از عهده
برآید که متعفن بود آن هدیه بلکه هزار مرتبه بدتر است از آن هدیه فرستادن سلطان سلاطین چه مناسبت و چه اظهار محبت
و اخلاص است حق تعالی فرموده که اهل علم و فضل و کمال باشید و تحصیل علم و هنر باشید تا شما خدا فرموده سال کفیل
با نماز بی‌حضور چه جواب دارم مضمون آیه شریفه انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فسادا
ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض ذلک لهم خزی فی الدنیا
ولهم فی الآخرة عذاب عظیم و در دنیا است ... در دین بهتر است که ... اهل جهنم
... اولئک الذین لم یرد الله ان یطهر قلوبهم لهم فی الدنیا خزی و لهم فی الآخرة عذاب عظیم
... از علما که بعید است ... عذاب ... خدا به پیغمبر برگزیده خود چه فرماید یا داود انا جعلناک
خلیفة فی الارض فاحکم بین الناس بالحق ولا تتبع الهوی فیضلک عن سبیل الله ان الذین یضلون عن سبیل الله لهم عذاب
شدید بما نسوا یوم الحساب و ما خلقنا السماء و الارض و ما بینهما باطلا ذلک ظن الذین کفروا فویل للذین کفروا من النار ام نجعل الذین
آمنوا و عملوا الصالحات کالمفسدین فی الارض ام نجعل المتقین کالفجار قال الله تعالی فالذین کفروا قطعت لهم ثیاب
من نار یصب من فوق رؤسهم الحمیم یصهر به ما فی بطونهم و الجلود و لهم مقامع من حدید کلما ارادوا ان یخرجوا
منها من غم اعیدوا فیها و ذوقوا عذاب الحریق ... عذاب ... که ... در دنیا ... اشاره و کنایه می‌فرماید
مثل الذین حملوا التوراة ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا ... بعذاب ... عالم ...

۳۰۱

چونکه خدا تبارک و تعالی در کلام خود در سوره آیات ... در باب نماز چه قدر تاکید فرموده ... کلام الله ...
که این ... مخصوص ... نماز ... الصلوة معراج الطاعات ... امیر المؤمنین و سید الشهداء ...
... معرکه با کفار ... نماز ... خاتم الانبیاء در معراج با مناجات رب العالمین و امیر المؤمنین ...
... در چه مرتبه ... صاحب نماز ... که صورت ... نماز ...
... نماز ... ملاحظه مقدمات ...
... صحت قرائت و طمأنینه ... از روح نماز ... که خالق ...
... رکوع و سجود ... در نماز ملاحظه کنیم ... حضور ... خدا ...
... این حالت ... حروف ... ادا ... عظمت ...
... افعال و اقوال نماز ... خدا باشیم ...
... نماز ... آیه کریمه یا ایها الذین آمنوا لا تلهکم اموالکم و لا
اولادکم عن ذکر الله ... یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا ... انما اموالکم و اولادکم فتنة
و ما تقدموا لانفسکم من خیر تجدوه ... ان الابرار لفی نعیم و ان الفجار لفی جحیم ...
... رساله ... شمس المجتهدین شیخ جعفر شوشتری رحمه الله ... کتاب منهج الرشاد ... اول کتاب فرمایند
مقام اول در حقیقت نماز است ... که قرآن مجید و احادیث صحیحه ...
... خاصیت اول آنست که ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر دوم از صفات خاصه الصلوة معراج المؤمن
... الله ... خاصیت سیم الصلوة عمود الدین
... در صلوة ... اسلام ... نماز ...

فصل ...

در ذکر خواص نماز و ترک نماز و مجازات و علایم ارتداد و کفر

۳۳۷

چهارم آنکه اوقات آن ضایع نکنند که در ... اوقات ... الصلوة عمود الدین ان قبلت قبل ما سواها و ان ردت رد ما سواها و از ... عمود نماز

اگر چه بعد از تعلیم صحت نماز باید نمازها که گذشته قضا نماید ... پنجم آنکه اول ما یحاسب به

الصلوة و اول ما ینظر فیه من عمل ابن آدم الصلوة اگر چنانچه نماز قبول شد سایر عمل‌ها نظر نماید ...

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سایر ائمه سلام الله علیهم در هنگام وصیت فرمودند لیس منا من استخف بالصلوة لا ینال شفاعتنا

و لیس منا ... باید دانست که مسئله ... نماز چند قسم است اول آنکه ادای آن ... مثل ... زمان ...

اگر ... یک ... و شرف نماز ... فوراً دست از تمامی دنیا و ما فیها برداشته اگر چه ... خوردن باشد ...

عوام صرف ... صاحبان سواد و ضبط ... رکعت نماز ... احتیاط ... مجتهدین ...

که حضرت حجة الله ... ظهور ... القدر ... مسلمانان و مومنان ... که ... بلفظ ... که مردم ...

این حضرت ... از آل محمد ... از ... و ... از ... طبقه از علما

... و ... صحیح است معتبرترین روایات ... نماز ... جزء ... اعظم ...

که بعضی مقصود از نماز غلط ... است که ... حرم ترک نماز است که ... چهارم

واجب القتل بعد از استیذان از مجتهد ... سیم آنکه مسائل از ... و در ... صحت و بطلان نماز

[illegible] الصلوة ... قوم لا یعقلون

چهارم آنکه اوقات آن ضایع ننماید و در ... اوقات ... پنجم آنکه نماز قضا که در ذمه دارد در فکر ... باشند ...

امروز و فردا ننماید ... از عمر ... قضا ... موافق احتیاط ... که ...

ششم اگر وفات ... که نمازهای صحیح ... با نماز قضا نگذاشت وصیت هم نکرد ... از آن نمازها داخل ...

بالصلوة ... و اگر وصیت ... کار ... است که ... هفتم آنکه هر گاه شخص ...

... درست ... حضرت قائم صلوات الله ... است ... حضرت ... که از ... نماز ... قائل ...

۳۰۰۲ سجود نماز ... درست ... زمان ... ما ... هکذا الصلوة ... علی غیر ...

و در وقت مردن سلب توفیق ایمان ... یا آنکه عذاب او عذاب کفار باشد هشتم آنکه در نماز جمع ... محمد

عبادت است همه مطلوب ... لطیف ... عفت و مکارم اخلاق و ... قلبیه و بدنیه و مالیه و مستحبات ... مقام تفصیل ...

در این مجموعه ... آنکه یک نماز بهتر است از ... حج که ... بهتر از ... که ... از طلا ... در راه خدا

تصدق نماید و ... آنکه نمازهای پنجگانه مثل ... که ... مومن باشد پنج وقت ... بجا ...

که ... و ... غبار ... نگذارد ... لطیف ... و ... از آن رساله مقام سیم در احکام تارک الصلوة

... ترک نماز ... قسم است قسم اول ترک بالانکار یا استخفاف بر اصل مشروعیت آن ... که ... دارند که حکم آن

... است در احکام ارتداد مذکور است ... ترک ... معصیت با اعتقاد به وجوب آن ... بعضی علما ...

... امر ... لازم است بر هر کس ... امر معروف ... موعظه و نصیحت اگر نباشد ...

و تعزیر تا سه مرتبه ... مرتبه چهارم قتل ... مجتهد ... سیم آنکه نماز ... باطل بجا آورد اگر ...

ارشاد لازم است ... هر گاه بطلان نمازش ... ممکن است که نماز قضا ... قضا

و هر گاه مقصر باشد احکام تارک الصلوة ... است قطعاً علاوه بر این معصیت ... مرتکب شده

حال او از حال تارک الصلوة از اصل بدتر است که اکثر اهل زمان ... در گرفتاری خصوص عالم و طلبه ...

... که علم قرائت ... گم ... حکم صحت ... نماز ... و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک

هم الکافرون ... خالی ... که ... روم و روس و فرنگ ... این ایام ... شده ... ملامت ... این ...

و این

اشاره بحقیقت معراج و قصه آمن الرسول

عملاً نمایان حافظین

۲۲۶

در این دور جاهلان عالم‌نما نماز بدعت در حضرت الهی به تدریج داده فاریان [illegible] و مقابله و مداراه نماز [illegible]

[illegible] عالم گرفته است [illegible] والنادر کالمعدوم [illegible]

که زمانی در [illegible] که نماز برداشته شده [illegible] علائم ظهور [illegible] نماز است همین زمان است که در حقیقت نماز [illegible]

علما است [illegible] العالم [illegible] شرع و دین [illegible]

شریعت و دین [illegible] علما که خادم دین [illegible] شرح [illegible] تمامی عالم [illegible]

[illegible] محتاج نماز [illegible] و ذلک هو الخسران المبین [illegible]

[illegible] علما [illegible] عمل الصالحات [illegible] علاج النفس [illegible]

[illegible]

[illegible] عالم [illegible] واقیموا الوزن بالقسط

[illegible] کلام شریف [illegible] تفسیر امام حسن عسکری [illegible] علمای عاملین [illegible]

[illegible] الصلاة [illegible] صحبت [illegible] نماز [illegible]

[illegible] معراج [illegible] دنیا [illegible] حقیقت [illegible]

[illegible]

[illegible] طلاق [illegible] عمر شریف

[illegible] مکه معظمه [illegible]

[illegible] روح محض [illegible]

[illegible] نماز [illegible] علم و فضل [illegible] حضرت الهی [illegible] صحبت این نماز [illegible]

[illegible] دشمنی [illegible] خوشان [illegible]

دنیا و دشمنی داریم [illegible] که تمام دنیا [illegible] صاحب [illegible] یا معراج نماز [illegible] ائمه

جهل و ظلم [illegible] غیبت [illegible] احکام قرآن [illegible] شرع و دین [illegible] محض

و الوصل اسم مجرد [illegible] قال الله تبارک و تعالی آمن الرسول بما انزل الیه من ربه و المؤمنون کل آمن بالله و ملائکته و کتبه

و رسله لا نفرق بین احد من رسله فقلت سمعنا و اطعنا غفرانک ربنا و الیک المصیر فقال الله تعالی لا یکلف الله

نفساً الا وسعها لها ما کسبت و علیها ما اکتسبت فقلت ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطأنا فقال الله تعالی لا اؤاخذک

فقلت ربنا و لا تحمل علینا اصراً کما حملته علی الذین من قبلنا فقال الله تعالی لا احملک فقلت ربنا و لا

تحملنا ما لا طاقة لنا به و اعف عنا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولینا فانصرنا علی القوم الکافرین فقال الله تبارک و تعالی

قد اعطیتک ذلک و لامتک و فی حدیث یذکر فیه مناقب رسول الله قال انه لما اسری به من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی مسیرة

شهر و عرج به من ملکوت السموات مسیرة خمسین الف عام فی اقل من ثلث لیلة حتی انتهی الی ساق العرش فدنی بالعلم

فتدلی و دلی له من الجنة رفرف اخضر و غشی النور بصره فرأی عظمة ربه عز و جل بفؤاده و لم یرها بعینه فکان قاب قوسین

او ادنی فاوحی الله الی عبده ما اوحی فکان فیما اوحی الیه الآیة [illegible] قوله لله ما فی السموات و ما فی الارض و ان تبدوا [illegible] او تخفوه

یحاسبکم به الله فیغفر لمن یشاء و یعذب من یشاء و الله علی کل شیء قدیر و کانت الآیة قد عرضت علی الانبیاء من لدن آدم

الی ان بعث الله تبارک اسمه محمداً و عرضت علی الامم فابوا ان یقبلوها من ثقلها و قبلها رسول الله و عرضها علی امته فقبلوها فلما رأی الله عز و جل

[illegible]

در فضیلت آمن الرسول و سوره حمد در معراج

عز وجل لهم القول مع أنهم لا يطيقونها فلما أن صار إلى ساق العرش كرر عليه الكلام ليفهمه فقال آمن الرسول بما أنزل إليه من ربه فأجاب صلى الله عليه وآله
عنه وعن أمته فقال والمؤمنون كل آمن بالله وملائكته وكتبه ورسله لا نفرق بين أحد من رسله فقال جل ذكره لهم الجنة والمغفرة على
أن فعلوا ذلك بك وبأمتك فقال النبي صلى الله عليه وآله أما إذا فعلت ذلك بنا فغفرانك ربنا وإليك المصير يعني المرجع في الآخرة قال فأجابه الله تعالى
وقد فعلت ذلك بك وبأمتك ثم قال عز وجل أما إذا قبلت الآية بتشديدها وعظم ما فيها وقد عرضتها على الأمم فأبوا أن يقبلوها
وقبلتها أمتك فحق علي أن أرفعها عن أمتك وقال الله تعالى لا يكلف الله نفسا إلا وسعها لها ما كسبت من خير وعليها ما اكتسبت من
شر فقال صلى الله عليه وآله لما سمع ذلك أما إذا فعلت ذلك بي وبأمتي فزدني قال الله تعالى ربنا لا تؤاخذنا إن نسينا أو أخطأنا قال الله
لست أؤاخذ أمتك بالنسيان والخطاء لكرامتك علي وكانت الأمم السالفة إذا نسوا ما ذكروا به فتحت عليهم أبواب العذاب
وقد رفعت ذلك عن أمتك لكرامتك علي فقال عليه السلام اللهم إذا أعطيتني ذلك فزدني فقال الله تعالى سل قال
ربنا ولا تحمل علينا إصرا كما حملته على الذين من قبلنا يعني بالإصر الشدائد التي كانت على من كان قبلنا فأجابه الله
إلى ذلك فقال تبارك اسمه قد رفعت عن أمتك الآصار التي كانت على الأمم السالفة كنت لا أقبل صلاتهم إلا
ببقاع من الأرض معلومة اخترتها لهم وإن بعدت وقد جعلت الأرض كلها لأمتك مسجدا وطهورا وهذه من الآصار التي
كانت على الأمم التي قبلك فرفعتها عن أمتك وكانت الأمم السالفة إذا أصابهم من النجاسة قرضوه من أجسادهم
وقد جعلت الماء طهورا لأمتك وكانت الأمم السالفة تحمل قرابينها على أعناقهم إلى البيت المقدس فمن قبلت
ذلك منها أرسلت إليه نارا فأكلته فرجع مسرورا ومن لم أقبل رجع مثبورا وقد جعلت قربان أمتك في بطون فقرائها
ومساكينها أضعافا مضاعفة ومن لم أقبل ذلك منه رفعت عنه عقوبات الدنيا وكانت الأمم السالفة صلواتها
مفروضة عليها في ظلم الليل وأنصاف النهار رفعت عن أمتك وفرضت لهم في أطراف الليل والنهار وفي
أوقات نشاطهم وكانت الأمم السالفة قد فرضت عليهم خمسين صلاة في خمسين أوقات ورفعتها عن أمتك وجعلتها
خمسا في خمسة أوقات وهي إحدى وخمسين ركعة وجعلت لهم أجر خمسين صلوات وكان في الأمم السالفة حسناتهم وسيئاتهم
بحسنة حسنة وسيئة بسيئة رفعتها عن أمتك وجعلت الحسنة بعشرة والسيئة بواحدة وكانت الأمم السالفة إذا نوى أحدهم حسنة
ثم لم يعملها لم تكتب له وإن عملها كتبت له حسنة وإن لأمتك إذا نوى بحسنة ولم يعملها كتبت له حسنة وإن عملها كتبت له عشرا
وكانت الأمم السالفة إذا أذنبوا كتبت ذنوبهم على أبوابهم وجعلت توبتهم من الذنوب أن حرمت عليهم بعد التوبة
أحب الطعام عليهم وقد رفعت من أمتك وجعلت ذنوبهم فيما بيني وبينهم وجعلت لهم ستورا وقبلت توبتهم بلا عقوبة
ولا أعاقبهم بأن حرم عليهم حب الطعام وكانت الأمم السالفة توبة أحدهم من الذنب الواحد مائة سنة أو ثمانين
أو ثلاثين سنة ثم لا أقبل توبتهم دون أن أعاقبه في الدنيا فرفعتها عن أمتك وإن الرجل من أمتك ليذنب عشرين أو ثلاثين
أو خمسين سنة أو مائة ثم يتوب ويندم طرفة عين فأغفر له ذلك كله فقال النبي صلى الله عليه وآله إذا أعطيتني ذلك فزدني قال سل قال
ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به قال تبارك اسمه قد فعلت ذلك بك وبأمتك وقد رفعت عنهم عظيم بلايا الأمم وذلك حكمي في
جميع الأمم أن لا أكلف خلقا فوق طاقتهم فقال صلى الله عليه وآله واعف عنا واغفر لنا وارحمنا أنت مولانا قال الله تعالى قد فعلت ذلك
بتائبي أمتك قال صلى الله عليه وآله فانصرنا على القوم الكافرين قال الله تعالى أمتك القادرون القاهرون يستخدمون ولا
يستخدمون لكرامتك علي وحق علي أن أظهر دينك على الأديان حتى لا يبقى في شرق الأرض وغربها دين إلا دينك أو يؤدون
إلى أهل دينك الجزية عن جابر عنه صلى الله عليه وآله قال الله تبارك وتعالى أعطيتك ولأمتك كنزا من كنوز عرشي فاتحة الكتاب وخاتمة سورة البقرة

در فضیلت ... رسول ... (marginal note)

۲۰۴

ذامن آل رسول
محمد و آله

نقل از معظم ...

در ثواب و خواص تلاوت آیه الکرسی ۲۳

روی عنه ان الله آیتین کتبهما الرحمن بید قدرته قبل ان یخلق الخلق بالفی سنة و من قرأهما بعد العشاء الآخرة ... قیام اللیل

و کفاه ... یوم القیمة ... مثل ... طبرسی در مجمع البیان ... ثواب ... آیه الکرسی ...

خلق ... استغفار ... [illegible]

[illegible]

۳۰۵

[illegible]

دعاهای ائمه ... دیگر

در خصوص اوصاف مؤمنان

فصل ... بسم الله الرحمن الرحیم

لیس البر ان تولوا وجوهکم قبل المشرق والمغرب ولکن البر من آمن بالله والیوم الآخر والملائکة والکتاب والنبیین وآتی المال علی حبه ذوی القربی والیتامی والمساکین وابن السبیل والسائلین وفی الرقاب واقام الصلوة وآتی الزکوة والموفون بعهدهم اذا عاهدوا والصابرین فی البأساء والضراء وحین البأس اولئک الذین صدقوا واولئک هم المتقون که متضمن تمامی کمالات انسانی هستند هر که جامع این کمالات باشد حضرت ... در حالت ایمان است ... که بدون ... این آیه تعالی ... از قوال ائمه عشری جعفری ... در این کتاب خواهیم که بعضی که ... این مضامین ... که همه ... دانایان ... علمای ... فصل ...

... کلمه ... کلمه مبهم فساد ... نماز ... عادل صاحب علم و فضل ... ترویج ... دمشق ... حلم ... این ... که چه فساد در عالم ... شریعت چه طور مخالفت که ... بدعت ... از ائمه ... مردم ... از ... کان ... ائمه ... که ... از ... اگر ... نماز بدعت ... که نماز بدعت غلط از حد مردم ... این جواب ... اگر ... این جواب ... اگر ... این بدعت ... عوام ... نماز ... در هر رکعت نماز ... بدعت ... در ... تکبیرة الاحرام ... نماز ... بدعت نماز ... چه طور ... نماز ...

فصل دوم

و اگر کسی که چرا قاریان ... امر معروف ... از علمای ... که هر کدام ... از قرآن ... حافظوا علی الصلوات ... آیات قرآنی ... سلطان ... اثنی عشری جعفری ... نفس ... محمد و آل محمد ... علی ... حسین ... جنت ... اطهار سلام الله علیهم ... ارکان دین ... اسلام ... مسلمان ... که بعد از اصول دین ... نماز ... زکوة ... حج ... امیرالمؤمنین و امام حسین ... ائمه اطهار سلام الله ... قرابت ... شفاعت ... ومالنا الا ان لا یشاء الله ... مغفرت و رحمت ... شفاعت ... مغفرت ... مؤمنان ... در کلام ... حضرت ... اهل ایمان ... سوره مبارکه ... مؤمنون ... ایمان ...

... قد افلح المؤمنون الذین هم فی صلوتهم حافظون والذین هم عن اللغو معرضون والذین هم للزکوة فاعلون والذین هم لفروجهم حافظون الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم

قائم

فصل دوم در خواص کنوز اللهی

در فضایل و ثواب خواندن سوره‌های مبارکه

فانهم غیر ملومین فمن ابتغی وراء ذلک فاولئک هم العادون والذین هم لاماناتهم وعهدهم راعون

والذین هم علی صلواتهم یحافظون اولئک هم الوارثون الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون

تو را بعد از آن [illegible] تأملی در انصاف کن این همه فضایل در خواص مؤمنین در ایمان و اسلام با نماز [illegible] بدعت [illegible] قانون جمع [illegible]

بجای هیچ بشر [illegible] با آنکه اول درجه ایمان توبه [illegible] است که اول از این نوع نماز بدعت [illegible] توبه کردن [illegible]

سایر اعمال خیر [illegible] با لا ابالی در تخریب نماز لامحاله نماز باشد که [illegible] دوست [illegible] و دشمن نکند انصاف

[illegible] اگر چه در کافر باشد [illegible] صورت قبیح [illegible] عاشق [illegible] دل‌آرا صاحب جمال [illegible]

[illegible] کشیدن معشوقه صاحب جمال [illegible] بعد از اظهار مطلب [illegible] عاشق [illegible]

[illegible] صورت قبیح [illegible] انصاف [illegible]

[illegible] سالک [illegible] بطمع ثمرات حور و قصور [illegible] باوجود علم [illegible]

نماز [illegible] چه قدر [illegible] حماقت باشد موافق تقریر مرحوم جنت مکان [illegible]

از حضرت خاتم النبیین [illegible] که حضرت امیر المؤمنین [illegible] تعلیم [illegible] آیة الکرسی [illegible]

[illegible] که حق تعالی هیچ آیتی بزرگتر از این آیات فرو نفرستاده [illegible] اعظم آیات قرآنی آیة الکرسی است هر که [illegible] تلاوت [illegible]

تبارک و تعالی [illegible] ملک فرستد [illegible] و هر که

عقب هر نماز فریضه بخواند منع نکند او را از دخول بهشت مگر مرگ و هر که در وقت [illegible] خواب [illegible] بخواند حق تعالی او را [illegible]

ایمن گرداند و بهترین سوره‌های قرآن بقره است و بهترین آیتهای آن آیة الکرسی [illegible] انصاری روایت کرده از حضرت

رسالت [illegible] فرمود هر که آیة الکرسی بخواند در عقب هر فریضه [illegible] حق تعالی [illegible]

در خواندن آن نظر نفرماید [illegible] که آیة الکرسی بخواند در عقب فرایض [illegible]

[illegible] فرستادها و شیعیان [illegible] حق تعالی [illegible] نور [illegible] از مشارق و مغارب عالم [illegible]

و تسبیح [illegible] ثواب [illegible] به عدد هر حرفی فرشته [illegible]

[illegible] تا روز قیامت [illegible] تسبیح و تقدیس اللهی [illegible] عرش اللهی [illegible]

و هر که عقب هر نماز فریضه بخواند خدای تبارک و تعالی [illegible] قبض روح او [illegible] جهاد [illegible]

[illegible] روایت کرده که این آیه عظیم [illegible] و حضرت امام جعفر صادق [illegible] از آبای کرام [illegible]

امیر المؤمنین [illegible] آیة الکرسی فرود آمد [illegible] سید عالم [illegible] فرمود آیتی فرود آمد گنجی از گنجهای عرش عظیم [illegible]

[illegible] مشرق و مغرب [illegible] ابلیس [illegible] اولاد [illegible]

[illegible] مشرق و مغرب عالم [illegible] چه حادثه شده [illegible] خاتم الانبیا خبر داد [illegible]

از گنجهای عظیم عرش اللهی نزول یافته [illegible]

هر که آیة الکرسی را بخواند در وقت بیرون شدن از خانه حق تعالی هفتاد هزار ملائکه بفرستد [illegible] استغفار [illegible]

جهنم آزاد [illegible] اللهم [illegible] آیة الکرسی [illegible] کلمه [illegible] برکت [illegible]

[illegible] هر که یکبار آیة الکرسی بخواند حق تعالی هزار مکروه از مکروهات دنیا [illegible] مکاره [illegible]

مکاره آخرت [illegible] عذاب قبر است و نیز هر که [illegible] بخواند عقب فرایض [illegible] از فقر [illegible] روز [illegible] صبح و شام

بخواند از شر دزدان [illegible] آتش محفوظ [illegible] دفن نماید از آفات

سالم باشد در برکت عظیم [illegible] دکان دفن نماید [illegible] گنج خانه دفن کنند [illegible]

۳۰۷

کار هم الله

خواندن

در ثواب بسم الله و فضیلت خواص

۲۳۳

[illegible] ... از خواب بیدار ... [illegible] ... آیة الکرسی ... [illegible]

[illegible] ... بسم الله الرحمن الرحیم ... [illegible]

[illegible] ... هفتاد هزار قصر از یاقوت سرخ ... هفتاد هزار ... [illegible]

[illegible] ... حور العین ... [illegible]

[illegible] ... محمد رسول الله ... علی ولی الله ... [illegible]

[illegible] ... والقرآن ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... علام الغیوب ... [illegible]

[illegible] ... تعلیم قرآن ... [illegible]

[illegible]

در فضیلت قرآن خواندن و فضیلت علمای عاملین

۲۳۲

[illegible]

... ثم العلما ثم الشهدا ... [illegible]

... الشهدا ... [illegible]

۳۰۹

[illegible]

... والاصل صحبة العلما ورثة الانبیا ... [illegible]

[illegible]

روی ابن مسعود عن ابی جعفر عن النبی ... من قرء عشر آیة فی لیلة لم یکتب من الغافلین ومن قرء خمسین آیة کتب من الذاکرین ومن قرء مائة آیة کتب من القانتین ومن قرء مائتی آیة کتب من الخاشعین ومن قرء ثلثمائة آیة کتب من الفائزین ومن قرء خمسمائة آیة کتب من المجتهدین ومن قرء الف آیة کتب له قنطار من البر ... [illegible]

... مثل جبل احد ... ما بین السماء والارض ... [illegible]

... حضرت امام جعفر صادق ... [illegible]

[illegible]

در ترجمهٔ الصلواة و معراج الطاعات که منظور است

فصل یازدهم در اذان و اقامه که هر دو سنت مؤکد است بلکه بعضی از مجتهدین اذان نماز جمعه را واجب دانسته
چنانکه از ظاهر فی العبید کالظم اقامه را احتیاط مطلق و بعضی بلکه اقامه را واجب دانسته در نمازهای پنجگانه یومیه باشد و [illegible]
که دانه که دلیل بر عرض از روی [illegible] و نیه و ترجمه کرده مناجات باری العزة ملیانه مقدمه تکلم با خدا است و سبب [illegible] صف ملائکه
که از مغرب تا مشرق طول باشند داما از اذان اعلامی در شهر اسلام است باعث مغفرت جمیع گناهان و در روایت دیگر باعث
چهل هزار نفر که مستحق عذاب بوده باشند در قیامت اجمالاً و بعد از اذان و اقامه تکبیرات شش گانه [illegible] که بعد از هر تکبیر
این دعا خواندن اللهم انت الملک الحق لا اله الا انت سبحانک انی ظلمت نفسی فاغفر لی ذنبی انه لا یغفر الذنوب الا
انت و بعد از دو تکبیر بگوید لبیک وسعدیک والخیر فی یدیک والشر لیس الیک والمهدی من هدیت لا ملجأ
منک ولا منجا الا الیک سبحانک وحنانیک تبارکت وتعالیت سبحانک رب البیت الحرام و بعد از دو تکبیر بگوید
وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض عالم الغیب والشهادة حنیفا مسلما وما انا من المشرکین ان صلاتی
ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین لا شریک له وبذلک امرت وانا من المسلمین و اما آنچه تعلق بتکبیر
دارد چهارده امر است هفت امر واجب و هفت امر سنت اما هفت امر واجب که عبارة شیخ بهائی اعلی الله مقامه است اول آنکه بلفظ
عربی گفته شود دوم آنکه حرف تکبیرة الاحرام از مخارج حروف بگوید بطریقی که در شرع مقرر است سیم آنکه مقارن نیت باشد چرا که
نیت داخل است باید در وقت تکبیر موجود باشد چهارم آنکه در میان نیت ولفظ الله اکبر فاصله نباشد خواه بسکوت طویل یا بلفظ
نماز باطل شود مثل اینکه و بنده الی الله هو الله اکبر پنجم آنکه میان الله و میان اکبر [illegible] قطع نماید پس اگر وصل نماید باطل شود نماز ششم
چنان بگوید که خود بشنود اگر چه تقدیر باشد یعنی اگر گوش باز باشد از مردم [illegible] بشنوند هفتم آنکه اگر گنگ باشد بدل قصد نماید
و با انگشت اشاره نماید بزبان حرکت دهد و اما هفت امر که در تکبیرة الاحرام سنت است اول دستها را بر داشتن در حال تکبیر
تا برابر گوشها دوم آنکه ابتدای تکبیر گفتن با ابتدای دست بر داشتن باشد و انتهای آن با انتهای آن سیم گفتن در وقت دستها را
بجانب قبله باشد یعنی باطن کفها چهارم آنکه انگشتان بهم چسبیده باشند مگر انگشت بزرگ که از انگشتان دیگر جدا باشد
پنجم آنکه گفتن تکبیر است اگر امام باشد و بلند گفتن بلیش نماز یا منفرد ششم آنکه تکبیرة الاحرام بعد از شش تکبیر سنت بگوید
اگر چه مختار است در تقدیم و تاخیر هفتم آنکه شش تکبیر سنت را با دعاهای مذکور بالفعل اورد و اما که موافق رأی اکثر علماء مجتهدین
احتیاط است تفصیل نماید معنی و انها لکبیرة الا علی الخاشعین و ان الصلواة تنهی عن الفحشاء والمنکر ولذکر الله اکبر
نماز چهار هزار مسئله دارد و بعضی چه نماز بدعت خرابی که امر کوبنده که از نماز بدعت توبه کند لازم است یعنی چه نمازگزار
و اما تکبیرة الاحرام که جامع آداب در رسوم واجب و سنت احتیاطی باشد با اهل حقه صلیه تمیز صورت و شکل باشد
اول راست ایستادن با امکان از جانب تکبیرة الاحرام دوم استقلال یعنی تکیه بچیزی نکردن با امکان سیم استقرار حرکت نکردن
چهارم [illegible] با ایستادن باختیار پنجم قدرها از تکبیر تا دل رسم متعارف ایستادن باختیار ششم الله اکبر گفتن
هشتم [illegible] نیت هفتم صافی بودن قلب از ریا و کثرت و عجب دهم بدانی که اداست یا قضا یازدهم یقین بقبله
در وقت امکان چنانکه در مهمانی دعاها نمایان با امکان نباشد دوازدهم استقرار بدن که حرکت نکند سیزدهم استقلال
تکیه بچیزی چهاردهم بدون تصرف ملک در شی دیگری عدم غصب پانزدهم رکن بودن تکبیرة الاحرام و اگر قصد نماز دیگر نیت تکبیرة الاحرام
احوط بعد از اتمام اعاده این نماز است که تکبیرة الاحرام گفته است عدول تکبیرة الاحرام مشکل باشد شانزدهم عدم مد کاف لفظ جلالة
هفدهم عدم مد لام لفظ جلالة هجدهم عدم مد اکبر است نوزدهم بدون اشباع ضعیف گفتن فتحه الف لفظ جلالة
الف حاصل نشود در اول الله بیستم حروف از مخارج حرف گفتن است بیست و یکم ملاحظه اعراب حروف که بطوری که فتحه کسره
نباشد و بالعکس بیستم نباشد چنانکه اکثر اهالی فارس در قرائت عادت غلط است کسره را بفتحه خواند ما نه حتی علما هم باین درد گرفتارند

در

فصل یازدهم
در اذان و اقامه
عبدک [illegible] عبدیک [illegible] والخیر بین یدیک لا ملجأ
[illegible]
۲۰۱

نقل یازدهم از ابراهیم

الف البت

در رحمة الصلوات معراج الطاعات
که منتظر موت

۲۳

و در وقت ایراد بر جواب میدهند که مارسم نمیدانم و تمیز فتحه و کسره و ضمه نمیدانم مکرر بعضی جواب داده اند و حالت آنکه در جوانی خود از
ـالکی با جان و الله ما جه معلمی محمد سوره عوام الناس و نماز خوب طهارت داشتم الحمد لله مخارج حروفات تعلیم داده بود نعوذ بالله
عن رحمة الکریمه هفت دوم ملاحظه ترتیب کلمات و حروف است سیم موالات کلمات و حروف بر رسم قرائت هفت چهارم ادغام لام
الله و تشدید که فهان است که صاحب مجرا حرف است پنجم تفخیم الله یعنی اشباع لام چنان نکرده که لام ظاهر شود و او حاصل شود مثل
هفت ششم تفخیم راء الراکبر است با اعتدال و میانه کر در حرکات هفت هفتم قیام قبل از شروع در تکبیر و قیام حین تکبیر و قیام بعد از تکبیر
درست ملاحظه نموده تا از قیام بعد از تکبیر شروع به قرائت نماید هفت هشتم و آهسته آخر کردن از ضیق وقت تا آنچه از ارکان و تعلم صحیح نماز
هفت نهم اسقاطی نکردن و عدم ظهور الله یعنی الف ضعیف که الله به لطور کلمه عوض ضمه که واو حاصل شود و مبطل است و غیره
باضمه که تشدید به ضمه حاصل شده و مبطل است و الحکم اندکی دارد که بعد اکبر بلوسی ام عدم و قام الله بالکبر را کمیان هر دو سکته دارد
سی دیگر عدم الحاق جزئی با دال لفظ جلال مثل بلکه به قرینة الله الله اکبر سی دوم عدم الحاق جزئی با هر تکبیرة الاحرام مثل
بگوید الله اکبر بسم الله الرحمن الرحیم نماز باطل خواهد شد سی و سیم آنکه سکون کاف اکبر چنان نگویند که کسره حاصل شود یا صله علم
قرائت قلقله ندارد و در وقت گفتن تکبیرة الاحرام که دست دستها تا برابر گوشها بالا بردن ادب است که بعد از نیت که
بر فعل مجیء خواطر آوردن که چه کار نمایم فوراً از طرفة العین حاصل می‌شود نیت بر عبادت بایستی که حال گفتن اول تکبیر بالا
دست بالا کردن و حین تکبیر با آخر دستها زیر نه‌اش نعل او رده اینکه دستها در گوش نگاه است در تردید وسواس شیطانی که
یوسوس فی صدور الناس مبتلا شده‌اند و کارکسیت در انواع و اقسام بسیار دارد بعضی از مستحبات و بعضی در واجبات و حال
ضایع و خراب و بدعت در عکس شریعت و دین با جمله می‌باید که در عقاید و مسائل و خراب دین جاری شده است که طایفه شیعه
و دوستان اهل بیت در اصل دین اعتقاد است بعد از اصل دین که نماز است تمامی همین است که با سامع دانائی در نماز مبتلا
از دین سید المرسلین نمایشی سست در نمازها هست و روز رحمها کشیده تا کار ما و ایمان ساینه که در صد نفر عالم فاضل یک نفر
با نماز موافق رسم و قانون علم قرائت نگذاشته کم کم روز به روز ماه به ماه تمامی علم قرائت و نماز صرف ما شده است و صفحه و مقابله
دیگر که فتنه و مشق نماز قاری لیستد حیطی و چنان موافق دلخواه خود بر داشته است که نماز اهوحانی علما و جهال سواد دار
مثل بدعت بلکه بدتر از بدعت گره که ایدا کسی نمیداند که این کلوک توپ و تفنگ بلاها به ورد به انواع بدعتی که هم از کیا
دارد که بیمار سینه چنان در نظر که دکور باطنان معروف میانه که فساد الوقت و اهل زمان است خاتم علیهم السلام خطبه و منعه که سلطان
الزمان کارکاری که امر معروف و نهی از منکر چنان بر داشته شد که معروف نهی و منکر خوب و مستحسن نماید یعنیها ترویج یافته
باطلها تعجب کسی بیست که شده طور ماند که بدعت ترویج یافته در جواب تعجب سلطان و منع با سلطان کارکاری که عاقلان و دانایان
و فاضلان نماز نکرده تغییر و هندسه بدعت و ظلم و ظلم و فساد نمایند امر معروف و گفته شده بدعت شد اهل فساد و بدعت عزیز
در این وحملی منوره و سرکرده قوم شده که تفصیل از سنه مشهورات از جمله اعظم علامات ظهور رحمه الله بر داشته شده است نماز از
لوث که اکثر از این برداشته شده است نماز چه شده که به حیز کشیده‌اند در خواستن جزئی نمایند استماع این چنان ندارد که از میان علما
و مستمعان این رسم ظلم و بدعت مثل تعجب است که از صد نفر یک نفر با خبر از قرائت نماز نباشند که تمیز و اجتهاد و بطلان و بدعت
و سنت و مکروه و جابر حرکت نماز و نه اعداد واجبات و مستحبات و بدعت مبطله و بدعت غیر مبطله و از رسم خود اسلامی و چه نماز
و چه عبادت مگر نادر و النادر کالمعدوم الحاصل خود عبادت و قرانات که هجت با خدا با ما خود شده که عابد خود عبادت که دنیا محجت بیت
که اسباب تقرب با حضرت باری مبایشد و بیل علمی شفعائه حضرات در هجت عبادت می‌باشد که لقای نوق
هر چه که با معشوق و خالق ازخوب و بد نظر نماید و بلکه از دیدن اکثر خالق حق و بلند شیب که علامت اعمال است که هر من
بهر چه نظر نماید عبرت از آن بردارد و دست سرشت و کرده عبرة مخلوق معشوق و خالق است بیت تمام ذرات عالم مخلوق خدا است و در این حال که خدا

۳۱۱

خیرا ... از ... این ...

و اذکار و اسرار نماز

در ترجمهٔ الصلواة از معانی حمد و سوره

... [illegible] عالم خصوص در باب نماز و استغاثه بار که [illegible] ...

تکلم نماز [illegible] تکلم با خدا [illegible] ...

[illegible] در گفتن ایاک نعبد و ایاک نستعین [illegible] عبادت [illegible] ...

در این کلام گفتن [illegible] دنیا [illegible] ...

این کلام [illegible] از اول نماز [illegible] ...

[illegible] معانی [illegible] این حرکات و کلمات [illegible] ...

[illegible] تکلم که نماز [illegible] کلمات بطریق [illegible] ...

[illegible] پرستش و عبادت و اظهار تواضع و ذلت ...

[illegible] در هر فعلی بنوع دیگر اظهار ذلت و شکستگی [illegible] با معانی هر فعلی [illegible] ...

اما معنی اجمالی [illegible] نماز [illegible] معراج [illegible] ...

[illegible] تکبیر [illegible] تکبیرات [illegible] ...

[illegible] تکبیر [illegible] ...

[illegible] ...

[illegible] شیطان [illegible] ...

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم [illegible] اعوذ بالله [illegible] اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم [illegible] بالله من الشیطان الرجیم

اللعین الرجیم [illegible] ...

312 [illegible] ...

[illegible] یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک ...

[illegible] السمع والابصار [illegible] ...

[illegible] ...

[illegible] ولی الله [illegible] نماز [illegible] ...

[illegible] این مؤلف [illegible] ...

[illegible] اعوذ بالله [illegible] اقال العبد بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible] الحمد لله رب العالمین [illegible] ...

[illegible] الرحمن الرحیم [illegible] ...

[illegible] مالک یوم الدین [illegible] ...

[illegible] ایاک نعبد و ایاک نستعین [illegible] ...

[illegible] ...

[illegible] اهدنا الصراط المستقیم [illegible] ...

صراط مستقیم [illegible] صراط الذین انعمت علیهم [illegible] ...

[illegible] غیر المغضوب علیهم ولا الضالین [illegible] ...

[illegible] قال العبد بسم الله الرحمن الرحیم قال الله تعالی [illegible] عبد

[illegible]

در ترجمهٔ الصلوة و معنی نیت سر کتاب عبادات

۲۳۱

باسمی در استکمال و خضوع و خشوع لکن خداوند را حق علی ان اتمم له امورو وبارک له فی احواله و چون گوید الحمد لله رب العالمین قال الله عز و جل حمدنی عبدی و علم ان النعم التی له من عندی و ان البلآء التی اندفعت عنه فبتطولی اشهدکم بانی اضیف له الی نعم الدنیا نعم الاخرة وادفع عنه بلآء الاخرة کما دفعت عنه بلآء الدنیا الرحمن الرحیم قال الله تعالی شهد لی عبدی انی انا الرحمن الرحیم اشهدکم لاوفرن من رحمتی حظه و لاجزلن من عطائی نصیبه و اذا قال مالک یوم الدین قال الله تعالی اشهدکم کما اعترف بانی مالک یوم الدین لاسهلن یوم الحساب حسابه و لاتقبلن حسناته و لاتجاوزن عن سیئاته و اذا قال ایاک نعبد و ایاک نستعین قال الله تعالی صدق عبدی ایای یعبد اشهدکم لاثیبنه علی عبادته ثوابا یغبطه کل من خالفه فی عبادته لی و استعان عبدی ولی الملتجا عبدی و اذا قال العبد اهدنا الصراط المستقیم قال الله هذا لعبدی و لعبدی ما سال و اعطیته ما امل منه کله الی آخر سوره و این سوره مبارکه مرکب از چهار صد و بیست و چهار کلمه است هر که بخواند در نامهٔ عمل او بنویسند لطف است عظیم که ثواب یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر را و بر هر شخص مؤمن کامل عقیده از این حدیث [illegible] ثواب و خواص این کامل بیان [illegible] که همه ثوابها نماز است مرحومه چه قدر [illegible] در حدیث دیگر جبرئیل [illegible] که با سمع [illegible] و مقابل این نعمت عظمی ثواب هر رکعت نماز که در بیست هزار سال که [illegible] فضیلت [illegible] است مرحومه [illegible] و جبرئیل [illegible] مرحومه هر رکعت نماز [illegible] که از ناچار [illegible] خاطر چنانکه [illegible] این نماز با خضوع و خشوع [illegible] که الصلوة [illegible] بی قرائت و طمأنینه [illegible] ۳۱۴

[illegible] در حدیث [illegible] و عقاب نماز [illegible] هر فعلی [illegible] هزار سال [illegible] انما یتقبل الله من المتقین [illegible] از مکروهات [illegible] و جهت بعد از حمد قل هو الله احد [illegible] محلوقات را از عدم بوجود آورده [illegible] الله الصمد [illegible] لم یلد و لم یولد [illegible] و لم یکن له کفوا احد [illegible]

از طمأنینه [illegible] تکبیر حرکت [illegible] طمأنینه [illegible] حرکت [illegible] بعد ذکر رکوع [illegible] طمأنینه [illegible] و جهت [illegible] طمأنینه [illegible] سمع الله [illegible] سجده [illegible] سمع الله [illegible] نماز باطل [illegible] طمأنینه [illegible] ذکر سجده [illegible] طمأنینه [illegible] تکبیر [illegible] سجده [illegible] سر از مهر بردارد [illegible] هر رکعت قبل از هر ذکر و فعلی از افعال و اذکار نماز [illegible] و هر ذکر [illegible] در اول و آخر [illegible] طمأنینه [illegible] قرائت با طمأنینه [illegible] ملاحظ طمأنینه [illegible] اذکار و قرائت [illegible] بحول الله و قوته اقوم و اقعد [illegible] با حرکت [illegible] صحت قرائت و طمأنینه [illegible] شرایط نماز [illegible]

[illegible] در رسالهٔ [illegible] سید المرسلین [illegible] نماز [illegible] در مکه معظمه [illegible] الله الحرام [illegible] الحجر الاسود [illegible] مثل [illegible] نیت [illegible]

مسائل و آداب نماز

در ترجمه الصلوة و تاکید کیفیت نماز و

اصل قرائت نماز که به سبیل تعلیم استاد اهل خبره نیاموزند به واسطه غرور شیطانی اجرای مخارج و ادای حروف و کلمات ...

ت تراشیدن اجرای مخارج و کلمات نمایند بر نفس شوم خود خطاب و عتاب نمایند که ای نفس شوم علم قرائت

که بخوانند مشق و مذاکره ده و بیست سال در خدمت اهل خبره نکرده من چرا اطاعت و فرمان بردار تو کنم خلاصه

حمد و سوره که میخواهد برکوع رود شیطان نفس بعجله تمام که چون مصلی ... میخواهد کفوا احد و تا تمام حرکت میدهد که زود

است فناس الذی یوسوس فی صدور الناس اولاد شیاطین ... قهر کرده لشکر ... بزنند بی طمأنینه حرکت کنان برکوع رفته

قل هو الله تمام نشده سر خود برکوع خم کرده تحرکت باطل علاوه که بعد از اتمام کفوا احد که طمأنینه رکن است ... بالمره ...

نماز خود و باطل نماید اگر در معرکه مسائل تکبیرة الاحرام فاسد نکرده باشد اعمال مذکوره ملاحظه نموده علاوه چنین ...

دستها در زانو قرار نگرفته بدن از حرکت نیفتاده مشغول ذکر رکوع شده بسیار نمازها بی طمأنینه باطل نموده علاوه ذکر رکوع اتمام

و طمأنینه آخر رکوع را که بعد از اتمام رکوع لازم نموده بعمل نیاورده ... باطل نموده چون از رکوع برخاست ذکر رکوع را اتمام نکرده

اگر چه عالم باشد بقصد ذکر هم نگوید باطل نباشد ولی گمراه کردن عوام الناس است عوام چنان خیال نماید که در شریعت ...

این نماز ... ضلالت آن عوام کرده علاوه بر وزر و وبال آن خود این کار چگونه شبیه بدعت شد دلیل لاابالی بودن چنین عالم

و این عمل کرده است مقدمه فسق ملتفت چنانکه مشهور است ارتکاب کار لاابالی مقدمه فسق است بلکه بر عوام صحت این کار

باید بیاموزد که بضلالت نیافتند نه اینکه برای اظهار فضیلت بیاموزی باعث فساد کنی فتنه مذهبی نکنی که مخفی داشتن حکم الله

را و فضیلت فروشی شیطانی انسی مهمتر است عوام الناس لشارع عام شرع دین و دلالت باید تا راه ضلالت ابدا

... نیاید خلاصه چون این مسلم عوام با عالم لاابالی بسجده رفت بدن استراحت و استقرار بدن مشغول ذکر شده تمام نکرده

۳۱۰ که بعد از اتمام و طمأنینه باید سر بردارد نه طمأنینه خود سجده را در اول سجده نه در آخر ذکر سجده طمأنینه بعمل نیامده چنین سر از سجده

باید آرام گیرد طمأنینه نشستن بعمل آید بعد از آن تکبیر گفته با طمأنینه بگوید بسجده دوم برود چنین بسجده دوم رفته ...

مستقر شده از حرکت افتاد بعد ذکر سجده دوم را با طمأنینه بخواند در آخر سجده چنانکه مذکور شد از طمأنینه سر از مهر بردارد ...

بهمین قرار میخواهد این عمل ... فارغ شد با طمأنینه و بفعل و قول دیگر با طمأنینه و خواندن اذکار و قرائت و ...

شدن با طمأنینه باشد وجه تکرار است که احکام مسائل نباشد مگر بتکرار و مباحثه بسیار است که از تکرار حمد و سوره

و مباحثه نماز و مسائل بواسطه غرور علمای ناقص که از آسمان و زمین و افلاک و حجابات و لوح و قلم و قصص عجیب و غریب

در منابر و مساجد هنر و شأن و شرف و فضیلت و علم کمال پنداشته و تکرار مسائل قرائت را کسر شأن و عدم علم

تصور کرده این حیات و دام شیطانی نماز به عبث اول حق بر پای حق نهاده ... باد الجهل وقع قبر در دار العلم

و قبة الاسلام ... نماز با فاتحه و میزان و ملکات علم قرائت بسیار کم بنماید که گرد احمر و کیمیا باشد ...

نماز مبنی که مگر اخبار بسیار از ائمه سلام الله علیهم وارد است که عمده علائم ظهور حضرت حجة الله بر داشته شدن نماز است که

که عوض بدل نماز بعبث نمایند سبحان الله العظیم خلاصه در باب تاکید قرائت و طمأنینه این قدر بس است که در ... تکبیرة الاحرام

اشاره شد که تمامی افعال و اقوال نماز صحیح که اسم نماز با صدق نماید در تمامی اقوال و افعال شرط شده ...

و اسم نماز جایز نیست بلکه اعظم ... معاصی است و مسخره و بازیچه و حقه بازی کردن با خدا ...

شرک و کفر و مرتد شده ... التفصیل و المطالب خفیه اللهی است که صورت نشست و برخاست ...

با بسمله و ... معطل نمایند ... ائمه ... اخبار ... احادیث ...

و ... مبنی ... طاعت است ... عباس ... عقیل ... امیر المومنین ...

اسیران کفار ... عباس ... عقیل ... اسلام ...

و نیز

در ملاحظه از عوام و خواص اشتباهاتیکه نماز گاهی خود را باطل نماید

در صورت اگر سلام ناشی ... تکبیرة الاحرام ... نماز باطل ... [illegible]

لام لفظ جلاله ... باطل ... لفظ جلاله ... [illegible]

[illegible]

٢١٦

[illegible]

افعال داد کار نماز

در ملاحظهٔ آداب قرائت و طمأنینه و

۱ ۵ ۲

خواص که بعد از عدم ملاحظهٔ قرائت طمأنینه نماز کی در سجده بعد از رکوع سجده که فرایضه در رفتن عمل حضور ملتفت نشسته نظر [illegible]

بعد از توجه بنظر اعمال و رفتن سیداً که مقصود الصلوة الکبیرة الا علی الخاشعین مراد همین است که بعید [illegible]

و چون بعد از طمأنینه که حضور جمع شده برخواست بعد از راست شدن طمأنینه سمع الله لمن حمده بر احتیاط که طریق [illegible]

گفته بعد از طمأنینه هم نفس بر سجده القصه ذکر رفته بلکه نماز اگر چه باطل نباشد در فتوای بسیار این عمل مکروه [illegible]

که مقدمهٔ حرام و اجتناب از حرام ترک مکروهات است اولاً در انظار عوام شبیه بدعت ملتفت که از آداب شرعی دور [illegible]

مانند بلکه مراهی عوام [illegible] بیان لتشریع و قصد که بفهمانند باز تصلات خواهد شد و خواهد گفت که فلان عالم [illegible]

از آداب شرعی دور است علاوه بر این ترک این ضبط در انظار خواص از علائم لاابالی در عبادت است سلب توفیق [illegible]

منافی عدل و مروت و وقار و حساب است علاوه باعث عادت خود و این عادت دخول طرق محرمات [illegible]

ما باشد شبیه بدعت نیز بر این کارها آثار فساد باشد و النظر در عبادت است و نماز و چون در تکبیر سمع الله [illegible]

تا برابر گوشها بر داشت از قامت راست هم نفس سجده بعد از استوار شدن طمأنینه شروع بذکر سجده نماید بعد [illegible]

از حال طمأنینه سر بردارد چنانکه اکثر خواص مجرد گفتن ذکر سر بر دارند اگر ملتفت باشی [illegible]

[illegible]

[illegible]

ترجمة الصلوة و اشاره به بزرگی نماز و تضییع نماز

٢٥٢

و باید تمامی بدن و اعضا مشغول نماز و داخل باشند چنانکه چشم در سجده کا[illegible] ... انگشتان متصل و در قیام رانها در سجده سر انگشتان بقبله ...

برابر زانو سر انگشتان بقبله ... متصل و در رانها و در وقت ... سر انگشتان بقبله ... متصل انگشتان ...

... باشند و نماز را با ایشان ... سر انگشتان بقبله باشند ... چنانکه ... قیام ... یا المرء ...

... در قیام هر کدام نسبت ... حضور قلب که ... آن کند ... مستحبات ...

و در وقت خواندن تسبیحات اربعه در رکعت سیم و چهارم و در آخر استغفار ... و در رکوع ... سر ... استغفار

و در تمامی نماز با تمکین و وقار و سکینه دل ... عظیم ...

انسان ... عجله و شتاب ... نماز ... ساعت ... تعقیب و قرآن و دعا ... مشغول ...

نمی‌دارد نماز ... دقیقه با آرام و تانی ... واجب ... تعقیبات ...

بر سر صحت تانی و آرام نماز واجب ... نماز خراب و ضایع ... تعقیبات ...

نماز صحیح باشد که نماز ... سلطان ... روح طاعات ... فلما ... والی ...

بزرگ و سخت است و انها الکبیرة ... جهلا و عوام کالانعام ... الله ...

نماز ... علمای ... حق ... الکمل ... الوصیاء ... الفکر

بزرگی و جلالت نماز ... خاتم الانبیاء ... سلام الله علیهم ... تعظیم نماز ...

و تب ... حق ... نماز ... متغیر ... مضطرب ... قیامت

در هر وقت نماز ... مضطرب ... العرض ... نماز ...

... جمعی ... الارض ... الانبیاء و اوصیاء

و مجتهدین ... مبارکه ...

... عزاداران روز عاشورا ... محبت و عشق ... حسینی ... سر ...

... العمر ... رکعت نماز و مسائل طهارت ... حلال و حرام ...

بیگانه ... امام ... فهم ... عباس ...

عمریه ... امام حسین ... عالم ... مجتهد ... محبت ...

من و عالم ... صحت ... طمانینه ... مستخف بالصلوة ... و قبله

نمازی صحیح ... ازاله یقین ما ... مسلمانان ... حال ...

باید قبل از دفن قبر ... حاضر باشیم ... بسیار بعید ...

که نعوذ بالله ... علما تمام ... ضعف ... علم و فضل با نماز ...

بدون ... صحیح ... مسلمین ... نماز ...

بلکه ... عوام الناس ... اهل ... غفلت ...

الهیات که نایب خدا و رسول و خلیفه ائمه و جانشین امام عصر حجة الله فی الارضین باشند که قوام دین ... امام عصر ...

ایشان دنیا ... قوام ... موافق رضای خدا و رسول ...

نفس و ... ناقص برای معاش ... اظهار تقدس و تقوی ... قرار ...

... اضطراب ... مذهبی ... کالجبل لا تحرکه العواصف ... مبادا ...

کلام این مؤلف ... علامت عالم عامل ... راه تقوی ...

در ترجمه الصلوات [illegible]

[illegible]

[illegible] اخبار چنانکه در اخبار وارد است [illegible] دلیل باشد لیس بکلام [illegible]

[illegible]

۲۱۹

[illegible]

[illegible] من استخف بالصلوة [illegible]

لا تنال شفاعتنا [illegible] الصلوة عمود الدین و اول ما یحاسب به العبد الصلوة و اول ما ینظر فیه من عمل ابن ادم الصلوة [illegible]

مسلمانی
اصلاح نماز
آلارمه صحیح

ترجمة الصلوات و مداقه و ... ۲۵۴

فصل یازدهم از باب ...

از حین و نوشته اینها که خوانده و دیده چونکه چشم دلش باز نمی‌شد ... مدت ... سال که تحصیل علم قرائت نموده و خوانده ... از زبان

دیدم قرائت نماز ... قاری ... اما اگر ... معتمد نماز ... فصاحت ... ابن ...

کیا دم چه گویم حالت دل ... خلاصه نماز ... آداب ... تمامی اعضا ... از زمین انگشتان متصل

سر انگشتان ... [illegible]

سجده با کمال ادب ... [illegible] ... انگشتان ... [illegible]

انگشتان متصل ... با قبله راست ... [illegible]

[illegible]

... ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر ... [illegible]

[illegible]

۳۲۰

وصل چهارم در شرح الصلوة

اولا الیا بعد از لیالی و ایام صاحب حضور جهارده معصوم منصب خود از رسول مجتهدین که تمامی عالم مامور با جلال و حرام و ...

اسم نماز بدعت و تمامی صلحا و ابرار و اخیار و مجتهدین علم و طاعت و انقیاد احکام ... شرایط ... لوازم ...

بطور صحت و درستی نه بطور بدعت شیطانی و تعلیم شیطانی در این منزل ... تاثیرات و نتایج خوب در ...

کرد و عالم محبت امیرالمؤمنین برات آزادی ... دسته دسته بلکه ... حق اسباب ... جمله ... جعفر ...

و منافقین و جاهلین ... فسق ... در جماعت ... سقیفه و دین ... در روز اول ... ولایت ...

اصلا از فرق مختلفه کفار و فرقه ... ولایت ... حساب ... اختیار ...

و انواع ظلم که ... از گوزه ... از مکنت یا ... کوزه است از کوزه همان برون تراود که در اوست ...

چنانکه ... در دار دنیا ... یهود و نصاری و مجوس و فرنگ ... دین و مذهب ... از ارباب فضل و کمال ...

مباشر بدعت و فساد ... پرستی ... که مشهور است از ... فضل و کمال ... علما ...

با قرار توجه و نبوت و امامت ... جواب ... تا آخر ... سابقه ... در ...

درس و تحصیل اصول فقه و حکمت ... که زحمتها کشیده ام در ... طلاب ... در این مسئله دلیل ...

بر فلان باشد از این جهت ... اگر چه ... جنابت این نوع ... مختص ... فقط ... در هر زمانی بلباس ...

این زمان ... ولایت و امامت ... لیک بلباس دیگر ... محقق ... در زمان حال ... در حلال و حرام ...

بالا ... ولایت ... حدیث مشهور انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی ... کتاب الله ...

تمامی کتاب الله ... برای اعلای کلمه دین محمدی ... ستون اعظم دین نماز است و اگر این مسئله ...

... که نماز ستون دین ما ... عالم ... کامل باشد ... صحیح نماز ...

بواسطه ... یا ... قرائت ... الصلوة ... تمیز نماز صحیح و نماز ... قضا ...

وصل دوم

۲۲۱

قوم ... شیطان ... عالم ... ذلک ... مروج دین و مروج مذهب ...

... معصوم است در اثبات ... خباثت ... تخریب نماز ... نماز که ... مظلوم ...

تا روز قیامت ... هزار الاول و الاواخر ... و ساعات ... پنج مرتبه ...

و حال آنکه ... مصایب ... ظلمها ... گلستان ...

در عالم ... تمامی ... بلکه ... شهدا ... استفاده ...

هزار هزار ظلم و اذیت ... نفوس ... جماعت ... کتاب ... انسان ...

منافقان این قدر نادانی ... جهنم ... رحم ... ظاهر ...

که نادانی ... عاقبت ... علمای ... تابع ... نفس این پیر ضعیف ... در دل ...

علمای ... این قدر ... این بدعت نماز ... ملک ... فاطمه طاهره ... هزار مرتبه ...

این عالم صورتان ... نماز ... ظلم و جبر ... منافقان ... امیرالمؤمنین و امام حسن ...

بدتر ... این بی ... منافقین در زمان ائمه ...

از عربه نفس ... شیطانی ... معارض و مانع ... باشند یا مانع بعضی کار ... در زمان ...

بعد امام ... معارض باشند ... مبالغه ... ایشان ...

خباثت ... احکام ... مجالس و محافل ... علما ... حضار ... مجلس ...

که بسیار ... عالم صورتان ... قرائت ... صحت نماز ... نماز ... جسارت ...

با نماز غلط ... منافقین ... بدعت ... نماز ... اعتقاد ...

که در شهر و قصبه [illegible] رواج دارد

اشاره بانواع نمازهای اختراعی مردم عهد ۲۰۵

و اکثر علمای عثمان [illegible] عثمان [illegible] عالم تمام ممالک بدر از عثمان [illegible] عثمان [illegible] دنیا [illegible] و مقصوبان [illegible]

[illegible] علمای [illegible] علم قرات علما قرات [illegible]

[illegible]

[illegible] ۳۲۲

[illegible]

از رحمة الصلواة و در اشاره بامد صاحب [illegible] اوکان ایمان است

یا ایها الذین امنوا اتقوا الله وکونوا مع الصادقین اولا مقصود خدای الرحمن الرحیم باید که ان مومن [illegible]

داخل در میان مومنین است و قابل لاین است او فضایل بسیارات که اگر [illegible] با حرمت و جسارت [illegible]

قدم گذارد خداوند تمامی اعمال خیر او را با تمامی معاصی او عوض [illegible]

[illegible] خدای که اگر [illegible] با محرم [illegible] بالعنه ملائکه آسمانها و [illegible]

که [illegible] بخواند بکوبند [illegible] کلمه [illegible] الید [illegible] انبیاء و علماء ابرار این [illegible]

و اوصیاء و علما خبر داده [illegible] داشته [illegible] حبیب [illegible] مومن [illegible]

[illegible] محقق [illegible] که مومن [illegible] نزد خداء متعال چه قدر و منزلت است که عقل بشر درک [illegible] علاوه بر این در میانه فقهاء معروف [illegible]

امان [illegible] کافر [illegible] اسلام [illegible] مومنان [illegible] واسطه [illegible]

در [illegible] کسی نتواند [illegible] متعرض [illegible] این سلطنه و شان و شرف [illegible] مومن است [illegible]

برای مومن قرار داده است و اما اجلال و سلطنة معنوی مومن آنکه اسم او [illegible] از اسم خود [illegible] یا مومن یا مهیمن

و معروف است تمامی اوصاف کمال خود [illegible] در مومن نیز نهاده است چنانکه خود از جمیع نقایص و عیوب عاری [illegible]

همچنین مومن نیز از جمیع عیوب و نقایص [illegible] و جمیع صفات کمال و صفاة الله [illegible] در مومن جمع [illegible] از قدرة [illegible]

و بقاء و عدم زوال [illegible] در وجود مومن در دنیا و آخرت نهاده است و [illegible] عبدی اطعنی اجعلک مثلی [illegible] جمیع کمالات [illegible]

خدای [illegible] محمد و آل محمد [illegible] بمتابعت محمد و آل محمد [illegible]

[illegible] قولا و فعلا چنانکه در سوره مومنین [illegible] قد افلح المومنون الذینهم فی صلوتهم خاشعون [illegible]

٣٢٢ و لفظ فلاح [illegible] مومن [illegible] بقاء بلا زوال و نعیم بلا [illegible] ایمان [illegible]

و اعظم [illegible] که از تمامی دنیا و ما فیها و سلاطین [illegible] اهم و الزم [illegible] در اثبات و استقرار [illegible] که تمامی اهل

مدعی ایمان [illegible] حتی کفار و منافقین نیز [illegible] صاحب ایمان [illegible]

[illegible] کلام [illegible] ایمان [illegible] استحکام ایمان [illegible]

مدعیان ایمان و اسلام [illegible] معرفت و معلم در ریاضت و حکمت و عالم و عمل [illegible] ایه [illegible]

[illegible] ایحسب الانسان ان یترک سدی چنانکه قصه [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] محقق [illegible] ابن ملجم ملعون [illegible] عالم نیز [illegible] از علائم مومنان [illegible]

قد افلح المومنون

علائم است که الذینهم فی صلوتهم خاشعون والذینهم عن اللغو معرضون والذینهم للزکواة فاعلون والذینهم لفروجهم

حافظون الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فانهم غیر ملومین فمن ابتغی وراء ذلک فاولئک هم العادون والذینهم لاماناتهم

وعهدهم راعون والذینهم علی صلواتهم یحافظون اولئک هم الوارثون الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون

مومنین محقق است [illegible] معلوم [illegible] سیماهم فی وجوههم من اثر السجود [illegible] حقیقتا علائم بسیار [illegible]

موجود است [illegible] کالشمس فی رابعة النهار [illegible] در حق مومن [illegible] کالا ان

اولیاء الله لا خوف علیهم ولا هم یحزنون الذین امنوا وکانوا یتقون لهم البشری فی الحیوة الدنیا وفی الاخرة لا تبدیل لکلمات الله

ذلک هو الفوز العظیم مراد از حیواة دنیا در این آیه [illegible] مومن است و دل مومن [illegible] در قبض روح [illegible]

تمامی از [illegible] و اوصیاء [illegible] و علاوه [illegible] معاینه [illegible] تمامی [illegible]

[illegible] مومن بعد از وفات مثل حال حیواة [illegible] مومن [illegible]

[illegible]

در بیدار و خواب

علائم ایمان

رتبه الصلوة و فضیلت مؤمنین

کتابه و منزل فرستادن که حال امثال ملاقات دارد برای زیارت مؤمنان حق که در وقت [illegible] روح و بدن است از ائمه طاهرین علیهم السلام

و ملاقات حور و قصور [illegible] که همه منازل ایشان داده اند و قبض روح با قبل از آن واسطه این مصاحبان و [illegible] قطع مصاحبت این [illegible]

و اولاد و اقارب مدة العمر که مأنوس شده بود که تحیر و دهشت سؤالات در مقام منازل آخرت رفع نقص روح غیر از اهل [illegible]

میت برای ادعیه دار و چه قرآن خواندن و احسان سه روزه با هفته در روز احسان [illegible] جمله دعا [illegible] مؤمن اسباب [illegible]

احسانات و جمعها مثل ایام [illegible] حرام و [illegible] احسان و فراموش نکردن مؤمن حق خواب مؤمن که جزو است از [illegible]

خبر از حال مؤمن نماید اگر چه وحی بعد از پیغمبر [illegible] از داشته شده و اما خواب مؤمن منزله وحی است برای مؤمن خصوص در وقت صبح در [illegible]

در ثلث آخر شب هر چه ببیند خبر از حقیقت و معنی است چنانچه از حضرت امام جعفر صادق پرسیده که سبب چیست که مؤمن گاه خواب [illegible]

و گاه از برای [illegible] و [illegible] مؤمن که خواب [illegible] روح [illegible] تا آسمان میرود آنچه در ملکوت [illegible] حق است از شیطان [illegible]

و مابین هوا [illegible] خواب [illegible] را عرض کرد آیا روح بالمره با آسمان میرود [illegible] فرمود اگر چنان باشد [illegible]

که در آسمان روشنی آن در زمین است همچنان روح اصلش در بدن و پرتو آن در آسمان میرود از امیر المؤمنین منقول است که [illegible]

که بخواب میرود روح او به سوی عرش پروردگار میرود پس آنچه در آنجا می بیند حق است و آنچه در مابین [illegible] هوا خواب پریشان است

در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق منقول است که شیطان [illegible] از مشرق تا مغرب [illegible]

مردم [illegible] با این سبب خوابهای پریشان [illegible] و احلام بسیار صادر [illegible] الی غیر النهایة و در روایت دیگر [illegible]

آمده چنانچه [illegible] سؤال [illegible] حضرت امیر المؤمنین [illegible] بعض خوابها است بعضی [illegible]

دروغ [illegible] سبب چیست حضرت فرمود خدای تعالی روح را خلق کرد برای هر شخص سلطان مملکت بدن است چون آدمی [illegible]

روح سلطان [illegible] است [illegible] از ملائکه و جن [illegible] و آنچه [illegible]

دروغ است [illegible] روایات [illegible] منافی [illegible]

دنیا [illegible] وضو [illegible] از خواندن قرآن و دعا [illegible]

اراده مؤمن از [illegible] رکوع مصلی [illegible]

اگر چه از اول نماز تا آخر اظهار شکستگی و تواضع و اظهار عبودیت است در حرکات و سکونات و جمیع اعضا [illegible]

انواع التحیة [illegible] قولاً و فعلاً نماید رکوع [illegible] بر قیام [illegible] طمأنینه [illegible]

در زانو [illegible]

در جای خود [illegible] از آداب رکوع است و بعد از آرام گرفتن ذکر رکوع را با طمأنینه گفته بعد از تمام از طمأنینه برخیزد نه بحرکت و اضطراب [illegible]

[illegible] سر برداشتن [illegible] که نماز را خراب نماید [illegible] شیطان که در عالم معنی [illegible]

از جانب ابلیس [illegible] از اولاد آدم نگذارد [illegible] طمأنینه که در اول رکوع و سجود و در وسط رکوع و سجود و آخر رکوع و سجود [illegible]

[illegible] ظلام [illegible] از صاحبان فضل و کمال از علمای [illegible]

[illegible] طمأنینه [illegible] عوام [illegible] اول و آخر و وسط طمأنینه رکوع و سجود [illegible]

بعد از رکوع و سجود [illegible] سمع الله [illegible]

[illegible] این طور که سمع الله لمن حمده الله اکبر با الحمد لله رب العالمین [illegible]

بسجده [illegible] تمام [illegible]

و فراموش نماید [illegible]

[illegible] علاوه بر [illegible] ارتکاب [illegible] محرمات [illegible]

۳۲۴

فصل دهم در سیم از ارباب سیم و ۲۵ در ملاحظه آداب مصلی و طمأنینه

فصل دهم از ارباب سیم از رحمة الصلوة قال النبی صلی الله علیه و آله و احمد و اصحابا حود و قد [illegible]

بالصلوة لا تنال شفاعتنا أهل البیت ولیس منا الحد صلوة و بطهر [illegible] ولایت امامت دارد کسی که صحت اعمال [illegible]

صحت اصول و فروع است چنانکه سنه بولایه ما باشد نماز بر این صاحب صورت دارد اما در حقیقت معنی چنانکه [illegible] و انها لکبیرة الا

علی الخاشعین مفسرین بنابر جهور مخصوص نماز میدانند و بعضی رجوع امیر المؤمنین دانسته اند که بر کبری تکالیف ولایت و حدیث امیر المؤمنین

به مگر برای خاشعین خاصین شیعیان در حدیث موسوم والا فر موده نماز عبارت از صحت و انها لکبیرة در حقیقت متحد

بدون وجود یکی دیگری حقیقت نباشد مقصود نیست فرق دیگر مه فی الجمله نظر نیابد انکه محبت صورت امیر المؤمنین است

بعضی کفار یهود و نصاری باشند تخفیف عذاب شده اما برای مدعیان نماز به غیر [illegible] غلاظ و محرابین قانون دارم

بلکه بمقتضای [illegible] است و مکافات و تجسم اعمال و مستخفین نماز مرتد و کافر میروند و از دین محمد بیگانه در دنیا در قبر

بحیثیت [illegible] خارج از دین اسلام میروند در اخبار معتبره سر کوبی نماز یک لقمه نان [illegible] سالم [illegible]

منه و لقمه شبیه [illegible] مرحوم در شرح لمعه تفسیر فرمایند برای طعام که بعدا از حوت خوابیدن [illegible] همان [illegible]

و در رهد [illegible] و سلام دادن و سلام او را جواب دادن جایز نیست و در قبرستان مسلمانان دفن نتوان کردن

نتوان راه دادن در تحقق فعل او در اول مرتبه [illegible] بانکار صریح با در سیم یا در مرتبه چهارم باید گشت اگر چه برادر [illegible]

که اخبار بسیار است کلام در [illegible] نماز به شیر البطات که برای [illegible] و برای [illegible] کار مسلمانان حمل صحبت

منفعت نیست [illegible] ندارد تا کنار قبر رسانیدن مسلم [illegible] از دخول خانه قبر هیچ فرقی با یهود و نصاری ندارد

[illegible] حمل بصحت ندارد حرمت [illegible] و رحم و حمایت ندارد [illegible] نماز در اول ورود [illegible] اصل دین نماز است

[illegible] نماز [illegible] از اهل [illegible] اگر چه سجاده [illegible] داشته باشد [illegible]

و ذلک هو الخسران المبین است [illegible] مکافات اعمال [illegible] که مصلی در وقت ملاحظه اركان طمأنینه

۲۲۵ که در تمامی افعال و اقوال او کار در جهت خصوص در وقت دخول از فعلی بفعل دیگر یعنی قبل از رکوع و سجود [illegible]

[illegible] طمأنینه شیاطین بشتاب و عجله [illegible] و دل و عضو مصلی با اضطراب [illegible] ترک طمأنینه

چنان مضطرب [illegible] در [illegible] اخلاص [illegible] بعد از بطلان نماز هم عادت [illegible] که [illegible]

است که در حدیث نبوی [illegible] المؤمن فی المسجد کالسمک فی الماء و المنافق فی المسجد کالطیر فی القفس [illegible]

مفارقت [illegible] و حال آنکه بعد از نماز مشغول که ام امور دین [illegible] [illegible] نماز [illegible] است [illegible]

[illegible] در حقیقت حال چنان [illegible] که فعلا [illegible] حالم [illegible]

[illegible] بدعت [illegible] در [illegible] تکبیر مستحب [illegible] از فعلی بفعل [illegible] است که [illegible]

[illegible] خوف [illegible] فلاح و جارحه [illegible] انکسار و انقلاب از [illegible] تکبیر [illegible] بالا کردن

[illegible] از سیم گذشته [illegible] از خجلت [illegible] بالا کردن

[illegible] سجده اول [illegible] بقبله [illegible]

[illegible] شتاب قلب [illegible] اولاد شیاطین [illegible] حاضر [illegible] مصلی محرب [illegible]

[illegible] نماید که [illegible] سجده [illegible] طمأنینه نماز [illegible] طمأنینه [illegible] در هر فعلی و قولی از نماز

[illegible] اولاد شیاطین [illegible] متعلقات و امور دنیا که مطلوب [illegible] عجله و شتاب [illegible] طمأنینه

[illegible] و با این عجله و شتاب از کودکی [illegible] و عادة داده [illegible] که انسان [illegible]

باز نگذارند که دو رکعت نماز [illegible] با ادب [illegible] دو رکعت نماز [illegible]

[illegible] شیطان و اولاد او [illegible] تفکر نمایم [illegible] شیطان [illegible] تمام

که چطا

رتبه الصلوات در شناختن نفس خود و علاج نفس خبیث ضعیف

چطور مرکب [illegible] خود [illegible] مع الله [illegible] مع محمد مع آل محمد [illegible] در صفت حضرت [illegible] محفوظ [illegible] تحقیق [illegible]

و معانی تارک حکم الثقلین کتاب الله و عترتی [illegible] که نماز و [illegible]

قرآن و نماز و ذکر خدا [illegible] شرع و دین و کتاب و نماز و کل لوازم نماز و سایر [illegible] مولای کل [illegible]

نیز [illegible] نماز در جمیع [illegible] محبت و اطاعت ولی الله که یعنی خلیفه و جانشین و وصی [illegible]

ولی الله و میزان و صراط و [illegible] روز قیامت [illegible] امیرالمؤمنین [illegible]

[illegible] نماز است [illegible] در غزوه نهروان که منافقین [illegible] قرآنها را بر سر نیزه ها [illegible]

مسلمانی [illegible] اسلام [illegible] حضرت [illegible] خوارج نهروان [illegible] کلام الله الناطق [illegible]

[illegible] اظهار منافقی و کفر باطنی خود [illegible] ولی الله [illegible] قرآن را چه طور [illegible]

کفر و فساد باطنی [illegible] قرآن و نماز و مسلمانی با طاعت ولی الله [illegible] مخالفت ولی الله [illegible] مفترض الطاعه

[illegible] منافقین [illegible] زمان [illegible] آخرالزمان نماز و لوازم نماز و کتاب و قرآن [illegible] ملاحظه [illegible]

با فرمایش ولی الله [illegible] موافق امر ولی الله [illegible] طاعت [illegible] منافقین نهروان [illegible] ولی الله [illegible] مخالف

[illegible] مسلک و عادت [illegible] اگرچه [illegible] عالم فاضل [illegible] علم و تقدس [illegible] امام زمان [illegible]

امام زمان حاضر [illegible] نواب [illegible] رسالهای نواب [illegible] قرآن و احکام قرآن [illegible] اثبات شرایط نماز و لوازم

حاضر [illegible] منافقین اظهار منافقی [illegible] زمان [illegible]

دور لاابالی و نماز [illegible] نماز [illegible] جهنم [illegible]

[illegible] ایام عزاداری [illegible] مجتهد اعلم زمان [illegible] علما و مجتهدین [illegible] مجلس عزاداری [illegible]

روضه خوانی [illegible] فرصت نماز [illegible]

[illegible] معروف نباشم [illegible] جهنم [illegible] نماز [illegible]

هزار درجه بالاتر [illegible] والحاصل [illegible] نماز صحیح [illegible] قرائت [illegible] ورتل القرآن ترتیلا [illegible]

شرح و تفسیر [illegible] قراء سبعه یا قراء عشره [illegible] قرآن و نماز [illegible] صحیح و جایز [illegible]

[illegible] قرائت [illegible] فقها [illegible] مخالفة العامة [illegible] لازم است در علم قرائت [illegible]

[illegible] صحت قرائت [illegible] جایز است [illegible] مخالفت [illegible] نماز [illegible]

قرائت [illegible] لاابالی [illegible] عوام [illegible] باطل [illegible]

نماز جماعت [illegible] نماز جماعت [illegible]

[illegible] روز قیامت [illegible] علما و ائمه و مجتهدین [illegible] ملائکه [illegible]

[illegible] نماز با قرائت [illegible] علم قرائت [illegible] عوام و خواص [illegible]

علم قرائت [illegible] بعضی از عوام و خواص [illegible]

نماز [illegible] تعلیم اطفال [illegible]

[illegible] علم قرائت [illegible] علامات ظهور [illegible] نماز است [illegible]

[illegible] اهل ایمان و اسلام [illegible] امیرالمؤمنین و خاتم النبیین [illegible] امام عصر و محبت [illegible]

محبت [illegible] نماز [illegible] قرائت [illegible] سایر شرایط است [illegible] نماز اعظم [illegible]

ولی الله [illegible] اگرچه علم [illegible] افضل از [illegible] من عرف نفسه فقد عرف ربه [illegible]

۳۲۶

از رحمة الصلوة و لطایف و اسرار و تفسیر اذکار رکوع و سجود نماز است

فصل در بیان ...

برای مدعیان محبت خدا و رسول و ائمه اطهار سلام الله علیهم اینکه بهر درجه که محبت خدا و رسول را دارد ظهور محبت و آینه بدن تا محبت ولی الله و امام حسین

دوران و کمال محبت هر کدام بکمان علامه ثابت بقدر و اندازه محبت بر نماز است اگر چه بسیار از اهر شبه امر ایشان هستند و غرض نماز

جز آن اوسط آنکه ... و دفتر همه اعمال بعد از معرفه الله نماز است ان قبلت قبل ما سواها و ان ردت رد ما سواها اطاعت امر

ایشانست لهذا محبت و کوشش بنماز و صحت نماز عیان محبت خود ایشانست چنانکه محبت اولاد عیان محبت خود است بلکه بالاتر

نماز عیان خواسته خدا و رسول و ائمه است چنانکه پیغمبر خدا ... نماز نور چشم ... امیر المؤمنان در شبی هزار تکبیر که دلیل

رکعت نماز بجا آوردن که قدر محبت میخواهد تا تمام ... محبت بجای نماز باشد و ملکه اسباب ائمه ... در ... نفس ... جهت

بنماز بقدر محبت نماز است که عیان خواهد است چنانکه دوستان ... دنیوی خواسته دوست خود را بقدر میل و محبت دوست

خدمت ... بجا نماید و ضم است پس ... این قدر بی میلی و محبت ... مع ذلک مدعی محبت خدا و رسول و ائمه بودن چه قدر ... جای

... دانی ما ملیباشد که بقدر صحت ... و سقط قضاء نباشد ... بغیر از دشمنی عذر ... ندارد

جواب ... ندارم کجا مانده که بر سبیل ... مخالف خواسته خدا و رسول و ... بلکه ارم باعث ... جهت ...

با پیغمبر و امام و ولی الله دشمنی کردن چه طور ملیباشد با امام حسین عزاداری و گریه کردن و اظهار محبت ... کنند ... سعد ...

از عالم و ... نماز فاصل برای ... که در عرض ... قرائت هر رکعت نماز ... از اسباب ... خبر ... قبال ...

... که تمامی نماز شکستگی و تواضع و اظهار ذلت و خواری و مذلت ملیباشد ... و ... بالخصوص در رکوع ... کردن ...

شد ... بزبان قرار شکستگی و عظمت و جلال ... سبحان ربی العظیم و بحمده یعنی ... پروردگار ...

... که بزرگست بحمد و ثنا او ... در جمیع صلوات ... در حال رکوع کردن ... است ... باینکه اللهم

از اطاعت تو و فرمانبرداری ... اگر چه ... بغیر از کردن نهادن ... ندارم ... این نعمت عظمی

اظهار تواضع ... حمد و ثنا ... بعد از طمانینه بگو الحمد لله رب العالمین با سمع الله لمن حمده الله اکبر ...

و طمانینه و بعد ... مذلت ... و طمانینه بعد از رکوع ... راست ... که اللهی ... طاعت ...

تو اگر چه ... بعد سجده ... آنکه نسبت معاصی ... مغفرة معلوم ... اضطراب زیاد ...

زیاد ... ارم ... و زیاده مذلت علاوه بر سابق ... حمد ... ملیباشد ...

از خاک خلق شده ام سزاوار ... ندارم ... بزرگی سبحان ربی الاعلی و بحمده ... قرار ...

من ... جلالت و عظیم ... و استغفار ... پس اگر ... حاصل شد ...

باشد ... بعد از طمانینه سر ... با تعظیم و کبریا ... باستغفار از معاصی ...

طمانینه و ... اللهی ... برای ذلت و اضطراب ... مذلت ... سجده اول ... باینکه از خاک ...

شده ام و این سجده ... باینکه بعد از خاک ... سر از خاک ... سوال ... و اهوال و احوال قیامت

... از خاک و مغفرت ... که ... معلوم ... با این احوال اضطراب ... رحمة ... این عالم

... مغفرت ... از رحمة اللهی ... شفاعت ... بالله ...

و اضطراب ... شخص ... رفته است ... بعد از طمانینه اول ... رکوع و سجود ...

بار ... با عظمت و کبریا ... مذلت ... علاج ... بار ... اضطراب ... اسلام ...

... شهادتین ... اللهی اشاره باینکه اللهی ... عبادت و قیام و قعود و رکوع و سجود ... قابلیت ...

... که ... خجالت حاصل ... ندارم ... بقلعه محکم شهادتین ... دیگر ...

گوئی اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله یعنی شهادت ... پروردگار واجب الوجود ...

ارسنل

بسم الله الرحمن الرحیم

ترجمة الصلوة و لطایف و اسرار و معانی نماز

پرستش [illegible] واجب [illegible] شکر [illegible] یقین دارم [illegible] واسطه [illegible] اضطراب [illegible] دارم [illegible] اضطراب و توسل به آن محمد و آل محمد

[illegible] شفیعان روز قیامت [illegible] ارحم الراحمین شفیع [illegible] اللهم صل علی محمد و آل محمد چنانکه در هر جا

ذکر رکوع و سجود و بعد از ذکرها [illegible] توسل الصلوات [illegible] سجده و رکوع [illegible]

[illegible]

اسرار الصلاة در حضور و خشوع نماز گزاردن

الصلاة معراج المؤمن ... الله اکبر الاعلی الی ... در باب نماز ... قدر ناکبه است که جلال و معراج است و وارد ...
از جلال و احترام خود ... و قدر و بزرگی نماز پنجگانه که در تمامی عمر ... کند نماز ... الصلاة نماز ...
تمامی قبولی اعمال ... با نماز است ... واسطه مخلوقات عقل کل و نفس کل ... روح ... نماز و لوازم نماز ...
که در جشم ... امام ... و القدس ... در ... نماز و لوازم نماز ... بر ...
و لوازم دین ... در فکر نماز ... جبرئیل آمد طه ما انزلنا علیک القرآن لتشقی ...
قرآن نازل ... این درجه مشقت ... بسیار ... از این جهت ... نماز ...
نزول ... نماز ... این نماز ...
فکر ... نماز ... تألیف این کتاب ... نماز ... قرائت ...
قرائت است که در حالت قیام ... رکوع و سجود ... طمأنینه ... بدن ... عضو ... قیام ...
باطمأنینه باشد اگرچه سلام ... متعلقات ... سلام ... امر ... خروج از نماز ...
بقصد ... سلام ... جمیع ... سلام ... ملائکه ...
است که از اول نماز خیال ... معانی نماز ... جمیع ... حق ... تکلم ... خطاب ... باشد ...
در فکر معانی باشد ... صحیح ... کلمات نماز ...
ناظر ... افعال و اذکار و رکوع و سجود و طمأنینه ... تمامی نماز ... ناقص ... نماز ...
در حدیث معتبر وارد است که هر ... نماز ... عضو ...
... قطع کرده ... نماز ...
... سلطان ... باشد ...
سلاطین ... هر عضو ...
... اما ناقص الاعضاء باشد ...
... نماز ... قطع ...
... نماز ...
... سلطان ... النفاس ...
النفاس ... سلطان ...
...
و ما یجحد بآیاتنا الا الکافرون ...
...
...
...
... قلب ...
غفلت قلب ... نماز ... الائمه ...
... کلمات ... خطاب ...

[illegible] نمازگذار [illegible] قرائت

از رتبة الصلوة و اختصاص علما [illegible]

در قبة الاسلام خراسان [illegible] که دار العلم مرجع [illegible] علوم است [illegible] مذهبی [illegible]

[illegible] علما و فقها [illegible] اظهار اخلاص و محبت [illegible] صرف [illegible] تمامی [illegible]

خاتم النبیین است [illegible] باین نوع [illegible] دشمنان دین [illegible] برانداز [illegible] ترویج [illegible] قرائت

نماز [illegible] علم قرائت و قاریان [illegible] که [illegible] نماز [illegible] قاریان [illegible] عوام [illegible]

جان [illegible] قاریها [illegible] علم قرائت [illegible] محض [illegible] است و قاریان [illegible] علم قرائت [illegible] ترغیب [illegible] تحصیل

[illegible] این [illegible] معتمد و معتبر [illegible] علم و فضل [illegible] این درس [illegible] تعلیم

و الاهیج طایفه این منافقین [illegible] قاریان [illegible] طایفه [illegible] منافقان [illegible]

[illegible] علم قرائت مشغول [illegible] تعلیم قرائت

[illegible] مردم از منافقان [illegible] از منافقان [illegible] قرائت [illegible]

[illegible] در علم قرائت [illegible]

تحصیل علم قرائت است [illegible] نماز و قرآن خواندن [illegible] داشته باشیم

[illegible] لازم است [illegible] علم قرائت [illegible]

[illegible] کلام الله [illegible] ترغیب [illegible] تحصیل علم قرائت [illegible] فضل [illegible] احتیاج [illegible]

[illegible] محقق است [illegible] تمام مردم [illegible] تحصیل [illegible] تعلیم [illegible] علم [illegible]

علم [illegible] دنیا [illegible] فرقه [illegible] دارند [illegible] مسلمانان را [illegible] نماز [illegible]

[illegible] صحیحه [illegible] نماز [illegible] قضا [illegible]

[illegible] شیطانی است [illegible] و شیعه [illegible]

[illegible] در روز ازل [illegible] ارواح [illegible] عالم [illegible]

[illegible] بلکه [illegible] شیطان [illegible]

[illegible] ارشاد مردم [illegible] ترغیب [illegible] نماز [illegible] عوام [illegible]

[illegible] متروک [illegible] عوام [illegible] بسم الله [illegible] ترغیب [illegible]

[illegible] نماز [illegible] عجب [illegible] کلام [illegible] تحصیل [illegible] علط

[illegible] قاریان [illegible] علم قرائت [illegible] متروک [illegible] عوام [illegible]

[illegible] حروف [illegible] قرائت [illegible] نماز [illegible] کافی است [illegible] موافق لسان عرب [illegible]

[illegible] علم قرائت [illegible] شرایط [illegible]

[illegible] عوام [illegible] سبب [illegible]

[illegible] منافقان است [illegible] نماز [illegible] عوام

[illegible] تعلیم [illegible] قرائت [illegible]

[illegible] ترویج [illegible] الناس [illegible]

در علم قرائت کافی است [illegible] کالانعام [illegible] کلام [illegible]

[illegible] تعلیم [illegible] قرائت [illegible] نماز [illegible] عوام [illegible] کلام [illegible]

ارباب کمالات

وفصل چهاردهم از ترجمه الصلوة

قال الله تبارک وتعالی ولقد خلقنا الانسان من سلالة من طين ثم جعلناه نطفة في قرار مكين ثم خلقنا النطفة علقة فخلقنا العلقة مضغة فخلقنا المضغة عظاما فكسونا العظام لحما ثم انشأناه خلقا آخر فتبارك الله احسن الخالقين وقال ايضا ولقد كرمنا بني آدم وحملناهم في البر والبحر ورزقناهم من الطيبات وفضلناهم على كثير ممن خلقنا تفضيلا وقال ان في خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار والفلك التي تجري في البحر بما ينفع الناس وما انزل الله من السماء من ماء فاحيا به الارض بعد موتها وبث فيها من كل دابة وتصريف الرياح والسحاب المسخر بين السماء والارض لآيات لقوم يعقلون وقال يوم ندعوا كل اناس بامامهم فمن اوتي كتابه بيمينه فاولئك يقرؤن كتابهم ولا يظلمون فتيلا وقال ومن كان في هذه اعمى فهو في الآخرة اعمى واضل سبيلا وقال وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد الظالمين الا خسارا

پس باید دانست که این دنیا منزلی است از منازل سفر آخرت باقی مقصود خالق عز اسمه از اکرام و اجلال اولاد آدم [illegible] سلطنت در بهشت ما لا عین رأت ولا اذن سمعت ولا خطر علی قلب بشر داده است و در این وعده مژده عظیم رسالت انبیا و اوصیا و قرآن و کتب و علما و ابرار و اخیار از مراتب یقین وجه تواتر و اما از شیاع گذشته با اختلاف زمان و مکان و ادیان و ملل و مذاهب مختلفه باطله نیز معروف و معترفند که چنان روز بقا و دار بی زوالی در پیش داریم که تهیه و تدارک او در زمان باید کرد و این دنیا منزلی است کثیف و نجس و مردار به منزله یک چشم زدن علاوه بر کلفت چنین عالم [illegible] بلکه پر است از مزید غم و غصه و انواع امراض و بلایا و ابتلا آفات و دار محل [illegible] و اسباب معاصی و تعارض با خالق خود [illegible] در این دار بلا کراهت و لغو کسب است با جواز بعض کلمات و قصص لغو و شنیدن [illegible] حرام [illegible] مع ذلک

۲۲۱ نسبت به خالق اوصیا و سماوات [illegible] چه قدر مخالفت و شرک خفی و کفر معنوی [illegible] که ترک اولی یا مکروه که عدم [illegible] بر من و تو نسبت بنا دادی ما [illegible] و تاکید [illegible] نسبت به خالق فکر کن چه قدر عظیم است که مقربان درگاه حق انبیا [illegible] و مکافات [illegible] موافق حسنات الابرار سیئات المقربین نامل [illegible] است که تمامی [illegible] عمر [illegible] و اعضا و جوارح و عقل و وهم و حرکات [illegible] این دار بلایا و کثافات [illegible] ساعی [illegible] این جیفه [illegible] تمام [illegible] لیکن بیقین و ایمان و اعتقاد جنان [illegible] سلطنت [illegible] این بلا [illegible] تمامی صاحبان [illegible] و ایمان و یقین [illegible] و مستغور [illegible] موافق عقیده [illegible] ابلیس [illegible] و عقیده [illegible] زمان خاتم النبیین و امیر المؤمنین و دشمنان ائمه طاهرین [illegible] راه هر کدام [illegible] و اما اصول دین که اصل دین خاتم النبیین [illegible] و فروع دین [illegible] نماز است [illegible] نماز [illegible] شرایط و آداب [illegible] بلکه نماز [illegible] خاتم الانبیا [illegible] ائمه هدی سلام الله علیهم [illegible] قرب و محبت و مناجات [illegible] پروردگار و اظهار خلوص [illegible] داشتند [illegible] این صورت و شکل نماز نیز شرایط و آداب وارد [illegible] بترک [illegible] و باطل میشود و بعض آداب مستحب و اسباب حسن و کمال [illegible] بدرجه بطلان [illegible] عوض ثواب و فضیلت انواع معاصی تا برسد به کفر و ارتداد و اما شرط [illegible] واجبات مبطله و با [illegible] نماز نیست بلکه تضییع تمامی اعمال و طاعات و عبادات است چنانکه در تفسیر سوره بقره [illegible] مشهور است که نماز عبادتی است که تمامی عبادات [illegible] است [illegible] کمال عبادت [illegible] جامع

از رحمة الصلوات ... بر مراتب ... [illegible] عفانیتمکان

و بعد که چنانکه اگر در تمام عمر ... نماز ... و مغفرة ... صحت ... [illegible]

دلیل اثبات مطالب ... [illegible]

معراج ... [illegible] ... اظهار محبت ... اظهار ... [illegible]

قرارداد ... [illegible] ... اظهار محبت ... علم قرائت ... [illegible]

قابل این خلعت گران مایه ... امیر المؤمنین ... [illegible] ... القرآن ترتیلا ... [illegible]

تفسیر ... علم قرائت ... [illegible]

آداب اسلام و ارکان ... [illegible] ... صحت ... [illegible]

مفید ... [illegible]

با فاتحه ... علم قرائت ... [illegible]

[illegible]

عوام ... [illegible] ... علم قرائت ... [illegible]

شرع و دین ... [illegible] ... بغیر ما انزل الله ... [illegible]

اجتهاد ... [illegible] ... اظهار اسلام

هر کس ... [illegible]

۳۳۲

... حروف در قرائت نماز ... [illegible]

... [illegible] ... الحلال ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... علم ... [illegible]

... [illegible] ... علم قرائت ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... قال الله تعالی فاوحی الیهم ربهم لنهلکن الظالمین

ولنسکننکم الارض من بعدهم ذلک لمن خاف مقامی وخاف وعید واستفتحوا وخاب کل جبار عنید من ورائهم

جهنم ویسقی من ماء صدید یتجرعه ولا یکاد یسیغه ویأتیه الموت من کل مکان وما هو بمیت ومن ورائه عذاب

غلیظ ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

علم و فضل ... [illegible]

... [illegible] ... کلام ... [illegible]

ابلیس لعین بنماز
در راه زدن

ترجمة الصلوٰة در مذمت تأخیر نماز

سر بیست و یکمی از اکابر عظام از حضرت رسول صلی الله علیه و آله از سبب اوقات نماز که بچه کار است سؤال نمود فرمود که اشرف اوقات ...
ملیباشد که از اسباب تقرب هستند میان خالق و مخلوق که در آن اوقات مخصوصه دفع آسمانها شده دعا بلاها و مکاره و حجب ...
آسمانها تفرقه اوان عبادت مخصوص شغل باشند و هوة نماز مانند که کشنده آتش دوزخ است خبر همه بینه در زبان ...
ایشان اوان میلوبه که تأخیر از اوقات مخصوصه بدون عذر شرعی ملکرده و مخالف حضرت واجب الوجود است که ...
نماز وارد شده بی عذر تبیارنه و حدیث من اخر الصلوٰة عن وقتها حبس على الصراط سالون حضانکا ...
و هر سالی کیصد و شصت روز و هر روزی هزار سال با هر روزی که عمر الدنیا الا تأخیر ... این قدر مذموم و مخالف امر اللهی است ...
باطل و طمانینه چه قباحت است و درین ستون شکسته چنانی دین خراب بچه هیبه که ازان کردن با عمارتست در بالای چنانی ستون ...
او و جنت با اینکه امر الهی ... یکدم هم و دائم ... و در معاملات خود ... ذ دقی ملکر و بیدون خطر جمعی ...
این جواهر گرانمایه ستون دین در اینها بدون صرافی کامل که دقت عادل قابل بچه عقل و شعور که خطر جمعی ...
ذخیرهٔ آخرت خود نمائیم که در عالم باقی ... و از انواع گرداب مهالک نجات دهد در وقت گشودن باب التجارت ...
نقود اللهی محضر انبیا کرام و ملائکه و ابرار و اخیار بچه رو احوال و ادای تجارت خود و بازار ... احرت میکشیم ...
نماز متوسلی که قابل پسند تمامی طاعاتست بچه هیبه ... و ... چنان صرافان عارف کامل بروز نمائیم چه عذر و بهانه داریم که ...
بجز اینکه بگوئیم و احسرتا على ما فرطت فی جنب الله ... چه حسرت ... که ...
حسابی ... ساله کبصیل کدم ... با جاهاد ... امام ... امام شده ام بزبان حال شیطان ...
متواتر ... این مواعظ ... و علوم و علم و قرائت ... اطفال ...
... عالم است که از طفولیت ... این ... در وادی غرور ... بزبان ...

قال الله تعالى ... و اما ینزغنک من الشیطان نزغ فاستعذ بالله انه هو السمیع العلیم ...

و نتیجه اولاد اوست ... على الدوام وسوسه برای خاصان ... نه برای فاسق و کافر و مرده ... که ...
بلکه از انبیا و اوصیا ... و اولو العزم حضرت روح الله ... محمد ... سلام ... و ستایش ...
... بزبان ... ولی الله موسی ... محسن ... که ...
بر جمیع مخلوقات ... انسان و حیوانات و جمادات ... بعدل و داد ... همه مخلوقات که در نظر ...
... از خود ... از کوروشل ... این گونه ... مقصود ...
بآنحضرت ... که از مرتبه تقرب تنزل ... حضرت ... کلمات کفر ... ملعون ...
ذات پاک احدیت جل شانه ملیباشد و این همه ... از انعام لطف و کرم و احسان ... مخلوقات ...
ملعون ... چنانکه مردمان ... فطرة ... این لعین ... غرور ... دشمن دام ...
بر پا ... که ... قلوب ... خود ... باشند بانواع مصائب و محن گرفتار نمایند مومن باید همیشه مواظبت ...
و ... نفس خود هشیار باشد که ... با صاف حال و فضل ... علمای معتمدین ...
بعلم و فضل ... حضرت امیر المؤمنین ... و منه ... افقد ... الاستکبار ما هو ترک الطاعة لمن امر بطاعته
والترفع عن من ندبوا الا متابعته یعنی ... استکبار و غرور چه چیز است ... ترک طاعت ...
گردنکشی ... علمای ... معتمدین ... خود ... گرفتار دام غرور ... نماز ...
جان

... نیاز ...

فصل چهارم در اسم اعظم

ارزجه الصلوة والداء صور نماز مومنان هر کدام مشابهند بصورتی دیگر

۲ ۱ ۴ ۲

چنان که فتار که صراف هم مشابه نماز ضرعی حق‌سو با اذکار و قرائت قرائت بتصور مشابه بلکه قراءت سبعه و تعلیم و تعلم قرائت العلم آن

بابیا و شمار و کنایه در رموز عماص و غوص تکفیر نماید مومنان حکیر ان در دل دال گفته نماز و قرائت ضرعی حق‌سو که نماز جه از

استحکام داده الست که واجبات و مستحبات افعال و اقوال و اذکار واجب و مستحب نماز با انواع و اقسام هر فرد بلکه هر حرف کلمات نماز

هر کسی بطور دلخواه خود بدعت کرده بطور یکه از هزار تقریبا یک سواد دکان و بشمار معتقد و نفر بصورت شکل قرائت دیگر

قرائت و نماز هزاره حیص جماعت بیرون مکلفات هر کس از اولاد آدم بشکل صورت دیگر اگر چه برادر باشند فی‌الجمله

بالجمله حد ادله چنانکه فرقه نمای که است که اهل اسلام در نماز حق و دین و مذهب و اسلام و ایمان و احکام و آداب الهی قرآن

و یک ملت و یک شریعت اند به جهة و بطور طریقه یکی دانکار و ما مور انکار در تمامی احکام دین تحریم معتمد و یکی و متفق و یکراه فاین در

آداب و واجبات و مستحبات حتی در صورت لباس و حلال و حرام و جواز و استحباب کلا مامور بیک طریقه آماده رسوم این حق نماز

که عمده شعار است هر کدام بسلیقه خود بطور خود بسته مذهب پرستی هر حرف اثبات کرده و مخالفت با ارکان حاکم عقل و شرع

بعنوان الهی هر کسی قرائت حمد سوره یک نماز با انواع مختلفه خوانده که در هیچ زمانی هیچ مذهب پرستی این کار نکرده اند

چنانی نماز مسجد نماز مسلمانی اسم نهادن چه ثمر که داشته باشد الا وجه قانون حاصر کتب قرائت حساب

معیار و میزان همان نماز است چنانی بایا دلکه که از اول دارا باشیم که در هیچ مذهب و دین این کار نکرده

۳۲۳

و تشبیه باشیم اللهی این جنایات و لعنت و مصیبت عظیم و غرور و کبر شیطانی چرا از علمای خود ما نمار سیده هر عیب و ضلالت

علما علاج و چاره نمیکرده حالت چاره درد بیدرمان ما اینی عسر بن الجر حق و حجة حق چاره گر منصوریت ظهور مولای ما عنوب نفر ناک

زمانه صبری و تحملی نداریم هر چه بکنه و تملکش میزیند دا آزار در نکند و تنگ المتین یعنی اوقد العالم و العالم که هرج و مرج تمامی عالم

که دلیل عمده ظهور حجة الله است و الا باین درجه که علما عیب خود را نه اند و اصلا توجه نه اشته باشند دنداشته که این سنک

علوم و کتب حساب علم قرائت که سنی شیعه مدار صحت اعمال و نماز است چه عیب داشت که اگر بشماران حق کار و

و فساد در مدت میسال اشاره و کنایه در رموز و خیالات کلمات عوام بسند مولوی و ابهام شیطانی بر دانشند که ایها الناس قاری

بسیار افراط نماینه تمیز حروف و کلمات و قرائت نماز کافی است چونکه حق بیچاره که سر رشته نه داشتند که مبادا عارض باشند

شان و شرف ما را برداره باین خیالات اعرابی شرع و دین را برداشته نه تز و شرف نماز را بسنده لکد کوب

خدا و رسول و دشمنی اهلبیت سلام الله علیهم اسرمایه تجارت میزان اعمال خود نمونه باسم ترویج دین خاتم النبیین مرحوم

بروایت معتبر از مومنان جنیان شرفیاب خدمت حضرت رسول و آله داشته عرض که یا رسول الله مدت به است که از فیض حضور مبارک

محروم از عتاب تحیه و سلام حیرانم در سفر دریا قدم نافر فلان دریای محیط در سر صخره صما المبیرا در سجده و مناجات خالق و دم

با حالت خضوع و خشوع که اللهی اگر چه از درگاه تو مردود بیگانه شده ام تو بواسطه رد فرمان واجب الاذعان تو ولی امیدوار از درگاه لطف

قطع نکرده ام امید دارم با کریمی خود روز قیامت تو بحرمت و زینت محمد و آل محمد قسم هم شفیع خود نمایم که کرم تو

بهشت گسترده است بر عدم نا امیدی از عصیان و جملگی مات خود و تمام عوالم محیط است و اهدی مایوس که اینشه سر از

حضرت تعمی کرده نفرموده بلی جنابی است ولی خداوند حکم الملکی از روز تمامی توسل و استحقاق و استظهار و نا امیدی ما شفیع

و ادراک آورده ما اصلا قادر و قابل نباشند و نه اند همه فراموش نماید و خواطر ظلمانی او چنان ظلمات ظلمات نماید که خاطر نفسی

الست که خصوص باین خانه قلب و دل اگر باین ظلمتکده نماند که گشته عمر خود بدون عبادات از اکابر است که اللهم لاتکلنی الی

کاشانه خانه دنیا برای حق معبد نمونه برای روز آخر که حق فضه که بگانه بقا اول قبر با قلب سیاه تاریک ظلمانی زده قبر او روضه من ریاض الجنه

در اقتضای تقدیس شیطان [illegible]

از جمله الصلوة تحقیر ابلیس نماز را

والحاصل تمامی همت ابلیس و رکن انهم معطوف آن کار دین بکفر و ارتداد و اضلال ایشان فرعون است بلکه همه مثل حقوق [illegible] و [illegible]

عبدة و امامت انداز داد و انما مقولست تخریب نماز از جمیع جهات که جان سخن داستان و خطر جلوه [illegible] که مثل [illegible] [illegible]

نماز که از انداز که بهمان نماز تمرین تجاهلک را استناد شود الی النفی بان قد حقق [illegible] نماز که از بسیار [illegible] و حال آنکه [illegible]

معهود است در باب نماز میفرماید: والصلوة لکبیرة الا علی الخاشعین در بزرگی و شرایط آن [illegible] و بزرگتر از این نماز [illegible]

مسئله فراهم کرده نماز گفته شد و در قرآن علاوه بر اینکه تمامی قرآن برای نماز و لوازم و متعلقات نماز است جمع [illegible] در باره [illegible]

صریح باسم صلوة و تاکید حکم صلوة تبلیغ و تعلیم صلوة فرمایند و ضرورت دین برای مسلمین و شیعه باشد مثل توجه [illegible]

انکار و اهانت او [illegible] مستخف بالصلوة و مرتد کرده و اول مرتبه انکار مرتد [illegible] کافر و واجب القتل بود [illegible]

در مرتبه سیم یا چهارم [illegible] و اگر توبه هم نماید قبولش معقول نباشد و در مستخف [illegible] فضای آن کافر مستخف

باشد که امر اللازم گشته و اعظم از این امر اعظم ملت است بلکه انکار مستحبات این نماز مثل استخفاف که از آن

انسان مؤمن کافر باشد که امر بزرگتر از این امر عظیم ملت که جناب امیر امیرالمؤمنین و قاعده دانه [illegible] علاوه [illegible]

که افراط و تفریط آن و اعتدال [illegible] در ملبس الملابس و لباس پوشیدن اینقدر احکام باشد و واجبات و محرمات

و مستحبات و مکروهات آنها را نوشته مشهور نمایند در مجالس و مساجد و اماکن و قواعد و رسومات قرائت نماز [illegible]

و متروک و ملوح نمایند بکلمات رای امروز و فساد چند نفر از عالم صوریان بی دین لامذهب از دان شریعت [illegible]

بالبعض کلمات [illegible] و مبهم عوام فریب [illegible] جماعت برداره که اهل احتجاج قرائت [illegible] مؤمنان [illegible]

۲۲۵

نماز صحیح را محال بنام مردم بی نماز و مستخف بالصلوة و مرتبه از دنیا برده و حال آنکه تمامی اهل سواد مامور به نماز باشد

علم قرائت کامل تا تمیز واجب از بطلان و بدعت و سنت و جواز نمایند نماز که معلوم از واجب و بدعت و غیر [illegible]

تمیز نداشته باشم آیا برادر بی دین لامذهب این جنابان نماز چه اسم که از هم و حال آنکه مؤمن باید در حرکت دادن [illegible]

دست و چشم و زبان و گوش خود و جمیع اعضای خود بداند که این حرکت دست و پا و چشم من واجب است [illegible]

ترک کنم یعنی مؤمن قبل از شروع بهر کار دنیا و آخرت حق معین نماید و بداند که احکام خمسه اصلیه [illegible] ناموافق [illegible]

و اگر بداند کار [illegible] و اطفال بی تمیز است اگرچه در انکار منافع کثیره هم حاصل شود نزد عقلا مذموم [illegible]

راه [illegible] نابلد است که هر قدر بیشتر رود از مقصد دورتر خواهد [illegible] و دلیل [illegible] جمیع ذلک [illegible] علم قرائت

و و [illegible] صحت و بطلان و سنت و بدعت و کراهت و جواز در رسوم و جواب و به نماز و قرآن خواندن و فرق [illegible]

نکاح و طلاق و تمامی احکام شریعت خاتم النبیین صحت عقود و ایقاعات و صحت بیع و شرا و صلح و هبه و سایر عقود

با میزان و قرائت صحیح چه عیب داشت که بکلمات رای امروز مبهم قاریان و علم قرائت و مباحثه [illegible] نماز [illegible]

محض برای رضای شیطان و خدمت و لشکر خناس الذی یوسوس فی صدور الناس و تبعیت منافقان قدیم دین و دشمنی خدا

و بغض و عناد اهل بیت خاتم النبیین چه حاصل و ثمره داشت و در آخرت چه کار است خواهد [illegible] منافقان قدیم [illegible]

[illegible] چرا تا مال نمایند بلی ثمره نقد در دنیا [illegible] که بر حق این منافقان [illegible] این بدعت که از علم قرائت [illegible]

در ترس بروز خط حق که مبادا [illegible] و عزت [illegible] ایشان صدمه برسد این همه فساد و بدعت عظیم را [illegible]

ادا که مال و ما حصل و فرمانفرما و عالم بوده [illegible] باعتماد جماعت رضه لنفو کار عوام الناس [illegible] و خوش آمد که در آخرت [illegible]

و مجازات [illegible] که دوزخ است [illegible] ازیش النظار [illegible] و بین [illegible] و در تقرب [illegible] کالمعدوم [illegible]

[illegible] بنظر و [illegible] و لا [illegible] نماز و الفصیح [illegible] برادران ابلیس کار سهلی است چه قدر [illegible] بنظر [illegible] در [illegible]

ابلیس

ملا اباه اعرض

معزول معتبر

فصل چهاردهم از ملا رسم

رسم الصلوة و تغییر نماز بتدریج از علمای ۱۲۰۱

این معنیات النفس الاماره بالسوء مزار هنگامی شریح قاضی بواسطه حب دنیا و ریاست دنیا [illegible] ما عمارت ...

زنان دنیا و اولاد فتنه و حب دنیا و رشوت ظرف [illegible] مردم ... نماز ها را ساخته که این زمان فتنه ها

دلالت میکرد [illegible] بسلیقه ها علاوه شده است بناء که اکثر منافقین سابق هرچند تنگ کردند نماز و قرائت نماز

جماعت تغییر نکرده تا منافقین این زمان کار بجای آورده اند ... تغییر از نماز و قرائت نماز قاطعه ...

هرج و مرج تمام باقی مانده [illegible] بتدریج رخنه انداخته اند ... قاریان اعلام قرائت و نماز صحیح موافق علم

برداشته نماز ضرائجی حقوق ... در جای آن محکم جاهلان ثابت در قرار نهاده و تعلیم نماز قدیم صحیح با علم قرائت

ارقام و امل ضرر حفظ کرده اند ... تا کسی لعقد ... عجب تر آنکه علمای سابق [illegible] تخریب

میدانستند [illegible] علمای زمان ما چنین کلاه ... ترویج ... علم قرائت [illegible] قاریان و علم

قرائت و مباحثه نماز و صحت نماز ... نماز ... غلط ... آن ... نهاده ... علمای ...

بسیار عجیب است ... محقق است ... ترویج دادن کار ... الواط ... ملامتی ...

اکثر عوام الناس عمل کرده ... تخریب و تغییر عالم ... تغییر نماز ... از عالم ... معنی

شده ... عوام ... من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل

عن سبیل الله فبشرهم بعذاب مهین ... ملاحظه ... سایر ... ایران ...

انسان در معاش و معاد اگر این طور ... استخفاف نماز ... تمام ... تبدیل

۲۲۶

نماز ... کایات کافر کردند ... وضع دنیا ... کار ... امدند ... کایات

اسلامیت و ایمان ... وراثت ... لوازم ... رحمت ... تعلیم

مگر معصوم ... آن لسان ... اگر چه صاحب سواد ... مترک

که اگر ... غلط باشد ... نماز غلط ... چه ثمر دارد بلکه در حقیقت ...

بالکفار ... استخفاف نماز بلکه استخفاف ... از این رسم استخفاف نماز صاحبان

در این زمان ... چه قدر ... از اجله علمای عاملین نقل کرده که در عالم ... و هرم ... هر شاه ...

نماز جماعت ... ملاحظه نمایم تمامی ماموسیان و امام هر فرقه ... دارند ...

علیه ... دیگر مردم ... یک امام و ده نفر ماموم ... ایشان ...

بالتعجب تمام ... امام ... ماموسیان ده نفر ... از تعبیر این خواب هم حیران ماندم اگرچه ... دلیل ... تعجب

و این خواب موافق حقیقت ... موافق ... مناسبت مطلب نوشتم مقتضای مذهب ...

... علمای ... دشمن ... عناد اهلبیت رسول ... قرآن خوان ...

شمشیر ... امیر المؤمنین ... روز عاشورا ... کربلا ... سید الشهداء ... آل فاطمه ... علیهم السلام ...

... نماز جماعت ... قاضی ... امام زمان ... خراب ...

خراب زمان ما در علمای ... قرائت ... قاریان و علم قرائت تعلیم و تعلم این علم ... تغییر ... فساد

فتوی قرار دادند ... کتب و علوم قرائت ... کتب علما ... بعد از چند سال آثار ...

چنانکه از قاریان ... کتب قرائت ... بسیار نادر ... استاد ... چند ...

وقال الله تعالى خطاب لعلمای بنی اسرائیل و لا تلبسوا الحق بالباطل و تکتموا الحق و انتم تعلمون و اقیموا الصلوة و آتوا الزکوة و ارکعوا

مع الراکعین اتامرون الناس بالبر و تنسون انفسکم و انتم تتلون الکتاب افلا تعقلون و استعینوا بالصبر و الصلوة

نماز کیمیا است لک
درمان دردان

از رحمة الصلوة شرف ورزید

والها لکبیرة الا علی الخاشعین الذین یظنون انهم ملاقوا ربهم و انهم الیه راجعون [illegible]

این همه تاکید است [illegible] از [illegible] و سعادت است [illegible] صادق جبار [illegible] نماز [illegible]

راضی باشد یا با ما طرافت [illegible] نعوذ بالله [illegible] ارمکافات [illegible]

[illegible] استبعاد نباشد [illegible] روز [illegible]

[illegible] و عبادات [illegible] آیات قرآنی برای وعده و وعید [illegible] نازل شده است

[illegible] ضایع [illegible] عقوبت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] الحدیث الاسلام بنی علی خمس الصلوة و الصوم و الزکوة و الحج و الولایة [illegible] نماز [illegible] اسلام است

[illegible] امیر المومنین [illegible] نماز و اسلام [illegible] و ولایت [illegible]

[illegible] والایمان علی ثلثة الاعتقاد بالجنان و الاقرار باللسان

والعمل بالارکان و قال الله تعالی یا ایها الذین امنوا استعینوا بالصبر و الصلوة [illegible]

[illegible] نماز [illegible]

نماز [illegible] تغییر قرائت نماز [illegible]

[illegible] امیر المومنین [illegible] نماز [illegible] و انها لکبیرة الا علی الخاشعین [illegible]

نعمت عظیم [illegible] معراج [illegible] جواهر [illegible]

[illegible] ان الله مع الصابرین [illegible]

الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر [illegible]

العبادات و معراج المومن و مناجات رب العالمین [illegible] طس تلک آیات القرآن و کتاب مبین هدی

و بشری للمومنین الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم بالآخرة هم یوقنون الذین لا یؤمنون بالآخرة

زینا لهم اعمالهم فهم یعمهون اولئک الذین لهم سوء العذاب و هم فی الآخرة هم الاخسرون و زین لهم الشیطان

اعمالهم فصدهم عن السبیل فهم لا یهتدون و قال و من جاء بالسیئة فکبت وجوههم فی النار هل تجزون

الا ما کنتم تعملون و قال الاخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدو الا المتقین و ان الظالمین بعضهم اولیاء بعض

و قال ایضا یا ویلتی لیتنی لم اتخذ فلانا خلیلا لقد اضلنی عن الذکر بعد اذ جاءنی و کان الشیطان للانسان خذولا

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ترجمة الصلوة [illegible]

[illegible] متعلق [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مبرد منافق [illegible] میان ملائکه [illegible] [illegible]

از دست [illegible] باسم ترویج دین [illegible] اسلام [illegible] فانم النساء [illegible]

و همیشه در قرآن میخوانند ان المنافقین فی الدرک الاسفل من النار علاوه بر همه این منافق [illegible] علم قرائت [illegible]

چه منفعت باسلام و ایمان رسانیده [illegible] علم قرائت [illegible]

بجز اینکه اطفال [illegible] احتیاطی خوب [illegible] علم قرائت [illegible]

نماز [illegible] قال الله تعالی انما تنذر الذین یخشون ربهم بالغیب و اقاموا الصلوة و من تزکی فانما

یتزکی لنفسه و الی الله المصیر [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

در فاتحه در قانون صحت نماز و قرآن [illegible]

[illegible] خصوص عالم باشد که تمامی حرکات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

۳۳۹ ان النفس لامارة بالسوء [illegible]

[illegible] کالانعام بل هم اضل [illegible]

باب چهارم از ترجمة الصلاة در لزوم اساس صحت نماز و قرآن خواندن

[illegible]

[illegible]

[illegible] تکبیرة الاحرام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

قرآن خواندن

در مبطلات از جهة الصلوات کلیات نماز

۲ ۱۰

[illegible] ... ظاهر بعضی جعفی ... [illegible]

[illegible] ... بالصبر و الصلواة و انها لکبیرة الا علی الخاشعین ... [illegible]

[illegible] ... در کتاب شریف من لا یحضره الفقیه مذکور است که معویة بن وهب از حضرت ابی عبد الله علیه السلام سوال کرد از افضل

آنچه بنده ... [illegible] ... نزد خدای تعالی ... [illegible] ... ما اعلم شیئا بعد

المعرفة افضل من هذه الصلواة یعنی بعد از معرفة الله چیزی را بهتر از نماز نمیدانم و در فضیلت نماز همین بس که در اخبار

وارد است که الصلواة معراج المؤمن ... [illegible] ... الصلواة تنهی عن الفحشاء والمنکر و الصلواة عمود الدین و اول ما

به الانسان الصلواة و استعینوا بالصبر و الصلواة و انها لکبیرة الا علی الخاشعین ان قبلت قبل ما سواها

و در قرآن ذکر و تاکید و تصریح صلواة ... [illegible]

و این نماز ... [illegible] ... مکلف ... [illegible] ... ادای کلام ... [illegible]

... [illegible] ... من قرء القرآن لحنا بغیر عذر فکلما ... [illegible]

... [illegible] ... لا صلواة الا بفاتحة الکتاب ... [illegible]

بلکه با سایر آداب و واجب ... [illegible]

شخص در نماز اخلال نماید ... عمداً یا جهلاً نماز باطل است ... [illegible] ... بالصلواة ... اخلال بحرفی باشد

... [illegible]

از علم قرائت
عدم انفصال

صحابه بعضی غلطها

در اشاره بعضی غلطهای باطل کننده نماز

اخیر مخارج مفرده منقوله متواتره است پس هرگاه عین را از مخرج قاف یا بالعکس یا ضاد را از مخرج ظا یا بالعکس ادا نماید نماز باطل است قطعا

صواب است که مراعات صفات مفرده عربیه چون جهر و همس و استعلاء و اطباق و نظایر آنها شرعا واجب نیست بلکه از جمله مستحبات

مگر آنکه تمیز حروف بدون آن نشود و در تکبیرة الاحرام نهایت احتیاط لازم است مراعات باید داشت [illegible] وسواس [illegible]

اکثر مردم مبتلا هستند در اول تکبیرة الاحرام که فی الجمله طریق احتیاط ذکر شد که بسی از محققین علما [illegible] مردم است در اکثر [illegible]

بی استادی وصل کرده که همزه الله اشباع شود و فتحه الف [illegible] همزه [illegible] با ضمه الله اشباع کرده واو حاصل [illegible] و بسیاری از علمای [illegible]

و مغیر معنی هم کرده که [illegible] و بطلان نماز دارد و ضمه [illegible] و با این چهار عیب مبطل علمای [illegible]

عادت و ملکه راسخه دارند که بکلی [illegible] دست [illegible] بعد از چندین روز دیده ام که بعادت مقرری حرف غلط [illegible]

اکثر را عادت مقرری است که تای بسم الله و کسره جر اعوذ بالله را بفتحه صرف خالص میخوانند یا بکسره نون الرحمن الرحیم حمد [illegible]

بعلما [illegible] علاج نشده [illegible] آنکه مشق دهم اگر [illegible] عادت بغلط و لحن جلی [illegible] رسوخ و ملکه کرده [illegible] مراد از این مقاله آنکه مطالعه [illegible]

چون مطالعه زاد للمعاد و مفتاح هر روز و هر شب برای طالبان و عاشقان صحت نماز و معرفت مسائل نماز دانسته کامل صحت کل [illegible]

واجب و لازم است زیرا [illegible] نگذارند مثل ختم قرآن از [illegible] زیرا که بدون نماز تمامی اعمال [illegible] و باطل است لهذا صیغه [illegible]

که [illegible] کسی [illegible] بکرات از علما طلب [illegible] نه بر غیر اهل لا [illegible]

344 پس مدار و قرار در قرائت بر استقرار و استعمال عرب و معتبر در تلفظ حروف است که در حین تلفظ هرگاه اهل لسان بشنوند [illegible]

حروف تلفظ شده اگر چنین نباشد حکم به بطلان است و لیکن قائل و صحیح دانستن بی دلیل و حجت بی علم قرائت [illegible]

لسان [illegible] مسامحه و مسامله در امر دین [illegible] اهل لسان مشکل [illegible] کامل است [illegible] از تکمیل علم قرائت [illegible]

حفظ [illegible] قاریان [illegible] در ایام [illegible] دیگر با اکثر قرا و عامه و خاصه و استادان [illegible] در اصفهان و طهران [illegible]

و [illegible] و مکه و مدینه و حجاج [illegible] و بخارا تمامی [illegible] در رفاقت [illegible] انتخاب [illegible]

[illegible] زیرا که شیخ عبد الرحیم تبریزی که سلطان القراء [illegible] بواسطه [illegible] از کفتن [illegible] اختیار کردم [illegible]

[illegible] استادان بسیار [illegible] عیوب [illegible] بعد از سی سال عیوب [illegible]

مبتلا هستند [illegible] که قاریان [illegible] در یک اسلوب [illegible] و قاریان عامه [illegible] یک اسلوب [illegible]

میخوانند بواسطه آنکه تحقیق و تدقیق در علم قرائت [illegible] که تمام عمر صرف [illegible]

چنانکه اگر [illegible] خوانند [illegible] اهل مکه و مدینه [illegible] یک استادانند چنانکه [illegible]

بلکه [illegible] که همگی یک اسلوب [illegible] بواسطه [illegible] تمامی علمای [illegible]

هر یک [illegible] طور و طریقه [illegible] قرآن خوانی و اذان [illegible]

و تمامی استادان ایران [illegible] و وقف [illegible] خصوص [illegible] علم قرائت [illegible]

[illegible] بی وقف [illegible] با نماز غلط صرف [illegible] و دیگران حکم صحت بر نماز [illegible] قرائت [illegible]

علم [illegible] قطع [illegible] نماز غلط باطل [illegible]

لهذا حکم خلاف ما انزل الله [illegible] بالفضل [illegible] هر که [illegible] و هو ان کل ضعیف فی عقله [illegible]

و علمه یظن انه یقلد علماء [illegible] دقایق القواعد کلها وانه من العلماء والقراء [illegible] و یغرقون فی بحر

الجهالة الا من حیث لا یشعرون شعر [illegible] اگر [illegible]

نماز رکنی است از ارکان اسلام و صحت آن موقوف است به صحت قرائت و صحت قرائت موکول است به علم تجوید [illegible]

[illegible]

در لزوم عالم ... قت

در ثواب و فضیلت تلاوت قرآن خواندن

ای صاحب کمالات عبادات [illegible] سعادت ابدیه باعث [illegible] عبادت [illegible]

[illegible] علم [illegible] وصف [illegible] [illegible] [illegible]

رفع [illegible] عالم [illegible] علوم [illegible]

[illegible]

[illegible] حقیقت

[illegible]

[illegible]

[illegible] ظلم

[illegible]

[illegible]

[illegible] قرآن [illegible] آب فرات [illegible]

[illegible]

باب اول و فصل اول / ارباب چهارم

۳۴۲

باب اول در فضیلت قرآن خواندن و حمل آن و بیان معنی و رتل القرآن ترتیلا [illegible]

اگر چه زبان [illegible] قلم از تعداد مدایح و فضایل آن [illegible] لکن [illegible] ما لا یدرک کله لا یترک کله

والمیسور لا یسقط بالمعسور بقدر قلیلی از آن [illegible] از حضرت رسالتماب صلی الله علیه و آله منقولست [illegible] یا سلمان

[illegible] مؤمن قرآن خواند [illegible] خدای تعالی [illegible] نظر رحمت [illegible]

[illegible] خدای تعالی ثواب [illegible] تبلیغ رسالت [illegible]

[illegible] قرآن [illegible]

[illegible] قرآن [illegible]

[illegible] قرآن [illegible]

[illegible] افضل عبادة امتی قراءة القرآن [illegible] و عن امیر المؤمنین ع من

من القرآن خیر له من ثبیر ذهب و عن امیر المؤمنین ع قال رسول الله صلی الله علیه و آله القرآن فی الصلوة افضل من قراءة القرآن فی

غیر الصلوة و قرائته فی غیر الصلوة افضل من ذکر الله و ذکر الله تعالی افضل من الصدقة و الصدقة افضل من

الصیام و الصیام جنة من النار و قال رسول الله صلی الله علیه و آله یا سلمان المؤمن اذا قرء القرآن

فتح الله علیه ابواب الرحمة و خلق الله بکل حرف یخرج من فمه ملکا یسبح له الی یوم القیمة فانه لیس شیء بعد تعلم

العلم احب الی الله من قراءة القرآن و ان اکرم العباد الی الله بعد الانبیاء العلماء ثم حملة القرآن و فضل القرآن

علی سایر الکلام کفضل الله علی خلقه و قال صلی الله علیه و آله یا سلمان علیک بقراءة القرآن فان قرائته کفارة للذنوب

و ستر من النار و امان من العذاب و یکتب لمن یقرؤه بکل آیة ثواب مائة شهید و یعطی بکل سورة ثواب نبی

و تنزل علی صاحبها الرحمة و تستغفر له الملائکة و تشتاق الیه الجنة و رضی عنه المولی [illegible] یا سلمان

[illegible] قرائت قرآن [illegible] قرآن کفاره [illegible]

[illegible] ثواب صد شهید [illegible] رحمت خدا [illegible] استغفار [illegible]

[illegible] قرآن [illegible]

اوالاد قاری
قاری نعلا [illegible]

در فضیلت تلاوت قرآن و ثواب والدین

۳ ۶ ۲

[illegible] وحی نازل شد در روایت است که حضرت [illegible] فرمود که قاری قرآن از مهتران و بهتران [illegible]

[illegible] ازل است [illegible] خدا [illegible] قرآن [illegible] و او [illegible]

[illegible] قرآن [illegible] در نماز [illegible]

[illegible] ده حسنه [illegible]

و هر که ختم کند قرآن [illegible] مستجاب [illegible] و در تفسیر امام [illegible]

[illegible] قرآن [illegible] نعمت در [illegible]

[illegible] قرآن بخوان بالا رو که منزل تو [illegible]

[illegible] عزت [illegible] این شرف [illegible]

[illegible] تعلیم قرآن [illegible] از حضرت صادق علیه السلام منقول است [illegible]

[illegible] علم [illegible]

[illegible] مصحف [illegible]

[illegible] تا روز قیامت [illegible] اقصی [illegible]

[illegible] در هر لحظه چندین هزار کور و کر حقیقی بینا و شنوا توانند شد و در هر زمان [illegible]

[illegible] تشنه لبان [illegible] دریای آن می‌شنیدند یعنی مقفی المرام [illegible]

سلیمانی [illegible] نغمه عندلیب جان فرح افزا [illegible]

جانان [illegible] وصال یار اگر خواهی [illegible] ببین بی‌نقاب [illegible] قرآن [illegible] ذکر [illegible]

دل [illegible] وصال [illegible] لیلادار [illegible] جان [illegible] عذرا [illegible] حقیقت مطلب [illegible] معلوم است [illegible]

[illegible] در تصنیف صنوف حقایق و تالیف الوف دقایق هر علمی [illegible]

از چهره عرایس نفایس آن [illegible] ساکنان جهان [illegible] از علوم و اسرار قرآنی [illegible] غیب [illegible]

مخفی و مستور داشته [illegible] محرمان حرم و ما یعقلها الا العالمون و خازنان کعبه و ما یعلم تاویله الا الله

والراسخون فی العلم [illegible] از علوم [illegible] نقاب حجاب [illegible]

[illegible] کلام الله [illegible] امواج بحر مواج فصاحت

و [illegible] قابلیت [illegible] حقایق آن [illegible]

چنانچه [illegible] بعوض البحر من طلب اللآلی هر که [illegible]

[illegible] در کتاب حقایق الحق [illegible] کلام اللهی [illegible] هزار مرتبه [illegible]

[illegible] نظم [illegible] صاحب دلیست [illegible]

[illegible] ترتیل و تجوید [illegible] تصحیح [illegible] در نماز [illegible] حرفی [illegible]

از علماء [illegible] غرض و فساد [illegible]

مجتهدین [illegible] قرائت نماز [illegible] یکی از قراء سبعه [illegible] بهتر است [illegible]

[illegible] یکی از قراء سبعه [illegible] صحیح است [illegible] ما خالف العامه [illegible] این علم شریف [illegible]

[illegible] نماز [illegible] علم و فضل [illegible]

[illegible]

[illegible]

فتوای علم
در وجوب و لزوم علم قرائت و تجوید و دین

۲ ۱ ۳

در بیان آنکه تحصیل علم قرائت و تعلیم و تعلّم آن بر هر مسلمان لازم است [illegible] و ایضاً فرموده الترتیل حفظ الوقوف

و ادا الحروف و [illegible] الترتیل تجوید الحروف و معرفة الوقوف [illegible] حضرت امیر المؤمنین

سؤال نمودند از معنی ترتیل فرمود بیّنه تبییناً یعنی حروف [illegible] جدا جدا [illegible] منفرق

[illegible] منفرق ساختن [illegible] ولکن [illegible] حروف [illegible] تا حرف

[illegible] و ایضاً از حضرت امیر المؤمنین سؤال نمودند از معنی ترتیل قرآن فرمود حفظ وقوف است یعنی وقف تام و وقف قبیح و وقف حسن

و کافی و بیان مخارج حروف یعنی ادا حروف با صفاتی که معروف است و معتبر از همس و جهر و اطباق و استعلا و استفال و غیر ذلک بیان اینها

وقیل الترتیل هو حفظ الصوت والتحزین بالقرآن و ایضاً معنی ترتیل [illegible] معنی ترتیل آید حفظ وقوف و ادای صفات

از مخرج [illegible] حروف و لازم است ترتیل و تجوید و تبیین الفاظ و کلمات و [illegible] فصیح و شیرین و ملیح

[illegible] کلام بالنظم [illegible] الاخذ بالتجوید حتم لازم من لم یجوّد القرآن فهو آثم لانه به الاله انزلا

وهکذا منه الینا وصلا وهو ایضاً حلیة التلاوة و زینة الاداء فی القراءة یعنی [illegible]

و هر که [illegible] تصحیح الفاظ قرآن [illegible] فصیح لفظ عجمی قبیح [illegible]

و وقف [illegible] سلیقه [illegible] در تلاوت و قرائت [illegible] تفهیم معانی قرآن [illegible]

هم چنان مامور است به تصحیح الفاظ و حروف آن [illegible] علیه السلام [illegible] بعضی [illegible]

با امام عادل [illegible] قرائت [illegible] [illegible] باشند [illegible]

در [illegible] الله [illegible] کامل [illegible] والذین جاهدوا فینا لنهدینهم

سبلنا [illegible] استکبار و استنکاف [illegible] از وجود خود [illegible]

[illegible] شریعة مستقیمه هدایة [illegible] نظم گر علم [illegible]

[illegible] زبان [illegible] بس [illegible] معرض المیت [illegible]

[illegible] چنانکه در میان [illegible] این سلسله علیه معروف است [illegible]

بی تدبیر و بی تامل [illegible] و بی علم با حکام شرعیه [illegible] دراز [illegible] ناحق [illegible]

[illegible] این امر عظیم و خطب جسیم [illegible] اعتبار حفظ [illegible]

عوام کالانعام [illegible] عالم و فاضل [illegible] امامت [illegible] تعلم و تلمذ [illegible]

[illegible] مجالس اهل علم و فضل قرائت [illegible] شرع [illegible] یقیناً

[illegible] رحم الله امرأ عرف قدره ولم یتعدّ طوره [illegible]

زهد و تقوی [illegible] علم [illegible] و اتقوا الله ویعلمکم الله [illegible]

چون مستعد امامت [illegible] طریق [illegible] العمر

[illegible] سالها [illegible] تعلم [illegible] استعداد [illegible]

[illegible] شعر [illegible] کل مرغ [illegible]

وعن الصادق [illegible] انه سئل ما حق الله علی خلقه فقال ان یقولوا ما یعلمون ویکفوا عما لا یعلمون و قال علیه السلام ایضاً انما

[illegible] علیکم ان تقولوا الشیء [illegible] والاخبار فی هذا المعنی [illegible] علیهم السلام اکثر من ان تحصی [illegible]

[illegible] عالم [illegible]

فصل اول [illegible]

در اشاره بمذمت نااهلین علم و تحقیق تعلیم

[illegible] منصب علامه [illegible] ملقب بالقاب [illegible] بطلاب [illegible] مردم [illegible]

[illegible] شرط [illegible] علم قرائت [illegible] از طفولیت [illegible]

[illegible] مسند [illegible] خواندن [illegible] جمعی مردم [illegible]

[illegible] علم [illegible] آموخته [illegible] من [illegible] وضع [illegible]

منع [illegible] ظلم [illegible] کل ذی حق حقه [illegible] مصلحت [illegible] قدر [illegible]

[illegible] علم قرائت [illegible] علم قرائت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] عادت [illegible] استعمال [illegible]

[illegible] علم [illegible] نتیجه [illegible]

یا اباذر [illegible] من ابتغی العلم لیخدع به الناس لم یجد ریح الجنة یا اباذر اذا سئلت

عن علم لا تعلمه فقل لا اعلم تنج من تبعته و لا تفت الناس بما لا علم لک به تنج من عذاب الله یوم القیمة

[illegible] صحیح [illegible]

[illegible] نظر [illegible]

[illegible] جواب [illegible]

[illegible] محملاً لازم [illegible] استاد [illegible] تعلیم [illegible]

[illegible] معصیت [illegible]

[illegible] معصیت [illegible] حدیث [illegible] من [illegible] القرآن

[illegible] قرآن [illegible] تضییع [illegible] کفر [illegible] قرآن از استاد [illegible]

[illegible] قراء سبعه [illegible]

[illegible] عادل [illegible]

[illegible] اسلام [illegible] کافر [illegible] معتبر [illegible] عادل [illegible]

[illegible] حدیث شریف [illegible] قرآن [illegible]

و القرآن [illegible] و ایضاً [illegible] العلم [illegible] و ایضاً [illegible] القرائة سنة یؤخذ من افواه

الرجال [illegible] خذ العلم من افواه الرجال [illegible]

[illegible] قرآن [illegible] شرط [illegible]

[illegible] کلمات [illegible] حروف

[illegible] العلم من افواه الرجال

و در

فصل اول از باب چهارم

[illegible] و ترک نمازها

نباشد وجود فسادها و عمومی عیب [illegible]

در فرمایش امیرالمؤمنین که جامع علم قرائت تامل و تفکر باید و رتل القرآن ترتیلا قال الترتیل تجوید الحروف و معرفة الوقوف کلام الملک
ملوک الکلام تمامی کتب قرائت و علم قرائت در این دو کلمه جواب [illegible] و نظام حروف قرآنیه [illegible] حروف با
چنانکه تمامی قرآن با این حروف مرسوم و قواعد تجوید ها که محل [illegible] متصل [illegible] دیگر [illegible]
ارکان و حروف و عبارت [illegible] و حلال و حرام [illegible] این دو کلمه [illegible] که لازمه علم شریف قرائت
که از عمده ارکان علم فقه [illegible] این علم علم [illegible] است [illegible] اعظم صحت نماز و تمامی [illegible]
الکثیر [illegible] صحت [illegible] نماز [illegible] و ترک [illegible] [illegible] الاکبر الاعظم [illegible] نایب [illegible]
نایب [illegible] و رتل القرآن ترتیلا که صحت نماز و قرآن خواندن صحت تمامی عقود و ایقاعات
و امور اسلام و مسلمانی نکاح و طلاق و امور [illegible] و مرده ها و نمازها بسته بوجود صحت علم قرائت است [illegible]
علم قرائت وجود نمازها [illegible] ابلیس [illegible] ترک [illegible] شیطانی [illegible] محسوس است [illegible]
از علم قرائت [illegible] ابلیس [illegible] عالم صورتان معنی [illegible] که [illegible] از فضلا [illegible] شیطان [illegible]
در [illegible] علم قرائت [illegible] عالم [illegible] نمازها [illegible]
از [illegible] العالم [illegible] العالم [illegible] نمازها [illegible] موافق [illegible] شرع [illegible] این [illegible]

و [illegible] ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر [illegible] نماز [illegible]
و برداشته [illegible] صحت نماز [illegible] محتاج [illegible] محتاج [illegible] که علما [illegible]
[illegible] کلمه کلام [illegible] قلب شیطانی برداشته [illegible] یعنی [illegible] فارسی [illegible]
[illegible] ابلیس چنان برداشتند که منافقین قدیم این کار [illegible] منافقان [illegible] شیطان [illegible] ذلک
منافقین زمان [illegible] و طعن [illegible] که این [illegible] اسلام [illegible]
چنان تصور [illegible] که از اواسط [illegible] نمازان [illegible] علما [illegible]
[illegible] کلمه [illegible] یا ایها الناس در علم قرائت [illegible] حروف کافی است [illegible] این کلمه [illegible] عوام [illegible]
[illegible] و [illegible] بالله [illegible] شرح [illegible] منافقان [illegible]
و ائمه اطهار [illegible] از محبت آل محمد سلام الله علیهم اجمعین [illegible] محبت [illegible] دین [illegible]
[illegible] دین [illegible] زمانی [illegible] هزار [illegible] نور اللهی [illegible]
[illegible] منافقین [illegible] این کار شیطانی [illegible] فکر کن که [illegible] شیطانی [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] علمای [illegible] شرع محمد صلی الله علیه و آله [illegible]
الفقه و کتب قرائت [illegible] علم قرائت موجود [illegible] زمانی [illegible] شیطانی [illegible] شرع [illegible]
[illegible] چنانکه [illegible] نور اللهی [illegible] لباس [illegible]
بر قامت [illegible] الاسباب [illegible] ملحق [illegible]
چنانکه [illegible] اواسط عوام الناس [illegible] انواع فساد [illegible] اسلام [illegible]
[illegible] سال [illegible] انواع فساد [illegible] کردن [illegible]
توانسته [illegible] ناکسان [illegible] با وجود قانون محکم قرآنی [illegible]
[illegible] از نتایج این فساد [illegible] ترک قرائت و صحت نماز [illegible] عالم [illegible] عظیم و ترک نمازها
[illegible] نماز [illegible] شرع [illegible] برداشته [illegible] ثالث [illegible]

با فاتحه و [illegible] کهف

در فضایل و ثواب خواندن قرآن و نماز

۲۸۷

فضل صحابه [illegible]

[illegible] نماز [illegible] الکبیرة الاعلی [illegible] امیر المؤمنین و صحبت این نماز عالم قرائت [illegible] حامل القرآن [illegible]

[illegible] بزرگ [illegible] در انظار ما [illegible] ان [illegible] دیدیم [illegible] نماز [illegible] قرائت [illegible] علم قرائت [illegible]

[illegible] مطابق اصطلاح [illegible] که [illegible] مستحب [illegible] نماز و علم قرائت [illegible]

[illegible] بیقین [illegible] و حمل بصحت [illegible] اصل [illegible]

ظلم و فساد عوض [illegible] نماز [illegible] قرائت [illegible]

[illegible] مدارک کل احکام الله قرآنست بعضی صریح بعضی باشاره و کنایه و لطایف [illegible]

تا قیامت برای [illegible] که [illegible] درجات عالیه [illegible]

[illegible] که [illegible] القرآن معادل ثواب [illegible] ثواب [illegible]

[illegible] قرآن جناب اقدس الله نظر رحمت [illegible] عطا فرماید [illegible] و صراط [illegible] قرآن [illegible]

[illegible] فرماید [illegible] ثواب [illegible] تبلیغ رسالت [illegible] قرائت کتب جمیع کتب [illegible] انبیا [illegible]

بر آتش [illegible] حدیث [illegible] ما من شفیع افضل منزلة عند الله من القرآن یوم القیمة لا نبی و لا ملک و لا غیره [illegible]

[illegible] قرآن خوان [illegible] اللهی [illegible] درجات عالیه بیشمار [illegible]

[illegible] قرآن خواندن [illegible] و ارفع [illegible] چه قدر [illegible] درجه [illegible] تمام دنیا [illegible]

[illegible] بار تعجب [illegible] عشر [illegible] خطاب [illegible] تعجب [illegible]

[illegible] درجه [illegible] بالا رود تا برسد در مقام قاب قوسین او ادنی [illegible] اللهی [illegible]

[illegible] من تو [illegible] شنیدم [illegible] حضرت [illegible] فرماید

[illegible] خواندن سوره طه و یس [illegible] لذت استماع صوت خدا [illegible] دنیا [illegible]

لذت [illegible] اللهی لذت [illegible] خواندن [illegible] لذت [illegible]

[illegible] نظر [illegible] جناب اللهی [illegible] در عالم حیرت و بیهوشی [illegible] لذت [illegible]

[illegible] سال در آن ملاحظه و لذت [illegible]

[illegible] اللهی [illegible] فراق [illegible] محروم [illegible]

[illegible] لذت [illegible] اللهی [illegible] در لذت [illegible]

[illegible] حوریان جنان [illegible] ملاقات

[illegible] ملاحظه [illegible] معانقه ایشان [illegible] سال [illegible] زیاده [illegible]

[illegible] ملال [illegible] انسان [illegible] دارد [illegible]

[illegible] عالم [illegible] از معانقه و ملاقات [illegible] جسمانی [illegible]

[illegible] نعم بهشتی [illegible] زبان و لسان [illegible] جمیع [illegible] استدراک [illegible]

مناسب عوالم [illegible] طفل در شکم مادر از راه ناف [illegible] تاثیرات نعم بهشتی [illegible]

[illegible] ابراهیم خلیلی [illegible] یوسفی از مصر [illegible] یوسف [illegible] یعقوب [illegible]

[illegible] ریح یوسف لولا ان تفندون [illegible] یعقوب [illegible] پیراهن [illegible]

چه استبعاد دارد در عالم حقیقت [illegible] تاثیرات [illegible] ثلثة [illegible] للشفاعة یوم القیمة الانبیاء

ثم العلماء ثم الشهداء [illegible] مقام علما [illegible] علما [illegible] که نماز [illegible]

[illegible] نماز [illegible] عوض [illegible] ذلیل [illegible]

[illegible]

در میزان کارها و اعتدال امور و میانه روی

در افراط و تفریط

فصل اول در ...

مرجع همه میزانها و ملاک اعتدال در همه امور میزان شرع است که عدل الهی در آن مقرر گردیده و بی میزان شرع هیچ میزانی در کار نیست و قاعده ایمان

بشناسد میزان معین که در آن خرید و فروش میکنند و لیکن میزان عدل که کمال دین است میزان علمای دین است و علم و تقوی

علمای معتبر ما و بزرگان دین و در حقیقت باعث انتظام امور این است و این است طریق مستقیم

با کلمات ... و ... و ... و ... و علما ... و کل ... و ...

غیرت دین اسلام است حضرت ابی عبدالله علیه السلام فرموده من عرض عن الحق ... اهل ... سفاهة

معراج السعادة و فضیلت علم و ... افراط علم ... تمامی صفات ... اهل اسلام ... شریعه ...

... لعن و طعن ... یا خلفا امیر المؤمنین ... ذوالاولاد ... افراط

انفاق ... عبدالرحمن ... ائمه ... علی ...

... مرحوم در افراط ... غیرت ... این بی خبر ... جایز است

پس محقق است که ... ارکان دین ... بی غیرتی دین یا ... باطل یا جهل مسئله ...

... با قرائت ... علم قرائت ... میزان ... غلط ... لعن

طعن ... منافقین ... دشمن خدا و رسول ... آباء ...

... مثل فرقه از مدعیان اسلام ... به لسان حضرت ... و لعن ... یزید ... لعن

... باشد ... مغفور باشد ... افراط و تفریط ...

... در این نوع ... در آیات بسیار ان الذین یکتمون ما انزلنا من البینات والهدی

من بعد ما بیناه للناس فی الکتاب اولئک یلعنهم الله و یلعنهم اللاعنون ... جمیع

حتی ماهیان دریاها ... لعن ... خصوص ...

... فی صدور الناس ... کلام ... چنین ... معنی

اذا ... العالم فسد العالم ... قاضی ... مقدسین ...

مع ذلک ... علما ... مصداق کلام ... شده اند

... کلام ... مصداق کلام این ...

... علما ... حق و باطل ... ترویج ... اعظم ظلم

... حضرت ... امام ... اقوال حضرت ... ولی

... علما ... دماء الشهداء ... علما ... الی یوم القیمة ... دین حق

... شهداء ... نفس ... اخبار ...

و سلاطین ... جلال و تعظیم علما ... ملاحظه ... مجالس ... تواضع

... نسل ایشان منقرض و منقطع ... سلطنت ... ایشان ...

ایشان ... حضرت خلیل الله ... مصر ... مصر ... علمای مصر

... مصر ... خلیل الله ... بیرون ...

... کلام ... الله

... حضرت ... انتقام

۳۳۹

میان [illegible] علمای ما

در فرق میان علما و انبیا [illegible]

فصل اول از باب چهارم

[illegible] معلوم شد که بزرگی این [illegible] بر پا [illegible] در این شهر دولت [illegible]

[illegible] دولت [illegible] اگر [illegible] الاصل [illegible]

العلماء ورثة الانبیاء مشهور است [illegible] علم افضل است [illegible] العلماء افضل من الانبیاء [illegible]

[illegible] انبیا را [illegible] وحی و الهام یا بواسطۀ جبرئیل [illegible] غلط [illegible] احکام الله [illegible]

مردم القا میکردند اما علما [illegible] چه قدر [illegible] زحمات و ریاضات کشیدند [illegible] اخبار صحیحه و غیر صحیحه [illegible]

مطالب لازم است که بعضی روایات [illegible] ضعیف [illegible] غلط [illegible]

که اظهر من الشمس است با وجود کتب معتبره [illegible] بسیار موجود [illegible] محکم [illegible]

قواعد [illegible] علوم که اعظم علوم [illegible] ارکان علم فقه است [illegible] تمامی مجتهدین [illegible] معتبرین علما [illegible]

و بطلان و تارک [illegible] باشاره و کنایه فعلی [illegible] نماز [illegible]

که [illegible] اول این علم [illegible] بزبان معتقد و معترفند باطناً و فعلاً باشاره و کنایه چند کلمه [illegible]

[illegible] علم قرائت و صحت نماز مسلمانان [illegible] نماز صحیح [illegible] نماز صحیح [illegible]

[illegible] که مردم [illegible] نماز [illegible] تعلم قرائت نماز [illegible] ناموس [illegible] حضور [illegible]

نماز [illegible] لازم [illegible] اما نماز با علم قرائت [illegible]

[illegible] نماز [illegible] با آداب [illegible] علم قرائت [illegible]

[illegible] از مبطلات [illegible] مبطلات نماز [illegible]

خراب [illegible] نماز [illegible] مقلدین [illegible] خراب [illegible] الملبس [illegible]

[illegible] نماز غلط [illegible] امام [illegible] حضور [illegible]

نماز [illegible] صحت نماز [illegible] فعلاً باشاره زبانی [illegible] اقرار دارند [illegible] تجوید [illegible]

شاید بعد از چند سالی اسم علم قرائت [illegible] انکار [illegible] سال کار مسلمانان را [illegible]

تاکید [illegible] قرائت [illegible] واضح است [illegible] الملبس [illegible] تاکید [illegible] از میان عامه [illegible]

و از میان شیعه اسم نماز هم [illegible] ضعف [illegible] چشم [illegible] تمامی اعضا [illegible]

در سواد اعظم [illegible] دار العلم و دار الامان [illegible] علما [illegible] معاقب [illegible]

[illegible] شیطان [illegible] در ایام [illegible] سلطان [illegible]

طلاب مسجد [illegible] در خدمت [illegible] اول نماز [illegible]

آمده در کنج دیگر مسجد مشغول درس خود [illegible] از اول [illegible] طفولیت [illegible] بقرائت [illegible]

ولی طلاب ما شیعه [illegible] بعد از [illegible] طلاب [illegible]

[illegible] از مادر [illegible] نماز [illegible] از تعلیم شیطان ما شاء الله [illegible]

[illegible] در دار العلم [illegible] مقدس [illegible]

[illegible] مجتهد [illegible] شیطان [illegible] علمای [illegible]

و قدر و شأن ایشان را [illegible] خاتم الانبیاء [illegible] علماء امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل [illegible]

بلکه در میان جناب عالم [illegible] هزار درجه [illegible] که چه قدر [illegible] فضایل [illegible]

محقق است که [illegible] برای پیغمبر اولو العزم که چه خاتم النبیین [illegible] خطاب فرمایند فکر کنیم که خاتم الانبیاء [illegible]

ابراهیم [illegible]

در فضیلت علم

فضیلت علم و علما [illegible]

فصل اول [illegible]

[illegible] فضیلت علم [illegible] آمده [illegible] انبیا [illegible] علما [illegible] ورثة [illegible]
[illegible] خاتم الانبیا [illegible] معنی [illegible] حقیقة [illegible] خاتم الانبیا [illegible]
[illegible] مقام [illegible] معنی [illegible] علما [illegible]
[illegible] مقربان درگاه [illegible]
[illegible] علما [illegible] انسان [illegible] شیطان [illegible] عقل [illegible]
[illegible] علما [illegible] العالم [illegible] شیطان [illegible] علما [illegible]
عالم عامل [illegible] عوام کالانعام [illegible] عالم [illegible]
[illegible] حق [illegible] محمد و آل محمد [illegible]
[illegible] طاعت شیطان [illegible] لنفسه [illegible]
[illegible] علم با عمل [illegible] لازم [illegible]
[illegible] خاتم الانبیا [illegible] انا و علی ابوا هذه الامة [illegible] سلطان محمود [illegible]
[illegible] اول [illegible] سلطان [illegible] دوم [illegible] سیم [illegible] العلما ورثة الانبیا
[illegible] ترجمه [illegible] قال [illegible]
[illegible] کتاب [illegible] سلطان [illegible]
بعض از لوازم [illegible] رسول خدا [illegible] الدارین
[illegible] مطلب [illegible]
مطابقه و احکام شرعیه [illegible] بعلما رسیده [illegible] سلطانی [illegible]
[illegible] عقل و نقل [illegible] ملک [illegible] نظام
امور خلق و عالم اسباب [illegible] طایفه لازم است اول علما [illegible] ارشاد [illegible] دین و اسلام [illegible] مقصود
دوم ملوک و سلاطین لازم است برای نظم امور معاش و رفاهیت و امن و امان و حفظ ثغور و بلاد [illegible]
بعبارة اخری [illegible] لازم انبیا و علما برای محافظت دین [illegible] ارکان [illegible]
[illegible] افراط و تفریط [illegible] دین [illegible]
چنانکه تضییع دین این زمان [illegible] ایران [illegible]
[illegible] دین اسلام [illegible] فساد [illegible]
[illegible] سلاطین [illegible] الاسلام [illegible] اللهی [illegible] طایفه [illegible]
حفظ و حامی باشند [illegible] علم اشرف جمیع [illegible] علوم
سه علم است علم اصول دین و علم فقه و اما علم قرائت از متعلقات علم فقه است [illegible] قرائت [illegible]
لازم [illegible] علم سلوک [illegible] لازم [illegible] جمیع علوم از طفولیت لازم است [illegible] علم [illegible]
[illegible] علم حساب و علم خط از کوچکی ملکه [illegible] این سه علم قرائت و خط و حساب [illegible] کالنقش فی الحجر
و الا کالنقش فی المدر [illegible] این علم قرائت [illegible] کامل [illegible]
در [illegible] انشاء الله [illegible] خط است [illegible]
چنانکه تمامی خرابی دین از نقصان علما [illegible] علم [illegible] خط [illegible] عالم [illegible]
[illegible] محمد [illegible] کل [illegible] معانی [illegible] آن [illegible] عرف [illegible] صاحب [illegible]
[illegible]
[illegible] القرآن [illegible]
[illegible] خراسان [illegible]

و بنا در دین در قرائت

در فضیلت و رسوم احتیاط در [illegible]

فصل اول از باب [illegible]

در آنکه صاحب عمامه و عبا و ردا باشند تا قرآن خوانان را سابقا عادت ما خو باشند بکلام و حدیث شریف و [illegible] القرآن [illegible]

و القرآن بمعنه علم قرائت اجازاً علمی است که سبب استحکام اصول و فروع دین و صحت نماز همین علم قرائت است بلکه تمامی عقود و ایقاعات

بواسطه علم قرائت صحیح خوانده شده معلوم دیگر چه ضرور و حاصل است از این علم شریف [illegible] در طریق احتیاط

فقها و مجتهدین است و بدون این علم عالم فاضل کامل را در ضلالت و گمراهی شیطان است [illegible] خوانده [illegible]

باشد هزار عمل طاعتش با شیطان برادر است و اگر اعمالش با علم قرائت باشد [illegible] تمامی اعمال و عبادات [illegible]

شرع و دین محمد و آل [illegible] بلکه مقام مقربان [illegible] احتیاط با علم قرائت [illegible] حسنات الابرار سیئات

المقربین هر کسی که از علما و فضلا و دانشمندان مجرب [illegible] رسوم احتیاط [illegible] شیطان و فساد عالم [illegible]

سبیل النجاة مؤمن را لازم است همیشه در افکار طریق احتیاط راسخ و ثابت قدم باشد چنانکه هر کس [illegible]

در وقت تامل و تفکر [illegible] ترک احتیاط است خصوص امور [illegible] باشد تمامی فساد [illegible] ترک احتیاط [illegible]

که تمامی فساد عالم و ارتکاب محرمات [illegible] مقدمه محرمات [illegible] که بعضی فقها مقدمه

واجب را واجب [illegible] عقلا و عرفا [illegible] و اگر علم قرائت [illegible] ترک [illegible]

بجز سرچشمه فساد و محرمات و استیلای شیطان [illegible] که بعضی علما و اکثر دانشمندان معتقد این راه فلاح و صلاح [illegible]

[illegible] تمامی ایران [illegible] از دام و حبایل ابلیس [illegible] و خلاصی محال است مگر بیاری و توفیق و لطف

[illegible] لطف و عهد و پیمان روز الست در عالم انوار با اختیار و امتحان [illegible] با علم و فضیلت [illegible]

سال عبادت و موعظه [illegible] تعلیم رسوم طاعات [illegible] طریق خیر و شر [illegible]

[illegible]

[illegible] علمای [illegible] بمقامی [illegible]

[illegible] منتظر دخول [illegible]

[illegible] از تمامی واجبات و عقاید [illegible] طی الارض [illegible]

[illegible] تمامی کلیدهای بهشت و اسلام و مسلمانی [illegible]

[illegible] طریق احتیاط [illegible] حسنات الابرار سیئات المقربین [illegible]

منظور میداشتیم این طور فساد عالم [illegible]

یعنی صورت نماز [illegible] این رسم منافق [illegible] در این فکر [illegible]

[illegible] شهید کربلا امام حسین [illegible]

[illegible] لباس [illegible] نماز [illegible]

و شیطان [illegible] که قرائت و فضیلت قرائت

بمعاونت ائمه [illegible] علیهم السلام [illegible] امکان [illegible] اجماعی

که هر گاه اعراب یا اخراج حروف از مخارج حروف خلاف و غلط باشد نماز اکثر ادوات باطل خواهد شد و احکام [illegible]

[illegible] ترتیل و تسلسل و رابطه و ضابطه ملحوظ [illegible] عیوب قرائت [illegible]

ترتیل و تسلسل و ضابطه خوانان [illegible] محسنات [illegible] عبارات [illegible]

[illegible] محسنات [illegible] شعر [illegible]

[illegible]

اما [illegible]

بجهد [illegible]

فصل اول از باب چهارم

وقت است
دلائل اخیره است

در تعریف الصلاة و تعلقات محسنات باب ۴

[illegible] چهارم [illegible] تمیز [illegible] حروف [illegible] چهارم تفخیم [illegible] حروف الاطباق [illegible]

[illegible] کلمات [illegible] تفخیم [illegible]

[illegible] موضع [illegible] الف [illegible]

[illegible] الاحرام [illegible] الف [illegible] اشباع [illegible]

[illegible] تکبیرة الاحرام [illegible] اشباع [illegible]

و دلیل [illegible] و فاصله میان الفاظ جلاله و الرجیم [illegible] میان [illegible] و مسئله [illegible]

مسائل و واجبات تکبیرة الاحرام [illegible] مستحبات [illegible] الصلاة [illegible] مقدمه [illegible]

[illegible] ترجیع [illegible] صوت [illegible]

[illegible] میان کلمات [illegible] ملاحظه [illegible] الطویل [illegible]

[illegible] کلمات و حروف [illegible] میان قرآن [illegible] موضع مد [illegible]

یعنی [illegible] از مخرج الف [illegible] طایفه بعضی طایفه [illegible]

[illegible] تفخیم [illegible] آواز [illegible] مخرج [illegible] چهارم ترجیع است [illegible] صوت [illegible]

[illegible] صوت [illegible] حروف [illegible] مناجات [illegible]

۲۰۳

[illegible] محسنات تلاوت [illegible] و اما محسنات تلاوت [illegible] القرآنیه [illegible] الرجال [illegible]

[illegible] آیات [illegible] تیغ [illegible]

[illegible] تیغ [illegible] و اما محسنات قرائت [illegible]

[illegible] تجوید است [illegible] ترتیل [illegible] تحسین [illegible] تقویم است [illegible] ترسیل [illegible]

پس اجمله تحقیق [illegible] اما معنی [illegible] حروف [illegible] مخرج [illegible] حرف [illegible] نقصان [illegible]

از مخرج [illegible] با صفات ذاتی و عرضی بی تکلف و تعسف و افراط و اسراف [illegible] ملفوظ [illegible] ترتیل

[illegible] کلمات و حروف [illegible] ملاحظه [illegible] تحسین [illegible] کلمات

و حروف [illegible] اعراب و مخارج با تلاوت قرآن [illegible] تلاوت [illegible] تعظیم و جلال [illegible]

[illegible] قرآن و تقویم [illegible] حرکات قرآنی است [illegible]

[illegible] آیات و مواضع وقف [illegible] حروف و ترسیل [illegible] قرائت [illegible]

[illegible] القرآنیه [illegible] و لم یعجل [illegible] ملاحظه وقف [illegible] المنقوله عن القراء [illegible]

[illegible] حروف حرکات [illegible] تحقیق [illegible] قرائت [illegible]

[illegible] حروف و کلمات و اعراب غلط [illegible] معدوم [illegible] تغییر [illegible] حتی الثبات [illegible]

[illegible] تغییر [illegible] اعراب [illegible]

[illegible] جهل [illegible] علما و طلاب زمان [illegible] جهل [illegible]

یعنی وجوب و استحباب و حرمت و کراهت [illegible] جهل [illegible]

[illegible] تصدیق [illegible] اعتبار کلام در اهل [illegible] اهلیت [illegible] شهرت [illegible]

[illegible] فضل و علم اصول و فروع بلکه غیر اهل [illegible] فاسق بلکه کافر [illegible] قرائت

[illegible] دار العلم [illegible] فضلاء [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فصل اول از باب چهارم

بعضی علمای لاابالی
غیر عامل و بی دین

در تربیه اولاد و فرق نماز صحیح و بدعت ۲۹۲

چنانکه ملاحظه شده است الآن کم کسی است که صحیح قرائت نماید بلکه بسیاری از مسلمانان نماز را بطور بدعت نماز خوانند با اغلاط نماز است ...

در احکام کفر نوشته شده که نماز بای صحیح و شیخی و نجس و غالی و دو بینی و امثال آن دارند ...

... بار بار رسم استفاده مخارج و صفات کلمات بعد تکرار کردن و امتحان و بواسطه قرائت درست و تجوید آماده ... دعاها و نماز را درست ...

و در این بجهة علم ملکه و عادت بار غلط ها را از دست ... هم عادت شده و هم در دین ...

حرف و ترویج دین ... بر حفظ ... مسلم واجب و لازم است ... تربیه و اولاد ...

... ملعون ملعون من ضیع عیاله ... صدق ... در مسائل و عقاید و عادت ...

مسلمانی است خصوص قرآن و نماز ... بسبیل لسان اهل لسان عربی ... بر سم ... مخارج ...

... به تسهیل لفظ و آرام غیر متعارف افراط و تفریط ... در میان ... مطلق ...

و کلمات و حروف ... حروف ... مخارج میان آیات و کلمات و حروف ...

و شکسته کلمات ... و امثال ... ترتیب و تمیز و موالات ...

که قرآن خوان و نماز گزار ... زنبیل ... مخارج ... تمیز افراط و تفریط ... در خواندن قرآن در نماز ...

تمیز ... قرائت ... معرفت بواسطه تقلید استادان ... سواد ...

... کلام اهل لسان و عبارت ... لسان ترکی و فارسی ... عرب یا بالعکس ...

گچ ... باطل ... زبان ... و آرام و ترتیب و موالات در میان هر کلمه ...

و ... زبان ... کلمات ... حرف ... و ... خیالات ...

... بیرون ... و تمیز نتوانند داد ... بغیر از ... هرچه ... کل ...

که مثل ... فرو برد ... نماز ... خاتم انبیا ... این نماز ... این ...

زمان ... عالم ... الا نادرا و النادر کالمعدوم ... عجب ... از علمای لاابالی ...

... منافقین ... نماز بی قرائت و بی ... ابی سفیانی و فرعونی ... و ابن زیاد ...

ولعن ابن زیاد و شریح قاضی ... حق ... ضایع و تلف نماید ... حال ...

استاد ... این فرقه ... این ...

... خاتم النبیین ... ومن کان فی هذه اعمی فهو فی الآخرة اعمی و اضل سبیلا ...

چنانکه باید ... اعمال ... حضرت ... حقیقی ...

از بدعت اعمال و کارها ... عاقبت ... احیا و ترویج بدعت نماز ... دلیل کور باطنی ...

چنانکه ظالم و فاسق ... کور باطن ... کامل و عاقل ... شیطان اعتبار

بتوبه و بازگشت و شفاعت محمد و آل محمد خواطر جمعی دارند ... موقوف ...

لطف حق ... جایکه ... روز قیامت دیگر ... عقاید و علم قرائت

... حاجی سید حسین ... مرحوم مجتهد کل ... استاد ... تکلم ...

آن مرحوم ... علم قرائت ... اعتماد دارد ... شنیدم ...

وجوابا جایز ... عقاید ... از عالم ... فهم و معرفت حرف و معتقد به علم قرائت ...

عمل ... در قرائت حرف و حرف ... ملکه و عادت ... میزان قاعده و قانون ...

که شبهات ...

دخول صحیح و باطل نماز

در اختیار عالم نمودن آن بطلان و فصل خود

دشتباه [illegible] که صحیح [illegible] فلان کلمه و ادای آن است و جواب [illegible] صیغه [illegible] [illegible] نماز

در خارج خوانده [illegible] اما لغات کلمه [illegible] [illegible] که [illegible] دعا و قرائت [illegible] [illegible]

دعا [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ملتفت [illegible] [illegible]

[illegible] که [illegible] [illegible] والضالین الذی عالم نمودن آن [illegible] [illegible] اعتبار [illegible] و [illegible]

است [illegible] قانون و موافقت شرع دین و [illegible] استعمال [illegible] در [illegible] [illegible] [illegible] قرآن [illegible]

قرائت [illegible] داشته باشد [illegible] [illegible] [illegible] مخالف قانون شرع و دین است [illegible] [illegible]

[illegible] و کلام اهل [illegible] [illegible] نمیکند تحقیق و تمیز و مدرک آن [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

تحقیق و تمیز [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] تحقیق تمام [illegible] کلام [illegible] صاحب کلام [illegible] [illegible]

[illegible] این همه انفصالات [illegible] در دنیا مردم بخصوص [illegible] عالم نمودن معنی [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] قرآن خوان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

شیطان اگر یک [illegible] این جهل [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سال نماز [illegible] [illegible]

[illegible] شیطان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] علاج [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

دقیقه فرصت [illegible] در دنیا حیف است این جواهر گرانمایه مسلمانی [illegible] [illegible] تعلیم نماز [illegible] شیطان [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] نفع و ضرر [illegible] [illegible] کافر [illegible] [illegible] [illegible]

محقق است [illegible] شیعه [illegible] [illegible] تمامی فضایل که در دین اسلام از فروع و اصول [illegible] [illegible] قرآن خوانی [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و حج و خمس و زکوة [illegible] [illegible]

نماز [illegible] بدون نماز [illegible] [illegible] تمامی [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

صرف و خرج [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] نفعی و نتیجه دیگر ندارد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

دلالت دارد که [illegible] صحت نماز [illegible] [illegible] انکار وجود [illegible] نماز بمجرد انکار مرتد و واجب القتل [illegible]

[illegible] [illegible] واجب است [illegible] ترک صلوات در دفعه سیم یا چهارم واجب القتل [illegible] از اینجا معلوم [illegible]

[illegible] در دین اسلام [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اگر یک حرف [illegible] [illegible] [illegible] تغییر و تبدیل [illegible]

خوانده [illegible] [illegible] باطل [illegible] [illegible] [illegible] از ترک صلوات [illegible] ترک صلوات [illegible] [illegible] توبه و قضا [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] غلط و باطل [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] وصیت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مرتد و کافر [illegible] [illegible] اگر مردم [illegible] نماز [illegible] غلط [illegible] [illegible]

وصیت نامه [illegible] [illegible] [illegible] سؤال [illegible] [illegible] صلوات چه قدر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

تا حال یک نماز قضا [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کلام الله [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] غلط خوان [illegible] [illegible] [illegible]

رب تال القرآن والقرآن یلعنه از حضرت رسول [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مسلمان [illegible] قرآن [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از آتش جهنم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] قرآن خوان [illegible]

و فساد آن
داخل عمر

در وجوب لزوم علم قرائت

۲۸۵۰

مطالب اول از ...

ثواب صد شهید عطا فرماید بهر کلمه بقدر ثواب و عمل ... و نار لشعور بفار رحمة الله ... و استغفار ... [illegible]

مشتاق اوست و از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقولست که درجات بهشت بعدد آیات قرآنست ...

سلو بید بجان و بالا رو ... آیه ... بلند ... در مود ... افضل عبادات ... تلاوت قرآنست و در ... [illegible]

عذاب نمیکند ... حفظ نماید قرآن را و در ... قرآن عروة الوثقی ... برای متمسکین آن و قرآن رحمت است برای مومنان

و خسارت است برای ظالمان چنانکه فرموده و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمومنین و لا یزید الظالمین الا خسارا

و از اینجا معلوم میشود که چون فرمان ... اعمال قرآنی ... بر تمامی کتب و صحف آسمانی ... [illegible]

دانسته دانست که وجوب خواندن قرآن بتجوید در نزد ارباب بصیرت ظاهر است و مبرهن که بعد از معرفت اصول دین

واجب ترین فرایض همانا نماز است و آن درست و صحیح نخواهد شد مگر بقرائت خالی از لحن و خلل آن ... [illegible]

شناختن حروف تهجی و مخارج و صفات و متعلقات حروف و نظم و ترتیب ... [illegible]

و امتیاز از حروف و کلمات و رسوم تلاوت و حفظ از لحن جلی و خفی ... و انقلاب و بطلان ... [illegible]

که در کلمه یا در اعراب الف تغییر و تبدیل نباشد و این همه کس را معلوم ... [illegible]

و لحن خفی آنست که حروف از مخرج خود ادا نشود یا خللی در صفات حروف حاصل گردد و این معلوم نشود ...

۲۵۵ قرآنی از استاد کامل قاری ... و عمل ... از هر ... کسی ... [illegible]

باشد در ادا ... اشمام و اطباق و تفخیم و تسهیل و ... اشباع حروف و کلمات ... [illegible]

در ادای حروف مهارت ... و محافظت و تخفیف ... [illegible]

استاد ... از همه بزرگتر ... چنانکه طلبه ... فهم و درک ... [illegible]

... که با آسمان پرواز خواهد کرد و چون سیوطی و جامی ... در ترکیب ... [illegible]

... علما ... و تجربه ... و چنین زمانی در اصل و فقه ... [illegible]

هیچ چیز نفهمیده ... آسمان رفعت پرواز کند ... [illegible]

این ... زبان ... از عوام الناس ... برای اصلاح

... [illegible] ... چنانکه در ایام ... در اصل ... نماز جماعت

و ... سالی ... [illegible]

... در فلان قصبه ... عالم ... [illegible]

... اگر من بمیرم نماز مرا باید فلان ... [illegible]

... وصیت ... نماز او ... عالم ... [illegible] ... نماز میت ...

میان عوام الناس ... مرحوم ... [illegible] ... شوق ...

و سلطنه و ریاست ... [illegible] ... عالم ...

... [illegible] ... شیخ محمد حسن ... مجتهد ...

که ارسال ... واجب و لازم است ... [illegible] ... مقدم از دیگرانست

... [illegible] ... نماز ... عوام ... [illegible]

... [illegible]

و الا ...

ولیقابل [illegible] مستغفی
و جزاهل [illegible] زیان

از جمله الصدقات [illegible] و ما لا بیان فریه [illegible] زیادات [illegible]

و قال الله صاحب [illegible] و ماست [illegible] جنانکه [illegible] بیستاش [illegible]

مدرس جنان حفظ [illegible] و تحصیل [illegible] ازاو و جنتان [illegible] از اینها [illegible] شقاوت و [illegible]

و [illegible] دل [illegible] این [illegible] مولفه دلوات [illegible] منافقان [illegible] شیاطین است [illegible]

نامی اوستاد [illegible] سندباد و الا [illegible] فلما الحج [illegible] نایب [illegible] عالم [illegible]

نایب دلو [illegible] شیطان [illegible] جنان [illegible] و دشمن اهل‌بیت [illegible] و لعن

نامه [illegible] خباثت [illegible] و [illegible] ملوم [illegible] خبر از ذنوب و [illegible]

صحت نماز [illegible] منافقان طعن و لعن [illegible] و سال [illegible] اقامه [illegible] مقدس [illegible]

نماز قضا [illegible] لازم [illegible] جواز [illegible] افضل [illegible] نشناخته [illegible] ترجیح [illegible] اعمال [illegible]

[illegible] این [illegible] نماز [illegible] آموخته از [illegible] حل [illegible]

معطل [illegible] این کار ضعیف [illegible] این [illegible] عادت [illegible]

اگر [illegible] سنیدم [illegible] مخارج و صفات حروف [illegible]

بعضی عذر [illegible] آورد و بعضی [illegible] عادت [illegible] حافظ [illegible]

ملکات [illegible] ملکه [illegible] فرو [illegible] القدر [illegible] معنی [illegible]

۳۵۶

[illegible] معانی [illegible] قرآن [illegible] صادق [illegible] بواسطه [illegible] ابنیا

قرآن [illegible] بالحان [illegible] مقامات [illegible] معصیت [illegible] الحرب

[illegible] چنانکه [illegible] باطل [illegible] مسلمانی [illegible] امور [illegible]

[illegible] قرآن بالحان [illegible] عاصی و [illegible] گناهکار و فاسق [illegible] قرآن [illegible]

[illegible] القرآن والقرآن یلعنه فی خلاصة الاخبار عن سید المختار اقرؤا القرآن بلحون العرب و اصواتها و ایاکم و لحون اهل

[illegible] و اهل الکتابین [illegible] ابن الاثیر [illegible] المراد [illegible] الحان [illegible]

فی [illegible] الکبائر فان الیهود و النصاری [illegible] کتبهم [illegible] مع [illegible] و قال [illegible] فی [illegible]

قوم [illegible] یرجعون القرآن ترجیع الغناء و الرهبانیة و النوح لا یجاوز حناجرهم مفتونة قلوبهم

[illegible] از [illegible] و قلب [illegible] قلوب [illegible] قرآن [illegible]

و رسم عرب [illegible] از اهل فسق و [illegible] یهود و نصارا [illegible]

ثواب قرائت و قرب حضرت [illegible] مغضوب و معذب [illegible]

و قال [illegible] ان القرآن نزل بالحزن فاذا قرأتموه فابکوا فان لم تبکوا فتباکوا و تغنوا به فمن لم

بالقرآن فلیس منا یعنی [illegible] بواسطه قرآن [illegible] فقال [illegible] لم

یستغن بآیات الله فلا اغناه الله و قال [illegible] کفی بالیقین غنی [illegible] ایمان [illegible]

چنانکه حضرت [illegible] ولایت [illegible] لو کشف الغطاء ما ازددت یقینا [illegible] نقاب [illegible]

و احکام الله و یقین [illegible] کلام الله [illegible] مستغنی [illegible]

[illegible] اگر کسی [illegible] علم [illegible] کلام الله [illegible]

و قال صلی الله علیه و آله من اتیه الله القرآن فظن ان احدا اعطی [illegible] فقد استهزأ بآیات الله [illegible]

دانشگاه داد [illegible]

از تتمة الصلوة هشاره با [illegible] وقت اغلاط

بار فرموده خواندن قرآن بالحان و صوت [illegible] مستمع [illegible] قرآن [illegible] لعنة [illegible]
و [illegible] تالی القرآن والقرآن يلعنه وقال [illegible] بما [illegible] العلماء [illegible]
[illegible] القرآن الا الصوت حسن [illegible] الله [illegible] شهر رمضان [illegible] عليه [illegible]
علم له ولا حاكم له ولا اجر له [illegible] حديث زينوا القرآن باصواتكم وحسنوا اصواتكم [illegible] القرآن
مراد [illegible] و صوت و [illegible] حسن صوت عربی بحزن و [illegible] عبادت [illegible]
عجمی و سليقه يهود و نصاری [illegible] و عن انس بن مالك عن النبی [illegible] حلية
القرآن الصوت الحسن ولعل المراد [illegible] العرب والحزن والنفار [illegible] والعادة [illegible]
امير المؤمنين [illegible] ورتل القرآن ترتيلا و قال الترتيل تجويد الحروف و معرفة الوقوف [illegible]
والحاكم كلها [illegible] لحن بر دو قسم است جلی و خفی جلی [illegible] لحن [illegible] است [illegible]
اصطلاح قراء [illegible] از صواب [illegible] اعراب و خارج [illegible] حروف [illegible] اعراب و كلمه که محل معنی باشد [illegible] لحن [illegible]
آن [illegible] حروف [illegible] صفات اعراب لفظ [illegible] فتحه و كسره و ضمه [illegible]
اگر [illegible] معنی [illegible] فتحه و ضمه باشد [illegible] سكون [illegible] عادة [illegible]
بفتحه [illegible] الحمد [illegible] علماء [illegible] قرائت [illegible]
[illegible] قرائت [illegible] اعتبار ندارد [illegible] در وقت [illegible]
[illegible] در علم قرائت [illegible] اگر چه [illegible] عربی [illegible] فارسی [illegible]
علما و فضلا [illegible] اگر چه [illegible] در علم قرائت اگر چه [illegible]
[illegible] الفه [illegible] قرائت [illegible] و [illegible] بواسطه [illegible]
قرائت [illegible] مسائل احكام الله [illegible] قرآن و علم قرائت [illegible] مسائل [illegible]
عالم [illegible] استاد كامل [illegible] صحيح [illegible] قرائت [illegible] علم [illegible] بموجب علم قرائت [illegible] جامع [illegible]
[illegible] علم [illegible] جمله [illegible] علم [illegible]
[illegible] اوصاف [illegible] معتبر [illegible] علم [illegible] علم [illegible]
[illegible] و علوم [illegible] ام العلوم
[illegible] علم قرائت [illegible] عقود و ايقاعات [illegible] نكاح و طلاق و نماز [illegible] عبادة [illegible]
ثمره [illegible] شرع [illegible] علم قرائت [illegible]
قبل [illegible] تمام اعمال خير و حسنات و دستگيری فقرا [illegible] طعام مساكين [illegible]
[illegible] صليان [illegible] يبدل الله حسناتهم سيئات [illegible] ثمره [illegible]
و [illegible] اگر تغيير سكون [illegible] بالعكس و تغيير [illegible] ضمه بكسره [illegible] بالعكس با تغير كسره بفتحه
با عدم تغير [illegible] نماز باطل [illegible] و اگر [illegible] معنی هم نباشد [illegible] احتياط [illegible]
[illegible] القادر [illegible] باطل [illegible] اگر [illegible] صحت [illegible] اين صورت [illegible]
[illegible] صحت صحيح [illegible] باجتهاد مجتهدين احتياجی [illegible] بالله [illegible] كلمات [illegible]
باشند

تجوید حروف [illegible]

[illegible]

[illegible] فاذکرونی اذکرکم واشکروا لی ولا تکفرون یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر والصلوة ان الله مع الصابرین ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احیاء ولکن لا تشعرون ولنبلونکم بشیء من الخوف والجوع ونقص من الاموال والانفس والثمرات وبشر الصابرین الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا انا لله وانا الیه راجعون اولئک علیهم صلوات من ربهم ورحمة واولئک هم المهتدون [illegible]

[illegible]

۳۵۱

[illegible] در عقبات [illegible] عاصم و کسائی و یعقوب و خلف لفظ مالک [illegible]

[illegible] ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible] سوره [illegible]

[illegible]

در تجوید و ترجمه بعضی آداب اجمالی علم قراءت

مبارکه و تکرار حضرت واهب العطایا ثواب و رتل ترتیلا به او عطا فرماید. اگر تکرار میخواند ملاحظه باید داد

صحیح باشد نه غلط اعراب یا کلمات و حروف و درست صحیح کرده و سلسل در عرف تکرار هر کلمه

کلمه ایست متصل چنانکه عامه عادت است آخر کلمات ماضیه و باول کلمه آینده متصل نماید در حمد

اینکه بیان در میان خاصه معروفست در فاتحة الکتاب بسم شیطان ... است از نماز کرد تفصیل

کدام است لفظ چنانکه کسی لعل بعل نیز بدل ... مراد از اسم شیطان سکته است که ترک کردن تفصیل

واو الاسم شیطان در حمد معنی ندارد در این قیاس در هر جا ملاحظه قراءت نماز در قرآن رسم الازم استحضار نماز

تا فساد به هیچ جهت نباشد و لحن خفی است در علم معرفت علم قراءت میتوان دانست انشاء الله بتفصیل

اطالب به آنکه با در بسم الله و از مخرج حرف که میان دو لب است مخرج باست از ترتیب اخراج نکند

بیان نشود و در سین بسم الله رعایت صفیر که صفت خاصه اوست کما هو حقه ادا شود بعد لفظ جلاله که ما قبل

مکسور است ترقیق نماید ملاحظه مخرج الحمد تکرار نکند و حرف سایر الحروف ... ناحق است به ادای محرز

ادا کرده باطل شود و ضمه دال الحمد و اشباع نکند که واو حاصل شود و همچنین کسره که یا حاصل شود

حاصل شود و کاف مالک و فتحه که از مخرج حلق بر کرده و تشدید حاصل شود همزه و در محل ... ایاک

تشدید حاصل شود باطل شود و کاف ایاک اشباع نکند که الف از آن حاصل نشود و در کلمه نستعین رعایت

صفت ... و همس ... و استفال بجا آورد ... تصادق و تا ... بطا ... مثل الصراط

الذین و در هر دو محل رعایت صفت استعلا و اطباق نماید تا صاد لسان ... باطل شود و نون

اظهار کند ... و ضاد در هر دو موضع استعلا و اطباق حاصل شود در استعلا مبالغه تمام نماید از مخرج ضاد

که مخرج اعلا داده و عالم و جاهل ملتبس که مردم بسیار ... مثلا ... خصوص

و اسنان قابل صحت نکرده ... قراءت خوانان ... فرق میان ... الرحمن الرحیم ... مالک

با اثبات الف خوانده اند که اسم فاعل باشد و باقی قرا بحذف الف خوانده اند که صفت مشبهه باشد و ابو عمرو ادغام

الرحیم ... مالک و ملک ... الف ... باقی قرا با اظهار خوانده اند و همزه لفظ ایاک و ایاک

در وقف تحقیق و تسهیل کالیاء خوانده و باقی در وقف و وصل بتحقیق خوانده اند و قنبل ... اینکه ... لفظ

الصراط السین و باقی قرا غیر همزه کلمه مذکوره باشمام خوانده اند یعنی صاد ... چنانکه ... باشد ...

بکسر ... الصاد خالص خوانده و همزه علیهم را در هر سه جا بالضم خوانده وقفا و وصلا و باقی قرا بالکسر

و ابن کثیر خلاف ... بضم ... میم علیهم در هر دو موضع میخوانند ... ساکنه

از او حاصل شود یعنی از ضمه میم ... باقی قرا باسکان میم خوانده و الف ضاد ضالین ...

و لام ... ترقیق نماید ... آنکه سوره اخلاص ... و بعضی ... داد آب

نیز ... که در حمد مذکور شد که باید هر حرفی از مخرج حرف با صفات خود ادا ... چنانکه در اعراب ...

و شباهت ... نباشد فتحه و کسر ... ضمه نباشد ... تا تمیز اعراب ... و لفظ ... جلاله

اگر وصل نماید بلفظ جلاله بعد الوقف نون تنوین ... کسره باید ... ترقیق ... واکر ... احد وقف

تفخیم باید ... حرف دال ... لم یلد ... قلقله ... ولم یکن ... در ادغام ... غنه باید

عاصم است کفوا ... بضم فا و فتحه ... خوانده ... دیگر است ... باقی قرا بالضم فا و فتحه ... همزه ...

تلاوت و کمال

[illegible] در انواع و طرق و آداب قرائت و تضیع

[illegible] قرائت تمام را در زمان طریق [illegible] که قرائت [illegible] مصاحف [illegible] چنانکه [illegible] معانی [illegible]

تامل نماید که چگونه [illegible] ختم النبیین [illegible] حسین [illegible] چنانکه [illegible] صاحب [illegible] ارباب

تجویس [illegible] خوانده [illegible] قرائت [illegible] محافظ [illegible] معلوم [illegible] سالک منزل و العلمی [illegible]

[illegible] باشد [illegible] از جمله [illegible] سایر الفاظ و کلمات [illegible]

و یعقوب و خلف لفظ الملک [illegible] با اثبات [illegible] الف خوانده اند [illegible] کاهل باشد و باقی قرا بحذف الف [illegible]

و ابو عمرو و یعقوب [illegible] میم الرحیم [illegible] میم مالک و باقی قرا باظهار خوانده اند و قنبل و ورش [illegible]

قرا [illegible] الصاد [illegible] خلف [illegible] باشمام [illegible] الصاد [illegible] صراط [illegible] اشمام [illegible]

[illegible] حمزه و یعقوب علیهم [illegible] خوانده [illegible] و وصلا و باقی قرا [illegible]

و قالون [illegible] میم [illegible] خوانده [illegible] وصلا [illegible] باقی قرا باسکان میم [illegible]

[illegible] قرائت [illegible] نافع و ابن کثیر و ابو عمرو و ابن عامر و کسائی [illegible] ابو جعفر [illegible]

[illegible] حمزه و خلف و یعقوب [illegible] حمزه [illegible] خوانده اند و صلا و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible]

قراء و آداب تلاوت و قرائت [illegible] قرآن [illegible] استعاذه و بسمله [illegible] اکثر علما [illegible] قرائت سبعه [illegible] متواتر [illegible]

و بعضی نقل اجماع بر آن کرده اند و همه [illegible] داده [illegible] بالجمله قرائت [illegible] بهر یک از قرائت سبعه که خوانده [illegible]

[illegible] قرائت [illegible] که تمامی قرائت عشره باشد [illegible] متواتر [illegible] لازم نیست که از اول تا آخر بیک قرائت [illegible]

بقرائت عاصم و بعضی [illegible] بقرائت حمزه و بعضی [illegible] بقرائت [illegible] جایز است بلکه مستحب است که التزام [illegible]

نکنند هر کس در نماز حمد [illegible] که اختیار نماید مختار [illegible] که قرائت [illegible] قسم [illegible]

[illegible] مذکور است که [illegible] قرائت مستحسن مختار نافع و عاصم و ابن عامر و کسائی و قالون و یعقوب [illegible]

[illegible] انواع است [illegible] رسم [illegible] باشد که در این زمان غالباً مدار قرائت [illegible] بروایت عاصم [illegible]

حلی رحمه الله در کتاب [illegible] که بهترین قرائت نزد من قرائت عاصم است از طریق ابی بکر یعنی شعبة [illegible]

الاسدی الکوفی [illegible] قرائت نقل کرده اند که شعبه مذکور [illegible] سال در ختم [illegible] چهار هزار ختم قرآن [illegible]

[illegible] قرآن [illegible] حفص [illegible] عاصم [illegible] مثل [illegible] و بعضی گفته اند قرائت حفص بن سلیمان

ابن المغیرة الاسدی الکوفی [illegible] از قرائت [illegible] و بعضی قرائت حفص [illegible] از بکر اضبط [illegible] و بعضی گفته

عاصم [illegible] حفص [illegible] است که [illegible] آداب تلاوت [illegible] ملاحظه کردن در وقت تلاوت کردن و قالت الیهود

عزیر ابن الله و قالت النصاری المسیح ابن الله و قالت الیهود ید الله مغلولة و امثال ذلک باید [illegible]

[illegible] چنانکه حضرت ثامن الائمه در راه خراسان [illegible] تلاوت بسیار [illegible] و چون [illegible]

[illegible] و صفت [illegible] مذکور است ایشان [illegible]

[illegible] عادت [illegible] که در رکعت دوم نماز بعد از سوره مبارکه [illegible]

کذلک الله ربی [illegible] مستحب است کهف [illegible] معجزات [illegible] و معجزه [illegible] قرآن [illegible] معجزات [illegible]

الی غیر النهایه [illegible] کتب [illegible] استعاذه [illegible] استعاذه [illegible] قرآن خوان لازم است [illegible]

[illegible] انسان [illegible] محبت [illegible] بکار [illegible] آداب

از جمله اصطلاحات [illegible] استعاذه و [illegible] اعوذ بالله من الشیطان [illegible]

[illegible] استعاذه [illegible] شیطان [illegible] نفس اماره [illegible] شیطان [illegible]

[illegible] الی [illegible] جنیب [illegible] نفس [illegible] ابن [illegible] میل [illegible]

و ائمه سلام الله علیهم [illegible] نفس [illegible] ناطقه [illegible]

[illegible] ایشان از شیطان [illegible] ایشان [illegible] ایشان [illegible]

[illegible] در طرف نفس و دل حجاب [illegible] و قتی لا یسعنی فیه ملک مقرب و لا

نبی مرسل [illegible] کلمینی یا حمیرا [illegible] مردم [illegible] امام [illegible] بسته [illegible] شیطان

[illegible] ایشان [illegible] در میانه [illegible] کتاب [illegible] فیض و فضل [illegible]

و معارف [illegible] سینه ایشان [illegible] مردم [illegible] ایشان [illegible]

رحمت [illegible] فیوضات عظیمه [illegible] غیبیه [illegible] دل ایشان [illegible]

دار الکمالات [illegible] ایشان بالطبع [illegible]

فیوضات [illegible] تغیر از شیطان [illegible] باستعاذه مشغول [illegible] حضرت [illegible]

گفت رب انی اعوذ بک ان اسئلک ما لیس لی به علم [illegible] و قل اعوذ بالله الذی خلقنی [illegible]

[illegible] معاذ الله انه ربی [illegible] گفت انی اعوذ [illegible] و ربکم ان ترجمون [illegible] گفت [illegible]

و ما انسانیه الا الشیطان [illegible] مریم گفت انی اعیذها بک و ذریتها من الشیطان الرجیم [illegible] گفت انی اعوذ

بالرحمن منک ان کنت تقیا [illegible] گفت رب انی اعوذ بک من همزات الشیاطین و اعوذ بک

ان یحضرون [illegible] نفس انسانی [illegible] تمام شیطان [illegible] معصومین [illegible]

[illegible] ائمه معصومین سلام الله علیهم [illegible] ایشان [illegible] نفس [illegible]

باشند که استعاذه [illegible] چنانکه [illegible] گفته [illegible] شعر [illegible] از واعظ [illegible]

نیست الا اعوذ بالشیطان	ملک آن بیش صاحب عرفان
یک اعوذت اعوذ بالله نیست	اعتبار نفس [illegible]
بر زبانت اعوذ [illegible]	سوی خویشت [illegible]
لیک فعلت [illegible]	گاه گوئی اعوذ گه لاحول
در بدر گو بگو که دزد بگیر	میکند همچنان فغان و نفیر
گشته همراه صاحب خانه	طرفه حالی که دزد بیگانه

از سوانح [illegible] است که بخانه یکی از رفقا دزد آمده بود [illegible] تابستان که مردم در صحن خانه میخوابیدند [illegible]

چون صاحب خانه دانسته فریاد کرد که ایها الناس بخانه ما دزد آمده بگیرید مردم شنیدند [illegible] از اطراف [illegible]

[illegible] فریاد کنان [illegible] بگیرید [illegible] مردم [illegible] دزد [illegible] شورش [illegible]

[illegible] سخت تر از تماشا کنان فریاد کنان صاحب خانه

[illegible] از هر طرف [illegible] صاحب خانه [illegible] صاحب خانه فلان [illegible]

[illegible] بالا رفته [illegible] نتیجه نبخشید [illegible] دزد [illegible]

[illegible] بالا رفته مردم [illegible] کلام دزد [illegible] صاحب خانه [illegible]

چراغ [illegible] حالت [illegible] دزد [illegible]

[illegible] نفس [illegible] مولف [illegible] خبر از هیچ چیز [illegible]

[illegible] نماز [illegible] لا اله الا [illegible] هزار [illegible]

در خواص بسم الله و ذکر کار آن

از رحمة الصلوة در آداب بسم الله و فضائل و ثواب

اما فضائل و ثواب و خواص بسم الله و اول کاری که در هر کار بکند ... و صلوات بر محمد و آل طیبین او که ... [illegible]

... از طرف شیعه ... بسم الله الرحمن الرحیم ... [illegible]

... از حضرت امام محمد باقر مرویست که ... از آسمان نازل ... [illegible]

... [illegible]

... آن بسمله ... [illegible]

آن امر مبارک باشد ... در فقیه ... اسلام الله علیهم مرویست ... بسمله ... [illegible]

... جمیع اعضا ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... مرویست ... بسمله ... تعظیم ... بعضی از علما ... [illegible]

... بیست و چهار ساعت ... پنجوقت نماز ... [illegible]

... بسمله ... [illegible]

و این تفصیل ... بسم الله ... [illegible]

... مصداق ... [illegible]

... بسم الله ... [illegible]

... [illegible]

... رکوع و سجده ... [illegible]

... بعضی از علمای ... [illegible]

... چهار ... بسم الله ... [illegible]

... بسم الله ... رحمة الصلوة ... [illegible]

... ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر ... [illegible]

... بسم الله جزو اعظم ... از هر سوره و یک آیه تامه است و در اول هر سوره ... [illegible]

... سوره ... حرام است ... [illegible]

... بسمله ... [illegible]

در هر یک ... بسمله ... در صلوات جهریه واجب است و در صلوات خفاتیه ... مستحب ... [illegible]

بسمله میان دو سوره چهار وجه متصور است ... قطع طرفین ... [illegible]

... وصل آن به اول سوره ... بسمله ... [illegible]

... بسمله ... [illegible]

قطع آن از ... سوره ... وصل بسم الله ... [illegible]

... [illegible]

... علم قرائت ... [illegible]

... حافظ ... [illegible]

علم شریف ... قرآن ... [illegible]

۳۶۳

مبارک

وقطع و وصل

بسمله

از ترجمه الصلوات و از آداب استعاذه

۳۰۳

و [illegible] قبل از قرائت [illegible] مستحب [illegible] قرآن [illegible] بسمله [illegible] و [illegible]
[illegible] اول [illegible] سوره [illegible] بسمله [illegible] [illegible] [illegible] بتفصیل آن با تمام
[illegible] مقصد باشد جزء کلام [illegible] بسمله [illegible]
این و آن [illegible] بسمله [illegible] وصل اول [illegible] طرفین [illegible]
باسه [illegible] بسمله [illegible] و وصل اول قطع [illegible] السور آن [illegible] وصل بسم الله [illegible] الحمد [illegible]
[illegible] الحمد [illegible] وصل بسم الله [illegible]
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم استعیذ بالله من الشیطان الرجیم
و اما اعوذ بالله من الشیطان اللعین الرجیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
کبیر و متوسط اما صغیر [illegible]
[illegible]
ابن عامر [illegible] ابن ذکوان [illegible] عاصم [illegible] حفص [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ابن عامر [illegible] حفص [illegible] نافع ابن عامر [illegible] ابن کثیر [illegible]
ابن کثیر [illegible] نافع [illegible] کوفیان نافع و اما متوسط [illegible]
[illegible] کوفیان [illegible] عاصم و حمزه و کسائی [illegible]
[illegible]
ابن عامر [illegible] کوفیان ابن کثیر [illegible] کوفیان ابو عمرو [illegible]
[illegible]
[illegible]
و اما [illegible] قطع طرفین [illegible] وصل طرفین [illegible] قطع بسمله [illegible] وصل [illegible]
[illegible] بسمله [illegible] استعاذه [illegible] وصل [illegible] بسمله [illegible]
[illegible] الف [illegible] اقسام و مدها و مخارج و صفات حروف و [illegible]
دندان است و آن منقسم بچهار قسم است اول ثنایا [illegible] چهار است [illegible]
[illegible] چهار [illegible] چهارم [illegible]
[illegible]
[illegible] مخارج حروف [illegible]
[illegible] حلقیه [illegible] شجریه [illegible] لثویه [illegible]

[illegible]

از ترجمهٔ اصطلاحات در بیان مخارج حروف

فصل [illegible]

و آن را [illegible] نامیده‌اند و مخرج [illegible] گویند که حروف از آن متولد [illegible] و مخارج حروف [illegible] التفصیل [illegible]

[illegible] گفته‌اند و مخرج حروف را بیرون گفته‌اند که الف و واو و یا مدّه است لانها اصوات متصل الهواء و تنتهی [illegible]

[illegible] موضعی از اجزاء [illegible] اعتماد [illegible] قطرب و مبرد و فراء و اتباع ایشان چهارده اعتبار کرده‌اند یعنی حروف [illegible]

مذکوره ساقط و مخرج نون و لام را یکی کرده‌اند و بعضی گفته‌اند که هر حرفی را مخرج جداگانه است و خلیل بن احمد [illegible]

[illegible] شاطبی و جعبری و ابن الجزری و جمعی کثیر از علمای این فن بر آنند که مخارج حروف هفده است و این قول اقوی [illegible]

[illegible] است اما حروف حلقیه اجمالاً شش است و مخرج آن مفصلاً سه [illegible] اول مخرج همزه و ها است از اقصای حلق

دوم عین و حاء مهملتین از وسط حلق سیوم غین و خاء معجمتین است از ادنای حلق یعنی نزدیک [illegible] و تقدیم و تأخیر [illegible]

مخرج اختلاف کرده‌اند اصح آنست که هر دو از [illegible] در باب الف اختلاف است بعضی از [illegible] حلقی [illegible]

اصح است حروف حلقی شش است همزه و عین و حا [illegible] اما حروف لهویه دو حرف است اول قاف [illegible]

از لهات است از طرف حلق با آنچه محاذی آن باشد از حنک اعلی دوم مخرج کاف و مخرج آن اول لهات [illegible]

محاذی اوست از حنک اعلی [illegible] که میان حلق و دهان [illegible]

و قاف را غلصمی و کاف را [illegible] غلصمه اول لهات [illegible] حروف مدّ [illegible]

غلصمه از [illegible] باشد قاف و کاف و اما حروف شجریه پس آن سه حرف است شین معجمه و جیم و یای مثناة تحتانیه است و مخرج آنها

وسط روی زبان با آنچه محاذی وسط است از حنک اعلی زیرا که [illegible] موضع شجرة الفم گویند خلیل بن احمد ضاد معجمه را نیز از [illegible]

شجریه می‌شمارد [illegible] سایر علمای این فن که ضاد را [illegible] مخرج آن کناره زبان با آنچه برابر [illegible] اضراس

[illegible] و اما حروف نطعیه سه حرف طا و دال مهملتین و تاء مثناة فوقانیه است مراد از نطع سقف [illegible]

[illegible] بالا است و اما حروف اسلیه پس صاد و سین مهملتین و زاء معجمه است [illegible] اسله [illegible] زبان

[illegible] پایین [illegible] نطع [illegible]

حروف لثویه پس آن ظا و ذال معجمتین و ثاء مثلثه است و این سه حرف را ذلقی [illegible] طرف زبان [illegible]

[illegible] و بعضی [illegible] و اما لثویه [illegible] لام و را و نون است عبارت از گوشتی است که [illegible] یقال له اللحم

المرکب فیه الاسنان بعضی بر آنند که [illegible] از مخرج لام است [illegible] اعتقاد [illegible] مخرج راء

[illegible] که مخرج را از مخرج نون مقدم باشد و گفته‌اند که مخرج لام و نون و راء متقارب [illegible] این حروف [illegible]

ذلقی [illegible] نطع [illegible] لام [illegible] لسان [illegible] نون [illegible] زبان

و اما حروف شفویه پس آن فا و با و میم و واو است زیرا که شفه را دخل در تلفظ آنها هست [illegible]

شفه سفلی و اطراف ثنایای علیا اما میم از بیرون و واو از میان و با از درون [illegible] لب [illegible]

[illegible] این حروف را شفوی [illegible] نطع [illegible] از رأس ثنایا [illegible] لب [illegible] اما میم و واو [illegible]

با طلب [illegible] از [illegible] لب میم از بیرون و واو از میان با از درون [illegible] غنه است از خیشوم تنوین میم و نون و اما حروف [illegible]

میم و نون [illegible] ساکنین که ادغام با غنه است [illegible] که بعد از [illegible] از خیشوم می‌آید [illegible]

[illegible] حروف [illegible] که از حروف [illegible] که صحیح است [illegible] از [illegible] همزه [illegible]

یعنی بین الهمزة والالف و بین الهمزة والواو و بین الهمزة والیا مثل ءانت و ءالقی و ءانا [illegible] تسهیل [illegible]

[illegible] همزهٔ محققه است والف ممالهٔ و [illegible] الف منصبه و مرققه و صاد مشمه زاء معجمه [illegible] از صاد و زاء [illegible]

[illegible]

اطباق صفتی صاد ضاد طا ظا ضد مجهوره مهموسه فحثه شخص سکت ضد رخوه اجد قط بکت

مستعلیه خص ضغط قظ ضد اصمات آمده اذلاق فر من لب

در صفات عارضی حروفات ۳

درا صفات عارضه حروف در بیان آن است که آن عارض بعضی از حروف میباشد مثل قلقله در حروف قطب جد [illegible]

آن حروف در مخرج ضغطه و اضطرابی چنانچه لام میرسد و در حین ادا زبان [illegible] میگردد [illegible]

سکون بجنبش نعقیده کامل در مخرج حاصل [illegible] که ماهیت این حروف معلوم [illegible]

قلقله ضغطه [illegible] ماهیت [illegible] که [illegible] اثر [illegible] عارض میشود [illegible] صفت [illegible]

و ما بقی حروف ساکنه [illegible] مطلقا چنانچه [illegible] و صفیر یعنی صوت [illegible] کردن [illegible]

[illegible] و غنه [illegible] آن است که بعد از انضمام شفتین [illegible]

و این مخصوص است بمیم و نون [illegible] که ادغام [illegible] و اخفا [illegible] اکرافت آن لام [illegible]

[illegible] با اعتبار غلظت [illegible] تکرار [illegible] و الحقیقه [illegible]

[illegible] خصوص [illegible] ابن ابی طالب [illegible]

[illegible] فقد جعل من الحروف المشدد حرفا و من المخفف حرفین لان تکرار الحرف [illegible] و تفشی [illegible]

میم [illegible] و فا [illegible] و استطاله مخصوص بضاد معجمه است [illegible] حرکت ضاد [illegible]

[illegible] که مخرج لام [illegible] و مد [illegible] در حروف علة و لینیت در واو و یاء ساکنه ما قبل مفتوح و حروف مد [illegible]

[illegible] و حروف مخففه مخصوص است بحروف مد [illegible] که مجتمع در کلمه [illegible] این حروف اربعه [illegible]

[illegible] مد [illegible] ممنوع [illegible] و ما بقی حروف [illegible]

[illegible] در همزه و بحة [illegible] صوت است مخصوص [illegible] و منفوته [illegible]

[illegible] منفوحه [illegible] در ضاد [illegible]

و منحرف [illegible] لطیفه [illegible] ساکنه [illegible] حروف مد [illegible]

لام است [illegible] منفوحه [illegible] صفیر [illegible] و استطاله [illegible] میم [illegible] تفشی [illegible]

باب دوم در بیان تنوین و نون و میم ساکنه و تفخیم و ترقیق و اماله حروف و اشباع [illegible]

[illegible] تنوین و نون و میم ساکنه [illegible] حروف [illegible] اظهار و ادغام و قلب و اخفا اما اظهار [illegible]

نون ساکنه است نزد حروف حلق [illegible] حرف است ء ه ع ح غ خ [illegible]

و من امن الا مثال [illegible] منها و ان هو الا حرف هاد مثال عین انعمت و من عمل واجر عظیم مثال حا

[illegible] و من حکیم حمید مثال غین فسینغضون و من غل [illegible] غفور مثال خا المنخنقة و من [illegible]

خبیر و اظهار نون ساکن و تنوین [illegible] نزد حروف حلق اتفاقی است [illegible]

[illegible] بعد از همزه [illegible] نقل حرکه میکنند از همزه [illegible] و همزه را حذف میکنند و شیخ ابوجعفر [illegible]

[illegible] اما ادغام [illegible]

[illegible] اللغة [illegible] و در اصطلاح قرا [illegible]

ساکنه است [illegible] للمخرج بالنون [illegible] ادغام [illegible] مع الغنه [illegible]

[illegible] و یا ادغام [illegible] و در لام و را بالاتفاق بلا غنه است [illegible]

[illegible] و الغنه صوت شبیه بصوت الغزالة اذا ضاع ولدها مثال یا [illegible] من یاتیه و یومئذ [illegible]

و من ماء [illegible] مثال واو من ولی و لا مثال نون من نور [illegible] مثال لام من لبن لم [illegible] مثال را من [illegible] الرحیم

قنوان و صنوان و دنیا و بنیان [illegible] اظهار [illegible] رفع اجتماع حروف [illegible]

حروف ... قرائت

و احکام استعلا و تفخیم در ... بعضی از

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... ساکنه است ... حروف یازده گانه ... ت ث ح د ذ ر س ش ص ض ط ظ ف ق

[illegible]

دال و ذال و زا و سین و شین ... صاد و ضاد و طا و ظا و قاف و کاف ... حروف ...

[illegible]

... و اما میم ساکنه ... [illegible]

[illegible]

... و اما تفخیم و ترقیق ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... اسباب تفخیم ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

... حروف استعلا ... [illegible]

... تفخیم ... [illegible]

... و اما ترقیق ... [illegible]

ترقیق ... اسباب تفخیم ... [illegible]

[illegible] ... اسباب ترقیق ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... احکام ... [illegible]

... تفخیم و ترقیق ... حروف استعلا ... [illegible]

... حروف استعلا ... تفخیم ... [illegible]

... مثل الکافرین ... [illegible]

... اوصاف ترقیق و تفخیم حروف و اماله ۳۰

شده جبلهٔ قبل آن مفتوح یا مضموم بوده مثل ان الله و ضلّ الله و اللهمّ در اینجا سر الف مفخمه خوانند و حروف مجهوره ...
کما باید اورد خصوصا با قاف و کاف که ذکر کرده شده کما باید اعیان و کاف مخفی خوانند بسبب تفخیم حروف مستعلیه لازم است
در کلمات حصحص و سعط و قبض در وقت مفتوح بودن ابلغ است و با بودن الف صفت ضاد و طا ... مثل احطت و بسطت
و فرطت در الف صفت مستعلیه قاف در کجا آن در کلمه نخلقکم در سورهٔ مرسلات ... کهمر ... غسا ...
اول است چنانکه مذهب ابی عمرو ... است و حروف صفیر و صفیر کما باید اورد تا مختلف از مخرج ... او ...
نقطه کما باید اورد و گاهی که ساکن باشد مستعملان باشد فاما ... مثل یقتلون و من بات ... الطهرت
و ... والاسباب والعذاب و ذرح و تهیج و یدخلون و تأتی للجهاد و حروف ... حلاحیث ...
خصوصاً ... که ... باشد مثل الرحمن الرحیم ... لحن است ... جار است احتراز ... اوان ... اماله ...
ادا کنند و اما تغلیط لام و ترقیق آن ... آنکه ورش از طریق مغاربه تغلیط میکنند هر لامی ... مفتوح باشد
ما قبلش صاد یا طا یا ظاء و این هر سه مفتوح باشند یا ساکن مثل الصلواة فیصلب و بظلام اطلع الطلاق
مطلع و امثال اینها و از ... آن در طال و فصالا دو وجه است و لکن تغلیط اولی است و محیان در او ...
کما یا ... نیز دو وجه است چنانکه ولا صلی و فصلی و و اصلی ... موضع ...
ترقیق اولی است ... و قف ... وصل آیات ... والیا ... دو وجه است ... رابع موضع ...
یصلیها مذموما و یصلی سعیرا و تصلی نارا و لا یصلیها الا الاشقی و سیصلی نارا ... اماله تغلیط
... و الا تغلیط ... در لفظ مصلی در حال وقف ... ورش ... دو وجه است تفخیم و اماله ... تعلیل
... و در ... بجهة وقف ساکن باشد ... دو وجه است ... بوصل ... و اما اماله ... آنکه اماله
دو قسم است ... بکسره ... اول آنکه ... میل کنند چنانکه ... بفتحه ... اللفظین و صغری
و این مذهب ورش و ابو عمرو است دوم آنکه میل بیشتر نمایند که ... بکسره نزدیکتر باشد و این را اماله محض ...
و کبری گویند و این مذهب حمزه و کسائی است و با استماع از استاد ماهر حاذق و فصیح و بلیغ درست
... توان فهمید ... از ... و ... بعض از عجمان بی تجربه و ... لا ابالی و بی سواد که از ...
و اصلا از موضع اماله خلاقی ... بدانکه حمزه و کسائی اماله کرده اند الفاظ ... الیا یعنی
منقلب از یا ... باشد و آن در ... فعل ... مثل ... هدی و رمی و هوی ... و هدی و ...
... متکلم ... است یا ... آن ... مثل ... و ... و رمیت و سعیت
در رمی و سعی ... اسماء ... که تثنیه معلوم ... مثل عصوان و هویان و هدیان و امثال اینها از عصی
و هدی ... الف تأنیث باشد اماله کرده اند ... بر ... الوزن فعلی ... فعالی ...
آن ... اماله کرده اند مثل دعوی و ذکری و بشری و اسارى و کسالى و نصارى و الحوایا و امثال اینها
و ... اینها ... فقط است و ابو عمرو در فعلی ... و در آنکه ... باشد مثل ذکری و نصاری ... اماله
... و ... محتاج ... حمزه و کسائی ... در لفظ متی و عسی و بلی که در مصحف ... مرسوم است ... الف
... باشد مثل الضحی و ضحیها و ... اماله کرده اند ... استفهام ...
... و اما لدی که اسم است ... فعل است در سوره ... و ... و علی و حتی ... اماله ...
سجی و جلیها و ضحیها و تلیها ... بلا خلاف ... ثلاثی ... مثل ... و تدعی و تعالی
و انجانا و ... و ابتلی و امثال اینها ... اماله ... ثلاثی مجرد ... مثل حلم
مثل

تمامات

در احکام و رسم امالهٔ الف بعض

مانند حمزه و کسائی در الفاظ احیاکم و احیا و احیاها و احیینا و بعض قرا با الم و با اسم و ها با ما و در دو یا و در فنات الله و مرضاتی حیث اتت و تقاته در ال عمران و قد هدان در انعام و من عصانی در ابراهیم و ما انسانیه در کهف و اتانی الکتاب و اوصانی در مریم و اتانی الله در نمل و محیاهم و دعانیه و خطیها در اذ نیت تلیها و ضحیها در الشمس و سجی در الضحی جمیعا اماله میخوانند و حمزه مخالفت کرده است در احیاکم و ثم احیاکم و احیاها و موافقت کرده است در لفظ الحوایا و امات و احیی چون بعد از وا باشد و الدنیا و العلیا و الحوایا و الضحی و الربوا و امثال اینها و اتانی و هو و هدانی در سوره بقره نیست و مرضات و ما و کلاهما و اماه و مثال موافقت دارد با حمزه در اماله لفظ اتاه فقط و دیگران بفتح میخوانند و ابو عمرو چنانکه ذکر شد در فعلی در سوره الف یا النساء موافقت دارد و کسائی بروایت جریر اماله میکند در لفظ ادا و اه حیث وقع و اذا شئا و فصلت فقط و النصارین در ال عمران و صف و سایر الواو در عمران و حمه و نساء در مومنون و السابقین و حشر و بادیکم و در موضع بقره و طغیانهم و بیادعون حیث و وقعا و الجوار در شوری و الرحمن و کورت و الجار در موضع و جبارین در سوره مائده و شعرا و لکن کوا در نور و اما سایر قرا همه الفاظ مذکوره را بفتح میخوانند و لکن در ذی بال و ورش و ابو عمرو بین بین میخوانند سایر اصل دو ورالحیار و جبارین ورش بین بین میخواند و اما حمزه لفظ خلاف است در کوارا و فاوات در موضع ما هو وحی و تب صرحب کلام لفظ سوره اخرا اسراق با بین بین مثل انچه شاطبی گوید که مقید نمود قبل از اخیر متعمل که است حمزه منفرد اماله میکند در ده لفظ فعل ماضی و ان نیز جاء و شاء و زاد و زان و خاف و طاب و خاب و حاق و ضاق و زاغ و ران در صف فقط و لیکن است اگر ضمیر متصل کرده باشد ابو بکر و کسائی متفق با او در اماله بل ران فقط موافقت و با ابن ذکوان در جاء و شاء حیث وقع و فزادهم الله در سوره بقره در روایت شده از ابن ذکوان اماله در جمیع قرآن مجید و خلف در سوره نساء ضعافا و اتیک در موضع نمل باماله خوانده خلاد و در این موضع تلفه خلاف است ابو عمرو و کسائی بروایت دوری بر الفی که بعد از او را مکسور باشد و ان را در لام فعل و یا در طرف واقع شده باشد چنانکه ابصارهم و اثارهم و النار و القهار و الابرار و الاشرار و امثال اینها باماله میخوانند حمزه و ابو الحارث موافقت باد را ادراک مکرر مکسوره مثل قرار و نحوه و مرجع جزا این باب بفتح میخوانند اما ورش اینجمله با بین اللفظین میخواند در لفظ القهار حیث وقع و در دار البوار بین اللفظین و در باقی بفتح میخوانند و الناس که مجرور باشد ابو عمرو بفتح و اماله بمذهب صاحب شاطبیه و تیسیر بفتح فقط بمذهب ابن مجاهد و بعضی گفته اند اماله از حرف و فتح از سوسی است قالون و ابو عمرو و ابو بکر و کسائی حرف ها را باماله خوانده اند و ابن ذکوان نیک وجه موافق ایشانست و ورش در جمیع را متطرف مکسور مثل الدار و الحار بین بین دارد ابن ذکوان وجه دوم دو وجه است در حمارک و الحمار در بقره و لمثل الحمار در جمعه فقط دیگران بفتح میخوانند ابو عمرو و کسائی بروایت دوری کافرین در مواضعیکه بعد از راء یا واقع شده باشد باماله میخوانند حیثما وقع اما ورش بین اللفظین و دیگران بفتح میخوانند مشام و نیز اماله میکنند در لفظ مشارب در سوره یس و انیه در غاشیه و عابدون و عابد در سوره الحجر ابن ذکوان فقط دو وجه است در اماله عمران و المحراب هر جا که مجرور واقع شود و در لفظ اکرام و الهم در تقوی در الاکرام در موضع رحمن بعض روایت کرده اند اماله را از او در لفظ المحراب فقط حیث وقع بر حرف ولی اماله المحراب را از او روایت کرده اند مرجع بحمل جر یا در دو موضع واقع است ال عمران و مریم و باقی قرا بفتح میخوانند و در کلمات اربعه مذکوره ورش در راء انه از قبل است مزعومات از اماله نه انکه جمیع امالات این مقدار است که مذکور کرده باقی سوره بین قیاس باید که در کتاب جواهر القرآن و مفاتیح التنزیل این مبحث بطریق تفصیل و تشبیع معنون و مبین است فایده بدانکه عاصم اماله بین بین ندارد و لیکن اماله محضه کرده است

کتاب ادغام

در احکام اماله و کنایه و حروف

... دارد اما در روایت حفص در یک موضع لفظ مجریها اماله میکنند لاغیر ابو عمرو دانی صاحب کتاب تیسیر گوید که علمای متقدمین ...
گفته اند در اینکه کدام قسم از اماله بهتر است و لکن انا اختار الامالة الوسطى التی هی بین بین اقول وهذا القول عندی اصح
و اقرب لان الغرض من الامالة حاصل و اما اماله کسائی تا تانیث به آنکه کسائی اماله کند ها تانیث و ما قبل او را در صورتیکه ما قبل
ها تانیث یکی از حروف پانزده گانه نباشد و آن در این کلمات چهار ده گانه مرکب است فجثت زینب لذود شمس مثل
خلیفة و درجة و مبثوثة و بغتة العزة و خافیة و جنة و حبة و کاشفة و لذة و واحدة و قسوة و الحسرة و رحمة و المقدسة
و نحوه مگر آنکه قبل از ها یکی از این ده حرف واقع شود که مرکب است در این چهار کلمه حق ضغط و عص خطا مثل الحاقة
و الحاقة و قبضة و بالغة و بسطة و القارعة و الخصاصة و الصاخة و موعظة و الصلوة و همچنین اگر قبل از ها
یا کاف یا ها یا را و مرکب در کلمه اکهر هست باشد مثل خاطئة و الملائکة و الایکة و فاکهة و الاخرة و اگر قبل آن
چهار حرف فتحه یا ضمه واقع شود کسائی در این قسم اماله نمیکند مثل برائة و التهلکة و سفاهة و بردة و اگر
ما قبل این حروف ساکن و مکسور باشد مثل وجهة و لعبرة کسائی بخلاف اماله میکند و اگر قبل این چهار حرف ساکن
نظر به ما قبل آن کنند مثل هیئة و الشوکة و سفاهة و العمرة در این صورت از کسائی اماله کرده اند و بعضی
گفته اند که کسائی در این چهار ده حرف نیز اماله جایز داشته است الا الالف که در آن اماله نیست مثل الصلوة و الزکوة

و اما ها الکنایه بدانکه ها کنایه هر هائیست که ضمیر مفرد مذکر غایب باشد مثل به و له و در نزد قراء حال تلفظ معتبر است
کتابت زیرا که بسیار جاها هست که در خط و رسم هست و در لفظ نیست بسبب اجتماع ساکنین در حال تلاوت مثل الف انا
و همچنین بسیار جاها هست که در کتابت نیست و در لفظ هست مثل واو داود و یلوون و یستوون و ودی در کتب ...
و در تلفظ هر دو واو خوانده میشود و کنایه نیز از این قبیل است که در بعضی حالات او را صله میکنند و مراد از صله در اینجا
حرکت است یعنی اگر ها ضمیر مضموم باشد واو و اگر مکسور باشد یا تولد نماید و بدانکه اشباع ها ضمیر چهار حکم دارد
اول آنکه اگر ما قبل و ما بعد هر دو ساکن باشد مثل فیه هدى و منه اسمه که همه قراء متفقند در عدم صله دوم آنکه اگر ما قبل و ما بعد
هر دو متحرک باشد مثل انه هو و له ما و امره الا جمیع قراء در صله آن متفقند سیم هرگاه ما قبل آن متحرک و ما بعد آن
ساکن باشد مثل به الله و به السحر نیز هیچ یک از قراء صله نکرده اند چهارم اگر ما قبل ساکن و ما بعد متحرک
مثل فیه هدى و علیه انشاء هیچکدام از قراء صله نکرده ابن کثیر مگر حفص از طریق عاصم در کلمه فیه مهانا در سوره فرقان
با وی موافقت کرده است و در کلمه یرضه لکم در سوره زمر عاصم صله نکرده است زیرا که اصل آن یرضاه بوده است
بشرط الف منقلب از یا فائده بدانکه بعضی از احکام مذکوره در برخی از الفاظ مخصوصه جاری نیست که تفصیل
آنها در کتب مطوله و در غالب مصنفات خاصه خصوص در جواهر القرآن و مفاتیح التنزیل بشرح مبین است و اما ادغام
بر دو قسم است صغیر و کبیر اما کبیر است که اول از مثلین یا متقاربین یا متجانسین که متحرک باشد ساکن کنند در ثانی
ادغام کنند مثل ما سلککم و مناسککم و قال لهم و خلقکم و رزقکم و المهد ذلک و فی النفوس زوجت و این
مخصوص است و این ادغام مخصوص است با بی عمرو و یعقوب بصری ... و موانع ادغام بسیار است هرگاه شرط و سبب موجود
و موانع مرتفع گردد ادغام جایز باشد و علما فرموده اند که در نماز از ادغام کبیر میم ادغام میم الرحیم در میم مالک اجتناب اولی
لکن مکروه دانسته اند و ادغام صغیر آنست که حرف مدغم ساکن و غیر حرف مد باشد و در ثانی درج کنند مثل اظلم مدغم است
لبد خوانند مثل ادغام صغیر مثبت عاصم از مصحف حفص ادغام کبیر اندر النعام است و لکن کاف مدغم نون نون
اندر لیکن اشمام است و در باقی سکون کنواتحاجونی در ادغام و لکنا منا در یوسف و ما مکنی در کهف و ادغام صغیر ... و اگر
اول آنکه مدغم و مدغم فیه از حیثیت مخرج و صفت مثل هم باشند مثل یوجهه و ان اضرب بعصاک و قد دخلوا و نحو ذلک

در قسم

فصل دوم از باب [illegible]

در ادغام و اقسام ادغام و حروف مد و اقسام مد و وقف

۳۱۲

حرف مدغم حرف مد باشد اظهار باید نمود بجهت حفظ مد مثل فی یوم و قالوا و هم و امثال آن و کذلک در این قسم ادغام متفق علیه قراء است
و آن ادغام مثلین کوچک نیز گفته‌اند اول از مثلین ساکن ادغام غیر مدی است با ساکن [illegible] دوم ادغام متجانسین چون البلد یسکن و یوم
مدغم و مدغم فیه و مخرج متحد و در بعضی از صفات مختلف باشند چون قد تبین و اذ ظلموا و نحو آن و این قسم را متجانسین نامند
مدغم و مدغم فیه از حیثیت مخرج قریب باشند این قسم ادغام متقاربین میگویند چون الم نخلقکم و حضرت با ابقاء صفت استعلا
قاف و طاء و نخلقکم از این قسم ادغام کامل که [illegible] ابقاء استعلا قاف عدم آن اما ثانی اولی است و در روایت ادغام بسیار
دال و تا چون احدت و شفقت و ادغام لام بل و لام قل لام در راء اتفاقی است چون بل لن و بل رفعه و بل الا لم مرون و قل رب
لام و نحو ذلک و لام بل در [illegible] قرآن مجید دو ان ملفوظ نیست [illegible] و میم و نا [illegible] و دال بعثت ولکن [illegible]
معنا در روایت ادغام نون ما [illegible] یس و القرآن و ن و القلم [illegible] وصل بالکن و [illegible] اظهار [illegible] در روایت
حفص در هر دو صورت ظاهر است [illegible] دال در تا و ذال در ظا و طا در تا از کلمات مدغم اند و میم در دال [illegible]
و صفت اطباق [illegible] مدغم ذال اذ اظلموا و تا [illegible] قاف نخلقکم با ثبوت صفت استعلا قاف [illegible] ادغام ناقص
تا نزد کاف لام قل بل مدغم اند در راء [illegible] اظهار [illegible] حفص در لام بل ان [illegible] الف و لام تعریف
در حروف شمسیه ادغام کرده [illegible] قریب [illegible] در حروف قمریه اظهار است چنانکه در کلمه شمس [illegible] لام تعریف نزد حروف
الشمس واجب است و در لفظ القمر اظهار [illegible] حروف شمسیه و قمریه [illegible] لام ال مدغم است [illegible]
[illegible] لام و نون حفص اظهار نون لفظ یس [illegible] و نون [illegible] ادغام بسیار است در حمزه ابان معنا الملفی [illegible]
و صحیح از قرائت [illegible] بوجوب ادغام صغیر [illegible] باب سیم از کتاب کفایة الحفظ باب بحث و بیان

حروف مد و همزه محققه و مخففه از انتخاب و بیان اقسام وقف آن بدانکه حروف مد سه است بنا بر جمهور الف ساکن
ما قبل مفتوح و واو ساکن ما قبل مضموم و یاء ساکن ما قبل مکسور مثل الف قال و واو قالوا و یاء قیل و امثال [illegible] او و یاء
مد [illegible] است همزه و سکون و آنچه علما قرائت ذکر کرده‌اند مد [illegible] دو نوع قرار داده‌اند مد طبیعی و غیر طبیعی اما مد طبیعی عبارت از آن
ذاتی است بقدر تلفظ الحرف بدون سبب که اساس تیدا [illegible] بیک الف تغیر یابد [illegible] مد طبیعی و اصلی لفظ [illegible] و اما غیر طبیعی
از زیادتی و غیر طبیعی و عارضی مینامند و اما قصر عبارت از ترک زیادت [illegible] و جهر [illegible] مد [illegible] منقسم [illegible]
لازم و واجب و جایز اما لازم آنست که حالت او در مد لازم باشد نزد همه قراء یعنی باید بعد از حرف مد ساکن در وقف و وصل [illegible]
و قصر در او جایز نباشد و مد جایز آنست که مد و قصر هر دو روا باشد نزد جمیع قراء و آن آنست که حرف مد منفصل باشد
حرف مد در آخر کلمه و همزه در اول کلمه دیگر واقع شود و باید حرف مد پیش از سکون عارض در وقف مطلق یعنی جواز الوقف
اسکان باشد یا باشمام یا وقف کافی یا وقف تام یا وقف حسن یا وقف قبیح پس اگر همزه مقدم باشد از حرف مد مثل آمن
و ایمانا مد آن مخصوص است بقراءت نافع مدنی بروایت ورش از طریق ازرق و بعض از قراء در مد منفصل با قصر خوانده‌اند
مثل قالون و دوری با خلاف عنهما و سوسی و ابن کثیر بلا خلاف بر آنکه قراء مد طول بجا آورده‌اند قدر مراتبهم ولکن [illegible] منفصل
منفصل علی الاصح مقدار چهار الف [illegible] و خلاف [illegible] قالون [illegible] مصرح [illegible] اما [illegible] غیر از مد [illegible]
و همین حکم وارد و حرف مد که از اشباع ضمه یا کسره متولد شود لفظا اگرچه رسما صورتی نداشته باشد مثل امره الی الله و نزد [illegible]
بعضی از قراء در مد متصل از [illegible] ورش و حمزه مد طول قائلند [illegible] باقی قراء مد توسط و در مد منفصل [illegible] ورش و حمزه طول از [illegible]
ابن عامر و عاصم و کسائی توسط [illegible] قالون و ابو عمرو و ابن کثیر و قصر [illegible] قائلند و درین باب اقوال مختلفه بسیار است که ذکر آنها موجب
اطناب و تطویل میباشد و اما اگر سبب مد سکون باشد خالی از آن نیست که آن سکون لازم باشد یا عارض هر یکی از عارض و لازم
باشند یا مظهر و سکون لازم مدغم و مظهر هر دو در حروف مقطعه و غیر مقطعه میباشند و حروف مقطعه چهارده حرفند در اوایل سور [illegible]

فصل چهارم در بیان ...

در بیان رسوم و وقوف مد و انواع آن

هر حرفی که بعد از آن ... حرف وسط حرف مد و ثالث ساکن باشد مد باید داد و آن ... مجتمع ...

و آنچه از حروف مقطعات مد دارد مجتمع در ... حرف وسط ... اما ... که در اول مریم و شوری است ...

آن سه حرف و ثالث ساکن است ولیکن حرف وسط حرف مد نیست بلکه حرف لین است ... در مد آن خلاف ...

و اسم حرف لین ... حرف مد دانسته و با آنکه در میان ... مد واقع شده ... و جواز ...

در ... طول و توسط ... بلند ... اگر بعد از حرف مد ساکن باشد مدغم یا مظهر همه قرا بالاتفاق با مد ... مثل ...

و لا الضالین و نحو آن ... اگر سبب مد سکون عارضی باشد یعنی در حالتیکه وقف با اسکان یا با اشمام ...

نستعین و المصیر و یوقنون و غیره در این صورت مد و توسط و قصر هر سه جایز است اما ... قصر ...

ما قبل واو و یاء ساکن حرفی مفتوح باشد و بعد از آن همزه و هر دو در یک کلمه باشند مثل هیئة و سوء ...

حالت وصل ... قصر ... در حالت وصل ... توسط دارد و در حالت وقف ...

... همه قرا ... حرف ساکن باشد یعنی وقف ... بالاتفاق ...

... واقع است ...

... مد و قصر ... توسط و قصر ... قائلند و اصح است که ...

... الف و توسط ... جایز است ... للموءودة و موئلا هیچ خلافی بالاتفاق قرا نیست ...

... بعضی از علما ... انواع مد ... چنانچه ...

که تفصیل آن ... کتب جواهر القرآن و مفاتیح ... و سایر کتب ... معتبر ...

... حفص ... همزه الا ... در ... فصلت ... همزه ... حفص ... تسهیل ...

... تسهیل ... همزه باشد ... الف ... ءاعجمی ... آل عمران ...

و ... ان کان ... در سوره قلم و ... و ... اعراف و طه و شعرا ...

استفهام و لام ساکن واقع شود ... در قرآن در شش موضع ... استفهام با الف لام تعریف ...

الف لام تعریف ... بالف ... در دو موضع یونس و الله در یونس و نمل ... بالاتفاق ...

مد واجب و لازم باشد ... و جمیع قرا متفقند در مد و تسهیل ... تسهیل همزه ثانیه ...

... تسهیل ... همزه ... میان همزه و الف ... همزه اول مفتوح باشد و میان همزه ...

... همزه اول ... مضموم یا مکسور باشد ... مثل هؤلاء ان کنتم و جاء احدهم ...

... تحقیق ... احکام همزه ... مثل ... الانعام ... اول نقل ...

... ساکن صحیح ... مثل ... قد افلح قل اوحی ...

... در سوره ... لا ... الفسوق ... همزه ... دوم ...

... حرکت ما قبل ... فتبدل الفا بعد الفتح ... و او بعد الضم مثل یومنون ...

... تسهیل ... همزه ... میان همزه ... حرف مد ...

... همزه ... تسهیل ... همزه ثانیه ...

اسقاط همزه ... الباقون ... همزه ثانیه ...

... همزه ... وصل پنجم از ...

چهارم ... الصلاة ... قرآن ...

[illegible] رساله [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

با اینکه [illegible] اینکه در خصوص [illegible] صنعت [illegible]

باب اول در بیان تجوید [illegible] در ادغام و اظهار و اخفا و قلب باب دوم در بیان [illegible] باب سیوم در بیان لام تعریف [illegible]

[illegible] باب چهارم در بیان مد و لین باب پنجم در بیان میم ساکن باب ششم در بیان تفخیم و ترقیق [illegible] باب هفتم در بیان صفات [illegible]

باب هشتم در تعریف [illegible] باب نهم در بیان مخارج حروف [illegible] در بیان وقوف اما مقدمه در بیان تجوید قرآن [illegible]

[illegible] در اصطلاح قرا ادا کردن حق هر حرفی است از مخرج و صفات [illegible] از [illegible]

حق سبحانه و تعالی فرموده است ورتل القرآن ترتیلا و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام [illegible] از معنی ترتیل [illegible] الترتیل هو

تجوید الحروف و معرفة الوقوف [illegible] حروف [illegible] چنانکه از [illegible]

باب اول در بیان ادغام و اظهار [illegible] نون ساکن [illegible] حروف [illegible] چهار قسم [illegible]

ادغام [illegible] و ادغام در لغت داخل کردن چیزی بچیزی دیگر است و در اصطلاح قرا داخل [illegible] حرفی است در حرف دیگر و چهار حرف از آن ادغام با غنه

[illegible] مع الغنه و در لام و را ادغام بی غنه [illegible]

[illegible] مثال یا مَن یَّعمَلُ یومئذٍ یَّصدُرُ الناس مثال میم مِن مَّالٍ مثلاً مّا بعوضةً مثال نون مِن نّصیرٍ

حِطّةٌ نَّغفِر لکم مثال واو مِن وّاقٍ و رعدٌ و برقٌ مثال لام مِن لَّدُنّا وهدًى لِّلمتّقینَ مثال را مِن رَّبِّکم غفورٌ رَّحیمٌ

[illegible]

در حرف الصلوة و ادغام و اظهار و اخفا

قسم دوم آنکه تنوین و نون ساکن بحروف حلقی رسد اظهار خوانند و آنرا در لغت بمعنی واضح و ظاهر کردن حرف

مثال همزه ... مثال ... من هاد ... مثال همزه ينأون و من امن و كل امن مثال عين انعمت

حكيم حميد مثال عين فسينغضون من غل الا خير مثال حا و المنخنقة من حكيم ... مثال خا ...

نون ساکن ببا رسد قلب بمیم با غنه شود مثال با انبئهم من بعد ... قسم چهارم آنکه تنوین و نون ساکن بباقی

رسد اخفا با غنه شود و اخفا در لغت پنهان کردنست و در اصطلاح قرا پنهان کردن حرفست ...

و اظهار ... مثال تا تنتقمون من تاب يومئذ خاشعة مثال ثا انثى من ثواب ظلمات ثلاث مثال جيم

جاءكم فصبر جميل مثال دال اندادا من دابة دكا دكا مثال ذال انذرتكم من ذا الذي مثال زا ...

من زكوة يومئذ زرقا مثال سين الانسان من سلالة ... مثال شين انشاء ... شكورا

صاد ينصركم من صابرا صفا صفا مثال ضاد منضود من ضعف لكل ضعف مثال طا ينطقون من طيب

مثال ظا من ظل ظلا فيها مثال فا وانفسهم من في الارض ... مثال قاف ينقلبون من قول مثال كاف

منكم من كان ظلوما كفارا باب دوم در بيان ادغام متقاربين ... ادغام ...

و تا تانيث ساكنه ولام هل و بل و قل ... ذال اذ در چند حرف ادغام كنند ...

و ظا ... واذ زاغت الابصار واذ جعلوا واذ ظلمتم و دال قد ... ادغام در دو حرف كنند دال ساكن ...

قد دخلوا و قد تبين و تا تانيث ساكن كه متصل باشد بافعال ... ادغام كنند ... و دال و طا ...

نفرضهم و جنب دعوتما و امست طايفة و لام بل و قل در حرف لام و را ادغام كنند ... بل لا تكرمون بل ران

مثل لنا مهل را انتم قل لئن اجتمعت الجن والانس قل رب ... و اما ادغام متجانسين ... دو حرف از يك جنس

مثل ... ساكن دوم متحرك باشد ادغام ... مانند ... و نصرفا الا ... ادغام ... مثل ... و

در يوسف ... ادغام ... باب سيم در بيان لام ال كه عبارة از لام تعريف است و آنرا ... الف لام تعريف

لام تنهاست كه در چند حرف بعد از ... ادغام ... و آن چهارده است ... لام شمسي ... سهولت حفظ

منظم ... جيات ... ادغام بعد از لام الف ... لام شمسي ... اظهار ... و قمر ...

و ... سين و شين ... صاد و ضاد و طا و ظا و لام و نون ... يعني هر گاه لام ... پيش ازين حروف

لام ... ادغام ... و ... لام ... التفت الساق بالساق ...

مثال تا التواب ... التواب و دال الدنيا و ذال الذنب و را الرب و زا الزينة و سين السلالة و شين الشهداء

و صاد الصادقين و ضاد الضالين و طا الطيبات و ظا الظالمين و لام الليل و نون الناس و چهارده حرف

... اظهار ... لام قمري گويند باب چهارم در بيان مد ... مد در لغت بمعني كشيدن

و در اصطلاح قرا كشيدن حرفست بقدر ... يك حرف يا بقدر يك الف ... سبب نداشته باشد و اين مد طبيعي گويند

سبب داشته باشد ... حروف مد سه است واو و الف و يا بشرط آنكه ساكن باشند و ماقبل ايشان مضموم

و مفتوح و مكسور باشد چنانكه هر حرف از ايشان بجنس حركت خود متحرك باشد ... حرف مد ولين

... است كه ... چنانكه ... مثل

بلفظ ... كه ... چون ... همزه شوند اگر در يك كلمه باشند آنرا مد متصل ... بقدر چهار الف ... منفصل

ان جيء و سوء و ... و اگر حرف مد در آخر كلمه اول باشد ... همزه در اول كلمه آخر باشد ...

جايز گويند ... عاصم چهار الف مد بايد مثل انا انزلناه و في انفسكم و قالوا انا و اگر بعد از حرف مد سكون باشد

هفت مقام

از ترجمه اصطلاحات قاریان

یعنی لازمی بمعنی دائمی ... سکون لازمی باید ... مثالش ... مثل دابة و صاخة ... مد ساکن لازم مدغم ...

نزد عاصم بمقدار الف مد باید ... و اما مقصور در حروف مقطعات ... در اوایل سوره ... در فهم ... الله ...

خوانده ... و اگر عارضی باشد در حالت وقف ... مد ... ساکن عارض ... مثل نعلمون ...

در ... و صاحب ... طول و توسط و قصر ... ساکن ... مفتوح ... ساکن ... مفتوح باشد ...

بقدر نیم الف مد باید داد ... و اگر در حالت وقف ... در ... وصل ... توسط و قصر ... مثل الطرد الموت ...

در بیان میم ساکن ... میم ساکن ... بحرف ... سه قسم ... اول میم ساکن ... میم ...

مثلین با غنه ... مثالش ان لکم ... من دون الله ... قسم دوم ... باشد ... نزد

قراء بعض ... که اظهار ... ضعیف است و مثال آن ... قسم سوم آنکه ... حروف ... اظهار

خصوصا در واو ... که اظهار ... باشد ... باب ... در بیان تفخیم و ترقیق در راء و الف و ...

... مفتوح و مضموم را غلیظ خوانند مثل ... المدثر ... و اگر مکسور باشد ترقیق ... خوانند مثل ...

و اگر راء ساکن ... قبل مفتوح یا مضموم باشد تفخیم و غلیظ خوانند مثل ... و اگر راء ساکن ... قبل

مکسور باشد ترقیق ... عارض ... لازمی باشد ... متصل ... منفصل

و بعد از راء حروف مستعلیه باشد ... حروف مستعلیه ... صفات حروف ... مثل فرعون ... و اگر کسر

عارضی باشد تفخیم باید ... ارجعوا ... منفصل ... تفخیم ... مثل الذی ارتضی ... و اگر کسره لازمی ... متصل

و بعد از آن حروف مستعلیه باشد تفخیم ... مثل مرصاد و قرطاس ... کل فرق ... تفخیم ... ترقیق ... و اگر

قبل از الف حروف استعلا واقع شود ... و بعد از لام جلاله ... تفخیم باید ... ترقیق ... باب ... در بیان صفات

حروف ... حروف مهموسه ... مجتمع در کلمات فحثه شخص سکت ... همس ...

... آواز ... باقی حروف جهریه ... جهر ... حروف شدیده ... اجدت ...

... قطب ... حروف ... الرحو ... کلمات لم ...

... عنا ... و حروف اطباق ... ص ض ط ظ ... اطباق ... زبان ...

... کام بالا ... حروف ... منفتحه ... انفتاح ...

... حروف استعلا ... خص ضغط قظ ... استعلا ... باقی حروف ...

مستفله ... و حروف صفیریه ... ص ز س ... صفیر ...

سر زبان ... حروف تفشی ... ش ... مشتعر ...

... حروف تفشی ... لام ... مکرر ... تکریر ... مخرج ...

... تلفظ ... تکرار ... مستطیل ... آن بطول ... حروف قلقله

... قلقله ... در وقت سکون ... مخرج ... حرکت ... باقی حروف سکون ...

باب هشتم در بیان تعریف دندانها ... آنکه دندانها ... چهار قسمند اول ثنایا ... چهار دندان پیش ... از زیر

از بالا دوم رباعیات ... چهار دندان ... از چهار طرف ثنایا یکی از بالا یکی از زیر ... سیم انیاب ...

دندان ... چهارم اضراس ملبانه ...

... سه قسم ... اول ضواحک ... چهار دندان ... چهار جانب بالا ... نمایان باشند

دوم طواحین ... دندان ... از بالا ... از زیر

[illegible] و صفات [illegible]

فصل [illegible]

[illegible] مخارج حروف [illegible]

[illegible]

[illegible] اول اقصای حلق است و آن مخرج همزه و ها و الف [illegible] مخرج عین و حای حطی است سیم [illegible] مخرج غین و خای [illegible] چهارم [illegible] مخرج قاف [illegible] مخرج کاف است ششم میان زبان با کام بالا مخرج جیم و شین و یای [illegible] مخرج ضاد [illegible] مخرج طا و تا و دال [illegible] مخرج صاد و سین و زا [illegible] مخرج لام [illegible] مخرج نون [illegible] مخرج را [illegible] مخرج ظا و ذال و ثا [illegible] مخرج فا [illegible] میم و واو از میان دو لب [illegible] خیشوم است و آن مخرج میم و نون است در حالت [illegible] حروف مد و لین [illegible] مخرج هوای دهان [illegible]

فصل در صفات حروف

[illegible] بحث اول در صفات لازمه [illegible] همس و جهر و شدت و رخوت [illegible] استعلا و استفال و اطباق و انفتاح [illegible] قلقله [illegible]

اما جهر [illegible]

[illegible] فحثه شخص سکت [illegible]

شدت عبارتست از [illegible] اجد قط بکت [illegible]

[illegible]

ارشحه الصلوة در صفات لازمی و عرضی حروف

بیان است که و حروف مجموع در این کلمه است لم یکن و اطباق پوشیدن است و حروف آن چهار
ص ض ط ظ و اینها را حروف مطبقه گویند مطبقه برای آن است که در تلفظ با اینها زبان چون [illegible] کام بالا
ملبوس شوند و انفتاح بمعنی گشادن است ضد اطباق و حروف منفتحه غیر از چهار حروف اطباق از حروف
و این حروف را منفتحه گویند زیرا که در تلفظ با ایشان زبان از کام گشاده می‌شود و کام بالا ملبوس نشوند و استعلا
بمعنی طلب بلندی است و حروف مستعلیه جمع در این الفاظ خص ضغط قظ و این حروف را مستعلیه گویند
که در تلفظ با ایشان زبان میل بالا نماید و استفال طلب پستی در تلفظ است و اینها [illegible]
[illegible] و مد بمعنی کشیدن است و حروف مد سه است واو ساکن ماقبل مضموم یا ساکن ماقبل مکسور الف مطلقا و
ایشان را حروف مد گویند زیرا که بعضی گفته‌اند الف ساکن ماقبل مفتوح گویند [illegible] مطلقا است [illegible]
در تلفظ با اینها مد لازم است نسبت [illegible] و لین نرمی است و حروف آن دو است واو و یا که ساکن باشند
ماقبل مفتوح و اینها را حروف لین گویند که بنرمی ادا می‌شوند و تعلیل و اعلال تغییر دادن حروف [illegible]
تا اینکه در صحت [illegible] چنانکه در علم صرف اعلال معروف است الف و واو و یا [illegible] حروف علت نام دارند الف و واو و یا
هر که [illegible] ناچار [illegible] مثل قلب [illegible] چنانکه [illegible] معالجه [illegible] لازم است [illegible] و صفیر
عبارت است از صوتی که از میان [illegible] حرف است سین و صاد و زا و تفشی بمعنی پاشیدن است [illegible]
[illegible] و انحراف بمعنی میل کردن است و حروف آن [illegible] را و لام است و ایشان را منحرفه [illegible]
در تلفظ با ایشان زبان در کام میل نماید [illegible] بکناره زبان میل [illegible] برای آنکه لام منحرف است [illegible]
[illegible] و استطالت طلب طول و دراز کردن است و کشیدن آن [illegible] حرف ضاد است [illegible]
[illegible] کامل [illegible] یا آنکه در مخرج دراز کشیدن تا مخرج لام [illegible] و قلقله بمعنی جنبانیدن است و حروف آن پنج
مجموع است در ترکیب قطب جد و این حروف را حروف مقلقله گویند زیرا که در حال سکون در مخرج جنبانیده [illegible] و غنه
آوازی است که از خیشوم برآید میم و نون ساکن [illegible] غنه [illegible] چنانکه معلوم شد بحث دوم در صفات لازمی غیر مشهوره
مثل عبارت ضغط که بمعنی فشردن است و حروف قلقله را مضغوطه دانند زیرا که در حال وقف فشرده [illegible] چنانکه
[illegible] و غیر حروف مضغوطه [illegible] و ذلق کناره است و حروف آن شش است ر ن ل ب ف م و اینها
مذلقه گویند که سه حرف اول که ر ن ل باشد بکناره زبان است و سه حرف ب ف م بکناره لب چنانکه ذکر شد و ضد مذلقه
مصمته گویند و اما خفا بمعنی پوشیدن است و حروف آن چهار است جمع هوای [illegible] برای آن گویند که [illegible]
[illegible] که در وقت تلفظ پوشیده [illegible] و نصل [illegible] حروف [illegible] مد [illegible]
[illegible] و نفث [illegible] بیرون [illegible] از مخرج [illegible] در تلفظ و بحه بمعنی [illegible]
که حاء مهمله و [illegible] گویند زیرا که در ادای آن [illegible] در وسط حلق [illegible] اگر آن [illegible]
و [illegible] که در خاء معجمه حاصل شد مثل [illegible] و نبر [illegible] و همزه [illegible]
گویند که در وقت تلفظ [illegible] دارد اول [illegible] تسهیل [illegible] واضح [illegible]
که نبر بلند است و همزه بلندترین حروف است با قوت تمام [illegible] تسهیل [illegible]
بمعنی بلند [illegible] صعود است میل بالا [illegible] در الف است [illegible] که در تلفظ [illegible] اشهد ان لا اله
صفت [illegible] میگویند اشهد ان لا اله الا الله [illegible] صفات حروف [illegible]
[illegible] است که [illegible] بسیار و استادان کامل و بصیر [illegible] تحقیق [illegible]
کار [illegible]

عرضی و لازمی حروف

در صفات عرضی و مشهوره لازمی

در عبرت صحیح و نماز و بانجه بدون قرائت نماز

بحث سیم در صفات عارضی مثل ترکات تحسینی تفخیم ترقیق و کسر و اشباع و وقف و ادغام و اظهار و بیان کیفیت
و اختلاس و اماله و مد و قصر و توسط و کشش و تسهیل و ابدال و حذف و ادغام و اظهار و حذف و قلب و وصل بدانکه
از حروف تهجی هر یک چند صفت دارد از صفات لازمی مذکوره بدانکه همزه را پنج صفت است جهر و شدت و انفتاح
و استفال و اعتدال صمت با را پنج صفت جهر و شدت و انفتاح و استفال و قلقله و صمت است
تا را شش صفت است همس و شدت و انفتاح و استفال سکون صمت ثا را پنج صفت است همس و
انفتاح و استفال و صمت و سکون و تفشی جیم را پنج صفت جهر و شدت و انفتاح و استفال و قلقله و صمت
حا را پنج صفت همس و رخاوت و انفتاح و استعلا سکون صمت خا را پنج صفت جهر و رخاوت و انفتاح و استفال
سکون صمت دال را پنج صفت جهر بین الشدة والرخاوة و انفتاح و استفال انحراف و تکرار
سکون زا را پنج صفت جهر و رخاوت و انفتاح و استفال و صفیر و صمت و سکون سین را پنج صفت
صفت همس و رخاوت و انفتاح و استفال و صفیر و سکون و صمت شین را پنج صفت همس و رخاوت
انفتاح و استفال و تفشی و سکون و صمت صاد را شش صفت همس و رخاوت و اطباق و استعلا و صفیر و سکون
صمت ضاد را شش صفت جهر و اطباق و رخاوت و استعلا و استطاله و سکون و صمت طا را شش صفت
صفت جهر و اطباق و شدت و استعلا و قلقله و صمت ظا را شش صفت جهر و رخاوت و اطباق
استعلا و سکون و صمت عین را شش صفت جهر و بین الشدة والرخاوة و انفتاح و استفال و سکون و صمت
غین را شش صفت جهر و رخاوت و انفتاح و استعلا و سکون و صمت فا را شش صفت همس
و رخاوت و انفتاح و استفال و سکون و ذلاقت قاف را شش صفت جهر و شدت و انفتاح و استعلا و قلقله و صمت
کاف را شش صفت همس و شدت و انفتاح و استفال و سکون و صمت لام را شش صفت جهر و بین الشدة والرخاوة
انفتاح و استفال و انحراف و سکون و ذلاقت میم را شش صفت جهر و بین الشدة والرخاوة و انفتاح و استفال
غنه سکون ذلاقت نون را شش صفت است بعینه مثل صفات میم است واو را شش صفت است
جهر و بین الشدة والرخاوة و انفتاح و استفال مد و لین و اعتلال و سکون و صمت و خفا ها را شش صفت است
همس و رخاوت و انفتاح و استفال و سکون و صمت و خفا یا را شش صفت جهر و رخاوت و انفتاح و استفال و صمت
خفا و مد و لین و اعتلال و سکون باب دوم در بیان مد و قصر بدانکه مد در لغت بمعنی کشیدن است و قصر ضد آنست و در اصطلاح
طول کشیدن حرف مد و لین است زیاده از مقدار طبیعی به سببی و این مد را فرعی و عارضی خوانند و قصر ترک آن زیادتی است
که عبارت از مد طبیعی و ذاتی است که آن بقدر یک الف میباشد و این باب مشتمل است بر دو فصل فصل اول در بیان
امتداد بدانکه در حرف مد واقع است بدانکه حرف مد سه است الف و واو ساکن ماقبل مضموم و یای ساکن ماقبل مکسور چنانکه
گذشت و سبب مد همزه است و سکون که بعد از حرف مد واقع شود و هر یک بر دو قسم است زیرا که حرف مد و همزه در یک
کلمه اند یا آنکه حرف مد در آخر کلمه اول است و همزه در اول کلمه دوم و نیز سکون یا لازم است یعنی ثابت است در حالت وصل و وقف
یا عارضی است که بسبب وقف و ادغام عارض او شده است تأمل نمائید و نقل لازم است اما قسم اول که همزه
و مد در یک کلمه باشند دو قسم است زیرا که همزه قبل از حرف مد واقع شده است یا بعد از آن نوع اول را همه
خوانند الا مگر ازرق از ورش بمد خوانده مثل آمن و ایمان و اوتوا نوع دوم را همه کس بمد خوانند و آنرا اما اتفاق
و آنرا مد متصل و مد واجب میگویند مثل جاء و جیء و سوء اما قسم دوم که حرف مد در آخر کلمه اول باشد
دیگر

در مد و اقسام مد و ادغام و اظهار و اخفای حروف

[illegible] اول کلمه [illegible] مثل [illegible] و قالوا انا و فی انفسهم [illegible] این قسم را مد منفصل و مد جایز گویند بعضی قرا مد خوانند و بعضی بقصر [illegible] **اما قسم سیم** که سبب مد ساکن لازمی است مدغم یا غیر مدغم مثل صاخه و تحاجونی و ق والقرآن و هم چنین هر جایی که در اول سوره واقع شده و تلفظ به حرف [illegible] و مانند [illegible] حرف آخر حرف مد باشد این قسم را مد لازم خوانند و جمیع قرا مد خوانند بی تفاوت و اما نزد بعضی ساکن مدغم زیاده مد باید داد **و اما قسم چهارم** که سبب مد ساکن است بسبب وقف یا ادغام عارض مثل الباب و یؤمنون و نستعین و قال لهم و یقول ربنا و فیه هدی بقرائت بعضی سبب این قسم را مدغم عارضی باشند در این وجه سه قسم جایز است طول و توسط و قصر لیس الحرف در اول مضموم [illegible] باشد مثل یؤمنون عالمین و در آن سه وجه [illegible] جایز باشد و اگر مکسور [illegible] باشد مثل الدین [illegible] چهار وجه جایز باشد سه وجه مذکور چهارم روم با قصر [illegible] در روم بغیر از قصر جایز نباشد زیرا که وقف بروم [illegible] و اگر حرف ساکن در اول مضموم باشد مثل نستعین در آن هفت وجه جایز است سه وجه ساکن بلا روم و سه وجه اشمام [illegible] حکم ساکن است چنانکه در حکم [illegible] بقیه روم و اشمام [illegible] خواهد آمد **و فصل دوم** در بیان مد که در حرف لین است [illegible] واو ساکن و یای ساکن است که ما قبل آن مفتوح باشد که سبب همزه یا سکون چنانکه معلوم شد همزه یا در میان کلمه است یا در آخر کلمه پس اگر در میان کلمه باشد مثل سوءة و کهیئة و استیئس و لا تیئسوا همه در اینجا بقصر خوانند مگر ازرق از ورش که او مد طول و توسط میخواند مگر سوءة که بقصر خوانند بخصوص اینجا و اما موئلا در سوره کهف والموءدة در سوره تکویر که او نیز الا بقصر مثل [illegible] و اگر همزه در آخر کلمه باشد مثل سوء و شیء ازرق از ورش دو وجه میخواند طول و توسط وقفا و وصلا و غیر از ازرق قرا سه وجه است طول و توسط و قصر و در حال وقف بسکون یا باشمام اما در حالت وصل یا وقف بروم جایز نباشد الا و اگر سبب مد سکون باشد عارضی یعنی سکون وقفی مثل خوف و بیت همه قرا سه وجه جایز است طول و توسط و قصر و اگر سبب مد سکون لازمی باشد مدغم مثل هاتین در قصص و الذین در فصلت بقرائت ابن کثیر یا بلکه غیر مدغم باشد مثل [illegible] در کهیعص و حمعسق دو وجه جایز است طول و توسط نزد جمیع قرا و قصر نیز جایز باشد نزد بعضی

باب سیم در بیان ادغام و اخفا و اظهار [illegible] و آن مشتمل است بر یک [illegible] **و اما الاصل** در بیان معانی [illegible] ادغام در لغت [illegible] در اصطلاح حرف اول را از جنس حرف دوم ساختن اگر [illegible] ساکن [illegible] اگر [illegible] داخل بودن و تلفظ بر حرف [illegible] شده [illegible] و غرض از ادغام تخفیف است زیرا که زبان [illegible] نطق [illegible] مثلین [illegible] با نزدیک بآن مخرج متقاربین [illegible] نطق [illegible] همچنانکه [illegible] از [illegible] [illegible] لکنه [illegible] نقیل [illegible] پس ازین [illegible] ادغام [illegible] از یک [illegible] نفع [illegible] از [illegible] حرف **و اظهار ضد ادغام است** و اخفا مابین ادغام و اظهار است [illegible] ادغام [illegible] اظهار [illegible]

فصل اول در بیان ادغام و اظهار کلمات حروف متجانسین و متقاربین [illegible] حروف متماثل یعنی [illegible] در مخرج و صفت [illegible] و متغایر در بعضی صفات در یک کلمه یا در دو کلمه حرف اول ساکن باشد و حرف مد نباشد ادغام حرف اول در دوم واجب است نزد جمیع قرا مثل یوجهه و اللیل و حصدتم و مالم تستطع علیه و قد دخل و قد تبین و لما اثقلت دعوا الله ربهما و اذ ظلمتم اما در مثل احطت و فرطت و بسطت ادغام تام نباشد بلکه اطباق و جهر که از صفات طا است باید [illegible] [illegible] یعنی [illegible] نکام [illegible] منطبق باید [illegible] و تلفظ باید کرد و اما در حروف مد مثل قالوا و اقبلوا و فی یوسف ادغام مطلقا جایز نباشد زیرا که مد بمنزله حرکت است و اما اگر در متماثلین و متجانسین مثل [illegible] و یرزقهم و قال لهم و قال ربکم غیر سوسی از ابی عمرو و یعقوب بخلاف عنه ادغام خوانند و باقی قرا اظهار خوانند [illegible]

دقو خفیه

در بیان قاعدهٔ احکام نون ساکن

۳۲۱

د و آن ملاحظه تمام باید نمود بلکه لازم است تخصیص در حرف حلق بحرف نشود حرف ما مثل الا ان دخل و ...
و وقع علیهم و یخرج من النار و یعلم ما ینفقون و اعلم من فیها و قد فتحه وهو حمید و
جری یوسف **فصل دوم** در بیان احکام نون ساکن و تنوین بدانکه نون ساکن و تنوین را
خط ثابت است در غیر هر کلمه باشد لیکن چنانکه معلوم شود با اینها نزد حروف تهجی چهار حکم است اظهار
ادغام و اخفا و قلب اما اظهار در شش است که بعد از ایشان یعنی بعد از تنوین و نون ساکن یکی از حروف حلق
واقع شود خواه در یک کلمه یا در دو کلمه و از برای هر حرفی سه مثال ملاحظه کنند مثال همزه یناون من امن عذاب
الیم **مثال ها** ینهون ان هذا فهو هاد **مثال عین** انعمت من عمل حکیم علیم **مثال حا**
وتنحتون من حکیم حمید **مثال غین** فسینغضون وان یکن غنیا اجر غیر ممنون **مثال خا**
والمنخنقة من خشیة قوم خالدین ... [illegible] ... اما در لفظ ان یکن غنیا
در سوره نسا فسینغضون در سوره بنی اسرائیل و المنخنقة در مائده که او نیز در این کلمات اظهار ... ادغام
و قلب که ایشان در هر کلمه باشد و بعد از ایشان یکی از حروف یرملون واقع شود اما در را و لام ادغام بلا غنه
باشد و در باقی مع الغنة مگر قاف از حمزه که در واو و یا بی غنه کنند و بعضی نقل نموده از ابی جعفر در را و لام
... ملاحظه ادغام بلا غنه و اظهار و از برای هر یک از حروف سه مثال ذکر نمود **مثال یا** و من
یقول یومئذ یصدعون **مثال را** من ربکم غفورا رحیما **مثال میم** من مال الله سلاما قال
مثال لام من لدنه هدی للمتقین **مثال واو** من وال و رعد و برق **مثال نون** من ناصرین
حطة نغفر لکم ... اگر نون و واو و نون و یا در یک کلمه واقع شود مثل صنوان و قنوان
و دنیا و بنیان البته اظهار باید کرد تا مشتبه بمضاعف نشود در صنوان و بنیان **اما قلب** یعنی
نون بحرفی دیگر گردانیدن در یک حرف است که بعد از آنها باء واقع شود در یک کلمه یا دو کلمه که قلب بمیم باید کرد پس
مع الغنة مثل انبئهم و من بعد ذلک و صم بکم **اما اخفاء** و قلب که یکی از چهار حرف باشد
از اینها واقع شود و اخفا باشد الا مع الغنة از برای هر یک سه مثال ذکر نمود **مثال تا** انتم من تاب
جنات تجری **مثال ثا** علی الحنث العظیم من ثمرة ... **مثال جیم** ننجی من جاء خسانا
جزاء د اندادا من دافق کاسا دهاقا ذ و انذرهم من ذلک حکیم ذا منزلا
من ذلکها مبارکة زیتونة س من ساند من سبا خالصا سائغا ش انشانا
من شجرة صبار شکور ص ینصر من صلصال ریحا صرصرا ض منضود من ضل
مخضرة ضاحکة ط المقنطرة من طین صعیدا طیبا ظ ان ظنا من ظن ظلا ظلیلا
ف انفسهم من فضل خالدا فیها ق ینقلب من قرار سمیع قریب ک منکم من کتاب کریم
وصل سیم در بیان احکام میم بدانکه میم ساکن را نزد حروف تهجی سه حکم است اول ادغام میم ساکن در میم مثل انکم
ادغام با غنه نزد میم خواه در یک کلمه یا دو کلمه مثل ادغام میم ساکن در میم مثل انکم ... در میم مشدد مثل ابتلی
جمیع میمات مشدده و این حکم جاریست مثل تعمیر و در من و صم و اما چنانکه در میمات معلوم شده و ادغام
دوم اخفاء با غنه نزد با مثل و من یعتصم بالله و ان ربهم بهم اظهار نیز جایز است و جاری است اما مخار و ...
نزد ابی عمرو و صاحب شاطبیه سیم اظهار نزد باقی حروف خواه در یک کلمه یا دو کلمه باشد مثل الحمد لله ... نعمت
ولهم عذاب معکم انما نخصیص نزد فا و واو که اظهار مشتد باشد چون یمدهم فی طغیانهم و علیهم و لا الضالین

۸۸۸

اضافات

در ترقیق و تفخیم و اشباع در آداب قواعد

۲۲۳

[illegible] و در وقف [illegible] اما تغلیظ اولی است و در وصال تغلیظ را اختیار کرده‌اند ولی ترقیق اصح است چنانکه [illegible]

و همچنین اگر در میان لام مفتوحه و حرف صاد و طاء و ظاء مذکوره الف واقع شود ترقیق و تغلیظ هر دو جایز است [illegible]

تغلیظ اشهر است مثل فصالا در بقره و ان یصّلحا در سوره نساء و افطال در طه و طال در انبیاء و فطال در [illegible]

و همچنین در و لا اصلی در قیمه و فصلی در سبح اسم و لا اصلی در علق [illegible] که در آیه‌ای دو مصلی در بقره و [illegible]

وقف و در تصلیتها در اسری و [illegible] اللیل و یصلی در انشقاق و یصلی در غاشیه و سیصلی در لهب [illegible]

ولی در آن کلمه در احزاب ترقیق اولی است و در این سه کلمه لام تغلیظ فقط ملیک [illegible] و باید دانست که در [illegible]

تغلیظ لام با فتح آن باشد و ترقیق با اماله این باب **مسئله** آنکه جمیع قراء متفقند در تغلیظ

الله و قبله ما قبل آن مفتوح باشد یا مضموم مثل قال الله و رسول الله و اگر ما قبل آن مکسور باشد [illegible]

ترقیق است مثل الحمد لله و بسم الله **فصل** در بیان ترقیق و تفخیم الفها [illegible] آنکه در مرمطلبی [illegible]

بر تکرار مطالب چنانکه [illegible] در کلام الله بعد از معرفه [illegible] در تمامی احکام شرعی و این بر تکرار ضروریات [illegible]

حفظ و ضبط و احیای دین است و تمامی آداب شرعی و دین با عدم تکرار مندرس و متروک و نسیا منسیا [illegible]

دین و ایمان که نماز است انقیاداً لامر الله و رسوله این کتاب مخصص تکرار نماز لمکه برای تکرار هر شرط حالی که از شرایط نماز

قرار دادیم که قرائت نماز و طابقه نماز که آسانترین شکل و صورت نماز است مخصوص نمودیم برای آنکه اگر بنده در تصحیح [illegible]

[illegible] در [illegible] و لا اصلاح در تقدیم سایر شرایط و آداب اسلام و ایمان خواه [illegible] خصیصه ولایت دارد چنانکه

[illegible] من لوازم ولایت امامت [illegible] استحکام داده لغایغ [illegible] لابد سایر احکام الله [illegible] ۲۹۳

قرائت و طابقه [illegible] در نماز این شرط [illegible] و بعبارة [illegible] مثل [illegible] لیکن این دو شرط مختصر شکل [illegible]

از سایر شرایط نماز [illegible] مؤمن و مسلمان و لازمه ایمان و اسلام را دارا و عامل [illegible]

[illegible] ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر و الی اصل [illegible] کلمات [illegible] لازمه نماز قرائت قواعد

[illegible] عیب [illegible] این [illegible] ترتیب [illegible] تصحیح [illegible] مطالب [illegible]

انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم [illegible] تعلیم و تعلم علم قرائت [illegible] مطالب [illegible] تکرار [illegible] حفظ

و اشتهار در السنه و افواه صغیر و کبیر و عوام و خواص مؤمنین است [illegible]

و مجلس [illegible] آنکه اصل الف ترقیق است و تفخیم او عارض [illegible]

استعلاء و اطباق [illegible] تفخیم کنند [illegible] تفخیم [illegible] تمام [illegible] ما قبل مثل

قال و ظالمین و خالصة و صالح و ضامر و الغارمین و طال اما اگر ما بعدش حرفی از حروف مستعلیه باشد البته ترقیق باید

مثل الاسن و [illegible] و غیر ذلک و مراد از ترقیق در اینجا عدم اشباع فتحه ما قبل [illegible] با اماله [illegible]

[illegible] چنانکه از اعراب [illegible] که تفخیم بتبعیت حرف استعلاء و ترقیق بتبعیت حرف استفال [illegible]

هر حرف [illegible] است [illegible] حرف مستعلیه که ترقیق [illegible] بشرط آنکه اسم و فعل [illegible]

[illegible] ناقص [illegible] نباشند مثل [illegible] در رمی و قلی و حتی ما زکی [illegible] در [illegible] صغی و سعی و [illegible] رمی و اعطی [illegible]

در اینها جایز نیست [illegible] **تنبیه** در بیان [illegible]

و احکام آن بدانکه [illegible] ضمیر است [illegible] مذکر مضموم یا مکسور مع الاشباع مثل به [illegible]

[illegible] مراد از اشباع [illegible] حرکه است چنانکه در ضمه واو [illegible] و در کسره یاء [illegible] اشباع [illegible]

و عدم اشباع [illegible] کردن حرکت [illegible] که [illegible] اما در اینجا [illegible]

[illegible]

اصح و اسقم

ترجمه اسماء ... وشرح عدد ... ۳۲۲

با اشباع و قلقله ... ما قبل ... مضموم و ما بعدش متحرک مثل ... و اگر ... باشد با اشباع ...

و قلقله ... ما قبل ... و ما بعدش ... مثل علیهم ... و ... و مضموم ... [illegible]

علیه و مختلف فیه ... متفق علیه ... ضمیر ... ساکن ... ما قبلش متحرک باشد ... مثل

مثل ... الله و یعلمه الله ... و مختلف فیه ... ما قبل ... ضمیر ساکن باشد ... ما بعدش متحرک مثل فسبحه و ... انبیا

کما حدوده ... و ... فی القصص ... [illegible] ... متفق علیه ... خوانده ... یعنی لو اوا

... با اشباع ... متفق علیه ... ساکن ... مرجعه ... مثل

الذین ... و ... مختلف فیه ... ما قبل ... ساکن ... ما بعدش متحرک مثل فیه

... جمیع قراء ... مختلف ... در ... مشبعه می خوانند یعنی با الف ... در لفظ ... جمع

... حفص ... وصل ... بعضی احکام مذکور ... بعضی الفاظ ... مثل

... و ... در ... باب ششم در بیان ... مثل

در فصل و وصل اول ... [illegible] ... صفات

استعلا ضد استفال ... اطباق ضد انفتاح ... همس ضد جهر ... مجتمعه

... حروف ... در لغت ... [illegible] ... استعلا

... موصوفه ... در لغت ... [illegible] ... حروف

مجتمعه در کلمات ... قظ ... [illegible] ... حروف

... مجتمعه در کلمات ... ص ض ط ظ که ... مثل ... کرده

... حروف ... موصوفه بانفتاح ... [illegible] ... در لغت ... حفت

... [illegible] ... همسات ... حروف ... فحثه شخص سکت ... همسات یعنی

... [illegible] ... قطر ...

... [illegible] ... در بیان ...

حروف موصوفه ... وصل دوم در ذکر صفات ملکه ضدیت ... صفات ... مقدم ...

... اول حروف ... مجتمعه کلمات قطب جد ... قلقله ... یعنی حرکت ... ساکن

... [illegible] ... صفیر ... در لغت ... مثل ... حروف ... صاد

سوم تفشی یعنی انتشار ... چهارم ... که مخصوص حرف ضاد است ... سین ... شین

... انحراف ... لام است ... مخرج ... خصوص

... وصل اول از باب ششم ... در کلمات ... در لغت

... [illegible] ... در لغت ... اصطلاح ... ضعیف ... اعراب

... اشمام ... در لغت ... اصطلاح ... اسکان حروف ... بلبنا

... ولکن ... اصل در وقف ... معنی ... اصل

حرکات ثلاثه ... جایز ... در ضم ... رفع ... کسره و جر مثل الحمد ... و من قبل و مالک و هو ... فتح

روم جایز نباشد اصلا ... و بعضی ... قرا در فتح و نصب ... جایز ... خط

... اشمام جایز نباشد مگر در ضم و رفع ... وقف بروم و اشمام ... که سامع از روم و ... اشمام ... وقف

... روم و اشمام جایز نیست ... باتفاق قرا اول ... تا تانیث ... [illegible]

در تاء تانیث و رسم خط آن و آن ۳۲

... و نون ساکن عارضی ... وقف بر رسم تا ... و اشمام نزد اهل ... عارض ...

و حرکت عارضی مثل قل ادعوا و قم اللیل و قل اوحی و انحر ان شانئک ... اصل ساکن ... بسبب التقاء ساکنین

و در تا اول و بسبب نقل در حرکت ... حرکت عارضی ... میم جمع الیکم و لیهم ... میم جمع ساکن

و ضمه عارض ... در حین وصل ... و بقرائت بعضی در وصل الرضاعة ... ساکن ... باتفاق ... حرکت

بحرکت عارض بجهت دفع التقاء ساکنین ... ضمیر مثل انه و به و اتلیناه و علیه ... بعد ... مثل ...

... ضمیر روم و اشمام نزد ... جایز است مطلقا و بعضی گفته اند که جایز نیست مطلقا و بعضی ... تفصیل ...

اینکه ... ضمیر مضموم ... ماقبلش مضموم باشد یا واو ساکن مثل یعلمه و ... و اصحابه ... در ...

ماقبلش مکسور باشد یا یا ... مکسور ... ساکن مثل به و فیه و علیه روم و اشمام هر دو جایز ... و در غیر ...

جایز باشد و بعضی مثل ... تفصیل ... با ... ضمیر ساکن است روم و اشمام جایز ... مثل

عنه و الیه و الرمح ... جایز نیست مثل انه و به ... قول اول ... اختیار ... و قول دوم

در بیان وقف بر رسم خط ... انکه چون قاری ... وقف کند در کلماتی ... از کلمات قرآن ... حسب ... باطل ...

خط قرآن اگر چه ... وقف ... باید که بر رسم مصحف وقف کند مگر بمذهب جماعتی مثل ابن کثیر و ابی عمرو

و کسائی و یعقوب که وقف ایشان بر رسم نیست ... باید دانست رسم مصحف از تا تانیث ... مقطوع ...

و این فصل مشتمل است بر ... بحث **بحث اول** در تاء تانیث ... مصحف ... تا در ...

در ... نوشته اند ... لفظ ... رحمت در ... موضع ... رحمت الله در بقره ان رحمت الله قریب

در اعراف و رحمت الله و برکاته در هود و ذکر رحمت ربک در مریم و الی اثار رحمت الله در روم و هم یقسمون رحمت

ربک خیر ... در سوره زخرف دوم لفظ نعمت در یازده موضع نعمت الله علیکم و ما انزل در بقره نعمت

علیکم و ما انزل در بقره نعمت الله علیکم اذ کنتم در آل عمران نعمت الله علیکم اذ هم در مائده نعمت الله کفرا و نعمت الله لا تحصوها

در سوره ابراهیم و نعمت الله هم یکفرون نعمت الله و اشکروا نعمت الله هر سه در سوره نحل و فی البحر بنعمت الله

و اذکروا نعمت الله علیکم و بنعمت ربک ... سیم امرأة در هر جا که مضاف ... زوج ... در هفت

امرأت عمران در سوره آل عمران و امرأت العزیز ... در سوره یوسف و امرأت فرعون در قصص و امرأت

نوح و امرأت لوط و امرأت فرعون هر سه در سوره تحریم چهارم کلمت در پنج موقع کلمت ربک صدقا در انعام و تمت

کلمت ربک الحسنی در اعراف و کلمت ربک علی الذین و کلمت ربک لا یؤمنون هر دو در یونس و حقت کلمت ... در غافر

و لکن در یونس و در غافر ... پنجم سنت در پنج محل سنت الاولین در انفال ... الا سنت

الاولین و سنت تبدیلا و لسنت الله تحویلا هر سه در سوره فاطر و سنت الله التی در غافر ششم لعنت در دو موضع لعنت الله

علی الکاذبین در آل عمران و ان لعنت الله علیه در نور هفتم معصیت در دو موضع معصیت الرسول و تناجوا

بمعصیت ... در مجادله هشتم بقیت الله در هود ... نهم قرت عین در قصص یک جا دهم فطرت الله

یک محل یازدهم شجرت الزقوم در دخان دوازدهم جنت نعیم در واقعه یک موضع سیزدهم

ابنت عمران در تحریم یک موضع چهاردهم آیات در دو موضع آیات للسائلین در یوسف آیات

من ربه در عنکبوت پانزدهم غیابت ... در هر جا که واقع شود شانزدهم ذات

در هر جا که واقع شود مثل ذات بهجة در نمل و ذات الشوکة و بذات الصدور و ذات البروج

هفدهم

در تاء تانیث در رسم خط و این مشتمل است بر سه مقصد

ت بحرکت عارضی اما حرکت بنا و اعراب پس وقف بسکون یا بروم یا باشمام و اما در روم و اشمام نزد اهل ادا [illegible]

و حرکت عارض مثل قل ادعوا و قم اللیل و قل اوحی و لم یکن الذین کفروا زیرا که در اصل ساکن بوده بسبب التقاء ساکنین

در تاء اول و بسبب نقل در حرف ثانی حرکت عارض شده پس میم جمع علیهم و بهم زیرا که اصل در میم جمع سکون

و ضمه عارض او مستفاد در حین صله براو و بقرات بعضی در وصل از قبیل که بعد از او ساکن باشد بالاتفاق حرکت

بحرکت عارض بجهت دفع التقاء ساکنین اما در ها ضمیر مثل انه و به و اتلیناه و علیه خلاف است مثل الیه

زیرا ها ضمیر روم و اشمام نزد ابو عمرو جایز است مطلقا و بعضی گفته اند که جایز نیست مطلقا و بعضی تفصیل داده اند

باین که در ها ضمیر مضموم که ما قبلش مضموم باشد یا واو ساکن مثل یعلمه و انوه و اصحه و در ها ضمیر

ما قبلش مکسور باشد یا یا مکسور یا یا ساکن مثل به و فیه و علیه روم و اشمام هر دو جایز نباشد و در غیر

جایز باشد و بعضی مثل سبط قبل دا تفصیل داده اند با اینکه اگر ما قبل ها ضمیر ساکن است روم و اشمام جایز باشد مثل

منه و الیه و الرسم و جایز نیست مثل انه و به و صاحب شاطبی قول اول را اختیار کرده فصل دوم

در بیان وقف بر رسم خط بدانکه چون قاری خواهد وقف کند در کلمه از کلمات قرآن برای اختبار یا انقطاع نفس یا طاق لفظ

حظ قرآن اگرچه با تکلفه وقف نباشد باید بر رسم مصحف وقف کند مگر بمذهب جماعتی مثل ابن کثیر و ابی عمرو

و کسائی و یعقوب که وقف ایشان بر رسم نیست بلکه باید دانست رسم مصحف از تاء تانیث مقطوع و موصول

و این فصل مشتمل است بر دو بحث **بحث اول** در تاء تانیث بدانکه در مصحف عثمانی تا در اکثر جاها

دراز نوشته اند بیست و پنج لفظست یکی تاء رحمت در هفت موضع یرجون رحمت الله در بقره ان رحمت الله قریب

در اعراف و رحمت الله و برکاته در هود و ذکر رحمت ربک در مریم و الی آثار رحمت الله در روم و هم یقسمون رحمت

و رحمت ربک خیر هر دو در سوره زخرف دوم لفظ نعمت در یازده موضع نعمت الله علیکم و ما انزل در بقره نعمت

علیکم و ما انزل در بقره نعمت الله علیکم اذ کنتم در آل عمران نعمت الله علیکم اذ هم در مائده نعمت الله کفرا و نعمت الله

هر دو در سوره ابراهیم و نعمت الله هم یکفرون نعمت الله و اشکروا نعمت الله هر سه در سوره نحل و فی البحر بنعمت الله

و اذکروا نعمت الله علیکم و نعمت ربک در طور سیم امرأة در هر جا بلکه مضاف است بسوی زوج خود باشد و آن در هفت

هست امرأت عمران در سوره آل عمران و امرأت العزیز تراود در سوره یوسف و امرأت فرعون در قصص و امرأت

نوح و امرأت لوط و امرأت فرعون هر سه در سوره تحریم چهارم کلمت در پنج موقع کلمت ربک صدقا در انعام و تمت

کلمت ربک الحسنی در اعراف و کلمت ربک علی الذین و کلمت ربک لا یؤمنون هر دو در یونس و حقت کلمت در غافر

و لکن در یونس و در غافر خلاف کرده اند پنجم سنت در پنج محل سنت الاولین در انفال الا سنت

الاولین و سنت تبدیلا و لسنت الله تحویلا هر سه در سوره فاطر و سنت الله التی در غافر ششم لعنت در دو موضع لعنت الله

علی الکافرین در آل عمران و ان لعنت الله علیه در نور هفتم معصیت در دو موضع معصیت الرسول و تناجوا

بمعصیت در مجادله هشتم بقیت الله در هود در بقیت ... نهم قرت عین در قصص یکجا دهم فطرت الله در روم

یکمحل یازدهم شجرت الزقوم در دخان دوازدهم جنت نعیم در واقعه یکموضع سیزدهم ابنت

ابنت عمران در تحریم یکموضع چهاردهم آیات در چهار موضع آیات للسائلین در یوسف آیات

من ربه در عنکبوت پانزدهم یا ابت در هر جا که واقع شود شانزدهم ذات

در هر جا که واقع شود مثل ذات بهجة در نمل و ذات الشوکة و بذات الصدور و ذات البروج

هیفدهم

فصل پنجم از باب چهارم

در ذکر موصول و مقطوعات کلام الله در مرسومات قرآن

٣٢

مینویسم نوع بیست و ... در یک موضع اول ... اول ... قسم من تحتها ... و فصلت با یک موضع **پنجم** ... از اصفر ... در **بیست و یکم** ... حیث ... مرسا المفهام **بیست و دوم** افرایتم اللات والعزی ... در النجم در **بیست و سیم** هیهات هیهات لما توعدون در مومن دو موضع **بیست و چهارم** در دو موضع و یقنات ان تحلوا و غیابت الجب ... مرسوم است **بیست و پنجم** مرضات در جهار موضع ابتغاء مرضات الله دوم اموالهم ابتغاء مرضات الله ... در سورۀ بقره ... و من یفعل ذلک ابتغاء مرضات الله در نساء چهارم تبتغی مرضات ازواجک در تحریم **مبحث دوم** در مقطوع و موصول است بدانکه هر کلمه که بحرفی یا بیشتر ... باشد متصل باشد از کلمه بعد از آن ... خواه این کلمه حرف باشد یا اسم یا فعل مگر الف لام تعریف و یا ندا ... ثمیه متصل و حروف مقطعات مثل الارض و یا آدم و ... و ... الم ... در مصحف امام ... شش قسم موصول نویسند ... از مقطوعات آنچه ذکر کرده اند ... **اول** اینما تولوا فثم وجه الله در بقره و اینما یوجهه در نحل که این هر دو باتفاق موصولند و اما در اینما تکونوا یدرککم الموت در نساء و اینما کنتم تعبدون در شعرا و اینما ثقفوا در احزاب خلاف کرده اند لکن در نساء ... مصاحف مقطوعست **دوم** حیثما هر جا که واقع شود مقطوعست بالاتفاق **سیم** لبئس ما مقطوعست در پنج موضع لبئس ما شروا در بقره و لبئس ما کانوا یعملون و لبئس ما کانوا یصنعون و لبئس ما کانوا یفعلون و ما قدمت ... در مائده **چهارم** بئس ما در هر جا که واقع شود موصولست مگر در قل بئس ما یأمرکم در بقره ... مقطوعست **پنجم** فبئس ما یشترون در آل عمران مقطوعست ... **ششم** کلما مقطوعست در پنج موضع کلما سألتموه در ابراهیم و کلما ردوا در سورۀ نساء و کلما سألتموه در ابراهیم و کلما دخلت در اعراف و کل ما جاء امة در مؤمن و کل ما القی در ملک ولکن در ابراهیم ... خلاف ... در باقی مع الحذف ... در این جهار وصل است **هفتم** انّ ما بهمزه مکسوره و نون مشدده مقطوعست در موضع ان ما توعدون لآت در انعام و ان ما عند الله هو خیر لکم در نحل در بعض مصاحف موصولست **هشتم** ان ما بهمزه مفتوحه و نون ... مقطوعست در سه موضع ان ما توعدون من دونه در حج و لقمان و انما غنمتم در انفال ... **نهم** ان ما بهمزه مکسوره و نون ساکنه مکتوبست در جمیع قرآن بغیر نون مگر در یک موضع که ان ما نرینک در رعد مکتوبست بنون **دهم** ام من در چهار موضع مقطوعست ام من یکون علیهم در نساء ام من اسس در توبه ام من خلقنا در والصافات ام من یأتی آمنا در فصلت **یازدهم** فی ما در یازده محل مقطوعست فی ما ههنا آمنین در شعراء بلا اختلاف و در ده جا مع الخلاف ... فی ما فعلن فی انفسهن من معروف در بقره و لیبلوکم فی ما آتیکم در مائده و فی ما اوحی و فی ما آتیکم هر دو در انعام و فی ما اشتهت در انبیا و فی ما افضتم در نور و فی ما هم فیه و فی ما کانوا فیه هر دو در زمر و فی ما رزقناکم در روم و فی ما لا تعلمون در واقعه **دوازدهم** من ما مقطوعست در سه جا من ما ملکت در روم و من ما رزقناکم در منافقون ولکن در منافقون خلافست **سیزدهم** عن ما نهوا در اعراف در یک موضع **چهاردهم** عن من در دو موضع عن من یشاء در روم و عن من تولی در والنجم **پانزدهم** ان لا بهمزه مفتوحه و نون ساکنه در یازده موضع مقطوعست حقیق علی ان لا اقول و ان لا یقولوا علی الله الا الحق هر دو در اعراف و ان لا ملجأ در توبه و ان لا اله الا هو و ان لا تعبدوا الا الله انی اخاف هر دو در هود است و ان لا تشرک بی شیئا در حج و ان لا تعبدوا الشیطان در یس و ان لا تعلوا علی الله در دخان و ان لا یشرکن بالله در ممتحنه و ان لا یدخلنها الیوم

در مقطوع و موصول کلمات قرآنی و قواعد وقوف

بدان وان لا اله الا انت در انبیاء و صلاة اما در مصحف مقطوع است شا ... ان لن ...
بدان مقطوع است بلریدا الن نجعل لکم موعدا در سوره کهف و الن نجمع عظامه در قیامت ...
مقطوع است بدان مقطوع است ان لم یجز ما در جمیع قرآن بدان مقطوع است الا ینجیبوا لکم ...
بدان مقطوع است فالم یستجیبوا در قصص ولکن در اکثر مصاحف بدان مقطوع است مقطوع ...
مقطوع در جمیع قرآن بدان مقطوع است مثل ان لم یکن وان لم یرید ... لو ... لکیلا ...
مقطوع است الا در چهار جا که موصول نوشته شد لکیلا تحزنوا علی ما فاتکم در آل عمران و لکیلا در حج و لکیلا ...
حج در احزاب ولکیلا تاسوا در حدید لکن در آل عمران در مصحف بعضی مقطوع نوشته اند ...
در جمیع قرآن موصول است ما در دو جا مقطوع است یوم هم بارزون در غافر یوم هم علی النار یفتنون ...
بیت وکم این ام در قوله قال ابن ام در دو جا مقطوع است در طه موصول یعنی ببیاء نداء ... ام ...
مثل یا ابن ام بیت و حرم و مال باید دانست که لام جاره در چهار جا از مجرورش مقطوع است مثل فمال هولاء القوم در سوره نساء و مال هذا الکتاب در کهف و مال هذا الرسول در فرقان فمال الذین کفروا در معارج ...
یا موصول است بیت ... ولات حین مناص در صاد در اکثر مصحف مقطوع است
تا ولات بجا حین متصل است برای امر قرائت لازم است تا این دفت تمیز داشته باشند تا معنی ...
و کلمات صحت قرائت به ... انکه علما طلاب مخارج و صفات حروف و کلمات را به ... تمیز ...
و صحیح عیان ... الف تمیز ... با حاء حطی ... تمیز ... قرائت صحت نماز باشد ...
... این قدر تمیز و فهم مختص ... جهالت ... است ...
هیچ چاره و علاجی نباشد این زمانها کلا ... مقصر ... بلکه ... الصلاة ...
سند که ام قراء مراتب اهل اسلام ... که دست از مجتهد ... کتب رسالها علمای سواد رساله ... مختصر ...
در دین و نماز و صحت ... صاحب یقین با آخرت ... و صراط و حساب ...
ممکن است حرص محبت دنیا و شباعلی نفس ... از ... است از غفلت ...
پس باید دانست که فایده مقطوع و موصول آنست که مقطوع را وقف توان کردن و اوقف ... موصول ...
لم وقف است ... کلمه ... مذکور ... موصول ... در ... وقف شود مثل مم و عم و ... بکان ...
... وقف ... میانه ... بر کاف ... الا یسجدوا در سوره نمل ... یسجدوا ...
... حرف ... وصل ... از احکام وقف آنکه چون قاری قادر نیست که قصه ...
تمام خواندن یا سوره ... اختیار وقف کردن دارد برای استراحت نفس بعد شروع کردن تا معانی ...
و عبارت قرآن از خلل نقصان محفوظ باشد ... محفوظ ... قرائت ...
بسیار گفته اند اما شیخ جزری گفته است که وقف بر دو قسم است اختیاری و اضطراری زیرا که در حالت وقف کلام یا تمام ...
یا ناتمام است ناقص اما کلام تام از جهة لفظ و معنی محتاج ما بعد نباشد که وقف تام گویند و اگر ناقص است ...
موقوف علیه اضطراری برای استراحت نفس از جهة معنی تعلق با بعد دارد یا از جهة لفظ و یا از برای تعلق لفظ و معنی ...
و اگر از جهة معنی متعلق با بعد است آن را وقف کافی گویند که وقف ... است ...
... باشد و اگر تعلق با بعد از حیثیت لفظ دارد آن را وقف حسن خوانند زیرا که در نفس الامر وقف ...

در وقف [illegible]

در وقف و [illegible] بیان [illegible]

[illegible] مثل وقف الحمد لله رب العالمین [illegible] الرحیم [illegible] کلام [illegible]

[illegible] سید المرسلین [illegible] متعلق [illegible] در [illegible] موقوف علیه

[illegible] متعلق [illegible] وقف قبیح [illegible] وقف [illegible] موقوف علیه [illegible]

[illegible] مثل وقف بر بسم الله [illegible] وقف بر الحمد [illegible] وقف [illegible] مالهم [illegible]

وقف قبیح [illegible] در جمله موافقت شیخ [illegible] جعفر [illegible]

در باب وقف [illegible] م ط ج ز ص لا [illegible] علامت وقف لازم است یعنی [illegible] وقف [illegible]

[illegible] علامت وقف مطلق [illegible] وقف [illegible] مطلق [illegible] قراء [illegible] علامت

وقف [illegible] وقف و وصل [illegible] جایز [illegible] علامت وقف مجوز

وصل [illegible] علامت [illegible] یعنی [illegible] وقف [illegible] لا علامت [illegible]

مثل وقف [illegible] و متاخرین [illegible] رمز دیگر

افزوده اند که در مصاحف [illegible] نوشته اند [illegible] وقف [illegible] قف [illegible] قلا [illegible] اما

قف [illegible] علامت [illegible] یعنی [illegible] قطع [illegible]

قیل است یعنی وقف جایز است [illegible] ضعیف [illegible] قلا [illegible] از قیل لا یعنی وقف جایز [illegible]

[illegible] وقف است یعنی وقف [illegible] علامت الوصل اولی [illegible] یعنی کذلک است یعنی

رمز ما قبل است [illegible] این هم عبارت [illegible] آنکه شش رمز دیگر است [illegible] عشر [illegible]

اختلاف [illegible] ه ع یا [illegible] چون اختلاف کوفی و بصری [illegible] اتفاق [illegible]

ه رمز [illegible] کوفی [illegible] رمز [illegible] بصری [illegible] کوفی و بصری [illegible] اتفاق

ع رمز [illegible] اختلاف رمز کوفی [illegible] رمز بصری [illegible] کوفی و بصری [illegible]

واقع [illegible] علامت آیه بصری [illegible] علامت آیه کوفی [illegible] مصاحف [illegible]

[illegible] رمز [illegible] از بهر وقف وضع [illegible] قاریان شیخ ابو جعفر سجاوندی [illegible] میم [illegible] جیم [illegible]

لا [illegible] ط به مطلق [illegible] مجوز از [illegible] جیم جایز [illegible] لا [illegible] رمز از قبیح میم لازم [illegible]

[illegible] صریح لا اگر با آیه جمعیت کند [illegible] در میان آیه [illegible] صاد [illegible] قف [illegible]

[illegible] الصاد [illegible] معنی از ابو جعفر سجاوند از کلام الله [illegible] دارد [illegible]

[illegible] باختلاف قاریان [illegible] در هر مقام [illegible] بعضی [illegible] قول امام [illegible]

[illegible] صریح میم [illegible] وقف لازم لا به وقف قبیح لا اگر با آیه جمعیت [illegible] در میان آیه

[illegible] وقف مطلق ط به وقف مجوز زا [illegible] جیم [illegible] وصل [illegible] مقیم [illegible] وقف [illegible] لازم

[illegible] وقوف قف علامت [illegible] وقف مطلق [illegible] یعنی [illegible]

[illegible] بیان قا [illegible] در کلام قیل [illegible] کلام [illegible] ضعیف [illegible] قلا [illegible] عبارت [illegible] لا [illegible]

یعنی جایز [illegible] صل [illegible] وصل [illegible] یا صلی [illegible] اولی [illegible]

[illegible] یعنی [illegible] حفظ [illegible]

الصاد [illegible] ذکر وقف غفران که نوعی از موقفت [illegible] منقول از رسول انام [illegible] علیه السلام

وقف غفران [illegible] در قرآن [illegible] اولیا [illegible] سوره انعام

در تغلیظ و تفخیم و ترقیق کلمات

فاستغاثه الذی یسمعون از عقب مرتو در سین با قسط لقمان هیج و دلم در سوره لیس اولی با تاء تو بفرید [illegible]
بعد از آن العماد و ترقیدنا رابع و ششم لقمان اعلام اشهد و شهادت فارس لیث القصص عاشر حم [illegible]
اندر قرائت قرآن کفصنع و ستوی و بالزام صرف کدم و عایت او تمام امیمی از غنا یوم قیام [illegible]

و تعیاه آخرین در ذکر تفخیم و ترقیق حروف که مخرجت معطف است بطریقه ما عرف [illegible]
منفصله مرتفعه ما مرده که چنانکه منتهی است حروف مستعلیه جمیع مفخمند الحجر از آن [illegible]
نیز ذکر است بدانکه اسباب تفخیم فتحه راءست چون [illegible] و ضمه آن چون رسل و سکون و بعد از فتحه [illegible]
ضمه کوارسل ورا ساکن و ما قبل آن مکسور و ما بعد آن بواسطه وقوع یکی از حروف استعلا کوارضاد [illegible]
در بناء و لبالمرصاد در فجر و قرطاس در انعام و من کل فرقة در توبه و کالفرق در شعراء که در این کلمات [illegible]
بالاتفاق تفخیم کرده اند الا در کلمه کل فرق که در این دو وجه معروفست اما تفخیم بجهة وقوع حرف مستعلی بعد
و اما ترقیق بجهة وقوع راء بالکسر این و در مصدر قف و وصلا تفخیم اولی است عملا بالاصل و نظرا للوصل [illegible]
ترقیق اولیست و از جمله اسباب تفخیم وقوع راءست بعد از کسره عارضی کوارجع و کسره منفصل مثل الذی [illegible]
اسکان متحرک آن در آخر کلمه در حالت وقف بعد از فتحه چون والقمر و بعد از الف چون من نار و بعد از ساکن ما قبل
مفتوح چون بیدر و بعد از ضمه چون در ظفر و بعد از ساکن ما قبل مضموم چون لفی خسر اما اسباب ترقیق
کسره است چون رجال و سکون او بعد از کسره ما قبل چون امرت و اسکان متحرک او در آخر کلمه در وقف بعد از
ما قبل چون کفر و وقوع آن بعد از ساکن ما قبل مکسور مثل السحر و بعد از یا ساکن چون خیر و قدیر و اصل
در ترقیق بواسطه سببی است دار این را احکام دیگر نیز هست که مختص بقرائت نافع است مدنی روایت [illegible]

۲۹۰ تفصیلش مناسب این مختصر نیست بدانکه الف در تفخیم و ترقیق تابع ما قبل خود است پس اگر بعد از یکی از حروف مستعلی
شده باشد مثل و علمو الصالحات الف نیز مفخم ملتبه یعنی تفخیم در حروف مستعلا زیاده باید و اگر بعد از حروف مستفال [illegible]
مثل الحسابات و الماکرین الف نیز مرقق ملتبه و اگر بعد از راء مفتوحه باشد مثل رازق یا بعد از لام جلاله واقع شده
بشرطیکه ما قبل آن مفتوح باشد مثل ان الله و وجه الله و اللهم در این احوال نیز الف مفخم خوانده [illegible] و حروف مجهور [illegible]
صفیر و شین [illegible] نشده بجا باید ادا دخصوصا قاف و کاف که اگر جهر داشته تشابه در اداء آن [illegible] کاف
خوانده شد وحرف الاستعلاء فخم واخصصا الاطباق اقوی نحو قال والعصا یعنی تفخیم کن حروف مستعلی
سبعه که مرکب است در این کلمات خص ضغط قظ اینها که مفتوح باشند ابلغ است و هر گاه بعد از الف باشد
اکمل است مانند خلق و قلب و طغی و ضرب و صعب و ظلم و مخصوص نما بتفخیم از حروف مستعلا آنچه که مطبقه است
خصوصا صاد و طا و اگر اطباق لثه بسین و تا بدل شود و بین الاطباق من احطت مع بسطت و الخلاف
بنخلقکم وقع یعنی ظاهر است از ابقاء صفت اطباق طاء در مثل احطت و بسطت و فرطتم و فرطت و در ابقاء صفت
قاف و ذهاب آن در کلمه الم نخلقکم در سوره مرسلات خلاف کرده در وجه اعتبار کرده اند ظاهر آنکه ادغام است
چنانکه مذهب ابی عمرو دانی و جزری است و حروف صغیر را بجا باید آورد تا بجهة از مخرج حفظ اداء شود و حروف قلقله
که گاهی که ساکن باشد و اگر بیانش بسکون باشد قلقله زیاد باید که مثل یقتلون و من باب و تطهیرا
و الاسباط و ربوة و الاسباب و التجدید و زوج بهیج و یدخلون و یئس للعباد و حروف تکرار اصلا
تکرار دارد خصوصا راء که مشدد باشد مثل الرحمن الرحیم و تکرار علی لحن است پس با حازات احتراز معتدان [illegible]
و لام را نیز باید ملاحظه باید نمود اما تغلیظ لام و ترقیق آن لازم است چنانکه قبل ذکر یافت و مراد از تکرار مطلب توضیح

بلبان

و تفخیم و ترقیق

الف

در احکام ترقیق [illegible] ۲

بیان دیگر باید دانست [illegible] امالهٔ الفها [illegible] یعنی الفها [illegible] آن از فعل [illegible] باشد [illegible] و فعالرا [illegible] تثنیه [illegible] مثل خلقت
و [illegible] وسعت [illegible] صیغه [illegible] مثل عصیان
وهو یان وهدیان [illegible] وهوی وهدی [illegible] الف [illegible] اماله [illegible]
در فعلی [illegible] فعالی [illegible] اماله مثل دعوی و ذکری و بشری و اسارٰی و لیتامٰی
والنصارٰی والحوایا و امثال [illegible] لفظ [illegible]
است و ابو عمرو در فعلی [illegible] مثل ذکری و النصارٰی اماله محضه دارد و محیاب ورش و حمزه و کسائی
در لفظ متی و عسٰی و بلی که در مصحف بیا [illegible] الف [illegible] مثل الضحی و ضحیها
اماله کرده [illegible] استفهام و بیا [illegible] اماله [illegible] فعل
در سوره [illegible] الی و علی و حتی [illegible] اماله [illegible] در کلمات سجی و دحیها و تلیها اماله [illegible]
لان مزید [illegible] مثل تتلی و ندعی و نجینا و انجانا و انجینا و زکیها و ابتلی و امثال [illegible] اماله [illegible]
و مضارع معتل الاّم [illegible] مثل ندعو و تتلو [illegible] در الفاظ احیاکم احیاها حیث ما وقعت
و خطایاکم و خطایاهم و خطایانا و دو [illegible] والرؤیا و مرضات الله و مرضاتی حیث اتت و حق تقاته در آل عمران
و قد هدان در انعام و من عصانی در ابراهیم و ما انسانیه [illegible] و آتانی الکتاب و اوصانی در مریم و اتانی الله در نمل
و محیاهم در جاثیه و دحیها در نازعات تلیها و طحیها [illegible] والشمس و سجی در والضحی جمیعا اماله میخوانند و حمزه مخالفت
در احیاکم ثم احیاکم فاحیاها [illegible] لفظ یحیی و لا یحیی [illegible] والدنیا و العلیا
والحوایا والضحی والربا و [illegible] هدان [illegible] تقاة و مرضات او کلاهما [illegible]
موافقت دارد با حمزه در اماله لفظ اناه فقط و دیگران تفخیم خوانند و ابو عمرو چنانکه ذکر شد در فعلی و ورش در ذوات الیاء [illegible]
موافقت دارد و کسائی در روایت [illegible] اماله [illegible] در لفظ آذانهم حیث وقع و [illegible] فصلت فقط [illegible] آل عمران
و صف و سارعوا در آل عمران [illegible] در مؤمنون والبادی در حشر و [illegible] در هر موضع در بقره و طغیانهم و یسارعون
حیث وقعا والجوار در شوری والرحمن و کورة والجار در نساء و جبارین در سوره مائده و شعراء و مشکوة در نور و [illegible]
همه الفاظ مذکوره [illegible] میخوانند [illegible] اصل خود در الجار و جبارین و ورش [illegible] میخوانند [illegible] در [illegible] لفظ خلاف [illegible]
[illegible] و ما ادراک در هر موضع [illegible] لفظ [illegible] ابن [illegible]
[illegible] مقید [illegible] قول [illegible] اماله [illegible] لفظ فعل [illegible] جاء و شاء و زاد و دال
و خاف و طاب و خاب و حاق و ضاق و زاغ در نجم و [illegible] فقط [illegible] متصل [illegible]
ابو بکر و کسائی متفقند با او در اماله بل ران فقط موافقت دارد با او و ابن ذکوان در جاء و شاء حیث وقعا و فزادهم الله
در سوره بقره در روایتی از ابن ذکوان در اماله زاد از جمیع قرآن [illegible] در سوره نساء ضعافا و اتیک
[illegible] در هر موضع [illegible] اماله خوانند [illegible] در این مواضع ثلثه خلافست ابو عمرو و کسائی [illegible] روایت [illegible] که بعد از [illegible]
[illegible] در لام فعل و یا در طرف واقع شده باشد چنانکه الصارم و اثارهم والنار والغفار والابرار والاشرار و [illegible]
باماله میخوانند حمزه و ابو الحارث موافقند با او در [illegible] مکرر [illegible] مثل قرار [illegible] امالهٔ [illegible]
ابن [illegible] اللفظین میخوانند و حمزه در لفظ القهار حیث وقع و در دار البوار [illegible] اللفظین [illegible] و الناس که مجرور
ابو عمرو بفتح و اماله خوانده [illegible] صاحب شاطبیه و تیسیر و بفتح فقط [illegible] ابن مجاهد و بعضی گفته اند اماله از [illegible] فتح [illegible]

۲۹۱

در تفخیم و ترقیق و بیان اماله

وقالون واز عمرو والو بکر وکسائی حرف هارا با اماله خوانند اندر این و کلمات موافق ایشانست ورش و حمزه

مثل الدار والحمار نیز امالت دارد این و کلمات نزد ایشان درست در هار و الحمار در بقره و لمثل الحمار در جمعه

ابو عمرو و کسائی بروایت دوری کافرین در صورتیکه بعد از راء واقع شده باشد با اماله میخوانند چنانچه واقع اماله

وملوان بفتح میخوانند تمام نهایة اماله میکنند در لفظ منارب و ترسی و آتیه در غاشیه و عابدون و عابدو

جمع این کلمات لفظ مذکور است در اماله عمران و المحراب هر جا که مجرور واقع شده نیز در لفظ اکراهن در نور

در هر موضع رحمن و بعضی روایت که اماله از او در لفظ المحراب فقط حیث وقع برحمن اکر اماله المحراب

هرجائیکه محل جر باشد و آن در هر موضع واقع است آل عمران و مریم و بافی فراء بفتح میخوانند و در کلمات

و بشرا و در راء انها ترقیق است و ترقیق نوعی است از اماله به آنکه اصحاب اماله این مقدار ذکر کرده باقی

فایده بدانکه عاصم اماله باین باب ندارد ولیکن اماله محضه بروایت بکر بیشتر است اما بروایت حفص در یک موضع لفظ مجریها

اماله میکنند لاغیر ابو عمرو دانی صاحب کتاب تیسیر که از علمای متقدمین ما اختلاف که اندر هیکل که کدام قسم از اماله بهتر است

اماله وسطی التی هی بین بین و هو القول قوی و اقرب لان الاماله حصل بها و اما اماله ها تانیث بدانکه کسائی اماله

تانیث و ما قبل او در صورتیکه ما قبل ها تانیث یکی از حروف پانزده کانه باشد و آن در این کلمات چهار کانه است

فجئت زینب لذود شمس مثل خلیفه و رحمة و مبثوثة و بغتة العزة و حافیة و جنة و حبة و کاملة و لذة و واحدة و

فاحشة و رحمة و مقدسة و امثال اینها مگر آنکه قبل از ها حرفی از این ده حرف واقع شود که مرکب است در این چهار کلمه حق ضغط

عص خظا مثل النطیحة و الحاقة و قبضة و بالغة و دافعة و خصاصة و الصاخة و موعظة و الصلاة و هلة

اگر قبل از ها همزه یا کاف یا ها یا راء که مرکب در کلمه اکهر است بوده باشد مثل حاصة و الملائکة و الایکة و فاکهة و الهة

و اگر قبل از این چهار حرف فتحه یا ضمه واقع شود کسائی و در این قسم اماله نمیکند مثل براءة و التهلکة و سفاهة و بردة

و اگر ما قبل این حروف ساکن و قبل از حرف ساکن کسره باشد مثل وجهة و لعبرة کسائی بخلاف اماله نماید و اگر قبل

ایشان حرف ساکن باشد نظر بما قبل آن کنند مثل هیئة و الشوکة و سفاهة و العمرة در این صورت از برای کسائی اماله

و بعضی از قراء گفته اند که کسائی در این چهار حرف نیز اماله جایز دانسته است الا الف که در آن اماله نیست مثل الصلوة و الزکوة

و هو والله العالم بحقایق الامور و اما های الکنایة بدانکه های کنایه آنست که ضمیر مفرد مذکر غایب باشد مثل به و له و در

حالت تلفظ معتبر است نه صورت کتابت زیرا که سبب آنست که در خط و رسم نمی‌باشد و در لفظ باشد پس اعتبار

الف انا و واو اولئک و بلکه سبب آنست که در کتابت میشود در لفظ مثل داود و ملون و یستون

که در کتابت یک واو مرسوم است و در تلفظ دو واو و اشباع نمایند و لیکن نیز این قبیل است که در بعضی حالات او صله

مراد از صله در اینجا مقدار اشباع صله کرده زیرا که ضمیر مضموم باشد و اوی تولد نماید و اگر مکسور باشد یائی تولد نماید و اشباع ضمیر

باشد اول آنکه اگر ما قبل و ما بعد هر دو ساکن باشد مثل فیه هدی و منه آیات همه قراء متفقند در عدم صله دوم

اگر ما قبل و ما بعد هر دو متحرک باشد مثل به الا و له الا و امره الا جمیع قراء در صله متفقند سیم آنکه هر گاه ما قبل آن

متحرک و ما بعد آن ساکن باشد مثل به الله و به النجم بزرگ از قراء صله نکرده اند چهارم اگر ما قبل ساکن و ما بعد متحرک

مثل فیه هدی و علیه انشاء همگی از قراء صله نکرده اند ابن کثیر مکی و حفص از طریق عاصم در کلمه فیه مهانا در سوره فرقان

کرده اند و در کلمه یرضه لکم در سوره زمر عاصم صله نکرده است زیرا که اصل آن یرضاه بود بسبب شرط الف منقلب از یا افتاده

احکام

وصل ششم ترجمهٔ الصادقه و بیان حروف مد و همزه محققه و مخففه

۲۳۲

احکام مذکوره در بعضی از الفاظ مخصوصه قاعده آنست که از قبیل اموال کسانی است مصدرک است و اما قسم ادغام عبارت از بیان حروف ترتیب صغیر و کبیر اما کبیر آنست که اول متماثلین یا متقاربین یا متجانسین در متحرک باشد و ساکن شود تا ادغام کنند مثل سلام علیکم و منا سلام و قال لهم و خالفهم و وقد قلنا و المساجد ثلاث و فی الفروس ذو الحجه و این ادغام مخصوص سوسی است و در بعضی صور بیت و موانع ادغام بسیار است اما شرایط و سبب و موانع معتبره که ادغام جایز باشد و هکذا از قبیل ادغام کبیر یعنی ادغام میم الرحیم در میم مالک که حسنات ابی عمرو است و میان قرا نیز اختلاف بسیار است که در ادغام میم مالک با الفتحه یا با الف وصل با وقف خوانده شود و سکت و در این آیه وقف نمایند طریق احتیاط است و الاحتیاط کسبیل النجاة و ادغام صغیر است و حروف مدغم ساکن و غیر حرف مد باشد و در ثانی درج شود قطعیه مدغم از ساکن که خوانده است ادغام صغیر میشود ادغام را صحیح جز سه ادغام کبیر اندر القعام است که در سوره کهف مدغم نون با نون لیک اندر یوسف اسمام است و در یا فی یاکون ادغام لنا منا در یوسف و ما مکنی در کهف و ادغام صغیر سه قسم است **اول** که مدغم و مدغم فیه از حیثیت مخرج و صفت مثل هم باشد مثل یوجهه و ان اضرب بعصاک وقد دخلوا و نحو ذلک و الحرف مد حرف قسم یا نه اظهار باید کرد تا سقط نشود مثل فی یوسف و آمنوا و عملوا و نحو ذلک و این قسم ادغام متفق علیه قرائت این ادغام متماثلین گویند اطلق اول متماثلین او غیر مد است با سکون در نوم ادغام که حتی الیام در میان **دوم** آنکه مدغم و مدغم فیه در مخرج متحد و در بعضی از صفات مخالف باشند مثل قد تبین و اذ ظلموا که اسم این قسم متجانسان متکونیه **سیم** آنکه مدغم و مدغم فیه از حیثیت مخرج قریب باشند این قسم ادغام متقاربان گویند مثل کم و احطت با بقا صفت استعلاء قاف و طاء و عاصم در این قسم ادغام می در القاء استعلاء قاف عدم آن است و در روایت بر ادغام لام هل و بل و قل در لام و در را اتفاقی است که هل لنا و بل ربکم و بل لا تکرمون و قل رب و قل لهم و نحو ذلک و اما لام هل در را و در قرآن تحجیه است و نون ملفوظ طسم در میم سوره در میم و تا در ذال یلهث ذلک و باء در میم در ارکب معنا در روایت بر ادغام نون ملفوظ یس و القرآن و ن و القلم را در حالت وصل لیکن وقف با اظهار داده است در روایت حفص در هر صورت اظهار است نظم

وال در تا دال اد طه ط و دال با ارکب یلهث مدغم اندر میم و دال طا بسطت فرطت احطت وصف طا فقس بتات

کاف کلمن با نبوت بدلیت استعلای قاف ملتبس ادغام بارضمان تا نزد کاف لام قل هل مدغم اندر را لیک اظهار سکت

حفص را در لام بل ران لو من را سکت و همه قرا الف و لام تعریف در حروف شمسیه ادغام کرده اند بجهت قرب مخرج و در نزد حروف قمریه اظهار است چنانکه حروف شمس هر یک تمثیل ماهیت لام تعریف نیز در نزد الشمس و اخواته مخفی لفظ القمر و اخواته ظاهر است حروف شمسیه و قمریه هر یک چهارده است و اقسام ادغام بسیار است و جمعی از فقها نیز تجوید ادغام صغیر قایل بوده اند چنانکه احتیاط مطلق در وقف بحرکه و وصل بسکون الباب الحسن در بیان مد و همزه محققه و مخففه و بیان اقسام وجه باید دانست که حروف مد سه است الف ساکن ما قبل مفتوح و واو ساکن ما قبل مضموم و یاء ساکن ما قبل مکسور مثل الف قال و واو قالوا و یاء قیل چنانکه قبل نیز ذکر شد و مثال همزه در او نبئنا سبب مد همزه است و سکون و آنچه علماء قرا ذکر کرده اند مد نه قسم قرار داده اند طبیعی و غیر طبیعی اما طبیعی عبارت از امتداد است که حاصل شود از ذات حروف مد بقدر تلفظ با آنها بدون سببی و از اساتید این فن بقدر یک الف مد میدهند که مد طبیعی و ذاتی و اصلی گفته اند و اما غیر طبیعی عبارت است از غیر طبیعی و فرعی و عرضی گویند و اما قصر عبارت است از آنکه در اینجا مد طبیعی است و برخی از اساتید این فن گفته اند که بر سه قسم است لازم و واجب و جایز اما لازم آنست که حالت او لازم باشد نزد همه قرا یعنی جایی که بعد از حرف مد ساکن وقفاً و وصلاً بطلب مد واو کند و مد واجب آنست که قصر در او جایز نباشد و اما جایز آنست که مد و قصر در او جایز باشد و جایز آنست که مد و قصر هر دو روا باشد در نزد جمیع قرا و آن آنست که حرف مد منفصل باشد از همزه یعنی حرف مد در آخر کلمه و همزه در اول کلمه دیگر واقع شود و بباید حرف مد پیش از سکون عارض در وقف مطلق یعنی جزء الوقف باسکان باشد یا باشمام یا وقف کافی یا تام یا در قفس یا فتح

در اقسام اداء کلمات همزه و الف و عین

٣٢٢

پس اگر همزه مقدم باشد از حرف مد مثل آمن و اوتی و ایمانا مد آن مخصوص است بقرائت نافع در روایت ورش از طریق
ازرق و بعضی از قراء در مد منفصل با قصر خوانده اند مثل قالون و دوری باختلاف عنهما و سوسی و ابن کثیر بلا خلاف و
قراء بمد طول میخوانند هر قدر مراتبهم ولیکن عاصم در مد منفصل علی الاصح مقدار چهار الف مد میکند و بلا خلاف از راه قالون
در کتاب تیسیر مصرح است اما از راه اداء در تیسیر غیر از مد ثبت و همین حکم دارد حرف مد که از اشباع ضمه یا کسره متولد
اگر چه رسما صورتی نداشته باشد مثل امره الی الله و توده قائما الا برحی از قراء در مد متصل از راه ورش و حمزه مد طول
دیگر باقی قراء مد توسط و در مد منفصل نیز از راه ورش و حمزه طول و دیگر ابن عامر و عاصم و کسائی توسط و دیگر قالون
و ابن کثیر و قصر نقل کنند در این باب اقوال مختلفه بسیار است که ذکر آنها موجب اطناب و ملالت است و اما اگر
سکون باشد خالی از آن نیست که آن سکون لازم باشد یا عارض و هر یک از لازم و عارض مدغم باشند یا مظهر و حرف مقطعه
غیر مقطعه میباشند و حروف مقطعه چهارده حرفند در اوایل سوره اتفعند پس هر حرفی که بنای هجای آنها بر سه حرف باشد و حرف
حرف مد باشد و ثالث ساکن باشد مد باید داد و آن هشت حرفست مجموع در لفظ کم عسل نقص و آنچه از حروف مقطعات
در ترکیب طریحه اما حرف عین که در اول مریم و شوری است اگر چه بنای هجای آن بر سه حرف و ثالث هم ساکن است ولیکن
وسط حرف مد نیست حرف لین است در مد آن خلاف کرده اند چنین اکثر علمای قراءت حرف لین را بجای حرف مد داشته اند
در میان توسط و قصر واقع شده آنرا مد مجاز و جواز نامیده اند اما جمهور قراء در آن مد طول و توسط قائلند و اگر بعد از حرف مد ساکن ٣١٣
مدغم یا مظهر همه قراء بالاتفاق با مد توسط خوانده اند مثل دابة و اتحاجونی و لا الضالین و نحوها و اگر سبب مد سکون عارض
باشد یعنی در حالتیکه وقف باسکان یا باشمام کرده باشد مثل نستعین و المصیر و یومنون و غیرها در این
مد توسط و قصر هر سه جایز است اما در روم بغیر از قصر جایز نیست اگر ما قبل واو و یا ساکن حرف مفتوح باشد و بعد
از آن همزه و هر دو در یک کلمه باشند مثل شیئ و سوءة و شیئا در حالت وصل غیر از قصر نباشد مگر ورش که او در
وصل طول و توسط دارد و در حالت وقف طول و توسط و قصر است همه قراء را و اگر بعد از آنها حرف ساکن باشد یعنی وقف
سبب سکون ایشان شده باشد باتفاق قراء سه وجه جایز است مانند بیت و خوف و شیئ و سوء الا ورش که در
مثل این مواضع اگر بعد از آنها همزه واقع است و قصر او جایز نداشته و دارد است از ورش در واو سوءات مد
قصر هر جا بیابد و بعضی توسط و قصر را جایز قائلند و اصح آنست که قصر واو با طول و توسط و قصر الف و توسط هر دو جایز است و اما
در قصر واو الموءدة و موئلا هیچ خلافی باتفاق قراء نیست و آن مخالف قاعده ورش است بدانکه بعضی از علماء در
نحو و علم قراءت انواع مد را به نه نوع قرار داده اند بعضی هشت نوع فرقه ستّ و جماعتی شانزده نوع گفته اند هرگاه دو همزه در
یک کلمه جمع شوند عاصم همه جا بتحقیق خوانده الا کلمه اعجمی در فصلت ابو بکر بتحقیق هر دو و حفص بتسهیل
یعنی همزه ثانیه را تسهیل نماید بحیثیکه نه همزه باشد و نه الف و کلمه اذهبتم در احقاف و ان یوتی احد در آل عمران
عاصم بکلا بیک همزه خوانده و کلمه ان کان در سوره القلم و آمنتم در اعراف و طه و شعراء هر سه باتفاق حفص بیک
همزه میخوانند و اگر همزه وصلی میان همزه استفهام و لام ساکن واقع شوند آن در قرآن شش موضع در دو باقیه که همزه
با الف و لام تعریف جمع شده و همزه و الف و لام تعریف بدل بالف کرده اند و آن کلمه الذکرین در دو موضع انعام و الآن
در دو موضع یونس و الله در یونس و نمل که در این مواضع باتفاق همه قراء مد واجب و لازم باشد جهة رفع التقاء ساکنین
و جمیع قراء متفقند در مد و تسهیل و مراد از تسهیل همزه ثانیه کالالف است و تسهیل در اصطلاح قراء همزه ثانیه را میان همزه و الف
خوانده است هرگاه همزه اولی مفتوح باشد و میان همزه و واو یا خوانده است هرگاه همزه اولی مضموم یا مکسور باشد و اگر دو همزه در دو کلمه
مثل

موقوفات

در اوصاف قرآن خواندن [illegible]

فصل [illegible]

مثل [illegible] انکم [illegible] آجالهم [illegible] [illegible] [illegible] جمله [illegible] اول نقل حرکت همزه است با قبلش [illegible] حرف [illegible] مثل قد افلح و قل اوحی و قل ان [illegible] دوم ابدال همزه [illegible] حرف مد [illegible] [illegible]

[illegible] بعد الفتح [illegible] واو بعد الضم [illegible] یاء بعد الکسر [illegible] سیم تسهیل [illegible] چهارم اسقاط همزه [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] و اما در تعریف تلاوت قرآن قال امیر المؤمنین علیه السلام

الترتیل هو تجوید الحروف و معرفة الوقوف و قال الله تعالی و رتل القرآن ترتیلا [illegible] من تمام معرفة القرآن معرفة الوقوف [illegible] منظومه و بعد تجویدک الحروف لابد من معرفة الوقوف [illegible]

[illegible] والتام [illegible] الفصل [illegible] [illegible] اما الکافی ما یتعلق ما بعده معنا فقط یعنی ارتباط معنوی با ما بعد داشته [illegible] و الحسن ما اتصل به ما بعده لفظا [illegible] یعنی ارتباط لفظی با ما بعد داشته باشد نه معنوی پس در این حال ابتدا با ما بعد بدون اعاده موقوف علیه حسن [illegible]

و اما قبیح [illegible] لا یعرف المراد [illegible] نحو الوقف [illegible] بسم و الحمد و رب و غیر ذلک لا یجوز الا [illegible] [illegible] یعنی [illegible] [illegible] در میان عامل و معمول و شرط و جزا و مبتدا و خبر و صله و موصول و صفت و موصوف و مضاف و مضاف الیه [illegible]

[illegible] از رموز و اسرار حقایق و دقایق [illegible] [illegible] و اما رموز شیخ ابو جعفر محمد بن احمد بن طیفور سجاوندی و بعضی از علماء [illegible] علم قرائت برای وقف [illegible] اول م علامت وقف لازم که وصل [illegible] موجب فساد معنی [illegible] دوم ط علامت وقف مطلق است [illegible]

[illegible] سیم ج علامت وقف جایز است جواز وقف و وصل [illegible] چهارم ز علامت وقف مجوز است [illegible] اما وجه وصل [illegible] پنجم ص علامت وقف مرخص است بالضروره [illegible] وقف کند محتاج اعاده موقوف علیه [illegible] ششم لا علامت لا تقف [illegible]

و متاخرین رموز دیگر بسیار برای وقف [illegible] از جمله [illegible] قف [illegible] سکته ق قلا صل صلی [illegible] اما [illegible] علامت کذلک است یعنی بطریقی است که سابقا گذشت [illegible] لازم [illegible] جایز [illegible] مرخص [illegible] مجوز قف یعنی قف فی هذا الموضع [illegible] و سکته [illegible] ق علامت قد قیل فیه الوقف است و قلا یعنی قد قیل لا [illegible] صل علامت ضد وقف است صلی یعنی الوصل اولی [illegible] [illegible]

لازم در قرآن مجید [illegible] [illegible] وقف النبی [illegible]

[illegible]

در ذکر کلام قدیمه صحف

اشاره بعض علائم ۳۳

الوقوف منازل القرآن

[illegible]

علائم خمس و عشر که در مصحف و حواشی می‌نویسند باشاره آیات [illegible]

[illegible]

سلم است که در لطم و حفظ چه قدر قوة حافظه بیشتر و بهتر و منافع زیاد [illegible]

[illegible] و قف غفران که غیر مشهورند

[illegible]

اما علامت عدد کلمات [illegible] در اوایل سور یا در حواشی نسخ قدیمه حرف کاف [illegible]

عدد سور قرآنی [illegible] و اما عدد آیات مع اختلاف [illegible]

[illegible]

۱۳۲۱

[illegible] و اما عدد رکوع قرآنی [illegible]

[illegible]

[illegible] در بعض مصحف [illegible]

[illegible] نماز چهارم

در اشاره به حقیقت نماز خمینی علمای لاابالی بی‌پروا

۳۴۳

و تصحیح و تنبیهات و درس نشدن این علم شریف و عدم [illegible] قرائت و رسوم این علم شریف و تا آنکه بعض عالمان صحیح عقود و الفاظ

دین اسلام خصوصی مشغول شده و در کلمات نماز که شرائط و آداب نماز و تمامی عالمان و طاعات بسته به صحت نماز است تاکید

ادای کلمات نماز که بعض عالم صورتان معنی نشناس بکلمات نماز رد اند و مولفین مبهم لاابالی و بی‌اعتنائی عوام

حفظ و ملکه کرده اند در حفظ مردم صورت و شکل نماز شده یعنی قرائت نماز را سهل و آسان کرده اند گویا علم قرائت

را اول نمیدانستند یا آنکه نماز را ارزش چندانی علما و جاهل خوردند به دلیل آنکه تمامی عوام و خواص سردران و اطفال را مکلف

و اصناف و [illegible] اشخاص از نماز خبر ندارند [illegible] محسوس است تعلیم و تعلم نماز شده و در نظرها سخت [illegible] الطلاب مبتدی

محبت و شوق و تعلم و تعلیم قرائت نماز باعث خفت و خجالت میدانند بار این چه استخفاف باشد نماز [illegible]

تمامی اهل عالم و انحصار این چه بد است که کسی حساب قرائت [illegible] سبب ترویج نماز [illegible] حضرت علی [illegible]

مردمان عالم نماز [illegible] کلمه سخن رد اند و حوش ظاهر به باطن [illegible] علامت اسلام و ایمان نماز را که نماز صحیح است [illegible]

مشهور ائمه سلام الله علیهم که از جمله [illegible] آخر الزمان نماز ستون دین است [illegible] نماز است الا

نادرا والنادر کالمعدوم [illegible] نماز و مسئله [illegible] دار العلم خراسان تمامی

مسائل و احکام حتمیه جلیه دین محمد [illegible] از واجبات و محرمات و مستحبات [illegible] اقل [illegible]

بیان میکنند و زبان فصاحت [illegible] جنان [illegible] که عقول انسانی حیران باشند ولی قرائت نماز

در [illegible] مرتبه مسقط قضا [illegible] تعجب از رخنه گری ابلیس لعین است که [illegible]

جنان سرگردان [illegible] تمامی [illegible] کلمات نماز [illegible] شیعیان [illegible] نماز [illegible]

در مجالس مسئله و احکام شناسی [illegible] ایها الناس قاریان بسیار افراط و تفریط نمایند در قرائت نماز [illegible]

کافی است غافل از اینکه این نوع کلمات را عوام و مجالس عوام [illegible] شنیدن چه قدر سبب راه زنی عوام [illegible]

از علم قرائت و قاریان دگر از مجالس علم قرائت [illegible] داشته شدن علم قرائت [illegible] قاریان و مجالس قرائت

نارسیدن حقوق مردم [illegible] دشمنی از نماز و قرائت و قاریان و مجالس مشق و تعلیم نماز و عار و ننگ از تعلم نماز

و تحقیر و ذلت نماز و حمد و سوره و دشمنی ضاد [illegible] دین خاتم النبیین [illegible] لاابالی که [illegible]

بی اعتنائی بقاریان و علم قرائت و گریز از مجالس علم قرائت و قاریان و مجالس مشق حمد و سوره و [illegible]

ثمرها آورد تا الا ماشاء الله حاصل آنکه عالمان مروج نماز [illegible] این زمان [illegible] و تأمل [illegible] چه قدر [illegible]

کشیده اند در مدت چهل سال در ترویج نماز [illegible] تخریب نماز [illegible] بتعلیم [illegible] امیر المؤمنین و عالمان قرائت [illegible]

و قاریان که تمامی ائمه و صاحب شرع [illegible] داده اند که تا ظهور حضرت حجة الله [illegible]

و تمامی مجتهدین رضوان الله [illegible] دانسته اند که اگر مؤمن به هر یکی از ایشان از قراء سبعه [illegible]

صحیح و ناجی است اگر چه [illegible] القاری و حال آنکه [illegible] کلام [illegible] العامة [illegible]

قبیح است که در حقیقت مخالفت اقوال عمومی مجتهدین شیعه [illegible] آتش [illegible] دشمنان آل محمد [illegible]

امروز مع ذلک [illegible] ضرورت علم قرائت و اعظم [illegible] علمای [illegible]

دلیل [illegible] تکرار قواعد و رسوم نماز ضاد [illegible] تکرار و توضیح تمام که افضل [illegible]

و دستگیری مظلومین است و مظلوم ترین [illegible] مظلومین نماز با قاعده و قانون ضاد [illegible]

[illegible] که با اسم اسلام [illegible] اگر علما [illegible] نماز مسقط قضا [illegible] محتاج باشند در دار العلم

مقدس که از صد نفر از فضلا و ارباب [illegible] از مجتهدین [illegible] نماز با قاعده و قانون [illegible]

۳۹۲

فصل ششم در بیان ...

در بیان قواعد قرائت بلسان اسهل

الزم اعمال مسلمانان است که قرائت بسیار تمامی نوعه قرائت ... طریق احتیاط ... در تعلیم عموم خط ...

احتیاط ... از اوقات در خطا و گمراهی گرفتار است و بعضی از ... بجا موردی مسئله که همیشه خود عاجز از شناختن ...

دیگری ... تمام جاهلیست ... اگرچه مجتهد باشد در تعلیم قرائت کوتاهست علاوه در مسئله جمهور است ...

نباشد از محرمات ... اگر ... محرمات ... و حال آنکه علم قرائت ... مکمل

و گمراه ... ماموریت ... از جانب ... واجب الاتباع ... کلام الله ... لا تقف ما لیس لک به علم

و قال فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون ... که تفصیل ... خلاصه ... طریق احتیاط ...

... علاوه ... امام آل محمد ... در عالم غیبت ... صحبتی ...

... زبان ...

مطلب ... اسهل عبارات ... بسمله جزء سوره است ...

موجب بطلان نماز است الا در سوره توبه ... قرآن ... بسمله

بسمله در ... سوره چهار وجه متصور است ... که بسمله با آخر سوره ماضیه یا استعاذه وصل کند ... بسمله وقف نماید

که بسمله برای افتتاح است نه اختتام و سه وجه جایز است اول وصل طرفین دوم قطع طرفین سیم قطع

آخر ماضیه و وصل با اول آتیه ... ثالث اولی است و ... وصل بسمله با اول در سوره ... و وصل اسم الله ...

... باقرا ... بالحمد ... بسم الله الرحمن ... عبس ... تبت ...

مخافة عن فساد المعنی و اما مخارج حروف بمذهب صحیح ... اول ء ا هـ از اقصای حلق ع ح

از وسط حلق غ خ از آخر حلق و اما ق از اقصای ... بعد ک

مخرج ی ش ج از میان کام و زبان ض ...

ل ن ... مخرج ط ت د ...

علیا اما مخرج ظ ث ذ ... و اما مخرج ص س ز ...

... و اما مخرج ف ب و م ...

در تجدید ذکر قواعد ما ذکر بعبارة اخری موافق عبارات

منشتة ... تعلیم و تعلم ... بیان ...

باشد پس تنوین و نون ساکنه در نزد حروف حلق اظهار است و در نزد حروف یرملون ادغام مع الغنه الا

در لام و را و در قنوان و صنوان و بنیان و دنیا اظهار باید کرد بجهت رفع اجتماع حروف علة و عدم اشتباه بمضاعف

نزد با قلب است بمیم مثل من بعد و در نزد سایر حروف ... اخفا است شعر ...

... تنوین نون ساکن ... اخفا کنند ... حرف ... ص ض ط ظ ف ق ک ...

و اما میم ساکنه نزد میم ادغام است مثل ... و نزد با اخفا است علی الاصح مثل ... نزد ما بقی حروف ...

اظهار است و اما تفخیم و ترقیق لام جلاله و را ... بعد از ضمه و فتحه ... تفخیم

مثل عبد الله و قال الله و اگر بعد از کسره واقع شود ترقیق باید کرد مثل لله بالله و اگر را ساکن باشد

ما قبل آن حکم ... و اگر را ساکن و ما قبل ... ساکن باشد ... حکم ...

بشرطیکه کسره اصلی باشد نه عارضی و اما ... چهار صورت است اول ما بعد و ما قبل آن ساکن باشد دوم

ما قبل آن

در بیان ادغام و اظهار و کلمات مشکلات

ما قبل آن متحرک و ما بعد ساکن باشد سیم آنکه ما قبل آن ساکن و ما بعد آن متحرک باشد مثل شهر رمضان این شکل ... است چهارم آنکه ما قبل و ما بعد آن متحرک باشد مثل الاول الآخر ... و در این قسم ...

بخلاف قسم اول و ثانی **و اما ادغام** و آن بر دو قسم است کبیر و صغیر کبیر آنست که اول از متماثلان یا متجانسان یا متقاربان متحرک باشد از ساکن نمود در ثانی درج نمایند و این مخصوص ابی عمرو بصری است و ادغام صغیر آنست که حرف اول ساکن غیر حرف مد باشد و در ثانی ادغام کنند و این بر سه قسم است اول آنکه در مخرج متحد و در صفت مختلف باشند مثل قد تبین و اذ ظلموا دوم متجانسین گویند **سیم آنکه** از جهت مخرج و صفت قریب هم باشند مثل نخلقکم و احطت و نحوه و عاصم ادغام ... دال یرد ثواب ... و نون ملفوظ ص ... و در ذال در کلمه یلهث ذلک و ... در میم در ارکب معنا ... ملفوظ یس والقرآن و نون والقلم ... در واو وصل و وقف بالاظهار ... ادغام بسیار است اکتفا بآن شد **و اما حروف مد** که سه است واو و الف و یاء ساکن بشرط حرکت ما قبل ایشان از جنس خود مثل جاء کلمه او ... سبب مد همزه است یا سکون هر گاه حرف مد و سبب مد در یک کلمه جمع شود مد آن در جمیع حالات ... مثل جاء و سوء و سیء و اگر در دو کلمه باشند مد منفصل مثل بما انزل قالوا آمنا و اگر سبب سکون اصلی متصل مدغم باشد مثل ص ق م ن دابة و لا الضالین تحاجونی مد آن واجب و اگر سبب سکون عارضی باشد مد آن ... مثل نستعین یعملون النار در حالت وقف و مقدار مد نزد عاصم ... **و اما** ... اشباع در مشکلات کلمات قرآنی به اندک کلمه هؤلاء و اولاء و اولئک و اولو و اولی و شرکاؤ و ابناؤ و انباؤ و اباؤ و ابتغاؤ و شفعاؤ و ضعفاؤ و عطاؤ و جزاؤ و دعاؤ و الملاء و اللؤلؤ و یبدؤ و یستهزؤ و اولیاؤ و نساؤ خواه اضافه شده بلفظ کم و هم و ها و نا و الف لام و غیر ذلک خواه نه و کلمه سأوریکم و لاصلبنکم که بواو نوشته شده این کلمات مذکوره بترک اشباع اند در جمیع قرآن و اما کلمه جاؤ و باؤ و قالوا و فاؤ و داود و ماوی و لا یستوون و الغاوون خواه اضافه شده باشند بلفظ کم و هم و ها و نا و غیر ذلک و خواه نه و کلمه اولی که ضد اخری باشد مثل الآخرة و الاولی و اولیهم لاخریهم در جمیع قرآن مع الاشباع هستند و کلماتی که در رسم کتابت ایشان اختلاف هست مثل رءوف و داود و فیئوس و قالوا و اوتوا و غیر ذلک باشباع باید خواند و سایر کلمات که با اشباع و بترک اشباع باید خواند و در قرآن مجید بالفاظ کثیره ... بعض غیر المتکلف هر یک در مقام خود مع حروف مشکله در فرش سور مذکور میشود باین ترتیب فی سورة البقرة قال الله تعالی بمزحزحه بفتح زاء اولی و سکون حاء و کسر زاء و حاء ثانیه لمن اشتریه بفتح لام و میم ثم اضطره بفتح همزه یا بنی بفتح یا و کسر نون ... در سوره یوسف تبرؤا باشباع همزه فتم بفتح تاء مثلثه خبرا هبطوا و ثلثه انتهوا و غیر ذلک در قرآن مجید بسیار است در حالت وقف با ثبات حرکت همزه در حالت وصل نون مکسوره باید خواند تعزموا السلک علی و کسر ... و لم یتسنه بهاء السکت الد الخصام ... فنعما بشد میم اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة در اینجا و در هر موضع توبه و در یک موضع سوره حج یبخس بسکون با و فتح خاء **و فی سورة آل عمران** حج البیت بکسر حاء و ضم جیم یلوون یلون تلون بلواو نوشته ... باشباع واو باید خواند و در ان تلووا باشباع واو و ثلثه انتصوا در بقره گذشت **و در سوره مائده** بتقدیم یاء المکسوره بهمزه المضمومه ... در سوره ... لم تؤته بفتح تاء ثانیه و سکون واو **و در سورة الانعام** انباء السکون نون بترک اشباع در اینجا و در قصص هلم بنشد میم و یحجاب در سوره احزاب و ینعه بتقدیم یاء مفتوحه بنون ساکنه

۳۹۹

روش مشکلات کلمات قرآنی

۲۳۸

بسم الله [illegible]

الکهف سوره [illegible] اقتده بها اولی همزه مد موضع دو در الذکرین یاء فتح و فاء کسر به فیما دینا

فاف و دل و فتح قاف بضم القوا فلما القوا لام کسر و همزه بفتح والملک واو اشباع با ماوودی

جیم صاد فتح و جیم سکون با یجحدون گذشت بقره در و ما الله فو شعری سوره در و سوره این در

به ساکن میم تشدید به الفضل فا فتح و با سکون با شعری و هود سوره در و اینجا در الناس تبخسوا ولا

سوره ثانیه فتح و اولی یاء کسر به الله ولیبدی ان دال را نون تقدیم به فانبجست دار علیت فتح به دونه عشر

فاجر گذشت بقره در سوره در والزکوة واتو الصلوة اقاموا التوبه سوره مد بدون الآن الانعام

الله بنون جیم نون فتح به تحسبن قران جمیع در واو اشباع با لایستون را سکون و جیم کسر به

الانعام تحتها طا فتح به لم یعطوا العا بضم اعطوا گذشت بقره در فتحوها افتر اموال و

القوم دال تشدید و همزه کسر به لاالحد یا و زاء تشدید به وزیلنا یونس سوره ثانیه و اولی تا

سوره درین زاء ضم و های سکون به یعزب ومای موضع دو در اولی همزه مد به الآن گذشت اعراف در

لا و هود سوره در واو فتح به لتتلو نمل سوره در و سبحان و جلاله از قبل همزه مد به آلله سبا سوره در و

نوح یا فتح و نون سکون به واجتبوا گذشت اعراف در الناس تبخسوا ولا صاد فتح و یا سکون به یبخسون

به منیلا قران جمیع در حا و جیم فتح به وجدوا و میم تشدید به متیت گذشت بقره در ابنه

السجن یاصاحبی نون سکون با و یا فتح به بحسن یوسف سوره الاشباع ترک به مانفقد معاصع

واو اشباع ترک به تفتوء یلتبو ها تشدید به هم حصحص گذشت بقره در بائس یا موضع دو در با کسر و با فتح به

۲۰۰ و در مومن و حج در اینجا در ها و تا ضم و دال سکون به اخذتهم ثم رعد سوره میم تشدید به فنجی

اجتثت خبیثة اشتدت کرماد ابرهیم سوره از ثلث تا دال سکون و دال فتح به قران از جایها

در واتیناهم سوره درین واتیناک گذشت بقره در المرسلین لوط حجر سوره گذشت بقره در

تشدید به فخر همزه اشباع ترک به یتفیؤ نحل سوره با کسر و اولی لام فتح به وبسبیل مومنون موضع

سوره کهف همزه اشباع و مد مع ولیسوء واو اشباع ترک به فاقرؤه اسری سوره کاف فتح به کل

سوره مریم لام سکون و همزه فتح به اجعل را ختم و فای سکون به تغرب گذشت بقره در الحسنی جزاء

قد فیه ان همزه اشباع ترک به واتوکؤ اتوکؤ همزه با طه سوره بدون تشدید و یا کسر به فاماترین

النحل کطی همزه اشباع ترک به یکلؤکم انبیاء سوره از مابلون عن است کلمه یک زیرا رفا دال وصل به فاقد فیه

لام فتح به لمن ضره گذشت بقره در العاکف سواء انقلب فتنة اطمان خیر حج سوره و لام یاء سکون به تشدید

ما انتو مومنون سوره گذشت بقره در اقاموا الصلوة واو و طا تشدید به ولیطوفوا را کسر و فا سکون به تخبت

سوره گذشت ماید در والصابئین همزه اشباع با الخوء گذشت حجر در تا و همزه فتح به موضع دو در اتیناهم بل تا فتح و همزه مد به

الفوا شعرا سوره همزه اشباع ترک به یعبؤ گذشت بقره در افتریه افک فرقان سوره همزه اشباع ترک به ویدرؤ نور

والعد و دو سوره در اینجا در تا فتح به الاخرین ثم گذشت هود و اعراف در الناس تبخسوا ولا گذشت اعراف در القوا

قالوا کاف تشدید به نکروا گذشت هود در وجدوا گذشت بقره در المرسلین عاد و للمرسلین نوح اشباع با الغاوون

گذشت انعام در الانبیا اولی جیم فتح و حا کسر به تماثیح قصص سوره گذشت یونس در الله یا و طا تشدید به الطیر

سوره گذشت اعراف در وما یجحد عنکبوت سوره با سکون و جیم فتح به المرسلین اجتم نا فتح و همزه سکون و با ضم به یؤتون

روم

در بیان بعضی تحریرات سور که در حفظ آن در تلاوت قرآن

سورهٔ روم أساؤا السوأى بهمزه اول و ترک اشباع همزه ثانیه مع الاشباع سورهٔ لقمان لهو الحديث بسکون ها

سورهٔ احزاب هانم و اعلام لکنت سورهٔ سبا الا يعزب و ليس لدت او ني مثنيه واو

سبيل العرم بفتح عين و کسر را سورهٔ فاطر ما يفتح الله بفتح تا و سين و فرا ابيب با ثانين محمد

حجه با سکون ميم سورهٔ يس وليمنکم بشدیه با ثانیه و نون تعو مقصد بسکون قاف بعم و یکسه

بتشدیه میم و کاف و سکون را و کاف و بترک اشباع الثانی کالعرجون با کاف سوره ص بحو

بکسر عين مهمله و فتح را معجمه و جعیز بخ بفتح حاء و را فقطا بکسر قاف فتح با تشدیه سورهٔ زمر

ممن کذب بتخفيف دال تلبوء بترک اشباع همزه سورهٔ مؤمن فلخذتهم و عدلت با تا

ابن لي بضم نون اد او کسر نون تا یجحدون و عرف کذب حم سجده ادنا الذین بسکون با سر نون

سورهٔ شوری لمن عزم بفتح لام و کسر میم او او سکون زا يذرؤكم بترک اشباع همزه سورهٔ زخرف ان

لتم بفتح همزه ينشؤ بترک اشباع همزه لتستووا لا اشباع واو حم دخان بتخ تشدیه یا و در ابتدا سورهٔ

ق شیئا اتخذها و بعد کذب سورهٔ احقاف و بحرکم بکسر جیم و سکون را سورهٔ فتح

ولن يتركم بکسر تا و فتح را تحاوا و تجعل بتقدیم با موحده و حا معجمه سورهٔ حجرات الا يلتکم بکسر لام و سکون

تا سورهٔ ق في لبس بسکون با موحده فنقبوا بتشدیه قاف فتح دروصان کذب سورهٔ الذاريات جعلنه

بفتح لام و سکون نا واتبعتهم بفتح عين و سکون تا سورهٔ طور من مغرم بسکون غين معجمه و فتح را

قمر من الكذاب بفتح ميم و کسر نون سورهٔ الرحمن من استبرق بکسر همزه سورهٔ حديد من قبله

بکسر قاف و فتح با المصدقين والمصدقات تشدیه صاد و دال سورهٔ المجادله كبتوا بضم کاف و کسر با سورهٔ حشر

تبوءو بترک اشباع همزه ما نعتهم بکسر نون و فتح دال سورهٔ ممتحنه برآء بترک اشباع همزه ثانیه سورهٔ الجمعه

بضم جيم سورهٔ منافقون فاصدق تشدیه صاد و دال سورهٔ ن ان کان بفتح همزه و بابه دا

د کتابیه و حاسبیه ماليه سلطانيه بها سکت ها و ام اقرؤا اول بترک اشباع و ثانی با اشباع يسيل بفتح یا و در سابر

قرآن نعم با سورهٔ جن تخسا بفتح را و سکون فا سورهٔ مزمل اولي النعمه بفتح نون و سکون عين يحسبوا

بترک الاشباع سورهٔ الدهر ثم رايت سورهٔ التكوير ثم امين سورهٔ مطففين لمحجوبون تا

حا و ضم جيم سورهٔ الفجر يسر بسکون سين و کسر را و نعمه تشدیه عين سورهٔ النبا سبيلا بالسين و الا

النون و الياء سورهٔ القارعه ماهيه بها السكت سورهٔ التكاثر الجحيم بتقدیم الجيم على الحاء في كل القرآن سورهٔ كوثر

اعطيناك الكوثر بوصل كاف و اعطينا و قطع كاف از كوثر اما كيفيت تلاوت و قرائت لازم است رعایت ترتیل بود

حروف و کلمات بيکديگر داخل و مدرج و مخلوط نشود و کلمات اسم داخل و شسته نکرده و در مواضع وقف که مقرر است وقف و وصل

معین و معلوم شود و اعتبار مخارج و ادای حروف از یکدیگر ملتبس و متغیر نباشند و احتراز از کشیدن و کرامت در تجوید

و تجوید آواز در رسم خوانندگان با بسر کردن حروف و حرکات که بکلی از قاعده و قانون مقرر بیرون رود و شکل نیز کو

ترقیص و تطریب و تغنی و تحزین صوت در قرآن قطع نظر از حرمت از مقوله لحن است زیرا که تکرار و تغییر و افراط و تفریط

در حروف و کلمات و اعراب مستلزم زیادتی است و زیادتی مبطل است قطعا از اکثر مردم مسموع میشود که کسره همزه ایاک

فتحه لام عليهم و ليلة القدر بحدی تلفظ مینمایند که فتحه است یا کسره و بعض کلمات ساکن است که متحرک و از ضمه

بفتح الکسره و از کسره بفتحه و ضمه و بر عکس مایل میباشند و گفته اند که باید در سورهٔ فاتحه دفع حبه موضع از مخارج و صفات عجز

سر عن وارد مثلا با اسم الله یا اعراب دال الحمد اشباع کردن که از ضمه دال واو حاصل شود لفظ جلاله لله اشباع کردن و بین

بحمل ختم ... صاحب

در قرائت مشکلات کلمات قرآنی

۲۳۸

دینا قیما بکسر قاف و فتح یاء اذکر بین در دو موضع مد همزه اولی اقتده بهاء السکت سورة الاعراف
ما وُوری با اشباع واو والفلک بفتح همزه و کسر لام الفوا فلما القوا بضم قاف اول و فتح قاف ثانی
در این سوره و در سوره شعرا بیرون شعری قومنا الله در بقره گذشت یجحدون بسکون جیم و فتح حاء در جمیع قرآن
و لا تبخسوا الناس در اینجا و در سوره هود و شعرا بسکون با و فتح خا القمل بتشدید میم مثل بشدید ما
عن دوه بفتح عین و در از فانبجست بتقدیم نون بر با ان ولیی الله بکسر یاء اولی و فتح ثانیه سورة
الانفال الان بدون مد سورة التوبة اقاموا الصلوة و آتوا الزکوة در سوره بقره گذشت فاجره
بکسر جیم و سکون راء لا یستوون با اشباع واو در جمیع قرآن نجس بفتح نون و جیم غیر نجس الله
و اموال اقترفتموها در بقره گذشت اعطوا بضم الطا لم یعطوا بفتح الطا تحتها الانهار
تا اولی و ثانیه سوره یونس والزلک بتشدید زاء و یا لا یهدی بکسر ها و تشدید دال القول
در اعراف گذشت الان بمد همزه اولی در دو موضع و ما یعزب بسکون عین و ضم زاء در این سوره
در سوره سبا ء آلله بمد همزه قبل از جلاله و سبحان در سوره نمل لتتلو بفتح واو در سوره هود و لا
یبخسون بسکون با و فتح خا و لا تبخسوا الناس در اعراف گذشت و اجنبوا بسکون فا و فتح تا لوح
ابنه در بقره گذشت معیشت بتشدید میم و جحدوا بفتح جیم و حا در جمیع قرآن یومئذ بکسر میم
و سماع ما ننفقه بترک الاشباع سوره یوسف نجنس بفتح با و سکون نون یا صاحبی السجن
بفتح یاء ... یا در دو موضع یابنی در بقره گذشت حصحص هم بشده یلتوء تفتؤ بترک اشباع واو
فنجی بشده جیم سوره رعد ثم اخذتهم بسکون ذال و ضم تاء ها در اینجا و در حج و مؤمن و در سایر
جاها از قرآن بفتح ذال و سکون تا ملیک سوره ابراهیم کرماد اشتدت خبیثة اجتثت
در بقره گذشت سوره حجر لوط المرسلین در بقره گذشت و اتیناک در این سوره و اتیناهم در
موضع مؤمنون و سبیل بفتح لام اولی و کسر با سوره نحل یتفیؤ بترک اشباع همزه فخر بتشدید
کل بفتح کاف سوره اسری فاقرءوه بترک اشباع واو لیسوءا مع مد و اشباع همزه سوره کهف
جزاء الحسنی در بقره گذشت تغرب بسکون غین و ضم راء اجعل بفتح همزه و سکون لام سوره
مریم فاما ترین بکسر یاء و تشدید نون سوره طه بدون مد اتوکؤا والقوا بترک اشباع همزه ان هذین
فاقذفیه بوصل ذال و یا ... از یک کلمه است عن ما بسکون نون سوره انبیاء یکلؤکم بترک اشباع همزه کطی السجل
بتشدید یاء و سکون لام سوره حج خسر الدنیا فتنة انقلب سواء العاکف در بقره گذشت لمن ضره بفتح لام
فتخطفه بسکون خاء و کسر طا و لیطوفوا بتشدید طا و واو اقاموا الصلوة در بقره گذشت سوره مؤمنون ما انزل
بمد همزه و فتح تا بل اتیناهم در دو موضع بفتح همزه و تا در حج گذشت اخسؤا با اشباع همزه والصابئین در مائده گذشت سوره
نور و یدرؤ بترک اشباع همزه سوره فرقان افک افتریه در بقره گذشت یعبؤ بترک اشباع همزه سوره شعراء اعدوا
والقوا در اعراف گذشت و لا تبخسوا الناس در اعراف و هود گذشت ثم الآخرین بفتح ثا در اینجا و در سوره دخان و مدد
الغاوون با اشباع نوح المرسلین و عاد المرسلین در بقره گذشت وجدوا در هود گذشت نکروا بتشدید کاف قالوا
الطیر تا بشدید طاء و یاء الله در یونس گذشت سوره قصص ثمانی حجج بکسر حاء و فتح جیم اولی الانبیاء در انعام گذشت
یؤتون بضم یاء و سکون همزه و فتح تا حیتم المرسلین بفتح جیم و سکون یا سوره عنکبوت و ما یجحد در اعراف گذشت

۲۰۰

روم

در ذکر بعضی تغیرات لحن جلی و خفی در تلاوت قرآن

۳۴۹

سوره روم اساؤا السوأی بمد کلمه اولی و ترک اشباع بعد کلمه ثانیه مع الاشباع سوره لقمان لهو الحدیث بسکون ها سوره احزاب هلم در انعام گذشت سوره سبا لا یعزب در یونس گذشت او بی معه بمد واو سیل العرم بفتح حا و کسر را سوره فاطر ما یفتح الله بفتح یا و کسر ها و غرابیب با غین معجمه و را مهمله حم بسکون میم سوره یس ولیمسنکم بتشدید سین و نون بعد مفتوحه بسکون قاف بعد و تشدید میم و کاف بسکون را و کاف به ترک اشباع الهاء کالعرجون با کاف مشدده سوره ص بکسر عین مهمله و فتح را معجمه و عزنی بفتح عین و زا و قطنا بکسر قاف و فتح طا مشدده سوره زمر ممن کذب بتخفیف ذال تنبوء بترک اشباع همزه سوره مومن فاخذتهم در عد گذشت یا کاف ابن لی بضم نون اولی و کسر نون ثانی یجحدون در اعراف گذشت حم سجده ادنا الذین بسکون یا و کسر نون سوره شوری لمن عزم بفتح لام و کسر میم اولی و سکون زا یذرؤکم بترک اشباع همزه سوره زخرف ان کنتم بفتح همزه ینشوء بترک اشباع همزه لتستووا باشباع واو حم دخان تبع مشدده با در انبیاء و در سوره ق سوره جاثیه شیئا اتخذها در بقره گذشت سوره احقاف و یجیرکم بکسر میم بسکون را سوره قتال و لن یترکم بکسر تا و فتح را تجاوا و تبخل بتقدیم با موحده و خا معجمه سوره حجرات لا یلتکم بکسر لام و سکون تا سوره ق فی لبس بسکون با موحده فنقبوا بتشدید قاف تبع در دخان گذشت سوره الذاریات جعلته بفتح لام و سکون تا و اتبعتهم بفتح عین و سکون تا سوره طور من مغرم بسکون غین معجمه و فتح را قمر من الکذاب بفتح میم و کسر نون سوره الرحمن من استبرق بکسر همزه سوره حدید من قبله بکسر قاف و فتح با المصدقین والمصدقات بتشدید صاد و دال سوره المجادله لتنوء بضم کاف و کسر با سوره حشر تبوء بترک اشباع همزه ما نعتهم بکسر نون و فتح دال سوره ممتحنه برءاء بترک اشباع همزه ثانی سوره الجمعه لنت بضم جیم سوره منافقون فاصدق مشدده صاد و تشدید صاد و دال سوره ن ان کان بفتح همزه و با مد دال که کتابیه و حسابیه مالیه سلطانیه بهاء ساکن ها و هم اقرءوا اول بترک اشباع و ثانی باشباع بسل بفتح با و دو یار قرآن بضم با سوره جن تحسبا بفتح با و سکون فا سوره مزمل اولی النعمه بفتح نون و سکون عین ینبوء بترک الاشباع سوره الدهر ثم رایت سوره التکویر ثم امین مرحوم در شعرا گذشت سوره مطففین لمحجوبون بسکون حا و ضم جیم سوره الفجر یسر بسکون سین و کسر را و نعمه مشدده عین سوره التین سنینا بالسین و البا و النون و الیا سوره القارعه ما هیه بها السکت سوره التکاثر الجحیم بتقدیم الجیم علی الحا فی کل القرآن سوره الکوثر اعطیناک الکوثر بوصل کاف اعطینا و قطع کاف الکوثر. اما کیفیت تلاوت و قرائت لازم است در رعایت ترتیل عبسکه حروف و کلمات بیکدیگر داخل و ممزوج و مخلوط نشود و کلمات اسم داخل و مشتبه نگردد و در مواضع وقوف که مقررات وقف و وصل معین و معلوم شود و اعتبار مخارج دادن حروف از یکدیگر ملتبس و متغیر نباشند و احتراز از کشیدن و لرزانیدن در حنجره و پیچیدن آواز در رسم خوانندگان یا بسیر کردن حروف و حرکات که بکلی از قاعده و قانون مقرره بیرون برده بشکل منت که ترقیص و تطریب و تغنی و تحزین صوت در قرآن قطع نظر از حرمت از مقوله لحن است زیرا که تکرار و تغییر و افراط و تفریط در حروف و کلمات و اعراب مستلزم زیادتی است در زیادتی مبطلات قطعا از اکثر مردم مسموع میشود که کسره همزه ایاک و فتحه لام علیهم و لیله القدر و امثال آنها بتلفظ نمایند که فتحه است و کسره و بعض کلمات ساکن است که متحرک دارند از ضمه بفتحه و کسره و از کسره بفتحه و ضمه و در عکس مایل ملتبس باشند و قرا گفته اند که تنها در سوره فاتحه و اخلاص چند موضع از مخارج و صفات حروف مرعی داره مثلا با و بسم الله با و اعراب دال الحمد اشباع کردن که از ضمه دال واو حاصل شود و لفظ جلاله الله اشباع کردن و این

در راه زدنِ بعضی از علمای لاابالی با اخبار رجال و کلمات آل داود

لفظ جلاله الله که ما قبلش مکسور است رقیق باید گفت همیشه بقاعده مشهوره و عکس وصله نمودن که یا حاصل شود بلی سکته لازم است که از او اجتناب

و احتراز از زیاد شده و الرحمن الرحیم که تکرار نباشد و اعراب کاف مالک و ادغام یوم الدین که حسن و عدم سکته ان که شنیده

شبیه نکردن بلا لحاظ سکته عدم وقف نمودن چنانکه سفیهان سکته هم نمایند و جمله سکتهای سبعه مخصوص حمد که معلوم

معروفست و نون انعمت و اظهار و سکون نون از کسره ندهند مثل لام ساکن انا انزلنا چنانکه اکثر عوام کسره دهند

اکثر اهل سواد نیز بعضی سکونها و مثل ها لی محه مقدس از عوام و خواص کسره و بفتحه صرف گوینه با

و حرکت عین و لام علیهم و با کمال دقت وضع نمایند نه بطوریکه فتحه از کسره تمیز نمیعلوم نباشد و فتحه غیر المغضوب

نیز واضح نمایند و سکون غین تا فی و نیز در کلمه مذکوره با دقت بگویند و سکون علیهم و که میم ساکن در هر جا بواد و یا

اشد اظهار گویند در هر جا علیهم در سوره حمد وقف نمود با اینکه اشد اظهار نمایند تا ادغام و غلط نباشد و هر دو

از مخرج و صفات ظا معجمه متفاوت و شبیه هم نگویند زیرا که در مخرج ضاد هم و در صفت استعلاء و اطباق موافق هستند

میان ایشان متشخص کند و در سوره توحید با تنوین دال احد و بنرمی گفتن که دال و ضع بنرمی گفته نه شده

معدوم صرف کند و در آخر آیات توحید و ناچار است از قلقله دال احد و در آخر آیات وقفاً و وصلاً و اما قرائت مشهوره در لفظ

و ضم فا و تنوین دال است ولکن اکثر قراء بهمزه خوانده اند بعد از فا و حفص و یعقوب بسکون فا و همزه ملفوظه خوانده اند

مخصوص فاتحه و سوره نیست بلکه در همه قرآن قواعد تجوید و ملحوظ دارند تا نماز و عبادت صحیح کند و قرائت قرآن

۲۰۲ قرائت اول الحق و آن او ... حق حرفیست بزیاده ... ضم ... حد و دال ... خواند

نکرات ملازمت موقوف بر اتیان بوصل دال و ادغام کبیر و تخفیف بقرائت بعضی از ... و قرائت

تخفیف همزه نه ... تسهیل و ابدال و حذف بجمله خلل در قرائت بهمزه ... تدویر دال عبارت از

میان تحقیق و حدر که رسم و طرف هر سه قسم در اول تجوید ... گذشته باید بر تفکر در آیات تلاوت قرآن

مجید که او الی مراتب ... جلال و جمال کبریائی است و حضرت امام المتقین علیه السلام فرموده الا خیر فی قراءة لیس فیها تدبر

فیها خصوص تامل و تفکر در نماز که ستون دین است و هر یکی از واجبات و مستحبات نماز اشاره بیکی از ... است

از ... و اتفاق از ... حاصل کند چنانکه ... بمنزله ارکان نماز است ... اسرار ... و شرایط و آداب

باشد و از جمله واجبات نماز سوره مبارکه حمد است که لا صلاة الا بفاتحة الکتاب فرموده اند و اینکه این سوره مبارکه

و مکی و مدنی هر دو مرتبه نازل شده و در تعیین آیات خلاف کرده اند بسم الله ... صراط الذین انعمت علیهم ... اند

و سبع المثانی ... و صد و بیست و چهار حرفست و مجموع ... و چهار هزار ... هر که این سوره مبارکه

حضرت واجب العطایا ثواب ... عطا فرماید ... این قدر ثواب ... ایمان ...

... نماز ... ثواب ... چهار هزار ... چه ... داریم از مخالفت فرمان خداوند

شرع ... داریم ... علم قرائت ... تعلیم حمد و سوره و نماز ... مسلمانان

بر مسلمانان و اهل ایمان لازم است ... مواظب علم قرائت با کمال مهارت و اخلاص و ارادت ... بر سبیل

و معلمی استاد کامل و ممیز ماهر ... مرکب و قرین ... چشم ... دارد و ... قرآن ...

محل عقده و لغزش اقدام مصلین و مهالک ... قرار داده ... علمای ... تجربه ... مسائل

با چهار هزار عقبه احکام دین مقرر فرموده اند صعوبت کار ... که ... تمامی ... ارکان و واجب

و ... از الطاف خفیه الله و اجب ... فرموده ... علمای ... در زمان لاابالی مردم بیان تخفیف

چنان ... که از راه ترویج ... ظلم و فساد ... کرده اند نه اینکه ... نماز ... وقت ...

در بیان اشتغال هر یکی از اعضا و جوارح مصلی ما بکار خود

والحاصل بعبارة اخری در تکبیرة الاحرام نماز که پس دو چیز لازم است که یکی از مقارنات نماز رکن است تامل و تفکر که ساعة خیر من عبادة سنة یا سبعین سنة واضح دیگر بیان کرده و راه در رسم حول چرا معلوم که سیصد و شصت و چهار در هر رکعت نماز با چهار هزار مسئله نماز مشخص کرده که در اوایل ترجمة الصلوة بر سر مشق صحت تکبیرة الاحرام و قرائت بعد با بسم الله از مخرج خود که از میان دو لب از لب نه از خشکی ادا نماید تا مشتبه بیا نباشد که اگر یاس نماید و در سین بسم الله صفت صفیر سو کما هو حقه ملاحظه نمایند بعد یکی یکی حروفات و ادای کلمات را ملاحظه نماید در سر بطلان باین مقام آورد که خوف خشیت میگوید لابد کمال فرصت پریشانی دل و سیر صفابای دلستان و حساب دکان و امور دیگر خواهد بافت و سهو و شک و نسیان در دو سیاهی آخرت و افلاس دین و دنیا و در سایر موانع آخرت از حلال و حرام و مخالفت اوامر و نواهی خدا در یک کم کم مفقود و معدوم و آباد دین و دنیا لا محاله خراب خواهد شد و بعد لفظ جلالة الله و ما قبلش ملحوظ است موافق قانون علم قرائت ترقیق نماید بعد راء مشدد مفخم را تفخیم بعد از تکرار آن احتراز نماید ادغام و تشدید سو کامل نماید که تشدید علامت ادغام و جار مجرای حرف است و ترکش سبب بطلان عمل نماید لاابالی نماید که تمامی خرابی دین و دنیا بواسطه لاابالی ملحق خصوص تعبیر نماز خدا خواه بنماز عشق خدا عجب عجب و عجب و همه عالم تار و تار کجه در گردن بنده در رای موافق فهم قاصر ر دیده از لاابالی علمای بی عمل لاابالی در علم قرائت که از طفولیت عادت نموده بعد از طی مراتب فضل و کمال حکم خلاف ما انزل الله مینمایند کم کم در سعی و تسخیر علم قرائت و شش و سعی تخریب قاریان در قرائت قرآن و حمد و سوره و مجالس مباحثه و ریاضت و مباحثه صحت نماز ما یه فساد با اسم خیرخواهی و برد کشی نماز دو لخوشی عوام و برای اظهار فضل خود که خالی از وانستن علم قرائت و رد اقوال و فهم قراء که مساد قرآن اعتماد و اعتبار نماید و عدم اعتماد و توکل بخدا با غوای ابلیس لعین و دام اعظم زیر بای علمای معتمد معتبره چنان محکم بر پا نموده که علاج داشته باشند چنانکه تمامی همکاران هم صنف خود خوارد مستدل میخواسته خصوص ... مبارکه کل ... جزء میدانسته نه جزء در اول سوره بلکه جزء را در سایر صفات ... اکتساب نیست در اخبار از ائمه سلام الله علیهم دلیل مطلب ... لکه فرقه ناجیه شد در عذاب خیر داشته هذا با یلیق بذکره مشهور است بسم الله جزء سوره است موافق مذهب شیعه و قبل از بسم الله جهری در انفراد اعوذ بالله ... ابعد از نیت که خطار بالست نیت و خطاب انسانی که مقدس بیاد و وسواس بسیار تا حد اظهار بلکه حکایت نماید بمجرد خطور از قلب بلکه به انستن اینکه چه کار میکنم نیت است بس در تکبیر نیت بقدر گفتن الله اکبر دستها سد بالا بردن تا برابر نرمه گوشها ابتدا در تکبیر انتها با انتها دستها برابر خانش آنها نه اینکه دستها در گوش نگاهداشتن برای اتمام نیت بلکه حکایت تقدس فردوس نماز بعد دل حاضر آتی باطل دیدم وسواس شیطانی در نیت و تقدس دارونی که بسیار از ائمه جماعت این جماعت دیدم که دام آن اشتعالی تا بن وضوح که بیچاره عوام از دیدن این وسواسها مام او از دحام در عقب تمام نماینه چنانکه دام تو ام ابلیس در رکوع امام یا الله یا الله گفتن میگویند امام مقدس قرب مغز ملاحظه پیران ضعیفان با مومنین ملاحظه نمیکنند طول بسیار دید برای شنیدن و لذت الله الرحمه عوام نادان عرق در تار لذت صدای الله اکبر گویان ضعفا بی طاقت نماینه استعاد از عرالصف این روسای نما حد امیدانه که بعضی از خشکه مقدسین با نماز عشق خدای مشتاق لذتیکه از شنیدن صدای الله اکبر ما مومنین محظوظ باشند که از هیچ طعامی لذت نباشد که خدای قرائت نماز بس دل بیا متین معدل و الحاصل چون مصلی شروع بخواندن حمد نمود باکمال ادب مصلی نه با پریشانی خاطر و دل مشغول بسیر صفای باغ دلستان و چشم در نظاره آنچه در برابر است بلکه تمامی اعضا و دل مشغول نماز و طاعت خدا باشند که هر کدام از اعضا و جوارح و ر صورت و لباس حق حرام نماز بسته که آب مذکور خود باشند تا ملائکه با مر الله همان نماز بر سر سر نرسند

در اسم تا ...
نیز وعظ و واعظ ...
نماز ...

وصل ششم از چهارم

در عیوب کلمات و حروف نماز و مذمت پدران ناخلف زمان

۳۴۴۲

بس چون باشد در الحمد نمود ضمه و ال را اشباع بکند که از ضمه واو حاصل خواهد شد چنانکه اکثر اهل فارس میکنند سکته ضمه
به کلمه الله ممزوج شود که اول محل سکته است از هفت جای سکته در سوره حمد بعد لام لله را ترقیق نماید کسره
... که یا حاصل شود بلکه با اماله بخواند بهیجان کسره با در رب را با اماله بخواند که از مستحسنات قرائت است و کاف مالک
نهد که تشدید حاصل شود کسره را اماله نماید و تشدید ایاک را بشدة بگوید که بی تشدید او شود و کسره الف ایاک
اماله ننماید زیرا که مجاور یا است هرگاه در ایاک ایاک ... کاف را اشباع کند بتولید الف از فتحه هرگاه کاف حاصل شود
و در نستعین صفت صفیر از سین حاصل شود تشدید بصاد نماید و صفت همس در استعانت بجا بیاید و تا نستعین
لطا مراعات در نستعین مبدل شود و در لفظ صراط استعلا و اطباق را درست ملاحظه نماید تا صاد بسین و طا بتا
بدل نشود یا شبیه نشود اگرچه صاد را در هر دو سین خلاف است ... و نون انعمت را اظهار نماید که کسره ... حاصل
شود چنانکه اکثر مردم بکسره میخوانند در لام انعمت ... سکون لام را بکسره ... که مبطل است و ضاد را در مغضوب
استعلا و اطباق خوب از مخرج خود شناخته ادا نماید که بظا و مخرج ظا نباشند اگرچه در صفت استعلا و اطباق یکی هستند
و تشخیص ... که محل لغزش اقدام اهل ادا است در مخرج ... بعد و ضدیت دارند اکثر مردم از یک مخرج
باطل است خصوص ... و اما وقف در آیات حمد قاری مخیر است ولکن در آیه الرحمن الرحیم افضل
وقف نیست و وصل نماید زیرا که در وصل بعضی از قرا الف مالک را حذف نماید با ثابت که اسم فاعل
واکثر بحذف میخوانند که صفت مشبهه باشد ابو عمرو ادغام کرده است میم الرحیم را بمیم مالک و در این حال مجبور
طول و توسط و قصر ... قرا باظهار خوانده اند و ادغام و فتح و اثبات اقوال و تعارض ... و عدم ... اقوال بسیار است
در الرحمن الرحیم وقف است و احتیاط مردم نماز ... اعتنا ندارند ... در منابر و مساجد ...
این علام مولوی ... ایها الناس در قرائت ... حروف کاف ... [illegible]
نماید ... که این کلام ... که از حروف نماز ... غلط احتیاط بسیار نماید ...
... با نماز ... صحیح ... با انواع این نوع لاابالی ... [illegible]
نماز ... غلط شده ... [illegible]
... آیات قرآن ... تصحیح نماز که بعد از اصول دین ... [illegible]
نبوت و استقرار اسلام ... نماز ... فتنه ها ... [illegible]
نماز و عقاید ... ترویج حرام و الواط ... با اطفال مسلمانان ... احکام قرآن
نماز با قرائت ... از میان مسلمانان برداشتن و مردم ... نتیجه دادن ... آیه مشیر ...
که خداوند خبر داده ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر ... بر عکس ... خاتم النبیین ... خبر داده ...
اطفال آخر الزمان که من بیزارم از ایشان و ایشان بیزارند از من که اطفال خود را تعلیم عقاید و احکام ...
عوض مسائل و احکام ... تعلیم ... این زمان ... [illegible]
ناخلف عوض مسائل و احکام ... مجالس ... مسلمانان ...
نماید که سزاوار تماشا و عبرت ... ارباب ... [illegible]
زیرا که ... ناموس اطفال و صحبت اطفال با الواط ... شهوات نفسانی ...
... تماشا و خواب لذت روحانی ... [illegible]
در غیبت ... زنان ... عیب ... الواط ... [illegible]

ترقیص تطریب و تغنی و تحریک و ترعید از اغلاط بزرگ است

٣ ٤ ٤ ٣

الواطرا ... است که بخیال نمایند داما سوره توحید ملی و بعضی هم گفته که بنابر مشهور با بسم الله الرحمن الرحیم است بقرار علم قرائت ...

ما بل و شبیه بلد بلد نمایند تا تمیز باشد کل تمیز حروف و حرکات ترک نشود لفظ احد و در اول سوره اگر وصل باشد باسم

جلاله الوقت نون تنوین را کسره باید داد و لام لفظ جلاله را ترقیق و اگر وقف کند در شروع بلفظ جلاله لام را تفخیم باید

و حرف دال سوره خرابیات قلقله و بنرمی ادا باید کرد تا شبیه و شبیه به نباشد در وقت قلقله شبیه بتشدید

نباشد و لم یکن له را با ادغام و غنه باید خواند و حفص که راوی عاصم است کفوا را بضم فا و فتحه طونه خوانده است و دیگر

که راوی دیگر است عاصم را با جمعی از قرا بضم فا خوانده است با فتح ملونه و همزه بجای واو کفوا خوانده و بعضی بسکون فا

و همزه ملونه خوانده و بعضی حرکت همزه را بفا نقل با نقل همزه را حذف نماید بعد از ادغام کفا گویند ضعیف است و بعضی

بدل نمایند همزه را بواو چنین همفوحه که بعد از واو الف باشد بدل از تنوین با اسکان فا کفوا باشد و طلفه که راوی حمزه

بسکون فا و همزه ملونه والحاصل قسم اول که مأخوذ و مختار است بنجم ضعیف باقی جایز و بر مکل فهم واضح است و علما چه قدر

و ربا ضار را کلی سعید انه علمای لا ابالی آخر الزمان چه قدر در مقابل رحمات ایشان بی اعتنا بلکه عناد و عداوت دارند

طلب بعضی و حفظ پسندی احکام اللهی را با ترکیه سخن رو آورده و مبهم و مولف و این جنایات نماز را که تمامی احکام الله

و جامع است و مرجع کلام الله است چنین با تمام و لکه کوب تمامی مسلمانان و عوام و خواص امثال حقوق را ...

طلیک کفه که بسی سال قبل بچشم خود دیدیم که چه قدر بار از تعلیم و تعلم نماز خواندن بعض قرائت و نیکی ...

رواج داشت چه امید است که ترویج این نماز عیب از علمای لا ابالی مستند با کلمه کلام مولف و مبهم کوبه تا معنی

اذا فسد العالم فسد العالم را بدانی و باغراض باطله که اهل شهر سابقه حتی تا که تمامی مسائل را ... و بلاد خطیبه ...

علم قرائت و قاری صاحب فن اهلم و عدل که کلامش مقبول و مشهور و معروف از اکثر نابینا و عشق زمان

لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم بلکه بعضی کور و شل از کار افتاده که برای معاش خود نماز مسقط قضا ...

که برای کوران امد و عبالجود برای زنان و اطفال و برای وجوه صوم و صلوات بار زحمه از ... قاری بی عدل و معلم نماز ...

اللهم در دار العلم و سواد اعظم ... مقدس باشد دارین و هم صانها الله عن الحوادث والآفات بحق محمد و آله الامجاد

فصل بعبارة اخری حروف هجا مجموع موصوف شد به صفت مرجح صفت صفه بیع صفت ... صفه جهرا

صفه استعال ... صفه ... انطباق صفه انفتاح ... صفه صمات ... مجتمع اند در کلمات ...

ساکت و این حروف را مهموسه نامند زیرا که همس در لغت بمعنی آهستگی و نرمی است و این حروف در وقت ادا آهستگی

و نرمی است بغیر حروف مسطوره تمامی موصوف اند بجهر و جهر در لغت بمعنی بلند است این حروف در وقت ادا از

مخرج حرف بلند و سختی دارند و حروف استعلا مجتمع اند در کلمات خص ضغط قظ و استعلا در لغت بمعنی طلب بلند

گویند این حروف را مستعلیه که برای آنکه حروف ... در مخرج حرف میل کند تا نیست غیر از حروف مذکوره تمامی موصوف به استفال

و حروف مذکوره از این جهت مستفل ... حروف ... مجتمع اند در کلمات ...

مذکوره ... گویند برای آنکه ... و غیر حروف مذکوره تمامی موصوف شد برخوه برای آنکه در مخرج خود پستی دارند

بین الشده والرخوه لم نرع ... بسیار ... زیاد دارند حروف مطبقه در کلمه صص و طظ جمع اند که در وقت ادا

شدن زبان مانند طبق کام بالا را گرد بچسبند غیر حروف مذکوره تمامی موصوف اند بانفتاح که در وقت ادا شدن زبان از کام

و دهان گشادگی بهم رسانند و اذلاق یعنی حروف ذلق مجتمع اند در کلمه فر من لب و اذلاق در لغت بمعنی خفت و تیزی

ملیاتت و این حروف را مذلقه گویند برای آنکه در وقت ادا شدن از مخرج بخفت و سلک است و باقی حروف و ... موصوف اند با صمات

و اصمات در لغت بمعنی گرانی و منع است یعنی در کلام عرب ممنوع است اسم رباعی مجرد یا خماسی مجرد تمامی مصمته باشند ...

در صفات حروف و انواع ادغام و اقسام و انواع مد

فصل صفاتیکه ضد ندارد باصفت ما تقدم ذلک [illegible] که از حروف منزله جزو آن [illegible] تأثیر

دارند شش است اول حروف قلقله که مجتمعند در کلمات قطب جد که در تلفظ جنبیدن و حرکت دارند این حروف و هنگام وقف

ساکن کنند اعم از آنکه ساکن اصلی باشند یا عارضی از این جهة موصوف بقلقله ملقب شوند دوم صفیر است و صفیر در لغة

بمعنی آواز است [illegible] صفیر [illegible] و [illegible] سه حرفند ص س ز سیم تفشی است بمعنی انتشار

و این صفت خاصه شین است چهارم استطاله و آن خاصه ضاد است پنجم انحراف و آن خاصه لام است ششم

تکرار و آن خاصه را است سیما در وقتیکه مشدد بوده باشد و کمال احتیاط آنست که مکرر تلفظ نشود چونکه مطلب ما

تحقق مکرر ملفوظ [illegible] در تمام کلمات عبارت قرآنی در تمام تکرار محال [illegible] از سبیل [illegible] گوییم فصل نون ساکن

یا تنوین اگر بحروف هجا برسند حکم او چهار حکم است اظهار و ادغام و قلب بمیم و اخفا است مثل کن امن

ناصر و ینئون و ینهون من علم من حکیم من خبیر مثال تنوین ان کانوا ان کنتم عقود [illegible]

دوم آنکه هرگاه بحروف یرملون برسند ادغام باید کرد اما در چهار حرف ادغام با غنه که در حروف یمون است و در باقی

ادغام بلا غنه است که لام و را باشد الا آنکه در چهار کلمه ازین قاعده خارج باید کرد که اگر ادغام نمایند مشتبه

بمضاعف اول دنیا دوم بنیان سیم قنوان چهارم صنوان و هرگاه نون ساکن و تنوین ببا رسد

قلب بمیم باید کرد مثل من بعد و من بعد و محیط بالکافرین و در باقی حروف اخفا باید کرد مثل منکم و انتم

مانند الذی فصل دیگر آنکه ادغام سه قسم است و مبحث اخوان اما ادغام مثلین آنست که دو حرف مثل

باهم برسند اول [illegible] دوم ادغام نماید شرط ادغام آنست که حرف اول ساکن دوم متحرک و آن بر دو قسم است ادغام

صغیر و ادغام کبیر ادغام صغیر آنست که حرفین مثلین یا متقاربین یا متجانسین حرف اول ساکن بوده باشد بسکون اول

دوم ادغام نمایند ادغام کبیر آنست که حرفین مثلین متقاربین یا متجانسین هر دو متحرک باشند اول ساکن نموده در دوم ادغام

کنند اما ادغام صغیر متفق علیه جمیع قرائت مانند فاضرب به و یخرجکم [illegible] و [illegible] وقد دخلوا

نوع ادغام [illegible] در مثلین در وقتیکه اول حرف مد [illegible] باشد مثل آمنوا و عملوا الصالحات و فی یوم

اگر ادغام کنند مد زایل میشود و ادغام کبیر در مثلین برای عاصم نمیباشد مگر در دو کلمه یکی در کلمه لا تامنا در سوره یوسف

که اصل لا تامننا بوده و دیگری ما مکنی در سوره کهف نون اول را ساکن در ثانی ادغام نمود در این کلمه قاری [illegible]

باشمام و اختلاس و اختلاس [illegible] در [illegible] و باقی [illegible] چهار [illegible] است و ادغام متقاربین آنست که دو حرف

قریب المخرج باشند هر گاه اول ساکن بوده باشد بسکون لازم اصلی و دوم متحرک مجمع علیه جمیع قرائت که اول [illegible] در

ادغام نمایند ادغام صغیر متقاربین [illegible] مانند الم نخلقکم و قل رب و در کلمه نخلقکم بعضی از قرا برآنند ادغام

کاف و [illegible] با بقاء صفت استعلاء قاف و بعضی برآنند که ادغام لازم است بدون [illegible] صفت استعلا و ادغام متقاربین کبیر

در قرائت بسیار است خلاف عاصم و بعضی از رواة و ادغام متجانسین نیز بر دو قسم است صغیر و کبیر و ادغام صغیر متجانسین

در قرائت مانند [illegible] ذالک و ارکب معنا و احطت و بسطت و فرطت و اذ ظلمتم و قد تبین و مانند اینها و ادغام

بسیار است و مختلف فیه قرائت فصل در احکام معروفه مد بدانکه مد بر شش قسم است بر رسم اوضح طبیعی و متصل و منفصل

لازم و عارض و فرق و حروف مد سه است واو ساکن ما قبل مضموم یاء ساکن ما قبل مکسور الف ساکن ما قبل مفتوح مثال

[illegible] و [illegible] و این هر سه حرف را حروف مد و طبیعی گویند برای آنکه سبب زیادتی امتداد آنها را بقدر یک الف مد باید داد هرگاه حروف مد

سبب داشته باشند سبب ایشان یا همزه است یا سکون و هرگاه سبب ایشان همزه باشد یا متصل بحرف مد خواهد بود یا منفصل

متصل بحرف مد بوده باشد مانند جاء و جیء و سوء این مد متصل واجب گویند و هرگاه سبب مد که همزه است از حرف مد

منفصل بوده باشد مانند یا ایها الذین آمنوا انفسکم و فی آباءنا این مد منفصل

فصل ششم از باب چهارم

در بعضی مکررات و ادغامات و مد و ضمایر و وقوف مجملاً

منفصل و مستحب گویند هرگاه سبب مد سکون بوده باشد یا سکون لازم است یا عارضی و سکون لازم بر دو قسم است لازم مدغم
و لازم مظهر لازم مدغم مانند مد ولا الضالین و الف لام میم و دابّة و صاخّة و اتحاجونی و هرگاه سبب مد سکون لازم مظهر بوده
و آن در وقتیست که سه حرف بوده باشد و حرف وسطی حرف مد بوده باشد و آن حروف مقطوعه که در اوایل سور طیبه شده که مجموع آنها در
کلمات قنس لکمل ق و نون س ک م ل بوده باشند و در این دو قسم سبب مد بقدر چهار الف لازم است و مد عارض
آنست که سبب مد سکون عارضی بوده باشد قاری مخیر است در طول و توسط و قصر مثل آخر آیات مثل تعلمون تشکرون
آنکه کلمه موقوف علیه حرف مکسور و مضموم منون باشد که اگر مکسور و مضموم بوده باشد مانند مالک یوم الدین والمستعان
الوقف سه قسم جایز باشد وقف باسکان و وقف بروم و وقف باشمام و مراد از روم ادا کردن چهار دانگ حرکت
و باقی مانده حرف را و الف و این خاصه کسره و ضمه است اما در صورت ضمه وقف باشمام هم جایز است مانند مالک یوم الدین
و در وقف باسکان سه قسم جایز است طول و توسط و قصر و وقف باشمام نیز هر سه قسم جایز است و در روم قصر است فقط
و مراد از وقف باشمام انضمام شفتین است و مد تفرقه آنست که دو همزه با هم جمع شوند همزه اول همزه استفهام و همزه دوم
ال حرف همزه دوم را قلب بالف باید کرد مانند آالذکرین و آالله و آلآن در اصل ءالذکرین و ءالله و ءالآن
همزه دوم را قلب بالف کردند و این را مد تفرقه میگویند زیرا که الف منقلب از همزه تفرقه انداخت میان دو همزه و
از قرائت ما گفته شد تسهیل [illegible] **فصل ششم** مکرر از احکام ادغام شاید خالی از منفعت و نتیجه نباشد همه مکررات
در بیان ترقیق و تفخیم حرف را بدانکه لفظ جلاله هرگاه ماقبل مفتوح یا مضموم بوده باشد تفخیم باید کرد مثل بالله و نصر الله
و هرگاه ماقبلش مکسور باشد ترقیق باید کرد مثل بالله و قل اللهم که تفصیلش ذکر شد و اگر را مفتوح یا مضموم بوده باشد
نیز تفخیم باید کرد مثل و رحمة الله و ذقنا و اگر مکسور باشد ترقیق باید کرد مثل برزق و اگر ساکن باشد نظر بماقبل
باید کرد که اگر ماقبل ساکن مفتوح و مضموم باشد تفخیم و اگر مکسور باشد ترقیق باید کرد و اگر ماقبل ماقبل نیز ساکن باشد همان
ساکن دوم را ملاحظه باید کرد مشروط بر آنکه در صورت مقدم بودن ماقبل حرف وسطی یا منفعه باشد که اگر یا باشد ترقیق
مثل خیر و غیر و طیر و هرگاه را ساکن و ماقبل او مکسور باشد مثل فرعون به سه شرط اول آنکه کسره ماقبل
اصلی باشد مانند مریة و فرعون که اگر عارضی بوده باشد مثل ارجعوا تفخیم باید کرد دوم آنکه کسره ماقبل متصل
که اگر منفصل باشد مانند الذی ارتضی و امر تابوا تیه تفخیم باید کرد سیم آنکه مابعد را از حروف مستعلا منفعه باشد مانند
مرصاد و قرطاس و فرقة تفخیم باید کرد و در کلمه فرق خلاف است بعضی از قراء بترقیق قائلند بجهت آنکه را بین
الکسرتین واقع شده اما مشهور تفخیم است مثل قدیر و بصیر در حالت وقف بشرط آنکه حرف وسطی حرف مستعلا نباشد که
بمصر و قطر را تفخیم باید کرد **وصل** مجملی از [illegible] کنایه که مفرد مذکر غایب باشد هرگاه ماقبل و مابعدش یعنی مابعد
ضمیر متحرک باشد مانند انه من سلیمان و به رحمة جمیع قراء متفقند در اشباع و صله بر کردن تعبیر که در فتحه و ضمه
اشباع تعبیر نمایند و در کسره صله میگویند و اگر ماقبل ساکن و مابعد متحرک باشد مانند فیه هدی نیز جمیع قراء متفقند در عدم
صله مگر ابن کثیر که او اشباع را قائل است و یک راوی عاصم که حفص باشد موافقت با ابن کثیر کرده در کلمه فیه مهانا در
سوره هود اشباع کرده و اگر سائل گوید چرا در کلمه یرضه لکم با وجود آنکه ماقبل و مابعد هر دو متحرک است اشباع ننموده جواب
آنست که واو لام الفعل بواسطه جزم داده افتاده که یرضیه بوده ساقط شد ما قبل ساکن و مابعد متحرک [illegible]
وصل در بیان وقف بدانکه وقف بر چهار قسم است اول وقف تام دوم وقف [illegible] سیم وقف قبیح چهارم وقف
کافی یا کوفی اما وقف تام آنست که کلمه موقوف علیه از جهت لفظ و معنی تعلق بما بعد خود نداشته باشد مانند وقف بر مالک یوم الدین
و ابتدا بر ایاک نعبد نمودن دوم وقف قبیح که کلمه موقوف علیه از جهت لفظ و معنی محتاج و متعلق بما بعد داشته باشد مثل وقف بر الحمد

هو العلیم العلام

در تجوید جناب عالی درجات شمس المجتهدین شیخ جعفر کاشی اعلی الله مقامه

کاری است در قرائت نماز یعنی نماز و قرائت نماز کار معظمی است که بسیاری دلکش در حسن کشیدن [illegible] صحت و درستی آن بعهده [illegible]

و منقول مجتهدین در عبارت رسالهای آنکه ثابت که و سوای احتیاط مفرط دار خطاب ایشان [illegible] قرائت [illegible]

در رفته و فرق میان واجب و سنت و بدعت مبطل و مکروه و جواز ندارد و مقصود مؤلف [illegible] دلکش کمال مسلمانان [illegible] قرائت

تکرار رسوم قرائت توضیح اشکال درجات طالبان این علم شریف است که بدانی در حسن صورت و شکل نماز [illegible]

نیست و نباشد در [illegible] مخصوص و [illegible] سواد عوام کالانعام است علما را لازم و واجب است اگر خیال [illegible]

در تحصیل مراتب قرائت طالب در [illegible] علم قرائت باشد تا احتراز از درجات شرک و کفر و [illegible] ایمان [illegible]

بقدر ضرورت [illegible] بیاموزند به بکران [illegible] خلاف ما انزل الله [illegible] بحکم آیه شریفه و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون

و لا تقف ما لیس لک به علم احتراز داشته باشد [illegible] بی پایان لا مذهبی و بی دینی [illegible] چنانکه در [illegible]

این ورق بی دینی [illegible] بلا [illegible] معتبر [illegible] اثنی عشری [illegible] بکلمات [illegible]

تا معنی اذا فسد العالم فسد العالم [illegible] آخر الزمان واضح گردد و بدانی که این سرچشمه [illegible] طایفه [illegible]

و ذلک هو الخسران المبین و بدانی که منکر شیخ جعفر مرحوم بزرگوار قصه [illegible] شعر خوانی [illegible]

تا [illegible] اطفال [illegible] از وقت مکتب [illegible] مسائل واجبه حفظ [illegible]

مسمی بنظم اللآلی [illegible] الکلام از انتظام نام ذات [illegible] شکر [illegible] زبان شیرین بکلام رحمت عام [illegible]

خاصه بر روح محمد باد و بر آل عبا بعد حمد و نعت و مدح آل پیغمبران فرض بعد از حق شناسی علم ترتیل قرآن [illegible]

[illegible] در زمان پادشاه ما سلیمان بارگاه [illegible] عباس [illegible]

مهر [illegible] پاینده [illegible] طبع [illegible] حفظ آن [illegible]

عقد آن نظم اللآلی [illegible] سال [illegible] اعط اللهم ما [illegible] خیر [illegible]

[illegible] خوان بکام رتل القرآن ترتیلا [illegible] بعد از آن ترتیل [illegible] حروف [illegible]

حروف [illegible] و [illegible] در شمار مخرج [illegible] سر بسر [illegible] قسمت [illegible]

[illegible] زیر [illegible] بالا [illegible] چار [illegible] دستور [illegible] دندان [illegible]

[illegible] بالا [illegible] بعضی [illegible]

حلق از اوسط [illegible] عین و حا [illegible] غین [illegible] حرف [illegible] حلق [illegible] خا [illegible] قاف [illegible] کاف

از میان کام از وسط زبان شین جیم و یا [illegible] الرحیم [illegible] ضاد [illegible] زبان [illegible]

[illegible] بعد ضاد [illegible] نون [illegible] لام [illegible] نون [illegible]

[illegible] زبان [illegible] ذال [illegible] طا [illegible] منفصل

[illegible] زبان [illegible] صاد [illegible] میم [illegible] واو [illegible]

از میانه واو میم [illegible] میم [illegible] **در ضدیت صفات حروف است**

[illegible] استعلا [illegible] اطباق [illegible] استفال

صمتات [illegible] مطبقه [illegible] استفال [illegible]

[illegible] صاد ضاد طا ظا [illegible]

منفتح [illegible] ساکن [illegible]

احتفا [illegible] صد [illegible] قلقله

[illegible] صفیر [illegible]

منفوخه [illegible] ساکن [illegible] لین

ادغام [illegible] **در احکام حروف مد** حرف مد [illegible] الف [illegible] واو [illegible]

[illegible] همزه [illegible] حرف مد قبل از سکون لازم [illegible] علم

409

علم شریف قرائت

در بعض مکررات قواعد لازمه

و بعضی تفصیل داده اند باینکه در ها ضمیر مضمومه که ما قبلش مضموم باشد یا واو ساکن مثل یعلمه و اتوه و لتضروه و در ها مکسوره که ما قبلش مکسور
یا یاء ساکن مثل به و فیه و علیه روم و اشمام هر دو جایز نباشد و در غیر اینها جایز باشد و بعضی مثل سبط خیاط تفصیل داده
باینکه اگر ما قبل ها ضمیر ساکن است روم و اشمام جایز باشد مثل منه و عنه و الیه و اگر متحرک است جایز نیست مثل انه و به و صاحب
شاطبی قول اول و سیم را اختیار کرده و اما از مسائل روم و اشمام که در اقسام مد گذشته است که سبب مد سکون است بسبب وقف یا ادغام
عارض مثل الباب و تؤمنون و نستعین و قال الحمد و یقول ربنا و فیه هدی بقرائت بعضی مثل ... و این قسم را مد عارض
نامند و در این سه وجه جایز است طول و توسط و قصر پس اگر حرف ساکن در اول مفتوح بوده باشد مثل یعلمون در آن سه وجه
بیشتر جایز نباشد و اگر مکسور بوده باشد مثل یوم الدین چهار وجه جایز باشد سه وجه مذکور و چهارم روم با قصر در روم جایز نباشد
الا قصر زیرا که وقف به روم در حکم وصل است و اگر حرف ساکن موقوف علیه در اول مضموم باشد مثل نستعین در آن هفت وجه
جایز است سه وجه سکون و یکوجه روم و سه وجه اشمام و اشمام در حکم سکون است پس اصل در وقف سکون است که وقف حرکات
و صحیح معنی اصلی است که در حرکات ثلاثه جایز است روم جایز نباشد مگر در ضم و رفع و کسر و جر مثل الحمد لله و من قبل و مالک
و در فتح و نصب روم جایز نباشد اصلا مگر نزد کوفیان که جایز میدانند و بعضی جهله قرا در فتح و نصب شده جایز داشته اند و خطا است
اشمام جایز نباشد مگر در ضم و رفع و فایده وقف به روم و اشمام آنست که سامع از روم و ناظر از اشمام مطلع گردد و آگاه باشند که حرکت کلمه
که وقف بر آن کلمه چه طور میباشد و باید دانست که روم و اشمام جایز نیست در سه چیز باتفاق قرا **اول** در تاء تانیث زیرا که در
آن بهاء است و هو ... عارض است اما هر جا که بتاء دراز باشد و کسی اتکا بخط کند روم و اشمام نزد ایشان جایز باشد **دوم**
در حرکت عارض مثل قل ادعوا و قم اللیل و قل اوحی و انحر ان شانئک زیرا که در اصل ساکن بوده و بسبب التقاء ساکنین
... اول و بسبب نقل در حرکت ثانی حرکت عارض شده **سیم** میم جمع مثل انهم و علیهم زیرا که اصل در میم جمع سکون است
عارض او ملحق در حالت صله زاید و بقرائت بعضی در وصل اگر چنانچه بعد از ساکن بیاید باتفاق متحرک خوانده شود بحرکت عارض
برای دفع التقاء ساکنین اما در ها ضمیر مثل انه و به و اجتباه و علیه خلاف کرده اند مثل ... و ... که در ها ضمیر روم
و اشمام جایز نیست مطلقا و بعضی گفته اند که جایز است مطلقا و بعضی تفصیل داده اند باینکه در ها ضمیر مضمومه که ما قبلش مضموم
باشد یا واو ساکن مثل یعلمه و اتوه و لتضروه و در ها مکسوره که ما قبلش مکسور باشد مثل به و فیه و علیه روم و اشمام هر دو جایز
نباشد و در غیر اینها جایز باشد و بعضی مثل سبط خیاط تفصیل داده باینکه اگر ما قبل ها ضمیر ساکن است روم و اشمام جایز باشد
مثل منه و عنه و الیه و اگر متحرک باشد جایز نیست مثل انه و به و صاحب شاطبی قول اول و سیم را اختیار کرده ...
با تاکید ذکر مکررات کتاب ما عیب ... **ایضا بعبارة اخرا** در بیان ادغام و اقسام ادغام مثلین است که متماثلین ...
اما ادغام مثلین آنست که دو حرف مثل هم باشند ... در حرم ادغام تامه است قول ابن حاجب در بیان تمامه ...
اقسام ادغام محقق نباشد مطابق است ... بعضی ... بطبع الالتقاء باشند بشرط ادغام آنست که حرف اول
... ادغام تامه بر دو قسم است ادغام کبیر و ادغام صغیر و آن اینست که حرفین مثلین یا متقاربین یا متجانسین حرف اول ساکن باشد
... ادغام کبیر آنست که حرفین مثلین یا متقاربین یا متجانسین هر دو متحرک باشند ...
اما ادغام صغیر مثلین که ذکر شد متفق علیه جمیع قرا است ... و یدرککم الموت و غیرها این وجه است اما مثلین که ...
الصالحات و فی یوسف ... ادغام تامه ... ادغام کبیر ... مگر در یک کلمه در لا تامنا در سوره یوسف که در اصل
لا تامننا بود و دیگری ما مکنی در سوره کهف نون اول ساکن ... و در ثانی ادغام ... در هر کلمه قائل باختلاس و اشمام ...
متقاربین آنست که دو حرف قریب المخرج باشند ... اول ساکن باشد ... دوم متحرک مجموع علیه ...
در ثانی ادغام تامه ... ادغام صغیر متقاربین ... الم نخلقکم و قل ربکم و اما در کلمه نخلقکم بعضی از قرا برآنند که ادغام قاف
و جهت با بقاء صفت ... قاف و بعضی برآنند که ادغام لازم است ... استعلاء قاف و ادغام متقاربین کبیر ... قرا ...
... بعضی رواة و اما متجانسین نیز بر دو قسم است صغیر و کبیر و ادغام صغیر متجانسین نیز مجمع علیه جمیع قرا است مانند ...
معنا و احطت و بسطت و فرطت ... و قد تبین ... ادغام در متجانسین ... **فصل**
احکام مد بعبارة اخری بدانکه مد شش قسم است مد طبیعی و مد متصل و مد منفصل و مد لازم و مد عارض و مد تفرقه ...
واو ساکن ما قبل مضموم و یا ساکن ما قبل مکسور و الف ساکن ما قبل مفتوح مثل ... اوذینا و اتینا ... این حروف را حروف مد ...
بجهت آنکه سبب زیادتی امتداد ندارد ... الف ... پس هرگاه حروف مذکوره سبب داشته باشند ...

و مرکبه ادغام ...

در الف لام شمسی و قمری و در اشباع و تفخیم و ترقیق و اشباع مشکلات کلمات

هرگاه سبب همزه باشد یا متصل بحرف مد خواهد بود یا منفصل مد متصل حرف مد و همزه در یک کلمه باشد مثل جاء و جیء و سوء [illegible]

هرگاه سبب مد همزه است و حرف مد منفصل بود مانند یا ایها الذین امنوا قوا انفسکم و فی اذانهم [illegible]

هرگاه سبب سکون بود یا سکون لازمی است یا عارضی و سکون لازم دو قسم است لازم مدغم و لازم مظهر لازم مدغم مانند و لا الضالین

دابة و صاخة و اتحاجونی و هرگاه سبب مد سکون لازم مظهر بود [illegible] باشد حروف مقطعه

بود باشد و آن حروف مقطعه که در اوایل سور میباشند مجتمع در کلمات قسم [illegible] نقص عسلکم [illegible]

و مد عارض آنست که سبب مد سکون عارضی باشد و آن جایز است در طول و توسط و قصر مثل قرابات یعلمون [illegible]

بشرط آنکه کلمه موقوف علیها آخرش مکسور و مضموم نبوده باشد [illegible] مکسور و مضموم بوده باشد مانند مالک یوم الدین

نستعین در این صورت سه قسم جایز است وقف باسکان [illegible] اشمام [illegible] روم [illegible]

و باقی که از آن [illegible] وقف باشمام [illegible] مانند مالک یوم الدین

وقف باسکان سه قسم جایز است طول و توسط و قصر وقف باشمام [illegible] طول و توسط و قصر [illegible]

از مقصد باشمام [illegible] مد تفرقه آنست که دو همزه با هم جمع شوند همزه اول همزه استفهام و همزه دوم [illegible]

قلب بالف باید که مانند آذکرین و آلآن [illegible] الله [illegible]

که این مد تفرقه گویند زیرا که الف منقلب از همزه تفرقه [illegible] بعضی از قرا [illegible] **وصل**

در بیان ادغام الف لام شمسی و قمری لام ساکن در نزد [illegible] حرف ادغام میشود [illegible] مثل التایب

مثل الثیبات [illegible] مثل الدایم [illegible] الذاکر [illegible] الرحمن [illegible] الزاهد [illegible] السلام [illegible] الشاهد

صاد الصالح [illegible] الضالین [illegible] لام اللیل [illegible] نون النافع [illegible] مثل الجاهل و الحاکم و الخالد و العالم و الغالب

و الفایز و القلوب و الکافر و المانع و الرافع و الهالک و الیابس [illegible] الف لام شمسی [illegible]

[illegible] **از ما رایت بعبارة اخری لکلمة کثیرة** [illegible] تفخیم لام

[illegible] لفظ جلال الله و اللهم هرگاه ماقبل [illegible] مفتوح یا مضموم بوده باشد تفخیم باید کرد مثل [illegible] الله [illegible]

مکسور باشد ترقیق باید کرد مثل بالله و قل اللهم [illegible] را [illegible] ساکن [illegible] ماقبل [illegible]

مفتوح یا مضموم باشد تفخیم باید مثل [illegible] بشرط آنکه [illegible]

مثل خیر و طیر و ضیر [illegible] ترقیق باید کرد [illegible] بشرط آنکه [illegible]

[illegible] و فرعون الرحمن [illegible] مثل ارجعوا تفخیم باید [illegible] ارجعوا [illegible]

از منفصل باشد مانند الذی ارتضی و امر ناتوا [illegible] تفخیم [illegible]

و قرطاس و فرقة تفخیم باید [illegible] کلمه فرقة [illegible] بعضی از قرا [illegible]

[illegible] تفخیم [illegible] قاعده کلیه [illegible] ماقبل [illegible]

[illegible] حرف استعلا [illegible] تفخیم [illegible]

[illegible] **وصل** در کنایه [illegible] هرگاه [illegible] ماقبل و مابعد [illegible] متحرک [illegible]

[illegible] جمیع قرا متفقند [illegible] ماقبل ساکن و مابعد متحرک باشد [illegible]

[illegible] جمیع قرا متفقند [illegible] ابن کثیر [illegible]

در سوره هود [illegible] ماقبل و مابعد [illegible] متحرک است اشباع [illegible]

[illegible] لام [illegible] النعل [illegible] لام [illegible] ماقبل ساکن و مابعد [illegible]

اشباع [illegible] وقف لازم در قرآن مجید [illegible] چهار موضع [illegible] مثل [illegible] وقف النبی [illegible]

[illegible] موضع [illegible] وقف [illegible]

وصل در بیان اشباع در [illegible] اشکالات کلمات [illegible] هؤلاء و اولاء

و اولئک و اولی و الوا و ابناؤ و اباؤ و جزاء و الملؤ و نبؤ و اولیاء و بدؤ و یؤتی و مؤمن [illegible]

و شرکاؤ ابناؤ و اباؤ ابنعاؤ شفعاؤ ضعفاؤ [illegible] اللؤلؤ [illegible]

یستهزؤ نساؤ [illegible] ا الف لام [illegible]

٤١٢

در نتایج و ثمرات نماز گذاردن و مستخف بالصلوٰة

۳۵۲

فصل سیزدهم

و لا و صلبنکم که بواو نوشته شده [illegible] اند با موضعیکه التقا ساکنین هستند [illegible] ابهاء ابتدا عندالتفصیل [illegible] ذکر یافته است [illegible]

سوره مبارکه حمد که [illegible] است الحمد لله [illegible] بمعنی ملاکت است و ارض یابس [illegible] و منفعته و لا لمبس بالالف

بالعین فی اللغته بمعنی آزار و اذیت [illegible] مجمع البحرین [illegible] ورهم و رهیم [illegible] المطر الضعیف بدفع عجالة [illegible] و اما نایذ بجمعه [illegible]

[illegible] طلب [illegible] و اما [illegible] الرحمن [illegible] جایز دانسته اند بعضی [illegible] ذلک بمعنی ضعف [illegible] و بمعنی قطع [illegible]

[illegible] توحید بمعنی فنا و زوال آمده [illegible] و اما غلط خواندن سبحان ربی العظیم [illegible]

[illegible] معقص القوس بمعنی دم البعیر و الذنب بمعنی [illegible] و دادن [illegible]

معنی ورتل القرآن ترتیلا [illegible] ملاحظه باید [illegible] ربا [illegible] القرآن و القرآن [illegible]

که چه میخوانی [illegible] که دانسته [illegible] علناً و عامداً [illegible] خطاب [illegible]

[illegible] **وسیر اکمه و تادیب** [illegible]

تکبیرة الاحرام [illegible]

[illegible]

[illegible] المجتهدین [illegible] الاسلام [illegible] کاظم طباطبائی مدظله العالی در کتاب مجمع المسائل [illegible]

[illegible] تکبیرة الاحرام [illegible] و الصلوٰة [illegible]

[illegible]

[illegible] تکبیرة الاحرام [illegible]

[illegible]

[illegible] بالعکس [illegible]

[illegible] تکبیرة الاحرام [illegible]

[illegible] تکبیرة الاحرام [illegible]

[illegible] و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خسارا

که خداوند [illegible] قرآن [illegible]

این آیه مبارکه [illegible]

رحمة و مغفرة [illegible]

[illegible] مستخف بالصلوٰة [illegible] تابع ابلیس [illegible]

[illegible] ابلیس [illegible]

[illegible] اسلام [illegible]

محبت [illegible]

[illegible]

[illegible] فاطمه [illegible]

[illegible] اسلام [illegible] آل محمد [illegible]

[illegible]

[illegible] مستخف بالصلوٰة [illegible]

فصل پنجم از باب چهارم

باب هفتم از فصل یازدهم از قواعد علم قرائت علاوه

بسم الله الرحمن الرحیم برای فهم و درک بعضی از مبتدیین مؤمنین که اهم علوم است [illegible] و سهل نمودن که تکرار مطالب [illegible]
[illegible] بلد شوند و از بعضی مؤمنین [illegible] نموده که بعبارت [illegible] و لسان سهل و لباس روشن رشته بیان آوردم [illegible]
بعبارت [illegible] والا [illegible] ای کلام از اعظم نام تو [illegible] و در صفات [illegible]
زیب دیگر یافته در اول هر کاری بسم الله و خطبه و حمد و ثنای الهی لازم است [illegible] بود والصلوة علی مصطفی
آل او باد و سلام [illegible] نشان نگرفت افلاک انتظام [illegible] لولاک لما خلقت الافلاک
بعد نام حمد حق نعت رسول است کلام فرض بعد از معرفت ذات توسل کلام فرض و معرفت یعنی [illegible]
[illegible] کلام است زانکه بی تصحیح آن نبود نماز ترا بنا هست مروی این حدیث از بهترین انبیا اهل
قرآن اهل الله و خاصان وی اند [illegible] اهلش [illegible] هر چیز [illegible] اهل آن [illegible]
[illegible] بر عکس [illegible] چنانکه [illegible] است که [illegible] چهل سال [illegible] بعد از [illegible] امور صغیر و کبیر و نماز [illegible]
و نکاح و طلاق و سایر صیغ و عقود و عالم [illegible] با نماز غلط [illegible] در شهر خراسان از صد نفر [illegible]
علم قرائت [illegible] با قاعده و قانون [illegible] کلمه [illegible] تمیز حروف که [illegible]
[illegible] حرف [illegible] ایمان [illegible] چه خاک بر سر [illegible] چه کنند
[illegible] ابلیس آدم [illegible] پس [illegible] داد [illegible] بلکه از هزار نفر [illegible] نفر معلم و استاد [illegible] حضرت محمد صلی الله [illegible]
[illegible] که [illegible] نفر نماز صحیح که از [illegible] زمین [illegible] موافق آیات و اخبار [illegible]
ظهور [illegible] این درجه عالم [illegible] ظالم [illegible] و انواع فتنه و فساد [illegible] زمان [illegible] و غلاء [illegible]
[illegible] شریفه مبارکه که فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون بالبینات و الزبر آموختن نماز اگر موافق
این آیه [illegible] عالم [illegible] که عبارت از [illegible]
که آموختن موافق آیات و اخبار و کتب [illegible] و استاد و معلم اهل خبره [illegible] عقلی و نقلی [illegible]
[illegible] صحبت [illegible] بلکه اهل احتیاط [illegible] صحیح [illegible] هزار نفر
از اهل خبره [illegible] عادل [illegible] صادق [illegible] در هر صفحه [illegible] مکرر کردم
نماز [illegible] علمای [illegible] بواسطه [illegible] علم [illegible] و تعلم [illegible] نماز و علم قرائت [illegible]
[illegible] آتش [illegible] حروف [illegible]
[illegible] نمایند [illegible] بلکه آتش [illegible] آفاق [illegible] فسد العالم فسد العالم [illegible] عالم
[illegible] فرقه [illegible] این نوع عالم [illegible] امام حسین [illegible] قاضی [illegible] بواسطه [illegible]
[illegible] امیر المؤمنین [illegible] میان مردم [illegible] بواسطه علمای [illegible]
دنیا تغییر [illegible] الفاظ [illegible] معنی ترتیل آمده در خبر حفظ وقوف با صفات از مخرج خود نیک ادا کردن
حروف [illegible] صفات [illegible] صفات ذاتی [illegible] و عارضی است [illegible] مطلق است [illegible] دندان
بالا چهار دندان ثنایا دان [illegible] چهار طرفش رباعیات و بعدش چهار [illegible] یعنی [illegible]
[illegible] بعضی [illegible] علی التقریب [illegible] دندان [illegible] ثنایا [illegible] چهار طرف
ثنایا رباعیات است و از چهار طرف رباعیات [illegible] چهار دندان [illegible] چهار [illegible] اضراس [illegible] دندان [illegible]
بعد اضراس [illegible] ستون [illegible] که [illegible] بود از دو [illegible] یعنی بعد [illegible]

فصل سیم از باب چهارم

در ذکر مخارج حروف هجا و محافظت اسامی و جمل مرکبه

۳۵۴

اضراس است و اضراس بر سه قسم است چهار دندان ضواحک است از چهار جانب دو از بالا دو از پایان و از بعد ضواحک از چهار جانب سه از بالا و سه از پایان ... بسیار مجموع دوازده دندان ... و از چهار جانب طواحن چهار دندان نواجذ است اگر باشند

مخرج نیست و طواحن جمع طاحونه است که خورد شدن غذا با آنها باشد در بیان ذکر مخارج حروف و الفاظ

در اصح هفده بود مخرج بگویم یادگیر هاو همزه عین و حاو غین و خا حلقی بگیر و در مخرج سه قول است

یکی حقیقی دوم ... و سیم تقریبی ... و حقیقی آنست که مخارج حروف بحسب عدد حروف است و این ...

قول ثانی آنست که مخارج جمیع حروف حلق و فم و شفتین است قول دیگر آنست که مخارج مشهور است که حروف

هجا ... محصور در هفده مخرج از سه محل ادا ... که گلو و دهان و لبها باشند و این حروف حلق در حقیقت شش مخرج است

زیرا که شش حروف در سه محل گلو ... بعضی ... یعنی انتهای حلق همزه و ها گفته ... بعد عین و حا و طرف اندرون ... غین

و خا بطرف اندرون ... مقدم ... از هوا فم حروف مد ادا شد جای قاف

و آن لهات از غلصمه و ز علده باشد جا کاف یعنی چهارم از مخارج ... دهن است و آن مخرج حروف مد است چنانکه واو و یا و الف

حرف علت ... پس اگر ما قبل آن از جنس حرکات ... داشته باشند آن سه حرف مد گویند یعنی واو ساکن ما قبل مضموم و یا

ساکن ما قبل مکسور و الف ساکن ما قبل مفتوح باشد حروف لین گویند و این قاعده ... در خاطر باشد ... لام ...

و در مرجع بعد از پنجم از مخارج ... که لهات ... مخرج قاف ... علده ... زبان ... باندرون

... علده ... حلق غلصمه گویند و این ... کوچک ... گویند که ملصق بلهاتست و آن شجر ... جیم شین

با یای غیر مد ... جا ... صاد و ... لسانیا باطن ... یعنی هفتم مخرج جیم و شین معجمه و یای غیر مد است و آن میان

زبان است که شجر گویند ... زبان و ... شجر ... بعضی گویند میان زبان ... ۴۱۷

در جیم ... زبان ... میان زبان با کام بالا در وقت ادا و تعبیر بغیر مد ... مد نیست و مخرج آن ... هشتم مخرج

معجمه ... زبانست ... اضراس طواحن ... از یای ... و این حروف ... گویند بعضی

شجریه گویند ... معلوم است بعد از آن ... با طرفه ... لسان هکذا از فوق آن ... حرف

یعنی مخرج ... کام است از کنار سر زبان ... دهم مخرج ... و آن از کنار

زبان ... مخرج ... زبان ... بالا از لثه ... بالا ...

و این سه حروف ... اذ ذلق باطن ... یعنی ... منقوطه و تا ... دال

مهمله است و آن از ... سر زبانست با آنچه برابر ... کام بالا که متصل بیخ ثنایا ...

... و این حروف ... لثه ... مخرج تا مثلثه و ظا معجمه و ذال معجمه ...

... و این حروف ... لثویه ... بیخ سفلا ...

و صد ... آن جا ... صاد و سین چهاردهم مخرج زای معجمه و صاد و سین مهمله ... سر زبان

... ثنایای سفلی ... و کاف ...

سفلی که صدا حروف مذکور از میان فرجه ثنایا ... دار ... علیا و سفلا میباشند یعنی ...

و این حروف ... گویند ... مطالب ... در محل ... خواهند

که علم ... و علم حساب و علم خط ... حفظ ... و ضبط اصطلاحات بسیار ... اهل تمیز ...

و اگر ... مقابله ... عالمان ... در کل ... خلاف ما انزل الله ... در ...

نعوذ بالله

ذکر مخارج ... حفظ قواعد

در ضدیة حروف و صفات ذاتی و عرضی و اقسام

نعوذ بالله فاست از دیش ثنا یای زیر با باطن لب اسفل اما میم و واو غیر مد و با طلب یازدهم مخرج فا

از حروف ... سر دندانهای بالا با شکم زیرین سانزدهم مخرج میم است و واو غیر مد و با ... از دو لب

از بیرون واو از میان با از درون یعنی میم از خشکی لب غنچه وار نمودن و جمع ... با از لب ...

سیزدهم مخرج میم و نون غنه است حالت غنه است از خیشوم ... نون ... یعنی در حالت غنه

... یعنی ضم ... لب ... تا نفس برای بینی ... میم و نون ساکنه ... عارضی ...

... در بیان مشق و ادای حروف چونکه خواهی حرف ... نماید مخرج ...

با همزه مفتوحه ... حرف مقصود را ساکن ... همزه مفتوحه بر سر آن ... تلفظ نماید مثلا اب

اَوْ اَجْ اَدْ اَنْ اَتْ اَحْ و غیرها ملبس شد غیر همزه و الف را ... الف ساکن ... بر سر او

آورند ... در تهجی حرف لام چنانکه در میان علمای ... قراءت ... اختلاف است ...

... باعتبار ... الف و همزه و الف همیشه ساکن ... اما در اول حروف ... همزه ...

چونکه ابتدا بسکون محالست از آنجهت ... تلفظ باشد و اختیار لام ... در وسط ...

الف و همزه ... حساب ... علما ... قراءت تحرک و عدم تحرک را مابه الفرق قرار داده اند

... الف همیشه ساکن و همزه ... وصل بدانکه صفات

حروف ... ذاتی و عرضی صفات ذاتی ... ضد ... از صفات انفتاح

اطباق ضدش ص ط ظ ض ضد مجهوره مهموسه ... حثه شخص سکت ... یعنی اول ...

ذاتیه ... از ... ضد ... انفتاح ... حروف مطبقه چهار است که در وقت ادای ... زبان

کام بالا ... حروف منفتحه ضد است که زبان در وقت ادا ... بیست و پنج حرف باقی ... چهارم

از صفات جهر و همس است ... حروف مهموسه ده است ... حثه شخص ... باقی که نوزده است مجهوره ...

... در وقت ادای ... حروف ... ملبس ... صوت معلوم ... در وقت ادای جهریه ...

صوت معلوم ... پنجم ... از صفات ذاتیه شدة و رخوة ... الشدة والرخوة ...

ضد رخوة قطبک اجدت حروف شدیده ... یعنی حروف قطبک اجدت ... که حروف شده است ضد حروف

رخوه ... حروف شده ... حروف رخوه ... حروف شده ... سختی ... در مخرج

... بخلاف رخوه ... و اما حروف ... الشدة والرخوة ... لن عمر ...

... یعنی حروف لن عمر ... که هشت است ... الشدة والرخوة

... حروف مد ... در این صفت ... داخل ...

... یعنی این حروف در وقت ادا ... جریان ... بعد ... اما ... از اول ...

و حروف رخوه ... از صفات ذاتیه حروف استعلا ...

... مستفل ... استعلا ضغط قظ خص ... یعنی حروف استعلا ... ضغط قظ خص

یعنی حروف استعلا ... استعلا ... اطباق ... زبان در وقت ادای ... مخرج ...

... حروف ... زبان ... در وقت ادای ... ملبس ... ادا ... هشتم از صفات

در صفات عارضی حروف ۳۰ که بدون آنها تمیز نشود

ذاتی مصمته در لغت است اصمات امد بضد اذلاق از قبیل من لب ضد هم اصمات یعنی سنگینی و منع است و اذلاق سبکی
و حروف مذلقه شش است فر من لب که با سانی و سبکی ادا میشوند بخلاف حروف مصمته که بیست و سه حرف اند بسنگینی
گفته میشوند و اما صفات عارضی در عددش خلافست بعضی شانزده گفته و بعضی چهارده قول اول راجح است اول
قلقله دوم ضغط سیم سکون چهارم جوفیه پنجم مخففه ششم بر هفتم تکرار هشتم انحراف نهم
بحه دهم نفث یازدهم نفخ دوازدهم خرخره سیزدهم صفیر چهاردهم اعتلال پانزدهم
تفشی شانزدهم استطالت قلقله مضغوطه قطب جد ساکنه دال قطب جد اما مضغوطه پنج قطب جد قلقله بمعنی
جنبش و حرکت دادن است ضغط بمعنی فشردن در هنگام تلفظ این حروف بنحوی که [illegible] شدت و جهر که در ذات [illegible] است
وصل ملتبس محتاج تحریک و فشار میشود تا صفات حروف معلوم شود بخلاف [illegible] این حروف محتاج که با سکون باشند ادا
احتیاج تحریک و فشار ندارند مد لین جوفیه و مخففه ها و حروف مد چهار حرف جوفیه است که مختص بحروف مد و
لین است که سر او از اشباع و کشش ادا میشود پنجم از صفات عارضی مخففه است و آن مختص بها مضمر و حروف مد است میباید
وقت ادا کردن حرف ها مد ذاتی که بقدر یک الف کشیده شود تا اینکه بسبب ضعف ذاتی اضمحلال بر طرف شود [illegible]
مکرر در منحرف لام است [illegible] یعنی ششم از صفات عارضی بر است بمعنی شدت و تیز و این صفت در حال سکون همزه
باید مراعات شود تا تحلیل نرود هفتم از صفات عارضی تکرار است و آن مختص براست چون غلظت ذاتی دارد گویا
دو بار گفته شود زیرا که [illegible] حرف وصل کند که قبیح است هشتم انحرافست بمعنی میل گردن زبانست و این صفت مختص
لام است و را بسبب اتصاف آن در وقت تلفظ این دو حرف سر زبان بر میگردد بجانب کام بالا نهم بحه خاص [illegible] ثاء
محرود حا یعنی نهم از صفات عارضی بحه است بمعنی گرفته شدن صوت در حلق و این مختص حاست دهم نفث است
بمعنی دمیدن مختص ثاء مثلثه است یازدهم از صفات عارضی نفخ بمعنی آماس و دمیده شود مختص فاست در ادا
در لبها آماس حاصل شود دوازدهم خرخره و این مخصوص کاف است صاد و سین و زاء صفیر هست [illegible] اعتلال
سیزدهم از صفات عارضی صفیر است بمعنی صوت مختص سه حرفست صاد و سین و زاء است که باید از [illegible]
چهاردهم اعتلالست بمعنی تغییر و تبدیل مخصوص بچهار حرفست همزه الف واو یا بجهة [illegible] تغییر و تبدیل
[illegible] حروف علت گویند [illegible] فا شین تفشی باشد و ضاد استطالت پانزدهم از صفات عارضی تفشی است
بمعنی پراکنده کردن آواز و این صفت مخصوص چهار حرف است میم و فا و را و شین [illegible] بعضی این صفت مختص بشین است فقط
شانزدهم استطالت بمعنی درازی [illegible] مختص بضاد معجمه است در [illegible] مخرج از طرفین [illegible]
دارد [illegible] زبان [illegible] صعوبت [illegible]

وصل در ذکر بعضی قواعد این علم است غافل از اظهار لام ساکنه با نون مباش یعنی هرجا که لام
با نون در کلمه جمع باشد مثل جعلنا ازلن و غیره باید لام را اظهار باید نمود و باید غافل از اظهار آن نشدن که بسیار
نون دارد قبل استعلای ساکن مستفل را ساز فاش یعنی [illegible] از حروف استعلا که ساکن باشد از حروف استعلا
کل قرف که قاف حرف استعلا است در حال وقف که ماقبلش را [illegible] آشکار و ظاهر گفته چنانکه در حال وقف
ما قبل صاد آشکار باشند تا ماقبل حرف استعلا مستفل [illegible] بتبعیت حرف استعلا که بسیار است وصل در استعاذه
وقت قرآن خواندن اقوی استعاذه سنت جزم از اخفا جهر سرا قرائت علنا است

فصل معنی استعاذه و بسم الله

در استعاذه و بسم الله و ذکر اشباع ضمایر و صله ضمایر

۲

باید دانست که در صیغه استعاذه خلافست اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم با آنکه بتصریح آیه شریفه وارد و قرائت
القران فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم بعضی بوجوب استعاذه و بامر فاستعذ دانسته اند مشهور استحبابست
یا اعوذ بالله من الشیطان الرجیم و اعوذ بالله من الشیطان اللعین الرجیم گفتن از اقوال ائمه در خبری منظور رسیده
شاید خبر وحی و بی مافه باشد بقصد قربت بدانی و بخوانی زیرا که بدعت باشد عقوبت ملتبس باشد یا عوام از غیب
باشد شاید و اما در وجوب و استحباب جهر و اخفات تابع قرائت خوانست که خود بالذات مستحب است در نماز اخفاتست مطلقا در
نماز خواند بمذهب شیعه بسم الله جزء سوره و عامه جزء سوره نمیدانند جز و فرا السنت بسم الله بل اینها از سوره غایر
نو بود و اند و جز اینش مخیر در کند و بسم الله هر سوره و برای سوره دیگر نتوان گفت در قصد نیت مصلی در آیات
قرائی مخیرات در شروع بر جزء قرآن نام یزدان بهتر است و در جزو آیه ترک اعوذ بالله دگفتن بسم الله نیز جایز است
و مخیرات بسمله آورد که ترکش از بسم شیطان بهتر است اگرچه اعوذ بالله بنا تاکید آورد دانست چنانکه بسم شیطان ندارد با زم بسم الله
و شرف و فضیلت زیاد بی اندازه وارد و بسبب خاکرا با عالم پاک و وقف در آخر سوره گذشته و ابتدا بسم الله و قطع سوره ماضیه و آیه
یعنی قطع طرفین بسم الله از هر دو سوره عمل بمشهور و مستحب است و دیگر وصل طرفین هر دو جایز و وصل بسم الله بسوره آتیه جایز است
و قطع و وقف نکند آخر سوره ماضیه نیز جایز است قبحت دارد و وصل بسم به پنج الحمد حتی فمن الیا الحاقه و القارعه لکن از سوره
یعنی بسم الله از سوره فاتحه الکتاب و الانعام و الکهف و سبا و فاطر و الرحمن و اقترب و صغیره و الملک قربه بزرگ باشد
و الحاقه و القارعه متصل کن دیگر است و صلیه سوره و پنج سوره کی نسبه مقطوع بیان کند ها و مضمر متصل مفرد مذکر
نیست قبل و بعد ساکن با صله دال معتبر چونکه استعمالات که مضمر متصل از چهار قسم بیرون نیست اول ما قبل
ما بعد هر دو ساکن مثل علیه الله و هم ما قبل متحرک ما بعد ساکن مثل به الله و سیم عکس این مثل منه الا
ما بعد و ما قبل هر دو متحرک مثل به انه عبده اقسام ثلاثه اولی بدون اشباع است قسم رابع واجب الاشباع است چنانکه
چون به و انه جبر یوحد با قصر هاست مثل قسم رابع است به تلو و بعضی بمنزله اشباع است از قسم رابع یعنی
هرجا که ما قبل و ما بعد که مضمر متحرک باشد واجب است اشباع مگر یرضه در سوره زمر که عاصم با قصر بدون اشباع خوانده
که ضاد ما قبل نیست بلکه الف حذف شده نزد عاصم با صله فیه مهانا حفص واست صله یعنی صله که در فیه مهانا
تبارک که فیه مهانا حفص است و مستثنیات از عدم اشباع و سکون ما قبل که در یؤده نؤته نصله نوله یتقه
بکرد اسکان ها در یتقه و نصله با سکون قاف خوانده حفص عاصم با سکون خواه اخر
خواه القه هر دو در اشباع دو ال یعنی در این چهار کلمه که مقصد و اصل لام الفعل و مذکور است با سکون خوانده
و ما قبل که مکسور و در یتقه با کسره که بدون اشباع و سکون قاف خوانده که از جهر و القه را بدون
کسره و بدون اشباع خوانده مراد ناظم که در اشباع چون یعنی در کلمات مذکوره خلافست بعضی اشباع و بعضی بدون
خوانده اند یعنی در اشباع و ترک اشباع و در غیر اینها هرجا که مضمر باشد و ما بعد و ما قبل آن متحرک باشد
آن واجب است

فصل در مد و حروف مد است

واو و یا ساکن و ما قبلشان از جنس خود
با الف مکتوبی هم لفظ شان دال حرف مد یعنی حرف مد سه است واو ساکن ما قبل مضموم یا ساکن ما قبل
مکسور الف ساکن ما قبل مفتوح و حالی از این نیست که این سه حرف در کتابت نوشته شود یا از تلفظ حاصل شود مراد از
ما ضم هست او و یاء کسره تمثیل شان زمثال در قسمه ملفوظی مثال یاء ملفوظی ملفوظ ما قبلشان در کسره مثال

قسم دو نوع ملفوظی ... [illegible]

در ذکر اقسام و اسباب مد و صفات و اندازهٔ مد

واو ملفوظی است که ماقبل ضمه است و اگر ماقبل واو و یاء مفتوحه باشد مثل حولیها آنهاو حرف لین گویند چنانکه قبل شان کسره
متحرک باشد لین یعنی حرف لین خوانند چون حولی و لیس لفظ انسان ضمیر است راجع بواو و یاء
با الف زیرا که حرف لین هر دو است مد ذاتی بی سبب از یک الف نبود فزون باید دانست که حرف مد
ذاتی دارد که وقت تلفظ باید کشیده شود او را و ذاتی گویند و طبیعی و اصلی و قدر کشیدن آن از قدر یک الف زیاده نباشد
زیرا که سبب مد ندارد اگر سبب باشد با اختلاف قراء مد میشود و سبب مد بر دو قسم است لفظی و معنوی معنوی اسم
شد که در کلمه لا اله الا الله است که برای تعظیم مد میشود و اما سبب مد لفظی دو گونه گو سبب آن او لفظیش همزه است و
سکون بتصور عقلی در اجتماع این دو سبب با حرف مد یا جمع این قسم متصور گردد مثلاً همزه
یا مقدم بر حرف مد میشود یا مؤخر و هر یک از این حرف مد یا ملفوظی است یا مکتوبی و بر جمیع التقادیر
الاثنا عشر حرف مد و سبب مد هر دو در یک کلمه موجود است یا هر یک در کلمه جداگانه بدون فصل پس بسبب چهار
قسم ناشی از اجتماع همزه حاصل میشود و اما اجتماع سکون با حرف مد یا سکون بر دو قسم است یا ذاتی که
همیشه در حال وقف و وصل ساکن است یا سکون عارضی است که در حال وصل متحرک است و سکون بسبب وقف عارض میشود
پس هر یک از این دو سکون یا مقدم میشود بر حرف مد نشکاند ... یا مؤخر و این هشت و چهار در یک کلمه
میباشند یا در دو کلمه پس حاصل بیست قسم میشود و باقی از این قسم تصور توان کرد و لیکن برای متعلم دشوار و مشکل
در صعوبت میشود در ما تحتاج بس است و اما آنچه از اقسام متعلقه محقق و موجود است آنست که همزه و حرف مد جمع
شود یا جدا و اما مد نیز از دو کلمه مد ذاتی مثل امنت او من ایمانا یا امن یومن ایمانا و غیرها و اما آنکه همزه مؤخر باشد از حرف مد
هر دو در یک کلمه جمع شود یا در دو کلمه چنانکه ناظم گفته مد واجب همزه است بعد مد متصل یعنی همزه و حرف
بلکه بلا فصل باشند در یک کلمه مثل سآء و سوء یا سکون لازمی مد یعنی مد واجب وقتیکه بعد از حرف مد
لازم باشد بلا فاصله مثل اتحاجوني جایز اندر منفصل یعنی حرف مد و سبب مد که همزه باشد منفصل باشند در
دو کلمه می باشند باین معنی که آخر کلمه سابقه حرف مد باشد و اول کلمه لاحقه همزه باشد که سبب است مثل قالوا انا
و انی انت و قسم آخر در حرف مد ملفوظی نیز جایز است مثل به الیه لم الیه و باید دانست که سکون یا لازم
یا عارض نظم لازمی دان حد منفک عارض بر عکس آن یعنی مدغم است یا مظهر و مدغم آنست که مشدد باشد
مظهر آنست که مشدد نباشد پس چهار قسم میشود اول لازم مدغم مثل و ابه دوم لازمی مظهر مثل الآن سیم
عارض مدغم و مدغم در قرائت ابو عمرو است مثل قال لهم و یقول لک و قیل لهم بسکون لام اول چهارم
عارض مظهر در کلماتیکه آخرش مشدد نباشد متحرک باشند و وقف نمایند مثل نار نور نظم در مشدد کن
مد عشر اظهر هست با جزم دان یعنی سکون ذاتی مشدد و مدغم و غیر مدغم که مظهر است همیشه مجزوم
بدان یا مراد آنست که مدغم و مظهر بودن هر یک از سکون ذاتی و عرضی با قطع و لقای بدان یعنی هر قسم سکون
بر مدغم و مظهر قطع و لقای اتفاقی است و از قواعد مذکوره معلوم است که در صورت اجتماع حروف مد با سبب
واجب میشود مد و اول و اشباع کردن حرکت حرف مد مقدم بر حرف مد که یک چهار حرف ... با اختلاف قراء است
شرط وجوبرا بعضی جمهور چهار الف مقصود و اکثر است چنانکه حمل مخصوص و تنازع است باید کشید یا همه خلافیکه در حالت
در حمل خود در حرم قصای کشیدن کاف در کاف ذکر حلالت و ذکر هم شده برای عدم مناسبت ماقبل ... اشاره

توضیح

قرائت آسیایی

فصل ... در بیان تأکید و ذکر احکام بعضی از م...

۴۵۹

و محل مذکوره عین را طول و توسط مریم و شوری بود یعنی عین که در سوره کهیعص و در سوره حمعسق است

حرف خواندن ظاهر است یا طول بقدر چهار الف مد داده شود و یا توسط که بقدر دو الف باشد و در میم آل عمران که

سوره الم الله باشد در حالت وصل میم با لفظ جلاله دو قسم است و در حالت وقف یک قسم میشود چنانکه ناظم گفته

میم آل عمران اثبت وصلا قصر مد یعنی در الم الله دو قسم است در وصل در لام بقدر چهار الف در میم در وصل بعضی

خوانده است بدون مد برای مضموم لفظ میم در وصل با الله دوم یعنی قسم دوم مد خواندن میم است در حالت وقف در میم

برای اجتماع حرف مد با سبب و باید دانست که حرف مد باشد که ... واو و الف و همزه و سکون را سبب گویند و هر یک از سبب

و حرف مد بر دو قسم میشود قوی و ضعیف و شرط قوی آنست که واو یا یا الف ساکن باشند و ما قبل هر یک از جنس حرکت

باشد شرط ضعیف آنست که چنین نباشد و سبب دیگر قوی آنست که سبب مد سکون لازمی باشد چه در مدغم و چه در غیر مدغم

که مظهر باشد و یا آنکه سبب مد همزه باشد اعم از آنکه منفصل باشد یا نه چنانکه گویند که سکون لازمی چه در مدغم چه در مظهر

موجب بود یا همزه یعنی موجب قوی باشد خواه سکون باشد خواه همزه مد الخ جاء الف و ان سعه

الف یاد و الف یک ساکن از عارض بود اگر موجب ضعیف باشد یعنی ساکن از عارض بود یعنی سبب مد که

موجب است اگر سکون عارض باشد سه الف یا دو الف یا یک الف کشیده شود و اقسام اجتماع شرط با موجب

چهار است اگر هر دو قوی باشند یا هر دو ضعیف یا شرط قوی موجب ضعیف یا عکس و حکم قسم اول که چهار الف است بیان

شد و احکام هر یک از اقسام ثلثه باقیه را ناظم گوید اول اولی بر دوم دوم بسیم کر قویست شرط با موجب یعنی

یکی از شرط یا موجب اگر قوی باشد دیگر ضعیف بعکس شرط شان کر منتفی است یعنی چهار الف که سه الف بهتر است

از سه الف که دو الف باشد و سه الف که دو باشد بهتر است از دو الف که یک الف باشد و بعکس است یعنی سیم بهتر از دوم

دوم بهتر از اول است یعنی یک الف بهتر از دو الف و دو الف بهتر از سه الف است اگر شرط اولیت از آنها که قوی

بودن یکی از شرط و موجب منتفی باشد یعنی که هر دو ضعیف باشد و هیچیک قوی نباشد و باید دانست که مراد از کده

مقرر که چهار الف و سه الف یا دو الف و یک الف غیر از یک الف ذاتی و طبیعی است اینها همه علاوه بر چهار حکم که ... است

و مراد از سه چهار الف است و از یک دو مراد است پس مراد از اول که در قول ناظم است سه الف است که مد ذاتی چهار

دوم دو الف است که سه ملفوظ سیم یک الف است که با مد طبیعی دو الف ملفوظ باشد بعد از گفتن تشخیص مدات مثال

هر یک را بیان نمود و ان مثال جاء مدات مذکوره جاء امثال یعنی حرف مد الف و سبب مد همزه و هر دو متصل است

و شرط و موجب هر دو قوی است یا و او جاء حرف مد ما قبل مضموم و همزه آ یا سبب مد که متصل است و هر دو قوی

... لام میم الف حرف مد است در لام و سبب مد سکون لازمی میم است که مدغم است یا میم اول میم دو در میم یا حرف مد است ما قبل مکسور

و سکون لازمی میم سبب مد است و مظهر است یعنی ادغام ندارد و در این دو مثال نیز شرط و موجب هر دو قوی میباشند خوف

مثال واو ساکن ما قبل مفتوح شرط ضعیف و سکون عارض موجب ضعیف عین یا ساکن ما قبل مفتوح و سبب سکون

عارض هر دو ضعیف سوء شیء مثال واو و یا ساکن ما قبل مفتوح و سبب همزه شرط ضعیف و موجب قوی است

حوت مثال واو ساکن ما قبل مضموم و شرط قوی است و سبب مد سکون عارض مظهر است که موجب ضعیف است

غلمان نعیم الف و یا حرف مد است که شرط قوی و موجب سکون عارض مدغم نون باشد و موجب سکون عارضی

و مظهر است که هر دو ضعیف میشند فصل در بیان مبحث ادغام است که مشتمل بر چند مطلب است مطلب

اول در بیان ادغام کبیر و صغیر است مطلب ثانی در ادغام متماثلین مطلب سیم در ادغام متجانسین مطلب چهارم در

ادغام متقاربین پنجم در بیان احکام لام است در نزد حروف شمسیه و عدم ادغام آن در نزد حروف لام قمریه مطلب اول

۴۲۲

در اثبات وجوب عزاداری شهدا و ... دین و ایمان و مسلمانی ۳۶۰

وصل بسم الله الرحمن الرحیم

در بیان ذکر اقسام ادغام است و آن بر دو نوع است کبیر و صغیر کبیر آنست که مدغم و مدغم فیه متحرک باشند اول ساکن در
ثانی ادغام نمایند و ادغام صغیر آنست که مدغم ساکن و غیر حرف مد باشد در ثانی ادغام کنند از قرار یکه ذکر نمایند عاصم
در کلام الله ادغام کبیر نیست چنانکه ناظم فرموده مدغم ار ساکن بود یعنی اگر حرف اول ساکن باشد
خوانندش ادغام صغیر و این ادغام صغیر بسیار است چنانکه گوئیم ان شاء الله اما ادغام کبیر در نزد عاصم بروایت
حفص ... است اول حیی در نقل کرده است ادغام کبیر یعنی حفص بروایت از عاصم برای آنکه حیی در اصل
حیی بوده بروزن علم پس هر دو حرف متحرک بوده بعد از سکون حرف اول ادغام کرده مانند سلککم دوم کلمه ثانیه در سوره (در سوره انفال)
زمر تامرونی ... در سوره انعام لفظ و کلمه اتحاجونی رابعه در سوره یوسف لاتامنا خامسه در سوره کهف کلمه
مامکنی ادغام نون بنون کرده در اصل مدغم و مدغم فیه متحرک بوده اند که ادغام کرده و اصل لاتامننا بوده لهذا
و ... اختلاس است اختلاس اشمام اندر یوسف باید نمود یعنی در لفظ لاتامنا مع اشمام اما نه اشمام تام بلکه
باید در وقت تلفظ حرکت ضمه که قبل از ادغام در حرف اول بوده اثلاثا یعنی حرکت ثلث ... بلکه ...
ضمه ... و ... با انضمام شفتین ... علم قرائت باید با ... کامل عارف بلکه ... و شیعه و کفتند
ادای کلمات و حروف چنانکه اکثر بلاد فارس در ادای الفاظ خاطی و بعد از کسره و فتحه و ضمه و بکسر و فتحه و عکس بسیار است
نمایند که صرف غلط ... مبطل در نماز و حال آنکه علمای قرائت ... که حروف ... بسم ... رسانند
در دون سکون یعنی در سوای لاتامنا که چهار کلمه اند دیگران سکون میخوانند با اشمام و اختلاس حروف ...
و بعضی شرایط را در ... بسیار ... که ... علمای ... اسم ... لکن ... علم قرائت ... در حقیقت
... استهزاء ... چنانکه ... در ... دین ... ایشان ...
در ... حضوص ... امیر المؤمنین استهزا کرده است ... ۴۲۲
... است ... علم ... فاضل ...
اگر علم ... در ظهور حضرت حجة الله ... علمای بلاد ...
... نماز ... ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر ... فاضل کامل ... نماز ... علم قرائت
از قانون اصل ... نماز ... خارج ... قرائت صحیح ... جاهل
... باداب قرائت ... صورت نماز است ... تمیز در قرائت ... وجوب بطلان ...
... نماز ... دارند ... نماز دارند بلکه اکثر عدم صحت نماز ...
... نماز ... و کنایه و استعاره مانع ... کما قال ... الناس ...
حروف در قرائت نماز کافی است ... استعاره قلیل اللفظ کثیر المعنی که ... شیطنه ...
... منافقین زمان ... امیر المؤمنین ... کلمه جامعه ... فساد ... باشد ...
صورت ... کارامد ... کلمات ... فطرت ...
... صورت ... باشد ...
جنبان ... از وقعه کربلا ... تا ظهور حجة الله ... عزاداری ... محض ... شهادت ...
و ایمان ... عزاداری حسینی ... اسلام و ایمان ... سید الشهداء
روحی و ارواح العالمین فداه ... کافی است ... و سعادت ... عزاداری ...
اسلام و اسلامیان واجب ... است که شب و روز تمامی عمر ... عزاداری ... دین ... ایمان ...

در ادغام و اقسام ادغام و اخفاء با غنّه

۲۶۱

مکروه یا بازدوبن کار مستهجن است نعوذ بالله **مطلب** دوم در ادغام مثلین بدانکه ادغام صغیر سه قسم است اوّل
مثلین است یعنی مدغم و مدغم فیه در ذات و صفات مثل یکدیگر باشند و این بر دو قسم است یا حرف اول از مثلین
غیر حرف مد است و سکون دارد یا حرف مد است اول از مثلین الی از جمله مد است با سکون در دوم ادغام گردد چون
الیکم مرسلون و چون قد دخلوا و اذ ذهب و یقلب بعضکم و عصوا و کانوا و اگر اول مثلین حرف مد باشد
امتداد طبیعی الف مانع از ادغام میشود مثل فی یوسف و امنوا و عملوا **مطلب سیم** در بیان قسم ثانی ادغام صغیر
و آن ادغام متجانسین است که مدغم و مدغم فیه در ذات و صفات غیر یکدیگر باشند ولکن در مخرج یکی باشند
باید حرف اول در ثانی ادغام شود مثل ادغام شدن دال در تا در لفظ قد تبین مثلا و ادغام ذال در ظاء در کلمه
اذ ظلموا و مثل تاء مفتوحه در طاء مدلفه و قالت طائفة و ن در تا و دال چون عبدتم دعوتما
ارکب معنا و ثاء یلهث ذلک که مدغم شوند میم و ذال یعنی با در میم و ثا در ذال ادغام میشود بجهت تقارب و التقاء
مخرج مدغم و مدغم فیه در مثالها واضح است و از جمله ادغام متجانسین ادغام کردن طا احطت و فرطت بسطت
اطباق صفت باقی است یعنی طاء مولفه این کلمه باید ادغام شود به تاء مفتوحه ولکن با ملاحظه صفت اطباق طاء
مولفه که مدغم است بجهت اتحاد و تقارب مخرجین و مدغم الکشدن ذال اتخذ و اخذ و ادغام شدن کل
تصاریف و مشتقات این دو لفظ حاصل شود اتخذتم و اخذتم غیر اینها در تا منقوط بگوید است
یعنی در قول بکر است که راوی عاصم است هرچند اتحاد مخرجی ندارند **مطلب چهارم** در قسم ثالث ادغام

۴۲۴

از صغیر و آن اینست که مدغم و مدغم فیه در مخرج و صفت متقاربه یکدیگر مثل ادغام نمودن قاف در کاف
در لفظ نخلقکم استعلای قاف ثابت باشد یا نباشد ناظم ذکر نمود قاف نخلقکم با ثبوت سلب استعلا
قاف میشود ادغام لیکن با رجحان ثانی نزد کاف یعنی با سلب استعلای قاف و ادغام آن در کاف
ارجح است از ثبوت استعلای آن در ادغام و از **جمله ادغام متقاربین است** اینکه ناظم گفته لام قل و قل ربکم
بل ربکم و بل ران مدغم در را است لیکن اظهار در است یعنی باید در ادغام نمودن لام برا سکوت ظاهر لفظ
بنا بر روایت بکر که راوی عاصم است ولکن باید سکته باشد یعنی قطع صوت با عدم قطع نفس بعد از آن بنا بر اخبر حفص که راوی
عاصم است که هریک از قرا دو راوی بکر و حفص راوی عاصمند حفظ باید هرجا شناسی حفص و ادغام بل ران نون من
راق است بلکه یعنی لام و نون باید ادغام نشود ثابت بمانند با اظهار سکته **مطلب پنجم** در الفلام
شمسی و قمری بدانکه مراد از شمسی آن لام است که بلفظ نیاید ساقط شود مثل التراب السوق
قمری آنست که بلفظ در بیاید مثل القمر و الجنة الحساب و غیره لام ال مدغم بتا ثا دال الظا لام نون
یعنی در وقت اتفاق الفلام چهارده که نه مدغم و افتاده میشود ساقط گشته و تشدید به آن حروف مذکوره در نظم
و از این مفصل در جای دیگر این ترجمة الصلوة که در نظم و نثر تفصیل یافته است در ذکر **نون ساکنه است**
ملتقی و ملفوظی و آنها اینست که تنوین و نون ساکنه در وقت رسیدن به واو ادغام مع الغنة ملتقی دان
قاعده در سوره یس و القرآن الحکیم جاری نباشد میان تنوین نون و واو ادغام نباشد لهذا ناظم استثنا نمود بنا بر ادغام
از قول روایت حفص راوی خود دلیه حفص را اظهار نون در لفظ یس واو را یعنی نون ملفوظی یس بواو
و القرآن ادغام نباشد هم چنین نون ملفوظی که از لفظ حاصل شود در نون و القلم ادغام نباشند و حروف شفوی
که چهار است میم و واو باء و فاء است و آنها اتحاد و تقارب مخرج دارند بقاعده سابقه می بایست که هر یکی از اینها ادغام
باشند در تلاقی لیکن میم ساکن مدغم الا بمیم بوقت اظهار الخ یعنی میم ساکن در وقت تلاقی بمیم

در احکام تنوین و نون ساکنه و تفخیم و ترقیق لام و راء

ادغام مثنویه لیکن در بوقف که مرکب عبارت از سه حرف است ادغام نشوند بلکه در ملاقات لفظ دال اظهار شده بلکه مثل

الیکم فما و علیهم ولا و در ملاقات میم ساکن بباء اخفا باغنه است چون لهم بالاخرة میان قراء جمهور

لیکن اصح اخفا بباء در مابقی اظهار دال یعنی وقتیکه میم ساکن بلفظ باء برسد رسم اخفا باء

نفت و در همزه و واو فاء مذکور اظهار باید کرد **فصل در بیان احکام تنوین نون ساکنه** در نزد

نحوی چه باید که به انکه تنوین نون ساکنه لفظی دکتابی مطلق عمومی در وقت ملاقات تمامی حروف تهجی

هست بایست و نه خالی از چهار قسم نیست ادغام و اظهار و اخفا و قلب باشد چنانکه هر کجا در هر کتاب

علم قرائت مبسوط مثل شاطبی و شاطبیه کامل بتفصیل بترتیب اینها ذکر میباید و مثن

که عالم صورت آن سعی نسناس این مجلا را نیز از میان مسلمانان بر داشتند در شنیان بار هستند

نون ساکن و ان بلفظین مدغم اند و ملوک الا در چهار کلمه از حروف التباس بمضاعف ادغام نکرده

ناظم باشاره که جمهور است و جز از قنوان و صنوان دنیا و بنیان تون یعنی این چهار کلمه

دیگران را ادغام مجزائی و ادغام حروف برملون بر دو قسم است هست در لام و را و یاء غنه عکس

یمون یعنی در لام و راء ادغام بلا غنه مثنویه مثل من ربّ الرحیم و من لدنک و در چهار حرف یمون ادغام

باغنه مثل من یشاء و صالی بدخلون اینست که گفت ملس یمون است حکم لام و راء مظهر اند و حلق

در باقلب میم یعنی نون ساکن در وقت رسیدن بباء قلب بمیم باید کرد مثل من بعد اخفا بدو

یعنی غیر از حروف سیزده کانه مذکوره که یازده حرفند باید نون اخفا کرد مثل من تسنیم **فصل در بیان**

تفخیم و تغلیظ و ترقیق حوار الف الرها و اجهرا بعدا استعلا و را اند الف تغلیظ

یعنی الف که بعد از حروف استعلا واقع شود و حروف استعلا هفت است حصّ ضغط قظ مثل صا

و یا بعد از راء واقع شود مثل راز قیل یا تفخیم باید خواند باجلاله لام الف را الکسره نیست اذ قبل

یعنی الف که در وسط لفظ جلاله است اگر ما قبل الف لام کسره نباشد یعنی فتحه و ضمه داشته باشد

باید تفخیم کرد مثل و الله و دعوا الله و المکسور باشد ترقیق باید کرد مثل بالله و لله و ترقیق و

تفخیم راء ضم و فتح اسکانش بعداز این دو تا یعنی اگر لفظ راء ضمه یا فتحه داشته باشد یا حف

ساکن باشد بعداز ضمه یا فتحه واقع شده باشد باید تفخیم کرد مثل رب و رسل و ارسل

شرط تفخیمش جز ضمه و فتحه قبل از را ساکن الضا کسره مر ترقیقش است که ما قبل

موافق جمهور که ساکن باشد خودش یا متحرک باشد و باید دانست که در حالت وقف ملاحظه ما قبل نماید در حالت وصل

نظر باعراب خودش است در وقت وقف از اعتبار افتد بما قبل اعتبار باشد مثل رجال ترقیق بودن کسره

سبب دور تفخیم و ترقیق را و باز ظم کرد قبل از استعلا و بعد از وصلی نکسب چون یعنی اگر را واقع شود

قبل از حروف استعلا مثل فرق قرطاس مرصاد صراط و یا واقع شود بعد از همزه وصل مثل امرنا

ارجعوا تفخیم باید کرد اگر قبل از حروف استعلا و بعد از همزه واقع شود دام رقیق بعد کسره یا ی ساکن

باسکون یعنی را ترقیق جایز شود و قتیکه مکسور باشد مثل رجال یا خود را ساکن باشد لیکن

کسره واقع باشد مثل امرئ یا بعد از یای ساکنه واقع شود مثل خیر و غیر و مراد از لفظ باسکون

آنست که خود را ساکن بعداز کسره یا بعد از یای ساکنه واقع شود ترقیق است اما ترقیق شدن راء مکسور

و چون

فصل هشتم ابدا بحر

در احکام و اقسام وقوف و معنی وقف

اول ابدا اولی اولی در حرف مس بتك يعني فرق و مصر و قطر با تفخیم ترقیقند لیک
جهار فرق و مصر و قطر با تفخیم ترقیقند لیک مصر و قطر هر دو جایزست تفخیم و ترقیق لیکن در دو لفظ و کلمه اول که فرق و مصر باشد اولی است برای مراعات
حرف استعلا و لفظ که آخر قطر باشد قلیل تفخیم که ترقیق باشد خوبست بجهة کسره ما قبل و برای عروض ساکن
و ذاتی بودن حرکه آن **فصل در بیان وقوف** موافق تفسیر آیه شریفه و رتل القرآن ترتیلا
از امام المتقین امیر المؤمنین علیه السلام ماثورست و در لغت وقف بمعنی ایستادن و درنگ کردن بطریق مطلق و در اصطلاح قراء
قطع صوت اعم از آنکه نفس قطع شود یا نشود ایستادن در آخر کلماتست و آنچه از کلام علما رضوان الله علیهم مستفاد
میشود که وقف واجب و حرام در خواندن کلام مجید اصلا ندارد ولیکن علم و استعمال وقف از بعض مواضع اکیده
تام و وقف قبیح وقف کوفی و وقف حسن را تا وقف تام است که کلمه موقوف علیه لفظا و معنا احتیاج بما بعد
نداشته باشد و وقف قبیح بر عکس آن لفظا و معنا محتاج بما بعد باشد و وقف حسن در لفظ محتاج بما بعد در معنی
محتاج بما بعد نباشد و وقف کوفی یا وقف کافی بر عکس وقف حسن در معنی محتاج بما بعد باشد نه در معنی و دو وقف
که در میان قراء استعمال شده برشمرند ناظم اشاره نموده وقف بر ادغام والحاقست حذف نیز باشد
نقل دوم و اتمامست اسکانست ابدالست و نقل یعنی آنچه که منقولست از وقف این هفت قسم
با نقل ثانی بمعنی مفقودست و نقل اول یکی از اقسام وقفست **قسم اول** بموجب ترتیب ناظم وقف
بر ادغام است در کلمه شیء و سوء که همزه آنها بدل بواو و یا نمایند و واو سوء در واو و یاء شیء در یاء ادغام نمایند ۳۲۶ چون
شیّ و سوّ بتشدید الیاء والواو و سکونها **دوم وقف بر الحاقست** و آن در الحاق کردن های ساکنه است
بما و آخر کلمات مثل قسوره و غیرها از افعال و مثل لمه که ساکنه است برای ظهور حرکت مثل حمه در عم که اصلش
عن ما بوده است الف ما استفهامیه بجهة تخفیف حذف کرده اند و در حال وقف های ساکنه لاحق نموده اند مثل
کفتن حمه و بمه و فیمه در حال وقف و حلال والحاق آنها مثل هم است **قسم سیم وقف بر حذفست**
مثل شیء و سوء چون در وقف این دو لفظ دو طریقست ما بین قراء یکی ادغام چنانکه ذکر شده و دیگری
حذفست یعنی حرکه همزه در حال وقف و حذف در این دو لفظ با قلب بیاء شده بعد از آن همزه را حذف نمایند
در وقف نمایند و میگویند شی بسکون یا و سو بسکون واو **چهارم وقف بر اثباتست** و آن
در باب معدول الف نیست بلکه بر باب کردن و اثبات کذاشتن الف است در حال وقف مثل اثبات الف
او اخر کلمات منونه مفتوحه در حال وقف که علیما حکیما مثل اثبات معدول الف در آخر الفاظ انا که
ضمیر است و آن ناصبه پس در وقت انا مفتوحه اخر انا بالالف باید گفت و از اینجا است که در لکنا هو الله ربی
در آیه شریفه در وقت وصل لکنا بفتح النون خوانده میشود از جهت آنکه اصلش لکن انا بوده است بعد از حذف همزه
انا برای تخفیف نون ساکنه در نون ادغام نموده اند لکنا بفتح نون مشدده است ولیکن باید در حال وقف بالالف
خوانده شود تقدیر کلام چنین میشود ولکن انا اقول هو الله ربی **قسم پنجم نقلست** و آن
از قراء یکی اهل حق ذکر کرده اند در کلماتی است که همزه داشته باشند در حال وقف حرکه همزه را نقل بما قبل نمایند
و بعد از آن همزه را حذف کنند و در آن کلمه وقف مینمایند مثل کلمه که مهموز الفاء باشد و بر او الف لام تعریف
داخل شود که الأمر والأرض والاسم والا لاسد در حال وقف بعد از همزه بطریق مذکور بفتح الهمزه و اللام
میشود و مثلا الرضی بسم ولست که میشود **قسم ششم وقف بر رومست** و آن عبارتست از وقف کردن بر کلمه بتکه

در وقف بر مسائل روم و اشمام

آن کلمه یا مجرور باشند مثل الرحمن الرحیم و مالک یوم الدین بساکن عالمین طریقه آنست که حرکت کلمه را نوعی ادا نمایند مثلاً اقسم نابه یک ثلث
باه و ثلث دیگر را حذف نماید و در روم بطوریکه مسموع نشود و بفهمند که تلفظ کرده است چشم مبینه و بفهمند بعکس اشمام **قسم**
وقف با اشمام است و آن عبارتست از ضم شفتین در محل حرف وقف بر کلمات که حرف آخرش مضموم باشد چنانکه نستعین و رحیم
و باید که ثلث ضم را در حصه یک ثلث نماید چنانکه در روم بطوریکه چشم ببیند و درک نماید گوش و درک این نماید و این قاعده اشمام در غیر وقف
جاری و ساریست در کلماتیکه مضموم العین باشند در اصل مثل قیل و غیض **ششم وقف با سکون** و آن اسقاط
نمودن تمام حرکت موقوف علیه است خواه مفتوح الآخر یا مکسور و مضموم الآخر باشد مثل آن سکون و تسبیع از روم و اشمام چنانکه در
حال طول و توسط و قصر هر سه جایز است و نتیجه عمل روم و اشمام است جاری و ساریست **هفتم وقف با هاء است** و آن در
کلماتی است که حرف آخرشان تاء تانیث باشد و در مقام وقف بدل بهاء میکنند تو قف نمایند مثل صلواة و زکواة و حیواة
و رحمة و جنة اگر تاء تانیث مطول نوشته شده تبدیل نمیکنند بلکه بتاء وقف نمایند مثل رحمت و جنت
و باید دانست که وقف بحرکت نباید نمود و وصل بسکون در صورتی جایز است که اول کلمه ثانیه همزه وصل داشته باشد مثل الرحمن
بسکون باید وصل بالرحمن الرحیم کردن که همزه وصل در درج ساقط شده فتحه نون ظاهر بخلاف وقف الرحمن الرحیم و غیره که در وقف بسکون
و در وصل محرکه است را اگر محرکه بسکون و اگر وصل نماید خارج از قاعده است و معلوم نیست عیب نماید بهر وصل یا وقف در محرکات
از علما اقسام و قرا یازده نوشته چنانچه این معدل و معروف نیست که تطویل از ما باشد و منتج و لازم باشد مخصوص کتب مبسوطه
در بیان رسم و ادای وقوفات و اقسام آنها باید دانست که کلمه موقوف علیها اگر مضموم الآخر باشد
در وقف آن سه قول است قول اول سه قسم جایز است و این قول ناظم اختیار کرده و گفته **وقف بر مضموم** با
اشمام و روم و **اسکان** بخوان مراد از اشمام دو حصه حرکت را گفتن و روم یک حصه را گفتن و اسکان تمام حرکت را
انداختن **قول ثانی** آنکه در وقف مضموم قول اول معتبر و هر جایز است طول و توسط و قصر با اسکان و طول و توسط
با اشمام و قصر با روم و در وقف مکسور الآخر نیز همین است **قول ثالث** آنست که ناظم گفته **روم و اسکان** نزد کسر
آنست که چهار وجه جایز است طول و توسط و قصر با اسکان و قصر با روم **و در وقف کلمه مفتوح الآخر** نیز دو
قول است که یکی مختار است **اسکان اندر فتح دان** یعنی وقف کلمه مفتوحه اسکان باید یعنی تمام حرکت را اسقاط
باید کرد و قول دیگر آنست که سه وجه است طول و توسط و قصر و آن چو فتحه ضم و کسر عارضی یعنی حکم ضمه و کسره
عارضی در وقف حکم فتحه است یعنی اسکان است مثل فتمنوا الموت و لم یکن الذین چون ضمه و کسره
در اول و التقای ساکنین در آمده است در حال وقف واو و نون ساکن میشود فقط **ها بجای تا** یعنی
تاء تانیث که هاء ملفوظ در حال وقف مثل رحمة و جنة و صلواة و غیرها حکم فتحه دارد یعنی
مفتوحه در حال وقف با اسکان خوانده میشود هم چنان است که وقف بسکون فقط و معلوم است که
غیر از ها ضمیر است زیرا که حکم ها ضمیر اقسام متعدده دارد و موارد استعمالات ها ضمیر معروف بر سه قسم
از آنها که ماقبل آن متحرک باشد مثل له عبله و به و دیگر قسم آنست که ماقبلش حرف مد باشد مثل
ابآه و فیه و حرموه با ماقبلش حرف لین باشد مثل الیه و ادعوه یا صحیح و ساکن باشد مثل منه
و عنه و در این اقسام سه قول است یکی آنکه در حال وقف در همیک از این اقسام روم و اشمام جایز
و قول ثانی آنست که جایز است قول ثالث آنست که اگر ماقبل ها صحیح و ساکن نباشد مثل منه و
مثل ابآه روم و اشمام نیست در هر دو اقسام اساساً است و قول ثالث بهتر و معمول است که ناظم کرده با صحیح و ساکن

در معنی روم و اشمام و وقف و اسکان و اختلاس

فتح و الف بود چو ها یعنی ما قبل ها ضمیر اگر این قسم باشد حکم آن در حالت وقف طول و توسط

قصر یعنی اسکان و در میان حکم ما بعد ضمیر اگر نیست با مد حال وصل یعنی اگر ها ضمیر با حرف مد

در حال سوا وصلت آشنائی ندارد یعنی بعد از ها ضمیر حرف مد نباشد سه قسم میتوان خواند و در حالت وصل

ما بعدش نطقی چنانکه ظلم کرد حالت اشمام و اسکان روم داد در حال وصل یعنی ها ضمیر را در وقت

ما بعد که حرف مد نباشد سه قسم میتوان خواند اشمام و اسکان و روم تفسیر آنها گذشته در بیان معانی روم و اشمام

در تلفظ گفتن روم است و ثلثین اختلاس یعنی روم وقت تلفظ نمودن ثلث حرکت را گفتن و دو ثلث

نمودن یعنی برداشتن و حذف نمودن از دهان مخرجش اشمام کردن اقتباس یعنی اشمام آنست که ضم

شفتین جمع کردن لبها اقتباس کرده وصل بد آنکه علما و عارفان این فن را علما را

اعلام سوی احتیاج منصب و کتب و تحریر رموز وقف نیست لیکن علامت وقف و وصل برای غیر علما

ملی باشد لهذا استادان این فن علامات و رموز چندی معین نموده اند از آنجمله شش علامت معین نسبت

داشته اند و اهتمام ط ج ز ص لا یا ازده علامت منسوب بمتاخرین این فن است همه را بنظم آورده

رمز وصل و وقف دان لا صل و ا سپس صاد و قاف و اصلی قف میم و جیم طا و قفه صلی سبب جه کاف

یعنی رمز و علامت وقف منفصل و وصل مقید است اجمالا در این بیت ذکر شده میم لازم جیم جائز ز مجوز طا

یعنی اول رموز میم علامت وقف لازم که اگر وصل کنند معنی فاسد شود دوم جیم علامت جائز است یعنی وقف

و وصل هر دو جائز است سیم ز علامت مجوز از طرفین است و لیکن وصل اولی است چهارم ط علامت وقف مطلق

یعنی مقید بلزوم و رخصت و استحباب و رجحان طرفین ندارد و بعضی قطع را رجحان داده اند مطلق وصل است ضد وقف

صلی اولی و لا لا تقف لفظ مطلق در اول مصرع یعنی پنجم رموز وصل ضد وقف است یعنی ص علامت جواز وقف است

پس صل علامت وجوب اتصال اولی است دگر ششم که قف نیز بیان شد هفتم صلی است یعنی الوصل اولی

الوقف هشتم لا و آن علامت لا تقف و اگر نفس و فا نکند وقف اضطراری نامند لازم است عود از کلمه موقوف

تا اینکه حرف سه کلمه از ما قبل نخوانده نمودن که بعض اشخاص نا بسته خلاف است نهم صاد است و آن علامت وقف رخصت

صاد و وقف رخصت و سپس سکت آن را وقف دان در صاد اگر نفس تنگی نداشته باشد رخصت نیست بر وقف

دهم سین است و آن علامت سکت است یعنی اندک وقفی نمایند بدون قطع نفس یا قطع صوت و حذف اعراب

سکته باین طور از وقف بشمار که بی تنفس تا لی یعنی نفس در سکته کلمه آتیه متصل شود بر عکس سین

متصل بکلمه آتیه نماید یازدهم قف است و آن علامت وقف که گذشت علامت یازدهم صل و علامت قله

ملی باشد بر عکس سکته ملی باشد پس در این دو علامت نفس تا لی موقوف علیه متصل نمیشود و ظاهر است که در

وقف مرجح امر است یعنی وجوب وقف است اما فرق است که در وقف نفس تالی است بخلاف وقف دوازدهم

قاف است سیزدهم قلا است و در هر دو خلاف است ما بین قراء قیل فیه الوقف کاف قیل لا وقف قلا یعنی کاف

علامت وقف است بقول بعض قلا علامت وقف نکردن است بقول بعض بعد که وقف بر آید العوذ

بر عکس جه یعنی اگر کسی وقف کند بر سر آیه که در آن آیه لا باشد اعاده کردن موقوف علیه لازم و جائز

بخلاف وقف کردن بر لا مطلق در غیر آیه که علامت لا تقف است عود لازم است کلمه موقوف علیه چهاردهم

علامت صق است و صر و صلی قیل دو وقف است صق یعنی اگر کسی در کلمه وقف کند که وصل نمودن آن کلمه

در فرق میان اصل و فرع اشیاء بخصوص نماز و ایمان است

۳۶۸

فصل ... (marginal)

موقوف علیها بما قبلش بسته باشد پس چه اگر این جا معنی جهت علامت است یازدهم صب صب خلاف یعنی ...

وصل نکردن موقوف علیه است بما قبلش پس هر یک از علامت صلی و صب کلاف دیگر است دوازدهم جه است که جیم ...

وقف نوشته شود چه دلیل وقف وصل هیچو ما قبل است کاف یعنی چه علامت وقف است و بعد از وقف هر یاره وقف کنید

هیفده هم کاف است و العلامت کذلک است یعنی وقف و عدم وقف با قبل است **فصل در بیان استحباب تکبیرات**

و تهلیل گفتن در سورها و تکبیر آخر کلام الله عبارت است از الله اکبر و لا اله الا الله گفتن بعضی گفته اند لا اله الا الله و الله اکبر

و بعضی در آخر لله الحمد را زیاد گفته اند خلافست بعضی قایل شده اند که در آخر سور تکبیر و تهلیل سنت است از سوره والضحی

تا آخر قرآن در آخر هر سوره سنت است مراد آن است که در آخر ضحی تکبیر سنت تا بناس یازده حالت با تکبیر تهلیل

اقتباس و بعضی قایلند در یازده سوره سنت است ذلزله با قارعه از عصر تا لهب عون الحمد لله شد ...

باید دانست که حفص و بکر راوی ... عاصم هستند که هر کس خواهد که از جمیع عمل بقول عاصم ... مشخص نماید باید ... السلام

در بیان اصل و حقیقت و مجاز و فرع هر چیز است

بدانکه شرط اول در دانستن صحت و سلامتی در هر امری از امور دارین در اول اقدام و مباشرت آن کار اصل و فرع آن است

بمنزله جسم و روح هستند در وجود و اصل و اساس جمیع کارها علم و عمل و بندگی و طاعت ملیباشد و بعضی عبادت بجز ... و اظهار

سوال و معارض آن کبر و نخوت و غرور است کار شیطانی مخصوص ابلیس شد و اظهار ذلت مخصوص انبیا و اوصیا و اولیا الله

علیهم السلام و علما و ابرار و اخیار گردید و اسم و جسم هر شیئی فرع و شاخ درخت بجز ... مطیعی بکار نباید چنانکه

بدون روح و جان لازم است که زنده ... باعث اذیت و آزار نباشند چنانکه فرع عبادت و طاعت قرآن خواندن ... اصلی

ندارد کار صاحب جهل و باعث عذاب آخرت باقیات سالها در آتش جهنم چنانکه ... کلا نماز گزار و قرآن خوان ...

۳۲۹ مدعی اسلام و ایمان بی روح و لایت الطبقات جهنم گشته و حالت الحمد شرایط قرائت نماز ... که عمده شرط نماز ...

مدعی بر صحت قرائت نماز و قرآن خواندن ... کمال مهارت داشته باشند ... که از تعلیم و تعلم قرائت نماز ... شرایط

خبر نداریم که آسانترین شرایط نماز و فرمایش همه ائمه سلام الله علیهم باشد نیاموخته ایم کدام فرمایش ایشان علامت تشیع ...

موجود ملیباشد آیا باسم و بیسمات تشیع حاصل که و رده العمر نماز ... رکعت نیاموخته ایم با ملاحظه حلال و حرام مقدمات نماز

که قبل از نماز لازم است تا نمازگزار گویند که نمازگزار ... مصداق الصلاة تنهی عن الفحشاء والمنکر مواظبت لازم ... حلال

از معاصی نگهدار نباید مایوس ... و ... بحمد الله عصمت ... ندارم ... اطلاعات عوام فریب ...

بر حقانیتم پس کدام ارکان اصلی ایمان جواهر جمیع ... در اول ... قرار صلوات و صوم و حج و زکوة و ولایت

مدعی شروط الاسلام ... کدام ... کلاف اسباب و اوضاع ... که ... در ...

... اوضاع و اسباب ... کدام ... حقیقت ندارد ... که کلا ... دنیا و اوضاع دنیا روح ندارد ...

هستند از ملک ... و اولاد و اقربا و ... و خدم و حشم و عمارات و زن و فرزند کدام یک اصل و اساس و بقا

دارد و کدام یک باقی و بر قرار و ثبات دارد در معرض زوال و فنا هستند که ... نمونه و بقا ... اینقدر

جانکندن و سعی و کوشش داریم و زوال عمر و فنا دنیا ... از یاد فراموش کرده ایم بطوریکه ... بعضی ...

کدام خشت عمارت است که ... که کدام بنا و کار و کار فرما است که در حال ... بنا و تعمیر ... در ...

آورد و کدام عزیز از صدر نشینان مجلس ناز و افتخار ... بستر ... باد خشت قبر ... نعیم ... صاحب ...

که فردا قیامت چه قیامت است که همه دار قرار و حقیقت و بقا نباشند هستند معارض دنیا ... بقا ... فنا و زوال دهر ...

در دنیا ... که ... نمازگزار کسی است که نماز گزار با شرایط و آداب باشد اگرچه ...

دل ... علم و ... بواسطه لطف الهی ... طاعات و عبادات در روز مجازات ...

بواسطه لطف

در دانستن معنی اصطلاح حصهٔ اصلیه در تمامی عوالم خصوص در نماز

۳۶۹

فصل معلم الباب [illegible]

بواسطهٔ الطاف خفیهٔ حضرت سبحانی زیرا که عالم امکان تمامی عالم مخصوص آخرت که اثمار و اشجار و خوراک بیشمار دارد و خلعت فاخره صفای است با عمل و بدون عمل شیطانی و میوهٔ درخت حنظل فتنه و فساد بیشمار دارد باختیار و الخواه روز الست منتسب و الحاد نفوس شریره هر نفسی چنانکه خالق کل موجودات خداوند است از خود ورثت و صالح و طالح بلباس مناسب سرشت موافق حکم و اسرار با یان نه بطور طریقهٔ جبر و تفویض بل امر بین الامرین والاختیار و الی حصه تمامی دنیا و نماز و جسم و قالب بی رحمت و فانی و ضایع و در دنیا و آخرت دا مو [illegible] بقا و ثبات و طراوت و مزید حسن و کمال و زیور مزید و کمال و جمال و بهجت و صفا دارند چنانکه خود مؤمن [illegible] از اسم حق مشتق و منسوب با مؤمن یا مهیمن فرمود بجه محبت و مهربانی در هر سرا به یا ایها الذین آمنوا مخاطب فرماید یعنی با مؤمن و محفوظ از بیم و زوال و فنا و با ملاء [illegible] و عذاب و نکال العالم بقا و ثبات و مرگ و کدر نخواهی و چنانکه بقا از صفات خاصهٔ حق است مؤمن همیشه در عزت و فراغت منل و حق شریف خود است بخلاف دنیا و ما فیها که دنی و ذلیل و زینت اشیا که ذلیل و کثیف و [illegible] چیزهای ادنی و ذلیل نزد خداوند ندارد و محقق است که سه کورو به ما بل این حیات کثیف و ذلیل باشد و ذلیل و دولت حقه بداند و دولت دنیا و کثیف از همه کس بشناسد برای آنکه بر محبت و شناخت نفس حقه اعتراف از دل است و معیار و میزان و قدر و اندازه او و در ولوج و صحبت تا بتدارک از آن محبت در صحیح گرفتار او و طرق الفه و فساد و ادله ازل میتواند فاز است چاره نماید محتاج تعلیم و تعلم مثبت و خصوص عالم و فاضل نکات و حزور و دانی و ممیز حق و باطل با شد با کمال و فضل و در اسم تمیز و تشخیص اصطلاح حصهٔ اصلیه و در کعت نماز واجب و مستحبه دانسته باشد و در ملاک اساس سواد اعظم دار العلم و مشهد یا من الائمه با چهل سال کفیل میزان تقریب و ملتمس تا در قرائت صحت و دلایل بقدر واجب و بطلان و استحباب و کراهت و در اسم بدعت و جواز و تمیز بدهند اما این چه کمال است صحت و بطلان نماز حقه و دیگر از حکم و اسم میدهند با مسئلهٔ حمل صحت فقها اما این چه مذهب است و ما را مبارک حصه ای مشهد بعرض ممکن ایها الناس در قرائت نماز تمیز حرف کافی است و حال آنکه خود تمیز بطلان و صحت و سنت و مکروه و جواز و بدعت نماز خود و اصلا تمیز نه که میزان حصهٔ اصلیه و اثبات در طفولیت یاد گرفته که از تمامی امور دنیا و آخرت لازم انسان دانسته عاقل و مسلم صادق نماید مسئله با این وضوح و انکار و استخفاف نماز نباشد که حمل صحت نماید اما جبر میزان و معیار باشد اما حمل صحت و نماز صحیح و قرائت نماز صحیح میزان و اندازه و اسم و رسمی نباشد یعنی مؤمن و مسلمانی همین است که حافظ وارد و ازار در که آیه ای الکرسی در اسرار حصهٔ اصلیه در امور تمامی دنیا و آخرت است عاقل و مؤمن و مسلم خصوص که عالم و بیشمار باشند سی سال یا چهل سال درس خوانده معنی حمل حصهٔ اصلیه را نفهمد نماز را بنا و حصه بر سبیل باطل بلکه موافق طور بدعت بگذارد و نماز دیگران را نیز حمل صحت بعد و شیطان زعم بر ایشان و این زیاد و لعنت و طعن زنند و معنی احمد حصهٔ اصلیه در تمامی افعال و اقوال و حرکات و سکنات و غیره [illegible] تأمل و تفکر نماید که این حرکت من آیا واجب یا حرام یا سنت یا مکروه است یا جایز نا موافق احکام هر یک عمل تمام هر مسئله از عقل و شعور و کمال و مدرک و ایمان اسلام حظ و نصیبی داشته باشد باید در اول امور موافق حال خود ملاحظه نماید برای اثبات فضل و شعور حقه از این میزان کفی و شمار نماید دال حظ نماید بقدر کفی از عقل و ایمان بر دیگر خواهد خصوص در بارهٔ نماز و صحت و سقم نماز حقه لا ابالی و بی پروا باشد به بی دینی و لا مذهبی خلاصه هست خصوص عرض مدح و سعی و کوشش و احتیاط در نماز لا مذهبی بدعت پسندند و اختیار بدعت در نماز باشد وای صد وای که حساب ملت

در [illegible] و صحبت [illegible] حصهٔ اصلیه [illegible] میان [illegible]

۴۳۰

فصل چهارم از باب ...

در اشاره بکجروی و بدفهمی مغرورین علمای لاابالی بی پروا

چنانکه هر چیز را حقیقت و مجازی و اصلی و فرعی متصور است بمنزلهٔ اسم و رسم و صورت الشیء نسبت باصل و روح الشیء

که اسم و صورت کشتی و شکل انسانی در روح انسانی و در وقت تصور و تعقل مردم با کمال محقق گردد که صورت و شکل

نزد اطفال و دیوانگان چیزی می باشد و میل بآن نمایند تا حقیقت و عقل و کمال و عدم اثبات نماید نظر عاقل در ترک و تعمید

و عدم منفعت اسم و جسم و کثافات و تعفنات و مضرت جسم بی روح است که نیز انواع مضرتها از زوال اصل حرکت

که مردم از تنفر آن گریزان و روگردان و هلاک خواهند شد که لابد دفن و ازاله و برطرف نمایند مثل دنیا و مضرت آن از جسد

بدتر از مضرت جسم گندیده و متعفن می باشد چه نسبت دارد بعد از خروج روح از جسم عنه الهالک گویا که دارد الاخطر

فلک الشیر در وی منظر و مرکوز و ملحوظات طرفه آنست عزیزان که ورق برگردد و حلیه اندکی در معنی اسم و جسم و روح

و دنیا و مضرت تأمل و تعمق از آن طرف ورق بگذاریم که اگر طالب جویای عیوب دنیا پرستان از خدا بیگانگان شد

سیاه دلان و عالم و درویش قوم صاحب محراب و منبر گرفتار هوس حب دنیا از راه و رسم لاابالی و بی پروایی

بی اعتنایی نماز و طاعت خالق باسم ترویج دین داری داخل این معرکه گردد یا برای دلگرم عوام حسبة معرکه

مارگیری لامذهبی سر چیده و برداخته که جماعتی از مردمان عوام کالانعام با فسون مارگیری قلوب کسبه ایشان را صید

نماید ... که مردم از حور او برکنده نشوند قدم بمعرکه مارگیری بگذارد و حیای شرع و دین ... نماید

تا بکلی در قرائت آن انواع کتب و آن و علم قرائت تالیف شده و کاله سخن مولف مبهم که تمیز حروف

و تمیز نماز بآنچه کلام است طریق نامی صحت قرائت که عوام بیچاره چنان خیال نماید که قاریان و کتب ...

و علم قرائت همان لغو و بیجا و حقه بازیست نعوذ بالله و شاید است که تعلیم و تعلم نماز ... در زوال عار ناموس ...

نموده باب تعلیم و تعلم صحت نماز و عقود و ایقاعات شرع و دین خاتم النبیین ... شده

بواسطه بی پروایی عالمان لاابالی که باسم ترویج دین است که خبر از تخریب دین حقه ندارند که مروج ...

شده است اینست که اگر عالم علم و فضل خود و عبر عملی خود صرف ترویج نماید خداوند عالم لطف و انعام خود از آن

و چون لطف الهی قطع شد از تحصیل مقاصد و مآرب و تمیز ... و ... زبان خود گردد که بی تمیز و بی شعور گردد

نتیجه بر عکس بخشد و ذلک هو الخسران المبین شیطان نفس و راه زن دین و ایمان می باشد چنانکه خداوند فرموده

الذین لا یؤمنون بالآخرة زینا لهم اعمالهم فهم یعمهون اولئک الذین لهم سوء العذاب و هم فی الآخرة هم

الاخسرون و در جای دیگر فرموده الم تر الی الذین یزعمون انهم آمنوا بما انزل الیک و ما انزل من قبلک یریدون ان یتحاکموا

الی الطاغوت و قد امروا ان یکفروا به و یرید الشیطان ان یضلهم ضلالا بعیدا و اذا قیل لهم تعالوا الی

ما انزل الله و الی الرسول رایت المنافقین یصدون عنک صدودا و قال و من الناس من یشتری

لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله بغیر علم و یتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین و اذا تتلی

علیه آیاتنا ولی مستکبرا کان لم یسمعها کان فی اذنیه وقرا فبشره بعذاب الیم و قال و من الناس

من یجادل فی الله بغیر علم و لا هدی و لا کتاب منیر ثانی عطفه لیضل عن سبیل الله له فی الدنیا خزی و نذیقه یوم

القیامة عذاب الحریق ذلک بما قدمت یداک و ان الله لیس بظلام للعبید و قال فی مقام قل هل ننبئکم

بالاخسرین اعمالا الذین ضل سعیهم فی الحیوة الدنیا و هم یحسبون انهم یحسنون صنعا اولئک الذین کفروا

بآیات ربهم و لقائه فحبطت اعمالهم فلا نقیم لهم یوم القیمة وزنا ذلک جزاؤهم جهنم بما کفروا و اتخذوا آیاتی

و رسلی هزوا از این قبیل آیات و اخبار از ائمه اطهار سلام الله علیهم صحیح در باب عالمان جاهل لاابالی بی پروا بی نماز بسیار است

مثل ...

فصل هفدهم از باب پنجم

در مذمت علمای لاابالی و بی اعتنا به قرائت نماز با وجود فضیلت و عبادت

اهل کوفه است باید دانست که تمامی خرابی دنیا و آخرت بواسطه استعمال هر شیء در غیر موضع خود است چنانکه خدا در کلام مجید خود میفرماید یحرفون الکلم عن مواضعه اگر کسی قرآن خواند لیکن میزان و قانونی برای خواندن قرآن ندارد هیچ نادان جاهلی کافر حساب این نداند [illegible] سبز بابت لکن [illegible] میزان و قانونی است و میزان کار و عمل بحق در عالم است که او وزن و کیل است قرآن و نماز با اهمیه عظیم [illegible] میزان نباشد محال است در حالیکه علما و مجتهدین در کتب و حساب برای قواعد و مسائل نماز و قرآن خواندن نباشند از عقول [illegible] نعوذ بالله حق خاتم انبیاء و ائمه سلام الله علیهم و قرآن و کتب و اسلام و آثار انکار نمایند و اگر معتقد بر قرآن و حق نماز بحق و قواعد قوانین آن قایل و معتقد باشیم بی شرایط و آداب و قواعد خالی گواهند [illegible] اما علم فقه برای قواعد و مسائل نماز است و علم قرائت برای قواعد نماز و قرائت نماز قرآن خواندن مقرر است از جانب صاحب شرع و دین و از هم جدا نشوند مثل وجه حق خاتم انبیاء و کلام الله حق [illegible] بدرجه که جای انکار و کریز نیست حق وجه خاتم انبیاء که هر مسلمانی بدون تردید محال انکار نماید [illegible] او ادعای اسلام و ایمان دارد [illegible] و بلاد اسلام نماز مسئله از قرآن میخوانند و احترام قرآن و نماز را هم با قاعده ملاحظه نمایند اما مسائل نماز و قرائت با قاعده و قانون نماز معتقد نیستند و اگر کسی معتقد نیست چرا از مسائل و قواعد نماز و قرآن چنین جاهل و نادان هستند که گویی علم فقه و علم قرائت از اهمیت [illegible] نعوذ بالله اکثر علما و فضلای ایشان از صد نفر یک نفر با علم قرائت بقدر قانون هر رکعت نماز احتیاطی [illegible] قادر نباشند [illegible] برای دیگران عوام [illegible] و اگر کسی قرائت شرع [illegible] است برای عوام [illegible] مخصوص است [illegible] مسائل عالم و متعلم است وضع علم [illegible] است که دیگران از راه تعلیم و استفاده نمایند در حالیکه جمیع مسلمانان را این قدر لازم است [illegible] حرکتی و کلامی در اوایل نظر [illegible] در زبان [illegible] ملاحظه عالم [illegible] اصلیه [illegible] این حرکت [illegible] بایست یا مکروه و جایز که بموجب آن استعمال نمایم افضل [illegible] و عموم [illegible] طاعات نماز است و خواندن قرآن اگر در [illegible] ملاحظه عالمانه [illegible] تمیز نداشته باشد که مقدمه تمیز این قرائت علم قرائت است [illegible] تمیز و میزان و ملکه [illegible] چه چیز باشد آیا چنان اعتقاد دارند که علم نحو و فقه و کلام و حکمت و معانی و نجوم [illegible] ملبس باشد [illegible] یقین این اعتقاد دارند [illegible] ما هم بی دینی [illegible] لاابالی [illegible] مهارت علوم کثیره [illegible] کو جلب فارسی [illegible] از استاد تعلیم گرفتن چه قدر محال و چه قدر قرون و دهور عمر صرف [illegible] که نماز خود [illegible] احتیاط علم قرائت [illegible] پس واضح است لاابالی لامذهبی که در مدت سی سال تحصیل انواع [illegible] توجهی [illegible] نفس شیطان [illegible] قابل شده است دین فروشی [illegible] مال حرام مکر و حیله [illegible] عوام [illegible] علم [illegible] جهل [illegible] علم هر چند [illegible] جهل [illegible] شیطانی [illegible] از رسوم و قواعد و شرایط و آداب طاعات و عبادات [illegible] بی نظم و بی شوق [illegible] هزار و [illegible] که روح و اصل [illegible] حرف [illegible] محبت و دوستی و مناجات و اظهار درد دل [illegible] محبوب [illegible] در حساب است [illegible] عوام [illegible] علم و معرفت [illegible] و مدرس [illegible] قاضی [illegible] امام حسین علیه السلام [illegible] کار [illegible] بالصلاة [illegible]

و فضیلت عقل و شعور و علم و عقل حساب و عامل

و قال الله تعالی انا خلقنا الانسان فی احسن تقویم و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا فتبارک الله احسن الخالقین و فضایل [illegible] و مدرک انسانی [illegible] عالم [illegible] انسانی خلق [illegible] تا تواند [illegible] بغفلت [illegible] خدا شناس [illegible] جلال [illegible] اطیعنی اجعلک مثلی [illegible] برای عقل و دل انسانی است [illegible] سلطان عالم مملکت وجود انسانی قرار داده عقل [illegible] مرتبه وجود و بدن با اکل و شرب بدن جسمانی قرار داده [illegible] رتبه دل و عقل [illegible] علم و معرفت [illegible] و وجه به علم و معرفت [illegible] در حدیث نبوی که الناس ثلثة عالم و متعلم والباقی کالهمج [illegible] پس علم مرتبه و زینت حقیقت انسانی است [illegible] یا فاسق یا ظالم یا کافر [illegible]

قال الله تعالی افحسب الذین کفروا ان یتخذوا عبادی من دونی اولیاء انا اعتدنا جهنم للکافرین نزلا و قال قل هل ننبئکم بالاخسرین اعمالا الذین ضل سعیهم فی الحیوة الدنیا وهم یحسبون انهم یحسنون صنعا اولئک الذین کفروا بآیات ربهم و لقائه فحبطت اعمالهم فلا نقیم لهم یوم القیمة وزنا و اوفوا الکیل اذا کلتم و زنوا بالقسطاس المستقیم ذلک خیر و احسن تاویلا

وصل معظم ابواب پنجم ۴ ۵ ۴ ۳ ترجمة الصلوة در عقل و دل و اعمال

وصل معظم ابواب پنجم

ولا تقف ما ليس لك به علم ان السمع والبصر والفؤاد كل اولئك كان عنه مسئولا اگر نباشد محتاج تفصيل اسرار نماز [illegible] حكم [illegible]
بايد رجوع به تفاسير و اقوال ائمه سلام الله عليهم فرمايند والا [illegible] صور آيات براي [illegible] كافي است مقصود [illegible]
مولف تأليف و تنبيه مرده دلان [illegible] لا ابالي اشكال و صورت عالمان [illegible] اهل [illegible] دين محمد صلى الله [illegible] که نماز باشد
با علم قرائت حرام [illegible] باشد که مقدمه نماز است و مقدمه واجب هم واجب است باين معنی که هر کس مدعی نماز و صحت صورت [illegible]
باشد لابد بايد علم قرائت بقدر احتياج خود بداند تا اعراب و الفاظ را فی الجمله موافق لسان عرب بداند در وقت سوال [illegible]
فتوای علما [illegible] خلاف ما انزل الله داده كافر [illegible] بر نفس خود رحم نمايد والا در هر سوال جواب بی تميز [illegible] بتدريج [illegible]
مرتد [illegible] تازه بتازه [illegible] زيرا كه در مدة العمر خود [illegible] پنج سال شنيدم كه از ارباب عمايم مردم عوام حمد و سوره و صحت [illegible]
سوال نمايند در جواب مسائل [illegible] جواب [illegible] هر كدام [illegible] جواب [illegible] بايد گفت مرتد شده الا
بسيار كمی [illegible] قاری [illegible] ايمان خود و از شيطان گريزانند [illegible] اين بيچاره ضعيف [illegible]
والا در هوای [illegible] چشم و گوش و هيچ عضو و جوارح [illegible] قدر [illegible] ملائكه
والحاصل عقل و فهم هر كسی [illegible] خداوند قران [illegible] ميزان عدالت در دنيا قرار داده [illegible] احكام قران اگر رفتار [illegible]
خسران دنيا و آخرت [illegible] ميزان عقل مستقيمه موافق [illegible] چنانكه خداوند ميفرمايد فلينظر
الانسان الى طعامه [illegible] بايد نظر در طعام بدن و طعام عقل و ايمان خود داشته باشد [illegible]
انسانست كه تمامی [illegible] بدن و عقل و ايمان موافق اخبار با طعام است طعام بدن ظاهری [illegible] كه طعام [illegible]
باشد كه علم [illegible] عقل [illegible] عالم و فاضل [illegible]
[illegible] دين خود [illegible] نماز بدعت [illegible] عالم [illegible] تغيير [illegible]
كه به علم و معرفت جناب [illegible] نماز [illegible] ظاهر [illegible]
قرار پس ملاحظه [illegible] ظاهر و باطن [illegible] لازم است [illegible] علم و فضل [illegible] علم قرائت
نماز و نماز هم [illegible] ولايت و امامت [illegible] ان قبلت قبل ما سواها [illegible]
واسطه قبولی صحت صورت و شكل نماز و قران خوانی است [illegible] قبولی خالق عالم [illegible] شكل و صورت [illegible]
[illegible] اگر بعضی از [illegible] دام محبت ابليس [illegible] قرائت [illegible]
تمام مخصوص عوام [illegible] استعداد [illegible] وظيفه [illegible] خصوص [illegible]
[illegible] احتياط [illegible] شيطان [illegible] احتياط [illegible] محرمات [illegible]
[illegible] اصلاح [illegible] دل و نماز [illegible] تعالی است [illegible]
بالبهائم [illegible] تدريس و تعليم و تعلم ابليس بتقليد [illegible]
بدعتهای عالم [illegible] عالم صورتان لا ابالی [illegible] ترويج اين نماز [illegible]
كلام [illegible] باستعمال [illegible] بمصداق آيه شريفه يحرفون الكلم عن مواضعه [illegible]
بتعليم و تعلم [illegible] قاريان و تعريف و ترويج قاريان [illegible] ملامت نماز بی قرائت بدعت اختراعی [illegible]
[illegible] كه ايها الناس قرائت نماز تميز حروف كافی است قاريان [illegible] اين كلمات
[illegible] ايمان خود [illegible] كثرت احتياط [illegible] خدا [illegible]
وسواس تابع شيطان [illegible] در مدت عمر خود قرائت [illegible] اكثر علمايش در مدت چهل سال [illegible]
قرائت [illegible] در مدة العمر تميز مخرج ضاد و ظا و صفات و ادای حروف [illegible]
نماز [illegible] سال [illegible] امام جماعت [illegible] در تحصيل حكمت [illegible]
[illegible] هيهات [illegible] لم [illegible]
بلكه بواسطه صحبت [illegible] فساد عظيم [illegible] در حقيقت [illegible] نماز [illegible] لا ابالی [illegible]
[illegible] جناب عالم [illegible] جواب [illegible] انبيا و ائمه [illegible] سلام الله [illegible] خادم [illegible]

نماز

بنماز بدعت خواندند

تعبیر بعض از علماء اعلام بالاء امر معروف نماز جمعه را [illegible]

تا آنکه بنمای انبیاء رسید [illegible] مروج [illegible] نماز جمعه [illegible] حضرت [illegible]

کتاب الله [illegible] فی کتاب الله [illegible] نماز است [illegible] احکام [illegible] اعظم [illegible]

[illegible] امام [illegible] خصوص [illegible] این نماز از علما [illegible] العالم

[illegible] عالم [illegible] تخریب نماز است [illegible] تغییر نماز [illegible]

[illegible] علاج [illegible] حضرت حجة الله [illegible]

مروج دین [illegible] علما [illegible] فی قلوبهم مرض

فزادهم الله مرضا ولهم عذاب الیم بما کانوا یکذبون واذا قیل لهم لا تفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون الا انهم

المفسدون ولکن لا یشعرون اولئک الذین اشتروا الضلالة بالهدی فما ربحت تجارتهم وما کانوا مهتدین مثلهم کمثل

الذی استوقد نارا فلما اضاءت ما حوله ذهب الله بنورهم وترکهم فی ظلمات لا یبصرون صم بکم عمی فهم لا یرجعون [illegible]

[illegible] مصداق [illegible]

[illegible]

[illegible] ضلالت [illegible]

قال الله تعالی ولقد کرمنا بنی آدم ورزقناهم من الطیبات [illegible] علم معرفت [illegible]

۴۳۴

[illegible]

[illegible] فلینظر الانسان الی طعامه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] الناس [illegible]

[illegible] ولقد کرمنا بنی آدم وحملناهم فی البر والبحر ورزقناهم من الطیبات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

و حکم ... [illegible]

در مراثب استعمال ... [illegible] در موضوع علی حده

۴۳۶

و منکه جماعت ... [illegible] ... عجب تر آنکه علما بغیر از علم ... که ... علم داره عالم قرائت ... کار ... [illegible] ... که این علم

مخصوص اطفال و عوام ... [illegible] ... باغوای ابلیس ... [illegible] ... طایفه ... [illegible]

نه اشتند ... [illegible] ... حاکم است که هیچ راه ... [illegible] ... طریق دین از نوع اهل منبر و مسجد ... [illegible]

بلا ابالی ... [illegible] ... بعد از ... [illegible] ... باغوای نفوس ... [illegible]

نماز و تعلیم آن کار عوام است ... [illegible] ... از فلان قاری که سواد فارسی ... [illegible] ... حمد و سوره ... [illegible]

ترکیب و تفسیر ... [illegible] ... که امام جماعت ... [illegible] ... تکمیل ... [illegible] ... عالم ... [illegible]

این گونه ... [illegible] ... عقل و شعور ... [illegible] ... منبر ... [illegible] ... ایها الناس قاریان ... [illegible]

... [illegible] ... معاش و فساد ... [illegible] ... معطل ... [illegible] ... اسلام ... [illegible]

... [illegible] ... قرائت نماز تمیز حروف کافی است ... [illegible]

... [illegible] ... شرع ... [illegible] ... قاریان ... [illegible]

اگر قاریان ... [illegible]

... [illegible] ... کلام که در موضوع علیحده استعمال ... [illegible] ... عالم ... [illegible]

... [illegible] ... علم قرائت لازم است ... [illegible] ... اصلیه ... [illegible] ... حرام ... [illegible]

... [illegible] ... ولایت ... [illegible] ... سلطان ... [illegible]

اگر منکر علم قرائت باشند منکر ... [illegible] ... قرائت نماز ... [illegible] ... حمد و سوره ... [illegible]

نماز ... [illegible] ... غلط ... [illegible]

در حد ارتداد و کفر است ... [illegible] ... نماز ... [illegible] ... غلط است ... [illegible]

... [illegible] ... انما هو دنیا ... [illegible]

... [illegible] ... معلم ... [illegible] ... حرام است ... [illegible]

اگر چه ... [illegible] ... فارسی ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... الصلوة ... [illegible] ... زمان ... [illegible]

... [illegible] ... زیارات و مناقب آل محمد ... [illegible]

... [illegible] ... علما ... [illegible]

... [illegible] ... علما ... [illegible]

... [illegible] ... عالم ... [illegible]

... [illegible] ... العالم ... [illegible]

... [illegible] ... احکام شرع ... [illegible]

... [illegible] ... استغفار ... [illegible]

کلمات ... [illegible] ... ضلالت ... [illegible] ... باطله ... [illegible]

... [illegible] ... استعمال ... [illegible] ... ضلالت ... [illegible] ... منبر ... [illegible]

... [illegible] ... تعلیم علم قرائت ... [illegible]

... [illegible] ... قرائت کافی است ... [illegible]

... [illegible] ... قرائت ... [illegible] ... حمد و سوره ... [illegible]

استعمال

... [illegible] (marginal note)

۴۳۵

در صحبت و کلمات صدای صحبت و مجلس سلطانی و تمرات اتحادیه

داستعمال ستی و غیر مرضه حقه هر جا هست باعث فتنه و فساد است چنانکه در او آسمیخ داب و حیات مستحبات بغیر از تعزیه آب کربه دارست جز کو لیل

مسلمانی باشد بکدام رواج و حیات مسلمانی نیز وهم اگر صد رشته ین در خواستن نماز و کوره قرائت دارد طمانینه ازاول تکبیرة الاحرام تحیله

و اضطراب سلام نماز آنچه همه نیست یک کلمه قرائت و طمانینه ندارند و حال اینکه هر جور در تمامی او کار و افعال نماز و حبس کند یک کلمه نیابد قرائت را

با طمانینه عمل آورند بلکه نماز با قاعده اسباب معتبر دیگر و حافظت و تغییر نیست پندارند مابین نماز متعارف به عمل کشند کدام فرقه

این بدعت را ترویج داد غیر از عالم صورتان معتمد غیر از موافق بکلمه تمیز حرف و قرائت نماز کار است فرموده هزار ملک با جمیع [illegible]

در هر روزی با امر الهی نازل شوند لعن و طعن کنان و سرزنش و وعده عذاب جهنم دور کات دو نماز و فایده نماز حقیقی [illegible]

در اینجا برای علما سعی چنین موافق حال و افعال شان چنانکه مشهور است مجتهد مشهور الفاضل مازندرانی در زمان کفر روضه خوانها داخل منابر [illegible]

چند مسئله بگویند بعد روضه بخوانند اگر چه ندانند بیاموزند با اینکه موقوف نمایند از زمان در اندک وقتی روضه خوانان مسئله دان گشتند

خاتم الانبیاء در وقت ارتحال بدو چیز که حیات دین در محبت اهلبیت بود سر او قرآن نماز بزرگترین حیات دین بجهت و فضل مجالس چهار مجلس است اول

مجلس علم ذکر احکام الله و حیات دین دوم مجلس ذکر فضایل آل محمد سوم مجلس مصائب آل محمد چهارم مجلس قرائت قرآن با ترتیب

مذکور و دانستن که فضایل عزاداری و قرآن خواندن دقت تمام و تحقیق و ملتفت نتایج حق باشند که لغو نشود و از افضل مجالس مجلس تعداد و جامع باشند

بدون معرفت و علم مشکل است تحقیق بدون جهه مجلس دیگر روز ضعیفه آمد که حضرت فاطمه زهرا را و مسئله سؤال نموده خواست بیشتر دیگر جسارت نمام

از سؤال نمیکنم حضرت فرمودند سؤال کن عرض کرد ضعیفه زیاده زحمت دادم الحال فرمودند پرسش از دم [illegible] شدم مسئله دیگر

از احکام الهیه بگویند بهتر از آنست که ستاره ستاره در راه خدا انفاق نماید و در روایت دیگر است از [illegible] بهتر از دنیا و ما فیها

حضرت سید الشهداء در حضرت سؤال نمود که در تو این شخص چه مرتبه و صحبت و رفاقت بود عرض کرد مرتبه ای بود که چند مسئله

آموخته بود قرائت و رفاقت زیاد میان ایشان نه اشتند حضرت فرمودند که ام رفاقت بهتر ازین بهر چه جرئت در مقابل علم

چیزی که حیات آموخته ایمان باشد چه مقام است ملتفت باشند در حق او فرمایند فلینظر الانسان الی طعامه بحمل یک مسئله باعث احیای

الکل نمانند و هذا آخر و من احیاها فکانما احیی الناس جمیعا و بینه قلب و دل در اضطراب خیر ونشر است که نه علامات

و ثمره توبه ان الله یحب التوابین و یحب المتطهرین اول منصب انبیاء است منصب حوم ان یبدل الله سیئاتهم حسنات منصب

آنست که حاملان عرش برای او توبه دانا به نماید که ابتدا نفر چهار نفر ایشان هم روایته از اولین و چهار نفر از آخرین اما اولین نوح

و موسی و عیسی اما از آخرین که برای مستغفرین استغفار و طلب آمرزش نمایند محمد و علی و حسن و حسین علیهم السلام هستند

اگر چه مشهور میان مردم است ملک سنگدلی منافات ندارد با در این جبل جبار و جمیع آنها سه ماه ای باکوانی و جبانمودی که اینکه [illegible]

حال تغلیط تمامی انسان همیشه غلطهای نفس حسابها بشمارد و ماند و علاج توبه انسانی بکند که هر روز همیشه و حرف الصراحت هر ذرا

و مفروغ حسابها با صاحب این منصب که دو هزار ملک مذکور مزده عذاب فروزنج و نار ونار دو سر و سرا تا توانند صحبت دور

نماز و متعلقات نماز مسلمانی نماید نه اینکه بلا ابالی و تخریب دین حق و دیگران ولسیح علم قرائت و صحت نماز را

و خواطر جمیع مبتول سر را عوام که نه نهایت دارند و نه حقیقتی ازجه از مسلک ستم و حیات نماید حرز رفیق ضبط کوره که علم قرائت

تو دوستی بهر رشته نیست که در حقیقت دشمن و حیات دوستی بی حقیقت با خدا و رسول و امیر المؤمنین است و مکتب در علم قرائت جرات

از دشمنی علم قرائت قاریان فکر ملاحظه کن که دشمنی امام عصر حق با آنها و لعن و قتل امام حسین و جوانان و اولاد [illegible]

صد امیدوار که از دوستی ایشان و کشته چشم و گوش بشنو که ایشان را این قدر لعن بکن آن کسانیکه در ذکر و فکر علم و قرائت

قاریان رسم تازه تر هستن حیات شرع و دین مشمار علم مسلمانی برافراز و در اذان همه نماز بجهت که حی علی الفلاح و حی علی خیر العمل بجاست

نماز معنی را بسه ملاحظه نمود امامت مسلمانان که صراط مستقیم فلاح و خیر اعمال است بر عکس و انکه کدام مفسد و مانع و

فلاح خود بگویش که فردا در شب اول قبر بعد از حساب دین قرار فلاح و نماز خواهند پرسید از سایر اعمال و طاعات مجاب در محشر نماز قبول

اعمال ایشان هلاکت قبل باشد دان روز رد ما سواه روز محشر که جانکاه اولین پرسش از نماز بلکه اگر نماز قبول شد اصل دین مسلم این

این مشمار در پیروی قرشی کنند در زنجیر باقی تو خواهد شد موعظه و مسلکی دیگران قید دیگر است خواهد شد قرآن و احکام قرآن مگر از این و دین

عزیز و مستوی کسی دو تو ییکانه از اعمال حق ما کرد نمیدانم تا کی با ما خلا هیچ سایر آداب شرایط نماز و مستوی و بی سواد تغییر در صحت خوانیم

۴۳۶

در موعظه خدا بر آن عالم صورتان و سمتیان نماز و ادات

۳۷

اگر بوجوب وجوه علم قرآن و صحت حمد و سوره معتقد نباشی که نیست خاتم انبیا و قرآن اسم اعتقاد نخواهی کرد و اگر کیفیت قرآن و خاتم مقر باشی [illegible]

آیات او فراموش کرده است [illegible] اجتماع ضدین [illegible] احکام قرآن و [illegible] خاتم [illegible]

و واقف با این آیات مخالف نباشد که خداوند میفرماید در سوره بقره واستعینوا بالصبر والصلوة ان الله مع الصابرین [illegible]

و او آب نماز [illegible] و در شکل و صورت نماز [illegible] برای [illegible] بزرگ [illegible]

در آیه دیگر [illegible] ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احیاء ولکن لا تشعرون ولنبلونکم بشیء

من الخوف والجوع ونقص من الاموال والانفس والثمرات وبشر الصابرین الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا انا لله وانا الیه

راجعون اولئک علیهم صلوات من ربهم ورحمة واولئک هم المهتدون و قال [illegible] الذین آتیناهم الکتاب یتلونه حق تلاوته اولئک

یؤمنون به ومن یکفر به فاولئک هم الخاسرون یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی التی انعمت علیکم وانی فضلتکم علی العالمین

و قال [illegible] ان الذین یکتمون ما انزلنا من البینات والهدی من بعد ما بیناه للناس فی الکتاب اولئک یلعنهم الله ویلعنهم اللاعنون

الا الذین تابوا واصلحوا وبینوا فاولئک اتوب علیهم وانا التواب الرحیم ان الذین کفروا وماتوا وهم کفار اولئک

علیهم لعنة الله والملائکة والناس اجمعین خالدین فیها لا یخفف عنهم العذاب ولا هم ینظرون والهکم اله واحد

لا اله الا هو الرحمن الرحیم و قال [illegible] یا ایها الناس کلوا مما فی الارض حلالا طیبا ولا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین

انما یأمرکم بالسوء والفحشاء وان تقولوا علی الله ما لا تعلمون [illegible] و قال [illegible] ان الذین یکتمون ما انزل الله

من الکتاب ویشترون [illegible] الضلالة بالهدی والعذاب بالمغفرة فما اصبرهم علی النار ذلک بان الله نزل الکتاب بالحق وان

الذین اختلفوا فی الکتاب لفی شقاق بعید و قال [illegible] لیس البر ان تولوا وجوهکم قبل المشرق والمغرب ولکن البر من آمن بالله والیوم

الآخر والملائکة والکتاب والنبیین وآتی المال علی حبه ذوی القربی والیتامی والمساکین وابن السبیل والسائلین وفی الرقاب واقام

الصلوة وآتی الزکوة والموفون بعهدهم اذا عاهدوا والصابرین فی البأساء والضراء وحین البأس اولئک الذین صدقوا واولئک هم المتقون

[illegible] بخدا این آیات [illegible] مستند با علایم ذکر خدا یک نکته [illegible] احتیاطی دشمنی دارند [illegible] اگر باحث نکته کریم نماید اهل علم [illegible]

جواب معلوم است که مخاطب حضرت علما [illegible] عبارت [illegible] بطور طلاق [illegible]

مراد کسانی از عالم صورتانست که مصداق [illegible] در اسم [illegible] نماز [illegible]

[illegible] نماز [illegible] و در صراط مستقیم دین [illegible] اختراعی و بدعت [illegible] عوض بدل [illegible] رسوم [illegible]

که معاویه ابن ابی سفیان و یزید و ابن زیاد این کار [illegible] سال قبل بر این کثرت و قوت و ترویج [illegible]

که در خواطر [illegible] مؤلف [illegible] حاضر [illegible] که اطفال [illegible] از ده ساله نماز [illegible] احتیاطی [illegible]

[illegible] این بدعت [illegible] نماز اختراعی دادند بعد از همه خرابی عالم [illegible] عاقبتی [illegible]

صورتان معنی [illegible] موافق معنی [illegible] العالم فتنة العالم [illegible] فساد [illegible]

و اگر کلمات [illegible] عیب [illegible] نسبت [illegible] که جواب [illegible]

[illegible] مخالفت و معاندت [illegible] کفار [illegible] عذاب [illegible]

و خیال کفار [illegible] بقا در دنیا [illegible] مخالف [illegible]

مخالف کفار [illegible] مخالفت [illegible] مخالفت [illegible] عذاب [illegible] جهنم [illegible]

در عالم معنی [illegible] ترویج بدعت و ضلالت [illegible] ترویج دین [illegible] شیطانی [illegible]

[illegible] علم قرآن [illegible] شیطانی [illegible] عالم [illegible] مخالف قرآن [illegible]

و القا و دوام کفار [illegible] از عذاب [illegible] دین اسلام [illegible]

و در حدیث [illegible] بعد از [illegible] اللهی [illegible] علم قرآن [illegible]

در اشاره باسباب احاطه کامله فساد عالم بعد در این زمان آخر

و خلاصه قرائت و گذشتن دین محمدی و گشتن دنیا بمانند نعمت آل محمد است سرچه کوهم کم است که خدا مر انبیا را عقیب به کوی عالمان و در حق ثواب انبیا در اول کتاب اجمالا بیان شده است و عالمان کوه انداره ذلت بالمعنه بالا از این در رتبه ثبت کی عقیب

نسخ علم قرائت و قاریان و عوض بدل کردن نماز جنبانی آن و نماز بدعت اختراعی امر ارد دست بعد محمد را ضایع نماید و تولید

انبیه فساد و کونا گون و مرد داشته شدن برکتها و انواع خون ریزیها و تصرف در مال عیار و برداشته شدن امر معروف و نهی از

منکر و برداشته شدن در سرها خدا خواه در عوض و در سرها مال محبت و غیبت و دروغ دل کشان و صفات رذیله و شکستن

اثبات حدیث اذا فسد العالم فسد العالم است یا معنی حدیث ... [illegible]

[illegible] الراحة از منافقین که گشته ... [illegible] تمام آیات قرآنی که در این مجموعه ذکر ... [illegible]

این حکایت لااُبالی مغرورین شایع خطا داشته باشند ... [illegible] از انکار عقل صاحبان انصاف و مروت و ... [illegible]

در فضیلت و ثواب و جوب نماز و عقاب تارک نسخ نماز و قاریان و اگر نماز قارئین چنبلی است ... [illegible]

که در حقیقت به اعتنا بحد ادراک لکن است که از زبانی ... [illegible]

مواضع اخبار بسیار از ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین ... [illegible]

که اگر خواستند توبه نمایند ... [illegible] عالم در آن عقیده ... [illegible]

استعمال شده است جسمیه انواع مفاسد خلاف ... [illegible] حمد و سوره و نماز و عقود و ایقاعات و دین اسلام ... [illegible]

که تا بیند ... [illegible] علم قرائت ... [illegible]

حروف بقدر احتیاج ... [illegible] واجب و سنت و حرام و باطل و مکروه ... [illegible] حروف و کلمات ... [illegible]

هیات اخذ العلم من افواه الرجال این علم شریف است و متعلق بعلم فقه است چنانکه این علم ... [illegible]

عالم اصول و فقه و سایر علوم ... [illegible]

و در شیطنه ... [illegible] شرح کافی با جعفر ... [illegible]

علم نادارا در کلام خدا تشبیه ... [illegible] مثل الذین حملوا التورية ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا بئس مثل القوم الذین

کذبوا بآیات الله والله لا یهدی القوم الظالمین قل یا ایها الذین هادوا ان زعمتم انکم اولیاء لله من دون الناس فتمنوا الموت ان کنتم

[illegible] ولا یتمنونه ابدا بما قدمت ایدیهم ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

و اگر کلام الهی ... [illegible] هذا بیان للناس و هدی و موعظة للمتقین

... [illegible]

مواعظ کتب و آیات قرآنی ... [illegible] واتقوا النار التی اعدت للکافرین و اطیعوا الله و الرسول لعلکم ترحمون

وسارعوا الی مغفرة من ربکم و جنة عرضها السموات و الارض اعدت للمتقین ... [illegible]

... [illegible] اولئک الذین اشتروا الحیوة الدنیا بالآخرة فلا یخفف عنهم العذاب و لا هم ینصرون و استعینوا بالصبر

و الصلوة و انها لکبیرة الا علی الخاشعین الذین یظنون انهم ملاقوا ربهم و انهم الیه راجعون ان الذین کفروا سواء علیهم

ءانذرتهم ام لم تنذرهم لا یؤمنون ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصارهم غشاوة و لهم عذاب عظیم و اذا قیل لهم لا

تفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون الذین آتیناهم الکتاب یتلونه حق تلاوته اولئک یؤمنون به و من یکفر به

فاولئک هم الخاسرون یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی التی انعمت علیکم و انی فضلتکم علی العالمین یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر

و الصلوة ان الله مع الصابرین و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احیاء و لکن لا تشعرون و لنبلونکم بشیء من الخوف و

الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرین الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا انا لله و انا الیه راجعون اولئک

۴۳۶

باب هشتم در بیان وجوب امور دنیا و آخرة میزان عدل انصاف

باب هشتم در اشاره میزان امور دنیا و آخرة

علیهم صلوات من ربهم ورحمة واولئک هم المهتدون

[illegible] که ارادهٔ مطلق که ازلی و ابدی است یعنی اول اظهار اسرار [illegible] واحدی [illegible]

[illegible] ارادهٔ الله متعلق شد بوجه عقلی [illegible] موافق آیات و اخبار [illegible] کن که [illegible] نور مبارک خاتم الانبیاء [illegible]

[illegible] افلاک [illegible] کلمه مذکوره کن مجمع حروف منقطعه است [illegible]

[illegible] حروف مذکوره منقطعه [illegible] اسرار [illegible] حضرت حق است میان حبیب و محبوب و قرآن با کلمات [illegible]

[illegible] اسرار احکام و اشارات [illegible] بتعلیم تنبیه محمد و آل محمد [illegible] حروف [illegible]

[illegible] که تمامی حروف قرآن [illegible] اسم شیطان و [illegible] ضلال و حرام [illegible] عصیان [illegible]

[illegible] ترک حرام [illegible] حروف [illegible] حروف و کلمات قرآن [illegible]

[illegible] علم قرائت حروف و کلمات [illegible] لسان عرب [illegible]

مخارج حروف [illegible] علم قرائت کلام [illegible]

[illegible] علم قرائت صحیح [illegible]

[illegible] مصداق رب تالی القرآن والقرآن یلعنه چنانکه در قرآن [illegible]

[illegible] که بای این علم شریف [illegible]

[illegible] نماز [illegible] عالم صورت [illegible]

[illegible] عالم ارواح ایمان [illegible] نماز [illegible] فاضل [illegible] محمد و آل محمد [illegible] نماز صحیح [illegible]

[illegible] محبت آل محمد [illegible]

[illegible] حروف [illegible] نفس [illegible] خانواده محمد و آل محمد [illegible]

[illegible] هزاران [illegible] اسرار و معانی [illegible] کفر [illegible]

[illegible] حروف قرآن [illegible] احکام و اسرار و تعلیم [illegible]

کلمات سورهٔ حمد [illegible] سورهٔ مبارکهٔ حمد [illegible] کلمات [illegible] حدیث صحیح [illegible]

[illegible] یا بسم الله [illegible]

[illegible] الحمد [illegible]

[illegible] المطر الضعیف [illegible]

[illegible] صراط [illegible]

[illegible]

[illegible] صراط [illegible] العظیم [illegible]

[illegible] ضاد [illegible]

[illegible] البعیر [illegible]

[illegible] معلوم است که کافر [illegible] قرآن [illegible]

[illegible] قرآن [illegible] نماز [illegible]

[illegible] احکام اسلام [illegible] عالمان [illegible]

[illegible] حروف و کلمات قرآن [illegible] کتب قرائت تالیف [illegible]

[illegible] مختصر کتاب [illegible] شرح [illegible]

[illegible]

فاولئک هم الکافرون [illegible] فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون بالبینات [illegible]

اشاره بمناقب انوار مقدسه آل محمد و تجلی حروف کلمات مشکات

کتب و صحف سماوی از اول ذکر آل محمد و بعد از ایشان علمای عاملین حاملین محبت از فاضل طینه طیبه آل محمد که قدم از دایره [illegible]
نمیگذارند و در اقوال و افعال که همیشه در خوف و خشیت ترسان و لرزانند تابع موالی خود و شیعیه الله شیعیان آل محمد باسم مؤمن
مشتق منه در حدیث مشهور که فالمؤمن [illegible] در حسن صورت خالق که نعوذ بالله که خدا جسم [illegible] بلکه در حسن اخلاق
هرچه خلاف اراده نماید [illegible] و باقی دائم [illegible] از صفات الله [illegible] صاحب اراده [illegible] از معانی
و اشارات و رموز کلمه کن و خلقت نور محمد با کلمه اول و خلقت [illegible] عقل کل [illegible] کامل [illegible]
و مطلع بطلعت اکرم اعظم [illegible] حروف مقطعه [illegible] کلمة الله الاعظم قرآنی [illegible]
مجمع خزاین انوار جواهرات احکام الله صورت [illegible] کلمات قرآنی که معانی [illegible] بطن [illegible] جواهرات معانی
[illegible] در فهم [illegible] عقد ایشان [illegible] چنانکه [illegible] سوره [illegible] آیات والفاظ [illegible]
[illegible] بتعلیم [illegible] آل محمد [illegible] حرام و حلال حروف و کلمات قرآنی اگرچه [illegible] شیطان فرعون [illegible]
[illegible] اکثر عالمان بی عمل [illegible] در تغییر و تبدیل مخارج [illegible]
نماز و قرآن خواندن [illegible] نماز [illegible] قاریان [illegible]
[illegible] چنانکه [illegible] حرام [illegible]
[illegible] نماز و قرآن خواندن [illegible] صلالت و گمراهی
بطلان [illegible] طاعات [illegible] حقیقت [illegible] امام [illegible]
صحت نماز و قرآن [illegible] قرائت [illegible] آداب حروف و کلمات [illegible] تعلیم و تعلم [illegible]
[illegible] ابوجهل [illegible] میزان و اندازه تمامی کارها [illegible] میزان [illegible]
[illegible] کارها که انسان و حیوان را لازم است [illegible] نماز [illegible]
[illegible] حیوان و انسان [illegible]
نماز [illegible] قاعده و قانون [illegible]
باشد و قرائت [illegible] موافق [illegible]
پس محقق است [illegible] باسم [illegible] آل محمد باشد یعنی از فاضل طینه آل محمد [illegible] قواعد [illegible]
یقین صادق و کامل [illegible] آل محمد محبت [illegible] علم و عمل [illegible]
عجب در اینست که اکثر علمای ما در این زمان [illegible] علم شریف [illegible] علم [illegible]
[illegible] کلمات [illegible] تعلیم و تعلم [illegible] نماز [illegible]
[illegible] علمای معتبرین [illegible] نماز [illegible]
اشاره باینکه نماز و قرائت [illegible] نعوذ بالله [illegible]
[illegible] قاریان [illegible] خارج از دین [illegible]
و خارج مذهب [illegible] از افلاک [illegible]
ذکریه و روضه خوانی و مجلس عزا [illegible]
تماشا مردم باشد [illegible] نعوذ بالله [illegible] حقیقت [illegible]
[illegible] معویه ابن ابی سفیان [illegible] حضرت امام حسن [illegible] امیر المؤمنین [illegible]
[illegible] اللهم [illegible]
قل هل ننبئکم بالاخسرین اعمالا الذین ضل سعیهم فی الحیوة الدنیا وهم یحسبون انهم یحسنون صنعا اولئک الذین کفروا بآیات ربهم ولقائه فحبطت اعمالهم فلا نقیم لهم یوم القیمة وزنا

در اشاره بعوالم خلقت انسانی

قال الله تعالی الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هدیهم الله و اولئک هم اولوا الالباب و قال و لقد
ضربنا للناس فی هذا القرآن من کل مثل لعلکم یتذکرون قرآنا عربیا غیر ذی عوج لعلهم یتقون و قال قد افلح المؤمنون
الذین هم فی صلواتهم خاشعون والذین هم عن اللغو معرضون والذین هم للزکواة فاعلون و الذین هم علی صلواتهم
یحافظون اولئک هم الوارثون الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون و قال فاقیموا الصلواة و آتوا الزکواة و اعتصموا
بالله هو مولیکم فنعم المولی و نعم النصیر و قال انما یخشی الله من عباده العلماء ان الذین یتلون کتاب الله و اقاموا الصلواة
و انفقوا مما رزقناهم سرا و علانیة یرجون تجارة لن تبور لیوفیهم اجورهم و یزیدهم من فضله انه غفور شکور
والذی اوحینا الیک من الکتاب هو الحق مصدقا لما بین یدیه ان الله بعباده لخبیر بصیر ثم اورثنا الکتاب الذین اصطفینا
من عبادنا فمنهم ظالم لنفسه و منهم سابق بالخیرات باذن الله ذلک هو الفضل الکبیر و قال انما تنذر الذین یخشون
ربهم بالغیب و اقاموا الصلواة و من تزکی فانما یتزکی لنفسه و الی الله المصیر و ما یستوی الاعمی و البصیر و لا
ان الله یسمع من یشاء و ما انت بمسمع من فی القبور ان انت الا نذیر و ان من امة الا خلا فیها نذیر و قال
فی سورة الصاد یا داود انا جعلناک خلیفة فی الارض فاحکم بین الناس بالحق و لا تتبع الهوی فیضلک عن سبیل الله
لهم عذاب شدید بما نسوا یوم الحساب و ما خلقنا السماء و الارض و ما بینهما باطلا ذلک ظن الذین کفروا من النار
ام نجعل الذین آمنوا و عملوا الصالحات کالمفسدین فی الارض ام نجعل المتقین کالفجار کتاب انزلناه الیک مبارک لیدبروا
آیاته و لیتذکر اولوا الالباب و قال لا تحسبن الذین کفروا معجزین فی الارض و ماویهم النار و لبئس المصیر

از وقت خلقت نطفه انسانی تا نفس [illegible] تا عالم حساب [illegible] که اهل [illegible] هزار عالم
در احوال [illegible] دارد [illegible] میزان [illegible] که از اول عالم انوار [illegible] عرش و لوح و قلم
[illegible] محمد و آل محمد [illegible] عوالم [illegible] حساب و احوال [illegible]
[illegible] سعادت و شقاوت و ایمان و کفر [illegible] الشقی شقی فی بطن امه [illegible]
[illegible] عوالم [illegible] عالم است چنانکه عوالم [illegible]
عالم [illegible] تا روز قیامت [illegible]
[illegible] که [illegible] عالم [illegible] بلکه [illegible]
[illegible] عوالم [illegible] عوالم تازه [illegible]
عوالم [illegible] بعد از این [illegible] عوالم [illegible]
باختیار [illegible] عالم [illegible] اختیار [illegible] عوالم [illegible]
[illegible] سقیفه [illegible] اعظم [illegible] کربلا [illegible]
[illegible] اعظم [illegible] عالم [illegible]
[illegible] امام حسین [illegible] امیر المؤمنین [illegible]
نماز [illegible] سلطنة [illegible]
[illegible] نماز [illegible]
و کفار [illegible] قرآن [illegible] الذین کفروا
[illegible] و قال الذین کفروا لا تسمعوا لهذا القرآن والغوا فیه لعلکم تغلبون فلنذیقن الذین کفروا
عذابا شدیدا و لنجزینهم اسوأ الذی کانوا یعملون ذلک جزاء اعداء الله النار لهم فیها دار الخلد جزاء بما کانوا بآیاتنا
یجحدون و قال الذین کفروا ربنا ارنا الذین اضلانا من الجن و الانس نجعلهما تحت اقدامنا لیکونا من الاسفلین و قال
و یوم یحشر اعداء الله الی النار فهم یوزعون حتی اذا ما جاؤها شهد علیهم سمعهم و ابصارهم و

و شرایط تعلیم نماز گذار
اشاره بعلائم و نتایج ایمان

وجلودهم بما كانوا يعملون وقالوا لجلودهم لم شهدتم علينا قالوا انطقنا الله الذي انطق كل شيء وهو خلقكم اول مرة واليه ترجعون وما كنتم تستترون ان يشهد عليكم سمعكم ولا ابصاركم ولا جلودكم ولكن ظننتم ان الله لا يعلم كثيرا مما تعملون وذلكم ظنكم الذي ظننتم بربكم فاصبحتم من الخاسرين فان يصبروا فالنار مثوى لهم وان يستعتبوا فما هم من المعتبين

پس نماز بمنزله اکسیر است که اعمال را قبول درآورد اگرچه در جمله معیوب و مغشوش باشند بمنزله نماز صحیح اگر معیوب باشد تمامی اعمال صحیح را باطل و لغو نماید [illegible] مقاصد بسیار [illegible] که اگر بعد از آن اولاد باشد از عیال حقه ولد الزنا باشد و بعد از آن تمامی زنان عالم برا[و] حرام است [illegible] نماز حج و اعمال حج [illegible] [illegible] که بعد بزوجه حقه با نکاح دیگران اقدام نماید و با منزله ولایت و امامت باید صحیح باشد و صحیح بودن نماز اگرچه اقل واجب نماز اگر ادا و [illegible] باشد [illegible] صحیح [illegible] نماز علما و طلاب تا طریق احتیاط [illegible] [illegible] نامه عمل کردن بکرده است لا بد بحرام مبتلا شده [illegible] حرام [illegible] در تعلیم دیگران و در ارتکاب نماز حقه باطل [illegible] از صحیح درست [illegible] و جواز تمیز ندارد لابد همیشه در ضلالت [illegible] دیگران در گرداب حیرت [illegible] هر عمل باطل است اگرچه صحیح [illegible] [illegible] لازمه آن ارتکاب [illegible] صحت [illegible] ولا اباله بناء بصحت که از دست تمام باطل [illegible] بعد از تعلیم [illegible] [illegible] اهل خبره عادل [illegible] قاریان عادل در هر زمانی نسبت بر کلامت و جهارت هر کسی [illegible] باید همیشه [illegible] نماید تا خاطر جمع [illegible] موافق شرع [illegible]

[illegible] از وسواس نباشد تمیز حروف کافی است پس در حق این نماز گذار موجب است که [illegible] در رساله [illegible] و صرافی اهل خبره [illegible] [illegible] هر عمله [illegible] دلا اباله [illegible] و حکایات [illegible] شیطان [illegible] [illegible] ملبس [illegible] [illegible] [illegible] نباید داد [illegible] هر معلم [illegible] عالم [illegible] [illegible] [illegible] خود نماز [illegible] ملبس [illegible] [illegible] آشکارا نماید [illegible] و اضح اول شرط تعلیم است در علم قرائت اهل خبره باشد اگرچه [illegible] شرط دوم صرافی [illegible] نفر اهل خبره عادل است [illegible] اهل خبره [illegible] عدالت داشته باشند شرط سیم [illegible] بعد از ملکه [illegible] [illegible] نسبت [illegible] در هر هفته یا در ماهی صرافی نماید که خاطر جمعی [illegible] [illegible] اگرچه [illegible] [illegible] [illegible] بعد از آن که [illegible] [illegible] شرایط تعلیم [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] قاریان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سی سال نماز [illegible] عوض [illegible] [illegible] زمان [illegible] باشد [illegible] مسلمان زمانی [illegible] مردم [illegible] [illegible] مسلمان [illegible] [illegible] این زمان [illegible] [illegible] [illegible] عوض [illegible] حضرت امام محمد باقر [illegible] [illegible] حرام [illegible] [illegible] لازم است [illegible] [illegible] حرام [illegible] [illegible] حرام [illegible] [illegible] حرام [illegible] بعضی از علما [illegible] [illegible] دانسته [illegible] [illegible] حرام [illegible] [illegible] [illegible] احتیاط [illegible] [illegible] [illegible] در تعلیم [illegible] نماز [illegible] [illegible]

در بیان اینکه در وقت خواندن نماز حاضر باشند و اظهار [illegible]

[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم

و اهل سنت عمل نمایند بلکه بی [illegible] کنند که از اسباب لغزش عمده [illegible] الصلوة ملیاشند با [illegible] چه اعیان [illegible] که [illegible]

باسم [illegible] [illegible] شرع [illegible] دارد که شرع [illegible] مطلوب با عمال حسنه صلیه آن چه طور [illegible] [illegible] که چند سال [illegible]

کرده باشد که جهارت با صلوات حسنه صلیه رسانیده باشد و حال آنکه [illegible] صلیه آنچه [illegible] ملاحظه ندارد اگر در زمان [illegible]

هر یکی از آداب دین خواسته [illegible] در ترویج دین [illegible] [illegible] بعض عباس فرصت امان ندادند [illegible]

رسید آنحضرت [illegible] اهلبیت [illegible] و قصهٔ کربلا [illegible] هزار قبل از [illegible] و جمیع فساد هم عالم [illegible]

هزار فساد دفعهٔ کربلاست چنانکه صادق آل محمد فرمود [illegible] داده که فساد [illegible] هزار فساد این زیاد در کربلا [illegible]

میباشد محقق است که این فساد هم عالم هزار [illegible] است زیرا که [illegible] است که [illegible] [illegible]

[illegible] کار [illegible] و تقویت [illegible] در [illegible] منافقین که [illegible] باعث آن [illegible]

که روز بروز [illegible] باشد بعد از دفعهٔ کربلا [illegible] متصور نیست مگر باین کار [illegible] و عوض [illegible] نماز [illegible]

دفعهٔ کربلا [illegible] باشد و [illegible] کتاب [illegible] [illegible] که [illegible] در عالم هیچ مصیبتی و دفعهٔ [illegible]

فساد است چنانکه [illegible] اخبار از سید [illegible] سوال کرده که کدام مصیبت شما بزرگتر است [illegible] فرمود علیه السلام [illegible]

[illegible] در بیان [illegible] کربلا [illegible] از [illegible] [illegible] که [illegible] در عالم چه مصیبت و چه ظلم [illegible]

مرتضی و فاطمه زهرا و تمامی اهلبیت [illegible] عرض کرده [illegible] عظیم [illegible] اظهار [illegible] چه طور [illegible] [illegible]

مرتضی و اهلبیت [illegible] امام حسین [illegible] فرموده علیه السلام پس محقق است که [illegible]

[illegible] و روضه خوانی و گریه کردن و اظهار [illegible] از [illegible] است که [illegible] هیچ [illegible] مصیبتی [illegible]

اگر فی الجمله از علم قرائت خبردار باشی میدانی که در عالم فساد عظیم [illegible] اعظم مصائب [illegible]

[illegible] اگر چه [illegible] تقیه [illegible] تا ظهور حضرت حجة الله چنانکه [illegible]

[illegible] [illegible] در نماز جماعت [illegible] برای محافظت جان شیعیان [illegible] فرموده فضیلت نماز جماعت [illegible]

[illegible] که هر که [illegible] نماز جماعت [illegible] باشد نماز جماعت [illegible] حاضر شود بروایت دیگر هر که [illegible] امام [illegible]

[illegible] نماز ایشان حاضر باشد و بروایت دیگر [illegible] چنانکه [illegible] در هر مجلسی که نماز جماعت [illegible]

باشند [illegible] شیعیان [illegible] بر فرض شیعه [illegible] از جمله آداب [illegible] منافقان [illegible]

و در صف ایشان نماز [illegible] بقرائت و اذکار همه [illegible] آهسته [illegible] ایشان [illegible] و اگر [illegible]

[illegible] با ایشان برکوع [illegible] سوره [illegible] [illegible] اگر توانی دعای قنوت میخوانی [illegible] [illegible]

[illegible] برکوع [illegible] و [illegible] و سجود [illegible] حالات [illegible] ایشان [illegible] و این نماز تقیه [illegible]

فرموده [illegible] محافظت جان و مال [illegible] شیعیان [illegible] اگر درست ملاحظه نمائی معلوم [illegible] [illegible]

[illegible] که امام عصر [illegible] سال [illegible] که [illegible] [illegible] فرماید [illegible] امام [illegible]

ترویج [illegible] نماز [illegible] [illegible] که مروج نماز [illegible] [illegible]

[illegible] فساد [illegible] ترویج [illegible] [illegible] نفوس [illegible] [illegible] قرائت [illegible]

قدیم که [illegible] در رسالهٔ [illegible] اقرار [illegible] داشته اگر [illegible] [illegible] قرائت نماز [illegible]

دارد مع ذلک [illegible] منافی [illegible] علم قرائت و [illegible] نماز [illegible] احتیاطی هستند [illegible]

[illegible]

در علائم بعضی از اسباب صاحبان ایمان و اخلاص و خلوص

قلم از بر...

بدارند که عیب اقتدای ایشانست پس دو صنف توان گفت بواسطه عدم ملاحظه آخر نتایج کلام حق هوای صرف ما انزل الله
استعمال شئ در غیر موضعه حق و یک صنف دیگر برای گفت دنیا فتوای خلاف ما انزل الله ... بس الزم ...
و ضبط در تمامی کلمات و سؤال جواب مردمان ... در رأی و صحبت ایشان باید با تعرض معرفت حال ...
مفید نمی افکنند با حب دنیا روزی در اوقات اقامه و مسلک ... در علیه اسلامی که ...
... چند سالی بعد از قضایای عجیبه که نقل نموده از ملت ایتالیا یکی مدعی سنه ۱۳۲ ... که صنعتی ...
توانم تمامی جعبه خانه و باروط و آلات باروط دشمنان و سلاطین ... که قوه ...
بسیار اعزاز و اکرام بی حساب میکرد برای جمع آوری اسباب ...
آن شخص گریخته و کلام ... خوب گفته است بواسطه تامل و تفکر ...
برای دولت و ملت جعفر نام بهتر از صنعت ملت دیگر صلاحیت دارد ... خیلی خوب گفته ...
که بهتر از صنعت و حرفت ... که اثنی عشر را صبح و شام علی الدوام مطالعه ...
و قدر دانا را اکثر معتبری ... در موعظه خدا و صحت و سقم ... اثنی عشری مذهبان و شیعیان ...
فریقین که مسلم سنی و شیعه که اسلم طریقه فریقین ترجمه الصلوات ...
... فساد مصداق کلمات خبر ... خاتم الانبیاء ... از لوازم دین ...
که مسلمانان ... قرآن خبر داده ...
و الرسول لعلکم ترحمون و سارعوا الی مغفرة من ربکم و جنة عرضها السموات والارض اعدت للمتقین ...
یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزوا و لعبا من الذین اوتوا الکتاب من قبلکم و الکفار اولیاء ...
... براه صحت ... با غیران و تمامی ... این محل ... که خواست خدا ...
و الزم دین مسلمان است ... در زیارت و حج و جهاد باشد چنانکه اعظم ...
عزاداری و فضایل آل محمد ... تمامی معاصی و ملاهی و مخالفات ... مؤمنین ...
اهل منبر ... شیاطین اربعه نفس و ابلیس و حب دنیا و عادت ... شخص مؤمن ...
از مخالفات ... اهل منبر ... شیطانست ... همه مخالفات ...
... مذهب و غیرت و حمیت ... اسلام و مسلمانی ... مخالفت ...
مصداق حال عالم عامل و مؤمن صادق این است که خداوند در قرآن ... المؤمنون و المؤمنات
بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و یطیعون الله
و رسوله اولئک سیرحمهم الله ان الله عزیز حکیم وعد الله المؤمنین و المؤمنات جنات تجری من تحتها الانهار
خالدین فیها و مساکن طیبة فی جنات عدن و رضوان من الله اکبر ذلک هو الفوز العظیم المنافقون
و المنافقات بعضهم من بعض یأمرون بالمنکر و ینهون عن المعروف و یقبضون ایدیهم نسوا الله فنسیهم
ان المنافقین هم الفاسقون ... دشمن از مؤمن و منافق است ...
بلکه ... میان مسلمین ... مؤمنین ... العالم ...
... باشد ... شیطان ...
حضرت ... مسجد ضرار ... مسجد ... خداوند خبر ...
والذین اتخذوا مسجدا ضرارا و کفرا و تفریقا بین المؤمنین و ارصادا لمن حارب الله و رسوله علائم ایمان ...

در لطف محبت الهی با مؤمنان

ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم واموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون ویقتلون وعدا
علیه حقا فی التورية والانجیل والقران ومن اوفی بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به وذلک هو
الفوز العظیم التائبون العابدون الحامدون السائحون الراکعون الساجدون الآمرون بالمعروف والناهون
عن المنکر والحافظون لحدود الله وبشر المؤمنین [illegible] که مقصود حق تعالی از خلقت دنیا و مافیها مناسب لطف و مهربانی خود با
بنده ها بازار تجارت و خرید و فروش است [illegible] منافع کثیره ما و استراحت باقی ما [illegible] چنانکه خالق و رازق و مستغنی است [illegible]
این بنا بمنزله لطف و مهربانی است نسبت بمملوک خود اگرچه کافر باشد و خود بمنزله مشتری و ما [illegible] صاحب مال در مرتبه [illegible]
فرض کند خود مشتری و دنیا محل تجارت و حال آنکه صاحب هیچ چیز نیستیم بلکه عاجزترین مخلوقات سر تا پا محتاجیم [illegible]
کارها و معاش و خورد و خواب و لباس و اعوان و [illegible] در خوردن که خود کفیل است چه قدر اسباب و اعوان میخواهیم [illegible]
صبح از آشیانه خود بیرون شده [illegible] سیر [illegible] رحمت [illegible] حلال و حرام و لباس و منزل [illegible]
[illegible] صنعت و دولت و افکار [illegible] عبد ذلیل تجارت و ربح [illegible] عوض و مقابل [illegible]
هزار هزار نفع و تجارت [illegible] باقی [illegible] عوض [illegible] روز [illegible]
[illegible] در زوال و فنا بلکه دنیا و مافیها [illegible] انواع [illegible]
[illegible] لطف و مهربانی [illegible] تجارت [illegible] عاجز که قابل هیچ چیز نیست [illegible] لطف [illegible] تجارت با [illegible]
[illegible] قلبی با اختیار دل [illegible] این معامله [illegible] الله [illegible] تسبیح و تهلیل و ملاحظه حلال و حرام [illegible]
و ایمان آوردن [illegible] اسلام [illegible] اسلام لفظی [illegible] و عدم ملاحظه حلال و [illegible]
تا تقوی و صاحب ورع [illegible] از اصحاب حضرت امام حسن [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible] انما یتقبل الله من المتقین [illegible] تقوی [illegible]
[illegible] الله [illegible] تقوی [illegible] کار دل [illegible]
چنانکه [illegible] آنحضرت [illegible] ایمان آورد که بلال [illegible] فصیح [illegible]
[illegible] بلال [illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible]
[illegible] بلال [illegible]
[illegible] لعن [illegible]
[illegible] جهنم [illegible] آل محمد [illegible]
[illegible]
[illegible] امیر المؤمنین [illegible] حضرت [illegible] جعفر [illegible] امام [illegible]
باعث قتل امام جعفر صادق [illegible] ملعون [illegible]

و امثال

در فضیلت توبه کردن و تفکر در اواخر عمر و دنیا و آخرت

۳۶۷

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

حضرت سید الشهدا

اشاره بتجارت خدا عزیزان خدا

شهادة و مظلومیت خودشان از عالم ذر باختیار رضا در عشقت قبول کرده بودند اگر اراده میفرمودند لشکر کفار سوختنی میکردند ایشان نور وجود بودند
عاشق ... در احد صد ... هزار نفر ... بالملاحظه ... صاحب ... الکتاب ...
زحمات دهر کاسته عطش و گرمی هوا کلمات ... تن ضعیف پاره پاره ابدان برادران و جوانان ...
وصف ... و احمداه ... علیا ... و اقضیحتاه ... قتیله تشنگی تمام نهایت رسیده ... که معدوم خود در چنان وقت ...
گلستان ... در چنان معرکه رئیس ... کرده ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان
لهم الجنة معامله خدا با جان و مال ... عزیز حضرت سید الشهدا سلام الله علیه تجارت خدا میکرد برای شفاعت ما ...
... معامله تجارتش شهادت ... اراده ... لطف محبتش محبت خدا ... در جان ... که سوی این محبت ...
الی الوصل راه ... صراط مستقیم ... در تجارت خانه ... ائمه دین ...
واضح است بتقریب ... عالم ... افضل ... علامت فضل علم
هدایت ... قال الله تعالی هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته
و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین و آخرین منهم لما یلحقوا بهم و هو العزیز الحکیم
ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء و الله ذو الفضل العظیم مثل الذین حملوا التوریة ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا بئس
مثل القوم الذین کذبوا بآیات الله و الله لا یهدی القوم الظالمین قل یا ایها الذین هادوا ان زعمتم انکم اولیاء لله من دون
الناس فتمنوا الموت ان کنتم صادقین و لا یتمنونه ابدا بما قدمت ایدیهم و الله علیم بالظالمین قل ان الموت الذی تفرون
منه فانه ملاقیکم ... بما کنتم تعملون و قال کیف یهدی الله قوما کفروا بعد ایمانهم و شهدوا ان الرسول حق و جاءهم
البینات و الله لا یهدی القوم الظالمین اولئک جزاؤهم ان علیهم لعنة الله و الملائکة و الناس اجمعین خالدین فیها لا یخفف
عنهم العذاب و لا هم ینظرون الا الذین تابوا و قال اتأمرون الناس بالبر و تنسون انفسکم و انتم تتلون الکتاب ۴۴۲
افلا تعقلون و استعینوا بالصبر و الصلوة و انها لکبیرة الا علی الخاشعین و قال الم تر الی الذین اوتوا نصیبا من الکتاب
یدعون الی کتاب الله لیحکم بینهم ثم یتولی فریق منهم و هم معرضون اولئک الذین حبطت اعمالهم فی الدنیا و الآخرة
و ما لهم من ناصرین فلم تحاجون فیما لیس لکم به علم و قال یا اهل الکتاب لم تلبسون الحق بالباطل و تکتمون
الحق و انتم تعلمون و قال ان الذین یکتمون ما انزلنا من البینات و الهدی من بعد ما بیناه للناس فی الکتاب
اولئک یلعنهم الله و یلعنهم اللاعنون الا الذین تابوا و اصلحوا و بینوا فاولئک اتوب علیهم و انا التواب الرحیم
ان الذین کفروا و ماتوا و هم کفار اولئک علیهم لعنة الله و الملائکة و الناس اجمعین خالدین فیها لا یخفف
عنهم العذاب و لا هم ینظرون و الهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم و قال یا ایها الناس کلوا مما فی الارض
حلالا طیبا و لا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین انما یأمرکم بالسوء و الفحشاء و ان تقولوا علی الله ما لا تعلمون
و اذا قیل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما الفینا علیه آباءنا او لو کان آباؤهم لا یعقلون شیئا و لا یهتدون
و قال ان الذین یکتمون ما انزل الله من الکتاب و یشترون به ثمنا قلیلا اولئک ما یأکلون فی بطونهم الا النار و لا
یکلمهم الله یوم القیمة و لا یزکیهم و لهم عذاب الیم اولئک الذین اشتروا الضلالة بالهدی و العذاب بالمغفرة فما اصبرهم علی النار
ذلک بان الله نزل الکتاب بالحق و ان الذین اختلفوا فی الکتاب لفی شقاق بعید لیس البر ان تولوا وجوهکم قبل
المشرق و المغرب و لکن البر من آمن بالله و الیوم الآخر و الملائکة و الکتاب و النبیین و آتی المال علی حبه ذوی القربی
و الیتامی و المساکین و ابن السبیل و السائلین و فی الرقاب و اقام الصلوة و آتی الزکوة و الموفون بعهدهم اذا عاهدوا و
الصابرین فی البأساء و الضراء و حین البأس اولئک الذین صدقوا و اولئک هم المتقون و قال و سارعوا الی مغفرة من ربکم

اشاره به علائم ایمان مومنین علام

وهذا کتاب انزلناه مبارک مصدق الذی بین یدیه ولتنذر ام القری ومن حولها والذین یؤمنون بالاخرة یؤمنون به
وهم علی صلاتهم یحافظون وقال انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم وقال فاتقوا الله واصلحوا ذات بینکم
واطیعوا الله ورسوله ان کنتم مؤمنین انما المؤمنون الذین اذا ذکر الله وجلت قلوبهم واذا تلیت علیهم آیاته زادتهم ایمانا
وعلی ربهم یتوکلون وقال الله تعالی الذین یقیمون الصلوة ومما رزقناهم ینفقون اولئک هم المؤمنون حقا لهم درجات عند ربهم
ومغفرة ورزق کریم وقال واذا ذکر الله وحده اشمازت قلوب الذین لا یؤمنون بالاخرة واذا ذکر الذین من دونه اذا هم
یستبشرون وقال ان شر الدواب عند الله الصم البکم الذین لا یعقلون وقال ان الذین کذبوا بآیاتنا واستکبروا عنها
لا تفتح لهم ابواب السماء ولا یدخلون الجنة حتی یلج الجمل فی سم الخیاط وکذلک نجزی المجرمین لهم من جهنم مهاد ومن فوقهم
غواش وکذلک نجزی الظالمین والذین آمنوا وعملوا الصالحات لا نکلف نفسا الا وسعها اولئک اصحاب الجنة هم فیها
خالدون ونزعنا ما فی صدورهم من غل تجری من تحتها الانهار وقالوا الحمد لله الذی هدینا لهذا وما کنا
لنهتدی لولا ان هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق ونودوا ان تلکم الجنة اورثتموها بما کنتم تعملون ونادی اصحاب
الجنة اصحاب النار ان قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقا فهل وجدتم ما وعد ربکم حقا قالوا نعم فاذن مؤذن بینهم ان
لعنة الله علی الظالمین [illegible] ... ابن همه ظالم [illegible] از راه مسلمانی [illegible] ... نمازگزاران [illegible]
[illegible] نماز [illegible] ضلال و مضلین صراط مستقیم [illegible]
[illegible] قدیم [illegible] بصورت و شکل نماز متعرض [illegible] اسلام [illegible]
و شکل نماز [illegible] دین [illegible] الذین یصدون عن سبیل الله ویبغونها عوجا
وهم بالاخرة کافرون وبینهما حجاب وعلی الاعراف رجال یعرفون کلا بسیماهم [illegible] نمازیان [illegible]
[illegible] لکن [illegible] نماز [illegible]
[illegible] نماز [illegible] از دین محمدی [illegible] ذلت و استخفاف [illegible]
[illegible] قرائت [illegible] نماز [illegible] قرآن [illegible]
[illegible] بطمع قسمت [illegible]
قسمت [illegible] طرف [illegible]
عوام کالانعام [illegible] تفاوت [illegible] انصاف [illegible]
[illegible] این کتب [illegible] کتب حقه [illegible]
[illegible] کتب حقه [illegible] صراط مستقیم [illegible] دنیا [illegible]
[illegible] حیله و مکر [illegible] انواع طرق [illegible]
[illegible] کتب حقه هزار درجه [illegible]
[illegible] روز بروز [illegible] قطع و اتمام [illegible]
[illegible] محبت و لطف [illegible] از راه جهنم مانع است [illegible]
[illegible] ضلالت [illegible]
[illegible] روز [illegible] استغفار
و تسبیح و تهلیل [illegible] عبادت [illegible] روز [illegible]

در مجاهده ابن سعد لعین با نفس شوم خود ۳۴۷

در موضوع علم خود و استعمال تحریر

بالضروره داخل است به مصاحبت موالیان و دوستان در صحبت ایشان دائم نا شناسی خود و قصور عاملیه و قرب حضرت حق برسانند و دنیا

در مردمان نامناسب احتراز داری تعلیم نماید تا مصاحب خود خوب شناسانه و موضوع علم هر شیء را بیاموزد زیرا که تمام خرابی عالم

بواسطه کم کردن عدم استعمال موضوع علم هر شیء است چنانکه خداوند خبر داده است در آیه شریفه یُحَرِّفُونَ الْکَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ که علامت جهل [illegible]

و کار او آن است و تمامی اعضا و جوارح در مملکت خود به سلطان نفس اماره ابلیس عالم وجهه تسلیم که سلطان فرمان فرمای [illegible]

عاقل بشر نسبت خانه نشین و ذلیل و بیکاره نمودن و تمامی رتق و فتق لشکر خداداد وجود را تابع سلطان نفس خبیث کردن [illegible]

و جانشین ابن زیاد و عمر سعد بی دین کردن چنانکه ابن سعد یک شب از ابن زیاد مهلت خواست که تأمل نماید در باب جدال و قتال [illegible]

با سپر عقل و مشورتی نماید که کار را راست و صحیح انشا عقل و نفس خود در هنگ و جدال [illegible] که آن نفس شوم [illegible]

افسونها و فریبها [illegible] در رد جواب نفس گاهی غالب و گاه مغلوب [illegible] هنگ و جدال کشتی بود تا بیاری نطفه زنا عقل خود نفس [illegible]

با کلمات و اشعار کفر و ملعنت خود با این مضمون که [illegible] حکومت ری و [illegible] را از دست [illegible]

از دنیا و حضرت [illegible] مصداق آیه شریفه یحرفون الکلم عن مواضعه گلاف سلطان عقل گشت [illegible]

خالق جز الاحسان [illegible] در غیر موضوع خود صرف و خرج نماید اما صفات مرضیه و اعمال پسندیده [illegible]

داخل [illegible] کالشمس فی وسط السماء [illegible]

[illegible] حرص و طمع و خشم و غضب و عداوت و کینه [illegible]

هر چند [illegible] در محل خود صرف نماید بهترین طاعات [illegible] که هر چیزی بجای خویش نیکوست

الکلام عن مواضعه [illegible] چنانکه در [illegible] که بدترین رذایل است [illegible]

حضرت حق [illegible] البته بهترین کاری [illegible] چنانکه مردمان [illegible] مواعظ و نصایح برگردانی [illegible]

کبر بدترین اوصاف رذیله است مخصوص [illegible] و دیگر حرص و طمع که بدترین [illegible]

تمامی حرص و طمع [illegible] مخصوص [illegible] خوب [illegible] در موضوع خود صرف [illegible] سایر صفات رذیله در محل خود صرف [illegible]

که هر چیزی بجای خویش نیکوست [illegible] خوب باشد [illegible] مطلب [illegible] در این قیاس [illegible]

مطلوب و مستحسن [illegible] در محل خود [illegible] بعضی [illegible]

متصل و لوازم [illegible] و انواع متعلقات [illegible] تمامی صفات [illegible] حسنه [illegible]

خبیثه [illegible] بزرگ [illegible] ظلم و فساد و انواع معاصی [illegible]

که هر یکی در حضرت [illegible] ناشناسی [illegible] باختیار خود [illegible]

باختیار خود [illegible] که در دار [illegible] بمیزان عدل و حکمت رفتار نماید [illegible]

باشند [illegible] حسن ظن [illegible] رفتار فرما این [illegible] لطف و کرم [illegible] خالق کل [illegible]

حسن ظنی باشد [illegible] قطع [illegible] در ابل [illegible] ایمان [illegible]

و [illegible] بالمره [illegible] کل [illegible] قبل [illegible] خبر داده [illegible]

[illegible] و خراب [illegible] طمع [illegible] باشند [illegible] حسن ظن [illegible]

خداوند [illegible] حسن ظن [illegible] بموافقت عقل عقلا [illegible]

[illegible] که [illegible] تحصیل علوم [illegible] عوام [illegible] حسن ظن [illegible]

سبحان الله

در دوم نماز های بی حضور قلب با اشاره و کنایه

سبحان الله درخت کردگان با این بزرگی و درخت خربزه الله اکبر و بل لمن شفعانه خصمانه این نماز بی شماری [illegible] نخواهد بود التمسل و ارالعدل اکرالها لی ستار [illegible] که روضه خوانی و گریه دعوا داریم از دو بان بام انواع معاصی قرار داده هم حضرت ازمات حضور [illegible] و فضیحتان حال تعجب از مهارت و فریب ابلیس است که در مدت چهل سال تحصیل کتب منطق و کلام و حکمت و اصول و فروع [illegible] چنان سر گرم محبت خود نماید که با ارحمت و نفهم نماز بخاطر نیاورد و حال آنکه در شریعت اول تکلیف و احب بعد نماز صحیح [illegible] بار که حاضر آماده شود بعد از مشماری و آن اصل امور مسلمانان و بعد از استحکام حج و ... مسلمانان [illegible] گویا قرائت و علم قرائت و صحت و بطلان نماز از اصل منفی است نماز و قرائت قرآن تمامی ضیع و مفقود [illegible] و کلمات بدعت در صحت نماز یک آیه نخوانده نشنیدند لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم ... [illegible]

و قال الله تعالی و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا و قال ولقد صرفنا للناس فی هذا القرآن من کل مثل فابی اکثر الناس الا کفورا و قال ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم و یبشر المؤمنین الذین یعملون الصالحات ان لهم اجرا کبیرا و قال و اوفوا الکیل اذا کلتم و زنوا بالقسطاس المستقیم ذلک خیر و احسن تأویلا و لا تقف ما لیس لک به علم ان السمع و البصر و الفؤاد کل اولئک کان عنه مسؤلا و لا تمش فی الارض مرحا انک لن تخرق الارض و لن تبلغ الجبال طولا نبیده اسم این همه آیات قرآنی کدام و آلت بر ذم علم قرائت و تعلیم و تعلم و صرف نماز با قرائت دارد و صحت نماز کدام طایفه

از دین محمدی خارج نمود و جرا اکثر علما معترض خود ما از بیشماران مابر سم ... عداوت مقصودین علم و [illegible] در قرائت نماز تمیز حروف کافی است بابی هر کلمه بی اعتنائی خانه صاحب شریعت آتش زده با المره از زبان بر [illegible] در دکان دکر از آن با این نوع کلمات بر داشتند که نظام خزانه تمامی کلام الله با این علم و تعلیم و تعلم این علم [illegible] قرآن خوانان ... مصداق حدیث شریف شده اند که رب تال القرآن و القرآن یلعنه و نمار که از اهل علم [illegible] بلکه با قاعده و قانون علم قرائت نیابد از آنجا ... العلم ... الکتب شرع ... مخصوص [illegible] که اقل درجه وجوب است اهل علم تا رسم اصلاح صلبیه نخواهد ... باطل ... و ملکوه ... و دیگران اصلا نخواهند مصداق و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون خواهند شد علاوه اگر طریق انضباط [illegible] روش در آنچه دارد بی اعتنائی نماز و قرآن بهر درجه باشد در حقیقت بی اعتنائی و دشمنی صاحب کلام است که صاحب کلام دشمنی و بی اعتنائی خدا و رسول و امام و هر کس بر حرف حرکات نماز و قرائت است در عالم ارواح قبل و دشمنی خدا و رسول [illegible] عالم بدن و فضل و [illegible] که با تحصیل و درس ... در باره این نوع اشخاص ... ابلیس ... [illegible] هدایت ... لیس العلم ... نور یقذفه الله فی قلب من یشاء ارتباط ... با شیطان ... عالم ... [illegible] طلب ... تمامی ... تعظیم ... هیهات من ... الشوک ... عنبا ... [illegible] بر ... بطلان و تضییع نماز و آیات ... علم قرائت و ... تعلیم ... [illegible]

ان الذین یکتمون ما انزلنا من البینات و الهدی من بعد ما بیناه للناس فی الکتاب اولئک یلعنهم الله و یلعنهم اللاعنون ان الذین کفروا و ماتوا و هم کفار اولئک علیهم لعنة الله و الملائکة و الناس اجمعین خالدین فیها لا یخفف عنهم العذاب و لا هم ینظرون و قال تعالی لیس البر ان تولوا وجوهکم قبل المشرق و المغرب و لکن البر من آمن بالله و الیوم الآخر و الملائکة و الکتاب و النبیین و آتی المال علی حبه ذوی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل و السائلین و فی الرقاب و اقام الصلوة و آتی الزکوة و الموفون بعهدهم اذا عاهدوا و الصابرین فی البأساء و الضراء و حین البأس اولئک الذین صدقوا و اولئک هم المتقون تمامی آیات تقوی و ایمان ... که با نماز صحیح [illegible]

وصل ۳۷۲ در ذم مخربین دین و علمای سوء لاابالی

قال الله تعالی الذین یوفون بعهد الله و لا ینقضون المیثاق و الذین یصلون ما امر الله به ان یوصل و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب و الذین صبروا ابتغاء وجه ربهم و اقاموا الصلواة و انفقوا مما رزقناهم سرا و علانیة و یدرؤن بالحسنة السیئة اولئک لهم عقبی الدار جنات عدن یدخلونها و من صلح من آبائهم و ازواجهم و ذریاتهم و الملائکة یدخلون علیهم من کل باب سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار و الذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه و یقطعون ما امر الله به ان یوصل و یفسدون فی الارض اولئک لهم اللعنة و لهم سوء الدار و قال تعالی ان الذین کذبوا بآیاتنا و استکبروا عنها لا تفتح لهم ابواب السماء و لا یدخلون الجنة حتی یلج الجمل فی سم الخیاط و کذلک نجزی المجرمین لهم من جهنم مهاد و من فوقهم غواش و کذلک نجزی الظالمین و قال تعالی و نادی اصحاب الجنة اصحاب النار ان قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقا فهل وجدتم ما وعد ربکم حقا قالوا نعم فاذن مؤذن بینهم ان لعنة الله علی الظالمین الذین یصدون عن سبیل الله و یبغونها عوجا و هم بالآخرة کافرون و بینهما حجاب و علی الاعراف رجال یعرفون کلا بسیماهم و قال تعالی و نادی اصحاب النار اصحاب الجنة ان افیضوا علینا من الماء او مما رزقکم الله قالوا ان الله حرمهما علی الکافرین الذین اتخذوا دینهم لهوا و لعبا و غرتهم الحیواة الدنیا فالیوم ننساهم کما نسوا لقاء یومهم هذا و ما کانوا بآیاتنا یجحدون

از بی اعتنائی نماز باشد و در کفر انسان الاسم از فرقه علما و فضلا باشند که باسم ترویج و تعمیر دین باشد لاابالی به دین ام که فرق موسی و دشمنی خدا و نه انه چنین عقیده ابلیس که در آخر توبه خواهم کرد بشفاعت محمد و آل محمد دستک کلام خدا کریم است بالجمله که به ارتصدیق اینهمه آیات قرآنی بیرون و خارجیم به ترازخوارج نهروان که ایشان در حق قرآن افراط کردند این انواع علماء لاابالی تفریط و مخرب دین شده اند که بجربه و روش سبزابات میرانی دقاعده معتقد هستند نماز بی میزان میه اینه خودم در ایام اقامه در علیه السلام مجلس زمان مستلکر دنماز حاجت جنند که تلهه شنید از فضلا اینکه حاصل سید حسین الاجتهد که از آن مذکور مانوه در اخله امور حسبیه بود مرجع عموم مؤمنان بود در مجلس صحبت شنیده ام که منکر علم بود از آن زمان زود برخواسته بیرون آمده و مصاحبت او را مناسب ندیدم اینها مرتبه منافقی یا دارند که بوجه وجوب علم قائل و عمل برعکس قرار دارند در دار العلم خراسان از هزار نفر عالم فاضل و بشمار سد نیست یک نفر نماز سر وقت علم قرائت در سایر بلاد و ممالک و قصبه جه خواهد بود و حال آنکه حق همه طلاب و علمائیست که سروقت علم قرائت آموخته و کو آنکه و بیاموزند تا تمیز حق و باطل و سنت و مکروه و جایز باشند برای حفظ نماز خود و برای مسائل و عوام نیز اصلح حسنه صلبیه اگر نه چه جواب گفتن خدا را خواهند داد و لا تقف ما لیس لک به علم و در آیه دیگر و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون خداوند کافر فرموده از ایمان کفر داعی چه باک دارند در آیه دیگر فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون بالبینات و الزبر در اینجا دلایل عقلی و نقلی زیادی دیگر و اخبار و حادیث کتب و صحف و قرآن است تا بفهمی با که از بی دینی و با دینی دار حاصل و الذین سعوا فی آیاتنا معاجزین اولئک اصحاب الجحیم و قال و الذین کفروا و کذبوا بآیاتنا فاولئک لهم عذاب مهین و قال و من الناس من یجادل فی الله بغیر علم و یتبع کل شیطان مرید کتب علیه انه من تولاه فانه یضله و یهدیه الی عذاب السعیر و قال تعالی هذان خصمان اختصموا فی ربهم فالذین کفروا قطعت لهم ثیاب من نار یصب من فوق رؤسهم الحمیم یصهر به ما فی بطونهم و الجلود و لهم مقامع من حدید کلما ارادوا ان یخرجوا منها من غم اعیدوا فیها و ذوقوا عذاب الحریق مخربین دین و نماز ما از فضلا دستش قرائت و نماز نکردند این آیه در حق مانند کفار نه جواب اینکه کفار با این ما رجوع نمودند نماز ما مخرب شده و نمیشود مخربین علمای سوء خود ما نماز ما ست تا قیامت نفر از اسلام خراب کردند و مسکینند عالمای طالبین را این با جولای ثلاثه دارند چنانکه حق صاحب شرع و دین در بیان و حسب تحفظی نگاشته بحسب حق الملک بحدیث حق خاتم فرمود ذرهم فی خوضهم یلعبون

در اشارت به محبت شدن امم در محبت آل محمد

۳۱۰

یعنی ما خود روز مکافات داریم و قال الله تعالی وعرضنا جهنم یومئذ للکافرین عرضا الذین کانت اعینهم فی غطاء عن ذکری

وکانوا لا یستطیعون سمعا افحسب الذین کفروا ان یتخذوا عبادی من دونی اولیاء انا اعتدنا جهنم للکافرین

نزلا قل هل ننبئکم بالاخسرین اعمالا الذین ضل سعیهم فی الحیوة الدنیا وهم یحسبون انهم یحسنون صنعا

اولئک الذین کفروا بآیات ربهم ولقائه فحبطت اعمالهم فلا نقیم لهم یوم القیمة وزنا ذلک جزاؤهم جهنم بما کفروا

واتخذوا آیاتی ورسلی هزوا ان الذین آمنوا وعملوا الصالحات کانت لهم جنات الفردوس نزلا خالدین فیها

لا یبغون عنها حولا و در فضایل آل محمد قل لو کان البحر مدادا لکلمات ربی لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی

ولو جئنا بمثله مددا اگرچه مراد از کلمات رب مطلق است ... فضایل آل محمد است و مراد از لنفد البحر ... اگرچه

عالم دریا گردد و درختان عالم همه قلم شود فضایل آل محمد تمام نخواهد شد و فرد اکمل کلمات الهی فضایل ایشانست ...

و تفصیل فضایل یک شمه ... نماز و قرائت نماز است که ... علمای ... عاقبتی و نتایج ... حساب

تا ازین قیاس نمایی که سوء عاقبت ... بی اعتنایی ... احتیاط ... و ازین چه اثرها وارد ... سعی ...

او افسد العالم فسد العالم مع ذلک ... احتیاط ... حرام و حلال ... علما ...

دیده ایم که از سوء عاقبت یک فعل قبیح ... صحابه ... سقیفه ... اهل ...

... کربلا و اصحاب ... اهل بیت ...

... نماز ... نماز ... بدعت ... معصیت است که تمامی اعمال و طاعات عباد ... صالح

میکنند بدلیل ان قبلت قبل ما سواها وان ردت رد ما سواها خواص و تاثیر ولایت و امامت ... اسرار ...

امام ... متعلقات نماز ... متعلقات نماز ...

جنابان امر عظیم ... ضایع کردن چه قدر کار ... جمیع ... حلال ... نماز حرام و حلال ...

محافظت شرع ... درجه ... کار ... بی اعتنایی این نماز درجه ... اعظم ...

در استخفاف اول دفعه واجب القتل است ... عدم استخفاف در مرتبه سیم یا چهارم واجب القتل است ...

باشد باذن مجتهد ... باسم الله ... قرآن ... اهل ... علما ... مجتهدین ...

برای اقامه ارکان دین و حلال و حرام نماز است ... نماز ... اعظم علما ... اسلام ...

... استغفار ... یعنی اللهی ازین نماز ناقص بی اخلاص و بی شرایط که ... نماز توبه ...

بلی در حقیقت ... نماز ... این کار ...

و سایر ائمه سلام الله علیهم ... اوقات نماز ... شریف ...

و دل ... معنوی ... تمامی اعضا و جوارح مملکت وجود بلرزه و تغیر و انقلاب ...

بی خبر ... ملاحظه صحت و بطلان ...

که قرائت ... شیطان ... ملاحظه ...

... کافر ... دین ... جنابان کار ... ارکان دین ... امید ...

محبت آل محمد ... محبت آل محمد ... علامت محبت ...

در ... محبت ... نماز ... محبت ...

اگر ... قرآن ... قرآن ... بطلان نماز ... علاج

... نماز ... باطل ... محبت ...

اشاره بر کیفیت تعلیم مردمان زمان ما و علمای اهل زمان مؤلف از عالم و عامی

٣٦١

برای کسانی [که] نماز بهر دو عین محض ... مستخف بالصلوة باشد کفر ارتداد حاصل کند و رشته الفت و محبت قطع کند خواه میان مسلمان خواه

میان کفار باشد دیگر فرقی ندارد روضه خلافی دیگر کیفیت [illegible] اخبار [illegible] لبس مسلمانی [illegible] در رسم مسلمانی

شکسته و وصل کاری نمی‌باشد اگر توبه کند اگر چه ابوین مسلم باشد احتیاط اجتناب کند است احکام اسلام [illegible]

الذین یقیمون الصلوة ومما رزقناهم ینفقون اولئک هم المؤمنون حقا لهم درجات عند ربهم ومغفرة ورزق

کریم واذا ذکر الذین من دونه اذا هم یستبشرون وقال وهذا کتاب انزلناه مبارک مصدق الذی بین یدیه

ولتنذر ام القری ومن حولها والذین یؤمنون بالآخرة یؤمنون به وهم علی صلاتهم یحافظون وقال

وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا وقال واوفوا الکیل اذا کلتم وزنوا

بالقسطاس المستقیم ذلک خیر واحسن تأویلا ولا تقف ما لیس لک به علم ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان

عنه مسؤلا ولا تمش فی الارض مرحا انک لن تخرق الارض ولن تبلغ الجبال طولا وقال مثل الذین حملوا التوراة

ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا [illegible] مع ذلک [illegible] چه قدر ناگوار است [illegible] وقال ولو اننا

نزلنا الیهم الملائکة وکلمهم الموتی وحشرنا علیهم کل شیء قبلا ما کانوا لیؤمنوا الا ان یشاء الله ولکن اکثرهم

یجهلون وکذلک جعلنا لکل نبی عدوا شیاطین الانس والجن یوحی بعضهم الی بعض زخرف القول غرورا ولو شاء ربک ما

٣٥٣ فعلوه فذرهم وما یفترون اطفال مبتدی زمان ما که شصت سال قبل در خاطرم است و بسیاری از اهل زمان [illegible]

این کلام حقیر مؤلف [illegible] که از اول ماه خزان تا عید نوروز در زمستانها خیلی سخت در ساعت [illegible] حقیر از صف

شب تا اول طلوع صبح مشغول مطالعه و مذاکره قرآن [illegible] می‌باشند و جماعت عوام بی سواد در طرف دیگر مسجد

مشغول تعلیم و تعلم حمد و سوره و نماز می‌باشند [illegible] با هم نزاع می‌کردند که جماعت [illegible] است [illegible]

[illegible] هر کس که نزد ما آمده توبه [illegible] مردم [illegible] بجز طلوع صبح مشغول نماز

و بعد از نماز مشغول ذکر مسئله و موعظه می‌باشند تا نیم ساعت یک ساعت از طلوع شمس که شنبه و روزهای جمعه و دوشنبه

می‌خوانند اگر کسی نیم ساعت دیر آمد توبه [illegible] این رسم مبتدی از آن [illegible] از ده ساله اطفال و زنان نماز

[illegible] احتیاطی [illegible] این زمانها [illegible] نماز احتیاطی

[illegible] دار العلم خراسان از صد نفر [illegible] مقدس [illegible]

[illegible] احتیاطی [illegible] نماز شرع [illegible] اقل درجه [illegible] فضل بسیار [illegible]

[illegible] صحت [illegible] عدالت [illegible] خود [illegible]

[illegible] علم قرائت [illegible] در عالم [illegible]

در شریعت [illegible] از افضل نماز جماعت نتوان [illegible]

این نوع [illegible] صفوف جماعت [illegible] فصاحت [illegible] جامع علوم [illegible]

[illegible] شیطان [illegible] مقدس [illegible]

[illegible] والامام [illegible] شیطان [illegible]

عدوا شیاطین الانس والجن یوحی بعضهم الی بعض زخرف القول غرورا ولو شاء ربک ما فعلوه فذرهم وما یفترون وقال ان

الشیاطین لیوحون الی اولیائهم لیجادلوکم وقال فریقا هدی وفریقا حق علیهم الضلالة انهم اتخذوا الشیاطین اولیاء من

دون الله ویحسبون انهم مهتدون وقال [illegible] وکذلک زینا لکل امة عملهم ثم الی ربهم مرجعهم فینبئهم بما کانوا یعملون وقال

[illegible] لم تنذرهم لا یؤمنون وقال وما ارسلناک علیهم حفیظا وقال وما انت علیهم بوکیل وقال وما انت علیهم بحفیظ

مراتب كمال ايمان مؤمن

اشاره بوجود و عدم عقل و مراتب آن

فصل الرابع

در بیان وجود عقل و ایمان مؤمن قال الله تعالی استحوذ علیهم الشیطان فانسیهم ذکر الله اولئک حزب الشیطان
الا ان حزب الشیطان هم الخاسرون و قال ان الذین یحادون الله و رسوله اولئک فی الاذلین لا تجد
قوما یؤمنون بالله و الیوم الآخر یوادون من حاد الله و رسوله و لو کانوا آباءهم او اخوانهم او عشیرتهم
اولئک کتب فی قلوبهم الایمان و ایدهم بروح منه و یدخلهم جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها
رضی الله عنهم و رضوا عنه اولئک حزب الله الا ان حزب الله هم المفلحون اولا باید دانست که عقل را
چند مرتبه است بنا بتقریر زرافی اعلی الله مقامه که وجه در اوام ایمان بعقل است ایمان قشری و قشر قشری و لب و لب لب
بمثال جوز و بادام اما عقل و ایمان قشری اول پوست سبز سوختنی فاید[ه] ندارد چون اقرار بوجه عامه اسم اسلام دهد چون دماغ و دنیا
از قتل و غارت محفوظ است در آخرت سوختنی و لوم قشر قشر پوست دوم است نیز بی فایده که اقرار بولایت هم باشه استقبال و استقبال ظلام
که نقطه وجه ایمان و معاصی اسباب درآمد که کسانیکه حیات نفس و استعداد اصلاح ندارد سیم ایمان و عقل لب باری بونده حرکت که
ماکول است مع امتزاج معاصی با بعضی مخالفات بمقتضیات بدن خاکی لفافه که بصالحین توبه و پشیمانی با صلاح در آید بلکه بدل السیئات
حسنات میباشند چهارم لب لب خصوص اولیاء و اوصیاء و کملین و مقربین است که معصوم و از غبار معاصی نیز پاک بلکه قابل [illegible]
صاحب ده درجه و قایله و بعضی زیاده و اشته اند هر کدام بقدر درجات عقل و ایمان که دارند صاف و ساده که بلکه حضرت شاه اولیاء
لو کشف الغطاء ما ازددت یقینا فرموده اند که بهشت و جهنم و نعم و عقبات برزخ و صراط و میزان پیش چشم حق بین ایشان
فی رابعة النهار واضح در دیش هستند از ماضی و مستقبل خبر دهند و دیگر مقابل این طایفه کور دل و جهل و من کان فی هذه اعمی
فهو فی الآخرة اعمی و اضل سبیلا اما فرقه سیم باعتبار غلبه قوت نفسانی گاه نفطه دل را اسیاه غلبه دارد گاهی سفید
خوف و خطر است انجام کار معلوم و محقق نیست عمل کدام کمال که دارند سبب دست فیض روح اللاسم جمل عواقب امور ناچیز انتقام
درمانده که و خطر ایست که در دنیا تا حالت این خطر از امیه بلکه مدام بلکه از اعمال نیک و دامن توسل باید امام نماز هر روز
که ستون دین و استحکام مذهب و ایمان است در گرد که اول روز انتکال آل محمد است اظهار محبت و دوستی مولی انیار است جبر نماز
با نماز کدام صد و سوره و طمانینه که منظور شما در جمله ائمه است نماز بلکه صورت و نقوش و شکل نماز بمنزله البرز است این دست
بکار میاید بامنزله اصل و اساس عمارت نماید که سایر عمارات و اجزاء و در و دیوار نقش و نگار و وجود عمارت و سرای اساس و بنا
برقرار باید ان قبلت قبل ما سواها و ان ردت رد ما سواها زاین نماز نباشد سایر اسلامیت قرآن و دعا و مسائل
احکام از اصل و فروع و حج و جهاد و زکاة و خمس و حسانات چه فایده خواهد بخشید لیس الا در جنابی دقیق ولی امر این نماز
چنگ زدن دوستی ائمه اهل بیت نماز طریقه محبت و اظهار محبت است بر او دیگر حماقت جنگ زنیم بلکه دلیل حماقت
و بی عقلی است در اوهام شیطانی است چنانکه ابلیس وقتیکه مامور بسجده آدم شد عرض کرد الهی هزار سال طاعت محقر تو جل معاذالله
تا تو سو هر نوع از عبادات منکه که امر فرما بجا آورم بیان و دل نکو نشم تصور این کار را مرحمت اسیر محقر تصور که که چه
امرام است که در معراج خاتم انبیا که حضرت را سفیر و سرافراز با این امر حضرت سرافراز فرمود چنانکه تمامی ملائکه سموات از روز سرافراز
فرمود در نظر شیطان و تبعه شیطان و اولاد و نژاد شیطان تا قیامت کار سجده کردن خوار آمد چنانکه این زمان انسان
تا عبادات سر از ده هزار ساله حق سبحانه بنا و نفس بتوهم خود را چنانکه تمامی ریاضات و طاعات اهل و فروع و جمعه و جماعت و نذور
دعا و قیام و تحت الحنک و نماز جماعت علمای مقدس نماید باکسیل جهل ساده از سه ایتها مبتزه براسم جهد معنی آیه جحدوا بها
بهای [illegible] و با تحریف مستمر دبی برادر مقصد در اسفل سافلین عذر و کرم عمل شیطانی چه استعداد دارد عجب مراتب فساد او
اینست که در مدت عمر خود و تمامی تکمیل جهل ساده میسر آید و هشیار اینقدر ندارد که بی استاد تعلیم معرفت آیه حد و سوره کمال اینست چرا دوکی
صرف نماییم از کی این علم سو بادگرفتم هر درم که گذشت و بی تعلیم و استاد متوان بکجای علم قرائت اختراعی سر و تو بی صرف از کجا

۴۵۴

و عقل و ایمان [illegible]

[illegible] نماز [illegible]

سستی مردم در نماز و سخنی

اشاره بکسب اسباب کفر صندوقه ۲۹۲

که دلیل عدم عقل و ایمانست دیگر آنکه در مسائل فقه مسلم کالست که بی وضو و با عدم طهارت ظاهری دست بمصحف و خط و نقوش کلام خدا نرسانیدن و اما در هر چیز اصل باطن حقیقت است که حقیقت قرآن احکام قرآن و معانی قرآنست و حقیقت انسان دل و عقلست [illegible] مفاتیح جمله کافی در مفتاح عاشر مقصد [illegible] است هر که مایل باشد رجوع نماید و اما بر دل و قلبیکه از تطهیر کسافات و کثافات صفات رذیله مثل حسد و غبار و دروغ و فساد مذمومه طیب و طاهر نباشد احکام الهی و در آنجا محل و مسکن نجاسات حقیقی احکام الهی و کلام الله [illegible] یک ظرف باطن قلبیکه مجمع کسافات و کثافات حقیقت قرآن نگذارد اگر ظاهر قرآن را دارا شده مسلم است کافر و مرتد ملیه [illegible] با جمیع مدعی عقل این کار نکنند آیا چه کسانی دارای کافر نشوند یا هزار درجه بدتر از کافر و مرتد نیستند ملیت که مخالف عالم [illegible] است عذاب [illegible] از [illegible] سوره آیه [illegible] معنی اذا فسد العالم فسد العالم [illegible] که تمامی فساد [illegible] همه اهالی عالم در آتش [illegible] دخول [illegible] و جمیع انواع فتنه و فساد این زمان در هیچ تواریخ کسی نشان نداده از یک فساد علما تولید [illegible] که تبدیل نماز [illegible] لکن [illegible] چنانکه [illegible] علمای سوء اهل منبر ترویج تغییر نماز بعنوان [illegible] [illegible] نماز سهل است [illegible] خرابی عالم [illegible] چنان [illegible] که انقلاب [illegible] کار [illegible] [illegible] در عالم [illegible] بالمره [illegible] خاموش نمایند [illegible] بواسطه عدم ملاحظه [illegible] و نتایج کلام [illegible] در [illegible] خواهد [illegible] کالشمس فی رابعة النهار است که علمای [illegible] شریعه ولا نقف ما لیس لک به علم نمایند و در آیه دیگر و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون و در آیه [illegible] مثل الذین حملوا التوریة ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا [illegible] علمای سوء [illegible] چنانکه [illegible] ۴۵۵ از هر قسم عالم که حمد و سوره [illegible] صحیح است [illegible] کافر [illegible] موافق آیه [illegible] نزد کافر [illegible] امام زین العابدین [illegible] بیعت کننده [illegible] عالمیکه [illegible] در [illegible] دارالمؤمنین خراسان با حمد و سوره [illegible] [illegible] حضرت ابی عبدالله [illegible] من [illegible] عن الحق [illegible] در تفسیر امام حسن عسکری در آیه وانها لکبیرة الا علی الخاشعین که اول واستعینوا بالصبر والصلوة است [illegible] در [illegible] مراد از صبر [illegible] عقل کل [illegible] از صبر خاتم الانبیاء و مراد از صلوة امیرالمؤمنین است [illegible] مراد از صبر و صلوة [illegible] امیرالمؤمنین [illegible] [illegible] صحت نماز [illegible] مشکلات [illegible] که [illegible] نماز [illegible] نماز خاشعین [illegible] نماز با شرائط [illegible] و تعلیم و تعلم نماز الذی [illegible] عذاب الیم در دنیا و لعنت [illegible] شرائط و آداب نماز [illegible] صحت نماز [illegible] [illegible] نماز خالق [illegible] راز و نیاز و تضرع و لعنت [illegible] واستعینوا بالصبر والصلوة وانها لکبیرة الا علی الخاشعین الذین یظنون انهم ملاقوا ربهم وانهم الیه راجعون و در آیه دیگر یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی التی انعمت علیکم و انی فضلتکم علی العالمین واتقوا یوما لا تجزی نفس عن نفس شیئا و لا یقبل منها شفاعة و لا یؤخذ منها عدل و لا هم ینصرون

در مذاکره مواعظ حسنه آیات انفکار عواقب و غرور در دنیا و اندیشه حساب و ثواب

۲۸۴

اینها آیات عذاب قرآن کو یاد حق تعالی است ماکه نماز خود را بهتر از خرج بهشت عوض بدل کرده ایم نار ایشان بهشت در حق خود و اصحاب

نار ایشان ایم بار عوام کالانعام اند حق تعالی بقوله کل نفس بما کسبت رهینة ما یکون الواحد و آیات ماه ما بعضی ضعفا بعقد خود قطع

انما جزاء الذین یحاربون الله ورسوله ویسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم وارجلهم من خلاف او

ینفوا من الارض ذلک لهم خزی فی الدنیا ولهم فی الاخرة عذاب عظیم و قال والذین ینقضون عهد الله من

بعد میثاقه ویقطعون ما امر الله به ان یوصل ویفسدون فی الارض اولئک لهم اللعنة ولهم سوء الدار و قال

اقاموا الصلوة واتوا الزکوة والموفون بعهدهم اذا عاهدوا والصابرین فی البأساء والضراء و قال طس تلک

آیات القرآن وکتاب مبین هدی وبشری للمؤمنین الذین یقیمون الصلوة ویؤتون الزکوة وهم بالاخرة

هم الاخسرون و قال ان الذین یکتمون ما انزلنا من البینات والهدی من بعد ما بیناه للناس

فی الکتاب اولئک یلعنهم الله ویلعنهم اللاعنون ان الذین کفروا وماتوا وهم کفار اولئک علیهم لعنة الله

والملائکة والناس اجمعین خالدین فیها لا یخفف عنهم العذاب ولا هم ینظرون و قال وزین لهم الشیطان

اعمالهم فصدهم عن السبیل فهم لا یهتدون و قال تعالی ومن اظلم ممن افتری علی الله کذبا اولئک یعرضون

علی ربهم الا لعنة الله علی الظالمین الذین یصدون عن سبیل الله ویبغونها عوجا وهم بالاخرة هم کافرون اولئک

لم یکونوا معجزین فی الارض وما کان لهم من دون الله من اولیاء یضاعف لهم العذاب ما کانوا یستطیعون السمع

وما کانوا یبصرون لا جرم انهم فی الاخرة هم الاخسرون و قال تعالی قل هل ننبئکم بالاخسرین اعمالا الذین ضل سعیهم

فی الحیوة الدنیا وهم یحسبون انهم یحسنون صنعا اولئک الذین کفروا بآیات ربهم ولقائه فحبطت اعمالهم

فلا نقیم لهم یوم القیمة وزنا ذلک جزاؤهم جهنم بما کفروا واتخذوا آیاتی ورسلی هزوا و قال ان الذین لا یرجون

لقاءنا ورضوا بالحیوة الدنیا واطمأنوا بها والذین هم عن آیاتنا غافلون اولئک مأویهم النار بما کانوا یکسبون

العالم و بیشمار نایب لا تحصل که در بهشت کفیل چنین باشد نماز با قرائت خدا نشستن در عرصه صحرای محشر بارگه جبار کرده

طریق سحر بیمود آیات قرآنی و در حق حضرت نه ایستی از این حرارت بیبین مصداق که من خدای تعالی نیز اوله

سر اداری که جزا ده صادق الوعد جز از برای صفت عالی بیده در سوره الحاقه فاما من اوتی کتابه بیمینه فیقول

هاؤم اقرؤا کتابیه انی ظننت انی ملاق حسابیه فهو فی عیشة راضیة فی جنة عالیة قطوفها

دانیة کلوا واشربوا هنیئا بما اسلفتم فی الایام الخالیة واما من اوتی کتابه بشماله فیقول یا لیتنی لم

اوت کتابیه ولم ادر ما حسابیه یا لیتها کانت القاضیة ما اغنی عنی مالیه هلک عنی سلطانیه خذوه

فغلوه ثم الجحیم صلوه ثم فی سلسلة ذرعها سبعون ذراعا فاسلکوه انه کان لا یؤمن بالله العظیم ولا

یحض علی طعام المسکین فلیس له الیوم ههنا حمیم ولا طعام الا من غسلین لا یأکله الا الخاطئون فلا اقسم

بما تبصرون وما لا تبصرون انه لقول رسول کریم وما هو بقول شاعر قلیلا ما تؤمنون ولا بقول کاهن قلیلا ما تذکرون

تنزیل من رب العالمین ولو تقول علینا بعض الاقاویل لاخذنا منه بالیمین ثم لقطعنا منه الوتین فما منکم من احد عنه حاجزین

و قال تعالی افمن یعلم انما انزل الیک من ربک الحق کمن هو اعمی انما یتذکر اولوا الالباب الذین یوفون بعهد الله ولا ینقضون المیثاق والذین

یصلون ما امر الله به ان یوصل ویخشون ربهم ویخافون سوء الحساب والذین صبروا ابتغاء وجه ربهم واقاموا الصلوة وانفقوا مما رزقناهم

سرا وعلانیة ویدرؤن بالحسنة السیئة اولئک لهم عقبی الدار جنات عدن یدخلونها ومن صلح من آبائهم وازواجهم وذریاتهم والملائکة

یدخلون علیهم من کل باب سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار والذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه ویقطعون ما امر الله به ان یوصل ویفسدون فی الارض

اولئک لهم اللعنة ولهم سوء الدار الله یبسط الرزق لمن یشاء ویقدر وفرحوا بالحیوة الدنیا وما الحیوة الدنیا فی الآخرة الا متاع

۴۵۶

در حفظ مسائل

عبارات [illegible] نمازها و اقرار [illegible] و طهارت

در اول طهارت و نظافت صورت و شکل خانه

۳۸۵

مخفی نیست که مقصود مولف به نظر عنایت در جمیع [illegible] ضعف [illegible] کثرت [illegible] عالمان اهل فضل [illegible]

صورت شکل نماز قرائت [illegible] مسلم است که با جهل صرف [illegible] عمل صحت باشد [illegible]

و حال [illegible] این جنایات [illegible] صلاح [illegible] فلسفه [illegible] قاضی [illegible] که [illegible] علم

[illegible] معتقد [illegible] که اگر [illegible] تمیز واجب [illegible] جواز

نماز [illegible] علم صحت و بطلان [illegible] مشق علم قرائت [illegible] تعلیم

[illegible] این علم [illegible] و تعلیم حاصل [illegible] این علم [illegible]

[illegible] این علم هزار مرتبه [illegible] مثل خوش نویسی و درس علم حساب هزار درجه بلکه [illegible] مشق

[illegible] علم قرائت [illegible] شیطان [illegible]

[illegible] شیطان [illegible] کمال جهل [illegible] شیخ قاضی [illegible]

لعنه [illegible] ایشان آدم [illegible]

[illegible] این زمان [illegible] اولاد [illegible] درس

[illegible] در درس که بزبان مخالفان آشنا [illegible] معلمین [illegible]

ترغیب [illegible] معلم [illegible] در مجالس و محافل [illegible] درس [illegible] درس

[illegible] درس قرآن [illegible] که طهارت [illegible] احکام

مقصود مولف [illegible] الصلاة [illegible] مقدمه [illegible] این کتاب [illegible] مسائل احکام

[illegible] احکام [illegible] طلاب [illegible] احکام

[illegible] معصوم [illegible] مجتهد زمان [illegible]

وصل دوم از باب ششم در وجوب تربیت اولاد

قال الله تبارک و تعالی یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا و قال ان الخاسرین الذین خسروا انفسهم و اهلیهم یوم القیمة و قال [illegible]

ما من مولود الا و قد یولد علی فطرة الاسلام ثم ابواه یهودانه و ینصرانه و یمجسانه و قال [illegible] ان الله [illegible] یسئل الرجل عن [illegible]

یسئل عن اهل بیته [illegible] اهل آخر الزمان [illegible] ایشان تعلیم [illegible]

[illegible] تربیت و تعلیم [illegible] عبادت [illegible]

[illegible] تکلیف [illegible] وظایف [illegible] اولا معنی

[illegible] اول نظر

[illegible] دوم تعلیم [illegible] احکام [illegible] سیم مسائل [illegible] چهارم ملاحظه اسباب

[illegible] ملاحظه [illegible] ششم تعلیم احکام [illegible]

[illegible] تعلیم [illegible] یقین [illegible] عدم تعلم [illegible]

[illegible] دنیا [illegible]

ترغیب [illegible] علوم [illegible]

[illegible]

[illegible]

مقدمات عقاید

در مذمت پدران ناخلف آخر الزمان و فضیلت علمای ربانی و طلاب

[illegible] بعد از آنکه خدا و رسول خدا و ائمه هدی سلام الله علیهم و علما مردان [illegible] دانسته [illegible]

بعد از هزار سال ملاحظه نموده‌اند و در حدیث قدسی وارد است که خدا [illegible] هزار [illegible]

[illegible]

[illegible]

458

[illegible]

تا حجی مدارک است

در اسلوب عقاید و کتاب ... مسائل فقه که تا ...

که اول زن و عاقل خواهند شد موافق علم راسخ عمل می‌کرده حقیقتی در احکام مذهب حقه ما هر دو حکم شده از وقت اگر رجال [illegible]

[illegible] عبارت به قصه انتفاع و تحصیل دنیا اگر قصه‌اش دنیا باشد لا به نتایج بر عکس و تخریب دنیا [illegible]

و فهرست و هر یکی از طلاب این اسلوب در دست هر یک باشد تا در وقت مباحثه سوال و جواب از یکدیگر [illegible]

از مسائل [illegible] اول کتاب در ترغیب بر تحصیل و اجتناب از مصاحبان ناجنس و [illegible]

و نتایج [illegible] در فضیلت صمت و سکوت در [illegible] تحصیل و آداب تحصیل و توجه [illegible]

در نبوت و امامت و اصول دین با دلایل عقلیه و نقلیه و کلمه اسلام و ایمان و اصول اسلام و ایمان و مذهب جعفری و فرق میان [illegible]

و غیبت و ظهور امام و انتظار فرج [illegible] مقدمات نماز [illegible]

[illegible] و غسل و واجبات و مبطلات [illegible] نماز و تفصیل [illegible] تفصیل هر یک از مقدمات نماز [illegible]

و فرق میان ارکان و افعال نماز و بعض اسباب [illegible] خشوع نماز و اسرار نماز و [illegible] و اقامه و آداب [illegible] شکیات نماز

[illegible] طهارت [illegible] موافق آیات و اخبار [illegible] النفقه [illegible] صدقات

و [illegible] تکلیف رعایت عقاید حقه و واجبات صوم [illegible]

[illegible] در منهیات [illegible] الناس و قمار [illegible] غیبت و دروغ [illegible]

اطفال و [illegible] تعلیم دادن که در ساعت بلوغ حاضر و منتظر عمل کردن هر یکی [illegible] حاضر باشند اگر چه [illegible]

زمان [illegible] مسائلی [illegible] تابع اسلام است که در حکم [illegible] اسلام [illegible]

۴۵۹

و [illegible] در امامت که اصول ایمانست راسخ [illegible] مسلم و نه کافر بلکه مستضعف [illegible]

[illegible] در اصول دین [illegible] مستضعف [illegible]

[illegible] العقیده [illegible] مستضعف در حکم کافر [illegible] ذکر این مسائل در مقدمه [illegible]

[illegible] که برای [illegible] اولاد [illegible]

[illegible] خلاصه این بارگران [illegible]

[illegible] صیغ عقود [illegible] خواندن صیغه نکاح

[illegible] اهل عقاید [illegible] مسلم باشند زیرا که عقد کفار باطل است [illegible] مستضعف

[illegible] طفل [illegible] کفر طفل [illegible] اطفال کفار بتبعیت [illegible] کافر است [illegible] اولاد مسلم بتبعیت

[illegible] کافر [illegible] طفل مسلم اگر [illegible] جهالت [illegible]

[illegible] اطفال [illegible] علما [illegible] مقصود [illegible]

[illegible] اختصاص [illegible] ذکر [illegible] اولاد

[illegible] ایمان [illegible] امام عصر [illegible] غیبت و حضور [illegible] امام

[illegible] در این زمان موافق مذاق کامل [illegible] خطیم [illegible]

[illegible] امام زمان [illegible]

[illegible] و لم یعرف امام زمانه فقد مات میتة الجاهلیة [illegible] امام حسن [illegible]

[illegible] لا ایمان [illegible]

[illegible] اول امام [illegible]

در بیان ذکر بعض مسائل اسلام و ایمان که قبل از شروع مقدمه لازم است که [illegible] اسلام [illegible]

اصل

مقدمات عقیده

در نتایج و ثمرات جهل با صول اسلام و ایمان و تحصیل آن و ضرر آنها

اما اصول اسلام که به جزء است از توحید و نبوت و معاد لوازم جهل به آنها عدم ترویج جنید جز ملتیست اول نجس بودن او حرمت عدم صحت مسلم سیم میراث نبردن او از مسلم اگر چه مرحوم پدرش باشد چهارم مالک شدن کنیز و غلام که مسلمند پنجم حلال نبودن ذبیحه او ششم واجب نبودن تغسیل و تکفین و نماز او در وفات او هفتم ملتفت نبودن هر چیزی که از اجزاء حیوانات است و در دست او قبل از فحص و تفتیش و گوشت و پیه و غیره و با جهل به اساس اصول ایمان نیز چند چیز از احکام مترتب می‌شود که عدم امامت او عدم صحت عبادات کلاً و جایز نبودن زکوة و خمس و فطره و رد مظالم و کفاره و غیره از حسابات و در تحصیل و تعلیم بقدر ضرورت لازم است و در اصول دین و تعلیم الفاظ مجرد کافی نیست مثل تمرین اطفال غیر ممیز اعتقاد قلبی لازم است و اگر شخص عقاید اصول حقه را اظهار نماید که درست نیست یعنی اعتقاد قلبی ندارد و هر چه میگوید لفظ است مثل طفل اما حکم مسلم بر او جاری است یعنی اعتقاد او مسلم و طاهر بودن و حلیت ذبیحه او از حیوانات احوط اجتناب است و اگر کسی گوید که اگر حق است یا قیامت هست جای ما چنان خواهد شد چنانکه عوام الناس از این نوع کلمات بسیار است جواب است بنا بر جمهور مسلم مؤمن نباشد مجتهد حی اعلم هر زمان موکول و موقوف بتحقیق مجتهد حی است اگر این نوع کلام را بواسطه شک و ظنه بگوید کافر مرتد است بدو اما هر گاه مسلم نمی‌باشد بعد از آن کلام تمامات و جاری نیست اگر چه توبه هم بکند و اگر برای صاحب یقین کامل است یعنی احتمالات [illegible] مکافات خلاف و تزلزل ندارد لا بمعنی که محبت و ترغیب پدران با طفل اولاد حقه را به درس کفار که محبت درس و جفاء معلم کفر را بهیج است بلفرد از برای تمکین اولاد و غیر از فرقه قولاً و فعلاً و تعلیماً زیرا که درس و معلم محبت معنوی نباشد تحصیل کمالات نیست که از اول و جمع [illegible] که معلم هر قدر اهل تقوی و زهد باشد قابل است برای تعلیم و درس خدا خواه که افضل علوم اصول و فروع و علم سلوک است و علم قرائت هم از متعلقات و شرط عمده اصول و فروع نیست بودن علم قرائت همکی معلول معیوب میشد زیرا که بطلان نماز تمامی طاعات است والی حال کلمه اسلام لا اله الا الله محمد رسول الله کلمه توحید لا اله الا الله و کلمه ایمان لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله و ایمان در اسلام متصور نیست ولی کلمه ایمان عام است هر جا ایمان نیست توحید و اسلام هم نیست جمع است خواهند اما توحید و اسلام لازم ملزوم ایمان بعنی در ظاهر حکم مسلم است و در باطن کافر و مخلد در جهنم است و تعریف ایمان الاقرار باللسان و الاعتقاد بالجنان والعمل بالارکان بما جاء به النبی صلی الله علیه و آله باشد بتبعیت و فرموده حضرت شاه اولی لو کشف الغطاء ما ازددت یقیناً از روی اعتقاد و یقین بوده باشند و در عدم یقین [illegible] و اگر بسبیل نظم نیز ذکر شود هم خواطر اطفال و طلاب محکم و رسوخ شود هم باعث از یاد قوه حافظه باشد و هم با خاطر [illegible]

و هم در نظم دیگر مکرر ذکر شده که لازمه مسایل و عقاید است الدرس حرف التکرار الف در لوازم اصول اسلام و لوازم جهل با ایمانیات

هفت حکم از جهل احکام اصول است ز اجتناب مردمان از هر کسی خواه حجی خواه عالم خواه کافر از مسلمان هر کسی حکم اول نجس بودن دوم بطلان عقدش در نکاح سیمین میراث بردن از مسلمان از پدر یا هر کسی جاریه یا مالک بودن بر غلام و بر کنیز خویشتن پنجمین منع از ذبیحه گر چه باشد پاک از هر کسی ششمین واجب نبودن غسل و تکفین و نماز و دفن او هفتمین در وقف و در البته هر چیز آلوده است از جهل کسی

واما لوازم جهل اصول ایمان

چار از آن اصول ایمان را چنین چیز لازم بگرفته عدم صحت عبادتش ملتی فطره و خمس و حیا لش و آنچه شرطست قصد قربت از قبیل مظالم و فطره زین قبیل عبادتها باطلش میکنند و لا شبهه بکر از جهل بالطبع تا شده در دلت با استحکام [illegible]

در اینجا ذکر چند مسئله لازم شد که اگر شخص معترف در فکر و اساس عقاید خود اما تا مرتد که سبب بنیاد دوم است معاقب است در عدم تفریط و تاسالت و در جبران حکم اسلام و طهارت و اجتناب از او احوط است و قضای نمازها از زمان ارتداد لازم است و اگر بعد از بلوغ مرتد در فکر تعلیم و تعلم نباشد یا کسالت نماید بر مثال حیوانات زمان و هر دو طفل حکم مسلم بر ایشان جاری نخواهند شد تا کسی نبوده باشد

انتهی شکایت بقول مناسب مقام قبل از شروع در ذکر بعضی از مسائل ارتداد است

بدانکه مرتد بر دو قسم است مرتد فطری و مرتد ملی و مرتد فطری آنست که اسلام در حکم اسلام تولد یافته و در بلوغ نیز قرار

در عقاید

قرائت و نماز

تجزیه و تصحیح

در استثناء باقسام انداز ۲۹۰

باسلام نمایه بعد مرتد شود و اما مرتد ملی آنست که در کفر به رو مادر [illegible] باید بعد از اسلام مرتد شده بعضی از کلمات [illegible] او دانسته [illegible]

و فطری که غالب مردم احتمال ابتلا است از ذکور و اناث و متفاوت است اگر مرد باشد حد او کشتن است مثل سایر کفار دوم حرام کردن زوجه او

که بعد از عده او بشوهر دیگر برود فرق سیم آنکه قتل او لازم است بر امام یا نایب امام چهارم آنکه تمام اموال او وارث ملی [illegible] پنجم آنکه

توبه او قبول نمیشود در دنیا نسبت به [illegible] ششم ذبیحه او [illegible] هفتم حرام است بر مسجد داخل شدن او هشتم [illegible]

مسلم و مسلمه نهم لازم [illegible] غسل و دفن و کفن او [illegible] دهم [illegible] دفن او در مقابر مسلمین یازدهم [illegible]

از اولاد او ساقط است دوازدهم [illegible] از اسلام او [illegible] قصاص دارد نه دیه سیزدهم [illegible] اگر [illegible]

یعنی در حمل [illegible] و اگر [illegible] کافره [illegible] اولاد [illegible] کافر است و بعضی اولاد [illegible] داخل در ملکیه [illegible]

که [illegible] چهاردهم آنکه [illegible] مرتد مالک چیز [illegible] یعنی [illegible]

[illegible] مالک [illegible] پانزدهم آنکه میراث [illegible] منتقل نمیشود [illegible]

توبه او قبول است [illegible] قتل او در دنیا [illegible] که مخصوص امام [illegible] اسلام [illegible] مرتد فطری [illegible]

[illegible] لازم [illegible] از ملکیه [illegible] و توبه [illegible] و اگر توبه [illegible]

کفر اول انکار ضروریات دین از وجوب نماز و روزه و غیره [illegible] نماز [illegible]

چنانکه [illegible] بعضی از [illegible] مستحبات [illegible] مثل شارب [illegible] باتفاق علما [illegible]

کفر چهارم [illegible] بعضی از علما که [illegible] تارک الصلاة که نماز [illegible]

۴۶۱ شرایط و [illegible] باستخفاف نماز که اقوال در اینجا بسیار است [illegible] استخفاف [illegible]

انواع استخفاف بالصلاة بسیار است در قرائت [illegible] در [illegible] احکام [illegible]

در [illegible] مذکور است و اینجا [illegible] شیطان [illegible] بطلان [illegible]

[illegible] اشرف [illegible] تعلیم احکام [illegible]

[illegible] معصوم [illegible] حکم الله [illegible] نماز [illegible]

قرائت [illegible] علم قرائت [illegible] نماز [illegible] تمیز [illegible] نماز [illegible]

اگر [illegible] علم قرائت دانسته [illegible] اول [illegible]

[illegible]

[illegible] علما [illegible]

[illegible] در کلام [illegible] در تصحیح و تخریب نماز و احیای نماز و اخلال نماز [illegible] الزمان [illegible]

فرمایه [illegible] صورت و شکل [illegible] نماز [illegible] پنج مرتبه [illegible]

[illegible] در باب نماز [illegible]

[illegible] علم قرائت [illegible]

علما [illegible] این نوع علوم [illegible]

[illegible] از علوم معظمه [illegible] کلام

[illegible] اخلاق و انواع علوم عجیبه که [illegible] عوام و خواص [illegible]

مفاسد عقاید

در اشاره بخرابی دین از [illegible] ۳۶۱

بظاهر این کلمات از استغفار و استبعاد کنایه است اما چه او عالم ماکان و مایکون است که در عالم حقیقت معنی افعال معتبر است که بهر حالت [illegible]

در هر کاری ظاهر فعل معتبر نیست معنی افعال معتبر است [illegible] اگر وجود علم قرائت چنانکه زبان [illegible] بالجمله [illegible]

حفاظ شان مقصود [illegible] تعلیم و تعلم علم قرائت و مذاکره و مباحثه صحت نماز [illegible] اینکه [illegible]

بکلمات [illegible] قلب نماز رواج عوام [illegible] و دیگران چنین کلمات را [illegible] از مجالس

قرائت و صحت نماز و مقابله [illegible] در عقب نماز [illegible] که در بیست سی سال کم کم [illegible] علم و مذاکره و مباحثه با وجود

اینهمه وجوب و شرف از میان مسلمانان برچیده شدند باین نوع کلمات قلب نماز رواج که تمیز حروف در قرائت نماز کلمات

قاریان [illegible] بکنایه که الکنایة ابلغ من التصریح معنیش این است بکنایه چه قدر منافقین

مؤثر [illegible] که استناد منافقان این کار [illegible] اگر [illegible] در زمان حق [illegible] امیرالمؤمنین [illegible]

ترویج [illegible] نماز [illegible] که تمامی مقصود ایشان تضییع [illegible] این [illegible]

در حقیقت مقصود [illegible] این نتایج قبیحه دارد در تمامی کلمات و کارهای خصوص علما واجب و لازم است که اول

کلمات و کارهای [illegible] تأمل و تفکر [illegible] باشند و الا صمت و سکوت هزار درجه بهتر از کلام فتنه انگیز است

در گوشه [illegible] خود [illegible] اعظم است و الی حال این زمان کلمات [illegible]

نیز در تخریب اولاد عزیز چه فتنها برپا نماید [illegible]

البته خاطر [illegible] شفقت [illegible] والواسطه [illegible] کار [illegible]

اختیار [illegible] قرار دادن [illegible] در باب اولاد حق [illegible] اختیار کردن و مباهات

در مجالس [illegible] کردن نیز از عدم عاقبت اندیشی کلمات باغرض علما و تضییع نمازها و غرض [illegible] کردن نماز [illegible]

[illegible] العالم فسد العالم بلکه ملازم غرض شده که تمامی [illegible] خون ریزیها و تصرف در اموال

و عرض و ناموس مسلمانان مؤمن و فاسق [illegible] قحط و غلا و سلب [illegible] علم خیر و برکت [illegible] بواسطه فساد

و خانمان عالم [illegible] دین محمدی [illegible] تخریب نماز و انعکاس علم قرائت و ترویج نماز [illegible]

ناشی شده [illegible] سلاطین [illegible] کفار [illegible] هزار درجه [illegible]

[illegible] کردن و غارت [illegible] در قتل [illegible] لا محال [illegible] میان مردم [illegible]

[illegible] چه خرابی در عالم [illegible] آنکه تمامی انبیا و شهدا و ائمه و اولیا خادم ترویج دین [illegible]

در اعلای نماز [illegible] دین حق [illegible] شمشیر دشمنان [illegible]

و مخالفت [illegible] عیب عظیم این فساد است که [illegible] این فساد اعظم [illegible] چه کار [illegible]

[illegible] این فساد [illegible] کدام [illegible] واسطه [illegible]

از لاابالی [illegible] و عدم [illegible] این نوع خرابی [illegible] اظهار فضل [illegible]

[illegible] فرماید [illegible]

[illegible] علما [illegible]

[illegible] ظلمها [illegible] دنیا [illegible]

در اشاره بمرتبه ملی و نتایج و متعلقات اجمالی [illegible]

در اشاره باحکام ارتداد و در حکم پدر و مادر کافر و ...

۴۹۲

آنکه در هر ملتی چهار حکم است اول آنکه اول امر توبه نماید که توبه او قبول است دوم آنکه مدت مهلت او تا سه روز است بتوبه تسلیم آنکه
عقد بکه میان او و زوجه او واقع شده ملغی و منفسخ زن باید عده طلاق گرفته بشوهر رود و اگر در اثنا عده زوج توبه کند زوجه او است
عقد جدید لازم نخواهد چهارم آنکه اموال او در ملکیت او است اگر توبه کند یا بمیرد بمنزله اموال میت است و وارث مسلم او قسمت نماید
علی ما فرض الله وازجمله ارتداد و مسائل ارتداد که برای جوانان و عوام الناس محل ابتلا است بدل
با زبان یا با اعضا است که کثیر الاتفاق است مثل آنکه نفی صانع عالم نماید یا نفی توحید کند یا نفی حکمت و علم یا نفی عدالت یا اثبات
عبث در الهیات یا نفی نبوت یا نفی معاد چه از روی اعتقاد باشد یا بجحود و عناد و استهزاء یا بکوچک شمردن [illegible] و یا انکار یکی
از ضروریات دین مثل وجوب نماز و روزه و زکوة و حج یا انکار حرام بودن مال مردم و یا استخفاف باصل شرع مطاع مقدس
دین و معاد و قرآن و احادیث یا آنکه بگوید این احادیث جبر است و گاهی که از راه طعن و استخفاف بگوید خدا چنین خالق باشم یا قربان چنین
خالق باشم یا قربان چنین پیغمبر یا قرآن یا حدیث شوم بکنایه برسد کافر است و اما با اعضا و جوارح مثل آنکه قرآن را
برزمین زند یا باستخفاف پاره کند یا بدور اندازد یا بلگد زند یا در محل نامناسب اندازد یا ادعیه و اسماء الله و کتب و احادیث و اما
ارتداد قلبی آنکه در قلب خود کفر کرده کافر خواهد شد یا شتم یا در فلان کار مقیم بشرط عقل و بلوغ و اختیار نه باضطرار و لابد
و بی شعوری واما جاهل بحکم که حکم الهی را نیاموخته است معذور نیست مثلا معنی کلامی را میداند که این کلام است ولی
نداند که بگفتن این کلام و عبارت کافر میشود و واجب القتل میشود اما جاهل بموضوع معذور است که قبح و زشتی این کلام
هیچ نمیداند ارتداد این کس معلوم نیست الله العالم بحقایق الامور من عرف نفسه و قواها و مدرکاتها و کیفیاتها
فقد اطلع علی ملکوت السموات والارض بنور ایمان و نور یقین حاصل میشود

۴۶۲

اما آنچه اول بنای اسلام و ارکان و احکام رسوم شده دین و ملت بنیه اطفال از پنج و شش سالگی بلکه سه چهار سالگی اول تربیت و تکلم مرحمت
ائمه اطهار سلام الله علیهم و حمد النبی و لا اله الا الله و التسبیح و تمجید و حروف کلمات خدا خواهد و راستی کلام و احتراز از لغو و هرزه و کلمات ناشایسته
بعد اسامی جد و آباء خاتم الانبیاء محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد مناف و ولادتش [illegible] در عهد سلطنت انوشیروان
انوشیروان چنانکه حضرت فرمود ولدت فی زمن ملک عادل و بروایتی نه هزار و نهصد سال چهار ماه هفت روز از سلطنت انوشیروان گذشته بعثت
بعثت در هفتم ماه مبارک رجب در چهل سال از عمر شریفش سی چهار ماه که گذشته جبرئیل از عرش رو آمده و وفاتش بیست و هشتم ماه صفر المظفر
اما دعای آن حضرت که مناسب است که در مسافرت ورد نمایند یا مونس المستوحشین یا انیس المنفردین یا ظهر المنقطعین یا قوة المستضعفین و یا
کنز الفقراء و یا موضع شکوی الغرباء و یا متفرداً بالنوال و یا کثیر الافضال اغثنی عند کربتی صل الله علی محمد و آله اجمعین
اللهم لک الحمد و الیک المشتکی و انت المستعان اللهم صل علی محمد کما حمل وحیک و بلغ رسالاتک و صل علی محمد کما احل حلالک و حرم
حرامک و علم کتابک و صل علی محمد کما اقام الصلوة و آتی الزکوة و دعا الی دینک و صل علی محمد کما صدق بوعدک و اشفق
من وعیدک و صل علی محمد کما غفرت به الذنوب و سترت به العیوب و فرجت به الکروب و صل علی محمد کما رفعت به الشقاء
و اجبت به الدعاء و نجیت به من البلاء و صل علی محمد کما رحمت به العباد و احییت به البلاد و قصمت به الجبابرة و اهلکت
به الفراعنة و صل علی محمد کما ضاعفت به الاموال و حذرت به من الاهوال و کسرت به الاصنام و رحمت به الانام
و عظمت به البیت الحرام و صل علی محمد و اهل بیته الطاهرین الاخیار و سلم تسلیما کثیرا اما وصی بلافصلش امیرالمؤمنین علی
ابن ابیطالب علیه السلام ولادتش سعادت در خانه کعبه مدت عمر شریفش شصت و سه سال و دو ماه هفت روز مدفنش در نجف اشرف [illegible]
ماه مبارک و دعائش بسم الله الرحمن الرحیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم ایاک نعبد و ایاک نستعین یا الله یا رحمن یا رحیم یا احد
یا صمد یا ابد یا اله محمد الیک نقلت الاقدام و افضت القلوب و شخصت الابصار و مدت الاعناق و طلبت الحوائج
و رفعت الایدی اللهم افتح بیننا و بین قومنا بالحق و انت خیر الفاتحین [illegible] لا اله الا الله و الله اکبر [illegible]

[illegible]

حالات ائمه اطهار

در اسامی شریفه و تولد و وفات [illegible]

۲۹۳

فصل بسم الله الرحمن الرحیم

برای دعا و توسل امیست که در آن وقت خواندن بسیار مذموم است و بجواب لعنت ملقب است **امام دوم** امام حسن پسر بزرگ امیرالمؤمنین

مادرش فاطمه زهرا سلام الله علیها [illegible] ولادتش سال دوم یا سیم هجرت [illegible] ماه شعبان در مدینه منوره [illegible]

مدت سال عمر مبارکش [illegible] مدفن شریفش در قبرستان بقیع [illegible] **امام سیم** ولادتش [illegible]

امام حسین در مدینه ماه شعبان عمر شریفش پنجاه و هفت سال [illegible] شهادتش [illegible] در زمان [illegible] کربلا در دهم محرم

مدت امامتش [illegible] سال **امام چهارم** علی بن الحسین امام زین العابدین [illegible] عمر شریفش پنجاه و هفت سال [illegible]

امامتش [illegible] سال [illegible] در مدینه طیبه وفات یافته در بقیع مدفون است [illegible]

[illegible] اللهم [illegible] فی تمام عظمتک و علا [illegible] اسئلک بنورک

الذی نورت به السموات والارض وقصمت به الجبابرة واحییت به الاموات وامت به الاحیاء وجمعت به المتفرق وفرقت

به المجتمع واتممت به الکلمات واقمت به السموات اسئلک بحق ولیک علی بن الحسین [illegible] والمجاهد [illegible]

فقدمته بین یدی حوائجی ان تصلی علی محمد وآل محمد [illegible]

[illegible] سوره انا انزلناه [illegible] بالله وحده وکفرت بالجبت والطاغوت

[illegible] آل محمد وعلانیتهم [illegible] اللهم صل علی علی بن الحسین زین العابدین الذی

استخلصته لنفسک وجعلت منه ائمة الهدی الذین یهدون بالحق وبه یعدلون اخترته لنفسک وطهرته من الرجس

واصطفیته وجعلته هادیا مهدیا اللهم فصل علیه افضل ما صلیت علی احد من ذریة انبیائک حتی تبلغ به

ما تقر به عینه فی الدنیا والآخرة انک عزیز حکیم **امام پنجم** محمد لقبش باقر [illegible]

کنیه اش ابوجعفر ولادتش در مدینه طیبه [illegible] در ایام سلطنت [illegible]

و مدفن شریفش در بقیع **امام ششم** جعفر است [illegible] صادق لقب مبارکش است [illegible]

ابوعبدالله [illegible] مولدش در مدینه [illegible] سال [illegible] از هجرت گذشته [illegible]

[illegible] مدفن در بقیع [illegible] **امام هفتم** موسی کاظم

کاظم کنیه اش ابوالحسن مولدش [illegible] وفاتش [illegible] از هجرت گذشته

[illegible] **امام هشتم** علی لقبش رضا کنیه ابوالحسن الثالث مولدش [illegible]

[illegible] در مدینه [illegible] عمرش [illegible] مدفنش در طوس [illegible]

[illegible] **امام نهم** محمد لقبش تقی کنیه اش ابوجعفر [illegible] مولدش لیلة الجمعه [illegible] رجب المرجب وفاتش [illegible]

[illegible] ذیقعدة الحرام با اختلافات [illegible] مدت امامتش هفده سال مدت عمرش [illegible]

امام دهم علی لقبش نقی [illegible] کنیه اش ابوالحسن الرابع [illegible] ابوالحسن الثالث مولدش یوم [illegible]

با اختلافات [illegible] عمر شریفش [illegible] وفاتش [illegible] جمادی الاخر یا در ماه رجب [illegible]

امام یازدهم امام حسن عسکری [illegible] مشهورترین القاب آنحضرت عسکری [illegible]

[illegible] خلیفه [illegible] از آنحضرت [illegible]

[illegible] لشکر [illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible] لشکر [illegible] آنحضرت [illegible]

[illegible] آنحضرت [illegible] در این باب [illegible]

[illegible] کنیه اش ابومحمد والد القاسم مولدش یوم الاثنین [illegible] روز جمعه چهارم ماه ربیع الثانی [illegible]

در مدینه طیبه در زمان الواثق بالله با اختلافات بسیار [illegible] عمر شریفش [illegible] سال [illegible]

۴۶۴

[illegible]

مقاله

آن بزرگوار
و قصه تولد

در خصایص و فضایل آنحضرت ۳۹

دهم ... [illegible] ... جلال ... دوازدهم اسم محمد است که میم اولش اشاره با ...
... [illegible] ... میم ثانیش یعنی مبارک ... میم اول ملک و حا ... میم ثانی مجد دال ... اسلام ...
اول ... میم ثانی مغفرت دال ... الی یوم القیمه اما القاب آنحضرت و کنیه ...
... اسم ... حرام است ... محمد بن عبد الله خاتم الانبیاء
غایب ... و القاب ... اول القاسم حجة الله یعنی غلبه و سلطنه ...
... صاحب الزمان ... [illegible] ...
... قائم ... منتظر یعنی انتظار ...
... خاتم الائمه ...
... خاتم الانبیاء ... [illegible] ...
... ابو القاسم ... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...
... [illegible] ...

[illegible]

حقایق

در شمایل و خواص حضرت حجة الله [illegible]

اما در رساله ... [illegible] ... سؤال از ظهور [illegible]

در جواب محمد بن عثمان ... [illegible] ... و مجمع الناس فعلیه لعنة الله ... و در جواب ... [illegible] ... کذب الوقاتون و اما

الفرج فانه الی الله تعالی **اما علایم ظهور آنحضرت** اول خروج سفیانی است و اختلاف بنی عباس در ملک ... [illegible]

و خسوف قمر در آخر ماه بخلاف عادت ... [illegible] ... طلوع آفتاب ... [illegible] ... نفس زکیه

در کوفه با هفتاد نفر و کشته شدن هاشمی میان رکن و مقام و ویران شدن دیوار مسجد کوفه ... [illegible] ... رایات سیاه از خراسان

[illegible]

466

و اما اصحاب آنحضرت [illegible]

[illegible]

و اما ازواج و احباب [illegible]

[illegible]

در خصایص و شمایل آنحضرت [illegible]

[illegible]

و اما شمایل آن بزرگوار [illegible]

بدعا و تضرع
خواستن حضرت حجة الله ظهور حضرت ارواحنا فداه از درگاه الهی

تا بناف شریفش کشیده در وصف رعنائی او المهدی طاووس اهل الجنة وارد است و کذا به وجهه کالکوکب الدری لونه لون العربی و جسمه جسم اسرائیل علی خده الایمن خال کانه کوکب دری و در خبر دیگر کذا به للمهدی بینا اجلی الجبین اقنی الانف و در جای دیگر اشم الانف و فی خده خال کالکوکب الدری عمامه [illegible] تا آن قطر ابلیسان کانه من رجال بنی اسرائیل و دیگر کذا به افرق الثنایا اجلی الجبهة و فی رأسه علامة و در حدیث دیگر فی رأسه ملک ینادی هذا المهدی خلیفة الله فاتبعوه چونکه هر روزی از ایام هفته مختص یکی از ائمه است و همچنین هر ساعتی مختص یکی از ائمه است در آن روز و آن ساعت شیعیان خود را وظیفه خوارخوان احسان ایشان و مهمان ایشان دانسته در آن روز و ساعت مشغول دعا ایشان به دعای مخصوص آن روز و ساعت بسر بریم و اگر در روزی دیگر در ساعات دیگر ایشان به کسالت و اشتغال در روز جمعه و ساعت آخر جمعه که مخصوص حضرت حجة الله امام زمان است تعطیل کسالت نورزیم تا در شناختن امام حق استقامت شناسایی در فرق حجت و علامت شیعیکی برای خواندن دعا در نزد حضرت که این دعا از اعظم اسباب ظهور حضرت حجت است اللهم صل علی ولیک و ابن اولیائک الذین فرضت طاعتهم و اوجبت حقهم و اذهبت عنهم الرجس و طهرتهم تطهیرا اللهم انصره و انتصر به لدینک و انصر به اولیائک و اولیائه و شیعته و انصاره و اجعلنا منهم اللهم اعذه من شر کل باغ و طاغ و من شر جمیع خلقک و احفظه من بین یدیه و من خلفه و عن یمینه و عن شماله و احرسه و امنعه من ان یوصل الیه بسوء و احفظ فیه رسولک و آل رسولک و اظهر به العدل و ایده بالنصر و انصر ناصریه و اخذل خاذلیه و اقصم جبابرة الکفرة و اقتل به الکفار و المنافقین و الملحدین حیث کانوا من مشارق الارض و مغاربها و برها و بحرها و املأ به الارض عدلا و اظهر به دین نبیک علیه و آله السلام و اجعلنی من انصاره و اعوانه و اتباعه و شیعته و ارنی فی آل محمد ما یاملون و فی عدوهم ما یحذرون اله الحق آمین ده بار این کلمات

۴۶۶ خواندن لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر و ده بار اعوذ بالله السمیع العلیم من همزات الشیاطین و اعوذ بک ان یحضرون اللهم انی اسئلک بحق ولیک و حجتک صاحب الزمان الا اعنتنی به علی جمیع اموری و کفیتنی به مؤنة کل موذ و طاغ و باغ و اعنتنی به کل عدو و هم و دین و حفظ جمیع اهلی و مالی و اخوانی و من یعنینی امره و خاصتی آمین رب العالمین با زیارت مخصوص که در مفتاح و زاد المعاد مذکور است با انضمام دعا که هر زیارت هر روز برای درک ظهور آنحضرت زنده باشی یا اگر مرده باشی و ظهور او از جمله آنچه میباشی که در خدمت آنحضرت جهاد کنند و منصور و مظفر چنانکه روز و ساعت جمعه خواندن دعای شریف سمات و عشرات مشتمل فضیلت زیاد و از جمله مخصصات شیعیانست خصوص که کمیل [illegible] دانستیم دعای حق آنحضرت این قرینه پایه ما به ایم که درجه درجه همیشه در انتظار ظهور آنحضرت بسوا التجا نمائیم از خدا کرام هم در عرض خواندن شناسائیم اوصاف نتایج ظهور را و مهربانی و لطف الهی و امام خود را شب و روز تعلیم و مذاکره بسیار کنیم سبکنه یا نور النور یا مدبر الامور یا باعث من فی القبور صل علی محمد و آل محمد و اجعل لی و لشیعتی من الضیق فرجا و من الهم مخرجا و اوسع لنا المنهج و اطلق لنا من عندک ما یفرج و افعل بنا ما انت اهله یا کریم بیاید معلوم این ذکر بیش که هزار درجه بالاتر از من دقت در اسعد حالی ظهور حال اضطراب و مهیای سبتبه اللهات البته کشید هزار و سیصد و هفتاد سال از گوره در بلاد منتظر باشند شیعیان خود را بی صاحب دیگر سار و عاجز در دست ظالمان و کافران مظلوم و بیچاره و در هرج و مرج عالم آشوبش از طرفی و آنجانب دیگر بواسطه نادانی و جهل خود شیعیان از دیدن اعمال ناشایسته هر روز یا در هر سه روز یا در هر هفته ناشایسته فساد و فسق در هر جا محیط و عالم را ظلمات از قبایح افعال و اعمال خصوص در هر زمانی و مکانی بواسطه منحرفین از صراط مستقیم محمدی از ظلام ابنی و بواسطه عالمان ناقص امثال مؤلف روسیاه یا بواسطه غرور عالم حق با جاهل و فضل و علم و زهد بی معنی لا ابالی بر آنحضرت نگاه ننموده ضرورت عزیز و قیمت اهم و الزم علوم را جاهل ساخته علم فراست عالم را با شته در زبان فارسی که همه آنها منتفع باشند زیر پا نهاده در ملوک طلب علم شد آیه و در عوض کتابها رسانیده اند که شیطان و شیخ قاضی پایه از آنها درس هیئت و حکمت و در رسیدها بعضی حجت داده انه جاهل اند اگر درس خواندند اخلاق در حینه روی صراف صحت و سقم تمام صنایع عقود بعقاید آنها یا به که بسبب تفسط قضایا نه اینکه صحت تمام و جنایات اصراف تمام از اینها غیبت خدایا تو بیل

برای وسعت قلوب اطفال

عقاید

فصل سیم در اشاره ببعضی عوالم

ده بار حرف عالی در دار العلم خراسان چه طور دیوانه نباشم با کمال نادانی و عدم فهم که خطاب این ارد سیاه بعلما [illegible]

چه قدر شیطان کور کرده است صحت و قرائت نماز چه قدر در این زمان در این بلد [illegible] و بی فایده و حرکت کودکانه [illegible]

درجه که چند از کور دل بواسطه [illegible] معاش و جهه صوم و صلوات حمد و سوره و نماز [illegible] صوم و صلوات نماز

امتحنه اند قاری این دار العلم شده اند [illegible] چند نفر از زنان [illegible] خیالی [illegible] چهار نفر [illegible] تعلیم قرائت که [illegible]

باز هم خیلی خوب است ولی در وقت دیدن [illegible] منظر مردم آید که کار [illegible] کند که مشغولند [illegible]

همه همت علما بر [illegible] است که در دین با حمد و سوره و [illegible] نماز از کارها [illegible] نماز [illegible] است [illegible]

تعلیم و تعلم نماز و تربیه اطفال در عقاید و مسائل و شناختن امام عصر و آداب دین و [illegible] عقاید [illegible]

صفت [illegible] که [illegible] انواع مفاسد [illegible] و [illegible] عالم گیر بواسطه تضییع و [illegible]

و نتیجه [illegible] است که در مجالس و محافل این نوع جماعت [illegible] تضییع نماز [illegible]

در قرائت نماز [illegible] حروف کافی است [illegible] زبان [illegible] بسیار [illegible] العالم

فصل سیم در اشاره ببعضی عوالم

برای استحضار طلاب [illegible] از بعض عوالم در کتاب خصال از جابر انصاری مرویست که گفت حضرت امام محمد باقر [illegible] از تفسیر این آیه

افعیینا بالخلق الاول بل هم فی لبس من خلق جدید [illegible] عالم [illegible]

[illegible] عالم [illegible] زمین [illegible] عبادت [illegible]

[illegible] آسمان [illegible] خلق [illegible] والله لقد خلق

الف الف عالم والف الف آدم [illegible] تلک العالم و اولئک الآدمیین [illegible] خلق [illegible] عالم [illegible]

[illegible] آدم [illegible] العالمین [illegible] عالم [illegible] العالمین [illegible] تفسیر علی بن ابراهیم مرویست که ابن عباس

[illegible] عالم خلق [illegible] عالم [illegible]

[illegible] آدم و اولاد آدم [illegible] اولاد آدم [illegible]

کتاب خصال از حضرت باقر مرویست [illegible] عالم [illegible] خلق [illegible] عالم [illegible] خلق [illegible]

اولاد آدم [illegible] زمین خلق [illegible] اولاد

خلق [illegible] العالمین [illegible]

[illegible] یوم تبدل الارض غیر الارض والسموات

صادق آل محمد مرویست [illegible] زمین [illegible] خلق بسیار [illegible] عبادت [illegible]

[illegible] دیگر [illegible] حضرت [illegible]

خلق بسیار [illegible] خلق [illegible] لعنت [illegible] فلان

[illegible] عبادت ایشان [illegible] لعن است [illegible] از حضرت ابی الحسن [illegible]

خلق [illegible] آسمان [illegible] عالم است [illegible] خلق [illegible] عالم [illegible] لعنت [illegible] فلان و فلان

و در کافی از حضرت امیر المؤمنین [illegible] ابن عباس سؤال [illegible] خلق [illegible] آدم [illegible]

[illegible] یأجوج و مأجوج مرویست [illegible] آسمان [illegible] آدم [illegible]

[illegible] خلق [illegible] خلق [illegible] اخبار بسیار وارد است [illegible] طلاب [illegible]

[illegible] لسان و زبان [illegible] برای معاش

در ترغیب علم و تکمیل عقل و نفس تا قابل تابش نور الهی باشد

۴۹۹

[illegible] بجلات [illegible] و [illegible] مقدمات [illegible] ... عدم استحکام [illegible] توحید و اصول دین و مسایل و احکام اسلام و ایمان [illegible] ... [illegible]

در ترغیب تعلم و دانش

بسم الله الرحمن الرحیم

وان کان محظوظا علیه مکاسبه	يزين الفتى في الناس صحة عقله
على العقل يجري علمه وتجاربه	يعيش الفتى بالعقل في الناس انه
فقد كملت اخلاقه ومآربه	اذا اكمل الرحمن للمرء عقله
على الهدى لمن استهدى ادلاء	ما الفضل الا لاهل العلم انهم
وليس اخو علم كمن هو جاهل	تعلم فليس المرء يولد عالما
كبير اذا اجتمعت اليه المحافل	وان صغير القوم والعلم عنده
وليس جمال العرض وطولا	ان الجمال جمال العلم والعقل
ان اليتيم يتيم العلم والادب	ليس اليتيم الذي قد مات والده
تجري الرياح بما لا تشتهي السفن	ما كل ما يتمنى المرء يدركه
ليس الفتى من يقول كان ابي	ان الفتى من يقول ها انا ذا

[illegible]

من ملك نفسه و [illegible] فقد اطلع على ملكوت السموات والارض

العقل ما عبد به الرحمن واكتسب به الجنان | العلم [illegible] الجهل [illegible]

[illegible]

برای حفظ اطفال مکتبی و ملکه مراقب و حفظ دار التربیت [illegible] که منعطلین و کار بانسند

۴۶۹

فصل [illegible]

در اخبار صحیحه وارد است در تفسیر و معنی یرفع الله الذین آمنوا والذین اوتوا العلم درجات که [illegible] در فصل مجلس علم [illegible] در وقت قبض روح بدون حزن [illegible] از آب کوثر [illegible] بواسطه ملک الموت قبض روح [illegible]

[illegible]

۴۷۰

و نادانی و کری که کهن از تربیت و فطرت تان

و تنگه اول شطه بنده ای است

در الجهل قبل الموت [illegible] و اجسادهم قبل القبور قبور [illegible]

[illegible]

در ذکر علوم اسلام و افضل علوم دارند

که سایر علوم در نزد آنها کالمقدمه و مسند

در حدیث وارد است که العلم علمان علم الابدان و علم الادیان [illegible]

[illegible]

در توحید و دلایل اجمالی و صفات ثبوتیه و سلبیه

الحاصل مرد عاقل از صحبت جاهل و نادان زیاده از صحبت سباع و وحوش و مار و عقرب گریزانست زیرا که نادان دنیا و آخرت و دین و ایمان را پایمال نماید

او است رأس مالک فاغتنمها فان لکل ما صغر شکلک عن ابی عبد الله من زهد فی الدنیا اثبت الله الحکمة فی قلبه و انطق بها لسانه و بصره عیوب الدنیا داءها و دواءها و اخرجه من الدنیا سالما الی دار السلام و جعل الجنة کله فی بیت و جعل مفتاحه الزهد فی الدنیا السلام علی من اتبع الهدی

و قال الله تعالی یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا و قال و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون ای لیعرفون و قال افحسبتم انما خلقناکم عبثا و انکم الینا لا ترجعون انسان مکلف است فبل از همه چیز معرفة الله واجب است یعنی خدا را شناختن و پرستیدن مع صفات ثبوتیه و صفات سلبیه و سایر صفات ذاتیه و صفات فعلیه واجب الوجود تعالی شانه و این رساله مشتمل است بر یک مقدمه و چند فصل و خاتمه که عمده مقصود مؤلف از ده به نسبه بعضی طلاب و اطفال مؤمنین و شیعیان امیر المؤمنین است بر سبیل اجمال که رأس مسائل و عقاید است که کورکورانه قدم به دایره اسلام و ایمان نتوان گذاشت و بالله التوفیق

اما مقدمه در بیان معنی واجب الوجود و اثبات وجود واجب الوجود به دو دلیل اجمالی **دلیل اول** تواتر و محسوسات افاده علم میکنند باین معنی که جمیع انبیا و اولیا و علما بلکه صاحبان مذاهب مختلفه نیز در ازمنه مختلفه خبر داده اند بوجوب واجب الوجود و وحدانیت و عدالت پروردگار عالم پس چنین خبر یقینیات اصل نمیباشد که با اختلاف اوقات و ازمنه و مکان و اشخاص و فرق و کثرت اتفاق بر دروغ که محال و امکان ندارد کاشف است **دلیل دوم** آنکه تصور هر شی خالی از احد امور ثلثه نخواهد بود واجب الوجود ممکن الوجود ممتنع الوجود پس واجب الوجود او کسی است که وجود او واجب و عدم او محال باشد چنین وجود واجب الوجود ممتنع الوجود او کسی است که عدم او واجب و وجود او محال باشد چون ضد و شریک باری تعالی معبود نخواهد بود چنانکه گفته اند موجود منقسم به دو قسم است یا ممکن الوجود و یا ممکن الوجود و هیچ است ممتنع چو محالست نه نیست فرض محال فکر و خیال در هواست و اما ممکن الوجود که وجود او ممکن و عدم او نیز ممکن باشد مثل نباتات و حیوانات و جمادات و مخلوقات ممکن است که خدا بیافریند و ممکن است نیافریند هر چه صلاح باشد پس چنانکه وجود ممکن الوجود لازم گرفته وجود واجب الوجود را همچنان عدم ممتنع الوجود نیز لازم گرفته وجوب وجود اما وجود واجب الوجود لازم نگرفته وجود ممکن الوجود و ممتنع الوجود را بلکه لازم گرفته عدم ممتنع الوجود را که مذکور شد پس وجود واجب الوجود علی التفصیل واجب است اما وجود ممکن الوجود و ممتنع الوجود عدم و وجود یکدیگر را لازم نگرفته اند **و صفات ثبوتیه** بر سبیل اجمال آنکه قادر و عالم و حی است مرید و مدرک هم قدیم و ازلی است متکلم صادق ثبت خدا یکی است و خلق عالم نوانی در دل مور آفریدن ... و سعت امر زدن مور ... از عالم کسی ... عدم شرق و غرب خلق عالم نوانی در صد قسم جمیع آفریدن نوانی باز در یک طرفة العین هزاران کون و عالم آفریدن پس قادر یعنی خداوند عالم قادر مطلق است نه مثل قدرت آتش و آب که قدرت آتش سوختن است و قدرت آب بجریانست نه بر عکس و بی اختیار نه **دوم عالم است** یعنی عالم بذات است چنانکه ذات ما جلاه ما و از علم ما است که بر ما عارض شده است بعد از تحصیل و تعلیم علم وجود واجب الوجود اصلی با ذات او یکی و عین ذات است چنانکه **دوم عالم است** یعنی عالم بذات است یعنی ذات الله از علم و قدرت جدا نیستند قدرت و علم و ذات در ذات جدا نیستند و بعد از قبل امور عالم است صد هزار هزار سال قبل از خلقت آنها و جمیع امور مشکله در نزد او معلوم است از قطرات برف و باران و عدد ریگها و برگها و حرکت چشم جنبنده و پرنده و انفاس جن و انس همه میداند عالم است که از راه حکمت و مصلحت همه خالق فرموده است نه هوای مصلحت بی سبب و احوال ممکن عالم است **سیم حی است** از لوازم علم است و قدرت همیشه بوده و خواهد بود از لی و ابدی است بدایت ندارد عالم بما کان و ما یکون و عالم بما لا یکون ان لو کان کیف یکون **چهارم** مرید است منفک اضطرار ملیباشد یعنی جمیع کارهای خدای تعالی باراده و اختیار است نه باضطرار و لا بد و از لوازم قدرت و علم حتمی است یعنی علم ذات بلی انفکاک ندارد **پنجم مدرک** یعنی هر چه جنبش و لرزش و هواس و سایر اعضا و رگ هزار هزار و رشته بالاتر از آنها و کسی تا به اطالم ایمن نیز

نعلوع یمن ...

حیوان ... فاحق ... کتاب ...

صفات ... تعالی

و در بعضی لوازم [illegible]

در صفات سلبیه الهی و غنی بودن

۱۰۹۳

و این نیز از لوازم علم و قدرت است با نیک تأمل. ششم قدیم. هفتم ازلی و ابدی. [illegible] هشتم متکلم [illegible] مخلوقات [illegible]

و بیانات و جوارح بدلول آیه شریفه الیوم نختم علی افواههم و تکلمنا ایدیهم و تشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون [illegible]

در جمیع [illegible] و در قیامت [illegible] جزا و مکافات. و در صفات سلبیه الهی [illegible]

[illegible] جسم [illegible] مثل [illegible] و معانی [illegible] و الضالین. اول آنکه مرکب نیست یعنی از [illegible]

و استخوان و اعضا و جوارح نیست چنانچه عرض و [illegible] ندارد [illegible] دوم آنکه جسم نیست [illegible]

سیم مرئی نیست یعنی بچشم ظاهر دیده نمیشود چنانکه خود فرموده است لا تدرکه الابصار و هو یدرک الابصار [illegible]

و او صیاد [illegible] الحجته [illegible] یعنی از مخلوق و مصنوع [illegible]

نباشند مماثلت چنانکه حضرت امیر [illegible] در آن القلوب بحقایق الایمان. چهارم از صفات سلبیه آنکه خداوند عالم

محل حوادث نیست [illegible] حلول نکرده [illegible] حلول نکرده مثل حلول [illegible] روح در بدن [illegible] حلول [illegible]

[illegible] خواب و مرض و خوردن و [illegible] و آشامیدن و الوان [illegible] و ظلمت [illegible] علامتهم [illegible]

پنجم و شریک بودن در جمیع صفات [illegible] شبیه و کلیل [illegible] جمیع [illegible]

[illegible] نظام امور [illegible] امیر المؤمنین [illegible]

[illegible] فیض [illegible] عین الله و قدرة الله و [illegible] و لسان الله [illegible]

[illegible] امیر المؤمنین [illegible] کفر [illegible]

[illegible] افضل مخلوقات و اولی [illegible] لازم است در همه حالات [illegible]

[illegible] محکم [illegible] در باره این [illegible] خطر و لغزش [illegible] در علم و خلقت [illegible]

ایشان [illegible] از بعضی فضایل و مناقب و صفات خاصه [illegible] فضایل

ایشان محل خطر است [illegible]

[illegible] شیطنه [illegible] سلام الله علیهم [illegible]

فصل [illegible] ششم آنکه معانی [illegible] صفات [illegible] عین [illegible] صفات [illegible]

[illegible] علم و قدرت و حیات و سمیع و بصیر [illegible] صفات ذاتیه عین ذات [illegible] اما بعضی صفات فعلی

ممکن است [illegible] مثل خالقیت و رازقیت [illegible] رحمن و رحیم [illegible]

بعضی مصالح [illegible] رازقیت [illegible] قبل از آن یا قبل از خلقت [illegible] مطلقا [illegible] از خلقت

[illegible] واجب الوجود [illegible]

واجب الوجود [illegible] هفتم غنی بودن از جمیع [illegible] و محتاج [illegible]

ذات الهی [illegible] الوجود [illegible] و قال الله تعالی تفکروا فی آلاء الله

[illegible] ذات الله [illegible] حضرت موسی [illegible] لن ترانی یا موسی [illegible]

[illegible] کفر است [illegible] جعفری [illegible] الارباب [illegible] در کلام مجید [illegible] قل هو الله احد

[illegible] توحید [illegible] لغزش [illegible]

[illegible] صفتش [illegible]

[illegible] ذات تو [illegible]

و ان من شیء الا یسبح بحمده و لکن لا تفقهون تسبیحهم [illegible] و فی کل شیء له آیة تدل علی انه واحد

کل قد علم صلاته و تسبیحه. [illegible] تسبیح [illegible] شاخ گل [illegible] زبان [illegible]

در تشویق و ترغیب طلاب به تحصیل و تعلم علوم

حقایق · آداب

[illegible]

[illegible]

در عدم قبول توبهٔ عالمان و مشهوران

ابهار علمای سوء که بقدر دسترس قاریان علم قرائت و صحت نماز و مسائل مروج نماز به عنوان احترامی بسته به علم و سبق نماز به عشرت بدو کلمه کلام
مولوی رومی اند و بر قرار شدند که ابها الناس در قرائت نماز تمیز حروف کافی است قاریان دو آن دلیلی بسیار کج در ادای نماز کنیایه برای
قاریان مذهب و یک دارند اقوال و گفتار آنها خوارج دیده و بیانات تمام مردم را به رغبت و گریزان از قاریان علم قرائت و موارد مباحثه این
رم داده کم کم در مدت سی سال متروک گردید چنانکه هیچ جابر ظالم و منافقان قدیم به این کار موفق نشدند و کم کم نتایج کلام فساد
داده که این کلام مالک که امر طایفه است بلکه بعضی دانسته در اهمیه تجاهل اهل قاریان غلط و فساد ما به و مجالس و محافل حبیب کور
و نتیجه قاری کم سواد گفت فلان پیشنماز حمد و سوره اش غلط است دیگر ما به از اظهار مردم برآمد خسته شد بلکه از دست ما جبر بنیاد چاره که
علاج از سوء آنچه که مثل از رسوائیشان در نزد خلق و خدا اجمال احتمال و خدا از کسی مباح خشند نه اینکه نماز به جهت کلمات
لسانیه و اشاره عدم قرب علم قرائت و نماز صحیح اخراج به پایان ولکن کوب و حقوق به بره کا سبط لشکر و خادم مجلس شیطان دوران
است که همیشه کار در راه و دام شیطان بسیار است چه قدر علما از عالمان بزرگ و به جهل و استحکام از آثار هزار موجب در بیگانه
دنیا و محبت دنیا دام وسیع و ایمان فساد ابلیس است خصوص برای عالمان فاضل و کامل که در عالم و در شهر و دیار الهی
در زمره ایشان چه قدر از معتقدین و معتبرین علما از زیان مسلمانی و تخریب دین محمدی یکدانی حکم اند چنانچه هزاران هزار
فاضل در مسند فتوی و قضا خون و قتل امام زمان انداخته و هزار هزار برید دامن زبان در تخریب صراط مستقیم دین و بدعت مسند
تکیه بر مسند فتوی خلاف محکم که در جوی دشمنی به خصوص تکفیر و تفرقه با اسم اختیار معاویه بن ابی سفیان تکفیر و اصحاب
بعدان نور اللهی مقابل حجة اللهی علم مخالفت افراشته که دل جاهل محبوب و مطلوب اللهی علی بن ابیطالب در جهنم و شعله
در کلو بلکه از دو با منافقان دیگر دنیا و نکته تر از جهنم موری نمایند و سایر ائمه و جهنم و ذلیل ترین مخلوقات اقتدار نمایند
عادت قدیم ابلیس در این دار فنی تا ظهور حجة بالغهٔ اللهی در هر وجهی زیلعی هر روزی هزاران عالم و کامل و مهوای نفس خویش
اطاعت رحمت کار و معاون جهنم میسازد به دار حاکمان دوزخ کار در هر سو به دستگیر خویش از اکاذیب العالم فسد العالم
و قلوب علمای سوء مانند جمعیت به نرد و صحبت ترازو استاد و خود ابلیس است که احسن الکلام این روسیاه نمایند که ولایت طیب دلایل
الاوفی کتب مبین تمامی محسنات و حجات و مستحبات و آداب دین مبین در قرآنست چه اثر که آیات تام و کمال
کسانیکه قرآن کلام اللهی از روی غفلت و ضلالت بسیار کرده ابد الآباد در جهل مرکب کجا از جهل ملاقات خواهد گرد مسئله و اثر
در حدیث و خود و دیگر قلوب کسانیکه به واسطه تکرار معاصی و استمرار مخالفت حق سیاهی نقطه قلب ظلمه که سفید را فراگرفت قلب ملبس حرام است
و دیگر حجاب اکمل تمام علاوه در حدیث دیگر اهل بیعت توفیق توبه نخواهد یافت دار بر وجه مدوّن هم که و هادیه توبه و قبول نخواهد که سلام

و اما اصول دین پنج چیز معروفست

که توحید و عدل و نبوت و امامت و معاد است شد **اصول اسلام** سه تا توحید نبوت و معاد **و اصول ایمان**
عدل و امامت **اصول مذهب** نیز عدل و امامت گویند و گاه هم گفته شده که اصول ایمان پنجتا گویند توحید و عدل انبیاء و معاد
گویند و ایمان اقرار با امامت را گویند و مذهب عبارة از آداب شریعت طاهره است که از ائمه اطهار سلام الله علیهم اجمعین منقول
ایشان و مذهب اثنی عشری را مذهب جعفری نیز گویند برای آنکه در زمان سایر ائمه اقتدار بنی امیه و بنی عباس لعنهم الله و صحت تعلیم
آداب شریعت طاهره نداده مگر در زمان حضرت امام جعفر صادق و اول خلفای بنی عباس که در زمان آخر بنی امیه نزد آن حضرت
با هم مشغول و جنگ و قتال بوده قدری زیاد آنحضرت را فرصت در ترویج شریعت نبوی سعی فرمود و از آنحضرت قدری خاص و عام
اهل السنت مذهب با کثرت داده و جسته و الا ایمان مذهب اثنی عشری ملیاسته که بواسطه مجموع ائمه سلام الله علیهم تمام رسیده

و از جمله آداب شرع و دین که بما رسیده است

از آداب مشغلین بار کرمان در اول سخت و دخل در باصطلاح کتیصل است که چهار حضرت تا سیزده و شرف بلیت و قار و هلس آن عاشت را آنچه

در اسباب و لوازم اداب تحصیل طالبان علم

[illegible]

در مذمت پر گفتن و بیهودگی و ظرافت

[illegible]

انما النجوی من الشیطان لیحزن الذین آمنوا

[illegible]

اشاره بمنافع [illegible]

[illegible]

البلد الطیب یخرج نباته باذن ربه والذی خبث لا یخرج الا نکدا

از کوزه همان برون تراود که در اوست

لا تبدأن بمنطق فی محفل قبل السؤال فان ذلک یشنع ان القلیل من الکلام باهله حسن وان کثر ممقوت

وقال ع من کثر کلامه کثر خطاؤه ومن کثر خطاؤه قل حیاؤه ومن قل حیاؤه قل ورعه ومن قل ورعه مات قلبه ومن مات قلبه دخل النار ومن نظر عیوب الناس فانکرها ثم رضیها لنفسه فذلک الاحمق ومن کثر من ذکر الموت رضی من الدنیا بالیسیر [illegible]

[illegible] اول آنکه [illegible] دوم آنکه تقلیل الطعام سیم تقلیل المنام چهارم تقلیل الکلام پنجم ترک مخالطة الانام ششم [illegible]

[illegible]

هفتم [illegible]

[illegible]

هشتم [illegible]

[illegible]

مقدمه

در ابتدای تحصیل علم

فصل دوازدهم از باب دوم مشتمل بر آداب

اما آنچه از واجبات اکل و شرب است اولاً ملاحظه حلال و حرام است و بسم الله گفتن در اول و از روی رضا بآنچه رسانیده که مانند بیماری بدانی

رنگ آن بر خوردن شرط چهارم است

در آداب و واجبات آن

ارکان شرایط طعام حلیت اوست

اما آداب طعام که کراهت با اوست — و اما مکروهات اکل و شرب

در حالت سیری و سخن گفتن و تعجیل در اوست

و اما مستحبات آن

در بیان محرمات اکل و شرب که واجب است اجتناب نمودن

و شیخ المشایخ بهائی مرحوم در این باب ذکر کرده و بنظم در آورده‌ام

در حدیث نبوی صلی الله علیه و آله وارد است که من کان یؤمن بالله والیوم الآخر لا یجلس علی مائدة یدار علیها الخمر و نفسیر و معنی حدیث

که مجلس فسوق است نشستن و خوردن بطریق اولی حتی خواب در آن مجلس حرام است و مجالس بازی و طاعات همه حرام است و ممنوع است

مجالس در حلیه و شهید ثانی در کتاب طعمه و شرح لمعه میفرماید که حال سفره که در آن یکی از محرمات شرعیه بعمل آید از غیبت

دروغ و بهتان و لهو و لعب و ساز و طنبور با نامحرمی دیدن و تکلم و آمدن حجاب و خادمه نامحرم و حال اگر چه کلام

با محرمی باشد از اقوام و عشایر الکل شهود و این پسر جوان که صف نامحرم بود اگر چه شبهه داشته باشد اگر چه خیال

ریبه نباشد و در وقت اکل و شرب از امور نامشروع بعمل آید شراب و در حکم شراب همه طعامها انکار و سفره حرام ملبسه

با تکرار و نشستن بر حریر بردی یا آنکه طعمه و شرب و بر سینه جامه حرام بود بعد از رفع تغیر مجلس فسق خوردن

فتأمل و احصد واجبات اکل این است

جمله معترضه که لازم داد حسب صلاح و موافق اقتضای اصحاب عبارات اطلاع بندگان

[illegible]

الدرس حرف … الف … [illegible]

[illegible]

بواسطه کرد عود ولیعهد سما مائده سماوی قادر متعال

خصوصاً از علماء ... اشراف ... [illegible]

[illegible]

… كل من عليها فان … [illegible]

درعقاید مسائل

فصل یازدهم در دلایل عقلی نقلی از اصول دین

پس مقصود مؤلف به نصیحت از این مقدمات و احکام آنچه او دعوی کرد اصول دین و دلایل مختصر آنچه که ... مسلمان است و اصول دین

بنابر مشهور پنج است که انسان مکلف ...

قبل از همه چیز معرفة الله واجب است یعنی خدا شناختن و دانستن ... اصول دین است ... اصول دین پنج چنانکه ذکر کرده

اول توحید بود دلیل مذکور تواتر در محسوسات افاده علم میکنند و هر چه انسان تصور ... از احد امور ملائکه خواهد

و معانی آنها ذکر کرده ... نیز دو دلیل دارد ذکر ... یکی دلیل عقلی دیگر دلیل نقلی ... از قرآن اما دلیل نقلی توحید قل هو الله

چه دلیل عقلی چو پادشاه در یک تخت سلوک ... **دوم عدل** نیز دو دلیل نقلی اما ولعنة الله علی القوم الظالمین

دلیل عقلی ظلم بد ترین صفات است ... که خدای تعالی ظالم را لعنت کند ... نعوذ بالله خود ظالم ... **سیم نبوت** نیز دو دلیل

عقلی و نقلی اما دلیل نقلی قوله و من یطع الله والرسول فقد فاز ... اما دلیل عقلی بعد از آنکه اعتقاد ...

پس لازم است که از راه لطف و احسان حق تعالی از جنس یک شخص پیدا فرمایند تا امر و نهی الله ... جناب شخص معجزه

که از جنس ما ... روز قیامت بعضی عذر ... چنانکه ... معجزه ...

آنها بعد محمد بن عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف است که تمامی مخلوقات بطفیل آنحضرت خلق شده ...

لولاک لما خلقت الافلاک که جمیع انبیا و اوصیا و معجزات و کرامات ...

شریعت آنحضرت تا قیامت باقی و برقرار خواهد ... **چهارم از اصول دین** امامت است نیز دو دلیل نقلی عقلی

اما نقلی اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و دلیل عقلی چنانکه خدای تعالی از راه لطف و احسان ... پیغمبر فرستاد لازم است

... که در حالت حیات پیغمبر شخص ... عادل عالم که در جمیع صفات کامل مثل خود معجز باشد و ...

خلیفه و جانشین نصب و تعیین فرماید که بعد از او ... از این عالم آن شخص کامل ... عالم ...

تا به ... شخص ... عالم امام و خلیفه و جانشین بر حق ... **پنجم از اصول دین**

معاد یعنی بعد از مردن زنده شدن و سوال و صراط و میزان و ... بهشت و جهنم ...

دو دلیل نقلی و عقلی چنانکه می بینیم در دنیا بعضی مؤمن و بعضی فاسق و ظالم ... پس بمقتضای عدالت ...

... ظالمان ... در مقابل اعمال جزا و عوض ...

روز ... **در بیان فرق میان نبی و امام** ... آنکه نبی ... بواسطه ...

احکام الله ... **و امام بواسطه** ...

بواسطه پیغمبر ... دوازده بزرگوار اند اول حضرت امیرالمؤمنین دوم امام حسن سیم امام حسین

چهارم امام زین العابدین پنجم امام محمد باقر ششم امام جعفر صادق هفتم امام موسی کاظم هشتم امام رضا نهم امام

محمد تقی دهم امام علی النقی یازدهم امام حسن عسکری دوازدهم امام عصر که اسم مبارکش موافق باسم محمد بن عبد الله

خاتم انبیا ... حجة الله ... صاحب العصر ... القاب مبارک غایب ...

... بعد از ظهور ... زمان ...

... مشیة الله ... حقیقی ...

... امام ... الآخرة ...

چنانکه ... ظهور ...

احکام ... لطف و شفقت ... صلاح ...

حضرت رسول ... سلام الله علیهم ... سلطنة ...

... ایشان عالم را پر از عدل و داد ...

در فضیلت و ثواب انتظار فرج آل محمد علیهم السلام

[illegible] امام زمان [illegible] ظلم [illegible] فساد [illegible]

[illegible] امام [illegible] الله [illegible] ظلم [illegible]

[illegible]

[illegible] و در کتاب حق الیقین از حضرت

امیر المؤمنین منقول است [illegible] افضل اعمال [illegible] انتظار فرج افضل اعمال است و از حضرت امام زین العابدین [illegible]

[illegible] انتظار فرج [illegible] غیبت امام زمان [illegible] امام [illegible] افضل [illegible]

[illegible]

[illegible] ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین منقولست [illegible]

[illegible]

[illegible] کلام الله [illegible]

[illegible]

[illegible] انتظار فرج [illegible] امام زمان [illegible]

ظهور امام زمان [illegible] شیعیان امیر المؤمنین [illegible]

[illegible] امام عصر [illegible] شیعیان [illegible]

[illegible] عالم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] عالم [illegible] قرآن [illegible]

بسم الله [illegible] نقطه بسم الله [illegible] نفس کل [illegible] عقل کل [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] از اجله علمای شیعه [illegible]

که کشف و شنید و مباحثه این کلمات را خواهان نوشتن

کلام الله [illegible]

عقاید [illegible] مؤمنین

اطفال [illegible]

و باید دانست [illegible] شیعه [illegible] شرق و غرب [illegible]

[illegible] علم [illegible] عالم [illegible] نور الله [illegible]

[illegible] اولاد [illegible]

[illegible] ایشان [illegible]

[illegible] والله یضاعف لمن یشاء [illegible]

[illegible] اولاد [illegible]

[illegible]

در حضرت ...

باب ... وفصل ... در امامت ...

... هر کشت ... آل محمد ...

... در اثبات امامت ...

... محمد باقر ... جعفر ... موسی ... رضا ... محمد تقی ... علی نقی ... حسن عسکری ... محمد ...

مصطفی ... محمد مرتضی ... علی ... جعفر ... موسی ... محمد تقی ... الامام ...

... امام زین العابدین ... امام رضا ... امام ... امام حسن ... حسن عسکری ...

او حرت ذکری وفی الابجاد فائدة هو المسك ما کررته یتضوع
وللکرام من التطریل تضییع

... یعنی که ... آل عبا ...

در موعظه قال الله تعالی والذین امنوا وعملوا الصالحات فی روضات الجنات لهم ما یشاؤن عند ربهم ذلک هو الفوز العظیم

... لو خلد الله خلقا لخلد ... کان النبی ولم یخلد ...

فلو کانت الدنیا بقاء لساکن لکان رسول الله فیها مخلدا ...

... کامل ... موعظه ... علما ... اصول دین ... اسلام ...

... امامت ... ایمان ...

نماز که از شرایط
بستخفین
در مقدمه فروع دین با بعض تذکرات
۱۰ ۲

در مقدمه فروع دین و تقلید و معنی تقلید و مسئله جاهل بدانکه باید دانست که تقلید چیست تقلید در چه چیز است

تقلید برای کیست و تقلید برای چیست جواب تقلید پیروی کردن است که در دست اختیار مجتهد جامع الشرایط باید داد [illegible] تقلید

در فروع دین است در اصول دین بر هر کس لازم است تقلید سوم تقلید بر مجتهد اعلم زمانست چهارم تقلید برای صحت عبادات است که خداوند [illegible] خلقت

الجن والانس الا لیعبدون و فروع دین عبارت از ده چیز است اول و دوم صلوات

خمس و زکاة حج و جهاد تولی تبری امر معروف نهی از منکر و مقصود ما در این مجلس ذکر [illegible]

مسائل نماز است بقدر امکان و حال و اما مقدمات نماز شش چیز است مجموع در لفظ طاس دمق

ط اشاره بطهارت ا اشاره بازاله نجاسات از بدن و لباس مصلی س اشاره بستر عورت د اشاره

بشناختن وقت و یقین کردن بیقین وقت تا نماز صحیح باشد م اشاره بمباح بودن مکان و لباس مصلی که غصبی [illegible]

نباشند ق اشاره براست نمودن [illegible] بقبله که با شک و شبهه و عدم یقین باطل است چنانکه در این زمان اکثر مردم

در [illegible] و ضیافات بدون یقین بقول [illegible] فاسق فاجر که از صحت نماز [illegible] باسم اسلام نماز [illegible]

بقول یک فاسق [illegible] دفع نماز [illegible] در صد [illegible] نماز [illegible] در مدت سه چهار دقیقه [illegible]

[illegible] مکان [illegible] قبله راست [illegible] با نماز [illegible]

[illegible] خدا میفرماید الصلوة تنهی عن الفحشا و المنکر یعنی نماز از فحشا و منکر [illegible] مانع [illegible]

[illegible] معصیت [illegible] بلکه هیچ معصیتی [illegible] ارتکاب [illegible]

دارم [illegible] کلام [illegible] که [illegible] این کتاب را مختص اطفال [illegible]

[illegible] این نعمت باشند برای ایشان [illegible] صراط مستقیم [illegible]

[illegible] تحقیق و موفقیت [illegible] مجتهد [illegible] باصلاح [illegible]

[illegible] باصلاح [illegible] ان شاء الله [illegible]

[illegible] سلام الله [illegible] بسیار [illegible] بالمیت [illegible]

[illegible] تفصیل [illegible] شیخ [illegible] مرحوم [illegible]

[illegible]

[illegible] محسنات [illegible]

[illegible] منفعتی است [illegible] مسلمان [illegible]

[illegible] طعام [illegible] طلا و نقره [illegible]

انما یتقبل الله من المتقین [illegible] ترک نماز [illegible] استخف بالصلوة [illegible]

ترک کننده نماز [illegible] غفلت [illegible]

نماز [illegible] استخف بالصلوة [illegible] نماز [illegible]

[illegible] در راه خدا احسان [illegible] ملاحظه احسانات [illegible]

[illegible] اعلا علیین [illegible] احسانات [illegible]

احسان [illegible] اسفل [illegible] جهنم [illegible]

[illegible] نماز [illegible]

[illegible] نماز [illegible] ملاحظه [illegible] دقیقه [illegible]

۳۶۱

از حقایق مسائل

در مذمت و اثبات و بایت [ترک] نماز

فصل دوازدهم

در حدیث وارد است که رسول خدا فرمود شفاعت ما نمی‌رسد و بر حوض کوثر نمی‌رسد به ایشان از امت ما کسی که نماز را سبک شمارد و در حدیث دیگر از ابن مسعود وارد است که از

در مذمت تارک نماز و تارک نماز قضا بسیار وارد است که لامحاله بلکه فرار از نماز خواهد شد علی الخصوص زیبا بر اهل ایمان بعض از اخبار

بعث و صاحب سواد در این انواع مواعظ به ارشاد نمایند زیرا که مرتبه سواد ناقص باشد یا مسئله در ایام طفولیت با عقاید و مسائل

عادت و طلاق نماید مثل و رسمهای خارجی و محبت و تربیه الواط و جاهل قبل از بلوغ این نوع رسمها قبل از تکمیل عقاید و مسائل و حسنه خود مثل

و تربیه مخترعه مکتبهای دسلیقهای تازه بتربیه پدران ناخلف آخر الزمان مایل جوانان و محبت احکام الله و حرکات و سکنات

مؤمنان و شیعیان امیرالمؤمنین نخواهد شد و از الواح سینه دل او محبت کفر و مخالفت اسلام را بالکل خواهد شست هرچند

در مکتب دقت تربیه خوب است یاد گرفته چه قدر رسوخ و استحکام دارد و هیچ کس نظر به تمام مکاتب و مدارس تا آخر

مکتب و لسان اجنبی پدران ناخلف به واسطه تقویت ابلیس چه قدر رسوم باطل و محبت آورده که در مکتبها بعد از

نظایر و علمای متقدس و فقرا و صلحا هم قرآن ما میان ماند که از این امید داشتند که از اصل احکام

سر خوب تازه پاک جوانان زیبا رفته شگفته آراسته و پیراسته و عبارات عالیه زیبا شده و آرمیده مثل ساحر و الواط

انواع فنون و کارهای خارجی روم و روس و مستقل شایان گوهر و خیران در زمان بر دستهای مشهور محافظت و استغفار

زاید لازم است میفرستند که و خیران اسلامی را منکوحه حلال خود مینمایند که به مهر معین از کار

و این روایت و خبری که در احادیث شیطان مدارس به عالم ذلیل شد و مذهب این بیناموسی که علما

منصوبه است شیطان محض خیال و ادا و شیطانی به تصور منافع و خیال صاحب منصب دولت

نوشته که مجلس خیالی است که این خیر است و بیناموسی این خیال نتیجه خوب خواهد و در دنیای ناموسی

و صاحبان روایت منحصر به این کار که خود تمامی به خیران دین ناموس از العقیده و شما بدعاقبت و دشمن

آخر از روایت خیر و شیطانی که تا به رسد روایت از این مسئله واضح است که منقولات زیاد وارد

ملعون ازل داند در مسائل و عقاید مذهب تو این نوع روایت کی باور داشته که رفتگان آنها و چه ادعای این کار

نبوده است که حلیه یقین معانی و متانت و تمامی علوم و هر زمان نزد هر مقدس از وقتی و اهل تقوی

زنان از اهل و حجاب اولاد حضرت مقدس ترین علما میسر نبوده که شیطان لشکر شیطان بانی این کار

ملبس به حیثیت و دل و شعور چه قدر مایه از رضا و سهل در تعقیب سکنه و دشمن باشد هست که خاتم انبیا زیاد بر

صبر و او مردود و رضای پدران ناخلف آخر الزمان که پسران حضرت و عقاید و مسائل نیاموزند و درس

اخبار و حیثی ترغیب نباشد من بیزارم از ایشان و ایشان نیز از من بیزارند در حدیث دیگر فرمود ملعون ملعون

من ضیع عیاله و در حدیث دیگر فرموده ما من مولود الا و قد یولد علی فطرة الاسلام ثم ابواه یهودانه و ینصرانه

بجهانه علما و روایات قرآنی از اول تا آخر دلیل بر مخالفت اینها است و الحاصل الرستم بعضی عذر

حالا دشاد که اسنه شدند و فراموشی و سهل نسیان بسم ندارند تمامی احکام و طاعات متکلفات و قواعد و ساعات

واما اول مقدمات که طهارت بر دو قسم است طهارت حقیقی و طهارت حکمی هستند طهارت حقیقی است که محتاج

وضو و غسل و تیمم است و طهارت حکمی احتیاج به نیت نیست که تطهیر کامل است و مقدمه آنها نیز اولاً طهارت که

نشستن لازم است اول پوشیدن عورتان از نظر نامحرم دوم رو به قبله منحرف شدن در بول و غائط سیم

معلوم است که مخرج بول به آب شستن که غیر از آب کفایت نمیکند احوط دو دفعه بلکه سه دفعه است و در مخرج غائط مخیر است میان

آب یا سنگ و کلوخ و امثال به شرط پاک بودن نجس باشد از خارج که علاوه نجاست باشد خون از اندرون نیامده باشد و احوط

که ابراء اقرار است مخرج غائط بر سانه حرام است مخرج غائط را با میوه جات و سرگین پاک کردن و اکثر شرایط مذکوره و جامع باشد

۴۹۲

طهارت استنجا روش

از ترجمه الصلاة و ابواب الاحکام

۱۲

پاک میشود بنابر مشهور والا دو دفعه شستن لازم است و بعد از تطهیر مخرج غایط استبرا باید کرد از بول [illegible] مستحب است با [illegible] بسیار

استبرا از بول باید چون بعد از ایه [illegible] احتیاطا یازده حرکت است اول سه دفعه تنحنح سه دفعه از مقعد که پاک باشد تا بیخ قضیب بکشد [illegible]

[illegible] از بیخ ذکر تا بیخ حشفه کشیدن و سه دفعه حشفه را جهت دوشیدن انگشتان [illegible] و تنحنح و حرکت [illegible]

و اگر بول و غایط هر دو بعد اول مقعد را طهارت دادن باین طریق که اول احتیاطا از مخرج غایط [illegible] با انگشت [illegible]

[illegible] آب [illegible] تا عین نجاست از مقعد برود با دست دادن و خوب بیرون که بقایای نجاسات در میان [illegible] مقعد بماند بعد [illegible]

[illegible] دفعه به مخرج غایط آب بریزد بعد از طهارت مقعد شروع به استبرای مذکور [illegible] بعمل آورده که استبرا کامل و درست [illegible]

از [illegible] آمده بعد از بول اول سه حشفه را آب ریخته با انگشت [illegible] دست چپ [illegible] که عین [illegible] بر [illegible] هر دفعه [illegible]

[illegible] آب ریخته [illegible] و [illegible] آب ریختن قدری تامل نماید که [illegible] [illegible] قطرات بعد از [illegible]

موافق مشهور همه علما [illegible] تطهیر بول و غایط نماید [illegible] دلیل [illegible] است و اگر بعد از [illegible] بیرون نیامده باشد [illegible]

مالیدن [illegible] لازم [illegible] دفعه آب [illegible] کافی است و اما استبرا از منی بول است و اگر بول نباشد استبرا [illegible]

اشاره بواجبات استبرا [illegible]

چند چیز از لوازم ادرار | دقت و بی وقت ذکر کن تکرار | اولا استر عورت از نامحرم | تا نبایست در دو ملکی محرم | [illegible]

[illegible] | غسل اولش نجس [illegible] | غسل [illegible] کلام | [illegible] | لازم [illegible]

در عدد اقسام نجاسات

۱۳

بنابر مشهور نجاسات چهارده است اول بول دوم غایط سیم منی چهارم خون پنجم میته از هر حیوانی که محتاج تذکیه باشد [illegible]

سگ هفتم خوک هشتم کافر نهم [illegible] دهم [illegible] یازدهم عصیر عنب جوش آمده دوازدهم عرق جنب از حرام

یا حلال [illegible] در وقت حیض یا در روزه یا در احرام سیزدهم عرق شتر جلال چهاردهم [illegible] که بعد از غسل [illegible]

رطوبت مذکوره [illegible] است تا به [illegible] و هم در این معنی [illegible]

نجاست بنابر مشهور [illegible] غایط اولا [illegible] خون [illegible] میته سگ خوک کافر [illegible]

تا عصیر انگور جوشید [illegible] دیگر [illegible] عرق [illegible] از حرام [illegible] عارض [illegible] در حرام [illegible]

حلال [illegible] [illegible] فصل در مطهرات و عدد [illegible]

عدد مطهرات بنابر مشهور شانزده است اگر چه [illegible] لیکن ما [illegible] طریق احتیاط [illegible]

[illegible] بدست آورد [illegible] [illegible]

اول [illegible] آب است که بر چهار قسم است [illegible] اول [illegible] دوم [illegible] است که

[illegible] و [illegible]

[illegible] سیم آب باران که [illegible] دارد و وقت باریدن [illegible] آب [illegible]

اما آب [illegible] نجس [illegible] اوصاف ثلاثه که رنگ و بو و طعم است دوم از مطهرات آفتاب است پاک میکند [illegible]

در و پنجره و [illegible] سیم استحاله است مثل [illegible]

[illegible] چهارم انقلاب است مثل [illegible] خمر [illegible] پنجم انقلاب

[illegible] ششم [illegible]

پاک میکند [illegible] اما [illegible] لازم است [illegible]

از مجلس [illegible]

مسئله از عقاید و مسائل رجب الصلوات

۱۲ از غسل

[illegible] نجاسات هفتم کلمه شهادة پاک میکند کافر را از نجاست کفر بشرط آنکه قصد نماید هشتم زوال عین نجاست از بدن حیوان و غیبت انسان با علم بنجاست یا احتمال تطهیر بنا بر احتیاط نهم زوال عین نجاست از باطن انسان از میان گوشت و دندان و بینی و [illegible] دهم ذبح حیوان یازدهم نقص یعنی رفتن دو ثلث شیره بجوشیدن دوازدهم سیزدهم [illegible] نجاست [illegible] [illegible] سازد [illegible] از شیر [illegible] چهاردهم استبراء حیوان جلال پانزدهم انفصال غساله [illegible] شانزدهم نزح آب چاه منجس بقدر مقرر در شرع انور موافق آراء مجتهدین جمع علما سر [illegible] هفدهم تبعیت اطفال کفار در اسلام و تبعیت دلو و حبل [illegible] و دست و بدن [illegible] شیره [illegible]

دیگر در این معنی گفته نظم

شانزده چیز مطهر دان	اولین آب و آفتاب بدان	بعد از آن استحاله و زحوال [illegible]
انقلاب [illegible]	شمس دان زمین پاک در آن [illegible]	هفتمین کلمه شهادة دان
هشتمین دان زوال عین نجس	از پی ادم و هم از حیوان	نهمین رفتن نجاست دان
دهمین اوار [illegible] باطن انسان	ذبح انقص و نیک استبرا	حفظ جلال دان از حیوان
انفصال غساله و نزح آب	تبعیت ز طفل کفاران	

و اما طهارة حقیقیه که وضو و غسل و تیمم باشد

محتاج به منبعیست لیس تیمم [illegible] چیز است اول خاک خالص بی اشکال دوم ریگ سیم ریگ چهارم سنگ پنجم غبار ششم گل اگر خشک کردن ممکن نباشد و بنابر مجتهد [illegible] زمان که مسئله صلاة و [illegible] ترتیب مذکور لازم است بلکه بعضی واجب و بعضی واجب [illegible] است و دوم از مطهرات حقیقیه نمازیست [illegible] اما نظم [illegible] حفظ اطفال

۴۶۴

یازده چیز است ای [illegible] خوان	لیس منبعیت مکان آن بدان	اولش دان اباحه کاش [illegible]
واجبات تیممست بیان	طاهریت خلوص خاک دان	نیت و دفع مانعش بیان
بعضی هر جزو امتزاج بدان	بجهت پاک [illegible] اعضا	دان دست نیت بر خاک
بعد بر [illegible] دست چپ بیان	مسح بر [illegible] [illegible]	کفایی مسح رد نمودن دان
شرط دان ترتیب و موالات	حق [illegible] گشته و [illegible] بیان	

در آداب غسل گفته است

بدانکه اغسال واجبه شش غسل است غسل جنابت غسل مس میت و غسل [illegible] میت و این شش غسل مردو زن [illegible] اما غسل حیض و نفاس و استحاضه مخصوص زنانست باید دانست که [illegible] نماز [illegible] وضو و غسل لازم [illegible] مستحب است چنانکه وضو نیز مستحب است و آن [illegible] ادل [illegible] هر [illegible] هر یک از ما [illegible] [illegible] با آنکه [illegible] فاعل و مفعول غسل واجب [illegible] غسل جنابت نیز [illegible] ترتیبی و ارتماسی

در وضو و غسل [illegible] است

اما ارتماسی آنکه بعد از تطهیر بدن از نجاسات نیت کند که غسل جنابت میکنم ارتماسی قربة الی الله یعنی از دل بگذراند در حالی [illegible] [illegible] آنکه نیت غسل [illegible] در خانه و آنکه [illegible] در حمام [illegible] [illegible] غسل [illegible] غسل [illegible] فایده ندارد [illegible] که علما [illegible] نیست [illegible] غسل [illegible] عوام الناس در [illegible] الاصل نیابت [illegible] بعد از تطهیر [illegible] باید غوطه خورد [illegible] ترتیب ندارد [illegible] غوطه خورد که تمام اعضا [illegible] احاطه نماید [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] جنابت [illegible] [illegible] [illegible] که غسل [illegible] و آن غوطه با آب [illegible] [illegible] غوطه خوردن [illegible] الاصل غسل ارتماسی [illegible] غسل ترتیبی [illegible] اگرچه [illegible] عوام [illegible] [illegible] [illegible] و اما غسل ترتیبی آنکه بعد از تطهیر [illegible] [illegible] ندارد [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] نیت غسل [illegible] [illegible] اگر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] جانب [illegible] [illegible] غسل [illegible] [illegible] [illegible] جانب [illegible] [illegible] [illegible] غسل [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

فصل در [illegible] از غسل

[illegible] [illegible]

[illegible] انفصال [illegible] [illegible]

غسل ارتماسی [illegible]

غسل [illegible] [illegible] [illegible]

در وجبات [و] مبطلات نماز

بتفصیل [illegible]

۱۲ ۴۴

[illegible] در این معنی

[illegible] تمامی اعضا بدن [illegible] شود ... اگر یکی از اعضای وضو و غسل مجروح باشد [illegible]

[illegible] وضو و غسل [illegible] در وضو و غسل دست [illegible] اگر [illegible] کفایت میکند [illegible]

[illegible] احتیاط [illegible] تیمم هم [illegible] وضو و غسل باطل [illegible] پاک بودن اعضای وضو است [illegible]

پاک بودن آب وضو است ... یازدهم مباح بودن آب وضو است ... دوازدهم مباح بودن مکان وضو است [illegible]

شرایط وضو که چند بیست است

اگر از برای مجد [illegible] است

اولا نیت است ... [illegible] ... مسح سر و پای [illegible] ... [illegible]

شرط صحت مباشرت [illegible] ... محتاج پاک بودن عضو است ... شرط دهم طهارت آب است ... یازدهم اباحه است

[illegible] ... عدم مشتبه [illegible] در آن ... [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... وان مباحیت مکان وضو ... و اما [illegible]

[illegible] مسح سر و پا [illegible] مسایل مفصله [illegible] و شرایط [illegible]

[illegible] در مبطلات نماز و بعضی [illegible] مسائل نماز

٣٩٥

اول مبطلات نماز حدث اکبر است و صغیر

یعنی جنابت [illegible] ... دوم [illegible] ... [illegible]

[illegible] ... ششم [illegible] ... هفتم ... هشتم [illegible]

[illegible] ... یازدهم [illegible] ... دوازدهم [illegible] رکن

[illegible] در این معنی است

[illegible] مبطل اول نماز [illegible] ... [illegible]

[illegible]

در مقارنات نماز و بعضی واجبات نماز در مقدمه [illegible]

که مجمع در لفظ قنترس قستمک

ق اول اشاره بقیام نماز است ... ت تکبیرة الاحرام ... ر رکوع ... س سجده ... ق ثانی قرائت ... ت تشهد ... س سوم سلام ... ت [illegible] ترتیب ... م موالات ... [illegible]

[illegible] مقارنات نماز [illegible] یازده چیز [illegible]

[illegible] ترتیب اول قیام دوم نیت سیم تکبیرة الاحرام چهارم قرائت پنجم رکوع ششم سجده هفتم ذکر هشتم تشهد نهم سلام دهم ترتیب یازدهم [illegible]

[illegible] و اما التفصیل اجمال [illegible] که در نماز [illegible]

[illegible] ترتیب اول [illegible] مقارنات [illegible]

[illegible] اول [illegible]

[illegible] تمام

اما ارکان و واجبات نماز چهار [illegible]

اولش تکبیرة الاحرام [illegible] قیام متصل رکن دیگر [illegible] رکوع و سجدتین [illegible]

و اما واجبات افعال نماز

[illegible] ارکان [illegible] مبطل نماز است [illegible]

[illegible]

[illegible] قیام [illegible] تکبیر و حمد و سوره [illegible]

[illegible] و اما التفصیل [illegible] اول [illegible] واجبات مقدماتی [illegible]

واجب و لازم است [illegible] ... [illegible] در نماز [illegible] ترتیب [illegible] رکعت اول [illegible]

واجبات اول [illegible] امکان دوم [illegible] سیم نیت چهارم تکبیرة الاحرام پنجم [illegible]

ششم قرائت [illegible] هفتم [illegible] ... [illegible] هشتم [illegible]

در واجبات هر یکی از نماز ها

در یک کردن بقدر ذکر کفایت [illegible] ذکر کفایت یازدهم سر از رکوع برداشتن دوازدهم [illegible] در یک کردن در ارکان سیزدهم [illegible]

[illegible] قیام بعد از رکوع که انهم قیام متصل [illegible] سجده کردن در اول [illegible] طمأنینه [illegible] ملاحظه [illegible] چهاردهم در یک طمأنینه [illegible]

پانزدهم ذکر کفایت با طمأنینه اول [illegible] شانزدهم سر از سجده برداشتن [illegible] هفدهم نشستن در میان [illegible] با طمأنینه [illegible]

[illegible] در یک طمأنینه بودن [illegible] هجدهم [illegible] سجده دوم [illegible] نوزدهم در یک طمأنینه بقدر ذکر کفایت بیستم ذکر کفایت [illegible]

[illegible] افعال و اذکار ارکان نماز [illegible] رکعت اول [illegible] در رکعت دوم [illegible] نیت تکبیرة الاحرام [illegible] تکبیرة الاحرام

[illegible] سجده [illegible] واجبات بعد چهار چیز دیگر واجب است [illegible] اول [illegible] سجده [illegible] نشستن [illegible]

تشهد خواندن چهارم در یک کردن [illegible] رکعتی [illegible] چیز دیگر واجب است اول نشستن [illegible] سلام دوم سلام [illegible]

بعد از سلام پس در نماز صبح [illegible] واجب است در نماز شام [illegible] در نماز ظهر و عصر و عشا [illegible] جمیع

عبارت [illegible] تسبیحات [illegible] باشند [illegible] **لمؤلفه** [illegible] در نماز [illegible]

[illegible] در صحت افعال و اذکار مقرر در نماز [illegible] شرط [illegible] ارکان نماز [illegible] نیت [illegible] تکبیر [illegible]

هم قیام در [illegible] نیت و تکبیرة الاحرام [illegible] کفایت [illegible] رکوع مقدار ذکر [illegible] ذکر [illegible] رکوع [illegible] سیزدهم [illegible] سجده [illegible]

پانزدهم در سجده [illegible] شانزدهم [illegible] نشستن در میان سجدتین و ذکر [illegible] نوزدهم [illegible] رکعت اول [illegible]

[illegible] نیت تکبیرة الاحرام [illegible] چهار چیز دیگر واجب است [illegible] رکعت [illegible] سلام [illegible]

در نماز [illegible] اول [illegible] سلام [illegible] پس [illegible] در نماز شام [illegible]

پس [illegible] از نماز ظهر و عصر و [illegible] خفتنی [illegible] واجب است [illegible] در [illegible]

۴۸۶

در جهر و اخفات نماز

باید دانست که در نماز [illegible] رب العزة اختیار اعتدال [illegible] باید یعنی جهر [illegible] خواند [illegible] اخفات [illegible]

[illegible] چنانکه عوام [illegible] نمایند [illegible] خواندن [illegible] غلط [illegible]

و اما در مقارنات یازده [illegible] مذکور [illegible]

هر یکی چند [illegible] واجب [illegible]

فعلها در نماز [illegible] واجبات قیام [illegible] عدم [illegible] [illegible] واجبات [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

در واجبات نیت

در واجبات تکبیرة الاحرام

[illegible] معنی [illegible] چهار [illegible] قربت [illegible] سیم [illegible]

سیم [illegible] از مقارنات نماز [illegible] تکبیر [illegible] اول [illegible] باطل [illegible] شرط چهارم [illegible]

اول [illegible] تکبیرة الاحرام [illegible] مقارنات [illegible] تفصیل [illegible]

در واجبات قرائت

[illegible] از مقارنات نماز [illegible] یازده [illegible] عربیت [illegible] ثانیا مخرج حروف [illegible]

[illegible] سوره [illegible] واجب [illegible]

[illegible] واجب [illegible] قرائت [illegible]

[illegible] سوره [illegible] سوره الم [illegible]

پنجم از مقارنات [illegible] نماز

[illegible] از مقارنات نماز [illegible] رکوع [illegible] ذکر [illegible]

ششم از مقارنات سجده [illegible]

اول از واجبات سجده [illegible] سجده [illegible]

هفتم از واجبات سلام

[illegible] سلام [illegible] واجبات سلام [illegible]

[illegible] سلام [illegible] در واجبات

باب ششم از رحمة الصلوة در آداب نماز و خضوع و خشوع در باره توجه

۱۵۱۴

در اثبات اهم و دوسم از مقارنات مجتنبین از مقارنات نماز با مراآلات ... ذکر مطلق با حرص ...

... بعد از آن حفظ کن غنیمت ...

[illegible]

در ذکر بعض از اخبار و احادیث که باعث ترغیب حضور و خشوع و توجه نماز با اذان و اقامه ...

[illegible]

۴۱۷

[illegible]

در اوقات و اسرار اذان

[illegible]

از کار رسالت [illegible]

کی[illegible]

فصل اول از ارکان [illegible]

در معانی حمد و سوره و آنچه در نماز خوانده [illegible]

گفتن الله اکبر و بدانی که در حضور منعم حقیقی ایستاده چه قدر حیا و ادب و اضطرار داشته باشی [illegible] که [illegible] در این وقت مشغول شد [illegible] از [illegible] و کار و معاملات [illegible] دارد توجه با مر [illegible] خود که نماز است نماید والا در [illegible] حساب [illegible] در [illegible] آمد و [illegible] تکذیب [illegible] الهی

[illegible] خواهی بکوی چه قدر در این وقت [illegible] حقیقی [illegible] علاوه [illegible] جمیع امور [illegible]

و چون ابلیس لعین را از سجده نکردن که

مردود کرد [illegible] عدم طاعت امر الهی که [illegible] منزل خود مردود نماید و خلل در نماز [illegible] در این [illegible] و توجه [illegible]

[illegible] خود نماید چنانکه اکبر را [illegible] ابلیس [illegible] حقیقت [illegible]

[illegible] بگفتن اعوذ بالله من الشیطان الرجیم و در وقت گفتن تکبیر [illegible] یعنی الهی [illegible] مخلوقات [illegible]

در [illegible] گناه غرق [illegible] چنانکه هر کس که غرق [illegible] دست [illegible] خدا [illegible]

[illegible] جمیع [illegible] که عظمت و جلال تو بزرگ است پس اعوذ بالله [illegible] بسم الله

[illegible] نماز [illegible] یعنی [illegible] جمیع مخلوقات [illegible] دنیا و [illegible] اهل ایمان در آخرت الحمد لله رب العالمین

و کامل حمد مخصوص ذات [illegible] مالک الملک است تعالی شانه الرحمن الرحیم رزق دهنده جمیع مخلوقات در دنیا و در آخرت [illegible] مؤمنین

[illegible] رحمتش مخصوص اهل ایمان است فقط [illegible] مالک یوم الدین صاحب و مالک و پادشاه روز جزا است [illegible]

اعمال و احوال [illegible] روز جزا [illegible] اعمال [illegible]

ایاک نعبد و ایاک نستعین سزاوار است [illegible] عبادت [illegible] طلب [illegible] در این کلام [illegible]

در [illegible] لفظی [illegible] در این وقت [illegible] چه معنی دارد [illegible] حضور الهی [illegible]

[illegible] عظمت و جلال الهی [illegible] مخصوص [illegible]

[illegible] واجب الوجود است [illegible] اهل ایمان [illegible]

[illegible] نماز [illegible] دنیا [illegible]

[illegible] وحده [illegible] واجب الوجود [illegible]

[illegible] مصداق حدیث شریف [illegible] لمن [illegible] نماز [illegible]

[illegible] کلمات [illegible] الهی اهدنا الصراط المستقیم الهی هدایت کن [illegible]

[illegible] صراط الذین انعمت علیهم [illegible]

و علما و ابرار و اخیار غیر المغضوب علیهم [illegible] غضب [illegible] از یهود و نصاری [illegible] و لا الضالین [illegible]

از کفار [illegible] قل هو الله احد یعنی [illegible]

الله الصمد [illegible] لم یلد و لم یولد [illegible] و لم یکن له کفوا احد [illegible]

[illegible] بسم الله [illegible] و [illegible] رکوع [illegible] تکبیر [illegible]

[illegible] عظمت و جلال الهی [illegible]

[illegible] عظمت [illegible] تعظیم [illegible]

[illegible] عظمت و جلال [illegible] سبحان ربی العظیم و بحمده یعنی [illegible]

[illegible] جمیع صلوات [illegible] رکوع [illegible] الهی [illegible]

[illegible] اطاعت [illegible] رکوع [illegible]

[illegible] الهی

[illegible] سمع الله لمن حمده الله اکبر [illegible] رکوع [illegible]

[illegible] نماز [illegible]

۴۹۸ ۲

باب ششم از رجحه الصلاة در سجود و شکیات

[illegible]

وصل در سهویات

[illegible]

باب ششم وصل در شکیات

اگر این ترتیب حفظ نماید [illegible]

اول	دوم	سیم
در میان دو و سه	در میان دو و چهار	در میان دو و سه و چهار

میان سه و چهار — میان سه و پنج — میان سه و چهار و پنج — میان چهار و پنج — میان پنج و شش

[illegible]

اما صورت دوم: میان دو و چهار [illegible]

[illegible]

در شکیات و فضیلت نوافل شبانه روزی

بعد از اتمام دو رکعت نماز احتیاط نشسته دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد صورت چهارم شک میان سه و چهار و در هر حال که باشد این شک

صحیح است بعد از تأمل که بخاطر نیامد در شک ماند بنا را بر [illegible] بنا را بر چهار نهاد و سلام نماز را داده دو رکعت نشسته یا یک رکعت

نماز احتیاط بجا آورد اولی اولیست صورت پنجم شک میان چهار و پنج [illegible] در حال قیام است بعد از تأمل و تفکر [illegible]

صورت [illegible] باشد از [illegible] نماز بیفتد قیام را شکسته بنا را بر چهار بگذارد و سلام نماز را داده دو رکعت نماز احتیاط نشسته

و دو رکعت ایستاده بجا آورد و در تقدیم هر کدام مخیر است هر یک را پیش بگذارد صورت هفتم در میان چهار و پنج و [illegible]

[illegible] باشد بعد از تأمل بنا را بر چهار گذاشته نماز را تمام کند [illegible] سجده سهو بجا آورد [illegible] در حال قیام [illegible] بعد از تأمل قیام را شکسته [illegible]

بر چهار بگذارد بعد از اتمام دو رکعت نشسته یا یک رکعت ایستاده نماز احتیاط بجا آورد صورت [illegible] [illegible] در حال قیام

تأمل قیام را [illegible] نشسته بنا را بر چهار نهاده نماز را تمام کند دو سجده سهو بجا آورد [illegible] نماز احتیاط [illegible]

[illegible] تکلم [illegible] **واما از واجبات روزه [illegible] احکام [illegible] مبطلات**

اکل و شرب جماع و کذب و ارتماس [illegible]

واجبات روزه ده چیز است

واما فضیلت نوافل یومیه [illegible]

[illegible]

خاتمه عبادیه در ۱۹ مسائل مبتدئین طلاب و اطفال مؤمنین و مؤمنات

فصل اول

بدانکه انسان با وجود نفس و شیطان و حوادث و علایق دنیوی و اذکار که از آن مشغول نماز شب که واجب نیست مدام علاوه نماز جماعت و طهور و مسح ... و سایر اعمال ... و نماز عبادات برای رضای خدا و خشنود دل برای ادعیه و طلب آمرزش العظیم ... حرص ... لا زوال ... بلا زوال چه قدر نعمت ... احوال ...

کتب ... و نوافل یومیه سی و چهار رکعت ... هر دو رکعت یک سلام پس هشت رکعت نافله ظهر است وقت آن از اول زوال است تا سایه شاخص بقدر قامت شاخص که بعد فریضه ظهر است بگذارد و بعد از آن هشت رکعت نافله عصر است وقتش بعد از نماز ظهر سایه شاخص بعد ... فریضه عصر ... شخص ... رکعت ... وقت گذشت باقی را مخففه بگذارد تمام کند اگر بالقدر

رکعت نماز ... یا در حصول ... فریضه ... فریضه ... چهار رکعت نافله مغرب است وقت آن بعد از فریضه تا ... رکعت نشسته که عوض یک رکعت ... بعد از فریضه نماز عشا

بطرف ... مغرب ... رکعت ... هشت رکعت نافله نماز شب است ... رکعت نماز شفع ... قنوط ... یک رکعت بعد از آن نماز وتر است با قنوط و وقت آن از نصف شب تا طلوع صبح صادق ... هر قدر به صبح نزدیک باشد بهتر است پس دو رکعت نافله صبح بعد از نماز شب ... اگر صبح

نوافل و نماز شب ... الوقت نافله صبح ... چهار ... نوافل شب ... صبح ... باقی را مخففه بگذارد یا با حمد تنها ... و وقت ... فریضه صبح ... و بعد ... نوافل ... قصد قربت ... نافله

نشسته بگذارد ... چهار رکعت ... قضا ... بعد از نماز عشا ... اول شب ... بگذارد

و اما طریقه نماز شب و نماز وتر

بطور ... بعد از حمد و سوره قنوت ... کلمات فرج ... دعا ... بعد چهل مؤمن ... و ... طلب مغفرت ... ازان ...

باید ... اللهم اغفر لفلان و فلان ... هفتاد بار استغفر الله ربی و اتوب الیه ... العفو العفو العفو ... اگر ... سیصد مرتبه ... هذا مقام العائذ

بک من النار ... حضرت رسول ... که ... اول ...

امروز ... جلیم ... در وسط ... و ... کفار ...

اصعام و ... صفات ...

دارد و امال ... نماز شب ... الاتصال ... لازم ... که ترک ... و اگر خواهد ... بگذارد ... ترک نماز شب ...

چنانکه نماز جعفر طیار نیز باید مؤمن مواظبت و مأنوس باشد و اگر خواهد گاه گاه بگذارد که فضیلت آن نماز بسیار است و آن

چهار رکعت به دو سلام در رکعت اول بعد از حمد سوره مبارکه اذا زلزلت الارض و در رکعت دوم و العادیات و در رکعت سوم سوره اذا جاء و در رکعت چهارم قل هو الله احد و در هر رکعت بعد از حمد و سوره پانزده مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر بگوید و در رکوع ده مرتبه و بعد از رکوع ده مرتبه در سجده ده مرتبه و بعد از سر برداشتن از سجده اول ده مرتبه و در سجده دوم ده مرتبه و در سر برداشتن از سجده دوم نیز ده مرتبه در هر چهار

چنین نماید مجموع سیصد مرتبه ... که این نماز فضیلت بسیار دارد و ثواب بیشمار ... در خصوص ...

شریف ... و اگر بعد از حمد سوره مذکوره ... بهتر است ... که ... در هر روز یا در هر جمعه و ماهی و سالی یا در عمر ...

و اما برای مؤمنین و صغار ترتیب موعظه خوب با یاد داشتن کافی است

لا یخفی علیک بعض غلط ... حمد و سوره نماز ... موعظ ... الحمد لله رب العالمین فی الحمد اربع خصال ...

النعم الماضیة و مزید النعم الآتیة و التقرب الی الله تعالی و اداء حقوق الرحمن و الحمد ... الحلاک ... الناس ...

و الالف ... بالعین ... و الرحمن الرحیم ... الضعیف ...

و اما نعبد ... المعصیة ... و الصراط ... قبل ... صمصام ...

و اما علیهم بفتح الالف و سکون لام ... و الصمد ... بقال ...

و سبحان ربی العظیم ... بالضاد ... الصاد ای مفصل القوس ... البعیر ...

و اما خاتمهٔ کتاب که در فصل مواعظ و عمده نصایح از کلام الله الحمید و فرقان مجید

کتاب الله و مواعظ و اجب الرجوع است از منتخب الایات که خاتمهٔ الدلالات از محکمات و مستحضل المأخذ که از نظر ایشان است

هرکس بقصد خود انتفاع تواند خصوص برای مغرورین علما شود و باز او را علمای ربانی و عاملان و بسبب کار را اظهار خلاص و خلوص کند

انما یخشی الله من عباده العلماء که بخصیر مواعظ و اخبار و مدیه اخیار مواعظ خدا است در سورهٔ البقره بسم الله الرحمن الرحیم

الم ایضاً الا محقق است که مفاتح سور قرآنی میان عاشق و معشوق رموزی است از اسرار است که از اغیار مخفی و مستور و مبنی بر کسی که بعد از آن

ظاهر شد را بنمایند اولاً اسم الله است میان خدا و رسول و امام و التخاطب بالحروف المفرده سنة الاحباب و هو سر الحبیب مع الحبیب

لا یطلع علیه الرقیب و الدلیل علیه ایضاً من القرآن قال تعالی و لاخر متشابهات الی قوله و ما یعلم تأویله الا الله و الراسخون

فی العلم و من الاسرار الغیبیة فی هذه المقطعات انها تصیر بعد الترکیب و اخذ المکررات علی صراط حق نمسکه او صراط علی

حق نمسکه ذلک الکتاب لا ریب فیه العطوره و العیاشی عن الصادق قال کتاب علی لا ریب فیه ذلک تفسیره و هدا دلیله و صافه

الکتاب الی علی بیانیة یعنی ان ذلک اشارة الی علی و الکتاب عبارة عنه و المعنی ان ذلک الکتاب الذی هو علی لا ریب فیه و ذلک

و ذلک لان کمالاته مشاهدة من سیرته و فضائله منصوص علیها من الله و رسوله و اطلاق الکتاب علی الانسان الکامل شایع فی عرف

اهل الله و خواص اولیائه و قال علیه السلام شعر دوائک فیک و ما تشعر و دائک منک و لا تبصر و انت الکتاب المبین الذی باحرفه یظهر المضمر

و تزعم انک جرم صغیر و فیک انطوی العالم الاکبر و قال الصادق الصورة الانسانیة هی اکبر حجة الله علی خلقه و هی الکتاب الذی کتبه

بیده هدی للمتقین الذین یتقون الموبقات و یتقون تسلیط السفه علی انفسهم حتی اذا علموا ما یجب علیهم علمه عملوا بما یوجب

لهم رضا ربهم و فی المعانی و العیاشی عن الصادق المتقون شیعتنا اقول و انما خص المتقون بالاهتداء لانهم المنتفعون به

لان التقوی شرط فی تحصیل المعرفة الحقة الذین یؤمنون بالغیب بما غاب عن حواسهم من توحید الله و نبوة الانبیاء و قیام

القائم و الرجعة و البعث و الحساب و الجنة و النار و سائر الامور التی یلزمهم الایمان بها مما لا یعرف بالمشاهدة و انما یعرف بدلائل نصبها الله عز و جل

و یقیمون الصلوة باتمام رکوعها و سجودها و حفظ مواقیتها و حدودها و صیانتها عما یفسدها [illegible]

[illegible] شیطانی صحت و شرط قرائت صحیح [illegible]

[illegible] در خدمت ائمه در خراسان [illegible]

و ناموس است [illegible] و تعلیم نماز موافق علم قرائت [illegible] عالم قرائت [illegible]

[illegible] قرائت صحیح [illegible] منافقی [illegible]

[illegible] کان المنافقین فی الدرک الاسفل من النار [illegible] شیعیان آل محمد از عالمان [illegible]

[illegible] مغرورین [illegible] و مما رزقناهم من الاموال و القوی و الابدان و الجاه و العلم ینفقون

یتصدقون یحتملون الکل و یؤدون الحقوق و لاجالیها و یقرضون و یسعون الحاجات و یاخذون بأیدی الضعفاء یقودون الضرائر

و ینجونهم من المهالک و یحملون الراجلین [illegible] من هو افضل منهم فی الایمان [illegible] المال و النفس [illegible]

[illegible] العلم لاهله و یروون فضائل اهل البیت لمحبیهم [illegible] فی المعانی و المجمع و العیاشی عن الصادق و مما

علمناهم یبثون و الذین یؤمنون بما انزل الیک من القرآن و الشریعة و ما انزل من قبلک من التوراة و الانجیل و الزبور و صحف

و سائر کتب الله المنزلة و بالاخرة هم یوقنون اولئک علی هدی من ربهم و اولئک هم المفلحون ان الذین کفروا سواء علیهم

ءانذرتهم ام لم تنذرهم لا یؤمنون ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصارهم غشاوة [illegible] النظر فیما کلفوا

[illegible] فصار [illegible] ابصارها [illegible] فان الله عز و جل یتعالی عن العبث

قصروا فیما اریدمنهم و جهلوا ما لزمهم من الایمان [illegible] و من الناس من یقول آمنا بالله و بالیوم الآخر اقول

[illegible] العباد بما قد منعهم بالقهر منهم و لهم عذاب عظیم [illegible]

کابن ابی و اصحابه و کالاول و الثانی و امثالهما من المنافقین الذین زادوا الکفر الموجب للختم و الغشاوة النفاق و لا سیما عند نصب امیر

المؤمنین للخلافة و الامامة اقول و یدخل فیه کل من ینافق فی الدین الی یوم القیمة و ان کان و لهم فی النفاق کما قال الباقر فی حلم ابن عتیبة

اسرار تجهيل و حماقت قوم حضرت موسى كليم الله

انه من اهل هذه الآية و في تفسير الامام ما ملخصه انه لما امر الصحابه يوم الغدير بمبايعة امير المؤمنين قام ابو بكر و عمر الى التسعة من المهاجرين و الانصار
فبايعوه بها و اكد عليهم بالعهود و المواثيق و اتى عمر بالبخبخة و تفرقوا اطراطا قوم من متمرديهم و جبابرتهم بينهم لئن كانت لمحمد
كائنة ليدفعن هذا الامر عن علي و لا تتركونه له و كانوا ياتون رسول الله و يقولون لقد اقمت علينا احب الخلق الى الله و اليك و كفيتنا به
مؤونة الظلمة لنا و الجائرين في سياستنا و علم الله تعالى من قلوبهم خلاف ذلك و انهم مقيمون على العداوة و دفع الحق عن مستحقه فاخبر الله
محمدا عنهم بهذه الآية و ما هم بمؤمنين بل تواطؤ على اهلاكك و اهلاك من يحبك و ينجبه اذا قدروا و التمرد عن احكام الله خصوصا خلافة من
استخلفه بامر الله على امتك من بعدك بجحودهم خلافته و امارته عليهم حسدا و عتوا قيل اخرج ذواتهم من عداد المؤمنين مبالغة في نفي
الايمان عنهم راسا يخادعون الله و الذين آمنوا يخادعون رسول الله بابدائهم له خلاف ما في جوانحهم اقول و انما اضاف مخادعة الرسول الى الله
لان مخادعته ترجع الى مخادعة الله كما قال الله تعالى من يطع الرسول فقد اطاع الله و قال ان الذين يبايعونك انما يبايعون الله و قال و ما رميت اذ رميت و لكن
الله رمى و عن الصادق عن النبي سئل فيما النجاة غدا قال انما النجاة ان لا تخادعوا الله فيخدعكم فان من يخادع الله يخدعه و يخلع منه الايمان و نفسه يخدع
لو يشعر قيل له و كيف يخادع الله قال يعمل بما امر الله عز و جل ثم يريد به غيره فاتقوا الله و الريا فانه شرك بالله و ما يخدعون الا انفسهم و ما يشعرون
في قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا و لهم عذاب اليم بما كانوا يكذبون و اذا قيل لهم لا تفسدوا في الارض قالوا انما نحن مصلحون الا انهم
هم المفسدون و لكن لا يشعرون و اذا قيل لهم آمنوا كما آمن الناس قالوا انؤمن كما آمن السفهاء الا انهم هم السفهاء
و لكن لا يعلمون و اذا لقوا الذين آمنوا قالوا آمنا و اذا خلوا الى شياطينهم قالوا انا معكم انما نحن مستهزؤن الله يستهزئ
بهم و يمدهم في طغيانهم يعمهون اولئك الذين اشتروا الضلالة بالهدى فما ربحت تجارتهم و ما كانوا مهتدين
مثلهم كمثل الذي استوقد نارا فلما اضاءت ما حوله ذهب الله بنورهم و تركهم في ظلمات لا يبصرون صم بكم عمي فهم
لا يرجعون او كصيب من السماء فيه ظلمات و رعد و برق يجعلون اصابعهم في آذانهم من الصواعق حذر الموت
و الله محيط بالكافرين يكاد البرق يخطف ابصارهم كلما اضاء لهم مشوا فيه و اذا اظلم عليهم قاموا و لو شاء الله لذهب
بسمعهم و ابصارهم ان الله على كل شيء قدير و قال ان المنافقين في الدرك الاسفل من النار و لن تجد لهم نصيرا
يا ايها الناس اعبدوا ربكم الذي خلقكم و الذين من قبلكم لعلكم تتقون الذي جعل لكم الارض فراشا و السماء بناء و انزل من
السماء ماء فاخرج به من الثمرات رزقا لكم فلا تجعلوا لله اندادا و انتم تعلمون و ان كنتم في ريب مما نزلنا على عبدنا
فاتوا بسورة من مثله و ادعوا شهداءكم من دون الله ان كنتم صادقين فان لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار
التي وقودها الناس و الحجارة اعدت للكافرين و بشر الذين آمنوا و عملوا الصالحات ان لهم جنات تجري من
تحتها الانهار كلما رزقوا منها من ثمرة رزقا قالوا هذا الذي رزقنا من قبل و اتوا به متشابها و لهم فيها ازواج مطهرة
و هم فيها خالدون فاما الذين آمنوا فيعلمون انه الحق من ربهم و اما الذين كفروا فيقولون ماذا اراد الله
بهذا مثلا يضل به كثيرا و يهدي به كثيرا و ما يضل به الا الفاسقين الذين ينقضون عهد الله من بعد ميثاقه و
يقطعون ما امر الله به ان يوصل و يفسدون في الارض اولئك هم الخاسرون كيف تكفرون بالله و كنتم امواتا
فاحياكم ثم يميتكم ثم يحييكم ثم اليه ترجعون هو الذي خلق لكم ما في الارض جميعا ثم استوى الى السماء فسويهن سبع
سموات و هو بكل شيء عليم و قال سورة بقره و لا تلبسوا الحق بالباطل و تكتموا الحق و انتم تعلمون و اقيموا الصلوة
و آتوا الزكوة و اركعوا مع الراكعين اتامرون الناس بالبر و تنسون انفسكم و انتم تتلون الكتاب افلا تعقلون
و استعينوا بالصبر و الصلوة و انها لكبيرة الا على الخاشعين الذين يظنون انهم ملاقوا ربهم و انهم اليه
راجعون يا بني اسرائيل اذكروا نعمتي التي انعمت عليكم و اني فضلتكم على العالمين و اتقوا يوما لا تجزي نفس عن
نفس شيئا و لا يقبل منها شفاعة و لا يوخذ منها عدل و لا هم ينصرون و قال في سورة البقرة و ظللنا عليكم الغمام و انزلنا عليكم المن و السلوى
كلوا من طيبات ما رزقناكم و ما ظلمونا و لكن كانوا انفسهم يظلمون و اذ قلتم يا موسى لن نصبر على طعام واحد
فادع لنا ربك يخرج لنا مما تنبت الارض من بقلها و قثائها و فومها و عدسها و بصلها قال اتستبدلون الذي هو ادنى

در مذمت کفار و منافقین و خواهش نفس

ادنى بالذي هو خير اهبطوا مصراً فان لكم ما سألتم وضربت عليهم الذلة والمسكنة وباؤا بغضب من الله ذلك
بانهم كانوا يكفرون بآيات الله ويقتلون النبيين بغير الحق ذلك بما عصوا وكانوا يعتدون ان الذين آمنوا
والذين هادوا والنصارى والصابئين من آمن بالله واليوم الآخر وعمل صالحا فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف
عليهم ولا هم يحزنون وقال فيه قل ان كانت لكم الدار الآخرة عند الله خالصة من دون الناس فتمنوا الموت
ان كنتم صادقين ولن يتمنوه ابدا بما قدمت ايديهم والله عليم بالظالمين ولتجدنهم احرص الناس على حياة
ومن الذين اشركوا يود احدهم لو يعمر الف سنة وما هو بمزحزحه من العذاب ان يعمر والله بصير بما يعملون قل
من كان عدوا لجبريل فانه نزله على قلبك باذن الله مصدقا لما بين يديه وهدى وبشرى للمؤمنين من كان عدوا
لله وملائكته ورسله وجبريل وميكال فان الله عدو للكافرين ولقد انزلنا اليك آيات بينات وما يكفر بها الا
الفاسقون وقال فيه واقيموا الصلوة وآتوا الزكوة وما تقدموا لانفسكم من خير تجدوه عند الله ان الله بما تعملون
بصير بلى من اسلم وجهه لله وهو محسن فله اجره عند ربه ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون وقال فيه ومن اظلم ممن
منع مساجد الله ان يذكر فيها اسمه وسعى في خرابها اولئك ما كان لهم ان يدخلوها الا خائفين لهم في الدنيا خزي
ولهم في الآخرة عذاب عظيم وقال فيه يا بني اسرائيل اذكروا نعمتي التي انعمت عليكم واني فضلتكم على العالمين و
اتقوا يوما لا تجزي نفس عن نفس شيئا ولا يقبل منها عدل ولا تنفعها شفاعة ولا هم ينصرون وقال فيه كما ارسلنا فيكم
رسولا منكم يتلوا عليكم آياتنا ويزكيكم ويعلمكم الكتاب والحكمة ويعلمكم ما لم تكونوا تعلمون فاذكروني اذكركم واشكروا
لي ولا تكفرون يا ايها الذين آمنوا استعينوا بالصبر والصلوة ان الله مع الصابرين ولا تقولوا لمن يقتل في سبيل الله
اموات بل احياء ولكن لا تشعرون ولنبلونكم بشيء من الخوف والجوع ونقص من الاموال والانفس والثمرات
وبشر الصابرين الذين اذا اصابتهم مصيبة قالوا انا لله وانا اليه راجعون اولئك عليهم صلوات من ربهم
ورحمة واولئك هم المهتدون وقال فيه ومن اظلم ممن كتم شهادة عنده من الله وما الله بغافل عما تعملون
وان فريقا منهم ليكتمون الحق وهم يعلمون وقال فيه ان الذين يكتمون ما انزلنا من البينات والهدى من
بعد ما بيناه للناس في الكتاب اولئك يلعنهم الله ويلعنهم اللاعنون الا الذين تابوا واصلحوا وبينوا
فاولئك اتوب عليهم وانا التواب الرحيم ان الذين كفروا وماتوا وهم كفار اولئك عليهم لعنة الله والملائكة والناس
اجمعين خالدين فيها لا يخفف عنهم العذاب ولا هم ينظرون والهكم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحيم ان في خلق السموات
والارض واختلاف الليل والنهار والفلك التي تجري في البحر بما ينفع الناس وما انزل الله من السماء من ماء فاحيا به
الارض بعد موتها وبث فيها من كل دابة وتصريف الرياح والسحاب المسخر بين السماء والارض لآيات لقوم يعقلون
ومن الناس من يتخذ من دون الله اندادا يحبونهم كحب الله والذين آمنوا اشد حبا لله ولو يرى الذين ظلموا اذ يرون
العذاب ان القوة لله جميعا وان الله شديد العذاب اذ تبرأ الذين اتبعوا من الذين اتبعوا ورأوا العذاب وتقطعت
بهم الاسباب وقال الذين اتبعوا لو ان لنا كرة فنتبرأ منهم كما تبرؤا منا كذلك يريهم الله اعمالهم حسرات عليهم وما
هم بخارجين من النار وقال فيه يا ايها الناس كلوا مما في الارض حلالا طيبا ولا تتبعوا خطوات الشيطان انه لكم
عدو مبين انما يأمركم بالسوء والفحشاء وان تقولوا على الله ما لا تعلمون واذا قيل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا
بل نتبع ما الفينا عليه آباءنا اولو كان آباؤهم لا يعقلون شيئا ولا يهتدون ومثل الذين كفروا كمثل الذي ينعق بما
لا يسمع الا دعاء ونداء صم بكم عمي فهم لا يعقلون وقال فيه يا ايها الذين آمنوا كلوا من طيبات ما رزقناكم واشكروا
لله ان كنتم اياه تعبدون وقال ان الذين يكتمون ما انزل الله من الكتاب ويشترون به ثمنا قليلا اولئك ما
يأكلون في بطونهم الا النار ولا يكلمهم الله يوم القيمة ولا يزكيهم ولهم عذاب اليم اولئك الذين اشتروا الضلالة

اشاره ببعض احکام الله

بالهدى والعذاب بالمغفرة فما اصبرهم على النار ذلك بان الله نزل الكتاب بالحق وان الذين اختلفوا في الكتاب لفي شقاق
بعيد ليس البر ان تولوا وجوهكم قبل المشرق والمغرب ولكن البر من امن بالله واليوم الاخر والملائكة والكتاب و
النبيين واتى المال على حبه ذوي القربى واليتامى والمساكين وابن السبيل والسائلين وفي الرقاب واقام الصلوة
واتى الزكوة والموفون بعهدهم اذا عاهدوا والصابرين في البأساء والضراء وحين البأس اولئك الذين صدقوا
واولئك هم المتقون كتب عليكم اذا حضر احدكم الموت ان ترك خيرا الوصية للوالدين والاقربين بالمعروف حقا
على المتقين فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه على الذين يبدلونه ان الله سميع عليم وقال فيه واذ قال ابراهيم
رب ارني كيف تحيي الموتى قال اولم تؤمن قال بلى ولكن ليطمئن قلبي قال فخذ اربعة من الطير فصرهن اليك ثم اجعل على كل جبل
منهن جزءا ثم ادعهن يأتينك سعيا واعلم ان الله عزيز حكيم وقال فيه مثل الذين ينفقون اموالهم في سبيل الله كمثل حبة انبتت
سبع سنابل في كل سنبلة مائة حبة والله يضاعف لمن يشاء والله واسع عليم الذين ينفقون اموالهم في سبيل الله ثم لا
يتبعون ما انفقوا منا ولا اذى لهم اجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون قول معروف ومغفرة خير من صدقة
يتبعها اذى والله غني حليم يا ايها الذين امنوا لا تبطلوا صدقاتكم بالمن والاذى كالذي ينفق ماله رئاء الناس ولا يؤمن بالله واليوم
الاخر فمثله كمثل صفوان عليه تراب فاصابه وابل فتركه صلدا لا يقدرون على شيء مما كسبوا والله لا يهدي القوم الكافرين ومثل الذين
ينفقون اموالهم ابتغاء مرضات الله وتثبيتا من انفسهم كمثل جنة بربوة اصابها وابل فاتت اكلها ضعفين
فان لم يصبها وابل فطل والله بما تعملون بصير ايود احدكم ان تكون له جنة من نخيل واعناب تجري من
تحتها الانهار له فيها من كل الثمرات واصابه الكبر وله ذرية ضعفاء فاصابها اعصار فيه نار فاحترقت كذلك
يبين الله لكم الايات لعلكم تتفكرون يا ايها الذين امنوا انفقوا من طيبات ما كسبتم ومما اخرجنا لكم من
الارض ولا تيمموا الخبيث منه تنفقون ولستم باخذيه الا ان تغمضوا فيه واعلموا ان الله غني حميد الشيطان
يعدكم الفقر ويامركم بالفحشاء والله يعدكم مغفرة منه وفضلا والله واسع عليم يؤتي الحكمة من يشاء ومن يؤت
الحكمة فقد اوتي خيرا كثيرا وما يذكر الا اولوا الالباب وما انفقتم من نفقة او نذرتم من نذر فان الله
يعلمه وما للظالمين من انصار ان تبدوا الصدقات فنعما هي وان تخفوها وتؤتوها الفقراء فهو خير لكم و
يكفر عنكم من سيئاتكم والله بما تعملون خبير ليس عليك هداهم ولكن الله يهدي من يشاء وما تنفقوا من
خير فلانفسكم وما تنفقون الا ابتغاء وجه الله وما تنفقوا من خير يوف اليكم وانتم لا تظلمون للفقراء الذين
احصروا في سبيل الله لا يستطيعون ضربا في الارض يحسبهم الجاهل اغنياء من التعفف تعرفهم بسيماهم
لا يسئلون الناس الحافا وما تنفقوا من خير فان الله به عليم الذين ينفقون اموالهم بالليل والنهار
سرا وعلانية فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون وقال فيه الذين ياكلون
الربوا لا يقومون الا كما يقوم الذي يتخبطه الشيطان من المس ذلك بانهم قالوا انما البيع مثل الربوا واحل الله
البيع وحرم الربوا فمن جاءه موعظة من ربه فانتهى فله ما سلف وامره الى الله ومن عاد فاولئك اصحاب النار
هم فيها خالدون يمحق الله الربوا ويربي الصدقات والله لا يحب كل كفار اثيم ان الذين امنوا وعملوا الصالحات
واقاموا الصلوة واتوا الزكوة لهم اجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون يا ايها الذين امنوا اتقوا الله
وذروا ما بقي من الربوا ان كنتم مؤمنين فان لم تفعلوا فاذنوا بحرب من الله ورسوله وان تبتم فلكم رؤس اموالكم
لا تظلمون ولا تظلمون وان كان ذو عسرة فنظرة الى ميسرة وان تصدقوا خير لكم ان كنتم تعلمون واتقوا
يوما ترجعون فيه الى الله ثم توفى كل نفس ما كسبت وهم لا يظلمون يا ايها الذين امنوا اذا تداينتم
بدين الى اجل مسمى فاكتبوه وليكتب بينكم كاتب بالعدل ولا ياب كاتب ان يكتب كما علمه الله فليكتب وليملل
الذي عليه الحق وليتق الله ربه ولا يبخس منه شيئا فان كان الذي عليه الحق سفيها او ضعيفا او لا يستطيع ان يمل هو
فليملل وليه

فليملل وليه بالعدل واستشهدوا شهيدين من رجالكم فان لم يكونا رجلين فرجل وامرأتان ممن ترضون من
الشهداء ان تضل احديهما فتذكر احديهما الاخرى ولا يأب الشهداء اذا ما دعوا ولا تسئموا ان تكتبوه صغيرا او
كبيرا الى اجله ذلكم اقسط عند الله واقوم للشهادة وادنى الا ترتابوا الا ان تكون تجارة حاضرة تديرونها
بينكم فليس عليكم جناح الا تكتبوها واشهدوا اذا تبايعتم ولا يضار كاتب ولا شهيد وان تفعلوا فانه فسوق
بكم واتقوا الله ويعلمكم الله والله بكل شيء عليم وان كنتم على سفر ولم تجدوا كاتبا فرهان مقبوضة فان امن
بعضكم بعضا فليؤد الذي اؤتمن امانته وليتق الله ربه ولا تكتموا الشهادة ومن يكتمها فانه اثم قلبه والله بما
تعملون عليم لله ما في السموات وما في الارض وان تبدوا ما في انفسكم او تخفوه يحاسبكم به الله فيغفر لمن يشاء
والله على كل شيء قدير امن الرسول بما انزل اليه من ربه والمؤمنون كل امن بالله وملائكته ورسله كل امن
بالله وملائكته ورسله لا نفرق بين احد من رسله وقالوا سمعنا واطعنا غفرانك ربنا واليك المصير لا يكلف الله
نفسا الا وسعها لها ما كسبت وعليها ما اكتسبت ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطأنا ربنا ولا تحمل علينا اصرا كما
حملته على الذين من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا انت مولينا فانصرنا على
القوم الكافرين

سورة آل عمران

بسم الله الرحمن الرحيم

الم الله لا اله الا هو الحي القيوم نزل عليك الكتاب بالحق مصدقا لما بين يديه وانزل التورية والانجيل من قبل هدى
للناس وانزل الفرقان ان الذين كفروا بايات الله لهم عذاب شديد والله عزيز ذو انتقام ان الله لا يخفى عليه شيء في الارض
ولا في السماء هو الذي يصوركم في الارحام كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم هو الذي انزل عليك الكتاب منه ايات محكمات هن
ام الكتاب واخر متشابهات فاما الذين في قلوبهم زيغ فيتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة وابتغاء تاويله وما يعلم ٣٩٢
تاويله الا الله والراسخون في العلم يقولون امنا به كل من عند ربنا وما يذكر الا اولوا الالباب ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ
هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب ربنا انك جامع الناس ليوم لا ريب فيه ان الله لا يخلف
الميعاد ان الذين كفروا لن تغني عنهم اموالهم ولا اولادهم من الله شيئا واولئك هم وقود النار كداب
ال فرعون والذين من قبلهم كذبوا باياتنا فاخذهم الله بذنوبهم والله شديد العقاب قل للذين كفروا
ستغلبون وتحشرون الى جهنم وبئس المهاد الذين يقولون ربنا اننا سمعنا مناديا ينادي للايمان
ان امنوا بربكم فامنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وقنا عذاب النار الصابرين والصادقين والقانتين والمنفقين
والمستغفرين بالاسحار شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم ان الدين
عند الله الاسلام وما اختلف الذين اوتوا الكتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغيا بينهم ومن يكفر بايات الله
فان الله سريع الحساب فان حاجوك فقل اسلمت وجهي لله ومن اتبعن وقل للذين اوتوا الكتاب والاميين ءاسلمتم
فان اسلموا فقد اهتدوا وان تولوا فانما عليك البلاغ والله بصير بالعباد ان الذين يكفرون بايات الله ويقتلون
النبيين بغير حق ويقتلون الذين يامرون بالقسط من الناس فبشرهم بعذاب اليم اولئك الذين حبطت اعمالهم في
الدنيا والاخرة وما لهم من ناصرين الم تر الى الذين اوتوا نصيبا من الكتاب يدعون الى كتاب الله ليحكم بينهم ثم يتولى
فريق منهم وهم معرضون ذلك بانهم قالوا لن تمسنا النار الا اياما معدودات وغرهم في دينهم ما كانوا
يفترون فكيف اذا جمعناهم ليوم لا ريب فيه ووفيت كل نفس ما كسبت وهم لا يظلمون قل اللهم مالك الملك
تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على كل شيء قدير
تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من تشاء بغير
حساب لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء من دون المؤمنين ومن يفعل ذلك فليس من الله في شيء الا
ان تتقوا منهم تقية ويحذركم الله نفسه والى الله المصير قل ان تخفوا ما في صدوركم او تبدوه يعلمه الله
ويعلم ما في السموات وما في الارض والله على كل شيء قدير يوم تجد كل نفس ما عملت من خير محضرا وما عملت

در مذمت بعضی عالم صورتان معنی نشناس لاابالی

من خیر محضرا و ما عملت من سوء تود لو ان بینها و بینه امدا بعیدا و یحذرکم الله نفسه والله رؤف بالعباد
قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله و یغفر لکم ذنوبکم والله غفور رحیم قل اطیعوا الله والرسول فان تولوا
فان الله لا یحب الکافرین و قال فیه یا اهل الکتاب لم تکفرون بآیات الله و انتم تشهدون یا اهل الکتاب لم تلبسون
الحق بالباطل و تکتمون الحق و انتم تعلمون و قال ولا تؤمنوا الا لمن تبع دینکم قل ان الهدی هدی الله ان یؤتی
احد مثل ما اوتیتم او یحاجوکم عند ربکم قل ان الفضل بید الله یؤتیه من یشاء والله واسع علیم یختص برحمته من
یشاء والله ذو الفضل العظیم و اگر چه این آیات درباره یهود و نصاری وارد شده است لکن عمومی در قرآن [illegible]
علاوه در کتاب علم اللغه که مکلف بنماز صحیح هستیم غیر فرقه ناجیه و لاابالی علمای معتمد ما فرقه دیگر از مخرج [illegible]
و قاریان و معلمان علم قرائت نسخ و عوض بدل نماز اختراعی بدعت عوام پسند نکرده [illegible] کلمات [illegible] عوام پسند [illegible]
که تمیز حروف در قرائت نماز ایها الناس [illegible] قاریان [illegible] بسیار کج [illegible] عوام الناس [illegible]
ترویج نماز [illegible] سقط فضای حسرت [illegible]
[illegible] حساب و نا [illegible] و ترویج هر قسم فساد شده [illegible] العالم [illegible]
الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر چرا بر عکس نتیجه [illegible] فساد کدام ظالم [illegible] نتایج [illegible]
پس معلوم است که این فساد [illegible] علمای [illegible] و بعبارة اخری [illegible] و قع فیه [illegible]
این [illegible] علمای [illegible] نماز با قاعده [illegible] صحیحه [illegible]
[illegible] و جوازش در قرائت نماز حقه [illegible] علمای مشهور [illegible]
ایها الناس [illegible] در تمامی کارها [illegible] حضرت حق [illegible] در حرکت [illegible]
اول ملاحظه نمایید که این حرکت [illegible] واجب یا حرام است سنت یا مکروه یا جایز است موافق [illegible]
بالکتاب و قرآن حقه ما رفتار نماییم که عقل [illegible] با قرآن موافق است [illegible] وجود انسانی است [illegible]
تا هم اگر عقلم با حکم قرآن موافق نباشد نعوذ بالله [illegible] مملکت وجود [illegible] مدرک جناب عقل [illegible]
در کدام سوره و آیه قرآن نماز بدعت اختراعی [illegible] نعوذ بالله [illegible] تمامی قرآن [illegible]
[illegible] شیطان [illegible] معویة ابن سفیان و سایر [illegible]
مردم این زمان [illegible] صراط مستقیم [illegible] اعظم [illegible]
[illegible] احکام و واجبات [illegible] طی الارض [illegible] همه اوقات [illegible]
[illegible] امام حسین [illegible] امام حسین [illegible]
ترویج نماز [illegible] صاحبان [illegible] یهود یا نصاری [illegible]
[illegible] الصلوة [illegible]
[illegible] عالم [illegible] کدام مرتبه [illegible]
و اگر عالم صورتان این طور باشند چه طور [illegible] عوام این قوم چه کار کنند [illegible] طریقه [illegible]

در فضایل آل محمد صلی الله علیه و آله

و اذ اخذ الله میثاق النبیین لما آتیتکم من کتاب و حکمة ثم جاءکم رسول مصدق لما معکم لتؤمنن به و لتنصرنه قال ءاقررتم
و اخذتم علی ذلکم اصری قالوا اقررنا قال فاشهدوا و انا معکم من الشاهدین فمن تولی بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون
افغیر دین الله یبغون و له اسلم من فی السموات و الارض طوعا و کرها و الیه یرجعون قل آمنا بالله و ما انزل علینا
و ما انزل علی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و الاسباط و ما اوتی موسی و عیسی و النبیون من
ربهم لا نفرق بین احد منهم و نحن له مسلمون و من یبتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من
الخاسرین کیف یهدی الله قوما کفروا بعد ایمانهم و شهدوا ان الرسول حق و جاءهم البینات والله لا یهدی القوم

الظالمین

در مدت امان شو را زعالمیان تا وقتی که خود کامل میداند

الظالمین اولئک جزاؤهم ان علیهم لعنة الله والملائکة والناس اجمعین خالدین فیها لا یخفف عنهم العذاب
ولا هم ینظرون الا الذین تابوا من بعد ذلک واصلحوا فان الله غفور رحیم ان الذین کفروا بعد ایمانهم ثم ازدادوا
کفرا لن تقبل توبتهم واولئک هم الضالون یعنی عالم صورت ان معنی شکسته که دین محمد را یعنی تمام را قاعده و کالبد را
بکلمات ردی امروز عوام لیسه بواسطه اغراض دنیه عوض بدل نمایند چنانچه گفته شد بر حرف این دریای محیط بعثت و فساد غرق مانده
که امروز متنبه و متیقظ اند اگر خواهند شد چنان بر اسم جمال حق مستغرق میشدند که حق را با معصوم تصور نمایند چنانچه
بر ابلیس که برهمان الفت حق سفر و بفرستت شیطان این بهتان ابرا توجه و اقرار برابر شیطان شده دارد که در حجر محمد و آل محمد که شفیع و کان الله
خواهم کرد و سراحواله کجشید این دو سیاه کار در حقیقت چنان گشته و غرق شدند که حق را با لاتر از معصوم خدا قدرت مدلول حق و منت کرده است
ای گمره تو راه بطحی اجوی این ره که تو میروی بترکستانست مسلم است که گمراهان طریق ضلالة چنانچه از ذوی علما دانستی مردود و ملک است
ان الذین کفروا بعد ایمانهم ثم ازدادوا کفرا لن تقبل توبتهم واولئک هم الضالون ان الذین کفروا وماتوا وهم کفار فلن یقبل من احدهم
ملؤ الارض ذهبا ولو افتدی به اولئک لهم عذاب الیم وما لهم من ناصرین ...
قل یا اهل الکتاب لم تصدون عن سبیل الله من آمن تبغونها عوجا وانتم شهداء وما الله بغافل عما تعملون و قال
قل یا اهل الکتاب لم تکفرون بآیات الله والله شهید علی ما تعملون و قال یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله حق
تقاته ولا تموتن الا وانتم مسلمون واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا واذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء
فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا وکنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها کذلک یبین الله لکم
آیاته لعلکم تهتدون ولتکن منکم امة یدعون الی الخیر ویامرون بالمعروف وینهون عن المنکر واولئک
هم المفلحون ولا تکونوا کالذین تفرقوا واختلفوا من بعد ما جاءهم البینات واولئک لهم عذاب عظیم یوم تبیض ۴۹۹
وجوه وتسود وجوه فاما الذین اسودت وجوههم ... واما الذین ابیضت وجوههم ففی رحمة الله هم فیها خالدون تلک آیات الله نتلوها علیک بالحق
وما الله یرید ظلما للعالمین ولله ما فی السموات وما فی الارض والی الله ترجع الامور کنتم خیر امة اخرجت
للناس تامرون بالمعروف وتنهون عن المنکر وتؤمنون بالله ولو آمن اهل الکتاب لکان خیرا لهم منهم المؤمنون
واکثرهم الفاسقون افسوس هزار افسوس که علمای آل محمد حق و از رجات عالیه حدیث شریف علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل او افضل من
انبیاء بنی اسرائیل به برکات سفل السافلین بواسطه غرور انداخته و اصلا توجه و اعتنا نظر نداشته باشند به ترشرات که گفته شد
اعجب عجایبست که چه اوه دعوی کفار و فساق و منافقین میفرماید ان الذین کفروا لن تغنی عنهم اموالهم ولا اولادهم من الله شیئا
واولئک اصحاب النار هم فیها خالدون مثل ما ینفقون فی هذه الحیوة الدنیا کمثل ریح فیها صر اصابت حرث قوم ظلموا
انفسهم فاهلکته وما ظلمهم الله ولکن انفسهم یظلمون و قال فی سورة الاعراف ان الذین کذبوا بآیاتنا واستکبروا عنها لا تفتح
لهم ابواب السماء ولا یدخلون الجنة حتی یلج الجمل فی سم الخیاط وکذلک نجزی المجرمین لهم من جهنم مهاد ومن فوقهم غواش
وکذلک نجزی الظالمین والذین آمنوا وعملوا الصالحات لا نکلف نفسا الا وسعها اولئک اصحاب الجنة هم فیها خالدون
ونزعنا ما فی صدورهم من غل تجری من تحتها الانهار وقالوا الحمد لله الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله لقد
جاءت رسل ربنا بالحق ونودوا ان تلکم الجنة اورثتموها بما کنتم تعملون ونادی اصحاب الجنة اصحاب النار ان قد وجدنا
ما وعدنا ربنا حقا فهل وجدتم ما وعد ربکم حقا قالوا نعم فاذن مؤذن بینهم ان لعنة الله علی الظالمین الذین یصدون
عن سبیل الله ویبغونها عوجا وهم بالآخرة کافرون وبینهما حجاب وعلی الاعراف رجال یعرفون کلا بسیماهم ونادوا
اصحاب الجنة ان سلام علیکم لم یدخلوها وهم یطمعون واذا صرفت ابصارهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا لا تجعلنا مع القوم
الظالمین ونادی اصحاب الاعراف رجالا یعرفونهم بسیماهم قالوا ما اغنی عنکم جمعکم وما کنتم تستکبرون اهؤلاء
الذین اقسمتم لا ینالهم الله برحمة ادخلوا الجنة لا خوف علیکم ولا انتم تحزنون ونادی اصحاب النار اصحاب الجنة ان افیضوا علینا
من الماء او مما رزقکم الله قالوا ان الله حرمهما علی الکافرین الذین اتخذوا دینهم لهوا ولعبا وغرتهم الحیوة الدنیا فالیوم ننساهم

[illegible]

ارباب کمال ...
دین ازلی یزدان

موعظه حضرت ابراهیم ... صراط المستقیمه

کانسوا یوم القیمة یوجهم هذا وما کانوا بآیاتنا یجحدون ولقد جئناهم بکتاب فصلناه علی علم وهدی ورحمة لقوم
یؤمنون وقال تعاونوا علی البر والتقوی ولا تعاونوا علی الاثم والعدوان واتقوا الله ان الله شدید العقاب
وقال ان الشیاطین لیوحون الی اولیائهم لیجادلوکم وقال ... ولله ما فی السموات وما فی الارض یغفر لمن
یشاء والله غفور رحیم یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا الربوا اضعافا مضاعفة واتقوا الله لعلکم تفلحون
واتقوا النار التی اعدت للکافرین واطیعوا الله والرسول لعلکم ترحمون وسارعوا الی مغفرة من ربکم وجنة
عرضها السموات والارض اعدت للمتقین الذین ینفقون فی السراء والضراء والکاظمین الغیظ والعافین
عن الناس والله یحب المحسنین والذین اذا فعلوا فاحشة او ظلموا انفسهم ذکروا الله فاستغفروا لذنوبهم
ومن یغفر الذنوب الا الله ولم یصروا علی ما فعلوا وهم یعلمون اولئک جزاؤهم مغفرة من ربهم و
جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ونعم اجر العاملین قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض
فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین هذا بیان للناس وهدی وموعظة للمتقین وقال ان الذین کفروا لن تغنی
عنهم اموالهم ولا اولادهم من الله شیئا واولئک اصحاب النار هم فیها خالدون مثل ما ینفقون فی هذه الحیوة الدنیا
کمثل ریح فیها صر اصابت حرث قوم ظلموا انفسهم فاهلکته وما ظلمهم الله ولکن انفسهم یظلمون یا ایها الذین آمنوا لا
تتخذوا بطانة من دونکم لا یالونکم خبالا ودوا ما عنتم قد بدت البغضاء من افواههم وما تخفی صدورهم اکبر قد بینا
لکم الآیات ان کنتم تعقلون ها انتم اولاء تحبونهم ولا یحبونکم وتؤمنون بالکتاب کله واذا لقوکم قالوا آمنا واذا
خلوا عضوا علیکم الانامل من الغیظ قل موتوا بغیظکم ان الله علیم بذات الصدور ان تمسسکم حسنة تسؤهم وان
تصبکم سیئة یفرحوا بها وان تصبروا وتتقوا لا یضرکم کیدهم شیئا ان الله بما یعملون محیط وقال ولا
تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون فرحین بما آتیهم الله من فضله ویستبشرون
بالذین لم یلحقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم ولا هم یحزنون یستبشرون بنعمة من الله وفضل وان الله
لا یضیع اجر المؤمنین الذین استجابوا لله والرسول من بعد ما اصابهم القرح للذین احسنوا منهم واتقوا اجر عظیم
وقال انما ذلکم الشیطان یخوف اولیائه فلا تخافوهم وخافون ان کنتم مؤمنین ولا یحزنک الذین یسارعون فی الکفر
انهم لن یضروا الله شیئا یرید الله الا یجعل لهم حظا فی الآخرة ولهم عذاب عظیم ان الذین اشتروا الکفر بالایمان لن
یضروا الله شیئا ولهم عذاب الیم ولا یحسبن الذین کفروا انما نملی لهم خیر لانفسهم انما نملی لهم لیزدادوا اثما و
لهم عذاب مهین ما کان الله لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتی یمیز الخبیث من الطیب وما کان الله لیطلعکم
علی الغیب ولکن الله یجتبی من رسله من یشاء فآمنوا بالله ورسله وان تؤمنوا وتتقوا فلکم اجر عظیم ولا یحسبن
الذین یبخلون بما آتیهم الله من فضله هو خیرا لهم بل هو شر لهم سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمة ولله میراث السموات
والارض والله بما تعملون خبیر لقد سمع الله قول الذین قالوا ان الله فقیر ونحن اغنیاء سنکتب ما قالوا وقتلهم
الانبیاء بغیر حق ونقول ذوقوا عذاب الحریق ذلک بما قدمت ایدیکم وان الله لیس بظلام للعبید الذین قالوا ان الله
عهد الینا الا نؤمن لرسول حتی یاتینا بقربان تأکله النار قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبینات وبالذی قلتم فلم
قتلتموهم ان کنتم صادقین فان کذبوک فقد کذب رسل من قبلک جاؤا بالبینات والزبر والکتاب المنیر کل نفس ذائقة الموت
وانما توفون اجورکم یوم القیمة فمن زحزح عن النار وادخل الجنة فقد فاز وما الحیوة الدنیا الا متاع الغرور لتبلون
فی اموالکم وانفسکم ولتسمعن من الذین اوتوا الکتاب من قبلکم ومن الذین اشرکوا اذی کثیرا وان تصبروا وتتقوا فان ذلک
من عزم الامور واذ اخذ الله میثاق الذین اوتوا الکتاب لتبیننه للناس ولا تکتمونه فنبذوه وراء ظهورهم واشتروا
به ثمنا قلیلا فبئس ما یشترون ولا تحسبن الذین یفرحون بما اتوا ویحبون ان یحمدوا بما لم یفعلوا ولا تحسبنهم بمفازة

٥٠٠

در بعض اسرار و اشارات مواعظ قرآنی برای علمای الا ما لی ناقص

من العذاب ولهم عذاب اليم ان فی خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار لايات لاولی الالباب
الذين يذكرون الله قياما وقعودا وعلى جنوبهم ويتفكرون فی خلق السموات والارض ربنا ما خلقت هذا
باطلا سبحانك فقنا عذاب النار ربنا انك من تدخل النار فقد اخزيته وما للظالمين من انصار ربنا
اننا سمعنا مناديا ينادی للايمان ان آمنوا بربكم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا
مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد فاستجاب لهم ربهم
انی لا اضيع عمل عامل منكم من ذكر او انثی بعضكم من بعض فالذين هاجروا واخرجوا من ديارهم واوذوا فی
سبيلی وقاتلوا وقتلوا لاكفرن عنهم سيئاتهم ولادخلنهم جنات تجری من تحتها الانهار ثوابا من عند
الله والله عنده حسن الثواب لا يغرنك تقلب الذين كفروا فی البلاد متاع قليل ثم ماويهم جهنم وبئس المهاد
يا ايها الذين آمنوا اصبروا وصابروا ورابطوا واتقوا الله لعلكم تفلحون سورة النساء بسم الله الرحمن الرحيم
يا ايها الناس اتقوا ربكم الذی خلقكم من نفس واحدة وخلق منها زوجها وبث منهما رجالا كثيرا ونساء واتقوا
الله الذی تساءلون به والارحام ان الله كان عليكم رقيبا وآتوا اليتامی اموالهم ولا تتبدلوا الخبيث بالطيب ولا
تاكلوا اموالهم الی اموالكم انه كان حوبا كبيرا وان خفتم الا تقسطوا فی اليتامی فانكحوا ما طاب لكم من النساء
مثنی وثلاث ورباع فان خفتم الا تعدلوا فواحدة او ما ملكت ايمانكم ذلك ادنی الا تعولوا وآتوا النساء
صدقاتهن نحلة فان طبن لكم عن شیء منه نفسا فكلوه هنيئا مريئا و قال فيه ان الذين ياكلون اموال
اليتامی ظلما انما ياكلون فی بطونهم نارا وسيصلون سعيرا و قال فيه ومن يعص الله ورسوله ويتعد حدوده
يدخله نارا خالدا فيها وله عذاب مهين قال فيه انما التوبة على الله للذين يعملون السوء بجهالة ثم يتوبون
من قريب فاولئك يتوب الله عليهم وكان الله عليما حكيما وليست التوبة للذين يعملون السيئات
حتی اذا حضر احدهم الموت قال انی تبت الآن ولا الذين يموتون وهم كفار اولئك اعتدنا لهم عذابا
اليما و قال فيه فعسی ان تكرهوا شيئا ويجعل الله فيه خيرا كثيرا و قال فيه عسی ان تكرهوا شيئا وهو خير لكم وعسی ان تحبوا شيئا
وهو شر لكم و قال فيه ولا تتمنوا ما فضل الله به بعضكم على بعض للرجال نصيب مما اكتسبوا وللنساء نصيب مما اكتسبن
واسالوا الله من فضله ان الله كان بكل شیء عليما و قال فيه واعبدوا الله ولا تشركوا به شيئا وبالوالدين احسانا وبذی
القربی واليتامی والمساكين والجار ذی القربی والجار الجنب والصاحب بالجنب وابن السبيل وما ملكت ايمانكم ان الله لا
يحب من كان مختالا فخورا الذين يبخلون ويامرون الناس بالبخل ويكتمون ما آتيهم الله من فضله واعتدنا
للكافرين عذابا مهينا والذين ينفقون اموالهم رئاء الناس ولا يؤمنون بالله ولا باليوم الآخر ومن
يكن الشيطان له قرينا فساء قرينا ان الله لا يظلم مثقال ذرة وان تك حسنة يضاعفها ويؤت من لدنه اجرا
عظيما يا ايها الذين آمنوا لا تقربوا الصلوة وانتم سكاری حتی تعلموا ما تقولون ولا جنبا الا عابری سبيل حتی
تغتسلوا مراد از سكاری سلطان ... مستی ملك ... مستی محبت حرص دنيا با انواع غرض نفسانی هزار درجه بالاتر
مستی شراب ... الدوام ... و لا بعقل چنان نمايد که در مدت ... فهم علوم ... علم ...
احتياج خود ... نماز ...
که در بيابان جهل حيران سرگردانند که ... عالم ... ضعيف ...
از عالمان ... کامل ... محمود ...
... داشتم ... اسباب تاليف و ضعف ... علم ...

501

در نحوست و غرور علمای سوء که نماز خدا را عوض بدل نماز به غیر نمودند

از میان صد نفر بلکه بیشتر نماز ساقط که اقل درجه وجوبست به احتمال باطل [illegible] یا نماز خراجی خود پسند هر یکی به نوعی دیگر نماز به غیر [illegible]

و خود پسند به شغل امر معروف منابر و مساجد پر از انواع واعظ و روضه خوانان واه که منبر و صاحبان لسان [illegible]

و لا یحصی اگر زمان و آسمان و عرش و فرش و لوح و قلم و جن و انس و ملائکه [illegible]

هشت نفر روضه خوان تقدم بر یکدیگر [illegible] در منابر جای پاکان قدم نهادند [illegible] در منبر پاکان [illegible]

عزادار دنیای [illegible] و لکن [illegible] عزادار آخرت [illegible] امام حسین [illegible]

صحیح با قرائت در دین اسلام اصلاً نبوده است [illegible] غضب الله [illegible] ظاهر [illegible]

[illegible] تا قیامت نزول [illegible] منبر ائمه اطهار [illegible]

منبر جای پاکان [illegible] طفلان [illegible] و قال الله المر تر الی الذین اوتوا نصیباً من

الکتاب یشترون الضلالة و یریدون ان تضلوا السبیل والله اعلم باعدائکم و کفی بالله ولیاً و کفی بالله نصیراً من الذین

هادوا یحرفون الکلم عن مواضعه [illegible] آن زمان یحرفون الکلم [illegible] این زمان [illegible] علمای سوء محمدی نماز

امت محمدی [illegible] طور تغییر و تحریف نماز [illegible] و قال الله یا ایها الذین اوتوا الکتاب آمنوا

بما نزلنا مصدقاً لما معکم من قبل ان نطمس وجوهاً فنردها علی ادبارها او نلعنهم کما لعنا اصحاب السبت و کان

امر الله مفعولاً ان الله لا یغفر ان یشرک به و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء و من یشرک بالله فقد افتری اثماً عظیماً

الم تر الی الذین یزکون انفسهم بل الله یزکی من یشاء و لا یظلمون فتیلاً انظر کیف یفترون علی الله الکذب و کفی به

اثماً مبیناً الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتاب یؤمنون بالجبت والطاغوت و یقولون للذین کفروا هؤلاء

اهدی من الذین آمنوا سبیلاً اولئک الذین لعنهم الله و من یلعن الله فلن تجد له نصیراً فمنهم من آمن به و منهم

من صد عنه و کفی بجهنم سعیراً [illegible] و من یطع الله و رسوله یدخله جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها

و ذلک الفوز العظیم و من یعص الله و رسوله و یتعد حدوده یدخله ناراً خالداً فیها و له عذاب مهین [illegible]

در آنست که با نماز عدم سقط قضا و بدون [illegible] و مهارت [illegible] و با نماز [illegible] کدام آیه و سوره جایز [illegible]

[illegible] موافق علم قرائت [illegible] باطل [illegible] قاریان و علم قرائت [illegible]

[illegible] معتبرین [illegible] اثنی عشری شیعه [illegible] مطموح کرده [illegible] عوض [illegible]

[illegible] شیعه [illegible] معصوم [illegible] مهارت [illegible] ابلیس لعین است [illegible] علماء [illegible]

تمامی عالم [illegible] العالم [illegible] اصطلاح علما [illegible] تمیز حروف کافی است [illegible] کلام [illegible]

استعمال [illegible] ملاحظه [illegible]

[illegible] نتیجه [illegible] کلام [illegible] نتیجه [illegible]

[illegible] ملاحظه [illegible] کلام [illegible] ملاحظه نتیجه [illegible] کالمعدوم [illegible]

اکثر علمای سوء [illegible] تمیز حروف در قرائت نماز کافی است [illegible]

[illegible]

[illegible] کالانعام [illegible] تمیز حروف کافی [illegible]

قاریان [illegible] قاریان [illegible]

[illegible]

[illegible] قاریان [illegible]

[illegible]

در شرارت و نتایج عام شر ارباب قرائت علمای ظاهر سنت

بلکه دو برابر لف [illegible] ... مردم داده بواسطه اینکه اکر این طایفه قرا انسلاط باشد در مجالس و محافل غلط مانند نمازهای [illegible] غلط بگوید هر چند

زمان بسی سالها که در تحصیل انواع علوم و تعلم [illegible] تقدس و ملکه [illegible] در رسوم عوام [illegible] و در حالت سلوک عمومی

یک مجلس مهیا و مدرسه خانه نشین نماید چنانکه فلان عالم و فلان فاضل [illegible] اراده خواسته که [illegible] علیه [illegible]

سیطانت [illegible] فرانک [illegible] بکوانه [illegible] تخصیص ملبس است مقدمه علم [illegible] که العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء [illegible]

در اینها او صحت نماز است و صحت نیز الوقف مقصوراست که ملکه [illegible] تمیز و تمیز [illegible] حمله [illegible]

علوم چنانکه عدا امر [illegible] ملکه و عادت لازم است که مشترک باشد و فرق عوام و خواص این است که عوام [illegible] مشترک شود در [illegible] فهم مولف [illegible]

[illegible] خطا و صواب نماز خود بتواند و تمیز آن بکند بعد از آنکه خوب آموخته [illegible] اهل [illegible] کمال [illegible]

[illegible] برای اهل فضل و کمال نسبت باستعداد [illegible] در [illegible] صرف کردن باعتقاد حقیر لازم است و الا [illegible]

[illegible] مشکل است الا اینکه خود در علم شریف [illegible] حالت تحصیل علم قرائت معلم صفات اصلی و عارضی و مخارج و [illegible]

[illegible] تمیز حروف یعنی تشخیص واجب و سنت و بدعت و مکروه و جواز [illegible] و الا تمیز حروف [illegible] منصور [illegible]

از سین و ثا [illegible] از الف و زا [illegible] از ذال و ضاد [illegible] از ظا اگر [illegible] تمامی [illegible] مکتب از [illegible] کل واجبات [illegible]

این قدر کتب [illegible] که از کتب [illegible] مکلف [illegible] کتابهای معتبر تالیف نموده مثل کتاب شاطبی کتابهای معتبر [illegible]

[illegible] نموده که [illegible] در شریعت [illegible] مع ذلک در میان [illegible] کتب قرائت [illegible] اول است در میان [illegible] فارسی [illegible]

[illegible] چنان غیر معروف است که از هزار نفر علما یکنفر باصطلاحات و اسامی و روایت و عبارات آنها خبر [illegible]

شروع بمکتب الف با [illegible] لازم است بقرائت و محل و مخرج حروف بایه تا در وقت قرآن خواندن مخارج و صفات مخارج ملکه [illegible]

کالنقش فی الحجر [illegible] اینکه بعد از تحصیل کربلا و نجف اشرف و بعد از [illegible] تحصیل انواع علوم با نماز باطل و غیر صحیح تعلم علم قرائت

[illegible] خود دانسته و بکرات [illegible] از ترس ایراد قاریان فقیر [illegible] ایرادی وارد نماید [illegible]

۵۰۲

پس تقدم [illegible] قاریان علم [illegible] بهتر [illegible] ملموح [illegible] بکوشند که [illegible] نقضی نکشند اگر قاریان [illegible] چنانچه [illegible]

القدر [illegible] بخیال اینکه [illegible] صاحب شهرت [illegible] و محل [illegible] مردم است [illegible] برای امام [illegible] صلوات و [illegible]

خود [illegible] نظر [illegible] تمام دنیا محل احتیاج [illegible] محتاج [illegible] خود دشمن [illegible] تمام کار عاقلانه نیست [illegible]

[illegible] بسیار دارد اگر حقیر نیز خوب [illegible] تمام [illegible] نتوانستم بتالیف این مجمل [illegible] با این همه گرفتاری [illegible] ضعف

[illegible] اگر در خلوات بجماعت [illegible] از فضیلت نماز جماعت بعد [illegible] از انواع استفاده [illegible] بسیار غلط [illegible]

[illegible] بعادة [illegible] قدیمی خود میخواند ترک عادت بعضی [illegible] ضبط مشکل است کالنقش فی الحجر

بسیاری از قاریان [illegible] عدم [illegible] نسبت [illegible] داده و کافر [illegible] میان عوام [illegible] داده [illegible]

[illegible] عموم خصوص با علمای [illegible] بواسطه [illegible] نماز جماعت چنانکه [illegible] از طفولیت [illegible] عادت

و حضور در مجالس وعظ و مسئله و نماز جماعت [illegible] تصور میکردم که در وقت امکان واجب [illegible] بعد [illegible]

عادت کالبدعه [illegible] کران [illegible] الحل [illegible] در خیر [illegible] عالم [illegible]

از صغیر و کبیر و بزرگ و کوچک [illegible] اگر [illegible] خود [illegible] اصلاح [illegible]

عالم را [illegible] فساد [illegible] مگر اینکه [illegible] نسبت [illegible] مولف [illegible] همه [illegible] از عوض [illegible] نماز [illegible]

از ظلام و سلاطین و فسقه و قطاع الطریق و الواط و جابر [illegible] فسق و بی دینی و کفر [illegible] فساد [illegible]

و ضایع [illegible] قرائت [illegible] حسنات [illegible] عوض [illegible] نماز که از کفر و شرک [illegible]

مگر [illegible] بواسطه معرفت علمای شیعه [illegible] دانسته [illegible] که ام [illegible]

البته که خودشان [illegible] توجه [illegible] کامل [illegible] عوض نفکر و فهمیدن خطا [illegible] و دین [illegible]

باشد [illegible] و عاقبت [illegible]

باب هفتم

اشاره بکوتاه عاقبت ظلم و فساد و کوتاهی ۵۳۱

من الذين هادوا يحرفون الكلم عن مواضعه ويقولون سمعنا وعصينا واسمع غير مسمع وراعنا ليا بالسنتهم وطعنا في
الدين ولو انهم قالوا سمعنا واطعنا واسمع وانظرنا لكان خيرا لهم واقوم ولكن لعنهم الله بكفرهم فلا يؤمنون الا
قليلا يا ايها الذين اوتوا الكتاب امنوا بما نزلنا مصدقا لما معكم من قبل ان نطمس وجوها فنردها على ادبارها او نلعنهم كما
لعنا اصحاب السبت وكان امر الله مفعولا ان الله لا يغفر ان يشرك به ويغفر ما دون ذلك لمن يشاء ومن يشرك بالله
فقد افترى اثما عظيما الم تر الى الذين يزكون انفسهم بل الله يزكي من يشاء ولا يظلمون فتيلا انظر كيف يفترون على الله
الكذب وكفى به اثما مبينا الم تر الى الذين اوتوا نصيبا من الكتاب يؤمنون بالجبت والطاغوت ويقولون للذين كفروا هؤلاء اهدى
من الذين امنوا سبيلا اولئك الذين لعنهم الله ومن يلعن الله فلن تجد له نصيرا ام لهم نصيب من الملك فاذا لا
يؤتون الناس نقيرا ام يحسدون الناس على ما اتيهم الله من فضله فقد اتينا ال ابراهيم الكتاب والحكمة واتيناهم
ملكا عظيما فمنهم من امن به ومنهم من صد عنه وكفى بجهنم سعيرا ان الذين كفروا باياتنا سوف نصليهم نارا كلما
نضجت جلودهم بدلناهم جلودا غيرها ليذوقوا العذاب ان الله كان عزيزا حكيما والذين امنوا وعملوا الصالحات سندخلهم
جنات تجري من تحتها الانهار خالدين فيها ابدا لهم فيها ازواج مطهرة وندخلهم ظلا ظليلا ان الله يامركم ان تؤدوا
الامانات الى اهلها واذا حكمتم بين الناس ان تحكموا بالعدل ان الله نعما يعظكم به ان الله كان سميعا بصيرا يا
ايها الذين امنوا اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولي الامر منكم فان تنازعتم في شيء فردوه الى الله والرسول ان كنتم تؤمنون
بالله واليوم الاخر ذلك خير واحسن تاويلا الم تر الى الذين يزعمون انهم امنوا بما انزل اليك وما انزل من قبلك
يريدون ان يتحاكموا الى الطاغوت وقد امروا ان يكفروا به ويريد الشيطان ان يضلهم ضلالا بعيدا واذا قيل لهم تعالوا
الى ما انزل الله والى الرسول رايت المنافقين يصدون عنك صدودا فكيف اذا اصابتهم مصيبة بما قدمت ايديهم ثم جاؤك
يحلفون بالله ان اردنا الا احسانا وتوفيقا اولئك الذين يعلم الله ما في قلوبهم فاعرض عنهم وعظهم وقل لهم في انفسهم قولا بليغا
وما ارسلنا من رسول الا ليطاع باذن الله ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله
توابا رحيما فلا وربك لا يؤمنون حتى يحكموك فيما شجر بينهم ثم لا يجدوا في انفسهم حرجا مما قضيت ويسلموا تسليما
ولو انا كتبنا عليهم ان اقتلوا انفسكم او اخرجوا من دياركم ما فعلوه الا قليل منهم ولو انهم فعلوا ما يوعظون به لكان خيرا
لهم واشد تثبيتا واذا لاتيناهم من لدنا اجرا عظيما ولهديناهم صراطا مستقيما ومن يطع الله والرسول فاولئك مع الذين
انعم الله عليهم من النبيين والصديقين والشهداء والصالحين وحسن اولئك رفيقا ذلك الفضل من الله وكفى بالله عليما
يا ايها الذين امنوا خذوا حذركم فانفروا ثبات او انفروا جميعا وان منكم لمن ليبطئن فان اصابتكم فضل من الله ليقولن كان
لم يكن بينكم وبينه مودة يا ليتني كنت معهم فافوز فوزا عظيما فليقاتل في سبيل الله الذين يشرون الحيوة الدنيا بالاخرة
ومن يقاتل في سبيل الله فيقتل او يغلب فسوف نؤتيه اجرا عظيما وما لكم لا تقاتلون في سبيل الله والمستضعفين من
الرجال والنساء والولدان الذين يقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها واجعل لنا من لدنك وليا واجعل
لنا من لدنك نصيرا الذين امنوا يقاتلون في سبيل الله والذين كفروا يقاتلون في سبيل الطاغوت فقاتلوا اولياء الشيطان
ان كيد الشيطان كان ضعيفا الم تر الى الذين قيل لهم كفوا ايديكم واقيموا الصلوة واتوا الزكوة فلما كتب عليهم القتال اذا فريق منهم
يخشون الناس كخشية الله او اشد خشية وقالوا ربنا لم كتبت علينا القتال لولا اخرتنا الى اجل قريب قل متاع الدنيا
قليل والاخرة خير لمن اتقى ولا تظلمون فتيلا اينما تكونوا يدرككم الموت ولو كنتم في بروج مشيدة وان تصبهم حسنة
يقولوا هذه من عند الله وان تصبهم سيئة يقولوا هذه من عندك قل كل من عند الله فمال هؤلاء القوم لا
يكادون يفقهون حديثا ما اصابك من حسنة فمن الله وما اصابك من سيئة فمن نفسك وارسلناك للناس رسولا
وكفى بالله شهيدا من يطع الرسول فقد اطاع الله ومن تولى فما ارسلناك عليهم حفيظا ويقولون طاعة فاذا برزوا من عندك

باب هفتم و فصل هم

باب هشتم و فصل هم

بيت

تبصیر معنی آیات منافق شعار

در ذم عدم تأمل و تفکر عالم صورتان

۲۰۳

فصل بسم الله الرحمن الرحیم

بیت طائفة منهم غیر الذی تقول والله یکتب ما یبیتون فاعرض عنهم وتوکل علی الله وکفی بالله وکیلا افلا
یتدبرون القرآن ولو کان من عند غیر الله لوجدوا فیه اختلافا کثیرا واذا جاءهم امر من الامن او الخوف اذاعوا
به ولو ردوه الی الرسول والی اولی الامر منهم لعلمه الذین یستنبطونه منهم ولولا فضل الله علیکم ورحمته لاتبعتم
الشیطان الا قلیلا فقاتل فی سبیل الله لا تکلف الا نفسک وحرض المؤمنین عسی الله ان یکف باس الذین
کفروا والله اشد باسا واشد تنکیلا ومن یشفع شفاعة حسنة یکن له نصیب منها ومن یشفع شفاعة سیئة یکن له
کفل منها وکان الله علی کل شیء مقیتا واذا حییتم بتحیة فحیوا باحسن منها او ردوها ان الله کان علی کل شیء حسیبا الله
لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم القیمة لا ریب فیه ومن اصدق من الله حدیثا فما لکم فی المنافقین فئتین والله ارکسهم بما
کسبوا اتریدون ان تهدوا من اضل الله ومن یضلل الله فلن تجد له سبیلا ودوا لو تکفرون کما کفروا فتکونون سواء
فلا تتخذوا منهم اولیاء حتی یهاجروا فی سبیل الله فان تولوا فخذوهم واقتلوهم حیث وجدتموهم ولا تتخذوا
منهم ولیا ولا نصیرا الا الذین یصلون الی قوم بینکم وبینهم میثاق او جاؤکم حصرت صدورهم ان یقاتلوکم او یقاتلوا
قومهم ولو شاء الله لسلطهم علیکم فلقاتلوکم فان اعتزلوکم فلم یقاتلوکم والقوا الیکم السلم فما جعل الله لکم علیهم سبیلا وقال ایضا
ومن یهاجر فی سبیل الله یجد فی الارض مراغما کثیرا وسعة ومن یخرج من بیته مهاجرا الی الله ورسوله ثم یدرکه الموت
فقد وقع اجره علی الله وکان الله غفورا رحیما وقال ومن یتخذ الشیطان ولیا من دون الله فقد خسر
خسرانا مبینا یعدهم ویمنیهم وما یعدهم الشیطان الا غرورا اولئک مأویهم جهنم ولا یجدون عنها
محیصا والذین آمنوا وعملوا الصالحات سندخلهم جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ابدا وعد الله
حقا ومن اصدق من الله قیلا لیس بامانیکم ولا امانی اهل الکتاب من یعمل سوءا یجز به ولا یجد له من دون الله ولیا
ولا نصیرا ومن یعمل من الصالحات من ذکر او انثی وهو مؤمن فاولئک یدخلون الجنة ولا یظلمون نقیرا
ومن احسن دینا ممن اسلم وجهه لله وهو محسن واتبع ملة ابراهیم حنیفا واتخذ الله ابراهیم خلیلا ولله ما فی السموات
وما فی الارض وکان الله بکل شیء محیطا وقال ایضا یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله ولو علی
انفسکم او الوالدین والاقربین ان یکن غنیا او فقیرا فالله اولی بهما فلا تتبعوا الهوی ان تعدلوا وان تلووا او تعرضوا
فان الله کان بما تعملون خبیرا یا ایها الذین آمنوا آمنوا بالله ورسوله والکتاب الذی نزل علی رسوله والکتاب الذی
انزل من قبل ومن یکفر بالله وملائکته وکتبه ورسله والیوم الآخر فقد ضل ضلالا بعیدا ان الذین آمنوا ثم
کفروا ثم ازدادوا کفرا لم یکن الله لیغفر لهم ولا لیهدیهم سبیلا بشر المنافقین بان لهم عذابا الیما الذین یتخذون
الکافرین اولیاء من دون المؤمنین ایبتغون عندهم العزة فان العزة لله جمیعا وقد نزل علیکم فی الکتاب ان اذا
سمعتم آیات الله یکفر بها ویستهزأ بها فلا تقعدوا معهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره انکم اذا مثلهم ان الله
جامع المنافقین والکافرین فی جهنم جمیعا الذین یتربصون بکم فان کان لکم فتح من الله قالوا الم نکن معکم وان کان
للکافرین نصیب قالوا الم نستحوذ علیکم ونمنعکم من المؤمنین فالله یحکم بینکم یوم القیمة ولن یجعل الله للکافرین
علی المؤمنین سبیلا ان المنافقین یخادعون الله وهو خادعهم واذا قاموا الی الصلوة قاموا کسالی یراؤن الناس ولا یذکرون
الله الا قلیلا مذبذبین بین ذلک لا الی هؤلاء ولا الی هؤلاء ومن یضلل الله فلن تجد له سبیلا یا ایها الذین
آمنوا لا تتخذوا الکافرین اولیاء من دون المؤمنین اتریدون ان تجعلوا لله علیکم سلطانا مبینا ان المنافقین فی
الدرک الاسفل من النار ولن تجد لهم نصیرا الا الذین تابوا واصلحوا واعتصموا بالله واخلصوا دینهم لله
لطف و جهر ... خالق الکل در جه غایت مراتب لطافت که بعد از اظهار منافقی مخالفت اعلا مراتب کفر و صدق ... [illegible]
و محبت نگذارد در معنی الطاف خفیه خالق جلت عظمته و عمت قدرته لازمه این محبت است که تمامی عمر ... [illegible]

۵۰۵

باب هشتم در وجوب تأکید دوم تصحیح نماز صحیح و رواج نماز عبث

۱۳۲۳

عمر یک ماردی از موش سر زند بلکه مکرر می سازد بجای خلق که ما هم مصداق حسنات الابرار سیئات المقربین معنی آن چنانکه
در ذیل دعای ائمه علیهم السلام بسیار وارد است که معاصی و مخالفت ما بنا بکمال اخلاص و سمومات بسیار میبرد و حال آنکه معروف و علم
بعصمت حق است معنی حدیث شریف نبوی صلی الله علیه و آله که میفرمود علماء امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل نه آنکه در صورت علما
در باطن قاطع بنیان دین و در عوض بدل کردن نماز و احکام خدا شکل صورت نماز برده کلمه سخن خوش صورت به باطن خنا
حقیقی خاتم انبیاء و علی مرتضی را آتش زده بالمره با تمام عوام و خواص نمایم مع ذلک منافقین زمان علیهم که خانه ظاهری
پیغمبر و امیر المؤمنین آتش زده لعنت تمام و طعن بسیار و ذم ما و اثبات کفر و فسق و فساد نمایم چه قدر عجب و بی شرمی در ما که الزام
انسانکه عیوب خود را این بی معرفت و بی شعور باشد و خود را مروج دین تصور نماید نمیدانم بلبیس الاخرق غافل ناسی خیال نماید با حد
در روز جزا و مکافات عذر گاه درست مسموع و مقبول مهیا کرده و عقل خود را چه قدر از عقل و دم امیر المؤمنین بالاتر تصور فرماید که بانی
علم قرائت صحت قرائت با همه تفصیلات تفسیر است قرائت و جمیع کتب بی حد و عدد تا الیوم بسیار مهیا کرده اجماعیت
کامه تا شیخ همه آنها ملتفت و تمیز حروف در قرائت نماز و قرآن خواندن کافی است من حفر بئرا لاخیه وقع فیه چه خوش آن معطل
مانند اند بدرجه که از صد نفر عالم فاضل معتبر جاهل کنند پنج نفر نماز ساقط قضا را قادر نیستند که اهل و اولاد درجه تا ساقط قضا
اکثرا نماز غلط بدعت باطل به اهل امور سلطانی ترویج دین خاتم النبیین تصور نماید کو معصوم این تصور کمیباشد
چرا عزادار ایمان خود را نمایند از کمال جهالت ابلیس است که تا آخر عمر حق بخیر بازگشت ممکن است این نوع محراب دین
زیرا که عذر در علم ناقص تا رفتن در قبر باز و هست بلکه عوام کالانعام سرا جهنمی بازگشت هست چنانکه بسیار شده است
است که بر خلف رؤسای کاهی در اثبات نماز که ضروری دین و یقین است منکر نماز صحیح مثل انکار حق خاتم الانبیاء علیه السلام است
برای نوع علمای راسخ الفساد محراب دین سبب المرثیه که نماز را صحت نماز تا شیخ و نماز بدعت بدل کرده این قدر تأکید
لازم هم هست در هر زمانی الواط و جاهل و انواع قطاع الطریق رجوع به شیخ نماز نماز ما نشسته گاه مواجب جبار و حادث
عصمت و عفت دکان با جبار خرف و رجب و گاه به تنبلات و گاه به ذکر قواعد و رسومات ذکر مجلس علم قرائت و سعی به کرد بار آوری کلام
بیاد توجیه و آیات بلیات و قصص انبیا و مخالفت خبائث امم سابقه بازار صلی و ابرار و ذکر بهشت
و ذکر ضلالت منافقین ساخت بخوانان و بار آوری منتخبات سور قرآنی و خوانان و ذکر کلام اللهی و بار آوری
هر سفول در لباس قرآنی و عبارات قرآنی آنچه از دست و زبان این عاجز قاصر بر آید و نخواهم بلا آوری نمایم
طایفه راسخ الفساد و ناسخین دین و ستون دین عالم صدر نشست که عوض ترغیب و تحریص صحت نماز و تحصیل قرائت نماز
حرف لذت و قدر حیا از رسول خدا و علی مرتضی در روز جزا و از ائمه علیهم السلام الا نمایند بهر زبانی بدرس و به اگر صحت نماز امر نمایند
نمایند مواجب اصلی حصه حیله نماز باز بگیرند که تمیز واجب سنت تشخیص نماز بدعت ندارد و جابرا معرفت ندارند بعد حکم
صحت و فساد نماز خود و دیگران به سند کافر نشوند بکلمه او به بار و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون و با آنکه کلمه بلادا التفقه
به علم و کمال به نماز و درست آل ملوم به همه ام کافر نشوند بلکه از کافر هم پاک نیازه چرا اینجا حقیر را بسیار ملامت نماید
و نمودم استخفاف علما و طالب از فرقه من عیوب قطاع الطریق دین محمد صلی الله علیه و آله تا مؤمنان بشناسند و دوام السلاک
و تکواهنه شناخت وقتی خود و دین جمهور المشاسنه که مردم مرا از است ابتدا و رشته صلاح و سداد نماز صحیح با قاعده برگردانند
ملاک نه بدان راه که بر راه راست آورده بعد توبه نمایند ابتدا دین بلند که استعمال پرسی در موضع صلاح خود باشد که به این کلام
ضلالت و فساد چیز دیگر ندارد تو را که آنکه دانی دو خورده گیری در امور دنیا است افلاطون زمانی اما در فریب عوام بلکه تمیز حروف
خانه دین خود و دیگران خواهید کرد که در هر کسی سال کرم هام قرائت وقار بازو صحت نماز و چه سال عوض نماز
مار کجا که فارسی محبت و در فضاها علمای غیبی کشته حرام است علم قرائت از متعلقات علم فقه بلکه صحت نماز صحیح بکرمات و دین بار آمیخت
انکار علم قرائت مگر از انکار عقل کل و نفس کل کو حاجت لا الا الا و دین مگر بالا از دو بزرگتر این مقصود ملیک
است

باب چهارم

۵۰۰

در اشاره باختراع مذاهب جمیع طوایف داد پاک از علما بعضی

۲۳۴

تاکید است یک آیه در اثبات حکم الله اگر چه در اجرای حکم الله کافی است و فیصله معارض و مخالف از اهل علم و معرفت شرط و در این زمان

در خصوص تغییر شکل و صورت نماز کار بجای رسانیده اند که از صد نفر عالم فاضل دو نفر نماز با قاعده و میزان علم قرائت بطور احتیاط ثابت نمی‌کند

چون ولایت و امامت میان عامه عمیا وجود ضعفا و اکثر شده همه از خود ساخته است شده در باطل کاملان عرضه نمودم الله این

چه دین و مذهب و چه اسلام است کار بجای ما کجا رسیده نجه خود رسانیده که صبر و تحمل نمانده در سوره المائده قال الله تعالی تعاونوا علی البر و

التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان الله نمیه انم در تعلیم و تعلم علم قرائت و نماز صحیح با قرائت بضرورت تمام

که بای اخفا و اشاره و استعاره و کلمات مرکب سر و سر ابرار از تلبیس از قاریان و علم قرائت و تعلیم و تعلم نماز صحیح احتیاطی سر حرف

رو گردان منهایت بر سبیل بیعت امیر المومنین اقرار تحقیق قرائت بسم دارند خواهی نخواهی و اگر ضعفاء دانسته لاجرم تفرقه احتیاطی

در چند روز نماز خود را بار بسم و طریق علم بر سبیل فسق که نماز اختراعی بدعت نباشد و قال فیه یا ایها الذین آمنوا کونوا

قوامین لله شهداء بالقسط اعدلوا هو اقرب للتقوی و اتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون وعد الله الذین آمنوا

و عملوا الصالحات لهم مغفرة و اجر عظیم و لقد اخذ الله میثاق بنی اسرائیل و بعثنا منهم اثنی عشر نقیبا و قال

الله انی معکم لئن اقمتم الصلوة و اتیتم الزکوة و آمنتم برسلی و عزرتموهم و اقرضتم الله قرضا حسنا لاکفرن عنکم

سیئاتکم و لادخلنکم جنات تجری من تحتها الانهار فمن کفر بعد ذلک منکم فقد ضل سواء السبیل فبما نقضهم

میثاقهم لعناهم و جعلنا قلوبهم قاسیة یحرفون الکلم عن مواضعه و نسوا حظا مما ذکروا به و قال فیه انما

جزاؤ الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم ۵۰۲

من خلاف او ینفوا من الارض ذلک لهم خزی فی الدنیا و لهم فی الاخرة عذاب عظیم الا الذین تابوا من قبل

ان تقدروا علیهم فاعلموا ان الله غفور رحیم یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسیلة و جاهدوا فی سبیله

لعلکم تفلحون ان الذین کفروا لو ان لهم ما فی الارض جمیعا و مثله معه لیفتدوا به من عذاب یوم القیمة ما تقبل منهم و لهم

در منتخبات سوره انعام کلمات الله با حضرت عیسی

٤٣٥

ولو شاء الله لجعلكم امة واحدة ولكن ليبلوكم فيما آتيكم فاستبقوا الخيرات الى الله مرجعكم جميعا فينبئكم بما كنتم فيه تختلفون
وقال فيه يا ايها الذين آمنوا لا تتخذوا اليهود والنصارى اولياء بعضهم اولياء بعض ومن يتولهم منكم فانه منهم ان الله
لا يهدى القوم الظالمين يا ايها الذين آمنوا من يرتد منكم عن دينه فسوف يأتى الله بقوم يحبهم ويحبونه اذلة على المؤمنين
اعزة على الكافرين يجاهدون فى سبيل الله ولا يخافون لومة لائم ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله واسع عليم
انما وليكم الله ورسوله والذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة وهم راكعون ومن يتول الله ورسوله
والذين آمنوا فان حزب الله هم الغالبون يا ايها الذين آمنوا لا تتخذوا الذين اتخذوا دينكم هزوا ولعبا من الذين
اوتوا الكتاب من قبلكم والكفار اولياء واتقوا الله ان كنتم مؤمنين واذا ناديتم الى الصلوة اتخذوها هزوا ولعبا
ذلك بانهم قوم لا يعقلون وقال فيه لولا ينهيهم الربانيون والاحبار عن قولهم الاثم واكلهم السحت لبئس
ما كانوا يصنعون وقال فيه يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك وان لم تفعل فما بلغت رسالته
والله يعصمك من الناس ان الله لا يهدى القوم الكافرين وقال فيه قل يا اهل الكتاب لا تغلوا فى دينكم غير الحق
ولا تتبعوا اهواء قوم قد ضلوا من قبل واضلوا كثيرا وضلوا عن سواء السبيل لعن الذين كفروا من بنى اسرائيل
على لسان داود وعيسى ابن مريم ذلك بما عصوا وكانوا يعتدون كانوا لا يتناهون عن منكر فعلوه لبئس ما كانوا
يفعلون ترى كثيرا منهم يتولون الذين كفروا لبئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط الله عليهم وفى
العذاب هم خالدون ولو كانوا يؤمنون بالله والنبى وما انزل اليه ما اتخذوهم اولياء ولكن كثيرا منهم فاسقون
وقال فيه اذ قال الله يا عيسى ابن مريم اذكر نعمتى عليك وعلى والدتك اذ ايدتك بروح القدس تكلم الناس فى المهد
وكهلا واذ علمتك الكتاب والحكمة والتورية والانجيل واذ تخلق من الطين كهيئة الطير باذنى فتنفخ فيها فتكون طيرا
باذنى وتبرئ الاكمه والابرص باذنى واذ تخرج الموتى باذنى واذ كففت بنى اسرائيل عنك اذ جئتهم بالبينات فقال
الذين كفروا منهم ان هذا الا سحر مبين واذ اوحيت الى الحواريين ان آمنوا بى وبرسولى قالوا آمنا واشهد باننا
مسلمون اذ قال الحواريون يا عيسى ابن مريم هل يستطيع ربك ان ينزل علينا مائدة من السماء قال اتقوا الله ان كنتم
مؤمنين قالوا نريد ان ناكل منها وتطمئن قلوبنا ونعلم ان قد صدقتنا ونكون عليها من الشاهدين قال عيسى ابن
مريم اللهم ربنا انزل علينا مائدة من السماء تكون لنا عيدا لاولنا وآخرنا وآية منك وارزقنا وانت
خير الرازقين قال الله انى منزلها عليكم فمن يكفر بعد منكم فانى اعذبه عذابا لا اعذبه احدا من العالمين واذ
قال الله يا عيسى ابن مريم ءانت قلت للناس اتخذونى وامى الهين من دون الله قال سبحانك ما يكون لى ان
اقول ما ليس لى بحق ان كنت قلته فقد علمته تعلم ما فى نفسى ولا اعلم ما فى نفسك انك انت علام الغيوب ما قلت
لهم الا ما امرتنى به ان اعبدوا الله ربى وربكم وكنت عليهم شهيدا ما دمت فيهم فلما توفيتنى كنت انت الرقيب عليهم
وانت على كل شىء شهيد ان تعذبهم فانهم عبادك وان تغفر لهم فانك انت العزيز الحكيم قال الله هذا يوم
ينفع الصادقين صدقهم لهم جنات تجرى من تحتها الانهار خالدين فيها ابدا رضى الله عنهم ورضوا عنه ذلك الفوز
العظيم لله ملك السموات والارض وما فيهن وهو على كل شىء قدير

در سورة الانعام — بسم الله الرحمن الرحيم

قال الله تعالى وما نرسل المرسلين الا مبشرين ومنذرين فمن آمن واصلح فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون
والذين كذبوا بآياتنا يمسهم العذاب بما كانوا يفسقون قل لا اقول لكم عندى خزائن الله ولا اعلم الغيب
ولا اقول لكم انى ملك ان اتبع الا ما يوحى الى قل هل يستوى الاعمى والبصير افلا تتفكرون فلما نسوا ما ذكروا به
فتحنا عليهم ابواب كل شىء حتى اذا فرحوا بما اوتوا اخذناهم بغتة فاذا هم مبلسون فقطع دابر القوم الذين ظلموا

مؤمن اسلام غیرتنامه بزرگست

در ذکر توحید مکرر و ذکر توصیه بمار و اقامه نماز

فصل ثم الرحم

ظلموا والحمد لله رب العالمين قل ارأيتم ان اخذ الله سمعكم وابصاركم وختم على قلوبكم من اله غير الله يأتيكم به
انظر كيف نصرف الايات ثم هم يصدفون قل ارأيتكم ان اتاكم عذاب الله بغتة او جهرة هل يهلك الا القوم الظالمون
وما نرسل المرسلين الا مبشرين ومنذرين فمن امن واصلح فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون والذين كذبوا
باياتنا يمسهم العذاب بما كانوا يفسقون قل لا اقول لكم عندي خزائن الله ولا اعلم الغيب ولا اقول لكم اني
ملك ان اتبع الا ما يوحى الي قل هل يستوي الاعمى والبصير افلا تتفكرون وانذر به الذين يخافون ان يحشروا
الى ربهم ليس لهم من دونه ولي ولا شفيع لعلهم يتقون واذا جاءك الذين يؤمنون باياتنا فقل سلام
عليكم كتب ربكم على نفسه الرحمة انه من عمل منكم سوءا بجهالة ثم تاب من بعده واصلح فانه غفور رحيم
وكذلك نفصل الايات ولتستبين سبيل المجرمين وعنده مفاتح الغيب لا يعلمها الا هو ويعلم ما في البر
والبحر وما تسقط من ورقة الا يعلمها ولا حبة في ظلمات الارض ولا رطب ولا يابس الا في كتاب مبين
وقال الله واذا رأيت الذين يخوضون في اياتنا فاعرض عنهم حتى يخوضوا في حديث غيره واما ينسينك
الشيطان فلا تقعد بعد الذكرى مع القوم الظالمين وما على الذين يتقون من حسابهم من شيء و
لكن ذكرى لعلهم يتقون وذر الذين اتخذوا دينهم لعبا ولهوا وغرتهم الحيوة الدنيا وذكر به ان
تبسل نفس بما كسبت ليس لها من دون الله ولي ولا شفيع وان تعدل كل عدل لا يؤخذ منها اولئك
الذين ابسلوا بما كسبوا لهم شراب من حميم وعذاب اليم بما كانوا يكفرون قل اندعوا من دون الله ما لا
ينفعنا ولا يضرنا ونرد على اعقابنا بعد اذ هدينا الله كالذي استهوته الشياطين في الارض
حيران له اصحاب يدعونه الى الهدى ائتنا قل ان هدى الله هو الهدى وامرنا لنسلم لرب العالمين وان
اقيموا الصلوة واتقوه وهو الذي اليه تحشرون وهو الذي خلق السموات والارض بالحق ويوم يقول كن فيكون
قوله الحق وله الملك يوم ينفخ في الصور عالم الغيب والشهادة وهو الحكيم الخبير واذ قال ابراهيم لابيه ازر
اتتخذ اصناما الهة اني اريك وقومك في ضلال مبين وكذلك نري ابراهيم ملكوت السموات
والارض وليكون من الموقنين فلما جن عليه الليل راى كوكبا قال هذا ربي فلما افل قال
لا احب الافلين فلما راى القمر بازغا قال هذا ربي فلما افل قال لئن لم يهدني ربي لاكونن
من القوم الضالين فلما راى الشمس بازغة قال هذا ربي هذا اكبر فلما افلت قال يا قوم اني بريء
مما تشركون اني وجهت وجهي للذي فطر السموات والارض حنيفا وما انا من المشركين وحاجه قومه
قال اتحاجوني في الله وقد هدان ولا اخاف ما تشركون به الا ان يشاء ربي شيئا وسع ربي
كل شيء علما افلا تتذكرون وكيف اخاف ما اشركتم ولا تخافون انكم اشركتم بالله ما لم ينزل
به عليكم سلطانا فاي الفريقين احق بالامن ان كنتم تعلمون الذين امنوا ولم يلبسوا
ايمانهم بظلم اولئك لهم الامن وهم مهتدون وتلك حجتنا اتيناها ابراهيم على قومه نرفع
درجات من نشاء ان ربك حكيم عليم ووهبنا له اسحق ويعقوب كلا هدينا ونوحا هدينا
من قبل ومن ذريته داود وسليمان وايوب ويوسف وموسى وهارون وكذلك نجزي
المحسنين وزكريا ويحيى وعيسى والياس كل من الصالحين واسمعيل واليسع ويونس ولوطا وكلا

[illegible]

باب ششم از ترجمة الصلواة در مذمت کفار و منافقین و علماء سوء لاابالی

وفضلنا على العالمين ومن آبائهم وذرياتهم واخوانهم واجتبيناهم وهديناهم الى صراط
مستقيم ذلك هدى الله يهدي به من يشاء من عباده ولو اشركوا لحبط عنهم ما كانوا يعملون
اولئك الذين آتيناهم الكتاب والحكم والنبوة فان يكفر بها هؤلاء فقد وكلنا بها قوما ليسوا
بها بكافرين اولئك الذين هدى الله فبهداهم اقتده قل لا اسئلكم عليه اجرا ان هو الا ذكرى للعالمين
وما قدروا الله حق قدره اذ قالوا ما انزل الله على بشر من شيء قل من انزل الكتاب الذي جاء به موسى
نورا وهدى للناس تجعلونه قراطيس تبدونها وتخفون كثيرا وعلمتم ما لم تعلموا انتم ولا آباؤكم
قل الله ثم ذرهم في خوضهم يلعبون وهذا كتاب انزلناه مبارك مصدق الذي بين يديه ولتنذر
ام القرى ومن حولها والذين يؤمنون بالآخرة يؤمنون به وهم على صلواتهم يحافظون
ومن اظلم ممن افترى على الله كذبا او قال اوحي الي ولم يوح اليه شيء ومن قال سانزل مثل ما انزل الله
ولو ترى اذ الظالمون في غمرات الموت والملائكة باسطوا ايديهم اخرجوا انفسكم اليوم تجزون عذاب
الهون بما كنتم تقولون على الله غير الحق وكنتم عن آياته تستكبرون ولقد جئتمونا فرادى كما خلقناكم
اول مرة وتركتم ما خولناكم وراء ظهوركم وما نرى معكم شفعاءكم الذين زعمتم انهم فيكم شركاء لقد
تقطع بينكم وضل عنكم ما كنتم تزعمون ان الله فالق الحب والنوى يخرج الحي من الميت ومخرج
الميت من الحي ذلكم الله فانى تؤفكون فالق الاصباح وجعل الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا ذلك تقدير العزيز
العليم وهو الذي جعل لكم النجوم لتهتدوا بها في ظلمات البر والبحر قد فصلنا الآيات لقوم يعلمون وهو الذي
انشأكم من نفس واحدة فمستقر ومستودع قد فصلنا الآيات لقوم يفقهون وهو الذي انزل من السماء
ماء فاخرجنا به نبات كل شيء فاخرجنا منه خضرا نخرج منه حبا متراكبا ومن النخل من طلعها قنوان
دانية وجنات من اعناب والزيتون والرمان مشتبها وغير متشابه انظروا الى ثمره اذا اثمر وينعه ان
في ذلكم لآيات لقوم يؤمنون وجعلوا لله شركاء الجن وخلقهم وخرقوا له بنين وبنات بغير علم
سبحانه وتعالى عما يصفون بديع السموات والارض انى يكون له ولد ولم يكن له صاحبة وخلق كل شيء
وهو بكل شيء عليم ذلكم الله ربكم لا اله الا هو خالق كل شيء فاعبدوه وهو على كل شيء وكيل لا تدركه
الابصار وهو يدرك الابصار وهو اللطيف الخبير اتبع ما اوحي اليك من ربك لا اله الا هو واعرض عن المشركين
ونقلب افئدتهم وابصارهم كما لم يؤمنوا به اول مرة ونذرهم في طغيانهم يعمهون ولو اننا نزلنا اليهم الملائكة
وكلمهم الموتى وحشرنا عليهم كل شيء قبلا ما كانوا ليؤمنوا الا ان يشاء الله ولكن اكثرهم يجهلون
وكذلك جعلنا لكل نبي عدوا شياطين الانس والجن يوحي بعضهم الى بعض زخرف القول
غرورا ولو شاء ربك ما فعلوه فذرهم وما يفترون وتمت كلمة ربك صدقا وعدلا لا مبدل لكلماته
وهو السميع العليم وان تطع اكثر من في الارض يضلوك عن سبيل الله ان يتبعون الا الظن وان هم
الا يخرصون ان ربك هو اعلم من يضل عن سبيله وهو اعلم بالمهتدين فمن يرد الله ان يهديه

يشرح

٥١٠

در تعرض من دربیت و اکابر علما یعودو با نصار اعلای لا ابالی

یشرح صدره للاسلام و من یرد ان یضله یجعل صدره ضیقا حرجا کانما یصعد فی السماء کذلک یجعل الله الرجس

علی الذین لا یومنون و هذا صراط ربک مستقیما قد فصلنا الایات لقوم یذکرون لهم دار السلام

عند ربهم و هو ولیهم بما کانوا یعملون و یوم یحشرهم جمیعا یا معشر الجن قد استکثرتم من

الانس و قال اولیاؤهم من الانس ربنا استمتع بعضنا ببعض و بلغنا اجلنا الذی اجلت لنا قال النار

مثویکم خالدین فیها الا ما شاء الله ان ربک حکیم علیم و کذلک نولی بعض الظالمین بعضا بما

کانوا یکسبون یا معشر الجن و الانس الم یاتکم رسل منکم یقصون علیکم ایاتی و ینذرونکم لقاء یومکم

هذا قالوا شهدنا علی انفسنا و غرتهم الحیاة الدنیا و شهدوا علی انفسهم انهم کانوا کافرین

ذلک ان لم یکن ربک مهلک القری بظلم و اهلها غافلون و لکل درجات مما عملوا و ما ربک

بغافل عما یعملون و ربک الغنی ذو الرحمة ان یشا یذهبکم و یستخلف من بعدکم ما یشاء کما انشاکم

من ذریة قوم آخرین انما توعدون لآت و ما انتم بمعجزین قل یا قوم اعملوا علی مکانتکم انی عامل

فسوف تعلمون من تکون له عاقبة الدار انه لا یفلح الظالمون و قال فیه و لا تقربوا مال الیتیم الا بالتی هی

احسن حتی یبلغ اشده و اوفوا الکیل و المیزان بالقسط لا نکلف نفسا الا وسعها و اذا قلتم فاعدلوا و لو کان ذا قربی

و بعهد الله اوفوا ذلکم وصیکم به لعلکم تذکرون و ان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه و لا تتبعوا السبل ۱۵۹۱.

فتفرق بکم عن سبیله ذلکم وصیکم به لعلکم تتقون و هذا کتاب انزلناه مبارک فاتبعوه و اتقوا لعلکم

ترحمون ان تقولوا انما انزل الکتاب علی طائفتین من قبلنا ... لو انا انزل علینا الکتاب لکنا اهدی منهم فقد جاءکم بینة من ربکم و هدی و رحمة

فمن اظلم ممن کذب بایات الله و صدف عنها سنجزی الذین یصدفون عن ایاتنا سوء العذاب بما کانوا

یصدفون و قال من جاء بالحسنة فله عشر امثالها و من جاء بالسیئة فلا یجزی الا مثلها و هم

لا یظلمون قل اننی هدانی ربی الی صراط مستقیم دینا قیما ملة ابراهیم حنیفا و ما کان من المشرکین قل

ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریک له و بذلک امرت و انا اول المسلمین

الاعراف بسم الله الرحمن الرحیم

و الوزن یومئذ الحق فمن ثقلت موازینه فاولئک هم المفلحون و من خفت موازینه فاولئک

الذین خسروا انفسهم بما کانوا بایاتنا یظلمون و لقد مکناکم فی الارض و جعلنا لکم فیها معایش قلیلا

ما تشکرون و لقد خلقناکم ثم صورناکم ثم قلنا للملائکة اسجدوا لآدم فسجدوا الا ابلیس لم یکن

من الساجدین قال ما منعک الا تسجد اذ امرتک قال انا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته من طین

قال فاهبط منها فما یکون لک ان تتکبر فیها فاخرج انک من الصاغرین قال فبما اغویتنی لاقعدن

لهم صراطک المستقیم ثم لآتینهم من بین ایدیهم و من خلفهم و عن ایمانهم و عن شمائلهم

و لا تجد اکثرهم شاکرین قال اخرج منها مذءوما مدحورا لمن تبعک منهم لاملان جهنم

منکم اجمعین و یا آدم اسکن انت و زوجک الجنة فکلا من حیث شئتما و لا تقربا هذه الشجرة

فتکونا من الظالمین فوسوس لهما الشیطان لیبدی لهما ما ووری عنهما من سوآتهما و قال ما نهاکما

در انصاف علمای ما با علمای یهود و نصارا و مجوس

ربكما عن هذه الشجرة الا ان تكونا ملكين او تكونا من الخالدين وقاسمهما انى لكما لمن الناصحين فدليهما بغرور فلما ذاقا الشجرة
بدت لهما سوآتهما وطفقا يخصفان عليهما من ورق الجنة وناداهما ربهما الم انهكما عن تلكما الشجرة واقل لكما ان
الشيطان لكما عدو مبين قالا ربنا ظلمنا انفسنا وان لم تغفر لنا وترحمنا لنكونن من الخاسرين قال اهبطوا بعضكم
لبعض عدو ولكم في الارض مستقر ومتاع الى حين قال فيها تحيون وفيها تموتون ومنها تخرجون يا بني آدم
قد انزلنا عليكم لباسا يواري سوآتكم وريشا ولباس التقوى ذلك خير ذلك من آيات الله لعلهم يذكرون
يا بني آدم لا يفتننكم الشيطان كما اخرج ابويكم من الجنة ينزع عنهما لباسهما ليريهما سوآتهما انه يريكم هو وقبيله
من حيث لا ترونهم انا جعلنا الشياطين اولياء للذين لا يؤمنون واذا فعلوا فاحشة قالوا وجدنا عليها
آباءنا والله امرنا بها قل ان الله لا يامر بالفحشاء اتقولون على الله ما لا تعلمون قل امر ربي بالقسط
واقيموا وجوهكم عند كل مسجد وادعوه مخلصين له الدين كما بدأكم تعودون فريقا هدى وفريقا حق
عليهم الضلالة انهم اتخذوا الشياطين اولياء من دون الله ويحسبون انهم مهتدون يا بني آدم
خذوا زينتكم عند كل مسجد وكلوا واشربوا ولا تسرفوا انه لا يحب المسرفين قل من حرم زينة الله التي
اخرج لعباده والطيبات من الرزق قل هي للذين آمنوا في الحياة الدنيا خالصة يوم القيمة كذلك نفصل الآيات
لقوم يعلمون قل انما حرم ربي الفواحش ما ظهر منها وما بطن والاثم والبغي بغير الحق وان تشركوا بالله
ما لم ينزل به سلطانا وان تقولوا على الله ما لا تعلمون ولكل امة اجل فاذا جاء اجلهم لا يستاخرون
ساعة ولا يستقدمون يا بني آدم اما ياتينكم رسل منكم يقصون عليكم آياتي فمن اتقى واصلح فلا
خوف عليهم ولا هم يحزنون والذين كذبوا بآياتنا واستكبروا عنها اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون
فمن اظلم ممن افترى على الله كذبا او كذب بآياته اولئك ينالهم نصيبهم من الكتاب حتى اذا جاءتهم
رسلنا يتوفونهم قالوا اين ما كنتم تدعون من دون الله قالوا ضلوا عنا وشهدوا على انفسهم انهم
كانوا كافرين قال ادخلوا في امم قد خلت من قبلكم من الجن والانس في النار كلما دخلت امة
لعنت اختها حتى اذا اداركوا فيها جميعا قالت اخراهم لاولاهم ربنا هؤلاء اضلونا فآتهم عذابا
ضعفا من النار قال لكل ضعف ولكن لا تعلمون وقالت اولاهم لاخراهم فما كان لكم علينا
من فضل فذوقوا العذاب بما كنتم تكسبون ان الذين كذبوا بآياتنا واستكبروا عنها لا تفتح لهم ابواب
السماء ولا يدخلون الجنة حتى يلج الجمل في سم الخياط وكذلك نجزي المجرمين لهم من جهنم
مهاد ومن فوقهم غواش وكذلك نجزي الظالمين والذين آمنوا وعملوا الصالحات لا نكلف
نفسا الا وسعها اولئك اصحاب الجنة هم فيها خالدون ونزعنا ما في صدورهم من غل تجري من
تحتهم الانهار وقالوا الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله لقد جاءت
رسل ربنا بالحق ونودوا ان تلكم الجنة اورثتموها بما كنتم تعملون ونادى اصحاب الجنة اصحاب النار
ان قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقا فهل وجدتم ما وعد ربكم حقا قالوا نعم فاذن مؤذن بينهم ان
لعنة الله على الظالمين الذين يصدون عن سبيل الله ويبغونها عوجا وهم بالآخرة كافرون وبينهما

حجاب

در توضیح حنایات عالم صوریان

حجاب و علی الاعراف رجال یعرفون کلا بسیماهم ونادوا اصحاب الجنة ان سلام علیکم لم یدخلوها وهم یطمعون واذا
صرفت ابصارهم تلقاء اصحاب النار قالوا ربنا لا تجعلنا مع القوم الظالمین ونادی اصحاب الاعراف رجالا
یعرفونهم بسیماهم قالوا ما اغنی عنکم جمعکم وما کنتم تستکبرون اهؤلاء الذین اقسمتم لا ینالهم الله برحمة ادخلوا
الجنة لا خوف علیکم ولا انتم تحزنون ونادی اصحاب النار اصحاب الجنة ان افیضوا علینا من الماء او مما رزقکم
الله قالوا ان الله حرمهما علی الکافرین الذین اتخذوا دینهم لهوا ولعبا وغرتهم الحیوة الدنیا فالیوم ننسیهم
کما نسوا لقاء یومهم هذا وما کانوا بایاتنا یجحدون ولقد جئناهم بکتاب فصلناه علی علم هدی ورحمة لقوم
یؤمنون هل ینظرون الا تاویله یوم یاتی تاویله یقول الذین نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق
فهل لنا من شفعاء فیشفعوا لنا او نرد فنعمل غیر الذی کنا نعمل قد خسروا انفسهم وضل عنهم ما کانوا یفترون
ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا والشمس
والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین ادعوا ربکم تضرعا وخفیة انه لا یحب
المعتدین ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا ان رحمت الله قریب من المحسنین وهو الذی یرسل
الریاح بشرا بین یدی رحمته حتی اذا اقلت سحابا ثقالا سقناه لبلد میت فانزلنا به الماء فاخرجنا به من کل الثمرات
کذلک نخرج الموتی لعلکم تذکرون والبلد الطیب یخرج نباته باذن ربه والذی خبث لا یخرج الا نکدا کذلک
نصرف الایات لقوم یشکرون چه بسیار مناسب است بعد از همه و بیان مؤلف روسیاه از اول این مجموعه
سری گاه بفرار داستر بعبادات و احکام دو اعلیا بواسطه ذکر تمثیلات و گاه بذکر اخبار و احادیث ائمه اطهار سلام الله و گاه بذکر فواعه قرآن ۵۱۲
در زمانی بارید او استحقاق نماز دلفریب نماز و زمانی بنیز دیگر لا ابالی و بی اعتنائی بفرمایشات صادر کل و ائمه نماز
و گاه بتربیت اولاد و ابنات و بیان بهران ناخلف و زمانی بعبارات ساده صرف کلام الله و ذکر منفک کمال از
بهانه و رد جواب جاهلانه و شیوه ابوجهل شمه از سوره صفه مرفق حالت علماء ابلیس اطوار اگرچه تمام ملاهیها
این کتاب مخصوص حق بانیان بنا نماز بر عبث اختراعی و سرجاین این بحث سوم عالم صوریان خناس الخ بیکو
صدور الناس بستند که بجنبد کلمه خوش امد عوام محق و ناسخ نماز خدا و رسل خوانا نشد بکلمه تمیز حروف حالت الکن
کلمه تمیز حروف خیلی مشکل است که تمیز صحت و بطلان و سنت و مکروه و حرام را صحت حقه صلبیه دانستن بدون فن و علم قرائت الخ
هرکس از علما نخوانده دنبه انبه بجهد فتوی دادن بنیکی و به نماز مردم عوام در اول مرتبه کافر ملیف بشمار معتبر موثق بنماز
در کله سرش ساخته نقف ناخن بشناسی مثل ملک و ... اهل البیت سالف و ... لیکن نوشته
خدا و در سوره مذکوره از احوالات ایشان خبر داده است در قیامت همه منحرف نفوس بشریه حقیقه چون این سند
تمیز تا اثر رسیدن امام تصدیق نماینده قال الله فاذا نفخ فی الصور نفخة واحدة وحملت الارض والجبال فدکتا دکة واحدة فیومئذ
وقعت الواقعة وانشقت السماء فهی یومئذ واهیة والملک علی ارجائها ویحمل عرش ربک فوقهم یومئذ ثمانیة
یومئذ تعرضون لا تخفی منکم خافیة فاما من اوتی کتابه بیمینه فیقول هاؤم اقرؤا کتابیه انی ظننت انی
ملاق حسابیه فهو فی عیشة راضیة فی جنة عالیة قطوفها دانیة کلوا واشربوا هنیئا بما اسلفتم فی الایام
الخالیة واما من اوتی کتابه بشماله فیقول یا لیتنی لم اوت کتابیه ولم ادر ما حسابیه یا لیتها کانت القاضیة
ما اغنی عنی مالیه هلک عنی سلطانیه خذوه فغلوه ثم الجحیم صلوه ثم فی سلسلة ذرعها سبعون ذراعا

ذکر از سوره حاقه بمناسبت عبادت اعظم [illegible]

فاسلکوه انه کان لا یؤمن بالله العظیم ولا یحض علی طعام المسکین فلیس له الیوم ههنا حمیم ولا طعام الا
من غسلین لا یأکله الا الخاطئون فلا اقسم بما تبصرون وما لا تبصرون انه لقول رسول کریم وما هو بقول شاعر
قلیلا ما تؤمنون ولا بقول کاهن قلیلا ما تذکرون تنزیل من رب العالمین ولو تقول علینا بعض الا
قاویل لاخذنا منه بالیمین ثم لقطعنا منه الوتین فما منکم من احد عنه حاجزین وانه لتذکرة
للمتقین وانا لنعلم ان منکم مکذبین وانه لحسرة علی الکافرین وانه لحق الیقین فسبح باسم ربک العظیم

پس ابوجهل زمان خاتم انبیاء و منافقان و معاصرین حضرت امیرالمؤمنین و مظالم کربلا و امام حسن در زمان غیبت
اعظم آخرالزمان [illegible] زمان حضرت ابراهیم و فرعون طاغی زمان حضرت موسی [illegible]
و خونریزی [illegible] فساد عالم [illegible] دفعه [illegible] کربلا [illegible] عقل کل و نفس کل
از اعظم [illegible] آخرالزمان [illegible] علم قرائت [illegible] نماز و تعلیم [illegible] یاران صحبت نماز [illegible]
دین و شرع و طریقت [illegible] جمیع [illegible] جهان [illegible]
[illegible] کلمات فساد عالم صورتان که تمامی [illegible] خاتم انبیاء و امیرالمؤمنین [illegible]
و [illegible] اهل بیت [illegible] نماز و لوازم نماز [illegible] منافقین [illegible]
[illegible] در زمان [illegible] دین [illegible]
عوض [illegible] مردم [illegible] نماز [illegible] فسد العالم [illegible] تمامی فساد [illegible]
آنچه [illegible] تمام عالم [illegible] فساد [illegible] این نتایج [illegible]
نماز اعظم و الزم طاعات است [illegible] تمام عالم [illegible] تمام طاعات [illegible] ضایع باشد [illegible] کافر [illegible]
[illegible] عوض [illegible] عالمان و فاضلان الا نادرا و النادر کالمعدوم
عوض [illegible] علما و فضلا [illegible] معتبر [illegible] حروف در قرائت نماز [illegible]
[illegible] نماز [illegible] قرائت [illegible] تمامی [illegible]
[illegible] مجلس [illegible] زمان [illegible] شبهه [illegible]
[illegible] نماز [illegible] اهل منبر [illegible] شبهه [illegible] تمامی
اسلام [illegible] مردم [illegible] نماز [illegible] احکام [illegible] اسلام [illegible]
[illegible] مردم اسلام [illegible] زمان [illegible]
[illegible] مجالس شرع [illegible] کسی [illegible]
[illegible] نماز [illegible] طمأنینه [illegible] سجده [illegible] رکوع [illegible] طمأنینه [illegible]
غلط [illegible] واجبات [illegible] نماز [illegible] امام [illegible] مردم عوام کالانعام
[illegible] واجبات نماز [illegible] تعلیم [illegible]
[illegible] حفظ [illegible] منافقی [illegible]
[illegible] حفظ [illegible] نماز [illegible]
[illegible]

صراط مستقیم

بیان الذی از فرقه رانده از میان و دوران

ما شاء الله تو را بخدا انصاف کن کدام از آیات قرآنی دلالت بر فساد ادعای این دو بیا دارد که این درجه نالبه الکیه در ...
دلورے خود سو نام کہ علم قرأت باطل و از علوم ضال و مضل و فساد است بقدر احتیاج هر کسی با قاریان باطل بعضه مستند و ضال
با وجود خذ ما خالف العامة میان فقها مشهور است مع ذالک از مجتهدین مذهب است که اگر شخص امی ...
موافق آن یکی از قرأت سنت صحت قرأت که آن صحیح است و مجرب است پس از اینها محقق و متیقن که علم قرأت ...
واجب و لازم است که گذشته از اینها کدام آیه است در قرآن بر بطلان و فساد علم قرأت و حالت ائمه شیعان ...
هم مامور بقرأت صحت و تحصیل علم قرأت است بقدر رفع احتیاج خود ش و نماز خود ش عالم که بر ...
سلمی میکنند یا در کدام امر از امور مسلمین قرأت و علم قرأت لازم نیست در نماز تو بقیه عالم یا در نماز جماعت و یا در
یا در صلح و عقود و ایقاعات یا در نکاح و طلاق مسلمانان و قرآن خواندن لازم نیست ...
پس چرا این اشاره و کنایه تو و امثال تو بکلمات ... دلی ... نماز و ضو ... میان عوام کالانعام
نعره میکشید که تمیز حروف در قرأت نماز کار است استعمال هر شی در غیر موضع ... این نتیجه ...
نماز سو ... بنماز ... ملعون نماز مسلمانان هست که واجبات و مستحبات شرائط ... تغیر داده
این غفلت ... دلالت ... دین ... در حق کدام ... است که ...
و الذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه و یقطعون ما امر الله به ان یوصل و یفسدون فی الارض اولئک لهم
اللعنة و لهم سوء الدار و در ایه دیگر قل هل ننبئکم بالاخسرین اعمالا الذین ضل سعیهم فی الحیوة الدنیا و هم
یحسبون انهم یحسنون صنعا اولئک الذین کفروا بآیات ربهم و لقائه فحبطت اعمالهم فلا نقیم لهم یوم القیمة وزنا
ذلک جزاؤهم جهنم بما کفروا و اتخذوا آیاتی و رسلی هزوا و در حق یهود و نصاری که تشکیک قرآن ... دین
بنا ... و قال ایضا ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاعبدون و تقطعوا امرهم بینهم کل الینا
راجعون فمن یعمل من الصالحات و هو مؤمن و من اظلم ممن افتری علی الله کذبا اولئک یعرضون علی
ربهم و یقول الاشهاد هؤلاء الذین کذبوا علی ربهم الا لعنة الله علی الظالمین الذین یصدون عن سبیل الله
و یبغونها عوجا و هم بالاخرة هم کافرون اولئک لم یکونوا معجزین فی الارض و ما کان لهم من دون الله
من اولیاء یضاعف لهم العذاب ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون اولئک الذین خسروا انفسهم
و ضل عنهم ما کانوا یفترون لا جرم انهم فی الاخرة هم الاخسرون ...
... والذین سعوا فی آیاتنا معاجزین اولئک اصحاب الجحیم ان الذین یحبون ان
تشیع الفاحشة فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا و الاخرة و الله یعلم و انتم لا تعلمون یا ایها الذین آمنوا
لا تتبعوا خطوات الشیطان و من یتبع خطوات الشیطان فانه یأمر بالفحشاء و المنکر و لو لا فضل الله علیکم و رحمته
ما زکی منکم من احد ابدا و لکن الله یزکی من یشاء و الله سمیع علیم و قال هل انبئکم علی من تنزل
الشیاطین تنزل علی کل افاک اثیم یلقون السمع و اکثرهم کاذبون الم تر انهم فی کل واد یهیمون
و انهم یقولون ما لا یفعلون و قال ان الذین لا یؤمنون بالاخرة زینا لهم اعمالهم فهم یعمهون
اولئک الذین لهم سوء العذاب و هم فی الاخرة هم الاخسرون و قال و زین لهم الشیطان اعمالهم فصدهم عن
السبیل فهم لا یهتدون

فصل هشتم از باب سیم

۵۱۵

اشاره بعدم الطاعت قاصبه امم ومخالفت الفه ربلى

قال سورة الاعراف ادعوا ربكم تضرعا وخفية انه لا يحب المعتدين ولا تفسدوا في الارض بعد اصلاحها
وادعوه خوفا وطمعا ان رحمة الله قريب من المحسنين وهو الذي يرسل الرياح بشرا بين
يدي رحمته حتى اذا اقلت سحابا ثقالا سقناه لبلد ميت فانزلنا به الماء فاخرجنا به من كل الثمرات
كذلك نخرج الموتى لعلكم تذكرون والبلد الطيب يخرج نباته باذن ربه والذي خبث لا يخرج الا
نكدا كذلك نصرف الايات لقوم يشكرون لقد ارسلنا نوحا الى قومه فقال يا قوم اعبدوا الله ما
لكم من اله غيره اني اخاف عليكم عذاب يوم عظيم قال الملأ من قومه انا لنراك في ضلال مبين
قال يا قوم ليس بي ضلالة ولكني رسول من رب العالمين ابلغكم رسالات ربي وانصح لكم واعلم
من الله ما لا تعلمون اوعجبتم ان جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم لينذركم ولتتقوا ولعلكم ترحمون فكذبوه
فانجيناه والذين معه في الفلك واغرقنا الذين كذبوا باياتنا انهم كانوا قوما عمين والى عاد
اخاهم هودا قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من اله غيره افلا تتقون قال الملأ الذين كفروا من قومه
انا لنراك في سفاهة وانا لنظنك من الكاذبين قال يا قوم ليس بي سفاهة ولكني رسول من
رب العالمين ابلغكم رسالات ربي وانا لكم ناصح امين اوعجبتم ان جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم
لينذركم واذكروا اذ جعلكم خلفاء من بعد قوم نوح وزادكم في الخلق بسطة فاذكروا الاء الله لعلكم تفلحون
قالوا اجئتنا لنعبد الله وحده ونذر ما كان يعبد اباؤنا فاتنا بما تعدنا ان كنت من الصادقين
قال قد وقع عليكم من ربكم رجس وغضب اتجادلونني في اسماء سميتموها انتم واباؤكم ما نزل الله ٥١٤
بها من سلطان فانتظروا اني معكم من المنتظرين فانجيناه والذين معه برحمة منا وقطعنا دابر
الذين كذبوا باياتنا وما كانوا مؤمنين والى ثمود اخاهم صالحا قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من اله غيره
قد جاءتكم بينة من ربكم هذه ناقة الله لكم اية فذروها تاكل في ارض الله ولا تمسوها بسوء فياخذكم عذاب
اليم واذكروا اذ جعلكم خلفاء من بعد عاد وبوأكم في الارض تتخذون من سهولها قصورا وتنحتون
الجبال بيوتا فاذكروا الاء الله ولا تعثوا في الارض مفسدين قال الملأ الذين استكبروا من قومه
للذين استضعفوا لمن امن منهم اتعلمون ان صالحا مرسل من ربه قالوا انا بما ارسل به مؤمنون
قال الذين استكبروا انا بالذي امنتم به كافرون فعقروا الناقة وعتوا عن امر ربهم وقالوا يا
صالح ائتنا بما تعدنا ان كنت من المرسلين فاخذتهم الرجفة فاصبحوا في دارهم جاثمين فتولى
عنهم وقال يا قوم لقد ابلغتكم رسالة ربي ونصحت لكم ولكن لا تحبون الناصحين ولوطا
اذ قال لقومه اتاتون الفاحشة ما سبقكم بها من احد من العالمين انكم لتاتون الرجال
شهوة من دون النساء بل انتم قوم مسرفون وما كان جواب قومه الا ان قالوا اخرجوهم
من قريتكم انهم اناس يتطهرون فانجيناه واهله الا امراته كانت من الغابرين وامطرنا
عليهم مطرا فانظر كيف كان عاقبة المجرمين والى مدين اخاهم شعيبا قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم

من اله

در استشاره از کتاب خدا و قرائت قرآن ما یباشد

من الغيرة قد جاءتكم بينة من ربكم فاوفوا الكيل والميزان ولا تبخسوا الناس اشياءهم ولا تفسدوا في الارض بعد اصلاحها ذلكم خير لكم
ان كنتم مؤمنين ولا تقعدوا بكل صراط توعدون وتصدون عن سبيل الله من آمن به وتبغونها عوجا واذكروا
اذ كنتم قليلا فكثركم وانظروا كيف كان عاقبة المفسدين ولو ان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات
من السماء والارض ولكن كذبوا فاخذناهم بما كانوا يكسبون افامن اهل القرى ان ياتيهم باسنا بياتا
وهم نائمون او امن اهل القرى ان ياتيهم باسنا ضحى وهم يلعبون افامنوا مكر الله فلا يامن مكر الله
الا القوم الخاسرون وما وجدنا لاكثرهم من عهد وان وجدنا اكثرهم لفاسقين ثم بعثنا من بعدهم
موسى باياتنا الى فرعون وملائه فظلموا بها فانظر كيف كان عاقبة المفسدين وقال موسى يا فرعون اني
رسول من رب العالمين قال ان كنت جئت باية فات بها ان كنت من الصادقين فالقى عصاه فاذا هي
ثعبان مبين قال الملأ من قوم فرعون ان هذا لساحر عليم قصه حضرت موسى با فرعون و انتهيها معروفست ميان مردم
فوقع الحق وبطل ما كانوا يعملون قال موسى لقومه استعينوا بالله واصبروا ان الارض لله يورثها من
يشاء من عباده والعاقبة للمتقين فارسلنا عليهم الطوفان والجراد والقمل والضفادع والدم آيات مفصلات
فاستكبروا وكانوا قوما مجرمين ولما وقع عليهم الرجز قالوا يا موسى ادع لنا ربك بما عهد عندك لئن
كشفت عنا الرجز لنؤمنن لك ولنرسلن معك بني اسرائيل فلما كشفنا عنهم الرجز الى اجل هم بالغوه اذا هم
ينكثون فانتقمنا منهم فاغرقناهم في اليم بانهم كذبوا باياتنا وكانوا عنها غافلين واورثنا القوم الذين
كانوا يستضعفون مشارق الارض ومغاربها التي باركنا فيها وتمت كلمة ربك الحسنى على بني اسرائيل بما
صبروا ودمرنا ما كان يصنع فرعون وقومه وما كانوا يعرشون وقال والذين يمسكون بالكتاب واقاموا الصلوة
انا لا نضيع اجر المصلحين وقال واتل عليهم نبأ الذي آتيناه آياتنا فانسلخ منها فاتبعه الشيطان فكان من
الغاوين ولو شئنا لرفعناه بها ولكنه اخلد الى الارض واتبع هويه فمثله كمثل الكلب ان تحمل عليه يلهث
او تتركه يلهث ذلك مثل القوم الذين كذبوا باياتنا فاقصص القصص لعلهم يتفكرون ساء مثلا القوم الذين
كذبوا باياتنا وانفسهم كانوا يظلمون من يهد الله فهو المهتدي ومن يضلل فاولئك هم الخاسرون ولقد ذرانا
لجهنم كثيرا من الجن والانس لهم قلوب لا يفقهون بها ولهم اعين لا يبصرون بها ولهم آذان لا يسمعون
بها اولئك كالانعام بل هم اضل اولئك هم الغافلون وقال والذين كذبوا باياتنا سنستدرجهم من حيث لا يعلمون
وممن خلقنا امة يهدون بالحق وبه يعدلون من يضلل الله فلا هادي له ويذرهم في طغيانهم يعمهون
فباي حديث بعده يؤمنون وقال ان وليي الله الذي نزل الكتاب وهو يتولى الصالحين والذين تدعون
من دونه لا يستطيعون نصركم ولا انفسهم ينصرون وان تدعوهم الى الهدى لا يسمعوا وتريهم ينظرون اليك وهم
لا يبصرون خذ العفو وامر بالعرف واعرض عن الجاهلين واما ينزغنك من الشيطان نزغ فاستعذ بالله انه
سميع عليم ان الذين اتقوا اذا مسهم طائف من الشيطان تذكروا فاذا هم مبصرون واخوانهم يمدونهم
في الغي ثم لا يقصرون واذا لم تاتهم باية قالوا لولا اجتبيتها قل انما اتبع ما يوحى الي من ربي هذا بصائر من
ربكم وهدى ورحمة لقوم يؤمنون واذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا لعلكم ترحمون واذكر ربك
في نفسك تضرعا وخيفة ودون الجهر من القول بالغدو والآصال ولا تكن من الغافلين ان الذين عند ربك
لا يستكبرون عن عبادته ويسبحونه وله يسجدون وفي سورة الانفال قال تعالى انما المؤمنون الذين اذا
ذكر الله وجلت قلوبهم واذا تليت عليهم آياته زادتهم ايمانا وعلى ربهم يتوكلون الذين يقيمون
الصلوة ومما رزقناهم ينفقون اولئك هم المؤمنون حقا لهم درجات عند ربهم ومغفرة ورزق كريم

٥١٧

اگر عالمانه سؤالا الا بغوه قدسیه چون لیشه قبولها نماید

وقال تعالى إن شر الدواب عند الله الصم البكم الذين لا يعقلون ولو علم الله فيهم خيرا لأسمعهم ولو أسمعهم لتولوا و
هم معرضون يا أيها الذين آمنوا استجيبوا لله وللرسول إذا دعاكم لما يحييكم أن الله يحول بين المرء وقلبه وأنه إليه
تحشرون واتقوا فتنة لا تصيبن الذين ظلموا منكم خاصة واعلموا أن الله شديد العقاب واذكروا إذ أنتم قليل
مستضعفون في الأرض تخافون أن يتخطفكم الناس فآواكم وأيدكم بنصره ورزقكم من الطيبات لعلكم تشكرون
يا أيها الذين آمنوا لا تخونوا الله والرسول وتخونوا أماناتكم وأنتم تعلمون واعلموا أنما أموالكم وأولادكم فتنة وأن الله
عنده أجر عظيم يا أيها الذين آمنوا إن تتقوا الله يجعل لكم فرقانا ويكفر عنكم سيئاتكم ويغفر لكم والله ذو الفضل العظيم
وإذ يمكر بك الذين كفروا ليثبتوك أو يقتلوك أو يخرجوك ويمكرون ويمكر الله والله خير الماكرين وإذا تتلى عليهم آياتنا
قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا إن هذا إلا أساطير الأولين وإذ قالوا اللهم إن كان هذا هو الحق من
عندك فأمطر علينا حجارة من السماء أو ائتنا بعذاب أليم وما كان الله ليعذبهم وأنت فيهم وما كان الله
معذبهم وهم يستغفرون وما لهم ألا يعذبهم الله وهم يصدون عن المسجد الحرام وما كانوا أولياءه إن أولياؤه
إلا المتقون ولكن أكثرهم لا يعلمون وما كان صلاتهم عند البيت إلا مكاء وتصدية فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون
إن الذين كفروا ينفقون أموالهم ليصدوا عن سبيل الله فسينفقونها ثم تكون عليهم حسرة ثم يغلبون والذين
كفروا إلى جهنم يحشرون ليميز الله الخبيث من الطيب ويجعل الخبيث بعضه على بعض فيركمه جميعا فيجعله في جهنم أولئك
هم الخاسرون قل للذين كفروا إن ينتهوا يغفر لهم ما قد سلف وإن يعودوا فقد مضت سنت الأولين وقاتلوهم حتى
لا تكون فتنة ويكون الدين كله لله فإن انتهوا فإن الله بما يعملون بصير وإن تولوا فاعلموا أن الله مولاكم
نعم المولى ونعم النصير واعلموا أنما غنمتم من شيء فأن لله خمسه وللرسول ولذي القربى واليتامى والمساكين وابن السبيل
إن كنتم آمنتم بالله وما أنزلنا على عبدنا يوم الفرقان يوم التقى الجمعان والله على كل شيء قدير وقال تعالى
إن شر الدواب عند الله الذين كفروا فهم لا يؤمنون الذين عاهدت منهم ثم ينقضون عهدهم في كل مرة وهم
لا يتقون وقال تعالى يا أيها النبي حرض المؤمنين على القتال إن يكن منكم عشرون صابرون يغلبوا مائتين وإن
يكن منكم مائة يغلبوا ألفا من الذين كفروا بأنهم قوم لا يفقهون وقال تعالى والذين آمنوا وهاجروا وجاهدوا
في سبيل الله والذين آووا ونصروا أولئك هم المؤمنون حقا لهم مغفرة ورزق كريم

سورة التوبة

وقال تعالى إنما يعمر مساجد الله من آمن بالله واليوم الآخر وأقام الصلاة وآتى الزكاة ولم يخش إلا الله فعسى أولئك أن يكونوا
من المهتدين أجعلتم سقاية الحاج وعمارة المسجد الحرام كمن آمن بالله واليوم الآخر وجاهد في سبيل الله لا يستوون عند الله
والله لا يهدي القوم الظالمين الذين آمنوا وهاجروا وجاهدوا في سبيل الله بأموالهم وأنفسهم أعظم درجة عند الله وأولئك هم الفائزون
يبشرهم ربهم برحمة منه ورضوان وجنات لهم فيها نعيم مقيم خالدين فيها أبدا إن الله عنده أجر عظيم يا أيها الذين آمنوا
لا تتخذوا آباءكم وإخوانكم أولياء إن استحبوا الكفر على الإيمان ومن يتولهم منكم فأولئك هم الظالمون قل إن كان آباؤكم
وأبناؤكم وإخوانكم وأزواجكم وعشيرتكم وأموال اقترفتموها وتجارة تخشون كسادها ومساكن ترضونها أحب إليكم من
الله ورسوله وجهاد في سبيله فتربصوا حتى يأتي الله بأمره والله لا يهدي القوم الفاسقين لقد نصركم الله في مواطن كثيرة ويوم
حنين إذ أعجبتكم كثرتكم فلم تغن عنكم شيئا وضاقت عليكم الأرض بما رحبت ثم وليتم مدبرين ثم أنزل الله سكينته على رسوله
وعلى المؤمنين وأنزل جنودا لم تروها وعذب الذين كفروا وذلك جزاء الكافرين ثم يتوب الله من بعد ذلك على من
يشاء والله غفور رحيم وقال تعالى يريدون أن يطفئوا نور الله بأفواههم ويأبى الله إلا أن يتم نوره ولو كره الكافرون
هو الذي أرسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون يا أيها الذين آمنوا إن كثيرا من الأحبار
والرهبان ليأكلون أموال الناس بالباطل ويصدون عن سبيل الله والذين يكنزون الذهب والفضة ولا ينفقونها
في سبيل الله فبشرهم بعذاب أليم يوم يحمى عليها في نار جهنم فتكوى بها جباههم وجنوبهم وظهورهم هذا ما كنزتم لأنفسكم فذوقوا ما كنتم
تكنزون

اشاره باعراض منافقین از جهاد و صحبت ارباب کمال

قل انفقوا طوعاً او کرهاً لن یتقبل منکم انکم کنتم قوماً فاسقین وما منعهم ان تقبل منهم نفقاتهم الا انهم کفروا
بالله وبرسوله ولا یأتون الصلوة الا وهم کسالی ولا ینفقون الا وهم کارهون فلا تعجبک اموالهم ولا
اولادهم انما یرید الله لیعذبهم بها فی الدنیا وتزهق انفسهم وهم کافرون ویحلفون بالله انهم لمنکم وما هم
منکم ولکنهم قوم یفرقون انما الصدقات للفقراء والمساکین والعاملین علیها والمؤلفة قلوبهم وفی الرقاب
والغارمین وفی سبیل الله وابن السبیل فریضة من الله والله علیم حکیم ومنهم الذین یؤذون النبی والذین
رسول الله لهم عذاب الیم الم یعلموا انه من یحادد الله ورسوله فان له نار جهنم خالداً فیها ذلک الخزی العظیم
ان المنافقون والمنافقات بعضهم من بعض یأمرون بالمنکر وینهون عن المعروف ویقبضون ایدیهم نسوا الله
فنسیهم ان المنافقین هم الفاسقون وعد الله المنافقین والمنافقات والکفار نار جهنم خالدین فیها هی
حسبهم ولعنهم الله ولهم عذاب مقیم کالذین من قبلکم کانوا اشد منکم قوة واکثر اموالاً واولاداً فاستمتعوا
بخلاقهم فاستمتعتم بخلاقکم کما استمتع الذین من قبلکم بخلاقهم وخضتم کالذی خاضوا اولئک حبطت اعمالهم فی
الدنیا والآخرة واولئک هم الخاسرون الم یأتهم نبأ الذین من قبلهم قوم نوح وعاد وثمود وقوم ابرهیم واصحاب
مدین والمؤتفکات اتتهم رسلهم بالبینات فما کان الله لیظلمهم ولکن کانوا انفسهم یظلمون والمؤمنون
والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف وینهون عن المنکر ویقیمون الصلوة ویؤتون الزکوة
ویطیعون الله ورسوله اولئک سیرحمهم الله ان الله عزیز حکیم وعد الله المؤمنین والمؤمنات جنات تجری
من تحتها الانهار خالدین فیها ومساکن طیبة فی جنات عدن ورضوان من الله اکبر ذلک هو الفوز العظیم
وقال فیه فلیضحکوا قلیلاً ولیبکوا کثیراً جزاءً بما کانوا یکسبون وقال فیه ولا تعجبک اموالهم واولادهم انما یرید الله ان یعذبهم
بها فی الدنیا وتزهق انفسهم وهم کافرون واذا انزلت سورة ان آمنوا بالله وجاهدوا مع رسوله استأذنک اولوا الطول منهم
وقالوا ذرنا نکن مع القاعدین رضوا بان یکونوا مع الخوالف وطبع علی قلوبهم فهم لا یفقهون لکن الرسول والذین
آمنوا معه جاهدوا باموالهم وانفسهم واولئک لهم الخیرات واولئک هم المفلحون اعد الله لهم جنات تجری من تحتها الانهار
خالدین فیها ذلک هو الفوز العظیم وجاء المعذرون من الاعراب لیؤذن لهم وقعد الذین کذبوا الله ورسوله سیصیب الذین
کفروا منهم عذاب الیم لیس علی الضعفاء ولا علی المرضی ولا علی الذین لا یجدون ما ینفقون حرج اذا نصحوا لله
ورسوله ما علی المحسنین من سبیل والله غفور رحیم ولا علی الذین اذا ما اتوک لتحملهم قلت لا اجد ما احملکم
علیه تولوا واعینهم تفیض من الدمع حزناً الا یجدوا ما ینفقون انما السبیل علی الذین یستأذنونک وهم اغنیاء
رضوا بان یکونوا مع الخوالف وطبع الله علی قلوبهم فهم لا یعلمون یعتذرون الیکم اذا رجعتم الیهم قل لا
تعتذروا لن نؤمن لکم قد نبأنا الله من اخبارکم وسیری الله عملکم ورسوله ثم تردون الی عالم الغیب والشهادة
فینبئکم بما کنتم تعملون سیحلفون بالله لکم اذا انقلبتم الیهم لتعرضوا عنهم فاعرضوا عنهم انهم رجس ومأویهم
جهنم جزاءً بما کانوا یکسبون یحلفون لکم لترضوا عنهم فان ترضوا عنهم فان الله لا یرضی عن القوم الفاسقین وقال
ان تستغفر لهم سبعین مرة فلن یغفر الله لهم [illegible] الاعراب اشد کفراً ونفاقاً
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] از احکام الله [illegible]

در اشاره با صلح و اساس بنیان تعارض و مذمت

با انواع اغراض دلالت و عدم ملاحظه فساد کلام رد و امور وجهه در هیئت سیاست کار بهم رسانیده که خود مردم محتاج [illegible]

[illegible] چنانکه منافقین قدیم این [illegible] در فکر خاموش کردن نور شرع و دین میکوشیدند آرام نداشتند [illegible]

ان المنافقین فی الدرک الاسفل من النار غرض مبل کردن [illegible] خطا عظیم و ابل [illegible] منافقی [illegible]

دشمن خدا و رسول و دشمن اهل بیت مرتد [illegible] دنیا خواهد رفت و این فرقه [illegible] منافقان اعراب [illegible]

هزار درجه بدتر هستند [illegible] مروج دین [illegible] العجب ثم العجب [illegible]

[illegible]

فصل [illegible] از [illegible]

مؤمنان

در اشاره به وجود ایمان و ثمرات ایمان

علم بحالات شیطان زیاده دانسته باشد و اشاره بالبنان هم باشد که [illegible] [illegible]

جهاد با خود است با وجود این همه علما و فضلا کسی متعرض این بدعت عظیم نشده [illegible]

[illegible] در وقت تکلیف بخواندن حمد و سوره در مجمع مسلمانان [illegible]

[illegible]

[illegible] غلط باطل و بدعت پس معلوم است که [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

٥٢١ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] علم عمل ناقص [illegible] ایمان [illegible] نماز و طاعات [illegible]

[illegible] عالم ظلمات [illegible]

خناس الذی یوسوس فی صدور الناس نکرده ایم که قابل فهم و درک انوار الهی که خدا خبر داده قد افلح المؤمنون الذین هم فی صلاتهم

خاشعون والذین هم عن اللغو معرضون والذین هم علی صلواتهم یحافظون اولئک هم الوارثون الذین یرثون الفردوس هم

فیها خالدون و در آیه دیگر انما المؤمنون اذا ذکر الله وجلت قلوبهم واذا تلیت علیهم آیاته زادتهم ایمانا وعلی ربهم یتوکلون

معنی سیاسی

صورتان

اسباب حب دنیا و غرور عالم

در آیه دیگر ان الذین یتلون کتاب الله واقاموا الصلوة وانفقوا مما رزقناهم سرا وعلانیة یرجون تجارة لن تبور لیوفیهم اجورهم
ویزیدهم من فضله انه غفور شکور و قال یا ایها الناس قد جاءتکم موعظة من ربکم وشفاء لما فی الصدور وهدی
ورحمة للمؤمنین و قال الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم ولا هم یحزنون الذین امنوا وکانوا یتقون لهم
البشری فی الحیوة الدنیا وفی الاخرة لا تبدیل لکلمات الله ذلک هو الفوز العظیم و قال والوزن یومئذ الحق فمن ثقلت
موازینه فاولئک هم المفلحون ومن خفت موازینه فاولئک الذین خسروا انفسهم بما کانوا بایاتنا یظلمون
و قال ولو ان اهل القری امنوا واتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء والارض ولکن کذبوا فاخذناهم بما
کانوا یکسبون و قال الم تر الی الذین بدلوا نعمت الله کفرا واحلوا قومهم دار البوار جهنم یصلونها وبئس القرار و
جعلوا لله اندادا لیضلوا عن سبیله قل تمتعوا فان مصیرکم الی النار قل لعبادی الذین امنوا یقیموا الصلوة وینفقوا مما
رزقناهم سرا وعلانیة من قبل ان یاتی یوم لا بیع فیه ولا خلال و قال یثبت الله الذین امنوا بالقول الثابت فی
الحیوة الدنیا وفی الاخرة ویضل الله الظالمین ویفعل الله ما یشاء و قال ومثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من
فوق الارض ما لها من قرار یثبت الله الذین امنوا بالقول الثابت فی الحیوة الدنیا وفی الاخرة ویضل الله الظالمین
ویفعل الله ما یشاء و قال واقیموا الوزن بالقسط ولا تخسروا المیزان و قال ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها و قال
والوزن یومئذ الحق فمن ثقلت موازینه فاولئک هم المفلحون ومن خفت موازینه فاولئک الذین خسروا انفسهم بما کانوا
بایاتنا یظلمون مراد از میزان ترازوی [illegible] و ظلم بآیات الله [illegible] میزان و [illegible]
که با وجود علم و معرفت [illegible] اصل و فقه [illegible] اسلامی است که نماز اصل و اساس و بیخ و بن ایمان و اسلام و لایت
و صورت و شکل نماز [illegible] نماز است که ظاهر نماز [illegible] صورت باشد که [illegible] اسم نماز [illegible]
روح نماز [illegible] عالم [illegible] اسلام [illegible] آدم [illegible]
[illegible] شیطان [illegible] انکار [illegible]
[illegible] نماز [illegible] قرائت [illegible]
نماز [illegible] در تمامی امور دین و دنیا [illegible]
[illegible] یوسوس فی صدور الناس [illegible]
که علم [illegible] لازم است [illegible] العالم [illegible] این زمان [illegible]
[illegible] نیابه داد [illegible] عالم [illegible] نماز [illegible]
[illegible] نماز [illegible] احتیاط نمایند [illegible]
[illegible] نماز [illegible]
[illegible] عالم صور [illegible]
[illegible]
[illegible] کامل [illegible]
[illegible] دنیا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] علم [illegible] است که تمامی عالم [illegible] است [illegible]
[illegible] این بلا [illegible] مسلمانان [illegible]
[illegible] نماز است [illegible]
[illegible]
[illegible]

نماز بدعت اختراعی

و سرو خشتن (؟) بی اعتبار

در استدلال کفر و ارتداد علمای لاابالی

بواسطه حب دنیا و حرص مخفی متعلقات مخفیه تزویر در بابت که در وقت [illegible] تحقیق [illegible] چنانکه اکثر
علما ترویج دین نمی‌نمایند چنانکه اهل وسواس حکم خدا [illegible] احتیاط و خوف [illegible]
و وسواس [illegible] بسیار است چنانکه ذکر [illegible] بطور طریقه [illegible] ضلالت [illegible]
[illegible] نماز [illegible] ولایت و امامت [illegible] درخواص بطلان و صحت [illegible] سایر اعمال [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حیا نام [illegible] حالانکه حیا علامت ایمانست [illegible]
ملائکه که لا یعصون الله ما امرهم و یفعلون ما یؤمرون [illegible]
[illegible]

٥٢٣

[illegible]

فصل ششم از باب ششم

در مذمت محل و مجمع مسجد ضرار و تخریب مملکت و فساد

بس حق استیعاب از جناب عالمان معذور که در مدت العمر تمام به عجب حرامی نوده هزار و سی سال است متاسفم بهدار در کجا بهوش دلم التیام نگرفته حال که این سعه تامه الشقاوة دیدیم که مترو ریاست مشت کارات و طبرستان را از این رو کشیده که دعوی محتمل بود که بقای آن به عنوان معارض قتل امام زمان اقدام نمیکرد مع ذلک ارکان دین و ایمان عقیده در ریشه برکنده شد [illegible] فکر کنم آن ناسخ با شیطان نفس حق در همراه دور اذان شیطان را اسپر که روز قیامت جواب خدا در کل [illegible] تا آخر تو واسطه فطرت خراب [illegible] شیطان این در سرا القاسط ان الی العرش یعفر ذلک والی کنت اظلم من ثقلاتی [illegible] این شعر و مضمون این کلمات کافر هم [illegible] قتل امام زمان

سه دانسته و [illegible] ولی این بدبخت شیطان انس و غرور داشت جهان کور و دیوانه [illegible] عقاب نزویج این بنه [illegible] و دیگر را حکم لا و نعم [illegible] و لا تقف ما لیس لک به علم و آیه دیگر و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون هر روز که میخواهم این انواع آیات [illegible] مصداق این نوع آیات [illegible]

ای زه رو کعبه حقیقت این ره که تو میروی به ترکستان است مقدس داری [illegible] مذهبی نمیدانم شیطان چه قدر [illegible] که با وجود علم و فضل در مدرسه روزی فتوی [illegible] امور خانه چه در سوره [illegible] کار نماز صیغ عقود و نکاح و طلاق و سایر کارها [illegible] کفایت نمیکند [illegible] و اگر مثل امور خانه هوام قدر [illegible] و لی جهل دارد صاحبان سواد این [illegible] سبب تجری [illegible] اعتقاد و ضرای نطفه و پاس از رحمت الهی [illegible] و تامل نما که نتایج مخالف [illegible] د کارهای حرام [illegible] ارتکاب ظلم و مردم آزاری و غیبت و دروغ چه ثمره [illegible] که در گفتن دروغ عادت که کذب [illegible] ایمان [illegible] عقوبت آسمان و ملائکه [illegible] هزار ملائکه لعنت نمایند و خراب کنند خانه ایمان را

مع ذلک در وقت اذیت بمومنان [illegible] دروغ فتنه بردار و دود [illegible] جایز است دروغ مصلحت آمیز [illegible] فتنه انگیز است که [illegible] و فساد از ترویج نماز بدعت بزرگست که علما [illegible] وظیفه [illegible] نتایج کلام [illegible] ملاحظه نکرده [illegible] میان مردم عوام [illegible] در قرائت نماز [illegible] قاریان [illegible] از قاریان و معلمان قرائت و تعلم قرائت [illegible] مثل [illegible] و اکثر قاریان [illegible] و صورت [illegible] سایر قاریان محقق و انکار علم [illegible] تا کار مردم [illegible] رسید که از صد نفر عالم فاضل و طلبه [illegible] یک نفر نماز قاری [illegible] باید [illegible] مسقط قضای [illegible] که مخصوص حالات دیگران [illegible] احقر [illegible] در قامه اسلامی [illegible] اظهار علم قرائت [illegible] مثل این قوم لایالی [illegible] مثل مسجد ضرار است [illegible] صورت [illegible] مومنان دو دین اسلام که خدا [illegible] در حق آن جماعت [illegible]

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى [illegible] شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ [illegible] فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَى مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

پس از مسجد ضرار و اهل نفاق [illegible] در نزد خدا و رسول [illegible] مردم [illegible] عالم [illegible] تخریب دین [illegible] فساد و فتنه [illegible] خدا و رسول و ائمه [illegible] که اسم مرجع و [illegible] عمداً یا جهلاً [illegible] اغراض رشوه و فضیلت فروشی بعوام الناس که از همه جهت دشمن شرع دین و بار و یاور شیطان [illegible] مع ذلک [illegible] لعن و طعن [illegible] منافقان [illegible]

فصل هشتم از باب [illegible]

۵۲۴

باب هشتم در فضل شیعتهم و اشارت به کمال ایشان و قبایح اعدای آل محمد سلام الله علیهم

وقال الله تعالی یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وکونوا مع الصادقین ولا یرغبوا بانفسهم عن نفسه ذلک
بانهم لا یصیبهم ظمأ ولا نصب ولا مخمصة فی سبیل الله (سوره یونس) ان الذین لا یرجون لقاءنا ورضوا بالحیاة الدنیا واطمانوا بها
والذین هم عن آیاتنا غافلون اولئک ماویهم النار بما کانوا یکسبون ان الذین آمنوا وعملوا الصالحات یهدیهم ربهم بایمانهم
تجری من تحتهم الانهار فی جنات النعیم دعویهم فیها سبحانک اللهم وتحیتهم فیها سلام وآخر دعویهم ان الحمد
لله رب العالمین فمن اظلم ممن افتری علی الله کذبا او کذب بآیاته انه لا یفلح المجرمون ویعبدون من دون الله
ما لا یضرهم ولا ینفعهم ویقولون هؤلاء شفعاؤنا عند الله قل اتنبئون الله بما لا یعلم فی السموات ولا فی
الارض سبحانه وتعالی عما یشرکون وقال ایضا والله یدعوا الی دار السلام ویهدی من یشاء الی صراط مستقیم للذین
احسنوا الحسنی وزیادة ولا یرهق وجوههم قتر ولا ذلة اولئک اصحاب الجنة هم فیها خالدون والذین کسبوا
السیئات جزاء سیئة بمثلها وترهقهم ذلة ما لهم من الله من عاصم کانما اغشیت وجوههم قطعا من اللیل مظلما
اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون وقال ایضا قل من یرزقکم من السماء والارض امن یملک السمع والابصار
ومن یخرج الحی من المیت ویخرج المیت من الحی ومن یدبر الامر فسیقولون الله فقل افلا تتقون فذلکم الله
ربکم الحق فماذا بعد الحق الا الضلال فانی تصرفون کذلک حقت کلمت ربک علی الذین فسقوا انهم لا یؤمنون
قل هل من شرکائکم من یهدی الی الحق قل الله یهدی للحق افمن یهدی الی الحق احق ان یتبع امن لا یهدی الا ان یهدی
فما لکم کیف تحکمون وما یتبع اکثرهم الا ظنا ان الظن لا یغنی من الحق شیئا ان الله علیم بما یفعلون وما
کان هذا القرآن ان یفتری من دون الله ولکن تصدیق الذی بین یدیه وتفصیل الکتاب لا ریب فیه من رب العالمین
ام یقولون افتراه قل فاتوا بسورة مثله وادعوا من استطعتم من دون الله ان کنتم صادقین بل کذبوا بما لم یحیطوا
بعلمه ولما یاتهم تاویله کذلک کذب الذین من قبلهم فانظر کیف کان عاقبة الظالمین ومنهم من یؤمن به
ومنهم من لا یؤمن به وربک اعلم بالمفسدین وان کذبوک فقل لی عملی ولکم عملکم انتم بریئون مما اعمل وانا بریء
مما تعملون ومنهم من یستمعون الیک افانت تسمع الصم ولو کانوا لا یعقلون ومنهم من ینظر الیک افانت
تهدی العمی ولو کانوا لا یبصرون ان الله لا یظلم الناس شیئا ولکن الناس انفسهم یظلمون ویوم یحشرهم کان
لم یلبثوا الا ساعة من النهار یتعارفون بینهم قد خسر الذین کذبوا بلقاء الله وما کانوا مهتدین واما نرینک بعض
الذی نعدهم او نتوفینک فالینا مرجعهم ثم الله شهید علی ما یفعلون ولکل امة رسول فاذا جاء رسولهم
قضی بینهم بالقسط وهم لا یظلمون ویقولون متی هذا الوعد ان کنتم صادقین قل لا املک لنفسی ضرا ولا نفعا الا
ما شاء الله لکل امة اجل اذا جاء اجلهم فلا یستاخرون ساعة ولا یستقدمون وقال ایضا الا ان لله ما فی السموات
والارض الا ان وعد الله حق ولکن اکثرهم لا یعلمون هو یحیی ویمیت والیه ترجعون یا ایها الناس قد جاءتکم
موعظة من ربکم وشفاء لما فی الصدور وهدی ورحمة للمؤمنین قل بفضل الله وبرحمته فبذلک فلیفرحوا هو خیر
مما یجمعون وقال ایضا الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم ولا هم یحزنون الذین آمنوا وکانوا یتقون
لهم البشری فی الحیاة الدنیا وفی الآخرة لا تبدیل لکلمات الله ذلک هو الفوز العظیم ولا یحزنک قولهم ان العزة
لله جمیعا هو السمیع العلیم وقال تعالی الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم ولا هم یحزنون الذین آمنوا وکانوا یتقون لهم
البشری فی الحیاة الدنیا وفی الآخرة لا تبدیل لکلمات الله ذلک هو الفوز العظیم وقال تعالی ان الله لا یصلح عمل المفسدین
وقال ایضا ومن اظلم ممن افتری علی الله کذبا اولئک یعرضون علی ربهم ویقول الاشهاد هؤلاء الذین کذبوا علی
ربهم الا لعنة الله علی الظالمین الذین یصدون عن سبیل الله ویبغونها عوجا وهم بالآخرة هم کافرون
اولئک لم یکونوا معجزین فی الارض وما کان لهم من دون الله من اولیاء یضاعف لهم العذاب ما کانوا یستطیعون
السمع وما کانوا یبصرون اولئک الذین خسروا انفسهم وضل عنهم ما کانوا یفترون لا جرم انهم فی الآخرة هم الاخسرون
ان الذین آمنوا وعملوا الصالحات واخبتوا الی ربهم اولئک اصحاب الجنة هم فیها خالدون مثل الفریقین کالاعمی والاصم والبصیر والسمیع هل یستویان مثلا افلا تذکرون

در تعارض منبر و ثانی اعرابی اول و عوض بدل کردن نماز

بروایت معتبره روزی رسول خدا با اصحاب [illegible] مشغول وعظ و نصایح مشفقانه بودند که ناگاه اعرابی وارد شده سلام بامیر المؤمنین کرده [illegible]

باسکنات ایشان [illegible] بعد از آن سلام [illegible] [illegible]

سلام [illegible] عرض کرد یا رسول الله [illegible] فرعون [illegible]

[illegible]

اشاره برسالت انبیا علیهم السلام و تعارض و مخالفت قوم و تکذیب ایشان

قال تعالی الم یعلموا انه من یحادد الله و رسوله فان له نار جهنم خالدا فیها ذلک الخزی العظیم و الذین ینقضون عهد الله
من بعد میثاقه و یقطعون ما امر الله به ان یوصل و یفسدون فی الارض اولئک لهم اللعنة و لهم سوء الدار
و قال فی سورة الهود من کان یرید الحیوة الدنیا و زینتها نوف الیهم اعمالهم فیها و هم فیها لا یبخسون اولئک
الذین لیس لهم فی الاخرة الا النار و حبط ما صنعوا فیها و باطل ما کانوا یعملون و من اظلم ممن افتری علی الله
کذبا اولئک یعرضون علی ربهم و یقول الاشهاد هؤلاء الذین کذبوا علی ربهم الا لعنة الله علی الظالمین
الذین یصدون عن سبیل الله و یبغونها عوجا و هم بالاخرة هم کافرون اولئک لم یکونوا معجزین فی الارض
و ما کان لهم من دون الله من اولیاء یضاعف لهم العذاب ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون
اولئک الذین خسروا انفسهم و ضل عنهم ما کانوا یفترون لا جرم انهم فی الاخرة هم الاخسرون ان الذین امنوا
و عملوا الصالحات و اخبتوا الی ربهم اولئک اصحاب الجنة هم فیها خالدون مثل الفریقین کالاعمی و الاصم و البصیر و
السمیع هل یستویان مثلا افلا تذکرون و قال فی سورة الهود و نادی نوح ربه فقال رب ان ابنی من اهلی و
ان وعدک الحق و انت احکم الحاکمین قال یا نوح انه لیس من اهلک انه عمل غیر صالح فلا تسئلن ما لیس لک
به علم انی اعظک ان تکون من الجاهلین قال رب انی اعوذ بک ان اسئلک ما لیس لی به علم و الا تغفر لی و ترحمنی
اکن من الخاسرین و قال و لقد ارسلنا نوحا الی قومه انی لکم نذیر مبین و الی عاد اخاهم هودا قال یا قوم اعبدوا الله
ما لکم من اله غیره ان انتم الا مفترون یا قوم لا اسئلکم علیه اجرا ان اجری الا علی الذی فطرنی افلا تعقلون و یا قوم
استغفروا ربکم ثم توبوا الیه یرسل السماء علیکم مدرارا و یزدکم قوة الی قوتکم و لا تتولوا مجرمین قالوا یا هود
ما جئتنا ببینة و ما نحن بتارکی الهتنا عن قولک و ما نحن لک بمؤمنین ان نقول الا اعتراک بعض الهتنا
بسوء قال انی اشهد الله و اشهدوا انی بریء مما تشرکون من دونه فکیدونی جمیعا ثم لا تنظرون انی توکلت
علی الله ربی و ربکم ما من دابة الا هو اخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم فان تولوا فقد ابلغتکم ما ارسلت به
الیکم و یستخلف ربی قوما غیرکم و لا تضرونه شیئا ان ربی علی کل شیء حفیظ و لما جاء امرنا نجینا هودا و الذین امنوا
معه برحمة منا و نجیناهم من عذاب غلیظ و تلک عاد جحدوا بایات ربهم و عصوا رسله و اتبعوا امر کل جبار عنید
و اتبعوا فی هذه الدنیا لعنة و یوم القیمة الا ان عادا کفروا ربهم الا بعدا لعاد قوم هود و الی ثمود اخاهم
صالحا قال یا قوم اعبدوا الله ما لکم من اله غیره هو انشاکم من الارض و استعمرکم فیها قد کنت فینا مرجوا
قبل هذا اتنهانا ان نعبد ما یعبد اباؤنا و اننا لفی شک مما تدعونا الیه مریب قال یا قوم ارایتم ان کنت علی
بینة من ربی و اتانی منه رحمة فمن ینصرنی من الله ان عصیته فما تزیدوننی غیر تخسیر و یا قوم هذه ناقة الله
لکم ایة فذروها تاکل فی ارض الله و لا تمسوها بسوء فیاخذکم عذاب قریب فعقروها فقال تمتعوا
فی دارکم ثلثة ایام ذلک وعد غیر مکذوب فلما جاء امرنا نجینا صالحا و الذین امنوا معه برحمة منا و من
خزی یومئذ ان ربک هو القوی العزیز و اخذ الذین ظلموا الصیحة فاصبحوا فی دیارهم جاثمین کان لم یغنوا
فیها الا ان ثمود کفروا ربهم الا بعدا لثمود و لقد جاءت رسلنا ابراهیم بالبشری قالوا سلاما قال سلام فما لبث ان جاء بعجل حنیذ
و قال فیه و الی مدین اخاهم شعیبا قال یا قوم اعبدوا الله ما لکم من اله غیره و لا تنقصوا المکیال و المیزان انی اریکم
بخیر و انی اخاف علیکم عذاب یوم محیط و یا قوم اوفوا المکیال و المیزان بالقسط و لا تبخسوا الناس اشیاءهم و لا تعثوا
فی الارض مفسدین بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین و ما انا علیکم بحفیظ قالوا یا شعیب اصلوتک تامرک ان
نترک ما یعبد اباؤنا او ان نفعل فی اموالنا ما نشاء انک لانت الحلیم الرشید و یا قوم لا یجرمنکم شقاقی ان یصیبکم

اشاره به تعارض علمای امم آخر الزمان با علمای یهود و نصاری محرّفین

مثل ما اصاب قوم نوح او قوم هود او قوم صالح وما قوم لوط منكم ببعيد واستغفروا ربكم ثم توبوا اليه ان ربي
رحيم ودود قالوا يا شعيب ما نفقه كثيرا مما تقول وانا لنريك فينا ضعيفا ولولا رهطك لرجمناك وما انت علينا
بعزيز ... ولما جاء امرنا نجينا شعيبا والذين آمنوا معه برحمة منا واخذت الذين ظلموا الصيحة فاصبحوا
في ديارهم جاثمين كان لم يغنوا فيها الا بعدا لمدين كما بعدت ثمود ولقد ارسلنا موسى بآياتنا وسلطان مبين
الى فرعون وملائه فاتبعوا امر فرعون وما امر فرعون برشيد يقدم قومه يوم القيمة فاوردهم النار وبئس الورد المورود واتبعوا
في هذه لعنة ويوم القيمة بئس الرفد المرفود ذلك من انباء القرى نقصه عليك منها قائم وحصيد
وكذلك اخذ ربك اذا اخذ القرى وهي ظالمة ان اخذه اليم شديد ان في ذلك لآية لمن خاف عذاب
الآخرة ذلك يوم مجموع له الناس وذلك يوم مشهود وما نؤخره الا لاجل معدود يوم يأت لا تكلم
نفس الا باذنه فمنهم شقي وسعيد فاما الذين شقوا ففي النار لهم فيها زفير وشهيق خالدين فيها ... واما
الذين سعدوا ففي الجنة خالدين فيها ما دامت السموات والارض ... ولا تركنوا الى الذين ظلموا فتمسكم النار
وما لكم من دون الله من اولياء ثم لا تنصرون واقم الصلوة طرفي النهار وزلفا من الليل ان الحسنات
يذهبن السيئات ذلك ذكرى للذاكرين واصبر فان الله لا يضيع اجر المحسنين ... تمامی امم [illegible]

تعارض و مخالفت [illegible] علمای آخر الزمان و [illegible] آخر الزمان به [illegible] تعارض با [illegible]
نماز جماعت مخالفت [illegible] نماز [illegible] معلوم شده [illegible] منافقین
[illegible] عجیب است [illegible] جماعت [illegible] نماز با قاعده [illegible]
[illegible] مخالفت [illegible] محسنات [illegible]
[illegible] قرار [illegible]
[illegible] اعتقاد کامل [illegible]
[illegible] مخالفت [illegible]
[illegible] تعلیم [illegible]
عوام [illegible] مجلس [illegible] عوام [illegible] نماز و [illegible]
نماز [illegible]
آیات و اخبار [illegible] منافقین [illegible] ظالمان [illegible]
[illegible] احکام شرع [illegible] مسلمانی [illegible]
[illegible] منافقی [illegible] احکام الله [illegible]
انکار [illegible] احکام الله [illegible] مجلس روضه [illegible] ظلمات بعضها فوق بعض [illegible]
معصیت [illegible]
[illegible] نماز [illegible] خضوع و خشوع میان خالق و مخلوق است [illegible] اخلاص دل [illegible]
[illegible] امیر المؤمنین [illegible] سایر ائمه [illegible]
از خوف و خشیة الله [illegible] صحبت حبیب [illegible]
[illegible] دنیا و ما فیها [illegible]
[illegible] مع ذلک [illegible]
[illegible] رابعة النهار [illegible]

اشاره به تضییع [illegible] مستخفین علی ما لا اباله نماز و تأخیر نماز

[illegible] من بعدهم خلف اضاعوا الصلوة واتبعوا الشهوات فسوف یلقون غیا و قول در تفسیر صادق [illegible] بالانواع ایشان [illegible]

حال [illegible] ارتداد مستخفین صلوات [illegible] انواع [illegible] ذکر شده [illegible] تمامی کلام ما در این کتاب [illegible] نماز است

که صحت قرائت باشد [illegible] سواد [illegible] با علم قرائت که صاحب تمیز [illegible] بنگرد [illegible]

باعمال [illegible] صلیه [illegible] تعلم و دیگر [illegible] که سقط قضا [illegible] حالات [illegible] نفس [illegible]

غلیم دیگری اگر چه [illegible] استعداد [illegible] و روح نماز اخلاص و حضور قلب است [illegible] مناجات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ومن الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله بغیر

علم ویتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین واذا تتلی علیه آیاتنا ولی مستکبرا کان لم یسمعها کان فی اذنیه وقرا

فبشره بعذاب الیم [illegible]

[illegible] ان الذین آمنوا و

عملوا الصالحات لهم جنات النعیم خالدین فیها وعد الله حقا وهو العزیز الحکیم و قال [illegible] وما ابرئ نفسی

ان النفس لامارة بالسوء الا ما رحم ربی ان ربی غفور رحیم و قال فیه ولاجر الآخرة خیر للذین آمنوا وکانوا یتقون

و قال فی سورة الرعد ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم و قال فیه قل افاتخذتم من دونه اولیاء لا یملکون

لانفسهم نفعا ولا ضرا قل هل یستوی الاعمی والبصیر ام هل تستوی الظلمات والنور ام جعلوا لله شرکاء

خلقوا کخلقه فتشابه الخلق علیهم قل الله خالق کل شیء وهو الواحد القهار انزل من السماء ماء فسالت اودیة

بقدرها فاحتمل السیل زبدا رابیا ومما یوقدون علیه فی النار ابتغاء حلیة او متاع زبد مثله کذلک یضرب الله

الحق والباطل فاما الزبد فیذهب جفاء واما ما ینفع الناس فیمکث فی الارض کذلک یضرب الله الامثال للذین استجابوا

لربهم الحسنی والذین لم یستجیبوا له لو ان لهم ما فی الارض جمیعا ومثله معه لافتدوا به اولئک لهم سوء الحساب

ومأواهم جهنم وبئس المهاد افمن یعلم انما انزل الیک من ربک الحق کمن هو اعمی انما یتذکر اولوا الالباب الذین

یوفون بعهد الله ولا ینقضون المیثاق والذین یصلون ما امر الله به ان یوصل ویخشون ربهم ویخافون سوء الحساب

والذین صبروا ابتغاء وجه ربهم واقاموا الصلوة وانفقوا مما رزقناهم سرا وعلانیة ویدرؤن بالحسنة السیئة اولئک

لهم عقبی الدار جنات عدن یدخلونها ومن صلح من آبائهم وازواجهم وذریاتهم والملائکة یدخلون علیهم من کل باب

سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار والذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه ویقطعون ما امر الله به ان یوصل و

یفسدون فی الارض اولئک لهم اللعنة ولهم سوء الدار و قال فیه الذین آمنوا وعملوا الصالحات طوبی لهم وحسن مآب

کذلک ارسلناک فی امة قد خلت من قبلها امم لتتلو علیهم الذی اوحینا الیک وهم یکفرون بالرحمن قل هو ربی لا اله الا هو علیه توکلت والیه متاب

۵۲۹

در حال احتضار میت با عزرائیل تکلم و عیان شدن

به همین مناسبت با احوال دشوار علمای مغرور بعزم [illegible] حال خود و فسیکه ابلیس بواسطه غرور خودپسندی مردود درگاه الهی شد قال رب بما اغویتنی
لازینن لهم فی الارض ولاغوینهم اجمعین الا عبادک منهم المخلصین قال هذا صراط علی مستقیم ان عبادی
لیس لک علیهم سلطان الا من اتبعک من الغاوین وان جهنم لموعدهم اجمعین لها سبعة ابواب لکل
باب منهم جزء مقسوم ان المتقین فی جنات وعیون ادخلوها بسلام آمنین ونزعنا ما فی صدورهم من
غل اخوانا علی سرر متقابلین لا یمسهم فیها نصب وما هم منها بمخرجین محل شاهد [illegible] اعلا
مغرور به تعلیم استاد مغرور ابلیس نه بقول خدا در سلک [illegible] دست از غرور بر دارند نه لفرمایشات خدا در عمل اعتبار دارند و در مدت عمر [illegible]

[illegible]

۵۲۰

فصل ... باب سوم

در ذکر آیاتی که بر سعدا و شقیا و اثبات و شبائح حروف

در روایة سلاطین است فهرا مباشد بدانی باعلمای عاملین و صاحبان و قال فی سورة النحل ان الذین لا یؤمنون بآیات الله لا یهدیهم الله
ولهم عذاب الیم انما یفتری الکذب الذین لا یؤمنون بآیات الله واولئک هم الکاذبون و قال فیه من شرح بالکفر
صدرا فعلیهم غضب من الله ولهم عذاب عظیم ذلک بانهم استحبوا الحیوة الدنیا علی الاخرة وان الله لا
یهدی القوم الکافرین اولئک الذین طبع علی قلوبهم وسمعهم وابصارهم واولئک هم الغافلون لا جرم
انهم فی الاخرة هم الخاسرون ثم ان ربک للذین هاجروا من بعد ما فتنوا ثم جاهدوا وصبروا ان ربک لغفور
رحیم و قال فیه وضرب الله مثلا قریة کانت امنة مطمئنة یاتیها رزقها رغدا من کل مکان فکفرت بانعم
الله فاذاقها الله لباس الجوع والخوف بما کانوا یصنعون ولقد جاءهم رسول منهم فکذبوه فاخذهم العذاب وهم ظالمون
وکل انسان الزمناه طائره فی عنقه ونخرج له یوم القیمة کتابا یلقیه منشورا اقرا کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیبا
من اهتدی فانما یهتدی لنفسه ومن ضل فانما یضل علیها ولا تزر وازرة وزر اخری وما کنا معذبین حتی نبعث رسولا
واذا اردنا ان نهلک قریة امرنا مترفیها ففسقوا فیها فحق علیها القول فدمرناها تدمیرا وکم اهلکنا من القرون
من بعد نوح وکفی بربک بذنوب عباده خبیرا بصیرا من کان یرید العاجلة عجلنا له فیها ما نشاء لمن نرید ثم جعلنا
له جهنم یصلیها مذموما مدحورا ومن اراد الاخرة وسعی لها سعیها وهو مؤمن فاولئک کان سعیهم مشکورا کلا
نمد هؤلاء وهؤلاء من عطاء ربک وما کان عطاء ربک محظورا انظر کیف فضلنا بعضهم علی بعض وللاخرة اکبر درجات واکبر تفضیلا لا تجعل ۵۲۱
مع الله الها اخر فتقعد مذموما مخذولا وقضی ربک الا تعبدوا الا ایاه وبالوالدین احسانا اما یبلغن عندک
الکبر احدهما او کلاهما فلا تقل لهما اف ولا تنهرهما وقل لهما قولا کریما واخفض لهما جناح الذل من الرحمة وقل رب ارحمهما کما
ربیانی صغیرا ربکم اعلم بما فی نفوسکم ان تکونوا صالحین فانه کان للاوابین غفورا وات ذا القربی حقه والمسکین وابن السبیل ولا
تبذر تبذیرا ان المبذرین کانوا اخوان الشیاطین وکان الشیطان لربه کفورا و قال فیه ولا تجعل یدک مغلولة الی
عنقک ولا تبسطها کل البسط فتقعد ملوما محسورا ان ربک یبسط الرزق لمن یشاء ویقدر انه کان بعباده
خبیرا بصیرا ولا تقتلوا اولادکم خشیة املاق نحن نرزقهم وایاکم ان قتلهم کان خطا کبیرا و قال فیه
ولا تقتلوا النفس التی حرم الله الا بالحق ومن قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا فلا یسرف فی القتل انه کان
منصورا ولا تقربوا مال الیتیم الا بالتی هی احسن حتی یبلغ اشده واوفوا بالعهد ان العهد کان مسئولا
واوفوا الکیل اذا کلتم وزنوا بالقسطاس المستقیم ذلک خیر واحسن تاویلا و قال فیه ولا تقف ما لیس لک به
علم ان السمع والبصر والفؤاد کل اولئک کان عنه مسئولا مراد انسانی است که علم و فضل و هنر ... دانا ... بعضی او را
از علم و بکار برانند مثل علم قرائت ... و ... حکم و هنر صحت و بطلان ان علم شریف ... صحت بطلان ... مردم
... و مرتبه ... برای فضیلت ... کافر ... ومن لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون
... صحبت ... ضلالت ... خصوص ... کبر ... شیطانی که ... اله
و مدعی الوهیت ... ذات واجب الوجود ... مشارکت ... که ... صفت
معارضه و مخاصمه ... الکبریاء ردائی ... علم و فضل
اصلا ... بصیرت ... و
... العالم ... در صورت ... قرائت ... عمارات
... ساخته باشند که ارکان اربعه ... سقف ... از بارش و گرمی ... باران حافظ باشد ... بسیار که ...
و ... ترتیب ... بعد ... عمارت ... بر ...

موعظه برای منافقین لاابالی و محرابین دین آخر الزمان

۱۵۰۹

نصایح مهم

نبه انم من دنو بتعمیر و ترتیب خانه و عمارت باغ آنحضرت حق که خواهم پرداختن ابو بصیر از حضرت صادق آل محمد سوال نمود که مرا نصیحتی بفرمائید

دوستان بسیار در امر برزخ و قبر حق دارم فراموش نمایم حضرت فرمود این کلمات جواب فرمودند که هر وقت یاد ذکرت در او قبر

بار نما که از روز دهان دلیلی وکش نور راه امر رشته و حوالانکه مار و مور و عقارب و کرمان و حشرات زمین که یعنی اشاره دار برزخ

باشد پس ابو بصیر گوید از از روز هر وقت همیشه فرمایش آنحضرت در خاطرم بود هر وقتیکه غفلت بر من غالب میشد فرمایش آنحضرت

بخاطر آوردم همه از دنیا و امور دنیا بر همه اشتم رو بسمت حضرت کشانیدم یعنی یک کلمه آنحضرت مرا ملکم گرفته بودم من دو تمامی قرآن

و اقوال و احادیث انبیا و ائمه و بندواهای دین حق و بیهوش شوم اگر یک آیه قرآن سوء عمل میکردیم و بیهوش نمیکردیم مالا

بس بود و بیهوشی نقادت رو از کتاب نالکی خداوند باین عبارت تعبیر فرماید یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت

لغد و اتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون و لا تکونوا کالذین نسوا الله فانسیهم انفسهم اولئک هم الفاسقون

لا یستوی اصحاب النار و اصحاب الجنة اصحاب الجنة هم الفائزون لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعا

متصدعا من خشیة الله و تلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون هو الله الذی لا اله الا هو عالم

الغیب و الشهادة هو الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المومن المهیمن العزیز الجبار

المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات و الارض

و هو العزیز الحکیم خداوند در این آیه شریفه بلسان عوامی بابسته کلان حق تعارفات رسمیه با نعوذ باله ظرافت سحر نما

در کلمه لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعا متصدعا من خشیة الله بنا بر مذاق دکان علمای لاابالی اهل منبر

۵۳۲

علم قرائت و تجوید را به ملاحظه نمایند و در سر منابر نعره میکنند که قاریان قرائت و لغوی نمایند تمیز حروف در عربیت کافی

با این عبارات و همانک این عبارات خانه صاحب شرع و دین سوء انشاء چه باره ببرند که هزار درجه بدتر از آنش زن

اعرابی نادیده که از صد نفر صاحبان سواد جهان یک نفر نماز با قاعده و قانون سوء قاری شنید نباید مگر کجشم خود دیده ام

نیست که بر دهنه خوانی بر زبان نام جمیع معاصی بالا میبرد در مجلس هیچ کس بر دهنه خوان بالا میبرد با نماز غلط و اعظ

با نماز غلط غلط بسیار بلکه خداوند خود شاهد و عالم است که بچه نوع ترویج نماز به غث غلط اگر مسلمانی کمی هم در منبر منتهی

دارد از صد نفر دو نفر نباید که با قاعده قرائت باشند اگر هیچ نفر مسقط فرض نبود آنچه خلل شکی میشود صدا ایادی

چه فضاحت و بی حسابی و بیدینی باشد در بلاد و بلاد دیگر چه بی دینی خواهد شد همه این بلاها و انواع فساد برای لمقاد علمای منتهجه

خداوند متعال لامحاله در هر زمانی برای اتمام حجت حق صراحی و قار مأمور صاحب تمیز قرار داده است و لیکن علمای لاابالی اندر عرسال

ترک کرده اسلام و ایمان با انظار مردم جلوه گر نموده که صرف باسم قاری نفس متوانسته کشید به مرتبه که مکنفر در مرتبه هیچ

امامت ده از مرتبه مقدس بر در نمیخاهم لابد بر منابر نشسته ها و منافقان زمان امیر المومنین که اسرار و ظلوات ده ده الحمد

نگاه نقل فرموده حفیر نیز عوض چاه زمین بچاه عمیق کنید و فانیر کالان از صالح و سعادت جهانی پریشان میباشد در دلایت

عرت برای برادران دینی و مستقبلان برشته بیان میکنم که خود خالقم گواه باشد که از نتایج یک سیسه و مخالفت علمای لاابالی

فتنه و فساد عالم گیر شده است که کم آیات و جبار خداوند قهار و قدیر تغییر نعمت و بلای نازل نمود مگر اهلیکه حق کفران نعم اللهی

ارتکاب نموده ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم حقیر از ان آیه و نا چاری هر جا از آیات خوف در جا

اسباب اکل لانشنت و جعفم یافته نه تبسم دیگر هم که صریح و واضح محکمات آیات ذکر دیار آوردم تمام ملکه بر نفوس شریره

ملاحیان لاابالی اثر نماید عوض ترویج و احیای نماز با قاعده ملا منکر شدند حتی که شیطان زمان آخر الزمانه میدانم بیدار گشته

مع ذلک

در اشاره به مجازات اعمال خیر و شر و مخالفت عهد الهی

فصل [illegible]

مع ذلک باید بلوغ الرحمه حال قاری شدن لازم نیست ولی القدر رفع حاجت که تمیز ادای حروف و کلمات و تمیز اعراب و وقف

و کوه و وصل بکلمات و مد و تشدید و مشابهات اعراب بر کلمه لوازم قرائت که منتظم نماز باشد بر هر مومن و مسلمان واجب

بالفعلیه تمیز تعلم بیاید و امروز رسم تعلیم و تعلم از المسلمین واجب است از انصاف دشمن دین سید المرسلین چه طور مسلمانان

از قاریان بکلمات [illegible] و ربانی ملعون [illegible] از که بیاموزند و حال آنکه صاحب شریعت امر عام و تعلم از قرآن [illegible]

تجوید فرموده انا [illegible] القراء اثنی عشری [illegible] جعفری مذهب [illegible] ملعون از ال [illegible] دشمن دین که مقصد این قدر [illegible]

بیان هدایت چه میفرماید الذین کفروا وصدوا عن سبیل الله زدناهم عذابا فوق العذاب بما کانوا یفسدون ویوم

نبعث فی کل امة شهیدا علیهم من انفسهم وجئنا بک شهیدا علی هؤلاء ونزلنا علیک الکتاب تبیانا

لکل شیء وهدی ورحمة وبشری للمسلمین ان الله یامر بالعدل والاحسان وایتاء ذی القربی وینهی

عن الفحشاء والمنکر والبغی یعظکم لعلکم تذکرون واوفوا بعهد الله اذا عاهدتم ولا تنقضوا الایمان

بعد توکیدها وقد جعلتم الله علیکم کفیلا ان الله یعلم ما تفعلون بعد از آن میفرماید ولو شاء الله لجعلکم امة

واحدة ولکن یضل من یشاء ویهدی من یشاء ولتسئلن عما کنتم تعملون ما عندکم ینفد وما عند الله باق

ولنجزین الذین صبروا اجرهم باحسن ما کانوا یعملون من عمل صالحا من ذکر او انثی وهو مومن فلنحیینه

حیوة طیبة ولنجزینهم باحسن ما کانوا یعملون فاذا قرات القران فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم

انه لیس له سلطان علی الذین امنوا وعلی ربهم یتوکلون انما سلطانه علی الذین یتولونه والذین هم به مشرکون

بر مشرکون چونکه آیات قرآنی همه معجزه و کرامات الهی هستند شامل بر تمامی عوالم و احوال و اطوار ازمنه تا قیامت

از جمله همین آیات در تمهین منافقین لاابالی زمان و محرابی دین آخر الزمان که مخصوص این جماعت [illegible]

لاغیر و حال آنکه جمیع محرابی و حالشان همه لاابالی و منافقین شامل است بعد میفرماید قل نزله روح القدس من ربک

بالحق لیثبت الذین امنوا وهدی وبشری للمسلمین ولقد نعلم انهم یقولون انما یعلمه بشر لسان الذی

یلحدون الیه اعجمی وهذا لسان عربی مبین ان الذین لا یومنون بآیات الله لا یهدیهم الله

ولهم عذاب الیم انما یفتری الکذب الذین لا یومنون بآیات الله واولئک هم الکاذبون چه قدر وحی

منزل است که این جماعت غافل که خود [illegible] مثل شیطان علم و عرفان از خالق تصور نمایند چنانکه گفت در مقابل خدا

خلقتنی من نار وخلقته من طین چه سان با آدم سجده نمایم یعنی الهی تو نمیدانی من از تو بهترم [illegible] نعوذ بالله العظیم

بعد در عقب آن میفرماید من کفر بالله من بعد ایمانه الا من اکره وقلبه مطمئن بالایمان ولکن من

شرح بالکفر صدرا فعلیهم غضب من الله ولهم عذاب عظیم پس واسطه اینها [illegible] حشم ایمان را

از حب دنیا و ثمرات حرص دنیوی خواسته که در آخر میفرماید ذلک بانهم استحبوا الحیوة الدنیا علی الاخرة

وان الله لا یهدی القوم الکافرین چه طور منصف عالم و عامل احکام دانسته [illegible] غفلت [illegible]

باز خود احکم الحاکمین میفرماید اولئک الذین طبع الله علی قلوبهم وسمعهم وابصارهم واولئک هم الغافلون

با اینها [illegible] اکتفا نماید میفرماید لاجرم انهم فی الاخرة هم الخاسرون ثم ان ربک للذین هاجروا من

بعد ما فتنوا ثم جاهدوا وصبروا ان ربک من بعدها لغفور رحیم یوم تاتی کل نفس تجادل عن

نفسها وتوفی کل نفس ما عملت وهم لا یظلمون در این کتاب [illegible] که [illegible]

مناجات الهی محروم مانده است [illegible] عالم و عامل از مناجات [illegible]

در فقرات دعای کمیل [illegible] اللهم اغفر لی الذنوب التی تهتک العصم اللهم اغفر لی الذنوب التی تنزل النقم اللهم اغفر لی الذنوب التی تغیر النعم اللهم اغفر لی الذنوب التی تحبس الدعاء اللهم اغفر لی الذنوب التی تنزل البلاء اللهم

فصل [illegible]

۵۲۶

در اشاره بتنبیه غفلت پیشگان در حق جماعت بی‌نماز

فصل

ای الذنوب التی تقطع الرجاء تغیر النعم تحبس الدعاء بلکه بر کسی بر این نمی‌افتد که باراده و مشیت الله ابهام کرده‌اند و فرط جهالت
بی جهت و سبب و به محض مفاسد ظلم و فساد که بیهوده باسو ورزیده‌اند ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم
و اما الذین استنکفوا و استکبروا فیعذبهم عذاباً الیماً و لا یجدون ولیاً و لا نصیراً فاما الذین
آمنوا بالله و اعتصموا به فسیدخلهم فی رحمة منه و فضل و یهدیهم الیه صراطاً مستقیماً میزان و معیار
تمامی امور را خداوند در قرآن و در زبان گوهر نثار ائمه طاهرین سلام الله علیهم همه را بیان فرموده‌اند و علمای سالم ... هم
خوانده و دیده و شنیده‌اند که و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین ولی هر دلیکه که در دست معاصی و خباثت باطنی و ظاهر
مانع و تابع نفس و هوا و در طی طرق شیطانی در اداء ابلیس متحد بلکه دل دیگر باشد احوال ... انسان ...
بآسیه دل چه سود گفتن وعظ نرود میخ آهنین در سنگ بسا مشاهده است که اهل سواد و کمال که از صراط مستقیم دین
میل اعوجاج و به مستی شعار ... مباحثه و تعارض و نصایح باعث ازدیاد خبث و بد فطرتی و شقاوت کفر ...
غالیان به کتمان و بادی دعوی و سایر مذاهب باطله محقق است که ... خباثت اظهار نمایند ...
حضرت عیسی بن مریم فرموده عالم سوء مانند سنگی گرانست که در ممر آب واقع شده راه رفتن آب را مانع گردد ...
رفتن آب بجای دیگر ... نمیگذارد زیرا که ... استحکام آن ... مردمان ضعیف ...
داخل شده آب نه خود نفع دهد نه بدیگران بلکه ضرر ... دیگران ... اخبار ... علم ...
و خباثت میگردد استحقاق آتش جهنم ... دیگر از گناهانیست که ... مخالفت ... در دنیا ...
۵۳۴ ... تمامی دنیا ... خاتم الانبیا و حضرت مرتضی و ائمه ... سلام الله علیهم ... قتال و جهاد ...
... نفوس ... اهل ... مسلمانان اقامه دین ... مخالفت ...
بدل بنماز ... اشاره و کنایه و اسم ... دین ... منافقی بکلمات ...
... عوام ... در قرائت نماز ... حروف کافی است ... قرائت ... ابن کلمات
... از ... این کلمات ... تألیف ... نماز و قاریان ...
نماز خدا و رسول ... نماز ... بدعت ... کلمات ... علاوه ... روح ... الصلوة
... سایر آداب و شرایط ... کلمات مذکوره ... تضییع ...
... کلمات ... استنباط ... دنیا
... آیات قرآنی ... دلالت بر فساد و اهل فساد و مخالف ... درباره اهل ...
استحقاق ... اهل ... انصاف ... جماعت ...
... کدام جماعت ... پیغمبر آخر الزمان و اوصیاء برگزیده خاتم الانبیا ... جدید
... نماز ... شرایط و آداب ... عالم و عامل مسلمانان ...
نماز با شرایط و آداب قرائت ... نماز بی شرایط و بی آداب بکلمات ... ترویج نماز ... و غلط
هیهات هیهات من یزرع الشوک لم یحصد به عنباً قال الله تعالی و من یعمل من الصالحات من ذکر او انثی و هو
مؤمن فاولئک یدخلون الجنة و لا یظلمون نقیراً کار این جماعت ... باطل ... منافقی
... شقاوت ... ارتداد و کفر ... توبه ... مخالفت ... توبه ... انصاری ...
دار

فصل دهم [illegible]

در تاکید توبیخ و تنبیه علمای سوء و لاابالی و مروجین بدعت نماز

در جمله وصایای حضرت عیسی بن مریم است که گناهی را کوچک شمردن از کبایر و مغفور نیست [illegible] از آنکه مخالفت صالحان از علمای ربانیین [illegible] تاملی کن چه میگوید که بعض عوام میگویند که کاش گناه من این کوچک [illegible] از این گناه بزرگتر نه [illegible] کبیره بلکه [illegible] دیگر که مغفور نشود اظهار گناه است و گناه کسیکه کسی دیگر را مغبون و با حیله و استخفاف نماید و محزون کند و دیگر کسیکه مردم را اعتنا نماید در چون مردم صغیره نماید مردم باکی [illegible] دفع گناه و قدر عالم برداشته [illegible] که نماز بی بنماز بجنت عوض نماید بقول علما [illegible] ترویج کرده یا در مجلس معصیت نشیند [illegible] که بفرمایش حضرت [illegible] است عالم راه روان میان مردم در بازار [illegible] و [illegible] است که منافی عدالت است بی عبا و جوراب بی عمامه میان مردم در بازار اگر منافی عدالت نباشد عوام را استخفاف [illegible] کبیره و رفع علم برداشته و عادت کند و مغفور نباشد در نماز بدعت و ترویج بدعت لابد باید توبه و اگر توبه هم نماید مغفور نه توبه اش صدق نخواهد [illegible] و اهل بدعت [illegible] که مردم نزدیک [illegible] قال الله تعالی

الذین یصدون عن سبیل الله و یبغونها عوجا و هم بالآخرة هم کافرون اولئک لم یکونوا معجزین فی الارض وما کان لهم من دون الله من اولیاء یضاعف لهم العذاب ما کانوا یستطیعون السمع وما کانوا یبصرون اولئک الذین خسروا انفسهم وضل عنهم ما کانوا یفترون لاجرم انهم فی الآخرة هم الاخسرون ان الذین امنوا وعملوا الصالحات واخبتوا الی ربهم اولئک اصحاب الجنة هم فیها خالدون مثل الفریقین کالاعمی والاصم والبصیر والسمیع هل یستویان مثلا افلا تذکرون

[illegible] عجب امور است که عالم فاضل [illegible] تابع شیطان [illegible] با وجود علم و دانش نماز را کوچک و بازیچه و حقیر تصور نماید و هر دم [illegible] نماز خراجی بدعت نماید با اقوال [illegible] که تمیز حروف در قرائت نماز کافی است این کلام که مجتهدین هم در رساله های خود نوشته اند کلام حق خوبست در جای خود وقتیکه [illegible] وسواس در تعلم صحت نماز خود و قرائت خود افراط و تعدی از حد اعتدال میکند بگوید که کارش بوسواس نرسد [illegible] تسلی خاطرش گردد [illegible] که ملاحظه نتیجه نمود که کلام خود را در موضوع خود استعمال کرده نه آنکه عوام [illegible] صحت نماز و قرائت دست خالی و مایل تعلیم و تعلم نیست با نماز خراجی هوا پرستی نماید با نماز بدعت خود مسلم و مومن شمارد و شنیده این کلام تو مزید بر علت دارد [illegible] تعلم نماز و صحت نماز گریزان دارد [illegible] علما [illegible] باشد تا آخر عمر بنماز بدعت اکتفا نماید و در [illegible] و مخالفت او تابع شیطان گشتی در این آیه و آیات دیگر [illegible] تاملی نما

یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزوا ولعبا من الذین اوتوا الکتاب من قبلکم والکفار اولیاء واتقوا الله ان کنتم مؤمنین و اذا نادیتم الی الصلوة اتخذوها هزوا ولعبا ذلک بانهم قوم لا یعقلون

دلیل بلاهت و حماقت این نوع علمای سوء لاابالی سفیه و بی عمل است بدرجه که [illegible] شرع و دین شمارد [illegible] نماز و استخفاف [illegible] از این چگونه [illegible] قال

ان الذین لا یؤمنون بایات الله لا یهدیهم الله ولهم عذاب الیم انما یفتری الکذب الذین لا یؤمنون بایات الله واولئک هم الکاذبون من کفر بالله من بعد ایمانه الا من اکره وقلبه مطمئن بالایمان ولکن من شرح بالکفر صدرا فعلیهم غضب من الله ولهم عذاب عظیم ذلک بانهم استحبوا الحیوة الدنیا علی الاخرة و ان الله لا یهدی القوم الکافرین اولئک الذین طبع الله علی قلوبهم وسمعهم و ابصارهم و اولئک هم الغافلون لاجرم انهم فی الاخرة هم الخاسرون ثم ان ربک للذین هاجروا من بعد ما فتنوا ثم جاهدوا و صبروا ان ربک من بعدها لغفور رحیم یوم تاتی کل نفس تجادل عن نفسها و توفی کل نفس ما عملت و هم لا یظلمون وضرب الله مثلا قریة کانت امنة مطمئنة یاتیها رزقها رغدا من کل مکان فکفرت بانعم الله فاذاقها الله لباس الجوع والخوف بما کانوا یصنعون ولقد جاءهم رسول منهم فکذبوه فاخذهم العذاب وهم ظالمون و قال ایضا ان الله مع الذین اتقوا و الذین هم محسنون

اشاره باعمال مشوب باغرض باطلیکه مؤمنین سلمان لاابالی ۳ و ۴ م

وقال في سورة بني اسرائيل ان هذا القرآن يهدي للتي هي اقوم ويبشر المؤمنين الذين يعملون الصالحات ان لهم اجرا
كبيرا وان الذين لا يؤمنون بالآخرة اعتدنا لهم عذابا اليما وقال في آل عمران ان الذين يشترون بعهد الله
وايمانهم ثمنا قليلا اولئك لا خلاق لهم في الآخرة ولا يكلمهم الله ولا ينظر اليهم يوم القيمة ولا يزكيهم
ولهم عذاب اليم وان منهم لفريقا يلوون السنتهم بالكتاب لتحسبوه من الكتاب وما هو من
الكتاب ويقولون هو من عند الله وما هو من عند الله ويقولون على الله الكذب وهم يعلمون وقال والذين كذبوا
بآياتنا ولقاء الآخرة حبطت اعمالهم هل يجزون الا ما كانوا يعملون وقال يا ايها الذين آمنوا قوا
انفسكم واهليكم نارا وقودها الناس والحجارة عليها ملائكة غلاظ شداد لا يعصون الله ما امرهم
ويفعلون ما يؤمرون چنانکه گمراهان طریق دین سیاست [illegible] الدوام مقلد و تابع ابوجهل شدند در هر زمان مکان
و هیچ زمانی و قومی و فرقه خالی از ابوجهلی و فرعون و ابوسفیان و معویه و یزید و ابن زیاد و ابن سعد نبوده‌اند
نشدند در هر جا و جهة و نادارند برای اتمام حجج بالغه الهی و امتحان خدای بعلائم و آثار مراتب کمال شعور و عاقل و کامل
بودن نفوس بشریه حق و مطمئن بودن بر عقل و استقامت شاعر حق و عقلاء و هر یک جزء هوا و معدوم دانستن
اینها در هر امت و بازگشت ایشان تمامی کتب آسمانی و آیات و اقوال انبیا و اوصیاء و علما برای ایشان کار کرده‌اند که خواهد
چنان مرکب سوار شیطان نمیشدند که بتوانیم اثبات جهل ایشان را مدلل توانیم برای همین مطلب اعظم از
کتب و صحف فارق حق و باطل کلام الله و آیات و عبارات قرآنی در باره اهل جنت و نار نمی‌توان قرار داد این
کتاب با بعضی تمثیلات و اخبار مناسب ذکر یادآوری نمائیم که کدام آیه و سوره در حق گمراهان طریق نار احتیاط و کار
بستند با احکام الهی منافی هستند که هر یک از آیات و انبیا و مقصودمین با نماز غلط و بدعت را اهمیت و راه
یافتند اسباب گناه و سرور در رضای خدا و رسول و هدایت و بهشت و دوری از قصور یکدام لاابالی و لامذهبی زنند در راه انکار
خدای [illegible] لاابالی است گمراه و بدعت و ضلالت کدام است بغیر از آیات قرآنی و فرمایش ائمه اطهار
[illegible] یکدیگر و تصدیق هم تا رضای خالق چنین نتیجه باشد و طاعت خدا هر قدر باشد دلیل محبت است و مخالفت دلیل
[illegible] و مکانی از ضلالت است و عصیان خدا و رسول خدا و رسول و ائمه و مخالفت تمامی کفران دلیل مخالفت و کفر است
همین که عاشقان خدا و اولیاء اند و احتراز از گناه کبیره و قصد ما به مخالفت کبایر که ایشان معنی حسنات الابرار
سیئات المقربین گفته‌اند که عبادتهای امام زین العابدین و خاتم النبیین و امیر المؤمنین و سید الساجدین
و عباد است سید الساجدین و ائمه طاهرین و علمای عاملین و ابرار و اخیار مؤمنین و شیعیان امیر المؤمنین از شیعه
که نسبت دوستی و اسم محبت ایشان را کرده‌اند و بنام ایشان در دنیا رسیده‌اند تا به تقاضای آن داخل رسیدیم و گویا اسم ایمان
و اسلام بر خود بستیم بجز چند نماز و روزه و قیام اعمال اسلام کرده بسط نماز غلط بدون طمأنینه و روزه بی شرائط و
بی شرائط ربانی با مال و لباس حرام و مغشوش مال غیر و تصرف در مال غیر چیزی از رضای خدا و رسول در آن نداشته باشیم و حال
و مهیا نداریم علاوه که کدام عملی از اعمال مسلمانی داریم که هر یک مخالفت خدا و رسول در آن نداشته باشیم
انکه خدا و به عمل ما اصرار اعتنا نکرده‌اند مگر آنکه خالصاً لوجه الله نبوده باشد و ذره غل و غش و ریا و سمعه و عجب و
و فخر و مباهات و کر و نفرات و حسد و بخل و کبر و کر و خود فروشی و بسیار صفات رذیله شیطانی نداشته باشیم

فصل هفتم از باب هشتم

باجتماع و گریه در عزاداری

عالم صورت باطل

اشاره بایمان و اسلام عاریه عوام

فایده از عوض عملی که باشیم که در تمام عمر هر رکعت نماز مقبول نگذارده باشیم با وعده وعید صادق قادر قاهر [illegible] وعده

چنین این آیات قرآنی و اخبار نبوی که من اضاعوا الصلوة و اتبعوا الشهوات فسوف یلقون غیا و در

استخفاف این نماز ارتداد و کفر میباشد و حال آنکه مشهور است که ارباب محبت در رسم محبت با اهل [illegible] دیدن [illegible]

به این قدر و اندازه محبت [illegible] رجوع به خود نماید هر درجه که [illegible] دارد محبت او نیز بان درجه است چنانکه

شخصی که محبت مولای کل امیر المؤمنین مدعی دوستی که و در تقریر محبت [illegible] بسیار حرص کرده [illegible] حضرت

[illegible] در غلو برای آنکه من بغلب حقم رجوع نمایم مایل [illegible] است که قلب [illegible] تمام دوستی

دشمنی قرار دهی که محبت با دعای [illegible] دشمنان مدعی دوستی [illegible] فرصت [illegible] شد

اجرای کامرانی حقوق [illegible] بمنافقی که معارض [illegible] و اگر من [illegible] این نوع دوستی و منافقی تمام [illegible]

[illegible] حق [illegible] خدا اعظم [illegible] غفلت برادر [illegible] حالت [illegible] مرده [illegible]

است که اظهار دوستی خدا [illegible] خالص [illegible] نماز که بمعنی اظهار ذلت و خاکساری [illegible] عشق [illegible]

[illegible] اینکه صورت و شکل [illegible] نیز ضایع و باطل [illegible] اهل بیعت و دشمن خدا [illegible] این نوع دشمنی

اسم کربلا و زیارت و گریه و عزاداری وصله کاری و شکستن [illegible] علاج دشمنی [illegible] بقوت [illegible] کدام [illegible]

٥٣٧

شنیده که فلان کافر [illegible] فلان [illegible] عاصی [illegible] در فلان قبیله خدا او را بخشید برای گریه و عزاداری امام حسین

این خبرها معارض و مبطل صریح آیات قرآنی و عقاید واضحه شیعه و مذهب و دین شیعه [illegible] نباشند

دین محمدی را جواب [illegible] بر عکس [illegible] اینقدر مجتهدین در هر زمانی البته از من [illegible] عالم و افضل [illegible]

این قدر تحکم [illegible] نمیکردند که [illegible] دین محمدی [illegible] متروک و مندرس نباشد مثل مذاهب [illegible]

و ثانیا اینکه این خبرها اگر اصلی داشته باشند نادر اتفاقی [illegible] اگر وقوع یابد [illegible] متعال [illegible]

لطف خدای [illegible] کافر [illegible] شامل [illegible] شرف اسلام یابد یا در کفر نیز مثل حاتم و انوشیروان [illegible] جهنم [illegible]

[illegible] النادر کالمعدوم کارهای اتفاقی لازمه رسوم و شروط مذهب و دین [illegible]

عوام الناس فریضه کارهای اتفاقی [illegible] عقاید ایشان [illegible] شیعه [illegible] که از هوا و آرزو [illegible]

[illegible] متحرک و متزلزل [illegible] فتنه مذهب [illegible] عقاید اهل ایمان [illegible] عظیم است که [illegible]

[illegible] و علمای [illegible] اصل و بنا [illegible] هدم فتنه مذهب [illegible] باران که در

طبعش خلاف نیست در باغ لاله روید و در شوره زار خس [illegible] تغییر ادیان و مذاهب و آشوب و اختلاف ملل [illegible]

و جمهور مذاهب شیعه و سنی بواسطه علمای سوء از حرص و محبت دنیا خلل [illegible] بواسطه اعیان [illegible] سایر [illegible]

[illegible] که اهل آن نباشند [illegible] تا این زمان [illegible] رخنه و فساد [illegible] تغییر نماز [illegible] تضییع این نماز

از عالم مصداق حدیث اذا فسد العالم فسد العالم [illegible] عالم [illegible]

از انواع ظلم [illegible] و [illegible] انواع فساد [illegible] دولت اسلام و اسلامیان

[illegible] ادراک ایمان [illegible] عزاداری [illegible] اظهار محبت [illegible] احکام و آداب نماز و قرائت

نماز که یکی از [illegible] صحت آن تمامی اعمال [illegible] اعتراض [illegible]

مع ذلک [illegible] دوستی و محبت و عشق حسینی [illegible] گریه و عزاداری [illegible] اسلام و ایمان را

در اسرار نظم تضییع نماز و تجرید نماز از علمای لا ابالی ۴۶۵

من و تو استنباط کرده ایم که مجلس از اهل عالم ... هر کس ... داناتر ما میباشد ... کل

قال الله تعالی در سوره بنی اسرائیل یوم ندعوا کل اناس بامامهم فمن اوتی کتابه بیمینه فاولئک یقرؤن کتابهم

و لا یظلمون فتیلا و من کان فی هذه اعمی فهو فی الاخرة اعمی و اضل سبیلا و قال ایضا اقم الصلوة

لدلوک الشمس الی غسق اللیل و قرآن الفجر ان قرآن الفجر کان مشهودا و من اللیل فتهجد به

نافلة لک عسی ان یبعثک ربک مقاما محمودا و قال ایضا و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة

للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خسارا و قال ایضا و وضع الکتاب فتری المجرمین مشفقین مما فیه

و یقولون یا ویلتنا مال هذا الکتاب لا یغادر صغیرة و لا کبیرة الا احصاها و وجدوا ما

عملوا حاضرا و لا یظلم ربک احدا و قال ایضا و ما نرسل المرسلین الا مبشرین و منذرین و یجادل الذین

کفروا بالباطل لیدحضوا به الحق و اتخذوا آیاتی و ما انذروا هزوا و من اظلم ممن ذکر بآیات ربه

فاعرض عنها و نسی ما قدمت یداه انا جعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه و فی آذانهم وقرا و ان

تدعهم الی الهدی فلن یهتدوا اذا ابدا و ربک الغفور ذو الرحمة لو یؤاخذهم بما کسبوا لعجل لهم العذاب

بل لهم موعد لن یجدوا من دونه موئلا و تلک القری اهلکناهم لما ظلموا و جعلنا لمهلکهم موعدا و قال ایضا

و لقد صرفنا للناس فی هذا القرآن من کل مثل فابی اکثر الناس الا کفورا و قالوا لن نؤمن لک حتی تفجر

لنا من الارض ینبوعا او تکون لک جنة من نخیل و عنب فتفجر الانهار خلالها تفجیرا او تسقط السماء کما

زعمت علینا کسفا او تأتی بالله و الملائکة قبیلا او یکون لک بیت من زخرف او ترقی فی السماء و لن نؤمن

لرقیک حتی تنزل علینا کتابا نقرؤه قل سبحان ربی هل کنت الا بشرا رسولا و ما منع الناس ان یؤمنوا

اذ جاءهم الهدی الا ان قالوا ابعث الله بشرا رسولا قل لو کان فی الارض ملائکة یمشون مطمئنین لنزلنا

علیهم من السماء ملکا رسولا قل کفی بالله شهیدا بینی و بینکم انه کان بعباده خبیرا بصیرا و من یهد الله

فهو المهتد و من یضلل فلن تجد لهم اولیاء من دونه و نحشرهم یوم القیمة علی وجوههم عمیا و بکما

و صما مأواهم جهنم کلما خبت زدناهم سعیرا ذلک جزاؤهم بانهم کفروا بآیاتنا و قالوا ءاذا کنا عظاما

و رفاتا ءانا لمبعوثون خلقا جدیدا اولم یروا ان الله الذی خلق السموات و الارض قادر علی ان یخلق

مثلهم و جعل لهم اجلا لا ریب فیه فابی الظالمون الا کفورا قل لو انتم تملکون خزائن رحمة ربی اذا

لامسکتم خشیة الانفاق و کان الانسان قتورا و قال ایضا و لقد آتینا موسی تسع آیات بینات

فسئل بنی اسرائیل اذ جاءهم فقال له فرعون انی لاظنک یا موسی مسحورا قال لقد علمت ما انزل هؤلاء

الا رب السموات و الارض بصائر و انی لاظنک یا فرعون مثبورا فاراد ان یستفزهم من الارض

فاغرقناه و من معه جمیعا و قلنا من بعده لبنی اسرائیل اسکنوا الارض فاذا جاء وعد الاخرة

جئنا بکم لفیفا و بالحق انزلناه و بالحق نزل و ما ارسلناک الا مبشرا و نذیرا و قرآنا فرقناه لتقرأه

علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلا و قل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک

و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا و قال در سوره الکهف المال و البنون زینة الحیوة الدنیا

و الباقیة

در پرسیدن حضرت موسی ع از ... و کشتن ... عمل حضرت خضر و صلاح آن

والباقیات الصالحات خیر عند ربک ثوابا وخیر املا ... و وضع الکتاب فتری المجرمین مشفقین
مما فیه ویقولون یا ویلتنا مال هذا الکتاب لا یغادر صغیرة ولا کبیرة الا احصاها و وجدوا ما عملوا
حاضرا ولا یظلم ربک احدا ... ومن اظلم ممن ذکر بآیات ربه فاعرض عنها ونسی ما
قدمت یداه انا جعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه وفی آذانهم وقرا وان تدعهم الی
الهدی فلن یهتدوا اذا ابدا وربک الغفور ذو الرحمة لو یؤاخذهم بما کسبوا لعجل لهم
العذاب بل لهم موعد لن یجدوا من دونه موئلا وتلک القری اهلکناهم لما ظلموا
وجعلنا لمهلکهم موعدا هر کس عقل و علم و معرفت ... بیشتر دارد و خصوص کسی که افضل و انسب ... جهل
داشته باشد ... زیاده میباشند نسبت به ... و مراتب جهل ... اکمل ... علم ... خصوص طرق
ظلم و فساد ... باشند ... از ظلام ... از فقه و ... علما ... که ... تعجب دارم که از ...
و ما فیها بالمره ... بلکه ... و فقر و فاقه ایام عمر چند روزه در ... که ... درجه ... از ...
... ان تحمل ... طاقت ... در جواب ... این کار ... تعجب و ... رسوم ... که از ...
حضرت گذشته ... باز ده ... حضرت موسی که از جمله انبیا اولوالعزم ... بالنسبه ... مبعوث
... از جانب اللهی ما مور ... تعلم در خدمت حضرت خضر ... که ... حضرت ... منبر ... موعظه
... تورات و علوم ... از علم تورات ... زمان ... بنی اسرائیل کسی ... از علوم تورات
... علم باشد ... علم ما کان ... علم ما یکون و ما سیکون ... علم غیب ... نبوده
محتاج ... علم ... نسبت به ... انبیا ... اهل علم ... که باید از خضر متعلم باشی بعد از آنکه ... حضرت
اظهار مطلب ... حضرت ... قدرت ... توانا ... که ... از جانب خدا ...
قال ستجدنی ان شاء الله صابرا ولا اعصی لک امرا قال فان اتبعتنی فلا تسئلنی عن شیء حتی احدث لک
منه ذکرا فانطلقا حتی اذا رکبا فی السفینة خرقها قال اخرقتها لتغرق اهلها لقد جئت شیئا امرا
قال الم اقل انک لن تستطیع معی صبرا قال لا تؤاخذنی بما نسیت ولا ترهقنی من امری عسرا فانطلقا
حتی اذا لقیا غلاما فقتله قال اقتلت نفسا زکیة بغیر نفس لقد جئت شیئا نکرا قال الم اقل
لک انک لن تستطیع معی صبرا قال ان سألتک عن شیء بعدها فلا تصاحبنی قد بلغت من لدنی عذرا
فانطلقا حتی اذا اتیا اهل قریة استطعما اهلها فابوا ان یضیفوهما فوجدا فیها جدارا یرید
ان ینقض فاقامه قال لو شئت لاتخذت علیه اجرا قال هذا فراق بینی وبینک سأنبئک
بتأویل ما لم تستطع علیه صبرا اما السفینة فکانت لمساکین یعملون فی البحر فاردت ان اعیبها
وکان وراءهم ملک یأخذ کل سفینة غصبا واما الغلام فکان ابواه مؤمنین فخشینا ان
یرهقهما طغیانا وکفرا فاردنا ان یبدلهما ربهما خیرا منه زکوة واقرب رحما واما الجدار
فکان لغلامین یتیمین فی المدینة وکان تحته کنز لهما وکان ابوهما صالحا فاراد ربک ان یبلغا اشدهما

٥٣٩

در اثبات عدم قبول اعمال در قبر و سبب استحضار نماز میت

ولیستخرجا کنزهما رحمة من ربک وما فعلته عن امری ذلک تاویل ما لم تسطع علیه صبرا حقیر احقر مؤلف [illegible]

عوض میکنم این قصه موسی کلیم الله که پیغمبر اولو العزم بود با دلیل قصه اگر نسبت به مثل علما با بعضی سوء [illegible] علم و فضل جسارت [illegible]

ملبسانه ملکه حافظ که دم [illegible] عالم [illegible] برادران شیطان که [illegible] نماز با قاعده [illegible] نماز [illegible] جهت کند [illegible]

عزیز که الان [illegible] با وجود اولو العزم و کلیم اللهی چه قدر در علم حکمت الهی اقرار بر عدم علم حکمت و غیبت خود میکرد و در تعلم و شاگردی

تمرد نداشت برای آنکه از جانب خالق کل مامور بود اعتذار عدم علم و حاشیه خدمت بر دوش میکشید که علم حکمت بیاموزد [illegible]

شبهه ای نیست که علم قرائت آنقدر احتیاج [illegible] که تعلیم نکنند بلکه جسارت علم صحت نماز خود و دیگران را میدانند [illegible]

الهم در دار العلم خراسان و اکثر [illegible] این علم شریف [illegible] و درس [illegible]

و اکثر [illegible] بعد از سی [illegible] باید بدهم [illegible] شهادة [illegible] و غلط با اثبات [illegible]

شبهه دارد چه طور [illegible] این بار گران جرئت [illegible] در مراتب علم الیقین و علم الیقین و حق الیقین نداشته [illegible]

پس برادر دینی عزیز [illegible] در تعلم و فضل خودت مباش علمیکه تحصیل نکرده مدعی [illegible]

نماز و صیغ و عقود و ایقاعات خود [illegible] مهارت علمی و مهارت و ضرورت [illegible]

الاحاله [illegible] که درس و علم قرائت [illegible] دار العالم خالی [illegible] حضرت موسی [illegible]

[illegible] حضرت خضر [illegible]

[illegible] علمی در عالم [illegible] تعلم [illegible]

[illegible] چند روزی در دنیا [illegible] قرائت [illegible]

[illegible] استحضار [illegible] ٥٤٠

[illegible] ایمان و اسلام حفظ داشته [illegible]

[illegible] اعضا و جوارح [illegible] تعلم نماز صحیح [illegible]

[illegible] صیغ و عقود و ایقاعات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مردم نادان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] علم قرائت [illegible]

[illegible]

[illegible] صحت نماز [illegible]

[illegible]

عالمیان لاابالی و فساد ایشان

در اثبات عدم هدایت [illegible]

فصل [illegible]

می‌توانند که اگر چاره دارند برای این بی‌بضاعت و هیتاک حقیر یا موزنه یا شفاعت [illegible] از ائمه معصومین [illegible] و ما
ینالون الا ان یشاء الله الرحمة [illegible] یعنی تفضل الهی [illegible] شفاعت ممکن است [illegible]
و قال [illegible] افحسب الذین کفروا ان یتخذوا عبادی من دونی اولیاء انا اعتدنا جهنم للکافرین نزلا
قل هل ننبئکم بالاخسرین اعمالا الذین ضل سعیهم فی الحیوة الدنیا وهم یحسبون انهم
یحسنون صنعا اولئک الذین کفروا بآیات ربهم ولقائه فحبطت اعمالهم فلا نقیم لهم یوم القیمة وزنا ذلک
جزاؤهم جهنم بما کفروا واتخذوا آیاتی ورسلی هزوا ان الذین آمنوا وعملوا الصالحات کانت
لهم جنات الفردوس نزلا خالدین فیها لا یبغون عنها حولا قل لو کان البحر مدادا لکلمات ربی لنفد البحر
قبل ان تنفد کلمات ربی ولو جئنا بمثله مددا قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم اله واحد
فمن کان یرجوا لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا ولا یشرک بعبادة ربه احدا و در سوره مریم الم تر انا ارسلنا
الشیاطین علی الکافرین تؤزهم ازا فلا تعجل علیهم انما نعد لهم عدا یوم نحشر المتقین الی الرحمن وفدا و
نسوق المجرمین الی جهنم وردا لا یملکون الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهدا و قال [illegible] ان الذین آمنوا
وعملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا فانما یسرناه بلسانک لتبشر به المتقین وتنذر به قوما
لدا وکم اهلکنا قبلهم من قرن هل تحس منهم من احد او تسمع لهم رکزا [illegible]
حال و اطوار عالمیان [illegible] لاابالی میباشد که چه حال ضلالت و گمراهی بر نفوس خبیثه [illegible] هر نوع [illegible]
و جهالت و بدعت [illegible] ثابت [illegible] بمثابه [illegible] سهل و بی اعتنا داری [illegible] لهم رکزا [illegible]
[illegible] و لعب و [illegible] شیطانیه که گویا از اول اسلام و ایمان و فضل و علم و رسم [illegible]
[illegible] اخبار و وعظ و نصیحت [illegible] آیات و سور قرآنیه [illegible] آیات [illegible]
[illegible] آیات [illegible] خوف و رجا و برای مذاکره و مباحثه [illegible] آیات [illegible]
آیه و لید [illegible] و بطلان علم قرائت و قاریان و نماز با قاعده و میزان است [illegible] نماز بی میزان [illegible] قرائت [illegible]
[illegible] نماز [illegible] چنانکه از آدم تا خاتم این رسم است متروک [illegible] تعلم
[illegible] لازم است [illegible] بدون تعلم [illegible] فساد [illegible]
[illegible] العالم [illegible] رساله که حضرت [illegible]
سوره طه ما انزلنا علیک القرآن لتشقی الا تذکرة لمن یخشی [illegible] انی انا الله لا اله الا انا فاعبدنی واقم الصلوة
لذکری ان الساعة آتیة اکاد اخفیها لتجزی کل نفس بما تسعی [illegible] یوم ینفخ فی الصور ونحشر المجرمین
یومئذ زرقا یتخافتون بینهم ان لبثتم الا عشرا [illegible] ومن اعرض عن ذکری فان له معیشة ضنکا ونحشره یوم
القیمة اعمی قال رب لم حشرتنی اعمی وقد کنت بصیرا قال کذلک اتتک آیاتنا فنسیتها وکذلک الیوم تنسی وکذلک
نجزی من اسرف ولم یؤمن بآیات ربه ولعذاب الآخرة اشد وابقی [illegible] وامر اهلک بالصلوة
واصطبر علیها لا نسئلک رزقا نحن نرزقک والعاقبة للتقوی [illegible] قل کل متربص فتربصوا فستعلمون
من اصحاب الصراط السوی ومن اهتدی سوره الانبیاء اقترب للناس حسابهم وهم فی غفلة معرضون
ما یأتیهم من ذکر من ربهم محدث الا استمعوه وهم یلعبون [illegible] ولئن مستهم نفحة
من عذاب ربک لیقولن یا ویلنا انا کنا ظالمین ونضع الموازین القسط لیوم القیمة فلا تظلم نفس شیئا
وان کان مثقال حبة من خردل اتینا بها وکفی بنا حاسبین ولقد آتینا موسی وهرون
الفرقان وضیاء وذکرا للمتقین الذین یخشون ربهم بالغیب وهم من الساعة مشفقون

فصل دوازدهم

در اسرار و علائم انواع و اقسام ظلم و فساد

در این قیاس مذکور که قرینه فارق میان حق و باطل است و نور و روشنائی است برای خلاص از ظلمات کفر و ضلالت و معاصی و موعظه و تذکره است برای متقیان و مؤمنان بجزئی [illegible] و حساب و صراط و بهشت و جهنم و حور و قصور عالم معنی پس قرآن کتاب سرّ انبیا و برگزیده اصفیا چه قدر و شرف و خواص دارد که عقل وصف قرینه ملفوظه آن وهذا ذکر مبارک انزلناه افانتم له منکرون همه غرض مؤلف بی اضاعت است که این بی‌محابانی اعتنا علمای سوء چه قدر انکار معنی باطن او را که تا قوانین و میزان خوانندگان سنگ و صورت این جیاب قرآن و نماز [illegible] نیز برداشتند از میان مسلمانان باسم دلکش ترویج و مسلمانی مثل بخارایی و غاصبان قلاع فدک با تمامی ملک کوب جمیع عوام را از اول مردم کفره رجاسات دین دربار ضلالت خاتم انبیا و سرور اولیا که مکلم کرده قدیمه با تمام رجاسات و غزوات و خونریزی و شهادت ختم اولاد و حصن حیات فانی و زائل کنند بالعن وطعن منافقین فدیم [illegible] مع ذلک مدعی دوستی خاتم انبیا و عم مرتضی و ائمه هدی [illegible] و به عقیده که اجماع ضدین محالست نزد اهم اللهی این چه دین و مذهب است مستحکم که زایل و ضایع [illegible] این دعوی از سنگ خارا سخت‌تر است این دعوی مؤسسه اسکندر است و از آن جملهٔ شیخ بهائی معروفست که فضایل و مناقب قرآن از سبیل جنات دران اشاره شده است که با این اسا از فضایل قرآن عاجز و الکن است و حکایتش تا قیام قیامت جاریست و از زمانی از لشکر شیاطین جن و انس از غلبه نظریات خراب [illegible] ندارند نمونه مشاهده گردید [illegible] و انسیک [illegible] وتعالی احکام قرآن ضرر و خسارت و عیب ندارد [illegible] و مفسدان خواهند ان الله لا یظلم الناس شیئاً ولکن الناس انفسهم یظلمون چراغی که ایزد برفروزد هر آنکس پف کند ریشش بسوزد سخن حق بارها لاحیه وقع شده اول خودش در انواع جا منتشر گردانید تا قیامت و تا لقیامت او را وسیله گردانیست یقینا و حق مبین است که چنان است و جمیع ابلیس حق [illegible] از بار این ضلالت و گمراهی نگه ارد بلکه جمیع شیطان جنیه هزار سالها لعنت کرده از دیدن و خواندن اوراق اشعار رهنمی که عنقریب یکی از مقربان ملاء اعلی در کار سهلی باحث [illegible] گرفتار لعن خدا و خلق شده از دیدن این عبارت ملائکه مقربان نیز استعاذه از شیطان [illegible] که دعا کن ماسوا از این گرفتاری و سقاوت خلاصی دامان بدهد که ما نیکیم ابداً از نفس خبیث حق نسبت نمیدادیم [illegible] ادو لعن [illegible] فرعه این [illegible] [illegible] حق و نفس حق بروز و ظهور یافت مطابق حالت علمای سوء زمان که همگی حق و نمازهای حقه [illegible] دیگانه [illegible] کار سهلی طفلانه و کلمات این روسیاه را هزیان سری ضعف عقل و شعور می‌دانند در باشند در این تراحق حالت طور انسان مذاکره و بار او تمام نسبت به یهود و نصاری که تشکیکات و لغات قرائتی مبتدی علم شریف قرآنست که مشکل‌ترین علوم است مثل خط و علم حساب منحصر در شق لسان دهانست باریکه طفلانه بندار که در هست قلیلی بیست ایه و حالت الله اگر تمامی کتب قرائت بخوانند و لبفهمند مثل شاطبی و امثال شاطبی و حفظ نمایند اگر ملکه و شوق و حلاوت زبان و لب و دهان نشده باشد محالست ونفس او را لحوش نموده است از ابلیس وخناس بلکه شبیه است که نفوس حقه در علم و تحصیل خناس الذی یوسوس فی صدور الناس ولیعبد ابلیس کرده اند در جهل کفیلست حق دورکعت نماز حقه از صد نفر عالم صوری در دار العلم خبیه مقدس صد بیت ایمن الائمه دو نفر نماز با علم قرائت جنابی مثل جماعتی که همه مجتهدین سقط قضا به آنچه داعی ازدسیاه بیایم و نبلبیم که با دوش [illegible] اقتدا نمایم اللهی تا که نماز جماعت خانه اکل سینه حرامی نخواهی حمل بصحت کنان جوسه نفر و اسم از ترس بی توفیقی حقه نکرده اند جمال و اولاد حقه در امرتمایم که شما باشی سه چهار نفر اقتدی نمایند به توفیق تارک نماز جماعت نباشم اند و سه نفر هم با بی علمیت عالم بلکه چنین هزار صاحبان سواد و کمال یک سه چهار نفر با قرائت سقط قضا چه قضائی شریعت ودین دیانت حق مرا عالی و عامه الکشف متواتر وارد و صد آیکه داشتند نسخه‌دار علاج نماز اصراحی غلط دیه طایفه نباشد از بر و از لنها برداشته‌تر و انواع و اقسام ظلمها و فسادها و تصرف در مال اغیار و ذلت انکسار دین و ایمان از میان مؤمنان محال [illegible] شده

فصل و وارد [illegible]

۵۴۲

[illegible] فصل [illegible]

خداوند کریم بکلی مینداز

در اثبات خباثت عالمان بی تارک نماز

... تا قیامت صغری ظهور حجة الله واگر در یک آیه از آیات قرآنی این جماعت فکر نمایند تا بسته علم ... [illegible] ... غرور

فضل و علم شیطانی ... این کلمات و وعظ ... از نماید که خداوند فرموده الذین یقیمون الصلوة ویؤتون

الزکواة وهم بالآخرة هم یوقنون اولئک علی هدی من ربهم واولئک هم المفلحون ...

نماز گذاردن و یقین بآخرت و حساب و مجازات و ... در ... اللهی ... صراط مستقیم ... نماز ... غلط

هم ... با بعضی کلمات ... قلب ... ومن الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل

عن سبیل الله بغیر علم ویتخذها هزواً اولئک لهم عذاب مهین واذا تتلی علیه آیاتنا

ولی مستکبراً کأن لم یسمعها فبشره بعذاب الیم ان الذین آمنوا وعملوا الصالحات لهم جنات

النعیم خالدین فیها وعد الله حقاً وهو العزیز الحکیم ... در حق نماز گذاران ... غلط ... المبین

در کدام جزو اول آیه با ... علمای ... دارند ... کدام جزو ... عامل و شاکر ... این نوع ... قرآن

... و عمل ... یا اعتقاد ... الفاظ اقرار ... قدیم ... بسته

... اگر با ایشان این قدر ... چرا ... و حقوق ... استاد ...

... عالم ... صفات ... روز ... حقوق ... استاد ... قدم

... از ... در عالم ... رضا ... که اسلام ... و علم و فضل عالم ... عکس

۵۳۳

علم شیطانی ... که صدر و قلب مریض ... علم ... آیه شریفه والذین فی قلوبهم مرض ... وادهم الله

ولهم عذاب الیم بما کانوا یکسبون کسب ... علم و فضل ... که ... وارد ... نماز

واجب الاذعان اللهی ... که ووصینا الانسان بوالدیه احساناً ... بر عکس ... استاد ... لعن ...

بواسطه غرور ... حب دنیا ... انواع ... طرق حب دنیا ... جناب لقمان ...

یا بنی اقم الصلوة ... وامر بالمعروف وانه عن المنکر واصبر علی ما اصابک ان ذلک من عزم

الامور ولا تصعر خدک للناس ولا تمش فی الارض مرحاً ان الله لا یحب کل مختال فخور واقصد فی مشیک

واغضض من صوتک ان انکر الاصوات لصوت الحمیر ... تفسیر ... نماید

... عوام ... در این صورت ... الی

... اولو کان الشیطان یدعوهم الی عذاب السعیر ... قال ان وعد الله حق فلا

تغرنکم الحیوة الدنیا ولا یغرنکم بالله الغرور ... در قرآن ... انسان ...

... علام الغیوب ... قال الله تعالی افمن کان مؤمناً کمن کان فاسقاً لا یستوون اما الذین آمنوا وعملوا

الصالحات فلهم جنات المأوی نزلاً بما کانوا یعملون واما الذین فسقوا فمأویهم النار کلما ارادوا ان

یخرجوا منها اعیدوا فیها وقیل لهم ذوقوا عذاب النار الذی کنتم به تکذبون ولنذیقنهم من

العذاب الادنی دون العذاب الاکبر لعلهم یرجعون ومن اظلم ممن ذکر بآیات ربه ثم اعرض

عنها انا من المجرمین منتقمون ... قال ... الحج ومن الناس من یجادل فی الله بغیر علم ویتبع کل شیطان

مرید کتب علیه انه من تولاه فانه یضله ویهدیه الی عذاب السعیر ... ومن الناس من یجادل

فی الله بغیر علم ولا هدی ولا کتاب منیر ثانی عطفه لیضل عن سبیل الله له فی الدنیا خزی

ونذیقه یوم القیمة عذاب الحریق ذلک بما قدمت یداک وان الله لیس بظلام للعبید ...

ان الذین کفروا ویصدون عن سبیل الله والمسجد الحرام الذی جعلناه للناس سواء العاکف فیه والباد ومن یرد فیه

کالبت در دنیا
بنده

در قبول اصلاح و عدم اصلاح

بالحاد بظلم نذقه من عذاب الیم بدانکه عمده خرابی کارها ما انست که عمده علایم غرور است اینهمه ایات و مواعظ و نهیه شایعه
رحمه نفس حق شنیدیم و نگیریم از ملامات و تنبیهات و وعید دایات خوف و در عکس این آیات رجی داشته و کارهای
در حق هر کسی از علما و فقها با کمال بصیرت و شادی می نشانیم که دلیل بلکه حماقت است خصوص کلمات لاابالی
باعتماد و غرور و سهو بی ستمات تقدس و شکستگی است که ابلیس هر فرقه و بمداق و سبیل او گرفتار و ادم حقیقی نما به لشراب و قمار حمار
خوانه عاقل و بلکه این توحید و معرفة اللهی لیس است که در توحید هر قدر کامل است بدرجه توحید حق اهل طاعت استجابت سلامت
درجات علو مراتب بعد مراتب اکابر او اسط توحید و تقابل توحید بیابد و سهم رسانید و السلمان منا اهل البیت که
امیت که علی حلم زاهد نکند مراتب شعر انکار و شقاوت و شیطنت و سرچشمه به عت از جمله این آیه لیس است و محبت در عبث طاعت
خالق حق که میفرماید فمن یعمل من الصالحات وهو مؤمن فلا کفران لسعیه وانا له کاتبون وحرام علی قریة
اهلکناها انهم لا یرجعون حتی اذا فتحت یاجوج وماجوج وهم من کل حدب ینسلون واقترب الوعد
الحق فاذا هی شاخصة ابصار الذین کفروا یا ویلنا قد کنا فی غفلة من هذا بل کنا ظالمین انکم وما تعبدون
من دون الله حصب جهنم انتم لها واردون لو کان هؤلاء آلهة ما وردوها وکل فیها خالدون
لهم فیها زفیر وهم فیها لا یسمعون ان الذین سبقت لهم منا الحسنی اولئک عنها مبعدون لا یسمعون
حسیسها وهم فیما اشتهت انفسهم خالدون لا یحزنهم الفزع الاکبر وتتلقیهم الملائکة هذا یومکم الذی
کنتم توعدون ولقد کتبنا فی الزبور ان الارض یرثها عبادی الصالحون ان فی هذا لبلاغا لقوم
عابدین وما ارسلناک الا رحمة للعالمین قل انما یوحی الی انما الهکم اله واحد فهل انتم مسلمون
وربنا الرحمن المستعان علی ما تصفون ایا [illegible] اداراست که مومن با نماز [illegible] اسم صاحب این مراتب عالیه ۵۴۴
و فضل و رحمة اللهی بکمال صاحب نماز به عبث اسم حاصل کند هیچ عاقلی این فریب شیطانی و تابع و طالب
مگر انکه وعده های اللهی و احکام و ایات قرانی معتقد نباشد یا لاابالی بی باک هیچ دارم چه غم دارم حسین او دارم چه غم دارم که
و با وجود مسلم و فضل عدم فهم و کمال معانی ایات و اخبار و احادیث ائمه اطهار سلام اللهی و نمازی بی اعتنا هرگز بر ذمه او
اثبات متوان کرد برای انست که خدا و او سر حق منعه است دل و سمع و بصر او کور کرده و ضایع شده است معنی
شریفه است که هر که در دنیا کور است دلیل کوری اخرت است حقیقت آیه من کان فی هذه اعمی فهو فی الاخرة اعمی و اضل سبیلا بر مثال
اینکه کسی شراب در دنیا کرده هشتاد تازیانه علما باید باو بزنند مجازات مخالفت شرع الله است که ابرو شریعت حفظ
یا کسیکه نماز خفتن سر خفته خوابیده نگذارد تا از نصف گذشته جزایش فردا و روزه کفاره و مجازات اوست که چرا
خوابیده دیگر این کار نکند اگر علما واجب میدانند بلکه اورا قطع بد مجازات و تنبیه دنیوی که ابروی شرع و دین
ملاحظه نماینه هر چه قدها حد است که ارتکاب مخالفت نماینه تا عوض و نفس و مال و اولاد و سنان محترم
و ماسوان نمانند و در اخرت عذاب اخروی اشد و ادوم است و اگر کسی بحث و محبت نماید که چرا در ماندن نماز خفتن
روزه فردا لازم است و در نکردن علماء حاکم را روزه فردا نگذارد یا در شراب خوردن هشتاد تازیانه است و در غیبت
زنا به بر سفهای زنا است و در غیبت شمار تازیانه مقرر نداره بابت مجازات غیبت زنا ملیبه جواب انست که از خدا در الطف
مرحمی بی بریه است که در دنیا مجازات فلیل سهل است و شریعت که ابروی شریعت ملاحظه نماینه اصلاح و طاعت
بی نماز و غیبت کننده اشد و سخت تر خدا و به عذاب سخت اکبر نهاده با اصلاح دنیوی علاج بدیر نیست حق نماینه مثل انکه پدر
بی ادبی کند سلام نداد بپر و مادر ملامت و مذمت نمایند که در دست امدن خانه سلام لازم چرا این کار کردی
پدر و مادر بد تراز کوچک کاری کردی بسود او در ملامت بادنماینه بلکه چاره کار حقه اولاد ناخلف را اخراج کرده نمایه و دیگر صرافت

طاقات

اشاره باجلال اهل بهشت و اهل جهنم اجمالاً

که قابل صلاح نیست ما سم نسبت بجد و آل محمد موافق حدیث نبوی انا و علی ابوا هذه الامة بشرط عدم آنکه اولاد خلف
نا قابل و از نظر انداخته شده او سعی دائمه ننمایم که مانند که ناخلفی عالم فاضل دانا بی عمل تارک [illegible] عنایت قاریان علم
شریعت صحت نماز [illegible] بازیچه و مسخره و معدوم و ذلیل و پایمال عوام و خواص نمایم که تعارض با امیر المؤمنین
حق [illegible] و عقل حقه [illegible] افضل و اشرف دانستن از عقل کل است باشاره و کنایه در مورد استعاره عوام [illegible]
اشاره که تمیز حروف و صحت قرائت نماز کافی است عوام [illegible] [illegible] نمیدانند مگر هر کلام که در صحت نماز کافی است
کلماو [illegible] در گوش کن و الا [illegible] فراموش کن بلکه [illegible] نشان زدن باشد تعلیم و تعلم نماز صحیح
و علم قرائت و قاریان را همه منسوخ و متروک کردن و ترویج و مشهور کردن [illegible] و اغاظه [illegible] نکاح و طلاق و عقود و ایقاع
کلاً در تحت بطلان شریعت طاهره [illegible] و خراب و تباه [illegible] در باره [illegible] زدن و همه امه [illegible] شمس
کردن و در سلک [illegible] بعدا ملاقات کرده است و عدم [illegible] است اگر توفیق باشد و اگر [illegible] باین [illegible]
بهتان [illegible] ما تم [illegible] از علماء [illegible] نکوهش و ملامت کنند و ثابت [illegible] اگر چه بهتان باشد [illegible] ما جوره
اگر چه ایشان [illegible] افضل [illegible] [illegible] بواسطه [illegible] خود [illegible] فساد است [illegible]
افمن زین له سوء عمله فرآه حسنا فان الله یضل من یشاء و یهدی من یشاء فلا تذهب نفسک
علیهم حسرات ان الله علیم بما یصنعون و قال فیه من کان یرید العزة فلله العزة جمیعا الیه یصعد الکلم
الطیب و العمل الصالح یرفعه و الذین یمکرون السیئات لهم عذاب شدید و مکر اولئک هو یبور
و قال فیه انما تنذر الذین یخشون ربهم بالغیب و اقاموا الصلوة و من تزکی فانما یتزکی لنفسه و الی الله
المصیر و ما یستوی الاعمی و البصیر و لا الظلمات و لا النور و لا الظل و لا الحرور و ما یستوی
الاحیاء و لا الاموات ان الله یسمع من یشاء و ما انت بمسمع من فی القبور ان انت الا نذیر و ان
من امة الا خلا فیها نذیر و قال انما یخشی الله من عباده العلماء ان الله عزیز غفور ان
الذین یتلون کتاب الله و اقاموا الصلوة و انفقوا مما رزقناهم سرا و علانیة یرجون تجارة
لن تبور لیوفیهم اجورهم و یزیدهم من فضله انه غفور شکور و الذی اوحینا الیک من
الکتاب هو الحق مصدقا لما بین یدیه ان الله بعباده لخبیر بصیر ثم اورثنا الکتاب الذین اصطفینا
من عبادنا فمنهم ظالم لنفسه و منهم مقتصد و منهم سابق بالخیرات باذن الله ذلک هو الفضل
الکبیر جنات عدن یدخلونها یحلون فیها من اساور من ذهب و لؤلؤا و لباسهم فیها حریر
و قالوا الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور الذی احلنا دار المقامة من فضله
لا یمسنا فیها نصب و لا یمسنا فیها لغوب مراد از دار المقامة دار قرارگاه و مراد از فضل انعام و تفضل است
و تکلیف و مشقت و زحمت کسل نمیرسد ابدا و فی الکافی عن الباقر قال رسول الله ص اذا دخل المؤمن منازله فی
الجنة وضع علی راسه تاج الملک و الکرامة و البس حلل الذهب و الفضة و الدر و الیاقوت
منظوما فی الاکلیل تحت التاج و البس سبعین حلة حریرا بالوان مختلفة منسوجة بالذهب و
الفضة و اللؤلؤ و الیاقوت الاحمر و ذلک قوله یحلون فیها من اساور الخ قال فتخرج علیه زوجته
الحوراء من خیمتها تمشی مقابلة و حولها وصفاؤها علیها سبعون حلة منسوجة با
بالیاقوت الاحمر فاذا دنت من ولی الله و هم ان یقوم الیها شوقا تقول له یا ولی الله لیس هذا
یوم تعب و لا نصب و لا تقم انا لک و انت لی فیعتنقها مقدار خمسمائة عام من اعوام الدنیا لا یملها

بدعت باطل غلط

در اثبات بود عاقبت مسلمان نماز

دلالته قال فينظر الى عنقها فاذا عليها قلادة من ياقوت احمر وسطها لوح مكتوب انت يا ولى الله حبيبى وانا الحوراء
حبيبتك اليك تناهت نفسى والى تناهت نفسك ثم يبعث الله اليه الف ملك يهنونه بالجنة ويزوجونه
الحوراء الحديث وآخر الحديث تمامه فى تفسير سورة الرعد ص وعن النبى ص واله فى حديث يذكر فيه ما اعد الله لمحب على
يوم القيمة فاذا دخلوا منازلهم وجدوا الملائكة يهنونهم بكرامة ربهم حتى اذا استقروا قرارهم
قيل لهم هل وجدتم ما وعد ربكم حقا قالوا نعم ربنا رضينا فارض عنا قال برضاى عنكم وبحبكم اهل بيت
نبيى حللتم دارى وصافحتم الملائكة فهنيئا هنيئا عطاء غير مجذوذ ليس فيه تنغيص فقالوا الحمد لله الذى
اذهب عنا الحزن الى آخر الآية والذين كفروا لهم نار جهنم لا يقضى عليهم فيموتوا ولا يخفف عنهم من عذابها
كذلك نجزى كل كفور وهم يصطرخون فيها ربنا اخرجنا نعمل صالحا غير الذى كنا نعمل اولم نعمركم ما
يتذكر فيه من تذكر وجاءكم النذير فذوقوا فما للظالمين من نصير ان الله عالم غيب السموات و
الارض انه عليم بذات الصدور هو الذى جعلكم خلائف فى الارض فمن كفر فعليه كفره ولا يزيد الكافرين
كفرهم عند ربهم الا مقتا ولا يزيد الكافرين كفرهم الا خسارا والتكرير للدلالة على ان اقتضاء الكفر لكل واحد من الامرين
مستقل باقتضاء قبحه ووجوب التجنب عنه والخسار خسارة الآخرة قل ارايتم شركاءكم الذين تدعون من دون الله ارونى ماذا
خلقوا من الارض ام لهم شرك فى السموات ام آتيناهم كتابا فهم على بينة منه بل ان يعد الظالمون
بعضهم بعضا الا غرورا ان الله يمسك السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسكهما من احد
من بعده انه كان حليما غفورا واقسموا بالله جهد ايمانهم لئن جاءهم نذير ليكونن اهدى من احدى
الامم فلما جاءهم نذير ما زادهم الا نفورا استكبارا فى الارض ومكر السيئ ولا يحيق المكر السيئ
الا باهله فهل ينظرون الا سنة الاولين فلن تجد لسنة الله تبديلا ولن تجد لسنة الله تحويلا اولم
يسيروا فى الارض فينظروا كيف كان عاقبة الذين من قبلهم وكانوا اشد منهم قوة وما كان الله
ليعجزه من شئ فى السموات ولا فى الارض انه كان عليما قديرا ولو يؤاخذ الله الناس بما كسبوا ما ترك
على ظهرها من دابة ولكن يؤخرهم الى اجل مسمى فاذا جاء اجلهم فان الله كان بعباده بصيرا

و در سوره يس كه موافق روايات معتبره خواندن اين سوره مباركه فضايل بسيار است ولى اينجا بر سبيل اجمال بجهة خواص در ذيل النقاط
اولاد ختم در شب و در روز جمعه براى قضاء حوائج جميل معنه جميل بنيه وقت صبح قبل از طلوع شمس مداومت خواندن باعث در كف ظهور صحة
و در روايت ديگر قبل از طلوع آفتاب تمام شود و يك تسبيح بعد از خواندن يا صمد يا معين بعد سى و چهار مرتبه يا رحمن كلمتى در
بعد آيه قل اللهم تا بغير حساب خواندن بعد صد بار اللهم العن ابى بكر و عمر ثم ابى بكر و عثمان ثم عمر ثم عمر بعد صد مرتبه
اللهم العن عائشة وحفصة وهندا وام الحكم واگر قبل از طلوع تمام شود افضل است ولازم نمايد حفظ به حاجت و زيارت
منم و مكر بسم دار و تقسم ديگر مشكل ذكر كه هم آسانترين خصوم كه در دنيا و آخر باشد انهاست و از انها سهل تر آنكه هميشه مداومت
در تعقيب نماز صبح يكى از معقبات تمام معقبات جميل سالست مداومت دارم مظنه اندارم كه بازدارد ترك نمود تا شم قبل توفيق
از فضيلت توابشرا در اين مجموعه با فضايل آية الكرسى و آمن الرسول و قل اللهم و قل هو الله و انا انزلناه و قل يا ايها الكافرون
و بعد ذلك در اينجا توفيق نوشتن و يادآورى و تعليم و تعلم باشد اميد دارم در خواندن اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات
عوض كار بعضى است داخل در ميان مؤمنان قصد كنيد مع مداومت دو ركعت نشسته نافله خفتن بر سبيل كتابه مداومت
نماز شب است در براى ضعفا و پيران و تنگناها خوب هديه است اين دو ركعت كافيه مداومت نماز شب كه با مطالعه تمامى عمر يكبار
هر بار يك مداومت كلام الله هر روز نباشد قدر و قيمت نماز خود را كه اهمى داشت زيرا كه هر كه قدر نماز خود را هر درجه داشت
و شيعه لطف خود را اثبات خواهيم زيرا كه قدر دادن نماز دليل استحكام توجه به خالق و صحت و كوشش در تمامى احكام او امر و نواهى است
دلالت عمل نافض

در [illegible] عالم با خبر [illegible] نماز

الا نقص و معیوب و لغو خواهند شد [illegible] قلب [illegible] امیر المؤمنین [illegible] ملائکه [illegible] آسمان [illegible]

[illegible] و شکاف در میان مسلمانان سهل است در میان [illegible] قلب [illegible] ازین [illegible] اهل [illegible]

اهل [illegible] که [illegible] با اهل فسق و فجور [illegible] بواسطه تضییع نماز و استخفاف نماز با علم [illegible]

مستخف بالصلواة [illegible] زمانه [illegible] در دار العلم خراسان مشاهد است که [illegible]

خدا و رسول و ائمه نباشند احدی از انبیا و اوصیا و ائمه شفاعت نمایند [illegible] مذهب [illegible]

[illegible] آیات قرآنی و اخبار ائمه [illegible] شفاعت نمایند

[illegible]

[illegible] نماز [illegible] و لغو [illegible]

[illegible] سلطان [illegible] و سایر احوال

[illegible] زیارت امام حسین [illegible] نماز [illegible]

[illegible] و لوازم نماز [illegible] ائمه [illegible] اولاد و اطفال [illegible]

نماز و لوازم نماز [illegible] طفلانه [illegible] تعلیم [illegible]

[illegible] عالم [illegible]

[illegible] کلام [illegible] مجالس [illegible] مسلمانان [illegible]

و ضال و گمراه [illegible] یا ایها الناس [illegible] افراط و تفریط [illegible]

در صحت قرائت نماز [illegible] ترغیب و تحریص و فضایل صحت نماز [illegible]

[illegible] واجب [illegible] علم است از اهل [illegible]

اعظم [illegible] جمیع طاعات [illegible] صحت نماز [illegible]

[illegible] اسلام [illegible] صحت قرائت [illegible] مجالس قرائت [illegible]

قاریان [illegible] معتبرترین قاریان [illegible] تعلیم [illegible]

[illegible] علم [illegible] علوم [illegible]

[illegible] فقها رضوان الله [illegible] احترام قاریان [illegible]

[illegible] نماز [illegible]

[illegible]

اوضاع اهل این زمان [illegible] مجالس این زمان [illegible]

و عبادت [illegible] اخبار [illegible] ترغیب تعلیم و تعلم نماز [illegible] مسائل لازمه نماز [illegible]

[illegible] و فضایل [illegible] مردم [illegible]

[illegible] و تضییع [illegible] غلط [illegible]

[illegible] اولاد [illegible] نماز [illegible] مستخف الصلواة

نزد خدا و رسول و ائمه [illegible] غفلت [illegible] خدا و رسول و ائمه [illegible] عالم

[illegible] شیطان [illegible]

[illegible] الناس [illegible]

در فضایل و ثواب یس و آیة الکرسی و آمن الرسول و شهد الله

و چشم از حرمت دین و ایمان بپوشید نیست حرص چشم تنگ دنیادار را یا قناعت پر کند یا خاک گور و اگر قناعت نبود دین سالم
و نماز سالم و عالم سالم و منبر و مجلس سالم و مساجد و اسلام و ایمان سالم بسیار کم بود مخرب تمامی فساد عالم العدم قناعت
بر روز ظهور نموده عالم گرسنه است در تمامی عوالم که تشنگان و مستقبلین آشنا با خدا در کل دائمه با ما؟ و قناعت
لقمه است که میزان حق است وما تغنی الآیات والنذر عن قوم لا یؤمنون حفظ آیه از قرآن بعضی از سوره قرآن
استعداد و فطرت اصلی و قابلیت مراتب امر معروف صدق و سلامت نباشد الا آنکه اهل منبر و نظر آن معرفت
اکثر در مجلس است چنانکه اکثر به خیال خوش آمد مردم و پسند مردم و اشتهار نام در رسم و تجارت قند و چای از ان دفتر است که
قرائت و صحت شکل و صورت نماز و مبدل به سلکی که مردم نماز به عنت اختراع کشته به دین و مذهب ابنای سوء وارده سلیقه
و این پیر زنده بگور و دیوانه دار در حدیث نامی من لا الائمه با کمال ضعف قوا و چشم و گوش مدادش سرمست بتالیف این کتاب
زینة الصلواة به نظم و ترتیب رسمی انه احسنتند ز طرف زیاده بر رساله با عدم اسباب التصنیف و دیگر برای شب اول قبر و وحشت
خواستم هدیه بردارم حدیث مفرس نیست بقوه بی قوه نهایه و پرسیری در دست بیم باتسم رحیم کلام خود که تعقیب نمازهای
و لوازم تعقیبات یومیه مومن و بعضی ختوم برای مطالب شرعیه روایه هر روز صد و پنجاه مرتبه بخوانند روز چهلم صد مقابله بار
از روز پنجشنبه یا جمعه شروع کرده تا چهل روز اول عمل توبه از گناهان و رد داشتن مطالب بعد دو رکعت نماز حاجت خواستن
بهر سوره که خواند یعنی بعد از حمد یس صد نوبت صلوات بر محمد و آل محمد و در آخر روز چهلم سیصد صلوات بخواند و دعای حاجت
از خدا بخواهد در اول آخر با استدامت نیت و رضای الهی با تضرع و شکستگی هم روایه هر روز صد و مقابله بار در روز چهلم
دویست و سه مرتبه بخوانند که تمام عدد آن شمار از مقابله هر مرتبه خوانده نشود آنچه قبل از اتمام ختم حاجتش برآورده شد سپس ختم
نا تمام نگذارد و الصلواة و السلام اهده در اول دعا و آیه بقصد قربه بخواند بهتر است نه بقصد جزء دعا و آیه وما من دابة
الا علی الله رزقها و یعلم مستقرها و مستودعها کل فی کتاب مبین و من یتق الله یجعل له مخرجا
و یرزقه من حیث لا یحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله
لکل شیء قدرا یا فتاح یا رزاق یا واسع و اگر بعد از نماز صبح با لباس طیب و طاهر باشد شرط است
و هر روز در اول شروع یکبار این دعا را بخواند اللهم انی اتوجه الیک بنبیک نبی الرحمة و آله و اقدمهم
بین یدی حوائجی و اجعلنی بهم وجیها فی الدنیا والآخرة و من المقربین اللهم ارحمنی بهم
ولا تعذبنی بهم واهدنی بهم ولا تضلنی بهم وارزقنی بهم ولا تحرمنی و اقض لی بهم حوائجی
فی الدنیا والآخرة انک علی کل شیء قدیر و بکل شیء علیم رب اغفر وارحم وانت خیر الراحمین
مروی است حدیث صحیح در تفسیر [illegible] از مرحوم حضرت خاتم الانبیاء و الاوصیاء که حضرت امیر المومنین در مقام تعلیم ده آیة الکرسی
بفرزندان و اهل و اولاد و همسایه‌های خود که حق سبحانه و تعالی هیچ آیه بزرگتر از این فرو نفرستاده و در معظم ترین آیتی که
کلام مجید واقع شده آیة الکرسی است هر که او را تلاوت نماید حق تعالی هزار ملک فرستد تا عملهای نیکوی بسیار در نامه عمل او
بنویسند و عملهای بد او را محو کنند تا روز دیگر از آن ساعت که خوانده و هر که در عقب نماز فریضه بخواند منع نکند او را از دخول
بهشت مگر مرگ یعنی بمجرد مردن به بهشت رود و هر که در وقت خواب بخواند حق تعالی او را از همه بلاها و آفتها ایمن بدارد
و در حدیث که بهترین سوره‌های قرآن بقره است و بهترین آیه‌ها آیة الکرسی است جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده که حضرت
فرمود هر که آیة الکرسی عقب فرایض بخواند خدای تعالی تا ساعت دیگر او را از آن مرتبه بیامرزد [illegible] و هر که در سفر
[illegible] بخواند خدا او را نگه دارد [illegible]

در فضایل و ثواب و خواص تعقیبات نماز که

۵ باهم

ثواب بسیار بالمضاعف بعد داخل است نماز از تسبیحات و فوز بسیار تسبیح در بلور فرمایه در ثواب خواندن مثل ثواب تسبیحات معتبره

و بعد هر حرفی ملکی بیافرینند که برای او تسبیح نماید تا قیامت اگرچه بر تمامی اهل مغرب و مشرق خوانند باشد و نیز در معتبره که آیه

هنگام که فرد تسبیح تقدیس نماید و در زیر دستان عرش و هر که عقب هر نماز فریضه بخواند حق تعالی خود متصدی قبض روح او

باشد و چنان باشد که با پیغمبران جهاد کرده شهید شده باشد و در روایت معتبره عبدالله گفته که آیه الکرسی اعظم آیات

از هر چیز بلند حضرت امام جعفر صادق ع از آبای کرام خود روایت کرده که حضرت امیر فرمود که چون آیه الکرسی فرود آمد

سید عالم و شنیدم که از گنج عرش بهتر از هر چیز و هر بتی که در مشرق و مغرب عالم بود همه رو افتادند

و ابلیس ترسیده اتباع و اولاد خود را جمع کرده گفت حادثه در عالم واقع شده من باید تمامی مشرق و مغرب را گردیدم که

چه واقع شده پس در همه عالم سیر کرد تا بمدینه رسید پرسید گفتند رسول خدا را خبر داده که آیه عظیم الشانی که از گنجهای عرش الهی است

نزول نموده از هیبت و جهات آن همه بتهای عالم سرنگون بر رو افتاده اند ابلیس نزد قوم و قبیله خود آمد خبر داد و همه غمگین شدند

بر داشت و بگو خواندن آیه الکرسی بعد از هر نماز هزار حاجت او را در دنیا بر آورد و هزار حاجت او را در آخرت و اما از حوائج دنیوی

که جمله پرسش فقر باشد بر طرف نماید و اما آسانتر حاجت آخرت داخل بهشت است و در روایت دیگر آمده که خداوند حق میفرماید و هر که

در وقت بیرون آمدن از خانه بخواند حق تعالی هفتاد هزار ملک بفرستد تا برای او توبه و استغفار نمایند و دعا کنند برای او و چون بخانه بخواند

خداوند فقر را از او بر طرف نماید و نیز فرمود آیه الکرسی پنجاه کلمه است و در هر کلمه پنجاه برکت است و از امام محمد باقر مرویست

که هر که یکبار آیه الکرسی بخواند حق تعالی هزار مکروه از مکروهات دنیا و آخرت از او بر گرداند که کمترین مکاره دنیا فقر است و کمترین

مکاره آخرت عذاب قبر است و هر که مداومت در عقب فرایض نماید از فقر و درویشی در امان الهی میباشد و از فضل و کرم حق

مال بسیار و فراخ روزی نماید و هر که صبح و شام بخواند از شر دزد و حرامی ایمن گردد و از آتش محفوظ ماند و جن و انس او را ضرر

نتوانند رسانید و اگر نوشته در گورستان دفن کنند رواج در کسب بسیار باشد و اگر در کنج خانه دفن نمایند دزد راه نیابد و اگر بسیار

درد نماید پیش از هر سه عضو درایت ... و در خواب و هم و اوراد حساب ... امده مقدار

عبارات ... از خواب بیدار شد یکی از معتمدین مومنان خواب را گفتم فرمود آیه الکرسی بسیار

بلی گفتم ... است و خواب نه صد بعد ... کلمه ... و نیز در ذکر

و اعوذ بالله من النار خداوند هفتاد هزار ملک بیافریند تا قیامت برای او استغفار کنند ... و آتش جهنم از او

و کرم الهی ... در ثواب آمن الرسول که آخر سوره بقره است تا آخر هر که بخواند

... حق تعالی ... قدرت خود ... پیش از خلقت آسمان ... هر که بعد از نماز ... بخواند

باشد که ... جمیع جهات دنیا و آخرت ... و شیطان بر قصد او نگردد ... و از خانه ...

... حضرت ... آخر سوره بقره ... و اغفر لنا ... مذکور خداوند

رحم کنم و ببخشم و ... و نصرت دادم بر کفار و تفصیلش در تفسیر ملا فتح الله مرحوم است و اما ثواب لا یستوی آخر سوره حشر که از حضرت

رسول ص رسیده از اسم اعظم الهی و فرمود علیکم با آخر سوره الحشر بسیار بخوانید هر که روز بخواند بهشت برای او واجب و اگر شب بخواند

واجب و اگر صبح سه بار بخواند و شب نیز سه بار بخواند با اعوذ بالله که ثواب ... اقل ثواب اعوذ بالله است خدای تعالی هفتاد هزار

ملائکه برای او ... نگاه دارند از جمیع آفات و صلوات برای او بفرستند تا شب و روز و اگر آن روز و شب بمیرد شهید

در جلد ... کار ... سبیل ... در ... رسیده ... السلام

... سال عمر ... بنشین ... کاله علم و حکمی ... علم و حکمت

عبرت و حکمت لازم است برای ... از غفلت و ... حضور ... کلام حکمی ... که دنیا و آخرت

اشاره بخرابی و فساد عالم و عالمیان باشاره علما

گفت برو به نزد پدرم در فلان جا نزد پدرش رفتند او نیز حواله به پدر خود کرد چنان تعجب نزد پدر پدرش رفتند او نیز [illegible]

پدرش و همچنین نزد پدرش که به سیم نفر رسیدند اظهار مدعا نمودند فرمود چرا غافل شدید از خواندن و مداومت سوره های چهار قل

قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد و معوذتین باشید که از حضرت رسول منقولست برای امور دنیا و آخرت و عمر با سعادت و عزت

و اقبال دارین و مقتضی المرام بودن چنانکه دیده یا شنیده که با کمال استعداد و اقبال که زندگی نموده ام چنانکه مجلسی مرحوم در

زاد المعاد نیز ملتفت است باین عبارت که هر کرا سه بار کرد آنها ثواب آنرا بتفصیل نوشته در اعمال رجب و شعبان و

رمضان المبارک در سه ماه ترک ننماید اول آیة الکرسی و سوره حمد و چهار قل و صلوات و تسبیحات اربعه سبحان الله

والحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات اللهم اغفر لی

و ... هر کرا سه بار بعد از انا انزلناه و قل هو الله سه بار یا ده بار و هم روایة یازده یا دوازده بار

با علاوه هفت و پنج مرتبه اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات بقصد زنده و مرده شیعیان امیر المؤمنین از زمان

آدم تا خاتم و در خواندن آیة الکرسی الی شهد الله و قل اللهم نیز ملحق نماید بهتر است در حال تعقیب نماز در حال

راه رفتن سواره و پیاده چنانکه نوافل نماز نیز سواره و پیاده در راه روان ملیونان خوانند که تمامی مؤمنان

از خود رحم دهند مثوبه و هالکی و ثنا خوان خواهند شد و چون این همه فضایل و ثوابها ناملوف

که نماز با قرائت باطل و صحت نباشد که نتیجه بر عکس بخشد نعوذ بالله که صحت قرائت هر رکعت نماز با شرایط و طمأنینه بهتر

و افضل خواهد بود از این همه تعقیبات و بدلکه بلکه هر رکعتی از هزار ختم قرآن و تعقیبات تمامی کتب و صحف نتیجه عکس خواهد داد

چنانکه معنی کلام آیه شریفه ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر نماز ها منع و نهی معاصی نکرده از تمامیت بلکه عکس آن

و این همه تفصیل ترجمه الصلوة برای اثبات همین مطلب است یعنی این هر رکعت نماز نتیجه عمل و ثواب و تعلیم

ابلیس لعین عوض تعقیبات و سکون و آرام و آداب با کمال سرعت بی شرایط با دل تنگی و پریشانی خاطر مبتلا ام

شرایط و مسائل سهویه و شکیه و غیره مسئله یکی را ملاحظه ندارم و این نوع عظیم معاصی و اسم نماز مبتلا ام چنانکه

و تمیز تشخیص عیوب خود را نکرده ام که تعقیبات نماز که مستحب است لا محاله بیست دقیقه بعد از نماز از دعا و قرآن خواندن

مشغول میباشیم اما چه دقیقه برای صحت قرائت نماز و طمأنینه و حضور نماز صبر و تحمل ندارم و نتوانم بلکه

بلیه گرفتاریم از دست نفس ابا از طاعت و پیروی امر و فرمان ابلیس بلکه طاعت کامل بسته ام

بر اصل لازم و واجب ملتفت نیستم با همه وجوب و لزوم نماز و صحت نماز بتعقیبات مستحبه مشغولیم

و فاضل و ممیز حق و باطل میدانیم با چهل سال تحصیل انواع علوم و تدریس بی عمل بلکه تحصیل نماز صحیح

مسخره و ننگ عار و ناموس و بله و حماقت و سفاهت میدانیم عجب مذهب و دین اختراعی لا ابالی و بی باکی

[illegible] و جامع هیچ مفلس و با دانی و لا مذهبی است لا ابعد و لا اکثر در پی تمیز و عدم کمال به زار کاذب که از جمال حضرت

و محاکم حکمه احتمال ضرر دارد تمسک زده ام تمام خصوص یکدفعه باسباب لغزیده باشد و حال آنکه تمامی ائمه و مجتهدین

و علما خبر داده اند که بتجربیب و بطلان نماز تمامی اعمال و طاعات و عبادات ضایع و باطل خواهد شد بالصلوة

مرتد و کافر به کفر دار و دین خاتم النبیین خواهند شد مع ذلک در عرش به نماز و حی و فرار میکشند که ایها الناس

نماز کافی است قاریان و [illegible] قرائت نمایند با این شاره و که به بی اعتنائی خاتم النبیین و ائمه

چنان آتش در باره زده که به ترار آتش آن منافقین او کلاین صورت و شکل نماز چنان عوض و بدل نمار بخت

کرده که تا ظهور حجة الله جاره و علاج نباشد و نتوانند بلکه روز بروز شعله و شراره بدعت و فساد عالم زیاده گردد

و ذلک

در اشاره بعدم تاثیر آیات کلام حکمت بالمرد در اذهان عامه جهال

وذلک هو الخسران المبین واگر مایل صحت نماز و تعقیبات باشند کلام الله و سور و آیات کلام الله و کتب تفسیر و کتاب
مولف روسیاه و سایر کتب فقه مخصوصین و مسائل و شرائط و آداب نماز بسیار رجوع باید کرد که نماز صحیح
اشخاص دین محمدی … و بیانات ائمه اطهار سلام الله علیهم و احادیث و اخبار و علم قرائت که از امیر
المومنین و تعلیم و بیانات آنحضرت ترویج شده و نظم قرآن خوانی مقررات بسیار من طلب …
و جد مسلم است که برای … فرزندان و جهالان و شیادان رسمی و قاعده و میزانی هست قرآن خوانی
و نماز و آداب شرع و دین آخر الزمان را میزان و قاعده و قانون نباشد محال است که کلام الله قاعده
احکام دین و نماز ما است و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین قانون محکم نماز و آداب احکام ما است
که علم قرائت را میزان و معیار خواندن و عمل کل نماز و دین الزم مقرر فرموده که کتب … نهایت
در علم قرائت بسیار زیاد بر علم کلام ناسخ کتب قرائت و عوض بدل کردن نماز که … احوال علمای لاابالی
بی باک مغرور با اسم ترویج شده باشاره و کنایه که اکثر آیات مذکوره در این کتاب …
یا در مدح و فضایل عالمان عامل علمای ربانی مذکور شده که معارضند از محکمات و توضیحات که … انکار و رد
نداشته باشند از متشابهات است ولی از یاد بیرون چنانکه شیطان در اوراق اشعار … بعد قدرت الله …
که زمانی باشد یکی از مقربان درگاه صمدی و … قرب و لطف الله شامل و سرور فرشتگان مقربان که در سلطنت
بر تمامی ملائکه پایه … امر فرمایه که … سجده نماید و لا الخبیثه سر خود در درگاه صمدی کرد ابلیس از این … قصه
چندین هزار سال … لعن او بعد بر ملائکه … و لعن را … که جهان به توفیق … احدی …
مصداق علمای زمان ما ملبس شوند با اسم ترویج … و قال الله تعالی الم اعهد الیکم یا بنی آدم ان لا تعبدوا الشیطان
انه لکم عدو مبین وان اعبدونی هذا صراط مستقیم ولقد اضل منکم جبلا کثیرا افلم
تکونوا تعقلون هذه جهنم التی کنتم توعدون اصلوها الیوم بما کنتم تکفرون الیوم نختم علی
افواههم وتکلمنا ایدیهم وتشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون و قال … اولیس الذی خلق
السموات والارض بقادر علی ان یخلق مثلهم بلی وهو الخلاق العلیم انما امره اذا اراد شیئا
ان یقول له کن فیکون فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء والیه ترجعون و …
قال یا ابلیس ما منعک ان تسجد لما خلقت بیدی استکبرت ام کنت من العالین قال انا خیر منه
خلقتنی من نار وخلقته من طین قال فاخرج منها فانک رجیم وان علیک لعنتی الی یوم الدین قال
فاخرج منها فانک رجیم وان علیک لعنتی الی یوم الدین قال فانظرنی الی یوم یبعثون قال فانک من
المنظرین الی یوم الوقت المعلوم قال فبعزتک لاغوینهم اجمعین الا عبادک منهم المخلصین قال
فالحق والحق اقول لاملان جهنم منک وممن تبعک منهم اجمعین از تمامی مواعظ و حکم و نصایح در این …
در دین و لجوجی … در این زمانه نیست این آیه شریفه … که خداوند کلام انبیا بر سبیل … مثل آنحضرت
در سوره زمر میفرماید انا انزلنا علیک الکتاب للناس بالحق فمن اهتدی فلنفسه ومن ضل فانما
یضل علیها وما انت علیهم بوکیل و در جای دیگر فرماید فمن یعمل مثقال ذره خیرا یره ومن یعمل مثقال
ذره شرا یره و قال … ذرهم فی خوضهم یلعبون و قال ان فی ذلک لآیات لقوم
یتفکرون مردمان صاحب جهل و غرور … خصوص غرور علم داشته باشند بجز جهل مرکب و خاصیت …
نیفزاید تمامی قرآن کفایت ننماید … نفس … کل درجات …

551

اشارت بقسمین الهی بهشت و دوزخ در محل و متفرج

۷۸

و قال فیه و نفخ فی الصور فصعق من فی السموات و من فی الارض الا من شاء الله ثم نفخ فیه اخری فاذا هم قیام ینظرون و اشرقت الارض بنور ربها و وضع الکتاب و جیء بالنبیین و الشهداء و قضی بینهم بالحق و هم لا یظلمون و وفیت کل نفس ما عملت و هو اعلم بما یفعلون و سیق الذین کفروا الی جهنم زمرا حتی اذا جاؤها فتحت ابوابها و قال لهم خزنتها الم یاتکم رسل منکم یتلون علیکم ایات ربکم و ینذرونکم لقاء یومکم هذا قالوا بلی و لکن حقت کلمة العذاب علی الکافرین قیل ادخلوا ابواب جهنم خالدین فیها فبئس مثوی المتکبرین و سیق الذین اتقوا ربهم الی الجنة زمرا حتی اذا جاؤها و فتحت ابوابها و قال لهم خزنتها سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین و قالوا الحمد لله الذی صدقنا وعده و اورثنا الارض نتبوء من الجنة حیث نشاء فنعم اجر العاملین و تری الملائکة حافین من حول العرش یسبحون بحمد ربهم و قضی بینهم بالحق و قیل الحمد لله رب العالمین و قال الله الذین یحملون العرش و من حوله یسبحون بحمد ربهم و یؤمنون به و یستغفرون للذین آمنوا ربنا وسعت کل شیء رحمة و علما فاغفر للذین تابوا و اتبعوا سبیلک و قهم عذاب الجحیم ربنا و ادخلهم جنات عدن التی وعدتهم و من صلح من آبائهم و ازواجهم و ذریاتهم انک انت العزیز الحکیم و قهم السیئات و من تق السیئات یومئذ فقد رحمته و ذلک هو الفوز العظیم و قال فی سورة المؤمن الذین کذبوا بالکتاب و بما ارسلنا به رسلنا فسوف یعلمون اذ الاغلال فی اعناقهم و السلاسل یسحبون فی الحمیم ثم فی النار یسجرون ثم قیل لهم این ما کنتم تشرکون من دون الله قالوا ضلوا عنا بل لم نکن ندعوا من قبل شیئا کذلک یضل الله الکافرین ذلکم بما کنتم تفرحون فی الارض بغیر الحق و بما کنتم تمرحون ادخلوا ابواب جهنم خالدین فیها فبئس مثوی المتکبرین و قال فی سورة حم سجده و نجینا الذین آمنوا و کانوا یتقون و قال و یوم یحشر اعداء الله الی النار فهم یوزعون حتی اذا ما جاؤها شهد علیهم سمعهم و ابصارهم و جلودهم بما کانوا یعملون و قالوا لجلودهم لم شهدتم علینا قالوا انطقنا الله الذی انطق کل شیء و هو خلقکم اول مرة و الیه ترجعون و ما کنتم تستترون ان یشهد علیکم سمعکم و لا ابصارکم و لا جلودکم و لکن ظننتم ان الله لا یعلم کثیرا مما تعملون و ذلکم ظنکم الذی ظننتم بربکم اردیکم فاصبحتم من الخاسرین فان یصبروا فالنار مثوی لهم و ان یستعتبوا فما هم من المعتبین و قیضنا لهم قرناء فزینوا لهم ما بین ایدیهم و ما خلفهم و حق علیهم القول فی امم قد خلت من قبلهم من الجن و الانس انهم کانوا خاسرین فلنذیقن الذین کفروا عذابا شدیدا و لنجزینهم اسوء الذی کانوا یعملون ذلک جزاء اعداء الله النار لهم فیها دار الخلد جزاء بما کانوا بایاتنا یجحدون و قال الذین کفروا ربنا ارنا الذین اضلانا من الجن و الانس نجعلهما تحت اقدامنا لیکونا من الاسفلین ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکة الا تخافوا و لا تحزنوا و ابشروا بالجنة التی کنتم توعدون نحن اولیاؤکم فی الحیوة الدنیا و فی الآخرة و لکم فیها ما تدعون نحن اولیاؤکم فی الحیوة الدنیا و فی الآخرة و لکم فیها ما تشتهی انفسکم و لکم فیها ما تدعون نزلا من غفور رحیم و من احسن قولا

۵۵۴

اسار طعام اهل جهنم از زقوم و ضریع

قولا ممن دعا الى الله وعمل صالحا وقال انني من المسلمين · وقال في سورة الشورى الله لطيف بعباده يرزق من
يشاء وهو القوي العزيز من كان يريد حرث الاخرة نزد له في حرثه ومن كان يريد حرث الدنيا
نؤته منها وما له في الاخرة من نصيب ترى الظالمين مشفقين مما كسبوا وهو واقع بهم والذين امنوا
وعملوا الصالحات في روضات الجنات لهم ما يشاؤن عند ربهم ذلك هو الفضل الكبير ذلك الذي
يبشر الله عباده الذين امنوا وعملوا الصالحات قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى ومن يقترف حسنة
نزد له فيها حسنا ان الله غفور شكور · وقال ولو بسط الله الرزق لعباده لبغوا في الارض ولكن
ينزل بقدر ما يشاء انه بعباده خبير بصير · وقال ومن يعش عن ذكر الرحمن نقيض له شيطانا فهو
له قرين وانهم ليصدونهم عن السبيل ويحسبون انهم مهتدون حتى اذا جاءنا قال يا ليت بيني وبينك بعد
المشرقين فبئس القرين · وقال افانت تسمع الصم او تهدي العمي ومن كان في ضلال مبين · وقال
الاخلاء يومئذ بعضهم لبعض عدو الا المتقين يا عباد لا خوف عليكم اليوم ولا انتم تحزنون
الذين امنوا باياتنا وكانوا مسلمين ادخلوا الجنة انتم وازواجكم تحبرون يطاف عليهم بصحاف من ذهب
واكواب وفيها ما تشتهيه الانفس وتلذ الاعين وانتم فيها خالدون وتلك الجنة التي اورثتموها
بما كنتم تعملون لكم فيها فاكهة كثيرة منها تاكلون ان المجرمين في عذاب جهنم خالدون لا يفتر ۵۵۳
عنهم وهم فيه مبلسون وما ظلمناهم ولكن كانوا هم الظالمين ونادوا يا مالك ليقض علينا
ربك قال انكم ماكثون لقد جئناكم بالحق ولكن اكثركم للحق كارهون ام ابرموا امرا فانا مبرمون
وقال في سورة الدخان ان شجرة الزقوم طعام الاثيم كالمهل يغلي في البطون كغلي الحميم خذوه فاعتلوه الى
سواء الجحيم ثم صبوا فوق راسه من عذاب الحميم ذق انك انت العزيز الكريم ان هذا ما كنتم
به تمترون ان المتقين في مقام امين في جنات وعيون يلبسون من سندس واستبرق
متقابلين كذلك وزوجناهم بحور عين يدعون فيها بكل فاكهة امنين لا يذوقون فيها الموت
الا الموتة الاولى ووقيهم عذاب الجحيم فضلا من ربك ذلك هو الفوز العظيم · وفي سورة الجاثية
تلك ايات الله نتلوها عليك بالحق فباي حديث بعد الله واياته يؤمنون ويل لكل افاك
اثيم يسمع ايات الله تتلى عليه ثم يصر مستكبرا كان لم يسمعها فبشره بعذاب اليم واذا
علم من اياتنا شيئا اتخذها هزوا اولئك لهم عذاب مهين من ورائهم جهنم ولا يغني
عنهم ما كسبوا شيئا ولا ما اتخذوا من دون الله اولياء ولهم عذاب عظيم هذا هدى والذين
كفروا بايات ربهم لهم عذاب من رجز اليم الله الذي سخر لكم البحر لتجري الفلك فيه بامره
ولتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون وسخر لكم ما في السموات وما في الارض جميعا منه
ان في ذلك لايات لقوم يتفكرون · وقال ام حسب الذين اجترحوا السيئات ان
نجعلهم كالذين امنوا وعملوا الصالحات سواء محياهم ومماتهم ساء ما يحكمون وخلق الله
السموات والارض بالحق ولتجزى كل نفس بما كسبت وهم لا يظلمون افرايت من اتخذ الهه
هواه واضله الله على علم وختم على سمعه وقلبه وجعل على بصره غشاوة فمن يهديه من
بعد الله افلا تذكرون وترى كل امة جاثية كل امة تدعى الى كتابها اليوم تجزون ما كنتم تعملون
هذا كتابنا ينطق عليكم بالحق انا كنا نستنسخ ما كنتم تعملون فاما الذين امنوا وعملوا

اشاره باوصاف صالحات اشخاص علماء

الصالحات فيدخلهم ربهم في رحمته ذلك هو الفوز المبين واما الذين كفروا افلم تكن اياتي تتلى
عليكم فاستكبرتم وكنتم قوما مجرمين واذا قيل ان وعد الله حق والساعة لاريب فيها قلتم
ما ندري ما الساعة ان نظن الا ظنا وما نحن بمستيقنين وبدا لهم سيئات ما عملوا وحاق
بهم ما كانوا به يستهزؤن وقيل اليوم ننسيكم كما نسيتم لقاء يومكم هذا وماويكم النار وما لكم
من ناصرين ذلكم بانكم اتخذتم ايات الله هزوا وغرتكم الحيوة الدنيا فاليوم لا يخرجون منها
ولا هم يستعتبون فلله الحمد رب السموات ورب الارض وهو العزيز الحكيم وقال في سورة محمد
مثل الجنة التي وعد المتقون فيها انهار من ماء غير اسن وانهار من لبن لم يتغير طعمه و
انهار من خمر لذة للشاربين وانهار من عسل مصفى ولهم فيها من كل الثمرات ومغفرة
من ربهم كمن هو خالد في النار وسقوا ماء حميما فقطع امعاءهم ومنهم من يستمع اليك
حتى اذا خرجوا من عندك قالوا للذين اوتوا العلم ماذا قال انفا اولئك الذين طبع الله على
قلوبهم واتبعوا اهواءهم والذين اهتدوا زادهم هدى واتيهم تقويهم وقال في سورة الفتح
هو الذي انزل السكينة في قلوب المومنين ليزدادوا ايمانا مع ايمانهم ولله جنود السموات والارض
وكان الله عليما حكيما ليدخل المومنين والمومنات جنات تجري من تحتها الانهار خالدين
فيها ويكفر عنهم سيئاتهم وكان ذلك عند الله فوزا عظيما ويعذب المنافقين والمنافقات
والمشركين والمشركات الظانين بالله ظن السوء عليهم دائرة السوء وغضب الله عليهم ولعنهم و
اعد لهم جهنم وساءت مصيرا ولله جنود السموات والارض وكان الله عزيزا حكيما انا ارسلناك
شاهدا ومبشرا ونذيرا لتومنوا بالله ورسوله وتعزروه وتوقروه وتسبحوه بكرة واصيلا
ان الذين يبايعونك انما يبايعون الله يد الله فوق ايديهم فمن نكث فانما ينكث على
نفسه ومن اوفى بما عاهد عليه الله فسيوتيه اجرا عظيما وقال ايضا ومن لم يومن بالله
ورسوله فانا اعتدنا للكافرين سعيرا ولله ملك السموات والارض يغفر لمن يشاء ويعذب
من يشاء وكان الله غفورا رحيما وقال ايضا ومن يطع الله ورسوله يدخله جنات تجري من تحتها
الانهار ومن يتول يعذبه عذابا اليما لقد رضي الله عن المومنين اذ يبايعونك تحت الشجرة فعلم
ما في قلوبهم فانزل السكينة عليهم واثابهم فتحا قريبا ومغانم كثيرة تاخذونها فعجل لكم هذه وكف
ايدي الناس عنكم ولتكون اية للمومنين ويهديكم صراطا مستقيما وعد الله الذين امنوا وعملوا
الصالحات منهم مغفرة واجرا عظيما وقال في سورة الحجرات ان الذين يغضون اصواتهم عند رسول الله
اولئك الذين امتحن الله قلوبهم للتقوى لهم مغفرة واجر عظيم ان الذين ينادونك من وراء
الحجرات اكثرهم لا يعقلون وقال ايضا انما المومنون اخوة فاصلحوا بين اخويكم واتقوا الله لعلكم
ترحمون وقال ايضا يا ايها الذين امنوا اجتنبوا كثيرا من الظن ان بعض الظن اثم ولا تجسسوا
ولا يغتب بعضكم بعضا ايحب احدكم ان ياكل لحم اخيه ميتا فكرهتموه واتقوا الله ان الله تواب رحيم
يا ايها الذين امنوا لا يسخر قوم من قوم عسى ان يكونوا خيرا منهن ولا تلمزوا انفسكم ولا تنابزوا
بالالقاب بئس الاسم الفسوق بعد الايمان ومن لم يتب فاولئك هم الظالمون يا ايها الناس

انا خلقناكم

تتمه خاتمه کتاب رابطیه علمای لاابالی

انا خلقناکم من ذکر و انثی وجعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقیکم ان الله علیم خبیر

قالت الاعراب امنا قل لم تؤمنوا ولکن قولوا اسلمنا ولما یدخل الایمان فی قلوبکم وان تطیعوا الله و

رسوله لا یلتکم من اعمالکم شیئا ان الله غفور رحیم انما المؤمنون الذین امنوا بالله ورسوله ثم لم یرتابوا

وجاهدوا باموالهم وانفسهم فی سبیل الله اولئک هم الصادقون قل اتعلمون الله بدینکم والله یعلم

ما فی السموات و ما فی الارض والله بکل شیء علیم یمنون علیک ان اسلموا قل لا تمنوا علی

اسلامکم بل الله یمن علیکم ان هدیکم للایمان ان کنتم صادقین ان الله یعلم غیب السموات و

الارض والله بصیر بما تعملون وقال فی سورة الطور بسم الله الرحمن الرحیم والطور وکتاب مسطور فی رق منشور

والبیت المعمور والسقف المرفوع والبحر المسجور ان عذاب ربک لواقع ما له من دافع یوم تمور

السماء مورا وتسیر الجبال سیرا فویل یومئذ للمکذبین الذین هم فی خوض یلعبون یوم یدعون

الی نار جهنم دعا هذه النار التی کنتم بها تکذبون افسحر هذا ام انتم لا تبصرون اصلوها فاصبروا

او لا تصبروا سواء علیکم انما تجزون ما کنتم تعملون ان المتقین فی جنات ونعیم فاکهین بما اتاهم

ربهم ووقیهم ربهم عذاب الجحیم کلوا واشربوا هنیئا بما کنتم تعملون متکئین علی سرر مصفوفة

وزوجناهم بحور عین والذین امنوا واتبعتهم ذریتهم بایمان الحقنا بهم ذریتهم وما التناهم من عملهم من شیء

کل امرء بما کسب رهین وامددناهم بفاکهة ولحم مما یشتهون یتنازعون فیها کاسا

لا لغو فیها ولا تاثیم ویطوف علیهم غلمان لهم کانهم لؤلؤ مکنون واقبل بعضهم علی

بعض یتساءلون قالوا انا کنا قبل فی اهلنا مشفقین فمن الله علینا ووقینا عذاب السموم انا کنا

من قبل ندعوه انه هو البر الرحیم فذکر فما انت بنعمت ربک بکاهن ولا مجنون ام یقولون شاعر

نتربص به ریب المنون قل تربصوا فانی معکم من المتربصین سورة الرحمن رابطیه عالم صورتان

لاابالی اشارت باوصاف بهشت و انعام که هشت

الرحمن علم القران خلق الانسان علمه البیان الشمس والقمر بحسبان والنجم والشجر یسجدان

والسماء رفعها ووضع المیزان الا تطغوا فی المیزان واقیموا الوزن بالقسط ولا تخسروا المیزان

والارض وضعها للانام فیها فاکهة والنخل ذات الاکمام والحب ذو العصف والریحان

فبای الاء ربکما تکذبان خلق الانسان من صلصال کالفخار وخلق الجان من

مارج من نار فبای الاء ربکما تکذبان رب المشرقین ورب المغربین فبای الاء

ربکما تکذبان مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ لا یبغیان فبای الاء ربکما تکذبان

555

اشاره باوصاف بهشت و اوصاف بهشت

يخرج منهما اللؤلؤ والمرجان فباى الاء ربكما تكذبان وله الجوار المنشآت فى البحر كالاعلام
فباى الاء ربكما تكذبان كل من عليها فان ويبقى وجه ربك ذو الجلال والاكرام فباى الاء
ربكما تكذبان يسئله من فى السموات والارض كل يوم هو فى شان فباى الاء ربكما تكذبان
سنفرغ لكم ايها الثقلان فباى الاء ربكما تكذبان يا معشر الجن والانس ان استطعتم ان
تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان فباى الاء ربكما
تكذبان يرسل عليكما شواظ من نار ونحاس فلا تنتصران فباى الاء ربكما تكذبان
فاذا انشقت السماء فكانت وردة كالدهان فباى الاء ربكما تكذبان فيومئذ لا يسئل عن
ذنبه انس ولا جان فباى الاء ربكما تكذبان يعرف المجرمون بسيماهم فيؤخذ بالنواصى
والاقدام فباى الاء ربكما تكذبان هذه جهنم التى يكذب بها المجرمون يطوفون بينها
وبين حميم آن فباى الاء ربكما تكذبان ولمن خاف مقام ربه جنتان فباى الاء ربكما
تكذبان ولمن خاف مقام ربه جنتان فباى الاء ربكما تكذبان ذواتا افنان فباى
الاء ربكما تكذبان فيهما عينان تجريان فباى الاء ربكما تكذبان فيهما من كل
فاكهة زوجان فباى الاء ربكما تكذبان متكئين على فرش بطائنها من استبرق
وجنا الجنتين دان فباى الاء ربكما تكذبان فيهن قاصرات الطرف لم يطمثهن
انس قبلهم ولا جان فباى الاء ربكما تكذبان هل جزاء الاحسان الا الاحسان فباى الاء
ربكما تكذبان ومن دونهما جنتان فباى الاء ربكما تكذبان مدهامتان فباى الاء ربكما
تكذبان فيهما عينان نضاختان فباى الاء ربكما تكذبان فيهما فاكهة ونخل ورمان
فباى الاء ربكما تكذبان فيهن خيرات حسان فباى الاء ربكما تكذبان حور مقصورات فى الخيام

فباى

تمه خاتمه اشاره باوضاع اهل بهشت

فبای الاء ربکما تکذبان متکئین علی رفرف خضر وعبقری حسان فبای الاء ربکما تکذبان
تبارک اسم ربک ذی الجلال والاکرام   سورة الواقعه الصادر احوال اهل بهشت

بسم الله الرحمن الرحیم اذا وقعت الواقعة لیس لوقعتها کاذبة خافضة رافعة اذا رجت
الارض رجا وبست الجبال بسا فکانت هباء منبثا وکنتم ازواجا ثلاثة فاصحاب المیمنة
ما اصحاب المیمنة واصحاب المشئمة ما اصحاب المشئمة والسابقون السابقون اولئک المقربون
فی جنات النعیم ثلة من الاولین وقلیل من الاخرین علی سرر موضونة متکئین علیها
(لمنسوجة بالدر والیاقوت)
متقابلین یطوف علیهم ولدان مخلدون باکواب واباریق وکاس من معین لا یصدعون
عنها ولا ینزفون وفاکهة مما یتخیرون ولحم طیر مما یشتهون وحور عین کامثال اللؤلؤ المکنون
جزاء بما کانوا یعملون لا یسمعون فیها لغوا ولا تاثیما الا قیلا سلاما سلاما واصحاب الیمین ما   ۵۵۱
اصحاب الیمین فی سدر مخضود وطلح منضود وظل ممدود وماء مسکوب وفاکهة کثیرة لا
مقطوعة ولا ممنوعة وفرش مرفوعة انا انشاناهن انشاء فجعلناهن ابکارا عربا اترابا
لاصحاب الیمین ثلة من الاولین وثلة من الاخرین واصحاب الشمال ما اصحاب الشمال
(طبقة التی مع النبی — وطبقة من الاولین قبل النبی)
فی سموم وحمیم وظل من یحموم لا بارد ولا کریم انهم کانوا قبل ذلک مترفین وکانوا یصرون
علی الحنث العظیم وکانوا یقولون ائذا متنا وکنا ترابا وعظاما ءانا لمبعوثون اوءاباؤنا
الاولون قل ان الاولین والاخرین لمجموعون الی میقات یوم معلوم ثم انکم ایها
الضالون المکذبون لاکلون من شجر من زقوم فمالئون منها البطون
فشاربون علیه من الحمیم فشاربون شرب الهیم هذا نزلهم یوم الدین نحن خلقناکم

اشارت بتفسیر سورهٔ واقعه

فلولا تصدقون افرایتم ما تمنون ءانتم تخلقونه ام نحن الخالقون نحن قدرنا بینکم

الموت وما نحن بمسبوقین علی ان نبدل امثالکم وننشئکم فی ما لا تعلمون ولقد

علمتم النشأة الاولی فلولا تذکرون افرایتم ما تحرثون ءانتم تزرعونه ام نحن

الزارعون لو نشاء لجعلناه حطاما فظلتم تفکهون انا لمغرمون بل نحن محرومون

افرایتم الماء الذی تشربون ءانتم انزلتموه من المزن ام نحن المنزلون لو نشاء جعلناه

اجاجا فلولا تشکرون افرایتم النار التی تورون ءانتم انشأتم شجرتها ام نحن المنشئون

نحن جعلناها تذکرة ومتاعا للمقوین فسبح باسم ربک العظیم فلا اقسم بمواقع النجوم

وانه لقسم لو تعلمون عظیم انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون لا یمسه الا المطهرون

٥٥٦ تنزیل من رب العالمین افبهذا الحدیث انتم مدهنون وتجعلون رزقکم انکم تکذبون

فلولا اذا بلغت الحلقوم وانتم حینئذ تنظرون ونحن اقرب الیه منکم ولکن لا تبصرون

فلولا ان کنتم غیر مدینین ترجعونها ان کنتم صادقین فاما ان کان من المقربین

فروح وریحان وجنت نعیم واما ان کان من اصحاب الیمین فسلام لک من اصحاب

الیمین واما ان کان من المکذبین الضالین فنزل من حمیم وتصلیة جحیم ان هذا

لهو حق الیقین فسبح باسم ربک العظیم

تو بخدا تاملی کن تا بکه کجیدا آیه که ارده شغف وصل و ... دین اسلام و مسلمانی ... خداوند لطیف ... این

نماز مجمل مامور فرماید و خدا و رسول و علما ... این قدر تاکید اکید نماید ... این قدر در شرلت

آیا رواست با ... بی ... و بازیچه ... آورده خصوص عالم صورتان مدعی فضل و علم این جنابی نماز

بابن ذلت و حقارت میان عوام کالانعام بلهم اضل ... کلمه سخن لاابالی ... اند و عوض ...

بازیچه باطل نماید و غلط ... طایفه ضایع ... کوب و ... اعلا وادنا هر کلمه ... [illegible]

در دوم نجوی با دشمنان کوشش فساد دوم

در این زمان آمد عوام قاریان و علم قرائت و نماز صحیح با قاعده و قانون را از طرف و با ایمان نمود خداوند و حق جل
بی دینان را از میان مسلمانان بر طرف نماید و مسلمانان را از شر چنین مایه فساد محفوظ فرماید که التقدیر کتب قرائت
و طالبان و ساعیان نماز و قرآن خوانان و عالمان صحت نماز و قرائت و صحت صیغ عقود و ایقاعات
و صحت آداب و شرایط که از تعلیم و تعلم صحت آنها احتراز و منافی عار و ناموس میدانند چنانکه نماز اتمام از
اعمال و طاعات است علم قرائت هم بقدر کفاف و احتیاج واجب و لازم بود منسوخ کرده اند سهل است عوض عمل
خداوند بحق الواز خمسه با تشریح فاحش قرین نماید که اگر ضرر از علم قرائت داشتی از آتش دلم اطلاع یافتی که دین محمد را بطور
باطل کرده اند به کلمه افساد خداوند خود جزای این جماعت خوب خواهد داد انشاء الله چه قدر مناسب حال ایشان است آیه شریفه که
خداوند در سوره مجادله إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ
بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ
وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ
إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ
يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا
نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ
بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ يَا

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَ
التَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ
بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ
تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انْشُزُوا فَانْشُزُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ
وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ و قال فیه لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ
عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي
مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ
هُمُ الْمُفْلِحُونَ و قال في سورة الاحزاب وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا
بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا تا با حال هر چنین به عنت و فساد خصوص اهل علم و فضل باشند و حال آنکه تماشای اهل عنت
از آدم تا خاتم بلکه تا قیام قیامت اهل سواد و علم و فساد خواهند بود از که الواط دیگر کار ندارند بر ثابت عنت و فساد شد
إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا يَوْمَ تُقَلَّبُ
وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَا وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا
فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا يَا أَيُّهَا

در ملامت عالمان با بدعت [illegible] آخر زمان

الذین آمنوا اتقوا الله و قولوا قولا سدیدا یصلح لکم اعمالکم و یغفر لکم ذنوبکم و من یطع الله و رسوله
فقد فاز فوزا عظیما انا عرضنا الامانة علی السموات و الارض و الجبال فابین ان یحملنها و اشفقن
منها و حملها الانسان انه کان ظلوما جهولا لیعذب الله المنافقین و المنافقات و المشرکین و المشرکات
و یتوب الله علی المؤمنین و المؤمنات و کان الله غفورا رحیما (در سوره السبا) عجبست از مفید
آیات قرآنی که در حق صالح و طالح و سعید و شقی با کمال وضوح و ظهور در حق مستحقان لعن و طعن اشقیا
کالشمس فی رابعة النهار اصلا بر خود نپسندند و اعتنا ندارند قساوت و شقاوت تا بکی که خود را با تغییر [illegible]
و ترویج بدعت خود مسلمان و مروج دین اسلام تصور نمایند چه قدر شیطان انسی و بدتر از ابلیس که ابلیس
خود عاصی و شقی [illegible] اما خاطر جمع است که در آخر محمد و آل محمد را شفیع آورده بخشیده خواهم شد این خیال
و رجا [illegible] خود توجه و اعتنا ندارند چه قدر قساوت و شقاوت باید که بدتر از شیطان جن بودن است که شیطان
انس بدتر از شیطان جن می باشد که مصاحبت و مرافقت را نشاید قال علیه السلام و لا تصحب اخا الجهل و ایاک و ایاه
فکم من جاهل اردی حلیما حین آخاه اصحب خیار الناس تنج سالما و من صحب الاشرار یوما یجرح (و قال الله تعالی)
لیجزی الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک لهم مغفرة و اجر عظیم (و رزق کریم) و الذین سعوا فی آیاتنا معاجزین
اولئک لهم عذاب من رجز الیم و الذین لا یؤمنون بالآخرة فی العذاب و الضلال البعید و قال الذین
کفروا لن نؤمن بهذا القرآن و لا بالذی بین یدیه و قال [illegible] و اذا تتلی علیهم آیاتنا بینات قالوا
ما هذا الا رجل یرید ان یصدکم عما کان یعبد آباؤکم و قالوا ما هذا الا افک مفتری و قال [illegible]
الم تر الی الذین تولوا قوما غضب الله علیهم ما هم منکم و لا منهم و یحلفون علی الکذب و هم یعلمون
اعد الله لهم عذابا شدیدا انهم ساء ما کانوا یعملون اتخذوا ایمانهم جنة فصدوا عن
سبیل الله فلهم عذاب مهین لن تغنی عنهم اموالهم و لا اولادهم من الله شیئا اولئک
اصحاب النار هم فیها خالدون یوم یبعثهم الله جمیعا فیحلفون له کما یحلفون لکم و یحسبون
انهم علی شیء الا انهم هم الکاذبون استحوذ علیهم الشیطان فانساهم ذکر الله اولئک
حزب الشیطان الا ان حزب الشیطان هم الخاسرون ان الذین یحادون الله و رسوله اولئک
فی الاذلین کتب الله لاغلبن انا و رسلی ان الله قوی عزیز لا تجد قوما یؤمنون بالله و الیوم
الآخر یوادون من حاد الله و رسوله و لو کانوا آباءهم او ابناءهم او اخوانهم او عشیرتهم
اولئک کتب فی قلوبهم الایمان و ایدهم بروح منه و یدخلهم جنات تجری من تحتها
الانهار خالدین فیها رضی الله عنهم و رضوا عنه اولئک حزب الله الا ان حزب الله هم المفلحون
(و قال در سوره الحشر) یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد و اتقوا الله ان الله خبیر بما
تعملون و لا تکونوا کالذین نسوا الله فانساهم انفسهم اولئک هم الفاسقون لا یستوی اصحاب النار و
اصحاب الجنة اصحاب الجنة هم الفائزون لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرایته خاشعا متصدعا من خشیة الله
و تلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة هو
الرحمن

در علم بی عمل کسی اعمال و اوراد بدعت

الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المومن المهیمن العزیز الجبار
المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی
السموات و الارض و هو العزیز الحکیم و قال فی سورة الممتحنة یا ایها الذین آمنوا لا تتولوا قوما
غضب الله علیهم قد یئسوا من الآخرة کما یئس الکفار من اصحاب القبور و قال فی الصف
یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون کبر مقتا عند الله ان تقولوا ما لا تفعلون
ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفا کانهم بنیان مرصوص و اذ قال موسی لقومه یا
قوم لم تؤذوننی و قد تعلمون انی رسول الله الیکم فلما زاغوا ازاغ الله قلوبهم و الله لا یهدی
القوم الفاسقین و اذ قال عیسی بن مریم یا بنی اسرائیل انی رسول الله الیکم مصدقا لما بین یدی
من التوریة و مبشرا برسول من بعد اسمه احمد فلما جاءهم بالبینات قالوا هذا سحر مبین
و من اظلم ممن افتری علی الله الکذب و هو یدعی الی الاسلام و الله لا یهدی القوم الظالمین یریدون
لیطفؤا نور الله بافواههم و الله متم نوره و لو کره الکافرون هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین
الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون یا ایها الذین آمنوا هل ادلکم علی تجارة تنجیکم من
عذاب الیم تؤمنون بالله و رسوله و تجاهدون فی سبیل الله باموالکم و انفسکم ذلکم خیر لکم ان
کنتم تعلمون یغفر لکم ذنوبکم و یدخلکم جنات تجری من تحتها الانهار و مساکن طیبة فی جنات
عدن ذلک الفوز العظیم و اخری تحبونها نصر من الله و فتح قریب و بشر المومنین یا ایها
الذین آمنوا کونوا انصار الله کما قال عیسی بن مریم للحواریین من انصاری الی الله قال الحواریون نحن انصار الله فآمنت طائفة
من بنی اسرائیل و کفرت طائفة فایدنا الذین آمنوا علی عدوهم فاصبحوا ظاهرین و قال
و ما ارسلنا فی قریة من نذیر الا قال مترفوها انا بما ارسلتم به کافرون و قالوا نحن اکثر
اموالا و اولادا و ما نحن بمعذبین قل ان ربی یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر و لکن
اکثر الناس لا یعلمون و ما اموالکم و لا اولادکم بالتی تقربکم عندنا زلفی الا من آمن و عمل
صالحا فاولئک لهم جزاء الضعف بما عملوا و هم فی الغرفات آمنون و الذین یسعون فی
آیاتنا معاجزین اولئک فی العذاب محضرون فالیوم لا یملک بعضکم لبعض نفعا و لا ضرا و
نقول للذین ظلموا ذوقوا عذاب النار التی کنتم بها تکذبون و اذا تتلی علیهم آیاتنا بینات
قالوا ما هذا الا رجل یرید ان یصدکم عما کان یعبد آباؤکم و قالوا ما هذا الا افک مفتری
و قال الذین کفروا للحق لما جاءهم ان هذا الا سحر مبین و قال فیه یا ایها الناس ان
وعد الله حق فلا تغرنکم الحیوة الدنیا و لا یغرنکم بالله الغرور ان الشیطان لکم عدو
فاتخذوه عدوا انما یدعوا حزبه لیکونوا من اصحاب السعیر الذین کفروا لهم عذاب شدید و
الذین آمنوا و عملوا الصالحات لهم مغفرة و اجر کبیر افمن زین له سوء عمله فرآه حسنا فان الله
یضل من یشاء و یهدی من یشاء فلا تذهب نفسک علیهم حسرات ان الله علیم بما یصنعون
من کان یرید العزة فلله العزة جمیعا الیه یصعد الکلم الطیب و العمل الصالح یرفعه و الذین
یمکرون السیئات لهم عذاب شدید و مکر اولئک هو یبور و قال فیه انما یخشی الله من عباده العلماء ان الله عزیز غفور

اشاره بعد ایام رسوم ونماز منافقی را الی

و قال تعالی ان الذین یتلون کتاب الله واقاموا الصلواة وانفقوا مما رزقناهم سرا وعلانیة یرجون تجارة
لن تبور لیوفیهم اجورهم ویزیدهم من فضله انه غفور شکور والذی اوحینا الیک من
الکتاب هو الحق مصدقا لما بین یدیه ان الله بعباده لخبیر بصیر ثم اورثنا الکتاب الذین اصطفینا
من عبادنا فمنهم ظالم لنفسه ومنهم مقتصد ومنهم سابق بالخیرات باذن الله ذلک هو الفضل الکبیر
جنات عدن یدخلونها یحلون فیها من اساور من ذهب ولؤلؤا ولباسهم فیها حریر وقالوا
الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور الذی احلنا دار المقامة من فضله لا یمسنا فیها نصب
ولا یمسنا فیها لغوب والذین کفروا لهم نار جهنم لا یقضی علیهم فیموتوا ولا یخفف عنهم من عذابها
کذلک نجزی کل کفور وهم یصطرخون فیها ربنا اخرجنا نعمل صالحا غیر الذی کنا نعمل اولم نعمرکم ما یتذکر
فیه من تذکر وجاءکم النذیر فذوقوا فما للظالمین من نصیر ان الله عالم غیب السموات والارض
انه علیم بذات الصدور هو الذی جعلکم خلائف فی الارض فمن کفر فعلیه کفره ولا یزید الکافرین
کفرهم عند ربهم الا مقتا ولا یزید الکافرین کفرهم الا خسارا و اگر بعضی از برادران دینی ملامتم نمایند
در اعتراضات عیب گو مؤلف بی بضاعت [illegible] اول فرمایشات خالق [illegible] مثل الذین
حملوا التوریة ثم لم یحملوها کمثل الحمار یحمل اسفارا بئس مثل القوم الذین کذبوا بآیات الله والله لا یهدی
القوم الظالمین یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلواة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله وذروا البیع ذلکم
خیر لکم ان کنتم تعلمون فاذا قضیت الصلواة فانتشروا فی الارض وابتغوا من فضل الله واذکروا الله
کثیرا لعلکم تفلحون وقال در سوره المنافقون اذا جاءک المنافقون قالوا نشهد انک لرسول الله والله
یعلم انک لرسوله والله یشهد ان المنافقین لکاذبون اتخذوا ایمانهم جنة فصدوا عن
سبیل الله انهم ساء ما کانوا یعملون ذلک بانهم آمنوا ثم کفروا فطبع علی قلوبهم فهم لا یفقهون
واذا قیل لهم تعالوا یستغفر لکم رسول الله لووا رؤسهم ورایتهم یصدون وهم مستکبرون
سواء علیهم استغفرت لهم ام لم تستغفر لهم لن یغفر الله لهم ان الله لا یهدی القوم الفاسقین
هم الذین یقولون لا تنفقوا علی من عند رسول الله حتی ینفضوا ولله خزائن السموات
والارض ولکن المنافقین لا یفقهون یقولون لئن رجعنا الی المدینة لیخرجن الاعز
منها الاذل ولله العزة ولرسوله وللمؤمنین ولکن المنافقین لا یعلمون یا ایها
الذین آمنوا لا تلهکم اموالکم ولا اولادکم عن ذکر الله ومن یفعل ذلک فاولئک هم الخاسرون
وانفقوا مما رزقناکم من قبل ان یاتی احدکم الموت فیقول رب لولا اخرتنی الی اجل قریب
فاصدق واکن من الصالحین ولن یؤخر الله نفسا اذا جاء اجلها والله خبیر بما تعملون
و در سوره التغابن هو الذی خلقکم فمنکم کافر ومنکم مؤمن والله بما تعملون بصیر یعلم ما فی
السموات والارض ویعلم ما تسرون وما تعلنون والله علیم بذات الصدور الم یاتکم نبؤا
الذین کفروا من قبل فذاقوا وبال امرهم ولهم عذاب الیم ذلک بانه کانت تاتیهم رسلهم
بالبینات فقالوا ابشر یهدوننا فکفروا وتولوا واستغنی الله والله غنی حمید
یوم یجمعکم لیوم الجمع ذلک یوم التغابن ومن یؤمن بالله ویعمل صالحا یکفر عنه سیئاته ویدخله جنات

آیات کلام الله در علاج مرض ریح و تجربه نماز و ثمره طریق التقوی والایمان

۵۶۹

واجر کبیر واسروا قولکم او اجهروا به انه علیم بذات الصدور وقال الله تعالی در سورة الحاقة فاذا نفخ فی الصور
نفخة واحدة وحملت الارض والجبال فدکتا دکة واحدة فیومئذ وقعت الواقعة وانشقت السماء
فهی یومئذ واهیة والملک علی ارجائها ویحمل عرش ربک فوقهم یومئذ ثمانیة یومئذ
تعرضون لا تخفی منکم خافیة فاما من اوتی کتابه بیمینه فیقول هاؤم اقرؤا کتابیه انی
ظننت انی ملاق حسابیه فهو فی عیشة راضیة فی جنة عالیة قطوفها دانیة کلوا واشربوا هنیئا
بما اسلفتم فی الایام الخالیة واما من اوتی کتابه بشماله فیقول یا لیتنی لم اوت کتابیه ولم ادر
ما حسابیه یا لیتها کانت القاضیة ما اغنی عنی مالیه هلک عنی سلطانیه خذوه فغلوه ثم الجحیم صلوه ثم
فی سلسلة ذرعها سبعون ذراعا فاسلکوه انه کان لا یؤمن بالله العظیم ولا یحض علی
طعام المسکین فلیس له الیوم ههنا حمیم ولا طعام الا من غسلین لا یأکله الا الخاطئون
فلا اقسم بما تبصرون وما لا تبصرون انه لقول رسول کریم وما هو بقول شاعر قلیلا ما تؤمنون
ولا بقول کاهن قلیلا ما تذکرون تنزیل من رب العالمین ولو تقول علینا بعض الاقاویل
لاخذنا منه بالیمین ثم لقطعنا منه الوتین فما منکم من احد عنه حاجزین وانه لتذکرة
للمتقین وانا لنعلم ان منکم مکذبین وانه لحسرة علی الکافرین وانه لحق الیقین فسبح باسم ربک العظیم
قال الله تعالی در سورة المعارج سأل سائل بعذاب واقع للکافرین لیس له دافع من الله ذی المعارج تعرج
الملائکة والروح الیه فی یوم کان مقداره خمسین الف سنة فاصبر صبرا جمیلا وقال ان الانسان
خلق هلوعا اذا مسه الشر جزوعا واذا مسه الخیر منوعا الا المصلین الذین هم علی صلاتهم
دائمون والذین فی اموالهم حق معلوم للسائل والمحروم والذین یصدقون بیوم الدین والذین هم
من عذاب ربهم مشفقون ان عذاب ربهم غیر مأمون والذین هم لفروجهم حافظون
فمن ابتغی وراء ذلک فاولئک هم العادون والذین هم لاماناتهم وعهدهم راعون
والذین هم بشهاداتهم قائمون والذین هم علی صلاتهم یحافظون اولئک فی جنات مکرمون
فمال الذین کفروا قبلک مهطعین عن الیمین وعن الشمال عزین ایطمع کل امرئ منهم ان یدخل
جنة نعیم کلا انا خلقناهم مما یعلمون فلا اقسم برب المشارق والمغارب انا لقادرون
علی ان نبدل خیرا منهم وما نحن بمسبوقین فذرهم یخوضوا ویلعبوا حتی یلاقوا یومهم الذی
یوعدون یوم یخرجون من الاجداث سراعا کانهم الی نصب یوفضون خاشعة ابصارهم
ترهقهم ذلة ذلک الیوم الذی کانوا یوعدون وقال الله تعالی در سوره نوح علیه السلام رب اغفر لی ولوالدی
ولمن دخل بیتی مؤمنا وللمؤمنین والمؤمنات ولا تزد الظالمین الا تبارا چنانکه سابقا در مکتب ذکر شد
خداوند امر با قامه صلوة تصریح فرموده است و بجا آوردن نماز که در این کتاب تالیف شده
که با نماز جماعت جمع و شامل شود عجب است که اگر فرائت نماز کسی سهل شمارد
لابد صاحب چنان نماز بی اختیار سایر شرائط نماز دارا و عاطل خواهد شد بتجربه رسیده که از الطاف
الهی دور نگردد باشد و جمع شدن تمام شرائط کمال در دل حاصل گردد و اگر این حال بمیرد طالب علم
از دنیا خواهد رفت زیرا که اهل تقی تمام جمله کرده و در بطلان دنیا فریفته نماز نگاه میرود که سایر شرائط بجهت فائده

در ثمرات و نتایج و تعمیر و تخریب نماز و لاابالی

۳۹۰

محقق است وقتیکه قرائت عالم صوریان لاابالی که خراب و باطل کرده تمامی طاعات او از صحیح عقود و ایقاعات نماز
و نکاح و طلاق کلاً باطل و نماز عوام الناس که هوای بخود زده اند و عوام اینها اضلالت اخرت ... بواسطه هوا و مکر
علاوه بر معاصی بی حساب کافر سم کرده المسر لعین باضلال المفسرین ... الضلالت اخرت ...
هزار که ... این عالم بیچاره کون سبا کاست ... خواهد که ترویج دین خاتم النبیین ... کدام کتاب الله
و قال الله تعالی و اقیموا الصلوٰة و اتوا الزکوٰة و اقرضوا الله قرضاً حسناً و ما تقدموا لانفسکم من خیر
تجدوه عند الله هو خیراً و اعظم اجراً و استغفروا الله ان الله غفور رحیم و قال فی سورة المدثر
یا ایها المدثر قم فانذر و ربک فکبر و ثیابک فطهر و قال فیه یتسائلون عن المجرمین ما سلککم
فی سقر قالوا لم نک من المصلین و لم نک نطعم المسکین و کنا نخوض مع الخائضین و کنا نکذب
بیوم الدین حتی اتینا الیقین فما تنفعهم شفاعة الشافعین فما لهم عن التذکرة معرضین
کانهم حمر مستنفرة فرت من قسورة بل یرید کل امرئ منهم ان یؤتی صحفاً منشرة کلا بل
لا یخافون الاخرة کلا انه تذکرة فمن شاء ذکره و ما یذکرون الا ان یشاء الله هو اهل
التقوی و اهل المغفرة و فی سورة القیمة لا اقسم بیوم القیمة و لا اقسم بالنفس اللوامة ایحسب
الانسان ان لن نجمع عظامه بلی قادرین علی ان نسوی بنانه بل یرید الانسان لیفجر
امامه یسئل ایان یوم القیمة فاذا برق البصر و خسف القمر و جمع الشمس و القمر یقول الانسان
یومئذ این المفر کلا لا وزر الی ربک یومئذ المستقر ینبؤ الانسان یومئذ بما قدم و اخر
بل الانسان علی نفسه بصیرة و لو القی معاذیره لا تحرک به لسانک لتعجل به ان علینا جمعه و
قرانه ثم ان علینا بیانه کلا بل تحبون العاجلة و تذرون الاخرة وجوه یومئذ ناضرة الی ربها
ناظرة و وجوه یومئذ باسرة تظن ان یفعل بها فاقرة کلا اذا بلغت التراقی و قیل من راق
و ظن انه الفراق و التفت الساق بالساق الی ربک یومئذ المساق فلا صدق و لا صلی و لکن
کذب و تولی ثم ذهب الی اهله یتمطی اولی لک فاولی ثم اولی لک فاولی ایحسب الانسان ان
یترک سدی الم یک نطفة من منی یمنی ثم کان علقة فخلق فسوی فجعل منه الزوجین الذکر
و الانثی الیس ذلک بقادر علی ان یحیی الموتی سورة الدهر انا اعتدنا للکافرین سلاسل
و اغلالا و سعیراً ان الابرار یشربون من کاس کان مزاجها کافوراً عیناً یشرب بها عباد الله
یفجرونها تفجیراً یوفون بالنذر و یخافون یوماً کان شره مستطیراً و یطعمون الطعام علی حبه
مسکیناً و یتیماً و اسیراً انما نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاءً و لا شکوراً و قال فیه متکئین فیها
علی الارائک لا یرون فیها شمساً و لا زمهریراً و دانیة علیهم ظلالها و ذللت قطوفها تذلیلا
و یطاف علیهم بآنیة من فضة و اکواب کانت قواریرا قواریر من فضة قدروها تقدیراً
و یسقون فیها کاساً کان مزاجها زنجبیلا عیناً فیها تسمی سلسبیلا و یطوف علیهم ولدان
مخلدون اذا رایتهم حسبتهم لؤلؤاً منثوراً و اذا رایت ثم رایت نعیماً و ملکاً کبیراً عالیهم ثیاب
سندس خضر و استبرق و حلوا اساور من فضة و سقاهم ربهم شراباً طهوراً ان

در شیلیخ دیمرات و یندار و راه کهنبم و با نماز مسلمانی بهشت

٩١ ٣م

هذا كان لكم جزاء وكان سعيكم مشكورا انا نحن نزلنا عليك القران تنزيلا فاصبر لحكم ربك
ولا تطع منهم اثما او كفورا واذكر اسم ربك بكرة واصيلا ومن الليل فاسجد له وسبحه
ليلا طويلا ان هؤلاء يحبون العاجلة ويذرون وراءهم يوما ثقيلا نحن خلقناهم
وشددنا اسرهم واذا شئنا بدلنا امثالهم تبديلا ان هذه تذكرة فمن شاء اتخذ
الى ربه سبيلا وما تشاؤن الا ان يشاء الله ان الله كان عليما حكيما يدخل من يشاء في
رحمته والظالمين اعد لهم عذابا اليما سورة المرسلات

بسم الله الرحمن الرحيم والمرسلات عرفا فالعاصفات عصفا والناشرات نشرا فالفارقات فرقا
فالملقيات ذكرا عذرا او نذرا انما توعدون لواقع فاذا النجوم طمست واذا السماء فرجت واذا
الجبال نسفت واذا الرسل اقتت لاي يوم اجلت ليوم الفصل وما ادريك ما يوم الفصل ويل يومئذ
للمكذبين الم نهلك الاولين ثم نتبعهم الاخرين كذلك نفعل بالمجرمين ويل يومئذ للمكذبين
الم نخلقكم من ماء مهين فجعلناه في قرار مكين الى قدر معلوم فقدرنا فنعم القادرون
ويل يومئذ للمكذبين الم نجعل الارض كفاتا احياء وامواتا وجعلنا فيها رواسي شا
مخات واسقيناكم ماء فراتا ويل يومئذ للمكذبين انطلقوا الى ظل ذي ثلث شعب لا
ظليل ولا يغني من اللهب انها ترمي بشرر كالقصر كانه جمالت صفر ويل يومئذ للمكذبين هذا
يوم لا ينطقون ولا يؤذن لهم فيعتذرون ويل يومئذ للمكذبين هذا يوم الفصل
جمعناكم والاولين فان كان لكم كيد فكيدون ويل يومئذ للمكذبين ان المتقين في ظلال وعيون
وفواكه مما يشتهون كلوا واشربوا هنيئا بما كنتم تعملون انا كذلك نجزي المحسنين ويل
يومئذ للمكذبين كلوا وتمتعوا قليلا انكم مجرمون ويل يومئذ للمكذبين واذا قيل لهم
اركعوا لا يركعون ويل يومئذ للمكذبين فباي حديث بعده يؤمنون سورة النبا

بسم الله الرحمن الرحيم عم يتساءلون عن النبا العظيم الذي هم فيه مختلفون كلا سيعلمون
ثم كلا سيعلمون الم نجعل الارض مهادا والجبال اوتادا وخلقناكم ازواجا وجعلنا النهار
معاشا وبنينا فوقكم سبعا شدادا وجعلنا سراجا وهاجا وانزلنا من المعصرات ماء
ثجاجا لنخرج به حبا ونباتا وجنات الفافا ان يوم الفصل كان ميقاتا يوم ينفخ في الصور
فتاتون افواجا وفتحت السماء فكانت ابوابا وسيرت الجبال فكانت سرابا ان جهنم كانت
مرصادا للطاغين مابا لابثين فيها احقابا لا يذوقون فيها بردا ولا شرابا الا حميما
وغساقا جزاء وفاقا انهم كانوا لا يرجون حسابا وكذبوا باياتنا كذابا وكل شيء
احصيناه كتابا فذوقوا فلن نزيدكم الا عذابا ان للمتقين مفازا حدائق و
اعنابا وكواعب اترابا وكاسا دهاقا لا يسمعون فيها لغوا ولا كذابا جزاء من ربك
عطاء حسابا رب السموات والارض وما بينهما الرحمن لا يملكون منه خطابا يوم
يقوم الروح والملائكة صفا لا يتكلمون الا من اذن له الرحمن وقال صوابا ذلك
اليوم الحق فمن شاء اتخذ الى ربه مابا انا انذرناكم عذابا قريبا يوم ينظر المرء ما قدمت يداه

ويقول

در بیان شغل و علایم دین دار و طی مراتب اولیا و علما

۲۹۲

ویقول الکافر یا لیتنی کنت ترابا قال فی سورة النازعات فاذا جاءت الطامة الکبری یوم یتذکر الانسان ما سعی وبرزت الجحیم لمن یری فاما من طغی وآثر الحیوة الدنیا فان الجحیم هی الماوی واما من خاف مقام ربه ونهی النفس عن الهوی فان الجنة هی الماوی یسئلونک عن الساعة ایان مرسیها فیم انت من ذکریها الی ربک منتهیها انما انت منذر من یخشیها کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها فی سورة عبس فاذا جاءت الصاخة یوم یفر المرء من اخیه وامه وابیه وصاحبته وبنیه لکل امرئ منهم یومئذ شأن یغنیه وجوه یومئذ مسفرة ضاحکة مستبشرة ووجوه یومئذ علیها غبرة ترهقها قترة اولئک هم الکفرة الفجرة التکویر بسم الله الرحمن الرحیم اذا الشمس کورت واذا النجوم انکدرت واذا الجبال سیرت واذا العشار عطلت واذا الوحوش حشرت واذا البحار سجرت واذا النفوس زوجت واذا الموءودة سئلت بای ذنب قتلت واذا الصحف نشرت واذا السماء کشطت واذا الجحیم سعرت واذا الجنة ازلفت علمت نفس ما احضرت فلا اقسم بالخنس الجوار الکنس واللیل اذا عسعس والصبح اذا تنفس انه لقول رسول کریم ذی قوة عند ذی العرش مکین مطاع ثم امین وما صاحبکم بمجنون ولقد رآه بالافق المبین وما هو علی الغیب بضنین وما هو بقول شیطان رجیم فاین تذهبون ان هو الا ذکر للعالمین لمن شاء منکم ان یستقیم وما تشاؤن الا ان یشاء الله رب العالمین فی سورة الانفطار

ان الابرار لفی نعیم وان الفجار لفی جحیم یصلونها یوم الدین وما هم عنها بغائبین وما ادریک ما یوم الدین ثم ما ادریک ما یوم الدین یوم لا تملک نفس لنفس شیئا والامر یومئذ لله سورة المطففین ویل یومئذ للمکذبین الذین یکذبون بیوم الدین وما یکذب به الا کل معتد اثیم اذا تتلی علیه آیاتنا قال اساطیر الاولین کلا بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون کلا انهم عن ربهم یومئذ لمحجوبون ثم انهم لصالوا الجحیم ثم یقال هذا الذی کنتم به تکذبون قال فی سورة البروج ان الذین فتنوا المؤمنین والمؤمنات ثم لم یتوبوا فلهم عذاب جهنم ولهم عذاب الحریق ان الذین آمنوا وعملوا الصالحات لهم جنات تجری من تحتها الانهار ذلک الفوز الکبیر فی سورة الطارق والاعلی قد افلح من تزکی وذکر اسم ربه فصلی بل تؤثرون الحیوة الدنیا والآخرة خیر وابقی ان هذا لفی الصحف الاولی صحف ابراهیم وموسی بسم الله الرحمن الرحیم هل اتیک حدیث الغاشیة وجوه یومئذ خاشعة عاملة ناصبة تصلی نارا حامیة تسقی من عین آنیة لیس لهم طعام الا من ضریع لا یسمن ولا یغنی من جوع وجوه یومئذ ناعمة لسعیها راضیة فی جنة عالیة لا تسمع فیها لاغیة فیها عین جاریة فیها سرر مرفوعة واکواب موضوعة ونمارق مصفوفة وزرابی مبثوثة افلا ینظرون الی الابل کیف خلقت والی السماء کیف رفعت والی الجبال کیف نصبت والی الارض کیف سطحت فذکر انما انت مذکر لست علیهم بمصیطر الا من تولی وکفر فیعذبه الله العذاب الاکبر ان الینا ایابهم ثم ان علینا حسابهم فی سورة الفجر یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی فی سورة البلد والذین کفروا بآیاتنا هم اصحاب المشئمة علیهم نار مؤصدة وقال فی سورة الشمس

در نتایج ثمرات پندار راه جهنم و با نماز مسلمانی بهشت

۹۱

هذا كان لكم جزاءً وكان سعيكم مشكوراً انا نحن نزلنا عليك القرآن تنزيلاً فاصبر لحكم ربك
ولا تطع منهم آثماً او كفوراً واذكر اسم ربك بكرةً واصيلاً ومن الليل فاسجد له وسبحه
ليلاً طويلاً ان هؤلاء يحبون العاجلة ويذرون وراءهم يوماً ثقيلاً نحن خلقناهم
وشددنا اسرهم واذا شئنا بدلنا امثالهم تبديلاً ان هذه تذكرة فمن شاء اتخذ
الى ربه سبيلاً وما تشاؤن الا ان يشاء الله ان الله كان عليماً حكيماً يدخل من يشاء في
رحمته والظالمين اعد لهم عذاباً اليماً

سورة المرسلات

بسم الله الرحمن الرحيم والمرسلات عرفاً فالعاصفات عصفاً والناشرات نشراً فالفارقات فرقاً
فالملقيات ذكراً عذراً او نذراً انما توعدون لواقع فاذا النجوم طمست واذا السماء فرجت واذا
الجبال نسفت واذا الرسل اقتت لاي يوم اجلت ليوم الفصل وما ادريك ما يوم الفصل ويل يومئذ
للمكذبين الم نهلك الاولين ثم نتبعهم الآخرين كذلك نفعل بالمجرمين ويل يومئذ للمكذبين
الم نخلقكم من ماء مهين فجعلناه في قرار مكين الى قدر معلوم فقدرنا فنعم القادرون
ويل يومئذ للمكذبين الم نجعل الارض كفاتاً احياءً وامواتاً وجعلنا فيها رواسي شامخات
واسقيناكم ماءً فراتاً ويل يومئذ للمكذبين انطلقوا الى ظل ذي ثلث شعب لا
ظليل ولا يغني من اللهب انها ترمي بشرر كالقصر كانه جمالت صفر ويل يومئذ للمكذبين هذا
يوم لا ينطقون ولا يؤذن لهم فيعتذرون ويل يومئذ للمكذبين هذا يوم الفصل
جمعناكم والاولين فان كان لكم كيد فكيدون ويل يومئذ للمكذبين ان المتقين في ظلال وعيون
وفواكه مما يشتهون كلوا واشربوا هنيئاً بما كنتم تعملون انا كذلك نجزي المحسنين ويل
يومئذ للمكذبين كلوا وتمتعوا قليلاً انكم مجرمون ويل يومئذ للمكذبين واذا قيل لهم
اركعوا لا يركعون ويل يومئذ للمكذبين فباي حديث بعده يؤمنون

سورة النبأ

بسم الله الرحمن الرحيم عم يتساءلون عن النبأ العظيم الذي هم فيه مختلفون كلا سيعلمون
ثم كلا سيعلمون الم نجعل الارض مهاداً والجبال اوتاداً وخلقناكم ازواجاً وجعلنا النهار
معاشاً وبنينا فوقكم سبعاً شداداً وجعلنا سراجاً وهاجاً وانزلنا من المعصرات ماءً
ثجاجاً لنخرج به حباً ونباتاً وجنات الفافاً ان يوم الفصل كان ميقاتاً يوم ينفخ في الصور
فتاتون افواجاً وفتحت السماء فكانت ابواباً وسيرت الجبال فكانت سراباً ان جهنم كانت
مرصاداً للطاغين مآباً لابثين فيها احقاباً لا يذوقون فيها برداً ولا شراباً الا حميماً
وغساقاً جزاءً وفاقاً انهم كانوا لا يرجون حساباً وكذبوا باياتنا كذاباً وكل شيء
احصيناه كتاباً فذوقوا فلن نزيدكم الا عذاباً ان للمتقين مفازاً حدائق و
اعناباً وكواعب اتراباً وكاساً دهاقاً لا يسمعون فيها لغواً ولا كذاباً جزاءً من ربك
عطاءً حساباً رب السموات والارض وما بينهما الرحمن لا يملكون منه خطاباً يوم
يقوم الروح والملائكة صفاً لا يتكلمون الا من اذن له الرحمن وقال صواباً ذلك
اليوم الحق فمن شاء اتخذ الى ربه مآباً انا انذرناكم عذاباً قريباً يوم ينظر المرء ما قدمت يداه

ويقول

دربیان شغل و علایم وین و ارد و طی مراتب الاسماء و ورود علماء

۲۹۴

ویقول الکافر یالیتنی کنت ترابا تمام شد سورة النبأ فاذا جاءت الطامة الکبری یوم یتذکر الانسان
ما سعی وبرزت الجحیم لمن یری فاما من طغی وآثر الحیوة الدنیا فان الجحیم هی المأوی واما من خاف
مقام ربه ونهی النفس عن الهوی فان الجنة هی المأوی یسئلونک عن الساعة ایان مرسیها فیم
انت من ذکریها الی ربک منتهیها انما انت منذر من یخشیها کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة
او ضحیها سورة عبس فاذا جاءت الصاخة یوم یفر المرء من اخیه وامه وابیه وصاحبته وبنیه
لکل امرئ منهم یومئذ شأن یغنیه وجوه یومئذ مسفرة ضاحکة مستبشرة ووجوه
یومئذ علیها غبرة ترهقها قترة اولئک هم الکفرة الفجرة التکویر بسم الله الرحمن الرحیم
اذا الشمس کورت واذا النجوم انکدرت واذا الجبال سیرت واذا العشار عطلت واذا الوحوش حشرت
واذا البحار سجرت واذا النفوس زوجت واذا الموؤدة سئلت بای ذنب قتلت واذا الصحف نشرت واذا
السماء کشطت واذا الجحیم سعرت واذا الجنة ازلفت علمت نفس ما احضرت فلا اقسم بالخنس الجوار
الکنس واللیل اذا عسعس والصبح اذا تنفس انه لقول رسول کریم ذی قوة عند ذی العرش مکین
مطاع ثم امین وما صاحبکم بمجنون ولقد رآه بالافق المبین وما هو علی الغیب بضنین وما
هو بقول شیطان رجیم فاین تذهبون ان هو الا ذکر للعالمین لمن شاء منکم ان یستقیم وما تشاؤن
الا ان یشاء الله رب العالمین در سورة الانفطار
ان الابرار لفی نعیم وان الفجار لفی جحیم یصلونها یوم الدین وما هم عنها بغائبین وما ادریک
ما یوم الدین ثم ما ادریک ما یوم الدین یوم لا تملک نفس لنفس شیئا والامر یومئذ لله سورة المطففین
ویل للمکذبین الذین یکذبون بیوم الدین وما یکذب به الا کل معتد اثیم اذا تتلی علیه آیاتنا
قال اساطیر الاولین کلا بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون کلا انهم عن ربهم یومئذ
لمحجوبون ثم انهم لصالوا الجحیم ثم یقال هذا الذی کنتم به تکذبون قال در سورة البروج ان الذین فتنوا المؤمنین
والمؤمنات ثم لم یتوبوا فلهم عذاب جهنم ولهم عذاب الحریق ان الذین آمنوا وعملوا الصالحات لهم
جنات تجری من تحتها الانهار ذلک الفوز الکبیر در سورة الطارق والاعلی قد افلح من تزکی وذکر اسم ربه فصلی
بل تؤثرون الحیوة الدنیا والآخرة خیر وابقی ان هذا لفی الصحف الاولی صحف ابرهیم وموسی
بسم الله الرحمن الرحیم هل اتیک حدیث الغاشیة وجوه یومئذ خاشعة عاملة ناصبة تصلی نارا حامیة
تسقی من عین آنیة لیس لهم طعام الا من ضریع لا یسمن ولا یغنی من جوع وجوه یومئذ
ناعمة لسعیها راضیة فی جنة عالیة لا تسمع فیها لاغیة فیها عین جاریة فیها سرر مرفوعة و
اکواب موضوعة ونمارق مصفوفة وزرابی مبثوثة افلا ینظرون الی الابل کیف خلقت
والی السماء کیف رفعت والی الجبال کیف نصبت والی الارض کیف سطحت فذکر انما انت مذکر
لست علیهم بمصیطر الا من تولی وکفر فیعذبه الله العذاب الاکبر ان الینا ایابهم ثم ان علینا حسابهم
در سورة الفجر یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی
در سورة البلد والذین کفروا بآیاتنا هم اصحاب المشأمة علیهم نار مؤصدة وقال در سورة الشمس

ورد انسان تن اسلام ایمان دل چشم بهشت با نماز

٥٩٣

سورة الشمس

والشمس وضحيها والقمر اذا تليها والنهار اذا جليها والليل اذا يغشيها والسما وما بنيها والارض
وما طحيها ونفس وما سويها فالهمها فجورها وتقويها قد افلح من زكيها وقد خاب من
دسيها كذبت ثمود بطغويها اذ انبعث اشقيها فقال لهم رسول الله ناقة الله وسقيها
فكذبوه فعقروها فدمدم عليهم ربهم بذنبهم فسويها ولا يخاف عقبيها

در سورة الليل

والضحى فاما اليتيم فلا تقهر واما السائل فلا تنهر واما بنعمة ربك فحدث

سورة التين

والتين والزيتون وطور سينين وهذا البلد الامين لقد خلقنا الانسان في احسن تقويم ثم رددناه
اسفل سافلين الا الذين امنوا وعملوا الصالحات فلهم اجر غير ممنون فما يكذبك بعد بالدين
اليس الله باحكم الحاكمين

سورة القدر

انا انزلناه في ليلة القدر وما ادراك ما ليلة القدر ليلة
القدر خير من الف شهر تنزل الملائكة والروح فيها باذن ربهم من كل امر سلام هي حتى مطلع الفجر

در سورة البينة

ان الذين كفروا من اهل الكتاب والمشركين في نار جهنم خالدين فيها اولئك
هم شر البرية ان الذين امنوا وعملوا الصالحات اولئك هم خير البرية جزاؤهم عند ربهم جنات
عدن تجري من تحتها الانهار خالدين فيها ابدا رضي الله عنهم ورضوا عنه ذلك لمن خشي ربه

در سورة زلزال

اذا زلزلت الارض زلزالها واخرجت الارض اثقالها وقال الانسان ما لها
يومئذ تحدث اخبارها بان ربك اوحى لها يومئذ يصدر الناس اشتاتا ليروا اعمالهم فمن يعمل
مثقال ذرة خيرا يره ومن يعمل مثقال ذرة شرا يره

سورة القارعة

القارعة ما القارعة وما
ادراك ما القارعة يوم يكون الناس كالفراش المبثوث وتكون الجبال كالعهن المنفوش
فاما من ثقلت موازينه فهو في عيشة راضية واما من خفت موازينه فامه هاوية وما ادراك
ما هيه نار حامية

سورة التكاثر

الهيكم التكاثر حتى زرتم المقابر كلا سوف تعلمون ثم كلا سوف تعلمون كلا لو تعلمون علم اليقين
لترون الجحيم ثم لترونها عين اليقين ثم لتسئلن يومئذ عن النعيم

سورة العصر بسم الله الرحمن الرحيم

والعصر ان الانسان لفي خسر الا الذين امنوا وعملوا الصالحات وتواصوا بالحق وتواصوا بالصبر

سورة الهمزة

ويل لكل همزة لمزة الذي جمع مالا وعدده يحسب ان ماله اخلده كلا لينبذن في الحطمة
وما ادراك ما الحطمة نار الله الموقدة التي تطلع على الافئدة انها عليهم مؤصدة في عمد ممددة

و قال في سورة الماعون

ارايت الذي يكذب بالدين فذلك الذي يدع اليتيم ولا يحض على طعام
المسكين فويل للمصلين الذين هم عن صلاتهم ساهون الذين هم يراؤن ويمنعون الماعون

بسم الله الرحمن الرحيم ... سورة الكافرون

قل يا ايها الكافرون لا اعبد ما تعبدون ولا انتم عابدون ما اعبد ولا انا عابد ما عبدتم ولا
انتم عابدون ما اعبد لكم دينكم ولي دين

سورة النصر بسم الله الرحمن الرحيم

اذا جاء نصر الله والفتح ورايت
الناس يدخلون في دين الله افواجا فسبح بحمد ربك واستغفره انه كان توابا

سورة اللهب

تبت يدا ابي لهب وتب ما اغنى عنه ماله وما كسب سيصلى نارا ذات لهب وامراته حمالة الحطب في جيدها
حبل من مسد

صدق الله العلي العظيم

در شرایع و علایم تقوی و تخریب دین با نماز و مسلمانی

خاتم ترجمة الصلوة و تحرام الطاعات

تفصیل حالات

تو با بخدا تأملی فرما قرآن که تمامی آداب دین و رسوم و طرق اسلام و ایمان با مسلمانان است و کدام آیات و سور در آیه نماز اختراعی بدعت بار که بر دلالت صحت و اعتبار و تشکیل یوم معارف استعداد و اعتبار دارد از محکمات و متشابهات و اقسام دیگر مگر اینکه طریق واضح و شاهراه طریق ضلالت و گمراهی است و مسلک مخالف دعوت سبحانی و منهی عنه تمامی سرور شیطانی اما حالات وضوح دلایل عیوب اکثر امام الخبائث جامع و جمیع کل خبائث و مبطلات و معاصی دوری از رحمت خدا و رسول اکبر تر از تارک نماز زیرا که تارک نماز همیشه بازگشت و توبه قضا نمازهای که گذشته است این بدبخت بی توفیق نماز که از اختراعی بدعت و باطل همیشه بازگشت دارد که از دوام کار بدعت اسم نماز و تشریع و ترویج دین تصور نماید خصوص که صاحب علم و حال باشد بعقیده مستخف الصلوة و مرتد و کافر که حد این قدر تا ابد صادر است و در قرآن نسبه متواتره و در رسالهاش شرط واجب لوقف قرائت نماز را محو بلند و محو شده اعتنا بقول خدا و رسول دارد و نه اعتبار بفتوای مجتهد را مال خود دارد نا کمال تحصیل شیطانی که خدا و نه فرمود طس تلك آيات القرآن وكتاب مبين هدى وبشرى للمؤمنين الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة وهم بالآخرة هم يوقنون ان الذين لا يؤمنون بالآخرة زينا لهم اعمالهم فهم يعمهون اولئك الذين لهم سوء العذاب وهم في الآخرة هم الاخسرون و قال ومن اظلم ممن منع مساجد الله ان يذكر فيها اسمه وسعى في خرابها اولئك ما كان لهم ان يدخلوها الا خائفين لهم في الدنيا خزي ولهم في الآخرة عذاب عظيم و بر میفرماید ولا تلبسوا الحق بالباطل وتكتموا الحق وانتم تعلمون اشاره با بطلان حق و تمسید و ذلك که چه قدر قبیح و نادرست که بالاتر سر اسخافت و تعارض با خدا و رسول است خدا و رسول از بدعت نهی فرماید [illegible] اهل بدعت امر نماید هو الخسران المبين مثل الذين حملوا التورية ثم لم يحملوها كمثل الحمار يحمل اسفارا بئس مثل القوم الذين كذبوا بآيات الله والله لا يهدي القوم الظالمين و قال احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا آمنا وهم لا يفتنون و قال وما يجحد بآياتنا الا القوم الكافرون و قال في قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا ولهم عذاب اليم بما كانوا يكذبون و قال والذين آمنوا بالباطل وكفروا بالله اولئك هم الخاسرون و قال يوم يغشاهم العذاب من فوقهم ومن تحت ارجلهم ويقول ذوقوا ما كنتم تعملون ان الذين يكتمون ما انزلنا من البينات والهدى من بعد ما بيناه للناس في الكتاب اولئك يلعنهم الله ويلعنهم اللاعنون کدام دلالت بر ترویج و تحسین بدعت و بانیان بدعت دارد الا اینکه مرض است باطنی از روز الست و عالم ارواح که اختیار و ترجیح داده است اذا جاءك المنافقون قالوا نشهد انك لرسول الله والله يعلم انك لرسوله والله يشهد ان المنافقين لكاذبون اتخذوا ايمانهم جنة فصدوا عن سبيل الله انهم ساء ما كانوا يعملون ذلك بانهم آمنوا ثم كفروا فطبع على قلوبهم فهم لا يفقهون

هر کدام از عالم صور آن معنی نیست که مایل جهل و لجاجت شده از محالات ملیاشیه بوده یا جن و انسان و در ترویج طرق شیطانی و فتنه و فساد و بدعت گذارد اقسام ظلم بلا ابالی ترویج و مساعی ملیاشند بنده در اعراب ثانی که اکثر عوام تقدس و زهد و ورع بیشه از چنانکه نماز و قرائت نماز در هستی با جهل سالک بجهة اغوای و حیله شیطانی از اسباب که از مسلمانان برداشتند که در دار العلم خراسان نماز با قرائت رسم حفظ قاریان و عالم قرائت بلیغ جنان برداشتند صد نفر طلبه و عالم معتقد دو نفر نماز با قرائت و علم قرائت ثابت نشده بلکه از صد نفر دو نفر نماز ساقط نماز نباشد که اقل درجه وجوب و مختص حالات و مزورات شیطانیست درجه در جهه نسخ ابدی شرع و دین است چنانکه حق علمای طلاب

در شناختن راه جهنم و بهشت برای مؤمنین

[illegible]

است تمامی امور و بنیاد حضرت حق را که موافق اصول حقه صلبیه جاری و معمول همه از نماز را بطریق اولی و اهم با همگی [illegible] صلبیه
قائل هستند یعنی موافق احتیاط مجمع مجتهدین با علم قرائت [illegible] بمردم توانسته آموختن را در رسم واجب
سنت و جوازه بدعت دیگر را از هم تمیز دهند تا موافق هر یک عمل کنند زیرا بدانند زیرا که در وقت پرسیدن از
نماز صحیح و باطل فتوای باطل نه مسند بر زود رزود کافر نشوند و این پیر ضعیف زنده بگورم [illegible]
چه کار با این جماعت بد دین که خانه رسول خدا و علی مرتضی را هر بار چنان آتش زدند که منافقین اول
این کار را نتوانستند کردن این قدر اهل منبر و مسئله که در این شهر هست ختم الائمه دارند مسائل با نماز درست
صحیح بکار آید یا بنماز بدعت جزائی در روضه خوانی و گریه و مجلس کردن روضه آه ناله بلند و زیر گریه بلند که هزاران
این ناله بلند است اگر سعی و طلب بود در تعلیم قرائت نماز اکثر علما و طلاب این همه فساد عالم گیر [illegible]
عالم را بر نمیگرد برگها برداشته نیست و سرچشمه این همه فساد را همه انستند که نماز بدعت است چاره نماز حقه [illegible]
الصلواة تنهی عن الفحشا والمنکر چرا این نمازها بر عکس نتیجه دارند برای آنکه نتیجه این نمازها بدعت زیرا که از این [illegible]
کدام زمانها این قدر انواع فساد جمع شده بود تمامی مصائب و زحمات ائمه از خاتم انبیا و علی مرتضی مظلوم [illegible]
مقام و دولت شهادت [illegible] که برای اعلای کلمه نماز و متعلقات نماز بود که [illegible] نماز را
این طور نماز بدعت جزائی و بازیچه عوض [illegible] کرده بوده که این همه فساد و ظلم عالم گیر باشد و ذلک [illegible] (بقره ۵)
وزین لهم الشیطان اعمالهم فصدهم عن السبیل وکانوا مستبصرین [illegible]
در آن [illegible] در مدت توجه و عذاب آخرت مخاطب نباشند تا حسرت [illegible] انواع نعم بهشتی و الحان [illegible]
و یاس و حرمان او است [illegible] علاوه بر آیات متشابهات و کنایات و استعارات و تفسیر ائمه اطهار و احادیث
در خصوص [illegible] نماز و مستحبات نماز دارد گذشته و در باب نماز کتابها از فقهای عالی علامی ربانی [illegible]
علیهم بار رسیده است و عقول هر عاقل کامل [illegible] بسیار و تمامی قرآن در باب نماز و مسائل و احکام دین عبادات [illegible]
پس نماز مثل ولایت و امامت [illegible] ائمه سلام الله علیهم جمعی از ظالمان حق شکایت حقیقی خواهد که چنانکه در
بعد از ظهور حضرت حجة الله [illegible] در اول سیر آنحضرت که بمدینه تشریف آورد با انصار و یاران خود حلقه در برابر روضه رسول [illegible]
که این قبر کیست و اینها دو نفر در نزد او کیستند و چرا اینجا دفن شده اند تفصیلش را خواهیم نوشت [illegible] فلان و فلان
امر آنحضرت [illegible] بدن نحس ایشان را تازه بلند از [illegible] خبیث ایشان سوال نماید که اینها [illegible]
شناخته حضرت امر فرماید از ایشان تبری نماید [illegible] ایشان [illegible] ایمان آوردند [illegible]
معجزه [illegible] ارادت من این اراده هم سبب استحکام عقیده ماست و دشمنی شما که اینقدر مسلمانان را [illegible]
اینقدر جفاکاری [illegible] که ایمان نیاورده قاعده بر اثبات مثل هر حجتی نماز بدعت روز بروز محکم در منافقت [illegible]
میباشند حضرت امر [illegible] درخت سبز شد که فلان و فلان را بآن درخت خشک بسته [illegible]
از هزار نفر [illegible] باقی مانده که از شمشیر آنحضرت نجات یابند [illegible] اول کسیکه بعد از حجة الله رجعت فرماید امام
حسین باشد با رسول خدا و امیرالمؤمنین و سایر ائمه سلام الله علیهم شروع نمایند هر یکی از ائمه سلام الله [illegible]
شکایات از ظالمان حق نماید رسول خدا صلی الله علیه وآله بتفصیلیکه مذکور خواهد شد خصوص نماز [illegible] در سه جا

حضرت ... آقای ... سلمه الله

۳۹۶

در این ملک ما در دنیا در هر دقیقه از دقایق روز و شب مخاطب بخطاب ... حضرت ... شرایط و آداب ... [illegible]

نماز بازیچه ... غلط ... که ... شرایط نماز ... مخاطب باشد که

بی علم و فضل که باشد ... اعتنا و سهل ... و بازیچه ... نعوذ بالله العظیم

ملکه ... دین خاتم النبیین نام نهد و ذلک هو الخسران المبین ... در جناب ... التماس ...

کسی خواهند ... اگر مشیة الله متعلق باشد شفاعت ... [illegible]

شفاعت ... المبین ... [illegible]

... در سلک ... [illegible] ... سلسله ... [illegible]

اعمال و ردّ طاعات و اکثر عبادات ... ولایت ... [illegible]

و اعمال ناقصه ... رواج ... و اگر نماز خراب باشد ... ولایت ... [illegible]

... اگرچه خاتم زمان باشد ... [illegible]

نماز بازیچه ... معرکه ... و عوام فریبی ان قبلت قبل ما سواها و ان ردّت

ردّ ما سواها فراموش ... قرآن و آیات ... و ذلک تقدیر العزیز العلیم

... [illegible] ... مبارک ... [illegible]

... [illegible] ...

... کتاب خدا ... ملاحظه کن ... [illegible]

... [illegible] ... نماز ... [illegible]

... عالم ... قرائت نماز ... [illegible]

... اشاره و کنایه ... [illegible]

نماز ... و علم قرائت ... [illegible]

بحکم کلام الکنایة ابلغ من التصریح ... استعاره ... [illegible]

... نماز احتیاطی ... بشرایط ... [illegible]

نام نهند ... [illegible] ... در رسم قدیمی

... عقل کل ... دنیا همان

و مردمان از نسل و طرز و رسم همان مردمان ... [illegible]

همه ... که ... کدام باشند ... اسباب سعادت و شقاوت بسیار ... طاعت

نیز ... اولیاء الله ... جمیع اولیا

و انبیا و اوصیا ... چهارده معصوم سلام الله علیهم اجمعین ... دوستان ... افضل ... انبیا

... از حضرت امیر المؤمنین ... افضل ... مؤمنان ... افضل ... اهل

انتظار فرج ما المبین ... افضل عبادات نیز انتظار فرج ... حضرت ... [illegible]

... [illegible] ... ائمه اطهار سلام الله علیهم ... [illegible]

... [illegible] ...

در اشاره بفضایل و امامت و اشاره بحجیت شیعه در خاتمه و تتمه و تذکار

رجعت نمایند خوص شیعیان بجز دشنیدن برخیزند باحال وجد و سر در کار ایشان صرف بر کنده بوعید تجدید مخصوصه شفاعت [illegible]

نقارض بر کنده جو باره بساط ظلم و فساد جور را سر گرفته این دفعه منکوب و مخذول و ممتاز است اول قیامت صغری [illegible]

بطور بلکه در جاها و غارها و شکاف سنگها مخفی شده جهاد و سنگها فریاد بر آورند که ای شیعیان بیایید فلان شقی اینجا مخفی

شده بیرون بطور و لواء خود ایشان را بجزا رسانند کار بجایی رسد که از گرسنگی بمیرند و قاطرات انسانی [illegible] خوردن

نیابند مجلس تمام گشت باخر رسید عمر ما همچنان در اول وصف صلواة مانده تمامی قران و کتب آسمانی و انبیاء

اوصیا و علما در اول مراتب و اوصاف صورت و شکل قرائت نماز غرق حیران و دست و پا گم کرده و کیل و نایب علوم الله

یعنی عقل کل خاتم النبیین و سید الوصیین اوقات صلواة خود را گم کرده خبر از وجه مبارک نبود اشتغال بی

واسطه لاابالی در صحت شکل و صورت قرائت نماز با وجه علم و معرفت بی خبر نه عشا الفقد ندارند که قدر وجوب

بدعت و مکروه و سنت و جواز سقط قضای تمیز دهند و بشناسند که موافق اصل حسنه جلیه باشد باندازه فهم منفعله

و شبانه و حالی قوه تمیز نیک و بد را بشناسند میزان نماز سقط قضای بدرس و تحصیل آن قوه [illegible]

میزان بطلان و صحت و تحصیل نکرده جواب دهند کافر شوند دار کفر و ارتداد حق پاک ندارند مدخل امور [illegible]

نماینده و بعد از درک مراتب کفر و ارتداد چنین شخص چه فضیلت و ترجیح و مزیت بر شریح قاضی و جهار عالم

عامه عمیا دارند که اختراع مذهب کرده تضییع و تخریب نماز و مستحف نماز کم از جهال عالم بی ادب و تمیز نیستند

و اگر کوفی اینها قاتل امام حسین نیستند بلکه هزار درجه بالاترند از قتل جهارده معصوم بتغیر نماز و ترویج نماز [illegible]

اگر بکمال باطل ریاضت و جهد برای تحصیل علم قرائت و تصحیح نماز خود است از اهل آن برد مبادا عوارض این [illegible]

و الا همه ایشان مراد مقصر و عاصی و جاهل خلاصی داشت و از حسن دانش مقصر دانسته چه کتب [illegible] تعبیرها [illegible]

در شان امیر المومنین نازل شده یعنی برای شنیدن کلام حق گوش شنوا لازم است چنانکه قران مفسر ابطن [illegible]

بلکه مفتاد و هزار بطن معنی را شامل است که بغیر از معصوم نتوانسته درک نماینده خاصه و عامه روایت کرده اند

این آیه در شان آنحضرت نازل شده است چنانکه ثعلبی در تفسیر و حافظ ابو نعیم در حلیه و واحدی در اسباب نزول و

در خصایص و راعب اصفهانی در محاورات ابن معاذلی در مناقب و ابن مردویه در مناقب و اکثر مفسران و محدثان خاصه و عامه

از حضرت امیر و ابن عباس و ابن معاذلی و بریده اسلمی و ضحاک و غیره ذکر کرده اند بعضی این عبارت که خود حضرت امیر فرموده

رسول خدا و آله مراد بر گرفت و سینه خود را مراد گرفت که تو [illegible] نزدیک کرده ام و علوم خود [illegible] تعلیم نمایم و بر من لازم است اطاعت الله [illegible]

در حق تو و تو [illegible] سزاوار است که حفظ نمایی و فراموش نکنی پس این آیه نازل شده بروایتی فرموده که از خدا سوال کردم که این گوش را گوش تو

گرداند خدا استجابت کرد دعای مرا پس حضرت امیر المومنین فرموده بعد از آن هرچه شنیدم از آنحضرت هرگز فراموش نکردم چون توانم [illegible]

بعد از دعای آنحضرت فراموش کنم و علمای عامه بسیار باکمال تعصب گفته اند که مراد از عبارت اذن واعیه گوشی است که [illegible]

هرچه بشنود حفظ نماید و ضایع نکند بترک عمل و حفظ کنند بسیار کم است و سزاوار است برای مردم [illegible]

حفظ کردن چه نعمت است و حفظ لازم گرفته عمل کردن را زیرا که حفظ بدون عمل صدق حفظ ندارد پس مرد [illegible]

کسی است که حفظ از برای عمل ضبط نماید و حضرت امیر المومنین بود که حافظ علوم الهی بود کالشمس فی رابعة النهار است

خداوند فرموده هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون و آنحضرت اعلم ناس بود بعلم قران و روایت کرده

طبری از ام سلمه گفت شنیدم از رسول خدا که با علی است قران و قران با علی است از هم جدا نشوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند [illegible]

و حضرت رسول در مرض موت خود فرموده ایها الناس نزدیک است که روح مرا از میان شما ببرند بیشتر با شما سخن [illegible]

هر سه بند [illegible]

در اشارت محبت اهل بیت و امیر المؤمنین صلوات الله علیه

۱۴۹۲

و اتمام حجت بشما نمایم بدرستیکه من در میان شما دو چیز بزرگ میگذارم کتاب خدا و عالم و عترت طاهرات خود اهل بیت
ع سو گرفت و گفت که این علی با قرآنست و قرآن با این علی است از یکدیگر جدا نمیشوند تا روز قیامت در حوض کوثر
بر من وارد شوند پس ع سو از ایشان سوال نمایم که چگونه رعایت من در ایشان کردید مولف گوید هرگاه جماعتی متعصبی
نقل نمایند این چنین اخبار و مع ذلک آنرا رد و انکار نمایند پس این از برای علم بامامت و خلافت آنحضرت هرگاه در هنگام
رحلت فرماید که من میمیرم و بعوض خود میگذارم دو چیز در میان شما میگذارم و بعد دست حضرت امیر المؤمنین ع بگیرد
و فرماید که این علی با قرآنست و قرآن با این علی است و از یکدیگر جدا نمیشوند صریح است و لفظ و معنی قرآن با او است و مفسر
قرآن او است و قرآن بر حقیت او شهادت میدهد و متابعت قرآن بدون متابعت او روا نیست و بعد از آن بر سبیل تاکید گوید در قیامت
از ایشان سوال خواهم کرد که چگونه رعایت ایشان کردید هر عاقل که در این حدیث تامل نماید بی تعصب نور رسید اند که
نص صریح است بر خلافت قطع نظر از آنکه اعلمیت ثابت ملتفت کافی است از برای اولویت بامامت سیم و الصفا
ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا یعنی آنانکه ایمان آوردند و عملهای شایسته کردند زود باشد که قرار دهد
خدا از برای ایشان محبت و دوستی در دل بندگان مومن از اهل آسمان و زمین و در سبب نزول خطاب که یا علی بگو خداوندا بگردان برای من نزد خود
عهدی و بگردان برای من نزد خود در سینه های مومنان محبت و مودت پس خدای تعالی این آیه را فرستاد و حافظ ابو نعیم
در کتاب ما نزل من القرآن فی علی بسندهای خود از براء ابن عازب روایت کرده است و ایضا بسند خود از ضحاک از ابن عباس روایت کرده
که این آیه در شان حضرت امیر ع نازل شده یعنی محبت او در دلهای مومنان می افکند ایضا روایت کرده است که رسول صلی الله علیه
بجناب علی ع فرمود یا علی بگو که ای پروردگار خود سوال نما پس آنحضرت رسول خدا دست بدعا برداشته عرض کرد خدا
بگردان برای من نزد خود دوستی پس جبرئیل این آیه را آورد و ایضا ابن جبیر از ابن عباس روایت کرده است در تفسیر این آیه یعنی محبت علی ع
که در دل هر مومنی دارد و از محمد ابن حنفیه روایت کرده است که هیچ مومنی نیست مگر آنکه در دل او محبت علی ع هست و از ابن عباس روایت
که ما در مکه بودیم حضرت رسول صلی الله علیه و آله دست علی ع را گرفت و چهار رکعت نماز کرد در رکوع سر بسوی آسمان بلند کرد گفت
بسوی آسمان بلند کن و دعا نما هر چه خواهی سوال کن که بتو عطا خواهد شد پس آنحضرت بفرمود رسول خدا دست بدعا بلند کرد گفت خدایا قرار ده
برای من از نزد خود مودتی پس خدای تعالی این آیه را فرستاد و آنحضرت آیه را با صحاب خواند ایشان از این دعا بسیار تعجب کردند
حضرت فرمود چه تعجب مینمایند که قرآن چهار ربع است ربعی در شان ما اهل بیت است که مخصوص و ربعی در مذمت دشمنان ما
و ربعی در باب حلال و حرام است و ربعی در باب فرائض و احکام است بدرستیکه بهترین آیات قرآنی در شان علی ع و مدح او نازل شده
چنانکه این آیه در شان او است و اکثر مفسرین و محدثین روایت کرده اند مانند ثعلبی نیشابوری در تفسیر و جمهور حنفیه و ابن مردویه در مناقب و سجستانی
در غریب القرآن و طبری در خصایص و ابن حجر در صواعق و بسیاری غیر از ایشان در کتب خود روایت کرده اند قطع نظر از احادیث
مستفیضه شیعه که در این باب وارد شده است و ما در این رساله برای اثبات مودت آنحضرت اشاره نمائیم که بعد از دعا آنحضرت
نازل شده باشد و مخصوص آنحضرت بوده باشد غیر آن مودتی است که میان سایر مومنان است با همدیگر بلکه محبتی است که جزو ایمانست که ترک
آن کفر باشد و نفاق و دشمنی او از لوازم و جزو ایمانست و لازمه امامت علاوه لفظ صالحات که جمع معرف بالف و لام
افاده عموم دارد نیز دلالت بر امامت و عصمت دارد که مخصوص آنحضرت است و عصمت لازمه امامت دارد و اکثر العباد بوده از او فسقی
صادر شود بغض او لازم است بنابر این مطالب منافی عدالت است و به آنکه مراد مودتی است غیر از مودت عمومی مومنان
مودتی است که از ارکان دین و ایمانست بلکه مراد آنست که او مودتی باشد که دلیل ایمان باشد در مشکوة از صحیح ترمذی و مسند احمد بن حنبل
روایت است که حضرت رسول فرمود که دوست نمیدارد علی ع را منافقی و دشمن نمیدارد او را مومنی

۵۷۲

ملک خاتمه

در فضایل امیر المؤمنین برای تیمّن و تبرّک

۳۰۹۸

ابن عبد البر در استیعاب خود روایت کرده و گفته که طایفه از صحابه روایت کرده‌اند که حضرت رسول صلعم فرموده هر که دوست داشته مرا پس علی را دوست داشته
و هر که دشمن دارد علی را دشمن داشته مرا و هر که علی را آزار نماید مرا آزار کرده است و هر که مرا آزار رساند خدا را آزار کرده است و از جابر روایت کرده که
ما نمی‌شناختیم منافقان را در زمان حضرت رسول صلعم مگر به بغض علی و در روایت دیگر گوید که ما زاد و آغوش حق برابر علی بردیم اگر میل
که خندان تماشا کنان طالب وجه او بعضی ایشان میان ایشان جستند حلال زاده میدانستیم و اگر به دیدن علی ترسان و رو گردان
و غضبناک میشدند حرامزاده میدانستیم و در جامع الاصول از صحیح ترمذی روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین روایت از حضرت
رسول که دست حسنین را گرفته فرموده هر که مرا دوست دارد و این دو بزرگوار را دوست میدارد و پدر و مادر ایشان را دوست دارد با من
خواهد بود در درجه من در قیامت ایضا از صحیح ترمذی از ابی سعید روایت کرده است که گفت ما گروه انصار می‌شناختیم منافقان را
به بغض علی و در حدیث صحیح ترمذی ام سلمه روایت کرده است و از صحیح مسلم و ترمذی و نسائی که حضرت امیر فرموده سوگند به آنکه
دانه را شکافته و خلایق را آفریده که عهد کرد نبی امی با من که دوست نمیدارد مرا مگر مؤمن و دشمن ندارد مرا مگر منافق
و ابن حجر در صواعق محرقه از حضرت رسول صلی الله روایت کرده است که چون عمرو اسلمی شکایت از امیر المؤمنین کرد حضرت
فرموده که مرا آزار کردی عمرو گفت پناه میبرم به خدا از اینکه تو را آزار کنم حضرت فرموده هر که علی را آزار کند مرا آزار کرده است ایضا ابن حجر روایت
کرده است که بریده با حضرت امیر به یمن رفته بود چون برگشت با صحابه حرف گفت که علی جاریه را از خمس به تصرف کرده منافقان فرصت
یافته گفتند این مطلب را به رسول خدا الحق بنما پس از آن چون شنید حضرت رسول پس چون شنیده غضبناک شده
در حالتی که از صورتش ظاهر شده است که جمعی با علی دشمنی نمایند عیب جوئی او نمایند هر که علی را دشمن دارد مرا دشمن داشته است
هر که از علی مفارقت کند از من مفارقت کرده است علی از من است من از اویم و او از طینت من خلق شده و من از طینت
از طینت ابراهیم خلق شده ام من بهترم از ابراهیم پس این آیه را خواند ذریّة بعضها من بعض والله سمیع علیم
ای بریده مگر نمیدانی که حق علی در خمس زیاده از آنست که او برداشته و این مضمون را در جامع الاصول از صحیح ترمذی روایت کرده
ابن حجر و ابن اثیر در ترمذی و صاحب مشکاة روایت کرده‌اند از حضرت رسول روایت کرده‌اند که فرموده که حق تعالی امر کرده
مرا به دوستی چهار کس علی و سلمان و ابوذر و مقداد رضی معلوم است که محبت آن سه نفر برای آن بود که ایشان از شیعیان
امیر المؤمنین بوده‌اند ایضا ابن حجر به چندین سند از حضرت رسول روایت کرده است که هر که علی را آزار کند مرا آزار کرده است
علی را دوست دارد مرا دوست داشته است و هر که مرا دوست داشته است خدا را دوست داشته است هر که علی را دشمن دارد مرا دشمن داشته است
از مناقب احمد بن حنبل روایت کرده است که حضرت امیر فرموده که در باغی از باغهای مدینه در خواب بودم حضرت رسول
و فرمود که برادر من و پدر فرزندان من هر که در عهد من بمیرد در گنج الهی است و هر که
بعد از مرگ تو به محبت تو بمیرد حق تعالی ختم او به امن و ایمان میکند مادام که آفتاب طلوع و غروب نماید و احادیث بسیار وارد است
که اگر مردم جمع میشدند بر محبت علی بن ابی طالب حق تعالی جهنم را خلق نمیکرد و در فردوس الاخبار دیلمی و کتب دیگر
مخالفین روایت کرده از ابن عمر از حضرت رسول صلی الله که محبت علی حسنه است که ضرر نمیرساند با آن سیئه و بغض علی
سیئه ایست که نفع نمی‌بخشد با آن حسنه و ایضا از حضرت رسول مروی است که محبت علی گناهان را میخورد چنانکه آتش هیمه
میخورد و مروی در غریبین روایت کرده است از عباس بن الصامت که گفت که ما امتحان میکردیم اولاد خود را به محبت علی بن ابی طالب
هر گاه میدیدیم که دوست نمیدارد او را میدانستیم که حلال زاده نیست و اخبار در این باب از طرق مخالفین و موافقین
حد حصر بیرون است از سیاق این اخبار بر هر عاقل بصیر و هر عالم خبیر معلوم است که مراد از این قبیل اخبار یا امامت یا
امامت است که لازم دارد امامت را زیرا که ممتاز بودن شخصی در میان جمیع امت به آنکه محبتش علامت ایمان و حلالزادگی است و سعادت ابدی

دخول

در فضائل امیر المؤمنین و تحصیل آموزش از درگاه و سرچشمه آن

دخول بهشت جاودانی و محبت او محبت خدا و رسول باشد و دشمنی او نشانه حرامزادگی و نفاق و شقاوت ابدی و عذاب
و دشمنی خدا و رسول باشد نمیتواند بود مگر آنکه بعد از او خلیفه خدا و جانشین رسول خدا باشد و ولایت او جزو ایمان و اسلام
باشد بلکه مستلزم حصول ارکان اسلام و ایمان باشد و این معنی بدون مرتبه جلیله امامت که تالی مرتبه نبوت
کبری است متصور نیست و سایر مومنان هر چند محبت ایشان از جهت ایمان موجب ثواب است محبت ایمان
بر میگردد اما چنان نیست که محبت ایشان فی نفسه واجب و مستلزم حصول ایمان باشد و بغض ایشان از جهت ایمان
اگر چه بد است اما نهایتش آنست که اگر اظهار کنند گناه کبیره است اما موجب نفاق و کفر و کبیره و خروج از ایمان و
استحقاق عذاب ابدی نباشد پس معلوم شد که ولایت آنحضرت تالی شهادتین است و هم چنانکه با انکار توحید
و رسالت از ایمان و اسلام بدر میرود با انکار ولایت بلکه ترک محبت آنحضرت از ایمان بلکه از اسلام بدر میرود
اگر کسی گوید بنابر آنچه گفتی لازم آید که رتبه آنحضرت بالاتر از رتبه نبوت باشد زیرا که اگر چه انکار نبوت مستلزم
دخول نار میشود اما اقرار بآن مستلزم حصول ایمان و دخول بهشت نیست جواب گوئیم هر چند اقرار بنبوت فضل است
و آن اصل است اما چونکه اقرار بامامت لازم دارد اقرار بنبوت را اما اقرار بنبوت لازم ندارد اقرار بامامت را و اقرار
بامامت از جمله اجزاء ایمانست ازین جهت اقرار بامامت موجب نجات است و اقرار بنبوت بتنهائی موجب نجات نیست
زیرا که تحقق خاص مستلزم تحقق عام است و تحقق عام مستلزم خاص نیست مثلا هر جا که حیوان هست لازم نیست که انسان باشد
و هر جا که انسان هست البته حیوان هست چنانکه اقرار بکلمه توحید بتنهائی از اقرار برسالت اما لازم ندارد اقرار برسالت را
و اقرار برسالت لازم دارد اقرار بوجود صانع و توحید او و اقرار بهر دو بتنهائی موجب نجات نیست اقرار بامامت با انضمام
و اقرار بامامت امیر المؤمنین و ولایت او و متابعت وی لازم دارد اقرار بشهادتین و اقرار بسایر ائمه و اقرار بمعاد و سایر
ضروریات دین را زیرا که او مکمل ایمان عالمیانست و بمیان او همه اجزاء ایمان بر خلق ظاهر گردید ازین جهت ولایت
موجب نجات و رفع درجات و خلاص از عقوبات است از جمله آیات شریفه که صریحه در نفس ولایت است [illegible]
و ضروریه و در اول شروع و ابتدای امور چنانکه باید با اصل حسنه اصلیه شروع بآن کنند که [illegible]
جایز است یا حرام و بدعت هیچ چیز ملاحظه نمیکنند موافق هر یک از اعمال حسنه عمل کردن همچنین [illegible] این کار
و اسلام شروع کردن [illegible] کار ساخته نشود حقوق خود [illegible]
عظیم از ولایت و امامت باشد که اصل و فرع اسباب ایمان و اسلام بولایت حاصل خواهد شد و بدون ولایت تمامی طاعات
نتایج بر عکس یبدل الله حسناتهم سیئات خواهد شد علاوه بر مبادی منقولات که خداوند فرموده است لیس البر بان تأتوا
البیوت من ظهورها و لکن البر من اتقی و اتوا البیوت من ابوابها و اتقوا الله لعلکم تفلحون یعنی نیست نیکی در
آنکه در آئید بخانها و داخل آنها شوید از پشت آنها ولیکن نیکی کار کسی است که پرهیزکاری نماید و داخل خانها شوید از درهای آنها
و بپرهیزید از خدا و عذاب او شاید رستگار باشید محققان و مفسران گفته اند که مراد آنست که امور دنیا و آخرت را از اهلش طلب کنید
و علم و حکمت را از معدن و سرچشمه آن اخذ باید کرد و راه علم و درگاه آن ائمه اطهار سلام الله علیهم هستند چنانکه از حضرت
[illegible] منقول است که آل محمد ابواب علم خدا هستند و وسیله او و دعوت کنندگان بسوی بهشت و دلالت کنندگان
تا روز قیامت و موید این معنی است که در جامع الاصول از صحیح ترمذی روایت شده است از رسول خدا که فرمود انا مدینة العلم [illegible] بابها
پس هر که علم و حکمت خواهد باید از در آن درآید و این حدیث متواتر است شکی ندارد بغیر از شقاوت و نفاق و تعصب [illegible] در تفضیل [illegible] امام
از جهت تفضیل و اختیار عام است و معرفت از قضایا و احکام که اجرای آنها موقوف بعلم است که افضل و احسن [illegible] جمیع [illegible]
که با وجود ایشان امامت دیگران خطا است از نور آفتاب روشن است مگر شخص کور که اعلم [illegible] است باحکام و قضایا [illegible]

در اشاره بحرمت یافتن نماز و باستماع قاریان و علم قرائت

میرزایان علمای عامه پرسیده که آیا کسی از اصحاب رسول صلعم از علی و اثار حقیقت گفت که اسوکند به الله کسی و انا تراز علم نبیه مرالصفا
از ابن عباس روایت کرده اند که گفت که اسوکند و او است نعم دو جزء یعنی عطا که اعظم علما بود گفت در یک جزء عالم که همه نابود
واو دست بود در همان یک جزء شریک است با سایر علما صحابه بود دو جزء مخصوص حق هم بود و عمر نیست مگر معانی که اگر
نعمت خدا که بلند دارین قبیل اخبار اظهار واضحات برای شیعه کتب مجلس و سایرین علما پر است ما از قبیل تعجب و شریک
ذکر نمائیم در فضایل آنحضرت اگرچه قرآن بنا بر بعض اقوال علما چهار قسمت گشته اند از احکام و واجبات و فضایل و مطاعن اعدا
و واجبات و مستحبات و قصص انبیا ولی کلاً در فضایل ائمه است در حقیقت اگرچه قصص انبیا باشد و اگر فرضاً هیچ فضیلتی
نباشد این آیه کو حکم چند کلمه بس است در تمامی فضایل آنحضرت که خداوند درحق آنجناب و مفسرین جمیعاً ذکر کرده
و تعیها اذن واعیة در شان آنحضرت نازل شده دلیل بارز است بر کمال علم و حکمت و حافظه و توجه حق و علم و عمل و ضد از جمیع
جامع بقاء جمیع فیوضات شد صاحب قال و قرب پروردگار باشد و سزاوار ولایت و امامت و خلافت رسول عالمیان باشد
او کو گوش شنوا و عامل باشد هر چه که خداوند مخصوص او مدح فرماید هرم که خاتم انبیا فرماید اقضیکم علی که احکام نیز لازم گرفته
پس اهله و اراسه جمیع علوم باشد که مخزن علوم خدا آید چنانکه عینه دلیل عاجز است هر قدر صاحب قدر در رتبه خواهد بود که گوش شنوا
موافق شنیدن حق داشته باشد تحصیل ولایت که شخص که سر است و لوالی بسیار است باید از آن نشنیدن و عدم علم احکام
احکام و قضا باید در جمیع علوم دارا باشد و نه که نیز با علم و معرفت و علم و حلم و عمل نیز در رفقه لازم است که عمده علوم است
اطاعت و عبادت و ذلک بعد از خدا شناسی و علم اخلاق فقه است و علم قرائت نیز از متعلقات علم فقه و لازم ملزوم هستند آنها چنانکه ابن
زمان با غوای ابلیس لعین بعد از یأس تمام از اغوای مردم از مذهب چهار فرقه عامه عمیا میان شیعه مذهب بنا رخنه گرفته
بطلان نماز که مسئول شیعیان بود بنا نهاد و سعی بسیار کرد جاهل مسلمان که چقدر دارد ولی مولف را دست یاد کن چه حقد بر آن هم که در هر محله و بازار
مساجد و مجالس عوام و خواص به چهار نفر صد ساعت جمع میشوند حتی در کالج مباحثه حمد و سوره و تعلیم و تعلم باید
اطفال دوازده ساله زنان جوان و پیر و عمار مشغول تعلیم نماز قاری پسند چنانکه جمعه بن یوسف اکتفا نکرده منصل
مباحثه میکرده پیران ما لان این حقیر مقدار سال بسیار موجب شاهد دارد مراتب شیاع متعارف است این زمان که
هزار و سیصد و سی و پنج علما و طلاب با غوای ابلیس چنان علم قرائت و قاریان به مباحثه حمد و سوره و مقابله و تعلیم و تعلم نماز
برداشته اند که از صد نفر عالم بشمار و فاضل و طلاب محتاج حمد و سوره سقط قضا مانده اند که تمام ورقه سقط قضا باشد با نماز
احتیاطی نماز میکنند بشمار نماید آموختن قرائت نماز و هتک حرمت و عزت و فضل حق و حی و امر دسی میباید لازم است
فساده ابلیس لعین بواسطه اغوای علمای اهل منبر و مسلکین و موعظه و از افلاک و زمین و آسمان و ذکر عجایب و غرایب مجلس که آن در
جای عوام پسند اگر چه بلند و گاه رمز زیاد و شهرت و مباهات میدانند دو مسئله گویند که در عرضه منار کلمات را اندو
بی اعتنا نیستند بلند فریاد کنان که ایها الناس قرائت نماز تمیز حرف لفظیت میکنند قاریان و حال دلیلی و مسائل
باید عوض ترغیب دیگر بعض قرائت نماز صحیح قرائت این کلمات عوام پسند و گفته نماز و بنماز عبث
عوض میکرد خداوند خود در حق این جماعت از علما و محرک و بر خاتم النبیا خبر داده ومن الناس من یشتری لهو الحدیث
لیضل عن سبیل الله بغیر علم ویتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین واذا تتلی علیه آیاتنا ولی مستکبرا
کان لم یسمعها کان فی اذنیه وقرا فبشره بعذاب الیم حزب شیطان است بعد میفرماید او لو کان الشیطان
یدعوهم الی عذاب السعیر و بعد بایشان که نکرده میفرماید ومن کفر فلا یحزنک کفره الینا مرجعهم فننبئهم
بما عملوا ان الله علیم بذات الصدور باز میفرماید برای این نوع عالمان جاهل که و ما یجحد بآیاتنا الا کل ختار کفور
افمن کان مومنا کمن کان فاسقا لا یستوون البته مساوی نباشند از علمایی که با خوف و خشیت خدا شناسی و مظنه حق الله است

کردن دلی

بعضی از نتایج

در نتایج و سوانح قلوب قاسیه

[illegible] قساوت قلوب [illegible] و انصاف [illegible] و قبول [illegible] بر کرسی [illegible] آیات از خواندن [illegible]

[illegible] کسی است که در آیات و اخبار وعیدات و عذاب و عقاب [illegible] ملاحظه نفس خود [illegible] اعتبار [illegible] نفس بلکه

آیات رجا و ذکر بهشت و حور و قصور پرداخته [illegible] بهشت و حور و قصور [illegible] ملک [illegible]

که ماند [illegible] مقصور صرف [illegible] انواع [illegible] شیطان گرفتار [illegible] جهل [illegible] تعلم [illegible]

رسیده اول درجه سقط [illegible] اصلیه [illegible] که این نماز [illegible]

سنت و مکروه و مباحث در قرائت و طمأنینه به چه شکل است نماز است موافق علم قرائت یا [illegible]

عجب بازیچه [illegible] عجیب از اعمال [illegible] شود [illegible] چنانکه [illegible]

امامت [illegible] بزرگی [illegible] حضرت امام محمد باقر [illegible] قاضیان [illegible] حضرت [illegible] وظایف [illegible]

[illegible] که حق [illegible] امامت [illegible]

[illegible] شمشیر یا کارد [illegible] زبان فصیح عربی گفت [illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حضرت [illegible] گفت [illegible] حضرت [illegible]

عربی گفت این [illegible] حضرت [illegible] منکر اسلام [illegible]

٥٧٨ علاج [illegible] شام [illegible] خلیفه [illegible] حضرت [illegible] اصحاب حضرت جعفر

که [illegible] امام [illegible] حضرت امام جعفر صادق [illegible] قاضی [illegible]

[illegible] اهل بغداد [illegible] واسطه [illegible] علم [illegible] قتل امام [illegible] علما

[illegible] تغییر [illegible] نماز [illegible] علما [illegible] فقیه

[illegible] علما [illegible] نماز با قاعده علم قرائت [illegible] موافق علم قرائت [illegible]

قرائت با قاعده [illegible] قادر و عامل نباشند بلکه [illegible] سقط [illegible]

انقلاب و شورش [illegible] انواع [illegible] اقسام فتنه و فساد [illegible] الصلوة

تنهی عن الفحشاء والمنکر اگر نماز [illegible] برکت [illegible] و محبت [illegible]

[illegible] طاعت [illegible] معاصی [illegible] آیه و آیات [illegible] عکس نتیجه بخشد [illegible]

ویرانه [illegible] اسباب [illegible] العلم [illegible]

[illegible] الائمة [illegible] بلاد [illegible] نماز [illegible] حساب [illegible] فساد [illegible]

برکتها [illegible] نماز [illegible] آستانه [illegible] فلک [illegible] نمازها

[illegible] فساد علما است بحکم اذا فسد العالم فسد العالم [illegible] این نوع [illegible] مع ذلک [illegible]

این فساد [illegible] نماز [illegible] فساد [illegible] نمازها [illegible] روضه خوانی [illegible]

[illegible] مجلس روضه خوانی [illegible] قرائت و طمأنینه نماز [illegible] نماز است [illegible]

و حال آنکه [illegible] طاعات [illegible] نماز [illegible] غلط [illegible] مستحق [illegible] الصلوة

[illegible] نتیجه ندارد [illegible] فساد نماز [illegible] مردم [illegible] علما قرائت [illegible] نماز صحیح [illegible]

در اشاره به رجعت حضرت حجة الله و ایام محبت امیر المؤمنین با طلحه و زبیر

۵۰۲

در رجعت ائمه اطهار و فضایل امام عصر و بیان دولت حقه و شناختن امام عصر است با به اطهار و عوام و خواص اول امام حق را

شناختن و محبت و مودت داشتن رسالت به سایر ائمه است چنانکه اکثر عوام الناس محبت با امیر المؤمنین و امام حسین دارند امام

عصر حق را چنانکه شناختن نباید ... به امام حق جناب ... حضرت عباس ... خصوص اطفال ... زنان

بعضی غلو در مقام و مرتبه امیر المؤمنین ... محبت و امام شناسی نام نهند و از جمله مقدمات ظهور عالم

رجعت شنیدن حدیث مجعول ساخته عامه عمیاء ... میان سنیان کهتان و فقرا ... ائمه ... ابنیاء

حدیث ملعونه عشره مبشره معروفه است برای پرده کشی عیوب مطلق ... و پیشوایان را ... زبان سنیان

که در غزوه جمل حضرت امیر المؤمنین رد و تکذیب فرمود چنانکه شیخ اجل شیخ طبرسی اعلی الله مقامه در کتاب احتجاج روایت

کرده است که چون حضرت با اهل بصره ملاقات کرد در جنگ جمل زبیر را طلبید و با مصاحب خود با طلحه آمد در برابر حضرت

لعنة الله علیهما حضرت فرمود که ... با جمیع اهل علم از اصحاب رسول خدا و علما همه ... کرد اصحاب

جمل را لعن کرده است ... ناکث ... خارج ... زبیر گفت

حیله ما ... انکه ما اهل بهشتیم حضرت فرمود ... اهل بهشت ... فرمود ... زبیر گفت

مگر نشنیدی حدیث سعید بن عمرو بن نفیل که روایت کرده از رسول خدا که ده نفر از قریش در بهشتند حضرت فرمود ... مگر

اینکه نامهای آن ده نفر ... زبیر گفت آنها ابو بکر و عمر و عثمان و طلحه و زبیر و عبد الرحمن بن عوف و سعد بن ابی وقاص

و ابو عبیده بن جراح و سعید بن عمرو بن نفیل حضرت فرمود اینها نه نفر شد دهم کیست زبیر گفت

حضرت فرمود تو اقرار کردی ... از اهل بهشت ... و اما آنچه ... دعوی ... من ... زبیر گفت

آیا گمان داری که دروغ بر حضرت رسول بسته ام حضرت فرمود که گمان ندارم و الله یقین ... که افترا بر حضرت

رسول بسته ... که اینها ... در تابوتی ... در درجات اسفل درک جهنم که بر سر آن ... سنگی

هست هر گاه خدا خواهد که جهنم را بر افروزد ... امر فرماید ... از رسول خدا

اگر شنیده باشم خدا تو را ... ظفر دهد و ... سر او ... و اگر شنیده باشم خدا ظفر دهد

بر تو ... و ... بزودی به جهنم برد ... زبیر گریان برگشت ... و حال

عالی ... عقلیه اثبات این مطلب ... عقلاً که خدای تعالی غیر معصوم را خبر دهد که

که عاقبت تو البته در بهشت است زیرا که موجب ... قبیح است ... که اگر این عشره غیر معصوم

بوده ... اتفاق اکثر اینها ارتکاب کبایر میکرده اند ... ابو بکر در روز سقیفه و غیر سقیفه در مناقب

هیچ ... ذکر ... عمر ... مناقب و اوصاف خود ذکر نمیکرد و عثمان و قبیله او ... حتی

... در معرض قتل خود مناقب خود ... که مردم ... با این خبر ... نفع ... انکار

اعراب ... میشدند ... سعید ... وقتی ... که باب

ذلت ... نماز ... دفن و کفن نمایند ... اعوان و انصار او

حجت نمایند و لازم آید کفر طلحه که باتفاق ضلال ... و لازم آید کفر علی ... در روز

جمل زیرا که بعضی از عشره مبشره در آن صف بودند و بعضی در این طرف ... قتل دیگر ... اضلال ... شمند

... عثمان را در قبرستان بقیع ... وفن نمایند ... باغ یهودان دفن کردند بعد از ... دیوار ... برداشتند

و قبر او

از لوازم تعلیم و تعلم اطفال و عقاید

نواب حضرت صاحب الامر عج

[illegible] اهل و در قبرستان بقیع که [illegible] که در [illegible] قبرستان واقع است و بقیع معلوم [illegible]

به سبب غیبت حضرت حجة الله [illegible] شهادت [illegible] اما [illegible] نایب خدا [illegible]

بدون ولی و امام محال است استقرار یابد و حفظ مصالح السیاسات [illegible] تا زمان خروج و ظهور [illegible] مردم [illegible] است

و از [illegible] غیبت است صغری و کبری و در غیبت صغری آنجناب جمعی از شیعیان نواب داشت که مردم عرایض با ایشان میدادند و مسائل [illegible]

می‌پرسیدند و جواب بخط شریف آنحضرت می‌آمد [illegible] نواب [illegible] بخدمت آنحضرت میرساندند [illegible]

[illegible] شیعیان [illegible] میرسانیدند که از جانب آنحضرت منصوب [illegible] و جمیع [illegible] موصوف بودند

[illegible] و نواب معجزات و کرامات بسیار عظیم [illegible] مردم [illegible] که ایشان از جانب آنحضرت

منصوبند چنانکه مقدار و صفات [illegible] صاحبان اموال [illegible]

[illegible] و سایر احوال آینده و ماقبل [illegible] خبر میدادند [illegible]

در غیبت صغری جماعت بسیار از غیر سفرا نیز معروف از شیعیان [illegible]

[illegible] که حضرت امام علی نقی و حضرت امام حسن عسکری [illegible] شیعیان [illegible]

[illegible] و بعد از [illegible] ابوجعفر محمد بن عثمان [illegible] قائم مقام او گردید [illegible] امام حسن عسکری [illegible]

جانب حضرت صاحب و حضرت صاحب بعد از وفات عثمان نامه به محمد بن عثمان نوشت انا لله و انا الیه راجعون تسلیم [illegible]

[illegible] باسعادت [illegible]

[illegible] موجب [illegible]

[illegible]

[illegible] سعادات [illegible]

[illegible] محمد [illegible]

[illegible] توقیع [illegible]

[illegible]

[illegible] از حضرت امام حسن عسکری و از حضرت صاحب [illegible]

[illegible] حضرت صاحب الامر هر سال [illegible] حج [illegible]

مردم [illegible]

[illegible] ابن بابویه و شیخ طوسی [illegible]

[illegible] محمد بن عثمان [illegible]

[illegible]

[illegible] قرآن [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت صاحب الامر [illegible]

ابوالقاسم حسین بن روح [illegible] محمد بن عثمان [illegible]

[illegible] محمد بن عثمان [illegible]

در اشاره بذکر نواب حضرت حجة الله و خوارق عادات

روح نزد پاهای او نشسته بود پس محمد متوجه من شد و گفت حضرت مرا فرموده است که حسین را وصی خود و نایب خود نمایم پس
برخاستم و دست حسین را گرفتم بر جای خود نشاندم و خود در برابر او نزد پاهای او نشستم و بعد از آن جعفر در خدمت حسین
میبود و بخدمات او قیام میکرد جماعت بسیار از محدثین شیعه روایت کرده‌اند که چون نزدیک وفات محمد بن عثمان شد
اکابر شیعه را طلبید و گفت که اگر مرگ مرا یابد امر نیابت و سفارت را با ابو القاسم حسین بن روح سپارم و از جانب
حضرت صاحب مامور شده‌ام که او را نایب نمایم بعد از من در امور خود باو رجوع نمائید پس مجموع شیعه باو رجوع
نمودند زیاده بر بیست و یکسال او مشغول سفارت بود و مرجع جمیع شیعه بود و بنحوی تقیه میکرد که سنیان نیز او را از
خود میدانستند بسیار محبت میکردند و تحسین او بتقیه و لیکن فضیلت و ثواب تقیه است که اکثر جهال این زمان
تقیه را ملاحظه نمیکنند و حال آنکه وجوب تقیه تا زمان ظهور حضرت از علائم عمده تشیع است و بتقیه
ایشان نواب اقتدای امام زمان و یا نواب اقتدا تا ختم الیاس وارد روایت دیگر نواب تمامی اجماعت و اردر
تشیع آنکه جماعت الی اصل تا آنکه در ماه شعبان سال سیصد و بیست و شش بریاض جنان خرامید و بامر حضرت
صاحب الامر شیخ جلیل علی بن محمد سمری را وصی و قائم مقام خود نمود و سفارت و نیابت باو تعلق گرفت و سه
سال امر نیابت باو بود و در نیمه ماه شعبان سال سیصد و بیست و نه برحمت حق واصل گردید و آثار امامت ظاهرا
منقطع گردید و در آن سال اکثر علما و محدثین شیعه بعالم بقا ارتحال یافتند مانند علی بن بابویه و ثقة الاسلام محمد
بن یعقوب کلینی در رئیس محدثین علی بن بابویه قمی و در این سال بعالم بقا ارتحال فرمود و احمد بن ابراهیم رحمه الله گفته
با مشایخ شیعه رفتیم بخدمت علی بن محمد سمری و چون حاضر شدیم ابتدا فرمود خدا رحمت کند علی بن الحسین بن بابویه
که الحال برحمت الهی واصل شد پس مشایخ تاریخ آن روز را نوشتند بعد از هفده روز خبر رسید که علی در همان روز برحمت
الهی رفته است صاحب پسر علی بن بابویه این خبر را بهمان نحو روایت کرده و ابن بابویه و شیخ طوسی و دیگران روایت
کرده‌اند از حسن بن احمد کاتب گفت ما در بغداد بودیم در سالی که سمری برحمت الهی واصل شد چند روز قبل از فوت
او بخدمتش رفتیم فرمانی از حضرت صاحب بیرون آمد مضمونش این بود بسم الله الرحمن الرحیم ای علی بن محمد سمری خدا
عظیم گرداند اجر برادران ترا در مصیبت تو که تا شش روز دیگر تو از دنیا مفارقت خواهی کرد جمع کن کار خود را
و بکسی وصی و قائم مقام خود مگردان بعد از وفات خود که غیبت تامه واقع شد بعد از این ظاهر نمیشوم مگر بعد از اذن
الهی و این ظاهر شدن بعد از مدت بسیار طول خواهد کشید که دلها سنگین شود و زمین مملو از جور و ستم شود و جمعی مدعی مشاهده من
شوند که هر که مدعی مشاهده پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی دروغگو و مفتری باشد و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
ما نسخه این فرمان را نوشتیم و از نزد او بیرون آمدیم چون روز ششم شد بخدمت او رفتیم او در حالت احتضار دیدیم کسی باو گفت
وصی تو بعد از تو که خواهد بود گفت خدا را امری است که آن بعمل خواهد آمد یعنی غیبت کبری این را گفت
و بعالم باقی ارتحال نمود مولف گوید که جماعت بسیار از ثقات روایت کرده‌اند که در غیبت کبری آنحضرت را دیده‌اند و دلائل
و معجزات بعد از مفارقت مشاهده کرده‌اند و اگر با دعوی مشاهده نیابت و سفارت نمایند دروغ میگویند و اما معجزات
در زمان سفرا زیاده از آنست که در مثال این کتاب بیان شود کتابها بسیار دارد چنانکه اگر کسی طالب باشد در کتب حدیث بسیار
و شیخ صدوق محمد بن بابویه بسند صحیح از احمد بن اسحق روایت کرده است گفت رفتم که بخدمت حضرت امام حسن عسکری
میخواستم از آنحضرت سوال کنم که امام بعد از او که خواهد بود حضرت پیش از آنکه سوال نمایم فرمود ای احمد خدا
از روزیکه آدم را خلق کرده است تا حال زمین را از حجت خالی نکرده است و تا روز قیامت نیز خالی نخواهد گذاشت از حجت

باشد

از عقاید در حقیقت الرجعة

در اسامی بعضی شیعیان که آنحضرت را در طفولیت از شیعیان دیده بودند

باشد و خلایق به برکت او دفع کند بلاها را از اهل زمین و بسبب او باران از آسمان بفرستد و برکتهای زمین را بیرون آورد پس گفتم یا ابن رسول الله که امام و خلیفه خواهد بود بعد از تو حضرت برخاست و داخل خانه شد و بیرون آمد کودکی بر دوش خود مانند ماه شب چهارده سه ساله فرمود ای احمد ابن اسحق اگر نه این بود که تو گرامی بودی نزد خدا و حجتهای او این فرزند را بتو نمی نمودم این فرزند نام و کنیه او موافق نام و کنیه حضرت رسول الله است زمین را پر از عدل و داد کند بعد از آنکه پر از جور و ستم شده باشد ای احمد مثل او در این امت مثل خضر و ذو القرنین است بخدا سوگند که غایب خواهد شد غایب شدنی که نجات نیابد در غیبت او از هلاک شدن مگر کسیکه خدا او را ثابت دارد بر قول بامامت او و توفیق دهد خدا او را که دعا کند به تعجیل فرج او گفتم آیا معجزه و علامتی ظاهر میشود که خاطر من مطمئن گردد پس آن کودک بسخن آمد بلغت فصیح عربی گفت منم بقیة الله در زمین و انتقام کشنده از دشمنان او بعد از این ای احمد گفت که شاد و خرم و خوشحال از خدمت آنحضرت بیرون شدم و روز دیگر بخدمت رفتم و گفتم یا ابن رسول الله عظیم شد سرور من بآنچه انعام کردی بر من بیان کن سنت ذو القرنین و خضر که در آن حجت خواهد بود حضرت فرمود که آن سنت طول غیبت است ای احمد گفتم یا ابن رسول الله غیبت او طول خواهد کشید فرمود بلی بحق پروردگار من آنقدر طول خواهد کشید که برگردند از دین اکثر آنها که قائل بامامت او بوده اند و باقی نماند بر دین حق مگر اندکی که حق تعالی عهد ولایت ما را از او گرفته باشد و در دل او نقش ایمان را نوشته باشد و او را مؤید بروح ایمان کرده باشد ای احمد این امریست از امر خدا و سریست از اسرار پنهان الهی بگیر آنچه بتو عطا کردم و پنهان دار و از جمله شاکران باش تا روز قیامت در علیین رفیق ما باشی و از یعقوب بن منقوش روایت کرده که روزی رفتم بخدمت حضرت عسکری بر روی دکانی نشسته بود و از جانب راست آن حجره بود که پرده بر در آن داشت گفتم ای سید من کیست صاحب امر امامت بعد از تو فرمود پرده را بردار چون پرده برداشتم کودکی بیرون آمد که قامتش پنج شبر تقریبا هشت ساله یا ده ساله باشد با جبین گشاده چشمان درخشان و دستهای قوی و در رخسار راست او خالی و کاکل بر دوش آمده بر ران پدر بزرگوارش نشست حضرت فرمود اینست امام شما پس برخاست حضرت فرمود برو تا وقت ظهور مقرر حق من تماشا میکردم تا داخل حجره شد پس حضرت فرمود یا یعقوب نظر کن در حجره که کسی می بینی داخل شدم ندیدم هیچکس را در حجره و ابن بابویه بسند صحیح از محمد بن معاویه و محمد بن ایوب و محمد بن عثمان عمری روایت کرده است که همه گفتند که حضرت عسکری پسر خود حضرت صاحب را بما نمود و ما در منزل آنحضرت بودیم چهل نفر بودیم فرمود اینست امام شما بعد از من و خلیفه من بر شما اطاعت او بکنید پراکنده نشوید بعد از من که هلاک خواهید شد در دین خود بعد از این روز او را نخواهید دید پس از خدمت آنحضرت بیرون آمدیم و بعد از اندک روزی حضرت امام حسن عسکری از دنیا مفارقت کرد و ابن بابویه روایت کرده است از محمد بن صالح که چون جعفر کذاب منازعه کرد در باب میراث برادر خود امام حسن حضرت صاحب از کنار خانه ظاهر شد و گفت ای جعفر چرا متعرض حق من میشوی جعفر متحیر و ساکت شد پس حضرت غایب شد بعد از آن جعفر تجسس کرد بسیار از ... نیافت و چون جده امام حسن ... حضرت صاحب ... و وصیت کرده بود که او را در آن خانه دفن کنند جعفر خواستند دفن کنند جعفر آمد مانع شد که خانه ملک اوست در اینجا دفن نکنید حضرت ظاهر شد و فرمود ای جعفر آیا این خانه تو است و غایب شد و بکار او ... و شیخ طوسی بسند حسن از اسمعیل بن علی نوبختی روایت کرده است که ولادت حضرت صاحب در سامره واقع شد در سال دویست و پنجاه و شش کنیه او ابو القاسم بود و وصیت کرد حضرت رسول که اسم او اسم من است و کنیه او کنیه من است و لقب او مهدی است و اوست حجة خدا و منتظر و صاحب الزمان و اسمعیل گفته است من رفتم بخدمت حضرت امام حسن عسکری در مرضی که از آن مرض

٥٨٢

در بشارت بتولد حضرت صاحب الامر عجل الله فرجه

بعالم قدس ارتحال نمودن بعد در خانه متوسل نشستم در آنکه عقیقه خادم شد گفت که آب مصطفی از برای من کو شان پس مادر
حضرت صاحب آمد و او را آورد به دست آنحضرت داد چون حضرت بانشاء دست مبارکش گرفته قدح بدهانش مبارک گذارد
او را از دست گرفت عقیقه و فرمود داخل این خانه شو کودکی که در سجده است نزد من بیاور عقیقه داخل شده دیدم
که بالشتهای سیاه سر بسوی آسمان بلند کرده بعد از اتمام نماز مادرش دست او را گرفته که بیست برآورد و چون رسید سلام
بر پدر کرد چون آنحضرت نظرش بطفل افتاد گریست و گفت ای سید اهل بیت خود آب را بمن بده که من بسوی پروردگار خود
میروم آن طفل قدح آب مصطفی را برداشت و لبهای خود را حرکت داد و آورد آن را بپدر بزرگوار خود داد و چون آن را بیاشامید
فرمود مرا برای نماز مهیا کنید پس دستمالی در دامان حضرت انداختند و حضرت صاحب آنحضرت را وضو داد و یکمرتبه قائل
شد و حضرت آنوقت گفت ای فرزند گرامی تویی صاحب الزمان و تویی مهدی و تویی حجت خدا در زمین و تو فرزند
منی و وصی منی و تویی م ح م د پسر حسن و فرزند حضرت رسول و تویی خاتم امامان طاهر پاکیزه و رسول خدا بشارت داد
باسمت خود بابو و کنیه و نام تو بیان که و این عهدیست از پدر و پدران من که بمن رسیده است و در آن ساعت از این
جهان انتقال نمود و محمد بن عثمان عمری روایت کرده است که چون آن ما حضرت صاحب متولد شد حضرت امام حسن عسکری
پدرم را طلبید و گفت که ده هزار رطل قریب بهزار من نان و ده هزار رطل گوشت تصدق کنند بر بنی هاشم و غیر ایشان گوسفند
بسیار برای عقیقه بکشند و نسیم و ماریه کنیزان حضرت عسکری روایت کرده اند که چون حضرت قائم متولد شد بدو زانو نشست انگشتان
شهادت بسوی آسمان بلند کرد و عطسه نمود گفت الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله پس گمان کردند ظالمان که حجت خدا
برطرف خواهد شد اگر مرا رخصت سخن گفتن بدهد خدا شک بگرداند بعد از آن روایت کنند از جاریه حضرت عسکری که چون حضرت قائم
متولد شد نوری دیدم که از آنحضرت ساطع گردید و اطراف آسمان را گرفت و مرغان سفید دیدم که از آسمان بزیر می آمدند و بالهای
بر سر و رو و بدن آنحضرت می مالیدند و پرواز میکردند بسوی آسمان چون این واقعه را بحضرت عسکری نقل کردم حضرت خندید و فرمود اینها
ملائکه آسمانند فرود آمده اند تبرک جویند بآنحضرت و ایشان یاوران او خواهند بود در وقتیکه خروج و ظهور نماید و حضرت شیخ بزرگوار
شیخ محمد بن بابویه قمی و شیخ طوسی در کتابهای غیبت بسند معتبر روایت کرده اند از بشر بن سلیمان برده فروش خریدار
مادر حضرت قائم را بتفصیلیکه اکثر علما در کتابهای خود ذکر کرده اند از عمه امام حلیمه خاتون عمه حضرت امام حسن عسکری
و خبر داد ایشان آنحضرت از ولادت حضرت صاحب الزمان و مانع شدن همشیره که امشب از نرجس پسری متولد خواهد شد
و اینها ملک از دردی که حق داد آنکه از آثار تولد حملی چیزی نمود تا صبح اثری پیدا نمود خاتمه خوانگی
بنزد ایشان حضرت فرمود العمه بساد که الطرث شان عارض شد تولد ما امامان این طور میباشد شک نکن زمان او
رسیده است در آنکه و نرجس مضطرب شد نمودم که بر نرجس و در بر گرفتم بسم الله گفتم حضرت آواز داد که انا انزلنا
بخوان انا انزلنا میخواندم احوال میپرسیدم چه حالت داری گفت ظاهر شد آنچه مولایم فرموده بود بازشروع کردم بخواندن انا انزلناه
شنیدم شنیدم طفل در شکم با من شروع بخواندن انا انزلنا کرد بر من سلام کرد من ترسیدم حضرت صدا زد که تعجب
مکن از قدرت الهی که حق تعالی ما را بحکمت خدا گویا میگرداند و ما را در بزرگی حجت خود میگرداند در زمان پس چون سخن امام
تمام شد نرجس از چشم من غایب شد گویا پرده میان من و او حایل کرد پس دویدم بسوی امام حسن فریاد کنان
بر سان حضرت فرمود ای عمه برگرد او را در جای خود خواهی دید چون برگشتم پرده گشوده شد در نرجس نوری دیدم که
دیده ام خیره شد حضرت صاحب الامر را دیدم رو بقبله بسجده افتاده بر زانوها و انگشتان سبابه بسوی آسمان بلند کرده
که میگوید اشهد ان لا اله الا الله و ان جدی رسول الله و ان ابی امیر المومنین ولی الله پس یک یک امامان را برشمرد تا بخودش رسید فرمود اللهم انجز لی وعدی و اتمم لی امری و ثبت وطاتی و املاء الارض بی عدلا و قسطا

تولد حضرت صاحب الامر و غیبت صغری و کبری

و تسلط بعضی از اعادی بر او نصرت که من فرمود و فایق شد استیلا و انتقام مرا از دشمنان محو [illegible] و پر کند زمین را از
عدل و داد پس امام آواز داد که ای فرزند مرا بگو [illegible] آن حضرت [illegible] ... [illegible]
[illegible] نوشته شده بود جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل کان زهوقا یعنی حق آمد و باطل [illegible]
[illegible] پس حکیمه گفت چون آن فرزند سعادتمند [illegible] نزد پدر آوردم نظرش بر پدر افتاد سلام کرد حضرت او را گرفت
و زبان مبارک [illegible] ... زبان کرد [illegible] در کف حضرت و دست او [illegible] دست مبارک را
[illegible] الیه و گفت ای فرزند تکلم نما بقدرت الهی پس آن حضرت [illegible] فرمود بسم الله الرحمن الرحیم
و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض ونجعلهم ائمة ونجعلهم الوارثین ونمکن لهم فی الارض
ونری فرعون وهامان وجنودهما منهم ما کانوا یحذرون و این آیه کریمه موافق احادیث معتبره در شان
آن حضرت و آبای بزرگوار او نازل شده است و ترجمه ظاهر لفظش این است که میخواهیم منت گذاریم بر جماعتی که ایشان را
ستمکاران در زمین ضعیف کرده‌اند و گردانیم ایشان را پیشوایان دین و گردانیم ایشان را وارثان زمین و تمکین و استیلا
بخشیم ایشان را در زمین و بنمائیم بفرعون و هامان یعنی [illegible] و لشکر ایشان را از آن امامان آنچه حذر میکردند
[illegible] حدیث پس حضرت صاحب الامر صلوات بر حضرت رسالت پناه و حضرت امیر و جمیع امامان
تا پدر بزرگوارش پس [illegible] مرغان بسیار نزدیک آن حضرت [illegible] یکی از آن مرغان
صدا زد که این طفل را بردار و [illegible] و در هر چهل روز یکبار [illegible] آن حضرت را گرفته بسوی آسمان برد و سایر مرغان
[illegible] از پی او پرواز کردند امام حسن گفت که سپردم ترا بآن کسی که مادر موسی او را سپرد و موسی [illegible]
شد حضرت فرمود ساکت شو که شیر از غیر پستان تو بر او حرام است [illegible] بسوی تو برمیگردانم چنانچه حضرت موسی را بمادرش برگردانید
چنانکه حق تعالی فرموده است که پس برگردانیدیم موسی را بمادرش تا دیده مادرش [illegible] پس حکیمه پرسید که آن مرغ
که صاحب [illegible] حضرت فرمود که او روح القدس است که موکل است بائمه ایشان را موفق گرداند [illegible] و از [illegible]
[illegible] حکیمه گفت چون چهل روز گذشت [illegible] رفتم چون داخل شدم [illegible] دیدم [illegible] این طفل
حضرت [illegible] فرمود [illegible] اوصیا ایشان هرگاه امام باشند [illegible] کنند و [illegible]
[illegible] ایشان در [illegible] قرآن میخوانند و عبادت پروردگار میکنند و [illegible] ملائکه
[illegible] و هر صبح و شام بر ایشان نازل میشوند پس حکیمه گوید که هر چهل روز یکمرتبه بخدمت او میرسیدم و در زمان حضرت امام
حسن عسکری تا آنکه چند روز قبل از وفات آن حضرت او را ملاقات کردم بصورت مردان کامل او را نشناختم بفرزند برادر
گفتم که این کیست [illegible] فرمود این فرزند نرجس است و خلیفه منست بعد از من و عنقریب از میان
شما میروم [illegible] چند روز پس بعد از چند روز حضرت امام حسن عسکری بعالم قدس ارتحال نمود
و اکنون من حضرت صاحب الامر را هر صبح و شام ملازمت میکنم و از هر چه سوال مینمایم مرا خبر میدهد و کاه باشد
میخواهم سوالی بکنم [illegible] سوال بکنم جواب میدهد محمد بن عبدالله مطهری روایت کرده است که بعد از وفات حضرت
عسکری رفتم بخدمت حکیمه خاتون سوال کردم از حجت و امام زمان و خبر دادم او را از حیرت مردم او گفت [illegible]
چون نشستم گفت [illegible] حالی نمیگذارد از حجتی که یا ناطق است و یا ساکت [illegible] امامت میکنند [illegible]
تقیه میکنند مولف گوید که تقیه امام را از [illegible] است که امام صاحب العصر [illegible] نیز تقیه مینماید [illegible]
[illegible] است بعد حکیمه خاتون گفت که بعد از امام حسن و امام حسین امامت در دو برادر نباشد [illegible]
جعفر کذاب حق در امامت ندارد و این دو برادر امام بودن فضیلتی است که مخصوص حسنین [illegible] قرار داده است

۵۱۴

در غیبت و ظهور حضرت حجت و ارتحال پدر بزرگوارش

صاحب الزمان [illegible] امام حسن و البته امر مخصوص به اوست چنانکه فرزندان هارون ع [illegible]

موسی و مخصوص به ایشان [illegible] بلیعمر و صاحب [illegible] موسی [illegible] فضیلت [illegible]

موسی [illegible] این است [illegible] اهل البطلان [illegible] شیعیان [illegible]

[illegible] بعد از وفات امام حسن عسکری [illegible]

[illegible] امام حسن عسکری [illegible] فرزند [illegible]

بعد از [illegible] امامت [illegible] که ولادت آن حضرت [illegible] غیبت

[illegible] در حدیث [illegible] ذکر [illegible]

[illegible] از ولادت حضرت صاحب [illegible] آن حضرت [illegible] حضرت امام حسن

عسکری [illegible] مولای من [illegible] و توجیه [illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] حضرت صاحب [illegible]

[illegible] سلام [illegible] حضرت امام حسن عسکری [illegible]

[illegible] صحف آدم [illegible]

[illegible] تورات موسی [illegible] و انجیل عیسی و قرآن [illegible] انبیا [illegible]

امام حسن عسکری فرمود [illegible] این است [illegible] ملک [illegible] عرش [illegible]

[illegible]

[illegible] مقدس [illegible] که با طاعت تو [illegible] سلام [illegible]

[illegible] ملک [illegible]

[illegible] سلام [illegible] دشمنان [illegible]

[illegible] غیبت [illegible]

[illegible]

[illegible] حضرت [illegible]

[illegible] محمد بن بابویه قمی روایت کرده است [illegible]

[illegible] امام حسن عسکری [illegible]

[illegible] که بعد از پانزده روز داخل سامره [illegible]

[illegible] امر امامت [illegible]

[illegible] امام است بعد از من [illegible]

[illegible]

[illegible] در روز پانزدهم داخل [illegible]

[illegible] شنیدم از منزل [illegible] جعفر [illegible] شیعیان [illegible]

[illegible] تعزیت [illegible] امامت [illegible] اگر این امام است [illegible]

[illegible] اهلیت امامت دارد [illegible]

[illegible]

در ذکر بعض از وقایع غیبت صغری از کتاب صاحب العصر

پس بیرون شدم من هم برسم مردم تعزیت و تهنیت گفتم نزد الباب هیچ سوالی از من نکرد و من مشغول بودم خادم بیرون آمد
و جعفر خطاب کرد ای سید برادرت را کفن کردند بیا بر او نماز بگذار جعفر برخاست و شیعیان با او همراه گفتند
نماز گذارد چون بصحن خانه قدم نهادیم دیدم حضرت امام حسن عسکری را کفن کرده جعفر پیش آمد که بر او
نماز گذارد خواست تکبیر گوید طفلی گندمگون پیچیده موی گشاده دندان مانند پاره ماه بیرون آمد و ردای
جعفر را کشید و فرمود ای عمو پس بایست که من سزاوارم بر نماز پدر جعفر از عقب ایستاد و رنگش
متغیر شد آن طفل بر پدر بزرگوار خود نماز گذاشت و آنحضرت را در پهلوی حضرت امام علی النقی دفن کرد و متوجه من
و فرمود ای بصری جواب نامه‌ها که با تو است بسپار تسلیم کردم در خاطر خود گفتم که دو نشان از آنها که حضرت امام حسن
عسکری فرموده بود ظاهر شد یک علامت مانده است چون بیرون آمد یکی گفت برای امام حجت که بود این طفل حجت بر جعفر
پس جعفر گفت والله من نمیشناسم هرگز او را ندیده بودم حیران ماندم پس در این حال جماعتی از اهل قم آمدند سوال کردند
از حضرت امام حسن عسکری چون دانستند که وفات کرده است پرسیدند که امام کیست مردم اشاره کردند بسوی جعفر نزدیک رفتند تعزیه و تهنیت گفتند
و اظهار نمودند که با ما نامه‌ها و امانتی هست بگو که نامه‌ها از کیست و قدر مالها چند تا تسلیم نمائیم جعفر برخاست بعض گفت مردم از ما علم غیب
میخواهند در این حال خادم بیرون آمد از جانب حضرت صاحب و گفت با شما نامه فلان و فلان است و همیانی که در او
است با ده هزار اشرفی و در آن است که طلاست و روکش [illegible] آنجماعت نامه‌ها و مالها تسلیم خادم کردند و گفتند هر که ترا فرستاده است
که این نامه‌ها و امانتها را بگیرد او امام است و بعد از حضرت امام حسن همیان [illegible] پس جعفر [illegible] نزد معتمد که
خلیفه ناحق بود از زمان این وقایع نقل [illegible] و فرستاد که صیقل کنیز حضرت امام حسن عسکری را گرفتند
و [illegible] و او انکار کرد برای دفع مظنه ایشان گفت من حملی دارم از آنحضرت [illegible]
قاضی سپرده که چون وضع حمل شود او را بکشند ناگاه عبدالله بن یحیی که وزیر خلیفه بود مرد و صاحب الزنج در بصره خروج
کرد و ایشان بکار خود ماندند و کنیزک از خانه قاضی بخانه خود بازگشت و در [illegible] شیخ طوسی قدس سره از رشیق
روایت کرده معتضد خلیفه مرا و دو نفر دیگر را فرستاد و گفت هر یکی از شما اسبی سوار شوید و یکی را جنیبت کشیده
زود و سبکبار بسامره بروید بخانه حضرت امام حسن عسکری چون رسیدید غلامی سیاه بر در نشسته
بی‌اذن داخل شوید هر که در آنجا بیابید سرش را بیاورید چون بخانه حضرت رسیدیم در دهلیز خانه غلامی
رسیدیم دست در خانه کرد و گفت صاحبش و ما هیچ ملتفت نشد که منع نماید و اعتنا نکرد چون داخل شدیم خانه خالی
دیدیم پرده‌ای کشیده بود که گویا تازه از دست کارگر بیرون شده اما در خانه هیچکس نبود پس پرده برداشتیم
بر از آب چون دریاچه ایستاده و در بالای آن صحن خانه و در یاچه حصیری در روی آب و بر سر حصیر مردی ایستاده بزرگوار
مشغول نماز است و هیچ اعتنا بما التفات نکرد احمد بن عبدالله یکی از همراهان عجله کرد که داخل آب شود
نزدیک بود که غرق شود و اضطراب بسیار کرد تا دست او را گرفتم و بیرون آوردم نتوانستم عقب شد رفیق دیگر
به دریاچه زد و از حرص و غضب بر رفیق خود ملحق و داخل دریا شد من ترسیدم زبان باعتذار گشادم که از خدا و از
شما عذر میخواهم مرا ببخشید نمیدانستم حال که نسبت بشما [illegible] از حقیقت حال خبر نداشتم توبه کردم هیچ
التفات نفرمود مشغول نماز بود هیبت عظیم غالب شد برگشتم معتضد که در انتظار ما بود به دربانان سپرده بود که هر وقت
بیاییم زود بحضور برسانیم و در میان شب وارد شدیم تمام قصه را بیان کردم گفت اگر شنیدم این قصه را از
احدی بگویی گردن تو را خواهم زد پس نتوانستم با احدی نقل نمایم مگر بعد از وفات معتضد احمد بن اسحق [illegible] از

۵۸۶

الزنج

در ذکر بعضی از اشیاء جلیله در غیبت صغری که بحضرت صاحب الزمان از آن حضرت رسیده

و از کرامات حضرت امام حسن عسکری آنکه سعد بن عبدالله که از ثقات اصحاب است روایت کرده که خدمت آن حضرت رسیدم

جهت مسئله سعد گوید چون بدر دولتسرای آن حضرت رسیدیم احمد رخصت دخول برای خود و من طلب نمود داخل شدیم احمد با خود

همیان داشت که در میان همیان صد و شصت کیسه و کیسه همیان عبا از طلا و نقره داشت که یکی یکی از شیعیان مهر کرده

بخدمت آن حضرت فرستاده بودند چون بسعادت ملازمت رسیدیم در دامن آن حضرت طفلی نشسته بود مانند مشتری در کمال

حسن و جمال و در پیش … کاکل بود نزد آن حضرت گوئی از طلا بود بشکل انار که بنگینهای زیبا و جواهر گرانبها مرصع

شده که یکی از اکابر بصره بهدیه برای آن حضرت فرستاده بود بر دست آن حضرت نامه بود که آن حضرت مینوشت و چون آن طفل

مانع میشد انگور رومی انداخت که طفل از برای آن میرفت حضرت بکتابت مشغول میشد چون احمد همیان را گشود در خدمت آن حضرت

گذاشت حضرت با آن طفل فرمود که اینها هدیه و تحفه شیعیان تست بگشا متصرف شو آن طفل یعنی حضرت صاحب گفت ای آقا

آیا جایز است که من دست طاهر خود را دراز کنم بسوی مالهای حرام حضرت امام حسن عسکری فرمود ای پسر اسحق بیرون آور

در همیانست تا حضرت صاحب حلال و حرام را از یکدیگر جدا کند پس احمد یک کیسه را بیرون آورد فرمود این از فلان است

که در فلان محله قم میباشد شصت و دو اشرفی در این کیسه است چهل و پنج اشرفی از قیمت ملکی است که از پدر

میراث رسیده بود و فروخته و چهارده اشرفی قیمت هفت جامه است که فروخته است و کرایه دکان سه دینار است

حضرت امام حسن فرمود که راست گفتی ای فرزند بگو چه چیز در میان اینها حرام است تا بیرون کنم فرمود که در آن میان

یک اشرفی است بسکه ری بتاریخ فلان … نقش است و نصف نقش محو شده است و یک پاره مقراض شده

ناقص است یک دانگ و نیم است حرام در این کیسه همین دو دینار است و وجه حرمتش این است که صاحبش در فلان سال و فلان

ماه او را نزد جولاهی که از همسایگانش بود مقدار یک من و نیم ریسمان بود مدتی بر این گذشت دزد آنرا برد و جولاه

گفت که آنرا دزد برد تصدیق نکرد تاوان ازو گرفت ریسمانی باریکتر از آن که دزد برده بود بهمان وزن داد

که او را بافتند و بفروختند و این دو دینار از قیمت آن جامه است و حرام است چون کیسه را احمد گشود دو دینار بهمان

علامتها که صاحب الامر فرموده بود یافته برداشت و باقی را تسلیم فرمود پس صره دیگر بیرون آورد حضرت صاحب فرمود

که این مال فلانست که در فلان محله قم میباشد و پنجاه اشرفی در این صره است و ما دست دراز نکنیم پرسید چرا

فرمود که این اشرفیها قیمت گندمی است که میان او و برزگرش مشترک بود حصه خود را زیاده کیل نمود و گرفت مال آن

در این میان حضرت امام حسن عسکری فرمود که راست گفتی ای فرزند پس احمد گفت که این کیسهها را بردار و

که بصاحبانش برسانند که ما نمیخواهیم اینها را تا آنکه همه را … فرمود و چون سعد بن عبدالله

که مسائل چند … بپرسد حضرت عسکری فرمود که از نور چشم بپرس آنچه میخواهی و اشاره بحضرت صاحب فرمود پس

مسائل را پرسید جوابهای شافی شنید بعضی از مسائل را که از خاطرش محو شده بود حضرت از باب اعجاز بیاد او آورد

و این حدیث طولانی است که در حق الیقین و سایر کتب مجلسی مرحوم مفصل نوشته است که از جمله واجبات لازم

دانستن غیبت امام زمان و ذکر غیبت صغری و کبری و ظهور آن حضرت زیاده بر ذکر سایر ائمه سلام الله علیهم اجمعین لازم است

و منکر آن … بدعت است … عوام و اطفال خانه عمیا نباشند که از اول تمیز اطفال و زنان و عوام الناس

نماز با قرائت و با طمانینه نشناسند و … شناختن اسم و ظهور امام زمان بمیل و رغبت … باشند

چنانکه حال کار بجائی رسیده که تعلیم و تعلم نماز با قرائت صحیح و اسم امام زمان چنین … منافی عار و

ناموس و تضییع آبرو و احترام … طلاب و علمای … که عوام و کسبه و تجار …

کفر و فسق … از تعلیم و تعلم قرائت نماز …

ذکر بعضی اشخاصی که از خواص شیعیان آنحضرت میآمدند

و امام عصر ملکه قاریان و عالم قرائت سبعه با جمال منصه و جمله اهل معنوی بالکنایه و اشاره و کلمات رمز از دو ازمنان مسلمانان بر واشمند از مغرور بن اهل سلم است که در آخر سن وسال مؤلف باعث تالیف ابن حمید است قطب راوندی از جعفر بن محمد بن قولویه استاد شیخ مفید رحمه الله روایت کرده است که چون اسمعیلیه ملاحده کعبه را کنده و حجر الاسود را بکوفه نقل نمودند در سال سیصد و سی و هفت که اول عیبت کبری بود خواستند حجر الاسود را بکعبه برگردانند و در جای خود نصب نمایند من با امید ملاقات و دیدن حضرت صاحب الامر در آنسال اراده حج کردم زیرا که در احادیث صحیحه وارد است که حجر الاسود را کسی بغیر از معصوم و امام زمان نمیتواند نصب نماید چنانکه قبل از بعثت حضرت رسالت که سیلاب کعبه را خراب کرد حضرت رسول او را نصب نمود و در زمان حجاج که کعبه را بر عبدالله زبیر خراب کرد خواستند بسازند هر که حجر را بجایش نهاد لرزید و قرار نگرفت تا آنکه حضرت امام زین العابدین او را گرفت خود نهاد و قرار گرفت اما در آنسال متوجه حج شدم چون ببغداد رسیدم علت صعبی مرا عارض شد که بر جان خود ترسیدم نتوانستم بحج روم نایب گرفتم مردی از شیعیان را که او را ابن هشام میگفتند با عریضه بخدمت حضرت نوشتم مهر کردم در آن عریضه نوشتم که آیا عمر من تمام است یا باقی مانده است از این مرض عاقبت دارم یا نه و نایب را گفتم که این نامه را بدست کسی ده که حجر الاسود را بجای خود نصب نماید و جواب آنرا بگیر و بیاور ابن هشام گفت که من چون داخل مکه شدم مبلغی بخدمه کعبه دادم که در وقتی که ایشان حجر را نصب نمایند که در آن وقت توانم ببینم حجر را که بجای خود گذارد و از ازدحام مردم نگذارد مانع من شوند چون خواستند که حجر را بجای خود گذارند خدمه مرا در میان گرفتند چنانچه میگفت من نظر میکردم هر کس حجر را میگذاشت حرکت میکرد و می افتاد تا آنکه جوانی خوش رو خوش قد خوش صورت گندم گون پیدا شد حجر را از دست ایشان گرفت بجای خود نهاد که اصلا حرکت نکرد و بس خروش از مردم برآمد چون بلند شد از در روانه شد من از عقب او دوانیدم نظر میکردم مردم را میشکافتم از جانب راست و چپ مردم گمان میکردند که دیوانه شده ام چون قدری از مردم کنار شدیم ایشان با کمال آرام و وقار میرفتند من میدویدم و بگرد ایشان نمیرسیدم تا بمکانی رسیدیم که غیر از من و ایشان کسی نبود ایستاد روی بمن فرمود که بده آنچه با خود داری رقعه را بدو دادم دست مبارکش داد رقعه را گرفت و فرمود بگو بفرستنده که بتو خوفی نیست در این علت و عاقبت خواهی یافت و اجل محتوم تو بعد از سی سال است چون این حال و کلام مشاهده کردم و کلام معجز نظامش تمام شد خوف عظیم بر من مستولی شد که حرکت نتوانستم نایب گوید و چون این خبر بابن قولویه رسید یقین او زیاده شد و در حیوة بود تا سال سیصه شصت و هفت از هجرت پس مرض ظاهر شد وصیت و تهیت و کفن و ضروریات سفر آخرت را مهیا نمود مردم تعجب مینمودند که این مرض مهلک نیست فرمود چون سی سال را که امام من مولایم خبر داده سال رفتن منست پس با همان مرض بمنازل رفیعه بهشت انتقال فرمود الحمد لله تعالى نحمو الیه الاخیار الاطهار الى دار القرار و نیز سید علی بن طاووس رضی الله عنه نقل کرده که من در سامره بودم و سحر شب سیزدهم ماه ذیحجه یا ذیقعده الحرام سال ششصد و سی و هفت صدای حضرت صاحب الامر را شنیدم از برای شیعیان زنده و مرده دعا میکرد باین اسلوب که میفرمود اللهم زنده بدار ایشانرا در عزت ما و پادشاهی و ملک ما و دولت ما و شیخ ابن بابویه روایت کرده است از احمد فارسی که گفت من در شهر همدان شدم همه را سنی یافتم بغیر از یک محله که ایشانرا بنی راشد میگفتند همه شیعه امامی مذهب بودند از سبب تشیع ایشان پرسیدم مرد پیری از ایشان که آثار صلاح و سداد و دیانت از او ظاهر بود گفت سبب ما آنست که جد اعلای ما که ما همه منسوب باو هستیم بحج رفته بود گفت در وقت مراجعت پیاده میآمدیم چند منزل که آمدیم در یک روزی در راه از قافله جدا شدم خواب

اشاره به بعضی از شیعیان که در غیبت صغری به حضور آن حضرت رسیدند

بود که فرزند امامان بود و پدر امام بود حق تعالی تو را در فردوس اعلی با پدران خود ساکن گرداند پس گفت بعد از حج

اراده داری گفتم فرزند امام حسن عسکری را طلب می‌نمایم گفت بمطلب خود رسیده امر بشنو و مستعد شو که امشب بمنزل خود رو

و مهیای سفر شو و مخفی دار چون ثلث شب بگذرد بیا بنزد من در شعب بنی عامر که بمطلب خود برسی ابن مهزیار گفت

بخانه خود برگشتم در این اندیشه بودم تا ثلث شب گذشت پس بار بر شتر بستم و بسوی شعب روانه گردیدم چون بشعب رسیدم آن

جوان را در آنجا دیدم چون مرا دید گفت خوش آمدی و خوشا حال تو که ترا رخصت ملازمت داده‌اند پس همراه او

روانه شدیم تا از منی و عرفات گذشتیم چون بپای عقبه طایف رسیدیم گفت ای ابوالحسن پیاده شو و تهیه نماز کن

پس نافله شب را بجا آوردیم صبح طالع شد نماز صبح را مختصر ادا کردیم بعد از سلام بسجده رفتیم و رو بخاک مالیدیم و سوار شدیم

تا بالای عقبه رفتیم گفت نظر کن در بالای عقبه نیز برای تمامی شیعیان مستقل محل نامل نظر است تا ابراهیم که تقیه امام

عصر در چه درجه است در صحرا و دور از مردم و فلوات بلاد در کوه و بیابانها پس اگر آن گفت نظر کن چه می‌بینی

نظر کردم خیمه از موی دیدم که نور آن تمامی آسمان را فرو گرفته و روشن کرده گفت منتهای آرزوی تو در آنجا است

دیدهات روشن باد چون از عقبه بیرون رفتیم گفت از شتر پیاده شو که اینجا مقصد است چون از مرکب پیاده شدیم

گفت دست از مهار شتر بردار که اینجا حرم است هر که داخل شود در آن خواهد ایمن است و هر که خارج شود در آن خواهد است یعنی ایمن

و امانت بیرون از شتر است پس در صحبت او رفتیم تا نزدیک خیمه مطهره منوره گفت اینجا باش تا اذن بگیرم

بعد از آنکه زمانی بیرون آمد نیز مرا بکمال‌ت اذن داد که نزد امام برو تا ابراهیم مراتب تقیه امام خود باز فرمود چون رسید خدمت آن حضرت

شد و داخل شوم چون داخل شدم دیدم آن حضرت بر روی نمد نشسته و نطع سرخی بر روی نمد افکنده و بر بالشی از پوست تکیه کرده

سلام کردم بهتر از سلام من جواب با لطف و مرحمت ادا فرمود دیدم بار روی نورانی مانند ماه چهارده شبه بار دوکش و دو ذقن مانند

بلندی گشاده پیشانی با ابروهای باریک کشیده پیوسته و چشمان سیاه و ملیح گشیده و گونه نورانی در نهایت حسن و بینی باریک

رخسارش خالی مانند مشکی که بر روی نقره ریخته باشد بار روی و موی عنبرین بر سر سرش موهای عنبرین تا بر کتف رسیده

از پیشانی مطهرش ساطع نور تابان مانند ستاره درخشان با نهایت سکینه و وقار و حیا و حسن اطوار پس احوال شیعیان را

یک یک از من پرسید عرض کردم که ایشان در دولت بنی عباس در نهایت مشقت و ذلت و خواری زندگانی

می‌نمایند فرمود روزی خواهد بود که شما مالک و غالب ایشان خواهید شد و ایشان در دست شما ذلیل باشند پس فرمود

که پدرم شبیه بما است کلام و جواب آن بزرگوار فرمود که پدرم از من عهد گرفته است که ساکن نشوم مگر در جای مخفی و پنهان

و دور تا آنکه کنار باشم از مکاید و مفاسد اهل ظلم و ضلال و متمردان جهال تا هنگامی که حق تعالی رخصت فرماید که

ظاهر گردم و با من گفته است که ای فرزند حق تعالی اهل بلاد و طبقات زمین خالی نمی‌گذارد از حجت و امامی که مردم پیروی آن نمایند

و حجت حق تعالی باد در خلق تمام ملیت ای فرزند گرامی تو آنکسی هستی که خدا مهیا کرده است تو را برای نشر حق و ازاله

باطل و اعلای دین و اطفای نایره مصلحین پس ملازم جاهای پنهان باش از بلاد زمین و دور باش از بلاد ظالمان و وحشت

نخواهد بود تو را از تنهائی بدانکه دلهای اهل طاعت و اخلاص مایل خواهند بود بسوی تو مانند مرغان که بسوی آشیان خود شتابان

کرد می‌رسند که بظاهر در دست مخالفان ذلیل و خوارند نزد حق تعالی عزیز و گرامی‌اند و اهل قناعت و استدلال اعلام تشیع و بر متابعت

اهل بیت زنده‌اند و استنباط دین از آثار ایشان می‌نمایند و مجاهده و مجاهدت با اعدای دین می‌کنند و خدا ایشان را مخصوص گردانیده است

گردانیده است با آنکه صبر کنند بر مذلتها که از مخالفان دین می‌کشند تا آنکه در دار قرار بعزت ابدی فایز گردند ای فرزند صبر کن

در مصادر و موارد امور خود که حق تعالی اسباب دولت ترا میسر گردانید و علمهای زرد و رایتهای سفید در میان حطیم و زمزم کعبه بر سر تو

در اسامی بعضی از نواب آنحضرت که بخدمت آنحضرت مشرف شده‌اند

۱۴

بحوالی دراید فوج فوج از اهل اخلاص و مصافات تشرف بحجر الاسود بسعی تو بیابند و با تو بیعت کنند در حوالی حجر الاسود و ایشان را جمعی باشند که طینت ایشان پاک باشد از آلودگی نفاق و دلهای ایشان پاکیزه باشد از کدورت شقاق و طبایع ایشان نرم باشد برای قبول دین و مسلط باشند در دفع فتنه‌های مصائب و در آن وقت صبح دین بار آید و صبح حق درخشان گردد و حق تعالی بتو ظلم و طغیان را از زمین براندازد و در مجالس امان در اطراف جهان ظاهر شود و بر غبار رسیدن شرایع دین مبین با شیانه‌های خود برگردند و به سطوت رفیع و ظفر بساط ملت سر سبز و شاداب گردد آنگاه حضرت فرمود که باید آنچه در این مجلس گذشت پنهان داری و اظهار ننمائی مگر بر جمعی که از اهل صدق و صفا باشند و صاحب وفا و امانت باشند ابن مهزیار گفت چند روز در خدمت آنحضرت ماندم و مسائل مشکله خود را از آنجناب سؤال کردم آنگاه مرا مرخص فرمود که باهل خود معاودت نمایم و در روز وداع زیاده از پنجاه هزار درهم با خود داشتم بهدیه بخدمت آنحضرت بردم و التماس بسیار کردم که قبول فرماید تبسم فرمود استعانت جو در ایمان در برگشتن بسوی وطن خود که راه دراز در پیش داری و دعای بسیار در حق من فرمود گفتم و حکایات و اخبار در این باب بسیار است این مختصر گنجایش [illegible] ندارد و ایضاً ابن بابویه از محمد بن عبد الله کوفی روایت کرده است که او احصا کرده است عدد جماعتی را که بخدمت آنحضرت رسیده‌اند و معجزات آنحضرت بر ایشان ظاهر گردیده است از وکلا و ایشان و غیر وکلا عثمان بن سعید و عمرو پسرش محمد و حاجز و بلالی و عطار از کوفه عاصمی و از اهل اهواز محمد بن ابراهیم بن مهزیار و از اهل قم احمد بن اسحق و از اهل همدان محمد بن صالح و از اهل ری بسامی و محمد بن ابی عبد الله و از اهل آذربایجان قاسم بن علا و از نیشابور محمد بن شاذان و ابوحاتم و از غیر وکلا از اهل بغداد ابو القاسم بن ابی حابس و ابو عبد الله و ابو عبد الله جنیدی و هرون فزاز و ابو القاسم بن دبیس و ابو عبد الله بن فروخ و مسرور طباخ آزاد کرده امام علی النقی و احمد و محمد پسران حسن برادر شیخ محمد بن اسحق کاتب از بنی نوبخت و صاحب کوسفندها و صاحب صره مهر دار از همدان محمد بن کشمرد و جعفر بن حمدان و محمد بن هرون بن عمران و از دینور حسن بن هرون و احمد پسر برادر و ابو الحسن و از اصفهان ابن بادشاله و صیمره زیدان و از قم حسن بن نضر و محمد بن محمد و علی بن محمد بن اسحق و پدرش حسن بن یعقوب و از اهل ری قاسم بن موسی و پسرش و ابو محمد بن هرون و صاحب سنگ ریزه و علی بن محمد و محمد بن کلینی و ابو جعفر رفو کرد از قزوین مرداس و علی بن احمد و از قابس دو مرد و از شهرزور ابن خالویه و از فارس مجروح و از مرو صاحب هزار دینار و صاحب مال و رقعه سفید و ابو ثابت و از نیشابور محمد بن شعیب بن صالح و از یمن فضل بن یزید و حسن پسر او و جعفری و ابن الاعجمی و شمشاطی و از مصر صاحب مولودین و صاحب مال بمکه و ابو رجا و از نصیبین محمد بن وجنا و از اهواز حصینی و آنچه در کتب معجزات مذکور است زیاده بیشمار است و خبرها که در این عدد از جماعت مختلف نقل کرده‌اند متواتر بالمعنی است و شیخ ابن بابویه بسند معتبر از حضرت صادق آل محمد روایت کرده است که قائم ما را دو غیبت خواهد بود که غیبت اول طولانی خواهد شد گفتم چرا یابن رسول الله [illegible] فرمود [illegible] حضرت [illegible] خیلی [illegible] لئلا یکون لاحد فی عنقه بیعة [illegible] مطلق [illegible] و ایضا ابن بابویه بسند معتبر از جابر انصاری روایت کرده است که او سؤال کرد از رسول خدا که آیا شیعه منتفع خواهند شد از قائم در زمان غیبت او فرمود بلی بحق خداوندیکه مرا به پیغمبری فرستاده است که منتفع میشوند باو در روشنی [illegible] در غیبت

در فضایل ظهور حضرت قائم آل محمد و حسن خواص شیعیان در انتظار

۵۱۰

در غیبت او مانند انتفاع مردم با آفتاب در حینی که ابر او را پوشیده باشد مجلسی مرحوم این ابو که تشبیه آفتاب در زیر ابر
اشاره به چند چیز میکند اول آنکه نور وجود و علم و هدایت و سایر فیوض و کمالات و خیرات
به برکت ایشان بخلق میرسد و به برکت ایشان و شفاعت ایشان و توسل بایشان حقایق و معارف بشیعیان ظاهر
میگردد و بلاها و فتنها از ایشان رفع میشود چنانکه حقتعالی فرموده است و ما كان الله ليعذبهم و انت فيهم و از عامه
و خاصه روایت کرده اند از رسول خدا که اهلبیت من امان اهل زمین هستند چنانکه ستارها امان اهل آسمانند
دیگر و دیده دلهای ایشان که بنور ایمان منور شده باشد میدانند که هرگاه ابواب سعادت بر کسی بسته و باشند و چاره
کار خود نمیدانند با مطلب دقیقی و مسئله مشکلی را داشته و گرفته و متوسل بارواح مقدسه ایشان شده
بقدر درجه ارتقا توسل او بارواح ایشان البته ابواب رحمت و هدایت براو مفتوح میگردد سوم آنکه همچنانکه
آفتاب که ابر پوشیده باشد با وجود انتفاع خلق بضوء او آنا فانا منتظر رفع سحاب و کشف حجاب هستند همچنین
شیعیان مخلص همیشه در ایام غیبت منتظر فرج هستند و مایوس نمیگردند چهارم آنکه منکر وجود
آنحضرت با وجود سطوع و ظهور انوار و بروز آثار آنجناب مانند انکار آفتاب است هرگاه که پوشیده سحاب باشد پنجم
آنکه چنانکه مستور بودن در سحاب گاه است که از برای بندگان صلاح است همچنین گاه باشد غیبت آنحضرت از برای شیعیان
با وجود انتفاع ایشان صلاح باشد از ظهور آنحضرت بوجوهی چند که ذکر آنها مناسب اطناب است ششم آنکه
نظر بقرص آفتاب اگر دیده ممکن نیست بسا باشد که باعث کوری چشم ناظر باشد همچنین دیدن جمال
شمس جمال آنحضرت سبب باشد که کوری بصیرت ایشان گردد چنانکه بسیاری از مردم پیش از بعثت انبیا
ایمان بایشان آورده اند و بعد از بعثت بسبب اغراض فاسده انکار کرده اند مانند یهود و مدینه و دور نیست که بسیاری
از شیعیان که در این زمان غیبت چنین باشند ششم آنکه در روز ابر بعضی از مردم آفتاب را از فرجه ها می بینند
بعضی نمی بینند و هم چنین در ایام غیبت ممکن است که بعضی از شیعیان خدمت آنحضرت برسند و بعضی نرسند
چنانکه حضرت صادق فرموده که حضرت قائم را دو غیبت خواهد بود یکی کوتاه و دیگری طولانی و در غیبت اول
نخواهند دید او را مگر خواص شیعیان او و در غیبت دوم نخواهند دانست مکان او را مگر مخصوصان موالیان او
و در روایت دیگر وارد شده است که سی نفر از مخصوصان آنحضرت همیشه در خدمت او خواهند بود یعنی
که بمیرند دیگری بجای او خواهد آمد هفتم آنکه آنحضرت و آباء طاهرین او علیهم السلام مانند آفتاب در عموم منافع
و کسی با نعمت کوری بهره از نفع ایشان نیست چنانکه حقتعالی در حق کوردلان فرموده است من كان في هذه
اعمى فهو في الاخرة اعمى و اضل سبيلا و چون بسیار است کلینی بعد از ذکر این مجملی فرموده و بعد از آنکه دلائل
قاطعه و احادیث متواتره بر وجود آنحضرت قائم باشد انکار آنحضرت بقول محض استبعاد طول عمر
بی معنی است با وجود آنکه مثل عمر آنحضرت بسیاری حضرت خضر و عمر جناب نوح زیاده بر هزار سال بلکه دو هزار و
پانصد سال و عمر لقمان بن عاد سه هزار سال قایل شده اند و عمر دجال از زمان خاتم انبیا
و عمر حضرت عیسی تا زمان ظهور حضرت مهدی قایلند چه استبعاد است اگر بغیر از این نباشد که شیعیان
در اعتقاد بامامت و وجود آنحضرت و انتظار ظهور آنحضرت بدل ثواب غیر متناهی حاصل میشود
کافی است چنانکه منقولست از حضرت امیر المومنین پرسیدند که کدام عمل محبوب تر است نزد حق تعالی

۵۹۴

در ثواب و فضیلت انتظار فرج حضرت صاحب الامر ع

[illegible] از حضرت امام زین العابدین منقولست که فرمود غیبت امام دوازدهم ممتد خواهد شد [illegible] اهل زمان
غیبت او که قائل بامامت او و منتظر ظهور او باشند بهترین اهل هر زمان خواهند بود زیرا که حقتعالی از عقل و فهم
بایشان عطا فرموده است که غیبت نزد ایشان بمنزله مشاهده گردیده است و حق تعالی ایشان را در آن زمان بمنزله
جهاد کنندگان پیش روی رسول خدا بشمشیر گردانیده ایشانند مخلصان بحق و شیعیان ما براستی و دعوت
کنندگان بسوی دین خدا در پنهان و آشکارا و فرمود که انتظار فرج کشیدن از بزرگترین فرجهاست و ایضا از حضرت
[illegible] منقولست که هر که ثابت باشد بر ولایت ما در غیبت قائم ما عطا کند باو حقتعالی ثواب هزار شهید از شهیدان [illegible]
و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که انتظار حضرت قائم کشد و بمیرد بمنزله کسی است که در زیر خیمه حضرت قائم
باشد بلکه بمنزله کسی است که در پیش روی او شمشیر زند و جهاد کند بلکه بمنزله کسی است که در [illegible] شهید شده
منقولست که بر مردم زمانی خواهد آمد که غایب شود از ایشان امام ایشان خوشا حال ایشان که ثابت باشند بر امر ما در آن
زمان کمتر ثوابی که برای ایشان خواهد آمد از جانب الهی برای ایشان که [illegible] کان [illegible] آوردید [illegible] و تصدیق
نمودید بغیبت من بشارت باد شما را [illegible] از جانب من [illegible] کان [illegible]
[illegible] از شما عفو میکنم [illegible] از غیر شما [illegible] میآمرزم [illegible] بسبب شما باران میفرستم [illegible]
[illegible] بلا [illegible] از ایشان اگر شما نبودید [illegible] عذاب [illegible] بر ایشان [illegible] جابر گفت یابن رسول الله چه
بهترین کاری است [illegible] در آن زمان [illegible] و ملازم خانهها [illegible] در این
باب بسیار است [illegible] با وجود آنکه عقل انسانی دال است بر اینکه امام که مقتدر است ظاهر نبودن او غائب بودن او
در [illegible] شیعه [illegible] ۱۲
[illegible] متواتره [illegible] که امام [illegible]
[illegible] حضرت ظاهر شود [illegible] این بزرگوار [illegible] و از حضرت امام جعفر صادق منقولست که صاحب
این امر شبیه است بحضرت یوسف این [illegible] چرا انکار میکنند این کار را که برادران یوسف عقلا
و دانایان [illegible] و اسباط پیغمبران رفتند نزد یوسف و با او صحبت کردند [illegible] او را نشناختند تا آنکه خود
[illegible] که [illegible] حضرت [illegible] و چه [illegible] استعمار و حال آنکه [illegible]
ایشان [illegible] و در بازار [illegible] ایشان [illegible] ایشان [illegible] ایشان [illegible] تا آنکه خدا
[illegible] امر [illegible] استعمار [illegible]
و در [illegible] سعادت [illegible] و ضلال [illegible] طینتی [illegible]
[illegible] حقتعالی [illegible] لطف [illegible] اگر مردم [illegible]
[illegible] امام [illegible] تقصیر از مردم [illegible] حجت خدا بر ایشان تمام [illegible]
در این باب تقصیر نداشته باشند [illegible] عظیم [illegible] خصوصا [illegible] از برکات ائمه ع آثار [illegible]
منتشر [illegible] و مسائل دین [illegible] برای شیعیان بیان فرموده باشند [illegible]
[illegible] باشند و مردم را امر برجوع بایشان در مسائل دین فرموده باشند پس در غیبت ایشان [illegible]
[illegible] شیعیان [illegible] چنانکه حضرت امام جعفر صادق فرموده که حقتعالی در هر عصری عالمی [illegible]
[illegible] که نفی میکنند از این دین تحریف [illegible] غالیان [illegible]
مذهب باطله مبتدعان [illegible] و توقیعات از حضرت صاحب الامر [illegible] شیعیان [illegible]

که [illegible]

در اشاره به رجعت پیغمبر و ائمه و فضایل سلطان اولیاء امیرالمؤمنین

و در ایام غیبت بازگشت نمایند به راویان احادیث که ایشان حجت هستند بر شما و من حجت خدایم بر ایشان و الله ...

به راه مستقیم و قال الله تعالی و اذ اخذ الله میثاق النبیین لما آتیتکم من کتاب و حکمة ثم جاءکم

رسول مصدق لما معکم لتؤمنن به و لتنصرنه قال ءاقررتم و اخذتم علی ذلکم اصری قالوا اقررنا قال

قال فاشهدوا و انا معکم من الشاهدین یعنی یاد آور وقتی که خدا عهد و پیمان گرفت از پیغمبران

و دادم شما را از کتاب و حکمت پس بیاید به سوی شما پیغمبری که تصدیق کننده باشد آنچه با شما است البته ایمان بیاورید به آن پیغمبر و یاری کنید

او را گفت آیا اقرار کردید و عهد و پیمان مرا گرفتید اقرار کردیم پس فرمود گواه باشید بعضی بر بعضی و من بر شما از گواهانم و در احادیث

بسیار وارد شده است که این نصرت در رجعت خواهد شد چنانچه سعد بن عبدالله در کتاب بصائر الدرجات از حضرت

امام جعفر صادق روایت کرده است که فرمود یعنی ایمان به رسول خدا آورند و حضرت امیرالمؤمنین را در رجعت یاری خواهند کرد

پس فرمود بخدا سوگند که هر پیغمبری که خدا مبعوث فرموده است از آدم و هر چه بعد از او است جمیع ایشان را برمی‌گرداند به دنیا تا قتال

و جهاد نمایند در پیش روی حضرت امیر و شیخ حسن بن سلیمان در کتاب منتخب البصائر از کتاب واحده از حضرت امام محمد باقر

روایت کرده است که حضرت امیرالمؤمنین فرمود بدرستی که خداوند عالمیان واحد و یگانه است و در یکتایی منفرد بود

کسی با او نبود پس تکلم نمود به کلمه پس آن کلمه نوری گردید و از آن نور محمد و ذریه او را از آن نور آفرید پس تکلم نمود به کلمه

دیگر از آن روحی آفرید و ساکن گردانید آن روح را در آن نور و آن نور را در بدنهای ما ساکن گردانید پس

روح برگزیده خدا و کلمات خداییم که در قرآن ذکر فرموده و با ما محتجب شده بر خلق تمام و ما پیش از خلق

بودیم از ذریه و هیکلها از سایه ما و پیوسته در عبادت حق بودیم و تسبیح و تقدیس و تنزیه او می‌کردیم

پیش از آنکه خالق عالم خلایق را بیافریند و چون خلق را آفرید از پیغمبران عهد و پیمان از ایشان گرفت که ایمان آورند و ما را

یاری کنند پس حضرت این آیه را خواند یعنی ایمان به محمد و یاری کنید وصی او را به تحقیق که هر

که در پیش رو گذشته و مستعمل آمد و ما که از برای خدا آنچه عهد کرده است از من در نصرت و یاری محمد

تا نصرت آنکه از پیغمبران و رسولان خدا بعد از این در رجعت یاری من خواهند نمود و ما بین مشرق و مغرب

خواهند بود البته خداوند همه را مبعوث خواهد کرد از آدم تا خاتم هر پیغمبر و رسولی که بوده باشند در پیش روی

زنده‌ها و مرده‌ها که زنده شده باشند از جن و انس پس بسیار عجب است و چه تعجب باشد از مرده‌ها که خدا

ایشان را زنده کرده از قبرها بیرون آید لبیک گویان و همه با هم گویند که لبیک لبیک یا داعی الله در میان

بازارها کوچه‌ها با شمشیرها برهنه در دستها که آشته باشد در سرها کافران و جباران و اتباع ایشان

از جباران اولین و آخرین تا آنکه حق تعالی وفا کند به وعده که ایشان را داده است در قرآن فرموده وعد الله الذین

امنوا منکم ... یعنی خدا وعده کرده است آنها را که ایمان آورده‌اند از شما و عملهای شایسته کرده‌اند البته ایشان را

خلیفه گرداند در زمین چنانکه گردانید آنها را که پیش از ایشان بودند البته متمکن گرداند از برای ایشان دین ایشان را

که پسندیده است برای ایشان و بدل کند از برای ایشان بعد از خوف ایشان ایمنی که عبادت کنند مرا و هیچ چیز شریک

من نگردانند حضرت فرمود یعنی عبادت کنند مرا در حالتی که ایمن باشند و نترسند از احدی که محتاج باشند به

تقیه از کسی و بدرستی که مرا برگشتنی بعد از برگشتنی و رجعتی بعد از رجعتی خواهد بود و منم صاحب رجعتها و

صاحب حکمها و انتقامها و دولتهای عجیب و منم مانند شاخی از آهن و منم بنده خدا و برادر رسول خدا و منم امین خدا

و خازن علم خدا و صندوق سر خدا و حجاب خدا و روی خدا که از جهت من توجه به خدا باید کرد و صراط خدا و میزان خدا

در رجعت با توابعش

کشتن رسول خدا (ص) شیطان را

۵ ۱۸

و منم جمع کننده مردم بسوی خدا و منم اسماء حسنی خدا و امثال علیای او و آیات کبرای او و منم قسمت کننده بهشت و دوزخ ساکن گردانم

اهل بهشت را در بهشت و اهل جهنم را در جهنم و با منست تزویج اهل بهشت و باختیار منست عذاب اهل جهنم و بازگشت خلق بسوی

و حساب خلق با منست و منم اذان کننده در اعراف و منم که در نزد قرص آفتاب ظاهر شوم و منم دابة الارض و منم جدا کننده

حق از باطل که مومن و کافر را از یکدیگر جدا کنم و منم امیر مومنان و امام متقیان و آیه سابقان و زبان سخن گویان و آخر

اوصیا پیغمبران و وارث انبیا و خلیفه خدا و صراط مستقیم پروردگار و میزان عدالت روز جزا و حجت خدا بر اهل آسمانها

و زمینها و هر که مابین زمین و آسمان است و منم آنکه خدا احتجاج نمود بر شما در ابتدای خلق شما و منم گواه خلایق در روز جزا و منم آنکه

نزد منست علم مرگها و بلاها و حکم در میان خلق خدا و منم آنکه حق و باطل را جدا کنم و منم آنکه بمن سپرده شده آیات و نشانهای

پیغمبران و منم صاحب عصا و میسم و منم آنکه خدا مسخر من کرده است ابرها و برق و تاریکی و روشنی

و بادها و کوهها و دریاها و ستاره‌ها و آفتاب و ماه را و منم فاروق این امت و منم هادی این امت و منم آنکه

هر چیز را میدانم بآن علمی که خدا بمن سپرده است و بآن رازها که محفی بر پیغمبر خدا و حق فرستاده است و از رازهای

پنهانی که پیغمبر بمن گفته است و منم آنکه خدا نام خود را بمن بخشیده است و کلمات و حکمت خود و علم خود و فهم عطا کرده است

ای گروه مردم از من سؤال کنید پیش از آنکه مرا نیابید خدا و ندا من شما را گواه میگیرم و طلب یاری میکنم از تو بر ایشان

و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و آیات بسیار در باب رجعت وارد است مقصود در این کتاب ایراد

و سعد بن عبد الله در کتاب بصایر از حضرت امام جعفر صادق روایت کرده است که شیطان بعد از آنکه سجده نکرد

الله که در عوض آنچه عبادت نموده بود و طاعات بسیار چهار هزار سال نخواسته بود مهلت خواست تا روز قیامت

بار خدایا مهلت ده مرا تا روزی که خلق مبعوث شوند حق تعالی فرمود که تو از مهلت داده شدگانی تا روز معلوم و چون آن روز شود ظاهر کند شیطان

جمیع لشکر خود را از زمان آدم تا آن روز و در آن وقت حاضر باشند حضرت امیر المؤمنین هم رجعت کند

و گفت که رجعتهای بسیار خواهد بود حضرت امیر المؤمنین در هر قرنی بعد از ظهور کاران آن زمان از رجعت کند

مومنان از کافران غالب کردند و مومنان از ایشان انتقام کشند چون آن روز شود حضرت امیر با اصحاب خود

با اصحاب شیطان ملاقات کنند در کنار فرات واقع شود نزدیک بکوفه پس قتالی واقع شود که با هم تا قیامت

امیر المؤمنین صد قدم از پس برگردند مغلوب با بعضی در آب فرات داخل شوند پس آنگاه

آسمان که پر از ملائکه و حضرت رسول خدا حربه در دست مبارک در پیش روی آنحضرت چون نظر شیطان بر آنحضرت افتد

اصحاب خود گوید الذی ظفر یافته ام بلی میبرد و گوید که من چیزی می بینم که شما نمی بینید و میترسم چنانکه

در میان جنگ شیطان میزند با اصحابش یکباره و بلعن او را در جهنم گذارند بعد از آن همه مردم خدا را بیگانگی

پرستش نمایند و بخدا شریک قرار ندهند حضرت امیر المؤمنین چهل و چهار هزار سال سلطنت و پادشاهی نماید

هر مردی از شیعیان او هزار پسر از صلبش بر او بیند و در سالی یکمرتبه باشد و دو باغ در طرف مسجد کوفه آمده

الرحمن فرموده و از حضرت امام محمد باقر روایت است که اول کسیکه در رجعت خواهد برگشت حضرت امام حسین باشد

النعمه سلطنت و پادشاهی نماید از پیری ابروهای آنحضرت بر دیدهای مبارکش فرود آید و موی سفید در ریش مبارکش می آید

حضرت امام موسی روایت است که گفت در رجعت ارواح مومنان با ارواح دشمنان ایشان بسوی ایشان بخشم

حقی از ایشان استیفا نمایند هر کدام ایشانرا عذاب و شکنجه رسانند انتقام بکشند ایشانرا

آزرده نمایند و بکشند و بعد از کشتن دشمنان سی ماه زنده کافی بمانند همه در یکشب بمیرند بعد

بنعم الهی متنعم گردند در منازل و سلطنت حق و دشمنان ایشان در منازل جهنمی حق عذاب ملاقات کنند

و دشمنان

خبر دادن حضرت رسالت پناه از رجعت خود و ائمه سلام الله علیهم اجمعین

و دشمنان اهلبیت در رجعت جزای ایشان این عذاب انسانی ملائکه را ... هم نمی یابند بلکه و جزاها و غارها و چاهها که [illegible] ظهور

حارث آمدن منتظر شیعیان خواهند بود ... غارها و چاهها و در سنگها و جزایرها صدا باید ... میکشند که اهل آن

شیعیان این دشمن شما اینجا مخفی است ... بیایید او را بقتل رسانید ... در کات جهنم کنند چنانکه خدا از احوال

ایشان خبر داده است و فرموده است ان له معیشة ضنکا ... از حضرت امام جعفر صادق منقول است و از امام

محمد باقر که هر قومی که حق تعالی بعذاب هلاک کرده است در رجعت برنمی گردند و فرموده و حرام علی قریة اهلکناها

انهم لا یرجعون در اخبار معتبره وارد شده است در تاویل این آیه و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض

و نجعلهم الوارثین و نمکن لهم فی الارض و نری فرعون و هامان و جنودهما منهم ما کانوا یحذرون

که این مثلی است خدا زده است برای اهلبیت رسالت و موجب تسلی حضرت رسول است زیرا که فرعون و هامان و قارون ستم کردند

بر بنی اسرائیل و ایشان را ذلیل و اسیر میکشتند و نظیر ایشان در این امت ابوبکر و عمر و عثمان و اتباع ایشان که سعی میکردند

در قتل و قمع اهلبیت رسول خدا و حق تعالی وعده داده است پیغمبرش را چنانکه در اول حکایت موسی که مخفی کردم و او را از فرعون

غایب کردم و بعد از آن او را ظاهر ساختم بر فرعون و لشکرش غالب کردم و همه را برای او هلاک کردم همچنان

حضرت قائم را از دشمنان پنهان خواهم کرد که انتقام حق را از ایشان بکشند پس تاویل آیات چنین است و میخواهیم که

منت گذاریم بر آنها که ایشان ضعیف گردانیده اند در زمانی که اهلبیت رسالتند و بگردانیم ایشان را امامان در زمانی که ظالمان

برانداخته و حق را ظاهر نمایند و وارثان زمین که پادشاهی روی زمین بر ایشان مسلم گردد و تمکن بدهیم ایشان را در

گردانیم ایشان را امامان در زمانی که باطل را برانداخته و حق را ظاهر نمایند و بنمائیم بفرعون و هامان یعنی ابوبکر و عمر و عثمان و لشکر

ایشان را آنچه می ترسیدند که غصب حق آل محمد کردند و حضرت امام حسین و اصحابش را زنده نماید تا انتقام از ایشان بکشند چنانکه

قطب راوندی و دیگران از جابر از امام محمد باقر روایت کرده است که حضرت امام حسین در صحرای کربلا پیش از شهادت فرمود که

جدم رسول خدا به من گفت ای فرزند تو را بسوی عراق خواهند برد در زمینی که پیغمبران و اوصیای ایشان در آنجا ملاقات

کرده اند یا خواهند کرد و آن زمین را عمورا گویند در آنجا شهید خواهی شد با گروهی از اصحاب تو شهید خواهند شد

که درد الم بریدن آهن را نیابند و برای ایشان آهن رحمت و منفعت رسد چنانکه آتش سرد شد بر حضرت خلیل الله و سبب

و سلامت شد همچنین آتش جنگ بر تو و اصحاب تو برد و سلام خواهد شد پس اول کسیکه از زمین بیرون می آید تو خواهی

بود و بشارت باد شما را که ما بنزد پیغمبر خود میرویم پس میمانیم در آن عالم آنقدر که خدا خواهد و بیرون آمدن من موافق باشد

بیرون آمدن امیر المؤمنین و قیام قائم ما پس نازل میشوند جمعی کروبیان از آسمان از جانب خدا که هرگز بر روی زمین نیامده باشند

با جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و لشکرها از ملائکه و فرود می آیند محمد و علی علیهما السلام و من و برادرم و جمیع آنها که خدا منت بر

ایشان گذاشته است از انبیا و اوصیا سوار بر اسبان خدا ابلق از نور که هیچ مخلوقی پیش از آنها سوار آنها نشده است

پس حضرت رسول علم خود را بدست میگیرد و حرکت میدهد و شمشیر خود را بدست قائم ما میدهد پس بعد از آن آنچه خدا خواهد

میمانیم بعد خدا از مسجد کوفه چشمه از روغن و چشمه از شیر پس حضرت امیر المؤمنین شمشیر حضرت رسول را بمن

میدهد و مرا بجانب مشرق و مغرب میفرستد پس هر که دشمن خدا باشد خونش را بریزم و هر بتی که بیابم بسوزانم

تا آنکه بزمین هند برسم و جمیع بلاد هند را فتح نمایم و حضرت دانیال و یوشع زنده شوند و بیایند بسوی حضرت امیر المؤمنین

و گویند راست گفته خدا و رسولش و او را وعده ها که کرده اند پس هفتاد نفر با ایشان بفرستند بسوی بصره که هر که در مقام مقاتله

برآید او را بکشند و لشکرها بسوی بلاد روم بفرستند که آنها را فتح نمایند پس هر حیوان حرام گوشت که باشد بکشم تا آنکه غیر از

حیوان طیب و طاهر بر روی زمین نماند و جزیه را بر طرف نمایم و یهود و نصاری را مخیر کنم میان اسلام و شمشیر هر که مسلمان نشد

از بعضی علایم ظهور حضرت صاحب العصر و ائمه علیهم السلام

۵۲۱

و او ... است که غلبه نماید خدا او را بر همه دینها هر چند کراهت داشته باشند کافران و عیاشی از امام جعفر صادق روایت کرده است که اول کسی که رجعت به دنیا نماید بعد از حضرت حجت امام حسین است و اصحاب آنحضرت است و یزید و اصحاب یزید را خواهند کشت همه ایشان را چنانکه ... در کتاب حکیم

خود بیان نموده است چنانکه خداوند خبر داده است در قرآن ثم رددنا لکم الکرة علیهم وامددناکم باموال وبنین وجعلناکم اکثر نفیرا یعنی بعد از آن رد کردیم برای شما غلبه را بر ایشان و اعانت کردیم شما را به اموال و پسران و گردانیدیم شما را بیشتر از ایشان از روی لشکرها ... ایشان و شیخ کشی روایت کرده است که داود رقی گفت که به حضرت امام جعفر صادق عرض کردم که من پیر شده ام استخوانهایم باریک شده است میخواهم ختم اعمال من با شهادت در راه شما گشته شوم حضرت فرمود که چاره از آن نیست که اگر در این وقت نشود در رجعت خواهد شد و حسن بن سلیمان از کتاب خطب امیر المؤمنین خطبه طولانی از آنحضرت روایت کرده است در عوض آنکه فرمود که ضبط نمیکنند احادیث ما را مگر قلعه‌های حصین یا سینه‌های امین یا عقلهای متین و در آخرش فرمود العجب وکل العجب از آنچه واقع خواهد شد در میان ماه جمادی و رجب پس مردی از شرطة الخمیس پرسید که این چه تعجب است که مکرر میفرمایند حضرت فرمود چرا تعجب نکنم از آنکه مرده‌ها چند بر سر زنده‌ها بزنند و بحق خداوند که چنانست گویا که ایشان را میبینم که در میان بازارهای کوفه راه میروند و شمشیرهای برهنه بر دوش گرفته باشند و بزنند بر سر دشمنان خدا و رسول و مؤمنان اینست معنی آنچه خدا فرموده است یا ایها الذین آمنوا لا تتولوا قوما غضب الله علیهم قد یئسوا من الآخرة کما یئس الکفار من اصحاب القبور یعنی ای گروه مؤمنان دوستی مکنید با قومی که غضب کرده است خدا بر ایشان بتحقیق که ناامید گردیده‌اند از آخرت چنانچه ناامید گردیده‌اند کافران از اصحاب قبور و ابن بابویه در علل الشرایع از حضرت امام محمد باقر روایت کرده است که چون قائم ما ظاهر شود عایشه را زنده نماید تا بر او حد بزند و انتقام حضرت فاطمه را از او بکشد و شیخ مفید در ارشاد از حضرت امام جعفر صادق روایت کرده است که وقت قیام قائم آل محمد شود در ماه جمادی الآخره و ده روز از ماه رجب بارانی ببارد که خلایق مثل آن ندیده باشند پس برویاند خدا به آن باران گوشتهای مؤمنان و بدنهای ایشان را که در قبرها پوسیده باشند گویا نظر میکنم بسوی ایشان که می‌آیند از جانب قبله جهینه و خاک از سرهای ایشان میریزد و ایضا از آنحضرت روایت کرده است که بیرون می‌آیند با قائم از پشت کوفه یعنی کوفه بیست و هفت نفر یا پانزده نفر از قوم موسی علیه السلام از آنها که حقتعالی فرموده است که هدایت میکردند بحق و بحق عدالت میکردند و هفت نفر از اصحاب کهف و یوشع بن نون و سلمان و ابوذر و جابر انصاری و مقداد و مالک اشتر پس در پیش روی آنحضرت خواهند بود یاران و حاکمان خواهند بود و عیاشی نیز این حدیث را ذکر کرده است و نعمانی از حضرت امام محمد باقر روایت کرده است که چون قائم آل محمد بیرون آید خدا او را یاری کند با ملائکه و اول کسی که با او بیعت کند محمد باشد بعد از آن علی و شیخ طوسی روایت کرده است که از علامات ظهور حضرت قائم آنست که بدنی برهنه در پیش قرص آفتاب ظاهر خواهد شد و منادی ندا خواهد کرد که این امیر المؤمنین است برگشته است که ظالمان را هلاک نماید و ایضا شیخ روایت کرده است از حضرت ابی عبد الله که چون قائم ما ظاهر گردد نزد قبر هر مؤمنی ملکی بیاید و او را از قبر ندا نماید که ای فلان صاحب و مولای تو امام تو ظاهر شده است اگر میخواهی ملحق شو به او بیا و اگر میخواهی در نعمت و کرامت الهی باش همین جا باش پس بعضی بیرون آیند و بعضی در ماندن در نعم الهی اختیار کنند و در بسیاری از زیارات خصوص زیارت عاشورای امام حسین ذکر رجعت و اظهار اعتقاد به آن مذکور است و در متهجد و مصباح الزائر و سایر کتب مذکور است که حضرت امام جعفر صادق فرموده که هر که دعای عهد را چهل صباح بخواند از انصار حضرت قائم باشد و اگر پیش از ظهور آنحضرت بمیرد حقتعالی او را از قبر بیرون آورد در وقت خروج آنحضرت و در عهد مذکور است که خداوندا اگر حایل شود مرگ میان من و آنحضرت که بر بندگان حتم و واجب گردانیده‌ای پس بیرون آور مرا از قبر من در حالتی که کفن خود را بر خود

۵۹۸

در اشاره ببعضی از احوالات مستقبل مظلوم کربلا امام حسین ع

۵۲۲

بسته باشم و شمشیر و نیزه خود را برهنه کرده باشم و لبیک گویان دعوت کسی را که جمیع خلق را بسوی یاری او دعوت مینماید

شیخ در مصباح از حضرت امام جعفر صادق ع در حدیث طولانی فرموده روح مومن زیارت میکند آل محمد را در منتهای [illegible]

و مجوز با ایشان دمی آشامد با ایشان از شراب ایشان سخن میگوید و در مجلس ایشان تا خروج کند قائم آل محمد

پس خدا زنده نماید ایشان را پس با او میآیند تلبیه گویان موج موج پس در آن وقت شک میافکند اهل بطلان

و مضمحل شوند منتحلان و از این جهت بود که حضرت رسول که حضرت امیرالمومنین فرمود که وعده ما و تو السلام [illegible]

اشرف در جنب معرفت حضرت امام حسین و در کربلا مومنان قرار گرد حضرت قائم از دنیا رفته حضرت امام حسین او را غسل دهد

و حنوط کند و نماز گزارد و در لحد گذارد زیرا که امور وصی را بغیر از وصی کسی ارتکاب نماید مولف یعنی علامه مجلسی مرحوم گوید که اگر کسی

گوید که حضرت امام حسین را که غسل خواهد داد جواب آنست که چون آنحضرت در این نشئه شهید شد در معرکه احتیاج بغسل ندارد

با اینکه ائمه بعد از آنحضرت که به نیابت کرده آنحضرت را غسل دهد و نماز گزارد تا نفخ صور منتهی شود [illegible] سلطنت قائم نود سال

ع اختلاف الرد [illegible] بعد از وفات آنحضرت هرج و مرج شود و فتنه بسیار خواهد بود تا پنجاه سال پس منتصر یعنی انتقام

کشنده بدنیا خواهد آمد که امام حسین است طالب خون خود و اصحاب خود خواهد کشت آنقدر بکشد و اسیر کند که مردم گویند اگر

این از ذریه پیغمبران بود این قدر آدم نمیکشت پس بعد از آن حضرت سفاح بیرون آید یعنی حضرت امیرالمومنین

و کلینی و صفار بسند کثیر از حضرت امام محمد باقر روایت کرده اند که حضرت امیرالمومنین فرموده که خدا [illegible]

عطا [illegible] مرکبها [illegible] حکم کن در میان خلایق و منم صاحب رجعتها و دولت صاحب [illegible] منم صاحب

عصا و میسم و منم دابة الارض که با مردم سخن خواهند گفت و در تهذیب و کافی روایت کرده اند از حضرت امام جعفر صادق ع ۵۹۹

روزها و شبها نگذرد تا خدا زنده [illegible] که از آنکه روزی باشد که حق [illegible] با ملائکه برگردانیده [illegible]

که از آن حق [illegible] بسند [illegible] کافی [illegible] روایت کرده اند از حضرت امام جعفر صادق ع که حقتعالی خبر داد و بشارت

در سنه خاتم الانبیاء [illegible] با امام حسین پیش از آنکه فاطمه زهرا حامله او شود باینکه امامت در فرزندان او امام حسین خواهد بود

تا روز قیامت پس خبر داد آنحضرت را بآنچه او کشته خواهد شد و میرسد از مصیبت و محن و شهادت خود و فرزندان

و عوض داد او را از شهادت امامت در عقب او باشد و خبر داد که بعد از کشته شدن و شهادت بدنیا برگردد و یاری او

خواهد کرد تا دشمنان خود را بکشد و او را پادشاهی روی زمین خواهد داد چنانکه در قرآن خبر داده است که منت خواهیم

بر آنها که ایشان را ضعیف کرده اند در زمین دیگر و ایشان را امامان و وارثان روی زمین [illegible]

نوشته ایم در زبور بعد از ذکر حضرت رسول که زمین را بمیراث خواهند گرفت و دشمنان خود را خواهند [illegible]

عن عبدالحمید در کتاب [illegible] روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق سوال کردم از رجعت [illegible]

فرمود بلی [illegible] اول کسیکه رجعت فرماید [illegible] حضرت امام حسین خواهد بود که بعد از حضرت قائم رجوع

با اصحابش که با او شهید شدند [illegible] پیغمبر چنانکه با حضرت موسی مبعوث شدند پس حضرت قائم

ماند [illegible] داد و از دنیا خواهد رفت امام حسین او را غسل و کفن و حنوط خواهند کرد و او را در قبر [illegible]

ایضا از [illegible] روایت کرده بخدمت حضرت امام جعفر صادق عرض کردم که فدای تو شوم چه بسیار کم است بقای

اهلبیت در دنیا و چه بسیار نزدیکست [illegible] با اینکه احتیاج عظیم که خلق بشما دارند حضرت فرمود که

از ما صحیفه داریم که در آن نوشته است آنچه باید بآن عمل کنیم در مدت حیات خود چون [illegible] منقضی شد میدانیم که

اجل ما رسیده است [illegible] حضرت رسول [illegible] خبر [illegible] عظیم [illegible] بشارت [illegible] حضرت

امام حسین [illegible] صحیفه [illegible] نوشته باشد [illegible] در حال حیات [illegible] بعد از آن خواهد کرد پس امت [illegible]

[illegible]

و رجعت امام حسین

در اسفار العلائم ایمان

۵۲۳

رفته بقتال با مردود الجلال و فیض شهادت یافت و آنچه باقی مانده بعد آن بعد کردی از ملائکه رجعت طلبیده

از حقتعالی که یاری ابا عبدالله حسین نمایند چون آمدند حضرت شهید شده بود حقتعالی وعده فرمود ایشان را که ملازم قبه او باشند تا

از قبر بیرون آید در رجعت و یاری او کنند پس گریه کنند بر او و در آنچه از اشارات نوشته است از فیض یاری ایشان و نماز

مخصوص شده اند بیاری او در ایشان با و لباس آن ملائکه با کفن گریه کنند چون او بیرون آید از یاوران او باشند و حجر بن

العباس و فرات بن ابراهیم و سعد بن زرارة بن جبرئیل از امام جعفر صادق روایت کرده اند در تاویل آیه شریفه یوم ترجف

الراجفة تتبعها الرادفة یعنی روزیکه بلرزد و حرکت کنند کوهها و زمین [illegible] آنها و ساکن گفته دارد و اوحی

هر چه ردیف است فرموده که راجفه حسین بن علی علیهما السلام است و رادفه علی بن ابیطالب است و اول کسیکه در رجعت

بیرون آید حسین بن علی است با هفتاد و پنج هزار کس [illegible] و همین تاویل قول حقتعالی که انا لننصر رسلنا

علی بن طاووس روایت کرده است از عمران که مجموع عمر دنیا صد هزار سال است بیست هزار سال [illegible]

و هشتاد هزار سال ایام دولت محمد و آل محمد است سید بن طاووس گفته که در کتاب [illegible] عبدالله این روایت دیده ام

در کتاب کامل الزیارة از مفضل از حضرت صادق که فرموده که با علیهم که کرسی از نور [illegible] در آن نصب کنند که از

یاقوت سرخ مکلل بجواهر حضرت امام حسین را بر آن کرسی نشسته بر دور آن کرسی نود هزار قبه سبز

مومنان آیند آنحضرت را زیارت کنند و سلام [illegible] حقتعالی خطاب فرماید ایشان را که ای مومنان [illegible]

از من بخواهید که بسیار آزار کشیده اید ذلیل و مظلوم شده اید امروز هر حاجتی از دنیا و آخرت که دارید طلبید

بر آیند پس خوردن و آشامیدن ایشان از بهشت [illegible] والله کرامت [illegible] عظیم

مولف گوید رجعت است و در [illegible] از حضرت امام رضا روایت کرده است که فرموده که هر که اقرار کند

بخداوند و اقرار برجعت و بمتعه زنان و بحج تمتع و ایمان بیاورد بمعراج و بسوال در قبر و حوض کوثر و شفاعت

و خلق بهشت و دوزخ و صراط و میزان و بعث و نشر و جزا و حساب پس او مومن حقی است و او از شیعیان

ما اهلبیت است و احادیث دیگر در این باب بسیار است و اکثر در بحار الانوار ذکر یافته [illegible]

[illegible] ملکه [illegible] شیعیان و اطفال و زنان و عوام الناس [illegible] صحت و متعلقات و شرایط نماز

که این زمان مرجع [illegible] علما [illegible] عالم نماز و قرائت نماز [illegible]

مذاکره صحت قرائت و صحت صیغ عقود و ایقاعات و قرائت مخارج [illegible] از میان مسلمانان

[illegible] الفاظ و کلمات [illegible] در قرائت نماز تمیز حروف [illegible]

[illegible] علم قرائت [illegible] تعلیم و تعلم [illegible]

صحت نماز و صیغ عقود و تعلم صحت آنها [illegible] یهود و نصاری و مجوس است نعوذ بالله

من التصحیح [illegible] نماز [illegible] قرار بتعلیم و تعلم قرائت [illegible]

قدیم [illegible] بتفصیل [illegible] اسلام [illegible] در مجالس صحبت و بیان احکام الله [illegible]

نگاه کردن [illegible] تصدیق [illegible] منافقین [illegible] حیل عناد و فساد [illegible]

و اگر بواسطه [illegible]

پس [illegible] مقصود [illegible] غلط صرف نماز جماعت [illegible]

صرف نکرده [illegible] ابطال صحت [illegible] روز قیامت [illegible]

۶۰۰

در حدیث مشهور مفضل ابن عمر در ظهور حضرت حجة الله

و اما در خصوص رجعت اخبار دلالت دارد که بترتیب ائمه سلام الله چنانکه در عالم [illegible] ایشان اند در این عالم بترتیب رجعت

ترتیب [illegible] بعضی اخبار بعدم ترتیب است در خصوصیات اعتقاد لازم نیست والعلم عند الله و تفصیل سایر [illegible]

در کتاب منتخب البصائر مذکور است که مفضل بن عمر گفت سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق که آیا زمان معینی برای ظهور

آنحضرت هست فرمود که حق تعالی منع کرده است وقتی برای او که شیعیان ما بدانند و هر کس برای ظهور آنحضرت وقتی معین

قرار دهد خود را با خدا در علم غیب شریک گردانیده است و دعوی اطلاع بر اسرار الهی کرده است مفضل گفت که ای مولای

من چگونه خواهد بود ابتدای ظهور آنحضرت فرمود که بیخبر ظاهر شود و نامش بلند شود و امرش هویدا گردد و از آسمان منادی ندا

کند بنام او و کنیت او تا آنکه مردم [illegible] که ما نام [illegible] پس خدا او را [illegible] بر همه دینها غالب گرداند چنانکه حق تعالی

بعمرش وعده داده است که لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون یعنی تا آنکه ظاهر گرداند او را بر همه دینها اگر چه مشرکان ناخوش دارند و یکون الدین

کله لله یعنی دینها همه لله باشد پس فرمود والله ای مفضل بردارد از جمیع دینها و ملل اختلاف را و همه دین حق برگردد و هیچ

کس بغیر از دین حق نباشد چنانکه حق تعالی فرموده است و من یبتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الآخرة

من الخاسرین مفضل پرسید که در ایام غیبت آنحضرت با که مخاطبه خواهد فرمود و که با او سخن خواهد گفت فرمود ملائکه و مؤمنان

از جن و امر و نهیش بیرون آید بسوی معتمدان و نواب آنحضرت بسوی شیعیانش [illegible] والله ای مفضل گویا می بینم آنحضرت را

که داخل شده در مکه [illegible] برد حضرت رسول در بر و عمامه زردی بر سر داشته باشد و در پاهایش نعلین حضرت رسول و عصای

آنحضرت بدست داشته باشد و بزی چند در پیش افکنده باشد تا کسی نشناسد تا آنکه بیاید بنزد خانه کعبه تنها [illegible]

شب در آید و همه بخوابند [illegible] جبرئیل و میکائیل و صف صف ملائکه از برای او نازل شوند پس جبرئیل گوید ای آقای من سخن تو مقبول است

امر تو جاریست پس حضرت صاحب الامر علیه السلام دست برد مبارک خود [illegible] و گوید حمد و سپاس خداوندی را که

[illegible] و زمین را میراث داد و از هر جا که خواهیم قرار گیریم پس نیکو مزدیست مزد عمل کنندگان

پس بایستد میان رکن و حجر الاسود و مقام ابراهیم و صدای بلند ندا کند که ای گروه بزرگواران [illegible] و اهل [illegible]

[illegible] بسوی من [illegible] ظاهر شده است [illegible] بر روی زمین [illegible] پس حق تعالی صدای آنحضرت را برساند

بایشان در هر جای عالم که باشند از مشرق و مغرب عالم در هر حالتیکه باشند پس بشنوند همه یک آواز [illegible]

حضرت [illegible] همه حاضر شوند نزد آنحضرت در مابین رکن و مقام پس حق تعالی امر کند [illegible] بلند شود از زمین تا

آسمان [illegible] از [illegible] باشد آن نور در میان خانهای مؤمنان در آید [illegible]

باشد [illegible] آل محمد ظاهر شده است پس چون صبح شود [illegible] سیصد و سیزده نفر [illegible] اول [illegible]

مردم [illegible] ظاهر شده [illegible] پس بعضی گویند

[illegible] داخل [illegible] بعضی [illegible] از [illegible] ما نمی شناسیم هیچیک را مگر چهار نفر

از اهل مدینه [illegible] و این بیعت در اول طلوع آفتاب باشد پس چون آفتاب بلند شود از پیش روی

آفتاب منادی ندا کند [illegible] که اهل زمین و آسمان بشنوند که ای گروه خلایق این مهدی آل محمد است بنام [illegible]

[illegible] او [illegible] امام حسن [illegible] امام یازدهم [illegible] جمیع [illegible] بیعت کنید تا هدایت

یابید و مخالفت [illegible] نکنید [illegible] هیچ صاحب روحی از خلایق [illegible]

[illegible] و منعقد [illegible] مردم از شهرها و صحراها و دریاها [illegible] نزدیک بغروب آفتاب شود

شیطان ندا کند که [illegible] و [illegible] ظاهر شده است [illegible] از فرزندان [illegible] بن معاویه

بیعت کنید [illegible] پس ملائکه و جن و نقبا [illegible] او را [illegible]

[illegible]

معلّی

و در آباد و معمور شدن زمین کوفه و کربلای

٤٢

و گویند که شنیدیم اما باور نداریم پس هر صاحب شکی و منافقی و کافری که باشد بعد از ندا کفر از راه بدر روند تمام از آن حضرت
صاحب پشت بکعبه داده گوید که هر که خواهد نظر کند بآدم و شیث و نوح و سام و ابراهیم و اسمعیل و موسی و یوشع و شمعون
و عیسی یعنی بر تمامی ودایع و اخلاق و اوصاف و کمالات و معجزات و خوارق عادات همه ایشان و سایر انبیا نظر کند بمن
و آنچه خواهد از من سؤال کنند که علوم همگی نزد منست الا آنچه ایشان مصلحت ندانستند خبر ندادند من خبر دهم
و هر که کتب آسمانی و صحف پیغمبران را میخواهد باید از من بشنود پس ابتدا کند صحف آدم و شیث را بخواند اهل
آدم و شیث گویند که اینست والله صحف آدم و شیث که هیچ تغییر نیافته است و خوانده برما از آن صحف آنچه کمی داشتیم
پس بخواند صحف نوح و صحف ابراهیم و توراة موسی و انجیل عیسی و زبور داود پس علمای آن امتان همه شهادت دهند
که اینست آن کتابها بحدیکه حقتعالی بر حضرت رسل نازل نموده است بی آنکه تغییر یافته باشد چنانکه در قرآنها دیگر نقل کرده ایم
حال شخصی بیاید که بخدمت آنحضرت که از پس لشکر سفیانی برگشته باشد و گوید که ای سید من اسم من بشیر است امر کرد مرا ملکی از
ملائکه که بخدمت شما بیایم و ترا بشارت دهم بهلاک شدن لشکر سفیانی پس حضرت فرماید قصه خود و برادرت را بگو پس مرد بیان
کند که نذیر گوید که من و برادرم در میان لشکر سفیانی بودیم خراب کردیم دنیا را از دمشق تا کوفه و مدینه و منبر رسول خدا را
شکستیم و اسب داشته ها در میان مسجد مدینه سرگین انداختند پس بیرون آمدیم و مجموع لشکر ما سیصد هزار نفر بود
قصد کردیم بکعبه که او را نیز خراب نمائیم و اهلش را بکشیم پس بصحرا بیدا رسیدیم که در حوالی مدینه طیبه است آنجا شب
فرود آمدیم پس صدائی از آسمان آمد که ای بیدا هلاک کن این گروه ستمکاران را پس زمین شکافته شد تمامی لشکر را
با چهار پایان فرو برد و کسی و چیزی نماند مگر من و برادرم در آن زمان ناگاه ملکی نزد ما آمد و روهای ما را بعقب برگردانید چنانکه
می بینی پس برادرم را گفت ای نذیر برو بسوی سفیانی ملعون در دمشق و او را بترسان بظهور حضرت مهدی در مکه و بشارت ده بهلاک شدن ظالمان
و تو ای بشیر برو بسوی آن حضرت که در مکه است و توبه کن و قبول نماید پس حضرت دست مبارک را بر روی او مالید پس بحال اول برگردد و با آنحضرت
بیعت نماید در لشکر آنحضرت باشد مفضل پرسید که ای سید من ملائکه و جنیان از برای مردم ظاهر خواهند شد فرمود بلی
ای مفضل با ایشان گفتگو خواهند کرد چنانکه مردم با اهل صحبت مینمایند مفضل گفت ملائکه و جن با آنحضرت خواهند بود
فرمود بلی والله آنحضرت با ایشان فرود خواهند آمد در زمین هجرت که مابین کوفه و نجف است و عدد اصحاب آنحضرت در
آن وقت چهل و شش هزار از ملائکه و شش هزار از جن خواهد بود و بآن لشکر بر عالم ظفر خواهد داد مفضل پرسید که آنحضرت
با اهل مکه چه خواهد کرد فرمود اول ایشان را بحکمت و موعظه دعوت بحق نماید پس که اطاعت کنند یک شخص از اهل خود خلیفه
و نایب نصب نموده متوجه مدینه شود مفضل عرض کرد که خانه کعبه را چه خواهد کرد فرمود خراب خواهد کرد و از بنا که حضرت ابراهیم
و اسمعیل گذاشته اند از نو بنا نماید و بناهای اهل ظلم را خراب خواهد کرد در مکه و مدینه و سایر بلاد و مساجد و منارها و مسجد کوفه
را خراب نماید و قصر کوفه را بردارد مفضل پرسید در مکه اقامه میکند فرمود خلیفه شخصی که نایب نهاده اهل مکه او را
میکشند بعد حضرت بشنود ایشان قتل نایب برگردد ایشان گریان بیایند عذر گویند و تضرع و زاری نمایند توبه نمایند
حضرت بموعظه و ملایمات و عقوبات دنیا و آخرت ترسانیده باز از اهل مکه دیگری را در میان خود نایب گذاشته بیرون آید باز
آن والی را نیز بکشند بار دیگر حضرت جمعی از اکابر لشکر جن بفرستد که هر که ایمان آورد بگذارند و هر که مخالفت ورزد بکشند مفضل
پرسید که منزل آنحضرت و محل اجتماع مؤمنان کجا خواهد بود فرمود که پایتخت آنحضرت و محل ملک آنحضرت و قسمت غنایم
مسجد سهله باشد و خلوتش کوفه شریف خواهد بود مفضل عرض کرد که جمیع مؤمنان در کوفه خواهند بود فرمود
والله هیچ مؤمنی نباشد مگر آنکه در کوفه باشد یا در حوالی کوفه یا دلش مایل کوفه باشد و در آن زمان قیمت خوابگاه
یک گوسفند دو هزار درهم باشد و در آن زمان شهر کوفه وسعتش بقدر پنجاه و چهار میل یعنی هیجده فرسخ باشد و قصرها
کوفه بکربلای معلی متصل باشد و حقتعالی کربلا را پناه و جایگاهی گرداند که پیوسته محل آمد و شد ملائکه و مؤمنان باشد

٦٠٢

اشاره به بیان فتنه و فساد و ظهور کفر و نفاق و فسق و [illegible] اهل عالم

و حق تعالی آن زمین را بسیار بلند مرتبه گردانیده و چندان از برکات در حقیقتها در آن قرار داده که اگر مؤمنی در آنجا بایستد و گواه
خدا مثل هزار ملک برای او مراتب و منزلت در دنیا با کرامت فرماید پس حضرت امام جعفر صادق آهی کشیده فرمود ای
مفضل به درستیکه بقعه‌های زمین با یکدیگر مفاخرت کردند پس کعبه معظمه بر زمین کربلا فخر کرد حضرت حق تعالی
وحی فرمود به کعبه که ساکت باش فخر مکن بر کربلا به درستیکه آن بقعه مبارکه است که در آنجا ندای انی انا الله از شجره مبارکه
به موسی رسید و آن مکان بلندیست که مریم و عیسی را در آنجا جا دادم و در موضعی که سر مبارک حضرت امام حسین را
بعد از شهادت شستند در همان موضع حضرت مریم عیسی روح الله را در وقت ولادت غسل داده و خود را
غسل داد و آن بهترین بقعه‌هاست که حضرت رسول از آنجا عروج فرمود و خیر و رحمت بی پایان برای شیعیان ما مهیاست
در آنجا تا ظاهر شدن حضرت قائم مفضل گفت ای سید من پس حضرت صاحب دیگر بکجا متوجه خواهد شد فرمود
بسوی مدینه جدم رسول خدا چون وارد مدینه شود امر عجیب از او ظاهر شود که موجب شادی دوستان و خواری کافران شود
مفضل پرسید که آن چیست فرمود که چون بنزد قبر جد بزرگوار خود رسد گوید که ای گروه خلایق این قبر جد من رسول خداست
گویند بلی ای مهدی آل محمد گوید که کیستند اینها که با او دفن کرده‌اند گویند که دو صحابه و همخوابه او ابو بکر و عمر اند
پس حضرت صاحب الامر در حضور خلایق از روی مصلحت پرسد که لعین ابو بکر و عمر به چه سبب ایشان را از میان جمیع خلایق
با جدم دفن کرده‌اند و گاه باشد که دیگری غیر ایشان مدفون شده باشد مردم گویند که غیر از ایشان نباشند ایشان را از آن
همین دفن کرده‌اند که خلیفه رسول خدا بوده‌اند و پدر زنان آنحضرت بوده‌اند پس فرماید آیا کسی هست که اگر ببیند ایشان را
بشناسد گویند بلی ما می‌شناسیم ایشان را فرماید که آیا کسی هست که شک داشته باشد در آنکه ایشان اینجا
مدفون شده‌اند گویند نه پس بعد از سه روز امر فرماید که دیوار را بشکافند و هر دو را از قبر بیرون آورند پس
هر دو را از قبر برآورند پس هر دو را با بدن تازه برآورند بهمان صورت که داشتند پس بفرماید که کفنهای
از ایشان برآورند و بلند نمایند و ایشان را از خلق بکشند بر درختی خشکی پس برای امتحان خلق درخت
سبز گردد و برگ برآورد و شاخهایش بلند شود و در این امتحان خواهد که [illegible] داشته باشد پس جمعی که محبت ایشان
و ولایت و محبت ایشان دارند [illegible] گویند اینست والله شرف و بزرگی که ما رستگار شدیم بمحبت ایشان و چون
این خبر منتشر شود هر که در دل بقدر حبه از محبت ایشان دارد حاضر شود پس منادی از جانب حضرت قائم ندا کند
که هر که این دو مصاحب و دو همخوابه را یعنی همخوابه رسول خدا را دوست میدارد جدا شود و یک طرف بایستند پس
مردم دو طایفه باشند یکی دوستان ایشان و یکی دشمنان ایشان پس حضرت فرماید بر دوستان ایشان که
بیزاری جویید از ایشان و گرنه بعذاب الهی گرفتار میشوید ایشان در جواب آنحضرت گویند که ای مهدی آل محمد
پیش از آنکه بدانیم که ایشان را نزد خدا و رسول منزلتی هست از ایشان بیزاری نکردیم حال چگونه امروز بیزاری
اقرار نماییم و دشمنی از ایشان اظهار کنیم و حال آنکه کرامت عظیم از ایشان بچشم خود دیدیم و دانستیم که [illegible]
بچه درجه داشته‌اند بلکه از تو بیزاریم و هر که ایمان بتو آورده است بیزاریم و هر که ایشان را از قبر بیرون آورده و بر دار کشیده بیزاریم
امر فرماید [illegible] سیاهی [illegible] ایشان را بهلاکت رساند بعد از آن امر فرماید که [illegible] برآورند بقدرت الهی ایشان را زنده کند
فرماید خلایق را که جمع شوند هر ظلم و فساد که در عالم شده از اول خلق عالم تا آخر شده و ایشان راضی بوده‌اند [illegible]
بر ایشان اثبات نماید چرا که همه در عالم ارواح رضا داده‌اند و شریک بانی شدند [illegible]
آتش در خانه بردن خانه امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا و امام حسن و حسین و [illegible] امام حسین [illegible] کربلا [illegible]
معصوم

در سختی و شدت هدایت عالمیان گمراه لاابالی و بدبختی و جزء [illegible]

و چهارده معصوم و ریختن خون آل رسول و هر زنائی و هر خونی که بناحق ریخته شده و هر فرجی که بحرام [illegible] شده و هر ربائی که خورده شده و هر گناه و ظلمی و جوری که واقع شده تا قیامت قائم آل محمد همه را بایشان [illegible] که از ایشان
اعتراف هم نمایند که اگر روز اول غصب حق خلیفه بر حق نمیشد اینها در عالم نمیشد [illegible] پس امر فرماید
از ترک مظالم هر که حاضر باشد از ایشان قصاص کنند و بعد ایشان را که از درخت [illegible] آتشی فرماید از زیر ایشان بیرون
آید ایشان را بسوزاند با درخت و باد را امر فرماید خاکستر ایشان را بدریاها بپاشد [illegible] مفضل گفت ای سید من این آخر عذاب
ایشان خواهد بود فرمود هیهات ای مفضل والله که سید اکبر محمد بن عبدالله رسول خدا و صدیق اکبر امیر المؤمنین و فاطمه
زهرا و حسن مجتبی و حسین شهید کربلا و جمیع ائمه هدی همگی زنده خواهند شد و هر که مؤمن خالص یا کافر محض بوده زنده
شود و یک یک عذاب و قصاص خواهند کرد حتی آنکه در هر شبانه روزی هزار بار ایشان را بکشند و زنده کنند
و عذاب دیگر کنند بعد از آن هر جا که خدا خواهد ایشان را ببرد و معذب بعذاب [illegible] پس از آن
حضرت مهدی ع بکوفه [illegible] در میان کوفه و نجف [illegible] با جمعی [illegible] لشکر [illegible]
از نقبا مفضل پرسید ای مولای من بغداد چه طور باشد فرمود محل لعنت و غضب الهی خواهد بود [illegible] در آنجا ساکن
و اسم آن شهر بغداد زوراء علمهای [illegible] و علمهای مغرب که از نزدیک و دور [illegible] والله که آن شهر
عذابها که بر امتهای گذشته وارد شده است [illegible] چشمها [illegible]
باد نازل خواهد شد طوفان شمشیر خواهد شد والله که بگوید چنان [illegible] بغداد [illegible]
و قصرها پس بهشت است [illegible] و دکان [illegible] بغداد
اگر معمور و ظاهر شود در آنجا از افترا [illegible] و حکم ناحق و گواهی ناحق و شراب خوردن و دزدی و زنا و مال حرام
خوردن و خون ناحق ریختن [illegible] در تمام عالم نباشد [illegible] والا کسی
[illegible] که اینها را [illegible] کسی [illegible] پس خروج کند جوانی [illegible] و قزوین
با آواز فصیح [illegible] ای آل محمد مضطر [illegible] طالبه پس [illegible]
جوان در [illegible] از نقره [illegible] طلا [illegible] مرد [illegible] در سنه [illegible]
بر اسبان [illegible] سوار [illegible] مسلح و [illegible] ظالمان [illegible]
[illegible] باشند در کوفه ساکن باشند [illegible] که مهدی و صاحب [illegible] کوفه [illegible] پس اصحاب
که بیائید بر [illegible] که این مرد [illegible] والله که [illegible] که مهدی آل محمد است [illegible]
اصحاب حق ظاهر سازد حقیقت [illegible] پس حسنی در برابر حضرت مهدی [illegible]
[illegible] آل محمد [illegible] عصای حضرت رسول [illegible] و زره او که [illegible]
[illegible] و مصحف امیر المؤمنین [illegible] تغییر و تبدیل
همه را حضرت مهدی حاضر نماید حتی عصای آدم و نوح و ترکه هود و صالح و مجموعه ابراهیم و صاع یوسف و کیل او [illegible]
و عصای موسی و تابوت موسی و زره داود و انگشتر سلیمان و تاج او و اسباب [illegible] حضرت عیسی و میراث [illegible]
پس حضرت مهدی عصای حضرت رسول [illegible] بر سنگ صلبی نصب کند [illegible] درخت بزرگی شود که جمیع لشکر
در زیر سایه آن باشند حسنی گوید الله اکبر دست حضرت را دراز کن که بیعت کنم [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] حسنی و جمیع لشکر [illegible] بیعت [illegible] بغیر از چهل هزار نفر زیدیه [illegible] مصحفها در گردن حمایل
کرده باشند [illegible] حضرت [illegible] ایشان [illegible] فرماید [illegible]
پس فرماید همه را بقتل رسانند [illegible] که صاحبان [illegible] و فضل [illegible] عالم [illegible]

۶۰۴

واسطه نماز

در تحقیق مراتب و خباثت مخربین دین مبین

نسبت زمره ای از اولاد امام حسن مغرور و فضل خود بنسبت خود مثل اکثر علما و طلاب معروفین متقین در تعلیم و تعلم قرائت نماز کوتاهی کرده

طفلان که در پنج سالگی یاد گرفته با کمال بی اعتنائی و ذلیلانه و نظر لاابالی تا آخر عمر به توفیق مقامات و فضایل نماز رسول بزرگوار نهاده

علوم و فنون خاصه مشغول بوده را عالی همتی و هنر خود دانسته شکل و صورت نماز که قرائت اوست اعتنا نکرده ...

و فاضل و حتی مسلمانان عامه عمیا از آشنائی ولایت و امامت و مردمان بیگانه بشرایط و آداب اسلام و ایمان کردن ...

و حال آنکه الزم و اهم علوم علم قرائت بود در اول ایمان و اسلام تا مصداق ایمان و اسلام بود کما اینکه اسم خود عالم

فاضل بشنوند اکتفا به ایمان اسم بی مسمی خناس الذی یوسوس فی صدور الناس باشند و در مدة العمر پنجاه سال قرائت

هر رکعت نماز شو نه دانسته ضال و مضل گردد به درجه که از صد نفر عالم و پیشنماز هر نفر نماز با قاعده علم قرائت ...

مشکل است که از صد نفر پنج نفر نماز مسقط قضا ... انسته که اول درجه نماز حالات و مرض راست ...

سبحان الله هر کسی بقرائت اختراعی خود قرائت تراشی و به بدعت خود پسندی که هر نفر شبیه هم نباشند ...

بلاد دیگر چه فایده بر سر هر فرشته و این ترویج به اعتراف خود علما لاابالی مغرور و فضل خود اختراع کرده اند نه آنکه جماعت دیگر

ساخته باشند بکلمات ... نمازداج چنانکه خداوند خبر داده است و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله

بغیر علم و یتخذها هزوا اولئک لهم عذاب مهین و اذا تتلی علیه آیاتنا ولی مستکبرا کأن لم یسمعها

کأن فی اذنیه وقرا فبشره بعذاب الیم در حال مخالفت کجروی و لجاجت بغرور خود مروج دین و دیندار ...

که خدا فرموده است و زین لهم الشیطان اعمالهم و یصدون عن السبیل و هم یحسبون انهم مهتدون ... که ...

یا نه خداوند در حق نماز که اران که بفرماید الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر نماز من وادارد از معاصی ...

باز مانند ... اللهی مخالفت مینماید بلکه بر معاصی حریص و جری نماید محقق است که نماز نیست اگر نماز بود تاثیر ...

میبخشید چرا اثر بر عکس میدهد الصلوة عمود الدین معلوم که عمود خراب است پس واضح ملتفت معنی ...

قبلت قبل ما سواه و ان ردت رد ما سواه پس نتیجه نماز من دلو گمراه کردن و مریض ...

کرشب و روز با مخالفت راه هدایت و بنده که ... راهها ضلالت و گمراهی حریص و هر ان ...

عوض تعلیم طرق صحت و کار پسند احتیاطی که موافق رای همه مجتهدین و موافقت علم قرائت است ...

و مردد ملتزم الاحتیاط سبیل النجاة چرا بر عکس نمائیم زیرا که باعث از نماز ... آشنا نداریم ...

زیرا که هر قدر در نماز شتاب و عجله باشد دلیل کراهت و دشمنی خود برد کار است اگر چه بر سبیل صحت نماز با شرایط ...

و هر قدر دوستی و محبت زیاد باشد بصاحب و فرمانفرمای نماز دلیل محبت بر صاحب نماز است که مفارقت ...

کما اینکه نداند این نماز و در درگاه محبت و خالق من قبول است با مخالفت و سبب دشمنی با صاحب نماز است ...

شرع و دین امر کرده که نماز ... بعد از تعلیم خوب و کار پسند گاه گاه بابه صبر آدمی با ملتس ... که متردد ...

نه آنکه عوض صبر آدمی با ملتس کار کامل طمانینه ... نیز از شرة عجله و شتاب ترک نمائی الحاصل هر قدر عجله ...

دلیل بی میلی نماز و صاحب نماز است صاحب نماز خداوند ... است که صاحب دین و نماز ... بی میل ...

یعنی بعد از کراهت با صحت نماز عجله است نکرده و طریق گمراهی است ... بعد از کراهت و دشمنی باخداست که ...

بطلان نماز با مخالفت شرایط نماز عجله نمودن بی شرایط و بی قرائت و بی طمانینه و غیر آنها بوده باشد یعنی بعد از

نماز عجله نماید اکثر علمای لاابالی عادت بوده است بعلاوه صفت خبیثه و بدعت و اختراعی که باعث کفر ...

برای بی اعتنائی و استخفاف نماز و شرایط قرائت و استخفاف نماز و صحت و عدم صحت نماز یا بتاخیر ...

و یا برای علم بصحت نماز خود و نماز دیگران ... و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون یا ظالمون یا فاسقون

علاوه بر اینکه در این جمله ترجمة الصلوة ذکر شد و فضیلت صحت نماز ... ترتیب نماز که ...

از ظلمهای منافقین بعد پدر و شکایت ائمه و فاطمه زهرا

و قال الله تعالی طس تلک آیات القرآن و کتاب مبین هدی و بشری للمؤمنین الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة
و هم بالآخرة هم یوقنون ان الذین لا یؤمنون بالآخرة زینا لهم اعمالهم فهم یعمهون اولئک الذین
لهم سوء العذاب و هم فی الآخرة هم الاخسرون و قال الله یسجدون للشمس من دون الله و زین لهم
الشیطان اعمالهم فصدهم عن السبیل فهم لا یهتدون پس ... مفضل پرسید که ای سید من بعد از آن چه
کار خواهد کرد فرمود که لشکرها بسوی سفیانی خواهد فرستاد تا آنکه او را بگیرند در دمشق در روی صخره بیت المقدس سر
ببرند پس حضرت امام حسین ظاهر شود با دوازده هزار صدیق و هفتاد و دو نفر که با آنحضرت شهید شدند در کربلا
و هیچ رجعتی خوشتر از این رجعت نیست پس بیرون آید صدیق اکبر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و برای او قبه در نجف
نصب کنند که یک رکنش در نجف اشرف باشد و یکی در هجر و یکی در صنعای یمن و رکن چهارم در مدینه طیبه و گویا می‌بینم
قندیلها و چراغهایش را که آسمان و زمین را روشن میکند زیاده از آفتاب و ماه پس بیرون آید سید اکبر محمد بن عبدالله
با هر که ایمان آورده باشد از مهاجر و انصار و غیر ایشان و هر که در جنگها با آنحضرت شهید شده و زنده میشود هر که
تکذیب آنحضرت کرده بود یا شک کرده بود در حقیقت او یا تکذیب و رد کرده او و میگفتند کاهن است یا ساحر و دیوانه و کذاب
نفس خود سخن میگفتند همه را بجزای خود میرساند و همچنین رجعت کنند ائمه سلام الله علیهم یک یک تا صاحب الامر و هر کسی با
ایشان کرده اند تا خوشحال و خوشوقت گردند و انتقام کشیده رسانند آنها را بجزای خود در دنیا و بعد از
عذاب آخرت در آن وقت ظاهر میشود تاویل این آیه که گذشته و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض الآیة
پس مفضل پرسید که مراد از فرعون و هامان در این آیه کیست حضرت فرمود ابوبکر و عمر است مفضل پرسید که رسول خدا
و امیرالمؤمنین با حضرت صاحب الامر خواهند بود حضرت فرمود بلی ناچار است که ایشان باشند حتی آنکه
و ظلمات و جمیع دریاها و تا آنکه هیچ زمینی نماند مگر آنکه ایشان طی نمایند و دین خدا را ... و هر کدام شاد شوند
حق و موافق احادیث گذشته ... خدا نمایند ... امام ... قیامت پس فرمود که گویا می‌بینم ای مفضل
که ما امامان نزد جد خود رسول خدا ایستاده باشیم و با آنحضرت شکایت کنیم آنچه بر ما واقع شد از امت جفاکار بعد از وفات
آنحضرت از رد کردن و تکذیب و دشنام و لعن کردن بر ما و ترسانیدن و اذیت کشیدن و بیرون کردن از حرم خدا و رسول
و زهر دادن و محبوس کردن و استخفاف ما پس حضرت رسول گریان باشد و بفرماید که ای فرزندان من آنچه بشما رسیده است
بجد شما رسیده است پیش از شما پس آن وقت ابتدا کند حضرت فاطمه زهرا و شکایت از اعرابی اول نماید ...
چنانکه حجتها بر ایشان اقامه نمودم سود نداد و نامه که تو برای من نوشته بودی در خصوص فدک عمر گرفت در حضور مهاجر و انصار
و آن نجس خبیث بر آن آب دهن انداخت و پاره کرد و من بسوی قبر تو آمدم ای پدر و شکایت کردم ابوبکر و عمر در سقیفه بنی ساعده رفتند
با منافقان امت خود اتفاق کردند و خلافت را از پسر عم امیرالمؤمنین غصب کردند و خواستند بیعت ...
ابا نمود هیزم بر در ما سوختند که اهلبیت ترا بسوزانند لابد صدا زدم که ای عمر این چه جرأت است که بر خدا و رسول میکنی
که نسل پیغمبر را از زمین برداری عمر گفت که بس کن ای فاطمه که محمد نیست حاضر و ملائکه نیایند که با ما بیایند و امر
نهی از آسمان بیاورند ... بیعت کند و گرنه همه شما را بسوزانم در خانه خود من گفتم خدایا بتو شکایت میکنم
اینکه پیغمبر تو از میان رفته امتش کافر شده اند و حق ما را غصب نمایند پس عمر صدا زد ...
که خدا پیغمبری و امامت ... اهلبیت شما نداده است ... راضی نشده ... و دست مرا ...
... خواستم گریه کنم ... امیرالمؤمنین ... رحمة للعالمین ...
... بلند ... زمان ...

در شکایات ائمه اطهار و فاطمه زهرا از ظلمهای منافقین زمان

بیان آن آرزو در دستمه یک شدم پس حضرت امیرالمؤمنین شکایتهای خود شروع نماید که چندین بی‌مروتی‌ها [illegible] برداشته

بمانها که مهاجر و انصار رفتم از آنهائی که شما مگر بیعت خلافت مرا از ایشان کرفته بعد از آنها طلب یاری کردم [illegible]

وعده یاری دادند چون صبح شد بمجلس یاری من نیامدند و بسی محنت و مشقت از ایشان کشیدم قضیه من [illegible]

بود در میان بنی اسرائیل که با موسی گفت که ای فرزند مادر من بدرستیکه قوم تو مرا ضعیف کردند نزدیک بود که مرا

بکشند صبر کردم برای خدا از آزار جفا کشیدم که هیچ حقی بسیغمبر از امت او مثل او نکشیده باشد تا آنکه مرا شهید کرد [illegible]

عبدالرحمن ابن ملجم لعین پس امام حسن برخیزد و گوید که ای جد بزرگوار چون خبر شهادت پدرم بمعویه رسید زیاد ولد الزنا

با صد و پنجاه هزار لشکر بجانب کوفه فرستاد که من و برادرم حسین و سایر برادران و اهل بیت ما بگیرند تا بیعت کنیم معویه لعین

و هر که قبول نکند گردن بزنند [illegible] معویه بفرستند پس من بمسجد رفتم و خطبه خواندم مردم را نصیحت کردم [illegible]

بجنگ معویه خواندم بغیر از بیست کس مرا جواب نگفتند پس رو بآسمان کردم و گفتم خداوندا تو گواه باش که ایشان را

دعوت کردم مرا یاری نکردند و در فرمانبرداری تو و من مقصر شدند خداوندا تو لعنت برای ایشان بلا و عذاب [illegible]

پس از منبر بزیر آمدم بجانب مدینه روان شدم پس بنزد من آمدند که اینک معویه لشکر کشیده و مسلمانان را غارت کرده و

زنان و اطفال را کشته‌اند بیا با ایشان جهاد کنیم گفتم شما را وفائی نیست صلحی با ایشان فرستادم و گفتم که شما را معویه لعین

خواهید رفت و بیعت مرا خواهید شکست و مرا بخطر خواهید نهاد که با معویه صلح نمایم [illegible]

پس امام حسین برخیزد در حالتیکه خون خود خضاب شده با جمیع شهدای کربلا چون نظر رسول خدا باو افتد گریه [illegible]

جمیع اهل آسمان بگریه و ناله آیند آنحضرت نعره برکشد و زمین بحرکت در آید و حضرت امیر و امام حسن از جانب راست [illegible]

آنحضرت و حضرت فاطمه زهرا از جانب چپ آنحضرت پس حضرت امام حسین نزدیک آید حضرت [illegible]

چسباند و میگوید حسین [illegible] در باره تو [illegible] و از جانب راست حضرت امام

حمزه سید الشهدا از جانب او جعفر طیار محسن و جناب خدیجه و فاطمه بنت اسد مادر امیرالمؤمنین برداشته [illegible]

فریاد کنان جناب فاطمه قرآن تلاوت نماید که مضمونش اینست که [illegible]

که [illegible] از کار [illegible] نماید که کاش میان او و کار [illegible] فاصله [illegible]

بعد پس حضرت امام جعفر صادق در اینجا بسیار گریست و فرمود که روشنی مباد دیده که در وقت ذکر این قصه گریان نباشد [illegible]

پس مفضل گریست و گفت ای مولای من چه ثواب دارد گریستن بر ایشان فرمود ثواب غیر متناهی اگر شیعه باشد [illegible]

پس مفضل [illegible] فرمود من هم شرط ثواب [illegible]

[illegible] موافق فرمایش [illegible] و مجموع علمای [illegible]

[illegible] باشد علاوه بر بطلان اگر بقصد ورود که در شریعت ظاهره این طور از صاحب شریعت وارد [illegible]

کافر [illegible] احتیاط نماید بدون کلام کافر کرده [illegible] این حقیر ضعیف [illegible]

تکرار و فریاد و [illegible] از تحریر و مطالعه برداشته [illegible] علم [illegible]

[illegible] اطلاع نماید [illegible] مفضل عرض کرد [illegible]

[illegible] حضرت فرمود که فاطمه زهرا برخیزد و گوید خداوندا [illegible]

ظلمها که [illegible] غصب کرده‌اند [illegible] ظلمهای [illegible]

تمام بر عشر و احشر عمی
تا محی فساد

آخر حدیث شریف مفضل در اثبات

۶۲

میفکنانند و حاملان عرش الهی و هر که در دنیا است و هر که در تحت الثری است همگی خروش بر آورند پس تمام ... کافران
و ستمکاران و ظالمان و راضی شدگان بظلم ما را اینها ... مرا بار نشنید مفضل گفت ... بعضی از
شیعیان شما شنیدند که قایل نیستند که شما در دنیا بشما و دشمنان شما را از گور زنده کنند و منکر شدند امری که
اهل البیت ما که مکرر خبر داده ایم از رجعت منکر شدند این آیه را ولنذیقنهم من العذاب الادنی دون العذاب الاکبر
فرمود عذاب پیشتر عذاب رجعت است و اکبر عذاب آخرتست پس حضرت فرمود جمعی از شیعیان که دشمنان ما تقصیر
میکنند که معنی رجعت است که پادشاهی بما بر میگردد و مهدی ما پادشاهی تمام دنیا را بایشان پادشاهی دنیا را که
از ما گرفته است بر گردانند پادشاهی نبوت و امامت و وصایت همه با ما است ای مفضل اگر تامل کنی در قرآن شیعیان ما
در قرآن هر آینه شیعیان ما در فضایل ما هر آینه شک نمیکنند منکر نشدند این آیه که در تنزیل آن نوع الذین استضعفوا
الخ گذشت رجعت است و الله که تنزیل این آیه در بنی اسرائیل است و تأویلش در رجعت ما اهل البیت است و در عون ...
ابا بکر و عمر پس فرمود بعد از آن برخیزد جدم علی بن الحسین پدرم امام محمد باقر پس شکایت کنند بجدم رسول خدا
از آنچه از ستمکاران بایشان رسیده است بعد برخیزم من شکایت کنم از آنچه منصور دوانقی و ملاعین ...
پس برخیزد پسرم امام موسی و شکایت کند که پس از هارون الرشید پس برخیزد علی بن موسی الرضا و شکایت کند
از مامون پس برخیزد امام محمد تقی و شکایت کند از مامون ملعون و معتصم پس برخیزد امام علی النقی و شکایت کند از
متوکل پس برخیزد امام حسن عسکری و شکایت کند از معتمد پس برخیزد مهدی صاحب الزمان همنام جدش رسول
با جامه خون آلود که در روزی که پیشانی نورانیش شکسته و دندان مبارکش شکسته بود و ملائکه
دور او باشند تا جدش محمد که مراد ... مردم ... تمام ... گذشت ...
الکار حق من ... و اطاعت ... من نکرده ... متولد نشده است ... یا گفته مرده است ... ذکر
ما ... خواب ... پس جدم ... برای انا الملک ... فرمود که ظاهر شوم پس حضرت
فرمود الحمد لله الذی صدقنا وعده و اورثنا الارض من الجنة نتبوأ ... فنعم اجر العاملین ... گوید الحمد
رفع الله ... ظاهر شده و ... حقتعالی و هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین
کله و لو کره المشرکون پس بخواند انا فتحنا لک فتحا مبینا لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک و ما تأخر
و یتم نعمته علیک و یهدیک صراطا مستقیما و ینصرک الله نصرا عزیزا مفضل پرسید که ... گناه ...
حضرت رسول که حقتعالی میفرماید که تا بیامرزد برای تو الله تعالی آنچه گذشته است از گناهان تو و آنچه مانده
بعد از این خواهد شد حضرت جعفر صادق فرمود ای مفضل رسول خدا دعا کرد که خداوندا گناهان شیعیان من
علی بن ابی طالب و شیعیان فرزندان من که اوصیا منند گناهان گذشته و آینده ایشان را تا روز قیامت بر
بار کن و مرد در میان مهاجران ... گناهان شیعیان ... پس حقتعالی گناهان شیعیان را ...
بار ... و همه ... برای ... آمرزید پس مفضل بسیار گریست و گفت ای سید من ای ... بفضل الهی ... لطف
بیرکت شما امامان ما حضرت فرمود که ای مفضل این مخصوص تو و امثال تو است از شیعیان خالص
و این حدیث را نقل مکن برای جماعتی که در معصیت خدا رخصت میطلبند که ... پس اعتنا ...
انواع فضایل ... ترک عبادت خدا میکنند پس ... کار ایشان تمام ... زیرا که خدا
میفرماید که شفاعت نمیکنیم مگر برای کسیکه پسندیده و صالح باشند که شفیعان خوف از خشیت الهی ...

صحت نماز از حرفه مفضل

در اثبات تأکیدات کتاب کریم آقی آیت و

مفضل پرسید این آیه که حضرت خدا فرموده لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون مگر آن حضرت بر همه دینها غالب نشد
فرمود ای مفضل اگر بر همه غالب شده بود مسلمانان و مجوس و یهود و غیر ایشان از ادیان باطله در زمین نمی بود بلکه این
در زمان حضرت مهدی خواهد بود و در رجعت حضرت رسول خواهد بود و این آیه نیز در آن زمان خواهد شد و قاتلوهم حتی لا
تکون فتنة و یکون الدین کله لله پس حضرت امام جعفر صادق فرمود که بر گردد حضرت مهدی و بسوی کوفه
حق سبحانه و تعالی از آسمان بشکل ملخ از طلا بر ایشان بباراند چنانکه بر حضرت ایوب بارید و قسمت نماید بالعطا
گنجهای زمین را از طلا و نقره و جواهر پس مفضل پرسید که اگر یکی از شیعیان شما بمیرد و قرضی از برای برادران
مؤمن خود داشته باشد و در ذمه او پس چگونه خواهد شد حضرت فرمود که اول مرتبه حضرت مهدی نداء فرماید که هر که قرضی
و حقی در ذمه شیعیان ما داشته باشد بیاید بگوید پس همه را بصاحبان حقوق حق بدهد تا حق کسی بر دیگری نماند
و ظاهر آنست که اینها از این نوع اخبار نیز کلام بر الهش باید گفت لا احتیاط سبیل النجاة تا ان الله
نماید اگر چه حدیث مفضل طولانی بود مناسب مقام اکتفا باین قدر شد اول ملاحظه عقاید و قوه حضار و فرقه
مستمعین لازم است احکام الله را شیعت بود که چاکر هر کس نشر اخبار کردن که به تردیدی باک تردد و ما اراده کرده ایم
بجبارت نگذارند که مقدمه محرمات در راه محرمات و راه نماز و معاد و دیگر خیانت و بدعت ها نباید در معاد جسمانی

آیت که در باب صحت و اعتقاد نماز و صحت صیغ و عقود دین حنیف عام قرائت و تکالیف
مقرر شده و تکلف انها تکلف بر دین محمد آمده
در این مجموعه اشعار ترجمه الصلوة
و معراج الطاعات

بدانکه در معاد جسمانی تمهید مقدمه چند لازم است از جمله مجموع این کتاب است برای صحت نماز و صورت و شکل و قرائت که اول
حرف جنسیت و حضور قلب است برای رضای خالق و استحقاق حضرت حق پس آنچه در قرآن مجید و احادیث معتبره وارد
در وصف قیامت و مقدمات آن و خصوصیات و اوصاف آن آنچه بعد از آن احوال خلق بیان نموده ملتفت باید
اذعان و اطاعت کردن در آن تأویل در آنها نباید کرد زیرا که اعظم اسباب الحاد و تضلیل فتح باب ارادت و
و عمده اسباب ایمان و یقین انقیاد و تسلیم است چنانکه در بسیاری احادیث ائمه اطهار ملتفت که هر چه
از ما بشما میرسد اذعان و تسلیم نمایید و اگر عقل شما بآن نرسد بظاهرش اقرار نمایید و انکار ننمایید که
شاید ما گفته باشیم تکذیب ما کرده و تکذیب ما تکذیب خدا و رسول است و ابتدا باثبات معاد اصل
عمده است و بسیاری احوال است و قبر و سؤال و برزخ و حساب و سؤال و مجازات موقوف بمعاد است و معاد
لغت بمعنی اسم است اول عود و رجوع یا کسی که از آن منتقل شده باشد دوم مکان عود و سیم زمان عود
و در اینجا مراد عود روح است بجسد برای یافتن جزای اعمالی که در مدت حیات دنیا که از خیر و شر با مکان بازگردند
عود و هر سه بیک چیز میگردد آن روحانی و جسمانی میباشد و روحانی آنست که روح باقی میماند بعد از مفارقت بدن
اگر از سعداء باشد بعلوم و کمالاتیکه در و مناسب نعمات متبهج گردد و مسرور باشد و اگر از اشقیا باشد بجهل
و بسیط و صفات ذمیمه که در این نشاء کسب کرده است معذب و مغموم میباشد و فلاسفه باین معاد قائلند
و لهذا دوزخ و ثواب و عقاب را تأویل باین حالت میکنند و معاد جسمانی آنست که این بدنها در قیامت عود
کنند و بار دیگر ارواح ایشان متعلق گردند و اکثر اهل ادیان و سعادتمند و اهل سنت جسمانی مشغول گردند

در بیان اوصاف

و آنکه اهل بهشت لذات روحانی و جسمانی

۶۲

داخل جهنم شوند بآتش جسمانی معذب شوند و این از ضروریات دین اسلام است بلکه باتفاق جمیع اهل ملل است و بعضی از نصاری نیز
باین قایلند و اکثر کتابهای الهی بر این معنی ناطقند خصوصاً قرآن مجید که اکثر آیات آن در این معنی صریحست و قابل
تاویل نیست چنانکه عامه و خاصه نقل کرده اند مشهور است اُبی بن خلف ملعون استخوان پوسیده برداشت و آورد
بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و در دست مالید و ریزه ریزه کرد گفت یا محمد گمان داری که خدا این استخوانها را بعد از پوسیدن زنده
میکند در قیامت حضرت فرمودند بلی و تو را نیز زنده میکند و داخل جهنم میکند پس این آیه کریمه نازل شد و ضرب لنا مثلا
و نسی خلقه چنانکه تفسیرش معلوم است و شکی نیست در آنکه انکار معاد جسمانی کفر است و انکار ضروری دین اسلام و انکار قرآن مجید
و انکار حضرت رسول و ائمه اطهار سلام الله علیهم است چنانکه فخر رازی گفته است که انصاف آنست که ممکن نیست جمع
کردن میان ایمان بآنچه آورده است النبی صلی الله علیه و آله و میان انکار حشر جسمانی و فلاسفه حکما انکار این معاد کرده اند باعتبار آنکه
اعاده معدوم را محال میدانند و متمسک بشبهه چند شده اند که هرگاه اندک شعوری داشته باشد و در آنها تاملی نماید میداند
که محض شبهه و تلبیس ابلیس است فلهذا بعضی از ایشان که از اثبات این مدعی عاجز شده اند
فاحش که محل انظار و افکار جمیع عقلا است و عدم بدیهی است کرده اند وسیله باعتبار چنین شبهه دست از
دلایل قاطعه کتاب و سنت و گفته های جمیع انبیا و ائمه هدی سلام الله علیهم برداشته معلوم است که چه مقدار
بهره از اسلام و ایمان و یقین دارند با آنکه حق تعالی حشر جسمانی توقفی بر تجویز اعاده معدوم ندارد و جمیع اکثر از
متکلمین خاصه و عامه قایلند که روح بعد از مفارقت بدن باقی است لذات و آلام روحانی و جسمانی هر دو دارد
و وارد و در روایت که ارواح بعد از آنکه بهشت یا جهنم میروند سعدا در بهشت لذات روحانی و جسمانی هر دو دارند
و اشقیا در جهنم آلام روحانی و جسمانی هر دو دارند و محقق دوانی در شرح قواعد گفته است که آنکه معاد جسمانی از جمله
اموریست که واجبست اعتقاد بآن و منکر آن کافر است اما معاد روحانی یعنی التذاذ نفس بعد از مفارقت بدن
و تالم او بلذات و الم‌های عقلی تکلیف تعلق نگرفته است باعتقاد بآن و منکر آن کافر است اما منعی شرعی
و عقلی از اثبات آن و فخر رازی در بعضی از تصانیفش گفته است اما قائلون بمعاد جسمانی و روحانی هر دو خواسته اند
جمع کنند میان حکمت و شریعت و گفته اند عقل دلالت کرده است بر آنکه سعادت ارواح بمعرفت خدا و محبت اوست و سعادت
اجساد در ادراک محسوسات است و جمع میان این دو سعادت در این زندگانی دنیا ممکن نیست زیرا که آدمی با مستغرق بودن
در تجلی انوار عالم قدس ممکن نیست او را که ملتفت شود بسوی چیزی از لذات جسمانی و با استغراق در استیفای این لذات
جسمانیه ممکن نیست او را که ملتفت شود بسوی لذات روحانی زیرا که ارواح بشری در این عالم ضعیفند در وقتیکه مفارقت کرده
از بدنها بسبب استمداد قوة از عالم قدس و طهارت کسب قوتی برای ایشان هم میرسد که جمع ما بین امرین بتوانند
کرد و شبهه نیست در آنکه این حالت اعلی درجات حالات و اقصی منازل سعادات است
بهره محض جمع بین الرأیین است بلکه بهره برهان تمام شده است چنانچه شیخ ابو علی در شفا و نجات گفته است هر چند
در کتاب معاد نفی حشر جسمانی است ... مذهب اقوی مذهب است ... منافاتی میان لذات جسمانی و
روحانی نیست و احادیث نیز دلالت بر این دارد چنانکه عیاشی و غیره از حضرت امام زین العابدین روایت کرده است
که چون اهل بهشت در بهشت در آیند و در بوستان خداوند و مساکن و منازل خود و هر مومنی از ایشان بر تخت خود تکیه کند
و خدمتکاران بر دور ایشان باشند و میوه ها آویخته باشد بر سر ایشان و چشمها بر دور ایشان بگردش آید
جاری شود و بسترها برای ایشان گسترده شود و متکاها و مسندها برای ایشان بگذارند و هرچه خواهش کنند خدمتکاران برای ایشان

۶۱۰

در اشاره به مراتب و درجات اهل بهشت و استحقاق ایشان از مؤمنان

بعضی نمی‌باشند مگر آنکه از ایشان بطلبند حوریان بهشت، چشم از باغستانها و منزلهای ایشان بر نخواهند داشت در این نعمتها باشند
القدر که خدا وعده فرموده، بعد از آن خدا وند جبار فرماید که ای بندگان من داخل طاعت من بودید و سالکان راه شریعت
میخواهید خبر دهم شما را بچیزی که بهتر از این است از آنچه برای شما مهیا است گویند ای پروردگار ما چه چیز است
بهتر از این نعمتها که ما داریم از آنچه نفوس ما خواهش نماید و دیده لذت میبرد از نعمتها در جوار رحمت تو
این لطف و نعمت عظیم عرض نمایند بلی ای پروردگار ما بده آنچه بهتر است از آنچه داریم حقتعالی فرماید که رضای من از شما
و محبت من نسبت بشما بهتر و عظیم‌تر است که دارید پس گویند بلی ای پروردگار ما رضای تو بهتر و لذت
دهنده‌تر است بر خاطرهای ما پس حضرت این آیه را خواند که مضمونش اینست که خدا وعده داده است
مؤمنین و زنان مؤمنه را باغستانها و بهشت‌ها که جاری میشود در زیر آنها نهرها و همیشه در آنها خواهند بود
و منزلها خوشبو و نیکو در جنات عدن و رضا و خوشنودی از جانب خدا بزرگتر است از همه اینها و این است فوز عظیم
و سعادت بزرگ و کلینی از حضرت امام جعفر صادق روایت کرده است که حقتعالی میفرماید که ای بندگان صدیق من متنعم شوید
بعبادت من در دنیا بدرستیکه بآن متنعم خواهید شد در آخرت و ظاهرش اینست که با اصل عبادت متنعم خواهند شد
و چه تکلیف ملک بسبب آنکه اعظم لذات ایشان در عبادت حقتعالی و مناجات او و تحصیل قرب او است و ابن بابویه
از حضرت امیر المؤمنین روایت کرده است که هر کسی بعبادت حقتعالی احیا کند حقتعالی او را در جنت الفردوس قصری
عطا فرماید که در هر شهری برای او باشد آنچه نفس خواهش نماید و دیده از آن لذت میبرد و آنچه در خاطر خطور
کند آنچه مربیان کرده‌اند از بزرگترین نعمتها از برای او است و از نزدیک قرب و در جمیع السیان احادیث بسیار از حضرت رسول روایت
که بهترین نعمتهای اهل بهشت اینست که حوریان برای ایشان خوانندگی میکنند بلحن صوتی که چون دل‌ها بشنوند
نه بروش مضمار شیطانی بلکه بتسبیح و تحمید و تقدیس حقتعالی و در روایت دیگر وارد شده که در بهشت درختی هست که
مانند حیات وحی میباشد که لشوال و کلمه بسیند که آن کسانی که در دنیا بذکر من و عبادت من مشغول شده‌اند و ترک کرده‌اند
صدای بربط و ساز و آوازها پس صدایی بلند شود از آن درخت به تسبیح و تنزیه پروردگار که هرگز خلایق مثل آن نشنیده
باشند و ابن بابویه در رساله عقاید گفته است که اهل بهشت چند نوعند بعضی از ایشان متنعم میکنند بتقدیس
و تنزیه و تکبیر حقتعالی با ملائکه خدا و بعضی متنعم میباشند بانواع خوردنیها و آشامیدنیها و میوه‌ها و تختها و حوریان
و خدمتکاران و همنشینی پسران و فرشها و لباسها و سندس و استبرق و هر یک بهشتی و هر که لذت میبرد بآنچه
و خواهش آن مشغول است و باد دارد پس آنچه خدا او را عبادت کرده است و حضرت فرموده است که مردم خدا را عبادت
میکنند بر سه وجه صنفی از ایشان عبادت مینمایند بامید ثواب این عبادت خادم مزدور است و صنفی از ترس آتش عبادت
میکنند و علامت ... و صنفی عبادت مینمایند از محبت و استحقاق پروردگار که مخصوص بزرگواران دیگر نیست
و شیخ مفید علیه الرحمه در شرح این کلام فرموده است که ثواب اهل بهشت و النذاذ ایشان با کل و شرب و مناظر و منکح
ملبس است و آنچه ادراک میکنند و تصرف و مالک شدن از آنها است اجمالا اگرچه کلام علما در این باب بسیار است
و بهتر آنچه که با روح و جسم مع ملتذ باشند و اگر اهل جحیم است با روح و جسم معذب و کرده‌اند و مراتب هر کدام
عبادت و معرفت و مخالفت هر کسی در طاعت از وظایف اسلام و ایمان و اخی عشری نماز گذار و اهل نماز
با نماز و خاطر بازیچه و مستخف بالصلوات که مراتب مستخف بالصلوة و تحریف نماز میان عالم صورتها
بسیار است لا یعد و لا یحصی ... بسبب تالیف و حث ... در جلد ضعف ...

در موازنهٔ اعمال خود که در آخرة روح و جسم حساب دارد بیانه

والی صل بسبب اختلاف اهل اشت بعضی مانند بهایم در باغ است بچره مثل حیوانات بعضی مانند حیوانات حضرت

از قرب و وصال و محبت کمال بچره داشته باشند و بعضی مانند بعضی بعضی بسند که ...

کراهت خداوند و ملک و دوستان خدا است مجمع ابرار و خیار است و ... برای ایشان جمیع ... پس از ... کمال ...

کمال و رسیدن لطف خدا و رضای ... مانند دار ... که در جهان ... رحمت بی غایت ... میباشد

نعمت و لذت هرچه در دنیا میبیند ... عبرت ابرار و خیار ... از انبیا و اولیا و معصومین ... چنانکه در اخبار ...

دنیا برای مؤمن دار عبرت و موعظه است ... انبیا و اوصیا مشاهده نماید قالب ... روحانی ...

قالب و محل ابرار و اخیار است ... دنیا باشد چنانکه صورت عبادت ... اخلاق حسنه ...

و راه فلاح رستگاری است پس ... در دنیا ... از عبادات قناعت کند ... لذت جسمانی ...

نیاید و کسیکه در دنیا روح عبادت ... فهمیده ... لذت عبادت ... و عاشق عبادت ...

و خضوع و خشوع و سایر آداب ظاهریه و باطنیه ... لذت روحانی ... حاصل آنکه ... حقیقی ...

و درجات و لذات بهشت ... در دنیا باید تحصیل کردن با عمل ... و دنیا ...

پس هر مرد مسلمان عبرت نامهٔ اعمال ... در دنیا میتواند خواند ... که خداوند در قرآن خبر داده ...

انسان نامهٔ اعمال خود ... ملاحظه و مداقه نماید هر روز ... نامهٔ اعمال روح و جسم ...

و فضل و تجارت و خسارت اعمال جسم و روح ... بقدر و قیمت ... اقلاً ...

در زمین قرار نماز که ... عبادات ملاحظه باید کرد که نماز ... قیمت دارد ... جسم ...

بعد از بطلان ... موافق آیات و اخبار ... از دنیا کافر ... درگذرد ...

چرا ... نماز ... اگر ... علاج نماز ... قضا ...

نماز ... و شیطان ... بی ... زنان بی مدرک ...

و حال آنکه ... راه خدا ... عبادات ... طریق احتیاط ... خصوص ...

و هفت آیه ... موافق ... علم قرائت ... در تعلیم ... اهل تمیز باشند ...

و ... جواز قرائت نماز ... خلاف ما انزل الله حکم ... کافر باشند ...

تعلیم عوام ... قرائت عوام ... کافر خواهد شد ...

نفس ... کافر ... من لم یحکم بما انزل الله

فاولئک هم الکافرون ظالمون فاسقون ... اسلام ... نماز ...

... کافر ... کلمات ...

و حال آنکه عالم قرائت ... صورتان ... کلمات ...

زیرا که ابلیس ... تمیز ... ابلیس ...

... عالم ... فساد ... علاء نماز ...

... العالم ... کلمات ... قلب ...

ومن الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله ... بعذاب الیم ...

... کتاب ... نماز صحیح ... نماز باطل ...

در مذمت کسانیکه مستخف بالصلوة در آنکار میانداز بلا [illegible]

و اکثر اهل این جماعتیکه بواسطهٔ اخبار و احادیث و آیات مواعظ مایل سلوک طریق زهد و تقوی باشند ایشان هم چند فرقه گشته بطرق مختلفه پابند دام شیطان ملیاشند بعضی با نماز بیرغبت کاهل و در ادای حقوق دیگران و دادن زکوة و خمس و زیارت حج و خیرات [illegible] و کربلا و عزاداری و ماتمداری که راه طی الارض بهشت اگرچه جامع همه فیوض عالم در آنها و داخل و کاسب [illegible] و مردم آزار باشند که این آنچه کتاب بنده کی و طاعت و اسلام و ایمان نباشد گریه و عزاداری طی الارض تصور نمایند بدرجه که کل علما و فضلای عالم این فن در رفتار شمه آنچه تصنیف نموده در طریق عزاخانهای عالی برای اجلال عمارات و فرش و ظروف و بلور و بار و شمع و زینت در و دیوار بلند طاق و رواق و خیمه و خرگاه و [illegible] طی طریق بهشت راه آسان گریه و عزاداری را اعظم اسباب مغفرت شمرده‌اند و بعضی با عبا و قبا کهنه و [illegible] و عمامه [illegible] و سر لب شب اعراشته با تکلم اندک و آهسته و آه‌های سرد کشیدن و خانه و منازل کثیف کهنه و بسیار تذویر و حیله و تزویر و بعضی بقرآن و دعا خواندن بسیار و طول تعقیبات و زبان ذاکر و رلستان و راه روان و لیکن شعور این قدر ندارند که از همه صفات بنده کی و اظهار طاعت و تذلل و زهد و تقوی و روش کامل در اوائل خواه از روی سستی و کاهلی و حماقت تعلیم و تعلم نماز صحیح که ادراک آن پسندیده است موافق آرای مجتهدین و فقها چنانکه بادی علوم امیر المؤمنین تعلیم شاگرد خود تعلیم فرموده و مجتهدین اثنی عشری تجویز و تحسین کرده‌اند و فرموده‌اند که نماز موافق رای قراء سبعه باشد اگرچه موافق یکی از ایشان باشد از سبعه درستی صحیح است و مجرب است حتی اینکه یکفر قاری مستی باشد کافی است با وجود مشهور بودن کلام فقها رضوان الله علیهم که خذ ما خالف العامة و اینها علی قول الشان صحیح است مع ذلک عمل برای خود بر مدعی و عامل خواهش انفس خود هستند و بر یکی بطور دیگر شاهد و حاضر نه و بر این احتیاط میکنند خط خود و نماز نا درست و اگر عوض اینقدر تعقیب و قرآن و دعا خواندن یکماه یا یک هفته مشق و مذاکره در تعلم قرائت حمد و سوره نماز کنند البته نماز صحیح و خوب یاد خواهند گرفت و مشهور است که هر کس بطور دلخواه خود پیش گرفتار دام خود مینماید بهر چیز که مایل بهتر و مستحب فریضه باشند و سنت که طول تعقیبات نمازها و فریب حق در رضای خالق میشمارد و چه بسیار درویش زنار و عین طاعت میداند و عمل نماز و لطف اللهی و توفیق مخصوص برای خود تصور نمایند که تمام یکحرف بهتر از تمام صرف علما و تفرقه در راه خدای تعالی است و آنکه هر روز از علما و کتب فقها رحمهم الله جستجو کنند کتب علما بر [illegible] تمام چه فایده که عوض علم و فضل مانع است چنانکه تمام آیات قرآن و احادیث که بدون نماز چه فایده و از تمامی انبیا و ائمه معصومین چه حاصل و لقب اسم دوستی و تشیع و اسلام و ایمان چه ثمر و اثر خواهد ولایت و امامت صحیح و معیار آنها اصل و فرع هست نماز تا که ولایت و امامت صحیح و مثوا و قافله سالار مجموع طاعات بلکه بدون نماز و صحت نماز اصل اسم کار نیست بمعنی که بی نماز کافر از دنیا خواهد رفت و اگر کلمه را غلط و بیجهت دارا بعقیده خود صحیح داند و لکن همین صحیح شمردن هم حاتم الانبیا این نماز که مسئله از هم ازهم خواسته مرتبه دار [illegible] و اگر سراسر نمایان نشان نه بعد و لکن که امر او درست که هم که کارها را نماز رسید یا هر روز [illegible] خواهم آموخت یا از آن دانش و محق و بلا یا که چشم نشانم و لیکن حساب یافتیم که جا مدتهم زمانه دست وپا بر [illegible] با اینحال این بحرانیات عذری بغیر از لغو و لهو و مستخف بالصلواة بودن ثمر ندارد والله العالم ببین اجماعت و حفظ شمید [illegible] فضیلت هست نماز اول هر ادا است که ملاحظه کنند و بیانه و حقیقت آنچه لطف که این عالم و آفرینش از راه حکمت و مصلحت آفریده و فعل عبث از ادعا درشان خالق که دل انسان و زمین و جن و انس و کوه و صحرا و دریا

١٢

اهم

مثل عقلا از رعایت وسیلهٔ درست و ضیافت حضرت [illegible] مر بندگان را

به ملاحظهٔ مسکنت و مصاحبت و مصالح معاونه است که نفعی برای حق ضالق نیست که جناب مقدس او از عائدات بی‌نیاز است که او غنی

مطلق است و کامل بالذات و قادر من جمیع الجهات و محتاج از لوازم امکان نیست پس باید عوض منفعتی باشد

که برای ممکنات عاید گردد و اگر شاید دیگر نباشد منحصر در این انسان باشد که فائده است منافع این انسان و مخلوقات

با اضعاف مضاعف از آنکه در استحقاق [illegible] و روحانی و مصاحب و مرض [illegible] ذلک فضل الله [illegible]

و بیماری و [illegible] و اولاد و جهاد و سایر که در این دار است پس قابل آن نیست که مردم از برای این خلق کنند و این شبیه

بآنکه شخص کریم و سخی کامل و فاضلی مالدار شخصی را ضیافت کند بخانه خود که در آن خانه انواع حیوانات

از درنده گان و موذیات از شیر و ببر و پلنگ و مار و عقرب و امثال اینها مهیا باشند که مجبور در وقت طعام نزد او حاضر

سازند که هر لقمه که بردارد چند تن حیوانات گزنده هجوم آورند و دست درد [illegible] و دیگر

شمشیرداران و تیر و خنجر زنان در برابر ایشان هجوم آورند حمله نمایند گردن زنند هیچ عاقلی چنین ضیافت را مدح نکند

بلکه ضمانت شاهد هم باید نفر نماید و او را دعوت نکند که چون این آزار [illegible] کلی و [illegible] مناسب خلیه سر فرار [illegible]

و انعامات جزیله می‌نمودند چه عذر [illegible] آزار میکشیدند [illegible] از آن مدت [illegible] در ضیافت [illegible]

نه همه عقلا این تعریف و توصیف میکنند [illegible] منفعت متناهی و قلیل باشد و مدت [illegible]

غیر متناهی باشد مدت زحمت کم و کوتاه مساعد [illegible] عاقبت باشد برای ارباب عقول بسیار خوب [illegible]

۶۱۴

در اشاره بسؤال قبر

شیخ کلینی روایت کرده است از حضرت صادق که سؤال کرده مؤمن میت در قبر از

پنج چیز نماز و زکواة و حج و روزه و ولایت ما اهل بیت پس ولایت بزرگ [illegible] از کنار قبر کجا و دیگر که نقصی کرده باشد

باشد بر ملت که اصلاح و تمام کنم [illegible] روایت نماز این کلام را گویند و ایضا از آنحضرت منقولست که چون میت مؤمن داخل قبر

منتقل نماز در جانب راست ایستاده زکواة بجانب چپ و الدین و صبر [illegible] چنین [illegible]

نماید صبر نماز و زکواة دلگویند در باب صاحب خود [illegible] در باب [illegible] در تفسیر امام حسن عسکری

که امیر المؤمنین فرمود هر که تقویت کند شیعه ضعیفی را که بحث [illegible] فاز [illegible]

[illegible] حقتعالی [illegible] داخل قبر نماید [illegible] بر درگار [illegible]

[illegible] و کعبه [illegible] و قرآن [illegible] مؤمنین و مؤمنات [illegible]

[illegible] حقتعالی فرماید که [illegible] الفائزین [illegible] در جنت [illegible]

[illegible] بهشت [illegible] حدیث محقق [illegible] صحت [illegible] نماز [illegible]

[illegible] تعلیم کردن و گشتن [illegible] تعلیم [illegible] حضرت [illegible] طلا و نقره [illegible]

آسمان [illegible] صحت نماز [illegible] تمامی اعمال [illegible]

[illegible] ابلیس بر تلبیس و تضییع نماز [illegible] در استحکام [illegible]

چنانکه [illegible] ضلالت که [illegible] تعلیم [illegible] عربیان [illegible]

[illegible] علم [illegible] در رکعت نماز [illegible]

[illegible] صحیح از آنحضرت منقولست که چون مؤمن بمیرد [illegible] در قبر [illegible]

که یکی در جانب [illegible] یکی در بالای سر یکی در جانب راست و دیگر در جانب چپ [illegible]

پس در وقت نزول سؤال و عذاب از هر طرف [illegible] مانع [illegible] از هر [illegible]

اشاره بضغطهٔ قبر که از رکوع [illegible] در تسبیح و صحیح با طمأنینه نباشد

۶۲۸

من ولایت آل محمد مع اختلاف الروایات اول بحث قبولی اعمال ولایت است بعد از آن تا ولایت و قبول تمام اعمال [illegible]

نه بحث تألیف ترجمة الصلوٰة و معراج الطاعات به است عالمیکه مرد عالم علم شریف قرائت بقدر تمیز احوال [illegible] نباشد

نه در تصرف نیک و بد نماز و نه در تمیز صحت صیغ عقود و نکاح و طلاق حتی نماز میتهم مداخله نماید کافر و کافر [illegible]

ببطلان اعمال [illegible] اند [illegible] اگر نه صحت [illegible] تعلیم از اهلش در زمان قابلیت [illegible] باشد و بعد از تعلیم معلوم

نه خطا نکنند و خطا لیس بواسطه عذر [illegible] فاسق یا کافر خواهد که علاجی ندارد هیچ کار و شغلی بعد از تعلیم [illegible] خصوص

عالم صالح معتبر در حال اسلام مسلمان نماید با وجود [illegible] آیات و اخبار این انواع کتب که قوه فهم فارسی داشته

باشد لااقل و بی اعتنائی کند [illegible] که محصور در خانه های طلاب و علما و وجود قاریان در هر محلی خصوص در دار العلم خراسان

این قدر در محلات و حرم محترم حضرت ثامن الائمه بالکثره [illegible] منابر و مساجد و علمای مسائل و احادیث در [illegible] خوانان بسیار

بی حساب مدعیان محبت آل محمد [illegible] اگر احکام و واجبات که همیشه و فوری تمام دارند چه فرق [illegible] فسق و کفر [illegible]

ابن بابویه بسند معتبر از علی بن الحسین علیهما السلام روایت کرده است که آن حضرت در مسجد حضرت رسول منبر [illegible] موعظه

میفرمود [illegible] شنیدن این فقرات [illegible] که ای فرزند آدم اجل تو نزدیک ترین چیزها است بسوی تو [illegible]

و ملک روح تو قبض نماید [illegible] که بیاید در آن منزل بر تو نکیر و منکر برای سوال از تو [illegible]

چیزیکه از تو سوال میکنند از دین تو است که اعتقاد با آن داشته و از کتاب تو و امام تو و ولایت تو و عمر تو که در چه چیز

فانی کردی و مال تو که از کجا کسب کرده و بچه چیز صرف کردی [illegible]

و عذر خود [illegible] پیش از امتحان و سوال اگر مؤمن و پرهیزکار و عارف بدین حق [illegible] [illegible] از امام [illegible]

[illegible] خدا [illegible] بطریق ثواب [illegible]

[illegible] و بهشت [illegible] و زبان [illegible] استقبال میکنند [illegible] ملائکه [illegible]

[illegible] اگر [illegible] مضطرب [illegible] باطل [illegible]

[illegible] آتش و استقبال میکنند اهل آتش الکافر [illegible] ملائکه [illegible] جهنم [illegible]

ضغطهٔ قبر [illegible] تابع سوال قبر است و من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون [illegible] منقول است از حضرت [illegible]

که ضغطهٔ قبر برای مؤمن کفاره [illegible] کفاره [illegible] نعمتهای خدا [illegible] از آن حضرت منقول است که هر که

بمیرد در زمان زوال الشمس روز جمعه فشار قبر و عذاب قبر از او [illegible] پنجشنبه تا زوال جمعه از [illegible]

بروایت دیگر هر که در شب جمعه و روز جمعه بمیرد فشار قبر و عذاب قبر از او [illegible] از علی بن ابراهیم [illegible]

روایت است از حضرت صادق که چون از کافر سوال کنند در قبر [illegible] [illegible] که هر که خلق

[illegible] بغیر از انس و جن [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] عذاب [illegible] مار [illegible] [illegible]

[illegible] دیگر [illegible]

و [illegible] ضربتی [illegible] تمام [illegible] بغیر از جن و انس

[illegible] از جهنم [illegible] مار و عقرب [illegible]

[illegible] تا قیامت و از حضرت امام محمد باقر روایت است که هر که رکوع و سجود را [illegible] معلوم است [illegible] فشار قبر [illegible]

برداشت

در اشاره بجمع و مصاحبت ارواح آنها در بهشت و جهنم

برای او دو چشم قبر برای او نباشد برداشته شود و از ابن عباس مرویست که عذاب قبر سه جزء است ثلثی برای غیبت و ثلثی

برای نمیمه و سخن چینی و ثلثی برای لاابالی در عدم اجتناب از بول و از حضرت امام جعفر صادق منقولست که همه عذاب قبر در لاابالی از بول

در روایتی فشار قبر بر مؤمن نیست شاید مؤمن کامل باشد که تفصیل زیادی دارد سابق باجمال رسید و این کتاب

مقصود بر صحت قرائت نماز و صحت عقود و ایقاعات و نکاح و طلاق و نماز جمعت سلمانان و صحت نماز

علما و طلاب و بیان دین ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین است موافق علم قرائت اجتهاد و حکم

راسخ نه بر سبیل تردید و تزلزل عوام بی قاعده و بی میزان و قشر مذهبی و تقلیدی بی رسوخ در ملکه

و اکتفا بتمیز میان صاد و سین و ثاء و سین و زاء و ذال و دال و ضاد چنانکه میان مردم تمیز حروف این تصور

که محض قشر مذهبی و لاابالی در بر آن است اگر اینقدر تمیز حروف میافتند اینقدر کتب قرائت و اشکال

نعوذ بالله حشو و زاید و کار لغو بود اگرچه بعضی افراط در باب زیاده بر حد اعتدال و قدر وجوب و لزوم کرده اند

که تمامی عمر در قرائت قرآن و حفظ قرآن تلف مینمایند این زمان میان اثنی عشری معدودند

پرستی و ملکه و مال و دولت و باغ و بستان و خدم و نقد و جنس و شهرت و عمارات و فروش

و اسم و رسم بی دینی ساعی و طالبند که هزار درجه بدتر از بت پرستی میباشند باسم تشیع و اسلام و ایمان

منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق عرض کرد که برادرم در بغداد است میترسم آنکه بمیرد حضرت فرمود که چه پروا

هر جا خواهد بمیرد هیچ مؤمن در شرق و غرب زمین نمیماند مگر آنکه حق تعالی روح او را بوادی السلام رساند کف

وادی السلام در نزد پیرون کوفه است گویا میبینم ایشان را که حلقه حلقه نشسته اند بایکدیگر صحبت میدارند دور خانه

و اردشده است که ارواح مؤمنان در درختی میباشند در بهشت یکدیگر را میشناسند از یکدیگر سوال میکنند و از طعام

و شراب بهشت میخورند و میآشامند و میگویند ای پروردگار ما برای ما قیامت را برپا کن و آنچه وعده داده عطا کن

آخر ما را باول ما ملحق گردان و هر گاه روحی از ارواح مؤمنان بایشان وارد شود جمع میشوند بر سر او و سوال میکنند

از بعضی رفقا و اقوام بعضی گویند بگذارید الحال او را از هول عظیمی که شده استراحت و اطمینانی بهم رساند

از هر چه خواهند بپرسید پس از هر کسی که بپرسند اگر گوید زنده است امید وار میشوند که ملحق ایشان شود از سعادتمندان اگر

مرده است مایوس میشوند پس باید رفته است پس بدرستی که جهنم رفته با کفار معذبند و بروایت دیگر ارواح کفار را

باتش جهنم داخل که اهل جهنم شدند میگویند خدایا قیامت را برپا مکن و وعده که ما را بعد داده ای بر آخر ما و باول ما ملحق مکن

و در این باب احادیث بسیار است و کلینی بسند صحیح روایت کرده از حضرت امام محمد باقر سوال کردند که مردم میگویند

فرات ما از بهشت میآید چه گونه است و حال آنکه آب فرات از جانب مغرب میآید و چشمها و رودخانها در آن میریزند

حضرت فرمود که خدا را بهشتی هست که خلق کرده است در مغرب زمین و آب فرات شما از آنجا بیرون میآید و بسوی آن بهشت

میروند ارواح مؤمنان در هر شام و از میوه های آن میخورند و متنعم میشوند و بایکدیگر صحبت و ملاقات میکنند و متنعم میشوند

همراه و چون صبح طالع شود از بهشت بیرون آمده در هوا میان زمین و آسمان سیر میکنند و چون آفتاب طالع شود روحها

بقبور خود میآیند و خبر از آن میگیرند و در هوا ملاقات میکنند با هم آشنائی مینمایند و خدا را مجلسی

آتشی هست که در مشرق خلق شده برای آنکه ارواح کافران ساکن شوند میخورند از طعام زقوم و میآشامند

از حمیم آن و در هر شب و چون صبح شود از آنجا بیرون آیند بوادی که در یمن است که آنرا برهوت گویند که از جمیع آتشهای دنیا

616

اشاره به آنکه عزاداران اهل نماز درست در وقت قبض روح در دنیا میخورند بعد قبض روح شوند

دکرم زیست در آنجا میباشند و با یکدیگر ملاقات مینمایند و یکدیگر را میشناسند و صبح و شام باز بآتش بر گردانند ایشان را و حال

ایشان تا قیامت باین طور است راوی پرسید که چگونه خواهد شد حال قومی که بوحدانیت خدا و رسالت حضرت رسول

قایلند از مسلمانان و اعتقاد بامام ندارند و ولایت و امامت و تمیز و تشخیص ندارند حضرت فرمود آنها در قبور

هستند و بیرون نمیآیند هرکدام که عمل شایسته دارند و عداوت از ایشان با اهلبیت هم ندارند از قبر آنها راهی گشایند

به بهشتی که خدا در مغرب خلق کرده است و نسیم آن برای ایشان میرسد تا قیامت بعد خدا در حسنات و سیئات ایشان

حساب میکند به بهشت یا بدوزخ برد ایشان با مر اللهی موقوف اند همان معامله که با مستضعفین و بلها و اطفال و اولاد

مسلمانی که در حد بلوغ نرسیده اند شاید باشند و اما کسانیکه از اهل عداوت و ناصبی باشند از اهل قبله که با اهل

باطل حق تعصب دارند پس از برای ایشان بابی از قبر ایشان بآتش مشرق که خدا در مشرق خلق کرده است از زبانه او

داشته وارد جهنم جهنم آتش آن تا قیامت میرسد بعد در جهنم جهنم است و ... ایشان که بعد کجاست الحمیم

یعنی امام شما که او را امام قرار داده بودید بغیر از امامیکه خدا امام قرار داده برای مردم و الصفا از حضرت صادق پرسیدند از

حضرت آدم که حضرت فرمود که آنجا بعد از باغستانها بهشت دنیا که در آن آفتاب و ماه طلوع میکند و غروب آفتاب

اگر از جنات حضرت کرده هرگز از آن بیرون نمیآمد و علی بن ابراهیم روایت کرده است در تفسیر آیه شریفه ولهم رزقهم

فیها بکرة وعشیا یعنی از برای ایشان است روزی ایشان در صبح و شام که بهشت دنیا باشد میشود از دیست که جای ارواح

مومنانست و باز در تفسیر قول حقتعالی است فاما الذین شقوا ففی النار لهم فیها زفیر وشهیق خالدین فیها ما

دامت السموات والارض یعنی آنها که شقی و بدعاقبت شده در آتش دائل ایشانرا و در آن حال دفعا که دفعات

و در آن خواهند بود مادامیکه باشند زمین و آسمانها اینهم آتش دنیاست پیش از قیامت و آنها که سعادتمند شدند همیشه

بهشت خواهند بود و دلیل بر اینکه در قیامت زمین و آسمانها متغیر و متبدل میشوند برطرف کرده پس اینها بهشت و آتش دنیا

و کلام در اینجا بسیار است لیکن حق الیقین مجلسی مرحوم نمایند و الصفا از حضرت امام حسن مجتبی منقولست که ارواح مومنین در شبها جمع

میشوند نزد صخره بیت المقدس در قیامت بزرگتر حلالی در آنجا خواهد شد ارواح کفار بعد از مردن جمع میشوند در حضرموت یمن و کلینی

بسند معتبر روایت کرده است از حضرت صادق که حضرت رسول و حضرت امیرالمؤمنین فرمودند که بدترین آبها در روی زمین

دا آن آبیست که در حضرموت که ارواح کفار و در آنجا عذاب مینمایند و در حضرموت جمع ارواح کفارست و در کتاب بصائر الدرجات

منقولست از حبه لابن سنان که از حضرت صادق سوال کردم از حوض کوثر فرمود که وسعت آن ما بین بصری تا صنعا

صنعا است میخواهی تماشا بکنی عرض کردم البته میخواهم فدایت شوم پس حضرت دست مرا گرفته از مدینه بیرون برد

پس پا بر زمین زد نهری پیدا شد که دو طرف آن و در این محل نبود بعد مکر چیزی دیدم حضرت ایستاد بعد دیدم مانند نهری

بود که منظم در آن که طرف آب سفید تر از برف طرف دیگر شیر سفید تر از برف دو میان آن آب و شیر ...

مثل یاقوت سرخ لطیف خوشنما گفتم فدایت شوم این نهر از کجا بیرون میآید دلیل بر آن حضرت فرمود که از آن

میباشد که خدا در قرآن خبر داده فرموده است که در بهشت میباشد چشمه از شیر و چشمه از آب و چشمه از شراب

و در کنار آن نهر دیدم درختان بود و در هر درختی حوریه بود با کمال خوبی در زیبا و در دست هر یکی ظرف خوبی از نقره که از آن

دنیا ندیده بود پس حضرت یکی از آن حوریان را امر فرمود که آب بده دیدم با کمال ادب خواست آبیده دیدم در خت

خم شد ظرف کاسه را برکرده بدست مبارک حضرت داده میل فرمود دو باره اشاره فرمود حوریه کاسه را پر کرده

پر کرده بدست آنحضرت داده حضرت بمن شفقت کرد بیاشامیدم که هرگز شرابی با کوبی و لطافت و لذت آن نخورده

برایکه بنگ

اشاره بمحل و مکان ارواح مؤمن و کافران در قبر و در برزخ تا قیام قیامت

۴ ج

رایحهٔ مشک و عنبر چون نظر بکار نمودم هر سه لون امتزاج یافته گفتم فدای تو شوم مثل آنچه امروز دیدم هرگز ندیده بودم حضرت فرمود
این کمترین خبریست که حقتعالی برای شیعیان ما مهیا کرده است مؤمن چون از دنیا میرود و حشر [illegible] این نهر مبادرت [illegible] و عبارت
حدیث اشاره است که عبارت شیعه و اهل ایمان [illegible] است که لازمه نماز صحیح است نه نماز غلط و لازمه نماز [illegible]
و غلط و لیکن کفر و ارتداد است نکوید که این همه نمازهای علما و طلاب [illegible] باطل باشند [illegible] حضرت فرمود چون [illegible]
بمیرند روح ایشان را ببرند بوادی برهوت و در عذاب آن همیشه ملی باشند از زقوم که میخورند و از حمیم که در حلقش ریزند [illegible]
از الوادی و ابن قولویه در کامل الزیارة از عبدالله ابن بکیر روایت کرده است که با حضرت صادق رفیق بودیم از مدینه تا مکه پس
در منزلی فرود آمدیم که آنرا [illegible] عسفان میگویند پس گذشتیم بکوه سیاه موحشی که در جانب چپ راه بود گفتم یا ابن رسول الله
چه بسیار خوف و وحشت دارد این کوه و در این راه [illegible] موحش [illegible] مثل این ندیدم حضرت فرمود آیا میدانی که این چه
کوهست و این چه جاست گفتم نه فدایت شوم مهابت و خوف [illegible] فرمود این کوهی است که از الکمد گویند
در وادی از وادیهای جهنم واقع است و در این کوه زمین پست [illegible] کشته کان [illegible] میباشند [illegible]
و در اینجا سپرده [illegible] عذاب قرار داده [illegible] جاری [illegible] جمیع کوههای جهنم [illegible] جهنم و طینت خبال
لظی و از حطمه و از سقر و از حمیم جهنم و از هاویه و از سقر و آنچه از جب حزن و از فلق و از آثام کل آنچه معذب بعذاب [illegible]
زیر این محل و اسباب عذاب جهنم از اینجا جاریست [illegible] اکثرت هیچ [illegible] از این کوه نگذشتم مگر آنکه عمر و ابوبکر
ببینم که بمن استغاثه نمایند نظر میکنم بسوی قاتلان [illegible] در جواب [illegible] ابوبکر و عمر [illegible] که ایشان هر چه کردند
اسبابی که شما بانی و باعث شدید [illegible] دست ما [illegible] نهاده [illegible] برای رحم [illegible] ما [illegible] از حق ما محروم کردید
غصب کرده و جمیع امور ما [illegible] تصرف کرده [illegible] رحم نکند کسی [illegible] رحم نکند [illegible]
چه ظلم کنند [illegible] گفتم فدای تو شوم این کوه [illegible] [illegible] دانستم [illegible]
[illegible] خادم [illegible] موکل کرده [illegible] عدد [illegible] ستارههای آسمانها و قطرات دریاها [illegible] و عدد ذرات [illegible]
و هر ملکی موکل بر امری است [illegible] و غفلت از آن [illegible] از حضرت صادق
روایت کرده است که [illegible] که چون روز جمعه و روز عید شود حقتعالی امر فرماید رضوان خازن بهشت [illegible]
در میان ارواح مؤمنان و ایشان در غرفه [illegible] هر یک [illegible] ناقه از ناقههای بهشت [illegible] که بر آن ناقه [illegible]
از زبرجد سبز [illegible] باشند که پردههای آن از یاقوت زرد [illegible] باشند و بر ناقهها حلهها و بر [illegible] بهشت
باشند پس سوار شوند بر آن ناقهها با زینت تمام و حلههای بهشت و [illegible] تا برسند [illegible] ایشان نور
[illegible] درخشنده [illegible] ستارهای [illegible] دیگر [illegible] پس ارواح مؤمنان در عرصه بهشت جمع شوند
پس خداوند جلیل میفرماید جبرئیل را که ملائکه آسمانها را باستقبال ایشان فرستد پس ملائکه هر آسمان استقبال کنند
آسمان [illegible] مشایعت کنند و فرود آیند بوادی السلام [illegible] الصحراء است که بپشت کوفه یعنی کنار [illegible]
متفرق شوند در قبرها و زیارت کنند [illegible] که در دنیا با ایشان [illegible] باشند [illegible]
[illegible] آنچه خواهند [illegible] سبب [illegible] آنچه سبب فرح [illegible]
و بزیارت قبرها [illegible] اصلی ایشان در [illegible] و چون [illegible] از نماز جمعه و عید فارغ شوند [illegible]
جبرئیل در میان ایشان [illegible] بهشت [illegible] حضرت [illegible] ملک [illegible]
این از برای مؤمن است حال کافر چنین خواهد بود [illegible] ملعونی چند [illegible]
معذب [illegible] ملعون [illegible] ایشان [illegible]

در توقف ارواح مؤمن و کافر و مستضعف و غیر ایشان در اماکن متعدده تا روز قیامت

۶۴۲

پیوسته آن به نهان قفس برسانند و روح را معذب به انواع عذاب‌ها پیوسته در زیر آن سخط اللهی محبوسند و روح کافر است
غایبه تا آنکه قائم ما ظاهر شود پس از دو جهت خبیث پلیدش را بیرون آورند و حضرت قائم گردن ایشان را بزند و بمیرند
پس آتش در قیامت به جهنم روند ابد الآباد در آنجا معذب باشند مجلسی مرحوم گوید که از این حدیث معلوم می‌شود که ارواح مؤمنان
در عالم برزخ در بهشت می‌باشند که در آسمان است و از احادیث سابقه ظاهر می‌شود که در بهشت زمین می‌باشند و آن احادیث
بیشتر معتبر است و ممکن است که این مخصوص بعضی از مقربان بوده باشد مجمل قول در این ابواب و آنچه مذکور شد
آنچه اعتقاد باید کرد و از احادیث مستفیضه در این باب قاطعه آنچه معلوم می‌شود آن است که نفس بعد از موت باقی است
اگر محض ایمان دارد متنعم است و اگر محض کفر دارد معذب است و اگر مستضعف است که قدرت بر تمیز حق از باطل ندارد
و با حجت کامل بر او تمام نشده است مانند جمعی که در اقصای بلاد کفر یا بلاد سنیان می‌باشند و اطلاعی بر اختلاف
مذاهب ندارند یا اگر اطلاع دارند نتوانسته به بلادی آمد که تجسس دین حق بکنند بلکه بعضی از مخالفین که محبت اهل
بیت داشته باشند و با شیعه عداوتی نداشته باشند و حیران باشند و امام را مخصوص نشناسند و اطفال و مجانین و امثال
ایشان اینها در برزخ سؤالی و عذابی نخواهد بود و امر ایشان موقوف است تا قیامت که حق تعالی به عدل خود یا به فضل
با ایشان سلوک نماید و سایر مردم ارواح ایشان برمی‌گردد در قبر یا به جمیع بدن یا به بعضی از بدن که قدرت بر فهم سؤال
و خطاب و جواب داشته باشد و از ایشان سؤال می‌کنند از بعضی عقاید و بعضی از اعمال و به مقتضای آن ثواب
و عقاب می‌یابند و ضغطه و فشار قبر فی الجمله حق است و سؤال از بعضی ساقط می‌شود مانند کسی که تلقین او کرده باشند
و ضغطه نیز از بعضی مؤمنان ساقط می‌شود چنانکه گذشت و اینها همه در بدن اصلی واقع می‌شود بعد از آن روح تعلق می‌گیرد
به بدن مثالی لطیفی مانند اجسام جن و ملائکه شبیه به اجساد اصلیه در صورت متنعم و معذب در آن بدن می‌باشد و
ممکن است که ارواح را المی حاصل شود که به سبب بعضی امور که نسبت به بدن اصلی واقع می‌شود به اعتبار تعلقی که سابقاً با آن
داشته است و به سبب آنکه بان عود خواهد کرد چنانکه از بعضی اخبار ظاهر می‌شود با این وجه اکثر اخبار که در باب ثواب و عقاب
و در کشیدگی و شکل آن و حرکت روح و طیران آن در هوا و آمدن او به زیارت اهل خود و دیدن ائمه را به شکل‌های ایشان و دیدن
اعدای ایشان و سایر آنچه در این باب وارد شده است بر همه مذاهب بدون تکلف ساخته می‌شود پس مراد به قبر در اکثر
اخبار که در آنجا گفته است که روح در آن می‌باشد در عالم برزخ اگرچه ممکن است تصحیح بعضی از اخبار با نفی تجسم روح
اجساد مثالیه در احادیث معتبره بسیار وارد شده است و مانعی از آن نیست نه شرعاً و نه عقلاً از قول به آن
قائل باید شد و توهمی که کرده‌اند که تناسخ لازم می‌آید باطل است چنانکه دانستی و عمده در نفی تناسخ ضرورت دین است
بر بطلان آن و معلوم است که این داخل نیست در آنچه اجماع و ضرورت بر نفی آن قائم شده است چگونه داخل در آن
باشد و حال آنکه قائل به آن شده‌اند بسیاری از مسلمانان مانند شیخ مفید در جواب مسائل خود گفته است که از ائمه
وارد شده است که معذب نمی‌شود مگر که محض کفر داشته باشد و متنعم نمی‌شود مگر کسی که محض ایمان
داشته باشد و بغیر این دو صنف و کافرها متوقف‌اند و سؤال قبر نیز مخصوص این دو صنف
چنانکه در اخبار وارد شده است و اما عذاب کافر در قبر و تنعیم مؤمن در آن پس در خبر وارد شده است که حق تعالی مبدل
روح مؤمن را در قالبی مثل قالب او در دنیا در بهشتی از بهشت‌ها او متنعم می‌سازد او را تا روز قیامت پس چون
صور بدمند انشا می‌کند جسد او را که پوسیده است و در خاک متفرق گردیده پس برمی‌گرداند روح او را به همان بدن
می‌سازند او را به موقف و امر می‌کنند که او را به بهشت خانه ببرند و ابد الآباد در آن متنعم می‌باشند اما الجسد پس آن
برمی‌گردد بر ترکیب جسد دنیاییت بلکه تعدیل طبایع آن می‌نماید و صورتش را نیکو می‌کند که حرارت او
با آن طبایع و تعب و ماندگی و سستی او را در بهشت نمی‌باشد و روح کافر را در قالبی قرار می‌دهد مثل قالب که
در دنیا در محل عذابی معاقب می‌شود با آن و آتشی که معذب گردد تا قیامت پس چون انشا نماید جسد او که مفارقت کرده

از آن

در بقای نفس و برزخ ... / باشند بعضی در عذاب عقاب / بعضی ... / و ... در بهشت / ... بر اللهی ...

۶۱۹

در ذکر معاصی کبیره و معاصی صغیره مسئله اول

مسئله ... از آن در قبر میکنند و روح او آن معذب میشود همیشه و در حرمت دیه شرا ... ترکیب ... که قائل شده از فصل هشتم کتاب حق الیقین
در بیان گناهان صغیره و کبیره است بدانکه گناهان مشهور میان علمای خاصه و عامه آنست که گناهان بر دو قسم است کبیره و صغیره
و آنچه شیخ طوسی و بعضی از علمای ما گفته اند که گناهان همه کبیره اند زیرا که همه مخالفت خالق اند و صغیره که اطلاق میکنند باعتبار
نسبت با فوق و ما تحت است مثل بوسیدن اجنبیه که صغیره است نسبت بزنا و کبیره است نسبت بنظر بنامحرم بشهوت و
این قول را نسبت بشیخ مفید و ابو الصلاح و ابن البراج و ابن ادریس نیز داده اند بسیار بعید است و منافی آیات و اخبار بسیار
میباشد چنانکه حقتعالی فرموده است که اگر اجتناب کنید کبایر گناهان را که نهی کرده اند شما را از آن تکفیر میکنیم از شما گناهان
گناهان شما را و باز فرموده است آنها اجتناب مینمایند از کبایر گناهان و از فواحش بغیر گناهان بسیار قبیح یا بد که اکتفا میکنند که صغیره
باشد مگر اثم که گناه صغیره باشد و در احادیث وارد شده است که گناه کبیره آدمی را از عدالت بیرون میکند و صغیره اگر
اصرار بر آن نکنند از عدالت بیرون نمیکند و دور نیست که مراد آنها از آنکه گناه صغیره نمی باشد آن باشد که گناه را
حقیر نباید شمرد و معصیت خداوند کبیر را صغیر و حقیر نباید دانست و فرمانهای خداوند جلیل عظیم و بزرگست ولی بعضی گناهان
از بعضی بدتر اند و نسبت بعضی ببعضی جوز دارد میباشد پس حق آنست که بر دو قسم است کبیره است که ارتکاب آن بدون توبه
او را از عدالت بیرون میبرد و مستحق عقوبت الهی میکند بلکه از بعضی ایمان نیز بدر میبرد چنانکه دانسته شد و دوم
صغیره است که بدون اصرار بر آن از عدالت بیرون نمیکند و اگر اجتناب از گناهان کبیره بکنند ارتکاب آنها مقرون بعفو است
که حقتعالی بفضل خود آنها را بیامرزد و بمقتضای وعده خود عقاب نفرماید و مشهور میان علما آنست که اصرار بر گناه صغیره کبیره است
و در معنی اصرار خلافست شهید گفته که اصرار یا فعلی است یا حکمی و اصرار فعلی مداومت است بر یک نوع از صغایر بی توبه یا
بسیار کردن جنس صغایر بی توبه یا بسیار کردن جنس صغایر بی توبه و حکمی آنست که عزم داشته باشد بر فعل صغیره بعد از
فارغ شدن از آن اما سید صغیره بکند و در خاطرش نگذرد نه توبه نه عزم بر فعل آن ظاهرش آنست که مصر نیست شاید که مکفر
اعمال صالحه از وضو و نماز و روزه کفاره آن باشد چنانکه در اخبار وارد شده است این کلام شهید بود است و بعضی گفته اند که
صغیره بکند و بعد از آن عزم بر صغیره دیگر داشته باشد باز اصرار بعمل میاید و بعضی دعوی اجماع کرده اند بر آنکه بسیار کردن گناهان
صغیره بکند و بعد از آن عزم بر صغیره ... از هر جنسی که ارتکاب او کند و از اجتناب باشد و هر گاه که گناه او را علم شد بی توبه مرتکب شود البته
هر جنسی از یک نوع باشد بجنسی که ارتکاب او کند ... از اجتناب باشد و هر گاه که گناه او را ... مرتکب شود البته
قدح در عدالت او میکند کمال حقیر مجلسی مرحوم آنست که محض عزم بر صغیره بعد از فعل آن اصرار نیست بلکه اصرار یا ظاهر
ترک کناه و تکرار آنست که بدون توبه یا بسیار مرتکب صغایر شدن بجنسی که مشعر باشد به بی اعتنایی او بشرع
و دین خود و در ما بین آن مراتب بسیار است از ظاهر شرع و اما کبایر در اقوال علما و اخبار خلاف بسیار است در آن
بعضی گفته اند هر گناهی است که کردن آن مشعر به بی اعتنایی فاعل او باشد بدین و بعضی گفته اند هر گناهی است که حقتعالی
آن بدلیل قطعی دانسته شده باشد و بعضی گفته اند هر گناهی است که وعده آتش بر آن در قرآن یا در سنت داده شده باشد و بعضی گفته
موافق بعضی اخبار عامه و خاصه که آنها هفت است اول شرک که اعظم است و جمیع اعتقادات فاسده که مخل بایمان باشد
دوم قتل آدمی سیم محض کشتن زن عفیفه چهارم اکل مال یتیم و تصرف بغیر حق پنجم زنا ششم گریختن از جنگ واجب
هفتم عقوق والدین و بعضی سیزده چیز بر اینها افزوده اند که لواط و سحر و ربا و غیبت و قسم دروغ و گواه دروغ دادن و
شراب و استخفاف بکعبه معظمه و دزدی و بیعت امام را شکستن و اعرابی شدن بعد از هجرت که بادیه نشینی و تا ... از رحمت الهی

و بعضی از معاصی کبایر ... علی اختلاف الاقوال

۶۲۰

در گناهان صغیره و کبیره است اجمالا

دائمی و ایمن بودن از عذاب خدا و بعضی چهارده گناه دیگر نیز اضافه کرده اند که خوردن میته و خون و گوشت خوک و گوشت حیوانی که بدون
نام خدا ذبح کرده باشند در غیر ضرورت و رشوه گرفتن و قمار بازی و کم دادن در وزن و کیل و اعانت ظالمان بر ظلم و حبس
حقوق مردمان با عدم اضطرار و اسراف و تبذیر در مال و صرف مال در حرام و خیانت در مال مردم و مشغول
ملاهی بودن مانند طنبور و نای و غیر آنها و اصرار بر معاصی و از ابن عباس رسیده که کبایر نزدیک به هفتصد میباشد
از هفت و آنچه از احادیث معتبره ظاهر میشود یکی از دو معنی است اول گناهی چنانکه در قرآن مجید وعید آتش جهنم
بر آن شده باشد یا که به عظیم شده که متضمن عقاب باشد یا ترک فرایض که وجوب آن از قرآن مجید ظاهر
باشد مثل نماز و روزه و حج و زکوة که در وجوب و علل آنها چه قدر مسائل و احکام و تاکیدات وارد که قرآن
دوم آنکه در قرآن مجید بالتصریح یا تلویحاً وعید نار یا آیه عظیم که مستلزم عقاب باشد و بعضی لعن بر
فاعلش نیز داخل کرده اند و بعضی اسم از سنة متواتره گفته اند که از احادیث صحیحه نیز وعید و آیه
داخل است و قول اول ظاهر است و قول آخر احوط است و در حدیث صحیح عمرو بن عبید مخصوص وارد است که شرک
و نا امیدی از رحمت الهی و ایمن بودن از عذاب خدا و عقوق والدین و کشتن نفسی که خدا حرام کرده است و قذف محصنه
و خوردن مال یتیم و فرار از جهاد و ترک یکی از جنگ و ربا و جادو کردن و قسم دروغ و دزدی و از مال غنیمت
زکوة واجب و گواهی ناحق و بهتان و گواهی ناحق و شراب خوردن و ترک نماز واجب عمداً و خراب کردن
یا چیزی دیگر که خدا در قرآن خبر داده و واجب نقض عهد و عهد خدا و امام و شکستن عهد مردم و از اهل و قطع رحم
کردن و از مجموع اخبار آنچه وعید نار یا آیه عظیم خدا یا لعن در آن وارد شده است قریب به هفتاد میشود چون
آنها در مؤلفات و تصانیف خود جمع کرده اند بعضی از آنهاست که ذکر میشود اینجا که گناهان نیز که خبر داده اند
و زنا و لواط و دزدی و افطار روزه ماه مبارک و تاخیر حج از سال استطاعت بدون عذر شرعی و دشمنی با
امام شکستن و بادیه نشین بودن بعد از هجرت و در این زمانها ... بلاد که عالم نباشد که در مسائل حق معطل باشد
دروغ بستن به خدا و رسول و امام و غیبت و بعضی گفته اند ترک جمیع سنتها و منع کردن زیادتی آب مباح از مردم
مردم و عدم احتیاج ... و عدم احتراز از ... کردن که باعث لعن مردم باشد بر پدر و مادر و ضرر رسانیدن
در وصیت ... و کراهت از قضای الهی و اعتراض بر تقدیرات خداوندی که چرا این چنین ...
و حسد و عداوت و الحاد در حرم مکه و مدینه یعنی ظلم و آزار کردن و سخن چینی که موجب ضرر است و قطع
مومن بغیر حق و خوردن میته و سایر نجاسات و دیوثی در حرام و اصرار بر گناهان صغیره ...
دروغ گفتن و خلف وعده و خیانت و لعن کردن مومنان و دشنام دادن ایشان و آزار کردن غلام
کنیز زیاده بر ... و منع آب مباح از کسی که استحقاق دارد و بستن راه مردمان ...
و تعصب بغیر حق و ظلم مردمان و خوردن ... و مومنان را حقیر شمردن که اکثر مردم مبتلا هستند
و تجسس عیوب مردم و ... کردن ایشان و ...
اسراف ... کردن و از ... منکر ... در مجالس فسق ...
و ... در کتاب ... شرح لمعه ... حلال ... حرام ...

در گناهان کبایر و صغایر

رخواستن ورفاقت اگر منع امر بمعروف ممکن نباشد و بدعت در دین کسب نالعب لک اللعب نباشد از ... در باب نماز
اختراع بدعت واگر کوینه که نماز و عبادت بالی درویج بدعت باسم بدعت حسارت و خلاف آنهاست ...
باشد که نماز تغییر نمازی فساد نباشد و عالم و پیشنماز در منصب ولایت و نیابت خدا و رسول و ائمه ثابت باشد
حقیقی و نماز حقه و دیگران الملا ابالی و بی اعتنا نماز دهند و در کل و ائمه هم آن نمیدارند نماز حقیقی و در مدت قلیلی
سالم بیاموزد مردم را از قاریان و علم قرائت و تعلیم و تعلم و شوق دهد اگر نماز صحیح با قرائت نماید بلکه
ترغیب و تحریص آنها نماید نه اینکه بکلمات ... اندود برمانند شعر خود گفته الف صیاد لا یقوم بکل کش واحد
یعنی اگر یک نفر در پی صیاد هزار نفر در رسید کمان صیدها افتاده همه معطل سلسله ارد کافی است و ...
بل ... اما هزار نفر عالم و فاضل با صیاد و ماهر کار بدعت و کل کفر اهل بدعت و ضلالت نتوانند داما ضلالت ...
و بطلان نماز بیک حرف حاصل ملتفت نماز باطل و قع و شرف احترام اسم نماز نماند و من آنها حیان نماز
باطل نمایم اسم نماز و احترام ملاحظه نمایم تا قسمی میان بچیان عالم مخرب دین محمد را که دشمن ... عالم
عامل شیطان ... است ملامت نمایم مخرب دین ماست و حال آنکه کار کرده اند که در ...
محل بی حساب مبطلات و بدعت مروج گشته ... و سر چشمه تمامی بدعتها و مبطلات نماز عوام
بتقویت کلام و اشاره ایشان ترویج میشد نه تنها که اهل سلیت ... نماز بدعت باطل حیا
نکار میبرند و الا نماز بدعتی ... ظاهر نتوانستند چنانکه منافقین دین خاتم النبیین نتوانستند اظهار
و ابراز نمایند که شب و روز در فکر خاموش کردن اسم و صورت لا اله الا الله محمد رسول الله و در پامال دین ...
بقتل کمر را بر طرف کردن سعی و ثابت بود این منافقین ده درجه بیزار ایشان گشته ...
لعن نماینده یا رحمت کنند که ... خلف گشته که حق و نماز بدعت فساد ... نماز خدا و رسول خواه ...
چه گویم و چه خاک بر سر خود ... بلکه در دل و گشته شان ... منافقین ... زبان ...
و تحریر نمایم و از ... شان ستون دین خاتم النبیین عزادار نمایم عزادار و مسند احکام ...
سر نوشته ... عیوب و خرابی که تمام آن با نماز که از بدعت ایها الناس در کدام کتاب ...
افزایی ... و حسناه و و اعلیاه و ... فاطمتاه نماز به بدعت ... با نماز اختراعی بدعت ...
و محبت اهل بیت آل محمد عزادار است و ... در یکطرف مگر نادر والنادر کالمعدوم در دار العلم ...
در اول صف ... نماز جماعت در تکبیرة الاحرام بصوت بلند تکبیر الف الله ... اشباع نماینده ...
و ... الله ... و ... حاصل ملتفت ... متعرض و ملتفت نیستند ... هر که امر ...
و ملامت و استیدان و استفاده ... مثل حیوانات وحشی حیران ... از صاحبان ...
که ... در عمر حرف نشنیده اند ... که در جواب ساکت و ... در تکرار و تعلیم ... دشوار ...
قاری ... با کمال رحمت بعد از جنبه ... بدعت ثابت ... قرائت ...
... دیگر چه خاک بر سر ... الامراء ... تالیف ... الزام ...
والحاصل از جمله کبایر معاصی شراب و خمر بی ضرورت خوردن و بدعت در دین نهادن و با اهل بدعت نشستن و برخواستن و

در ذکر گناهان کبایر و صغایر

و مصاحبت کردن و کمک [illegible] سهل شمردن و خوردن حرام و مسکر و حرمت غنا و در کبیره بودن خلافست و احادیث بسیار دلالت میکند
بر حرمت غنا و شنیدن آن و در بعضی از روایات مذکور است که کبیره است و غنا تحریک آواز است در حلق که موجب سرور
و استماع از برای اهل فسق باشد و آواز و حرمتش فرق ندارد که در دعا یا قرآن خواندن و ذکر باشد یا در غیر و اکثر علما استثنا کرده اند از غنا
حرام حدی شتر را که از برای تند رفتن شتران عربان به اشعار میخوانند و بعضی در مراثی حضرت امام حسین استثنا کرده اند از غنا
حرام حلال از [illegible] مخفی نیست اگر [illegible] بخوانند و بعضی نیز استثنا کرده اند [illegible] زنانی که غنا کنند در عروسیها برای زنان که
مرد نباشد ایضا بعضی استثنا کرده اند نوحه کردن زنان در تعزیه که در آنها اگر دروغ نگویند چنین احادیث معتبره در
اینها وارد شده است ابن ادریس و بعضی از علما همه اینها را حرام میدانند و احوط است و احادیث معتبره که در مدح آواز
خوب خوش آمده و خوش صوت وارد شده است دخلی بغنا ندارد و دلیل جواز غنا نباشد زیرا که جوهر آواز خوش است و حرکت
که تحریک ندارد و هم چنین کاهست که قرآن و دعا را بحزن میخوانند که ترجیع ندارد و موجب حزن ملیف [illegible] ندارد و احادیث
که در باب خواندن قرآن بحزن و حسن صوت وارد شده است ممکنست که محمول بر این باشد و آنچه بر جمیع غنا در آن
وارد شده است محمول بر تقیه است زیرا که بعضی از سنیان و صوفیان ایشان غنا را در قرآن و دعا جایز میدانند بلکه سنت
میدانند و خلافی نیست در استعمال آلات لهو میان علمای شیعه مانند طنبور و ساز و عود و نای و دف و امثال اینها و در کبیره بودن
اینها خلافست نسبت به غنا حرام دانند اینها را بطریق اولی کبیره میدانند و بعضی دف بی جلاجل را در عروسی و ختنه کردن
تجویز کرده اند و بعضی مطلقا حرام میدانند که احوط است و انواع قمار همه حرامست و بعضی کبیره میدانند که شطرنج و نرد بازی کردن
و هرچه گرو بندند در آن باشد مگر در تیر بازی و اسب تازی و اسب دوانی و الاغ دوانی و شتر دوانی و تیر انداختن و نرد و شطرنج
و از بعه عشر حرام است و بازی دادن و بازی کردن همه حرام است اگر چه گرو در میان نباشد و کبیره ملاحظه کردن و تماشا کردن
و سلام کردن بر کسیکه بازی کند بانها و خرید و فروخت و خوردن قیمت آنها و نگاه داشتن حرام و کفر است و بازی بشطرنج و سلام
کردن کبیره و مهلک است نسبت کسیکه دست بانها میزند چنانست که دست در میان خوک میزند و نمازش مقبول نیست مگر تو به کند و دیدن و نظر کردن
چنانست که در فروج مادرش نظر نماید و کسیکه در بازی کردن تماشا کند و سلام کند بر بازی کننده کان همه با ایشان و کسیکه بنشیند
و مجلس بازی آنها و در جهنم جا خواهد بود و [illegible] و این زمره کافر باشند حضرت [illegible] ملائکه در قیامت [illegible] بنا بیاید [illegible] همه
در غضب الهی باشند و اما سبک [illegible] حنیفه [illegible] از زمان برکشتن و کشتی گرفتن و
بازی و استماع اینها [illegible] حرامست که از علامات جهالت است و اگر برای غلبه بر خصم [illegible] باشد جایز و محمود باشد
و کشتی گرفتن حسنین سلام الله در حضور حضرت [illegible] دلیل است و انگشتر بازی و استعمال آنکه بر دست [illegible] حرمت
یا طاق و جفت و جوکان بازی و گلوله [illegible] و [illegible] ایستادن و [illegible] در میان [illegible] در بازی کردن
جواهر عوض در گرو قرار دهند یا نه و کبوتر بازی که در فرستادن اگر چه بی گرو باشد محل کلام است [illegible] از اسباب
و حماقت ملیا [illegible] حرام که متضمن بی کاری و بی کاری که اشاره [illegible] همه این جهالت [illegible]
و مبدا و سرچشمه این جهالت عظیم از عالم صورت معنی [illegible] از الآن که علامت جهالت اشاره [illegible]
بلکه هزار هزار درجه بدتر و اقبح دانسته است برای [illegible] قباحت آنها یاد کرد [illegible] بلکه برای بازی اعظم قباحت اکثر [illegible]
[illegible]

در اشاره بمحرمات حیوانات ذبیحه

بسیاری از افاضل خود را مکلف برای معاش و ... در فرزند و تحصیل اعتبار هر روزه زنده که جهل ایشان صرف همه تحصیل کرده‌اند

سخن دین حق و اثبات مسائل حق میان خالق و مخلوق و فرق حشر و میزان و صراط حق بلکه بجهت برای تحصیل

نماز حق و قرائت بیش و درس نماز استاد دیده رفته مگر با نماز بکه در پنج سالگی از نماز حق برای تربیه آموخته ...

هست که مردم را از تعلیم و تعلم نماز با قرائت بر ... نماز ... بهای نماز ... محکم بر قرار کرده که اول تغییر

دین خاتم النبیین است که تمام آداب دین را به تغییر دهند که از عمده علامات ظهور حجه است تا ... تاریخ

نامیده و هرج و مرج روز بروز زیاد شود چنانکه بعضی که اصل خرابی نمازات که سبب تألیف کرده که جهل

باب و ... معرفت عالم ... بی اعتنائی از فرقه ... استعداد کمالات عوام ...

با عتاد محبت علی بن ابی طالب و عزاداری حسین بن علی علیه السلام که یار دین محمدی ... و فارسیه با ... محتاج ...

و کتب ... در رساله ... و حیز از حرام است و انواع و امثال آن ... مستند و ...

و اثبات فسق ... احسن بلکه الزم است که احتراز نماید و ... حلال ... کشتن آن ...

... از ... خاتم ... در اشاره ... قصص و حکایات ... حضرت صادق علیه ...

که در خدمت آنحضرت از قصه خوانان ذکر ... که کوش ... سخن که پس ... است

پس اگر سخن گو ... از جانب خدا سخن گوید خدا را پرستیده است و اگر از جانب شیطان گوید شیطان را پرستیده است

باز از آنحضرت پرسیدند از شعر خوانان حضرت ... مراد از شعر و قصه خوانان ... است که قصه ...

و سلاطین و پادشاهان عجم ... هر چند است باشد ... مصلحتی ... که ...

ان من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله ... در شأن نضر بن الحارث ...

که ... تجارت ... بطرف فارس و اخبار و کتب پادشاهان عجم ... نقل ...

... پادشاهان عجم ... و ... حدیث ...

... قرآن ... و ... حضرت ... علیه السلام

... ثواب ... فضایل ... اهل بیت

در حضرت رسول ... معقول است که شعر از شیطان است ... شعر فحش ... لغو باشند ...

و از جمله محرمات ... مؤمنان ... اخبار بسیار ... و ... مقصود ...

در محرمات ذبیحه حیوانات حلال گوشت

و اما آنچه از حیوان ذبیحه حرام است اول خون است که از ذبیحه بیرون می‌آید نه آنچه در رگها میماند و آنچه در میان دل و جگر میماند پاک است

لیکن در حلال بودن خلافست دوم سپرز که طحال است و حرمت آن مشهور است سیم ذکر است و در این نیز خلافی معلوم نیست چهارم

خصیه‌ها است و در این نیز خلافی معلوم نیست پنجم سرگین است نیز خلافی ندارد باعتبار خباثت ششم مثانه است

یعنی محل اجتماع بول هفتم مراره زهره هشتم مشیمه و آن برده‌ای است که بچه در آن باشد نهم فرج از ماده

بیرون و اندرون آن دهم نخاع است یعنی مغز حرام که در میان فقرات پشت کشیده است یازدهم علباء

و آن دو پی گنده است که از دو طرف فقرات ظهر از گردن تا استخوان پشت کشیده است دوازدهم غدد یعنی

گرهها است که در میان چربی گوشت میباشد سیزدهم ذات الاشاجع است و آن پی است که در پشت دستها

حیوانات میباشد چهارم سپرز و غده و آن غده خاکستری رنگی است که در میان مغز کله میباشد مانند

گرمی تقریباً بقدر نخود است یازدهم حدقه است یعنی مردمک دیده که محل سیاهی است ... [illegible] شانزدهم

هر عروقی که یا مراد رگهای بزرگ باشد چنانکه در بعضی احادیث بجای آن اوداج وارد شده است یعنی شاه رگها

و احوط آنست که حلقوم را اسم نخورند و اگر تمام رگها مراد باشد تمام گوشت را [illegible] باید از [illegible]

بهودان سفید سیم و دوکوه دانست و در غیر از پنج چیز که در اول مذکور شد خلاف کرده اند و بعضی مکروه دانسته اند [illegible]

در عروق و گوشتهای دل که اکثر علما مکروه میدانند و ابن بابویه سفید آسینه که در بعضی از روایات بجای حیا [illegible]

فرج حلبه واقع شده است باین سبب بعضی از متاخرین کلمه باید وارد شده است به دل [illegible] دانسته اند

ممکن است که مراد از حلبه فرج باشد بقرینه آنکه بجای حیا واقع شده است و در آیه کریمه وارد شده است که در روز

قیامت شهادت خواهند داد از برای شما گوش شما و دیده های شما و جلود شما و احادیث معتبره وارد شده است که

که مراد از جلود فرجها است و قلوه را گفته اند مکروه است خوردن [illegible] از آن وارد شده است و حیوانی که عادت بخوردن

نجاسات خوردن [illegible] نجاسات گوشت آن هم حرام است بنابر مشهور و خلاف بکراهت هم وارد و در استبرای [illegible]

حلالها است بعضی گفته اند که حدش آنست که گوشتش بوی نجاست گیرد و استبراء از جلال یعنی دادن [illegible] علف

پاک بخورانند شتر را چهل روز و گاو را سی روز یا بیست روز یا چهل روز ... خلاف گوسفند را ده روز یا هفت

یا پنج روز یا چهارده روز موافق رای مجتهدین اهل زمان مرغ خانگی را سه روز یا پنج روز و ماهی را یک شبانه روز

احوط آنست که چیز پاک بخورانند و نیز مشهور آنست که چهارپایی را اگر آدمی وطی نماید گوشت و نسل آن که بعد از

آن بهم رسد حرام است و واجبست که از او را ذبح کنند بعد بآتش بسوزانند و اگر حیوانی شیر خوک بخورد اگر [illegible]

گنجشک [illegible] باشد [illegible] سخت ... حرام [illegible] گوشت آن و نسل آن که بعد از آن بهم رسد

هفت روز و اگر گوشت و استخوانش سخت و محکم شد حرام نمیشود گوشت و نسل [illegible] و خوردن خاک و گل [illegible] حرام است

... بقدر ... [illegible] و محرمات دیگر احکام محرمات بسیار [illegible] فقها رجوع باید کرد

[illegible] در خانه [illegible] در رفقا احکام بسیار است از جمله ضرر [illegible]

رفقا آنست که اگر مردم عوام را لازم است [illegible] و دیگر لازم است آنست که بدون دعوت حرام [illegible]

وعوت نیز [illegible] اگر [illegible] اکابر علما باشند شاید [illegible] خادم با خود بردن که لازم است باحضار [illegible]

علما و سادات [illegible] کلام [illegible] برای اظهار تشخص و حال آنکه سبب ذلت خواهد شد [illegible]

خوراک متعارف خوردن [illegible] مثل بعضی زنان [illegible] سبب تنگی [illegible] خادم [illegible]

خود ضعیفه [illegible] تکلم [illegible] حق ظلم بر همکاسه خود و صاحب خانه [illegible] و عجله خوردن [illegible]

با اکل و شرب [illegible] بعضی اشخاص که در وقت تکلم کردن با دهان پر [illegible] و اسباب [illegible]

و [illegible] کردند یا از پاره طعامهای دهانش بر آن [illegible] رفقاء [illegible] سفره

خانه [illegible] و بد رغبتی به [illegible] است که انسان [illegible]

[illegible] در وقت اکل و شرب صحبت و [illegible] و حرام است با مردم آزار [illegible] ظلم [illegible] حرام است

از گوشت و خورش مشترک [illegible] مجمعی [illegible] از حاضرین [illegible] ظلم [illegible] صاحب خانه ظلم همکاسه [illegible]

و تفصیل

در بیان توبه و وجوب توبه است

و تفصیل آداب اکل و شرب را در این کتاب و در حقایه اطفال و طلاب مبتدیین ذکر کرده ام و در [illegible] سوم کتاب عقاید مجلسی که

ملحقات اختراعی تازه سوم نوشته ام با بار اول سی مسائل واجبات و نماز برای همه مردم لازم است جهل بهیچ جز از [illegible]

از واجب و سنت [illegible] علامه علامه **مقصد دوم از آخر کتاب شریف حق الیقین مجلسی**

در بیان وجوب توبه و شرایط آن و گناهانی که از آنها توبه باید کرد بدانکه خلافی نیست در اینکه وجوب توبه از گناهان

لازم است و واجب خلاف در این است که آیا از جمیع گناهان توبه واجب است یا از گناهی که مقرون به اصرار باشد از [illegible]

که اجتناب از کبایر صغایر مکفر است گذشته آیا با وجه مکفر بودن [illegible] توبه از آنها نیز واجب است یا نه اکثر

اعتقاد آنست که واجب نیست و این قول اقوا است اما احوط آنست که آدمی همیشه از گناهان خود در مقام [illegible]

در انابه و استغاثه باشد زیرا که از کی یقین تمام نظر باید که باحوال مقربان درگاه الهی که [illegible]

که سالها تضرع و استغاثه باشد که [illegible] تا خلاص شدن از آنها بلکه ادنی [illegible] اعظم کبایر تصور بلکه [illegible]

جسارت [illegible] و اکثر گناه نه محض عقوبت آخرتست بلکه مخالفت خانه دل آدمی را سیاه [illegible]

الهی [illegible] سکینه و از استحقاق الطاف خاصه الهی محروم میکرداند و سلب توفیق طاعات از [illegible]

استیلای شیطان و جسارت کبایر [illegible] اگر [illegible] اسباب [illegible] تعلق [illegible]

و [illegible] شمردن گناه موجب اصرار که [illegible] و اصرار بر صغایر [illegible] کبایر است [illegible]

و باعث نزول بلاهای دنیویه میگردد چنانکه حق تعالی فرموده است هر مصیبتی که بشما میرسد از کرده های شما است [illegible]

عفو میکند و حضرت صادق فرموده که بترسید از گناهانی که حقیر میشمارید [illegible]

از آنها [illegible] فرموده است که آدمی گناهی میکند [illegible]

محمد باقر ما منقولست که [illegible] گناهی [illegible] استغفار و توبه از آن [illegible]

حق در عالم معنی اثر توبه [illegible]

و اصل زمان توبه مثلا [illegible] که در هر آنی [illegible] توبه [illegible] بلکه آن اول که [illegible]

[illegible] گناه [illegible]

[illegible] در تاخیر توبه [illegible] در تمامی معاصی [illegible]

[illegible] گناه [illegible]

[illegible] تمامی معاصی [illegible]

[illegible] نماز [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] نماز [illegible]

[illegible]

[illegible] اسلام و ایمان [illegible]

[illegible] لازم است [illegible]

نماز است و دشمنی ایشان نماز [illegible] نماز و کردن دشمنی [illegible]

یکی از مستحدات اخیره از اخبار معتبره وارد است

و از حضرت صادق آل محمد منقولست که هیچ چیز دل را فاسد و ضایع نمیکند مثل گناه بدرستیکه دل [illegible]

[illegible] تخریب میکنند دل را و [illegible] مبتلا میشود و از آن دل [illegible] از [illegible] و نیز و

ایضاً منقولست که هیچ دردی بجهت دل بدتر از گناه نیست و بیمار عارض میشود بسبب گناهی که آدمی میکند

ملکه [illegible] است و ایضاً منقولست که گاه آدمی از روزی [illegible] محروم نماید و منقولست آدمی گناهی که میکند بسبب

شب محروم نماید [illegible] و منقولست که هیچ [illegible] گناه از او سلب نماید مگر بواسطه گناهی که از او

صادر شود و از حضرت امام محمد باقر منقولست که هیچ بنده مؤمنی که در دل او نوری و نقطه سفیدی [illegible]

اسلامی نباشد [illegible] از ایمان و چون مرتکب گناهی شود نقطه سیاهی خالی علامت گناه در آن [illegible]

حاصل شود [illegible] شده [illegible] که آن سیاهی بنقطه بر طرف شود [illegible] و [illegible] بارتکاب معصیت [illegible]

زیاد شود و آن نور سفیدی [illegible] بر طرف تمام میشود و چنین [illegible] صاحب آن دل [illegible]

و بخیر و خوبی [illegible] ایضاً خلافست در اینکه گناهی که از آن توبه شده است آیا بار توبه از آن واجبست یا [illegible]

و علامه قائل شده که [illegible] واجبست زیرا که ندامت بر فعل قبیح [illegible] دارد و واجبست و این سخن محل نظر است

و اخبار دلالت دارد بر اینکه توبه اول مقابر [illegible] اسقاط تمام و اینکه باین ندامت و عزم [illegible] مستمر باشد معلوم نیست

عزم بر گناه قبیح است [illegible] معصیت است [illegible] مذکور [illegible] ایشان [illegible] [illegible]

[illegible] باشد زیرا که غالباً از [illegible] منفک نمیشود در تقدیر اینکه عقاب بر آن مترتب باشد [illegible] توبه [illegible]

این استحقاق عقاب بر اصل معصیت [illegible] ایشان نیز معلوم نیست باین قابل باشند [illegible]

میان متکلمین [illegible] آیا توبه ببعض صحیح است که از بعضی گناهان [illegible] بعضی [illegible] [illegible]

چون بعض صحیح نیست [illegible] [illegible] از [illegible] اختیار [illegible] و علامه [illegible] اخبار

کرده [illegible] توبه ببعض [illegible] صحیح [illegible] و حق نیست [illegible] کافر که [illegible] کفر توبه کند [illegible]

و [illegible] توبه [illegible] نباشد [illegible] در [illegible] باشد و ایضاً خلافست [illegible] در صحت توبه [illegible]

مثل اینکه توبه کند که [illegible] صحیح نیست زیرا که شرط توبه عزم [illegible] که دیگر نکند

خلافست که آیا توبه از معاصی مجملاً صحیح است یا [illegible] بتفصیل گناه [illegible] توبه کند [illegible] است که مجملاً کافی [illegible]

و [illegible] که [illegible] بخاطر امکان [illegible] باشد [illegible] و اما [illegible] گناه [illegible] [illegible]

نباشد [illegible] مقصود [illegible] نمایند کتاب [illegible] [illegible] کتاب [illegible]

از [illegible] اثبات [illegible] از هر باب چند سطری [illegible] خاص [illegible] مطالعه نماید [illegible]

تا [illegible] نباشد [illegible] از [illegible] کتاب مطالعه [illegible] بسبب [illegible]

بهتر است که اصل [illegible] مؤلف [illegible] که کتاب [illegible] است [illegible] بر هر فرد از افراد [illegible]

[illegible] از اول تا آخر [illegible] تمام عمر [illegible] عالی [illegible] صرف نماید با اینکه برای اظهار [illegible]

[illegible] منزل [illegible] باظهار کثرت کتب و فضیلت [illegible] [illegible] [illegible]

اسلام [illegible] از [illegible] عظام کتب [illegible] معتبره لازم است در [illegible] خود [illegible] چنانکه خود

در [illegible] معتبره کتب [illegible] معتبره نیست [illegible] [illegible] معتبره دارند [illegible] کتب [illegible]

[illegible] حاضر کرده [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مؤلف از کتاب [illegible]

زاد المعاد مجلسی مرحوم [illegible] حاضر [illegible] مطالعه [illegible] [illegible] منزل [illegible]

اگر [illegible]

در معنی توبه و اقسام و احکام گناهان است

اگرچه هر کس باشد از اشخاص [illegible] از صبح تا شام و در نوشتن و مطالعه مانع نه از [illegible] مطلب سیم از کتاب مستطاب حق الیقین

در معنی توبه است و شرایط آن بعضی گفته‌اند توبه عبارت از پشیمانی بر گناهانست از این جهت که گناهست پس اگر

پشیمان شود از شراب خوردن بواسطه ضرر رسیدن توبه نیست [illegible] ترک کند و بعد از این اراده ترک [illegible]

برای رضای خدا و نه هست و پشیمانی لازم است و در احادیث وارد است که پشیمانی توبه است [illegible] و بعضی از محققین

گفته‌اند که توبه حاصل نمی‌شود مگر به سه چیز اول [illegible] میان بنده و محبوب او سیم آنکه

معصیت زهر کشنده است [illegible] پس از این [illegible] حالت و کراهت

عارض میگردد که متألم میشود از آنکه محبوب او از او فوت شده است از کردن معصیت و این تألم [illegible] پشیمانی

میباشد و از این حالت حال دیگر بهم میرسد که قصد میکند سه چیز اول ترک کردن گناهی که مرتکب آن میشود دوم

متعلق است باینده که تا آخر عمر عود بمعصیت نکند سیم آنکه تعلق دارد بگذشته که تدارک کند آنچه را که تدارک توان کرد

قضا کند عباداتی را که از او فوت شده است و از مظالم مردم بیرون آید پس این سه امر که معرفت ضرر گناهست [illegible] پشیمانی

از آن و قصد کردن این امور بترتیب حاصل می‌شود گاه است بر مجموع این سه اسم توبه را اطلاق میکنند و اکثر علما

بر ندامت تنها اطلاق میکنند و معرفت را مقدمه آن میدانند و آن قصد را ثمره آن میدانند که بر آن مترتب

و گاه باشد که بر مجموع ندامت و عزم توبه را اطلاق میکنند و چون توبه نیز عبادت است بلکه شرط عبادات و آن

معتبر است و عمده شرایط عبادات اخلاص است پس باید توبه از برای خدا باشد و مشوب بریا و عجب و سمعه نباشد

و چون بعضی از علما طمع بهشت و خلاصی از جهنم را منافی اخلاص میدانند در اینجا نیز گفته‌اند که اگر غرض از توبه تحصیل

بهشت یا نجات از جهنم باشد صحیح نیست و دلایل بر بطلان این مذهب بسیار است [illegible] نیت [illegible]

[illegible] در حال نیت [illegible] منظور ایشان باشد [illegible]

[illegible] تکلیف ما لا یطاق است و در کافی بروایت معتبر از حضرت صادق آل محمد [illegible] که هر که

[illegible] از برای غیر خدا [illegible] ممکن است که این تفصیل باشد از [illegible]

ترک شده است پس هرچند توبه حقیقی نباشد مطلب چهارم در بیان انواع گناهانست که از آنها توبه باید کرد

اولا توبه عبارت از پشیمانی در مخالفت بعد توبه کردن [illegible] پس اگر مخیر باشد میان آنکه

اعتراف نماید و میان آنکه توبه بمجرد مخالفت نماید از آنچه [illegible] و اگر مالیه باشد مخالفت مثل حقوق الله [illegible]

و حقوق غیر مالیه حد یا تعزیر است مخیر است میان آنکه اقرار بآن گناه نماید نزد امام یا نایب امام

که حد خدا جاری نماید و میان آنکه اکتفا کند بتوبه و اظهار آن نکند پس اگر نزد حاکم شرع ثابت [illegible]

[illegible] رفع گناه میشود [illegible] از حضرت امام محمد باقر [illegible]

شخصی که سنگسارش کرده [illegible] حضرت [illegible] که خدا اکرم [illegible] است که دو باره [illegible]

عذاب نماید و از حضرت امیر المؤمنین منقول است که گناه بر سه قسم است اول گناهی که آمرزیده است [illegible] دوم

[illegible] گناهی که امید داریم برای صاحبش و خوف هم داریم اما آنکه آمرزیده است [illegible]

بر گناهش عقاب کرده است [illegible] سیم عقاب ننماید اما آن گناهی که آمرزیده نمیشود [illegible]

[illegible] در قیامت بعزت و جلال خود قسم یاد کرده است که ظلم ظالمی را [illegible] بر خلق [illegible]

در اقسام و آداب توبه کردن

و توبه و درجه اوست که از گناه خود متنبه شده صاحب خوف و خشیت است همیشه با سینه [illegible] و لوازم [illegible]
و نصیحت و صبر از اعمال [illegible] مثل کسی که چیزی از کشت و کار در مزرعهٔ دنیا نکاشته در کشتزار دنیا متحیر و بازار دنیا
با کمال غفلت و بی خبری کار و بی عاری چنین مؤلف روسیاه از روی [illegible] بر کمال انبار که مصاحبت جماعت
اسراف و فریب [illegible] جمال [illegible] که خداوار و موافق [illegible] جمال و بانداره مراتب [illegible]
از فضل و معرفت [illegible] و نکته [illegible] عقل [illegible] عقل کل و نفس کل شمارد [illegible]
با بواسطه [illegible] و [illegible] معنوی [illegible] فعلاً [illegible] بالاتر از مرتبه ائمه سلام الله [illegible] کامل [illegible]
آن ابلیس او مرد [illegible] بس [illegible] و اودت [illegible] غلط [illegible] و واضع نماز غلط باطل [illegible]
مؤمنان [illegible] چه قدر بی باکی و بی دینی [illegible] بر بطلان نماز خود [illegible] در عقود و ایقاعات و نکاح و طلاق
با نماز [illegible] مؤمنین چه [illegible] حوادث اهام و الصرار [illegible] فتنه و فساد [illegible] کدام [illegible] و انقلاب [illegible]
و [illegible] دین محمد [illegible] نتیجه [illegible] مگر دین محمد [illegible] قابل و معتقد [illegible]
[illegible] عالم [illegible] جسارت [illegible] معاصی [illegible] دین محمد
[illegible] گناهان [illegible] معصیت [illegible] دین [illegible] شنیدی
[illegible] حساب [illegible] صراط و میزان [illegible] قیامت [illegible] اسلام [illegible]
[illegible] در کدام دین [illegible] فساد [illegible] تمامی انبیا و اوصیا [illegible]
[illegible] سید الشهدا [illegible] ائمه هدی سلام الله علیهم [illegible]
[illegible] نماز و لوازم [illegible] نماز [illegible] باطل [illegible]
[illegible] نماز غلط [illegible] اگر در تمامی نماز در یک حرف خطائی و غلطی باشد نماز باطل [illegible]
و نماز باطل [illegible] نتیجه آنکه [illegible] بر بطلان اگر [illegible] نماز [illegible] عقیده [illegible] کافر [illegible]
از کفر بالاتر از عذاب [illegible] هر کافر [illegible] عذاب [illegible]
[illegible] بعضی از کفار [illegible] جهنم [illegible]
باشد [illegible] عدل [illegible] انصاف [illegible] مؤمنان و فقرا [illegible]
[illegible] مرتبه [illegible] عالم [illegible] برادران [illegible]
[illegible] عالم [illegible] حجة الله [illegible]
[illegible] اخبار صحیحه [illegible] این زمان [illegible] علما [illegible]
[illegible] اهل صلاح [illegible] انما یخشی الله من عباده العلماء [illegible]
و چه از [illegible] تمامی اعمال و نیات [illegible] غرضی [illegible] هر کار [illegible]
و قدم بر داشتن [illegible] نظر کردن و حرکت دست و پای و زبان و هر نفسی [illegible]
تا آخر نفس [illegible] رضای خالق [illegible] هر کار [illegible]
[illegible] مصاحبت [illegible] میان مردم [illegible]
میان مردمان [illegible] حرص و طمع [illegible]
چشم و دل بینا [illegible] تمامی [illegible] آیینهٔ [illegible]
[illegible]

در اقسام گناهان و علاج آن

والحاصل در حدیث حضرت امیرالمؤمنین قسم سیم توبه کسی است که خدا گناه او را از خلق پنهان داشته و توبه از آن
که موفق شده باشد که از گناه خود متنبه شده و امید دارد از رحمت پروردگار خود و دارد نه اینکه نماز یا عبادت ناقص
و اما هست بنده را در قسم دویم نماز یا عبادتی که تقصیر از خدا در آن کرده خواه عمداً و خواه عالماً یا جاهلاً مرحوم
جاهل عالم عامل که یا باعتبار احتمال اخلال بشرایط توبه است یا بطلان توبه بودن اینکه در عمر تحصیل
و درس دانستن صحت نماز کرده و نه صرف آن نماز یا عبادت که باعتبار استظهار حال صحت موافق نماز
و حال آنکه حق خدا ای حساب باشد الله جل جلاله حق است و بعد از توبه نیز علی الدوام باید نیت تلافی باشد
و اما حق الناس اگر مالی باشد واجب است که ذمه خود را بری در دنیا نماید بقدر امکان و اگر صاحب حق بمیرد
در هر طبقه قایم مقام او باشد پس اگر شخص حق با وارث او یا مجانی که از جانب او تبرع کند حق او را بصاحب
یا به وارث او یا به وارث وارث او برساند الذمه متوقف اگر ایشان او را گمان کنند در ذمه او مانده تا روز قیامت خلاف که
در قیامت طلب کنند از او که داده خواهد اگر علما گفته اند که صاحب اول طلب خواهد کرد چنانکه روایت صحیحی از حضرت
صادق در این باب وارد شده است و بعضی گفته اند که وارث آخر مطالبه خواهند کرد اگر چه امام منتقل شود و بعضی
گفته اند حق خدا خواهد شد و اگر او یا وارث او نیابد باید عازم باشد که هر گاه صاحب حق یا وارث او بیابد به
و اگر مایوس باشد تصدق کند که صاحب حق بتصدق راضی نباشد باز بدهد و اگر حق غیر مالی باشد اگر گمراه کرده باشد
باید ارشاد کند و او را از آن اعتقاد باطل برگرداند اگر ممکن باشد بعضی از روایات وارد شده است که توبه امثال
که به عبادت او گمراه شده اند برگرداند و توبه او مقبول نیست و اگر حد یا تعزیر که قابل قصاص باشد واجب است
نفس حق او کسی مقتضی کند مثل آنکه بگوید منم که پدر تو را کشته ام اگر میخواهی مرا بکش و اگر میخواهی دیه بگیر و اگر
خواهی عفو کن و هم چنین اگر عضوی از کسی بریده باشد نزد او یا وارث او برود و او را از آن فعل اعلام کند و تمکین
یا دیه بگیرد و اگر حد باشد مثل فحش اگر شخص را فحش داده است عالم باشد که این فعل از او صادر شده است باز باید
که تمکین کند یا حد بزند یا عفو کند و اگر نه اند خلاف است که او را اعلام کند یا نه بعضی گفته اند حق است از شخص ساقط
نمیشود مگر آنکه او را ساقط کند و خواجه نصیر و علامه و اکثر علما قایل شده اند که اعلام کند زیرا که باعث کینه و عداوت
میشود و موجب عداوت میشود و اگر محلل ابراء الذمه از او توان طلبید بکند همچنین اگر با کسی حسد باشد العیاذ بالله
کسی آن نیز حق الناس است این حکم دارد و اگر غیبت کسی کرده باشد آن نیز چنین است و از حضرت صادق
روایت کرده است که از رسول خدا سوال کردند که کفاره غیبت چیست فرمودند که استغفار کنی برای کسی که غیبت او کرده
هر وقت که او را یاد کنی و حکم کرده اند اینها را که غیبت او را رسیده باشد و خواجه نصیر گفته است که اگر که واجب است که عذر
بخواهد از آنکه غیبت او کرده است اگر چه باو رسیده باشد و علامه در شرح تجرید گفته است که اگر غیبت شخص رسیده است باید
عذر از او بخواهد زیرا که ضرر رسانیده است باید تدارک کند و اگر باو نرسیده است لازم نیست حلیت از او طلبیدن
زیرا که الم باو نرسانیده است و در هر دو قسم واجب است که پشیمان شود برای خدا و عزم کند بر آنکه هرگز عود نکند
و در کتاب مصباح الشریعه مذکور است از حضرت صادق که اگر غیبت بغیبت شده رسیده است استحلال از او
بغیر از حلیت و اگر باو نرسیده است طلب آمرزش کن برای او از خدا و شیخ زین الدین گفته است که
غیبت در حدیث وارد است یعنی آنکه کفاره غیبت هر که نزد او مظلمه بوده باشد در عوض باید از او حلیت طلبد
پیش از آنکه روزی بیاید که درهم و دینار نباشد از حسنات او بگیرند بصاحب حق دهند و اگر حسنات
از گناهان او بار کنند و راه جمع میان حدیث آنکه استغفار حمل کنیم برای آنکه نرسیده است و اعلام

در اشاره باوقات توبه

بدانکه خلافست در انکه اتیان باین امور شرط است در تحقق توبه که بمحض ندامت و عزم بر عدم عود بان توبه محقق میشود
و انها که واجبات دیگرند مشهور میان علما قول اخیر است که شرط نیست بلکه از اسباب کمال توبه هستند و از انکه
معاقب نخواهد بود بلکه بر ترک انها معاقب خواهد شد و از بعضی اخبار مستفاد میشود که شرط باشند و این
احوط است باشرایط و محکم و عقلا **مطلب پنجم در بیان وقت توبه است** خلافی نیست در اینکه توبه
واجب است و تاخیر ان اثم و عاصی میشود زیرا که گناه بمنزله زهر و سموم قاتله میباشد همچنانکه در سموم باید مداوا
و معالجه پیش از ان کرد که هلاک نماید همچنین واجب است هر کسیکه گناه کند مبادرت بتوبه نماید قبل از هلاک او
پس تاخیر توبه گناه دیگر میباشد باضعف و از تاخیر هم توبه باید کرد و اگر بقدر زمان توبه تاخیر شود گناه دیگر
حساب کند و اگر بقدر توبه در نیم انی توبه ممکن بود نکرد گناه و اگر نکرد دو بار کند و اگر نکرد سی گناه باین قرار که
میان علما قاعده تاخیر گناه مقرر است تا انکه در یکروز یا در هر هفته و ماهی تاخیر یک گناه صغیره چه قدر
و کبایر مترتب میشود اکثر برادران شیطان از انها ... منبر و مسجد ... با کلام ...
چه قدر مردم از دین بیگانه کرده اند ... حساب ... جنس عالم ... جواز ... مجازات خواهد داد که
تمامی ساعات و دقایق مجالس ... صرف کرده ... که انها با هزار گونه مخالفت و انواع فساد
که در مجالس ... عزاداری ... مخالفت ... اسم عزاداری که
و الحاصل ... غفلتها از تاخیر یک گناه ... مضاعفه ... در قدر یک ساعت اگر ... دقیقه
... ممکن باشد که معصیت یک ...
از دانستن عاجز باشند ... که یک هفته تاخیر ... لاابالی ... باشد ...
بر حفظ حرام ... مستحبات ... واجبات اسلام ... امور جایز خود ... مخالفت ...
... امور جایز ... که علما ... لاابالی ... طریق
... مقدمه محرمات ... واجب ...
در امور دنیا ... حساب ... ملاحظه ... اما ...
شرح لمعه ... از تمامی کتب ...
خواندن ... مشهور است ... عوام الناس که اگر خواهی عالم باشی باید از اول
تحصیل ... انکه از طفولیت ... بتوفیق اللهی مجتهد اعلم زمان خواهم بود انشاالله ... جان
از تمامی مجتهدان ... اعلم ... نفس ... حرام ...
صاحب این ... عالم ... مقام و مرتبه علما ...
اگر ... از عالم ... اسم ... شیخ الاسلامی و قضاوت و ...
... صدر العلما ... ناظم العلما ... امام جمعه ... از استانه ... مجلس حکام و ظلام
اگر ... جیفه دنیا ... مجالست ... باشد و اگر ... مصاحبت ظلام ...
یعنی ظلام ... مصاحبت ... باشد ...
... ناقص ... صاحب ...
و محمد بن اسمعیل بن امام جعفر صادق ... شهادت حضرت موسی بن جعفر ...
دنیا باید

در خبار وقت توبه و آخر قبض روح

از دنیا باید رفت اینست که علماء فرموده اند هست طایفه [illegible] اجماع فی معنف طایفه از متع حضرت [illegible]
با حدیث شریف دیگر که از هزار نفر سلطان یکنفر با فی می ماند و که نهر ها از جنب جاری کند و اگر کسی یک مخالف
حساب مخالفات حساب و چه طور خواهد شد چنانکه نعم ناامیدی الهی و اموال حساب کردن
محققین گفته اند کسیکه تسویف و تاخیر توبه کند از وقتی بوقت دیگر امروز فردا نماید و متردد است در مهالک خطر
عظیم است که اگر از یکی سالم بماند مشکل است از دیگری سالم باشد اول آنکه اجل گریبان او را بگیرد و وقت
بگذرد و دور کار توبه رسد و کمتر در رسد در آنوقت که خدا فرموده است وحیل بینهم وبین ما یشتهون
یعنی حایل شده میان ایشان و میان آنچه میخواستند و طلب میکردند اگر طلب مهلت یک ساعت
نمایند بار کنند وقت مهلت تو گذشت و دیگر تو را مهلتی نیست چنانکه خدا تعالی فرموده است چنانکه بیاید
مرگ کوید پروردگارا چرا تاخیر نکردی یعنی مرا چند ان مهلت ندادی بعضی از مفسرین در تفسیر این آیه فرموده اند که
هنگامیکه پرده از پیش روی او برداشته شود گوید ای ملک الموت تاخیر کن در قبض روح من یکروز تا عذر از پروردگار
بخواهم و توبه کنم و توشه بردارم از عمل صالح ملک الموت گوید روزهای عمر تو تمام شده است گوید یک ساعت تاخیر کن گوید ساعتهای تو گذشته
و تمام شد پس در توبه بسته گردد او بند و غرغره در حلق او بیاید [illegible] توشه برای ضایع کردن عمر خود [illegible]
که درین احوال و اضطراب شیطان ایمان او را نیز بغارت برد و نعوذ بالله من ذلک دوم آنست که ظلمتهای معاصی بر دل او [illegible]
مرتبه که قابل اصلاح نگردد زیرا که هر معصیت که میکنند تیرگی در دل او بهم میرسد چنانکه از نفس آدمی تیرگی در آینه بهم میرسد و چون
ظلمت گناهان بسیار جمع شد زنگ میشود چنانکه بخار نفس در آینه مکرر بهم میرسد و کثافت و کرد آنه و [illegible]
نماید و جلا نپذیرد در جرش فرو رود و ضایع نماید چنانکه دیگر علاجی نماند هم چنین دل آدمی چون گناه بسیار
در آن بهم میرسد و توبه پشیمانی و اعمال صالحه طبع مرتبه رسد که بعد از آن قابل علاج نباشد چنانکه حق تعالی
طبع الله علی قلوبهم این دل را قلب مطبوع و مهر کرده شده گویند احادیث در این باب بسیار است که [illegible]
در نظر او سهل و سبک میشود و دل او از قبول احکام الهی نفرت نماید و ایمان از او سلب نماید پس آنکه آخر وقت قبول توبه
که جزم بمرگ بهم رساند و معاینه و درک امور آخرت نماید یا ملک الموت بیند یا جای خود در بهشت یا در جهنم ببیند
رسول خدا و ائمه هدی که در وقت موت حاضر میشوند مشاهده نماید پس در آنوقت جای عیبت که توبه فایده نبکند مغفرت
چنانکه حق تعالی فرموده است که نیست توبه برای آنانکه عمل سیئه میکنند تا وقتیکه مرگ یکی از ایشان حاضر میشود
الآن و نه آنانکه بر حالت کفر ایشان را هیچ باکه ام برای ایشان عذاب دردناک و از حضرت صادق منقول است
از حضور موت آنست که معاینه امور آخرت را درک بکند و از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که خدا توبه را قبول میکند تا
غرغره روح در گلویش نیامده نرسیده باشد و چون غرغره آمد ظاهر شد وقت توبه گذشت و بعضی از مفسرین
گفته اند که از جمله الطاف خداوند است که کار آنست که امر کرده است فالصبر را و چرا که ابتدا نماید در نزع روح
از انگشتان پاها و بتدریج تا به بالا آید تا بسینه برسد تا آنکه در این مدت و مهلت توبه کرده و دل را بسوی خدا گردانیده
بواسطه رحمت و رافت و مهربانی است که وصیت و توبه را نماید بتواند پیش از آنکه معاینه امور آخرت بکند
مقبول و معذور باشد و از مردم حلیت بطلبد یا حقی که دارند بر زبان جاری و ذکر ماید تا عاقبت محمود گردد

در اشاره بوقت توبه کردن

خلافست که آیا در آنکه اگر عزم بر عدم عود بمعصیت نکند و در وقتی بکند که قدرت بر عود بعمل آن گناه نداشته باشد مثل
زنا کردن کسی و بعد از آن ذکر او شل شود بعد از آن توبه کند و عازم شود بر که بر زنا عود نکند اگر قدرت بر زنا هم رساند آیا از او
مقبول است یا نه بلی قول نادر است که مقبول است به دو وجه است و همچنین اگر مرض مخوفی بهم رساند که غالب ظن در آن
باشد خلافست در قبول توبه و مشهور آنست که توبه او مقبول است و از بعضی آیات و اخبار معتبره ظاهر میشود که بعد از
نزول عذاب توبه مقبول نیست چنانکه حقتعالی فرموده است در قصه فرعون تا وقتیکه دریافت او را غرق شدن گفت
آمنت برب موسی و گفت ایمان آوردم بخدائی که ایمان آورده اند با وی بنی اسرائیل جبرئیل گفت الحال ایمان آوری
که عذاب خدا را دیدی و حال آنکه پیشتر معصیت میکردی و بودی از مفسدان در زمین و نیز خدا فرموده است که چرا نبودند اهل
بلدی که ایمان ایشان نفع دهد ایشان را چون قوم یونس چون ایمان آوردند پیش از نازل شدن عذاب زایل کردیم از
ایشان عذاب خواری را در زندگانی دنیا و برخوردار کردیم ایشان را تا اجل مقدر ایشان و ابن بابویه بسند معتبر
روایت کرده است که از حضرت امام رضا پرسیدند که بچه سبب خدا غرق کرد فرعون را و حال آنکه ایمان آورد بخدا و اقرار کرد
بیگانگی حضرت فرمودند برای آنکه ایمان آوردن او در وقتی بود که عذاب را دید و ایمان در وقت دیدن عذاب مقبول نیست و این حکم
خداست در باب گذشتگان و آیندگان حقتعالی فرموده است فلما رأوا بأسنا قالوا آمنا بالله وحده وکفرنا بما کنا
به مشرکین فلم یک ینفعهم ایمانهم لما رأوا بأسنا یعنی چون دیدند عذاب ما را گفتند ایمان آوردیم بخدا بیگانگی
و کافر شدیم بآنها که با خدا شریک میکردیم پس نبخشید ایشان را نفع ایمان ایشان چون دیدند عذاب ما را
ایضا فرموده است که روزی بیاید بعضی از آیات پروردگار تو نفع نبخشد نفسی را که ایمان نیاورده باشد پیشتر
یا کرده باشد در ایمان خود عمل خیری را همچنین فرعون چون غرق او را دریافت اظهار ایمان کرد پس باو گفتند که
الحال ایمان میآوری و ترا این فایده ندارد و پیشتر که فایده داشت ایمان نمیآوردی و نافرمانی کردی در زمین
خدا و گمراه کردی مردم را و ظلم و ستم کردی بر بنی اسرائیل و ایضا از حضرت صادق روایت کرده اند که [illegible]
امامی و جمعی از خدا [illegible] که حلال و حرام خدا را بیان [illegible] منقطع نمیگردد حجت از زمین
پیش از قیام قیامت که حجت از زمین برداشته میشود و در توبه بسته میگردد نفع نمیبخشد ایمان کسی که قبل از آن
بدترین خلق خدا میباشند ایشانند که قیامت بایشان قایم میشود و در تفسیر امام مذکور است که اعرابی از حضرت
سوال کرد که توبه چه وقت قبول میشود حضرت فرمود که در توبه مفتوح است برای فرزند آدم بسته نمیشود تا طلوع کند آفتاب
از طرف مغرب و بعض آیات پروردگار فرموده است که ایمان بعد از آن نفع نمیدهد [illegible] که آفتاب از مغرب
طلوع میکند ششم در بیان انواع توبه است که اقل مراتب آن آنست که دل کسی که پشیمان گردد از کرده های گذشته و عزم
کند در عدم فعل در آینده و بالا میرود تا کامله درجه [illegible] چنانکه در نهج البلاغه مسطور است
روایت کرده است که مردی در حضور امیرالمؤمنین گفت استغفر الله حضرت فرمود که مادرت در عزایت بنشیند میدانی
استغفار چیست استغفار درجه علیین است و آن اسمی است که بر شش معنی واقع میشود اول پشیمانی از
گذشته دوم عزم آنکه هرگز عود بآن ننماید سیم آنکه ادا کنی بسوی مردم حقوق ایشان را تا وقتی که خدا را ملاقات کنی پاک
بوده باشی چهارم آنکه قضا کنی هر فریضه که بر تو واجب بوده و حق او را ضایع کرده ادا نمائی پنجم آنکه
قضا کنی آنکه گوشتی که از حرام بر بدن تو روئیده بگدازی بریاضات و عبادات [illegible]

در بشارت بتوبه هر فرقه از خاصان الهی

بدانکه پرست بدن باستخوان حسبیده نکوست دیگر جلال بر وی نشسته ببر آنکه بجای نجم خود الم طاعات ساو الفه بکه حلاوت ولذت معصیت وس بس بعد از آن بگوید استغفر الله. و از حضرت صادق منقولست که کسی که مقیم است بر گناه و استغفار میکند از آن مانند کسی است که استهزا کننده و کلینی و دیگران بسند های معتبر از حضرت صادق روایت کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هرکه توبه کند پیش از مرگش بیکسال خدا قبول میکند توبه او را بعد فرمود که یکسال بسیار است یکماه پیش از مرگش توبه کند بعد فرمود یکماه بسیار است یکهفته بلکه یکهفته بسیار است یکروز بلکه یکهفته بسیار است یکروز بلکه یکروز بسیار است هر توبه کند پیش از آنکه معاینه امور آخرت را ببیند توبه کند خدا او را قبول میفرماید و این حدیث دلالت بر کمال توبه است که اقلا یکسال قبل پیش از مرگ بیفته باشد تا اثر کناه زایل شود و اصلاح احوال خود بکند و اگر نباشد و در یکماه تا آخر در اقل مراتب اجزا توبه است و فرمود در مصباح الشریعه از حضرت صادق منقولست که توبه ریسمان خداوند است و بر آن به و کانکه میان خود و ریسمان الهی است و ریسمان خدا و بنده کان محمد باید دعنایت خود را جاری کند از بنده او در توبه در هر حالت که بگیر در دست الهی باشد چه قدر دسیله محبت و آشنائی باشد اما دسیله استغفار از اضطراب و تشویش خواطر است از مرتبه قرب و وصال و توبه اصطفا و برگزیده کان یعنی اوصیا از الغفلت یعنی بارها که مباد الغفلتی بشود که بارها در آن نباشد چنانکه اهل حب و دنیا اختمالی بارها اشکال است معارض باشند اما توبه اولیا و دوستان خدا از خطورات مکاشفه است که مباد ابعض چیزهائی خلاف قرب بر دل دفائی دل را بیابر یکمیزد و توبه خواص از استغال بغیر خدا است که مبادا بغیر خدا اشتغاله دلشان برسد و توبه عوام از گناهانست هر یک از ایشان را معرفتی و علمی است در اصل توبه و منتهای امر آن و شرحش بطول میانجامد اما توبه عوام است که باطن خود را آب حسره بشوید پیوسته معترف گناهان خود باشد و ندامت بکند شته همیشه داشته باشد و بر بقیه عمر خود خایف باشد و گناهان خود را صغیر نشمارد که موجب کسلی او باشد و پیوسته مشاق و گریان باشد بر آنکه از او فوت شده است از او از طاعات خدا و حبس کند نفس خود را از شهوات و استغاثه به خدا کند او را حفظ کند بر قایم توبه و دفع میدارد از عود بسوی گناهان گذشته و نفس سرکش خود را همواره در همواره کند در میدان عبادات به اربابه وروزهای بسیار روزه داشته باشد و پیوسته در فکر عاقبت خود باشد و از خدا یاری جوید و سوال کند که او را ثابت بدارد و مستقیم بر جاده حق بدارد و بشارت در جاه ثابت نماید نزد محبت و بلا تا اینکه از درجه توابان نیفتد از آنکه توبه او باک شدن از گناهانست و موجب زیادتی ثواب اعمال او و رفعت درجات اوست خدا میفرماید و مبداء انه خدا را کرامت کنند و مبداء او در فکر یاد را از حضرت رسول منقولست که توبه کننده هرگاه اثر توبه بر او ظاهر نکرده او تائب نیست باید که راضی کند دشمنانرا و نمازهای خود را قضا کند و تواضع و فروتنی کند در میان خلق و نفس خود را از شهوات باز دارد و گردن خود را باریک کند از بسیار روزه و رنگ خود را زرد کند بعبادت و به از شب بیدار ماندن خود لاغر نماید شکم خود را دشمنی خود خم کند از ترس آتش جهنم و استخوانهای خود را بگدازد از شوق بهشت و دلش را نرم کند از ترس ملک الموت و پوست خشک شود بر بدن بفکر در اجل پیشتر از توبه و حضرت رسول فرمود که مبدا کیست تائب گفتند خدا و رسول بهتر میدانند فرمود که کسیکه توبه کند و دشمنان را راضی کند تائب کسی است که توبه کند و عبادات را زیاد کند تائب نیست کسیکه توبه کند و لباس خود را تغییر ندهد تائب نیست کسیکه توبه کند خلق خود را تغییر ندهد تائب نیست کسیکه توبه کند و دل خود را نگشاید و کف خود را گشاده نکند و از زیادتیهای خود کوتاه نکند در بان خود از لغو نگاه ندارد تائب نیست کسیکه توبه کند زیادی از قوت خود را بخیرات نفرستد تائب نیست هرگاه باین خصلتها مستقیم باشد او تائب است و صاحب توبه مقبول است حقتعالی فرمود که مبدا کرد...

استغفار از الله ... از خاصان ... و دوستان خدا ... اکثر از ...

اینکه ... خواص ... دوستان ...

در انواع و اقسام توبه کردن است

ایمان آورده‌اید توبه کنید بسوی خدا توبهٔ نصوح و خالص و معنی توبهٔ نصوح از حضرت صادق منقولست که توبهٔ نصوح آنست
که باطن آدمی مثل ظاهر او خوب باشد و بهتر و در روایت دیگر فرمود آنست که توبه کند و عزم داشته باشد که هرگز
بر نگردد به آن گناه و در روایت دیگر فرمود که آن توبه ایست که بعد از آن عود در گناه نکند راوی گفت کدام یک از ما
عود نکنیم حضرت فرمود خدا دوست میدارد از بندگان کاملشان کسی را که او را فتنه‌ها باشد گناه کند و بعد از آن توبه کند
و کلینی بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر روایت کرده است که گناهان مؤمن هرگاه توبه کند آمرزیده می‌شود بعد از
توبه باز مانند کار را از سر بگیرد و این مخصوص اهل ایمانست راوی گفت اگر بعد از توبه و استغفار از آن عود نمود در گناه
باز توبه کند چونست فرمود که آیا مؤمن پشیمان شود از گناهان خود و استغفار کند از گناهان خدا توبه او را قبول نکند راوی
گفت اگر مکرر کند گناه را و توبه کند و استغفار نماید باز توبه کند باز آمرزیده میشود حضرت فرمود هرچند عود کند مؤمن با استغفار
و توبه خدا او عود میکند بآمرزش خدا آمرزنده و رحیم است قبول میکند توبه را و عفو مینماید از سیئات زنهار ناامید
مکن مؤمنان را از رحمت خدا و بعضی گفته‌اند توبهٔ نصوح توبه ایست که صاحبش را نصیحت کند و نگذارد که عود بآن
گناه کند و بعضی گفته‌اند توبه ایست که دیگران را نصیحت کند که مثل او بعمل آورند و بعضی گفته‌اند آنست که خالص
از برای خدا باشد و بعضی گفته‌اند توبه ایست که ریشهٔ خواهش شهوات را از دل برکند و ظلمت گناهان را که در
دل اثر کرده باشد نور طاعت و عبادات محو کند زیرا که اثر گناه نه همین استحقاق عقاب است که بشمار آید
بلکه دل آدمی را تیره و تار میکند و روح ایمان را ملول میسازد و ملائکهٔ رحمت را از آن کس دور میکند و از بسیاری
از خیرات خاصه سبحانی محروم میسازد اگر دزدی بخانه درآید و مدتها آنجا بسر برد معارضه منحصر در مال که نه سرقت
دست برد و شعورش درست مذکور خوب بگیرد و با صاحب خانه در خواب گران غفلت باشد و دزد طرارانه مال در
آن و حال مدت مدید در چنین خانه آباد مزین طلاکار آیینه مشغول تاخت و تاراج و غارت اموال و تخریب
این چنین عمارت آنچه تواند مشغول تخریب آبادی عمارت و تاراج اموال که دیگر دشمن رحمت چنین دشمن طرار که دزد را
ملامت اشد چون صاحب خانه از خواب باس غفلت افاقه یابد و بیدار شود بشعور آید فوراً تعمیر چنین خرابه و اصلاح
البته محال نباشد تا مدتها در مقام اصلاح خرابیها و تغییر اموال تلف شده و معاش و بنا و اسباب تعمیر کار
و صرف اوقات عمر او مایه گذاری و زحمات میخواهد تا بحال اولی بیاید یا نیاید هم چنین است دزد شهوات نفسانی
مانند ابلیس و سایر معاصی دست یافته در دل مدتها در سر آن دل ما را ایمان و اعمال صالحه را تاراج
در خرابی خانهٔ دل و عقل چون صاحب خانه بیدار شود خانهٔ خراب و ویران و غارت شده و تاراج
و بعد از همه اینها خرابیها خانهٔ زرنگار طلاکار آیینه بسو به انواع معاصی تیره و تار و بدبو و انواع کثافات
تاریک و تیره گردیده بمحض نادم شدن و پشیمانی و استغفار و ناله و آه علاج آنهمه خرابی محال است فوراً و حال
دزد غارتگر در بیرون خانه باز در کمین است چون فرصت یابد که این خانه آباد شود دگر رخنهها شیطانی از اول
خرابه ایمان میدود تواند مدت بسیار در زمان زیاد باید تا تیره گی و ظلمت سیاهی و در و دیوارش کمالی اول درآید
کی بماند رخنهها و علاج نماید عوض یا بیمار شده‌ای تواند بلی قلب سالم بجز به دیده امتحان شده از خواب ایام
میخواهد که خوب بیدار و هشیار شود که در زمان قلیل بهتر از همه نماید در تعمیر خرابیها استاد و ماهر گردیده
الا هم منظور بودن باحوال انبیا و اولیا و پیشوایان دین از برای ارتکاب مکروهی بلکه ترک اولائی چه تدارکها کرده‌اند حضرت آدم

سبعه

در وجوب و لزوم توبه و [illegible] کفار و توبه اولیا

بر صاحبان کرامت [illegible] از اسباب [illegible] تا توبه [illegible] لزوم و وجوب [illegible]

[illegible] که [illegible] که آن [illegible] توبه کامل [illegible] و در مقام

سخن بسیار است که این رساله [illegible] متضمن [illegible] توبه [illegible]

اسلام و در آنکه آیا عقلا بر خدا واجبست [illegible] بعد از توبه عقاب [illegible]

لازم [illegible] عقل [illegible] است [illegible]

[illegible] معتزله [illegible] قائل شده اند [illegible] شیخ طوسی و علامه حلی [illegible]

[illegible] قائل شده اند [illegible] خواجه نصیر در تجرید در این باب توقف کرده است [illegible]

که قبول توبه عقلا واجب نیست و محض فضل خداست [illegible]

تمام عمر [illegible] و در امم سابقه نیز چنین [illegible] بنی اسرائیل

[illegible] بعد ایشان را قبول توبه [illegible] توبه ایشان قبول [illegible]

[illegible] که [illegible] توبه [illegible] از فضل [illegible]

[illegible] نعمت [illegible] چنان [illegible] فضل [illegible]

[illegible] طریقه [illegible] در توبه [illegible] اللهم [illegible]

[illegible] قطع [illegible] بعبادة [illegible]

[illegible]

[illegible] ابن عباس [illegible]

[illegible] عفو خواهی [illegible] مغفرة [illegible] عفو [illegible]

[illegible] استحقاق [illegible] وجوب [illegible] معصیت [illegible]

[illegible] اخبار بسیار است [illegible] رجا است که [illegible] عالم [illegible]

حدیث [illegible] لا یضر معها السیئة [illegible] شرائط [illegible] اسلام ایمان [illegible]

[illegible] ایمان [illegible] عقاید حقه و شرط [illegible]

غیر صحیح [illegible] چنانکه [illegible] عالم [illegible]

این [illegible] در کتب و رسائل [illegible] فقها و کتب [illegible] در زمان [illegible]

[illegible] ایشان نیز [illegible]

[illegible] به تألیف [illegible] اسباب [illegible]

[illegible] این عقیده [illegible]

[illegible] طلاب [illegible] از اول [illegible] تحصیل [illegible]

[illegible] قبل از [illegible] طلاب اول قبل [illegible]

قبل از درس [illegible] تکبیرة الاحرام [illegible]

[illegible] شیعه [illegible]

[illegible] طلاب [illegible]

[illegible] طلاب [illegible]

در بیان بعضی خطورات قلوب انسانی

ششم در بیان امور یست که حقتعالی از آنها مواخذه نمیفرماید و وعده عفو فرموده است چند امر است

اول وسوسه و حدیث نفس است که باختیار آدمی نباشد چنانکه کلینی از محمد بن حمران روایت کرده است که از حضرت صادق
پرسیدم از وسوسه هر چند بسیار شود حضرت فرمود که چیزی در آن نیست بگو لا اله الا الله و بسند حسن کالصحیح از
روایت کرده است که جمیل بن دراج با آنحضرت عرض کرد که در دل من امر عظیمی واقع میشود حضرت فرمود بگو لا اله الا الله
جمیل گفت هر وقت چنین امری در خاطر من خطور کرد لا اله الا الله گفتم برطرف شد و بسند معتبر گفتم که منافق شده ام
منافق نشده ای اگر بودی نزد من نمی آمدی که اعلام کنی حال خود لکن دشمن حاضر یعنی شیطان آمده است نزد تو و از تو
پرسیده است که ترا که خلق کرده است تو گفته ای که خدا پس گفته است که خدا را که خلق کرده است حضرت فرمود که چنین
فرمود که شیطان نزد شما آمده از راه اعمال ولکن چون بر شما غالب نشده است از این راه آمده است که شما را گمراه کند
هرگاه چنین شود یاد خدا بکنید وحده لا شریک له و بسند حسن کالصحیح از محمد بن مسلم از حضرت
صادق همین حدیث روایت کرده اند و در آخرش حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که این والله محض ایمانست و بسند صحیح
از علی بن مهزیار روایت کرده اند که شخصی بخدمت حضرت امام محمد تقی نوشت و شکایت کرد از چیزی که در خاطر او خطور میکند
حضرت در جواب فرمود و نوشت که اگر خدا خواهد ترا بر دین ثابت میدارد و شیطان را راه و استیلائی بر تو نمی گذارد
و بسند صحیح منقولست که گروهی شکایت کردند بحضرت رسول صلی الله علیه و آله از امور چند که در خواطر ایشان بهم میرسید که اگر مرغ ایشان را از آسمان
بزیر افکند و یا ایشان را پاره پاره کنند دوست تر است نزد ایشان از آنکه تکلم بآن کنند حضرت فرمود که این را در نفس خود مییابید
گفتند بلی فرمود که بحق آنکه جانم در قبضه قدرت اوست که این صریح و خالص ایمانست پس هرگاه چنین امری در خاطر شما خطور
کند بگوئید آمنا بالله و رسوله و لا حول و لا قوة الا بالله مجلسی رحمه الله گفته در آنکه این محض و صریح ایمانست چند وجه گفته اند
اول آنست که بسند معتبر از حضرت صادق روایت کرده اند که مراد آنست که این خوفی که تو داری که چرا چنین امری بخاطر تو خطور
کرده است و میترسی که هلاک شوی از محض ایمانست اگر مؤمن نبودی پروا نمیکردی از خاطر گذشتن این
خواطر دوم آنکه این محض ایمانست که این حالات و احتمالات با طلب و در خاطر میگذرد که به دلیل و برهان باطل کنی
مذهب حق صاف و بیغش شود سیم آنکه در حدیث سابق گذشت که چون شیطان مایوس شده است از آنکه شما را
بکفر و معاصی بدارد دست شما را با این وساوس اذیت میرساند پس سبب این حالت محض ایمانست و معنی اول که از امام علیه السلام
منقولست بهترین معانی است و در امر بتوجه از برای این حالت چند وجه گفته اند اول آنکه مبادا امری از این
وساوس بسبب آن در خاطر ما بماند و متوجه جانب حق نشود تا آنکه باین کلمه طیبه از دنیا برود دوم آنکه نفی میکند آنچه را در خاطر او افتاده
از آنکه الهی و اله و ولی باشد و تصریح میکند بآنکه الهی جز او نیست سیم آنکه این کلمه طیبه شیطان را میراند
و دفع وسوسه او از او میکند و او میگوید باین جهة باین کلمه تلقین میکنند محتضر را چهارم آنکه افاده
آن میکند که سلسله ممکنات بامنتهای میگردد پس او واجب الوجود باشد پنجم آنکه کسی که متصف بجمیع
صفات کمال باشد متصف بصفات عجز و احتیاج نیست دوم معصیتی که آدمی آنرا اراده کند و بعمل
نیاورد حقتعالی آنرا بفضل خود عفو فرموده چنانکه کلینی بسند کالصحیح از حضرت باقر یا صادق روایت کرده که
حضرت آدم گفت پروردگارا مسلط گردانیدی بر من شیطان را و او را مانند خون در بدن من جاری ساختی
برای من چیزی قرار ده که از شر او نگاه توانم داشت حقتعالی وحی کرد که ای آدم از برای تو قرار دادم این را که هر که از
ذریه تو قصد

ذکر بعضی خطرات قلب مؤمنین

از حضرت ... قصد کند گناهی برای او نوشته نمیشود اگر آن گناه را بعمل آورد یک گناه نوشته میشود و هر که قصد حسنه کند اگر بعمل نیاورد یک حسنه
نوشته میشود و اگر بعمل آورد ده حسنه برای او نوشته میشود پس آدم عرض کرد پروردگارا زیاده کن فرمود از برای تو قرار دادم که
هر که گناه بکند و استغفار نماید گناه او را بیامرزم عرض کرد پروردگارا زیاده کن فرمود توبه را از برای ایشان قرار دادم تا
جان بحلق برسد عرض کرد الهی بس است. و بسند صحیح از حضرت صادق منقول است که جعفر ... است که
حق تعالی مقرر فرموده که کسی با وجود اینها مستحق عقاب الهی گردد پس شقی و محروم است و ایضا بسند ... قصد کند
حسنه بعمل آورد و اگر بعمل نیاورد در نیت نیک او یک حسنه از برای او نویسند و اگر بعمل آورد ده حسنه از برای او مینویسند و اگر
قصد کند که سیئه بعمل آورد اگر نکند هیچ گناه برای او نوشته نمیشود و اگر بکند هفت ساعت او را مهلت میدهند
که نویسنده حسنات که در جانب راست می‌باشد بملکی که نویسنده سیئات است در جانب چپ او است گوید تعجیل مکن
شاید بعد از این حسنه بکند که این گناه را محو کند زیرا که خدای تعالی میفرماید ان الحسنات یذهبن السیئات که حسنات سیئات را محو میکند
یا آنکه استغفاری کند بگفتن این کلمات استغفر الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب
والشهادة العزیز الحکیم الغفور الرحیم ذو الجلال والاکرام واتوب الیه گناهی برای او نوشته نمیشود و اگر هفت ساعت بگذرد و استغفار
نکند و حسنه نکند صاحب حسنات بصاحب سیئات گوید بنویس گناه را این شقی محروم استغفار ... فضل ...
ایضا بسند معتبر از امامزاده عبد الله ... که از حضرت امام موسی سوال کردم که دو ملکی که در جانب راست و چپ او
آیا علم دارند بر آنکه فعل خوب یا بد از مرد سر زده یا اراده کرده است حضرت فرمود ... بوی خوش ... بوی بد
مثل میکند ... وقتیکه قصد حسنه میکند نفس او خوشبو بیرون آید ملک دست راست ...
ملکی که ... قصد حسنه کرده است ... زبان او قلم او است ...
و چون قصد گناهی کند نفس او بد بو بیرون آید ملک دست راست ... قصد گناه کرده است ...
... ان تبدوا
ما فی انفسکم او تخفوه یحاسبکم به الله فیغفر لمن یشاء ویعذب من یشاء والله علی کل شیء قدیر
یعنی اگر ظاهر کنید آنچه در نفسهای شما است یا پنهان دارید از آن حساب میکند شما را خدا ... پس میآمرزد
برای هر که میخواهد و عذاب میکند هر که را میخواهد و بر همه چیز قادر است اگر چه ظاهر این آیه خلاف ...
سابقه است که دلالت دارد بر آنکه هر چه در نفس آدمی حاصل میشود خدا بر آن محاسبه میفرماید اگر خواهد
... و اگر خواهد میبخشد و این شامل است وسوسه‌ها را با آنکه ممکن است باین طور که عفو از آنها مخصوص شیعه
باشد و مراد از من یشاء شیعه است بعضی از شیعیان عفو نمایند غیر شیعه مؤاخذه میکنند اگر چه مؤمن
... خالی از اشکال نیست خدا میفرماید لا یکلف الله نفسا الا وسعها از طاقت آدمی بیرون
... است چون ... که خدای تعالی تکلیف فرماید ... تکلیف ...
بی اختیار بقلب آدمی خطور میکند ... که عفو کرده از این امت
... آنچه در خاطر خطور نماید ...
... مؤاخذه نمیکنند و مؤاخذه نماید بر آنچه عزم میکند آدمی و عقد و جزم بر آن میکند با آنکه
... و آن از جمله افعال قلبی است ... چنانکه جزا میدهد بر افعال
معصیت ... عزم بر طاعت که حقتعالی بر آن عزم جزای اصل طاعت ...

در افعال قلوب که منهی عنه و غیر منهی عنه هستند

در اخبار وارد است که کسی که انتظار نماز و وقت و زمان نماز می‌کشد منتظر است گویا که نماز میکند [illegible]
زمان رجعت و ظهور امام [illegible] است که [illegible] اعظم طاعات مشغول است اگر عازم و جازم معصیت [illegible]
شیعیان در زمان [illegible] دیگر حمله [illegible] کفار در جهنم [illegible] در دنیا اختیار کفر [illegible] برای آنکه قلبش [illegible]
که اگر [illegible] تا قیامت خدا [illegible] عمر [illegible] تمامی [illegible] در کفر خواهد [illegible] پس از برای اعمال صالحه [illegible] اگر چه عمل [illegible]
[illegible] خواهد داد اصل عدل [illegible] و این از الطاف خفیه حضرت سبحانی برای امت مرحومه است و در احادیث
[illegible] از [illegible] و در [illegible] دیگر در قصه حضرت [illegible] اگر چه [illegible] و [illegible] باشند [illegible]
نماز در آن لباس جایز [illegible] اعضا و جوارح [illegible] که مخالفت امر الهی میکرده [illegible] هر عضو [illegible]
[illegible] العضو [illegible] گناه [illegible] اجمالاً اما [illegible] طریقه [illegible] اعضا [illegible] در [illegible]
احتمالا [illegible] که امور احکام ایشان [illegible] صعب [illegible] از قلب [illegible] خطور [illegible] بعضی [illegible]
در خلوت ارتکاب [illegible] صبح [illegible] دیوارش نوشته [illegible] که فلانی امشب [illegible] ارتکاب [illegible]
از این قبیل بسیار است [illegible] امر دیگر [illegible] بسیار [illegible] کفر [illegible] مرحومه [illegible]
و مغفور [illegible] دلیل قوت ایمان است [illegible] اضطراب و تشویش قلب [illegible] سوال [illegible]
حضرت صادق [illegible] اضطراب [illegible] سوال از مادر آمده [illegible] دلیل قوت ایمان [illegible]
و اما بعضی آیات که دلیل افعال قلوب است [illegible] ولا تقف ما لیس لک به علم ان السمع والبصر
والفؤاد کل اولئک کان عنه مسؤولا یعنی [illegible] که علم [illegible] چشم و گوش و دل
همه [illegible] سوال [illegible] از اعظم [illegible] مملکت [illegible] و اعظم طاعات و معاصی [illegible]

و از جمله افعال قلوب که منهی عنه است

از جمله کتمان شهادت اعظم معاصی است و از جمله [illegible] بر آنچه عقد دل [illegible] عازم جازم [illegible]
مثل اعمال ظلام و فساق [illegible] و بعضی [illegible] باخلاق مذمومه [illegible] ظلم [illegible]
فسق و شرک [illegible] حسد و عداوت [illegible] وعده عذاب و عقاب [illegible] است از افعال قلوب [illegible]
اینها صفات [illegible] و افعال قلوب [illegible] اول آنست که محض خطور قلب [illegible]
[illegible] و در آن اختیاری نباشد [illegible] عقابی بر آن مترتب نمیشود [illegible] دوم
[illegible] خواهش معصیت [illegible] بدون آنکه اراده [illegible] مترتب [illegible] غلب [illegible]
[illegible] اختیار [illegible] زنا [illegible] اختیار خواهش [illegible]
[illegible] نظر [illegible] بدون [illegible] عاشق [illegible] اختیار [illegible]
تکلیف [illegible] نظر اول [illegible] نظر [illegible]
نظر است [illegible] نظر اول [illegible] اختیار [illegible]
در [illegible] اختیار [illegible] در حدیث [illegible] حضرت صادق [illegible] سوال [illegible]
[illegible] قلوب [illegible] ذکر [illegible] که الله تعالی [illegible]
سیم آنست که [illegible] قصد معصیت [illegible] قلب اعتبار [illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

از مقدمات عالم صدرتان مغنی بسماسی عاذ [illegible]

عزم و جزم که عبارت از اراده یقینی است ممکن است که فعل بعمل نیاید یا آنکه بعد از جزم پشیمان شود یا مانعی از فعل که از [illegible] متعذر گردد پس آنجا بتصور معصیت و حصول شهوت و میل نفس که اختیاری نیست عقابی نباشد و حکم مشغول ظاهر اخبار آنست که بر آن نیز عقابی نیست و بعضی گفته اند اگر اختیاری باشد معاقب است و اگر بدون اختیار باشد معاقب نیست

و اگر اراده و عزم انفعال حاصل شود و فعل بعمل نیاورد از برای عائقی و مانعی ظاهر اخبار بسیار آنست که [illegible] بر آن عزم ثبت و بعضی بتفصیل قائل شده اند که از برای ترس خدا و عقوبت او ترک الفعل کند و نادم شود از آن قصد که گناه حسنه از برای او نوشته ملیفه و الحسنه ملفر سیئه عزم بر فعل است و اگر ترک فعل از برای عائقی دیگر شده باشد [illegible]

نیز باشد یک گناه برای او نوشته ملیفه و بعضی از ملقبین اما تبه از معتبرین متابعت ایشان کرده اند و استدلال کرده اند بروایتیکه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که چون مؤمن اراده معصیت کند ملائکه ننویسند پروردگار [illegible]

محو ایم گناه کند حقتعالی میفرماید السیئة بالعمل اورد برای ترک بنویسند آن و اگر ترک کند حسنه بنویسند از برای ترک

نموده است مگر از برای رضای من و ایضا از آنحضرت روایت کرده اند که محشور شوند مردم بر نیات خود [illegible]

اند ایم [illegible] در شب عزم کرد در صبح بر آن مستقیم [illegible] باشد پس از آن شب و [illegible] بر گناه مرده است بالمثل [illegible]

و دلیل قاطع درین باب آنست که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرمود که هرگاه دو مسلمان شمشیر بر یکدیگر کشند قاتل و مقتول هر دو

در آتش اند عرض کردند یا رسول الله مقتول چرا در آتش است و جهنم است فرمود برای آنکه هر دو در فکر قتل دیگری بودند پس مؤمن [illegible]

[illegible] انه و تمیز حق از باطل میتوانند زیرا که دانستن آنها بقصد عمل که [illegible] افزودن نور ایمان و اسلام است و قتیکه

باعث نباشد که ناز و عث ترویج دادن مذهب ایمان و اسلام حاصلست و لشاد است از علمای [illegible] العلم

[illegible] الائمه کاش [illegible] خطا که بدم و سبب خطا [illegible] تا قیامت [illegible] کلش حب [illegible]

[illegible] و مطالب ابن مجموعه [illegible] داشت [illegible] نفوس [illegible] بواسطه کمال ایمان حق [illegible] علم [illegible]

که قیمت این درر غرر و جواهر گرانمایه کسی داند که بهتر باشد در تکمیل و تعلیم ایمان در شب و روز راه پیمایند که [illegible] طاعت [illegible]

اسلام لقلقه زبان قالب بی روح قشر بی مغز نباشند محبت و خلوص و نیا [illegible] و مطیع سلطان [illegible] حق [illegible]

با آیات و اخبار و احادیث معتبره نموده که آیات و اخبار [illegible] ذات و علم امر که [illegible]

الرایه از آن [illegible] لئیم ناس [illegible] بمنزل [illegible] از [illegible]

در خان [illegible] مغیلان الحاده [illegible] سال [illegible] حجاج [illegible]

باعتبر ما یا اولی الالباب [illegible] مع ذلک [illegible] عبرت [illegible] کتاب [illegible]

[illegible] که اهل ایمان [illegible] مکلف [illegible] غیر مکلف [illegible] واجب و لازم است [illegible]

صبح و شام [illegible] برای [illegible] و لازم است [illegible] تکالیف و احکام [illegible]

مستحبات [illegible] لازم است [illegible] صحت نماز [illegible]

از صحت نماز [illegible] لازم است [illegible] فضل و کمال [illegible]

که در صحت و بطلان نماز [illegible] بطلان نماز [illegible]

نباشند [illegible] که [illegible]

اسلام [illegible]

جائکه این زمان [illegible] اسلام و ایمان نماز است [illegible] عالم صدر [illegible]

وجه امر معروف [illegible]

افعال قلوب صحیحه و باطله است

یعنی علمای ناقص امثال حقیر که بعیوب خود اصلا توجهی و التفاتی بلکه در قلوب خود خطوری ندارند و دنیا در نظر جلوه کند و جهل قصورات
و اکثر فی الجمله بعیوب مطلع و اشتند بمقام صرافی نماز خود نیامده میدیدم در حالت بعضی میگفته ببعضی مرده که از فلانی قاری نماز خود
نمایند که صرافی نماز و قرآن خواند و تعلیم مال و حق اداست بسیار نادر است و ذالک نماز خود و نفوس خود با لا از این مراتب
در این فکر دیدیم که مردم مجتهد و اسند و مجتهد مخاطب نباشد در این وقت یعنی در وقت این علیه چیست چه توان گفت که نماز
درست کن یا نماز باطل صرف شده بسیار تو جایز نیست در شب اول بگشند صاحب شریعت اگر از حما لفان تقیه و واجب لازم
این علما عرفا کار بجایی رسانیده اند که از خوف دنیا زبد جماعت خود با تقیه نیامده در محضر امام الائمه بجهة اینکه حق اثبت با هلی تقیه و قاعده حکام اسلامی
امن و قرار داده اند که ملیتف که برسم از فیض جماعت باشم اولاد خلفای سیلیهم باشد در اوقات امکان نماز با من بگذار هم
بی فیض و تارک نماز جماعت نباشیم که تارک نماز جماعت عذاب و جای عقوبت دارد برسم جمع باشیم این اسم در دار العلم

چهارم افعال قلوب عقاید باطله شک در اصول عقاید

و دوم آن شک نیست که با اینها مقبلت پنجم انکه اخلاق ذمیمه است مانند حقد و حسد و عداوت مؤمنان و سوء ظن
و اکثر این ها معصیت نیست اند هر چند اظهار نکنند و بسیار از اخبار دلالت میکنند بر انکه اظهار اینها معصیت است این
سهوه و سهوله در دین و عدم حرج در دین و ظاهر است که عدم مواخذه بر ارادهٔ معصیت مخصوص مؤمنانست پس منافات ندارد
با حدیثی که وارد شده است که اهل جهنم برای این جهنم مخلد نه که نیت ایشان در دنیا این بود است که اگر مخلد باشند همیشه کفر کنند
با معصیت خدا و نه و حوالها ولکه نیز توان گفت که جمالی این مناسب بود پس به انکه ظاهر کلام اکثر فقها و متکلمین آنست که
حرام است اما حقتعالی بفضل خود انعام و بخشیده است و وعدهٔ مغفرة داده است چنانکه صغیره معصیت است و با جتناب مبامرزد
خواجه نصیر در تجرید گفته است که ارادهٔ قبیح قبیح منافات ندارد با عفو و در کلام ابو الصلاح نیز مثل این که نیت و حمید
قول حقتعالی اذ همت طائفتان منکم ان تفشلا والله ولیهما گفته است که فشل و جبن بخاطر ایشان خطور کرده
عزم بر آن کرده بعد از آن گفته است ارادهٔ معصیت و عزم بر آن نیز معصیت است بلکه از آن که انه حتی انکه گفته عزم بر کبیره
نیز کبیره است و عزم کفر نیز کفر است و شیخ شهید در قواعد گفته است تا ثیر نمیکند نیت معصیت عقابی و نه نه حتی
آن دما دام که مرتکب آن نشود و آن از جمله چیزها ایست که ثابت شده است در اخبار که حقتعالی عفو از معصیت کرده است
اگر نیت معصیت بکند و مرتکب هم نشود امری که معصیت نیست است بخلافش بر او ظاهر شود اما این نیت
محل نظر است از این جهت که مصداق معصیت نشده است پس منزله آنست که نیت معصیت کرده است و کسیر این نیست معصیت
ان مواخذه نیست از این جهت که دلالت میکند که هتک حرمت شریعت کرده است در جسارت بر معاصی و حال انکه
گفته اند که اگر مباح را بشا نه بخواست شامیدن شراب و مسکر و با شبیه آن فعل حرامی کرده شاید از برای محض نیت
با انضمام فعل خواهر اعضا و فعل داشته و چنین امر دیگر است که محل نظر است اول انکه زن یا کنیز خود را در خانه دیگر بیابد
زن اجنبیه است با او زنا کند بعد از آن معلوم شود که زوجه او یا امه خود بوده است دوم انکه زوجه خود را وطی کند بگمان
پس ظاهر شود که طاهر است سیم انکه طعام خود را درست و مکی بخیند و نداند که مال کیست بجبر از او بگیرد و بخورد بعد ظاهر شود
چهارم انکه کو سفید را ذبح بطور ظلم و عدوان پس ظاهر شود که خود او بود است پنجم انکه شخص را بکشد
معقول الدم است پس ظاهر شود که خونش هدر بوده است تا اینجا کلام شیخ و شیخ بهاء الدین گفته است بعضی از این جمله صورت
نماز که ادا در جامه بگمان انکه حریر است یا مغصوب است و عالم بحکم هم باشد که اینها نماز جایز نیست باطل است پس ظاهر شود که ممزوج یا

بسمه تعالی باید دانست که اعظم و الزم امور در ابتدای معالجات برای تعلیم و تعلم طبابت و حکمت امراض ابدان مؤمنین و شیعیان ائمه

و شفای امراض و صلاح مدرکات امور چنانکه برای اطبا لازم و واجب تکفین و مداقه اولاً در شناختن مرض مردم سعی کامل باید

مراد مقابل آن برای ... لیس لازم است امراض عمومی حضار مجالس ... درست و صحیح تمیز و تشخیص داده ...

و استحکام بنا و اصلاح و استعداد عمارت بنا نمودن با استعداد عمارت که محکم ترکیه و خواطر جمیع کامل است بعد شروع بتعمیر ...

خطا ترکیب برای اساس دین و دنیای اطبا و علما که طبیب نفوس قدسیه می‌باشند لا ابالی و مسامحه نباید ... چنین مرض متشخص و معین ...

علاج دوا اصلی سهل است خطا کوامیدت ... که تمام خطا و خرابی عالم خون مسلمانان ایتام آل محمد بگردن طبیبان ظاهر و معنوی ...

و ثابت است و از اینجا است که اینها چه کار خطرناکی مشغولند خانه دین و دنیا خود مردمان بچه طور بلا ابالی در آن ... علمای ...

مروجین دین ... میکنند ... بالا ... مخالفت خصوص ... علما معتمدین علما ...

... ترویج دین ... العالم فی العالم و اگر مرض را خوب تمیز داد ... مطلوب است شرط ... در تمیز مرض ...

... ترتیب ادویه ... و تعلیم تحمیر در ترتیب ادویه و ... خوردن ... تاکید کتاب ...

... نمایند و ... گفتن مجرد ... عوام الناس واضح است که در ... عکس میکنند ... تکرار ...

... عبارات ... که در مجالس ... غلط خوان ...

... آموختن و تکرار علما طالب ... مجلس ... با کلمات و قصص عجیب و غریب ...

... مردم تمام ... گریه ... زبان ...

... سامع مسلمانی ... جان ... اظهار تقدس که در سالی ...

... صحیح ... اصلی حسینه ... امام ...

... العالم ... حضرت ... الائمه ... تمام ...

... **تنبیه و اگر خواهی و اول کار** ... مطالب کتاب اطلاع ...

... سبب البعث ... فهرست مجلس و مجالس و فصول ... که از منتخبات کتاب

... اطلاع کامل حاصل شد بعد کار ... تا آخر عمر ... اعلا ...

... زاد المعاد مرحوم ... مستحبات ... ماه ... از اول تا آخر ... و قرائت

... که بعد از ایمان ... تعالی ... صاحب ... که افضل ... قرائت ...

در باب ... از فصل ... حقیقت انوار طاهره آل محمد ... حقیقت حروف هجای قرآن ... حقیقت عوالم و منافع مصاحبت کتاب

و ایضاً در فصل ... از باب ... در تربیت اولاد ... و مصاحبت اولاد ... اسباب البعث ...

و در ... عقیده امام عصر در تعلیم اطفال و اولاد ... و در باب یازدهم از باب ... در معنی حمد ...

فصل اول از باب چهاردهم ... ۲۱۹ ... وجوب علم قراءت و بیان ... اصل و فرع ... فصل ...

و فصل سیزدهم از باب ... ۲۴۶ فصل ... از باب ... ۲۲ فصل ... از باب اول ...

فصل چهاردهم از باب اول در تفصیل ... صلوات آل محمد ... فصل پنجم از باب ... ۹۲

فصل هفتم از باب چهارم ... ۱۰۲ فصل ... از باب ... ۱۱۵ فصل یازدهم از باب ...

فصل اول از باب ... در فضیلت علمای ... ۱۵۵ فصل یازدهم از باب ... ۲۴۴ و فصل ...

... اطلاع و استحضار ... در ... و معنی ... کتاب ... قرآن ...

... آخر ختم ... کتاب ... در ... فهرست ...

... و تفصیل ... اوقات ...

و تفصیل فهرست در آخر کتاب ...

... و ذکر

در ذکر بعضی فهرست منتخبه کتاب رحمة الصلوة و معراج الطاعات از اسم و الزم مطالب که تفصیل بعضی از آن [illegible]

و اما چیزیکه اولا دانستن آن الزم است برای اهل اسلام در زمان ونفکر تامل و قدر دانی نعم و مقدمه الطاف ارحم الراحمین تفضیل و شرف

علمای عاملین و علم و شئون و مراتب آنها است موافق حدیث شریف محمدی علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل بلکه افضل من انبیاء

بنی اسرائیل و حدیث تفکر ساعة خیر من عبادة سنة او سبعین سنة مقدمه فضایل آل محمد میباشند و از ذکر مراتب تو حید

و خداشناسی زیرا علمای ربانی نواب خدا و رسول و ائمه اطهار سلام الله علیهم میباشند از معنی ابن ملوک [illegible] که بعد از ائمه

ره نمایان صراط مستقیمه حضرت سبحانی و آل محمد میباشند خصوص در زمان غیبت امام عصر و دستگیران ایتام آل محمد

خاص خداوند و دلیل و ره نمایان حب آل محمد و برای ایتام آل محمد صاحب و مربی و والدین حقیقی و مربی و دهای طرق ایمان

موافق اخبار معتبره برای خدمت علماء هشت روز خدمت افضل از هفت هزار سال عبادة خود مقرر فرموده نظر کردن بر در و دیوار علما

از راه محبت و مودة عبادة قرار داده نشستن به دو زانو برابر علماء افضل عبادات است و افضل از هزار حج و هزار عمره و هزار جهاد و اطعام هزار

مسکین و بستن هزار اسب برای جهاد در راه خدا و عیادة مرضی و ثواب نماز اموات و افضل از قرائت هزار ختم کلام الله صحیح لغلغ

رب تال القرآن یلعنه باشد و معنی هر ساعت از اعلام توجه شده که ساعت عرفی میباشد که مطلق است میان

میکویه با فلانی ساعتی صحبت کردیم در فلان مطلب این ساعتیست که سه چهار دقیقه شمولیت دارد بلکه مسئله

ممدوح صدوق نمایه است که آن ساعتیست و اگر شخص بقرائن تعلیم تعلم تمام عمر که عرفا در واجبات خود اهل مسجد و مسئله است

باشد چه قدر متعلم و صاحب مقامات عالیه خواهد شد [illegible] که در هر زمانی [illegible] و مباهج وقتی خالی نیست حتی از عوام

و احادیث بسیار وارد است در این کتاب این مطلب را که برای تعلیم و تعلم دو رکعت نماز ستون دین و برای قرائت طامه [illegible] معروف

و ناهی از منکر همین دو رکعت نماز عمود ستون دین خدا و رسول است که مسمی باسم خود شد باشد رحمة الصلوة معراج الطاعات اکبر العبادات

بالالف و لام استغراق که کمال و صحت تمامی طاعات و بنه که دوستی قرار داد و استحکام اعمال سلام در ایمان و لوازم و اسباب خلاص ایشان

و عذاب قبر و عالم برزخ و گذشتن از عقبهای پل صراط و پرده صحایف اعمال و میزان و خوبی و بدی [illegible] یا نار از اسباب

احوال و اهوال و مکان رحمت و استراحت محشر که پوشیدن مغز کله ها از گرمی حشر و شدت حرارت آفتاب و جای اهل محشر که مستغل

گردیدن میخ در دیوار تنگ شده و فراغت و استراحت و خلاصی از کمند لازمه علاظ و شداد [illegible] جهنم و ابنیه برای حقوق خود

همگی بواسطه صحت و بطلان همین دو رکعت نماز خواهد شد بعد از اصول دین و برای استخفاف و لاابالی و بازیچه و سهل شمردن

همین دو رکعت نماز است که در همین هر روز زنده کانی شوم و جمع خراب من دنوها در تمام عمر که کسافت خوردن کسی

عادت داده و اطفال و خرکنا سی ابلیس و نفوس خود ماکه او عادة و مانوس خوردن کثافات این عالم را چون اطفال در شکم مادر

هزار بار بدتر از اطفال که خوردن خون حیض میباشد زیرا که تمامی خوراک من و تو در باطن با نجس است حرام چه نسبت بخوراک طفال دارد

خود عادت شیطان بر گشته از ابلیس خود میباشد که شیطان نفس اماره و عادة و صحبت جنس حب دنیا مخصوص [illegible] بسته

البته چنین نماز متروک و مردود و پایمال نوانسته [illegible] کرد اسیما که عالم صدر نان معنی نشناس و دشمن دوستانا صاحب [illegible]

باسم دوستی مزید بر علة که دو بناه بر خدا چه فساد میباشد که تمامی دنیاها البته در رسم بزم و هرج و مرج دارد [illegible]

جانکه کرده اند حملات بر دشمنان از انواع و اقسام کفار و فساق و مشرکین و محاربین دین در هر لباسی که باشند موجود

و همگی آتش افروز قاطبه دین اسلام و رعایای مسلمانان کردند که کشتگان منافقان که کشته و برای اسلام و نماز اسلام

در چنین زمان وجود علمای عاملین قدر و قیمت و شرف و الطاف خفیه الله در انظار اهل عبرت و بصیرت بکار آید که خود

از هر طرف مظهر لباس دلسانی معرف انواع بلاها و آتشها و اقسام محن و مصائب منه و حفظ و حمایت شریعت الغائب

چون پروانه جان سپار و دین دار [illegible] از مال و جان و اهل و عیال در کذر

... از نماز و دین و ایمان و هدایت بگیرند باسم ترویج دین در مدت العمر [illegible] قرائت و نماز [illegible] بی‌اعتنا نموده مردم را از قرائت نماز

جمیع [illegible] طور گریزان [illegible] نمایند [illegible] با بعضی مزخرفات شیطانی تمام ملت و مذهب اسلام را از صحت نماز [illegible]

[illegible] دین [illegible] مجلس [illegible] منافق [illegible] سقیفه [illegible] انواع فساد [illegible] قرار [illegible]

[illegible] عوام فریب [illegible] زمانی خداوند علما [illegible] حافظ [illegible] مقرر فرموده [illegible] صحیح را از باطل [illegible]

[illegible] در تشخیص و تمیز [illegible] ایشان را نزد خدا مقامی دارند [illegible] کار [illegible] ملاحظه اخبار [illegible]

[illegible] مقرر فرموده است و در [illegible] صد هزار نفر از صلب [illegible] رحم مادران منتقل [illegible] و این [illegible]

[illegible] نصف [illegible] بعد از [illegible] سالکان [illegible] مختلف [illegible] سالکی [illegible] مکتب [illegible]

نصف [illegible] تعلیم و تعلم [illegible] انواع صنایع مختلفه [illegible] از میان آن قدر الاف الوف [illegible]

نصف [illegible] در عالم برزخ [illegible] ملائکه با حضرت ابراهیم درس [illegible]

[illegible] اختلاف [illegible] استعداد [illegible] تمام [illegible] رفته [illegible]

[illegible] عالم [illegible] ناقص [illegible] این طایفه [illegible] ناقص جمیع [illegible]

[illegible] علم [illegible] شیطانی و عدم استعداد و فطرت در امور مردم باسم عالم و فاضل [illegible] حافظ [illegible]

[illegible] ایشان [illegible] الحذر [illegible]

[illegible] ایشان [illegible] علما [illegible]

[illegible] طایفه [illegible] احکام خلاف ما انزل الله

[illegible] شیخ الاسلامی و امام جمعه و صدر العلما و مناصب [illegible]

[illegible] احکام سلاطین [illegible]

[illegible] احکام خلاف ما انزل الله

[illegible] احتیاط [illegible] شبهات [illegible]

[illegible] لطف خدا [illegible] الاف و الوف [illegible]

مختار [illegible]

[illegible] ایشان عبادت [illegible] آل محمد [illegible]

[illegible] ایشان [illegible] حلال و حرام [illegible] حقیقت [illegible] ربانی [illegible]

مقام [illegible] ملاحظه کردن [illegible] کلام [illegible]

[illegible] مطلق [illegible] بالخصوص [illegible]

[illegible] انصاف [illegible] ثالث [illegible] شریعت [illegible]

[illegible] ملاحظه نماید اگرچه فساد [illegible] ظلم [illegible] اول و ثانی [illegible] جهالت [illegible]

[illegible] ناموس شریعت طاهره [illegible] ملاحظه [illegible] لعنة الله علیهم اجمعین بحق محمد و آله الطاهرین [illegible]

[illegible] اهل النار [illegible] یا ارحم الراحمین [illegible] محل [illegible] علما [illegible]

[illegible] عالمان [illegible]

تکالیف [illegible] عالم [illegible] موافق آیه شریفه و لا تقف ما لیس لک به علم [illegible]

[illegible] در صحت و بطلان قرائت [illegible] رکعت نماز [illegible] سقط [illegible]

[illegible] اگر عالمی از علمای [illegible] بر ما وارد شود [illegible] نماز [illegible]

[illegible] در صحت و بطلان نماز [illegible] عوام [illegible] حکم صحت یا بطلان [illegible] عدل الهی [illegible]

[illegible] جواب [illegible] صراط [illegible]

چه جواب دارند که خداوند در قلوب ایشان رحم خلق نکرده

و الحاصل علما بعد از ائمهٔ اطهار سلام الله علیهم تالی انوار مقدسه اولیا خاتم النبیین صلوات حافظان و حامیان دین

شریعت و طریقت و پاسبانان امانت عظمی الله اند و وارثان دین محمدی اند و ناسخ و مانع انواع ظلم

و بیان مسائل دین و ایمان و احکام طاعات و اوامر و نواهی الله و متعلقه و کشف مشکلات طرق ضلالت و گمراهی

و نگونسار کن رایات انواع شیاطین فتنه و فساد و مخرب بنیان دین از علوم و طرق مذاهب باطله و مانع مهارت و هدایت

کامله اند و طراران مذهب جعفری اثنی عشری متحفظ و پاسبان هشیار آن هستند که اطلاع کامل بر احوال مذهبی دارند پر قدر

و ارکان دین و مذهب نگاهبان نمایند به قدر سعی و جهد حفظ و از مقصد بعوان و قطاع الطریق در جا خلامند در ملت

با توابع و لواحق حفظ در اصول و فروع و دین و دنیا و این مسئله واضح است خصوص در امر اعظم ارکان دین نماز که ان

الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر فلهذا نماز که نتایج بر عکس فحشاء و منکر بار آورد و در بروز انواع ظلم و فتنه و فساد

و خلاصی حاصل نماید زیرا که جهل القلب ازین تعلیم و تعلم و مشق و مذاکره و تعلیم نماز قاری نباشند احتیاطی موافق اراده علما

و مجتهدین حی زمان و صحبت مجالس و مساجد و رفقا و مصاحبان مردم بازار که سه و چهار نفر جمع مردان در زمانه در کوچه

و محلات و دکاکین مذاکره و مشق حمد و سوره و نماز قاری نباشند احتیاطی به مسائل قصد ما فات صحبت دارند عیب و قبیح

نمی‌دانستند قاریان بی حساب و قواعد علم قرائت از وفور تجربه که مختصر در فارسی و دلیل و شاهد معدل هستند و هیچ

حنیان می‌نمودند که صد جا لمبه میکردند که ایها الناس منهم سالهاست چرا نوبه نجد قصتی نمیدید حمد و سوره یا قرآن خواندند کدام

بچشم خود دیده بودیم با کمال وفور خیر و برکاتی که اگر نقل نمایم مظنه تکذیب و تفسیق اهالی این زمان داریم چنانکه تعلیم نماز و قرائت

بدعت و بله و سفاهت شمارند بلکه علما معتبرین و شماران از صد نفر دو سه نفر کمال است نماز حفظ و صواعق میزان علم قرائت

و قادر باشند طالب ادنی مرتبه و ساقط قضا هستند در امور دنیا طالب مراتب قارون و فرعون و شیخ قاضی فعلا

وارسته و مشق و تعلیم صحبت نماز مسلک آبرو تصور نمایند بلکه مثل جوان و حنی کرزان در و کرده ذکر کلام

صحبت افتد عالم صورتان معنی نشناس رو ختم نمایند که ایها الناس تمیز حروف در قرائت نماز کافی است

معلوم مبهم که اند و تمام رسوم و قواعد مشق و مذاکره و ترغیب و تحریص مردم ختم نمایند زیرا که در تمام عمر که کهنه نماز خود

برسم اصلاح صحابه نموده و دنیا موجه با نماز بدعت غلط بشمارند مینمایند که عیب و رسوایی خود نزد عوام اطفال نمایند

با این نوع حقه بازیها علم قرائت و قاریان و صحبت نماز ازمیان ایام آل محمد ملوم و متروک و برداشته تحفه از میان جا

مقصد کفر ناخلف که تابع نفس و محبت دنیا که بوده دکان رفعه نتوانست این دکان بدعت گذار و ترویج فساد بر پا نمود تابع کار

بنای ابلیس از اول بر این است که فرقه ناجیه و قبلک با غراض شایسته حفظ نتوانست این زمان شعر در به نماید که امام زمان

او وقت معطل و بیکار نشینند عاجز بمانند و مشاغل خود هر کس به تعارفات و تشریفات و دلهای خود از طرف افراط یا تفریط دام

پایش و اسم نماز مثل گمراهان که بند بر محبت صرف غش که حضرت ولایت امیرالمؤمنین که ظرف ناصبی گمراه

نمیخوانند چنانکه اکثر بیشمار از آنکه بیخبر از علم قرائت هستند این روش و دانه عوام نیست که ایها الناس قاریان بسیار

در ولیکن کج درایت نمایند یعنی احتیاج از زحمت تعلیم و رذالت و ذلت مشق و مذاکره هر رکعت نماز که ما در پنج سالگی

یاد گرفته کافی است کار قابل و مشکل نیست که بعد از این بر حفظ شغلی و کار قرار و اسم کسب بلکه مراد این سن و سال شغل تعلم

هر رکعت نماز بلند چه گونه که بعد از این معرکه گیر شوم و حیا هیچ ندارند تا حال نماز نگذاشته هر رکعت نماز مکرر چقدر مشکلات

مرد مرا ز حفظ کننده بیادر چه قدر بی غیرت و بی رگ و بی آبرو هستی با این نوع مزخرفات طفلانه فریب داده محتاج دوام عاقلانه ام که او

بمعانی هر کسی اهم مناسبی نسبت بیستی و فساد و عدم توسل نماش حرف بی خجه سل پیوسته ام

محکم انداز که خلاصی ننگ شمر زیرا که ان قلب جاهل ما سوا

و علامت عمده عالمان عامل و فاضل خشیت است به مضمون انما یخشی الله من عباده العلماء که خشیت صفت خاصه ایشان [illegible]

حرف خشیت ذکر فرمایند و در علم الدوام از او جهات [illegible] ابلیس [illegible] و توکل در بینا [illegible] غفلت [illegible]

[illegible] فراموش [illegible] طرق راه زنی ابلیس منظور نظر دارند که دشمن جانی ایمان جوی [illegible] و در کمین [illegible]

و جهل [illegible] عقل و ایمان [illegible] است که از غلبه ترس خدا و خوف خشیت بجز عمل مستحبات و احتراز از مکروهات

[illegible] و فرصت [illegible] طرق ابلیس [illegible] دانسته است [illegible] که عمل بواجبات و ترک معاصی [illegible] فرصت [illegible]

حسنات الابرار سیئات المقربین [illegible] که اعلا مرتبه عدالت و زهد و ورع [illegible] خارج از اسلام و ایمان [illegible]

[illegible] ایکه [illegible] در فکر [illegible] اینکه [illegible] مکروهات [illegible] تضییع عمر [illegible]

و [illegible] اسم شیعه [illegible] خدا [illegible] که در حقیقت و انصاف [illegible] مسلمانی [illegible]

[illegible] مکروهات [illegible] احتراز [illegible] مکروه [illegible]

[illegible] انسان انصاف [illegible] قصور و نادانی [illegible]

[illegible] مسلمانی و ایمان [illegible] عدالت [illegible] بلکه [illegible]

خصوص عالم و فاضل [illegible] نماز [illegible] بمنزله [illegible] قرار داده [illegible]

که در هر شبانه روزی پنج مرتبه [illegible] از جمیع [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ختم کلام الله [illegible] مطالعه و [illegible] خصوص [illegible] اطفال [illegible] و استحکام عقاید [illegible]

از بعضی مؤمنان [illegible] با قدرت [illegible] بمشیه ایزدی [illegible] کلام

[illegible] افضل باشد [illegible] قرآن و تفسیر [illegible] مشکل است [illegible] ان شاء الله

[illegible] از علما [illegible] تألیف [illegible] خراسان در عالم [illegible]

[illegible] نماز جماعت [illegible] اقتدا [illegible]

[illegible] نماز جماعت [illegible] امام [illegible] لا اله الا الله [illegible]

[illegible] نماز جماعت [illegible] امام [illegible]

[illegible] امام [illegible]

واگر یکی از اداره کان وادی جهل ضلالت علم شریف اهم والزم علم قرائت و تجرید [illegible]

به عبث و حیرت نماز با قاعده و قانون [illegible] [illegible] ...

نماز و قرائت آن باطل [illegible] این قدر تاکید [illegible] [illegible] اولاً جهل و نادانی [illegible] [illegible]

و ثبات [illegible] و ثانیاً عقیده اهل تمیز و معرفت در عالم انصاف [illegible] در این زمان

این باشد که حقیر در این زمان هرج مرج دیدم و دانستم که اگر علما و طلاب [illegible] [illegible]

هر یکی هزار زبان داشته باشند تمام عمر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مسائل و احکام

در خصوص احکام نماز صرف [illegible] نمایند [illegible] در تعلیم تاکید قرائت نماز [illegible] تاکید

نمایند [illegible] [illegible] [illegible] علاج باشد

تنزیل الکتاب من الله العزیز الحکیم انا

انزلنا الیک الکتاب بالحق فاعبد الله مخلصا له

الدین الا لله الدین الخالص والذین اتخذوا من

دونه اولیاء ما نعبدهم الا لیقربونا الی الله

زلفی ان الله یحکم بینهم فیما هم فیه یختلفون

بسم الله الرحمن الرحيم قد افلح المؤمنون الذين هم في صلوتهم خاشعون والذين هم عن اللغو معرضون
والذين هم للزكوة فاعلون والذين هم لفروجهم حافظون الا على ازواجهم او ما ملكت ايمانهم فانهم
غير ملومين فمن ابتغى وراء ذلك فاولئك هم العادون والذين هم على صلوتهم يحافظون اولئك هم الوارثون
الوارثون الذين يرثون الفردوس هم فيها خالدون وقال ايضا الله نور السموات والارض مثل
نوره كمشكوة فيها مصباح المصباح في زجاجة الزجاجة كانها كوكب دري يوقد من شجرة مباركة
زيتونة لا شرقية ولا غربية يكاد زيتها يضيء ولو لم تمسسه نار نور على نور يهدي الله لنوره
من يشاء ويضرب الله الامثال للناس والله بكل شيء عليم في بيوت اذن الله ان ترفع ويذكر
فيها اسمه يسبح له فيها بالغدو والاصال رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله واقام الصلوة
وايتاء الزكوة يخافون يوما تتقلب فيه القلوب والابصار ليجزيهم الله احسن ما عملوا ويزيدهم من فضله
والله يرزق من يشاء بغير حساب والذين كفروا اعمالهم كسراب بقيعة يحسبه الظمان ماء حتى اذا
جاءه لم يجده شيئا تفصيل تفسير هر دو آیه بر عهده هر کس موافق تفاسیر ملاحظه نماید موافق تفسیر حضرت
صادق آل محمد میفرماید ضرب الله للمؤمن فان المؤمن يتقلب في خمسة من النور مدخله نور ومخرجه نور وعلمه
نور وعمله نور وكلامه نور ومصيره يوم القيمة الى الجنة نور علاوه بر مجموع ظاهر و معانی ظاهره و محکمات حاصل
این آیات فرمان واجب الاذعان علائم این فقرات در شناختن اوصاف ایمان لیس است و ذکر امور
با نماز بر عهده اهل ... که در هیچ حالی ترک نکرده بر تربیه و الدین عوام که قرائت ... صحیحه بطلان
و حال آنکه این اکثر علما و شماران نیز بنماز مذکور ارشاد نموده ما را قناعت که در بالای منابر الصدا بلند
که در قرائت نماز تمیز حروف کافی است عوض ترغیب مردم با امثال این نوع کلمات افتخار نمایند و حال
با ارتکاب مکروهات و ترک رسالت مستحبات لم لم عمل الصغار و عدم اعتنا بجزویات قدم ... کبایر گذارد
وقتی ببیند که الکف بکبایر رسم می نماید تا کار بجائی رساند که برادر ابلیس و شریک قاضی شده قباحت ... از نظر
برداشته شده بعد از برداشته شدن جهل پرده اسباب عناد و عداوت اهلبیت قدم گذارد مع ذلک ابلیس
او ... توجه ... نگذارد مثل بعضی از عامه عمیا ... است که ... لعن و طعن ... توبه نماید علاوه
لسان حق ... شیطان چنانکه ... آنکه اراده ... محمد و آل محمد شفیع ... مغفرت ... نمیه ...
اهل ... توفیق توبه ... بالکفر ... اطاعت نماید ... الاسم یعنی مخالفت ... ناس لانه
آینه دل تاریک با انواع کدورات بعد از قلب منکوس که ... کفر ... ظلمات کفر
بضجیج مقدس ... هزار فسق و فجور اسباب دشمنی ... آل محمد ... یعنی ... شفعا ...
اگر چه در اخبار بسیار وارد است خصوص حضرت صادق و امام محمد باقر ... دلیل واضح است در باب مغفرت شیعیان و محبان آل محمد ...
و ... از عالم برزخ میان عالم دنیا و قیامت ... قیامت باشد لا محاله ... محبان ... کلام در این
که هر کسی بقدر کثافات و نجاسات اعمال قبیحه خود باید معذب ... کثافات معاصی ... باشند ... این کثافات و نجاسات
مانع از مجالست و صحبت ... و قصور ... بدون عذر نماز ... خود ...
بتواتر رسیده است که ... ششصد ... سیصد ... هزار ... سال دنیا ... هزار سال با تمام عمر دنیا
... کودکانه ... عیب ... بهشت ... که داخل بهشت ...
... شیطان ... اخبار که ... معاصی ... صد سال ... هزار سال در این
دارد و برای صد دینار یا ... دینار حق الناس ... نماز مقبول ...
من ... لم يصد ... عينا

مجمل سبب تالیف کتاب
ترجمه الصلواة

بحکم آیه شریفه یریدون ان یطفؤا نور الله بافواههم ویابی الله الا ان یتم نوره ولو کره الکافرون
در زمانی از فتنه گران جهان بسیار در تعارض صاحب شرع و دین بنوعی خاص خواستند نور اللهی را خاموش نمایند
و لی باعتقاد مؤلف بطریق خاصی هیچکدام نشد که ستون دین محمدی صلی الله علیه و آله که نماز است قرائت نماز و سایر قرائت
سایر احکام اللهی از صیغ عقود و ایقاعات و نکاح و طلاق و صیغ صلح و نماز میت و حاجت و قرائت قرآن
که هر چه محتاج صحت قرائت و دانستن رسوم علم قرائت است بالکلیه از بیخ و بن علم قرائت را از آثار
بکند از بن محال و بسیار بعید بود مگر زمان حال که مشاهد است برای کسی که فی الجمله از قانون علم قرائت مخبر باشد
لا تملت الله دنیا نا فقیمها لیست تفی عند لب بقیراط دنیا نا بت جم الاحرار قاطبة رطا و عنقی کل صفقا
زمان قد تفرغ للفضول یسود کل ذی حمق جهول فان اجلبتم فیه ارتفاعا فکونوا جاهلین بلا عقول
عنانی من الهم ما قد عنانی و اعطیت صرف اللیالی عنانی انفت الدموع و عفت الهجوع فعینای عینان نضاختان
زمانی است که شرور و ملاعب الدوم بایه بعراوار و اشر بعنا و جهله و اعلیا مشغول کرده بلکه شریعت و دین عزیز را بکلی
و چاره و دوای درد ما را از امام حجة الله و نشر بعث و ما کخضرت از در کاه حضرت ذو الجلال کو اهیم که غلبه دارد و کم
همه وقت احرار زمان که از هر جانب احاطه نموده از خیال بشر بیرون است و واسطه تخریب نماز و عوض بدل شدن بنماز
از هم از عالم صورتان معنی لسنا نک لا اباکی شده از صنف و مکر در هر سستی جهل ساله بتدریج باسم ترویج معاش جعفر
یا بترویج من بکی او ابکی وجبت له الجنة در آخر دنیا و تعارض ضد اد بحکم روضه خوانی در ترویج کار خوش اهل اخبار رجحی
د اسید و آری افراط عوام و بروبال نام مجموع معاصی که بسبب تالیف این مجموعه در حال ضعف و ناتوانی اگر عمر باره و دیگر
نام دانستنه که احرار لا ابالی و عدم ملاحظه ملکوتیچه از کجا وارد که از مستقیم محرمات و جهنم است و ملشا تمامی ما شروعات
و لیلی در دو امر حلی بعید نماید که ارتوع علما او لا ابلیس عادت انسانی که خصوصا عادت مخالفت ابلیس در نرکست که از طفولیت ملکه
دست بردار نخواهد شد نماز و قرآن خوانی از ملای مکتبی غلط خوانی دارد هر روز ما را غلط خوان بدرس غلط کاری در ابتدای طفولیت
ثانیا این جنین دو رزکی در کسب حوزه شیر رحم و عناد قاریان بی سواد تملیکان نخواهد اعتنا نماید باحجت دنیا اعتنا بنماز صحیح
نماز صحیح با غلط فرقی ندارد و دیگر نماز و کار بازیچه شارد در پی تصحیح نماز برخی کار از ذل شارد بلکه بتقلید قاریان
بپردازد و دیگر از اسباب تصنیع و ترک قرائت عدم اعتنا بقاریان فقرا و محقرات و شوخی نفوس شریره حقه که بعد از سیر معرکه گیری
نباشند مردم شنیده و تمسخر نماید و دیگر برای رضا خاطر مریدان عوام کالانعام که نقل مجلس مردم نباشد و الحاصل اسباب عذر و
بر حقه و سه بلیه دزین قبیل مزخرفات بسیار است بتعلیم ابلیس جن و انس و بستن در توبه برای حق از نفس حقه علاوه بر تغییر ایة
ان عدة الشهور عند الله اثنا عشر شهرا فی کتاب الله یوم خلق السموات و الارض منها اربعة حرم
و ذلک الدین القیم فلا تظلموا فیهن انفسکم و قاتلوا المشرکین کافة کما یقاتلونکم کافة و اعلموا ان الله مع المتقین
انما النسئ زیادة فی الکفر یضل به الذین کفروا یحلونه عاما و یحرمونه عاما لیواطؤا عدة ما حرم الله
زین لهم سوء اعمالهم والله لا یهدی القوم الکافرین اربعه حرم را که خدا در ازل حرام نموده واجب
قتال باشد از ایام جاهلیت که مردم بعد برای احترام این ماهها اگرچه ماهها ممکن در ترک قتال مسلوک شده با وجه جهالت و بتاج
دنادانی عوض ذی القعده و ذی الحجه جاهلان و منافقان این امت در زمان سعادت ترک قتال این ماهها و دیگر و حواله اسلام در بسیار
ماهها که امسال این اوقات سردست یا گرم استعداد میاد روز و مقابل این چه ادر بحال فراغت نه از هم کار که این ماه را بماه آینه بگذارد
نفرمت تمام و با این نوع مخالفت و نافرمانی که امت که از میثاق و این فضولی عین پسندخه همه پسند مثل عالم صورتان زمان
و بیشماران اکثر ما بهانه خط چند نفر قاریان اهل افراط یا تفریط مردم از علم قرائت قاریان ماهر عادل مذاکره مباحثه
صحت نماز خدا در بکل سند که امر شیطان با ابن عباس و عاصم آموخته بعد علمای فریقین بصحت در ترویج این علم زیاده علم نحو کتابها تالیف کرده ام
جهل سال خیان بردگشتند که بجز جوانان سپاهی و عیاران نماز و قرائت نماز نشستن در خراسان علامت علم قرائت ماند است خصوصا علما و طلاب محتاج
نماز سقط و قضا باره اند از مستقبلین بیچاره های اسلام و ایمان مثل نماز کراد و اهل
که تجرید این نسخه مشغول شده تا رحمه لازم دیده در فتن آخر زمان

سبب تالیف

بسمه تعالی بر ارباب فضل و کمال معلوم است که موافق حدیث نبوی علما امتی کانبیاء بنی اسرائیل
بواسطه اغتشاش آب و رنگ اختلاط کثیره مذهب حکام که علما برای ملک و مروج و صلاح و صحت اقوال
اکابر و مجتهدین مصلح هستند که صحت و سقم طریقه ابنیت و رشد امید انند صلاح تامه و کلیه سلف بدون خلط و تغییر
تا هنت میرسانید و رحمت و خلط البته علما فضل خواهند که علمداران دین و سلسله شریعت خاتم النبیان
هستند بعد از ائمه اثنا عشر چهارده معصوم و نایب ایشان خاتم انبیا باشند مسلم است شرعا و عقلا کلام
علم و عمل و عالم صوری و معنی شناس که با اسم و صورت نواب ایشان دقیقه ...
علمای ربانی ... باشند چنانکه ... کار سهلی تعارض
رحمی و ابو جهل با خاتم انبیا و معاویه با علی مرتضی و حسن مجتبی و یزید و ابن زیاد با سید الشهدا تعارض نمودند
ایشان شیخ ... در زمان سلطنت علی مرتضی در بغداد چنان معتمد و موثق کل بود که ...
بازاین ... الا قسطلع ... که تمامی اهل ... بغداد ...
فساد عظیم بود که در کوفه پادشاه داریک ملک سلطان کل عوالم بود این جسارت نمود چون ...
انصراف عقل ... تعرض و تغییر این مولف ...
معنی شناس که تغییر دین و ستون دین ... چه سال ...
بدل نماز ... قرائت ... که در هر ذکر و رکوع و سجود و ...
ابطال ... نماز ...
شفعا ... کنند و ... که صاحب ... دجال ... ملک ...
خوانده ... نماز ... صورت ...
همیشه ... شرع ... کلمات ...
عوام ... اسم ... الناس ...
ملاحظه ... که ... مردم ... عوام کالانعام بل هم اضل ...
خبر داده است ومن الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم ...
آیات بسیار در این ... تمامی آیات ...
نماز ... قرآن ... خطاب ...
جوب ... ابرار ...
از رحمة اللهی ... منافقین ...
حتی ... منافقین ... علیهم السلام ...
امیر المومنین ... گرفتار لعن و طعن ...
... اللهی ...
...
... اللهی ... ملک ...
... هفتم

[illegible]

از قبیل لیتنی کنت ترابا

قال رسول الله صلعم ... عن سو ... بعض ... فعلیه لعنة الله والملائکة والناس اجمعین وقال ابو عبد الله علیه السلام ... فهو شیطان ... وقال الله تعالی یا اهل الکتاب لم تلبسون الحق بالباطل وتکتمون الحق وانتم تعلمون وقال ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشة فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم فی الدنیا والآخرة ... ویلعنهم اللاعنون وقال الذین یصدون عن سبیل الله ویبغونها عوجا وهم بالآخرة کافرون وقال ... وزین لهم الشیطان اعمالهم

... ان الذین یؤذون الله ورسوله لعنهم الله فی الدنیا والآخرة واعد لهم عذابا مهینا ... من آذی مؤمنا فقد آذانی ومن آذانی فقد آذی الله ومن آذی الله فهو ملعون فی التوریة والانجیل والزبور والفرقان فعلیه لعنة الله والملائکة والناس اجمعین

[illegible]

العقل ما عبد به الرحمن واکتسب به الجنان

[illegible]

[illegible] ارکان [illegible] ارشاد [illegible] شیخ جعفر [illegible] از کتاب صلوة در صفت نماز است میفرماید که نماز در میان واجبات و صفت مخصوص [illegible]

[illegible] صفت اول ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر صفت دوم ان الصلوة معراج المؤمن سیم الصلوة عمود الدین

[illegible] قبلت قبل ما سواها و ان ردت رد ما سواها پنجم اول ما یحاسب به الانسان او العبد الصلوة و اول ما ینظر فیه من عمل ابن آدم

[illegible] ششم آنکه [illegible] ختم الانبیاء [illegible] طاهرین [illegible] هنگام وصیت فرموده من استخف بالصلوة لا ینال شفاعتنا لیس منا [illegible] نماز [illegible]

[illegible] اول آنکه از چیزهائی [illegible] کفر و شرک [illegible] دوم آنکه [illegible] کفر فعلی است سیم آنکه [illegible] آداب و شرایط [illegible]

[illegible] چهارم آنکه [illegible] مثل مردمان زمان ما که [illegible] چهارم آنکه [illegible] اوقات [illegible] پنجم آنکه نماز [illegible]

[illegible] آن [illegible] سال السائل [illegible] در آخر توصیه سیم [illegible] استخف بالصلوة [illegible] هفتم از صفات [illegible]

[illegible] از قرائت [illegible] حضرت [illegible] چنانکه [illegible]

[illegible] اشاره [illegible] لان مات هذا و هکذا صلوته لیموتن علی غیر دینی [illegible] تارک الصلوة [illegible]

[illegible] کیفیت [illegible] هشتم از صفات نماز آنکه در نماز جمع شده است تمام عبادات [illegible]

[illegible] از جمله عقاید و مکارم اخلاق و واجبات قلبیه و بدنیه و مالیه و مستحبات و [illegible] به تفصیل [illegible]

[illegible] نسبت زمان [illegible] موافق استعداد [illegible] نهم آنکه هر نماز [illegible] بهتر از هزار حج [illegible] بهتر از [illegible]

[illegible] صدقه [illegible] دهم از صفات نماز [illegible] که [illegible] مؤمن [illegible]

[illegible] نماز [illegible] طیب [illegible]

[illegible] احکام تارک نماز [illegible] ارشاد لازم است [illegible] احکام تارک الصلوة [illegible]

[illegible] معصیت شریعت [illegible] از ترک اصل نماز [illegible]

[illegible] عالم [illegible] صوفیان و عارفان [illegible] بی دین [illegible] هرج و مرج [illegible]

[illegible] طهارت [illegible]

[illegible] شریعت و طریقت و حقیقت [illegible] اصلا [illegible] شریعت [illegible] طریقت [illegible]

[illegible] حقیقت [illegible] لیلة القدر [illegible] حقیقت [illegible]

[illegible] ابلیس [illegible]

[illegible] ابلیس [illegible] عالم [illegible]

[illegible] عوام الناس [illegible]

[illegible] آداب نماز [illegible]

[illegible] قاریان [illegible] قرائت نماز [illegible]

[illegible] قاریان [illegible] قرائت [illegible]

[illegible] مجالس [illegible] زنان [illegible]

[illegible] نماز [illegible] قرائت [illegible]

[illegible] و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضل عن سبیل الله [illegible] فبشرهم بعذاب الیم

[illegible]

[illegible]

بسم تعالی

لعنة اللّه و لعنة تمامی حمله قات عالم
باکسی باشد که این جدول و فوائد
که در اول و آخر کتاب است قطع کند چون
یادداشت قدیم ترک نباید نماید والا
خداوند دشمن عمر او باد و در دنیا هم قطع کند
که بر سبب محافظت کتاب و جلد است المعین

چنانکه از کتب علما بسیار شنیده
لعنة اللّه علیه

و دیگر

پشت کتاب را سزاوار است که خط خوب خوانا
از آیات و اخبار و احادیث ضروری در حق
ابرار اخیار و نوادر احکام بسیار لازم
در حق عمومی مومنان کارگر و آیینه آن
نمای نصایح مشفقانه از کلمات الهیه او صیا
پشت کتاب نوشته موافق اکثر کتاب اهله
هر لغویات و هرج و مرج اشعار و ابیات
بر اظهار حرمت حقه اهل
هر متکلم موافق
کلام او است

خیانت ... رز داران ... از عالم صورت المعین
که هر ... است ...

باید دانست که بموجب اخبار معتبر بسیار شخص مومن اثنی عشری
هر وقتی که از خدای تعالی بخواهد همه برادران است مواثق صلاح هر یکی
از بندگان اگر در دنیا صلاح باشد و الا در آخرت حضرت ...
برادران مومن را هر دو شرط اول اهمال ملاحظه قدر جلال اللّه ...
تا عشق بقضای او باشد ... هر قدر بزرگ و قادر باشد ...
و سزاوار جلال او میباشد شرط دوم اهمال الفراحین صاحب الطف ...
و صادق باید چه یقین داشته باشد ... نیستی ...
خواهی کرامی ... و خواطر جمعی لازم است که صدق ... لازم
که اسباب برادر ده ... صفات است که در حق تو ... ارحال لعات ...
... و لطف و کرم اللّه ... ارام ... باشد ... بسم اللّه ...
بسم اللّه الرحمن الرحیم ... مخفی و ... شرک است یا اینکه بلوازم و آداب ...
چنانکه لازمه قرائت و طمانینه نماز ... ملاحظه ندارم که بسیار بعضی ... کلام ان
تنهاهی الفحشا و المنکر ...
... و در صحت نماز ... تجوید ... با جمیع علوم ...
دانای این علم شریف است ... ابن عباس ... قرائت ...
بعضی عالم ... بعضی کلمات ...
تمیز حروف در قرائت نماز ... علم قرائت ...
و نصایح ... کلمات ...
... نماز ...
واللّه العالم ...

بسم تعالی

فایده ... و مطالعه کتاب ...
...

و قال امیر المؤمنین ...
هو ... و اللّه ...

ان الصلواة تنهی عن الفحشاء و المنکر

علم آن باشد که ...
عالم ... جهل ...

الصلواة قربان کل تقی و العاقبة للمتقین
الذین هم علی صلواتهم یحافظون اولئک هم الوارثون
الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون

...

در باب الصلوة قریب نفی والعاقبة للمتقین

بسم الله تعالی

مرد فاضل عاقل اگر در معنی آیهٔ شریفه و مطلب تأمل نماید از روی انصاف دامان بسوزاند ... که در تمامی عمر خود دست از دامن ... [illegible]

و علاوه بر مقتضای لازمه امانت و لازمه نماز با خضوع و خشوع و احکام نماز دست بر ندارد زیرا که فقرا ... این کس از صحبت سایر لوازم نماز ... [illegible]

... و اضح شاهد معلوم که ... شده که صاحبان این صفت و لایت و نماز با قرائت شکل و صورت سایر ... [illegible]

اسلام و ... اضایع و خراب نماید مگر ... النادر کالمعدوم چنانکه از این آیهٔ شریفه محقق میشود که قد افلح من تزکی و ذکر اسم ربه فصلی

بل تؤثرون الحیوة الدنیا و الآخرة خیر و ابقی ان هذا لفی الصحف الاولی صحف ابراهیم و موسی

... بقاء بلا فناء و غنا بلا فقر و عز بلا ذل و علم بلا جهل و در تزکیهٔ نفس اخلاق حسنه و صفات مرضیه مندرج است

معنی و مفاد ... تألیف کتاب که فلاح ... که در تمامی امور دنیا و آخرت حق ... تمامی الناس و صفات ... [illegible]

بعد نماز که ذاکر ... سبب نزول نماز عید ... است ... در حال نماز صحیح با شرایط ... نماز خیر ... طفلانه ... [illegible]

تأمل باید که بعد از ذکر ... و بعد از شناختن خالق ... حق نماز است که در عبادت خانهٔ دنیا تمامی انبیا و اوصیا و علما و ابرار و اخیار ... [illegible]

و عبادت و ... بر خود ... [illegible] ... چنانکه مخالفان و طاغیان ... [illegible]

... [illegible] ... طفلانه ... مکان سلطنة ... [illegible]

و این ... ذکر ... بتفصیل در صحف و کتب ... که شکان صحف حضرت ابراهیم و موسی ذکر شده ... [illegible]

عذر ... که عذر آورند چنانکه برای ... [illegible] ... نماز ... صحت ... [illegible]

... تألیف و تعلیم شده و علم قرائت میان فرقهٔ ... معراج خاتم الانبیاء ... [illegible]

... که در میان کتب علما طلاب ... علم ... صرف و نحو و ... [illegible]

... [illegible] ... صحت ... قرائت نماز ... [illegible] ... علم قرائت ... [illegible]

... عالم ... معنی ... [illegible] ... ایشان ... [illegible]

... ترغیب و تحریص علم قرائت ... قاریان کامل ... [illegible]

... تعلم و مذاکره نماز ... تضییع عرض و ناموس ... علاوه بر تخریب نکاح ... [illegible]

صیغ عقود و ایقاعات ... سبب خرابی نکاح و طلاق و غیره ... فساد ... حلال و حرام ... [illegible]

... [illegible] ... معاملات غش و حرام ... قحط و غلا و فساد ... [illegible]

... ترویج ... [illegible] ... قاصر مؤلف ... بواسطهٔ ترویج نماز ... [illegible]

... بواسطهٔ تغییر نماز ... صحیح ... ان الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر

معاصی ... [illegible] ... انواع مخالفت ... نماز ... [illegible]

بدل ... نماز ... استغفر الله ... فرقه ... علما ... [illegible]

... و امام ... که ... علما ... شرع ... مقصود ... نماز ... [illegible]

... سال ... تحصیل ... مذاکرهٔ نماز ... [illegible]

... احکام قرآن و نماز ... [illegible] ... در تمامی ملل ... [illegible]

... فرقه فرقه از دین ... [illegible]

قد افلح المؤمنون الذین هم فی صلوتهم خاشعون و الذین هم علی صلوتهم یحافظون

اولئک هم الوارثون الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون

در وجه سیمای صحیح نماز که از غلط صحبت اسم نمازگذار

بالمه موافق حدیث شریف ما من مولود الا و قد یولد علی فطرة الاسلام ثم ابواه یهودانه و ینصرانه و یمجسانه و حدیث نبوی دیگر
ملعون ملعون من ضیع عیاله و حدیث دیگر فرموده وای بر پدران اطفال آخر الزمان که من بیزارم از ایشان و ایشان نیز
بیزار از من که تربیه اولاد نمایند یا بر عکس نمایند بر عکس تربیه اطفال و شیره جهل و نادانی است و مخالفت دین و ایمان
و عدم توکل بخالق بواسطه اغراض باطله اطفال را که الواح دلش بمثابه لوح ساده و صاف و پاک خالی از سیاهی و فساد و فسق
هستند که بهر چیز و بهر کس مصاحبت کنند اثر تام و تمام خواهد کرد کالنقش فی الحجر و محو و تغییر آن محال عوض درس و مصاحبت
مفسدین و منافقان و تعلیم و تعلم عقاید و مسائل اصول دین و فروع دین و نقش محبت ابرار و اخیار و نقش و ثبوت آداب و بیدار
مومنان علمای خواص و ائمه اطهار و آداب دین محمدی و مواظبت و محبت ابرار و اخیار درس و تعلیم اشعار و اشعه کتب و السنه کفار و فجار
و محبت مدرس فساد و الواط اهل کارخانها و فساد و قمار و شراب با مهارت تامه السنه اقسام و الوان غربت اغیار درس خواهان الواط
جنان اطفال بی گناه و پاک را با محبت جنان الواط و جامر و کهنه کار و درس السنه کفار بر لوح دل نقش محکم گرفتن و خانه فتنه و فساد
با اسم مسلمانی بعد از آن توسط کجا و در جنان دل جای محبت و الفت اسلام و ایمان ذره محال ثبوت و استعداد شنیدن علم کوثر
یا سخت تر از سعل حق نفرت و کراهت با اسلام و ایمان خواهد جنانکه مشاهده است از ظاهر حسن الظاهر عنوان الباطن جنانکه
تربیه ایست که در اول بود الدین و جهت وقت آن از اول عوت لسنه اگر وقت اول تربیه عوت نمود محال خواهد شد
اولاً باید دانست نوع بشر و جمیع هر شرط لازم است اجرای کلام باشد چه بزرگ چه کوچک غنی و فقیر سیاه و سفید خوب و بد اولاً قائل و حکم سیاسی سلطانی
بترسند از تسلط و کشش لستن سیاسی و فرمانفرمای قهار خدا و هر دو باید جمیع باشد اول خوف خدا است دوم ثانی خوف سیاسی بعض
با آن با هر دو با اسم جون در این حرام و امر واجب و لازم خوب ارزوی جهاد و تامل و انسنی باید کودک در اول تربیه و الدین حق جنبان
و نور پاستانی و اینه جن امر خدای واجب الوجود و فرمان سلطانی که مخالفت هر یک محال و خوف و در مجازات تاکتنی و قطعه قطعه پاره نمودن
محال و جسم و بخشیدن و التفات کار و صاحب نعوذ بالله مثل قدرة خدای دانند اینکه مثل مار از انقدر وقت اول تربیه بی دقار
بی حساب کودکی را به آنجای اعتنا نگذارد و کلام حق را جای شنیدن نگذارد و وقت تربیه والدین از اول کشادی زبان لا اله الا الله
و بکلمه شریفه الله و محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین بعد جمیع پنج تن آل عبا بعد سایر امامان و اصول دین و خواهش محبت ایشان
و دشمنی اعادی جبت و طاغوت و لعن و دشمنان و ملکه انجه توانند نه اینکه تعلیم بلغو گفتار برمثال لغویات کهنه کاری خود والدین
و جهل لبس مفت و جنت سیه خود مایل بمکتب تعلیم و تعلم باشد بگذارند نه اینکه بزور و زلمه جانک بمکتب بگذارند که گریز یا و طالب لغویات
و جهت تمامه محال باشد و اگر ممکن باشد بمکتب زنانه تا ختم قرآن مکرر در سه مرتبه کلام الله را خوب حفظ یا قرائت و مخارج حروفات بهتر از زبان عادی
بفرمایند بلکه خود و القرآن هر قدر ابر درد ان باشد نتایج زیاد دارد بعد نزد عالم و معلم متقی و پرهیزکار تر باشد صحبت و خواص زیاد
و محبت زیادی و کارها و منافع خواهد داد اثرها دارد بخلاف اینکه مصاحبت معلم الواط و جامر ثمرها دارد که بمرگ و بمعدن پسر خود در مرده
و زنده کی بسیار طلب خواهد شد که والدین بخیال خرید و فروش و تجارت کفار مدرس السان داشتنانی و منافع کثیره و تجارت دولت
مدرس روم و روس و فرانسه نهاده بوده نتیجه برعکس خواهند دید که با کمال جهل و نادانی عاقبت بینی و خبر اندیشی از قصور که بعد تنبیه
والی حل اولاد را اگر تربیه و وقت تربیه نباشد تا وقت رسیدن و خوف خدا و ترس سیاسی بگذارد لاابالی و بکام غرور جوانی سرگردان
در آخر بگذارند ترباکی و صاحب قلیان و چه بوق اسباب غرور ثمرات و نتایج زیاد در پیش حاضر است که جنت خواهند شد اور شیره کش خانها
خلاصه و مه باب ظهارنی و بی نمازی و جان سپاری برای آنکه هر مهرها در معاش و دولت مند او و تاجر شدن او عاقبت
جنانکه از علما تربیه شده در ایام طفولیت قرایت بهره بنا موضعه و خرابی ستون حق و دیگران را هزار مقابل این ترباکی و شیره کشها خرابی دین
و ایمان حق و مردمان حاصل که نامردان اقرار و درک قباحت حق کرده کف کرد و وقت رسیدن خانه قبر ملائکه با گرزهای گران
بفرمایند و مقلدین عوام از کرپاسش محکم هرازند و بمسالمه عدل الله کشته و کوهنه که با تسبیح نماز خود را صحیح و صرف نکردند و گفته بیا و حق
بچه عبارت و بچه علم شیطانی بر ایستنماز با و نماز ما را نمازی که نماز خود را ضایع کردی
آیا ما بردیم از علم عدل الله این بار گران را به دل قدرة برشی

ددک

سبب تالیف این مؤلف و حکمت تالیف آن

و بدان که اعلام ادنی جمیع فرق اسلام و ایمان نماز ... سلسله ... طاعات و عبادات ... کلم آیات و اخبار

ان قبلت قبل ما سواها و ان ردت رد ما سواها والصلواة عمود الدین والصلواة تنهی عن الفحشاء والمنکر والصلواة فریضة

علی کل مؤمن و مؤمنة و در باب تالیف نماز ... از محکمات صریح بلکه تمام قرآن در باب نماز ... نماز واجب

هم چنین در تمامی اصل ... صلبیه ... در ... مستحبات ... محرمات ... سلسله ... که ...

در نماز که ... آنچه اول لازم است محرمات و مکروهات ... که ... قدر ... صحبت ... و مکروهات ... را ...

به تدریج کم کم انسان را ... محرمات ... جامعی از فقها ... حرام ... حرام است بلکه مقدس ... بالعدید

و اول مکروهات را بر نفوس ... حرام شمارند مستحبات را واجب ... زیرا که مکروه ... محرمات مستحبات

عمل بواجبات و اصلاً بواجب و محرمات اشتغال صحبت ... خیال ... که ... تا آخر ...

اسلام شمارند ... حضرت روح الله عیسی بن مریم که ... ایها الناس الحجاب ... از محرمات

منع که ... از خیال محرمات ... زیرا که محرمات را ... ول ... و اول ... دل ...

نکته اما ... صاحبان زهد و تقوی ... عادت ... که ... جمیع ... اهل محبت

و ولایت که مدعی دوستی آل محمد باشند سزاوار این احتیاط است یعنی اقتدا شیعیان و دوستان آل محمد ... احتیاط

سزاوار است ... قوم حضرت عیسی نصاری باشند که تمام مقصود ... احتیاج ... حیثیت ...

نه بلکه ... رحمت ... ضعف ... سعی ... بی اسباب ... غلط ... مکلف اند ... حساب

باشم اعتنا و عمل بواجبات نماز ... اساس ... دین ... احتیاط ... شیعه ... آل محمد ... نماز

که افضل و الزم و اعظم و اکرم اسباب تقرب ... آل محمد ... آل محمد ... یعنی ... صحت قرائت

نیز ... مهمل و معیوب و ... نماز ... باطل ... که ... نصاری ...

این چه انصاف مروت و اسلام و ایمانست با اهلبیت دین محمد ... مذهب جعفر را سزاوار است که ... احتیاط ...

طریقهٔ علم قرائت در این کتاب موافق آیات قرآنی و اخبار حضرات اثنی عشر ... در این کتاب ... که تمامی لوازم این نماز

در اینجا مهیا و حاضر ... محتاج کتاب دیگر نباشند مگر مسائل رسالهٔ مجتهد حی اعلم هر زمان ... ملاحظه نمودن که موافق باشد

و الحاصل طریق احتیاط نماز که ... سلسلهٔ اعمال است ... احتیاط ... موافق دین محمدی ... تمامی واجبات ... محرمات

جامع ... صاحب ... از تمامی عقبات ... موفق ... و فراغت ... خلاصی خواهد ... ان شاء الله تعالی

اگر چه در سایر اعمال مؤمن عیب و نقصان و انواع خطا ... باشد ... سلسله ... کتابت ...

تمامی اعمال ... که ... قصور و عیب ... و بطلان در نماز ... سلسله ... چنانکه در ... امامت ... عیب ...

در سایر اعمال ... ولایت ... و وجود ولایت ... نماز ... ولایت ... معرفت

... نماز احتیاطی که خالی از خلل ... باشد

... اعتنا خواهد ... که مردم ... عالم ... دارد ... دارد ... که ... را ...

... مصاحبت ... و معاشرت ... الضالین ... طول ... ثابت است

در هر کس عدل لازم است ... ضلالت ... نماز ... عالم ... مسلم ...

... که ... اطاعت ... نماز ... حجت و فساد

... لباس ... اشارت ...

... نماز ... تا که نماز ... نماز

هر چیز بانه ازو وجوب خود تاکید الیه لازم است

ماحصل مقال اینکه برداشته شدن نماز غلط است اگرچه ممکن نباشد تا ظهور حجة الله مع ذلک تمامی صحبت و موعظه مسئله گو

در مجالس و مساجد از تکرار نماز و قرائت نماز و صحت نماز حضار رسد خواه موافق علم قرائت در رتبه قاریان میباشد چنانکه با

بر کرسی عبث نشانیده نماز را مگر بلکه کردن صحبت نماز با قرائت و تسنیح قاریان بکلمات رد آمده و نماز را

که قاریان زبان و بی ادب ابرار کج درست نمایند با این کلمه نماز را ج قلب و امثال این قاریان و علم قرائت و غیر از

نماز صحت اچنان از صفحه دل زمین برداشته شود نماز حتی خود پسند به عبث باشد که نماز حضار رسد خواه عوض بدل

اینکه مولف بی بضاعت در هر ورق و صفحات کتاب تاکید بر تاکید را فراهم هزار مقابل ضعیف تکرار این باب تاکیده

چنانکه بواسطه تکرار در عزاداری ذکر به و ترویج صحبت شریف هر یکی ادا اکمل کار اسلام و اهل ایمان را باین درجه رسانیده

که مسلمانان را عقیده آنست که کار راه آسان و طریقه طی الارض بهشت و سلیله صرف عزاداریست و ... ادب

منحصر در عزاداریست راه دیگری در راه و رسم دیگر بهشت و حور و قصور نداریم و نباشد الا بعزاداری تمامی آداب ایمان حاصل

و این عقیده باطل بتکرار روضه خوانان شد اول از حرف روضه خوانان موجود شد نماز عبث که از رشته بعد استعمال

مجلا هر خانه بجز اولاد و اهل و عیال دارد واجب و لازم تکلیف ملکی است که پنج جلد این کتاب شریف برای هر یکی بکلمه اعلا

لازم است که مثل کلام الله همیشه از اول تا آخر هر ماه ختم نمایند که ملکه در ذهن و قلب حاصل باشد نه مثل کتب دلم ... کردن

دلمه بودن از مطالب و فصول و ابواب در رسوم تالیف دلپسند بودن و ناپسند بودن عقیده و سلیقه مخالف مولف سلیقه

و عقیده نا ملایم و خواندن و عدم خط ناخوان بودن کتاب و صاحب کتاب که چنانکه اگر ... این قدر پسند نباشد کتاب ملعبه

مثل تماشا و دیدن شنیده که مثل منابر مساجد الکفا کردن پسندیدن طاقچه نهادن و زینت طاقچه نمودن که سلیقه اهل ... عبدالله

هم چنین از میان عامه عیاحریت ولایت و استحقاق ولایت و خلافت ... برداشته مگر با عدم تکرار غدیر خم و کم اگر کردن

و تکرار و شهرت دادن ... مفاخر جعلی اختراعی اعرابیان منافق و کتابها در روایات اختراعی اعرابیان که ذکر

تضییع او ... از جمله چنان بنیا طلاق داده بعضه که در وقت شستن پیراهن منحصر کهنه اول ... عوض ... از آن

حمد ... وقت نماز از اول وقت بتاخیر نیفته و وقت فضیلت باشد حصیر پاره کهنه عوض پیراهن در حاشیه که متعارف است

اعراب ... پیراهن ملعبه بوشیده ... باین مقام آورده که حصیر منحصر پاره پاره عوض آن پیراهن بر خود ساز مینمودند

و در طبخ گوشت شتر ... و سعی میکرده که لاغر باشد زیرا که گوشت شتر فربه چربی دارد باشد خواهش نفس بعمل آید و در وقت

شام و نهار مع الله ... گوشت شتر لاغر ... که در پیش مینهاد ... از ترس نفس اما با آنکه وقت تغیر و بخادم می نمود

که چرا روغن آب گوشت ... پاک برداشته چو مجه و قاشق بیاورم خود روی چربی ... انگشت ... بردارم ... از این قبیل

مزخرفات را بسیار نوشته که تا حال بسیار ذکر و تکرار نمایند و این گونه ... بر ایشان بسته اند در وقت که کردها نمانده

و اهواء سر و میل شده که سزاوار تماشا است که در ایام بیکار در اقامه بلاد ایشان برای تقیه و برای عبرت میرفتم که نظر عبرت براین

لازم است مومن باید از تمامی خوب و بد روزگار برای عبرت بچشم و دل کتاب عبرت بخواند ابرار و جبار و دنیا معبد و متروح ... عبرة و اعتبار

نه تماشا گاه غفلت و معصیت منجر اولیا و کلبات و اهلیاء و اولیا و گلستان خدا در کل ... جدا چنانکه وجود کسب و تصرف در اسباب

و صاحبان قصور و حور و باغ و بستان و انواع نعم دار فرار بودن بواسطه همین هر روزه و دنیا میباشند از اینجا باید ببرد و بسازد حوض کوثر

و کوثرها و چشمه سلسبیل و آب حیوة جنات تجری من تحتها الانهار از زر قصور عالیه و تماشا به اهل ... اگر میخواهی بچشم ایمان یقین

مشاهده فرمایند که کاهی با خاک فراغت و ... و اضح تر از چشم ظاهری ببین در عالم انصاف و دست ... صفات و کتابچه نماز با قرائت

و باصفا نوشته شود و کتابچه ولایت و امامت و محبت حفظ مطالعه نماید و اگر کتابچه نماز ... بهر درجه قاری باشد احتیاط باشد ولایت و محبت ... تا آنکه

سالم و بی غش خواهد بود و بهر درجه نمازت معیوب و قلب نماز را احتیاج ... لا ... ستم

با ترجمه حضرات ... فضیلت ... والسلام

خواهد بود والسلام ...

در بیان بعضی امور که حقتعالی مؤاخذه نمی‌فرماید

شود و هم باید در جمله نمازش باطل صحیح است ... است که ترد و ... بطلان صحت ... نمی‌توانم بعد که ... استلزام

ف و نزاع [illegible] در بیان بعضی امور است که حقتعالی بر آنها معاقب و مواخذه نمی‌فرماید بسند صحیح

معتبر از طرق عامه و خاصه از رسول خدا منقول است که خدای تعالی بر داشته است از امت مرحومه نه چیز اول خطا یعنی خطا و

غفلت از او صادر شود مثل آنکه اراده کند که تیری بجانب آهوئی بیندازد بر آدمی رسید ... یا مجروح شود و خطای که

معتق در مسئله یا حکم شرعی بکند و بذل جهد خود را در آن کرده باشد و تقصیر ... یا طبیب از معالجه بیمار خطا بکند

و تقصیر در آن نکرده باشد این جمله ... بر فاعل اینها ... اما مواخذه ... و بعضی ... اول ... مثال

بر عاقله و همچنین اگر در خواب کسی را بکشد ... لازم ... بر عاقله است ... حالم ...

بنا بر مشهور و در ... بعضی گفته‌اند مطلقا ضامن است ... و بعضی گفته‌اند که اگر ... معالجه ...

دوم آنکه بکنند ... ساقط ... فراموشی یعنی عقابی ... رکنی ... فراموشی ...

ترک واجبی بکند هرچند ترک رکنی باید در نماز ... فراموشی اعاده نماز ... و در ترک بعض ... یا فعل

افعال سجده سهو لازم ... سیم آنچه ندانند جاهل مطلقا معذور باشد و آیات و احادیث بسیار دلالت ...

موارد این استدلال ... کرد جاهل بمسئله باشد یا جاهل ... حکم اما اکثر علما ... جاهل

... مثل نماز ... جاهل ... یا ... در موضع ... اعاده نماز ... یا خارج وقت ...

واجب ... جاهل ... نماز ... جاهل ... وجوب ... در موضع

ترک کند و نکاح عده چنانکه سابقا مذکور شد و امثال اینها که در موضع ... و اگر ... در موضع ...

عدم مواخذه ... عقاب ... تقصیر ... ظاهرش عدم ... در جمیع احکام ... دلالت ...

چهارم ... طاقت ... که در امم سابقه ... حق تعالی ...

از این امت برداشت ... خوف ... باشد ... اگر ... جاهل ...

هیچ ... فمن اضطر غیر باغ ولا عاد فلا اثم علیه یعنی ...

مضطر شود ... مذکور ... مجبور کنند در احکام تقیه مذکور شد ... بلکه ...

... نفس ... متاثر ... طیره ...

... رخصت ... بیان ...

... بیان ... مغفرت ... طیره ...

و حسد ... اول ... مواخذه و عقاب ... اگر ...

... نفس ... متاثر ... کفاره ...

و حدیث وارد ... کفاره ...

... عدم ...

... مراد ... منع ... عدم جواز ... چنانکه صاحب نهایه و اکثر علما

[illegible]

اشارات بفهرست کتاب جلد ۱

در بیان اسلوب و طریقه خطاب کتاب مقدمات [illegible] الصلوة و معنی الطاعات [illegible] العبادات و سبب تالیف و توجیه [illegible] فضایل آل محمد [illegible]

[illegible] مصاحبت [illegible] تاثیر [illegible] بعض [illegible]

[illegible] فضایل آل محمد [illegible] فصل [illegible] فضایل آل محمد [illegible]

[illegible] ۳۵ فصل چهارم [illegible] علما [illegible] ۴۲ [illegible]

[illegible] علما [illegible] فصل پنجم [illegible]

[illegible] فصل ششم [illegible] ۶۲ [illegible]

[illegible] آل محمد [illegible] کلام بعض علما [illegible]

[illegible] فصل [illegible] صلوات [illegible] آل محمد [illegible] صلوات [illegible]

[illegible] فصل هفتم [illegible] صلوات [illegible]

[illegible] فصل [illegible] صلوات [illegible] فصل اول [illegible]

[illegible] فصل سیم [illegible] ایمان [illegible]

[illegible] علما [illegible]

[illegible] اسلام [illegible]

[illegible] عالم [illegible] آل محمد فصل ششم [illegible] ۹۴ [illegible]

[illegible] ۹۸ [illegible]

[illegible] علمای آل محمد [illegible]

[illegible] ۱۰۱ [illegible]

[illegible] ۱۱۰ [illegible] ۱۱۴ [illegible] عالمان [illegible]

[illegible] علما [illegible] ۱۲۲ [illegible] فصل [illegible]

[illegible] ۱۲۶ [illegible] ۱۲۸ [illegible]

[illegible] ۱۳۰ [illegible] فضیلت [illegible]

[illegible] علما [illegible] عالم [illegible]

کلام [illegible] عالم [illegible]

[illegible] عالم [illegible] عالم [illegible]

[illegible] عالم [illegible]

بعض از علما [illegible] فصل [illegible] عالمان [illegible]

علم قرائت

فهرست کتاب شریف

فهرست کتاب

فهرست کتاب

تمت الکتاب بعون الملک المنان